

انتشارات دانشگاه تهران
۱۵۳۷









تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه کبیر

تألیف

تاریخ

شاهنشاهی اعلیحضرت

رضاشاه کبیر

انتشارات دانشگاه تهران

شمارهٔ ۱۵۳۷

شمارهٔ مسلسل ۱۸۷۱

چاپ دوم

تهران ۲۵۳۵ شاهنشاهی

تاریخ
شاهنشاهی اعلیحضرت
رضاشاه کبیر

تألیف

عبدالله (امیر طهماسب)

ناشر

مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

چاپ و صحافی این کتاب در مرداد ماه ۲۰۳۰ شاهنشاهی
در چاپخانهٔ مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران به‌پایان رسید

بها 130



اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه وسلطانه

فهرست مندرجات

صفحه

صفحه

بتاریخ ١٩ اردیبهشت ١٣٠٥

مطبعهٔ مجلس ١٣٠٠



السلطان المؤید اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی

تاریخ
شاهنشاهی اعلیحضرت
رضا شاه پهلوی

یا

علل و نتیجهٔ نهضت عمومي ملّي آبان ماه ۱۳۰۴

بافتخار دقایق سعادت بار نهضت

مؤلف

عبد الله (امیر طهماسب)

مطبعهٔ مجلس

تمهید یا مقدمه

دنیا که مخزن اسرار تاریخی است و سرائر خفیّه در پشت اوراق لایتناهی روز و شب مکنون است یگانه وسیله ایست که می تواند بشر را مستفید نماید!

انسان بدون تحصیل تجربه ممکن نیست بتواند در نشئهٔ زندگانی چند صباحی پایدار بماند!

انسان فقط با تجربه قادر است که ساعات عمر خود را باموفقیّت در مرام زندگانی پیش برده و از نعمت حیات برخوردار گردد - این نکته تنها از دست تاریخ ساخته است که انسان را در زوایای گذارشات اقوام و ملل سیر داده و با تجربه نواقص خود را تکمیل و در روی یك پروگرام متناسب با اوضاع محیط بتواند خود را از رجال تاریخی و ودایع طبیعت معرفی نماید:

تاریخ آئینهٔ جهان نما و معرف اخلاق و روحیّات اولاد بشر است و برای برگزیدگان ادوار بشریت (رجال نامی) لوحهٔ سرمشق و امتحانی است که از تفتیش حالات گذشتگان و مداقهٔ علل ترقی و انحطاط آنها نقایص خود را تکمیل و برای آیندگان دستور تکامل گردد

یکی از علل غیر قابل تردید انحطاط و تنزّل ایران این بوده که در ظرف یکصد و پنجاه سال که در بازار سیاسی و اجتماعی و اخلاقی ملل حیهٔ دنیا این مدت بسی گران بها بشمار میرود ایراني دارای تاریخ نبوده بلکه معنی تاریخ را نیز فراموش کرده است!!

گفته اند کسی را که گذشته نیست آینده نیز نیست - ملتی که از حالات ماضیهٔ خود بی خبر است نه تنها در زمان حال بی تکلیف و درآینده دارای آثار عظمت و مجد نخواهد شد بلکه لوحهٔ مشق دیگران خواهد بود که هر کس عقاید و افکار خود را در موجودیت یك چنین ملتی بمقام امتحان


غرض نقشیست کز ما باز ماند   که هستی را نمی بینم بقائی
عبدالله = امیر طهماسب ۱۳۰۵

گذاشته و برای خود تحصیل تجربه نمایند ؟

از تمام خصوصیات گذشته اگر ایرانی درظرف این چند سال اخیر که از عمر مشروطیت آن می گذرد تاریخ صحیحی داشت می توانست ساعات عمر سیاسی خود را موازنه و از گذشته برای آینده درس عبرت گرفته و تجربه آموزد ـ ولی متاسفانه درنتیجهٔ همان زندگانی یکصد و پنجاه سالهٔ دور از علم و ادب بود که ولو برای یك مدت محدود نیز دارای تاریخ نبوده و بعبارتا خری زندگانی ایرانی در تحت پروگرام و دستور ثابتی نبود وملك وملت تسلیم قضا وقدر بود ! ـ برای آنکه ملتی که در تحت قضا وقدر عمر خود را بگذراند گذشتهٔ نخواهد داشت تا از آن رو آیندهٔ داشته باشد !

با این مقدمهٔ غیر قابل تشکیك برای اینکه عزم و اراده و آثار وجودی و رشحات عقلی و اخلاقی (شاهنشاه ایران اعلیحضرت رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه) سر مشق تکامل اعقاب آینده و نسل های متعاقبه گردد و معلوم شود که این نابغهٔ عصر چگونه با فقدان تمام وسائل در های سعادت را بروی ملت خود گشوده و با حربهٔ سعی و عمل واصلاح حال ملت و دفع احتیاجات مملکت و خلوص و صمیمیّت چه مقام مقدسی را درقلوب عامه احراز وچگونه از روی استحقاق باتمایل عمومی دراورنك شاهنشاهی ایران جلوس کرده شکر میکنم خداوندقادر و توانا را که باین بندهٔ ضعیف عنایت فرمود که بتوانم بخاطر این نهضت مقدس قلم دست گرفته و گذارشات مهمهٔ ایام بی نظیر اواسط مهرماه تا اواخر آذرماه ۱۳۰٤ را تألیف و برای آیندگان درس عبرتی داده باشم تا باین نکته اعتراف نمایند که زندگانی فرع تجربه و تجربه فرع تاریخ است .

تاریخ نویسی فرع وجدان و قضاوت منصفانه ایستکه خود را از تمام علایق و روابط خلع و منتزع نموده و حوادث ایام را در تحت نظر عبرت

گرفته بدون تعصّت و حبّ و بغض حقایق را تحصیل و پس از ضبط بمخزن اسرار روزگار امانت بسپارد :

در این فن از تمام قسمت های مهم مهمتر آنکه تاریخ نویس بتواند بعلل روحی و اجتماعی حوادث پی برده و مستندات آن را نیز تحقیق وثبت نماید تا بتواند محسوسات خود را برای آیندگان از قسمت افسانه تجزیه و بعنوان باعظمت تاریخ هدیهٔ اولاد بشر نماید

باید تصدیق کرد علاوه از اینکه ایرانی در مدت یك قرن و نیم تاریخ نداشت از علل و موجبات حوادث جاریه نیز بی خبر بود و همه را از قضا و قدر میدانست ـ درقبول این همه مصائب مثل این بود که خود را محکوم تحمّل دانسته و برای مطالعهٔ حقیقت احوال خود مستغنی از دلیـل و برهان و منطق و فلسفه بود روی هم رفته ایران در اعماق مستوری اسرار گذرانیده درحالتیکه دراین مدت متمادی همیشه درمعرض هجوم حوادث گوناگون بود!

چه حوادث خطرناکی ! ؟ که هر یك برای ملل خود نقطهٔ امتحان و تجربهٔ کامل العیاری محسوب گردیده است !

و بالجمله یگانه مقصد نویسنده منحصر باصلاح حال آیندگان نبوده بلکه از آن مهمتر این است که بروح دور از محیط زندگاني تاریخی ایرانیان و نسل معاصر تکان سختي داده و افکار را باین نکته متوجه و وا دار کنم که بگذارشات ایام با نظر لا قیدی ننگریسته و حوادث جاریه را اول برای خود و دوم برای آیندگان ثبت نمایند و بدانند که زندگانی سعادت مند شخصی و نوعی هر ملتی فقط و فقط بسته بتاریخ است

شکر و سپاس مر پروردگار قادر را سزاست در این ساعتیکه مخیّلهٔ من مشغول ایجاد یك چنین روح باعظمتی در کالبد فرزندان ایران است مصادف با دقایق با فر و شکوه نهضت ملی ایران گردیده ام

یك چنین پیش آمدی بسی پرقیمت وازحیث اهمیت غیرقابل انکار است چه آنکه میروم در این تاریخ اسرار خفیهٔ بر چیده شدن یك

سلسلهٔ صدو پنجاه ساله را (که از دست طبیعت کشیدهٔ ادب خوردند) ضبط و این حقیقت را اثبات کنم که (من لا یؤدّ به الابوان یؤدّ به‌الزمان) وموجبات تاسیس اساس دیگری را که فقط در رأس آن عزم و اراده و لیاقت و سعی و عمل مؤسس آن در کار است برسم یادگار تسجیل نمایم تا این سرّ مشهود گردد که ملت ایران پس از یك قرن و نیم حسرت و ندامت و مرك دوباره زندگی را ازسر گرفته و برای یك مرتبهٔ دیگر در عرصهٔ روزگار موجودیت خود را با تمام معنی اثبات و تامین مینماید

طفلان پدر کشته دیدیم جوان گشتند

روی پدران شستند با خون بد اندیشان

(عبدالله امیرطهماسب)

تاریخ شاهنشاهی
اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

یا

(علل و نتیجه نهضت عمومي ملي آبان ماه ۱۳۰٤)

نهضت اخیر ایران که از هر جهة فوق العاده جالب توجه و از نقطه نظر اهمیت سیاسی واجتماعی انظار دنیا را خیره وافکار را بطرف خود معطوف داشت بقدری شایان تقدیر است که می توان گفت تا کنون نظیر و مانندی نداشته و در درجهٔ اول امور مهمهٔ دنیاي بشر بشمار میرود!

یك چنین واقعهٔ بی نظیر که فقط در روی اصول اخلاقی شروع و خاتمه یافت فقط از مختصات شؤن اخلاقي و اجتماعی این ملت کهن سال بود که با فکر و تدبیر مسئله را حل و برای خود یکدورهٔ زندکانی تازه را از سر گرفت!

کسانیکه با نظر ساده باین نهضت نگاه میکنند ممکن است اینطور بنظر شان جلوه کند که این تغییر و تبدیل هولناك و زوال و سقوط یك سلسلهٔ صدو پنجاه ساله و تأسیس یك سلسلهٔ دیکر نتیجهٔ حادثهٔ سیاسی است : ؟

یك چنین تو هم کاملا خطاست و پس از مطالعه و امعان نظر در حالات روحی و اخلاقی ملت ایران و مداقهٔ علل موجده و مثبتهٔ آن معلوم میکردد که این تحوّل نتیجهٔ حرکت عقلی و اخلاقی و ثمرهٔ رشد سیاسي و بلوغ اجتماعی آنست :

این حرکت آنی و سریع که یك مرتبه درتمام نقاط ایران مانندقوهٔ برق تأثیر وعموم ملت را به نهضت وادار نمود بطوریکه از زوایای سرحد

ونقاط دور دست یك موج پرشور ووحشتی سر کشید و مرکزرا فرا گرفت ودستگاه سلطنت قاجاریه‌را ازبیخ وبن کند و از ایران بیرون برد نه‌از اثرات افکار سیاسی بلکه در روی مقدمات تاریخی واجتماعی بود وملت را همیشه در معنی باین عمل تحریك می نمود!

نهایت جریانات سیاسی داخلی وموقع و وقت مانع ازظهور آثار محیرالعقول آن بود:

برای روشن کردن حقایق روحی وعلل اخلاقي این نهضت وبرای پي بردن بسرائر حفیّه و نکات سیاسی این قیام لازم است یك سیر اجمالي و قهقرائی نموده و از بدوظهور نشئهٔ سلطنت قاجار وقایع جاریه را از نظر بگذرانیم!

دیر زماني از دورهٔ باشکوه وعظمت نادرشاه افشار نگذشته بود در این دوره ایران کسب شوکت و افتخار بی مانند و نظیری نمود که دنیا را بطرف خود متوجه و تمام دول در برابر قدرت وعظمت ایران زانو زدند

میدانیم که اول قاجاریه بآخر زندیه متصل - و در نظر داریم که مؤسس این سلسله هم خودرا وکیل الرعایا می نامید ازخود این اسم معلوم است که این مملکت عریض و بسیط در بحبوحهٔ فرّ وقدرت وعدالت گذرانیده ویك عاطفهٔ مخصوص دربین ملت و دولت جریان داشته که این معنی با تمام خصوصیات دروجود نادرشاه افشار و کریم خان زند تجسم پیدا کرده بود

زمانه یکمرتبه تغییر کرد! این عاطفه و این عدالت مبدل بیك قهاریت وسلاّخی فجیع مؤسس سلسلهٔ قاجاریه گردید!

مؤسس سلسلهٔ قاچاریه بداخلاقی و فجایع ننگین و شرم آور خود را بطوری بالا برد که نعش کریم خان را نیز در زیر قدم های خود دفن کرد!.

قبر کریمخان

در قسمت غربی حیاط گلستان حیاط کوچکی است مشهور به (جلو خان کریمخانی) که درجلوش نردهٔ چوبی کشیده شده و راه روی دارد که وارد حیاط گلستان وتخت مرمر میشود — مؤسس قاجار (آغامحمدخان) کریمخان را در همین راه رو دفن کرد که هر روز خود و در باریان در هنگام تردد پاي خود را بروی قبر یا سینهٔ وکیل الرعایا گذاشته و با قبر وی کینه ورزی نمایند!

از آن تاریخ تا کنون که ما مشغول تحریر این تاریخ هستیم استخوانهای کریمخان در همین جا مدفون و روح باعظمتش در بالای کنگرهٔ این عمارت دهشت بار پرواز و مضطربانه بالهای خودرا بدرو دیوار این عمارت یامخزن فجایع میزند وطبیعت را بمظلومیّت خود گواه می طلبد وازروح حقیقت وعدالت استمداد واسترحام می نماید و شب وروزدرانتظار و چشم براه است که کی دست آزاده مردی باقوهٔ منتقم حقیقی ازظالمینش انتقام کشیده واین روح را راحت واستخوان هارا از زیر قدم های ذلت بار نجات بخشد؟

صد و پنجاه سال است که این روح در حال زحمت گذرانیده و شب و روز با حسرت گلاویز و بانتظار ظهور یك راد مرد ایران دوست حق شناس غیوری است که این جسد را از زیر خاك مذلت در آورده ولو برای یك دقیقه از خدمات این جسد تاریخی قدر داني نموده نه‌تنها بحکم دین و آئین بلکه بحکم بشریت استخوان های مرده را محترم بشمارد

این روح در این مدت متمادی با ناله و سوگواری بسر برده و به مسبّبین این جنایت نفرین میفرستد واز آینده و رونده استرحام میکند که پای خود را آهسته بسر و سینهٔ او گذاشته اگر در مرکز سلطنت اسلام معتقد باصول دستور احترامات اموات وقبور نیستندلااقل بنام شفقت بشر باین قبریکه در زیر بار مذلت میگذراند ترحم نمایند

این روح بایرانیان هر صبح و شام با حال ندبه و زاری میگوید

من که جز از عدالت جرمی نداشتم ؟ ـ و بغیر از عظمت اسلام و ایران مرتکب تقصیری نشده ام ؟ این اعمال جرم است ؟

(خَفِّفِ الوَطْاءَ ما اَظُنُّ اَدیمَ الاَ) (رْضِ الاّ مِنْ هذهِ الاَجسادِ)

(وَ دَفینٌ علي بقایا دَفینٍ) (فی طویلِ الاَزْمانِ وَالآباد)

(سِرْاِن استطعت فی الهواءِ رویداً) (لا اختیالاً علی رفات العبادِ)(۱)*

بدیهی است هر دستگاهی که با قهر و غلبه گذاشته شد بری نمی باید که عکس العمل پیدا کرده شالوده را نیز پرتاب میکند.

قابلیت قانون و حکومت یك شرط اساسی است در قوانین واساس سلطنت ها و مقدم تر از قابلیت قبول آن است

گرفتن بادادن فرق دارد ـ سلطنت در قهّاریت و بسط اراضی نیست بلکه در حسن ادارهٔ اوست

هر حاکمیتی که بیك جامعه تحمیل شد اگر متناسب با حالات روحی و عقلی واخلاقی آن نباشد حتماً از بین میرود و آثار خودرا نیز باخود می برد و بجز از لعنت و نفرین چیزی بیادگار نمیگذارد!

مجلس مؤسسان مغان کجا؟ عملیات فجیع آغا محمّد خان قاجار کجا؟ اسکندر یونانی که با آن رفتار فجیع و سیاست ننگین بایران تاخت وسیصدسال تقریبا ملت ایران را در تحت فشار تاسیسات خود دچار اختناق نمود ـ اشکانیان رفتند و نفرت ایرانیان را با خود بردند!.

اعراب با یك طرز قاهرانه بایران هجوم کردند و حق حاکمّیت سیاسی ملت ایران را غصب نمودند وملت ایران این حق را باعراب ندادولی آنها خواستند با قهر و غلبه بگیرند این تحمیل و این حاکمّیت غیر مطاع با قیام (ابراهیم ـ ابو مسلم خراسانی) خاتمه یافت در بین این جزر و مدّ ایرانیان آیین پاك اسلام را پذیرفتند وحاکمّیت اعراب را رد کردند برای

(۱) * پای خود را بروی زمین آهسته بگذار برای آنکه قشر خارجی زمین تشکیل یافته از اجساد مردگان ـ جسد روی جسد خوابیده و دفن شده در طول این مدت متمادی ـ اگر میتوانی کمی درهوا راه برو واینقدر باستخوان های بندگان خدا تکبر وتوهین روا مدار (ترجمه معنوی)

اینکه دریکی قابلیت قبول نبود و دیگری یعني آئین عین قابلیت قانون بود.
چنگیز بهمین منوال آمد و رفت ! ـ ایران در هر دوره و عصری مورد
حمله و هجوم و تاخت و تاز اجانب گردید ! ـ افغان در اصفهان ـ روس
در آذربایجان و گیلان ـ ترك در آذربایجان یکی بعد از دیگری میخواستند حق
حاکمیت سیاسی ملت ایران را در دست بگیرند ولي دیری نمی پائید که
عکس العمل آن‌ها را پرتاب میکرد

گهی که شد اصفهان به جیش افغان دچار — لشگر پطرکبیر یافت به گیلان قرار
خطهٔ تبریز شد زجیش ترکیه خوار — جنبش‌ملی کشید یکسره زایشان دما
(ماند به ایرانیان ایران بی باز وخواست)

بالجمله روزگار قاجاریه در رسید و خود را در ردیف همین دستجات
قاهره و غاصبه با زور و قهاریت بملت اخلاقی ایران تحمیل نمودند!.

(شب آبستن است تا چه زاید سحر ؟)

از این تاریخ همیشه یکنوع مقاومت های معنوی در طرفه زمان
های متمادي از طرف ملت ایران در قبول این حاکمیت در کار بود و در برابر
آن قهاریت بی نظیر سران این سلسله یکنوع نگرانی های منجر بتعرض وتدافع
ولي آلوده بانزجار و تنفر در گذارشات مؤثر قطعی بود!ـ
درموار دیکه ملت نمیتوانست از نقطهٔ نظرجامعه وجماعت وسیاست براین دسته قیام
کند ناچار درپس پردهٔ دیانت سنگر بندی مینمود وشدید ترین اقسام تدافع
وتعرض را باتصمیمات سلاطین قاجاریه بمعرض نمایشگه تاریخی دنیا میگذاشتند!.

(پسیکولوژی [روحیّات] ایرانی درمقابل حاکمیت هاي غیرقابل تحمّل)

ملّت ایران متعصّب و وطن پرست و باناموس و در ردیف ملل
دینی بشمار میرود و همیشه احکام سیاسی و اجتماعی را از نقطهٔ نظر آئین
و مذهب و عرف وعادت تحلیل برده و پیرو حکومتي بوده اند که تصمیمات
آن با عقاید توده اصطکاکی نداشته باشد ؛ از طرف دیگر تاریخ جهان
گشائی سلاطین با عظمت ایران و کتیبه های سنگی و آثار و ابنیهٔ که

از دیر زمانی پا بر جا و برای اثبات اصالت و عظمت تاریخی ملت ایران دهن گشوده و با تمام حوادث ارضی و آسمانی مقاومت نموده و اسناد تمدن ایرانیان را حفظ و در انظار بشر بمعرض نمایش گذاشته همیشه این معنی را در ذاکرهٔ ایرانیان مجسم میدارد که (زندگانی تابع قوه و توانائی بوده و زور و شجاعت و پهلوانی و علم و عدالت و بعبارتِ تاخری دانستن و توانستن) در سیادت ملی تاثیر خاصی دارد و هیچ چیز ایرانیان را مثل ضعف و نا توانی متأثر نمی نماید که با چشم خود ببینند ایران را قطعه قطعه کرده و هر دستی بیك قسمتٌ آن مسلط و بنوامیس ایرانی حکومت می نمایند!.

پس از جهانگشائی نادر شاه افشار وقتیکه (بلوچستان — افغانستان — گرجستان — ارمنستان — قفقاز) از دست ایران رفت لرزه بر اندام ایرانی اوفتاد و تاثیر شدیدی در افکار و عقاید ملت ایران نمود که برغم تاریخ و گذشتهٔ با شرفانه در مختصر زمانی نکبت بر ارکان موجودیت آن هجوم و جغد تیره بختی در اتلال و خرابهای آبادانی های دورهٔ مجد و عظمت ایرانی نوحه و شیون دارد!

اعضاء آنرا پاره پاره — پیکر آنرا مثله می نمایند!

معلوم است یك چنین حوادث ناگواری چه تاثیرات مخوفی دراعماق قلوب و عقاید وافکار ملت مینماید ؟!

با یك چنین پیش آمد های ناگوار ملت متأثر و عصبانی ولی ایادی جابرانه در طول مدت (۱۵۰) سال تقریبي گلوی ملت را فشرده و چشم ها را از کاسه و حدقه بیرون انداخته کسی را حقّ چون و چرائی نیست ؟!

قطعات زر خیز مملکت از دست رفته! رجال کار آمد از بین بر داشته شده!. دست تعرض بنوامیس عمومی و خصوصی دراز! — بی تکلیفی سر تاسر مملکت رافرا گرفته!. هیچ کس خود را مالك مال و جان و عرض و ناموس نمیداند! تشکیلات مملکتی روی هم ریخته!. — قوای

عمومی بهم خورده!. حاکم و محکوم غیر معلوم!. هرکسی که ادنی رابطهٔ با مأمورین دولت دارد خود را فعال ما یشاء پنداشته و دست رد بسینهٔ احدی نمی گذارد — از فرّاش تا وزیر هر کس برای خود فرمان فرما ست!.

این بود که یك سوز و گداز درونی ولی فوق العاده شدید درته دلها ایجاد شده بود که هر وقت ولو بدون اراده اسمی از گذشته بمیان می آمد و یا نامی از سلاطین جهانگشای ایران برده میشد تاثیر مخصوصی در گوینده و شنونده مینمود که غیر از ملت ایران هیچکس نمیتواند بکنه این نکته پی برده و حقیقت آنرا تصور نماید!.

باید ایرانی شد و این حقیقت را درك کرد:

صفحات تیره و تار پشت سرهم این یکصد و پنجاه ساله را که بهم میزنیم و چشم خود را متوجه حوادث خطرناك و متعاقب این مدت دور و دراز مینمائیم یك قرن و نیم فاجعه ـ بدبختی ـ فنا ـ زوال ـ ذلت فقر ـ مسکنت ـ و از همه بالاتر رواج فاحشه و قباحت و بد اخلاقی را مشاهده مینمائیم!.

در پایان آن عقاید پاك و اخلاق تابناك تاریخی ملت ایران یك ملتی که در عالم بشریت بپاك دلی و راستگوئی و شهامت اخلاقی معرفی گردیده در این دوره فضائل اخلاقی را از دست داده و در کلاس (اَلنّاسُ عَلی دینِ مُلوکِهِمْ) درس شهوت وبد اخلاقی و مسخرگی آموخته و می آموزند!.

آه؟ چه روزگار طولانی؟ چه حبس متمادی حس و روح و فکر و عقل و تدبیر و عمل؟!

چه شد که یکمرتبه آن عزّت تاریخی مبدّل باین ذلت تاریخی گردیده است؟!

در این قرن بیستم که بشر با ماوراء طبیعت سر و کله میزند

و با اسرار خفیّهٔ ناموس طبیعت بازی میکنند ایرانی به ته چاه بیژن تیره بختی افتاده و دست و پا میزند ؟ بهر کجا که دست می‌یازد نوك سنان و ناوك پیکان بچشمش میخلد ؟!

مگر مطابق عقاید یونان قدیم رب‌النوع بدبختی بالهای سیه فام خود را بروی این مملکت شیر و خورشید بر گشوده و از تابش نور آفتاب علم و دانش جلو گیری کرده است ؟!

ایراني وقتی که بتاریخ زندگانی ادوار سالفهٔ نیاکان خود مراجعه مي نمود وطغرای عظمت را در کتیبه هاي سنگی کوهستان های مملکت خود مشاهده می کرد از گذشته نشان افتخار می گرفت و باین جمله بر میخوردکه روزی حقیقت عقل و دانش بشر (محمد ابن عبدالله پیغمبر اکرم) فرمود که اگر (علم در ثریا باشد دست ایرانی باو میرسد)

چه شده آن قدرت و دانش و فضیلت مبدل باین ذلت و جهالت گردیده است ؟

(دقایق سیاسی و تخیّلات ملّي)

شاهنشاهی ایران که از حیث عظمت سیاسی و حاکمیت مسلمین و مخصوصاً تمرکز انظار عالم اسلامي در دربار ایران حائز اولین درجهٔ اهمیّت است و یگانه دولتی که در برابر اروپا و ملل مسیحی که از چندین قرن باینطرف انظار را بخود جلب و افکار را بخود مشغول داشته همانا دولت ایران بود:

این دولت از دیر زمانی دو وظیفهٔ بس مهم را بعهده گرفته و شدت و اتصال این دو وظیفه بیکدیگر نه بطوری است که بتوان یکی را بدیگری ترجیح داد و دولت ایران ناچار است همیشه شاخص توازن و نسبت را طوری منظور بدارد که موازنه بهم نخورده و یکی بر دیگری نچربد: و عبارت ازاین بود که دربار ایران علاوه از تأمین سیاست داخلی و خارجی ملکی خود لازم بود از دول اسلامی دیگر و مسلمینی که

در تابعیّت دول دیگر قرار گرفته اند حمایت و بنام پادشاهی اسلام وشیعه
از دیگران نیز مدافعه و موجودیت آنها را تأمین نماید و برای اثبات
حقیقت یك چنین موقعیّتی در آینده نزدیك درضمن تلگرافات تبریك بتبریك
وتقاضای رئیس جامعهٔ اسلامی هندوستان لازم است دقت کرده واین معنی را
تصدیق نمائیم - اجرای این دو وظیفه همیشه و در تمام ادوار باعث عظمت
وشاهنشاهی ایران بوده چنانکه نکبت وفلاکت های دربار ایران در هرطرفه
زمانی ناشی از غفلت نسبت باین دو وظیفه وفقدان توازن مخصوص بوده است
بدیهی است برای بدست آوردن قوه و قدرتیکه بتواند اساساً این دووظیفه
را تشخیص و برای اجرای آن کمرخدمت بندد لازم بود تنسیقات داخلی
مملکتی بطوری منظم و طبقات مملکت بطوری نسبت بهم متحد و مستظهر
بوده باشند که عموم ملت درحکم نفس واحد و آن فرد واحد نیز با دربار
ومخصوصاً سلطان انسان واحد بشمار رفته وتمام حرکات و اعمال و افعال
دولت و ملت نسبت بیکدیگر حالت مرآتی داشته و بغیر از اطاعت ملت و
عدالت دولت هیچ صورتی را منعکس نماید :

برای کشف حقیقت یك چنین سیاست شایسته بدربار شاهنشاهی
با عظمت ایران و برای مجسم نمودن یك چنین روح ایران و اسلام مداری
لازم است نکات حیاتی و دقایق سیاسی سلاطین با عظمت ایران را بطور
فهرست از نظر گذرانیده و اعمال آن برگزیدگان را که ایران را باوج مجد
وسعادت رسانیدند با اطوار دربار مسخرهٔ سلاطین قاجاریه مقایسه نموده
و برای آینده خط مشی سیاسی خود را تأمین کرده باشیم

آری دربارشاهان گذشته ایران ازقبیل کریم خان زند ونادرشاه افشار وشاه عباس
وشاه اسمعیل وشاهان دیگر که بنام سلطنت شیعه دراقطار عالم حکم روائی داشتند
مبنی بحکم ودلائل عقلی وحسن سیاست اداری بود وطبقات مملکت را هریکی
در جای خود و در کار خود با حسن وجه اداره می نمودند همانطور که
حضرت علی امیرالمؤمنین (س) بمالك اشتر در تنسیق طبقات وسیاست اداری

مملکتی دستور داده بود که فرمود

(اعلم انّ الرعیة طبقاتٌ لا یَصلحُ بعضها الا ببعض، ولاغنی ببعضها عن بعض، فمنها جنودُ الله و منها کتّاب العامّه والخاصه ومنها قضاة العدل ومنها عمال الانصاف والرفق ومنها اهل الجزیة والخراج من اهل الذّمه ومسلمة الناس ومنها التجار و اهل الصناعات و منها الطبقة السفلی من ذوی الحاجة و المسکنة وکل قد سمی الله تعالی سهمه ووضع علی حده وفریضته)

ای مالك بدان که ملت و رعیّت بطبقاتی چند تقسیم میگردد که اصلاح نمیشود احوال آنها مگر با دست یکدیگر و تمام این طبقات شدت احتیاج را بهم دارند

طبقهٔ اول ـ سپاهیان ونظامیان

طبقهٔ دوم ـ نویسندگان وارباب قلم و مؤلفین و مصنفین

طبقهٔ سیم ـ قضاة یعني کسانیکه در مال و جان و ناموس مردم حکم میکنند

طبقهٔ چهارم ـ سایر مأمورین وحکام کشوری

طبقهٔ پنجم ـ مامورین مالیات

طبقهٔ ششم ـ تجار وکسبه و ارباب صنایع

طبقهٔ هفتم ـ فقرا و مساکین که پروردگار سهم ونصیب هر یك را نام برده و تعیین نموده است ـ و این تقسیمات دارای خصوصیات و مزایای مخصوصه است و هر یك دلیل و برهانی دارد

(فالجنودُ باذن الله حصوُن الرعیة ـ وزینُ الولاة وعزّ الدین وسبلُ الامن ولیس تقومُ الرّعیةُ الاّ بهم ثمّ لاقوامَ للجنود الاّ بما یخرجُ الله لهم من الخراج الذی یقووُن به علی جهاد عدوّهم ویعتمدوُنَ علیه فیما اَصلحهمُ و یکوُن مِنْ وَرآء حاجتهمْ ثمّ لاقوام لهذین الصنفین الا بالصنف الثالثِ مَنْ القضاة والعمّال والکتاب لما یحکمون من المعاقد و یجمعون من المنافع و یؤتمنون علیهٔ من خواصّ الامور وعوامّها ولاقوام لهم جمیعاً الا بالتجارة وذوی الصناعات فیما یجتمعون علیه من مرافقهم و یقیمون من اسواقهم و یکفونهم من الترفق

بایدیهم ممّا لا یبلغه رفق غیرهم ثم الطبقة السفلی من اهل الحاجة و المسکنة الذین یحق رفدهم و معونتهم و فی الله لکل سعة) نظامیان و سپاهیان حصار آهنین رعیت و موجبات عزت دین و باعث امنیت و شوکت دربارند و حال ملت منظم نمیشود مگر باقوه و قدرت که آنهم در دست نظامی است.

حال قشون اصلاح نمیشود مگر با مالیات تا صرف احتیاجات قشون گردیده و بتوانند در مقابل صفوف دشمن قیام و از حقوق ملت مدافعه نمایند.

قشون و مالیات موقوف است به قضاة و قوهٔ قضائیه و مساعی جمیله ارباب قلم و مؤلفین و حکما و دانشمندان تا تمدن را نشر و حقوق را محفوظ بدارند.

قشون ـ مالیات ـ دربار ـ صاحبان صنایع حرّه ـ مؤلفین ـ مصنفین وقضاة نیز منوط است بوجود تجار ودوران سرمایه وحرفت وصنعت ـ این طبقه نیز نمیتواند بدون طبقهٔ عوام زندگانی نمایند و مساعدت با این طبقه افضل اعمال و وسیلهٔ تقرب به پروردگار است

این بود دستوریکه پادشاهان عظیم الشأن سلف اساس تشکیلات مملکت و شالودهٔ قدرت دولت خود را در روی آن بنا نهاده و در ایران زمین ابوعلی سینا ها و طوسی ها و فردوسی ها و سعدی ها و مولوی ها وسیدرضی ها (امیرالحاج صاحب دیوان مظالم) ایجاد و ازهر طبقه رجال کار آزموده ولایق می پروراندند ـ دارالعلم ها ـ دارالترجمه ها ـ دارالادب ها ـ دارالصنایع ـ دارالتجاره ها دائر مینمودند تجارت ایران در تمام عالم جاری بود وثروت ایران ضرب المثل اقوام ملل بود و علم و عمل در ایران ریشه دوانیده وسعی و عمل دراین مملکت ازضروریات بشمار میرفته وفضل وهنر میزان تشخیص وتشخّص افراد و تنسیقات اداری کاملا پابرجا ـ امنیت حقوقی در سرتاسر مملکت جاری همین بس که کریم خان زند را وکیل الرعایا نامیدند

این اساس و این اصول یکمرتبه بدربار مسخره مبدل نه قشون نه ارباب

قلم نه فضیلت نه تقوی- نه علم و نه دانش- نه مال- نه تجارت - فقر و مسکنت ایران را فرا گرفت واز در و دیوار مملکت کفر ونفاق روئید و از رود خانها سیلاب بد اخلاقی جاری شد و در بار ایران تشکیل گردید ازیکعده غماز و بی عصمتی در بار متاعی بود رایج — ناموس از اطراف تاج و تخت ایران رخت بر بست و قبایح اخلاقی خانواده سلطنتی از زن و مرد بالسنه وافواه افتاد و کوس رسوائی را بر سر بازارها زدند!

در روی این مقدمات ایرانی قضاوت مینمود و می دید که بجای اخلاق برگزیده رذائل و قبایح و شهوت پرستی بشریان های ملی تزریق- درهای معرفت را گل اندود و دروازه های شهوت رانی را بروی جامعه برگشوده‌اند! دارالعلم ها مبدل به فرح آباد- آکادمی ها (دار الادب) به قصر قجر- دار الترجمه‌ها بعشرت آباد و دار الصنایع. بدوشان تپه و دار التجربه ها بصرصره عوض شده است!

تمام اراذل و اوباش و مسخره دراطراف دربار جای گیر - علم و هنر وصنعت از مملکت رخت بست - امیر کبیر ها کشته شد - سید جمال الدین ها تبعید گردید - قائم مقام گرفتار شکنجه بد بختی و از همه بالاتر یکنوع حاکمیت فوق العاده مخوف و مدهش از اجانب بملت و دولت تحمیل گردید که قابل تقریر نیست!

با مشاهدهٔ این فجایع ناگوار و مقایسه آن با پروگرام دوره های قبل از قاجار که دربار شاهنشاهی ایران در روی دستور مخصوص (علی امیرالمؤمنین ع) تشکیل می‌شد که خطاب بمالك اشتر فرمود [وَ اَكثِرْ مدارسةَ العلماء ومنافسه الحكماء فی تثبیت ما صلحَ علیه اَمرُ بلادكَ و اقامة ما استقام به الناس قبلك] تحصیل علم و ادب کن وبا علما و حکما و دانشمندان بنشین وبا این طبقه در اصلاح امور شور کن و حذر کن از اینکه مشاورین و وزراء خود را از وزرای اشراریکه قبل از تو در سرکار بودند انتخاب نمائی برای اینکه این طبقه با تو صمیمیت پیدا نمی کنند آنطور که به گذشتگان خود خیانت کردند که بتو لاحق شدند بتو نیز خیانت میکنند و به دیگری لاحق میشوند.

(شَرَّ وُزَرائِكَ مَنْ كانَ لِلاَشرارِ قَبلَكَ وَزيراً وَ مَنْ شَرِكَهم فِی الاثامِ فَلا يَكونَنَّ لَكَ بِطانة فانهم اعوان الاثمة و اِخوانُ الظلمه وانت واجِدٌ منهم خيرَ الخلف مِمَّنْ له مثل آرائهم و نفاذهم)

تمام این دستور ها در ظرف یکصد و پنجاه سال وراونه بموقع اجرا گذاشته شد کسیکه در دربار ایران راه نداشت ارباب معرفت و دانش بود و تمام طبقات سفله و رذل از قبیل شیپور و کرنا و کذا و کذا پیرامون تخت سلطنت ایران را مانند هاله احاطه کرده و مشغول صرصره بازی بودند !.

این بود گذارشات فجیع که ملت ایرانرا عصبانی می نمود وهمیشه در حال تشنج میگذرانید و از ملاحظه توالي کابینه ها از زمان ناصر الدین شاه تا چند سال قبل بخوبی اسرار مکنونه که در پس پرده های سیاست مرموز است مشهود میگردد!..

از همه بالا تر آنکه سلاطین قاجار و رجال دربار با اصول استتار بسر میبردند و از جامعه وجماعت پرهیز مینمودند و این شیوه غیر مرضیه را که صفت زنانه‌است خط مشی سیاست وسیادت خود قرار داده ازاحتیاجات ملت بی خبر و خود مانند غول، در نظر ها جلوه مینمودند!.

امیرالمومنین بمالك دستور میدهد که (مبادا خودرا از نظر ملت به پشت سراپرده کشیده و از نظر ها پنهان گردي این معني سبب میشود که ازحال رعیت بیخبر و باعث تولید نفرت و انزجار عمومي میگردد ـ سلطان از افراد بشر است و اطلاع او بر اوضاع و احوال امور لازم است وپنهاني و استتار باعث جهل وبیخبری ازروزگار ملت میگردد ـ (فلا تُطوِلَنَّ اِحتجابَكَ عَن رَعِيتكَ فان احتجاب الولاةَ عنِ الرَعيةِ شعبةٌ مِنَ الضيق وقِلةُ عِلم بالامور والاحتجاب منهم يقطع عنهم علم مااحتجبو دونه فيصغرَ عندهم الكبير و يعظم الصغير ويقبح الحسن ويحسن القبيح)

وقتیکه بر خلاف این دستور که متضمن سعادت زندگانی وشایسته احوال

نوابغ روزگار است رفتار شود حقائق از نظر پادشاه مستور و واسطه ایصال مستدعیات ملت عبارت از دسته غمازان و جاسوسان و چاپلوسان خواهد بود و این طبقه که بالذات دنی و فاقد شرافتند حقائق را بر وفق مرام و منویات خود معکوساً جلوه داده دوست را دشمن و دشمن را دوست قلم داد می نمایند!.

ای مالك هیچ وقت بحرف جاسوس اعتماد مکن و آنها را از دور خود پراکنده کن برای اینکه این طبقه با خدا و مردم دشمنند و فقط برای منافع خود کار میکنند در ذاکره ایرانی این نکته منقوش بود که سلاطین عظیم الشان سلف اینطور زندگانی مینمودند و دربار خود را از رجال مهم تشکیل میدادند وداستان دورهٔ شاه عباس یکی از شاهکار های سیاست مداری دنیای بشر است که امیرالمؤمنین فرمود (الذی یسعیٰ باخیه الی السلطان فیهلكَ نفسهُ و یهلكَ اخاه و یهلك السلطان ــ الساعی ظالمٌ لمن سعی به خائن لمن سعی الیه) کسیکه از برادر نوعی خود بد گوئی و سعایت در نزد پادشاه نماید خود و برادر نوعی و پادشاه را بهلاکت می کشاند ــ و اگر پادشاه بحرف بی اساس او ترتیب اثر دهد یکنفر انسان محترم و بیگناه در خطر افتاده و بهمین جهة پادشاه نیز در خطر است چه آنکه یك چنین حرکت ظلم است و اساس ظلم پایدار نمی ماند جاسوس بخود و بپادشاه و بنوع خیانت کار است!.

یکی از شاهکارهای دورهٔ قاجاریه اصول جاسوسی بود و امنیت از جامعه برطرف شده بود حتی هیچ مردی جرأت نداشت که با زن خود نیز صحبت نماید و اطمینان و امنیت از ملت رو گردان و نفاق و شقاوت اخلاق ثانویهٔ توده گردیده بود!.

در طول اینمدت بجای علم و عمل و تربیت و تعلیم عاطفه سلطان زجر حبس ــ تبعید ــ تکفیر ــ اعدام ــ بد اخلاقی تقدیم ملت میگردید!.

شب و روز از دهاتی تا شهری دسته دسته مردم از فشار ظلم و تعدی

درمساجد وتکیه ها وامامزاده ها متحصن وفریاد و فغان واستغاثشان بلند بود !. درهمین دقائق تاریخی ملل منحطه ومتلاشی سرازز یرخاك انحطاط بیرون آورده ودر رستاخیز زندکانی اجتماعی حاضر میشدند واز گنبد حرمان مصر سرائر خفیهٔ ادوار سالفهٔ بشر را کشف مینمودند و برای خود یکدوره استقلال تازه ازسر می گرفتند ولی درقصر قجر نیز قیامتی برپابود و از حالات روحی کسانیکه خود را ظل الله میدانستند زمزمه های مخصوصی بگوش ملت میسرودند !.

درهمین اوقات مجلس لاهه مقدرات بشررا حل وتصفیه میکرد ولی درتکیهٔ دولت شبیه شیر و فضه و یا عروسی قاسم وتخت سلیمان بود !.

عجب تر آنکه قاجاریه خود آثاری نداشتند و بمنافع ملت یادکاری باقی نگذاشتند ولي باتمام قدرت آثار با عظمت تاریخی و پرافتخار سلاطین عظیم‌الشأن سلف را محو و نابود مینمودند!.

ایرانی بایك چنین نکبت و ذلت روزکار متمادی را گذرانید و بالاخره مجبور از انتقام شد و تیر مرحوم میرزا رضای کرمانی درس عبرتی به آیندکان این سلسله داد. ناصر الدین شاه واژگون و مظفرالدین شاه که‌دردامن آذربایجانی تربیت‌شده بود به تخت‌شاهی نشست خواهی نخواهی میرفت که‌نیش‌های گذشته را مبدل بنوش کند و برغم ماضی برای مملکت ایجاد سعادت نماید ودرهمین حال مرتکب بسی رذائل وشنایع نیز می گردید که بهمین زودی اسناد مثبته انرا مطالعه خواهیم کرد که مقراض اجل طناب عمرش‌را برید و محمد علی میرزا جانشین آن گردید.

براي تشریح و حقیقت حالات روحی واخلاقی ابن بئس‌الخلف مصوبهٔ سوم شعبان ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی بنام (قانون اعدام محمد علی میرزا و برادران او که‌مشارالیه‌را مفسدفی‌الارض ومحارب) تشخیص داد کافي خواهد بود.

دوران او هم به آخر [illegible] و با توسل باجانب از تخت شاهی بخاك

ذلت نشست و در روی مطالعات مخصوص احمد میرزا بسلطنت تعیین شد!.

(مطـالعات)

این مطالعات فقط عبارت از بحران موقع و وقت بود و الاّ هیچ باعث دیگری نداشت مگر نفوذ و ضمانت اجانب ازسلطنت درسلسله قاجار !.
ایرانی در اینموقع نمیتوانست اصل ۳۶ متمم قانون اساسی را الغاء نماید وخودرا اززیر بار سنگین این سلسله نجات دهد بنابراین .بالاضطرار زیربار این ننك رفت وطفلی را بجای نادر شاه افشار برگزید و دراطراف تخت و تاج شاپور از یك مشت دایه و لله مجلس مشورت (*Conseil*) راه افتاد !.

چکند! سیاست وقت اینطور اقتضا مینمود !.

سلطان اضطراری مدتی طفل بود و با دایه بسر میبرد و از نایب‌السلطنه اش برای سواری الاغ میخواست !.
این تقاضا میزان قدرت فکری و دماغي اورا میرساند که گفته اند:
(سالي که نکو است از بهارش پیداست) !.
چه فجایع و وقایع ننگین رخ نمود تا این طفل تاج کیان را بر سر نهاد.
[جای دارد باچنین آئین ورسم شرمگین][خون به تخت و تاج ایران گر ببارد آسمان]
ملت انتظار داشت که برغم فجایع پدر پسر درهای عاطفه و عدالت را بروی ان بگشاید ـ از قضا توقع بیموقعی بود ـ اخلاق دست بدست میرود و از مواریث طبیعی است ـ گفته اند [عاقبت گرك زاده گرك شود]
در پایان این انتظار آلوده بیأس طبیعت با رب النوع قحطـی عهد ومیثاق بست و یا آسمان از کثرت غیظ وغضب گریه گلوگیرش شد برف ـ وباران از ایران بي برید و یا آسمان برای تیره روزی ایرانیان اشك چشمي نریخت؟ یا ابرهائیکه در کوه بیستون برای فرهاد همیشه طوفان اشك راه می‌انداختند دیدند که شیرین [آنوش] فاحشهٔ جاسوس اجنبی به دربارایران راه پیدا کرده و دارد اسرار دولت کهن سال ایران را فاش میکند قهر کردند و بار سفر

بستند و از ایران زمین رفتند! . هرچه بود حوادث دورهٔ قباد یکمرتبه دیگر در ایران زمین تکرار شد!.

(زخشکی خورش تنك شد در جهان) (میان کهان و میان مهان)
(زروی هوا برف شد ناپدید) (به ایران کسی برف و باران ندید)
(مهان جهان بر در کیقباد) (همی هر کس ازآب و نان کرد یاد)

در خیابان های طهران دسته دسته مردم می افتادند و از گرسنگی جان میدادند ولی شاه انبار داری مینمود!

این حرکت مانند خنجر زهر آلودی به دل ها فرو رفت و ملت چنان عصباني شد که نام شاه را (احمدعلاف) گذاشتند!.

در روزنامه ها نوشتند و طاس رسوائی دربار قاجاریه از بام شمس العماره اوفتاد و دنیای متمدن صدای آن را شنید و طبیعت بمظلومیت توده گواهی داد ولی باقتضای موقع مردم چارهٔ نداشتند دندان روی جگر نهادند و غضب خود را فرو بردند لیکن عکس العمل این رفتار همان شد که هر کس در خود قوه و اقتداری سراغ داشت جمعي را بدور خود گرد و بخیال انتقام از دربار در بیداری و خواب هجوم بمرکز وانتقام از شاه و دربار را میدیدند و همیشه در انتهاز فرصت بودند بالاخره دسته های مسلح راه افتاد ورشته انتظامات از هم گسیخت و اصول مرکزیت از بین رفت یکدفعه در هر گوشهٔ دره بیکی ها - ایل بیکی ها - و ایلخاني ها - دوره خان خانی را از سر گرفتند و الوار از طرفی ، اکراد از طرفی ، حسین کاشي از گوشهٔ - سالار جنك از گوشهٔ دیکر - کوچك خان در گیلان - امیر مؤید درمازندران - و بالجمله در تمام نقاط ایران بیرق های طغیان بر افراشته شد حتي درخیابان های طهران درروز روشن زوّر دست بیداد از آستین بدر آورد!.

از همه بالاتر عشایر و ایلات سرحد نشین ایران که قسمت اعظم نفوس این مملکت را تشکیل میدهند و دارای اخلاق و عقاید مخصوصی هستندو از دیر زمانی نسبت به قاجاریه دل پر کینه داشتند و در طول ایام همیشه با

طغیان و تمرد دوش به دوش راه میرفتند و از پس کوچه های صلح وصفا و آشتي راهی نداشتند چه آنکه همه پدر کشته و ناموس بباد رفته بودند علم سرکشی را بر افراشتند!.

در رأس تمام وقایع و در بیرق کتیبه های تمام دستجات مسلح و غارت گر وخون ریز زیادتر از یك جملهٔ بر جسته (انتقام از قاجاریه و دربار) چیزدیگری منقوش نبود!.

تقریباً یکقرن ونیم بود که دستگاه دربار قاجاریه در روی دل ملت ایران سنگینی مینمود واینمدت عبارت از یکدوره حکومت ظلم وبیداد وبالاخره (فوادالتیه) بود که ملت را درقید اسارت نگاهداشته وحقوق آنها را حراج میکرد!.

راستی این دستگاه مثل یك سلاخ خانهٔ در نظر ایرانیان جلوه مینمود!

این دربار در نظر آزادی طلبان بمثابهٔ یك حیوان درندهٔ بود که بالطبع انسان را پاره میکند و از هم میدرّد ولی در نظر متفکرین مذبح حقیقت و عدالت بشمار میرفت و یقین داشتند که این دربار مانند خار پشتی است که بهر طرف آن دست بزنی خار بدست انسان میخلد!

این دربار یا حیوان درنده و یا خارپشت با اینکه در سال ۱۳۲۴ از ضرب و شصت ملّت شکست خورد و بشکل یك گفتارنیم جانی اوفتادکم کم داشت در روی اصول (انگیزیسیون) دوباره جان میگرفت و در رأس تمام قضایای سیاسی دو باره برای خود خط سیری تعیین میکرد و بعبارة ساده در برابر حق حاکمیت ملت رنگی بآب میزد!.

در این سنوات اخیر بقدری قوت گرفت که تمام اصول را زیر پای خود گذاشت و مستقیماً مشغول طرح نقشه گردید که یکدفعه دیگر نیز بموجودیت ملت شبیخون زند که در آتیه حقیقت آنرا خواهیم فهمید.

با یك چنین پیش آمد ها هر دقیقه که از عمر سیاست ایران میگذشت و ایرانی ترقیات حیرت انگیز ملل دیگر را میدید بغض و کینه در ته دل ها

نسبت باین سلسله مشتعل میشد ونائرهٔ عداوت سرمیکشید وکانون حیثیات ملت زبانه میزد ولي متاسفانه نمیتوانست برای خود منفذی پیـدا نموده و تأثیرات خود را به بخشد و ناچار متوسل به تشکیلات سری میکردید این بود که یك دفعه ناگهانی کمیته مجازات سر از آستین در آورد و با یك سرعت فوق العاده در طهران هنگامهٔ بر پا نمود و شب ها در زیر نور ماه علل بدبختی مملکت را از نظر خود میگذرانیـد و بدون تردید ولا بشرط در روی یك کلمه (اعدام) قضاوت مینمود!.

گرچه قوای آنروزهٔ دولتی موفق گردید که کم و بیش باین تشکیلات سری پی برده و سرائر آنها را کشف نماید و بقدر قوه از عملیات انتقام نام این دستجات جلوگیری کند ولی نتوانست آن تخمی را که درمزرعه افکار عمومی ومخصوصا در دماغ طبقهٔ منورالافکار پاشیده شده بود برچیند وآنها را برطرف نماید.

این دانه ها شب و روز بدون انتظار فصل با یك سرعت عجیب در نمو بود گاهی در پرده و گاهی آشکارا در مرکز و سایر نقاط تشکیلات و دسته بندیهای خفیه کار خود را میکرد و تحقیقا ایران بقسمتهای عجیب و غریبی تقسیم ـ از قراء و قصبات و بلوك و محال گرفته در ولایات وایالات ومرکز روح انزجار و تنفر شدیدی درکار بود و بالجمله تمام ایران برعلیه حکومت مرکزی یعنی دربار قاجاریه قیام نموده از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق دسته های مسلّح بقصد هجوم بمرکز صف آرائی نموده ومقدمهٔ از تاخت و تاز و قتل و غارت مضایقه نداشتند!.

(در کنج قزاق خانه)

این هم تشکیلات غربي بود حالا ما نمیخواهیم در حقیقت این قوه و در چگونگی اسرار قزاق حانه و دربار قاجاریه و رابطهٔ بین آنها اعمال نظر نمائیم هرچه بود یکی از مهم ترین عامل بد بختي ملت ایران بود که در تحت سر پرستی اجانب با تمام معنی بر علیه حقوق ملت تجهیز

کرده و داستان لیاکف در گذشته و فجایع دورهٔ جنك عمومی اروپا و عملیات این قوه در مرکز مملکت ایران بیطرف یکی از وقایعی استکه ملت ایران هیچوقت آنرا فراموش نمی نماید!.

حوادث بهمانطور پشت سر هم میگذشت و در کنج قزاق خانه یك شخصی کاهکاهی خودی نشان میداد که ساعات خود را در فکر میگذارند و بایك قیافه جدّی و متأثر و با قدم های سنگین میآید و میرود و تنها زندکانی مینماید

این قیافه را در نظر میگیریم و در آینده او را خواهیم شناخت

کار طهران بجای خطرناکی کشید و دشمن امنیت مرکز را نیز اخلال نمود شکست های پي در پی ولی عمداً در فرونت های جنك داخلی که در معني نام خارجی داشت نصیب قوای دولت یعنی قزاق گردید

روزکار بدین منوال میگذشت روز ها بهفته هفته ها بماه ماه ها میرفتند که دورهٔ سالیانه خود را تمام نمایند آفتاب ببرج حوت رسید وشب سوّم همین برج طهران یکدفعه بادست یکعده قشون تسخیر شد صبح دیده شد که در رأس این قشون فاتح همان قیافهٔ جدی و فکور عرض اندام کرده و « رضا خان پهلوی » زمام قدرت این دسته را در دست گرفته و از صبح سیم حوت شروع کرد که به دورهٔ فترت خاتمه داده واصول مرکزیت را بتمام معنی بموقع اجرا گذاشته و تمام ملت را در تحت لواء امنیت بپروراند

بعضی نام این پیش آمد را (کودتا) گذاشتند این تسمیه دور ازانصاف است خاتمه دادن بدورهٔ فترتو هرج و مرج و ملوك الطوایفی وجریان انداختن اصول مشروطیّت را نمیتوان کودتا نامید. برای آنکه تشکیلات اساسی مملکت تغییر نیافت بلکه چرخهای شکسته و روی هم ریخته مملکت اصلاح و بکار افتاد

این واقعهٔ تکان سختي بعقاید و افکار داد و انظار ملّت را بخود جلب

نمود و در پایان یاس و انزجار از دربار قاجاریه عقاید و افکار متوجه عملیّات این سردار گردید وملّت جزئیات وکلیات عملیات اورا در تحت نظر گرفت تا این حقیقت را تشخیص دهند که این پیش آمد نیز مانند سایر حوادث جاریه است یا حقیقت و مرامی دارد؟
درآن ساعتی که ملت ایران در بهت وحیرت بود وخیره خیره بجریانات می نگریست و میرفت حقیقت پیش آمدرا مطالعه نماید اراده وعزم این سردار فاتح نیزمنویّات اورا پیش می برد وموفقیّت ازطهران شروع بانساع کرده وهردقیقه قدم خود را بالاتر نهاده هنوز افکار عمومی مطالعات خود را تمام نکرده بود که یکمرتبه ایرانیان فهمیدند که از مرکز گرفته تا آخرین نقاط دوردست سرحدی که یکقرن و نیم تمام رابطهٔ با مرکز نداشتند بتصرف مرکز در آمده و در تحت تصرف این ارادهٔ قوی و عزم آهنین اداره شده و قشون تا آخر سر حدات رسیده و بیرق ایران در همه جا در اهتزاز ست و تمدن با بیرق دوش بدوش راه میرود و امنیت عمومي در همه‌جا منبسط راه ها تسطیح و قافله ها شب و روز در تردد و دست قدرت این سردار بروی ایران گذاشته شده و ملت با یك شوق و امید واری از خواب غفلت بیدار ومحبّت و توجه مخصوصی بشخص رضا خان پهلوی پیدا نمودند

(شاه درچه حال است)

احمد شاه که همیشه دستی در آتش داشت نسبت به این پیش آمد خدا داد حسن نیتی بخرج نداد و منافع خود را در خطر دید و با یك وضع مخصوصی از ملك و ملّت اعراض و بخارجه شتافت!.
این حرکت شاه افکار را پریشان و دلها را عصبانی و امید واری ها را مبدل به یاس بلکه بیك نکته ایمان آوردند که هر چه هست ازاحمد میرزا یا (شاه) است
برای اینکه ایرانیان انتظار داشتند که در پایان ختم جنك عمومی وزوال

فشار اجانب و یك چنین نعمت غیر مترقبهٔ خدا دادی در موقعیکه قوای مملکت در روی اصول مرکزیت سیر میکنند و تدریجاً امنیت مملکت را فرا میگیرد و آسایش و عدالت در تمام نقاط ریشه میدواند شاه با خون گرمی و علاقه مندی در رأس اصلاحات جای گرفته و با راه‌نمائی های مخصوص و عقیده و ایمان در تهیهٔ لوایح قانونی و ایجاد سعادت به دولت مساعدت نموده و مملکت را از بحران سیاسی و اقتصادی نجات بخشد و بار سنگین را از دوش ملت بگیرد

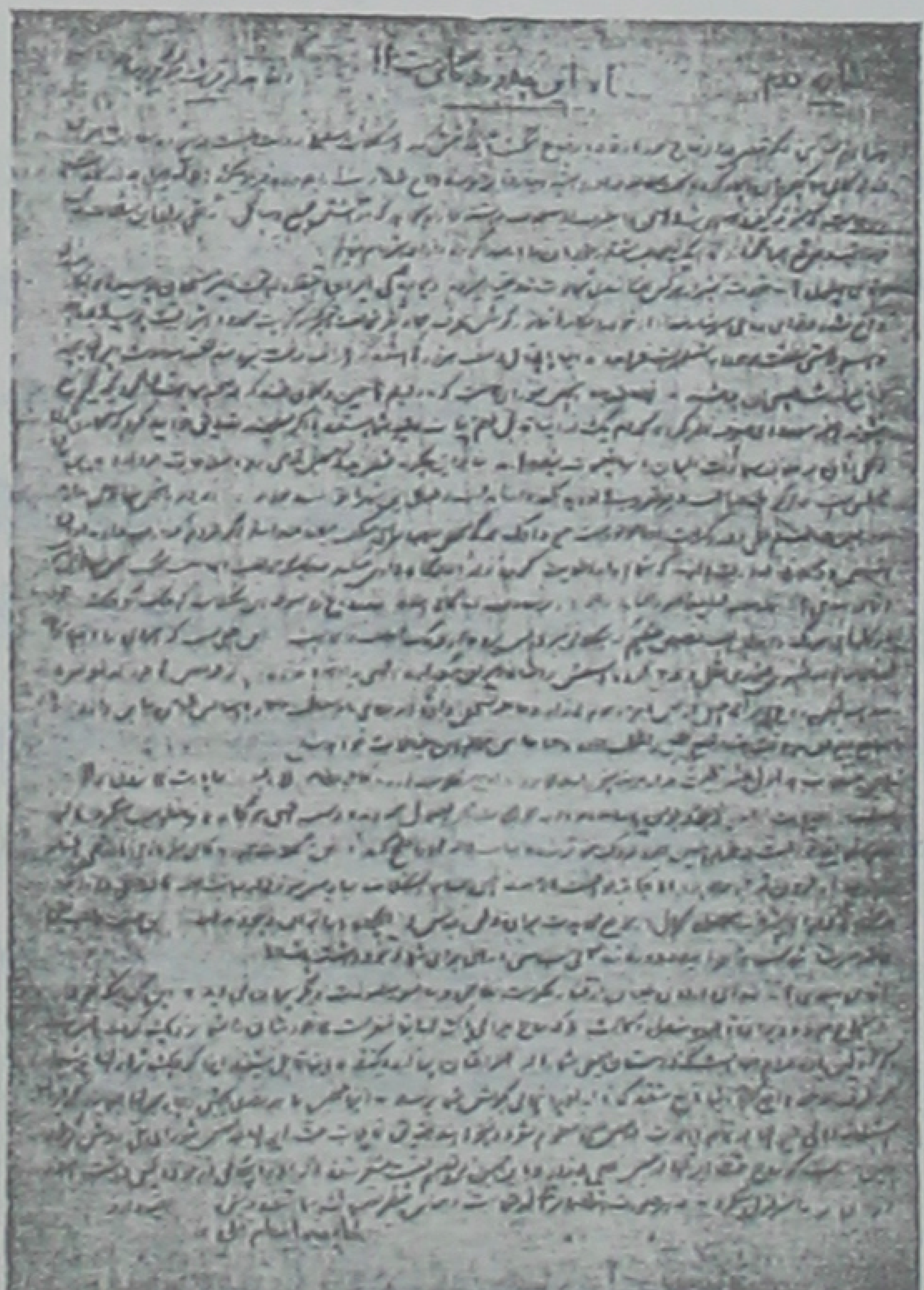
متاسفانه نه تنها شاه از این عقیده و آمال دور بود بلکه خود بار سنگینی بدوش ملت و حیات اقتصادی جامعه و جماعت بود و بجز از منافع شخصی و پر کردن کیسهٔ اختصاصی خود هیچ آرزو و آمالی نداشت و بهر وسیله از حقوق خدمه میکاست و صندوق خود را پر میکرد!

با یك چنین عملیات مسافرت های پی در پی احمد میرزا توده را عصبانی و باوجود قدرت فوق‌العاده دولت یکدفعهٔ دیگر تشکیلات سرّی در کار و با وجود سانسور مطابع و جرائد و جلو گیری از اجتماعات دسته های آزادی طلب و اصلاح پرست نمیتوانستند از اظهار عملیات خود داری نموده و با تمام قوه میکوشیدند که خود را از زیر بار سلسله قاجاریه خلاص نماید

با اینکه ادارهٔ پلیس از زمان تصدی سرهنك (محمّد خان درکاهی) رئیس نظمیه با نهایت دقت جریانات را مواظبت می نمود و از حبس و تعقیب مظنونین دقیقهٔ فرو گذاری نداشت و بهر کس سوء ظني می برد او را برای استنطاق و تحقیق جلب مینمود و در توقیف نگاه میداشت باوجود این نمیتوانست به کنه تشکیلات سری پی برده و قطع ریشه نماید برای آنکه ریشه این تشکیلات در پس دلهای مردم بود و متأسفانه پلیس در آنجا راهی نداشت!

این تشکیلات در مرکز وخارج مرکز در سرتاسر ایران مشغول بودند دستهٔ

بنام کاوه ـ جمعی باسم احرار ـ برخی ملیّون ـ بعضی جامعه انتقام دور هم جمع و در پس پرده مشغول اجرای نقشه بودند و برای نمونه دو سه فقره از نشریات خفیهٔ این جمعیت های سری را عیناً گراور نموده و از نظر شما میگذرانیم و ذیلاً مندرجات آنها را نقل میکنیم تا معلوم گردد شاه در چه حال و ملت در چه کار است؟



(شب نامه)

شمارهٔ دوم

(آه ـ ! این چه زندگانیست ؟ !)

رفقا بعد از قرائت بیکدیگر برسانند

هر آدم حساسی اگر قدری در اوضاع خود اولاً و باوضاع مملکت ثانیاً تعمق کند و مشکلات مسلسلی که دست طبیعت در سر راه سعادت ایران و زندگانی ساکنین آن ایجاد کرده تحت مطالعه در آورد البته دچار فشار غیر مرئی

دماغ‌شده دست‌ها را بهم‌زده فریاد می کند (آه ! این چه زندکانی است !؟)
اینجاست که متوجه یك فرد مخصوص شده و سخن را بطرف او معطوف
داشته و از او میخواهد که با داشتن جمیع وسائل راه حلی برای این مشکلات
طاقت فرسا تهیه و بموقع اجرا بکذارد ـ اینك مخاطب مقتدر خودمان را
باز صدا کرده و از او استرحام می نمائیم
آقای پهلوی خودت بهتر از هر کس آشنا شدی بحالات روحیّه این مردم
و بیچاره کی ایران اینقدر در تحت تاثیر سخنان پوسیده و افکار مبتذل واقع
نشده و قوای دماغی سرشار خدا داد خود را بکار انداز وگوش بحرف چهار
نفر مخالف و اجیر که مرکزیت محدود اشراف پوسیدهٔ بي ماخذ و اسم بلا
مسمی سلطنت بوجود آنها مستظهر است فرامده ـ انصاف بده این مجلس
شوری ملی است که ما داریم ؟ این وکلای ملتند که در صحنهٔ بهارستان
گرد یکدیگر جمع میشوند ؟ از معدودی صرف نظر کرده کدام یك ازاینها
قابل فهم نیّات عالیهٔ شما هستند ؟ یا اگرمی فهمند تصدیق خواهید کرد
که مجاری فکری و عملی آنان بر خلاف سعادت ایران بانها تعلیمات میدهد
بنا بر این چگونه منتظرید که مجلس قدمی رو باصلاحات بر دارد ؟ این همان
مجلس استکه اگر چند ساعت دیر تر رسیده بودید یك عدهٔ آنها بدست اطفال
این شهر نابود شده بودند !
این مردم با شخص شما غرضی ندارند و در عین جهالت و بی علمی که در
اکثریت آنها موجود است معذلك همکی شخص شمارا برای مملکت مفید
مي دانند اگر مردم کدورت دارند از آن اشخاص و وکلائی کدورت دارند
که شما آنها را حمایت کرده واز آنها نکاهداری می کنید در حالتیکه مخالفت
آنها نسبت بمملکت و شخص شما اظهر من الشمس است !
آقای پهلوی رضایت نسل معاصر را نباید ترجیح داد بر سعادت زندکانی آینده
اینقدر دماغ خود را متوجه این مشکلات کوچك کوچك مکن و خود را
از کار های بزرك وامدار البته تصدیق میکنیم که مشکلاتی نیز در پس پرده

از تحریك اجانب در کار است این اجنبی است که امردی را از مهمانخانهٔ به مهمانخانهٔ و از شهری بشهری نقل و تحویل کرده اسمش را شاه ایران میگذارد و جمعی را اینجا با مزد و حق الزحمه معین وطرفدار او جلوه میدهند لیکن روح ایرانی اصیل از این نام موهوم بیزار و جامعه تشخیص داده اند بقای نام سلطنت قاجار با آسایش عمومی تباین دارد اما منافع ایران هر وقت باشد نفع اجنبي را عقب زده و حقاً جانشین تمام این خیالات خواهد شد!.

این مشکلات دراول مشروطیت هزار مرتبه بیش از حالا بود این مشکلات در زندکانی (ناپلئون بناپارت) فزون تر بود در سلطنت بناپارت نسل (بوربون) زنانه و مردانه تحریکات محیر العقول مینمودند و دست اجنبي هم کاملاً با آنها تقویت میکرد اما تمام این موانع کجا توانست بعزم آهنین آن مرد زیرك مؤثر شده نیات عالیه اورا فلج کند؟ این مشکلات درزندکانی سربازی نادر قلی افشار هزار بار فزون تر از حالا بود اما چگونه توانست با دست اجنبی همسایه آن مشکلات بقدر سر سوزنی در نیّات مهمهٔ نادر خللی وارد کنند؟

مشکلاتي که برای پیشرفت مصطفی کمال در موقع مجاهدت برای وطن درپیش آمد هیچگاه در ایران وجود ندارد این صفت غالب یعنی عاطفه سرشار شما است که نمیخواهید دردورهٔ زندکانی سیاسی ناراضی برای شما وجود داشته باشد آقای پهلوی صدای آزادی طلبان ازفشار حکومت نظامی وسانسور مطبوعات دیگر بیرون نمي آید!

این کسانیکه علمدار ارتجاع بوده ومجال تامین صندلی وکالت (که روح ایرانی پاك از اینها متنفر است) خودشان را بشما نزدیك کرده‌اند با خبر باشید که اولین مادهٔ مرام آنها آنست که دوستان صمیمی شمارا ازاطرافتان پرا کنده کنند اینها قابل نیستند واینها کوچکتر ازآن میباشند که طرف ملاحظه واقع گردند اینهامانع هستندکه نالهٔ آذربایجانی بگوش شما برسد اینها مجلس را هر روزی بجهتی

دچار بحران میمایند که فریاد استغاثهٔ اهالی ایران از تمام ایالات در مجلس علنی معلوم نشود و نمیخواهند حقایق تمایلات ملت ایران در مجلس شورای ملی روشن گردد بهمین جهة است که روح ملت ایران از مجلس فعلی بیزار و باین مجلس بی تصمیم لعنت میفرستند اگر آذربایجانی از خود وکیل داشت امروز ارکان مجلس را متزلزل میکرد ـ در هر صورت انتظار ایرانی از شما است و همه کس منتظر تصمیمات شما هستند و بس بقیه دارد

(جامعه انتقام ملی)

☆✻☆

اهمیّت هر نوشته و بیانی از اهمیّت موقع و وقت آن معلوم میگردد ـ همه میدانیم که اوراق شب نامه ترجمان احساسات خفه شده است که صاحب آنرا دچار اختناق نموده و از بیچارگی و فقدان وسائل و کثرت موانع در نیمهٔ شب گذارشات را مطالعه و حسیات خود را نثار و قضاوت را بجامعه محول میدارد!.

از مطالعهٔ این شب نامه حقائق مخصوصی را کشف مینمائیم و بما معلوم میگردد که از دیر زمانی دلها عقده کرده و قوای دولتی مانع از ابراز آنچه در دلها بوده گردیده و از مطالبی گفتکو میکند که فوق العاده خطرناك وبا وجود حکومت نظامی که خود نماینده عظمت موقع و وقت است!.

از فشار حکومت نظامي مینالد و از سانسور مطابع و محرومیت از آزادی عقیده و بیان شکوه میکنند و از مجلس شوری شکایت دارد و اینطور تشخیص و قضاوت میکنند که وکلا عمداً در جلسات رسمی ایجاد بحران میمایندَ تا فریاد و استغاثهٔ ملت ایران از تمام ایالات و ولایات در مجلس علنی نشود ـ و این شکایات اثبات مینماید که سابقه های مدهشی در کار بوده و وکلای مجلس ازمستدعیات ومنویّات ملت خبر داشته و عمداً تجاهل عارف نموده وخود را براه چپ میزده‌اند!.

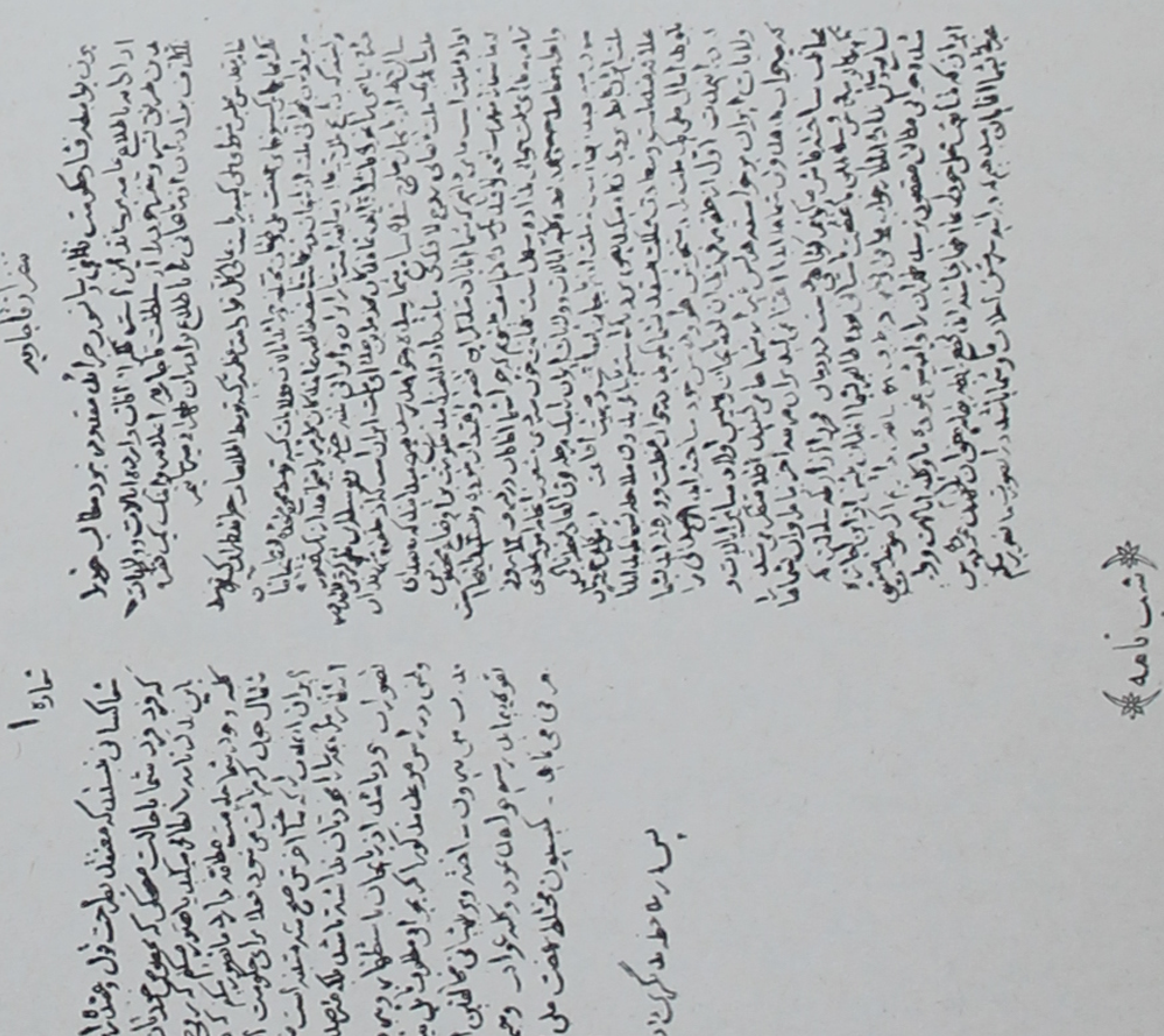
حال وظیفه دارم که از روی همین ورقهٔ (شب نامه) دنبالهٔ این صدا و
یا بقول همان ورقه اثر ناله و استغاثه را گرفته و بحقیقت آن پی ببریم

(صدا از کجاست و از کلوی که بیرون می آید ؟)

ممکن است این صدا حقیقت نداشته و از اثر انعکاس اصوات کوهستانی
و یا طاق مقرنس و مجوفي بوده باشد که گوینده خود خیال میکند غیر
از او کس دیگری نیز حرف میزند اینطور است ؟ - یا اینکه جامعه و
جماعتی در کار است و افکار عمومی در این مملکت موجود است و از
نقاط دور دست صداها و همهمه هائی بلند است ولی مرکز نشینان دو
دستی بگوش خود پنبه گذاشته و یا عمداً ثقل سامعه پیدا کرده اند ؟
این قضیه خیلی مهم است و باید آنرا تحقیق نمائیم - مبادا واقعه نظیر
گذارشات یك قسمت از شورش فرانسه بوده باشد - که یك دسته دشمن
تغییر لباس داده و خودرا بلباس آزادیخواهان در آوردند و وارد صفوف
آنها شدند در ساعتیکه اینها آزادی میخواستند آنها هم فریاد میزدند
(نان میخواهیم) ولی گرسنه نبودند و الا بمبل ها دستبرد نمیزدند و صندلی
ها را غارت نمیکردند و فقط برای تشویش و تخدیش اذهان خلط مبحث
میکردند وغوغا مینمودند !

ما میرویم حقیقت این جریان را پیدا نموده و علل آنرا تحصیل نمائیم ؟
چه خبر است ؟ چرا مردم مضطربند ؟ و مرکز اضطراب کجا است ؟
شب نامه دیگر را بدقت بخوانید وکم کم اذهان سادهٔ خودرا مستعد درك
حقائق مهمهٔ تاریخی بنمائید
تا معلوم گردد چه وحشت و اضطرابی سر تا سر ایران را فرا گرفته و چه
خیالاتي در کلهٔ مردم جای گیر شده و چکونه عصبانی شده اند ؟ لابد بتاریخ
(سر ژان ملکم صفحه ۱۴۷) مراجعه نموده باین سرّ پی برده اند که
(آغامحمدخان) استخوانهای نادر را نیزازقبر بیرون و ازمسهدبطهران آورد ودر

آستانهٔ سرای سلطنت دفن کرد) وحالا متوحشند که مبادا ازاعقاب آغا محمد خان آسیبي بنقطهٔ اتکاء ملّت برسد ؟


شب نامه

شمارهٔ ١

(تنفر از قاجاریه)

چون بواسطهٔ فشار حکومت نظامي و سانسور جراید مقدور نبود مطالب خود را آزادانه باطلاع عامه برساند این است تلگرافات واردهٔ ایالات وولایات را بدین طریق نشر و تنفر خود را ازسلطنت قاجاریه اعلام واینك يك فقره تلگراف برادران آذربايجاني را باطلاع برادران طهرانی میرسانیم

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست عالی کل قوا دامت‌عظمته کپیه توسط اطلاعات جراید طهران کپیه توسط تلگرافخانه‌ها کمیسیون های نهضت ملی و طبقات مختلفه و جراید ایالات و ولایات کپیه توسط مجمع متحدهٔ آذربایجانیان به برادران طهرانی ملت آذربایجان در نهایت تاسف قاطبهٔ نمایندگان محترم را میخواهد از یك قصور وظیفه که در تاریخ ملل حیهٔ عالم بي سابقه است بنام ایران و ایرانی متنبّه ساخته و بوسیلهٔ این تذکر حتی‌المقدور جبران ماضی را نموده باشد ـ آقایان نمایندگان محترم این صدای ملت ایران است که از حلقوم فرزندان ساکن خطهٔ آذربایجان خارج شده بسامعهٔ شما رسیده و خواهد رسید هیچ میدانید که با صداي ملت آنهم یك ملت عصباني روح لا قیدی منافات دارد ؟ آیا میدانید حکومت بر اوضاع مخصوص ارادهٔ ملت است ما نمیدانیم که شما آقایان متذکر این قضیه و اهمیت آن بوده و هستید؟ اینجا است که ما شما را متهم بمسامحه و لا قیدی کرده متاسف مي شویم که چرا شما آقایان در ظرف (٢٢) روز تمام بندای ملت جوابی نداده سهل است با نهایت خون سردی مشغول انجام امور عادی و اجرای مقاصد خصوصی خود بوده کلیهٔ ایالات و ولایات ایران را بیك مرحلهٔ فوق العاده خطر ناکی سوق میدهید!.

اینجا است که ملت آذربایجان بصداقت و صمیمیت طاعت شما را از موکلین خودتان (ملت ایران) با نظر تردید نگاه میکنند یعني نزدیك است یکباره بدون ملاحظه بشما بگوید ابداً علاقه مند بامنیت وسعادت مملکت نیستید بشما بگوید درخواب غفلت فرو رفته اید بشما بگوید آمال ملی یك ملت را دستخوش هوا و هوس خود ساخته اید ـ این صدائی را که در این مدت اول ازحلقوم فرزندان آذربایجان وپس اولاد سایر ایالات وولایات ایران بر خاسته هرکس غیر از شما ها می شنید اقلا متفکر میشد که چه جواب

بدهد ؟ ولی شماها ابداً اعتنا نمیکنید برای مرتبهٔ آخر بنام ایران شماها را مخاطب ساخته فاش میگوئیم کوتاهی دست دودمان قجر را از اریکهٔ سلطنت که تکیه گاه سیروس و سلاطین با عظمت باستانی بوده طالبیم بشما آقایان بیش از این اجازهٔ تسامح و تعلل نداده انتظار جواب موافق و قطعی در ظرف چهل و هشت ساعت داریم !

اگر موعد منقضی شد و جوابی مطابق مقصود نرسید طهران را فراموش نموده ما و کلیهٔ ایالات وولایات ایران که فقط متابعت محلی خود را بما اظهار داشته اند قطع رابطه به تمام معنی آن با طهران نموده درس عبرتی بشما آقایان میدهیم که در آتیه سرمشق اخلاف ما و شما باشد در اینصورت ما تصور میکنیم که شما کسانی نیستید که معتقد بصداقت قول وعقیدهٔ راسخ بوده باشید ما تصور میکنیم که فرد فرد شما با حالت مضحکی که مخصوص خودتان زائیده شدهٔ محیط شما است به این تذکر نامهٔ ما نظاره میکنید یا تصور میکنیم که روح مجاهله و محافظه کاری در کلیهٔ وجود شما حکومت مطلقه دارد ما تصور میکنیم که در عروق و شرائین شما یك مثقال خون گرم یافت نمیشود فعلاً برای حکومت افکار عمومي دنیا و تاریخ آتیهٔ ایران این مدت را که ساعت آخرش صبح سه شنبه است ضرب الاجل نمودیم ومن بعد انتظار مراجعهٔ ما را بخودتان نداشته باشید بلکه مترصد رفتاری خارج از حدود تصورات خود باشید آذربایجان باستظهار و پیروی قدرت ملی خود و سایر برادران وطني در رأس مورد مذکور اگر بجوابی مطلوب نائل نیامد دست انتقام از آستین قدرت ملی بیرون ساخته و بر پیشانی مخالفین امال ملّی کلمهٔ را که امروز نمیخواهد تفوه بنماید رسم خواهد نمود وکلیهٔ عواقب وخیم و ممکنه را بمسؤلیت شما معرفی مینماید (کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان ـ کمیتهٔ احرار وطن خواهان)

(بس از ملاحظه بدیگری داده شود)

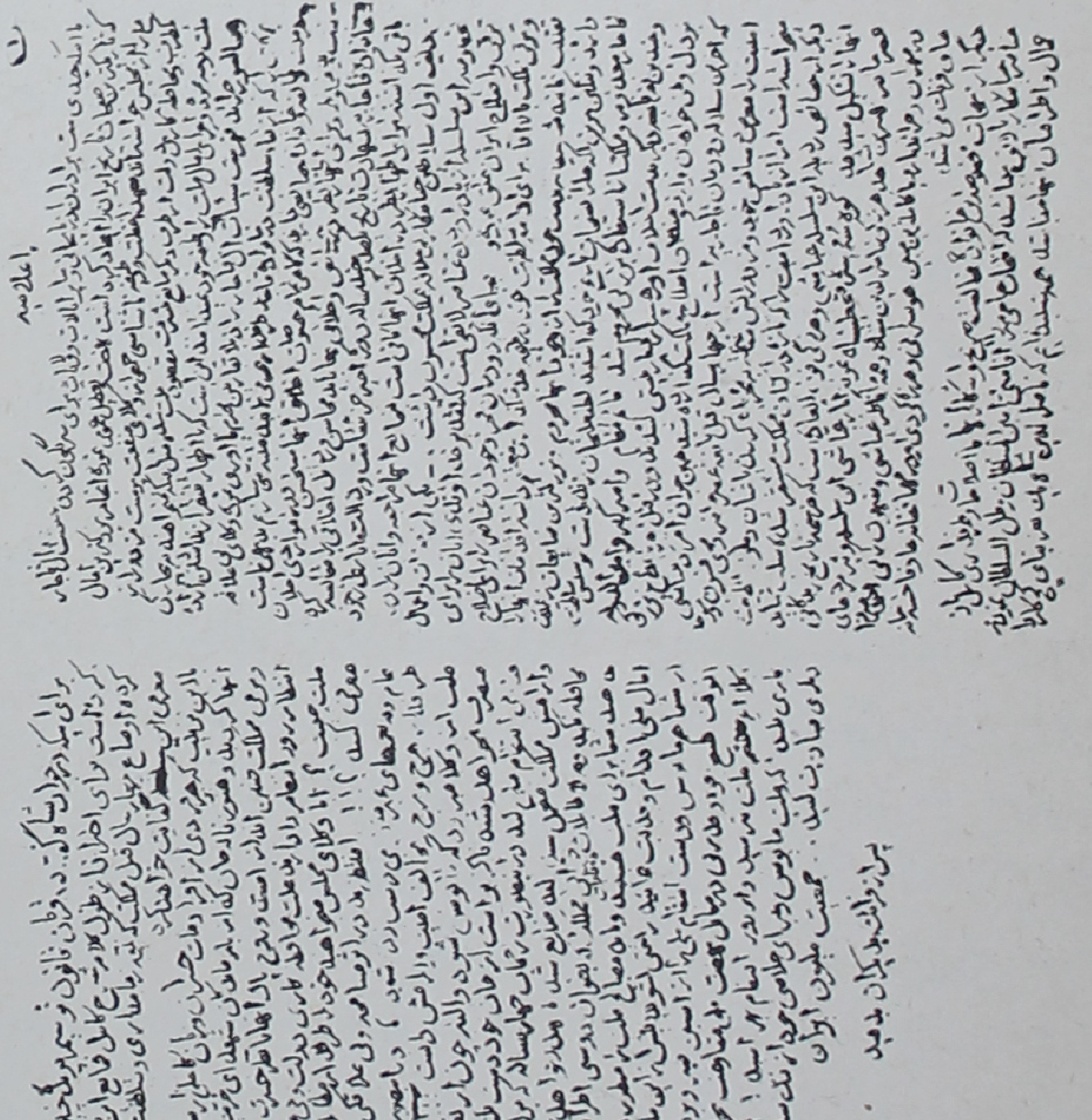
***

این شب نامه علاوه از تبیین حالات روحی واخلاقی ملت ایران بیك رشته تشکیلات سری مرکز و خارج مرکز اشاره میکند و معلوم میدارد که در طهران کمیتهٔ که شعبهٔ فرعي مرکزی آذربایجان است وجود دارد ومسلم میدارد که از دیر زمانی درآذربایجان قوای مخصوصی درکار بوده و در پنهانی و سرّ قوای داخلی خود را تهیه و شروع باتساع کرده و رشته های خود را بسایر نقاط رسانده و چون در طهران وسائل ووسائط اخبار و استخباریه در دست دولت و در سانسور بوده و از نشر اخبار مرکز و خارج مرکز جلوگیری مینموده مدتها است که از اخبار ایالات جلو گیری کرده و نمیگذاشته مردم ازجریانات ملی و افکار و عقاید عمومی خبردار بوده باشند و چون این تلگراف که در ضمن شب نامه کپیه بنقاط متعدد داشته یك نسخهٔ آن بدست این قوهٔ مخفي افتاده و چون غیر از شب نامه وسیلهٔ انتشار آنرا نداشته اند از همین راه توانسته اند مدلول آنرا منتشر نمایند و ضمناً بازبان ساده جریانات عمومی را خاطر نشان نموده و از سخت گیری های دولت که مانع تظاهر اراده وعقاید عمومی ملّی است شکایت مینماید و این نکته را مسلم میدارد که دولت وقت بانهایت شدت از ابرازحسیات ملی جلوگیری نموده ودراین راه برغم آزادی مطبوعات ومخابرات عرصه را بملت تنك گرفته و مردم را عصبانی و بستوه درآورده است!.

از همه چیز مهمتر آنکه از همین تلگراف درضمن شب نامه معلوم میگردد که در آذربایجان و سایر نقاط ایران هنگامهٔ غریبی برپا است و آذربایجان از سایر ایالات و ولایات دعوی وکالت مینماید و نشان میدهد که بیست روز است که بمجلس شورای ملي تظلماتی داشته و خلع وانقراض سلسلهٔ قاجاریه را خواسته اند و در اینمدت جوابی نشنیده اند و اینك چهل و هشت ساعت باضرب اجل دارند اتمام حجت مینمایند!.

حال بمناسبت مقام و مندرجات این ورقهٔ شب نامه مناسب استکه بیانیهٔ

ژلاتینی (شب نامهٔ) دیگری را دست گرفته و جملات آنرا نیـز از نظر گذرانیده و مطالب آنرا با شب نامهٔ معهود مقایسه وضمناً بتعدد تشکیلات سری پی برده و از عقیده ومسلك آنها کسب اطلاع نمائیم



(شب نامه)

نمره ۱

اعلامیهٔ

با اینکه چندی است برادران آذربایجانی وسایر ایالات و ولایات برای سرنگون کردن سلطنت آل قاجار که تاریکترین صفحات تاریخ ایران را ایجاد کرده است نهضت وتعطیل نموده انجام بزرگترین آمال ملی را از مجلس خواسته اند معهذا غفلت ووظیفه ناشناسی جمعی از وکلای منفعت پرست مزدور از یکطرف

ومحافظه کاری دولت از طرف دیگر مانع پیشرفت مقصود ملت شده مثل اینکه نمیخواهند به بیچارگی ملت توجه نموده و اجرای آمال ملت را وظیفهٔ خود نمیدانند اینستکه با اظهار تنفر از نداشتن آزادی و سانسور جراید فهرست سیئات آل قاجار را ذیلا بقارئین محترم یاد آوری نموده وکلای بی علاقه بمملکت را که از بقاء سلطنت در خانوادهٔ قاجار طرفداری می نمایند متنبه می سازیم :

بدیهی است هر ملت و طایفه و خانوادهٔ خصایصی دارند که گاهی تمام خصوصیات اخلاقی آنها مستحسن و در مواردی اخلاق نیك وبد مخلوط و برای اظهار نظر در خصایص و اخلاق آنها باید محاسن و رذائل اخلاقی را مقایسه کرد :

خانوادهٔ قاجاریه بشهادت تاریخ یکصدو چند سالهٔ دورهٔ اخیر جزشآمت و رذالت آثاری ازخود باقی نگذاشته برای اظهار نظر در اخلاق آنها کافی است بفجایع آنان مراجعه و آنان را در ردیف اول سلاطین جنایتکار بی علاقه بمملکت محسوب داشت یکی از صفات و اعمال مخصوصهٔ این سلسله از پا در آوردن عناصر لایقی است که تقدیر خداوندی آنانرا برای ترقی و اصلاح ایران خلق نموده و بجای آنکه دودمان قجر وجود آن عناصر را برای اصلاح و ترقی مملکت یا لا اقل برای ادامهٔ سلطنت خود در نتیجهٔ خدمتگذاری مغتنم دانسته اقدامات آنها را تعقیب نمایند متاسفانه بدست خود مملکت را از وجود آنها محروم و بزرگترین ضایعات را بمملکت وارد و سنگین ترین لکه ها را بصفحات تاریخ خود گذاشتند!

لطفعلیخان زند بدست قاجار معدوم و مملکت از استفادهٔ بزرگی محروم شد قائم مقام و امیر کبیر و امین‌الدوله وچندین نفر نابغهٔ دیگر بدست اخلاف او رهسپار دیار نیستي شدند و در قتل هر یك داغ بزرگی بر دل وطن خواهان و آرزو مندان اصلاح مملکت گذارده شد همین جوان امرد عیاش که آخرین سلالهٔ دودمان قاجاریه است در چهار

سال قبل نابغهٔ عصر حاضر و محیی قشون و موجد امنیت را معرض دسایس خود و مزدورانش ساخته به تحریك کردن یاغیان و ملوك الطوایف میخواسته است او را از پا در آورد امنیت را که تازه در اکناف مملکت مستقر شده سلب نماید!

دیگر از خصایص رذیلهٔ این سلسلهٔ عیاشی و هرزگی فوق العاده است که سر صفحهٔ تاریخ زندگانی آنها را تشکیل میدهد کوه سرسرهٔ فتحعلی شاه نمونهٔ آثار عیاشی این سلسله و پیر مردهای عصر حاضر بهترین شاهد هرزگی ناصر الدین شاه و همهٔ ما ناظر عیاشی و شهوت رانی احمد میرزا در طهران و جرائد اروپا کاملترین مبیّن هوسرانی و هرزه گردی او در مهمانخانها و فاحشه خانهای فرنك می باشد!

دیگر از صفات مخصوصهٔ این خانواده مخالفت صریح و آشکار آنها با اصلاحات و طرفداری کامل از عناصر جنایت کار نالایق میباشد که انتخاب حاجی میرزا آقاسی وامین السلطان وظل السلطان نمونهٔ عمّال واطرافیان آنها میباشد همه شنیده ایم که ناصر الدین شاه یکنفر بنای گچ کار را برای اینکه در جواب شاه گفته بود قربان قانون ترسیم پرنده چنین است سخت مجازات کرده است برای احتراز از طول کلام شرح کامل فجایع این سلسله را به آتیه موکول کرده اوضاع چهار سال قبل مملکت که نمونهٔ زمام داری وسلطنت آنها است برای معرفی این سلسله کفایت خواهد کرد!

با این ترتیب که هر فردی از افراد ملت خسران و زیان کاملی از سلطنت آل قاجار متوجه آنها گردیده و هنوز نالهٔ جانگداز بازماندگان شهدای حرّیت وبیداری واصلاح و ترقی مملکت طنین انداز است وروح پاك آنها بانظر حسرت به ابناء نوع نگریسته انتظار روز انتقام را دارند علت محافظه کاری دولت و بی علاقه گی نمایندگان ملت چیست؟ آیا وکلای مجلس میخواهند خود را طرفدار مظالم و فجایع آل قاجار معرفی کنند؟ آیا منتظرند بر اثر مسامحه و بی علاقه گی آنها یکمرتبه صبر ملت تمام و به نغمه های غیر منتظری دست زده شود

در اینصورت آنها را باید طرفدار هرج و مرج و مخالف امنیت و آرامش دانست !!!
آقای پهلوی ملت ازوکلا میرود که مأیوس شود والبته چون از تعقیب مقصود منصرف نخواهد شد ناگزیر است از جان خود دست بکشد و چون خود را فدای انتقام می کند در اینصورت زحمات چهار سالهٔ که برای استقرار امنیت و آرامش مملکت متحمل شده اید ضایع شده و بهدر خواهد رفت بیش از این محافظه نکنید و به لاطائلات طرفداران خرابی مملکت که بعنوان دوستی اطراف شما را گرفته گوش ندهید شما برای ملت هستید و باید مصالح ملت را منظور داشته و در انجام آمال ملی اقدام و جدیت نمائید راضی نشوید بیش از این ملت در انتظار بوده از شما هم مأیوس و دست انتقام ملي را از آستین صبر و بردباری بیرون نماید !
آنوقت هیچ قوه و قدرتي در مقابل نهضت ملی مقاومت نخواهد کرد
آقایان وکلا از خشم ملت بترسید و از روز انتقام بهراسید !
آقای پهلوی شما هم کاری نکنید که ملت مأیوس و برای خلاصی خود از ننگ سلطنت قاجاریه به اقدامات دیگری مبادرت کند. —

(جمعیت ملیون ایران)

پس از قرائت بدیگران بدهید

☆☆☆

چنانچه ملاحظه میشود شب نامه دولت را شدیداً تحت اعتراض گرفته وبا لفظ محافظه کاری و بی علاقه گی حمله میکند واظهار میدارد در صورتیکه احساسات ملی آزاد نشود دست انتقام را از آستین صبر و بردباری بیرون خواهند آورد و نهضت ملی شروع خواهد شد وبرای حقانیت ملت و اقدام بیك چنین انتقام و نهضت مدهشی جرائم سلاطین قاجاریه را خاطر نشان نموده و روح شهدای آزادی را بگواهی خود میطلبد و ازیك اضطراب

و نگرانی و وحشت خبر میدهد ـ و مجلس شورا را در پیشگاه ملت مقصر میشمارد و اطرافیان رئیس دولت را خائن و دشمن مملکت تشخیص میدهد!
این چه حرفی است ؟ چه نسبتی است ؟
این شب نامه های متلاشی در کوچه و پس کوچه های طهران افکار ما را نیز پریشان مینماید !! مارا که قلم دست گرفته ومیرویم بنام وعنوان مورخی در جریانات قضاوت نمائیم دچار بسی مشکلات میکنند!
برای بدست آوردن این حقایق و پیدا کردن علت این اضطراب لازم است قدری دقیق تر شده و حقیقت را تحصیل نمائیم

علت اضطراب ومرکز آن اندازهٔ

شدت و سرایت — دو دقیقه

فکر درمنویات عمومی وقضاوت

هر منطقه تاثیر خاصی در عقیده و افکار و اخلاق ساکنین خود دارد: منطقه های کوهستانی و سردسیر از حیث نور و هوا و زمین و آبهای جاری موثر های مخصوص هستند در نوع تربیه هـای بدنی و دماغی افراد آن منطقه:
آذربایجان که در قسمت شمال غربی ایران واقع است کوهستانی وسردسیر است و امتیاز مخصوصی از سایر قطعات ایران داشته و باید از بنیهٔ اولاد آن در قدرت و قوت دماغی و فکری آنان قضاوت نمود و بقول (فلاماریون

« On pourrait juger des mœurs d'une époque par la stature des individus »

(می توان از اخلاق یك قرنی بواسطه بنیهٔ اولاد آن قرن در حقیقت آن قضاوت نمود)

آذربایجانی از این حیث ممتاز و استعداد مادی و معنوی آن از سایر قطعات زیاد تر و بشهادت تاریخ یك نوع حسیات بس رقیق در عروق شعریه واعصاب فعاله و سلول های دماغی آذربایجانی موجود است که افراد این منطقه را

همیشه در حکم یك جمعیت منظم نفسی جلوه داده و با توافق افق و وحدت منویات دارای فکر سریع هستند و یکنوع معنویتی در آنها موجود است که قضایا را بهتر و زودتر تحلیل برده وبهمین مناسبت زیادتر (قابلیت تأثر وغضب و اندفاع) را دارند :

از روی همین ملاحظات و نکات پسیکولوژی وقتیکه بحوادث مهمه و نا بهنگام تاریخی این مملکت کهن سال مراجعه می نمائیم خواهیم دید که مهد زرتشت زیادتر از سایر قطعات ایران در جزر و مد حوادث واقع گردیده و در تعیین مقدرات عمومی همیشه پیش قدم و بعبارة اخری آتش آن خواموش نشدنی است و حسیات آنها مافوق حسیات انسانهای عادی است : چون قسمت عمدهٔ مطالعات تاریخی ما از آذربایجان بر خواسته وآذربایجانی رول مهم این واقعه تاریخی را بازی خواهد کرد لازم است در کشف حقیقت این نکته روحی که فوقاً بان اشاره کردیم قدری دقیق شده ومعلومات خود را در روی شالوده محکمی پا برجا نمائیم !

ذهن خود را از گذشته دور متوجه وقایع نزدیکتر نموده و در زمینهٔ حوادث هیجده سالهٔ ایران بگذارشات آذربایجان مراجعه می نمائیم.

خواهیم دید که آذربایجانی در روی مرام و احد یعنی (دوام وبقای استقلال مملکتی و سیاسی ایران و ترقیات این مملکت) همیشه در پی تفتیش وتهیه و تحصیل وسائل بوده و در طول این مدّت خود را فدای مقصد و سپر بلاهای گوناگون نموده و قوهٔ دماغی اولاد این منطقه برای کشف وتعیین مقدرات عمومی استعداد مخصوصی نشان داده و در قابلیت تأثر مانند شیشهٔ عکاسی دائماً حساس بوده است : آذربایجان با یك چنین حسیات رقیق و روشن وقتی از یك مسافت بعیدی استراق سمع کرده بود که در باریان طهران را عقیده بر آنست که (آذربایجان عضو شقاقلوس گرفتهٔ ایران است و باید آنرا برید

تا بسایر اعضا سرایت نکنند !)

باید قضاوت نمود یك ملتی که برای تثبیت موقعیت سیاسی و استقلال وطن خود همیشه با خون خود بازی نموده و قربانیهای تزیین کردهٔ خود را با دست خود بمذبح مدافعهٔ وطن وآزادی میفرستد و از طفل گرفته تا پیر مرد در این راه از بذل جان مضایقه نمي نمایند = حتی در روز عاشورا ـ در یك روز پر شر و شوری آذربایجانی اطفال و پیران خود را در بالای چوبهٔ دار می بیند و با دست خود اجساد شهدای خود را از پای چوبه دار بر میدارد و بادل خونین وچشم اشکبار ولی باشهامت و امیدوار بیك آتیهٔ درخشان قربانیهای خودرا بخاك سیاه میسپارد ودرمیدان جانبازی از هیچ قسم فداکاری مضایقه نمی کند — آیا یك چنین عقیده و بیان چه تاثیرات مدهشی در مغز وعروق واعصاب فعالهٔ آن مینماید ؟ ! آذربایجانی بعد از این عقیده چه نظریاتی بدربار قاجاریه پیدا می کند ؟ ! گر چه این گفتار شوم از یك حلقوم مخصوصی خارج شد ولی حقیقتاً حکایت از عقاید شاه می نمود !.

این شاه است که مصمم شده آذربایجان را مثله نموده و به دشمن تقدیم کند !

از این ساعت دیگر آذربایجانی نتوانست از دستگاه ولیعهد پذیرائي نموده و در دامان خود مار بپروراند وتصمیم گرفت که (علاج واقعه را قبل از وقوع باید بنماید)

آذربایجانی در روی این مقدمات حوادث را تحلیل می برد و همیشه در اضطراب بود و به آینده با چشم خیره مینگریست — دائماً نگران بود و بیدار و از مسافرت های پی درپی احمد شاه فوق العاده متوحش

بود و گاهی خیال میکرد که ممکن است شاه عشوهٔ (۱)☆ دختر ماهی فروش را به اورنك شاهی ترجیح داده و معامله را یکسره نماید و گاهی خیال میکرد که ممکن است توقف در اروپا را به مراجعت بایران ترجیح داده و هیئت دولت را بحال خود بگذارد که رئیس الوزراء (رضا خان پهلوی رئیس کل قوا) طرح های اصلاحات را تعقیب و مملکت را از فلاکت نجات دهد توجه ملت باصول اصلاحات (که در تحت تاثیر زمامداری وفعالیت بی نظیر رضا خان پهلوی که با فقدان تمام وسائل ایرانرا برديف دول کشانیده و ایرانی را درصف ملل حیّه قرار داده و تمدن در پشت سر بیرقایران بتمام نقاط ایران سرایت نموده راه ها ساخته شده مال التجاره دست بدست در بازار تجارت ایران رواج یافته امنیت سرتاسر مملکت را فرا گرفته مؤسسات قشوني از هر جهت رو براه و کارخانجات دائر مدرسه ها مفتوح و ملت و دولت با یك ایمان و عقیده دست هم را گرفته و با قدم های سریع رو به ترقی میروند)
داشت شاه را فراموش مینمود و معتقد عمومی بر این بود که بواسطهٔ دوري شاه از ایران اوضاع عمومي در روی محور اصلاحات سیر کرده و بدون اختلال حواس میتوانند بفلاکت مملکت سر و سامانی داده و احتیاجات را رفع نمایند. گرچه شاه درمدت غیبت خود دستی در آتش داشت وهمیشه يك اقلیت مخصوصی را در زیر دامن خود می پرورانید که متصل موی دماغ دولت و ملت بودند و هر دقیقه انگشت اخلال باصول اصلاحات میرساندند ولی بواسطهٔ قدرت دولت و صمیمیتی که ملت به رئیس دولت داشت باین جریانات مخالفت کارانه دربار و اقلیت معهود وقعی نمیگذاشتند مخصوصاً

هرمزان ولیعهد یزدگرد چهاردهمین پادشاه ساسانی عاشق دختر ماهی فروش بود و عشق اورا باریکه سلطنت ایران ترجیح میداد و باعث شکست قشون ایران در مقابل عرب عملیات محرمانه هرمزان و ایاد رئیس الوزراء یزدگرد شد و از آن تاریخ این جمله ضرب المثل شد که بالاخره در این دوره کاملا به احمد شاه تطبیق گردیده است

این عقیده را یك فقره جریانات پارلمانی فوق العاده تائید کرد چه انکه پس از آنکه (محمد حسن میرزا ولیعهد) تمایلات ملت را برئیس دولت احساس نمود بصدد آن بر آمد که این مناسبات را بهر قیمتی که بوده باشد اخلال نماید و بجز از مراجعت احمد شاه بایران هیچ وسیلهٔ برای اجرای نقشهٔ خود نیافت و چنین تصور نمود که اگر شاه بایران برگردد ممکن است با تهدید و تطمیع مناسبات ملت ورئیس دولت را اخلال نماید!.

برای اجرای این خیال مقدماتی چید وپولهائي بمصرف رسانید بالاخره نقشهٔ را که طرح کرد عبارت از این بود که مجلس شورای ملی ازشاه استدعای مراجعت بایران نماید و متن تلگرافی تهیه کرد و بدست اقلیت داد ولی همینکه این ترانه در مجلس شورای ملی آغاز شد (میرزا حسین خان پیرنیا) که در آن موقع سمت ریاست مجلس را داشت این اظهار را رد واعتراض کرد که شاه باجازهٔ مجلس رفته تا باستدعای آن مراجعت نماید

این حرکت مجلس شورا ملت را کاملاً مطمئن نمود که برای احمدشاه منزلتی در پیشگاه مجلس نیست واصلاحات مصادف مانع نمیشود و درضعیات عمومی بحرانی ایجاد نمیکردد

محمّدحسن میرزا ولیعهد از مجلس شورای ملی که مأیوس شد بشخصیات پرداخت و نقشهٔ استدعای مراجعت شاه تکیه‌گاه خود را رفت که بمهر های حکاکان در مسجد شاه قرار بدهد و از این و آن استدعای مهرکردن تلگراف بمضمون فوق مینمود و در این جریان اشخاصی را نیز باروپا میفرستاد و عوامل مخصوصهٔ اززن و مرد درکوچه و بازار از القاء هیچگونه شبهات و تخدیش اذهان خودداری نمی کردند :

بالاخره نتیجهٔ که از عملیات خود گرفت عبارت از این بود که تلگرافی بمضمون ذیل ازشاه برئیس‌الوزراء رسید .

RECEIVED			THE INDO-EUROPEAN TELEGRAPH CO. (Limted.)	FORWARDED		
From	at	by	*Teheran Station.*	to	at	by
	M.				M.	
Check No.			Thn *From* Paris			

Prefix	No.	No. of wordes	original date and time	Service instruction
sd	9	37	16 1.40	**Duplicata**

Djenabe Achraf Raisolvoyera

Teheran.

Beonellah teala dovome mahe octobre ba Kechtiye mosoum be Naldera az marseille az rahe Bombay betarafe Iran harakat mikonam az moradjeaté be vatan aziz nehayate masarrat hassil va Khochvagtam Keon djenabe Achrafra bezoudi molagat Khaham nemoud.

Shah

(از پاریس ـ طهران)

جناب اشرف رئیس الوزرا ـ بعون الله تعالی دوم ماه اکتبر باکشتی موسوم به (نلدرا) از مارسیل از راه بمبئی بطرف ایران حرکت میکنم ازمراجعت بوطن عزیز نهایت مسرت حاصل وخوشوقتم که آنجناب اشرف را بزودی ملاقات خواهم نمود ـ شاه)

RECEIVED			THE INDO-EUROPEAN TELEGRAPH CO. (LIMTED.)	FORWARDED		
From	at	by	*Teheran Station.*	to	at	by
	M.				M.	
Check No.			*From*			

Prefix	No.	No. of words.	Original date and time	Service Instructions
		42	19|9	**Duplicata**

Sa Majeste Imperiale le Schah Paris

Telegrafe mobarek que mobbachere Tachrif farmaiye alahazrate homayoni boud ziarat va haghighatan baesse Kamale massarat gardid esteda darad maloum farmayand mokebe moloukane be Kodam yek az banadere sarhaddi nozoule edjlal Khahand farmoud 6821

Reza

(طهران – پاریس)

اعلیحضرت شاهنشاه ایران – تلگراف مبارك كه مبشر تشريف فرمائی اعلیحضرت همیونی بود زیارت وحقیقتاً باعث کمال مسرت گردید استدعا دارم معلوم فرمایند موکب ملوکانه بکدام یك از بندر سرحدی نزول اجلال خواهند فرمود (٦٨٢١ رضا)

رئیس الوزراء مژدهٔ مراجعت شاه را در ضمن متحدالمآلی بتمام نقاط ایران اعلام نمود که ملّت بدانند تاسرپرست مملکت ! بایران برمیگردد و مراسم پذیرائی را فراهم نمایند و مخصوصاً رئیس دولت از این پیش آمد اظهار خوشوقتی نمود وتلگرافاً استعلام کرد که از چه راهی و کدامین سرحدّی وارد ایران خواهند شد تا وسائل استقبال و پذیرائی کاملاً منظور و اجرا گردد

(بارقهٔ شدید و سوء تاثیر تلگراف مراجعت شاه بایران)

همینکه تلگراف شاه در ضمن متحد المآل رئیس دولت در ایالات و ولایات منعکس گردید اضطراب مخصوصی را ایجاد و بیش از همه آذربایجاني بوحشت افتاد و دید که تمام نقشه های اصلاحیّه که در ظرف سه سال تهیه و طرح ریزی شده دارد واژگون میگردد چه آنکه آذربایجانی در ظرف سه سال و در اثر یك ارادهٔ فعال و متین و عزم آهنین یك رئیس الوزرای لایق و توانائی بمنویات و آمال دیرینهٔ خود رسیده و با استظهار دولت قدم بدورهٔ طلائی گذاشته و موفقیت حود را بدنیامعرفي میکند ـ یکدفعه دید که از مراجعت احمد شاه دو باره افق زندکانی آن با ابرهای تیرهٔ و تار مستور و آسایش و امنیت دچار مخاطرات بسی هولناك است و مقارن این حال اعلان انتخاب وکلای دورهٔ ششم مجلس شورای ملی نیز بنام احمد شاه صادر و در دیوار ها الصاق شد و یا بعبارت دیگر فرمان انتخاب صادر گردید

همه میدانیم که جامعه و جماعت در هنکام سکونت و آرامش مانند آب راکد و در موقع جوش و خروش نظیر دریای طوفان دیده و متلاطم است .

همانطور که یك سنك ریزه درآب راکد ایجاد امواج ملایم و مسلسل مینماید بطوریکه با مختصر اصطکاك خارجی و یا داخلی موجهای منظم

در هم میریزد و روی هم میشکنند و مبدل باضطراب و طوفان میگردد و بنای تلاطم میگذارد - ارامش و سکونت یك جامعه نیز از حس ناملایمات مبدل بانقلاب و شورش میگردد! - این تلگراف را نمیشود بسنك ریزه تشبیه کرد بلکه در اقیانوس حیات اجتماعی ملت ایران و بالاختصاص آذربایجانی که تازه از زیر فشار ملوك الطوایفی خلاص شده و در تحت اصول متحد الشکل اداری دارد زندگانی مینماید مانند آتش فشانی بود که یکمرتبه دهن باز کرد و دم طوفان بدر یا دمید - سکونت را بر هم زد - امواج عقاید و افکار را روي هم ریخت - ملت را عصبانی نمود ویکدفعه بااین مقدمه انقلاب یا رستاخیز شروع شد!

(حسّ تزاحم ومدافعه یاعلاج قبل از وقوع واقعه)

ملت ایران مخصوصاً اهالی آذربایجان یکمرتبه حس کردند که این رفتن و بر گشتن در اثر دستور های سیاسی خانه براندازی استکه مقدمات برچیده شدن اصلاحات و تولید اختلافات را فراهم مینماید و دیدند که مرتبهٔ دیگر در پردهٔ سینمای سیاست ایران شبحی بنام شاه (احمد میرزا) خودی نشان میدهد که بنظر ها دیده میشود و در جلب توجه انظار موجود تام العیاری است که بچشم میاید ولی در معنی زیاد تر از یك صورت انعکاسی چیز دیگری نیست که از ثانیهٔ ظهورش در پردهٔ سیاست تا موقعی که از بازی کناره گرفته و ازنظرها ناپدید میشود ارزان است وماننده خواب وخیال نه قابل اشارهٔ حسیه است ونه استعداد و قدرت دوام دارد میاید و میرود فقط انظار را خیره و اذهان را مشوّش مینماید!.

این وجود ناقص نه تنها از حیث وجود اینطور بود بلکه تاثیر خاصی در تولید نفاق و بر انداختن پایهٔ اصلاحات و ایجاد هرج و مرج داشت که بنام عدم مسؤلیت درراس تمام قضایا جاگرفته و در جزئیات و کلیات مداخلهٔ غیر مستقیم مینماید وباتش دامن میزند و دفعهٔ دیگر موجودیت آذربایجانی را طعمهٔ آتش حرص وآز خود مینماید!.

آذربایجانی از دیر زمانی گرفتار هرج و مرج و کشت و کشتار و خون ریزی و اسارت بود و تمام نقاط آن خطه باتش بیداد سوخته اهل تبریز جرأت نمیکردند که ولو دو دقیقه برای تفریح در اطراف باغ شمال تردد نمایند! - دسته هاي مسلح و غارت گر تا پس دیوار شهر مي تاختند وجان و مال و ناموس دهاتی و شهری و زارع و دهقان هدف تیر تا بهنکام شقاوت کاران ودرمعرض دست برد جنایتکاران بود!

خوی و ارومیه و سلماس از یکطرف - اردبیل و مشگین وخلخال ازطرفي قرجه داغ و هریس و خانرود والان براغوش از طرفی - مراغه و افشار و ساوجبلاغ از طرفی در زیر سم ستوران با خاك یکسان گردیده درقراجه‌داغ والکان فتنه وفساد دهن باز کرده و در ماکو بیرق طغیان در اهتزاز و روزگار درازی است که آذربایجانی با یك چنین مخاطرات هم آغوش بوده و رویهم رفته دوسال نیست که از اثر قدرت و توانائی و نیات امنیت بخش و وطن پرستانهٔ یك رادمرد «رضاخان پهلوی رئیس کل قوا» باین فجایع خاتمه داده شده و کبوتر امنیت در آبادی آشیانه کرده و درشاخسار آزادی قمری سعادت ترانهٔ عدالت و آرامش وسکون میسر آید راه ها ساخته شده - پل ها بسته شده - در تمام قصبات و دهات تلفون و تلگراف نظامی کار میکند - مؤسسات علمی - فني - صنعتی درکار - تفرج گاه های ملی با منظره های با شکوه و دلفریب اهالی را بطرف خود دعوت - نوباوگان (پسر و دختر) با یك شوق و امیدواری دقائق عمر خودرا مصروف تربیت و تعلم نموده - مریضخانه های زنانه و مردانه با نهایت نظافت دائر از مسلخ تا سلاخ خانه با کمال نظم و ترتیب مرتب و بالجمله از طهران تا به تبریز چهل و هشت ساعت مسافرین در تردد - شمندوفر و تراموای با عجله و شتاب سعی دارند که نگذارند اوقات مردم مصروف پیاده رویهای کند گردیده - قیمت وقت در بین

اهالی بالا رفته ـ مردم باین فلسفه پی برده اند که (وقت زر است و باید از زرا استفاده کرد) آذربایجانی بانهایت آسایش مشغول اصلاح نواقص زندکانی ودرچند صباحی درردیف ملل حیه جا گرفته واندازهٔ علاقه مندی آنها بتعالی ازخلاصه چندفقره راپورت رسمی که ازنظرقارئین میگذرد معلوم میکردد ؛

اجمالاً باید بدانیم پس از آنکه در اثر ارادهٔ (رئیس کل قوا) امنیت در سرتاسر آذربایجان جایگیر شد در شهرها سربازخانهای کافی برای ساخلو قشون موجود نبود ونظامیان دچار زحمت فوق العاده بودند وتاسیس سربازخانه‌ها ازضروریات بود ولی متاسفانه دولت‌های وقت تاآنموقع درسدد این قبیل اصلاحات اساسی نبودند ! چه آنکه فارغ ازاین گونه افکار بسر میبردند قشون وسرباز نداشتند تا محتاج سربازخانه بوده باشند ! (رئیس کل قوا) میخواست باخرج قشون درتمام نقاط تاسیس سربازخانه نماید، واولین نقطهٔ که بحکم ضرورت منظور معظم‌له کردید سربازخانهٔ سرحدی (اشنویه) بود

(اشنویه) یکی از نقاط کردستان و از حیث نظریات سیاسی و جنکی دارای اولین مرتبه اهمیت و مرکز تقاطع اکراد و عشایر ایران و ترکیه است ودر ادوار سالفه تاسه سال قبل تمام مخاطرات این حدود از همین نقطه بوده ـ اهالی که در نتیجهٔ عزم (رئیس کل قوا) وفدا کاری قشون تامین این منطقه را دیدند واهمیت نظریات رئیس کل قوا را استنباط نمودند محض قدر دانی و ابراز صمیمیت برئیس دولت داوطلب شدند که باخرج خود سربازخانه‌را بسازند در سیزدهم جوزای ۱۳۰۳ ساختمان را شروع ودر دوم اسد بنا را باخر رسانیدند راپورت آنرا باین جانب که درآنموقع سمت فرماندهی قوای آذربایجان را داشتم دادند لازم دیدم که برای برافراشتن بیرق در بالای سردرسربازخانه شخصاً حاضر و باین افتخار نایل گردم ـ درمحل مزبور حاضر شدم در آن ساعتیکه بیرق افراشته شد و باد درپرچم آن جا گرفت وبلافاصله نشان شیر وخورشید درنظر تماشاچیان وحضار که زیادتر ازچند بن هزار نفر بودند نمودار گردید چنان غریو هلهله وشادی درفضا پیچید که گوئی رعدی بانر زد و بی اختیار از شوق وشعف

وامید پس از آنکه روزگار درازی در نومیدی گذرانده بودند اشك چشم مرد و زن جاری - دستها رو بآسمان - هریك بازبان ایلیاتی خود راز ونیازی داشتند وبیکدیگر ازداشتن سر پرستی مثل (رئیس کل قوا) تبریك میگفتند:
چه آنکه تا کنون از اقتدارات مرکز در این نقطه نام ونشانی نبود واهالی آنچه را که ازمخیلهٔ خود نمیتوانستند بگذرانند فقط امنیت بود! مردم نمیدانستند که نشان بیرق ایران چیست؟ وبالجمله راپورت رسمی این قضیه را درچهارم برج اسد ۱۳۰۳ در تحت نمره (٦۵) بفرمانده کل قوا تقدیم نمودم: سربازخانهٔ (اشنویه) و خدمات قشون افکار عمومی را بطرف خود جلب ومردم را بیك زندگانی امن وآسوده وعده داد هیجان مخصوصی در تمام طبقات ایجاد نمود در (ارومیه) نیز یك چنین سربازخانه ضرور بود ودرپنجم اسد برای اجرای دستور فرمانده کل قوا بارومیه رفتم تاحکم را بموقع اجرا گذاشته وبا خرج قشون سربازخانهٔ بنا نمایم اهالي از این تصمیم مطلع شدند ومجلسی را باحضور (علیخان بهادری) حاکم ارومیه فراهم وازاین جانب نیز دعوت نمودند درمجلسي که باحضور علما وتجار واعیان وسایرطبقات ارومیه تشکیل شد بدواً صحبت ازسربازخانه اشنویه ومراتب فداکاری وقدرداني اهالي آن نقطه بمیان آمد که یك مرتبه احساسات بنای جوش و خروش گذاشته ومردم مرا به بیرون شهر کشیدند و بهم چشمی اهالی اشنویه ارومیهٔ نیز داوطلب شدکه سربازخانه را بنا نمایند وپس ازبازدید نقاط وانتخاب مکان مناسب همانروز بطرف سلماس حرکت نمودم فردای آنروز (آقا میرزا محمود آقا (۱)* باعدهٔ ازمحترمین محل کلنك دست گرفته وشخصاً شروع بکارو پی را کنده وسنك اولیهٔ بنارا بادست خود گذاشت طبقات مردم ازمرجع تقلید خود تبعیت و با شوق سرشار و فعالیت غیر قابل تصور درزیر امواج احساسات ازیکدیگر سبقت میگرفتند وسربازخانه (نظامیه) را بآخر رساندند باطلاعات مبسوطی که ازگذارشات جگرخراش ارومیه وضعیت جانگداز چندین سالهٔ آن سامان تااین تاریخ داریم هیچ محتاج نیست که چگونگی را شرح دهیم و همه میدانیم که ازدیرزمانی اختلال اوضاع این منطقه وقتل وغارتهای متمادی

(۱) * یکی از مجتهدین باصلاحیت و تقوی ونفوذ ارومیه است که مقبولیت عامه دارد

دیگر برای اهالی چیزی باقی نگذاشته وبیچارگی مردم ارومیه بجائی رسید که دفتر اعانه داخلی وخارجی برای آنها باز شد این همان ارومیهٔ خانمان بباد رفته است که با گذرانیدن یك چنین روزگار تیره چون در راس آمال ملی خود شخص پهلوی را دیده از روی ایمان قدم بدائرهٔ فداکاری گذاشته و داوطلبانه از بذل جان ومال مضایقه نمیکنند.
فرمانده کل قوا اصرار داشت که مخارج ساختمان را اداره قشون بپردازد ولی اهالی از قبول آن امتناع نموده و نظامیه را تمام کرده و بقشون هدیه نمودند راپورت آن را در تحت نمره ۹۲۶۶ـ۱۸۶۲ بفرمانده کل قوا تقدیم نمودم فرماندهٔ کل از قبول این هدیه که حاصل جمع مخارج آن بالغ بر بیست هزار تومان بود داشت امتناع میورزید ولی اصرار اهالی بالاخره باعث شد که هدیه پذیرفته شد و تلگراف ذیل را مخابره نمودند (تلگراف از ارومی به تبریز)
بعدالعنوان ـ اهالی ارومی محض قدردانی وسپاس گذاری برای تهیه وسائل آسایش نظامیان محترم اقدام بساختن نظامیه کرده وبحمدالله قریب باتمام است مقرر فرمائید نظامیان محترم بانقل وتحویل باینجا عموم را متشکر دارند: میرزا رحمت‌الله ـ شمس الاسلام ـ امین الرعایا ـ ثقة العلماء ـ عرب باغی ـ سیف العلماء ـ موسی الموسوی ـ رکن الاسلام ـ خان بابا ـ مستشار الممالك محمود الموسوی ـ جلال السلطنه ـ بیگلربیکی ـ عزیز ـ شهاب الدوله ـ فتح السلطنه غلامحسین ـ رحمت‌الله ـ محمد رسول علی الحسینی ـ امیر منظم ـ آقا علی اصغر ـ نصرة نظام ـ فضلعلی ـ مجد الملك ـ منظم الدوله ـ حیدر ـ خان اف ـ مهدی ـ ملا باشی
بمجرد اینکه اهالی ارادهٔ دولت را در طرح اصلاحات اساسی احراز نمودند با فداکاری داوطلبانه وارد عمل گردیده و برای آسایش خود از هیچ قسم مساعدت مضایقه ننموده. نه تنها سربازخانها بلکه سایر مؤسسات را نیز از قبیل شیروخورشید سرخ وتسطیح کلیه طرق درعهده گرفتند وبهرکاری دست زدند با موفقیت آنرا باخر رسانیدند و ازفهرست اجمالی ذیل میزان فداکاری اهالی را برای احترام و تقدیر ارادهٔ رئیس کل قوا میتوانیم استنباط نمائیم.
سربازخانه هائی را که اهالی برای آسایش قشون ساخته و تقدیم شخص موجد قشون (پهلوی) کرده اند بشرح ذیل است

(سربازخانه)

- تبریز - مرند - خوی - ماکو - اواجیق - قره عینی - سلماس - کهنه شهر - سومای - ارومی ساوچبلاغ - اشنویه - شرفخانه - قرجه داغ - خیو - اردبیل - استارا - در تمام این نقاط علاوه از نظامیه دار الایتام و دار المساکین و قرائت خانه و مدرسه های ابتدائی در قصبات و مدرسه های ایلیاتی در ایلات دائر است

(خطوط شوسه)

۱ - از تبریز تاقرجه داغ ۲ - از قرجه داغ تاخوی ۳ - ازمرند تاخوی وماکوه وبازرکان ٤ - از خوی به اواجیق وتاسرحد ترکیهٔ ٥ - از خوی به سلماس و از سلماس به ارومیه ٦ ازتبریز به ساوچبلاغ ٧ از تبریز به زنجان واز تبریز به اردبیل وآستارا . از اردبیل بهخلخال که امروز تمام نقاط آذربایجان را بیکدیکر متصل نموده است .

عملیات باشهامت اهالی اشنویه و ارومی که در سایر نقاط منعکس شد یك مرتبه عموم را تهییج کرده و دفعة تسطیح طرق وساختمان های سرباز خانه ها درتمام نقاط درمدت شش ماه شروع وخاتمه یافت و اهالی با جان و دل با زحمات طاقت فرسا مبارزه نمودند و فعلا ما نمیخواهیم کیفیت عملیات آنان را شرح دهیم وپلها وآب نماهارا که برای امتداد خطوط لازم بوده و تعداد آنها از ششصد تجاوز میکند برای شما یادداشت نمائیم فقط میخواهیم اندازهٔ احساسات و مراتب صمیمیت آذربایجانی را در بذل چند ملیون پول در مقابل ارادهٔ رئیس دولت خاطر نشان نموده و معلوم بداریم که آذربایجانی با چه عقیده و ایمانی سر کیسه فتوت خودرا گشوده وبرای احترام تمایلات فرماندهٔ کل جان ومال خودرا نثار کرده وبنام قدر دانی واحساسات غیرقابل تصور این کارهارا انجام داده وبجزازیك حقیقت هیچگونه عامل ومحرکی نداشتند وعبارت ازاین بود که اهالی باذوق طبیعی وسرشاری که داشتند دراندك مدتی بحسن نیات رئیس دولت پی برده واین نکته را بدست آورده بودند (که زندگانی فرع قوه وقوه فرع آلات وادوات زندگانی است وایجاد کنندهٔ این آلات عبارت از یك عزم وارادهٔ قوی است وباید ازیك چنین اراده قدردانی نمود) وبالجمله آذربایجانی قدم به نشئهٔ اصلاحات گذاشته ووقتی وارداین عمل شد که مستغرق نعمت امنیت گردیده وباستظهار قشون دیگر برای خود آیندهٔ مردیرا تصور نمیکند واین فیوضاترا ازشخص رئیس دولت (پهلوی) تشخیص داده ودرمرتبهٔ دوم نیز منتظر است که باعلی درجهٔ ترقی سیر کند درپایان یك چنین مطالعات وعقیده دید که بوم تیره روزی دوباره بر کنگرهٔ آمال او میشیند ومیخندد و گاهی شیون میکند وبادست قضا وقدر میرود که بروی اصلاحات خط بطلان بکشد!

(قضاوت)

علاج واقعه قبل ازوقوع باید کرد عقاید وافکار دچار تشنج واضطراب شدید

گردید تصورات خطرناك دارد قدم بدائرهٔ وجود میگذارد ـ آینده از مرحله تردید گذشته و قطعی است که شوم وخطرناك است وچاره منحصر در نهضت و قیام است تا قبل از وقوع حادثه بتوانند آنرا علاج نمایند در روي این مقدمات افکار عمومي قضاوت نموده (که برای دوام و بقای یك ملت و اینکه ایرانی نیزبتواند در ردیف ملل راقیه قرار بگیرد ارادهٔ قوی و عزم توانا و پنجهٔ آهنین لازم است و این مقدمات با احمد میرزا متباین بلکه متضاد است)

بنا بر این با دست خود موجبات بدبختی را فراهم نمودن خود یك نوع جنون است عاقل از خطر پرهیز میکند و با دست خود خود را دچار خطر نمینماید این یك حکم عقلی است که فرمود (لاتلقو بایدیکم الی التهلکه)

(قیام)

این بود نتیجهٔ قضاوت که یکمرتبهٔ دیگر آذربایجانی را دررأس نهضت قرار داد و دفعهٔ دیگر این حرکت سرتاسر ایران را فرا گرفت وازتبریز بنقاط دیگر سرایت نمود وباس و قهاریت ملت شدت خود را بالا برد ـ قبلاً خواستند با مذاکرات وگفتگو غائله را ختم نمایندچون ممکن نشد ناچار تعطیل عمومی بمیان آمدو عملیات شروع شد!.

بر حسب عادت دیرینه قبلاً تحصن در تلگرافخانه ها و مساجد و تکیه ها شروع و مردم در پناهگاه های معموله تحصن اختیار کردند و هر اندازه قوای دولتي در اطفاء نائره ها فشاری نمودند بهمان اندازه میزانهٔ حرارت حسیّات عمومی بالا رفت و بالاخره خرمن هستی قاجاریه را برق زد و یکسره نابود کرد ویا علاج واقعه قبل از وقوع نمودند چه آنکه حس قبل از وقوع ملت را بیدار کرده بود؟!

(اعمال نظر در اسناد و دلائل مثبته نهضت)

با مقدّمات معهوده و سابق الذکر میرویم در کیفیت این قیام اعمال نظر

نموده و اسناد آنرا تحصیل و از نظر بگذرانیم

اجمالاً از بیانیه های ژلاتینی (شب نامه) این نکته بدست آمده که دولت وقت با تمام قوه برای اسکات افکار و دفع نائره دست بکار شده و با آنهمه تضیقات و جلوگیری از اجتماعات بالاخره نتوانسته از سیلاب ارادهٔ ملت جلوگیری نماید - سدّ ها شکسته امواج احساسات از نقاط دور دست سر کشیده قبلاً رو بمجلس شورای ملی جریان یافته و این نقطه را طرف تظلم قرار داده و هنوزما از گذارشات و جریانات ومنویات ملّت و مجلس شورای ملی بیخبریم و در آتیه نزدیکی بحقایق امور آشنا خواهیم شد!.

(نهضت)

با اراده و اختیار یا با اکراه و اضطرار اگر یك ملتي نتوانست در آمال و منویات خود تحصیل موفقیت نماید عصبانی میشود!

روح شخصی از بین میرود و روح دیگری تولید میگردد و جامعه و جماعت قدم بدائرهٔ روح انقلاب و یا بقول علماء علم نفس وارد مرحلهٔ حیات لا شعوریه میگردد

پس از آنکه تلگراف مراجعت احمد شاه از طرف رئیس دولت اعلام شد هیئت دولت مشغول تهیّه مراسم استقبال و پذیرائی بود ولی ملت از این تلگراف متوحش گردیده و دارد اعتراض مینماید ببین تفاوت ره از کجا است تا بکجا ؟

از همه مقدم تر در روی نکات سابق الذکر پرده های دماغ آذربایجانی از اینخبر متشنج گردید وسخت عصبانی شده است !

اولین خیالی که بفکر آذربایجاني رسید این بود که از کعبهٔ آمال خود (مجلس شورای ملی)استمداد نموده و از این پیش آمد جلو گیری نماید آذربایجانی تنها این خیال را نکرده بود بلکه یك فکر متحدالشکلی بود که در آن واحد در تمام نقاط ایران و در پرده های مغز های ایرانیان

تولید شده بود برای آنکه تمام ملت ایران از دیر زمانی در این قسمت
متفق و مانند یك جمعیّت منظم نفسی متحد بودند

(عریضه های تلگرافی)

نمره کتاب ۳۶۵ اداره تلگرافی دولت علیه ایران سنه ۱۳۰۴

از تبریز	نمره قبض ۱۶۵۲۸	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم
بطهران	نمره تلگراف ۲۰۲	۹۶	۱۱		۱۲ـ۷	گیرنده

کپیه اطلاعات مقام مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه پس از طی دورهٔ
انقلابات خونین و تحمل صدمات طاقت فرسا با تائیدات الهی کم کم
مملکت ایران بیك دوره سکونت و آرامش و آسایش وارد میشود
اخیراً صدای تحریکات و تشبثات غیر منتظره از داخله وخارجه شنیده
میشود این است که حسب الوظیفه خاطر نمایندگان محترم را از عواقب
و خیمه این دسائس و ایستادگی ملت در ابقای نعمت امنیت و خلاصی
از چنگال نا قابل قاجاریه متذکر ساخته جلو گیری فوری و جدی را
خواستاریم کمیسیون مختلط نهضت ملی

(تبریز بطهران)

نمره قبض ـ ۱۶۸۳۱ نمره تلگراف ۲۵۹ عدد کلمات ۴۴۵
تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵ مهر ماه ـ ۱۳۰۴

مقام منیع بندگان حضرت اشرف آقای پهلوی فرمانده کل قوا وقاعد ملی
ایران دامت عظمته کپیه ادارهٔ اطلاعات شما که در ظرف مدت قلیل
زمامداری خود بوسیلهٔ عملیات خارق العاده و معجزه آسا یك ملت عظیم
تاریخی و یك مملکت بد بختی را که در نتیجهٔ سوء رفتار و خیانت زمامداران

سلف وبی علاقه گی شاه قجر بر لب پرتگاه پیش رفته بود مستخلص ومستقل ساخته در خط تمدن و زندگانی باشرافت ملل حیهٔ دنیا انداختید شما که علاوه بر رفتار عمومی نسبت بایرانیان با ملت آذربایجان همان ملتی که در ظرف هیجده سال آنهمه تلفات درراه استقلال وطن داده ملتی که دربقایای افراد آن در حال حاضر قلوبشان از طرز معاملهٔ شاه قجر همان شاه قجریکه خود و پدرش و جدش در تبریز بزرك شده ونیّات سوء آنان بر فرد فرد آذربایجانی مشهود است مجروح و ابدانشان در اثر گلوله های آتش بار قشون پدرش هنوز خون چکان و درد ناك است نه قسمی رفتار فرموده اید که تودهٔ ملت یکباره و یك صدا انحضرت معظم را ناجي وطن و پیشوای ملی شناخته بلقب پر افتخار پدر ملت مفتخر ساخته است در چنین موقعی که سر شاه قجر از مکیفات اروپائی پر از نشئه شده و بخیال عودت بایران افتاده وبشخص محترم شما این خیال خود را درلباس مراجعت بوطن اعلام میدارد چرا بایستی یك چنین خائنی طرف توجه واقع شده و مفتخر بجواب یك نابغه و یك سردار فداکاری مانند حضرتت گردد آقای پهلوی انکسی که ملت ایران عموماً و اذربایجان خصوصاً در پهلوی مقام خالق موجودات قلب خونین خود را برای حضرتت مقام نفس نموده خیال نفرمائید که یك ملت غیور مانند اذربایجان تن بیك چنین پستی و رذالت داده وآلت اجنبي را به مملکت خود راه دهد خیر این طور نیست ملت باهوش و مطلع بر قضایا بوده بخوبی می داند که شاه احمد ایران نمی آید مگر برای آنکه بیك عملیات شرم آوری مبادرت نماید که فعلا اظهارات آنرا از طرف خود مقتضی نمی‌دانیم ــ آقای پهلوی ملت آذربایجان چنین انتظاری ازشما نداشت و ندارد امید وار است عملاً این رفتار خود را جبران فرموده قلوب مشتاقان استقلال مدفن نیاکان را شاد سازید ما ملت آذربایجان بمجلس تلگرافاً اطلاع داده بحضرتت هم اطلاع مي دهیم در صورت عدم اعتنا واهمیت بآمال ملی و مشروع ما که قطع دست یك چنین خائن بی علاقه

بایران است بدون دقیقه معطلی وفوت وقت مبادرت بیك اقداماتی خواهیم نمود که طهران وزمام دارانش در جلو گیری و اسکات آن عاجز بمانند
(کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

(تلکراف از سیرجان بطهران)

نمره قبض ٥٩٩ نمره تلگراف ١ ـ ٢ عدد کلمات ٨٠
تاریخ اصل ١٢ تاریخ وصول ١٣ ابان ٣٠٤

توسط جناب آقا میرزا شهاب نماینده محترم رفسنجان ساحت مقدس مجلس شورای ملی شید الله ارکانه کپیه توسط حضرت روحی حجج اسلام چهار کپیه جرائد اسلامی ایران فکر آزاد ستاره ایران شفق سرخ انتشار مراجعت شاه را بایران چنانچه در قلوب عامه نفرت آمیز فهمیده اند وسلطنت قاجاریه را لغو میدانند فدوی هم بنوبهٔ خود در پیشرفت مقاصد دولت اسلامی خود داری نداشته البته باید مقتضیات سیاست اسلامی را خاتمه بدهند نجل مرحوم آیة الله حاجی سیدعلی

(تلکراف از سیرجان بطهران)

نمره قبض ٦٠٠ نمره تلگراف ٢ عدد کلمات ١٠١
تاریخ اصل ١٣ تاریخ وصول ١٣ ابان

توسط نمایندکان محترم کرمان ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه توسط حضرت روحی حجج الاسلام چهار کپیه جرائد ایران فکر آزاد شفق سرخ ستاره ایران انتشار مراجعت شاه بایران در قلوب عامه اهالی سیرجان تولید نفرت نموده عموماً تعطیل بتلگرافخانه متحصن لغو سلطنت را تقاضا دارند داعیان باملت هم صدا شده تنفرات قلبیه خود را تقدیم و از ساحت مجلس حجج الاسلام استدعا داریم ذات ایران که فقط بسته بلغو سلطنت از خاندان قاجار است خاتمه بدهند علمای سیرجان
(احمد محسن ـ محمود علی اکبر ـ احمد بن زین العابدین الحسینی)

(تلگراف ازشیراز بطهران)

نمره قبض ۱۲۸۳۳ نمره تلگراف ۵۰۵ عدد کلمات

۲۱۸ تاریخ اصل ۲۷ تاریخ وصول ۲۸ مهر ماه ۱۳۰٤

ساحت محترم مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه با عطف توجه و مداقه به نعمت امنیت و رفاهیت عامه که به پرتو توجهات وفداکاریهای یگانه ناجی مملکت (آقای رضا خان پهلوی رئیس عالی کل قوا) ورشادت قشون شجاع اقطاع ایران را ازچهار سال باین طرف معمور ومامون داشته است این موقع ظهور نغمات جدیده که بعنوان عودت شاه میخواهد ضربهٔ مهلك خود را بامنیت و آسایش موجوده وارد سازد و زحمات این مدت را بباد دهد اهالی جنوب را متوحش و مضطرب ساخته و با لهجه های تند تنفرات قبیلهٔ خود را از این پیش آمد هولناك اظهارمی نمایند اکنون طبقهٔ اعیان و سایر طبقات با علاقه ببقاء امنیت موجوده و سعادت مملکت دارند جلوگیری از این پیش آمد سوء را از آن وجود محترم که ضامن رفاهیت عامه هستند مترصد مي باشند و الا این هیجان ملی تسکین ناپذیر و انقلابات عظیمه عرض وجود خواهد نمود (هیئت اعیان فارس)

ابراهیم قوام ـ ابوالقاسم ـ نصر الملك سابق ـ لطف علی ـ بهاء السلطنه محمد ـ الحاج فضلعلي ـ مسعود الدوله ـ محمدحسن ابراهیمی ـ محمد علی قوامی محمدکاظم اعتماد ـ لطف علی موّید ـ غلام رضا کاظم ـ سلطان علی اسمعیل کاظم اعتماد ـ احمد مؤیدی ـ فتح الله اعتمادی ـ علی اکبر محمد ـ اعتماد اعتماد حسین ـ اعتمادی ـ محمد رضا

(تلگراف ازدزفول بطهران)

نمره قبض ۱۳۷۰ نمره تلگراف ۷ عدد کلمات ۳۰۵

تاریخ اصل ۵ تاریخ وصول ٦ آبان ۱۳۰٤

هیئت مختلط نهضت آذربایجان مجلس شوری ملی طهران کپیه ریاست وزراء

عظام کپیه اطلاعات جرائد طهران ملت قدیم خوزستان با وجودی که
در فشار ظالمانهٔ جمعی ارتجاعی مبتلا بوده اند هیچ گاه وظایف ملی خود.
را از دست نداده وهمیشه در درهم شکستن قوای مرتجعین ساعی بوده
ولی بد بختانه موقعیت جغرافیائی و بعد مسافت مرکز مانع از شرکت
حقیقی در تغییرات اوضاع مملکت و کمك به برادران غیور آذربایجانی و
سایر اهالی نجیب ایران بوده چنانچه از بدو اطلاع مراجعت باز مانده
خاندان قاجار بسمت ایران یك تشویش خاطر و حالت عصبانی مخصوصی
در عموم سکنهٔ دزفول ظاهر گشته و روزانه مجامع عمومی در اماکن
مشهورهٔ مساجد و معابر تشکیل و ناطقین و ذاکرین با لهجه های شیرین
خدمات بی پایان و مرد ایران خواه (رضا خان پهلوی) را درمقابل تسامح
و خیانت های پی در پی سالهای دراز و دودمان آل قاجار جلوه داده
ومتفقاً مراتب قدر دانی خودرا ازفداکاری آقای پهلوی ابراز وازمراجعت
شاه بی علاقه تنفر خاطر خود را اظهار میدارند اینک که صدای رسای
برادران وطن خواه بمسامع عموم ایرانیان رسیده لازم است. بطور اجمال
عرض کنیم ملت خوزستان حاضر اهالی دزفول اولین قوم ستمدیده
مملکت محسوب بوده از سلطنت قجر جز ظلم و نا امنی چیزی ندیده لذا
از اوضاع حاضره بی نهایت شاکر و از مساعی آقای پهلوی این خاك
امروزه مهد امن و امان گشته و نظامیان غیور که فرزندان آن حضرتند
راه خوزستان را بنقاط مرکزی متصل و باب تجارت را مفتوح ساخته
اند شبانه روز زندگانی حاضره و سابقه را محاسبه از درگاه حق تعالي
عظمت قشون نیرومند را در زیر سایه همچو مرد تاریخی ارزومندیم
(هیئت اتحادیه نهضت دزفول)

(تلگراف ازهمدان بطهران)

نمره قبض ١٦٧٦٣ نمره تلگراف ٥٨٥ عدد کلمات ٣١٠
تاریخ اصل ٣٠ تاریخ وصول ٣٠ مهرماه
مقام منیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ایران کپیه شفق کپیه ستاره ایران

امروز برهمه معلوم است امنیت کنوني که ساکنین ایران را ارزانی شده است نتیجهٔ فداکاری های آن یکانه راد مرد و سر پرست حقیقی ایران است و در نظر هر هوشمند هویداست که قبل از تشکیلات این قشون نیرومند وقیام مجاهدات بي نظیر سردار غیور وطن پرست مملکت دچارچه هرج و مرج ؟ دستخوش چه اعراض بوده؟ و باالعکس حالا چه استقرار و استقلال و چه اهمیتی در روی زمین پیدا کرده درهمه جا ایرانی را سر بلند و همدوش ملل دنیا ساخته اینك بر اثر عزیمت شاه قاجاری که در این مدت عدم علاقه مندی خود را بدین مملکت عملا ثابت کرده یادگار ایام بدبختی ارکان وجود جملگی را متزلزل ساخته نگرانی و اضطراب همگي را فرا گرفته مبادا بد بختی های سابق اعاده و تجدید شود در این موقع تکلیف ایرانیت خود میدانیم که از مجلس شورای ملی که مرکز ثقل مملکت ومسؤلیت حل مشکلات و استرضای خاطر عامه ما اوست جداً خواستگار گردیم که توجه خاص فرموده تکلیف قطعی مملکت را معین و راضی نشوند بیش از این مقدرات ملت دستخوش عدم علاقه شاه قاجار بوده و چنانچه با نظر محافظه کاری نگریسته و اجازه ندهند که ساکنین این مملکت از نعمت امنیت بدون دسائس مغرضین استفاده نمایند ناچار باافکار وطن پرستانه سایر نقاط ایران توحید مساعی نمودهٔ حلّ این مشکل را تسلیم ارادهٔ غیر متزلزل ملی خواهیم نمود

زین‌العابدین قرا گوزلو ـ حیدر ـ محمود ـ ـ نصرة الله قرا گوز لو ـ اسدالله ـ رضا قلی ـ حسین قلی ـ یحیي ـ مرتضی ـ قلی ـ نصرالله ـ رضا ـ شیرعلی ـ احمد ـ لطف‌الله ـ مهدی قراگوزلو ـ ابوالقاسم ابراهیم ـ علی محمد قرا گوز لو ـ شمس الدین ـ یزدان بخش ـ علي ـ عزت الله ـ محمد ابراهیم ـ فضل الله ـ محمد قلی ـ سلطانعلی ـ محمدعلی ـ یدالله نصرالله ـ ولی ـ ابوالقاسم ـ حسن آقا ـ نورعلی

(تلگراف ازیزد بطهران)

نمره قبض ۹۹۸۷ نمره تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۱۲۰ تاریخ اصل ۲
تاریخ وصول ۲ آبان

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ریاست وزراء عظام دامت شوکته کپیه نمایندکان محترم یزد در این موقع که میخواهد مجدد ارتجاع عرض اندام نماید لازم میدانیم بان مقام مقدّس عرض نمائیم آیا آقایان نمایندکان سی کرور جمعیت ایران آیا مظالم قاجاریه را فراموش کرده اید؟ یا خیانت های زمامداران گذشته را از خاطر محو نموده اید؟ که ساکت نشسته و بتلگرافات برادران ایرانی خود جواب نمیدهید ۱۵ روز میگذرد تلگرافات آذربایجان بلاجواب مانده خوب است به این لا قیدی خاتمه داده بیش از این مملکت را بحال بی تکلیفی نگذارید از طرف هیئت مدیره جمعیت احرار ابوالقاسم افتخاری - احمدمهریزی - سید جلیل - حسین کور اوقلی - ضیاء شیرازي - محمّد یزدی

(تلگراف از یزد بطهران)

نمره قبض ۹۹۱۵ نمرهٔ تلگراف ۲۵ عدد کلمات ۱۲۶ تاریخ اصل ۳
تاریخ وصول ۳ ابان ۱۳۰٤

مقام ریاست وزراء عظام دامت شوکته بواسطه پارهٔ انتشارات که هنوز صحت و سقم آن معلوم نیست وجوه اهالی خاصه تجار از روی نهایت صداقت و صمیمیت عریضهٔ توسط چاکر بحضور مبارك عرض که خلاصهٔ آنرا ذیلاً بعرض آقایان مبارك میرساند

بدون ظاهر سازی و خوش آمد گوئی در زمان زمامداري حضرت اشرف و تصدیق دوست و دشمن و در مهد آسایش و امنیت بوده از استقلال مملکت کاملاً بر خورداریم در اینصورت بدیهی است هر مانع و مخالفی که از پیشرفت خیالات حضرت اشرف که در راه آسایش عمومی

و استقلال مملکت پیش آمد کاملاً ما ها اهالی یزد خاصه تجار برضد آن بوده و خواهیم بود ۳ آبان نمره ۲۰۷۵ عباسعلی شوکت

(تلکراف از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۵۳۷ نمره تلگراف ۵۰ عدد کلمات ۲۰۳
تاریخ اصل ۲۳ تاریخ وصول شب ۲۴ مهر

متحدالمآل عموم آزادیخواهان طهران فداکاری و رشادت برادران نظامی که بسر پرستی یکانه ناجی و محیي ایران حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و فرمانده عالی کل قوا دامت عظمته که در این چند ساله بعرصهٔ شهود در آمده قابل هیچ گونه انکارنیست اکنون که در سایه این فداکاری هاوطن عزیز میرود خود را از مذلات چندین ساله مفسدین خارج نماید متاسفانه مسموع میشود همان اشخاصی که سالیان دراز بوسائل آنتریك بار مذلت و رقیّت به دوش ما ملت بیچاره گذارده و بروز سیاه نشانیده بوده اند مجدداً مشغول دسیسه و آنتریك هستند تا بار مذلتی که بهمّت عالی یکانه ناجی ایران از دوش ملت مرز و بوم برداشته شده بازبدوش ما بگذارند هان ای برادران غیور نگذارید که باز در قید اسارت مقیّد شوید و حیات طعمه اغراض و دسایس مفسدین گردد لذا عموم اهالی خوزستان باصدای رسا عموم برادران ایرانی را مخاطب ساخته و در قلع و قمع اشخاص مغرض مفسد خانمان سوز مساعدت می طلبیم که از مقام مقدس دارالشورای ملّی شیدالله ارکانه رفع آنهارا جدّاً بخواهید حق را باید گرفت عموم آزادی خواهان و اتحادیه تجار

(اقل الحاج بنی)

(تلکراف از کردستان بطهران)

نمره قبض ۱۸۶۶ نمره تلگراف ۱۸ عدد کلمات
۲۳۸ تاریخ اصل ۵ تاریخ وصول ۶ ابان ۱۳۰۴

توسط جنامستطاب میرزا فرج الله خان آصف نماینده کردستان ساحت

مقدس مجلس شورای ملی شید الله ارکانه کپیه هیئت وزرای عظام دامت شوکتهم کپیه جناب حاج میرزا اسدالله خان نماینده کردستان چندروز است باز دراطراف سلطنت گفتگو دائر وازولایات تلگرافات میرسداهالی کردستان که در انقلابات چند ساله امنیت وآسایش نداشته ایم بحمد الله دو سال است نفس راحتي کشیده وازنعمت امنیت متنعم شده ایم جداً این آسایش را ازدست نمیدهیم با اهالي آذربایجان و سایر ولایات هم آواز هستیم نمایندکان مجلس دراین موضوع نباید لاقیدي اتخاذ نمایند جداً انتظارداریم دست خائنین مملکت را بکلی مقطوع واین آسایش عمومی را محفوظ دارید - شیخ الاسلام امام جمعه - احمد غیاث - محمد حسینی - مجتهد حنفي - محمّد امین - محمود مفتی - محیی الدین - محمّد جعفر - عبد العظیم - مدرس - مدرس - محمّد رشید مدرس - عبد المجید حسینی - مدرس یحیی - سید احمد ملکی - ابو طالب حسینی - محمّد تقی حسینی - مرتضی اردلانی - شکر الله - غلامحسین مسعود اسدالله - حسین - عبدالله - فتح الله - نصرت الله - غلامعلی - نصر الله حبیب الله - اسمعیل - علی اشرف - محمّد کاظم - محمّد اردلانی - میر کاظم احمد ابن عبد الله - مهدی حاجی باقر - معروف میرزا بابا - حاجی خان محمد اسمعیل - رحیم زاده - عباس ابراهیم - حاجی آقا بزرك - حاجی اسمعیل - حاجی محمّد صادق - حاجی شکر الله - حاجی علی اکبر - محمّود تاجر - حاجی احمد - حاجی محمد کریم خام فروش - احمد ضیاء زاده - محمود خیاط باشی - محمّد کریم دباغ زاده - عبد الله نجار باشي - احمد کفش دوز باشی - محمّد حسین نعلبند باشی - ابراهیم قهوه چی باشی

تلگراف از قصر بطهران

نمرهٔ قبض ۱۷۷۶ نمره تلگراف ۲۰ عددکلمات ۲٤٦

تاریخ اصل ٥ - تاریخ وصول ٦ آبان

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه هیئت محترم وزرای عظام دامت عظمته از شنیدن خبر ورود اعلیحضرت سلطان احمد

شاه بایران ما اهالي قصر کمال تاسف را داریم چگـونه وکلای ملت راضی شدند به شخصی که خود و فامیلش یکصد وپنجاه سال است نسبت بایران و ایرانیان خیانت نموده و خون یك مشت ملت بیچاره را بواسطه احتکار گندم مکیده استجازه ورود بدهید جداً ما اهالی قصر باسایر هموطنان خود همصدا بشده از آنمقام مقدس تقاضای خاتمه دادن دورهٔ سلطنت فامیل قاجاریه را می نمائیم ـ چنانچه آن وکلای محترم ترتیب اثری باین درخواست ما ملت بیچاره ندهند بحکم اجبار تعطیل عمومی خواهیم نمود منتظر جواب فوری هستیم کدخدا محمّد صالح ـ سلیمان حاتم ـ سلیمان داود ـ ابراهیم حاتم ـ آقا فرامرز ـ اقا مهدي لاری ـ حسن حمال باشی ـ احمد قادر ـ رحیم عزیز آقا ـ خواجه هارون ریاضی ـ میرزا علی ـ میرزاده حسن ـ حسن محمّد یزدی ـ حسین علی ـ میرزا حسن طهراني ـ حبیب‌الله علی ـ علی اکبر موسوی ـ داود الیاهو ـ حسین قهوه چی ـ نور محمّد منوچهر ـ علی ـ اکبر ـ موسی ـ علی ـ سید شمس الدین ـ حسین ـ احمد ـ ابراهیم ـ حسین ـ علی محمّد خان ـ الله مراد ـ شعبان ـ عبدالله ـ حسین ـ علي ـ امیر حسن ـ علی ـ جبار ـ هاشم ولد علی عبدالرحیم ـ محمد ولي ـ ابراهیم ـ آقا محمد ولد سلیم آقا ـ مراد آقا احمد ولد باقر خان ـ جان ولد رزاق ـ شاطر عباس ـ علی ـ مینا ولد سلطان خلیل ـ محمد سعید ـ طهماس ولد صفر ـ مشهدي جعفر نعلبند مشهدی صادق نعلبند ـ عبدالعلی ـ میرزا باقر ـ سلیمان امین

از خرم آباد بطهران

نمره قبض ۱۳۵۲ نمره تلگراف ۱۱۹ تاریخ اصل ۱

تاریخ وصول ۳ آبان

مقام منیع حضرت اشرف اعظم بندگان آقای رئیس الوزراء و ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته انتشار مراجعت اعلیحضرت شاه ایران ملت لرستان خصوصاً اهالی خرم آباد را بتذکر حقایقی که در

نتیجهٔ عزم و ارادهٔ آهنین آن سر پرست معظم از اینکه سیمای عصور ماضیه را بخوبی مجسم میکند با پیشرفت تمدن ودایع انوار ماقبل خود را نیز از قعر بحار عمیق و توده های جسیم و حجیم سنگها و ابنیه قدیمه بیرون آورده و یك سلسله مجهولات را در انظار بشر مکشوف میسازد با تذکر باین اصل مسلم باید فهمید ایران مخصوصاً لرستان یك قطعه زرخیز مملکت باستانی که بحکمیت تاریخ سه سال و اندی قبل دستخوش اغراض و مطامع میشوم یك عده خائنین بوطن بود و طوایف وحشی ومتمردین این صفحه بواسطه تزریقات داخلی و خارجی از نهب وغارت و تاراج اموال وبباد دادن جان و ناموس اهالی بیچاره خودداری نداشته و بعلاوه بد بختی فقر با هرج و مرج ملوك الطوایفي راه زنی دزدی خیانت سر تا سر مملکت خصوصاً این صفحه را اشغال و مملکت را بطرف نیستی سوق میداد در قبال چه فداکاری ها فعلادر بستر امن وامان غنوده و عمران و آبادانی درآن روز بروز در تزاید است فراموش شدنی نیست که در آخرین ساعات و دقائق احتضار مملکت تأییدات ربانی از ما بین تودهٔ ملت قهرمان عالی قدری چون حضرت اشرف با بازو های توانا و فکر با شهامت که زاده تجارب گذشته بود بر انگیخت وباز پرچم اسلامی باهتزاز آمد ارادهٔ عالیهٔ آن عنصر نیرومند با قوه برقیه باوضاع سراسر هرج و مرج مملکت سیروس خاتمه داد بیرق شیر وخورشید مجدداً در قلل جبال شامخه لرستان نصب و باهتزاز در آمد سعادت و امنیت و عمران را با فداکاریهای زیاد برای ملت لرستان فراهم فرمودید زهی ملت قدر نا شناسی که با اذعان باین حقایق شروع به تشبثاتي نمودند و مقدرات خود را از اشخاصي بخواهیم که ترقی و تعالی خود را در فنا و نیستی ما میدانند و مجدداً سند رقیت و بیچارگی و مذلت خود را امضا نمائیم هنوز خون صاحب منصبان دلیر و نظامیان رشید که برای اعادهٔ امنیت و آسایش ما در قلل جبال مرتفع و قعر دره های هولناك

لرستان ریخته خشك نگردیده هنوز صدای هورای نظامیان سلحشور لشگر مرکز و لشگر غرب در کوه و هامون جنایت بار لرستان طنین انداز است و اکنون نیز نظامیان رشید لشکر غرب شب و روز استراحت را برخود حرام و در حالتي که ما ها در بستر استراحت غنوده ایم با چشم های باز بمحافظت و ممارست ما مشغول میباشند ای محیي معظم قشون و ای اولاد با شهامت، ایران ملت لرستان نام نامي ناجی معظم و نابغهٔ خود را در اوراق لایزال تاریخ به اعمال ثبت وضبط نموده بهمان قسم که تاریخ سیر نا محدود خود را ادامه میدهد آثار مشعشع سر پرست حقیقی ایران را بدون تحریف با سیر طبیعی و فنا نا پذیر خود برای اخلاف بیادگار میگذارد بعلاوه اعمال شایان تقدیر و سیر مرضیّهٔ قشون که برای رفاهیت و آسایش اهالی لرستان متقبل هستند نتیجهٔ تربیت و تعلیماتی است که از آن ذات مقدس بآنها تعلیم و آموخته شده امروز بالهای همایون رب النوع سعادت و امنیّت در آسمان لرستان سایه گستر و با چشم های نافذ خود با صاحب منصبان رشید و نظامیان دلیریکه براي اعادهٔ امنیّت این سر زمین بخون خود آغشته و به هستی مطلق رسیده اند مینگرد و درود میفرستد ما اهالی خرم آباد و لرستان نیز با این رب النوع سعادت هم آغوش شده فریاد میکنیم زنده و پاینده باد نابغهٔ عصر حاضر و سر پرست حقیقی ایران از (طرف عموم علما و تجار و خوانین وطبقات مختلفه و ایلات و عشایر خرم‌آباد لرستان) ابوتراب موسوی ـ محمّد جعفر مولوی ـ باقر موسوی ـ احمد موسوی ـ نورالله موسوی ـ صیفور موسوی ـ امان الله امرائی حاجی سید محمد تقی ـ سیف الله ـ جواد ـ رستم جولانی ـ اقل الحاج علی صادق حسینی ـ احمد ـ حسن موسوی ـ فرج الله ـ محمد حسین ـ محمد یوسف ـ حاجی محمد تقی ـ رحیم ـ رضا ـ نور الله ـ جهانگیر ـ

روح الله ـ محمود ـ قاسم ـ محمّد حسن ـ شیر محمد ـ محمد علی ـ محمد کریم
غلامرضا ـ اکبر ـ جعفر شکرالله ـ زین العابدین ـ علی اصغر افرا ـ
ابوالقاسم ـ نورالله ـ عزیزالله ـ نعمت‌الله مختار ـ رحیم سهراب ـ زین‌العابدین
سهراب ـ نبی الله ـ فتح الله ـ پنج شنبه ـ شکرالله ـ عبدالرحیم ـ
محمدعلی نوروز علی شاه

تلگراف از ساری به طهران

نمرهٔ قبض ۱۵۸۹ نمرهٔ تلگراف ۲۸۵ تاریخ اصل (۱)
تاریخ وصول (۱) آبان ۱۳۰۴

توسط آقای دادگر نمایندهٔ محترم مازندران مقام منیع حضرت‌اشرف آقای
رئیس الوزرا و ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته کپیه مقام مقدس
دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کپیه شفق سرخ یک مملکت قدیمهٔ
عظیمه شان تاریخی که درقرون اخیره گرفتار دست یکعده زمام دار بی علاقه
شهوت پرست باحالات محتضرانهٔ رقت آوری امرار حیات می نمود خداوند
قادر متعال ترحماً وجود مسعود یگانه قائد توانای حضرت پهلوی را
بعرصهٔ سر پرستی بدبختان ملت برقرار فرمود بحمدالله بافقدان وسائل
حیات اثرات فوق‌العاده بمنصه بروز وظهور رسانیده مخصوصاً در چندی
قبل تمام سواحل خزر عموماً مازندران خصوصاً شنایع جگر خراش عملیات
وحشیانه ترا کمه که هنوز نالهٔ کد سوختگان نوامیس برباد رفته و پدر
کشته داغ برادر وجوان دیده ساکت نگشته که بهمم عالیهٔ آن یگانه رادمرد
تازه می خواهد قلوب شان ازانتقام تسلیت یابد طوری ایجاد آسایش ونظم
فرموده که عموماً رطب اللسان بدعای بقا برقرارند تازه ایرانیان می خواهند
خود را درشمار ملل حیه درآورد باز چه شده؟ شنیده میشود همان مایهٔ
بدبختی همان علت ذلت ایران آلات دست اجانب (احمد شاه) میخواهد
بایران مراجعت ودخالت درامور نماید ماعموم اهالی طبرستان ازآن
مقامات منیعه استرحاماً استدعا می نمائیم بفوریت اقداماتی فرموده که

نگذارند دیگر خائنین قدرت آرزوی دخالت درامور ملك وملت نمایند دعاگو علی اکبر مازندرانی - راجی محمد حسین - علی عمادی - حاجی عبدالرحیم - داعی علی ابن اسدالله ساروی - احقر حبیب‌الله شیرگاهی مقیم ساری - حسن تاجر - ابراهیم ابن احمدعلی - نقی - جواد - علی نقی زاده - محمّد تقی - راجی ابوالقاسم - احمد خالق زاده - حسن بن مهدی - محمّد تقی ابن عبدالکریم - عسکری تاجر - محمد حسین - عبدالله حسینی - محمد مصطفی -

تلگراف ازساری بطهران

نمرهٔ قبض ۱۶۰۷ نمره تلگراف ۱۱ عدد کلمات ۳۲۰

تاریخ اصل ٤ تاریخ وصول ۸

مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی کپیه ایران کپیه شفق سرخ کپیه کوشش کپیه آقای دادگر کپیه آقای شریعت زاده کپیه آقای میرزا اسمعیل خان اصالملو فقط علاقه طبیعی به ملت ومملکت ما اهالی طبرستان را جداً وادار بمبادرت باین استدعا نموده نظر بفجایع و شناعت اعمال لاابالیانه احمدشاه درمدت تصدی سلطنت ایران قوه صابره را از اهالی بکلی سلب علاوه براستدعای چندی قبل مجدداً صریحاً عرض میداریم وجود این سرمایهٔ بدبختی درمملکت مستلزم محو ونابودی است پس از موهبت الهی یك وجود قوی توانائی مثل حضرت اشرف آقای پهلوی برما ایرانیان و مشاهده ایات واثرات صالحانهٔ باهره شبیهست باعجاز در مدت قلیله سرپرستي ایشان دیگر مجالی برای احدی غیراز خود باقی نگذاشتند که قابل قائدیت ونگهبانی مملکت وملت باشد ببراهین مصدقانه که توام باعرایض اهالي است البته آن ذوات محترم نزدیکترین وقت دفع احمد شاه از ورود ومداخله درامور وخلع شاه ازمقام سلطنت خواهد فرمود انتظار انجام داریم نگذارید اهالي دچار قیام و نهضت عمومي که وخامت آن بی شمار است شوند احقر شیخ علی اکبر مازندرانی - داعی آشیخ محمد حسین

احقر آقاسید میرزا علی ـ احقر شیخ عبدالرحیم ـ داعی حاج شیخ ـ حاجی آقا شیخ مرتضی ـ احقر احمد ابن یوسف ـ شریعتمدار ـ عباسعلی ـ محمد علی طباطبائی ـ لطفعلی کلبادی ـ سردار جلیل سابق ـ علی نقی امیر دیوان سابق ـ قاسم عبدالملکی ـ هژبرالدوله سابق ـ اسمعیل کرد اسفندیاری ـ محمد کاظم ـ محتشم الملک سابق ـ غلامحسین ـ اسمعیل ـ اسدالله ـ محمد حسین کرد ـ محمود نیلی تاجر ـ حسین ابن محمدعلی تاجر حسن تاجر ـ محمدکاظم تاجر ـ حاجی رضا بزاز ـ محمد علي ـ علی اکبر ـ حبیب الله ـ واقفي ـ عباس طهرانی ـ آسید غلامعلی محمد دهقان ـ مرتضی ـ غلامرضا ـ محمد جواد ساعت ساز ـ فرج طهماسبی ـ علی ـ علی رمضان ـ علی اکبر ـ رضا ـ ابوالقاسم (قندی) اسحق بشیر اقل بلور فروش ـ ـ حبیب الله احمد دواساز ـ آسید علی پیرزاده ـ امیری ـ محمود کریم ـ محمود محمد علی ـ محمد حسین ـ علی حمید نلی ـ آقاجعفر ـ حسین ـ محمد رضا ـ حسین ـ علی اصغر ـ شکرالله ـ عنایت الله ـ خیرالله ـ محمدابراهیم ـ محمد اسمعیل ـ حسن ـ علی محمد ـ محمد جعفر یوسف زاده ـ علی حسین ـ حسین علی جعفر ـ محمد علی ـ محمد ـ محمود محمدآقا ـ حسین ـ سیف الله ـ حسین ـ محمدحسین خواجه علی ـ محمد کریم ـ محمود عبدالحسین مازندراني تاجر ـ حسن ـ حاجی آقا ـ محمدزاده تاجر ـ احمد رشتی مشکوة ـ نصرالله ـ مهدی ـ علیرضا ـ

تلگراف از بیرجند بطهران

تاریخ وصول ۱۷ ابان ۱۳۰۴

توسط آقای تدین و آقاي اسدی دام اقبالهما

مقام منیع مجلس مقدس ملی شید الله ارکانه

تلگراف عودت اعلیحضرت شاه. از طرفي و تلگرافات تبریز و غیره از طرف دیگر من حیث المجموع مولد ابهام مقدرات مملکت وتشویش تصورات

ملت و موجب این است که امنیّت شامله که در تحت مراقبت حضرت اشرف رضا خان پهلوی و خدمات برجسته این مرد بزرك در این چند ساله عموم را قرین آسایش داشته مجدداً دچار اضطراب گردد عموم ملت نگرانند که تصمیمات مجلس مقدس را مسبوق شده وبوظایف خود دانسته عمل نمایند ـ محمد هادی ـ محمد مهدی ـ محمّد باقر علوم امام جمعه ـ محمّد کاظم ـ ملك التجار ـ احمد اصفهانی ـ علی بیرجندی سعادت ـ محمّد حسین خلیل ـ حسین ـ غلامحسین ـ عباسعلی ـ محمد علی ـ محمد رضا اکبر اف ـ متحدین ـ علی ـ حسن ـ توکلی ـ غضنفر ـ محمد حسن احمد ـ رضا ـ علی اکبر ـ غلامرضا ـ عبد الله ـ محمد حسین ـ عبدالله علی اکبر ـ عباسعلی ـ ابراهیم ـ علی اکبر ـ محمّد ـ علی اکبر ـ

تلگراف از اشرف بطهران

نمره قبض ۲٤۰ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۲٤۰

تاریخ اصل ۲ تاریخ وصول ۲ آبان ۱۳۰٤

توسط آقای دادگر مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته کپیه ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه چون سیاست مملکت ایران بجهاتی که عمدهٔ آن عدم فعالیت اعلیحضرت اختلاف رجال رونق بازار ماجرا جویان دچار مشکلات معضله بوده اینك سر تاسر مملکت بتوجهات کامله قائد محبوب ملت ریاست عالیه کل قوا آسایش امنیت حکمفرما شده نغماتی بوسیله جرائد مسموع که همان اشخاص آمدن اعلیحضرت را میخواهند وسیله نیل مقاصد سوء خود قرار وایران را بحالت سابق سوق دهند لهـذا استدعا میشود این نعمت امنیت عمومی خصوصاً نقاط شمالی که فی الحقیقه محیر العقول است آن نماینده گان محترم استدامه داده و از بی علاقه مندان بمملکت ترك علاقه نموده ممنوع از ورود مداخله فرمایند ـ ملك زاده ـ اقل الساداة سید آقاجان

دکتر ابوالقاسم ـ احمد علی ـ حبیب‌الله ـ اقل الحاج محمد علی ـ میرمیران ـ شیخ حسین ـ شیخ محمد ـ اقل الحاج علی آقا ـ محمد رضا ـ داعی ثقة‌الاسلام ـ حسین ـ علی ـ محمد ـ علی ـ مهدي ـ محمد قاسم ـ رجب محمد علی ـ حسینعلی ـ فتح‌الله ـ رزاق ـ ابوالقاسم ـ حاجی حسین ـ محمد علی ـ محمد علی ـ اقل الحاج محمد علي فخار ـ رمضان ـ محمود ـ حسین علی اکبر ـ اقل سید حسین ـ حسین

بسمه تعالی این تلگراف از اهالی اشرف است از آن ذوات محترم ترقب داشته که آسایش و امنیت مقدم بسائر اموردارند رفع نگرانی و اضطراب خیال ازعامه فرمایند (احقر محسن الحسینی) (اقل محمد حسن سبت حجة الاسلام)

از مشهد بطهران

نمره تلگراف ۸۶۹ مورخه ۲۴ مهرماه ۱۳۰۴

مقام منیع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه ـ بعد از سال های متمادی جدیداً ملت ایران از نعمت امنیت بهره مند گردیده استدعا داریم که بهر وسیله است اقداماتي بفرمایند که این نعمت از ملت که مدتها گرفتار هرج و مرج بوده است زوال نیابد (هیئت منتخبهٔ اصلاح خواهان) صحیح است (محمود مشیر آستانه)

تلگراف از تربت بطهران

نمره ۳۷ مورخه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰۴

مجلس مقدس دار الشورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته از قرار معلوم شاه بناي عودت دارند چون فعلاً از مساعی جمیلهٔ یگانه مربی و حافظ ایران بحمدالله در تمام نقاط امنیت و آسایش برقرار وعودت شاه دراینموقع بواسطه هیجان اهالی مولد مفاسد خوب است سریعاً بطور مقتضی سد باب مفسده را بفرمائید (هیئت علمیّهٔ تربت) الاحقر ذبیح الله ـ الاحقر محمد باقر الموسوی ـ الاحقر عبد الله ـ الاحقر

عبد الرضا افتخار الشریعه سابق.

تلگراف از تربت

نمره ۳۸ مورخه ۲۷ مهر ۱۳۰٤

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه کمیته ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته از قرار معلوم میخواهد شاه .بایران عودت و نعمت امنیت آسایش را که نتیجهٔ خدمات عالیهٔ یگانه ناجی ایران است از ایران سلب از زمان استماع قضیه هیجانی دراهالی تولید و تقاضائی ازداعیان مینمایند چنانچه سریعاً باین غائله خاتمه ندهند مسلماً باخرین درخواست آذربایجانیان متشبث خواهند شد(هیئت علمیه تربت حیدریه) الاحقر عبدالرضا ـ الاحقر محمدکاظم نجفی زاده ـ الاحقر مصطفی ـ ابراهیم الموسوی ـ ابوالحسن الحسینی ـ حسن.

تلگراف از تربت

نمره ۳۹ مورخه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰٤

ساحت مقدس مجلس شورای ملی کمیته ریاست کل قوا دامت عظمته پس از قرنی دست معنوی بواسطه عدم علاقه سلاطین قاجاریه بخاك پاك ایران امروز خدمات شایان تقدیر یگانه محیی ایران اهالی مملکت را در نزد ملل حیه سربلند نموده ازقرار مسموع بسیر قهقرائی شروع و میخواهد شاه .بایران وارد شده ملت ستمدیده را مجددا دچار فلاکت و ذلت اولیه نموده این امنیت و آسایش خدا داد را مبدل بهرج ومرج ونا امنی نماید استدعا مینمائیم بوسائل مقتضیه از پیش آمد های ناگوار و انقلاب جلوگیری فرمائید چنانچه در رفع غائله خود داری فرمایند ناچار بوسائل دیگر متشبث شده و با برادران غیور آذربایجان هم صدا و بقوهٔ ملی باین اوضاع خاتمه خواهیم داد (از طرف عموم طبقات تربت حیدریه) سهیلی ـ هاشمی الحسینی ـ حاجی سید عبد المجید ـ ارغوان ـ رضاالحسینی ـ

مهدی الحسینی - حاجی حسن - حاجی محمد - محمد حسین - علی اصغر
احمد - حاجی میرزا محمد رضا - عبدالرضا - امین زاده - غلامحسین -
حسین آقا توکلی - جلال زاده خوئی - میرزا نادعلی شیرازی - ذوالفقار اف
- حاجی سید علی اکبر - محمد - لطفعلی - قرائی - محمد حسن قرائی
الله یار قرائی - غلامحسین - سید عبد الباقی - بصیری سبزواری - حاجی
سید عبد الحسین - سلیمان قرائی - علی اکبر - سلطان علی قرائی -
علی اکبر قرائی - محمد علی الحسینی - ابوالفضل - ابوالقاسم - محمد حسن
هادی اف - طیبی - حسن الحسینی - رضا - غلام علی - محمد علی
نقیب الاشراف سابق - محمدحسین - مجتبی الحسینی - محمد کاظم اعتماد الحکما
سابق - رحمت الله اف - العبد المذنب محمد - عبدالرضا - عبد الحسین -
علی اکبر

تلگراف از کرمان

نمره ۲۵ مورخه ۳ مهرماه ۱۳۰٤

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست عالیهٔ کل
قوا ناجي و محيي ملت و مملکت ایران کپیه توسط اطلاعات جرائد کپیه
توسط هیئت متحدین آذربایجان تبریز رشت توسط آقایان حجج الاسلام
کپیه توسط رؤساء تلگرافخانه ها کمیسیون های نهضت ملی چقدر عجب
است که سرتاسر مملکت را عزم ورود احمد میرزای قاجار به انقلاب و
بد بختی و اضمحلال دعوت میکنند شما ها وکلای ملت و ساکنین مرکز
ثقل مملکت مثل یك عده اشخاص غیر ایرانی غیر مسئول تماشا چی ساکت
و ناظرید تمام زحمات دنیای متمدن و وضع قوانین عالم و انتخاب وکلا
و افتتاح مجلس شوری برای آسایش توده و سعادت و سیادت و استقلال
مملکت است آیا شما در این موقع خطر ناك که فکر هر فرد ایرانی از
این خبر مضطرب و متشنج و عصباني است چه میکنید ؟ آیا وضعیت چهار
سال قبل ایران را فراموش کرده اید؟ آیا حافظه های شما تا این حد

فراموش کار است ؟ آیا وخامت اوضاع را حس نمیکنید ؟ آیا بملت و مملکت خودتان علاقه ندارید ؟ پارلمان نشین ها ! . بدانید مظالم قاجاریه را ایرانی فراموش نکرده و نخواهد کرد دیگر ایرانی بت پرستی نمیکند و یك مملکت شش هزار ساله تاریخی را دیگر به پست ترین ابناء سلسله مشؤمهٔ قاجاریه برای هوس رانی تسلیم نمیکند صراحتاً بشما میگوئیم ملت ایران مواقع خطرناك و مراحل سخت از این را باشهامت و فیروزی و فداکاری گذرانیده و این مرحله را نیز خواهد گذرانید ولي شما که نمایندگان رسمی این ملت محبوبید اگر اداء وظیفه نکردید بر خلاف نظریهٔ توده و مصالح مملکت باشید یك ننك تاریخی را بخود جلب کرده اید وملت تنفر خود را از شما بدنیا اعلام خواهد کرد مجلسیان بعقیده و ارادهٔ ملت یقین داشته باشید که تا دست این خائنین نالایق را از گریبان خود قطع نکند ساکت نخواهد نشست شماها هم در مساعدت با ملت و موفقیت این نظریه ایرانی را بخود امیدوار کنید والا ناچاریم قطع روابط خودرا نموده برای دفاع ازملت و مملکت با اتحاد تمام ایالات و ولایات تا آخرین نفس خودداری نخواهیم کرد امیدواریم نه خسرو بماند، نه خسرو پرست نمره ٦ (کمیسیون مختلط نهضت ملی کرمان)

تلگراف کرمان بطهران

نمره قبض ۴۹۱۳ نمره تلگراف ۱۵۷ عدد کلمات ۱۵۱

تاریخ اصل ۱۶ مهرماه ۱۳۰۴

مجلس مقدس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء عظام و فرمانده عالیهٔ کل قوا دامت شوکته مفاسد و بدبختی هائیکه در ظرف یك قرن از سوء عملیات آل قاجار نسبت بملت ایران متوجه شده دیگر رمقی برای این مملکت باقی نگذارده حالا که دو سه سالست فضل الهی شامل امنیت و آسایش حکم فرما اصلاحاتی شروع گردیده باز هم دست از دامن ملت ستمدیده ایران بر نداشته از قرار اخبار واصله شروع

بتحریکات و دسایسی شده است عموم طبقات اهالی این ایالت از این پیش آمد ها عصبانی و از مرتکبین تحریکات دسایس فوق العاده متنفر مصرّانه قطع ریشهٔ فساد و ید ابدی خائنین آل قاجار را خواستار امیدوارند نمایندگان محترم باین بدبختی ها خاتمه داده بیش از این راضی نشوند سر نوشت مملکت و ملت ایران دست خوش تشبثات وخود پرستی خائنین واقع شود الاحقر (محمد رضا ابن ابي جعفر)

از تبریز بطهران

نمره قبض ۱۶۲۶۲ نمره تلگراف ۱۴۷

عدد کلمات ۱۰۲ تاریخ اصل ۹ مهرماه

توسط حضرت قزوینیان پیشگاه مقدس ریاست وزراء عظام دامت عظمته باطمینان زمامداری حضرت اشرف که منشاء هرگونه سعادت و اقبال مملکت میباشد تودهٔ ملت با کمال امیدواری مشغول کسب و تجارت بودند اخیراً بعضی اطلاعات غیر منتظر از مرکز شایع و موجبات اضطراب عموم را فراهم نموده است لهذا از آنمقام استرحام میشود که توجهات مقتدرانه را در قطع و قلع ریشه های فساد و بالاخره در تأمین آسایش این مشت ملت بدبخت بهرنحوی که مقتضی باشد مبذول و اسباب اطمینان را فراهم فرمائید (ناظم هیئت مؤسسه اصناف) حاج صادق خرازی

از کرمان بطهران

نمره قبض ۵۱۳۵ نمره تلگراف ۲۵۹ عدد کلمات ۶۱

تاریخ اصل ۲۶ مهر ماه

طهران توسط شاهزاده سلیمان میرزا مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام از قرار معلوم حرکات مرتجعانه بر ضد رئیس محبوب دولت و محي مملکت از طرف بعضی عناصر مفسده جو در طهران شده است جمعیت اجتماعیون کرمان تنفرات شدیده از این حرکات وحشیانه و

علاقه مندی کامل خود را به یگانه فرزند رشید ایران اظهار میداریم نمره ۸۶
(اجرائیهٔ اجتماعیون کرمان احمدی)

تمام نقاط ایران تظلمات تلگرافی خودرا که نمونهٔ آنهارا از نظر قارئین گذراندیم تقدیم نموده و بانتظار نشستند که بلکه کعبه آمال ملت قدمی برای انجام مسؤل ملت برداشته واز ورود احمد شاه جلوگیری نماید.
متأسفانه انتظار ملت در نظر وکلای مجلس چندان وقعی نداشت و چند روز بدین منوال گذشت ودر مقابل تلگرافات فوری حاکی از اضطراب و نگرانی ادنی جوابی هم صادر نشد! . بالنتیجه یك چنین سکوت و لاقیدی در مقابل آن چنان تقاضای شدید ومضطربانه‌جا داشت که ملت را عصبانی نماید و بالاخره اثر خود را بخشید!.
لحن ها ولهجه ها تغییر یافت و احساسات ملی سر کشید کند روی ها مبدل به تند روی و سرعت گردید افکار بنا نهاد که رو به افراط سیر نماید قبلاً مردم ازیکدیگر مي برسیدند (ازطهران چه‌خبر دارید؟) درمقابل این سؤال فقط جواب منفی بود ــ هیچ!.
باید فکری کرد! . این حرف درهر نقطه که قبلاً زده میشد فوراً بنای تموج می‌گذاشت ازیکی بدیگری سرایت نموده ودائره خودرا بایك سرعت خارق‌العاده وسعت‌میداد وچند نفری ازتجار واصناف وکسبه وزارع وملا وواعظ وپیش نماز دورهم گرد آمدند که فکر نمایند
چه میتوانیم بکنیم؟ باید ازمجلس شورای ملي مأیوس شد ودست بدامن حاکمیت ملی‌زد ومخالف‌را ازبین برداشت وامنیت عمومی را که درسرتاسر مملکت‌حکمفرما است حفظ‌کرد وتسلیم شخصی شد که دراین چند ساله بافقدان تمام وسایل بایران استقلال داده و با تمام معنی آنرا تثبیت نموده است برای طرح مذاکرات واخذ نتیجه چندان وقتی لازم نبود چون مطالب درطی گذارشات زمانه مورد مداقه ومطالعه گردیده وهرکس باندازهٔ خودمسئله

راحل نموده بودند در یك طرفة العین می توانستند نتیجهٔ مطلوبه را تحصیل نمایند.

(نتیجهٔ مطلوبه ـ نهضت وقیام)

تصمیمات اتفاقی بود و برای عملی کردن آن هیئتی لازم بود که در رأس جریانات قرارگرفته وزمام نهضت وقیام‌را بنام ملت دردست خود بگیرند. چون اولین جلسه در آذربایجان تشکیل شد لذا اولین مولود تازه بنام (کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان) موسوم گردید!.

تحقیقاً این جریان بی کم وزیاد شبیه کمیتهٔ انقلابی خانه (مسیو کولینیاك) در اوان انقلاب فرانسه واختلافات (اناژنرو) بود که مرکز مباحثات و ربط رشته های اتحاد ملت بایکدیگر برای تهیهٔ مقدمات و وسائل انقلاب گردید.

زمانه متشابه است ـ تمام ملل در نشهٔ زندگانی اجتماعی در روی دائره مخصوصی سیر کرده دیر یازود هر لاحقی به سابق خود خواهد پیوست و قدمهای خود را بهمان نقطه خواهد گذاشت که پیش آهنگان و سابقین گذاشته وگذشته اند.

اینك زمانه مرتبه دیگر ایرانی‌را بسرمنزل مقصود رسانیده ووارد مقدمات انقلاب را تهیه مینماید.

هر مولودی پس‌از ولادت برای او اسم گذاری میشود مگر عقاید وآمال ملی وانقلاب که برای این مولود قبلاً اسم گذاری مینمایند!.

کمیسیون مختلط نهضت ملی تشکیل شد واز این دقیقه کمیسیونهای نهضت بنام ملت مستدعیات وتظلمات ویا اوامر و احکامات خودرا صادر مینمایند ولی دیروز شخصی ویابنام طبقات معینه ویا اهالی بود.

آهنك بیان و انشاء مرام نیز تغییر کرده و نزاکت قدری کنار رفته کمیسیونهای مزبور قبلاً مثل اشخاص بنای استدعا واعتراض گذاشتند ولی آنها نیزجوابی نشنیدند (آنرا که خبر شد خبری باز نیامد!.)

راه‌دور ومقصدمهم وسائل استخبار واستطلاع منحصر به پست وتلگراف است ولی متأسفانه نه پست خبر میرساند و نه تلگراف جواب میدهد و یك دست قادری بدهن پست وتلگراف گذاشته شده واجازه تکلم نمی دهد برای اینکه برخلاف قانون اساسی و آزادی دولت وسایل استخباریه‌را سانسور وتوقیف نموده نه تنها ایالات وولایات ازطهران بی خبرند بلکه طهران نیز ازتمامیت ایران بی اطلاع است!.

لابد در طهران خبری است باید از مرکز کسب اطلاع نمود؟

(قاصد سری)

همه میدانیم که مدتهای مدیدی است که مسافرین داخلی ایران نیز در تحت سانسور و تفتیشات نظامی واقع شده زن و مرد از هر نقطه ولو از دهی به کوره دهی بخواهند سفر کنند باید از حکومت های نظامی با یك تشریفات و مقدمات مخصوصی تحصیل جواز سفر نمایند!.

چه در طهران و چه در نقاط دیگر در دهات و قصبات و شهرها پلیس و ادارهٔ قلعه بیگی صادر و وارد را تفتیش میکنند!. و چه اشخاص بی اطلاع از اوضاع را که از بیراهه وارد شهری و یا طهران گردیده و یا رو به مقصدی از شهری خارج میشوند بنام اشخاص مظنون دستگیر و در اعماق سیاه چالهای نظمیه روز و شب خود را میگذرانند!.

این بیچارگان بیخبر از اوضاع و از منویات دولت که برای خفه کردن احساسات عمومی سرپوشی بروی قضایا گذاشته شهید انظار شبه ناك پلیس میگردند و بقعر محبس میروند نه از روز خبر دارند و نه از شب و نه میدانند که در ایران جه خبر است؟ و برای چه اینها را توقیف مینمایند؟ با یك چنین احوال و تحمل هزاران مشقت قاصد سری از آذربایجان وارد طهران گردید!.

مسافر مزبور از مرکز دهشت و اضطراب حرکت کرده و باتحمل هزاران مصائب وارد مرکز خاموشی گردیده است!.

(دریای خود و یا شهر خواموشان یا قبرستان سکوت)

پایتخت را اینطور تشخیص داد که شهر مردکان است و پلیس اجازه نمیدهد که دو نفر ده دقیقه در جائی توقف نمایند!.

قاصد سری را فعلا در طهران میگذاریم که همشهریهای خود را درگوشه و کنار پیدا کرده اگر توانست راز نهانی خود را باترس و لرز بگوید و جریانات آذربایجان را آهسته بگوش اهالی بسراید بلکه بتواند خود را به تشکیلات سرّی و یادلهای مردم آشنا نماید وخود بطرف تبریز رهسپار میشویم تاحقیقت منویات اهالی را دست آورده وعملیات آنرا ازنظر بگذرانیم

(شهر تبریز)

هنگامهٔ غریبی است روح انزجار وتنفر میزانهٔ خود را بقدری بالا برده که سکونت وآرامي مبدل به قیام شده و ملایمت به خشونت عوض گردیده روح دیگری در جامعه وجماعت بنای حکومت گذاشته و حالت مخصوصی را ایجاد ومردم بنای زمختی ودرشتی بلکه ستیزه را نسبت بقوای تأمینیه گذاشته و بایك نظر عداوت و بغضاء بعرض و طول تشکیلات عریض و طویل دولتی نگاه میکنند و درنظرها اینطور مجسم شده‌که مانع موفقیت ملت وپیش آهنگان نهضت فقط ادارات دولتی است واز همه چیز مبغوض تر سیم تلگراف است که قصور یاتقصیر در اعمال وظیفه و ایصال جواب مساعد نموده اگر مقتضی شود بعید نیست سیم ها را پاره و عمارت تلگرافخانه را باخاك یکسان نمایند درنتیجهٔ یك چنین حس عداوتی بود که سیم تلگراف مورد عداوت‌عمومی گردید وقاصد های سرّی بتمام نقاط پراکنده شدند که بهروسیلهٔ ممکنه افکار را بطرف خود جلب ودرپس پرده یك رشته‌کارهاي خطرناك را انجام داده واگر بتوانند در مرکز نیز کمیتهٔ نهضت را دائر ویابعبارهٔ دیگر دینامیت هارا درهر نقطه که مقتضي دیدند چال کرده وازوی آتشهای مشتعل آهسته خاکستر گرم را دور کرده ورشته

هارا به آذربایجان متصل کنند که بمجرد اصطکاك قوّه مواد مدفونه را محترق وعالمی را واژگون نمایند شهر تبریز پس از اجرای این مقدمه خود شروع به تعطیل کرده ودر سرتاسر آذربایجان این معنی جاری وبنقاط دیگر سرایت نموده گرچه طهران به مستدعیات و یا اعتراضات ملت جواب نمیدهد ولی مردم از تلگرافخانه ها دست بر نداشته و تحصن گاه خود قرار داده نهایت آنکه متصل تلگرافات اعتراض آمیز است که از نقاط دور دست بطهران میرسد ولیکن قوهٔ برق به دریای لایتناهی سکوت و یا سانسور متصل است وتا این دقیقه اهل طهران از تلگرافات بی خبر و سانسور اجازه انتشار آنها را نداده است .

(سانسور)

هر اندازه که غلیان احساسات در نقاط خارج مرکز سر کشیده و طوفان میکند بهمان اندازه نیز سانسور درطهران هنگامه بپا کرده اذربایجانی در تلگرافخانها متحصن وسایر ولایات وایالات در مساجد و تکیه ها معتکف و از مرکز مایوس و دست دولت تلگرافات را سانسور نموده و نمیگذارد منویات و مستدعیات ملت درطهران منتشر گردد ولی بعکس قاصد های سری بتکاپو افتاده جسته جسته نیزمسافرین واردطهران میشوند همه میدانیم که انقلاب هر دقیقه حکم مخصوصی دارد مسافرین مشهودات چند روزه قبل خود را نقل و وقایع را سینه به سینه ویا دست به دست تحویل میدهند .

بدیهی است وقتیکه اخبار انقلاب از موقع خود گذشت ویا ازمتن خارج شد و مشاهدات به مسموعات انتقال یافت اختلافات کلي تولید کرده وبیشتر مردم را مضطرب و متوحش مینماید !.

در این چند روزه وحشت غریبی درطهران تولید شده و اذهان دارد متوجه جریان دیگري میگردد از همه مقدم تر آذربایجانیان مقیم طهران از

سابقهٔ انقلاب تبریز بوئی بمشامشان رسیده از طرفی عصبیت همشهریکری واز طرفی تشویش و نگرانی افکار را مضطرب چه آنکه هرکس از بسته ووابسته خود نگران و هر دقیقه نزول حوادث را برای آنان تجویز واحتمال میدهند که ممکن است یك مرتبهٔ دیگر جنك خانگی و کشت و کشتار و مخصوصاً تصادمی بین اهالی و نظامیان سر بگیرد!.

با یك چنین مخاطرات حتمی الوقوع و تضییقات حکومت نظامی که اجازه نمیدهد دو نفر در خیابان بایکدیکر دو دقیقه توقف وصحبت نمایند وممنوعیت اجتماعات از جمعیت و جماعت به بین الاثنین نیز تجاوز کرده با وجود این قاصد سری مثل برق وظیفهٔ خود را انجام داده وگذارشات تبریزدر پیش اذربایجانیان ساکن طهران مثل روز روشن شده‌است!.

موقعی است که آفتاب در تکاپوی غروب افتاده و چرخ از رحلت خورشید سیه میپوشدوزردی بیم و هراس بچهرهٔ روز نشسته ودقائق اخر حیات خود را میشمارد وچشم طبیعت نیز باین مرگ داردکم کم اشك میریزد

هوا ابر است و نم نم می بارد دم بازار چهار نفردو بدو راه میروندولی معلوم است درحال جدائی وبعد مسافت از یکدیکر متفق و متحدند وبا ایماء و اشاره چشم منویات خود را بیکدیکر میرسانند و از پلیس ملاحظه دارندو دور هم جمع نمیشوند وروبهم رفته ازقیافهٔ آنها معلوم است که در حال تردید واضطراب بلکه عصباني هستند ومسموعات بدی از تبریز دارند این جمله ازیکی بیخگوشی به دیکری گفته شد (هیچ چاره نیست مگر آنکه بخانهٔ رئیس الوزراء پناه برده هر چه بادا باد متحصن شویم و لا اقل از اذربایجان کسب اطلاع نموده باکه بتوانیم از حادثهٔ مترقبة الوقوع ویا واقع شده کسب اطلاع و یا جلوکیری نمائیم)

ایستاده بودم و این اشخاص مردد و مضطرب را که با نهایت احتیاط اطراف خود را می پائیدند تحت نظر گرفته دیدم دو به دوسواردرشکه شده وراه افتادند در نزدیك منزل رئیس الوزراء و رئیس کل قوا (رضا خان پهلوی)

پیاده شده خواستند وارد خانه گردند

شب بود باران می بارید و در نظر قراول این اشخاص مجهول بودند و از ورودشان جلوگیری نمود ولی واردین مقاومت نمودند ودم درداد وبیداد بلندشد هرچه بود قال وقیل به داخلهٔ خانه سرایت نمود ومستخدمین رئیس الوزراء را مستحضر ساخت و مؤلف را به دم در کشانید قضیه را استعلام نمودم جواب دادند (متحصنیم)

برای چه ؟ مطلبی دارید کتباً عرضه بدارید

ممکن است قلم و کاغذی داده شود تا مطالب خود را بنویسیم ولی با نهایت تأسف جواب یأس شنیدند و بالنتیجه تحصن پذیرفته نشد!

از آنطرف مقاومت شدیدتر شد بالاخره جوابی داده نشد و مایوسانه بطرف مدرسهٔ نظام رهسپار شدند که شب را بسحر رسانند و مستدعیات خود را عرضه بدارند

شب بود و هوا تاریك و بارانی و این چهار نفر کاملا مجهول و از قضا مستدعیات خود را نیز نمیتوانستند علناً اظهار بدارند و لازم بود مداقهٔ مخصوصی در بارهٔ این اشخاص بعمل آید و حرفشان نیز طوری نبود که فوراً آنها را بدست پلیس داد و به حبس تاریك نظمیه فرستاد!.

هر طور بود درمدرسهٔ نظام تحصن اختیار نمودند .

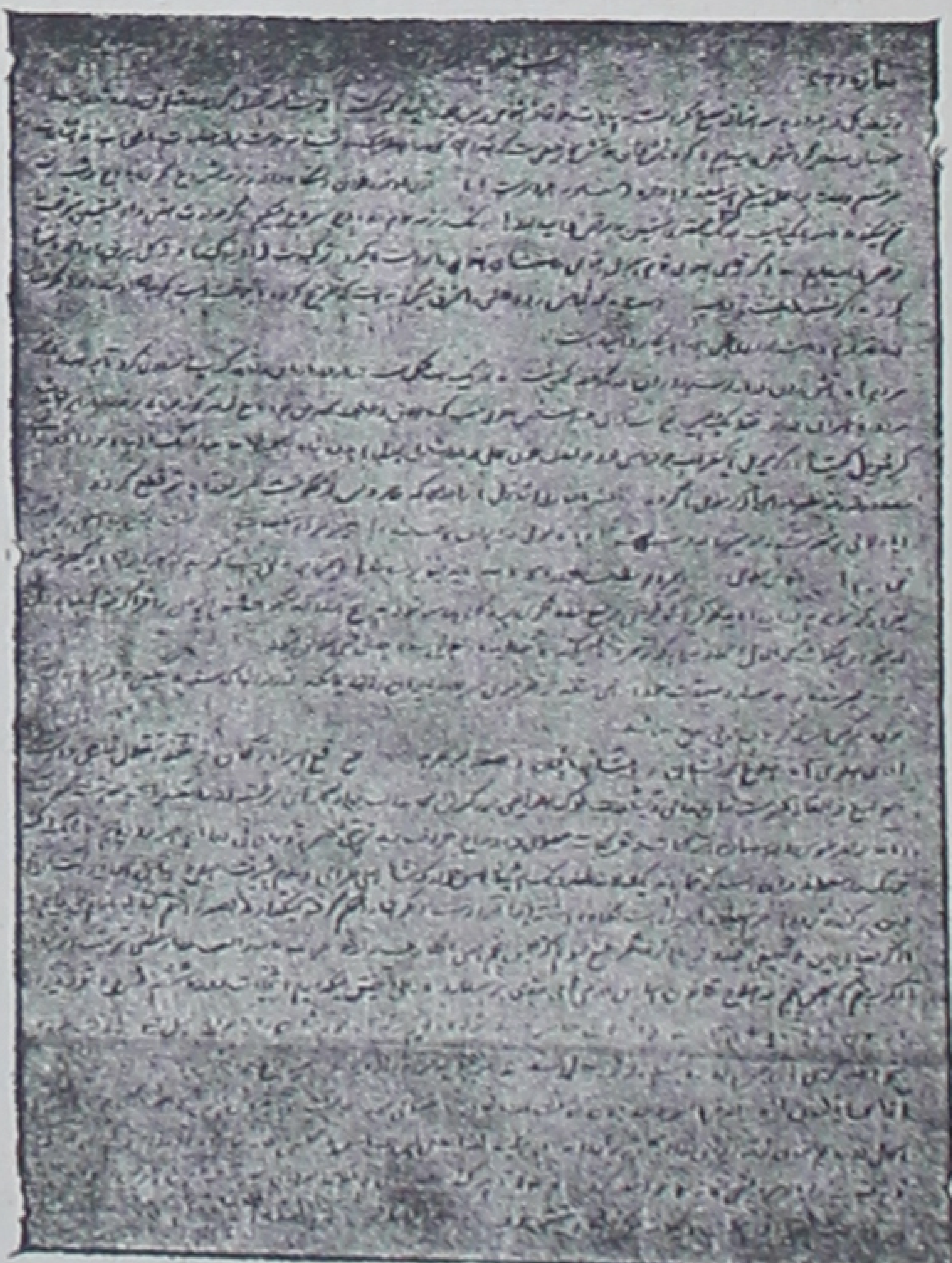
دو نفر از این اشخاص در مدرسه ماندند و دو نفر دیگر شبانه از باغ خارج و رو به یك مقصد غیر معلومی متوجه و از رفیق خود جدا گردیدند .

گویا برای این از رفیق خود جدا شدند که خودی بیاران منتظر رسانیده و خبر دهند که ممکن است از این توقف موقت در مدرسهٔ نظام استفاده نمایند

درست ساعت پنج از شب بود که یکعده اشخاص مجهول که خود را به سایهٔ دیوار کشیده و بفاصله های معین از یکدیگر جدا راه میرفتند در

اطراف باغ مدرسهٔ نظام در تردّد بودند و بعضی از نرده ها سرازیر و چند نفر از در باغ وارد و در زیر سالون موزه در حوض خانه گرد آمدند و یا توقف و یا تحصن اختیار کردند!.

در این حوض خانه زیاد تر از یك چراغ نمیسوزد و یك نفری با نهایت دقت چیزی مینویسد بنظر می آید که عرایض متحصنین و یا متوقفین را دارد مسوده میکند ــ جعبه ژلاتین محرمانه بمیان آمد و این اوراق راچاپ ودر ساعت هشت ازشب باوجود غدغن اکیدو سانسور ومنع تردّد در کوچه ها و پس کوچه ها منتشر گردید این است یك نسخه آن که عیناً گراوُر شده وعبارات آن را نقل مینمائیم



شماره ۳ (شب نامه) رفقا بعد از قرائت بدیگری بدهید

مشت نمونهٔ خروار است

دیروز یکی از افراد جامعه استراق سمع میکرد نسبت به بیانات جوقهٔ از

اشخاص این جمله را شنید که میگفتند (شب نامه متبذل گردیده و ژلاتین دموده شده) حالا جواب آن عده و دیگر اشخاص را میدهیم کوه آتش فشان علامتش بخار غلیظی است که ابتدا آن کوه را احاطه میکند « شب نامه علامت بروز احساسات ناراضی است » انتشارات غیر مستقیم دلالت بر اعمال مستقیم آتیه میکند و بالاخره (مشت نمونهٔ خروار است!.)

آری آوازه خوان دستگاه را از زمزمه شروع کرده باوج وشت آن ختم میکند بلا فاصله با یك تصنیف و رنك مختصری مستمعین را برقص وا میدارد!

اینك زمزمه تمام شد باوج شروع میکنیم اگر حوادث مهلت داد مستمعین متوقف را برقص وا میداریم -

اگر آقای پهلوی تمام اصول اجتماعي و نهضت های انقلابي را از دست ما بگیرد ترکیبات (آمانیاك) و (گلیسیرین) را از ما نمیتواند بگیرد- اگر شنیدید نهلیست روسیه دست به دگمهٔ لباس زده عالمی را محترق میکرد نه آنست که تفریح کرده یا حماقت دست بگریبان او شده بود بلکه فشار دربار (تزار) واهمیت آزادی طلبی اورا باین کار وامیداشت!.

مردم؟ - آتش زدن دربار پوسیدهٔ ایران دریك دقیقه ممکن است دریك شب ممکن است که دربار و درباریان را باخاك سیاه مساوی کرد تاچه رسد به چند نفر مزدور واجیران دربار فقط یك چیز مانع است وآن اقتدارات شخص پهلوی است که با اخلاق وعواطف مخصوص خود مانع از هرگونه جریانی برضد دربار ایران میباشد

کرمویل کیست؟ (کرمویل) یکنفر آب جو فروش بود در لندن چون بیحالی دربار (شارل اول) پدر شاه انگلستان جامعه را تنگ آورده بود ایجاد ناراضی شده ورفته رفته مظهر ناراضی ها (کرمویل)

گروید ویا مختصر بافشاری (شارل) را درمحاکمه حاضر وپس از محکومیت سر اورا باتبر قطع کردند !.

آیاد لائلی برمحکومیت احمد میرزا در دست نیست ؟! ویاکرمویل در ایران تربیت نشده ؟ خیر هردو مقتضیات موجود است پس چرا این عمل اجرا نمیشود؟ نمیدانیم! آقای پهلوی ؟ این مردم مطالب خود را بچه وسیله باید بشما برسانند این مردم مدتی است میگویند که کار ایران باید یکطرفه شود یعنی مرکز موهوم دربار را باید محو کرد که نگرانی مرتفع شده فکری بزندگانی جامعه بشود ـ هیچ میدانید سکوت عمیقي ایران را فرا گرفته ؟ نباید غافل بود از نتیجه این سکوت که بالمآل ایجاد هزار گونه حرف ها میکنند ـ بگذارید کار یکطرفی شده جان جمعی خلاص شود

مردم فقیر شدند — جامعه از وضعیات خود ناراضی هستند — فقر عمومی سرتاسر ایران را تهدید میکنند از همهٔ انیها گذشته بلاتکلیفي قاطبهٔ مردم را عصبانی نموده هرکس سر در گریبان در پی علاج میباشد آقای پهلوی؟ اصلاح خوزستان — امنیت آذربایجان — تسویهٔ امور خراسان — قلع و قمع اشرار ترکمان — حفظ استقلال خارجی و امنیت طرق و شوارع — الغاء حکومت خان خانی و تشکیلات ملوك الطوایفي بزرگترین مجاهدات و یادکار های برجستهٔ دورهٔ تصدیات حضرتت محسوب است .

اما غائلهٔ فقر عمومی و داستان آنتریکات خصوصی و اوضاع خراب و بی ترتیبي مجلس شورای ملی دراتمام اخیردورهٔ پنجم تماما یك نكتهٔ بزرك را میفهماند و آن این استکه حتما باید یك لانه جغد و یك اشیانهٔ لاش خواری که منشاء اصلی خرابی و عدم پیشرفت اصلاح اساس امور ایران است ار بیخ و بن بر کنده گردد ! چرا معطلید ؟! چرا دست نگاهداشته اید ؟! چرا دست دیگران را محکم گرفته نمیگذارید قضیّه را ختم کنند؟! باز نمیدانیم ! امّا اگر قضا یا

بهمین بلا تکلیفی بگذرد ـ ما اگر خاطر جمع نشویم که مجلس پنجم اهمیتی بافکار ملّت داده تنفرات عامه را نسبت به در بار سلطنتی ترتیب اثر میدهد ما اگر نه بینیم که مجلس پنحم در اصلاح قانون اساسی قدم های جدّی بر میدارد علی التحقیق نمیگذاریم انتخابات دورهٔ ششم شروع شود زیرا باز همان آش است و همان کاسه و باز همان عناصر فاسد مزدور و اجیر دربار خودشان را بانواع حیل بشما نزدیك نموده میخواهند کرسی های مجلس دوره ششم را اشغال کنند

(هر آنکس آزموده وآزماید ـ همیشه رنج بر رنجش فزاید) آقاي پهلوی؟ بالاخره صبر و بردباری شما ملت آذربایجان را عصبانی نموده عاقبت بی اعتنائی مجلس و حقه بازی وکلای معلوم الحال دورهٔ پنجم عنان توجه ایران را از مجلس برگردانید ـ اینك آذربایجانی پس ازیأس ازمجلس به خانه شما پناه آورده و نگرانی اوضاع تمام طبقات را بالاخره ملتجی بخانهٔ شما خواهد کرد ـ حالا تاچکند مهمانداری وملت نوازی حضرتت ؟ این آخرین التماس ملت ایران است بشخص اول مملکت و یگانه مرکز اتکاء حقیقی خود بقیه دارد

(جامعهٔ انتقام ملی)

(قبل از طلوع آفتاب)

هنوز آوارکان آسمان حیرت و یتیمان چرخ .نا (بنات النعش) در سمت مغرب دور هم جمع و بحال زار ملت ایران گریه و زاری داشتند هنوز نور افکن آسمان به وا ماندکان قافلهٔ تمدن و گمراهان شب دیجور تعالی از سمت مشرق نتابیده‌بود که گمشدکان را براه راست هدایت نماید

گرگ درنده طبیعت میرفت خمیازه کشیده و دم خود را براق کرده برمهٔ ستارگان هجوم نماید

هنوز رب النوع ظلمت بالهای سنگین وسیاه خود را از روی افق طهران جمع نکرده بود و بالجمله با این همه تشبیهات پیش از طلوع صبح بود که عیاران شب گرد وزنده دل و بیدار آذربایجانیان مقیم طهران

اطراف باغ مدرسهٔ نظام را احاطه کرده وولولهٔ غریبی راه انداخته بودند!.
این اشخاص کیانند؟ برای چه در این دل شب در این منطقه نظامی دور هم گرد آمده اند؟ پلیس در حیرت است!. وازمشاهدهٔ این ازدهام درتعجب!. سوت میزند و از پست های سیار استمداد میکنند

مقصر یکی دوتا نیست که از قانون منع تردد سرپیچی نموده و در این وقت نابهنگام ودل شب که هنوز موذن کلبانك صبح را نگفته تامردم ولوبقصد نماز جماعت از خانه بدر آیند دراین نقطه جمع شده اند!.

درجلو منزل رئیس دولت همهمهٔ غریبی است اگر سوت آژان پست های سیار را بطرف منزل رئیس دولت میکشاند چند برابر آن حسیات درونی آذربایجانی نیز مانند تلگراف بی سیم درباطن کار خود را میکند افراد دیگری را بجمعیت علاوه مینماید و بالجمله هرچه عدهٔ آژان بالا میرود عدهٔ نفوس نیز چند برابر بالا میرود!.

اینها آذربایجانی هستند که دراین دل شب بقصد تحصن به در خانهٔ رئیس دولت پناه آورده ولی متاسفانه اول شب جواب یاس شنیده و مقاومت کرده اند که صبح باید مقدرات آنها را تعیین نمایند.

چه میدانیم؟ مقدرات این حس زدکان درمحکمه نظامی بکجا خواهد کشید؟

(نزدیك طلوع آفتاب)

پره های آسیاب چرخ خون سیاوش را بروی افق طهران پاشید و آسمان برنك خون شدوابرها خون فام گردید.! گویا از بی اعتنائی دولت نسبت به مستدعیات ملت طبیعت عصبانی گشته و خون بچهره اش صعود نمود و با قاضی محکمهٔ عدالت در دل شب بمستندات تظلم ملت از قاجاریه و جنایاتی را که در طول یکصدو پنجاه سال مرتکب شده بودند رسیدگی کرد و بروی میز قضاوت پارچه قرمز کشید و با چشم طبیعت بحال ملت

ایران زار گریست و شب نم بروی زمین نشست و رنك قرمز ابرهای خونین نیز در آنها منعکس شد و زمین و آسمان برنك ارغوانی و خونین گردید!. در این شب بالخصوص تاثرات طبیعت زیادتر بود اول شب اگر آسمان بحال متحصنین میگریست درآخر شب نیز شب نم یاآه سرد مظلومین تقطیر شده و بروی گلها نشسته بود و مانند آه عاشقانه منتظر حرارت بی مهری معشوق بود که نابود گردیده و به دریای نیستی متصل گردد در یك چنین گیرودار طبیعت شرح گذارشات شب را برئیس دولت راپورت دادند که در مدرسه واطراف آن قیامتی بر پاست و اوراق شب نامه در دست آژان ها نمونه رستاخیز را مجسم نموده و هیئت پلیس مصداق (اما من اوتی کتابه بیمینه) گردیده‌اند!.

پلیس امر تفرق میدهد ومردم باچشم مسخره وحقارت باین امرنگاه میکنند نزدیك است زدوخورد سر بگیرد!.

قضیه مبهم است ـ وجمعیت ناشناس ـ مقصد غیر معلوم ـ مثل اینستکه پی بهانه میگردند و آذربایجانی ها مثل یك صاحب منصب بانفوذ فرمان می دهند ومردم را ازطرفی بطرفی میکشانند و از حالی بحالی تحویل میدهند. لازم است قضیه مکشوف گردد؟

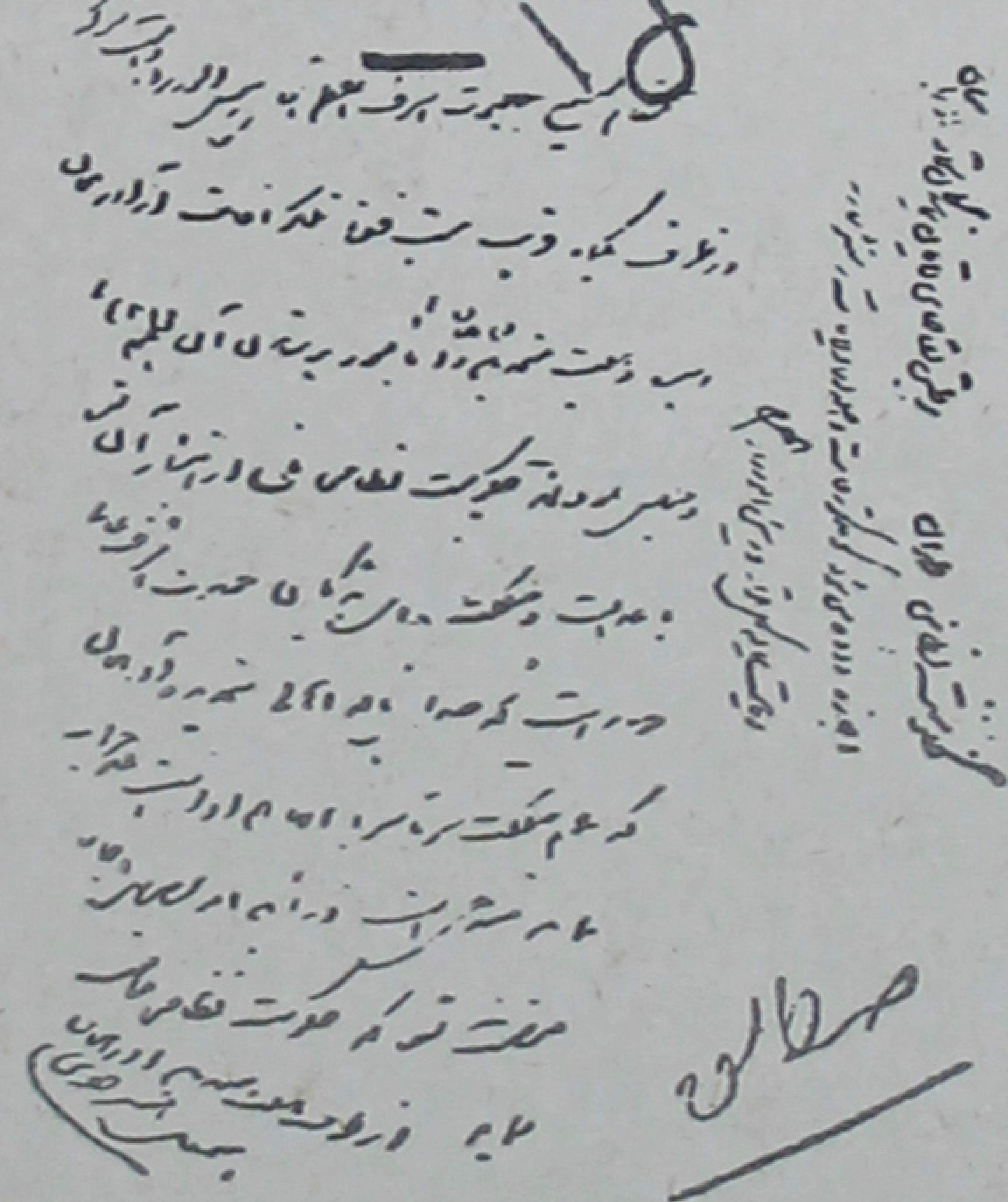
برای استطلاع احوال از متحصّنین نماینده‌ٔ خواسته شد که مقصود را بیان واحوال مستور را مشهود وعیان دارد

(شرفیابی واولین استدعا)

یکی از روحانیان معمر آذربایجان که معلوم نبود درچه ساعت شب وارد باغ مدرسه گردیده وتحصّن اختیار نموده بود برسم نمایندگی تعیین و بحضور رئیس‌الوزراء ورئیس کل قوا شرفیاب شد وچنین عرضه داشت که اولین مقصد متحصّنین زیادتر ازاین نیستکه اجازه داده شود تلگرافات ومکاتیب که درظرف یکماه از آذربایجان و سایر نقاط مخابره و ارسال شده وبواسطهٔ

متعلق بصفحه ۹۱

عریضهٔ متحصنین آذربایجان در مدرسهٔ نظام



مقام منیع حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء دامت شوکته

درظرف یکماه قریب بیست فقره تلگرافات از آذربایجان رسیده وهیئت متحدین آذربایجانرا مامور رساندن آن بعموم اهالی و مجلس نموده اند حکومت نظامی مانع از انتشار آنهاست با عدالت و مملکت پروری بندگان حضرت اشرف عالی دور است که صدای نالهٔ اهالی ستمدیده آذربایجان که عموم ملت سر تاسر با آنها هم آواز است بلاجواب بماند مستدعی است در این امر مخصوص اجازه مرحمت شود . که حکومت نظامی ممانعت ننماید

از طرف هیئت متحدین آذربایجان (اسمعیل هشترودی)

حکومت نظامی طهران برطبق تقاضای آقایان نمایندگان تجار آذربایجان اجازه داده میشود که تلگرافات واصله از ولایات را منتشر نمائید ریاست عالیه کل قوا و رئیس الوزراء (رضا)

حکومت نظامی جلوگیری از ایصال بمقصد و انتشار گردیده از زیر دست سانسورخارج و متحصّنین استدعا دارندکه بموجب اصل (۲۶) متمّم قانون اساسی باآنها رفتار شود که مردم بتوانند از گذارشات فامیل و منسوبین خود درخارج مرکز مطلع ورفع نگرانی نمایند .

(استنکاف یارد تقاضا)

رئیس کل قوا ازقبول این تقاضا استنکاف و چنین اظهار جواب نمود که بمقتضای مصالح عمومی و مملکت حکومت نظامی اعلان شده و اگرمقتضی بود البته جلوگیری نمیشد و چون موقع برای اظهار پارهٔ مطالب ممکن است مقتضی نباشد لذا نمیتوان این استدعا را پذیرفت .

(اثرات یأس)

نمایندهٔ مزبور نتیجه‌را به‌متحصّنین رسانید ویکدفعه یك‌حال عصبانی‌بس مخوفی در وجود متحصّنین پیدا شد که بی اختیار بمنزل شخص رئیس دولت‌هجوم و برای عملی کردن تصمیم‌خود مستعدّ جذب ودفع هرگونه پیش‌آمد گردیدند . اصرار ملت و استنکاف رئیس دولت بطول انجامید و پافشاری از حد گذشت

(اولین فتح ملت)

پافشاری ومقاومت بالاخره نتیجهٔ خود را بخشید وازهمین ساعت که تقریباً سه ساعت و نیم بعد از ظهر (روز چهارشنبه ۵ آبان ۱۳۰٤) رفته بود که ملت شروع کرد شاهد مقصود را در آغوش خود بگیرد

اجازهٔ انتشار مخابرات ورفع سانسور صادر واین است عین‌عریضه ودستخطیرا که درحاشیهٔ آن(رئیس الوزرا و رئیس کل قوا) اجازهٔ انتشار مخابرات و رفع سانسوررا دستخط وامضاء نموده است

☆*☆

دستخط رفع سانسور و انتشار تلگرافات صادرگردید چندساعت ازین واقعه نگذشته بود و متحصنین در نهایت اضطراب دقائق را می شمردند که یکمرتبه هزاران اوراق از مطابع به خیابانها ریخته شد و تلگرافات سانسور

شده را طبع و توزیع نمودند و حوادث خارج مرکز که در این مدت در پس پردهٔ بي اطلاعی مرکزیان بود مشهود و مستدعیات ملت معلوم گردید و فهمیده شدکه چه اندازه دولت از افشاء مخابرات جلوگیری و نسبت بازادی عمومی سخت گیری کرده است !.

دیگر اراده و اختیار مرکزیان از دست رفت عقاید وافکار متشنج و عصبانی و ازاین ساعت روح دیگری در جامعه و جماعت تولید شد که یکمرتبه بکلی وضعیات را منقلب و دگرگون نمود!.

حقیقةً رفع سانسور بمنزلهٔ نیشتری بود که بهشریان احساسات زده شد و مردم فهمیدند که میتوانند منویات خود را ولو در ضمن ترجمه و تفسیر مدلول تلگرافات بیکدیگر بگویند و افادهٔ مرام نمایند.

از همین ساعت ملت میرفت با اصول توارث سلسلهٔ قاجاریه جنگیده وغالب و مغلوب را یکمرتبهٔ دیگر معلوم بدارد وما فعلاً ملت را در حال تجهیز گذاشته ولی نمونهٔیکدوره تلگرافاتی را که ازسانسور خارج و منتشر گردیده جمع آوري و عیناً نقل مینمائیم و مندرجات آنها را از نظر میگذرانیم تا بحقیقت تقاضاومستندات قیام پیبرده واسرار نهضت را به مخزن تاریخ بسپاریم

(مستدعیات ملت یا تلگرافات)

قبلاً این نکته را به دست آورده ایم که ملت از مجلس شورای ملی استدعاي جلوگیری از ورود احمد شاه به ایران نموده و بهمین اندازه قانع بودند ولي مجلس به این استدعا هیچگونه جواب مثبت و یا منفي نداده و به عظمت و اهمیت ارادهٔ ملت وقعی نگذاشته ویا دولت مانع بوده واعمال نفوذمیکرده که این تلگرافات در مجلس علنی نشود و پیش‌بینی از تولید حوادث مینموده هرچه بوده لاقیدی مجلس نسبت به مستدعیات عمومی ملت را عصبانی نموده و تقاضای اولیه از بین رفته و مرام دیگری جای انرا گرفته که ما از چگونگی ان بیخبر بوده ایم اینك که محذور رفع و سانسور برطرف گردیده از متن تلگرافات• حقائق را استنباط مینمائیم

ادارهٔ تلگرافی دولت علیه ایران

از تبریز	نمره قبض ۱۶۵۵۹	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ اصل	اسم گیرنده
بطهران	نمرهٔ تلگراف ۲۰۷	۹۶	۱۱		۷-۱۳	

تلگراف تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ۱۶۵۵۹ نمرهٔ تلگراف ۲۰۷

تاریخ اصل ۱۲ مهر ماه تاریخ وصول ۱۳ مهر ماه

توسط آقای هشترودی اتحادیون اذربایجان کمیته مجمع اقتصاد کمیته اطلاعات اتحادیهٔ اصناف برای کوتاه کردن دست غاصبانه قاجار بازار تعطیل و تا موفقیت کامل نشود دست بردار نخواهیم بود محض هم اواز شدن بازار طهران را هم تعطیل نمائید کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

(تلگراف تبریز به طهران)

نمرهٔ ۱۶۸۳۲ نمرهٔ تلگراف ۲۶۰ عدد کلمات ۲۹۹

تاریخ اصل ۱۵ مهرماه تاریخ وصول ۱۵ مهرماه

مقام منیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کمیته اداره اطلاعات یك ملت فداکار و علاقه مند باستقلال مدفن نیاکان عظیم الشأن که پیش روی خویش را در کلیهٔ انقلابات ثابت نموده شورای ملی مرکزی را طرف توجه قرارداده دادخواهی نمود تا دست نالایق و سیاه خائن به مملکت را قطع و وجود منحوس یك نفر از بی علاقه ترین افراد بمملکت داریوش را از طریق سعادت ملت بر داشته و محو نمایند با کمال تأسف مشاهده کردیم که کرسی نشینان بهارستان معروضهٔ ملت آذربایجان را طرف توجه قرار

حتی المقدور جبران ماضی را نموده باشد آقایان نمایندکان محترم این صدای ملت ایران است که از حلقوم فرزنـدان ساکن خطّهٔ آذربایجان خارج شده به مسامع شما رسیده و خواهد رسید هیچ میدانید که با صدای ملّت آنهم یك ملت عصبانی روح لاقیدی منافات دارد ؟ آیا میدانید که حکومت بر اوضاع مخصوص ارادهٔ ملت است ؟

ما نمیدانیم که شما آقایان متذکر این قضیه و اهمیّت آن نبوده و نیستید؟ این جا است که ما شما را متّهم به مسامحه و لاقیدی کرده متأسف میشویم که چرا شما آقایان در ظرف (۱۲) روز تمام به ندای ملت جوابي نداده سهل است با نهایت خون سردي مشغول انجام امور عادی و اجراء مقاصد خصوصي خود بوده کلیه ایالات و ولایات ایرانرا بیك مرحلهٔ فوق‌العاده خطرناکی سوق میدهید اینجا است که ملت آذربایجان به صداقت و صمیمیت و اطاعت شما از موکلین خودتان ملت ایران با نظر تردید نکاه میکنند یعنی نزدیك است یکباره بدون ملاحظه بشما بگوید در خواب غفلت فرو رفته اید بشما بگوید آمال ملی یك ملتی را دستخوش هوا و هوس خود ساخته اید این صدائی را که در اینمدت اول از حلقوم فرزندان آذربایجان و سپس اولاد سایر ایالات و ولایات ایران بر خواسته هرکس غیر از شما ها می شنید اقلاً متفکر میشد که چه جواب بدهد ؟ ولی شما ها ابداً اعتنائی نمیکنید برای مرتبه آخر بنام ایران شما ها را مخاطب ساخته فاش میگوئیم کوتاهی دست دودمان قجر را از اریکه سلطنتی که تکیه‌گاه سیروس و سلاطین با عظمت باستانی بوده طالبیم بشما آقایان بیش‌از این اجازهٔ تسامح و تعلل نداده انتظار جواب موافق و قطعی درظرف (۴۸) ساعت داریم اگر موعد منقضی شده جوابي مطابق مقصود نرسید طهران را فراموش نموده ما وکلیهٔ ایالات و ولایات ایران که متابعت عملي خود را بما اظهار داشته اند قطع رابطه بتمام معنی آن با طهران نموده درس عبرتی بشما آقایان میدهیم که در آتیه سرمشق اخلاف ما و شما باشد در آنصورت ما تصور میکنیم شما کسانی نیستید

نداده و مارا بلاجواب گذاشتند ما حیرت خود را اظهار و برای آخرین مرتبه به آن نمایندکان محترم گوشزد می سازیم اگر فوراً اقدام عملی در بر طرف کردن این ریشهٔ فساد و قطع دست نالایق قجر همان قجریکه در دامان داغدار پرخون ملّت آذربایجان پرورش یافته از مملکت باستانی نشود و آلت دست خارجیان از بین بر داشته نگردد ما نوعی معمول میداریم که علاج آن از حیّز قدرت طهران خارج باشد با قطع روابط خود را با طهران بجامعه ملل دنیا و برادران ایرانی خود اعلام میداریم و در صورتیکه بفوریت خاتمه به این قضیه داده نشود ملت آذربایجان بدون مراجعه بطهران در ختم غائله مقدم گردیده و در آنصورت توسلی به آن ذوات محترم نجسته و فارغ البال بوظائف ملی و وجدانی خود در راه تحصیل مقصود قیام و اقدام نموده و نظامیانیکه تا امروز خدمت و فداکاری خود را به مدفن سیروس ثابت کرده اند اگر سرنیزه خود را بخواهند یا مجبور شوند بر خلاف آمال ملی اعمال دارند با خون کلیهٔ افراد آذربایجانی رنگین ساخته و در کمال اسف واندوه آن مانع را نیز به نیروی ملی از پای در خواهیم آورد

کمیسیون نهضت ملی آذربایجان

(از تبریز به طهران)

نمرهٔ کتاب ثبت ۱۲۲ تاریخ اصل ۲۴ تاریخ وصول

۲۵ مهرماه ۱۳۰۴

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست عالی کل قوا دامت عظمته کپیه توسط اطلاعات جرائد طهران کپیه توسط تلگرافخانه ها کمیسیون های نهضت ملی و طبقات مختلفه و جزاید ایالات و ولایات کپیه توسط مجمع متحدین آذربایجان به برادران طهرانی ملت آذربایجان در نهایت اسف قاطبهٔ نمایندکان محترم را میخواهد از یك قصور وظیفه که در تاریخ ملل حیّهٔ عالم بی سابقه است بنام ایران و ایرانی متنبّه ساخته و بوسیلهٔ این تذکر

که معتقد بصراحت قول و عقیدهٔ راسخ بوده باشید ما تصور میکنیم که فرد فرد شما .با حالت مضحکی که مخصوص خودتان و زائیده شدهٔ محیط شما است به این تذکرنامه تلگرافی ما نظاره میکنید ما تصور میکنیم که روح مجامله و محافظه کاری درکلیهٔ وجود شما حکومت مطلقه دارد ماتصورمیکنیم که در عروق و شرائین شما یك مثقال خون گرم یافت نمیشود فعلاً برای حکومت افکار عمومی دنیا و تاریخ آتیهٔ ایران اینمدت را که ساعت آخرش صبح سه شنبه است ضرب اجل نمودیم و من بعد انتظار مراجعه ما را بخودتان نداشته بلکه مترصد رفتاری خارج از حدود تصورات خود باشید آذربایجان باستظهار و نیروی قدرت ملی خود و سایر برادران وطنی در راس موعد مذکور اگر بجواب مطلوب نائل نیاید دست انتقام از آستین قدرت ملی بیرون ساخته و بر پیشانی مخالفین آمال ملی کلمهٔ را که امروز نمیخواهد تفوه نماید رسم خواهد نمود وکلیهٔ عواقب و خیم ممکنه را به مسؤلیت شما معرفی مینماید(کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

از تبریز بطهران

نمره کتاب ٤۲ عدد کلمات ۲۳۸ تاریخ ۲۵

تاریخ وصول ۲۵ مهرماه ۱۳۰٤

توسط مجمع آذربایجانیان برادران وطنی طهران امیدواریم فساد یك قسمت از شهر شما در شما اثر ننموده .باشد دوازده روز است که ما و عموم ایالات و ولایات ایران از مجلس شورای ملی و مجمع نمایندگان امروزی خواستار قطع دست شاه قجر و خانواده اش ازاریکهٔ سلطنت ایران شده به جواب مثبتی یا منفی نائل نشده ایم و نظر بسابقهٔ که عموم ایرانیان از سوء رفتار سلاطین قجر دارند محتاج بذکر علت نیستیم این است که اجباراً تلگرافی که حاوی آخرین حرف ما و قاطبهٔ ایالات و ولایات ایران که پیشوائی ما را در انجام این مرام مقدس ملی تصدیق نموده اند میباشد وکپیهٔ آنرا تلواً ملاحظه میکنید مخابره کردیم وتا روز (سه شنبه)

اگر جواب مطلوب نرسد ناچاریم عملا قطع روابط خودمان را با طهران یعني مجلس شورائی که نمایندگان ما نمایندگی خود را ازطرف مردم فراموش نموده اند اعلام داریم ولی در اینصورت تاسفات ملی خود را از چنین پیش آمدی اظهار نموده .بار مسؤلیت را تحمیل بر دوش نمایندگان ساکن بهارستان ساخته شما را بکمك خود از برای اجرای کیفر آنها دعوت نموده ومیگوئیم نه تنها مردمان دودمان قجر را ازسلطنت بر کنار میداریم بلکه کسانی را که به صدای یك ملت احترام نمیگذارند و موکلین خود را ملعبهٔ هوا و هوس خویشتن ساخته اند کاملاً تادیب و تنبیه خواهیم ساخت چنان تنبیهی که درخور یك ملت عاقل و مستقل باشد کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمره کتاب ۱۲۷ تاریخ وصول ۲۵ مهر ماه

کپیه اطلاعات و مجلس شورای ملی در طهران توسط تلگرافخانها کمیسیون های نهضت ملي و طبقات مختلفه وجرائد ایالات و ولایات کپیه توسط متحدین اذربایجانیان به برادران طهرانی برادران عزیز پس از تقدیم تشکر از احساسات و عملیات وطن پرستانه شما که قلوب برادران اذربایجانی شما را باهتزاز درآورده خاطر شریفتان را باخرین مخابرات خودمان باطهران که در تلو این تلگراف کپیه شده متوجه ساخته بصدای رسا میگوئیم ما مصمم شده ایم که اگر در ظرف (٤۸) ساعت که ابتدای آن صبح یکشنبه وانتهای آن صبح سه شنبه است طهران لاقید جواب مساعد نداد ما وهر یك از شما برادران قطع کلیه علائق و روابط مادی و معنوی را با طهران مجرا داشته باستظهار یکدیگر بدواً گریبان شاه قجر و دودمان را گرفته از فراز تخت داریوش بزیر آورده و پس ازآن معاملهٔ را که یك ملت مستقل با نماینده غیر صدیق خود مینماید با کرسی نشینان بهارستان معمول داریم وصول این تلگراف را بفوریت بما اطلاع داده احتیاطاً مقدمات قطع

روابط را تهیه نموده منتظر آخرین خبر ما و رسیدن ساعت معهود که صبح سه شنبه است باشید سعی کنید عموماً از هم با خبر باشیم با این تلگراف یك کپیه از تلگراف بمجلس شورای ملی ضمیمه است

کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ۱۸۱۶۷ نمرهٔ تلگراف ۵۰۲ عدد کلمات

۶۵۵ تاریخ اصل ۲۷ تاریخ وصول ۲۷ مهر ماه

مقام مقدس قائد کبیر و ناجی مملکت و پدر محبوب ملت ایران حضرت اشرف (رضا خان پهلوی) رئیس عالیهٔ کل قوا ورئیس الوزراء دامت عظمته کپیه توسط اطلاعات جرائد طهران کپیه مجلس شورا کپیه توسط هیئت متحدین اذربایجانیان برادران طهران کپیه توسط رؤساء تلگرافخانها کمیسیون های نهضت ملی و جرائد و طبقات مختلفهٔ اهالی ایالات و ولایات ملت ایران عموماً و فرزندان خطهٔ ستمدیده اذربایجان خصوصاً بخوبی میدانند که شخص مقدست شخصا ملك و ملت را از اضمحلال نجات داده و برای رفع هرج و مرج و محو اصول خود سری و ایجاد امنیت ثابت و آسایش ملت راحت را بر وجود مبارك حرام و مدت چهار سال با عوامل و موجبات اصلی ملوك الطوایفی با قوای تمام جنگیده از بذل هیچگونه فداکاری دریغ نداشتید و امنیت فعلی را بالنتیجه به یك ملتی که آثار جراحتش از ضربات و صدمات اوضاع سابق هنوز کاملا نمایان است عنایت فرموده اید البته یك چنین امنیتی که بقیمت جان اولاد وطن تحصیل شده نمیتوان برایگان از دست داده و تقدیم اغراض مغرضین قرار داد حضرت اشرفا ملت ایران شاه فعلی را براثر تجربیات تلخ چندین سالهٔ خود مخلّ امنیت و آسایش عمومی شناخته و وجوداورا مورث اعادهٔ اوضاع دل خراش سابق میداند و بهمین جهة امروزه تصمیم قطعی اتخاذ کرده است که یك چنین عنصر بی علاقه به مملکت را از سریر سلطنت

بزیر آورده وبرای هوسرانی شخصیش اورا آزاد گذارده لازم نمیدانیم که وقت گران بهای حضرتت را که دقایقش وقف احیاء ملت است به ذکر بدیهیات و تذکار سوابق ننگین سلاطین قجر وخود شاه فعلی مشغول داریم اهالی آذربایجان که همیشه درمقابل تیرهاي خارا شکن دودمان سلطان کنونی سینه های خودرا سپر قرار داده وگوی وطن پرستي را باجانبازی و وفدا کاری ربوده است (۱٤) روزاست که از کرسی نشینان بهارستان تقاضای اقدام فوری درعزل شاه وخاتمه به سلطنت قجر را بانهایت ابرام نموده و این آقایان نمایندگان تا کنون یك کلمه جواب نداده سهل است باادامه برفتار لاقیدانهٔ خود ملّت ایران را در انظار ملل حیهٔ عالم مورد سخریه و استهزاء قرارداده و غافل از این نکته هستند که موجودیت وهویت آنان و تعیّناتشان مربوط بمقام وکالت است که ملت بآنها اعطا نموده حضرت اشرفا ملت ایران عموماً. و ما اهالی آذربایجان خصوصاً شما را پدر محبوب خود دانسته و قلوب مملو از محبت و عشقمان را برای پرستش حضرتت الی الابد حاضر داشته وچشم امیدمان را بشخص مقدست دوخته میخواهیم خاطر مبارك را متذکر سازیم ماهمان قدری که بشما علاقه مند بوده وبابذل مال و جان حاضریم بدنیای امروزه تمامان علاقه مندی خودرا نسبت به وجود مقدست نشان دهیم همانطور هم ازسلطنت این عنصر نالایق منزجر و متنفر بوده واز کسانی که در اجرای مرام مشروع ماممانع تراشی بالاقیدی بخرج داده وبنام نمایندگی ملت برعلیه مصالح همان ملت کارکرده و در هنگامی که تمام ایرانیان برای انفصال شاه فعلی قیام کرده بکارهای مادی واجرای مقاصد شخصي و دسته بندی برای وکالت دورهٔ آتیه مشغول هستند اظهار بیزاری وتنفر ولعنت و نفرین مینمائیم حضرت اشرفا امروزه برای آخرین مرتبه حرف آخری خود راگوشزد تمامیان آقایان بی علاقه نموده و ذات اقدست را شاهد میگیریم که در این امر مهم نه تنها وکلا بلکه اگر حضرتت هم که مظهر تعظیم وتکریم ما هستید ممانعت فرمائید

بمقاومت شدید بی سابقه مصادف خواهید شدملت اذربایجان همانطوریکه پدر مرحوم شاه فعلی را با اخذ آراء از عموم ملت ایران معزول نموده مقصود ملی خود را انجام داده حالا هم همان عمل را اعاده نموده و یک مرتبهٔ دیگر نام پر افتخار خود را زینت بخش صفحات تاریخ انقلاب ایران قرار خواهد داد کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ۱۸۶۱۵ نمرهٔ تلگراف ۵۷٤

عدد کلمات ٤۵۵ تاریخ اصل ۳۰ تاریخ وصول ۳۰ مهرماه

توسط رؤسای تلگرافخانه ۸ کپیه داده شود

در ایالات و ولایات به کمیسیون های نهضت ملی و کلیهٔ احزاب و طبقات مختلفه و جرائد کپیه در طهران توسط اطلاعات عموم جرائد و طبقات مختلفه توسط قزوینیان و مجمع متحدین اذربایجانیان بکلیهٔ افراد غیور اذربایجانیان ساکن طهران از هر طبقه و صنف برادران غیور اذربایجانی شما که خون ها درراه استقلال مملکت ایران نثار و فرزندان رشید خود را درراه وطن تفدیه نموده اید چگونه نشسته و خون سردی و لاقیدی یک مشت مردمان بی علاقه ولاقید بمملکت را در پارلمان مشاهده مینمائید؟!! ای برادران عزیز فرزندان و برادران شما که جان عزیز خود را در راه آزادی و سعادت ملت ایران نثار کرده و در اولین روزهای استبداد که مرتجعین و خائنین به مملکت در هر قدم حکم فرمائی کرده وآزادی طلبان را چون نوری معدوم مینمودند دست بشمشیر برده و پا بجادهٔ سعادت ملی نهاده و نام ایرانی را با اسم آذربایجان در صفحهٔ نوی تاریخ نگاشته‌اید آگاه باشید که امروز ما در وطن داریوش کبیر بهمان عزت وجانبازی و فداکاری آذربایجانیان رشید و غیور احتیاج تام دارد که امروز مجدداً مادر وطن در بستر بیماری غنوده و فرزندان خود را بیاری میطلبد ای

فدائیان آذربایجانی موقع آن رسیده که سربلند کرده وجبهه های پرغرور و نخوت خود را در پارلمان پیش وکلا عیان ساخته و با تقاضای مشروع و پرافتخار خود به بدن خائنین لرزه انداخته و چشم علاقمندان بمملکت را درخشان و روشن نمایند ای عزیزان آذربایجانی برادران شما (۱۹) روز است که وقت خود را با مخابرهٔ تلگرافها و درخواست ها به دارالشورا گذرانده وتصور میکردند که دور زمانهٔ وقت آنچه را که برای یك ایراني عقب مانده و با غیرت لازم است در آخر دورهٔ پنجم بوکلا داده آذربایجان اشتباه کرده آذربایجان گول خورده آذربایجان بمردانگی خود نظر کرده و بخطا رفت آذربایجان با یك جنس مردمان بي علاقه بوطن ویك مرکز سلطنت پرست سلطان نشین قطع رابطه مینماید ای برادران آذربایجان ما ازشما جزاین انتظار نداریم که باقدمهای محکم بطرف آن محلی که می بایستی مرکز آمال ملی ایران باشد رهسپار شوید بروید و بخواهید آنچه را که امروز ملت ایران و برادران شما عطشان او هستند باقدمهای بلند پیش روید یارفع ید نالایق سلسلهٔ قجر از تخت و تاج کیان یا آن کاخ نالایق را درهم فروریزند برادران شما ازشما جزاین انتظاری ندارند بروید بروید بروید که احساسات وروح ما در بالای سرشما در پرواز و خداوند ایران پشتیبان و نگهدار شما است

کمیسیون مختلط نهضت ملی‌آذربایجان .

از تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ۱۸۶۴۵ نمرهٔ تلگراف ۵۷۶ عدد کلمات ۲۹۰ تاریخ اصل ۳۰

توسط رؤساء تلگرافخانه ۸ کپیه داده شود در ایالات و ولایات بکمیسیون های نهضت ملی وکلیهٔ احزاب و طبقات مختلفه و جراید درطهران توسط اطلاعات کلیهٔ جرائد وطبقات مختلفه توسط مجمع متحدین آذربایجانیان عموم

آذربایجانیان ساکن طهران مقام مقدس قائد کبیر وپدر بزرگوار ملت حضرت اشرف رضاخان پهلوی ریاست عالیهٔ کل قوا و رئیس وزراء دامت عضمته ملت آذربایجان که حضرت اشرف را می پرستند در مسائل عمومی و ملی توجه مخصوص مبذول فرمایند اخیراً مقداری اوراق چاپی بنام انتخابات به آذربایجان رسیده و موجب شدت هیجان افکار عمومی گردیده زیرا ملتی که برعلیه سلطنت قاجاریه قیام نموده نمیتواند و جهاً من وجوه زیر بار انتخاب مجلس برود که صلاحیت خلع ابدی این خانواده را فاقد باشد ملت آذربایجان بنام خود وعموم ایرانیان خاطر مقدس آن پدر بزرگوار رامسبوق میدارد که اولا بفرمان شاهی که بعزل وی و برانداختن سلسلهٔ او ملت کمربسته شروع بانتخابات را جائز ندانسته ثانیاً وقتی وارد مرحلهٔ انتخاب وکیل خواهند شد که آن وکیل را بعنوان انتخاب وکالت مجلس مؤسسان انتخاب کنند زیرا مجلس فعلی عملا برما دارد ثابت میکنند که بدرد امروزملت ایران نمیخوردوصلاح تجدید نظر درقانون اساسی را ندارد پس هرمجلس که بنام شورای ملی ملت ایران انتخاب کنند همین حال را خواهد داشت بهتر آنست که بندکان حضرت اشرف هم با صدای ملت ایران روی موافقت نشان داده مقرر فرمایند که انتخاباتی شروع شود که برحسب آمال ملی ومملکتی باشد وموجبات انتخاب مجلسی را که قادر بر تجدید نظر درقانون اساسی وعزل شاه و خلع خانوادهٔ قاجار از سلطنت ایران باشد سریعا فراهم آورند

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان (۱)*

---

(۱)* این تلکراف ازتبریز بولایات ذیل درتاریخ سی ام مهرماه مخابره شده و بهر شهر هشت کپیه داده شده

اصفهان نمره	۱۸۶۵۷	شیراز	۱۸۶۵۲	خوزستان	۱۸۶۴۷
همدان	۱۸۶۵۰	کردستان	۱۸۶۴۸	کرمانشاه نمره	۱۸۶۵۴
یزد	۱۸۶۵۵	کرمان	۱۸۶۵۱	قزوین	۱۸۶۵۲
رشت	۱۸۶۵۹	مشهد	۱۸۶۵۶	بجنورد	۱۸۶۴۶
قم	۱۸۶۴۹				

(بیانیهٔ تلگرافي آذربایجان)

توسط رؤسای تلگرافخانهای ایالات و ولایات ۱۳ کپیه به کمیسیونهای نهضت ملی وطبقات مختلفه وجراید واحزاب سیاسی داده شود درطهران توسط اطلاعات عموم جراید و احزاب سیاسی و طبقات مختلفه و توسط مجمع متحدین آذربایجان ساکن طهران ایام طلائی نهضت ما درحالت استغاثه بمجلس شورای ملی بدون اخذ کوچکترین نتیجه گذشته جوابي نشنیدیم نه اینکه فقط جوابی از طرف کرسی نشینان بهارستان بما نرسید بلکه یك صورت عبوس لا قیدی در مقابل یك ملت ستمدیده - تظاهر دادند که ما مجبور به لعنت کرسی و کرسی نشین شدیم بلی بیست روز با حالت انتظار وتمنی بسر بردیم ونتیجه جز ندامت وتاسف ندیدیم آری سزاوار است که بروز های گذشته زاری نموده و ندبه نمائیم اگر در مقابل یك ملت متلاشی که مقدارات خود را بدست یکعده مردمان بی علاقه بمملکت سپرده یك چنین خون سردیها بعدم توجهات نشان داده نشود ملت ازغفلت وجهالت بیدار نشده و حقوقات حقه خود را مطالبه نخواهد کرد آری همان نمایندکان که دو سال متمادی مقدرات مقدسهٔ ما را دستخوش اغراض شخصي خود و جدال داخلی قرار داده در چند روزهٔ اخیر زندگانی آنها نیز نباید جز این انتظاری داشت هم وطنان عزیز نغمهٔ تمدن و تجدد موقع است که ساز شده و نوای حزین متروك گردد موقع است که روح شهامت دیرینهٔ اجداد و نیاکان خود را بکمك طلبیده فریاد زنید که ملت ایران موقع است رشته کار و زمام مقدرات خود را به کف گرفته سلاسل شقاوت و پردهٔ ظلمت آل چنگیز و سلالهٔ مغول را از هم متلاشی سازید هموطنان فرزندان اذربایجان در مقابل هموطنان عزیز خود سر تعظیم و امتنان خم کرده خود را از هم قدمی آن برادران مباهی و سر افراز دانسته صدا میدهد که ای کاروان وامانده از خیل تمدن و تجدد و ای عقب افتادگان از قافله ترقی و تکامل وقت است که برای نجات از این غرقاب هنولناك و خلاص از این وضعیت پر خطر و دهشت ناك متوسل به سفینهٔ نجات

شده دست توسل به دامان قدرت قاهرهٔ ملیت زده با یك اتحاد و معنویت بنام سعادت و اجرای مقاصد ملیهٔ خود را طلبیده کشتی وطن را بساحل نجات رسانیم هموطنان جهة نیل بمقصود مقدس و تأمین آمال ملی بهترین و عملی ترین طرق این است که کلیه افراد ایرانی ساکن هر ایالت و ولایت بفوریت آراء انفرادی خود را ،وکالت در توکیل یك عده بنام کمیسیون مختلط نهضت ملی همان محل که فعلاً در اکثر نقاط تشکیل شده متوجه ساخته کمیسیون مختلط نهضت ملی را وکیل در توکیل نمایند ولایات و نقاط جزء آن ایالت نیز کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان را وکیل تام اختیار بلاعزل ایران خواهند ساخت که مطابق امال ملی وقاطبهٔ ملت ایران رسماً شاه و ولیعهد و خانواده سلطنت قاجار را بدوا ازسلطنت ایران خلع نمایند هموطنان هشیار و با خبر باشید که ملت ایران همان ملت چند هزار ساله برای دومین دفعه میخواهد جلب اراء عمومی نموده و به خلع او موفق گردیده کابوس مخوف و هولناك سلالهٔ سلاطین قاجار و نوادگان اجانب یعني همان چنگیز و مغول زادکان تاریخی را یعنی اولاد همان کسانی را که صفحات تاریخ ایران در عصر آنها هنوز از رطوبت خونهای پاك نو باوگان ایران قرمز و چسبناك است از صفحهٔ مقدس چندین سلالهٔ سلاطین عظیم الشأن ایران از هخامنشی تازند محو و نابود سازد پس یقین و حتم دانسته باشید که ارواح نیاکان با افتخار ما در جو محیط ایران شتابان و هراسان منتظر و مترصد حسن خاتمهٔ رفتار و اعمال اولاد کیانند تا پس از موفقیت و پیروزی اولادان عزیز خود را تقدیس کنند بدین جهة فرد فرد ایرانی بدون آنی غفلت وذرهٔ تسامح و تکاهل در کمال قدرت در نهایت صراحت ارادهٔ پاك و منزّه خود را در بر داشتن این خانواده از سریر پیشدادی علنا و بدون ملاحظه اظهار داشته و خدای یکتا را حامی و نگاهبان خود دانسته در کمال شجاعت برادران آذربایجانی خویش را در انجام این مقصد مقدس وکیل

مختار سازند هموطنان ما فدائیان وطن ما فدائیان شما برادران عزیز باز می گوئیم مادرطول زندگانی سیاسي درتلو اخلاق اجتماعی خودمان بردنیا وبشما و مادر عزیز وطن ثابت و مدلل نموده ایم وقتیکه بر انجام امری ولو هرقدر مهم وسترك باشد تصمیم عزم نمودیم قطع وبلاشك موفق خواهیم شد وقبل ازموفقیت ولو به نثار خون وتقدیم جان تا قابل هم باشد ازمقصد صرف نظر وعدول نخواهیم نمود هموطنان عزیز ساعت امتحان فرارسیده وچشم مادر وطن باعمال ورفتار فرزندان عزیز وجگر گوشگان خود دوخته و متوجه میباشد بر ماست که درکمال عقل و متانت شدت بأس وانتقام خود را بدشمنان عمومی نشان داده آن گرامي مادر عزیز را ازخود راضی وخوشنود نمائیم

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

این تلکراف به تمام نقاط ایران و بهر نقطه با ۱۲ کپیه مخابره شده بشرح ذیل

آمل	۱۸۷۷٤	۳۰ مهرماه	۱۲کپیه
دماوند	۱۸۷۸۲	«	۱۲ «
مشهد سر	۱۸۷۸٦	«	۱۲ «
اشرف	۱۸۸۰٦	«	۱۲ «
ساری	۱۸۸۰۸	«	۱۲ «
بندر جز	۱۷۸۱۰	«	۱۲ «
استراباد	۱۸۸۲۰	«	۱۲ «
لاهیجان	۱۸۷۷٦	«	۱۲ «
کرگانرود	۱۸۷۸۷	«	۱۲ «
شفارود	۱۸۸۱٤	«	۱۲ «
پهلوی	۱۸۸۱٦	«	۱۲ «
رشت	۱۸۸۳۰	«	۱۲ «
قزوین	۱۸۸۲۵	«	۱۲ «
خرم دره	۱۸۷۷۹	«	۱۲ «
ایوان کی	۱۸۷۸۰	«	۱۲ «
شاهرود	۱۸۸۰۰	«	۱۲ «
سمنان	۱۸۸۰۷	«	۱۲ «
محلات	۱۸۷۸۱	«	۱۲ «
ملایر	۱۸۷۸۹	«	۱۲کپیه
بروجرد	۱۸۸۰۹	«	۱۲ «

از کرمان بطهران

نمرهٔ قبض ۵۲۷۸ نمرهٔ تلگراف ۲۴ عدد کلمات ۲۸۰

تاریخ اصل ۲ تاریخ وصول ۳ مهرماه

طهران مقام مقدس قائد توانا ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته کپیه مجلس مقدس کپیه توسط اطلاعات جرائد کپیه توسط هیئت متحدین آذربایجان برادران طهرانی تبریز رشت توسط آقایان حجج اسلام کپیه توسط رؤساء تلگرافخانه کمیسیون های نهضت ملی ملت پنا ها ملت ایران ۱۵ روز است به نمایندگان خود تذکر داده و تنفرات خود را از شاه قجر اظهار داشته خلع و عزل آن عنصر نالایق بی عاطفه را جداً خواستار شده با امید واری که داشتیم هنوز نفیاً و اثباتاً جوابی نداده و بی علاقه گی خود را بملت روشن کرده اند لهذا بحضرت اشرف که زمام دار رسمی

خرم آباد فیلی	۱۸۷۷۳	کپیه	۱۲ »
قم	۱۸۸۱۸	»	۱۲ »
عراق	۱۸۸۲۲	»	۱۲ »
سقز	۱۸۷۸۳	»	۱۲ »
کردستان	۱۸۷۹۷	»	۱۲ »
قصر	۱۸۷۰۱	»	۱۲ »
گروس	۱۸۸۰۴	»	۱۲ »
کرند	۱۸۸۱۳	»	۱۲ »
همدان	۱۸۸۱۹	»	۱۲ »
کرمانشاه	۱۸۸۲۶	»	۱۲ »
خواف	۱۸۷۸۴	»	۱۲ »
بجنورد	۸۸۷۸۸	»	۱۲ »
بیرجند	۱۸۷۹۲	»	۱۲ »
گناد آباد	۱۸۷۹۰	»	۱۲ »
در جز	۱۸۷۹۶	»	۱۲ »
لطف آباد	۱۸۷۹۸	»	۱۲ »
شیروان	۱۸۷۹۸	»	۱۲ »
دزداب	۱۸۸۰۵	»	۱۲ »
قوچان	۱۸۸۱۵	»	۱۲ »

مملکت هستید و ایرانی از صمیم قلب متشکر خدمات امنیت و آسایش بخش وجود مبارکت بوده و خود را رهین فداکاری‌ها و مجاهدات مبذوله‌ات میدانیم عرض میکنیم توقف حضرت اشرف در طهران مانع از این استکه قطع رابطه با مرکز را اعلام نموده ملت کرمان با اتحاد نظریهٔ ایالات و ولایات تصمیم قطعی گرفته است که ننگ سلطنت قاجاریه را از تخت و تاج ایران دور کند و در عین حال نمایندگان را تا کنون بخوبی شناخته محافظه کاری و ضعف نفس آنانرا حس کرده ایم استدعا داریم برای تکمیل مراحم خود نسبت بایران و ایرانیان موقتاً شهر طهران را ترك ومحل اقامت و زمامداری را از مرکز مملکت درخارج از طهران قرار دهید تا بساکنین محل و آن مرکز لاقیدی با تائیدات الهی که همیشه پشتیبان ملت ایران بوده است مدلل داریم که بی اعتنائی به اراده و تقاضای مشروع ملت برای آنها چه عواقب وخیمه دارد؟ و ثابت نمائیم که در مقابل عزم ملت نه خسرو میماند و نه خسرو پرست نمرهٔ ۵

کمیسیون مختلط نهضت ملی کرمان

مشهد	۱۸۸۲۸	«	۱۲ «
نیشابور	۱۸۸۰۳	«	۱۲ «
سبزوار	۱۸۸۲۱	«	۱۲ «
ناصری	۱۸۷۸۷	«	۱۲ «
محمره	۸۷۹۰۰	«	۱۲ «
شیراز	۱۸۸۳۴	«	۱۲ «
اصفهان	۱۸۸۳۹	«	۱۲ «
بندر عباس	۱۸۷۹۴	«	۱۲ «
کاشان	۱۸۸۱۷	«	۱۲ «
یزد	۱۸۸۲۷	«	۱۲ «
کرمان	۱۸۸۲۳	«	۱۲ «
بوشهر	۱۸۸۰۴	«	۱۲ «

از بار فروش به طهران

نمرهٔ قبض ۳۲۸۳ نمرهٔ تلگراف ۲۳۸

عدد کلمات ۲۴۰ تاریخ اصل ۲۹ مهرماه

ساحت مقدس مجلس شورای ملی پنج کپیه حضور مبارك ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته جریدهٔ ایران ـ شفق سرخ ـ ستارهٔ ایران ـ کوشش ساها بود که ملت ایران در چنگال ظلم واستبداد سلسلهٔ قاجاریه گرفتار ازانجائیکه فشار و تعدیات طاقت فرسای این سلسلهٔ نالایق بسرحد کمال رسید خداوند متعال بیش ازاین ذلت ومسکنت را برای یك ملتی الی الابد روا ندانسته وجود عدیم المثال حضرت اشرف آقای پهلوی را که برای چنین روزی ذخیره اش قرارداده بود جلوه گر ساخت ودر نتیجهٔ فداکاری وعملیات خارق العاده حضرت معظم له امنیّت عمومی کاملا در اقطار مملکت فراهم رفته رفته میرود که عظمت مملکت باستانی تجدید و ابواب سعادت وترقی از هر حیث براین ملت ستمدیده باز گردد متأسفانه سلسلهٔ منحوسهٔ قاجاریه که هیچگاه سعادت وترقی ملت ایران را طالب نبوده و بلکه برای شهوت رانی خود مضر میدانند همیشه خار سر راه آن یگانه ناجی ونابغه ایران واقع شده ومانع از پیشرفت افکار عالیهٔ معظم له میشوند مخصوصاً (۱)* وقعهٔ اخیر مرکز این جمله را ثابت ومبرهن میسازد بدین جهة پیمانهٔ صبر عموم لبریز وبیش ازاین تاب تحمل ظلم را نداشته ازمقام مقدس دارالشورا وقائد توانای محبوب خود بطوریکه برادران غیور آذربایجانی تقاضا نموده اند استرحاماً تقاضا داریم که بیش ازاین بعملیات خائنانهٔ این

---

(۱) * وقعهٔ اخیر مرکز که در این تلگراف مورد توجه شده عبارت از واقعهٔ ماه صفر ۱۳۴۴ هجری بود که بتحریك اقلیت ودربار یك مشت رجاله و اوباش به بازار ریخته و پس ازتعطیل اجباری به بهانهٔ نان بسفارت اجنبی رفتند وبمجلس شورای ملی ریختند و آن افتضاح تاریخی را فراهم نمودند که در راس تمام قضایا عوامل زنانه و مردانهٔ دربار نی درباریان قاجاریه بوده ودولت بایك فعالیت بی نظیری از آن جلوگیری نمود

سلسلهٔ نالایق ادامه نداده دست جنایتکار ایشان را از دامان مملکت قطع
و به دورهٔ لاتکلیفی خاتمه دهند و الا هر حادثهٔ سوئی رخ دهد مسؤلیتش
متوجهٔ مخالفین خواهدبود محمدصالح حائری - الاحقر ثقة الاسلام - الاحقر
هادی ابن فضل الله نوری - الداعی مهدی نابل کناری - حبیب‌الله‌موسوی
- الداعی مهدی موسوی - حسین صنیع همایون سابق - مؤید زاده -
- معتمد زاده - صادق - قاضی - حاجی محمدحسین‌توکلی - حاج‌میرزا محمدعلی
قاسم اف - گل بابااف - عبده باقر حسینی - حسین زاده - عبده عبد الحمید
علی اف - جعفراف - اقل محمود ابن‌حاج حسین‌جان - حاج محمدرضا - حسن
زاده - علی‌اکبرشیرازی - سیدمهدی - حسین ابراهیم زاده - سید اسمعیل -
محسن اف حسینی - خرازی - اسمعیل موسوی - عباس اف - ابوالحسن
تبریزی - محمد حسین شیرازی - حسین حسینی - حسن طهرانی - غلامعلی
طهماسب اف - رفیع - محمد رضا - حسن اف - اصغر - شیخ اسدالله -
محمد جعفر - حمیدی - حاج علی اکبر اوصیاء - اقل علی اکبر کوزه گر
محمد حسینی - محمد حسینی - احمد حسینی - امیری - سید علی اهنگر -
صفا - صفر حسینی - صفا زاده - محمد ابراهیم - ابو القاسم - صادق حسینی
محمد امین زاده - جعفر زاده شهمیر زادی - اقل العباد میرزا عبدالرحیم
طهرانی - محمد علی - محمد اسمعیل - محمد حسین - میرزاعلی - مهدی
زاده - علی رضا زاده - علی اکبر - نصرة حسینی - اقل محمد - تقی زاده
اصغر - قربان علی - اقل حسین - محمد اف - مهدی حسینی - نصرالدین
حسینی - حسین حسینی - مرتضی - حسن - ناصر - اسدالله - واعظ زاده

نظیر این تلگرافات از سانسور خارج و طبع و توزیع و به‌دست
اهالی طهران اوفتاد و فعلاً بهمین اندازه از تلگرافات قناعت نموده
و بسر حوادث دیگر میرویم تا بقارئین خاطر نشان نمائیم که پس از
نشر این اوراق چه حوادث مهمی در پای تخت ایران اتفاق افتاده است

(دو ساعت پس از انتشار اوراق)

روز پنجم آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی بود که مقدمة الجیش ملت یعنی متحدین آذربایجایان که شبانه به در منزل رئیس الوزراء پناه برده و در مدرسهٔ نظام متحصن شده بودند



(هیئت متحدین آذربایجان متحصن در مدرسهٔ نظام)

موفق شدند که سانسور را بر طرف نمایند و پادشاه (احمد میرزا) و دربار قاجاریه را فتح کنند!.

انتشار تلگرافات و رفع سانسور اجازه داد که نفس ها به نفس ها رسیده و این مسئله نیز معلوم گردد که اطراف باغ مدرسهٔ نظام پناهگاه امن و امانی است وبواسطهٔ فشار ملت پلیس قدرت تعرض و تفریق جمعیت را ندارد

دوساعت ازاین واقعه گذشته بود که مردم دسته دسته بعزم تحصن از منازل ودکانهای خود حرکت وتاهنگام غروب نه تنها خانهٔ شخصی رئیس دولت و اطاقهای مفروش ومزین مملو ازمعتکفین ومتحصنین گردیده بود بلکه در باغ مدرسه نیز اطاقی باقی نمانده کلاسهای مدرسه را مردم اشغال حتی موزهٔ مدرسه را نیز تصرف نمودند

کلاسها تعطیل و شاگردان بیرون رفتند و بجای آنها متحصنین جای گرفتند و فضای مدرسه پر از چادر گردید و اولین چادریکه سر پا ایستاده بود چادر آذربایجانیان بود.

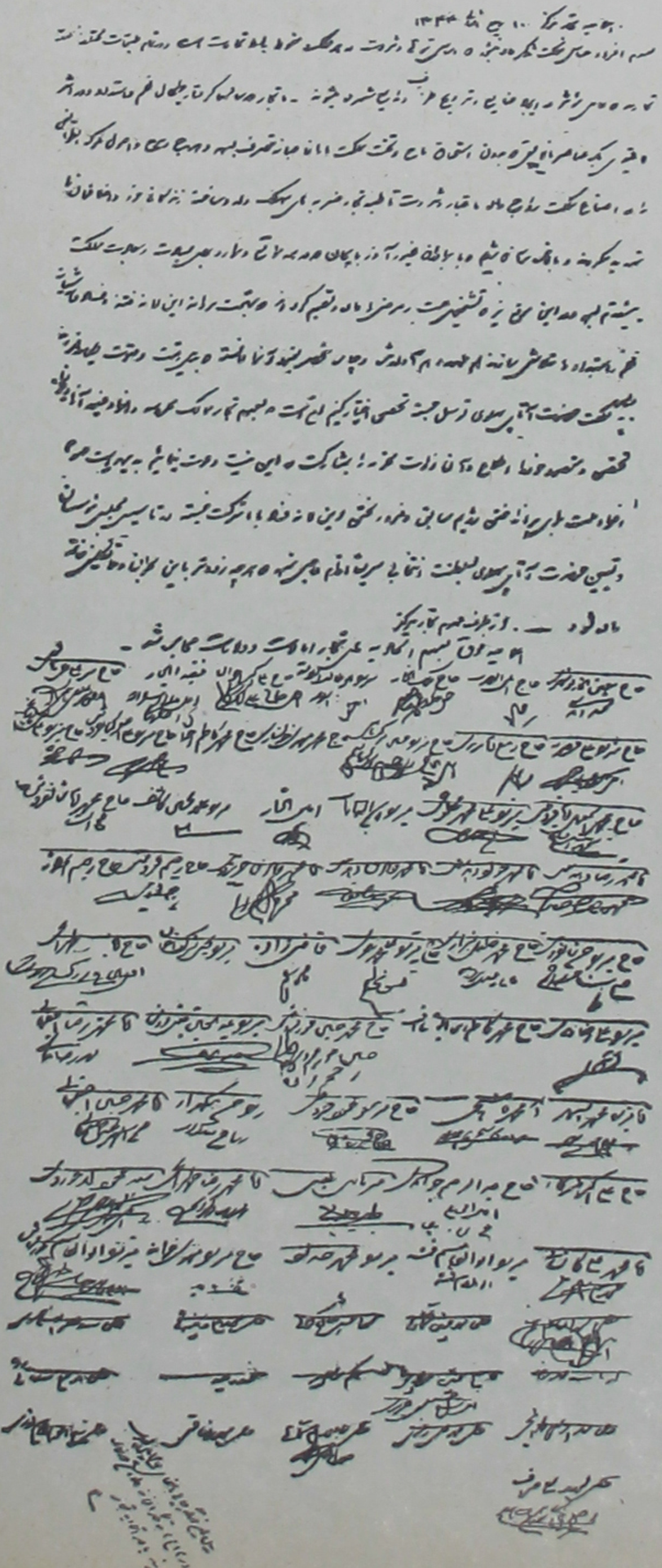
این دستگاه چادر را نیزشبانه بر پا نموده و صبح در زیر آن گرد آمده بودند!.



(چادر تحصن آذربایجانیان درمدرسهٔ نظام)

این خبر در پایتخت پیچید و هیجان مخصوصی در مردم ایجاد نمود فتح ابتدائی مردم را مطمئن کرد که میتوانند اصول توارث سلسلهٔ قاجاریه‌را نیز فتح نمایند!.

عقاید و افکار که مدتهای متمادی در زیر فشار و محکوم ارادهٔ قوه قاهرهٔ دولت بود یك مرتبه نه چنان بهیجان آمد که بتوان از او جلوگیری نمود و شب نامهٔ (مشت نمونه خروار است) نه چندان جامعه را را تحریك کرد که بتوان مافوق آنرا تصور نمود روز اول بدین منوال گذشت بالاخره دومین دستهٔ مهم که عبارت از طبقه تجار باشد روزششم قدم به‌دائرهٔ انقلاب و تحصن گذاشته واین بیانیه را منتشر نمودند و در ربودن گوی تحصن وانقلاب عموم طبقات بیکدیگر سبقت جستند و بالاخره مقاصد ملي را یکسره انجام دادند.



اعلامیهٔ هیئت تجار متحصنین در منزل رئیس الوزراء و رئیس کل قوا آقای (پهلوی)

(اعلامیهٔ تجار مرکز دهم ربیع الثانی ۱۳۴۴)

بعموم افراد حساس مملکت تذکر داده میشود که اساس ترقی وثروت درهر مملکت منوط به بسط تجارت است و در تمام طبقات مختلفه طبقهٔ تجارند که عامل مؤثر در ایجاد صنایع وترویج حرف وبدایع شمرده میشوند ـ ماتجار که سالها گرفتار چنگال ظلم و استبداد ودر اثر لاقیدی یك عناصر نالایق که بدون استحقاق تاج وتخت مملکت مارا غاصبانه متصرف بوده وهرج ومرج و اصول ملوك الطوایفی را در اصقاع مملکت رواج داده باعتبار و ثروت قاطبهٔ تجار ضربه های مهلك وارد ساخته زندگانی خود واخلافمان را تهدید می کردند و بالاخره برآن شدیم که بابرادران غیور آذربایجان که در همه مواقع وموارد برای سیادت و سعادت مملکت پیشقدم بوده ودراین موقع نیز که تشخیص علت ومرض را داده وتصمیم کرده اند که بهمت مردانه این لانهٔ فتنه و فساد و آشیانهٔ ظلم و استبداد را متلاشی سازند هم عهد و هم آواز شده و چارهٔ منحصر بفرد آنرا دانسته که بذیل همت و فتوت یگانه فرزند دلیر مملکت حضرت آقای پهلوی توسل جسته تحصن اختیار کنیم

این است که بعموم تجار ممالك محروسه وافراد غیور آزادیخواه تحصن ومقصود خود را اطلاع وآن ذوات محترمه را بمشارکت دراین نیت دعوت میمائیم بدیهی است عموم افراد ملت برای بر انداختن رژیم سابق وفرو ریختن این لانهٔ فساد با ما شرکت جسته در تأسیس مجلس مؤسسان و تعیین حضرت آقای پهلوی بسلطنت انتخابی سریعاً اقدام عاجل نموده که هر چه زودتر باین بحران و بلاتکلیفی خاتمه داده شود ـ (از طرف عموم تجار مرکز)

اعلامیه فوق بعموم اتحادیه های تجار ایالات و ولایات مخابره شدو در تمام نقاط ایران منتشر گردید و تمام طبقات مملکت را در مرکز و خارج مرکز بمشارکت نیّت خود که در ذیل اعلامیه قید شده (بر انداختن رژیم سابق و فرو ریختن این لانهٔ فساد) دعوت نمود

بدیهی است یك چنین دعوتی ازطرف اولین طبقهٔ مهم مملکت که دوران ثروت و حیات اقتصادی بسته به موجودیت آنها ست میبایست تاثیرات شدیدی در توده نموده و برای عموم ملت اجازهٔ قطعی براي استخلاص از قید رقیت اصول توارث قاجاریه را داده باشد

همین طور هم شد و پس از این اعلامیه عقاید و افکار طوفان گرفت و وضعیات بکلی تغییر یافت.

معلوم است این مسئله در تطور روحیات ملل محرز است که اگر طبقهٔ جوان بیك کاری اقدام کنند پیر مردان مدتی در اطراف آن مطالعه نموده و لازم میدانند که در حقیقت آن تصمیم بگیرند ولی اگر معمرین بیك امری دست زدند خود فرمان قاطع و حکم جازمی است برای جوان ها و توده یك چنین پیش‌آمد را مطابق عرف وعادت و حقودلیل تشخیص میدهند ـ از قضا معني عرف و عادت هم همین است:

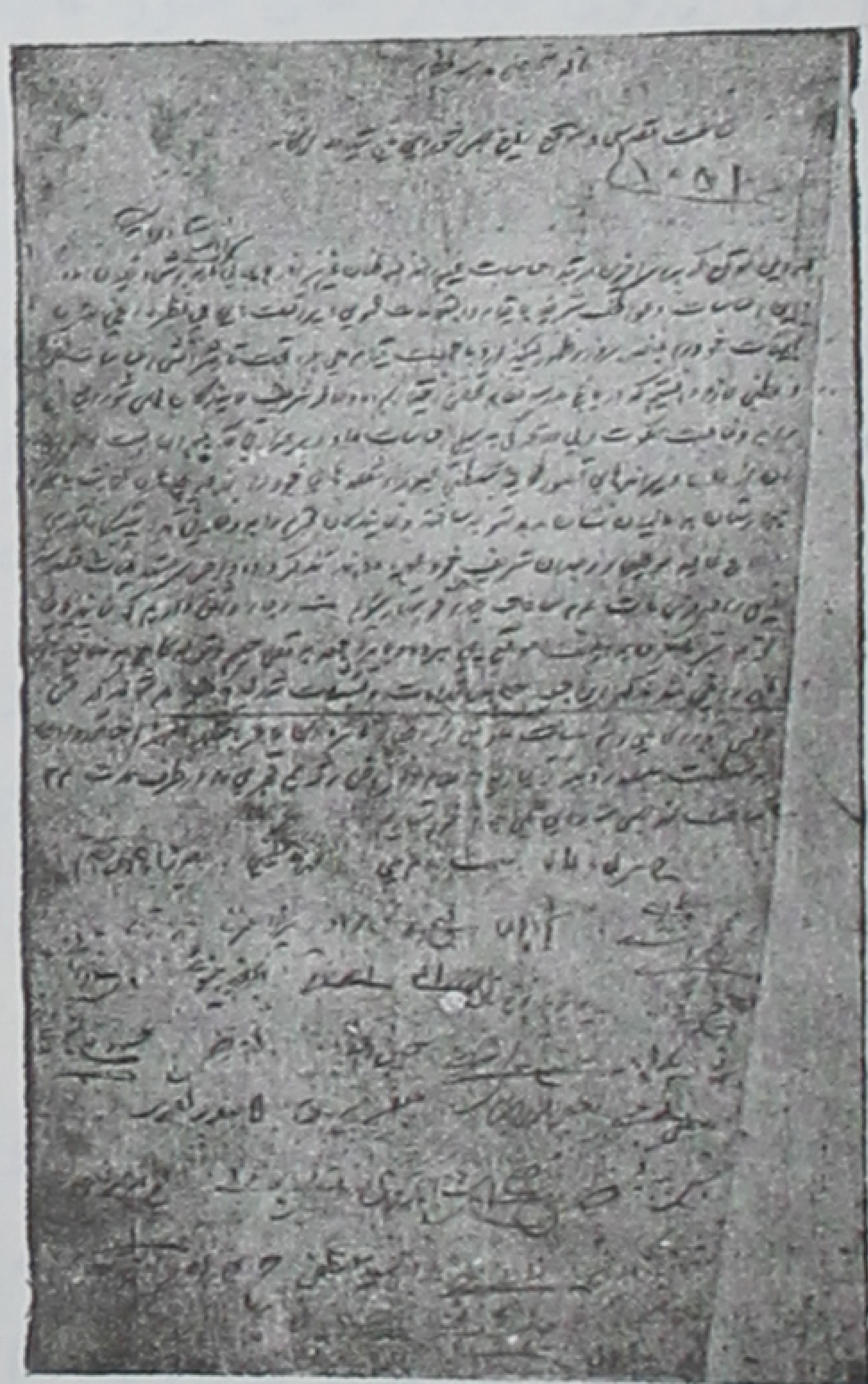
اقدام معمرین تجار بتحصن اجازه داد که تمام طبقات رویهم ریخته و با تجار شرکت نمایند ـ سیمین دستهٔ که به اذربایجانی ها پیوست عبارت از جمعیت (قیام ملی) یعنی هیئت (عمومی اصناف طهران) بودند وپس از تحصن بنام ناله‌متحصنین مدرسهٔ نظام عریضهٔ بمجلس شورای ملی تقدیم کرده اند که قابل بسی توجه است:

(نالهٔ متحصنین مدرسهٔ نظام)

ساحت مقدس و موقع رفیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

در اینموقع که برای آخرین مرتبه احساسات غیورانه هموطنان عزیز اذربایجانی ایالات وولایات ما بجوش وغلیان آمده واین احساسات وعواطف شریفه با قیام و اجتماعات عمومی و پروتست های بی نظیر تاریخی بهترین تجلیات خود را بعنصهٔ بروز و ظهور میگذارد ما جمعیت قیام ملي لازم دانستیم که در باغ مدرسهٔ نظـام تحصن اختیار نموده و خاطر شریف نمایندکان مجلس

متعلق بصفحهٔ ۱۱۴ نمرهٔ ۱۰۵۱



(عریضهٔ نمایندگان اصناف باجمعیت قیام ملّی بمجلس شوری) صاحبان امضا

ح ـ شرکاء دلال ـ محمد رضا مشکینی ـ میرزا هادی مقدم ـ صحیح است
سید طاهر مصطفی ـ ابوالقاسم دلال ـ فتح الله ـ جواد ـ میرزا علی رضا
محمد صادق ـ حیدر رضا زاده ـ میرزا محمد علی پتوئیان ـ حبیب الله ـ
احمد خاتمی ـ اکبر زادهٔ مینوئی ـ اقل علی همدانی ـ ابوالقاسم اسکوئی
زاده ـ حسینعلی کاشانی ـ حسین واعظ زاده ـ آقا مرتضی ـ حیدر علی
مینوئیان ـ مصطفی الموسوی ـ حسین ـ جعفر ـ آقا صدر احمدی ـ حسن
پنبه چی ـ صح اقل علی اکبر کیوی ـ اقل حسن کاشانی ـ فتح الله حسن
زاده ـ شهمیر زادی ـ سید حسن صفوی ـ اقل سید مصطفی ـ حسن
علی زاده ـ میرزا تقی صابونچی ـ احمد درویشیان ـ صح است کمال الدین
یوسفی

شورای ملی را بوخامت سکوت و بی علاقه گی بسیل احساسات حاد و پرحرارتی که روی‌همرفته امواج آن ازروی دیوار های قصور عالیهٔ سلطنتی عبور و شعله های خود را از دریچه های عمارت با شکوه بهارستان بعالمیان نشان میدهد متوجه ساخته و نمایندکان محترم را بوظائفی که در پیشگاه مقدس مصالح عالیه موکلین و وجدان شریف خود عهده دارند تذکر داده و اجرای مستدعیات مقدسهٔ ذیل را در عرض مدت ۲۴ ساعت جدا خواستار شویم – رجاء واثق داریم که نمایندکان محترم نیز تاکنون به اهمیت موقع پی برده و با مراجعه بعقل سلیم وتوجه‌کامل بمنافع حقیقی ملی راضی نشوند که این جمعیت به اقدامات و تشبثات شدیده متوصل شوند که حتی مجلس شورای ملی و مؤسسات حکومتی از اطفاء نائرهٔ آن عاجز باشند علیهذا خاتمه دادن بسلطنت سلسلهٔ رذیلهٔ قاجاریه واعلام انقراض رژیم قجری را درظرف مدت ۲۴ ساعت ازمجلس شورای ملی جدّاً خواستاریم

جمعیت قیام ملی

متعاقب این عریضه بانضمام بیانیهٔ دیگررا نیز بنام (قیام ملی) منتشر نموده وعموم اصناف را بمشارکت در مقصد دعوت نموده و این است عین آن بیانیه (قیام ملی)

(بیانیه)

برادران ایرانی هیئت اتحادیهٔ اصناف طهران که در ربودن گوی سعادت مملکت همیشه پیشقدم و برای درآغوش گرفتن شاهد مقصود از هیچگونه فداکاری مضایقه نداشته وجهة آزاد کردن خود از قید اسارت وبندگی سلاطین قاجار برای هر زنجیر وقیدی خود را حاضر کرده اینک بتمام اصناف ایران اعلام مینماید که برای قطع ریشهٔ فساد سلطنت قاجار هیئت اتحادیه اصناف طهران نهضت وقیام نموده است .

ایرانیان هیئت اتحادیهٔ اصناف طهران در موقع تغییر رژیم استبداد بمشروطه کاملا از سیّئات اعمال سلاطین قاجاریه مسبوق بوده و بهمین

ملاحظه باوجود قانون اساسی در خلع محمد علی میرزا منتهـا درجه فداکاری را بمعرض بروز رسانده که برای احدی تردیدی باقی نیست.
اصناف ایران هریك ازما وشما که بتاریخ سلطنت قاجاریه که کوچکترین آنها کندن چندین هزار چشم از برادران کرمانی ما است مسبوق بوده و از اقدامات ایران بربادده آنها مطلع که شرح هریك از آنها شرم آوراست!.
برادران صنفی ما اگر گوش شنوای شما بازباشد صدای ضجّه و نالهٔ برادران وخواهران واطفال یتیم ملی ما را که دچار ظلم وفجایع سلاطین قاجاریه بوده اند خواهید شنید برادران ایرانی ماهنوز ضجّه های دلخراش چندین هزار اولاد ملی طهرانی که درسال مجاعه از گرسنگی کشیده و بحسرت گوشه وکنار خانه ها وخیابانها جان داده و سر به تیره تراب نهاده که بیگانگان بحال آنها ترحم کرده و سلطان قاجار گندم را احتکار و بفکر خروار یکصد تومان را بدویست تومان بفروشد در فضای طهران طنین انداز وهرشنونده را ازحیات وزندگی سیر مي نماید
اصناف ایران که بمنزلهٔ قلب وایالات وولایات که بمنزلهٔ اعضاء وجوارح هستند ناله های برادران خود را از مظالم قاجاریه بمثابهٔ نمکی که برزخم بپاشند وسوزش آن را زیاد کند تلقی نموده و باهرگونه فداکاري خود را حاضر و مهیا ساخته که با هر قیمتی ریشهٔ این شجرهٔ خبیثهٔ سلطنت قاجار را قطع و ملت ایرانرا از زیر بار ننگین آنها آزاد سازد اینك کرسی نشینان بهارستان را مخاطب ساخته و بصدائی که تمام برادران ایرانی ما بشنوند میگوئیم که ای کرسی نشینان این محلی که شما خرامان خرامان در صحن او قدم میزنید با دیدهٔ عبرت نگاه کنید که با خون ایرانی آغشته و در مقابل هریك آجر آن یك برادر ایرانی ما درخون خود غلطیده است کرسی نشینان بهارستان چندین هزار خواهران ملی ما بیوه شده که ازخون مردان آنها این درختان بهارستان آبیاری شده است کرسی نشینان این مجلس مقدس محل تفریح نیست اینجا دکان شیادی نیست اینجا

محل دلالی و تهیهٔ پارك و اتومبیل نیست ایجا کعبهٔ مقدس آمال ملت است که برای رفاهیت و آسایش و استقلال و افتخار و شرافت تاسیس و بنا شده است .

اینجا محلی است که کوچکترین نالهٔ مظلومانهٔ یکنفر رعیت باید در طالار آن طنین انداز شده و باسرع اوقات باید رفع ظلم از او بشود .

ای کرسی نشینان — چه میکنید ؟ چه میگوئید ؟ چه هستید ؟ بچه نام باید شما را مخاطب ساخت ؟ که متجاوز از یکماه است برادران آذربایجانی ما و سایر ایالات و ولایات متجاوز از پنجاه تلگراف بشما کرده اند و هنوز درمجلس قرائت نشده چه رسد که در صدد جواب بر آمده ویا در مقام خاتمه دادن بمستدعیات آنها باشید !.

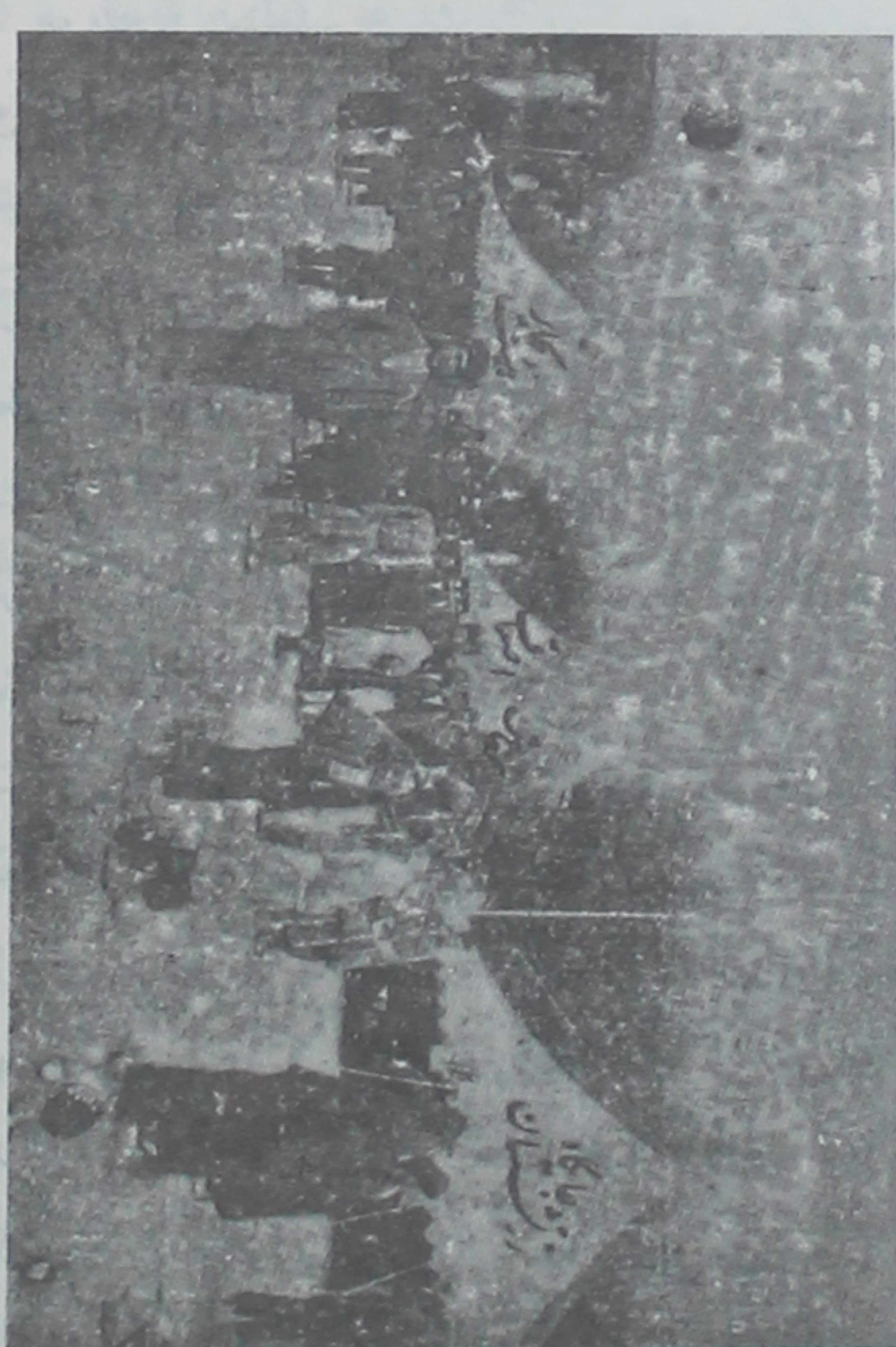
کرسی نشینان — این درخواست برادران ایرانی ما که اتحادیهٔ اصناف طهران اولین همصدای آنها هستند یك حقی است که تمام ملت ایران شریك و هم آواز آن بوده و با مشت آهنین آنحق را خواهند گرفت کرسی نشینان بهارستان — اگر شما خوانده اید در تاریخ که سلاطین قاجاریه ملت ایرانرا ملعبه و بازیچهٔ خود قرار داده و اگر هزاران ایرانی در زیر شکنجه و داغ مامورین آنها جان میداد آنها ابدا وقعی نگذاشته و آنی از عیاشی خود نمی‌کاسته و بخواهید شما هم بآنها تاسی نموده و لاقیدی آنها را در مستدعیات ملت تعقیب نمائید بدانید همان دست انتقامیکه از آستین ملت بیرون آمد و محمد علی میرزا را از تخت سلطنت فرود آورد شما را نیز از کرسی بهارستان فرود آورده و بوظائف ملی اقدام خواهد نمود .

اینك ما منتظریم که در اسرع وقت تکلیف قطعی مستدعیات ما وبرادران ایرانی ما را معین و این ننك سلطنت قاجاریه را از ملت ایران بردارید .

(هیئت اتحادیهٔ اصناف تهران)

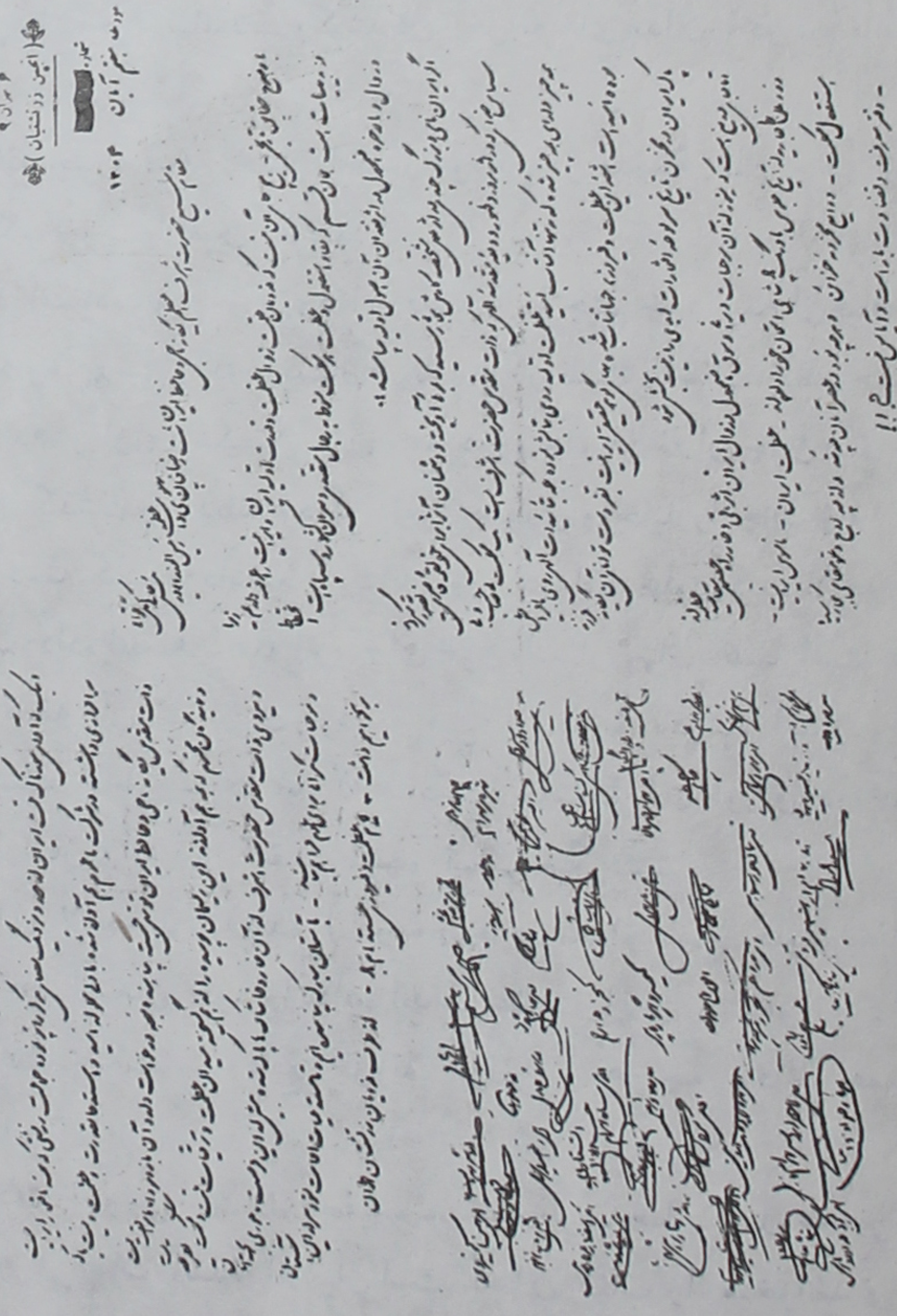
(زردشتیان)

سومین دسته که باذربایجانیان پیوستند هیئت زردشتیان طهران بود



پیش آمد متحصنین زرتشتیان فوق العاده جالب توجه و رقت آور است !.
درآن ساعت عموماً با یك متانت اخلاقی و قیافهٔ صمیمی و جدی که مخصوص
این عنصر است با دل پاك و گفتار نیك قدم به دائرهٔ تحصن نهاده و
لائحه مخصوصی را تقدیم رئیس دولت نمودند
این لائحه با یك روح خاص وطن پرستی دور از هر شائبه و اغراض
تنظیم یافته و از مطالعهٔ آن معلوم میگردد که صاحبان امضا فقط
بنام عظمت ایران و حس تلخکامی از گذشته و انتظار امید به آینده

فقط با یك قیافهٔ تأثر آمیزی که حکایت مینمود وقتی عظمت دربار شاهنشاهی ایران بجائی رسیده بود که به دولت رم و یونان تاج بخشی مینمود و دول مقتدر افتخار داشتند که درحمایت ایران بوده ویکی ازمستعمرات ایران بوده باشند!.



(لایحهٔ زرتشتیان درهنگام تحصن)

گویا این وقایع با عظمت تاریخی از خاطرهٔ این دسته گذشته و گذشته را با حال مقایسه نموده ـ ثمرات بدبختی و فلاکت های خود را شمرده و

مظالمی را که مخصوصاً از سلسلهٔ قاجاریه تحمل کرده بودند یاد آورده و بخانهٔ که اسماً و رسماً نشان از ادوار با عظمت سالفه میدهد (پهلوی) پناهیده اند که بلکه عزت از دست رفته را بر گردانند - و روزگار تیره بختی را بآخر رسانند - وگم‌شدگان خرابه های مداین‌را در خانهٔ پهلوی پیدا نمایند .

با یك چنین قیافه تحصن اختیار نمودند ودر مدرسهٔ نظام چادر زدند و جایگاه خود را تعیین نمودند.

خود ایستاده بودم و ورود این دسته را با چشم خود دیدم از قیافه وادب افراد وطن‌پرستي راکه درپیشانی‌هریك باآثارعظمت واصالت خط برجستهٔ بود . خواندم و از پر شکستگی این جمع دوره های فرّ ایران چون فیلم سینما از نظرم گذشت و نزدیك بود که دامن صبوری واختیاررا چاك زنم .

این دسته گمشدهٔ داشتند و نشانه اورا در لفظ پهلوی دیده لایحه را که تنظیم داده اند هر جمله اش برای مخزن اسرار نهانی کلید است که فقط این طبقه بآن اسرار پی برده و پس از دورهٔ نادرشاه افشار وقایع را یك بیك بخاطر سپرده اند که با دست نویسندهٔ این اوراق در مخازن آن اسرار باز و به ذکر اعقاب آینده تسلیم میگردد .

در این لائحه نوشته شده (دودمان قاجاریه از تاریخ جلوس به او رنك پادشاهی امتحان خود را داده اند - عظمت ایران - ناموس ایرانیت - استقلال مملکت - ودایع مخزونه خزائن و هر چه بود در عصر آنان چه شد ؟)

سؤالات مخصوصی است ؟!. وبعقیده نویسنده طرف خطاب نسل معاصر و عصر حاضر و اعقاب آیندهٔ ایرانیان است که این کتاب را میخوانند و وقتیکه به این جملات رسیدند بایستی چند دقیقه فکر و قضاوت نموده و جواب بگویند .

راست است که بنظر این طور جلوه میکند که چون این لائحه را بشخص

شخیص پهلوی تقدیم داشته اند ایشانرا مظهر قدرت ملی تشخیص داده و بنام ملت ایران استیضاح میکنند تا چند دقیقه فکر وقضاوت نموده و بالنتیجه با مستدعیات ملّت موافقت و مساعدت نماید ولیکن در حقیقت و معنی طرف خطاب ملت ایران است .

و بالجمله این لایحه یاد از عظمت و استقلال و ناموس کرده و همه را بباد رفته پنداشته (که از یکصد و بیست و یك اقلیم نمانده است کنون از یکصدش نیم !.) گنج باد آور خسرو یا نادرشاه افشار که با جملهٔ (و دایع مخزونهٔ خزائن) باو اشاره شده بعقیدهٔ زرتشتیان ایران بدمبال عظمت و ناموس استقلال راه نیستی گرفته وسپری شده وازدست رفته است ـ این جمله اینطور نشان میدهد که در عصر قاجاریه مخصوصاً پس ازدورهٔ مشروطیت به مخازن و ودایع ملی دستبردی زده شده و امانت های ملی از تفریط شده است !.

اظهار مهمي است ؟ و باید در اطراف این نسبت دقیق تر شده و مستندات انرا پیدا نمائیم تا معلوم گردد مسئله حقیقت دارد یا خیر ؟

همه میدانیم که پس از قسم خوردن بقران محمد علی میرز اغائله بمباردمان مجلس شورای ملی وجنك های خونین داخلی بالاخره طهران بادست احرار فتح ومشارالیه به آستان اجانب پناهنده شده و یك مقدار زیادی جواهرات واساسیهٔ سلنطنی را با خود بسفارت برد !. و یك لکه ننگین تاریخی بدامن سیاست ایران نهاد! مشارالیه نه تنها این ننك را تحمل نمود بلکه حاکمیت اجانب را مطابق مدلول معاهدهٔ ترکمان چای تنفیذ و تثبیث کرد وایران را به پرتگاه مدهشی کشانید که در تاریخ سیاست ایران بی نظیر بوده و هزاران مشگلات دیپلماسي را ایجاد و در تعیین مقدرات داخلی مملکت باجانب راه بلامانعی را صاف و دروازه های دخالت اجانب را باز کرد !. و کار بجائی رسید که در محاکمات اتباع ایران با من تبع محمد علی میرزا نیز کنسول روس تزاری درعدلیه حضور بهم میرسانید و دوسیه های عدلیه را نماینده خارجی امضا می کرد !.

محمد علی میرزا از بین رفت واحمد میرزا در شدید ترین اوان که مملکت در اثر

پنجهٔ قهار تزار که با یك دست گلوی ملت را گرفته و با دست دیگر معاهدهٔ مزبور را مانند گرز آتشین بمغز ایرانی میکوبید بسلطنت ایران تعیین شد!.
سلطان هنوز خورد بود و غیر بالغ و از پستان همان سیاست شیر میخورد که پدرنیز از همان مطاره رفع تشنگی مینمود!.
این اسرار هنوز بازاوی نشده و قضایا در پس پرده جریان داشت فقط در نظر متفکرین حقایق روشن بود ولی بواسطهٔ بیم و حراس نمیتوانستند افکار خود را علنی نموده و جامعه را از حقیقت اگاه کنند هر چه بود درهای شعبده بازی بروی ایرانیان باز و هر دقیقه ایران درتلاطم و بحران بود و ساعات خطرناکی را میگذرانید و بالاخره سلطان برغم تمایلات عمومی ملت ایران را ترك کرد!.
این حرکت بر خلاف آمال و منویات ملت بموقع اجرا گذارده شد بطوریکه یکنفر هم از مسافر معهود مشایعت نکرد!
درهمین موقع احمد میرزا نیز مقداری از جواهرات سلطنتی و دولتی را بهمراه خود برد!
درباریان یا نفهمیدند و یا فهمیدند ولی سرپوش روی آن گذاشته ودست برد را ندیده پنداشتند و یا آنکه عهد و میثاقی در کار بود که مثلی است مشهور (شتر دیدی ندیدی!.)
زرتشتیان این دستبرد را فهمیدندو سخت عصبانی شدند! چه میتوانستند بکنند؟ با فقدان تمام وسائل دفاعیه و هجوم هزاران مصائب بایران و بالاختصاص در طول یکصد و پنجاه سال ومخصوصاً درایام اخیر که متوجه این طبقه گردیده بودامکان نداشت بتوانند کاری را انجام دهند!
فقط یگانه مایهٔ تسلی این طبقه همانا وجود یك وکیل وطن پرست لایق وصمیمی بود که در طی گذارشات چندین ساله و تحمل هزاران ناملایمات با یك روح با شهامتی داد وطن پرستی داده و درمواقع با حربهٔ امانت و صداقت بطرار وزبردست حمله می نمود این ارتکاب را دیدند و فقط برای

یکروزی یاد داشت کردند .

عملیات چندین سالهٔ این وکیل که بایك عفت سیاسی تا کنون امتحان لیاقت ووطن پرستی داده ولا کلام محبوب ایرانیان است همیشه سند رسمی عقاید واظهارات او بوده وهمیشه پی وقت وفرصت میگشت تااینکه درهفتادو دومین جلسهٔ دورهٔ چهارم تقنینیه مجلس شورای ملی از رئیس الوزراء وقت (مشیرالدوله) دراینموضوع سؤال مخصوصی کرد که برای اهمیّت بموضوع لازم است عین سؤال وجواب بارئیس الوزراء را در کتاب خود درج نمائیم .

(شنبهٔ ۲۷ جمادی الثاني ۱٤۳۰ مطابق ٦ حوت ۱۳۰۰)

ارباب کیخسرو ـ سؤال بنده هم راجع به جواهرات وهم در موضوع تمام ذخایر بیوتات سلطنت است که تمام متعلق بملت است وهمچنین راجع بمطالب معوّقه که درسنهٔ ۱۳۲۷ مطابق قراردادیکه مابین ملت وشاه مخلوع شده وتاکنون قسمتی ازآن بموقع اجرا گذاشته نشده : ـ

اولا یکقسمت اسناد وقبالجات نزد شاه مخلوع مانده است که بایستی تسلیم کندودراین مدت تسلیم ننموده !. ـ

ثانیاً چهل ونه طغرا اسناد وقبالجات مهمّه بوده که نزد مختار الدوله یکی از ملازمین وهمراهان شاه مخلوع بوده که هنوز تسلیم دولت نکرده است !.

ثالثاً مسئله تبدیل مروارید های دولتی وکسری زمردها است که مطابق صورت ممضای شاهزاده کامران میرزا بایداز عهده برآید و کراراً خودش خواسته است هشتاد هزار تومان غرامت بدهد وقبول نکرده اند ومتاسفانه تا کنون هیچ عاید نشده !. ـ همچنین دو رشته تسبیح مروارید های خیلی گرانبها میباشد که نزد دو نفر از تجار بوده و متجاوز ازچهل هزار تومان قیمت آنها است در حالتیکه تجار بقیمت کمی گرفته اند و بایستی رد کنند و ردننموده اند !. ـ همچنین دوبسته ازجواهرات دولتي است محمد علی میرزا در بانك استقراضی سابق گذارده بود و میبایستی به دولت رد کنند و هنوز رد ننموده است !

یك قسمت عمدهٔ دیگر از جواهرات است که نزد محمد علی میرزا مانده ومیبایستی مطابق پروتکل رد نماید ولی هنوز رد نکرده است !. ـ بعلاوه اشیائی ازمیان رفته که باید نتیجهٔ اقدامات دولت در استرداد معلوم شود ـ منجمله پنجهزار قبضه تفنك و چندین هزار فشنك از اسلحه خانه بیرون رفته و متجاوز از سیصد هزار تومان قیمت داشته و هنوز رد نشده است و نیز ده جلد کتاب نفیسه بوده است که آرشاك از کتابخانهٔ دولتی برده و در (نیویورك) به دویست و چهل هزار دالر که تقریباً (سیصد هزار تومان) میشود فروخته است و الان آن کتابخانهٔ که این کتب در آنجا مفقود شده از دولت آمریکا ادعای یازده ملیون دالر (معادل بیست و نه کرور تومان) غرامت میکند قریب شصت هزار تومان کتبی بود که نزد قائم مقام وزیر همایون سابق بوده است و بعد بدست عروسش رسیده و حتی یك مجلد از آن کتب تقدیم یکی از شاهزاده گان محترم شده است و این کتب نیز به دولت نرسیده است اینها قسمت هائی است که نتیجهٔ آن ناقص مانده و باید رد شود و هنوز رد نشده است !.

قسمت دوم راجع بجواهرات است اولا در همان اوقات یعنی سنه (۱۳۲۷) که رسیدگی شد جواهراتی را برای موقع رسمی و تشریفات سلطنتی تخصیص داده اند سؤال میشود که آیا آن جواهرات درچه حال و کجا است ؟.

ثانیاً چهل و نه فقره جواهرات است که بموجب اسناد رسمی متدرجاً از خزانه خارج شده سؤال میشود آن جواهرات در کجا است ؟

ثالثاً دوازده فقره جواهرات است بشرح ذیل اخیراً از خزانه خارج شده

(۱ تسبیح مروارید نمرهٔ (۱) که هر دانهٔ آن تقریباً یك مثقال وزن داشته ـ سه رشته)

(۲ انگشتر تخمه الماس برلیان ـ هشت حلقه)

(۳ انگشتر الماس فلامك ـ سه حلقه)

(٤ انگشتر تخمه لعل ـ یك حلقه)

(۵ انگشتر تخمه زمرد ـ یك حلقه)
(۶ انگشتر تخمه یاقوت ـ دو حلقه)
(۷ انگشتر تخمه فیروزه ـ یك حلقه)
(۸ دگمهٔ تخمه الماس برلیانی که یازده قیراط وزن داشته ـ یك حلقه)
(۹ سنجاق تخمه الماس ـ یك حلقه)
(۱۰ ساعت طلای مرصع و ساده ـ دو قاب)
(نشان های مرصع ـ دو قطعه ـ قوطی عینك طلا ـ دو قطعه)
آیا اینها در چه حال و کجا است ؟

همچنین شنیده می شود در ظرف سنوات اخیره یك جعبه از جواهرات ایران در یکی از بانك های سویس باسم عباس نام امانتاً سپرده شده است آیا دولت از آن جعبه چه اطلاع دارد؟ و آن جعبه را که سپرده است ؟

قسمت سوم راجع به ذخائر دولتی است که در حال فاسد شدن است منجمله دوازده صندوق جواهرات است که در جای بسیار مرطوبی گذاشته شده در صورتیکه رطوبت با مروارید موافقت ندارد و نزدیك بفاسد شدن است ؟ آیا دولت برای جا بجا کردن و جلوگیری از فاسد شدن آنها چه اقدامی کرده است که از هر حیث در جای سلامتی گذارده شده و دیگر اینکه مقدار زیادی ذخائر دربار سلطنتی که متعلق بملت است در ایام اخیر از بین رفته منجمله از خیام خانه و موزه خانه و اسلحه خانه و زین خانه و امثال آن !.

آیا دولت میتواند اطمینان دهد که هر چیزی بجای خود باقی است یا خیر ؟

من جمله چراغ برق سلطنتی است که در دربار سلطنتی بوده است و از قراریکه شنیده می شود مشغول خورد کردن و فروختن اسباب آن هستند !.

همچنین مقدار زیادی اشیاء نفیسهٔ گرانبها وحتی عهد نامه ها و قبالجات وغیره
است که مثل اموال بی صاحب در عمارت بی سقف و زیر برف و باران
و مخلوط با خاك و خاشاك ریخته شده است . آیا برای حفظ آنها دولت
چه اقدامی نموده است ؟

اینها چیز هائی است که بنده شنیده ام زیرا تمام اینها مطابق اصل ۳۳و۳۵
و ٤٤ قانون اساسی ملك و مال ملّت است و از وظیفهٔ وکلا است که
در حفظ و صیانت و حقیقت آن بکوشند و در صورت تخلف بتکلیف خود
عمل کنند (وکلا صحیح است) وقتیکه ما دراینجا ساعت‌های وقت خودمان
را صرف جزئیات میکنیم نمیتوان ازحقوق ملت وملیون ها مالصرف نظرکرد
(وکلا صحیح است ـ صحیح است) چون خوشبختانه آقای رئیس الوزراء
از اشخاصی هستند که از تمام مطالب مستحضرند استدعا دارم جواب
مسائلی را که عرض کردم بفرمایند

رئیس الوزراء سؤالاتیرا که آقای ارباب کیخسرو فرمودند چون داخل در
جزئیات شدند وبه‌بنده اطلاع نداده‌بودند باین جهة بایستی جزئیات سئوال‌خودرا
بنویسند تا بنده تحقیق کرده جواب یك یك آنرا عرض کنم اما دومطلب را کلیتاً
میتوانم عرض کنم یکی اینکه همین طور که عرض کردم کمیسیونی برای
رسیدگی بخزانهٔ دربار و همچنین به ذخائر سلطنتی معین خواهد شد وتحقیق
خواهد نمود محل هائیکه ذخائر است مناسبت دارد یاندارد؟ و اگرمناسبت
ندارد بچه محل هائی باید نقل شود ؟ و بطور کلی میتوانم عرض کنم
که دولت در اینخصوص تصمیماتی نموده و در دست اقدام است .

راجع به سایر مطالب هم بطوریکه عرض شد محتاج به تحقیقات دقیقانه‌است
صورت سؤال خود را بفرستند تاراجع بجزئیات آن تحقیقات بعمل آمده
بعرض مجلس برسد .

ارباب کیخسرو ـ اینکه فرمودند اطلاع نداشتم در چندی قبل که بنده صورت
سؤال خود را تقدیم ریاست کرده ام هم مسئلهٔ جواهرات و هم سایر ذخائر

سلطنتی را نوشته بودم حالا که فرمودند صورت سؤال خود را تقدیم نمایم خواهم نوشت ولی استدعا دارم صورتی از راپورتی هم که از ادارهٔ بیوتات به دولت رسیده است بمجلس بفرستند تا آقایان نمایندگان بیشتر از قضایای دربار ! مطلع باشند.

☆✲☆

ارباب کیخسرو سئوالات خود را کتباً نوشت ولی رئیس الوزرای وقت جواب نداد جلساتی گذشت و برای ادای وظیفه و اهمیّت قضیه در بیستم حوت ۱۳۰۰ ارباب کیخسرو مجبور شد که از رئیس مجلس شورای ملی در احقاق حق ملت و اخذ نتیجه از رئیس دولت استمداد نماید و کتباً عریضهٔ برئیس مجلس نوشت که این است آن عریضه

(مقام منیع مجلس شورای ملی)

در تعقیب سؤالیکه در تاریخ ۶ حوت تخاقوی ئیل در مجلس شورای ملی در خصوص جواهرات و ذخائر دولتی از ریاست محترم وزراء عظام شده است چون تا کنون از جواب اطمینان آمیزی استحضار بعمل نیامده است لهذا برای آنکه در صورت وقوع از فوت وقت موجبات خسارت و ندامت حاصل و مسؤلیتی سنگین تر متوجه نشود تقاضا مینمایم مجلس شورای ملی موافقت فرماید از طرف مجلس به دولت نوشته شود در هر قسمتی از آن سؤال که دولت واقعیت آنرا تصدیق نماید اقدامات فوری بعمل آورد

اولا کتب دولتی را که آرشاك نام از ایران برده و در (نیویورك) بوده چون مال سرقتی است از دولت (اتازونی) خواسته شود

ثانیاً بتمام مامورین دولت علیه در داخله و خارجه تلگرافاً و کتباً امر شود آنچه از کتب و ذخایر دولتی ایران در هر کجا و نزد هر کسی میبابند اقدام در استرداد و ایصال به دولت ایران نمایند

ثالثاً درحدود هر جزء از سؤال مذکور فوق و آنچه نیز علاوه بر آن

اشیـاء و ذخایر و جواهرات و اسناد دولتی در هر بانك و نزد هر کس باشد اهتمام شود بفوریت تسلیم دولت نمایند ودر صورت تعلل اگر هر یك ازمرتکبین ومسؤلین که حقوق دولتی دارند و کفایت به آن اشیاء واموال کند حقوقشان توقیف گردد و الا از هرگونه دارائی آنها که کفایت به میزان آن اشیاء و اموال نماید توقیف شود و رفع آن توقیف موکول به اخذ تمام وکمال هرجزئی از اجزاء آنچه نزد شان بوده و یا درصورت تفریط موقوف به تادیهٔ تمام وکمال اصل وفرع قیمت صحیح آن خواهدبود رابعاً در ظرف اقلا یکماه دولت نتیجه اقدامات خود را رسماً بمجلس شورای ملی اعلام فرماید ۲۰ حوت ۱۳۰۰۰ (کیخسرو شاهرخ)

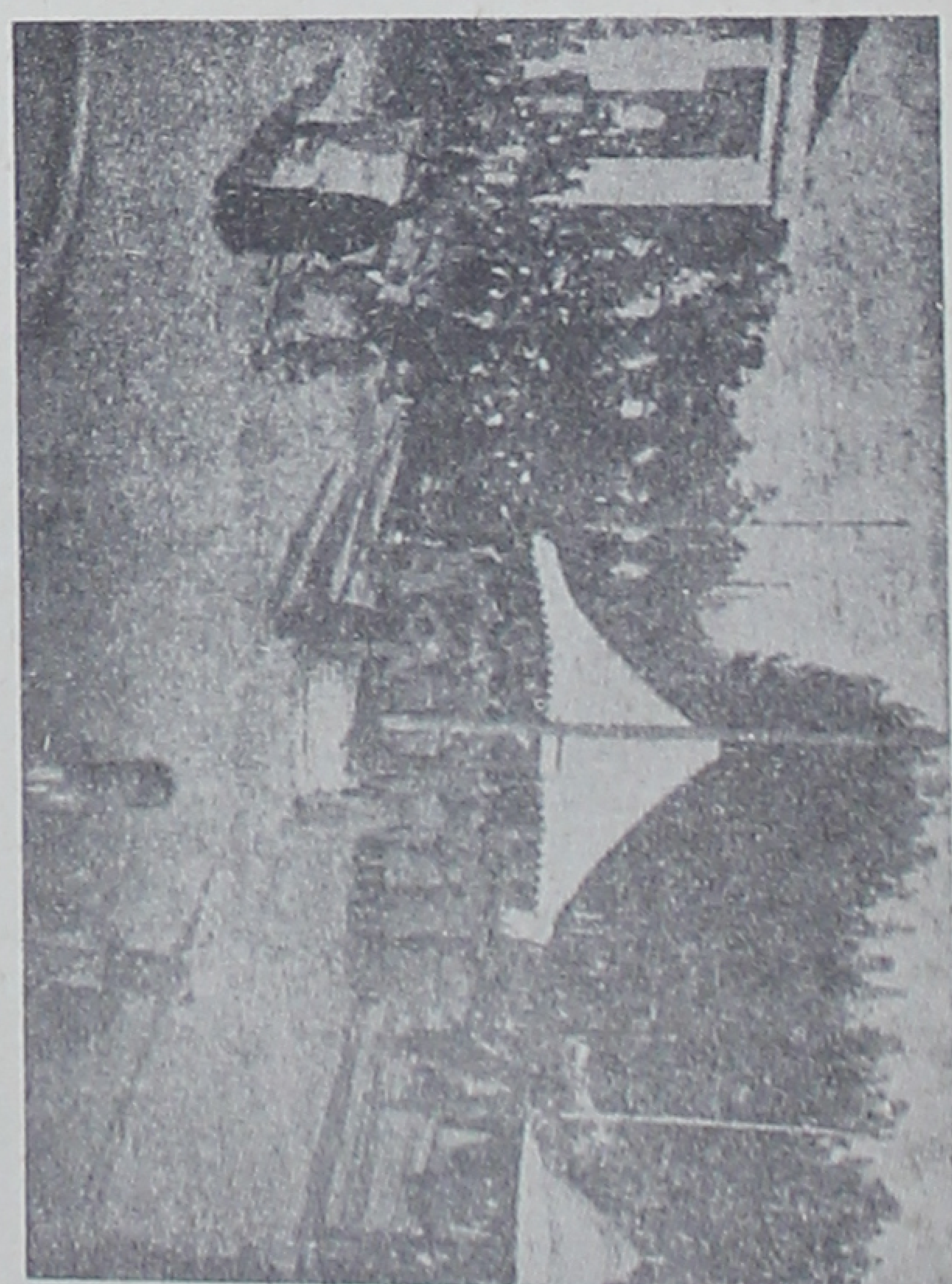
با اینکه مطابق اظهار رئیس دولت وکیل مزبور سؤالات خود را کتباً تقدیم نمود ولی متاسفانه جواب نشنید ومجبور شدازطرف پارلمان ورئیس مجلس اقدام رسمی نمایدولی رئیس دولت حاضر نشدجواب بگوید و بطفره گذشت این بود گذارشاتیکه جمعیت زرتشتیـان را از روی علم و بصیرت وادار بتقدیم آن لایحهٔ مخصوص نمود ـ لایحه را تقدیم کردند و با یك متانتی تحصن اختیار نمودند و ما محض کشف حقیقت عقـاید و افکار ملت ایران نسبت بخانواده قاجاریه این مختصر جریان پارلمانی و مذاکرات رسمی مجلس شوری را در کتاب خود درج نمودیم تا اعقاب آینده بکنه اسرار انقلاب آبان ماه ۱۳۰٤ پی برده و با رسیدگی بمستندات و دلائلی که یك نفر وکیل صالح در جلسهٔ رسمی طرح و ازرئیس الوزرای وقت با علامت و نشانه سؤال می‌کند و حقیقتاً حکم محکومیت (شاه احمدمیرزا) و سلسلهٔ قاجاریه را امضا می نماید ـ قضاوت نمایند و بدانند که چه موجباتی ایرانی را وادار بانقلاب وقیام بر علیه قاجاریه نموده است!.

(تجار جوان)

دستهٔ دیگری که تحصن اختیار نموده و روز و شب خود را در فضای مدرسهٔ نظام می‌گذرانیدند هیئت تجار جوان بود

این طبقه دارای روحیات مخصوص و ذوق سرشاری بودند وغالب اوقات افراد این جمع مصروف خطابه و کنفرانس ونطقهای مهیج بود وبواسطه ترنمات موزیك حال مخصوصی را در متحصنین تولید مینمودند:

سرود های ملی و نشید های وطنی در صبح و شام از دم تحصن‌گاه این طبقه در فضای مدرسه منعکس و درمسامع متحصنین اثرخود را می‌بخشید



(تجار جوان و ناله های عاشقانه با موزیك)

و احساسات را تحریك و افکار را کاملا متوجه انقلاب می‌نمود

(سادات لاریجانی)



ششمین دسته که به آذربایجانیان ملحق شدند سادات لاریجانی واهالی مازندران مقیم مرکز بودند ولائحهٔ ذیل‌را منتشر ودرمورسهٔ نظام تحصّن اختیار نمودند

(هموطنان عزیز)

در اینموقع که ما برادران شما برای سعادت مملکت و سیادت ملت اجماعاً بعنوان تحصن در مدرسهٔ نظام اختیار نمودیم تا بتوجهات یگانه ناجی مملکت و ملت ایران نهضت برادران آذربایجانی و ایالات و ولایات واصناف خاتمه بسیئات اعمال دودمان قاجارو قطع ریشهٔ پوسیدهٔ سلطنت بنمائیم از شما هموطنان عزیز و دوستان محترم تمنی مینمائیم که هرچه زودتر با این برادران متحصن همصدا شده تا به سایهٔ اتحاد و اتفاق ریشهٔ این شجرهٔ خبیثه را قطع و نابود سازیم

های ای وکلای طهران ؟ و مازندران ؟ خوب است هرچه زودتر به این عادت دیرینهٔ تسامح وتعلل خاتمه داده و با ماهمصدا شده که پیش ازاین تاب صبر وتحمل از مظالم و فجایع قاجاریه نداریم و یقین است بااین نیت مقدس که آمال وارزوی هرفرد صالح ایرانی است ازبذل مساعدت کوتاهی نخواهید نمود

هیئت متحدهٔ لاریجان ومازندران

(هیئت عامیه)

هیئت عامیه نیز هفتمین دستهٔ بودند که به اذربایجانی ها ملحق و در منزل شخص رئیس‌الوزرا (پهلوی) تحصن اختیار و شب وروز معتکف بودند

(هیئت متحدهٔ کردستان مقیم مرکز)

هشتمین دسته هیئت متحدهٔ کردستان مقیم مرکز باذربایجانیان ملحق و در منزل رئیس دولت متحصن وصمیمیت مخصوصی را از خود در حوزهٔ متحصنین نشان میدادند و طرز ملاقات این هیئت با رئیس دولت و عرض تحصن و جوابی را که رئیس دولت باین هیئت داده بسی قابل توجه است و برای کشف نکات تاریخی عین نطق رئیس دولت را در کتاب خود درج مینمائیم .

(نطق جوابیه)

اینجانب که یکنفر ایرانی وطن پرست و نیکخواه احاد و افراد بوده وهستم در هر مورد نسبت باصلاحات امور مملکتی بذل نهایت جد و جهد نموده و در اینموقع هم برای تحصیل رفاه عموم اهالی ایران مدد از حق میطلبم و در اینصورت عموماً مکلف هستید که در هر مورد مراقب من بوده ومرا آگاه نمائید که نسبت به اصلاح هر مفاسدی جداً اقدام نمایم واگر احیاناً راجع به ادای وظیفهٔ که بعهدهٔ من وارد است فراموشی یاغفلتی به بینید با نهایت قوت قلب واستقامت مرا بطریق ادای تکلیف و نوع پرستی ورفع مفاسد و اجرای اصلاحات وادار نمائید .

این نطق تاثیر مخصوص در افکار متحصنین نمود و مانند برق در مرکز منعکس شد وطبقات و دستجات را روی هم ریخت

(بنی اسرائیل)

نهمین دسته متحصنین کلیمیان (جمعیت بنی اسرائیل) بودند

و لائحهٔ ذیل را پس از تحصن منتشر نمودند .



(لایحه)

در موقعیکه مقتضیات سیاسی دنیا وسائلی از برای تجدید سلسلهٔ سلاطین ایران بدست قضا و قدر داده و جنبشی در کلیهٔ نقاط مملکت بر علیه سلطنت قاجاریه پدیدار گردیده است و چون بحکم همان مقتضیات این تغییرات مهم سیاسی که محتمل است در آتیه در امور اقتصادی این مملکت نیز بی اثر نباشد بایستی انجام پذیر گردد لذا جماعت بنی اسرائیل نیز از نقطهٔ نظر شرکت و تساوی در امور سیاسي و معاشی مملکت بوسیلهٔ تحصن در مدرسهٔ نظام تمایل خود را نسبت بانقراض سلطنت قاجاریه اعلام واز پیشگاه مقدس بندگان حضرت اشرف اعظم آقای سردار سپه رئیس الوزرا و فرماندهٔ کل قوي استدعا مینماید که از مساعدت نسبت بانجام این امر که خدمت بزرك تاریخی بمملکت است منت عظیمی بر بن جمعیت گذارده ازاین طریق نیز تاج با افتخار تری بر روی خدمات درخشان تاریخی و شایان هر گونه تقدیر و تحسین که از خود بیادگار گذارده اند بگذارند .

جماعت بنی اسرائیل

متعاقب این دسته هیئت نمایندگان ارامنه نیز متحصن شدند .



تحصنگاه ارامنه در مدرسهٔ نظام

(جمعیت کاوه) (ارباب جرائد) (وکلای دعاوی)

جمعیت کاوه که تماماً از عناصر فعال و جوان ومتجدد تشکیل شده باحرارت فوق العاده که مخصوص خود این جمعیت بود تحصن اختیار نمودند و ارباب جرائد و صاحبان صنایع از هر طبقه باذربایجانیان ملحق شدند . وکلای دعاوی وبضمیمه آنها موکلین یعنی صاحبان دعاوی بودند که با شکایات لایتناهی و انزجار طبیعی از اوضاع عمومی و بی تکلیفی و درد دل از قوهٔ قضائیه تحصن اختیار نمودند وبالجمله تمام طبقات بدون استثنا وارد مدرسه و خانهٔ شخصی رئیس کل قوا گردیده و بایک ابرام مخصوص متحصن شدند



(سلسلهٔ چادر های متحصنین طبقات مختلفه در مدرسهٔ نظام)

روز هشتم آبان ماه رشتهٔ انتظامات از هم گسیخت و فضای مدرسهٔ نظام و منزل پهلوی وضعیت مخصوص بخود گرفت وعنوان تعطیل عمومی بمیان آمد



منظرهٔ یك قسمت از مدرسهٔ نظام

باوجود اینکه قوای دولتی تمام سعی خودرا مصروف جلوگیری ازتعطیل مینمودند و مخصوصاً پلیس مواظبت کامل داشت که اگردکانی بسته شود ولو جبراً آنرا باز نموده و نگذارد تعطیل بمیان آید نمیتوانست تحصیل موفقیت نماید



ازدهام وتحصن درخانهٔ پهلوی

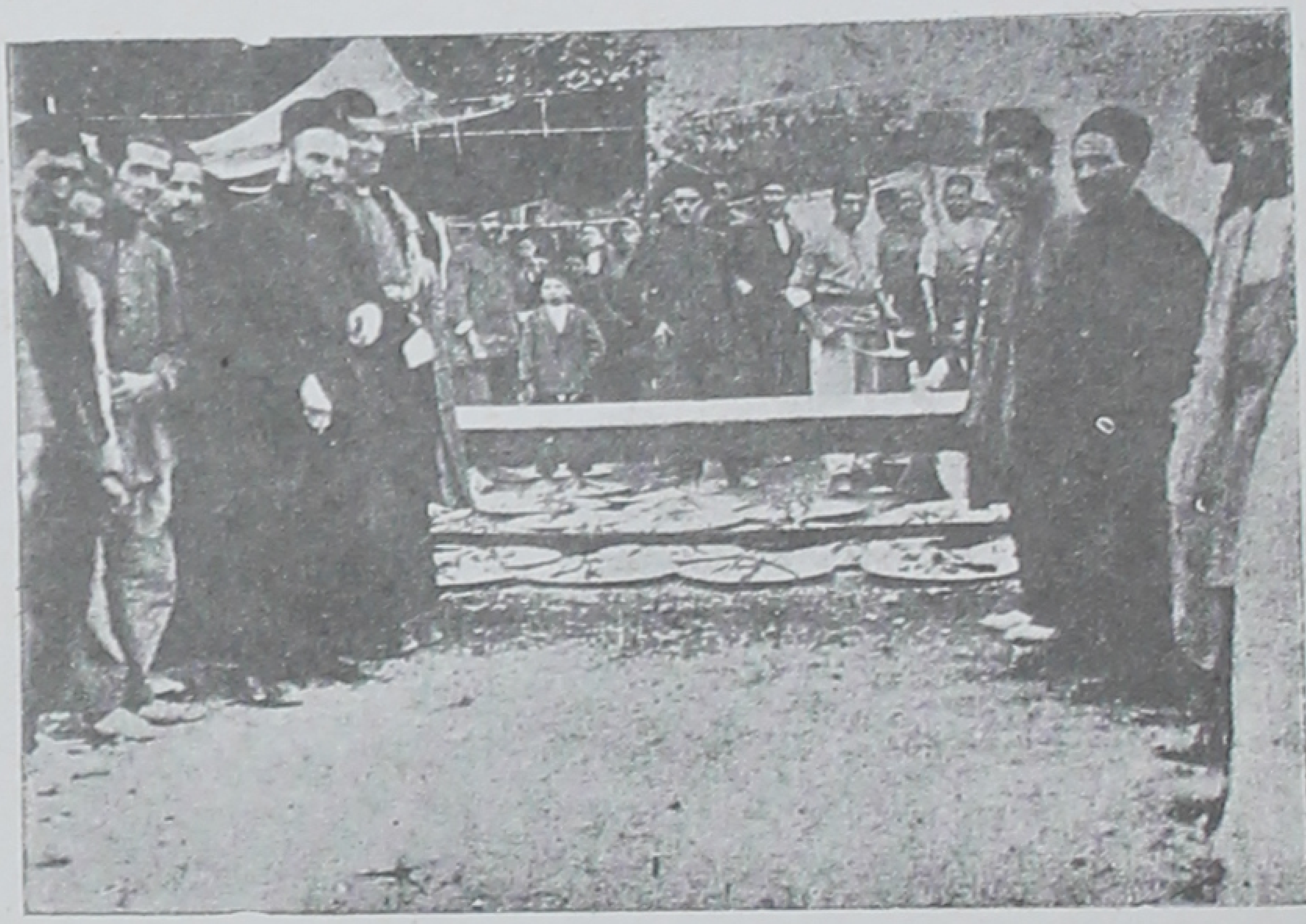
دکاکین باز بود ولی نه صاحبان دکان و نه مشتری کسی پیدا نمیشد مردم دست
ازکار کشیدند و غوغای غریبی در مدرسهٔ نظام برپا شد و چگونگی ازدهام را
گراور های مخصوص که از نظرشما خواهد گذشت نشان میدهد وبالجمله مردم و
طبقات وبا یك عزم راسخ وارادهٔ تغییر ناپذیری متحصن شدند
افراد وامانده ازاجتماع که مدتهای مدیدی نمیتوانستند ازسخت گیری حکومت
نظامی وتعرضات اژان دور هم گرد آیند موقع مناسبی بدست آورند وهمدیگر
را دیدندوآزادانه دورهم جمع شدندشکایات بهم راه پیدا کرد و درد دلها باز شد
احساسات از طرفي و بحران وضعیات از طرف دیگر اثر خود را بخشیده
و عموم طبقات را وادار به تحصن نمود و بالاتفاق تصمیم گرفتند که تا
نتیجهٔ مطلوبه را تحصیل نکنند تحصن را ادامه داده و در زیر لفافهٔ
تحصن یعنی آزادی از تعرضات پلیس در تفریق جماعات و جلوگیری از
اجتماعات مقصود خود را انجام دهند:
این مسئله چندان ساده و آنی الحصول نبود و مستلزم وقت وپافشاری وجدیت
بود چه آنکه هنوز هیئت دولت خودرا حاضر باستماع مستدعیات ملت نکرده
و مجلس شورای ملی نیز مثل این بود که جریانات را عادی می پندارد!.
و تا کنون ملت در مقابل این بی اعتنائی یگانه حربهٔ که در دست گرفته
وداشت آتیه دولت را تهدید مینمود فقط تحصن عمومي بود که میرفت
منجر بجریان خطرناکی گردد وتعطیل عمومی تمام معنی آثار خود را
بروز داده و دست تعرض ملت بطرف ادارات دولتی دراز شود!.
این پیش آمد حتمی الوقوع بود ودولت هم مقدمات آنرا حس کرده وداشت
قوای تامینیهٔ را زیاد تر مراقب وضعیات مینمود وبقوهٔ پلیس امنیه وافراد
نظامی را ضمیمه و یا در حقیقت روح عمومی را تهدید مي کرد
بی تکلیفی خود مولد بسی ناراحتی است دقیقه وساعت شماری و انتظار
بالاخره انسان را وارد بکار های غیر منتظر می نماید در طول تحصن
چند روزه روح نزاکت و ملایمت دارد اسباب سفر را ساز و خیال
دارد ازمحیط مدرسه خارج گردد وروح خشونت وستیزه دارد مقدمات

نزول و حلول خود را تهیه و بتحصن‌گاه میفرستد!
یکنوع تجهیزات فکری در عرض وجود است وملت از استقامت دولت عصبانی ورو ی هم رفته وضعیات خطرناك و مخصوصا یك پیش آمدی باعث تولید هیجان و اضطراب مجدد گردید!؟
دولت به متحصنین تکلیف کرد که مدرسه را ترك گفته و مستدعیات خود را بجریان طبیعی گذاشته تا مجلس شوری موضوع را تحت نظر گرفته و با اصول پارلمانی حل وتسویه نماید! ☆☆☆
این تکلیف اثر سوئی بخشید و ملت یقین کرد که برای نیل بمقصود باید مقدمات دیگری را تهیه و پناه‌گاه خود را بطوری محکم نماید که بتواند در راه عقیدهٔ خود پافشاری و با حوادث مبارزه نماید:
ازاین ساعت متحصنین شروع کردند که دست بکیسهٔ فتوت زده وموجبات زندگانی در تحصن‌گاه را تهیه نمایند
هیئت‌مباشرت‌را تعیین. آشپزخانه وآبدارخانه را دائر دیگر بدون احتیاج بخارج درمقابل تکلیف معهود دولت بنا کردند اجتماعات خودرا منظم‌نموده ویك‌دل ویك جهت با تصمیمات مخالفت کارانهٔ دولت‌مواجهه ومبارزه نمایند



اشپزخانه متحصنین درمدرسهٔ نظام

متعلق بصفحه ۱۳۶ ✡*✡



شربت خانهٔ متحصنین در مدرسه نظام

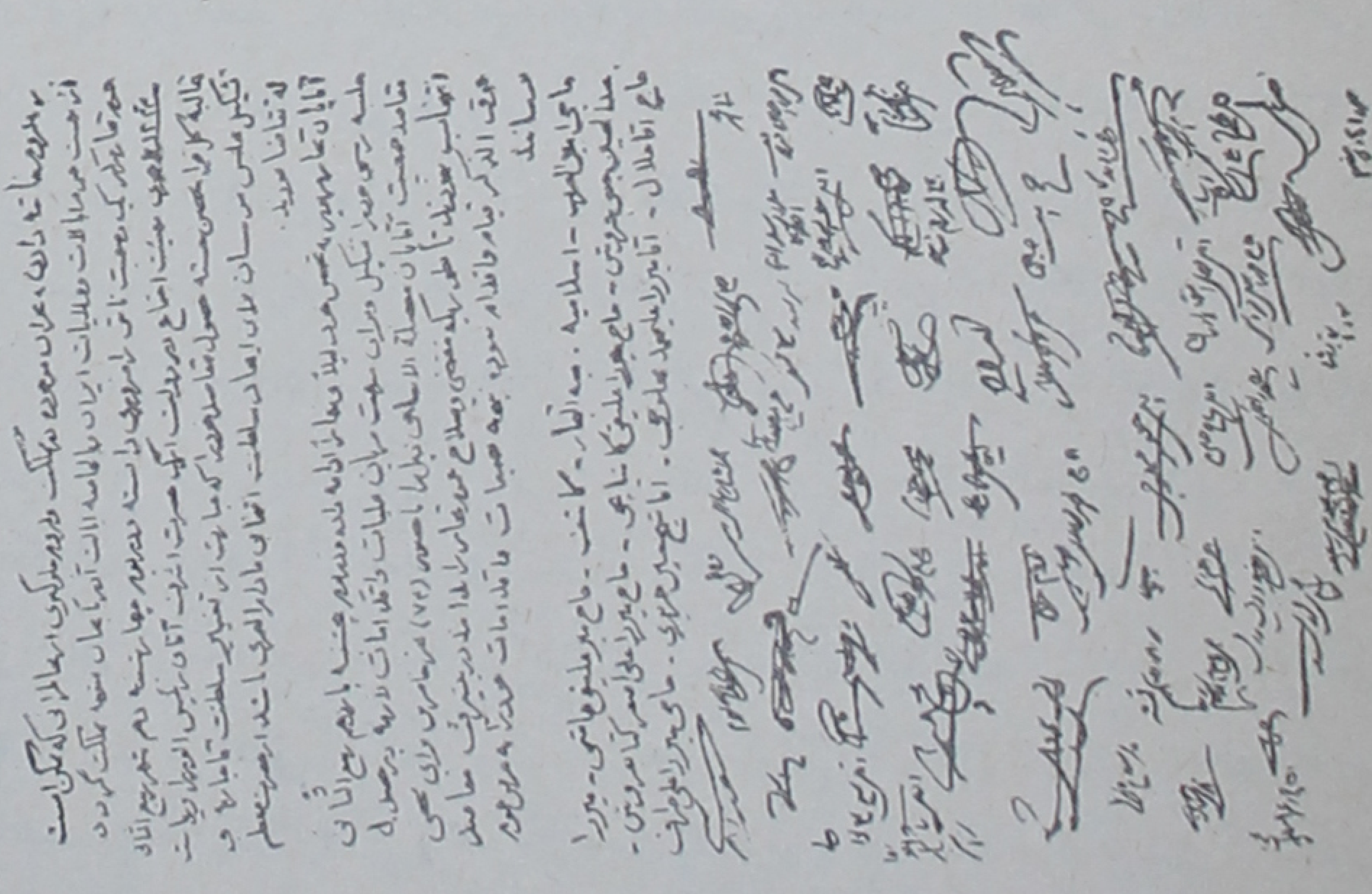


تقسیم غذا بچادر های متحصنین در مدرسه نظام

احتیاجات داخلی نیز ساخته شد دیگر ازهیچ جهة نگرانی ندارندو شخصیات مبدل بحوائج نوعی گردیده است

اگردرساعت خروج از منزل با فکر شخصی عازم تحصن بودند حالا مثل یك قشون منظم بالاتفاق ازیك فرمان واحد وحکم روحی اطاعت و قیام و قعود مینمایند و در حرکت وسکون مطیع امر مخصوص و فرمان خاصی هستند . که عبارت از حاکمیت احساسات ملی است و درمادهٔ اول مرام متحصّنین بالاتفاق خلع و انقراض سلسلهٔ قاجاریه از سلطنت ایران منقوش بود

یك چنین پیش آمد بدست افراد دل آزرده وسیلهٔ اجرای مقصودرا داد وچند دقیقه از این جریان نگذشته بود که مدرسهٔ نظام و جایگاه متحصنین حالت پارلمانی اتخاذ کرده ودرطرز تعاطی افکار اکثریت واقلیت تعیین می‌شد که بایك طرز مخصوصی رشدعقلی وبلوغ سیاسی متحصّنین ومجتمعین را مدلل میداشت وازاولین تصمیم پیش آهنگان متحصّنین این حقیقت مسلم میگردد .



(تصمیم ویاصورت جلسهٔ تجار)

نظر بلزوم خاتمه دادن به بحران موجوده در مملکت ولزوم از جلوگیری مخاطراتیکه ممکن است از نهضت عموم ایالات و ولایات بالخاصه ایالت آذربایجان متوجه مملکت گردد عموم تجار مرکز یك وضعیت ثابت

را ضروری دانسته ودر یوم چهار شنبهٔ دهم شهر ربیع‌الثانی ۱۳۴٤ ششم آبان ماه بهیئت اجتماع در دولت ارك حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء وریاست عالیهٔ کل قوا تحصّن جسته حصول مقاصد خود را که عبارت از تغییر سلطنت قاجاریه وتشکیل مجلس مؤسسان برای ایجاد سلطنت انتخابی مادام العمری باشد ازحضرت معظم‌له تقاضا نمودند

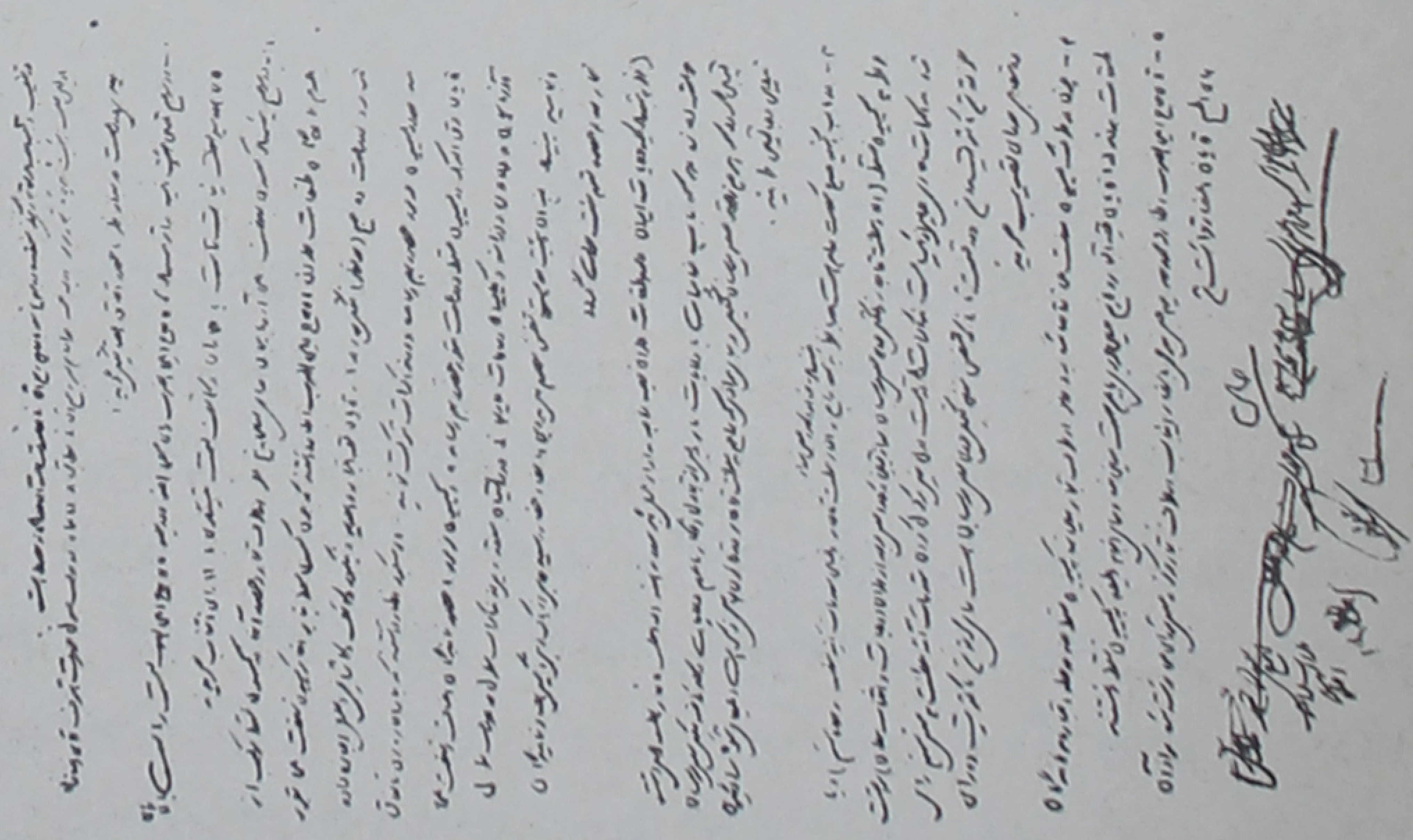
آقایان تجار مزبور به تحصّن خود لیلاً ونهاراً ادامه داده ودریوم پنجشنبهٔ یازدهم ربیع الثانی جلسهٔ رسمی خود را تشکیل وبرای سرعت جریان عملیات و اقدامات لازمه در خصوص مقاصد جمعیت آقایان مفصلة الاسامی ذیل را باحضور هفتاد وچهار نفرحاضرین به‌رأی مخفی انتخاب نمودند تابطوریکه مقتضی وصلاح عموم تجار را بدانند درپیشرفت مقاصد فوق الذکر قیام و اقدام نموده نتیجهٔ تصمیمات واقدامات خودرا بعرض عموم برسانند

حاجی امین‌الضرب ـ اسلامیه ـ فقیه‌التجار ـ کاشف ـ حاجی میرزاعلینقی هاشمی میرزاعبدالحسین چینی فروش ـ حاجی میرزا علی‌نقی کاشانچی ـ حاجی میرزا علی اصغر کتابفروش ـ حاجی آقا جلال ـ آقا میرزا علی محمد محلوجی آقاشیخ حسین حریری ـ حاجی‌میرزاعلی صراف ـ میرآقائی محمد ـ میرزامحمدسپهر ـ الحاج میرزا مهدی ـ عبد المطلب الحسینی ـ اقل الحاج ربیع تبریزی ـ حسین ـ اقل ابو طالب شیرازی اسلامی ـ اقل میرزا حسین صادق اف ـ ملااسدالله اصفهانی ـ میرزا سید علی ـ عبدالمطلب ـ علی ـ محمد ـ اقل سید علی لواسانی ـ الحاج محمدکاظم مثقالی ـ علی ـ یوسف ـ اقل الحاج علی اکبر کاشانی ـ علی نقی هاشمی ـ میرزا هادی مقدم ـ اقل مهدی اصفهانی برادران احمد زاهدی ـ الحاج محمد اسمعیل قزوینی ـ حبیب الحسینی ـ اقل الحاج حسین ـ اقل جعفر محلوجی ـ اقل ناظم رشتی ـ اقل الحاج بزرك تبریزی اقل شیخ حسین حریری ـ اقل‌الحاج شیخ ابوالقاسم مولانا ـ اقل‌حاج میرزا علی صراف ـ الحاج میرزا علی طهرانی ـ الحاج علینقی کاشانی

جریان مخصوصی در کار بود با اینکه تمام افراد با یك وضع عصبانی و

متشنج در تکاپو بودند لیکن در تمام گذارشات مقصد واحدی را با متانت اخلاقی تعقیب مینمودند - حرکات و سکنات متحصنین را که ازتحت نظر دقت میگذاریم و به اسناد مثبتهٔ جریانات مراجعهٔ مینمائیم جز از یك نکته (رشد عقلی) ملت ایران نمیتوانیم نتیجهٔ دیگری را بدست آوریم هردسته که دور هم گرد می آمدند و هم مذاق خود را پیدا مینمودند فوراً با یك اصول مبادی آدابی حوزهٔ آنها بشکل پارلمان میافتاد و اقلیت و اکثریت تعیین میشد و صحبت از تعیین نماینده و صورت جلسه و ثبت مذاکرات بمیان می آمد که گوئی افراد برای عقاید و افکار اعقاب آینده خود را وجداناً ملزم میدانند که تصمیمات خود را روی اوراق ثبت نموده و با مهر وامضا به مخزن تاریخ بسپارند تا آیندگان بدانند که گذشتگان در پایان یکصد و پنجاه سال اختناق در روی چه دلائلی یك چنین نهضتی را ایجاد؟ - وچه راه سعادتی را بروی نسل مؤخر باز و چه تصمیماتی را اتخاذ نموده اند؟

اینك ازیك فقره صورت مجلس تجار دلائل تمام گذارشات‌را استنباط مي‌نمائیم



(صورت جلسهٔ هیئت مدیرهٔ تجار متحصن در خانهٔ پهلوی)

در تعقیب و نتیجهٔ جلسهٔ عمومی تجار مرکز منعقده در یوم پنجشنبه یازدهم ربیع الثاني که صورت جلسهٔ آن جداگانه مضبوط است اولین جلسهٔ هیئت مدیرهٔ تجار در یوم جمعه ۱۲ شهر ربیع الثانی مطابق هشتم آبان ماه در دولت منزل حضرت اشرف آقای رضا خان پهلوی در ساعت دو بعد از ظهر با حضور اتفاق اعضا تشکیل گردید

۱ – در موضوع تعیین هیئت رئیسه بر اثر پیشنهاد آقای حاج امین الضرب رأی مخفي اخذ و در نتیجه آقای حاج امین الضرب بسمت ریاست با یازده رأی و آقای اسلامیه بسمت نایب ریاست با ده رأی و کاشف بسمت منشی گری با یازده رأی منتخب گردیدند

۲ – در موضوع پیشنهاد کمیسیون نهضت ملی آذربایجان برای تعیین پنج نفر از تجار و حضور آنها در کمیسیون مختلط مرکب از عموم نمایندگان طبقات طهران آقای حاج امین الضرب اظهار داشتند که چون کمیسیون مختلط بنا بر اخبار کمیسیون نهضت ملی مقرر شده بود در ساعت ده صبح دو بظهر تشکیل شود لذا به آقایان فقیه التجار و اسلامیه و نیکپور و کاشف و کاشانچی و محلوجی اجازه داده شد که در کمیسیون مزبور حضور بهمرسانیده و در مذاکرات شرکت نمایند.

آقای نیکپور اظهار داشتند که بنا بر اجازهٔ فوق باتفاق آقایان فوق‌الذکر در کمیسیون مختلط در ساعت مقرر حضور بهمرسانیده و کمیسیون مزبور با حضور نمایندگان اصناف و نهضت ملی آذربایجان و دلالان و ارامنه و کلیمیان و سادات لاریجانی و زرتشتیان منعقد و پس از مذاکرات مطوّل که دو ساعت بطول انجامید پیشنهادی بعنوان هیئت دولت متضمن مفهوم ذیل تدوین و بامضای حضار رسید که پس از پاك نویسی و تکمیل امضای نمایندگان تجار تقدیم حضور محترم هیئت دولت گردد

نظر به پیشنهاد کلیهٔ ولایات ایران و عموم طبقات طهران قضیهٔ مراجعه به آراء عمومی دیگر مورد نداشته الغاء سلطنت قاجاریه بالطبیعه حاصل

و هیئت دولت اجازه دهد که باب مخابرات با ولایات باز و پس از تبادل افکار با عموم ولایات و کلائی جهة تشکیل مجلس مؤسسان تعیین گردد که هر چه زودتر مجلس مؤسسان تشکیل و بجای موادي که راجع به سلطنت قاجار در قانون اساسی ذکر است و ملغی میشود مواد دیگری تدوین و جانشین نمایند

۳ ـ در باب اینکه صلاح مملکت در این است که با نظریه پیشنهادیهٔ عدهٔ از وکلای مجلس شورا راجع به الغاء سلطنت قاجار و تعیین مقدرات آتیهٔ سلطنت به دورهٔ ششم و یا نظریهٔ کمیسیون مختلط (الغاء سلطنت قاجار و تشکیل فوری مجلس مؤسسان بعد از تعیین وکلای مجلس مزبور از طهران و ولایات و انتخاب سلطان) موافقت شود مذاکرات جاری و پس از یکساعت مذاکرات زیاد در قسمت اول یعنی موکول کردن مقدرات آتیهٔ سلطنت بمجلس ششم رأی گرفته شد باکثریت رد شد و در قسمت ثانی که متضمن تشکیل فوری مجلس مؤسسان است رأی گرفته شد باکثریت ده رأی در مقابل دو رأی تصویب گردید

٤ ـ چون از طرف کمیسیون نهضت ملی تقاضا شده بود دو نفر ازطرف تجار معین شده به کمیسیون مختلط جهة ملاحظهٔ اعتبار نامهٔ نمایندکان طبقات بروند لذا آقایان فقیه التجار و آقا شیخ حسین حربری به این سمت معین شده و برای انجام وظیفه به کمیسیون مختلط رفتند

۵ ـ آقای حاج امین الضرب اظهار فرمودند که یوم قبل شرحی بامضای این جانب از طرف تجار مرکز بمجلس شورای ملی نوشته شده سواد آن برای اطلاع آقایان اعضاء قرائت میشود

چنانچه این صورت جلسه نشان میدهد معلوم میگردد که قبل از ورود نمایندکان تجار به کمیسیون مختلط نهضت ملی در جلسهٔ سابق تجارمذاکرات دیگری در کار بوده و طرح مخصوصی جریان داشته لازم است برای کشف حقیقت گذارشات به سراغ آن جلسه رفته و بمذاکرات آن نیز توجهی کرده باشیم

اجمالاً از مطالعهٔ صورت جلسه دو نکته اساسی را کشف کردیم

(۱) مراجعه بآراء عمومی مورد ندارد :

(۲) سلطنت قاجاریه الغا و مجلس مؤسسان برای تعیین مقدرات سلطنت تشکیل یابد و اجرای این امر موکول به مجلس ششم نگردد :

در همان صورت جلسه (نیکپور) راپورت داد که در کنفرانس نمایندگان نهضت این مسئله قطع شد که مراجعه بآراء عمومی مورد ندارد وسلطنت قاجاریه بالضروره لغو و باطل است !

چه امری باعث یك چنین مذاکره گردید ؟ که بالاخره منجر باین راپورت شده است ؟ مگر کسی میخواست موضوع را باراء عمومی مراجعه نماید ؟ آری ـ این حرف را چند نفراز وکلا که خود داری از حل قضیه داشتند و یا حقیقتاً عاجز از تصفیهٔ معضلات و غوامض امور سیاسی بودند در اوائل انقلاب قبل از آنکه نهضت و اسرار قیام بازاری شود بدهن ها انداخته و در جلو احساسات عمومی که در آنموقع نمی توانستند آشکارا عقاید و افکار خود را بگویند سدی می بستند این حرف هنوز در مغزها باقی بود وقتیکه حسیات غلیان کرد و سد های موهوم شکست و قیام عمومی سر تا سر ایران را فرا گرفت بعضی از متحصنین که این حرف را از وکیل منفی شنیده بودند این مسئله را طرح و استفتا نمودند که با وجود قیام عمومی باز باید باراء عمومی مراجعه کرد یا خیر ؟

این حرف در کمیسیون فوق العادهٔ نمایندگان طبقات زده شد و یکی از آذربایجانیها باستناد نهضت عمومی تمامیت ایران آن را ردکرد که مراجعه باراء عمومی وقتی متصور است که یك ویا چند ایالتی ویا جمعیتی در حدود قانون اساسی مطلبی را عنوان کنند که عقاید اکثریت ملت نسبت بآن امرغیر معلوم و مجهول بوده باشد بر خلاف موضوعی که از حلقوم تمام ملت بیرون آمده و تمام ایرانیان مقیم داخله و خارجه بالاتفاق آنرا خواسته باشند انقراض سلطنت قاجاریه را امروز تمام ملت ایران خواسته و برای عملی

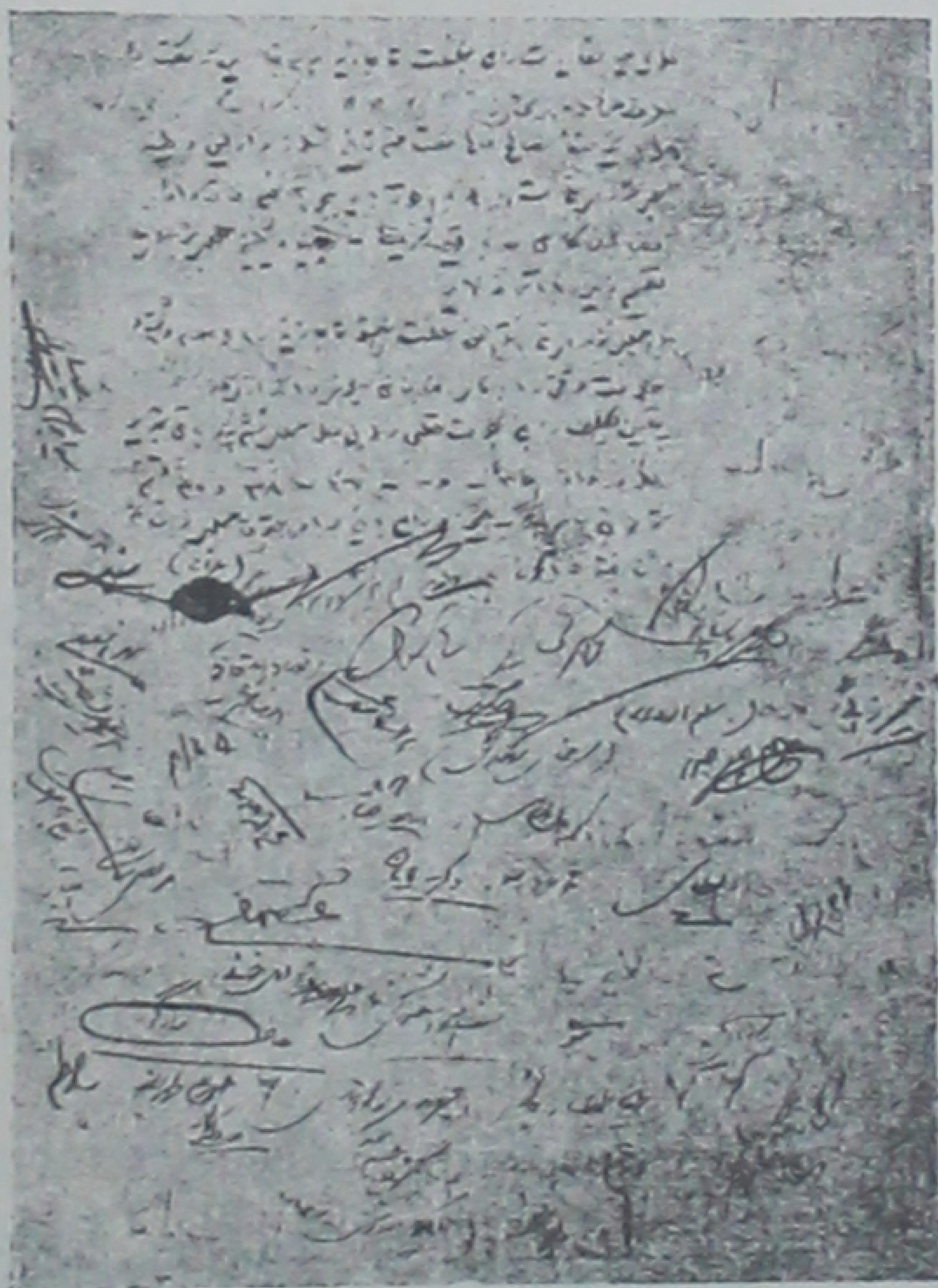
کردن مقصود خود دست به نغمهٔ انقلاب و تجهیز زده و در سر تاسر مملکت تعطیل عمومی بمیان آمده دیگر موردی برای مراجعه بافکار عمومی باقی نیست و نتیجهٔ افکار بالطبیعه حاصل است

بعلاوه بعداز توسل محمد علی میرزا باجانب و تحصن در سفارت سلطنت قاجاریه مشمول اصل انقطاع گردیده و اصل ۳٦ متمم قانون اساسی که سلطنت را در سلسلهٔ قاجاریه موروثی قرار داده ناظر بموارد عادی و فوت سلطان است و ناظر بمورد انقطاع از حق اختصاصی مدنی نیست و احمد میرزا بعد از خیانت پدر بحکم توارث حق استفاده از اصل ۳٦ را نداشته مگر باجازهٔ آراء عمومی در حدود قانون بوسیلهٔ مؤسسان - مؤسسان قانوني براى احمد ميرزا تشكيل نشده فقط يك جلسهٔ فوق العاده در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ در طهران منعقد گردید و با اجازهٔ ضمنی ملت احمد میرزا بسلطنت تعیین شد .

این اجازهٔ ضمنی ورضای غیر مستقیم ومرموز در مقابل نهضت عمومی و قیام ملي داراى اعتبار نيست وبالطبيعه و قهراً لغو وساقط ميگردد .

این مطالب درجلسهٔ فوق العادهٔ نمایندگان نهضت تحت مذاکره درآمد و اخذ نتیجه شد ودر روي همان نتیجه است که نیکپور راپورت مدهد که دیگر مسئلهٔ مراجعه بآراء عمومی غیر لازم و بی مورد است .

واما نکتهٔ دیگر که درهیئت مدیرهٔ تجّار طرح شده موضوع (موکول کردن تعیین مقدرات آتیهٔ سلطنت را به مجلس ششم) رد و (تشکیل مؤسسان) را باکثریت تصویب کرده اند اینهم نتیجهٔ جلسهٔ فوق العادهٔ نمایندگان نهضت و قسمت مردود ناشی از عقیدهٔ عدّهٔ از وکلای مجلس شورا بود که در این روزها خود را به متحصّنین نزدیك و طرح مخصوصی تهیه کرده بودند و ما سند رسمی آن را پیدا نموده و از نظر شما میگذرانیم واسم آنرا (منشأتصمیم اولیهٔ تجّار) میناميم .



(منشاء تصمیم اولیهٔ تجار)

۸ آبان ماه ۱۳۰۴

نظر باینکه شکایات راجع به سلطنت قاجاریه بدرجهٔ رسیده که مملکت را بطرف مخاطره میکشاند نظر به اینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفهٔ مجلس شورای ملی است و هر چه زودتر باید به بحران فعلی خاتمه داد امضاء کنندگان با قید فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید

مجلس شورای ملی انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام داشته و حکومت موقتی را به آقای رضا خان پهلوی واگذار میکند

تعیین تکلیف راجع بحکومت قطعی موکول بنظر مجلس ششم است که با حق تجدید نظر در مواد ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون

اساسی انتخاب میشود و راجع به این مواد دارای حقوق مجلس مؤسسان شناخته خواهد شد

داور – شیروانی – اخگر – یاسائی – سلیم ایزدی – عبدالحسین صدر محمد – حسن ملك التجار – حسن ملك – آشتیانی – رضا دامغانی – میرزائی عراقی – مفتی – هرمزی – میرزا ابراهیم ضیاء – رضا مهدوی – رضا حکمت و جمعی دیگر از وکلا که در ذیل پیشنهاد امضا های آنها را از نظر میگذرانید.

(جریانات پارلمانی)

منشاء تصمیم اولیه را پیدا نمودیم ووارد کنجکاوی مذاکرات وتصمیمات جلسهٔ منعقدهٔ پنجشنبهٔ یازدهم ربیع الثانی مطابق هفتم آبان ماه ١٣٠٤ شمسی هیئت تجار شدیم حالا لازم است به پارلمان رفته و ببینیم که در نتیجهٔ این هیاهو و اعتراضات و مستدعیات وقهر وغضب ملت از تمام نقاط ایران وکلا چه رویهٔ اصلاحی (پروژه) در مجلس طرح؟ و چه جوابي اولا برای آذربایجان وثانیاً برای سایر نقاط ایران تهیه کرده؟ وچه تلگرافاتی از آذربایجان وایالات وولایات اخیراً مخابره شده است؟

همه میدانیم مواد قانون و تصویب نامه ها همیشه در روی پیش نهادهای مخصوص خواهد بود اینك جز از یك فقره پیشنهاد تقریباً بامضای پنجاه وپنج نفر از نمایندگان مجلس شوری که قبلاً عین آن گراور شده و از نظر قارئین گذشته است هیچگونه طرح وپیشنهادی تهیه نشده است!

باملاحظهٔ این پیش نهاد معلوم میگردد که امضا کنندگان آن برای انجام مستدعیات ملت ایران چنین تصمیم گرفته بودند که انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و با نصب حکومت موقت تعیین تکلیف قطعی را موکول بنظر مجلس ششم که حق تجدید نظر درمواد مخصوصهٔ متمم قانون اساسی داشته باشد بنمایند.

معلوم است چه مخاطراتی ممکن بود از این پیشنهاد متوجه ملت ایران

گردد؟ و دوام حکومت موقت و انتظار دورهٔ ششم که ممکن بود تصمیمات آنان کاملاً بر وفق مرام ملت صورت نگیرد چه بحرانی در سیاست و زندگانی اجتماعی ایرانیان تولید میکرد!؟

فعلاً پارلمان را درهمین حال گذاشته وبطرف نهضت میرویم وچون ازهیئت تجارجداشده ومذاکرات جاریهٔ آنها را ناقص گذاشته ایم لازم است قبلاً به متحصنین تجارسر زده‌و به بینیم درظرف بیست و چهار ساعت چه تغییراتی درعقاید وافکار این هیئت بعمل آمده است؟

روز دوازدهم ربیع الثانی که مطابق با هشتم ابان ماه است میخواهند صورت جلسه یازدهم خود را قرائت نمایند.

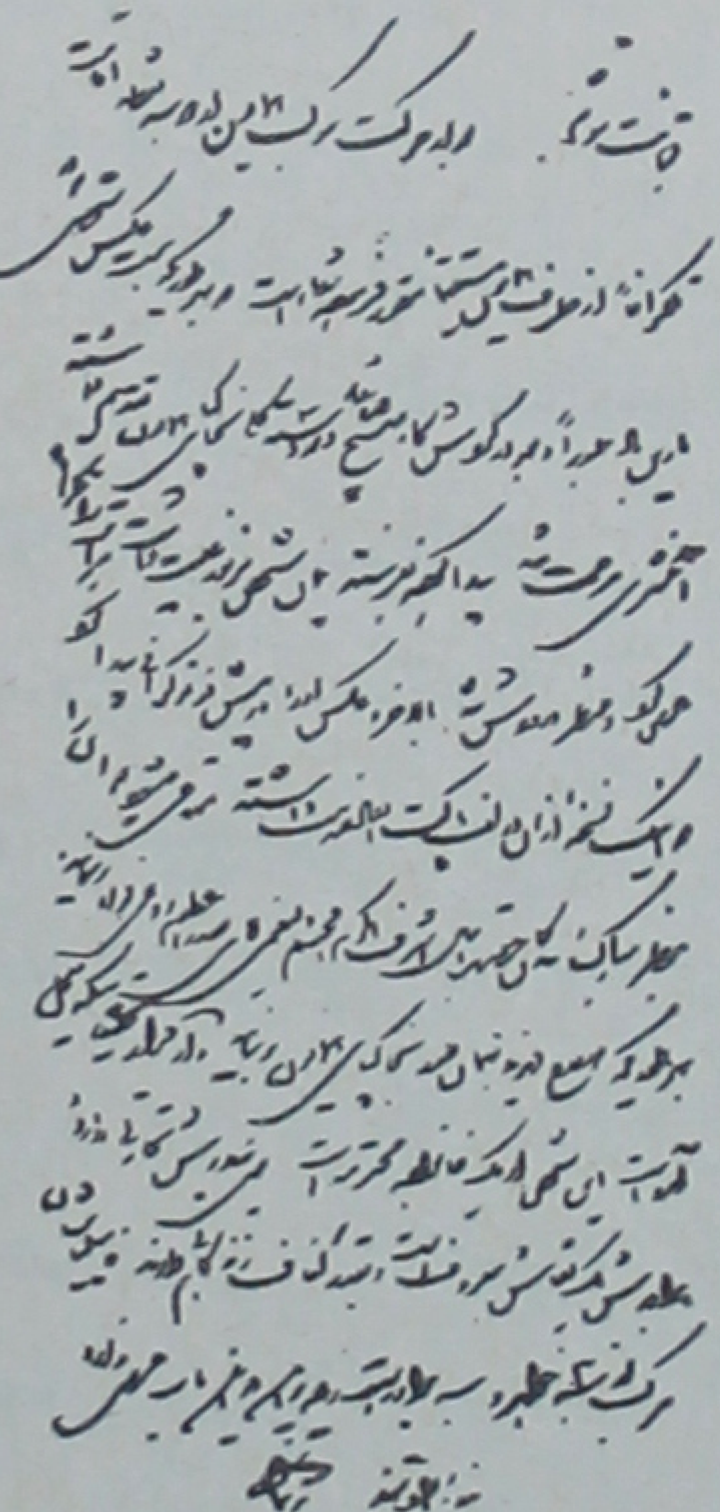
آری عقاید و افکار درروی طرح معهود وفورمول سابق الذکر بود که تعیین تکلیف قطعی حکومت به دورهٔ ششم مجلس شورای ملی محول گردد ولی معلوم میگردد که این عقیده تغییر یافته و علت آنهم مذاکرات جلسهٔ فوق‌العادهٔ نمایندگان طبقات نهضت بوده است که‌چگونگی آنرادر آتیه خواهیم فهمید حالا باید تجاز رانیز موقتاً وداع کرده وواردکمیسیون نهضت ملی بشویم تا حقایق‌را بفهمیم.

(کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجانیان)

در طهران ــ دررأس آن آذربایجانی ــ همان آذربایجانی داغ دیده ــ تازه بامنیت رسیده که خون انتقام در شریان های وجودش در دوران و ولکان های قهاریت ملی از روزنه های قلب سوختهٔ‌آن سرکشیده ودارد مانند کوه (وزو) قصر فرعونیت (رعامسیس) یا دربار قاجاریه را فرا میگیرد! میسوزاندوبدود آتشبار استحاله‌میدهد وبروی قبرمؤسس قاجاریه فرومیریزد! باچنین حسیات ازخاطرخود یك‌مرتبهٔ دیگرتیره روزی های متمادی آذربایجان راگذرانیده‌و دیدکه آذربایجان سالهای دراز درزیر فشار و سیاست خانمان سوز امرارحیات نموده وبواسطهٔ سوء استعمال‌قدرت مرکزی (یعنی دربار) از محفظهٔ تاریخ دلائلی را بدست آورده که حقاً وعدلاً مجوز نهضت وقیام است

آذربایجانی دید که آذربایجان در ایام فر وشوکت ایران تاثیرات مخصوصی در سیاست این مملکت داشت و در ادوار متمادیه محور حوادث گوناگون بود – در دیروز و امروز منطقهٔ آن بی نهایت مهم – از طرفی عثمانی قدیم و از طرف دیگر روسیهٔ تزاری را با گذشته های تاریخی خود تهدید و برای مجازات این عظمت از بدو طلوع سلسلهٔ قاجاریه دچار تهاجم قشون های جرار عثمانی و تزار گردیده و همیشه میدان مبارزه سیاست خارجی بود که علي الدوام دسته های مسلح دشمن مستقیما و باغیر مستقیم با تحریک اشرار و غارت گران داخلی در تکاپو ما از جزئیات چگونگی نقشه ها صرف نظر نموده فقط بانار دهشت بار این حوادث تاریخی که با گوشهٔ چشم نگاه میکنم هر ملت حساسی اگر آیندهٔ خود را در روی یك چنین مقدماتی مشاهده نماید برای نهضت و قیام به او حق خواهیم داد – نه تنها ما که تاریخ این وقایع را مینویسیم بلکه هرکس که ادنی قضاوت نماید این قضیه را تصدیق خواهد نمود

چگونه آذربایجانی باملاحظهٔ این مستندات راضی شود که خود را محکوم شهوت رانی دربار قاجاریه دانسته و دراین ساعتی که تمام ملل می روند بازادی مقدرات خود را تصفیه نمایند ایرانی ناموس قومیت خود را فدای اغراض نماید این مستند رسمی را ملاحظه و قضاوت نمائید آذربایجانی می بیند نزدیك است که یکبار دیگر مامورین دیپلماسی ایران در خارجه برای جمع آوری عکس های فواحش اروپا ماموریت پیدا کرده و سفرای دولت واسطهٔ تحبیب ویادلال محبت بوده باشند از رئیس الوزراء (صدر اعظم) گرفته تامأمورین جزء داخلی و سفرای خارجی عموماً اوقات خود را مصروف ترویج قباحت و فاحشه نموده و عزت تاریخی ملت ودولت را زیرپای شهوت رانی خود گرفته اند



(عریضهٔ نریمان خان یکی ازسفرای ایران درخارجه)

قربانت شوم بعد از حرکت موکب همایون ازدوسه نقطه اقامت تلگرافاً از طرف همایون مستقیماً مقرر فرموده شده است که بهرطوریکه هست عکس شخصی که در (مارین باد) عبوراً و بعد درگردش گاه صبح دیده بودند و دسته گلی بخاکپای همایون تقدیم داشته انگشتری مرحمت شد پیدا کرده بفرستد چون شخص مزبور غیبت داشت مراتب را تلگرافاً عرض کرد ومنتظر ورودش شد بالاخره عکس اورا درپیش فوتوگرافي پیدا کرده که اینك نسخهٔ ازآن درلف پاکت انفاذ خدمت داشته مستدعی می شود که آن را بنظر مبارك بندگان حضرت اجل اشرف اکرم افخم ولینعمي آقای صدر اعظم روحیفداه رسانیده بهرطوریکه صلاح دیدند بهمان طور بخاکپای همایون برسانند از قرار تحقیقاتیکه بعمل آمده است این شخص از یك خانوادهٔ محترمه است یعني پدرش تجارتی دارد برادرش یك نقاش

معروف است و بقدر کفاف زندگانی دارند فامیلشان مرکب ازسه خواهر وسه برادر است زیاده براین دراین باب عرض ندارد   خانزاد ارادتمند (نریمان)

(تخیّلات !.)

(چه مناظر جان گداز؟ چه حوادث فجیع ؟!)

سیلاب های خونین که از رگ بار های حوادث سیاسی پس از ساعتی و یکی بعداز دیگری از کوهستانهای سرحدی شمالی و غربی آذربایجان سر میکشیدند از دره ماهورها و هامون ها میگذشتند دهات و قصبات و شهر ها را زیر خود میگرفتند!.

اوه — ! بغیر از مناظر جگرخراش دیگر آثاری از آبادانی ها باقی نیست ! بلندی ها پست — پستی ها بلند — آبادانی‌ها ویران — ملت و شئونات آنرا سینه کرده و به دریای نیستی ریخته است !.

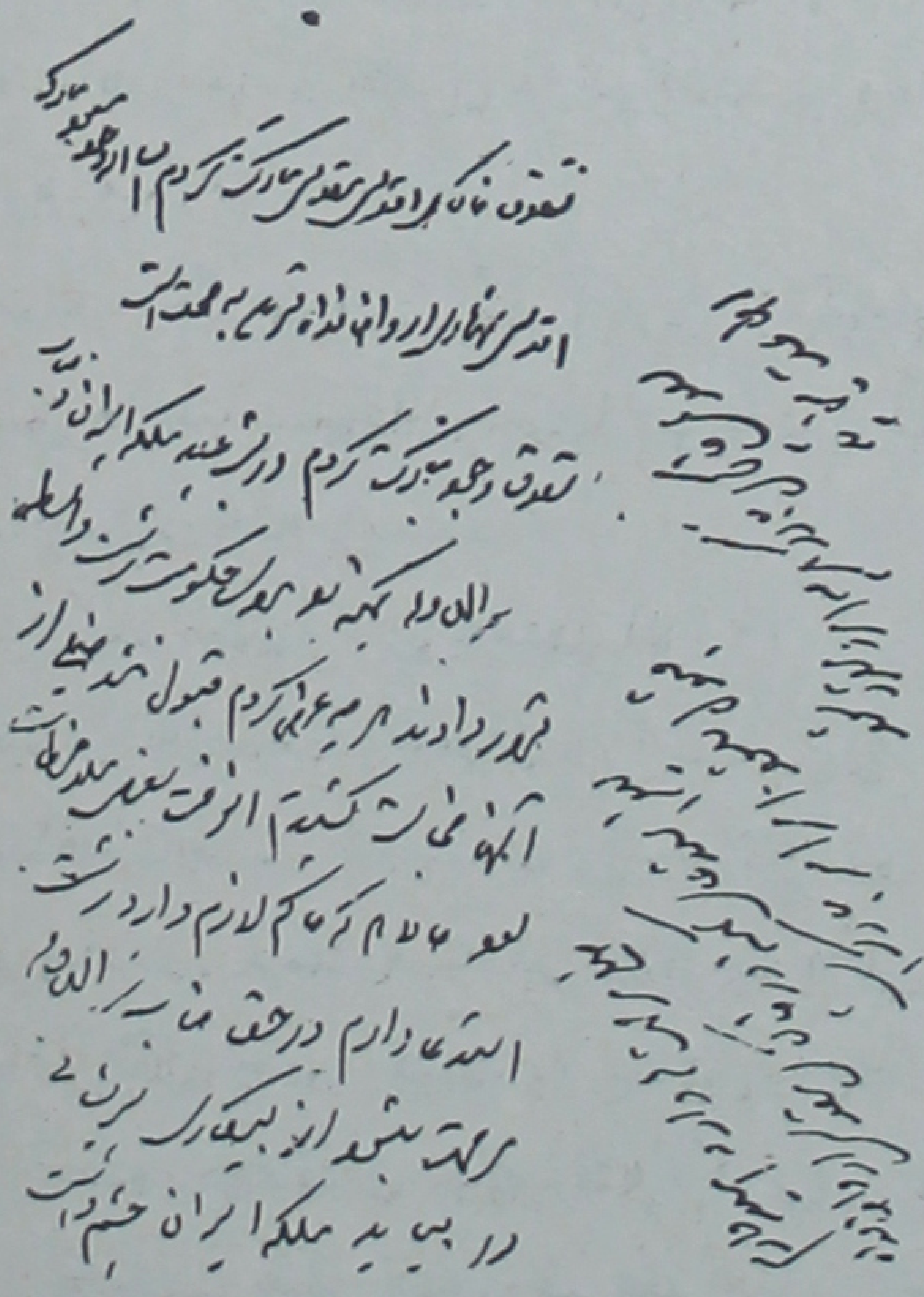
چه مناظر غم انگیز ؟ چه مظلمه‌های دهشت افزا ؟ !

احوال تیره روزی بیوه زنان — ندبهٔ مادران جوان مرده — نو عروسانیکه داماد شان شهید مدافعهٔ عصمت شده ولی ناموسشان نیز بباد رفته !. خود اسیر و گرفتار !. پای پیاده — دست بسته در اردو های دشمن از این سنگربان سنگر — از این چادر بآن چادر دست به دست میروند !

آه مظلومانی !. — که خانمانشان بباد رفته گوئی برای همیشه هوای شفّاف آذربایجان را کدر — غبار غم روی شهر ها و دهکده ها را فرا گرفته — جغد ماتم سرا در روی اتلال این مناظر غم انگیز در شیون و برای مسببین این فجایع دائماً لعنت میفرستند !.

با یك چنین تخیلات و پیش بینی ها یکدفعه دیگر می بیند که در نتیجهٔ لاقیدی کرسی نشینان پارلمان دار و زندگانی او واژگون میگردد و آسایش و امنیت او در مخاطره است و با ادنی غفلتي چشم های فتان بسیاست کشوري ایران چشمك زده وسر انگشتان عنابی رنك که چنك بخون دل

عشاق زده میرود درقلب مملکت دل داده وقلوه بگیرد !. و با کرشمه وناز بامقدرات ملت بازی کند . تقدیمی داده حکومت بگیرد و در عالم اعراض ونفوس نفوذ یافته دلها را به پیام و مملکت را ببادامی بفروشد آوخ ـ ! آنست سیاست خارجی و این است سیـاست داخلی !. سفرا در قباحت و بانوان در سیاست شاه انگشتر می دهد و عشوه مي خرد سفرا افتخار دارند که دلال محبت بوده و صدر اعظم درراس فاحشه وبداخلاقی جاگرفته و زنها تقدیمی مي دهند و حکومت مي گیرند !.



(عریضهٔ یکی ازخواتین سویکولوي حرم سرای مظفرالدین‌شاه)

تصدق خاکپای اقدس مقدس مبارکت گردم انشاءالله وجود مسعود مبارك اقدس شهرباری ارواحناه فداه قرین بصحت است :

تصدق وجود مبارکت گردم درشب عید ملکهٔ ایران وجناب . . . الدوله کمینه را برای حکومت رشت واسطه قرار دادند هرچه عرض کردم قبول نشد خیلی ازآنها خجالت کشیدم آنوقت بعضی ملاحظات بوده حالام

که حاکم لازم دارد رشت :

استدعا دارم درحق جناب . . . الدوله مرحمت بشود ازبیکاری پریشانی دربیاید ملکهٔ ایران چشم داشت خیلی مرحمت ها دارد امیدوارم این استدعای کمینه ازخاکپای مقدس ارواحنا فداه قبول بشود امرامر مبارك است ـ تقدیمی خاکپای مبارك هرچه امر ومقرر شود اطاعت می نماید

این بود که بی اختیار شروع باقدام نموده واز پارلمان استمداد میکندو جز از لاقیدی و یا بقول خود آذربایجانیان (لب خند ومسخره) چیزدیگری تحویل نمیگیرد . حالا مصمم است که مستقیماً مانع را برطرف ویابقول خود درس عبرتی به نسل معاصر بدهد ! . حالا باید دید بچه ترانه هائی دست زده و چه سودائی را درسر می پروراند ؟ !

(کمیسیون فوق العاده)

روز پنجشنبه ۷ آبان ماه است که فضای مدرسه پر از ازدحام و هر دسته و طبقه فردی و یا جمعی در تعیین مقدرات مملکت بی اختیارند .

عقاید و افکار مضطرب و پریشان و ملت عصبانی ـ حیات شعوریه مبدل به لاشعوریه گردیده و تأثیرات خود را در کاسه هاي چشم آشکار نموده و هر دقیقه بیم ظهور حوادث ناگوار در کار است ! .

وقت آبستن است ـ با درد تشنج بسر می برد ! مردم نمیدانند که هیئت دولت را گرفته و مجازات نمایند ؟ یا بمجلس شورا ریخته کرسی و کرسی نشینان را محو و نابود کنند ؟ و یا از رئیس دولت استرحام نمایند ؟

این بود حالت روحی متحصنین ولی با این همه احوال عموماً از اطاق مخصوصی استراق سمع مینمودند و نفوس متوجه آن قسمت از عمارت مدرسهٔ نظام بود که آذربایجانیان آن نقطه را برای عملیات تخصیص داده واطاق (کمیسیون مختلط نهضت ملّی) نامیده بودند

در هاي اطاق بسته و در پشت در حاجی است که با کمال جدیت واردین

را تفتیش و از ورود جلوگیری مینماید و کسانیرا بار دخول میدهد که خود می شناسد به در اطاق تکیه کرده و با نهایت قوت و جرأت دست رد به سینهٔ کسانیکه میخواهند وارد این اطاق بشوند میگذارد.
چند ساعتی بدین منوال گذشت و از داخل اطاق آهسته دستی به در خورد و حاجب صدای دق البابی را شنید بقدر دو انگشت لای در باز شد و کسی را به پشت در خواستند پس از چند دقیقه مطلوب در پشت در حاضر بود کاغذی بدست اودادند وحاوی دومادهٔ حکم بود که بلاتأخیر بموقع اجرا بگذارد

(مادهٔ اول)

وکلای آذربایجان را توقیف کنید!.
تحقیقاً دو ساعت نگذشته بود این حکم بموقع اجرا رسید و نمایندگان آذربایجان یعنی وکلای مجلس شورای ملی توقیف شدند!.
در اینجا لازم است اندازهٔ تاثیر این اقدام را بدست آورده و نسبت آنرا با مقاصد انقلابیون مرکز آذربایجان بسنجیم.
راپورت روزانه یا متحد المال کمیسیون مختلط که دسته گلی بر آب داده است!.

(تلگراف از طهران)

متحد المال توسط تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های نهضت ملی کپیه جرائد برای قطع ریشهٔ بیداد سلاطین آل قاجار در اثر اقدامات غیورانه و مجدانهٔ آذربایجانیان و آن ایالت حساس و فدا کار بنا به تشبث آذربایجانیان مقیم طهران در مرکز نیز کمیسیون مختلط نهضت ملی تشکیل یافته اولین قدمی که برای نیل بمقصد بر داشته شد نمایندگان آذربایجان در محل اجتماع کمیسیون نهضت محترمانه توقیف وتا انجام تقاضاهای مشروع ملیون ایران که استرداد تاج کیانی از ایادی غاصبانه است درمجلس شورای

ملی حضور بهم نخواهند رسانید بدیهی است آن برادران نیز همه روزه از عملیات خود ما را مستحضر خواهید نمود کمیسیون مختلط نهضت ملی

(متحد المآل)

توسط رؤسای تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های مختلط نهضت ملی چنانچه در تلگراف عصر اطلاع داده شد بواسطهٔ لاقیدی نمایندگان بی علاقهٔ مجلس شورای ملی مجبور به اقدامات شدیده شده و تمام نمایندگان آذربایجان را توقیف و به تجار و اصناف و سایر طبقات طهران نیز اخطار شد که وکلای خود را توقیف نمایند اینک از آن همقدمان محترم نیز انتظار میرود که هر چه زود تر تکلیف نمایندگان قلم رو خودشانرا توسط این کمیسیون معین نمایند ــ کمیسیون مختلط نهضت ملی

(راپورت .روزانه)

مرکز نهضت آذربایجان و محور قیام در تبریز است و پس از رفع سانسور تلگرافات مستقیماً از هر شهری بشهری بلا مانع در کار است و راپورت جریانات نقاط توسط کمیسیون های نهضت به تبریز میرسد و روزانه دستور انقلاب صادر میگردد در ضمن جریانات راپورت توقیف نمایندگان مجلس شورا و بقول خود آذربایجانیان (وکلای عاصی و متمرد) در مرکز انقلاب یعنی در تبریز منتشر شد !.

تبریز این حرکت را بر خلاف مصالح مملکت تشخیص داده و شدیداً اعتراض نمود .

(تلگراف از تبریز بطهران)

نمره قبض ۱۹۸۳۳ نمره تلگراف ۵۹ کلمه ۴۷۴

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ آبان

سه کپیه نقاط معموله کمیسیون مختلط نهضت ملی طهران برادران عزیز

تلگراف آقایان دائر بتوقیف وکلای آذربایجان در نهضت ملی طهران واصل پس ازاظهار تشکر و امتنان قلبی خود از این حسن نیت وابراز صمیمیت آقایان خاطر شریفتان را متذکر میسازیم که اگر این حبس یا توقیف وکلای آذربایجان براي خیانت است که از آنها مشاهده فرموده اید؟ لازم است بفوریت ما را از آن رفتار خائننانه آنها مطلع و مسبوق دارید تا ما هم وظیفهٔ ملی خود را دربارهٔ آنان معمول داریم و اگر این توقیف آقایان وکلا برای ممانعت از حضور آنها در مجلس شورا است؟ ما بشما میگوئیم و تاکید هم میکنیم که بفوریت آنها را آزاد و مستخلص نموده بما اطلاع دهید زیرا آن ساعت که خیانت پیشگی وکلای یك ملت از طرف همین ملت رسماً اعلام شود هیچگونه اثری بر وجود این وکلا مترتب نخواهد شد وما خیلی خوشوقت و مشعوف میشویم آن ساعت که خبر تخلف این آقایان را از امر موکلین خودشان استماع نمائیم!.

ما معتقد باین گونه عملیات نبوده و نیستیم ملت آذربایجان تصمیم گرفته که در تحت هدایت و راهنمائی کمیسیون نهضت ملی آذربایجان خط مشی خود را در نهایت متانت با حفظ نزاکت و باکمال اقتدار در بر انداختن نام فساد و ریشهٔ بدبختی ملت و مملکت مداومت داده تعقیب نمایند و هر قسم مانع و عایقی که بخواهد سد راه ملی او واقع شود بسخت ترین وضعی محو و نابود خواهد ساخت برادران عزیز این نکته را لازم است متذکر شویم که آقایان وکلای آذربایجان بدانند که این مطالبات ملت است با شدیدترین و تلخترین لهجه بآنها میگوید و در عین حال کاملاً معتقد است که باید طرز روش عمومی را تغییر داد حبس وتوقیف معنی ندارد این آقایان اگر خائنند که ملت بهتر از هرکس بآنها مجازات خواهد نمود و اگر نیستند که توقیف صورتی ندارد.

از شما برادران عزیز خواهش میکنیم که فوراً بما اطلاع دهید تا اگر خیانت ازوکلا مشهود گردیده یا بعد ها بشود واین خیانت هرقدر کوچك

باشد ما بآنها نشان میدهیم که شدت یاس و انتقام ملی یعنی چه ؟ مابه آنها میفهمانیم که در نتیجهٔ عدم صمیمیت آنها با موکلین آنها با علاقه آنها در محل چه معامله هائی میتواند بنمایند ؟.

بهرصورت از آقایان وکلای آذربایجان که میخواهند عنوان نمایندگی یك ملت را بخود اختصاص دهند انتظار داریم که چون وکیل ملت آذربایجان هستند هرچه را که موکلین آنها مایلند مجری نمایند و اولین میل موکلین این آقایان آنست که آنها در طهران قدم بقدم در معیت کمیسیون نهضت ملی طهران حرکت بطرف مقصود مقدس ملت نمایند والا ما دانیم وخود آنها و ما دانیم وعلاقه آنهادر محل !.

کمیسیون مختلط نهضت ملّی آذربایجان

(حکم دوم)

هر دسته و هر طبقه از متحصنین و عوامل نهضت برای اجرای مقصد ملي از یك تا پنج نفر نماینده تعیین و با اعتبار نامهٔ مخصوص و امضاهای مشخص و با قید مسؤلیت به کمیتهٔ نهضت ملی آذربایجان معرفی نمایند.
این حکم نیز بموقع اجرا رسید و در صورت جلسهٔ هیئت تجار خواندیم که در ماده (۲) خاطر نشان مینمودند که از کمیسیون نهضت ملی آذربایجان اخطار شده بود که پنج نفر نماینده از طرف تجار در کمیسیون حاضر گردند و بعلاوه دو نفر نمایندهٔ دیگر نیز خواسته بودند که بمعیّت دیگران باعتبار نامهٔ نمایندگان احزاب و طبقات در یك کمیسیون مخصوصی رسیدگی نمایند و هیئت تجار هم فقیه التجار و شیخ حسین حریری را برای انجام این مقصد تعیین کرده بودند

(اتفاق تازه)

چه خبر است ؟ مگر در هیئت متحصنین آذربایجان حادثهٔ تازهٔ رخ داده ؟ و یا سودای مخصوص در سر دارند لازم است قدري نزديك رفته و از

بیخ گوشی استراق سمع نمائیم .

از عجله و اضطراب و بر آشفتگی کمیته اینطور استنباط میشود که در آذربایجان بین انقلابیون و قوای دولت اصطکاك و تصادمی اتفاق افتاده و فتح و فیروزی نصیب میلیون گردیده دوائر دولتی را ضبط و در بیرون شهر اردو زده و مشغول تجهیز و تهیهٔ وسایل حرکت بطرف طهران میباشندو ما مستند رسمی این حادثه را تحصیل نموده اینك انتشار میدهیم

(راپرت دولتی)

تلگراف از تبریز به طهران ٦ ابان — در تبریز کمیسیون نهضت ملی مشغول گرفتن داو طلب و تشکیل اردوی ملّی و تجهیزات کامل است داو طلبانه بهمدیگر سبقت میجویند

این حرکت مقارن ساعاتی استکه هنوز تلگرافات درسانسور دولت است وپس ازرفع سانسور عصر هفتم ا.بان این خبر بوسیله متحد المآل تلگرافی انقلابیون بطهران رسیده وهنوز غیر ازاعضای کمیته کسی ازاین واقعه مستحضرنیست

(تلگراف)

ازتبریز بطهران چهار شنبه ٦ آبان ۱۳۰٤

(۱ ❁) خرم آباد فیلی نمره ۱۰۵۹۹ کلمه ۱۹۱۰ هشت کپیه در نمره ۱۱٤ آمل نمره ۱۰۵۲۰ هشت کپیه در نمره ۱۱۵ ـ لاهیجان نمره ۱۰۵۲۱ هشت کپیه نمره ۱۱٦ ـ گرگانرود نمره ۱۰۵۲۲ هشت کپیه در نمره ۱۱۷ ـ خرم دره نمره ۱۰۵۲۳ هشت کپه در نمره ۱۱۸ ـ ایوان کی نمره ۱۰۵۲٤ هشت کپیه در نمره ۱۱۹ محلات نمره ۱۰۵۲۵ هشت کپیه در نمره ۱۲۰ ـ دماوند نمره ۱۰۵۲٦ هشت کپیه در نمره ۱۲۱ ـ سنقر نمره ۱۰۵۲۷ هشت کپیه در نمره ۱۲۲ ـ خواف نمره ۱۰۵۲۸ هشت کپیه در نمره ۱۲۳ ـ نهاوند نمره ۱۰۵۲۹ هشت کپیه در نمره ۱۲٤ ـ مشهد سر نمره ۱۰۵۳۰ هشت کپیه در نمره ۱۲۵ ـ خوزستان نمره ۱۰۵۳۲ هشت کپیه در نمره ۱۲٦ ـ بجنورد نمره ۱۰۵۳۳ هشت کپیه در نمره ۱۲۷ ـ محمره نمره ۱۰۵۳٤ هشت کپیه در نمره ۱۲۹ ـ بار فروش نمره ۱۰۵۳۵ کپیه در نمره ۱۳۰ ـ بیرجند نمره ۱۰۵۳٦ هشت کپیه در نمره ۱۳۱ ـ بندر عباس نمره ۱۰۵۳۷ هشت کپیه در

این تلگراف بتمام نقاط ایران و دوائر دولتی در تحت نمرات ذیل مخابره شده است (۱)☆

(بیانیهٔ تلگرافی کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

نظر باینکه در نتیجه ۲۷ روز حضور در تلگرافخانه و مخابره بیش از ۴۵ هزار کلمه تلگراف بنمایندگان ساکن بهارستان و چندین دفعه مخابرات حضوری از طرف یکدسته ۳۶ نفری نمایندگان خصوصی تجار و فلاحین و اصناف و اتمام حجت های عدیده بالاخره ضرب الاجل ۴۸ ساعته از مثبت و منفی ازطهران یعنی شورای ایران جوابی نرسید

نظر باینکه قطع دست سلاطین قاجاریه از اورنگ سلطنت باستانی یکی ازمسائل عادی معمولی ولی یك تقاضای بی اهمیت نمیباشد و فرد فرد ملت ایران بر میزان اهمیت فعلی و آتیهٔ خلع این سلسله سلاطین واقف میباشند.

نمره ۱۳۲ - گون آباد نمره ۱۵۰۳۸ هشت کپیه در نمره ۱۳۳ - دره جز نمره ۱۵۰۳۹ هشت کپیه در نمره ۱۳۴ - سنندج نمره ۱۵۰۴۰ هشت کپیه در نمره ۱۳۵ لطف آباد نمره ۱۵۰۴۱ هشت کپیه در نمره ۱۳۶ - شیروان نمره ۱۵۰۴۲ هشت کپیه در نمره ۱۳۷ - شاهرود نمره ۱۵۰۴۳ هشت کپیه در نمره ۱۳۷ - قصر نمره ۱۵۰۴۴ هشت کپیه در نمره ۱۳۹ - بیجار نمره ۱۵۰۴۵ هشت کپیه در نمره ۱۴۰ نیشابور نمره ۱۵۰۴۶ هشت کپیه در نمره ۱۴۱ - بوشهر نمره ۱۵۰۶۷ هشت کپیه در نمره ۱۴۲ - دزداب نمره ۱۵۰۴۸ هشت کپیه در نمره ۱۴۳ - اشرف نمره ۱۴۰۴۹ هشت کپیه در نمره ۱۴۴ - سمنان نمره ۱۵۰۵۰ هشت کپیه در نمره ۱۴۵ ساری نمره ۱۵۰۵۱ هشت کپیه در نمره ۱۴۶ بروجرد نمره ۱۵۰۵۲ هشت کپیه در نمره ۱۴۷ بندر جز نمره ۱۵۰۵۳ هشت کپیه در ۱۴۸ - خرم آباد نمره ۱۵۰۵۴ هشت کپیه در نمره ۱۴۹ - کرند نمره ۱۵۰۵۵ هشت کپیه در نمره ۱۵۰ - شفارود نمره ۱۵۰۵۶ هشت کپیه در ۱۵۱ - قوچان نمره ۱۵۰۵۷ هشت کپیه در نمره ۱۵۲ پهلوي نمره ۱۵۰۵۸ هشت کپیه در نمره ۱۵۳ - کاشان نمره ۱۵۹۵۹ کپیه در نمره ۱۵۴ - قم نمره ۱۵۰۶۰ هشت کپیه در نمره ۱۵۵ همدان نمره ۱۵۰۶۱ هشت کپیه در نمره ۱۵۶ - استراباد نمره ۱۵۰۶۲ هشت کپیه در نمره ۱۵۷ - سبزوار نمره ۱۵۰۶۳ هشت کپیه در نمره ۱۵۸ - عراق نمره ۱۵۰۶۴ هشت کپیه در نمره ۱۵۰ - کرمان نمره ۱۵۰۶۵ هشت کپیه در نمره ۱۶۰ شیراز نمره ۱۵۰۶۶ هشت کپیه در نمره ۱۶۱ - قوچان نمره ۱۵۰۶۷ هشت کپیه در نمره ۱۶۲ - کرمانشاه نمره ۱۵۰۶۸ هشت کپیه در نمره ۱۶۳ - یزد نمره ۱۵۰۶۹ هشت کپیه در نمره ۱۶۴ - مشهد نمره ۱۵۰۷۰ هشت کپیه در نمره ۱۶۵ - اصفهان نمره ۱۵۰۷۱ هشت کپیه در نمره ۱۶۶ - رشت نمره ۱۵۰۷۲ هشت کپیه در نمره ۱۶۷

نظر براینکه کلیهٔ ایالات و ولایات ایران پس ازا استماع فریاد برادران آذربایجانی از فاصلهٔ صدها فرسخ ندای موافقت در داده وعموماً یکدل و یك زبان عزل سلالهٔ سلاطین قجر را از مجلس شورای ملی خواستار شده اند .

نظر براینکه کلیهٔ ایالات و ولایات ایران تلگرافاً نهضت خود را در پیشرفت این مقصود ملی نسبت بهرنقشه ملی برادران آذربایجانی اظهار داشته اند .

ونظر براینکه اهالی آذربایجان از روزهای اول تاسیس سلاطین قجر در ایران بواسطهٔ مقرر داشتن شهر تبریز برای مقرّ حکمرانی و پرورش ولایت عهد آنها کاملاً برمکاید ودسایس این خانواده در راه عزت سلطنت واغفال ملت واقف گشته و درطول مدت یکصد و چهل و هشت سال فجایع و خیانات آنان را برأی عین مشاهده نموده و بخوبي دانسته است که این اولادان مغول در راه تامین مقاصد نا مشروع ذبرین خود از هیچگونه تشبث نامشروع و خیانت و جنایتی حتی متابعت و تبعیت از اجانب مضایقه ننموده چنانکه دربدو تاسیس این سلسله عباس میرزا ولیعهد برای دوام وبقای سلطنت در خانواده و این اولاد خصوص باین ننك تاریخی مضبوط در عهدنامهٔ ترکمن چای تن درداده وخلف صدقش محمدعلی براي اهدار وسفك دماء مسلمین بسفارت روس پناهنده شد وشاه فعلی در تعقیب همان سیرهٔ غیر مرضیّه مسافرت اخیر اروپا را پیش کشیده و آلت دست اجانب گشته و برای اختلال امنیت فعلی پس از اطمینان موفقیت باز بنای پارتی های خارجی خود اعلان مراجعت داد

ونظر براینکه فرزندان ایران ساکن خطهٔ آذربایجان بشهادت تاریخ گذشته و انقلابات اخیر از بدو مشروطیت تاامروز بعموم ایرانیان و تمامی ملل دنیا پیشروی و مجاهدت علاقه مندی بسعادت و امنیت وطن را عملاً ثابت و مبرهن داشته ونظر براینکه پنجه های افراد حساس آذربایجانی هنوز

آغشته بخونهای پلید و ناپاك قشون استبدادی پدر شاه فعلي و ابدان شهداء حریت آن خطه در قعر قبر به آرامگاه ابدی خود از اثر گلوله‌های آتشبار محمد علی هنوز مجروح و خون چکان و روح آنها متنفر و بیزار از انوجود منحوس بوده ومیباشد

نظر براینکه کلیهٔ ملل حیهٔ عالم درمواقع انقلاب خودرفتاری نموده اندکه برای سایر ملل شرقی سرمشق میباشد نظر براینکه ملت ایران درچندسال قبل پدراین جوان را بجرم خیانتش به مادر وطن از تخت سلطنت برای همیشه بزیر آورد نظر بر اینکه این سلسله سلاطین را باز هم مجال سلطنت ایران از طرف ملت داده شود بیم آن میرود بلکه یقین است که اولاد عزیز ما هر چند صباحی یکمرتبه بایستی قیام و انقلاب خونین و سرخ نموده تا یکی از این اولاد سلسله را از سریر سلطنت بزیر آورند و این مسئله انقلابات محتمل آتیه فی حد ذاته خود موجب انحطاط و پستی ملت خواهد شد و ملت مشرقی و هشیار ایران را از سیر تمدن عقب انداخته و برای انقلابات و کشمکش های داخلی وارد ساخته و بدین وسیله یکی از مهم ترین مقاصد اجانب یا بدخواهان وطن را تأمین میسازد.

نظر بر اینکه با مراجعه تاریخ گذشته و عصر حاضر خصوصاً دورهٔ مشروطیت عموماً خواهیم دید شخص آغا محمد خان که آنهم مربای دست نابغه عصر خود کریم خان زند بود و بعضی از سلسله بدست فرزندان ایران معدوم یا از سلطنت محروم گشته و آخرین آنها پدر این جوان بود که ما مردم او را معزول و اخراج از وطن نمودیم

نظر بر اینکه ریاست عالیهٔ هر ملتی کاملاً مربوط به ارادهٔ همان ملت و هیچ قانون و حدی بر وجه حقیقت بمیراث نمیتوان ضبط و اشغال نمود زیرا نتیجه اش همان معاملاتي است که با اجداد این جوان از طرف اجداد ما مردم معمول گردیده است

و نظر بر اینکه در حال حاضر ملت ایران به پیشوائی برادران آذربایجانی

خود رعایت کمال نزاکت و کلیهٔ ملایمت را تا این ساعت نموده و از طریق
نمایندگان خود که در مملکت مشروطه یگانه طریق رسمی برای یك ملتی
در اینگونه موارد محسوب میشود مدت ۲۷ روز است که انجام این
مشروع مقدس یعني قطع دست دودمان قجر را خواستار گردیده است
و نظر بر اینکه عقل و سابقهٔ عملی حکم صریح میدهد که هر گاه وکیلی
در مقام حفظ منافع موکل خود بر نیاید خود آن موکل بایستی
اولا آن وکیل را ممنوع از دخالت در آن امر ساخته و ثانیا شخصاً در
مقام حفظ و اخذ حق خود بر آید بالاخره نظر بر اینکه در موقع عزل
پدر این شاه لاقید و فرزند دلبند مغول مجلس شورای ملی ایران که
به دست همان پدر منحل شده بود تأسیس نشده بود و کلیهٔ ایالات و
ولایات ایران به برادران آذربایجانی خود وکالت در توکیل و وکالت تام
در عزل او از سلطنت داده اند و اهالی آذربایجان اصالتاً از طرف خود
و وکالتاً از طرف برادران دیگر اولا محمد علی میرزا را از سلطنت معزول
و فرزند نالایق را بسلطنت انتخاب و سلام نموده عضدالملك را به نیابت
سلطنت بر قرار داشته لهذا امروز که چهارشنبه ششم آبان ماه ۱۳۰٤
و روز اول زمامداری خود ملت است کمیسیون مختلط نهضت ملی
آذربایجان که در ظرف مدت ۲۷ روز از طرف عموم اهالی مبعوث ادارهٔ
امور این نهضت مقدس بوده و یگانه مأمور تسهیل وسائل و تمهید مقدمات
اجرای مراتب ملی شناخته شده است شروع به اقدامات عملی مینماید
مادهٔ اول ــ از این تاریخ برای در آغوش کشیدن شاهد مقصود مقدس ملی
خود روابط خود را با طهران قطع و مواد ذیل بهموطنان عزیز اعلام
داشته و لازم بتذکر نمیداند که هر فرد از افراد غیور آذربایجان که
قدرت ملیت خود را همیشه در تحت لوای نجابت و خونسردی و حفظ
قواعد کامل انضباطیه ظهور و بروز رسانیده اند از تقرب بهر گونه عملی
که مفهوم سوء تأثیر بوده باشد احتراز جویند و هر کسیکه جزئی تصور

لکه دار ساختن منظور مقدس را در متخیلهٔ خود بپروراند در زیر پنجهٔ قوی قهر ملت نابود خواهد گردید :

مادهٔ دوم - کلیهٔ ادارات ضبط و تحت نظر مستقیم کمیسیون نهضت ملی آذربایجان قرار خواهد گرفت

مادهٔ سوم - آذربایجان برای نیل بمقصود مقدس خود و تنکیل خائنین طهران قوای مکفی از جوانان فدائی ملی آذربایجان تسلیح و اعزام خواهد داشت
کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

پس از نشر این بیانیه بتمام نقاط ایران متحد المآل دیگری در هفتم آبان بتمام نقاط ایران بنمرات ذیل (۱) *مخابره نموده اند

(متحدالمآل)

عموم ایالات وولایات توسط رؤسای تلگرفخانه ها کمیسیونهای نهضت ملی وطبقات مختلفه و جرائد درطهران متحدین آذربایجان توسط اطلاعات

(۱-*)کاشان نمره ۱۹۵۵۸ عدد کلمات ۱۹۱۰ هشت کپیه - کرمان نمره ۱۹۵۶۵ عباسی نمره ۱۹۵۳۷ - یزد نمره ۱۹۵۶۹ - شیراز نمره ۱۹۵۶۶ - ناصری نمره ۱۹۵۲۳ - محمره نمره ۱۹۵۳۴ - بوشهر نمره ۱۹۵۴۷ - اصفهان نمره ۱۹۵۷۱ خرم آباد فیلی نمره ۱۹۵۱۹ - آمل نمره ۱۹۵۲۰ هشت کپیه - لاهیجان نمره ۱۹۵۲۱ - کرگانرود نمره ۱۹۵۲۲ هشت کپیه - خرم دره نمره ۱۹۵۲۳ هشت کپیه - ایوان کی نمره ۱۹۵۲۴ هشت کپیه - محلات نمره ۱۹۵۲۵ - دماوند نمره ۱۹۵۲۶ - سونقور نمره ۱۹۵۲۷ - خاف نمره ۱۹۵۲۸ - نهاوند نمره ۱۹۵۲۹ مشهد سر نمره ۱۹۵۳۰ - خوزستان نمره ۱۹۵۲۳ - بجنورد نمره ۱۹۵۲۳ - ملایر نمره ۱۹۵۳۳ - بار فروش نمره ۱۹۵۳۵ - بیرجند نمره ۱۹۵۳۶ - بندر عباس نمره ۱۹۵۳۷ - گون آباد نمره ۱۹۵۳۸ - درجز نمره ۱۹۵۳۹ - سنندج نمره ۱۹۵۴۰ - لطف آباد نمره ۱۹۵۴۱ - شیروان نمره ۱۹۴۲۸ - شاهرود نمره ۱۹۵۴۳ - قصر نمره ۱۹۵۴۴ - بیجار نمره ۱۹۵۴۵ - نیشابور نمره ۱۹۵۴۶ بوشهر نمره ۱۹۵۴۷ - دزداب نمره ۱۹۵۴۸ - اشرف نمره ۱۸۵۴۹ - سمنان نمره ۱۹۵۵۰ - ساری نمره ۱۹۵۵۱ - بروجرد نمره ۱۹۵۵۲ - قوچان نمره ۱۹۵۵۷ - پهلوی نمره ۱۹۵۵۷ - قم نمره ۱۹۵۶۰ - همدان نمره ۱۹۵۶۱ - استراباد نمره ۱۹۵۶۲ - عراق نمره ۱۹۵۶۳ - قزوین نمره ۱۹۵۶۷ - کرمانشاه نمره ۱۹۵۶۸ - مشهد نمره ۱۹۵۷۰ - رشت نمره ۱۹۵۷۲

جرائد و طبقات مختلفه و مجلس و ریاست وزراء هشت کپیهٔ ـ هموطنان ؟
ما بالاخره از وکلای شورای ملی ایران یعنی ازآن لاقیدان وتکاهل کارانی که مملکت بدبخت مارا بروز فلاکت حاضره نشانیده اند وبه تشبثات ناگفتنی خود را بصورت کعبهٔ امید افراد مملکت یعنی وکلای معظم و محترم دارالشورای ملی شیدالله ارکانه درآورده اند ناامید شدیم ـ فرزندان آذربایجان و برادران ایرانی ؟ مااز این حالت لاقیدی وبی تکلیفی مکدر گردیدیم این مردم که در پیشانیشان با خط جلی قضا وقدر نقش اضمحلال مرتسم است مارا خسته وازجان سیر کرده اند مابیزار ازهر عمل وفعلی که نام وقدم یك چنین مردمان خونسردی که با عجله مملکت را رو باضمحلال میکشانند گردیدیم برادران عزیزما آخرین شرط بلاغ خودرا بمرکز کرده ازمضامین آن و اعمال خود مسبوق ومستحضر داشتیم همان برادران عزیز تصدیق دارند که یك مردم علاقه مند بسعادت مملکت در مقابل یك چنین نهضت ملی چنین خاموشی و سکوت مطلقی را جائز نمیدانست بالاخره موقع آن رسید که دست قهر و غضب طبیعت از آستین ملت ایران سر بدر آورده و ازیك چنین عناصر لاقید بی وجدان گرفته آنها را کشان کشان بقعر پرتگاه مهیب ابدی پرتاب سازند !.
موقع است که تودهٔ ملت محجوب و مطیع ایران خائنین مملکت آن کسانیرا که سبب بدبختی ما شده اند به محاسبه دعوت نماید. !
هموطنان سکوت و بردباری درقبال چنین شئامت وبیداد کاری کافی است باید به دینان ثابت نمائیم که در ایران اراده ارادهٔ ما وامر امر ما است هر آنکس که تاکنون یارای مقاومتی ابراز داشته و خیال خام تخلف محض را از اوامر ملت ایران در متخیلهٔ ضعیف خود پرورانیده است خطا رفته وبلاشك بایستی درس عبرتی ازما فرا گیرد که احفاد ما درتاریخ نام بردار گردند
برادرن عزیز ما امروز کلیهٔ ادارات را اشغال و تصرف قطعی نمودیم ما

امروز جوانان غیور و نوباوگان با افتخار خود را بزیر سلاح دعوت کردیم ما امروز اردوگاه ملت اذربایجان را در خارج تبریز معین نمودیم ما امروز تمام افراد جوان و حساس که بزیر سلاح برده ایم نقطهٔ مقصود وخط حرکت و هدف آتش را با دست قوی خود طهران نشان دادیم.
طهران یعنی کانون فساد طهران یعنی مرکز نشر کلیهٔ رذالت و دنائتهای کلی یعنی همان پارلمان دروغی و همان افرادیکه غیر از ملعبه ساختن شئون ملي ما کار دیگري برای خود تهیه ننموده اند!
ما بصدای رسا فریاد حرکت را صادر نمودیم وکار آذربایجان را با صدور این فرمان ملی یکسره ساختیم حال ما دانیم و طهران ما دانیم ومرکز دسیسه و نیرنك ما دانیم و آلات لغو و رذل دشمنان
مادانیم ونمایندگان دروغی پارلمان ووجیه الملههای دروغی طهران وعناصر اجنبی پرست طهران برادران عزیز برشماست که فرزندان رشید یلان وگردان غیور ایرانید لازم وواجب است که برای خاتمه اوضاع غیرقابل تحمل و رهانیدن وطن عزیز ازگرداب ملالت ومذلت قد مردی ومردانگی علم کرده وتاسی ببرادران آذربایجانی خود نمائیدفوراً ادارات را ضبط و برادران خود را که دم ازوطن و وطن پرستی میزنند بطرف طهران رهسپار دارید که بکمك الهی و مساعدت برادران ایرانی موانع مرتفع و سعادت را در مقابل خود باشادمانی استقبال نمائیم ما خوش بخت وخوشوقتیم که برادران عزیز خودرا درمرکز درآغوش محبت خود کشیم خدا با ماست شماهم باما هستید دردنبال ما قدم بقدم گام بگام بیائید تالباس ننك وعارنپوشید عملیات واقدامات درخشان خود تان را بکلیه ایالات وولایات ایران وطهران وممالك خارجه اطلاع دهید وازعموم برادران انتظار داریم که اسامی اجتماعات ملي خود شان را یکسان تعیین نمائید یعنی همه جا ودر هرنقطه کمیسیون مختلط نهضت ملی آن محل امور انقلاب را اداره وافکارعمومی را هدایت نمائید کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان
در ذیل همین تلگراف بیانیهٔ سابق را بتمام نقاط ایران اعلام نمودند و

تصمیمات خود را بموقع اجرا گذاشتند اینك یك فقره راپرت تلگرافي رئیس عدلیه تبریز

(تلگراف)

از تبریز بطهران نمرهٔ قبض ۱۹٤۳٥ نمرهٔ تلگراف ۱۲٦
تاریخ اصل ٦ تاریخ وصول ۷ آبان ۱۳۰٤.

وزارت جلیله عدلیه کمیسیون نهضت ملی امروز دوائر دولتی را تحت نظر گرفته و دو نفر مامور کنترول عدلیه نموده است

نمرهٔ ۱۱٥۷ رئیس عدلیهٔ جهانشاهی

در اثر بیانیهٔ تلگرافی آذربایجان متحصنین باغ مدرسهٔ نظام بیانیهٔ ذیل را منتشر نمودند و مشغول تهیه های مخصوصی شدند.

(بیانیهٔ متحصنین آذربایجان)

(ملت برخیزید)

هان ملت طهران موقع عمل فرا رسید! مسامحه و لاقیدی مجلس کاسهٔ صبر و تحمل برادران ایالات و ولایات را لبریز کرده دیگر بیش ازاین نتوانستند بی قیدی مجلس و بی علاقه گی نمایندگان را بمصالح مملکت بخونسردی تلقي نمایند شما هم ساکنین طهران برخیزید که از قافلهٔ نهضت ملی عقب نمانید و راضی نشوید صفحات تاریخ قرن اخیر ایران اسم طهران را ازصورت قیام کنندگان آزادی ایران محو نمایند

برخیزیدکه برادران شما درایالات وولایات دامن همت برکمرزده مؤسسات پوسیدهٔ سلطنت قاجار را اشغال وخود مستقیماً برای سرنگون ساختن علم منحوس دودمان قجر قیام و اقدام کرده اند!

برخیزید و روح داریوش وسیروس را که در بالای سرشما ناظر این وضعیات رقت آور و منتظر عملیات استقلال خواهانه هستند خوشنود سازید! خون ایرانیت در شرائین اولاد خلف به غلیان آمده برادران شما برعلیه سلطنت آل قاجار و مسببین سیه روزگاری ملت قیام کرده اند!

برخیزید ای ساکنین طهران قبل از آنکه افواج فدائیان وطن بمرکز حرکت کرده شما را نیز در عداد حامیان جور وظلم سلطنت مورد حمله قرار دهند شما ای کرسی نشینان مجلس تصور نکنید که معاشرت باشما مردمان بي روح خون انسانیت را درابدان فرزندان صالح وطن منجمد نموده و فقط بحال تحصن باقي خواهد ماند ! نه چنین است که تصور کرده اید ! ما متحصنین برای نیل بمقاصد ملی بملاحظه حفظ احترام دولت تاکنون به عملیات تندي مبادرت نموده ایم ولی دراین موقع که برادران ایالات و ولایات شروع بعمل کرده مستقیماً برای حفظ حقوق ملی اقدام کرده اند بیش از این رعایت نزاکت را ننموده دوام تحصن و سکوت را خیانت به مملکت دانستهٔ راضی نخواهیم شد که در این نهضت ملی از برادران خود عقب مانده واماندگان کاروان فدائیان وطن معرفی بشویم ! اینك راپورتي را که اخیراً از آذربایجان رسیده و حاکی از مبادرت ملت به تشکیلات قشون ملی داو طلب و قطع رابطه بامرکز میباشد برای اطلاع برادران طهرانی درج و آنها را متذکر میسازیم که هرگاه بیش از این درحال سکوت وبحال انتظار اقدامات مجلس بمانند مورد قهر وغضب سایر برادران خود واقع شده و بانها نیز با نظر بیگانه و حامیان اجانب نگاه خواهند کرد برخیزید که موقع کار است ! برخیزید که موقع انتقام است هیئت متحدین آذربایجان و متحصنین

(علل موجبهٔ حکم اول مرکز انقلابی طهران)

دو فقره حکم کمیتهٔ انقلاب و نهضت را از نظر گذراندیم لازم است در علل موجدهٔ آن نیز مداقه نمائیم آیا علت حکم اول و توقیف وکلای آذربایجان چه بوده است ؟

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجانیان طهران این اندازه بی مطالعه نبوده که نسنجیده بیك چنین کاری اقدام و وکیل مصون از تعرض را توقیف

و یا دسته گلی به آب بدهند!؟
وقتیکه علل حوادث جاریه را غور رسی مینمائیم موجبات این اقدام را میتوانیم از یك اجازهٔ صریح و یا ضمنی تلگرافات خارج مرکز استنباط نمائیم.

(تلگراف بندر پهلوی یا صدور اجازه)

بطهران نمره ۱۹ و نمره قبض ۲۷۲۵

کمیسیون مختلط نهضت ملی کپیه آقای کی استوان تلگراف نمره ۹ کمیسیون زیارت پهلویان امال خود ضمن تلگراف مشروح عرض عقیده ندارند که آقای کی استوان با تقاضای مشروع ملت مخالفت کند چنانچه مخالفت ابراز کند کمیسیون محترم با اختیارات تامه حق توقیف معزی‌الیه را دارد

کمیسیون مختلط نهضت ملی پهلوی

از ملاحظه این تلگراف. معلوم میگردد که قبلاً مذاکرات مخصوصی بین کمیسیون مختلط نهضت ملی طهران و سایر شعبات و کمیسیون های فرعی اذربایجان جریان داشته و در شعبات فرعیه بدون مراجعه واجازه مرکز انقلاب (یعنی تبریز) یك چنین تصمیمی اتخاذ شده بود که اگر وکلای مجلس شورا در مقابل منویات ومستدعیات ملت لاقیدی و خون سردی نشان دهند ملت آنها را توقیف نماید
بطوریکه این قضیه از تلگراف رشت بطهران نیز معلوم میگردد

(تلگراف رشت بطهران)

نمره قبض ۲۱۵۸ نمره تلگراف ۲۰۰

آقایان نمایندگان از طرف گیلانیان کپیه کمیسیون نهضت ملی اذربایجانیان مقیم طهران در تعقیب تقاضای الغاء سلطنت وتاسیس مجلس مؤسسان از طرف عموم ایالات و ولایات که گیلانی هم شرکت نموده در انتظار نتیجه از مجلس تا امروز گذرانده از اقدامات مجلس و خودشان مادامیکه مورد سوء ظن نشوید بفوریت ما را مستحضر دارید والا به گیلانیان

مقیم طهران دستور دیگری از طرف عموم داده میشود

کمیسیون نهضت ملی گیلان

این دستور در روی تعاطی و تبادل افکار که بین انقلابیون جریان داشته جز این نبوده که در صورت مخالفت وکلای مجلس شورای ملی اهالی مرکز نشین هر ایالت و ولایت وکلای خود را توقیف نمایند بطوریکه از تلگراف بندر پهلوی بطهران این نکته معلوم گردید که علت توقیف وکلای مجلس شورا در روی یك چنین مقدمه بوده ولی تبریز را از این جریانات سابقه نداده بودند که پس از اعلان توقیف و راپورت روزانه شهر تبریز پروتست و وکلا مستخلص شدند

(خبر تازه)

حوادث پشت سرهم میگذرد و هر دقیقه در تمامیت ایران اتفاقات تازه تری رخ میدهد قبل از اینکه بحوادث دیگر بپردازیم خبر تازهٔ پس از تلگراف تبریز بطهران و اخبار از اشغال دوائر دولتی بدست ما آمده که اینك آن را نقل مینمائیم

این خبر تازه که میخواهیم شما را از چگونگی آن مستحضر نمائیم از نقطهٔ نظر صرفه جوئی ملت خیلی مهم است .

اگر تا کنون در اظهارات ملت کم و زیادی در تلگرافات ملاحظه میشد و یا در اخبار و استنجار تأخیری میرفت پس از اشغال دوائر دولتی این مانع برطرف گردیده و تلگرافخانه تبریز نیز یکی از آن دوائری است که بحکم اجبار اشغال شده است بنا بر این از حالا باید مصمم بشویم که مطالب تازه و تلگرافات با عرض و طولی را قرائت نمائیم

آری تلگرافخانه نیز اشغال شد و مخابرات بلا مانع در جریان است و من بعد در تلگرافات از نمره و تاریخ نام ونشانی نیست و انقلابیون آذربایجان میل دارند با تمام نقاط مخابرات حضوری نمایند اینك نمایندگان نهضت

ملّی را برای مخابره حضوری بتلگرافخانه خواسته اند .

(مخابرات حضوری)

از تبریز بطهران توسط رؤسای تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های مختلط نهضت ملی و طبقات مختلفه و جرائد و در طهران بتوسط اطلاعات بتمام جرائد و کپیه هشت عدد

آقایان محترم حاضرین تلگرافخانهٔ طهران ما حاضرین تلگرافخانهٔ تبریز بنام فرزندان آذربایجان و تودهٔ ملت ایران حقیقتاً شرمناکیم از این که برای مرتبهٔ صدم یا هزارم یك مطلبی را تکرار نمائیم ما نمیدانیم طهران در چه حال است؟

ما نمیدانم اثر سم قتال یکصد و بیست نفر نمایندکان دروغی شورای طهران تا چه حد و تا چه اندازه در وجود ساکنین محترم آن مرکز ایران مؤثر واقع شده ؟ واقعاً حزن آور است این وضعیتی را که در قبال تقاضای یك ملتی نمایندکان آن بخود گرفته است ؟!

آقایان شماها که میخواهید دعوی نمائید خون گرم نیاکان خودرا درعروق و شرائین خود بمیراث دارید شماها که میخواهید بما نشان دهید اهل آذربایجانید پس پاس وانتقام بکجا رفته ؟ وچه شده ؟ آقایان حضوراً پریروز بشما گفتم وچند روز قبل تلگرافاً اخطار نمودیم که طرف مجلس پیش روید وآن کاخ محافظ کاری ولاقیدی را درهم فرو ریزید یاجواب مطلوب ملت را تحصیل نمائید آخر چه کردید ؟ وچه شد؟ آقایان ما برای آخر دفعه بشما میگوئیم که اگر شما یك ساعت دیگر یا آخر امشب صورت قطعی وجدی برای خودتان در قبال مجلس لا قید دروغی اتخاذ نکنید ما دانیم و شما و دیگر نبایستی ازما انتظار وتوقع داشته باشید ماميدانيم که مجلس طهران بکار خود مشغول و بایك قیافهٔ غیر جدی و مضحکی لب خند تمسخر و استهزا بما میزنند ماميدانيم که این عناصر رذل پلید در متخیلهٔ فاسد و

پوسیدهٔ خود چه افکار منحوس می پرورانند؟ ما میدانیم که این وکلای دروغي را غیراز بوي خون چیز دیگري تهییج نخواهد نمود ما باآنها کاری نداریم و بزودی سطح آن مجلس خائن را ازخون آن نمایندگان لاقید گلگون میسازیم ولی روی سخن ما باشما برادران عزیز و غیور خودمان است که هرچه درقوه دارید مضایقه نکنید و ترجمان احساسات پاك و مقدس ما آذربایجانیان نسبت به برادران طهرانی واقع گردید عجالة منتظر وصول اطلاعات شما هستیم

راجع به مجلس ووضعیات عمومی این تکلیف خودمان است که فردا خبرش بشما خواهدرسید!.

(غدغن اکید)

بطوریکه از مستندات گذشته بدست آوردیم ادارات دولتی را انقلابیون تصرف نموده و جوانان خود را دارند بزیر سلاح دعوت می نمایند ودر پایان این تصمیمات وکلای مجلس را غدغن اکید نمودند که دیگر بمجلس نرفته و از جریانات کناره گیرند اینك تلگرافی که این مسئله را اثبات می نماید.

(تلگراف نمرهٔ ۵۷۸ تبریز بطهران)

کمیته در ایالات وولایات و کمیسیونهای نهضت ملی و کلیهٔ احزاب وطبقات مختلفه وجرائد کمیته درطهران توسط اطلاعات عموم جرائد وطبقات مختلفه و توسط مجمع متحدین آذربایجانی کلیهٔ آذربایجانیان وساکنین طهران وکلای آذربایجان همکاران شما در طهران باناظر لاقیدی بمخابرات ما نگاه کرده و میکنند شما هم از قرار معلوم تحت تأثیر فساد محیط واقع شده وهمرنك آنان گشته‌اید !؟ زیرا یك نفر از شماهم یك قدمي بروفق مرام ومطابق آمال ما برنداشته ما موکلین شما قطع رابطه بامرکز سلطان نشین نموده ایم بشما اخطار میکنیم که دیگر بمجلس نروید واگر یکنفر از شما در مجلس

حضور بهمرساند موقعیت او در آذربایجان بسیار خطرناك و تاریك خواهد شد!.
کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(اجازهٔ ضمنی یابی تقصیری طهران)

از مراجعهٔ این تلگراف معلوم میگردد که انقلابیون و یا متحصنین مدرسهٔ نظام از غدغن مزبور اجازه ضمنی استنباط کرده بودند که اگر وکیلی از مدلول غدغن اکیدفوق تخلف نموده و مطابق دستور مرکز انقلاب بامستدعیات ملت روی موافقت نشان ندهد و نسبت به آمال ملی اظهار تمایل نماید و باز بدون اخذ نتیجه در مجلس حضور بهمرساند لا محاله باید او را توقیف کرد!
(چونکه صد آمد نودهم پیش ما است) اگر کسی را از یك اقدامی شفاهاً ممنوع بدارند و باز از راه لجاجت و بی اعتنائی مقصد خود را تعقیب نماید بایستی عملا از او جلو گیری نمود و در این مورد با غدغن صریح ملت و تعقیب وکلا از مقصد خود جرم و تقصیر بشمار رفته و لا اقل بایستی آنها را توقیف نمود و بهمین ملاحظه برای حفظ احترامات اوامر مرکز انقلاب وکلای آذربایجان را توقیف نمودند غافل از اینکه این نقض و ابرام تبریز مبنی بیك ملاحظات مخصوصی است و اسرار انقلاب را نمیشود فاش نموده و مکنونات را بچشم همه کشید و یا بگوش ها سرود خواند ـ (از شیر حمله خوش بود و از غزال رم)
فعلا بهمین اندازه از حوادث آذربایجان اکتفا نموده و بنقاط دیگر می پردازیم و از جریانات ولایات و ایالات نیز تحصیل اطلاع نموده و از مقاصد آنان با خبر بوده باشیم

(ایالات و ولایات)

در آنساعتیکه بین تبریز و طهران در خصوص استخلاص وکلا مخابرات در جریان بود نقاط دیگر نیز منویات دیگری داشته و مستدعیات مخصوصی

از مرکز داشتند و رشته های انقلاب را بیکدیگر وصل نموده و مرام و منویات آنان از نمونه‌های تلگرافی آنها که بدست ما رسیده و از نظر شما خواهد گذشت معلوم میگردد

(زمزمهٔ قطع روابط)

حادثهٔ که بین انقلابیون مرکز و یکدسته از وکلای مجلس شورای ملّی اتفاق افتاد پیش آمد خصوصی و یا تعارفات محرمانهٔ بود که بحمدالله زود رفع شد و اصل ۱۲ قانون اساسی (اصل دوازدهم ـ بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود اگر احیاناً از یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی بشود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست در بارهٔ او باستحصار مجلس باشد) با دست انقلابیون نقض نشد و بر انقلاب به مصونیت وکلا بر نخورد و الا نزدیك بود که این حادثه وکلا را عصبانی و به انقلابیون پروتست و با اعتراض شدید نمایند و ملت را با نقض قانون اساسی مقصر و مسئول بدانند !.

حالا وکلا واقعاً از این پیش آمد عصبانی شده بودند یا نه ؟ خود یك داستان دیگری است ولی جسته جسته زمزمهٔ مخصوصی داشتند و بیك ملتی که قدم بعرصهٔ انقلاب گذاشته و با اساس سلطنت یك سلسله در مبارزه است راجع بتوقیف خود اعتراضات محرمانه مینمودند !. وخیال میکردند که از طرف ملت به آنها توهین شده است !.

و یا انقلابیون باین اظهارات خفیه وقعي گذاشتند یا نه ؟ خود نیز مسئلهٔ دیگری است اگر امر مافوق نرسیده بود که توقیف شده گان را آزاد نمایند حساب ها میرفت پاك گردد و حسرت وکالت در دلها بماند و یا با صاحب دلان بگور برود !.

این مسئله روی هم رفته چندان اهمیتی نداشت ودر زمینهٔ انقلاب بسی عادی بود .

زمزمهٔ دیگری که فوق العاده مدهش و برای مملکت بسی گران تمام میشد و اگر مجال بروز و ظهور داده شد بود میرفت خطرات بسی سنگین را متوجه مملکت نماید عبارت از ترانه قطع روابط عمومی بود!.

گرچه این مسئله درآذربایجان اتفاق افتاده بود ولی نسبت بتمامیت ایران دارای اهمیت نبود و اگر بنقاط دیگر سرایت مینمود مفسده های دیگری را در بر داشت که در تار وپود سیاست ایران تاثیرات مخوف و مدهشی را می بخشید!.

از ملاحظهٔ چند نسخه تلگراف برسم نمونه معلوم میگردد که عقاید و افکار ملت منقلب ایران در روی چه پایه گذاشته شده؟ وچه اندازه بحکومت مرکزی که در راس آن اسم سلطنت قاجاریه برده میشد ظنین و بدبین بودند؟ ودر عین این حال رضا خان پهلوی را دوست میداشتند وبا اذعان و اعتراف باحترامات معظم له بقدری نسبت بسلطنت قاجاریه عصبانی بودند که از پهلوی نیز میرفتند چشم پوشیده وباروح دیگری ساعات انقلاب را بگذرانند

(تلگراف از ملایر بمشهد)

نمره قبض ۹۸۲ نمره تلگراف ۹ عدد کلمات

۱۷۸ تاریخ اصل ۶ تاریخ وصول ۶

چهار کمیته جرائد تجار احزاب اصناف بوسیلهٔ تلگرافخانه ها بعموم ایالات وولایات و عامهٔ طبقات و احزاب سیاسی و جرائدملی در اینموقع که ملت پیشقدم آذربایجان وارد در مرحلهٔ جدیدی شده و بوسیلهٔ تلگرافات و متحد المال های تشدد آمیز بنام نهضت ملی قیام و خلع سلطانْ قاجار را از مجلس مقدس خواستار و در صورت تسامح و خون سردی نمایندکان کنونی ملت قطع روابط را با مرکز اعلام داشته اهالی ملایر هم بنوبهٔ خود با برادران آذربایجانی که همواره در مراحل آزادی

پیشوا و پیشقدم سایر ایالات و ولایات ایران بوده اند هم نوا و هم صدا گردیده وآمال و آرزوی دیرینهٔ خود را از کعبهٔ آمال ملت خواستار وبرادران دور و نزدیك خود را بکمك و مساعدت میطلبیم که با ما همصدا شده و با تمام قوا برای نیل باین مقصود مقدس کوشیده وهمانطوریکه ملت آذربایجان قطع روابط را با مرکز نموده اند سایر برادران ایرانی هم روابط خود را مقطوع تا شاهد مقصود را در آغوش گیرند

کمیسیون مختلط نهضت ملی

(تلگراف کرمانشاه بطهران)

نمره ۱۰۳۹۶ نمره تلگراف ۷ عدد کلمات ۱۶۱

تاریخ اصل ۶ تاریخ وصول ۶ ابان

توسط نمایندکان کرمانشاه مجلس شورا کپیه جرائد مرکزی کپیه آذربایجان کرمان اصفهان خراسان کردستان شیراز رشت ـ اثبات خیانت وعدم لیاقت احمد میرزا قلوب عموم اهالی ایران را با هیجان شدید به این مقام آورده که دیکر از مداهنه صرف نظر و انفصال قطعی اورا تصمیم گرفته و بهیچ تعبیر قابل دوام و بقا نمیداند در این وحله برادران محترم آذربایجانی و برادران عزیز سایر شهرها تلگرافاتی نموده و وظیفهٔ وجدانی و نمایندگی ذوات محترمه را که نتیجهٔ حقیقی آمال ملي عموم اهالي مبتلای ایران است جداً تقاضا نموده و تلواً ضرر تاخیر و مسامحه در اقدامات را نیز صریحاً اخطار کرده اند این است که مردم کرمانشاه نیز در نوبت خود آخرین اتمام حجت را با نمایندکان محترم مینمایند و هرگاه تاخیر وتانی مشاهده نمایند روابط خود را با مجلس مقطوع ومانند سایر برادران وطن نهضت ملی را با قدم های بلند باخرین وظیفه وجدانی خواهند رساند کمیسیون نهضت ملی

(تلگراف از کرمانشاه)

نمرهٔ قبض ۱۰۶۵۷ نمرهٔ تلگراف ۱۲۱ عدد کلمات
۲۵۸ تاریخ اصل ۸ آبان

توسط رؤساي تلگرافخانهٔ مرکزی و ولایات مجلس شورای ملی کمیته ریاست عالیهٔ کل قوا کمیته کمیسیون های نهضت ملی کمیته ایران کمیته شفق کمیته محشر کمیته گلشن کمیته میهن کمیته طوفان کمیته اتحاد چون تا کنون از طرف وکلای پارلمان جواب مساعد عملی بتقاضای موکلین خود داده نشد و بسلطنت دودمان قاجاریه و بر باد دهندگان شرافت و استقلال ایران خاتمه نداده و وظیفهٔ خود را بکلی فراموش و افکار عمومی را فدای دربار سیاه قاجاریه نموده اند هذا ما از این تاریخ آنان را وکلای حقیقی ملت ندانسته کلیه روابط را با آنها مقطوع و با سرپنجهٔ قوی قدرت ملی گریبان احمد میرزای قجر را گرفته و از جایگاه سرویس و سلاطین شرافتمند باستاني دور نموده کیفر اعمال مخالفین افکار عمومی را بابازوی اقتدار جوانان فداکار غیور ملت داده و حاکمیت ملت را مدلل خواهیم نمود علی اعظمی ـ زنگینه ـ اسحق ـ دولت شاهی ـ محمد مهدی ـ صالح ـ هدایت الله ـ عبدالله حاج زاده ـ علی پناه ـ کرم ـ محمدی ـ دولت شاهی عبدالله ـ وزیری ـ ابوالحسن ـ زنگینه ـ غلامرضا ـ زنگینه ـ حسن مدنی ـ دبیر اعظم ـ اسد الله ـ قزوني ـ حاج زاده مهدی ـ وزیری محمد حسین ـ مرتضی قلی خان ـ خیاط ـ علی اصغر ـ حاجی زاده ـ حسین علی زنگینه ـ جعفر موسوي ـ غلامعلی ـ سلیمان زنگینه ـ اعظمی ـ سیف الله حاجی زاده عظیم ـ زین العابدین ـ غلامعلی ـ فتح الله ـ نعمت الله ـ حسین علی ـ فتح الله ـ قزوني ـ امین الله ـ زنگینه ـ زین العابدین ـ علی اشرف ـ حسین ـ سلیمان آقا ـ حسین ـ حبیب الله حاجي زاده علی مراد ـ محمد لطیف ـ علی محمد ـ نبي فرج الله ـ محمد اکبر زنگینه ـ

فتح الله ـ حاجی زاده امین الله نعمت الله ـ تقی زاده ـ خانه خراب محمد باقر ـ حسن خادم ـ حسین معینی ـ علی ابن قاسم ـ غلامرضا زنگینه فرج الله زنگینه ـ سیف الله ـ حاجی آقا محمد

(تلگراف از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۷۱۲ نمرهٔ تلگراف ۲۹ عدد کلمات
۲۵۶ تاریخ اصل ۸ آبان

هیئت محترم متحدین آذربایجان کپیه ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کپیه مقام منیع ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته کپیه کلیه احزاب سیاسی وطنخواهان کپیه ایران کپیه وطن کپیه ستارهٔ ایران کپیه خلاج تلگراف آن هیئت محترم راجع بعزل شاه و ولیعهد زیارت و این مرام مقدس ونیت خیرآن برادران عزیز را تقدیس وتکریم می نمائیم این کمیته نیز سابقاً در این نیت مقدس شرکت خود را اعلام وتلگرافاً کمیته محترم نهضت ملی آذربایجان را وکیل مطلق و اختیار تام داده است که در پافشاری و تعقیب این مرام شروع بذل همه قسم جدیت نموده وهر قسم مقتضی است اقدام نمایند ازطرف خود هیئت نیز بساحت مقدس دارالشورای ملی و مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا و جرائد مرکزی تلگرافاً مرام خودرا عرض داشته و انفصال این شجره منحوسه را از کرسی سلطنت خواستار شده است اینك کلیه ما درمساجد شهر اجتماع نموده و دست ازکسب وکار خود برداشته بانهایت جدیت درتعقیب این نیت مقدس ایستاده ایم و باهر گونه رادع ومانعی مصادف شویم باك نداشته وتا بمقصود خود نائل نشویم دست بردار نخواهیم بود چنانچه تادو روز دیگر از طرف مجلس ملی جواب مساعدی نرسیده و عزل شاه و ولیعهد اعلان نشود بکلی قطع علاقه باطهران ووکلای بی عاطفه پارلمانی نموده واقدامات دیگری خواهیم نمود

کمیتهٔ نهضت ملی ایران

(از رامهرمز بطهران)

نمرهٔ قبض ۷۴۰ نمرهٔ تلگراف ۲ عدد کلمات

تاریخ وصول ۶ تاریخ وصول ۸

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست وزراء عظام کپیه هیئت نهضت ملی آذربایجانیان کپیه جراید کپیه هیئت نهضت ملی ایالات و ولایات کپیه کمیسیون مختلط طهران

چندی است هیجان عمومی در میان ملت راجع بخلع احمد شاه بریاست این مسئله افکار عامه را بخود جلب نموده و از هر گوشه و کنار فریاد های هم آوازی درموضوع عزل شاه بوسیلهٔ مخابرات به پیشگاه مجلس مقدس رسانیده ولی هنوز از طرف آن نمایندگان هیچ گونه احساساتی ابراز نشده وهمین طور چهل کرور نفوس ایران را بحالت انتظار ونگرانی باقی گذاشته غافل از اینکه هرگاه تسامح خود را زیاده براین ادامه دهند ملت آخرین اقدامات خود را که ممکن است نتائج سوئی هم برای آقایان نمایندگان تولید نماید انجام خواهد داد زیرا که سیزده سال است این عناصر نالایق بر اریکهٔ سلطنت جلوس نموده علاوه براینکه کوچکترین قدمی درراه پیشرفت واستقلال امنیت و آسایش ملت برنداشته بلکه ذرّهٔ بروز علاقه نسبت باین آب وخاك نشان نداده درطی زمامداری خود مملکت را بواسطهٔ هوسرانی و عیاشی بسیر قهقرائی برده و در نتیجهٔ عدم توجهات او ملوك الطوایف و هرج ومرج باندازهٔ امتداد یافت که روح مملکت را پژمرده و منقلب ساخت زمامداری و شاهنشاهی او برای این مملکت بحکم امتحانات ده‌سالهٔ او سمّی است قاتل بقسمیکه ممکن است ادامهٔ سلطنتش بار دیگر روزگار بدبختی ایران را تجدید نماید شما ای وکلای ملت و آقایانیکه مقدرات چهل کرور نفوس را عهده دار هستید بایست دراین موقع که بهترین موقع مملکت است

بروز حس وشهامت داده راضی نشوید که یکبار دیگر این مملکت شش‌هزار ساله ملعبهٔ هوس رانی یك جوان عیاش گردد. امروز که روح ایرانیت بهیجان آمده وخون گرم فرزندان داریوش بجوش و خروش بااحساسات وعواطف پاك نهضت و شورش ملی درکلیهٔ مملکت عرض اندام شده اسکات و اطفاء نمیشود مگر بعزل شاه ما هیئت نهضت ملی خوزستان با تکیه بقوّه و قدرت احزاب مسلکی خود جداً درخواست وتقاضا مینمائیم که بدون اهمال وسست انکاری باقید فوریت گریبان مملکت را ازچنگال این عنصر مرّیخی که آخرین نمونهٔ سلسلهٔ خیانتکار دو دمان قاجار است نجات داده نام بزرگی ازخود درصفحات تاریخ عالم باقی گذارید درخاتمه کمیسیون نهضت های ملی خوزستان بااطمینان بفعالیت و جدیت کمیسیون مختلط طهران انتظار دارد که هرگاه نمایندگان پارلمانی خوزستان در اجرای وظائف ملی که اقبال بمقصد و مستدعیات کنونی عموم ملت است تغافل و قصوری نمایند بدون هیچگونه ملاحظه آنهارا بقید توقیف در درآورند مزید برامیدواری خواهد بود

کمیسیون نهضت ملی رامهرمز و توابع

(از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۸۲۹ نمرهٔ تلگراف ۳۳ عدد کلمات ۷۴

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ ـ ۷

وسط رؤسای تلگرافخانه کمیسیون های مختلط نهضت ملی طهران آذربایجان چند یوم است که ما عموم طبقات اهالی و عشایر در تلگرافخانهٔ دولتی متحصن و تا نیل بمقصود یعنی خلع سلطنت قاجاریه نشود دست بر نخواهیم داشت و ما عموم اهالی خوزستان از نه ماه قبل وکلای مصنوعی خود را از وکالت دارالشورای ملی لغو نموده هیچیك را برسمیت و وکالت نمیشناسیم

کمیته مختلط نهضت ملی

(از رامهرمز به طهران)

نمرهٔ قبض ۷۴۱ نمرهٔ تلگراف ۳ عدد کلمات ۵۵۸ تاریخ اصل ۶
تاریخ وصول ۸ ـ ۷

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه کمیسیون نهضت ملی آذربایجان کپیه کمیسیون نهضت مختلط کپیه عموم جرائد کپیه ریاست عالیه کل قوا کپیه تلگرافخانه های ایالات و ولایات کپیه احزاب مختلفهٔ ایالات و ولایات از آنجائیکه بفرموده فیلسوف دانشمند (بنی آدم اعضای یکدیگرند) و بدیهی است که چون عضوی را دردی وارد آید تمام ارکان وجود متزلزل خواهد شد لذا ما اهالی رامهرمز بمجرد اینکه تلگراف حزب نهضت ملی برادران آذربایجانی که رأس اعضای وطن ما هستند دیده و دانستیم که بر آن بزرگترین عضو محترم المی وارد شده چنان در قلوب ما اهالي این حدود تأثیر نمود که یکباره دست از کار کشیده و حرارت اخوت خون را در عروق صغیر و کبیر نوعي بدوران آورد که از فرائض مهمهٔ خود دانسته بفوریت تشکیل حزب نهضت ملی را داده و متمنی چنانند از آن مقامات رفیعه که این حزب را شعبهٔ از شعبات آن نهضت کبرای مقدس برادران آذربایجانی شناخته والبته آن پیشقدمان غیور فریاد هم-آوازی ما را در فضای خود بانهایت خون گرمی و همه نوع فداکاری خواهند شنید و بیانات مهمه که تمام طبقات ایرانی نژاد مقصود ما را بخوبی بفهمند میگوئیم احمد شاه باچه مدرکی هنوز دست از جان ومال عرض وناموس ما بر نمیدارد؟ این عزیز بی جهة بااین تنفر های امروزه هنوز تصور میکند چهل کرور نفوس غیور ایران زرخرید و مملوك پدر او بوده اند و برسم میراث امروزهم مالك است؟ در بیعلمی وبی لیاقتی این جوان خام همین بس که مقتضیات وقت را نشناخته در صورتیکه امروزه علم سر تاسر عالم را فرا گرفته حتی کوهستانی ها و بادیه نشینان مملکت این معنی را پی برده که رعیت گوسفند نیست بلکه ازجنس بشروصاحب

ادراك و اراده است عجبا کلام بجائی رسیده که هر ذی حیی را عصبانی وازحال طبیعی خارج خواهد نمود مسئله بدرجهٔ خشم انگیز وازحیثی رقت آور است که ما نمیدانیم بچه زبان مقصد را بیان کنیم ؟ ای کسانیکه مصدر امورات دولت وملت را عهده دارید وای عموم توده ایرانی نژاد بلکه ای تمام افراد ملل عالم آیا کسی بااین جوان نالایق نگفت ونمیداند که پس ازاین چهل کرور نفوس حساس که یك قسمت عمدهٔ آنها اشخاصی هستند که من جمیع جهات هزارها درجه ازایشان در کفایت وزمامداری برتر چگونه اورا بشاهنشاهی وفعال مایشائی خواهند پذیرفت ؟

گویا تصور میکند این ملت فراموش کرده اند عملیات اجداد و خیانات پدر او را نسبت به این ملك و ملت و با وصفیکه هنوز رنك گلگونی جوانان غیور ما که بجرم آزادی خواهی هدف گلولهٔ توپ شدند در اطراف عمارت بهارستان نقش آنان حق بسته در خاتمه روی سخن ما به یگانه قائد ناجی این آب و خاك آقای پهلوی و عموم نمایندگان مجلس مقدس شورای ملی است که هرگاه صلاح خودتانرا در ادامهٔ سلطنت احمد شاه بدانید ما عموم ملت ایران صلاح خود را برسمیت شناختن شما نمیدانیم و با نهایت جدیت بدون هیچ ملاحظه بوظایف ملیت خود عمل خواهیم کرد و مسئله یدالله مع الجماعه را اگر از لوح خاطر محو کرده اید مجدداً بعرصهٔ شهود خواهیم آورد عموم اهالی رامهرمز

این بود اجمالی از منویات عمومی و زمزمه هائیکه در سرتاسر ایران جریان داشت وساکنین هر نقطه ترانهٔ قطع رابطه بامرکز را میسرودند بدیهی است قطع رابطه مقدمهٔ خواهد بود از منویات ومکنونات دیگر!

آیابعد ازاین چه خواهند کرد ؟

درنظر متفکرین و آشنایان باحوال روحی ملل نتیجه معلوم است!:

اوضاع بکلی درهم ومنقلب رشته های سیاست پاره از طرف دیگر موقعیت وکلای مجلس شورا نیز در مخاطره است

جلوگیری نمودن از وکیل که بمجلس نرود و یا امر باینکه ملت رو به مجلس شورا رفته و بقول انقلابیون (آن کاخ فساد و لانهٔ شیطنت) را درهم بریزند ووکلارا دستگیر وحبس کنند از مطالب وامور عادی نیست ادنی تأثیری که این احساسات واوامر از خود بیادگار گذاشت در پروگرام سیاست لاقیدانهٔ وکلا بود!.

کم کم قدرت ملی درادهان بعضی ازوکلا منفذی باز کرد وبنای تاثیر گذاشت و بخیال افتادند که عطف توجهی بمستدعیات ملت بنمایند!

روز پنجشنبه هفتم آبان یکساعت و نیم بغروب مانده تصمیم مخصوصی برای دو مقصد در مجلس شورای ملی گرفته شد

اول جلوگیری ازبسط دامنهٔ انقلاب و ایجاد امنیت

دوم توجه بمستدعیات ملّت وغور رسی درحقیقت منویات ملی

وجلسه رسمی برای شب هشتم ازطرف رئیس مجلس اعلان گردید

(تحقیقات لازمه دراطراف اتهامات وکلا)

لازم میدانیم برای تحقیق نسبت های اتهام آمیزیکه تاکنون ملت بوکلای خود داده قدری دقیق شده و گذارشات مجلس را باتمام جزئیات ازنظر بگذرانیم.

(تشتت آراء)

دورهٔ پنجم مجلس شورای ملی رویهم رفته بسی قابل مطالعه و درروی احوال مخصوصی گذرانیده که در ایران سابقه نداشت دسته بندی های مخصوص و فراکسیون های عجیب و غریب از اقلیت واکثریت و بیطرف و اسامی مخصوص که روی هم رفته حکایت از جزر ومد وتزلزل افکار می نمود خصوصیاتی را دربرداشت که عموماً این نکته‌را اثبات می نماید که تاکنون از روی یك معنویتی مقصدی را طرح و تعقیب ننموده وهرچه بوده در محور شخصیات جریان داشته چه‌اکه هرچند نفری چند روزی فراکسیون

مخصوصی را تشکیل میدادند ولی عقاید آنها چندان دوام وثباتی نداشت و دامنهٔ فراکسیون ها بقدری وسیع شده بود که دونفر وکیل نیز فراکسیون مخصوصی تشکیل میدادند وغالباقسمت مهم مباحث درتعیین هیئت رئیسه و اعضاء عامله جریان می یافت .

احوال مخصوصی در پارلمان مشاهده میشد- صف آرائی وکلا و کتك کاری وضرب وشتم عموماً از دائرهٔ شخصیات بمعنویات تجاوز نمیکرد غالباً در این قسمت از جریانات دهن ها مانند دریا کف کرده و امواج وار وکلای مهاجم ومدافع روی هم میریختند وپس از زدوخورد دوباره هرکس جای خودرا می گرفت و مقاصد شخصی خود را تعقیب می نمود

همین جریانات باعث شد که میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن الملك) و پس از انتخاب وکسب موفقیت استعفا داد ودوباره مجلس دوچار بحران گردید

(علت استعفا)

این طور بیان می نمودند که رئیس باتفاق آراء انتخاب نشده واکثریت نسبی را باعث توهین بمقام ریاست مجلس تصور نموده واستعفا داده وجمع دیگر نیز عقیده داشتند که رئیس مجلس شخص دیپلمات است وقت وموقع را خطرناك دیده اکثریت نسبی ویا اتفاق را بهانه نموده واز بازی کنار رفته است!

هرچه بود رئیس مجلس استعفا داد و دفعهٔ دیگر فراکسیونها مشغول سنگر بندی و صف آرائی گردیدند و جنك و جدال ازنو شروع شد این دفعه هم اکثریت نسبی نصیب میرزا حسن خان مستوفی (مستوفی الممالك) گردید آنهم بهمان علل مشهوده و یا مرموزه دنبالهٔ منتخب اول را گرفته و از قبول ریاست امتناع و یا استنکاف ورزید

(تنبه مهم)

مجلس اوقات خود را مصروف این قبیل مباحثات و مناقشات نموده

و ساعات پر قیمت و ایام رسمی خود را بدین منوال میگذرانند !
نه طرحی ! نه مطلبی ! نه فکری ! نه مسؤلیتی !
آنچه که در محیط پارلمان نبود مسائل قانون و حقوق بود و بالجمله هیچیك از مبانی و مسائلی که بالضروره بشر را در برابر خود مقید باجرای یك اصل و یا تعهد و پای بند بیك شرطی مینماید در پارلمان مشهود نبود !
آوه ! همه سرگرم خیالات شخصی و جار و جنجال خصوصی ناکاه یك تنبه وتذکر مهم انظاررا خیره وتوجهات وکلا را بقدر چند دقیقه جلب نمود و یك سکوت موقت ولی آلوده بفکر و اندیشه از خاطر ها گذشت ولی متاسفانه چندان تاثیر و دوامی نداشت و بالاخره بکرانهٔ لاقیدی خورد و در هم شکست !
این بارقه از فراکسیون اتفاق بود و دو نفر وکیل تذکر نامه را امضا نموده و از مطالعهٔ متن آن حقیقت نسبت ها وبا اتهاما تیکه ملت بوکلای خود میدادند و ما خیال میکردیم که ناشی از روح انزجار وعصبانیت است تثبیت و افکار عمیق و مال اندیشانه را بطرف یك رشته حقائق مکتومه جلب مینماید
این است عین آن تذکر نامه

(تذکر مهم)

تلگرافاتیکه از آذربایجان و سایر نقاط متواتراً بمجلس شورای ملی میرسد وهمه روزه شدیداً در مقام کسب تکلیف هستند و همین طور لاقیدی و خون سردی و بالاخره عدم توجهٔ نمایندگان.در اصغاء مطالب مردم وعدم توجه به جواب های کافی و مقنع بقدری بهت آور و حیرت خیز است که فراکسیون اتفاق که یگانه پشتیبان خود را اراده و افکار ملی میداند نمیتواند در مقابل این وضعیاتی که مملکت بخود گرفته و دقیقه به دقیقه

تیره و شدید تر میشود بی اعتنا و لاقید بماند بالاخره فراکسیون اتفاق خود را در مقابل مسؤلیت های ملی مجبور از این سؤال میداند
آیا مقصود مجلس از این خون سردی چیست ؟
آیا انتظار آنرا دارند که عواقب امور را بیك وخامتی سوق دهند که خودشان هم از تصفیهٔ آن عاجز بمانند و جبران ناپذیر باشد ؟
باصول مملکت و انتظامات حاصله که هر ایرانی وطن پرستی بآن علاقه مند است تا این درجه میتوان لاقید بود ؟
بنام مسؤلیت وکالت – مجلس شورای ملی را متذکر به وخامت امر نموده پیش نهاد میکنیم که باکمال فوریت موضوع را تحت دقت گذارده و برای اشخاصیکه نمایندگان مجلس سعادت وکالت آنها را دارند تعیین تکلیف نمایند و چنانچه مطلب کماکان به لاقیدی تلقی شود فراکسیون اتفاق در پیشگاه ملی وظائفی را عهده دار است که باتمام آن مبادرت خواهدنمود با تذکر به هیئت مجلس از هیئت محترم دولت نیز خواستاریم که مراقب انتظامات جاریه باشند که بر خلاف انتظار وقایع غیر مترقبه رخ ندهد

(فراکسیون اتفاق)

اخگر – کی استوان

دو نفر وکیل فراکسیون

(مبحث تازه)

تذکر فراکسیون اتفاق نیز در حالات روحی وکلا تأثیر نکرد و هیچ نتوانست برای ملت و متحصنین و معتکفین مدرسهٔ نظام و تلگرافخانه ها و مساجد وتکیه ها وولایات وایالات وبالجمله برای ملتی که دست بهتعطیل عمومی گذاشته و یگانه انتظار شان از مجلس برای تعیین مقدرات خود زیادتر ازیك کلمه (لا – نعم) جواب مثبت ومنفی نبود تعیین تکلیف نمایند .
نه تنها نتوانست این نتیجه را برای ملت تحصیل نماید بلکه خود نیز داخل جریانات دیگر و مباحث الفاظ و لغوی گردید.

در این دقیقه که سر تا سر ایران دچار بحران و انقلاب شده ووقوع حوادث خطرناکی را خبر میداد پارلمان مشغول طرح تازهٔ بود !؟

همه میدانیم که زبان فارسی شیرین فعلاً مخلوط لغات اجنبي است و رو بهم رفته در جملات بیانیهٔ ایرانیان عموماً و اهالی طهران خصوصاً امروزه غیر از (و ـ به ـ را ـ در ـ ما ـ شما) آلات وادوات ربطی و ضمائر تقریباً لغت موضوعی پیدا نمیشود و مخصوصاً در اصطلاحات متجددین ادوات نفی و استفهام و شرطیه نیز از بین رفته واین ملت پرستان درجای (اگر) (سی) و اینطور را (کمسي) استعمال میمایندو(چه چیز) را به (کس کسا) عوض کرده اند و از روی مبانی لغوی مکاتبات و مذاکرات امروزه ایرانیان غیر از آنستکه اصول وضع و اشتقاق لغوی نشان میدهد درروی این اصل معموله امروزه درپارلمان مبحث تازهٔ اتفاق افتاده بود وعبارت ازاین بود که وکلا تصمیم گرفته بودند درمعنی لغوی و اصطلاحی لفظ (استعفا) و (امتناع) و(استنکاف) مباحثات لازمه نموده وداد خطابه‌را داده باشند!.

کار بجائی رسید که یکی از وکلای مهم دسته مخالف که موجد این مبحث تازه بود میخواست به‌پشت تریبون رفته وباتقید بهادای حروف ازتمام مخارج داد بیان بدهد وبالجمله روبهم رفته وکلا میرفتند که خودی حاضر نموده و در معني لغوی الفاظ مزبوره مادهٔ واحدی را وضع و تصویب نمایند!

سر تا سر مملکت در نائرهٔ انقلاب مشتعل و مخاطرات از حد امکان بسرحد فعلیت رسیده ولی وکلای مجلس سرگرم مذاکره ومناقشه در معني (استعفا) بودند !

چه آنکه میگفتند استعفا فرع قبول است میرزا حسنخان مستوفی از ریاست استعفا کرده باشد مشعر بقبول ضمنی است و مستلزم آن خواهد بود که تجدید انتخاب بعمل آید و چون مشار الیه ورقهٔ را که به مجلس نوشته پس از لفظ استعفا جمله امتناع را نیز قید کرده بود بنا بر این مرادف نمودن استعفا با امتناع چه صورتی خواهد داشت ؟

آیا از قبیل الفاظ مترادفه محسوب خواهند شد یا متباینه ؟ قبول کرده و استعفا داده در اینصورت لفظ امتناع چه معنی دارد ؟ و یا آنکه اساساً قبول ننموده و نایب رئیس میتواند مجلس را اداره نماید و بالجمله مذاکرات در این قسمت با نهایت شدت و حرارت در جلسات خصوصی و عمومی در جریان بود و نزدیك بود که موافق و مخالف کتب لغت را در روی تریبون حاضر نموده و بجای حربه‌قتاله استعمال نمایند !.

این بود حالت روحی مجلس شورای ملی !.

با یك چنین سوابقی در لیلهٔ مزبوره میرفت که جلسه رسمی تشکیل و دو دقیقه بمستدعیات ملت عطف توجهی بعمل آید که ناگاه در بیرون محوطهٔ مجلس دو تیر خطائی در رفت و صدای شبیه به تیر شنیده شد ،

بعضی معتقد بر این بودند که از طرف دربار این حرکت عمداً سر زده که وکلا را ترهیب و جلسه را بهم زنند تا تصمیمي اتخاذ نگردد ،

راپورت پلیس هم این معني را اثبات مینمود و یکنفر ناشناس نیز دستگیر گردید بالاخره معلوم شد که این امر واقعیت داشته و از طرف درباریان این عمل ارتکاب و مطابق نقشه مخصوص اجرا شده بود

هر چه بود صدای نابهنگام اثر خود را بخشید و جلسه از رسمیت افتاد و همهمهٔ غریبی بر پا شد و وکلا روبهم ریختند و از در و دیوار فرار کردند و بالجمله بمستدعیات ملت جوابی ندادند و بحقیقت مسائل پی نبردند!

این پیش آمد غیر مترقبه و ضعف نفس وکلای مجلس ملت را فوق العاده عصبانی نمود مردم به مدرسهٔ نظام هجوم کردند و در بین خود اینطور تصمیم گرفتند که فردا بطور قطع مقدرات خود را تصفیه و قضیه را یکسره نمایند و یا وکلا را به محاسبه دعوت کنند !.

شب با سکونت و آرامی داشت دقائق خود را می شمرد و نبض روزکار لا ینقطع در کار بود ولي بااضطراب و خبر از یك هول و هراسی میداد !.

تمام مردم در این دل شب تا راحت بودند و خوابیدگان خواب هولناك می دیدند ولی وکلا هر یك در رختخواب خود غنوده و آنچه را که در خواب نمیدیدند رسیدگی بمستدعیات ملت بود و این جریانات درقلوب آنان تاثیری نکرده و یا دلي نداشتند؟ چه آنکه اول شب از صدای تیر تا بهنگام بند دلها گسیخته بود!

مطالبی است: ـ فعلاً نمیتوانیم در این قسمت وارد بشویم و از موضوع تاریخ خارج است و متحصنین را بهمین حال گذاشته یکمرتبهٔ دیگر بتلگرافات خارج مرکز مراجعه خواهیم نمود تا این نکته را معلوم بداریم که پس از بیانیهٔ تلگرافی آذربایجان چه جریاناتی در ایالات و ولایات اتفاق افتاده؟ و افکار عمومی بچه امری مشغول؟ و قوای عمومی در چه نقطه مرکزیت پیدا میکنند؟

روابط ایالات باآذربایجان
انقیادعمومی از تبریز ـ وکالت
آذربایجان از تمامیت ایران

پس از آنکه بیانیهٔ تلگرافی آذربایجان در تمامیت ایران منتشر گردید قوای انقلاب در آذربایجان مرکزیت پیدا نمود و تمام ایالات و ولایات و عشایر و ایلات مقاصد ایران پرستانهٔ آذربایجان را تصدیق و وکالت مطلقه به تبریز دادند تا انقلاب را اداره و منویات ملّت را بموقع اجرا گذارند لازم است برای استنباط این حقیقت بمخابرات تلگرافي نقاط خارج مرکز مراجعه نموده ودر روابط جاریه وانقیاد تمامیت ایران نسبت بهآذربایجان و موقعیت مرکز انقلاب (تبریز) در پیشگاه عمومی ایرانیان اعمال نظر نمائیم

(تلگراف از کرمانشاه بطهران)

قبض نمره ۱۰۶۵۱ تاریخ اصل ۸ آبان ۱۷٤

کپیه هیئت علمیهٔ طهران ـ ولایات طهران وکلای محترم کرمانشاهان کپیه جرائد طهران کپیه مجمع آذربایجانیان طهران کپیه کمیسیون نهضت ملی کپیه مقام مقدس حضرت اشرف اعظم رئیس الوزراء دامت عظمته کپیه کمیسیون های نهضت ملی آذربایجان کرمان فارس اصفهان خراسان کردستان همدان بروجرد عراق ملایر ـ تأنی تا کی؟ برد باری تا چند؟ ترقی و تعالی ملل زندهٔ دنیا دیگر بما اجازه نمیدهد بعد از اینکه قدم های ساعی بر جسته بطرف نیک بختی بر داشته شده است باز مقدرات خودرا بمیدان هوسرانی قاجاریه رها نموده و فرصت دهیم! با آسایش و عدم استحقاقیکه باشغال مقام سلاطین با عظمت سر زمین سیروس داشته اند ما را به برداشتن گامهای قهقرائی وادار نمایند ایران برای اینکه بالاخره شاهد سعادت را در بر گرفته و آخرین پردهٔ که حجاب بین ما ملت کهن سال و تمدن معاصر است بر دارد باید دودمان بی عاطفه و نالایق قاجاریه را از تخت کاوس سر نگون نموده و نتیجهٔ شقاوت و بی کفایت این جماعتی که در مدت یکصد و بیست سال زمامداری کوچکترین آثار نیک بختی در مملکت ما نگذارده اند جز تفریط خزانهٔ مملکت و بباد دادن آثاریکه بزرگترین آن مثل عزم و ارادهٔ مردان دلیر این سرزمین بوده است درحلقوم ملت گشوده و با شمشیر غضب ملی آنرا قطع نمائیم دیگر ملت و جامعهٔ ایرانی که با یك جنبش و توجه چهار سالهٔ فرستندهٔ غیبی وارادهٔ بیچون بسوی تعالی و امنیت بی نظیری سوق شده است نمیتواند خود را تسلیم آمال بو الهوسانهٔ هر نالایق نماید قدر این نعمت و این سعادت را جامعه میدانند که گاهی مورد یغمای دستجات پشت کوه گهی پیش کوه گردیده است قیمت این مرحمت و محل استفاده درآب وهوا و تنعم در نعم که بما در این

اسکاني به آواز بلند فریاد میکنیم ای کسانیکه قلب مملکت محسوب میشوید ای کسانیکه ناخدای این کشتی طوفان زده هستید ای کسانیکه مقدرات این ملت بدبخت سیه روزکار را بدست گرفته اید ای کسانیکه افکار عموم در دست شما است بعبارة اخری وکلای غیر مطیع ادامهٔ غفلت تاکی ؟ لاقیدی به امور اجتماعي بازی و تفنن با مسائل سیاسی تا چند ؟ بس است بس است بترسید از روزیکه آتش خشم و غضب توده بر اثر لا قیدی شما نمایندگان خون سرد مشتعل و گریبان هر یك از شما را بنوبت گرفته تر و خشك را با هم سوخته به دورهٔ بدبختی خود خاتمه دهد امروز ملت چشم های خمار آلود خود را از خواب غفلت بیدار با یك تکان و جنبش ملی استرداد حقوق حقهٔ خود را که همانا تاج کیانی از ایادي غاصبه آل قاجار است از کعبهٔ آمال آرزو و جداً تقاضا دارد امروز دیگر ملت زیر بار سلطنت این سلسلهٔ ننگین نخواهد رفت ساکنین مملکت سیروس دیگر محتاج به قیم نیست حتم بدانید عامل قوی و بازوی نیرومندی از احساسات ملی جلوگیری نخواهد نمود و هر قدر اعتصاب بطول انجامد و ملت دچار خسارت و زحمت گردد همه و همه را از شما دانسته تا خاتمه کار با چهرهٔ عبوس و خشمناك بشما نگاه میکند خوب است که شعلهٔ قهر و غضب توده را با وصول نتیجه خواموش ساخته باسرع وقت تکلیف قطعی ملت را معین و نام نیکی برای آتیه بر صفحات تاریخ عالم بیادکار بگذارید

کمیسیون مختلط نهضت ملی ملایر

(تلگراف ازخرم آباد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۳۸۷ تاریخ اصل ۸ آبان

عدد کلمات ۶۹۵

مجلس مقدس دارالشورای کبرای ایران شیدالله ارکانه کپیه مقام منیع بندگان حضرت اشرف اعظم ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته کپیه مجمع متحدین

آذربایجانی کپیه روزنامهٔ ایران کپیه مجمع متحدین طباطبائی هموطنان

ملت با شهامت آذربایجان که نمونهٔ غیرت و وطن پرستی میباشند به نهضت مقدس قیام و ما را بوسیله تلگراف دعوت بشرکت نموده اند گرچه قبل از اطلاع به نهضت برادران آذربایجانی ملت لرستان را پیمانه صبر و شکیبائی لبریز و وسیلهٔ تلگرافات نهضت ملی لرستان بعموم هموطنان اطلاع و خلع شاه را جداً خواستار شدیم اینك نیز مجدداً بهموطنان عزیز آذربایجانی عرض مینمائیم ما ملت لرستان در نتیجهٔ جباریت سلسلهٔ قاجار سالها بود ارتباط مادی و معنوی ما با سایر هموطنان قطع و با دنیای متمدن خلطه و آمیزشی نداشتیم شهوت رانی اولادان چنگیز و مغول ما را سالها ازقافلهٔ تمدن عقب انداخته و وسیلهٔ که بتوانیم استغاثه مغلوبانهٔ خود را بسایر هموطنان عرض وموضعیت دلخراش خانمان سوز خود را که در مدت صدو چهل و پنج سال سلطنت قاجاریه به ما ملت ستمدیده وارد شده بفهمانیم نبود ابوالهول های ارتجاع برزندکانی اسف آور ملت لرستان باچهره های عبوس نگران وحتی از کوچکترین مساعدت در حق ما دریغ ومطامع آنها اجازه نداده آتش قتل وغارت را خواموش و مارا از چنگال دژخیمانیکه خود تهیه و بجان و عرض و ناموس ما اندخته بودند نجات دهند آری ملتی که مقدرات خودرا تفویض این قبیل سلاطین نالایق بی عاطفه که قوام دودمان خودرا در ذلیل و زبون بودن ملت دانسته و در دورهٔ سلطنت خود جزباد دادن قطعـات زرخیز مملکت وسفك دماء و نهب و غارت وخفه نمودن احساسات ملی نشانهٔ از خود در صفحات تاریخ باقی نگذارده اند بنماید بیشتر از این می باید درگروهٔ بخل و مذلت سرنگون گردند

هموطنان در همان اوقات که ابواب نجات را از هر طرف بروی ما ملت لرستان سلسله نالایق قاجاریه مسدود نموده بودند اگر نیروی عالیه و عزم و ارادهٔ توانای یگانه ناجی و سرپرست حقیقی مملکت بندکان حضرت اشرف اعظم رضاخان پهلوی ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمة

نبود هنوز در ورطه و مضیقهٔ هولناك مذلت وبیچارگی سرنگون ودست های خائنانه و جنایتکارانه عمال سلسلهٔ قاجاریه از دامان عفت و عصمت نوامیس ما کوتاه نگردیده ولو از گوشهٔ نیم پوشیده بود به دنیای متمدن نمیتوانستیم نگریست هموطنان سلطنت ودیعهٔ است که باارادهٔ ملت میباید باشخاص واگذار گردد که نمونهٔ وطن پرستی و ملت دوستی بوده شب و روز مساعی جمیلهٔ خود را صرف ترقی ملك و ملت نمایند سلسلهٔ نالایق قاجاریه و بازماندگان اجانب لایق زمامداری کشور داریوش نیستند و بحکمیت تاریخ کلیهٔ ادوار فترت ایران در نتیجهٔ وجود سلطان نالایق بوده و درپایان هرقرنی باشهامت باستانی سلطان نالایق وقت را خلع و مهام امور را به یکنفر که برطبق آمال ملت بوده واگذار کرده اند صدوچهل و پنج سال است این سلسلهٔ نالایق امتحان خود را داده ومهار مملکت را در دست گرفته بهرکجا مرام خائنانه. و فساد عقیدهٔ آنها متمایل بوده سوق میدادند هموطنان صبر و تحمل و بردباری بس است تاکی باید از کاروان تمدن وعمر آن عقب ماند؟ تاچند میباید متحمل شد؟ مملکت در فقر و مسکنت مانده و دسترنج بیوه زنان وطن را این سلاطین جبّار بی عاطفه صرف تعیش و شهرت رانی خود در ممالك اوربا نموده ملت را در انظار ملل حیهٔ عالم پست و ذلیل قلم دهند هموطنان باید بقدرت قاهرهٔ ملی متمسك و بروح باشهامت ایرانیت توسل جسته تاوضعیات اسف آور و روزگاران سیاه بختی اعاده نیافته است تشریك مساعی نموده ایران را از پنجهٔ قهاریت سلسلهٔ قاجاریه نجات داده ما هیئت کمیسیون مختلط نهضت ملی لرستان که از طرف کلیهٔ اهالی انتخاب ووکیل مطلق لرستان هستیم بااستظهار به غیرت و شهامت ملی آذربایجان وکالت مطلق در خلع شاه و ولیعهد و سلسلهٔ قاجاریه بکمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان میدهیم و در کلیهٔ امور باآن برادران عزیز همصدا وهم آواز بوده از بذل هرگونه مساعدت و فداکاری مضایقه نکرده منتظریم

آواز عکس انداز شجاعت ملت را در آسمان ایران بشنویم

کمیسون مختلط نهضت ملی لرستان

ابوتراب الموسوی ـ محمد جواد الموسوی ـ سیف الله

(از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۶۷۷ نمره تلگراف ۷ عدد کلمات ۳۷۹

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۷۸

کپیه کمیسیون محترم نهضت ملی آذربایجان تبریز ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا و ریاست وزراء عظام دامت عظمته کپیه ایران کپیه گلشن کپیه ستاره ایران کپیه جنت کپیه وطن کپیه حلاج در تعقیب تلگراف پنجم آبان راجع بخلع شاه و ولیعهد با کمال بی صبری منتظر جواب و نتیجه و کمیته محترم نهضت ملی آذربایجان را وکیل مطلق مینمائیم که در تعقیب این نیت مقدس و عمل خیر و تغییر و عزل این سلسلهٔ میشوم که مملکت عظیم ما را از اوج سعادت بحضیض مذلت رسانیده اند اقدامات مؤثره و جدیت کامل مرعی داشته ریشهٔ این طایفهٔ عیاش بی عاطفه را که بمقدار ذرهٔ علاقه مند باین آب و خاك نیستند از بن کنده و بروزگار بدبختی و سیه روزی مملکت خاتمه دهند البته بر کلیهٔ ایرانیان لازم و واجب است که این بی عاطفه را خاصتاً بایستی همگی دست بدست هم داده و متحداً آشیانهٔ این بوم‌های مملکت ویران کن خراب و باب ترقی و تعالی مملکت را گشوده در شاهراه تمدن و ترقی افتیم

این جانبان نیز بنا بوظیفه ایرانیت علاقه مندی باصلاح مملکت وکالت مطلق بکمیتهٔ محترم نهضت ملّی آذربایجان داده و در راه این نیت مقدس که مایهٔ ارتقاء وطن عزیز ماست تا آخرین قطره خون وآخرین نفس در شرکت با برادران آذربایجانی خود حاضر و با کمال جدیت در رفع ودفع

این سلسلهٔ منحوسه از هیچ رادع و مانعی باك نداریم - رئیس طایفهٔ دریش انصار شیخ جابر ابن مرحوم شیخ عبدالله خان شیخ المشایخ - شیخ احمد زابر وادی - شیخ مقا ابن عود - شیخ ابراهیم ابن علی - شیخ عود ناصر - شیج فنا حسن ابن حسن - شیخ حمودی میلا - شیخ مفتح بن صبیح - شیخ شائع ابن کریم - شیخ مذخور ابن محیسن - شیخ عاصف ابن محمد - شیخ عود ابن محمد - شیخ سلمان ابن ناصر - شیخ کریم ابن عطاوی - شیخ شحم ابن عبدالله - شیخ مشیری ابن حسین - شیخ ابن شیخ - علان ابن دینار - شیخ حسین ابن علي - شیخ شیر خان - امین شایع - شیخ قائم ابن شتلیت - شیخ عفاف أبن رحیم - شیخ امیال ابن سلوف

(از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۷۱۱ نمرهٔ تلکراف ۳۰ عدد کلمات ۳۲۷

تاریخ اصل ۷ وصول ۸-۷

کمیسیون محترم نهضت ملی کپیه ساحت مقدس دارالشورای ملي کپیه مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته کپیه کلیه احزاب سیاسی وطنخواهان کپیهٔ ایران کپیه وطن کپیهٔ گلشن کپیهٔ ستارهٔ ایران کپیهٔ حلاّج تلکراف مبارك آن کمیته محترم زیارت مرام مقدس هموطنان عزیز را تقدیس می نمائیم این کپیه نیز سابقاً شرکت خود را در این نیت خیر که متضمن حیات واستقلال مملکت است بساحت مقدس مجلس شورای ملی و مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته اعلام نموده وکمیته محترم نهضت ملي آذربایجان را هم وکیل مطلق و اختیار تام داده است که مسئله‌را باکمال جدیت وخون گرمی تعقیب نمائید اینك که کمیته وسایر طبقات شهر درمساجد عمومي اجتماع نموده وجدّاً عزل این سلسلهٔ منحوسه را خواهانیم وبا تمام قوا حاضر برای مدافعه از هر مانعی هستیم ودیگر ممکن نیست که زیر بار این

قبیلهٔ میشوم که مایهٔ خرابی مملکت وذلت و خاری ملتند رفته تحمل اعمال فجیعه شنیعهٔ آنها که باعث شرمندگی ایرانیان شده است برویم و همگی دست از شغل وکار خود برداشته باکمال بی تابی منتظر نتیجه هستیم هرگاه تا دوروز دیگر جواب مساعد برعزل شاه وولیعهد از طرف مجلس شورای ملی نرسد بکلی علاقهٔ خود را ازمرکز و طهران خودخواه ووکلای بیعلاقه که شبهات نفسی بر آمال مقدسهٔ ملت ترجیح میدهند قطع کرده و در تعقیب این مقصود شروع بوسائل دیگری اقدامات نموده تا جان دربدن داریم میکشیم و تا بمقصود مقدس خود که آزادی وطن محبوب مظلوم خود ازچنگال این جغد های مملکت ویران کن است نایل آئیم البته آن برادران محترم نیز درتعقیب این مرام مقدس آنی غفلت نورزیده وجداً تعقیب فرمایند که آنکه متحداً بیاری مادر وطن را از دست این ناخلف فرزندان نجات دهیم آری به اتحاد جهان میتوان گرفت

کمیته مختلط نهضت ملی عبادان

(از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۶۸۷ نمرهٔ تلگراف ۲۲ عدد کلمات ۳۷۶

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۹ ۷

کمیتهٔ محترم نهضت ملی آذربایجان تبریز طهران ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کپیه مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته کپیه ایران کپیه گلشن کپیه ستارهٔ ایران کپیه ناهید کپیه جنت از استماع خبر خیریت اثر تشکیل انجمن محترم نهضت ملی آذربایجان و مرام مقدس آن برادران غیور در عزل و بر کندن شجره منحوسهٔ قاجاریه که از بدو سلطنت خود مملکت عزیز و وطن محبوب ما را رو به قهقرا کشیده جز عیاشی و تنبلی کاری نکرده و قطعات وطن عزیز ما را به اجنبی فروختند و در اثر این لا قیدی ها مملکت دارای اصول ملوك طوایفي و در هر قطعه خود مختار و مالك رقابی ایجاد نموده رفته رفته ایران همان مملکت با شکوه

که جمیع دول را مطیع و منقاد خود ساخته و سایر ممالك را مستعمرهٔ خود نموده بود میرفت که مستعمرهٔ دیگران شود این بود که دست غیب پروردکار ایران نازنین فرزند خلفي چون بندکان حضرت اشرف ریاست عالی کل قوا بایران عنایت و ظهورش موجب بر طرف شدن مذلت های سابق گردید و عزم آهنین و نیّت مقدسش جلوگیری از خودسری های گذشته نموده حیات جدیدي بایران بخشید چون به آمال دیرینهٔ خود و طایفه هم موافق بود .

فوراً از (خلافیه) که مرکز اقامت این بنده بود شدّ رحلت نموده وبه محمّره آمده باسایر شیوخ کعب درتلگرافخانه متحصن وبوسیهٔ این تلگراف شرکت خودرا دراین مرام مقدس باکمال افتخار اعلام نموده وبجهة تسریع در پیشرفت این مقصود مشروع وکالت مطلق و اختیار تام به کمیتهٔ محترم نهضت ملی آذربایجان داده آن کمیتهٔ محترم را در ریشه‌کن نمودن این اساس فاسد وسلسلهٔ میشوم مختار مینماید که هر گونه اقدامی که لازم‌است نمایند . مانیز از تلگرافخـانه خارج نشده و جداً در تعقیب این نیت مقدس ایستادگی مینمائیم و تاآنکه مرام مشروع خود که عزل شاه و ولیعهد سلسلهٔ منفور قاجاریه است نائل نشویم دست بردار نخواهیم بود حتی اگر جان خودرا هم دراین راه فدا سازیم خواهشمندیم همان برادرن عزیز نیز از اقدامات خود تان مارا مطلع و مستحضر سازید .

شیخ مشایخ ـ عبد الحسن ـ کعب عدالرسول ابن عبدالحسین کعب ـ مفامس ابن موسی کعب ـ عبود ابن زباب کعب صریح ابن سبحاي کعب ـ بشاری ابن مفیتی کعب

(از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۲۱۷ نمرهٔ تلگراف ۳۱ عدد کلمات ۱۴۱

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ـ۷

ساحت مقدس مجلس شوراي ملی شیدالله ارکانه کپیه کمیسیونهای نهضت ملی

برادران آذربایجانی طهران چاکران ایل آل ابوحمید از جملهٔ ایل ابو محیسن بریاست شیخ علی شیخ صمد از مفازیح و مفاسدیکه از سلاطین سلسلهٔ قاجاریه نسبت بما ملت فلکزده رسیده عموماً درتلگرافخانهٔ دولت علیه متحصن و پناهنده شده وخلع آخرین سلطان شاه قاجاریه را از سریر سلطنت سیروس از وکلای مجلس مقدس شورای ملی خواستار وتانیل مقصود یعنی بخلع سلطنت از این سلسله میشومه نشود از تحصّن خارج نخواهیم شد

علی رئیس ایل ابوالحمید ـ جعفر ـ حسین ـ تقی ـ زیاری ـ حسن ـ عباس ـ فرحان ـ سدید ـ تقی ـ مرکوز ـ علی ـ مهر ـ حمید ـ احمد مهدی ـ جعفر ـ عبدالعباس ـ فریح ـ طیحان ـ مصیّب ـ مقتول ـ مبارك ـ علوی ـ جاسم ـ شیری ـ نقی ـ لطیف ـ علی ـ حسن ـ حسّان ـ تبکور ـ چنگیز ـ غضبان حمیدی ـ صمد ـ سالم ـ عضبان ـ محلم ـ فاخر

(از بهبهان بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۰۷۲ نمرهٔ تلگراف ۶ عدد کلمات ۱۵۸

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸ـ۷

کمیسیون نهضت ملی آذربایجان مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء کپیه کمیسیون نهضت ملی آذربایجان درطهران کپیه جرائد واطلاعات تلگرافات برادران غیور آذربایجانی زیارت بیعلاقه گی شاه فعلی بمملکت وامتحانات سوئیکه مکرر بظهور رسانیده در پیشگاه آن ذوات محترم پوشیده نبوده و در عصر حکمرانی سلاطین قاجار ملت ستمدیده دچار مظالم وهمه روزه در معرض چپاول زبردستان میبوده وکنون که آن برادرن غیور باعزمی ثابت برای خاتمه دادن بآخرین ساعات سلطنت این سلسلهٔ جبّاره قیام نموده ماها ملت بهبهان ایشان را در اجرای این نیت مشروع مقدس وکالت داده موفقیت آن ذوات غیرتمند وطنخواه را ازپروردگار توانا مسئلت داریم .

سلطان محمد - سردار امجد سابق - شجاع السلطان سابق - یوسف قنواتی - عبدالحسین قنواتی - عباسقلی طباطبائی - اسدالله - آنصرالله - عبده محمد حسین - رضا - عباس - غفور - محمد - جعفر - عموم ملت بهبهان

(از ناصری بطهران)

نمرهٔ قبض ۴۳۸۵ نمرهٔ تلگراف ۲۴ عدد کلمات ۲۷۵

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۷-۸

هیئت محترم کمیسیون مختلط نهضت ملي آذربایجان تبریز مجلس شورای ملی کمیه حضرت اشرف ریاست وزراء عظام و فرماندهٔ کل قوا کمیه احزاب سیاسي کمیه آزادیخواهان کمیه ایران کمیه شفق کمیه اطلاعات تلگرافات و اقدامات آن هیئت محترم که یگانه مرام و و آرزوی ملت ایران ومبتنی ازمکنونات قلبی کافهٔ ایرانیان است عقیدت و منتها درجه آمال ملت را پرورانیده و با نهایت جدیت تقاضای انجام مرام را آرزو مند و از اینکه تا کنون این مقصد مقدس بحسن انجام تلقی نشده و مرکز ترتیب اثری نداده بی تابانه نگران و امروز که بحمد الله والمنه از پرتو وجود یگانه ناجی ایران حضرت اشرف آقای پهلوی آخرین اثرات ملوك الطوایفی از صفحه ایران محو وحیات سیاسی ایران تجدید و امنیت و آسایش عمومی برقرار است سزاوار چنان است که آخرین سد ترقی مملکت را رفع و چنانچه باز هم این مرام عملی نشود و به مماطله و خون سردی بگذرد عاقبت بس وخیم تولید خواهد نمود باکمال اطمینان قلبی برای تحصیل یك حیات دائمی ایران و ایرانی ما هم وکالت نامه باین هیئت محترم داده تا شاهد مقصود در آغوش بیاید در جان بازی حاضر و منتظر جواب و نتیجه میباشیم (هیئت مرکزی آزادیخواهان خوزستان)

رؤسای روحانی مرکز خوزستان محمد جواد بهبهانی - عیسی سید کمال الدین نمایندهٔ صنف بزاز - علی مدد نمایندهٔ صنف خیاط - عبدالمحمود

احمد خوانساری ـ صحیح اقل اسدالله ـ فتحی از طرف عموم اصفهانی ها محمد نقشینه مشایخ کعب ـ رؤسای عشایر خوزستان ـ حاج انشید کعبی جابر سلطان کعبی ـ حاجی اسد کعبي ـ عبدالرسول کعبی ـ زائر ـ محمود کعبی ـ مشایخ ـ عشایر بادی خوزستان ـ هسمی ابن صفاح ـ بادی ـ تراك ابن شیخ عنایت بادی ـ صمد ابن شیخ عنایت بادی ـ علی ابن شیخ عنایت بادی

(از عباسی بطهران)

نمره قبض ۲۶۸۷ نمره تلگراف ۱۲۶

عدد کلمات ۳۳٤ تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸ـ۷

عباسی کمیسیون نهضت ملی آذربایجان ساحت مقدس مجلس شورای ملی کپیه هیئت محترم وزراء عظام کمیسیون نهضت ملی طهران کپیهٔ هیئت متحدین آذربایجان ده کپیه جرائد و احزاب کپیه هیئت تجار کپیه هیئت علماء کپیه هیئت اصناف ما امضا کنندگان ذیل که در اثر قیام عمومی ملی اهالی بندر عباس و اقصی جنوب ایران بسمت نمایندکی نهضت ملي انتخاب شده ایم بموجب این تلگراف وکالت تام تمام از طرف خود و موکلین خودمان بان هیئت محترم میدهیم در انقراض سلطنت ازخانوادهٔ قاجاریه که سالهای متمادی است تنها آرزوی عموم ملت ایران میباشد قیام واقدام نمایند و بهر قسم صلاح بدانند این ننك را مرتفع ومانع ترقي عظمت ایران و ایرانیان را نابود سازند و اهالی این حدود تا موقعیکه آن برادران غیور ارجمند بدین موفقیت نایل نشوند در قیام خود باقي تحصن وتعطیل عمومی را ادامه خواهند داد و از هیچ قسم جان فشانی در راه نیل باین مقصود و منظور ملی خود داری نخواهند کرد و از آن غیرتمندان تمنا داریم که هر چه زود تر باین کار خاتمه داده ونجاح عموم ملت ایرانرا فراهم سازند

حاجی شیخ احمد کله داری ـ ابراهیم کله داری ـ سید اسحق ـ سید

عبدالله ـ محمد اسمعیل ـ شاه میر محمّد امین ـ صحیح ـ سید رضای لاری گلشن ـ غلامرضا اتفاقیه ـ حاجی سید ابو القاسم راجی ـ محمد علی اوزی محمّد ـ شریف عبد الله ـ حسینی ـ حاجی شیخ مهدی طهرانی ـ محمد ابن سید هاشم ـ مهدی ـ احمد ابن محمد ـ کهن دل ـ من اقل محمد صادق بلوکی ـ یوسف ـ سید محمد ـ سید حسین ـ محمد امین اوزی ـ هاشم اوزی ـ صحیح سید عبد الله ـ اقل میرزا احمد یزدی ـ احمد کله داری محمد نور احمد ـ صالح ابراهیم ـ محمدرضا ـ محمد شریف علوی ـ عبدالله محمّد علی ـ ابراهیم ـ عبد الحسینی ـ محمّد علی ـ اصغر ـ عبدالله ـ حاجی احمد ـ علوی ـ عبد الرحمن ـ محمد حسن ـ رحمت الله ـ محمد رفیع حاجی محمد ـ عبدالرحمن اوزی ـ اقل سید علی ـ حاجی محمد ـ محمد ـ محمود اقل حسین ـ اقل کریم ـ محمّد ابن زکریا ـ احمد صالح ـ محمد اسمعیل اوزی ـ اقل قاسم ـ تیمور ـ علی ـ کرم ـ ابوالحسن ـ محمد علی ـ محمدبن قاسم ـ محمد علی ـ تیمور ـ علي ـ آقا محمد علی ـ سید حبیب

(از بوشهر بطهران)

نمره قبض ۵۵۵۹ نمره تلگراف ۴۷

عدد کلمات ۲۵۵ تاریخ اصل ۶ وصول ۷ ـ ۷

کمیسیون نهضت ملی کپیه هیئت محترم علمیه دامت برکاته کپیه اتحادیهٔ تجار کپیه کلیهٔ جرائد سیاه کاریها و فجایع یکصد و پنجاه ساله حکومت قاجاریه ایران را از ذروهٔ سعادت بخاك مذلت کشانیده ملت و ثروتی باقی نگذاشته حاصل دست رنج بیوه زنان و خون جوانان ایران بود که در قهوه خانه‌های اروپا بیهوده ولغو برباد رفت اندکی تامل هر غافلی را متنبه و بیدار مینماید دیگر طاقت ها طاق و جان بلب ها رسیده جای صبر و تحمل نیست در جواب تلگراف مشروح هیئت مختلفه نهضت ملی آذربایجان در خاتمه وضعیت پریشان فلاکت بار رقت انگیز عمومی بخلع حکومت مشؤمهٔ قاجاریه بوکالت مطلقه ماخوذه از افراد تقدیم و تسلیم

گردیده چه اهالی غیور آذربایجان برای احراز سیادت ملی همیشه پیشقدم
بوده از بذل جان ومال دراین مقصود مقدس هیچوقت مضایقه نداشتند
کنون هم هرطور بامصلحت جامعه ملیه موافق دانید ازطرف اهالی بنادر
وکیل مطلق خواهید بود ماهام بذل مال وجان‌قید ویا وقیمتی نخواهیم
گذاشت تاآخرین نفس حاضر خواهیم بود از کمیسیون نهضت ملی و کلیهٔ
علاقه مندان بسعادت مملکت استرحام می نمائیم که مستدعیات معروضهٔ
ملیّهٔ فوق را از نقطهٔ نظر ترقی و سعادت عموم باجابت مقرون اهالی
ستمدیدهٔ این حدود را قرین تشکر فرمایند به نمایندگان بنادر اخطار
شد که بامقاصد ملت موافقت نموده و قدم بمجلس نگذارند کمیسیون مختلط
نهضت ملی بوشهر از طرف هیئت علمیهٔ بوشهر ــ امام جمعه ــ
العصفور ازطرف اتحادیه تجار گلشن

(ازشیراز بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۳۴۰۵ نمرهٔ تلگراف ۱۳۲ عدد کلمات ۲۴۸
تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ ـ ۸

توسط مجلس مقدس شوری خدمت آقایان نمایندگان محترم فارس دامت
تائیداتهم کپیه مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و ریاست
عالیهٔ کل قوا دامت عظمته کپیه مجمع متحدین آذربایجانیـان کپیه مجلس
مقدس شورای ملی کپیه ایران کپیه ستاره کپیه کوشش کپیه بهلوی کپیه
شفق البته آقایان محترم بوسیلهٔ تلگرفات وارده بمرکز امتحان عمومی
قاطبهٔ ملت مطلع گردیده واز مقاصد مشروع آنان مستحضر گردیده اند
اینك هم ملت حسّاس فارس که همیشه نسبت به پیشرفت مقاصد ملیه
ایرانیان پیشقدم بوده بشما نمایندگان خود اطلاع میدهد مملکت که
سالیان دراز مظالم قاجاریه نصب العین خود قرار داده واز سلطنت آنان
منزجر بوده و نهایت آمال خودرا خلع آنان از سلطنت دانسته درآن

موقع باعزم راسخ و ارادهٔ تغییر ناپذیر تصمیم بخلع سلطنت قاجاریه گرفته و برای حصول بمقصود مقدس خود از هرگونه فدا کاری مضایقه نکرده وتاانجام منظور دست از اقدامات جدّی خود برنداشته وتوجه شما آقایان نمایندگان خود را نسبت به پیشرفت مقصود مقدس ملی خود معطوف داشته تا درمرکز و مجلس شورای ملی برای کامیابی موکلین خود شروع بیك سلسله اقدامات فوری وعملی نمایند ودرصورتیکه به بطالت و مسامحه گذرانیده و خدای نکرده خواستند با مقدرات ما بازی کنید آنوقت علناً و بدون ملاحظه آخرین تکلیف خود را نسبت بشما اعمال خواهیم نمود

جامعه نهضت ملی فارس شیراز نمره ۱ رئیس العلماء جلال الدین ☆(۱)

(از بم بطهران)

نمرهٔ قبض ۸۶۱ نمرهٔ تلگراف ۶ عدد کلمات ۲۰۷
تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸ـ۸

به تبریز نمرهٔ ۸۶۲۱ توسط آقایان محترم رؤساء تلگرافخانه ایالات مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست عالیهٔ قوا ورئیس الوزراء حجج اسلام ـ تجار ـ اصناف سکنهٔ بم و نرماشیر ازمظالم طاقت فرسای آل قاجار بستوه آمده شنبه ۹ را تعطیل عمومی نموده خلع احمد میرزا و قلع ریشهٔ قاجاریه را بوسیلهٔ کمیتهٔ مختلط نهضت ملّی آذربایجان تقاضا نموده و بوسیلهٔ این تلگراف بعموم هموطنان تنفر خود را از آل قاجاریه اعلام میداریم و حضرت آیة الله آقای حاجی میرزا محمد رضا دامت برکاته عالم متبحر کرمان را وکیل خود نمودیم ـ نمایندگان علماء تجار اصناف آزادیخواهان علماء احقر عبدالله داعی حاجی‌میرزا بیا بانکی احقر احمدالحسینی فاضل ـ داعی

☆(۱) تلگراف فوق بکرمان به نمره ۱۳۵۰۳ و برشت به نمره ۱۳۵۰۱ بکرمانشاه به نمره ۱۳۴۹۸ به تبریز به نمره ۱۳۵۰۰ به مشهد به نمره ۱۳۵۰۵ و بهر ایالتی با پنج کپیه مخابره شده است

حسن حسینی ـ نمایندگان هیئت علمیه هدایت الله ـ خلیل حجازی ـ حاجی شیخ (نعمت الله) شیخ حسین ـ حسین ـ لسان ـ شیخ یحیی

نمایندگان ملی علی اکبر ـ آسید محمد ـ اسمعیل ـ میرزائی ـ بهبادی ـ سلیمان امیری ـ وزیری ـ سعیدی

تجار ـ اصفهان ـ تبریزی ـ حاجی میرزا محمد علی بزرك طبسی ـ محمد ملکی دوز

نمایندگان آزادیخواهان ـ مدرس زاده ـ روحی ـ نجف قلی ـ بهزادی قوام زاده ـ محمدزاده ـ داود ـ حشمت زاده ـ و میرزائی ـ علی ـ محمدعلی غلامرضا ـ علی ـ یحیی دهقانی غلام حسین ـ اصغر بهار ـ اسمعیل ـ حسین ـ علي محمد ـ غلام علی ـ نوروز علی ـ حاج عبدالله ـ عباس ـ محسن غلامرضا ـ محمد ابراهیم ـ اسدالله ـ هاشم ـ غلامحسین ـ غلامرضا ـ فتح الله ـ معین ـ عبدالله ـ علی اکبر ـ علی اصغر ـ عبدالله ـ رضا ـ عباس ـ محمد حسینی ـ یوسف ـ غلام حسین ـ محمود خلیل ـ غلامحسین میرزا محمدعلی ـ محمد ـ نعمت‌الله ـ رضا ـ سلیمان ـ نجف ـ حبیب‌الله ـ علی محمد خلیل ـ باقر ـ قنبر ـ ماشاء الله ـ حسن کاحل

(از بافت بطهران)

نمره قبض ۳۰۳ نمرهٔ تلگراف ۱۵ عدد کلمات ۱۶۲

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸-۸

طهران ساحت مقدس شورای ملی شید الله ارکانه کپیه هیئت وزراء عظام کپیه ستارهٔ ایران ضربات مهلکی که دورهٔ سلطنت قاجاریه به پیکر این مملکت وارد قابل تردید نیست فقر عمومی هزاران بدبختی که سر تا سر ایران فرا به افراد ملت ثابت که آبادی نالایق قاجاریه لیاقت تاج و تخت سلطنت را ندارد سلطنت خبیثهٔ این سلسلهٔ عیاش مملکت را یکباره بوادی فنا برت میکند ملت اقطاع افشار برای بر کندن ریشهٔ سلطنت قاجاریه با برادران هم آواز و او را از سلطنت خلع میداند بیش از این قوهٔ تحمل ندارد محتاج به قائد توانا و نیرومنداست و ضمناً به برادران غیور آذربایجان

وکالت داده و از نمایندگان ملت و حافظ استقلال مملکت جداً تقاضای خلع سلطنت قاجاریه را مینماید

ایلخانی افشار ـ حمدالله ـ ابراهیم ـ شکرالله ـ اسدالله ـ حاجی خان اسدالله ـ عباسقلی ایلبگی ـ حسین شکرالله ـ احمد علی ـ علی ـ غلامحسین اسدالله حسن ـ حسین ـ شکرالله ـ غلامحسین ـ غلامحسین ـ احمد ـ محمد

(از بندر جز بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۵۹۴ نمرهٔ تلگراف ٤۷ عدد کلمات ۳۷۱

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۹-۸

مقام منیع مجلس شورای ملی هشت کمیته احزاب محترم سیاسی کمیته آذربایجان کمیسیون محترم نهضت آقایان کرسی نشینان بهارستان که همواره در سایهٔ رفاه و خرمی بسر برده و کعبهٔ آمال ملت ستم زده ایران را دستخوش اغراض و شهوات خود قرار داده اید آیا هیچ می دانید دورهٔ وکالت سپری شد؟ آیا هیچ میتوانید بدورهٔ زندگانی پارلمانی خود مراجعه فرموده که پس از ختم وکالت در مقابل موکلین خود شرمسار و منفعل نبوده بگوئید باری از دوش موکلین خود برداشته ایم؟ هیچ میدانید موکلین ستمدیدهٔ شما پس از سالهای دراز این ایام را ایام حیات خود تصور کرده درمقابل ملل عالم بوجود آن قائد نیرومند مباهات کرده بگویند بازهم ملت ایران نادر وکاوه دارد؟ هنوز هم ملت ایران میتواند بوجود خود قیام کرده مملکت داری نماید آیا نمیترسید از روزیکه ملت انتقام این خوش نشینی و خوشگذرانی را باز خواست نماید؟ آیا نمیدانید که ملت بخوبی تاریخ زندگانی شمارا درنظر گرفته و انتظار دارد دراین چند روزه اخیر وکالت خود سیاهی قبل را زدوده و مطابق آمال ملت گریبان ملک را از دست بیعلاقه گان به ملك و مملکت وسلطنت را که ودیعهٔ ملت است از اشخاص بی کفایت گرفته گریبان ملك وملت را از

پرتگاه تباه روزی بساحل نجات سوق دهد ؟ ما اهالی بندرجزوساکنین این سامان انتظارداریم برای حیات تاریخی خود باسرع وقت سلطنت‌را از آل قاجار خلع وشر نوباوگان مغول وچنگیز را ازسر ما ملت بیچاره مرتفع نمائید و برای نیل باین مقصود وکالت بلاعزل توکیلي به برادران آذربایجانی خود داده ومیدهیم

محمد حسین ـ محسن زاده ـ محمد باقر تبریزی ـ غلامرضا ـ اکبر جاهد ـ اسمعیل طهراني ـ رزاق ـ ابراهیم زاده ـ عباسعلی دماوندی ـ روشن ـ غلامعلي ـ رضا اف ـ حسین ـ عباس اف ـ حسینعلی ـ رضا ـ ذکریا ـ کریم اف ـ سید رضا ـ کاظم ـ جعفر ـ زین العابدین ـ محمد ـ اقل ستار ـ آقایوف ـ اکبر زاده ـ ابوالقاسم ـ میرحسین ـ رضا حسینی ـ نعمت الله ـ عبدالرحیم دماوندی ـ پیله آقا ـ محمود زاده ـ محمد مهدی کاشی اکبر زاده ـ اسمعیل احمد ـ غلامعلي ـ عباسعلی ـ شیخ قدرت زاده ـ محمد کاظم ـ کریم ـ نصرالله ـ حسن آقا ـ علی اکبر ـ محمد اسمعیل ـ اقل تقوی ـ رحیم زاده ـ قنبر ـ علی زاده ـ نعمت الله ـ میرزا مراد ابراهیم ـ محمد یوسف ـ علی اکبر ـ علي آقا محمد حسین ـ فتحعلی ـ حسن آقا ـ علی اصغر ـ علی ـ عبدالمناف ـ صفر علی ـ لطفعلی ـ عباس ـ علی ـ حاجي بابا ـ اسمعیل ـ غلامحسین ـ قربانعلی ـ مظفر موسوی ـ محمد حسین ـ علی ـ محمد علی ـ محمد قلي ـ علی ـ یوسف ـ علي ـ عبدالله ـ حسین ـ اسدالله ـ رجبعلي ـ مهدی موسوی ـ عبدالله ـ اسمعیل ـ رضا ـ روح الله ـ محمد تقی ـ حسین ـ محمدولی ـ رضا ـ خلیل ـ عبدالله طهماس ـ طهماسخان

(از کرمان بطهران)

نمره قبض ۵٤۳۵ نمرهٔ تلگراف ۷۷ عدد کلمات ۱۳۱

تاریخ اصل ۹ تاریخ وصول ۹ ـ ۸

تبریز کمیسیون نهضت ملي کپیه علماء تبریز کپیه هیئت اتحادیهٔ تجار کپیه

نهضت ملي طهران مقام منيع حضرت اشرف رياست وزراء عظام دامت عظمته کپيه ساحت مجلس شوراى ملي کپيه شفق سرخ کپيه ايران کپيه کوشش کپيه وطن مدتى است اهالى كرمان تنفرات خود را از سلسلهٔ قاجاريه بوسيلهٔ تلگراف مكاتيب بر تمام ايران اعلان نموده وخلع سلطنت قاجاريه را جداً خواستار شدند ولى از طرف بعضي اشخاص بى علاقه بوطن باحساسات بى آلايش ترتيب اثرى نداده عامهٔ تجار كرمان بنا به تقاضاى برادران آذربايجاني خود ازطرف عامهٔ تجار وكالت ميدهيم به كميسيون نهضت ملى آذربايجان كه از طرف ملت كرمان در خلع سلطنت سلسلهٔ قاجاريه اقدامات لازمه را بفرمايند ونتيجه را فوري بفرمايند تا تكلف خودرا بدانيم (مجلس تجارتى كرمان)

اصالت و . وكالت در انقلاب

هرمدعى حقي كه اصالتاً موضوعى را درنظر گرفته و مطالبه مينمايد اگر شركاء آنرا تصديق كنند و يا علاوه از تصديق بمدعى اختيار احقاق حق بدهند طرف خود را ازبين برميدارد و مغلوب ميكنند اين خود يك جريان عادى است دراصول قضائى

اگر مدعى عليه دعوى متعدد ومدعى منفرد بوده باشد احقاق حق بسى مشكل ودعوى هميشه در محور دسيسه وآنتريك است مخصوصاً اگر يك چنين دعوائى در پيشگاه قوهٔ قضائى امروزهٔ ايران طرح شود!.

ولى اگر مدعى متعدد و مدعى عليه منفرد بوده باشد هر اندازه صاحب قدرت ونفوذ بوده وبتواند در عقيده و ايمان قاضى نفوذ و اعمال قدرت كند بالاخره ممكن نيست كه در طى مراحل قضائى جانى بدر برده و بالنتيجه محكوم ميگردد .

در روى اين تلگرافات شركاء متعدد در محكمه وجدان وتاريخ برعليه مدعى عليه منفرد (قاجاريه) اقامهٔ دعوى نموده و در پيشگاه محكمهٔ قضاوت بشر حق خود را مطالبه مينمايد .

وکالت این دعوی مهم - ولي در نظر هر منصفی عادی - واز نقطهٔ نظر طرفداری بشر از حرص وآز و جاه طلبی فوق العاده پیچیده و مشکل !.

آذربایجانی اصالتاً و وکالتاً طرح دعوی نموده وباخصم خود میجنگد!.

بدیهی است هر مدعی بایستي دعوای خود را اثبات نماید و آذربایجانی یك قسمت از مستندات خود را تاریخ قرار داده و دارد در سلسلهٔ گذارشات تاریخی نکاتی را در روی میز قضاوت انگشت نما کرده وقاضی محکمه وجدان (عقل سلیم) را بحاکمیت دعوت مینماید یك چنین مستندی رسمی و غیر قابل دفاع است !.

از طرف دیگر میگوید سلطنت ودیعه (امانت) است از طرف ملت که بشخص پادشاه سپرده شده و هر وقت صاحب امانت مال مستودع خود را بخواهد میتواند پس بگیرد و اگر امانت کار در رد آن مسامحه کند خیانت کاراست !.

با قطع نظر از شواهد تاریخی ملت ایران نمیخواهد در زیر سلاسل توارث یك سلسلهٔ که گذارشات تاریخی نیز بر علّیه امانت کار دلائل غیر قابل دفاع نشان میدهد رفته وطوق اطاعت و انقیاد را بگردن گیرد!

محکمهٔ مخصوصی است؟!- وهیئت حاکمهٔ آن مختلط - این محکمه از قاضی شرع و عرف تشکیل یافته و علم قاضی نیز تاثیر خاصی درقضیه دارد که بمجرد استدعای حکم بایستي ادای وظیفه نموده و مبادرت به انشاء حکم نماید همه میدانیم که احکام محاکم قوهٔ قضائیه کاشف حق است نه انشا کننده حق از زمان صدور حکم و بعبارهٔ اخری قوهٔ قضائیه احکام معنوی گذشته را تائید کرده و بحال آینده متصل میکند نه اینکه از زمان صدور حکم حق راخلق وایجاد مینماید (Il est déclaratif non constitutif)

اذربایجانی در طی یك دورهٔ یك صدو پنجاه ساله بنص شواهد حسی وعقلی و تاریخی سلسلهٔ قاجاریه را غاصب و آخرین وارث تخت و تاج را خائن و نالایق معرفی و اثبات مینماید - حال قاضی محکمه علاوه از

مستندات مدعی میتواند بمعلومات و مشهودات خود نیز تکیه کرده و حکم بدهد

در ابتداء مراحل حق طلبی از نقطهٔ نظر عرف تشکیلات و اداره اذربایجانی اصالتاً و بعد وکالتاً صفت قضاوت را در اینموضوع بالخصوص بقوهٔ قانونیه یعني (مجلس شورای ملی) تطبیق کرد و یا بعبارة اخری مطابق اصطلاحات حقوقی معتقد به انفصال قوا نکردید و یا خواست از در نزاکت اقامه دعوا نماید

چه خبط بزرك ؟! یك شمه از حالات روحی قاضی محکمهٔ در طی تلگرافات مشهود شده و پس از طرح دعوا مدعي لاقیدی و مسامحه کاری قاضی را تشخیص داده ولی کار از کار گذشته و ملت مجبور شد ازمحکمه اعراض نموده و خود تقاص و یا با قطع رابطه ادارات را اشغال نماید وهمین حرکت سبب شدکه خواهی نخواهی محکمه تشکیل گردد ولی درخاطر داریم کهشب هشتم ابان ماه پس از شنیده شدن صدای تیر محکمه بهم خورد و قضاة عصا و نعلین را جا گذاشته و بپای پیاده از کوچه و پس کوچه فرار کردند!.

(در سالون مدرسهٔ نظام)

اطاق رئیس مدرسه مخصوص جلسات رسمی متحدین آذربایجان و یامتحصن کاه آنها است در وسط اطاق میز درازی گذاشته اند و روی آن یك پارچه ماهوت سیاه قلاب دوزی بسیار ممتاز کشیده شده جمعی دور میز گرد آمده و در حل قضیه با یکدیکر مشغول مذاکره هستند

جسته جسته فراریان مجلس یعنی وکلاء خودی بمدرسه میرسانند و برای عرض وجود و یا تثبیت موقع خودی نشان میدهند و از پیش آمد اظهار تاسف مینمایند و تیر تا بهنکام بیرون محوطه پارلمان را مقصر قلمداد میکنند که باعث پریشانی افکار وتخدیش اذهان گردید ونتوانستند درروی مستدعیات

عمومی بمنافع ملك و ملت تصمیمی اتخاذ وبه‌مسببین نفرین ولعنت مینمودندو ازنظر غائب میشدند!

(درگوشهٔ اطاق)

شخصی با قیافهٔ گرفته در گوشهٔ اطاق تنها نشسته و چشم خود را به تابلوی نقاشی که در دیوار سالون منصوب و حکایت از تیر قیقاج عباس میرزا در جنك با روسیه مینمود!. دوخته و دود سیگار را بهم وصل و مانند ابر دود دور این شخص را احاطه و قیافهٔ مخصوصی را نشان میداد معلوم بود در زیر امواج افکار متأثر غوطه ور است!.

چند ساعت بدین منوال گذشت و از بیخودی بخود بر گشت کنار میز آمده از حاضرین پرسید کار بکجا انجامید؟

تفصیل را بیان کردند سر بزیر انداخت و راه خود را گرفت و چنین گفت (اول روز فروردین) (*)

(هول و هراس)

کم کم رب النوع خواب و یا مرك موقت و بیهوشی بباغ مدرسه نزول اجلال مینماید - بالهای تیره و سیه فام خود را بروی متحصنین میگستراند - دوای بیهوشی بکام انسان ها میریزد چند دقیقه نگذشت همه در قعر امواج خواب گران غلطیدند و از دنیای هستی جز از اندام ثابتی چیز دیگری نداشتند و قوای مدرکه به غارت رب النوع خواب رفت!.

شب پر دهشتی بود!. خوابیدگان خواب های مخوف میدیدند!. اگر آلت عکاسی مخصوصی داشتیم که بتوانیم صور منقوشهٔ پرده های مغز خوابیدگان را عکس بر داریم غیر از جنك و جدال و خونریزی و انتقام چیز دیگری در صفحهٔ عکاسی ما پیدا نمیشد!.

(*) این جمله یادگار تاریخی ایرانیان قدیم است ازدورهٔ قباد و یزدگرد چهاردهم و در مواقع انتقام استعمال مینمایند

تمام خوابیدکان هیولای مهیب رب النوع جنك را میدیدند - و درختان در آن فضای ظلمانی مانند غول جلوه مینمود !. -
کابوس زدگانی بودند که برای استخلاص خود از زیر چنگال بختك هیچگونه‌وسیلهٔ خلاصی جز از تکان دادن خود نداشتند!.
تصور نکنید که این جریان موقت و آنی فقط در پرده رؤیای امشبه مرتسم گردیده بلکه در طول خواب سنگین یکصدو پنجاه سالهٔ ایران همیشه این خواب ها یکی بعد از دیگری از پرده مغز ایرانیان میگذشت !.
شب بدین منوال بپایان رسید و صبح هشتم آبان سر از آستین افق در آورد موش صحرائی بالهای سیاه شب را جویدن گرفت و کم کم پر ها جمع شد واسرافیل رستاخیز ایرانی سفیر خودرا دمید مردکان زنده - خوابیدکان بیدار - سر از لحد برون آوردند و در محشر انقلاب حاضر شدند همهمهٔ غریبی راه افتاد!.
امواج متحصنین تلاطم گرفت - دسته دسته مردم بخانهٔ پهلوی ورود مینمودند. و متحصنین را ملاقات میکردند و بمدرسه برمیگشتند و بطرف تحصن‌گاه آذربایجانیان میدویدند و در اطراف عمارت باغ هنگامه و ولولهٔ عجیبی بود و عموماً با یك بی صبری و التهاب کسب تکلیف مینمودند و بالاخره این طور تصمیم گرفتند که مجلس مشورتی از عموم نمایندگان طبقات متحصنین تشکیل و آخرین تصمیم را اتخاذ نمایند
از عموم طبقات نماینده خواسته شدو مطالب عنوان گردید

(مذاکرات جاریه)

صحبت در این بود که به مجلس شوری و یا برئیس دولت اعتراض و یا عملاً شروع بکار کرده از مجلس تا به دربار ریخته و یکسره کوبیده و قدرت انقلاب را نشان دهند !.
عقاید و افکار فوق العاده متشتت بود وهر نماینده با یك اشتعال و التهاب

داشت عقیدهٔ خود را بیان مینمود که عموماً حکایت از خواب های مدهش
شبانه میکرد و میگفتند باید با انقلاب سرخ مانع را بر طرف و ایام سعادت
را از سر گرفت !.

همان شخص دیشبی گوینده همان جمله (اول روز فروردین) که تا کنون
فقط گوش صرف بود با کسب اجازه از رئیس جلسه شروع بتقریر و
عقاید خود را اینطور بیان نمود .

(کنفرانس)

آقایان پیش آمد مهم تر از آنستکه بتوانم تقریر کنم و وقت مضیق تر از
آنست که اجازهٔ تفصیل دهد مذاکرات خارج از موضوع و غیر
عملی منتج نتیجه نیست اعتراض بالا تر از آن متصور نیست که
از ایالات و ولایات و مرکز شده و خونسردی دولت نسبت بمستدعیات
ملت هم بهمان اندازهٔ اعتراضات ملت است در و دیوار هم تقصیر ندارد
آتش زدن دربار و یا کوبیدن پارلمان ضرری است بخزانهٔ ملت انقلاب
سرخ طرف ندارد و هیچ صاحب حقی برای احراز حق نباید مال و
منال خود را آتش بزند!

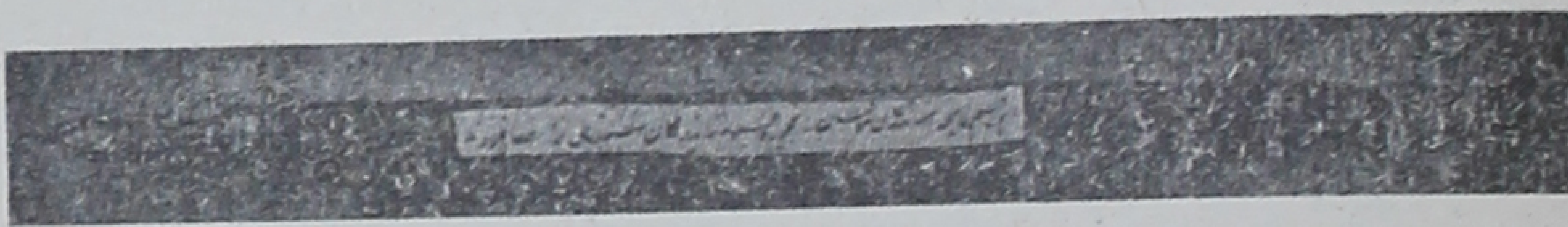
ملت ایران از سلطنت سلسلهٔ قاجاریه ناراضی و متنفر وبرای
بر انداختن آن در سرتاسر ایران تعطیل عمومی نموده و در طهران دولت
با تمام قوه مانع از تعطیل گردیده ولی با وجود این نتوانسته حسیات
درونی مردم را تعطیل کند این است متجاوز از چندین هزار مردم
بباغ مدرسه ریخته وچند روز است اززندگانی شخصي خود دست برداشته
و با روح انقلاب ساعات خود را میگذرانند !.

چون در ساعات انقلاب افکار از مجرای طبیعی خارج و غالباً برای
بدست آوردن مقصود مقدمات مقصد را گم میکنند برای ابراز قدرت ملی اعتراض
لازم نیست سلطنت حقی است که بسلطان امانت سپرده شده وهمینکه دید
امانت کار بودیعه خیانت میکند آنرا پس میگیرند و دست او را کوتاه
میکنند و برای اجرای این مقصود نه خراب کردن پارلمان و نه انهدام

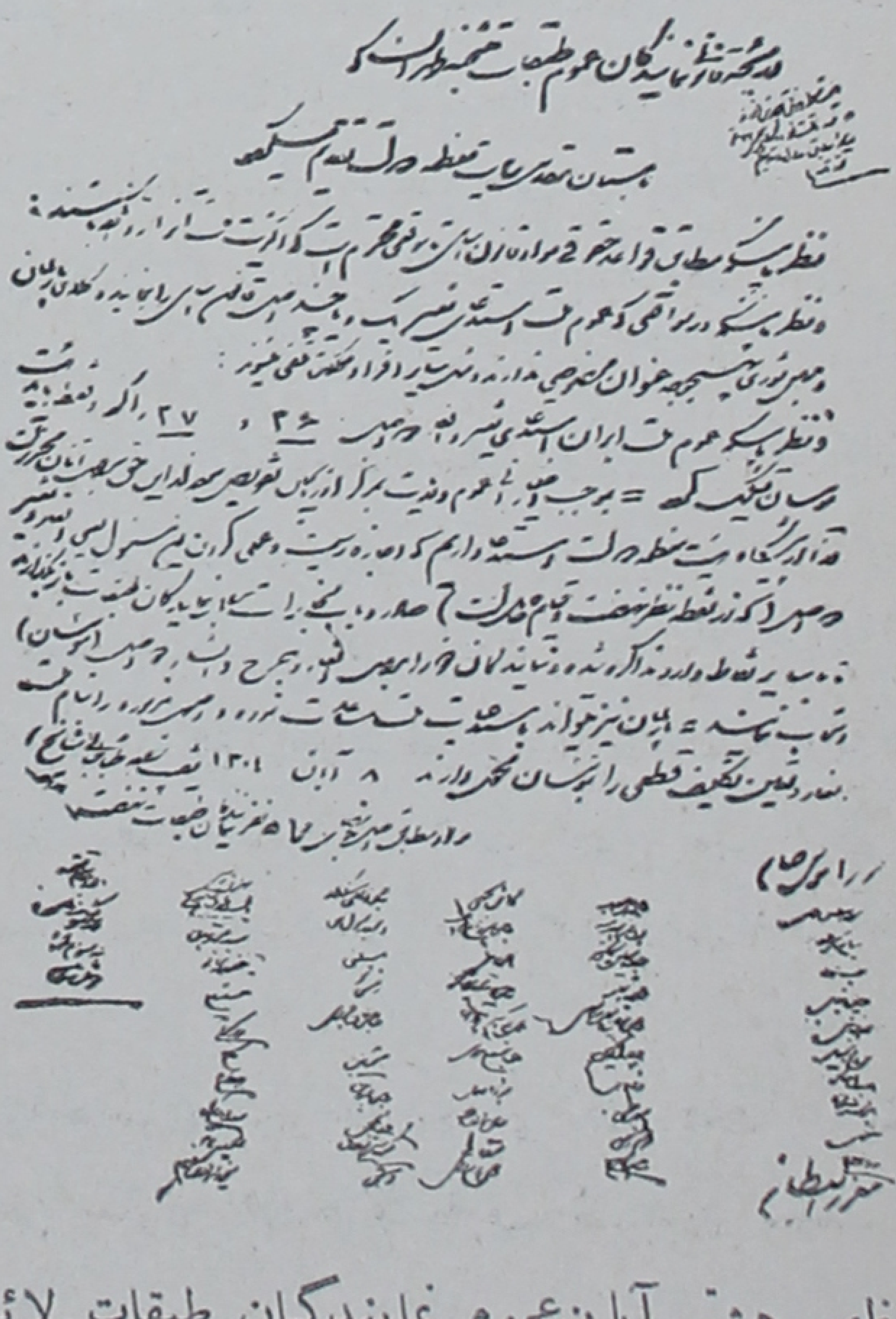
دربار و نه کشت و کشتار لازم است: تا کنون که سلسلهٔ قاجاریه در راس قوهٔ اجرائیه مملکت جا گرفته و بنام پادشاه معرفی میشدند فقط باحترام ارادهٔ ملت یعنی قانون اساسی بود که در اصل (۳۶) سلطنت را در سلسله قاجاریه برقرار کرده است.

ایرانیان تا کنون که به مدلول این اصل احترام میگذاشتند فقط بپاس ارادهٔ عمومی ملت بود و حال اکثریت بلکه اتفاق ملت مدلول این اصل را رد میکنند دیگر نباید منتظر نشست که دولت در اینخصوص چه تصمیمی بگیرد؟ و بالجمله قانون اساسی تا ساعتی محترم است که اکثریت ملت آنرا رد نکرده باشند تا چه رسد باتفاق و امروز ملت ایران عموماً و در روی یك مقدمات منظمی باتمام معنی برعلیه این اصول قیام نموده و انقراض مدلول آنرا خواستارند گرهیکه با دست باز شود نباید بدندان زحمت داد علاج فقط در اعلان خلع وتشکیل مجلس مؤسسان است واز دولت این موضوع را باید خواست اگر مخالفت نمود آنوقت دست به انقلاب سرخ زد بعقیدهٔ من بدولت تکلیف شودکه وسائل مخابرات تلگرافي را بروی ملت بازکند تاملت با وسائلی که‌در نظر میگیرد موجبات تاسیس مجلس مؤسسان را فراهم نماید در این امر وکلای مجلس شورا باملت مساوی و برای مجلس عنوان خاصی منظور نیست نهایة آنکه مجلس شورای ملی نیز میتواند بروفق مستدعیات قانون انقراض قاجاریه را تصویب و تعیین تکلیف دولت را بمؤسسان واگذار کند اگر این بیان اجمالی را مورد توجه قرار میدهید جز این نیست که باید بوسیلهٔ دولت این تقاضا را بمجلس شورا عرض وکسب نتیجه گردد بلی اگر دولت ومجلس از قبول واجرای این تقاضای حقهٔ ملت امتناع نمودند البته ملت دست آنهارا کوتاه و بوظیفهٔ ملی خود عمل خواهد کرد که باید خلع کند خلع و کسیرا که باید زمامدار موقت بماید تعیین ومؤسسان را تشکیل خواهد داد.

در پایان این خطابه عقاید و افکار به محور اصلی خود برگشت وموضوع باتفاق تصویب ونتیجه بااین قلم



دریك لائحهٔ مخصوصی تنظیم وعموم نمایندگان طبقات متحصنین آنرا امضا نموده وما عین ومضمون آنرا در کتاب خود نشان خواهیم داد . واین است گراور آن ومضمون آنرا درآتیه بنام تصمیم نمایندگان طبقات ملاحظه خواهید کرد



دوساعت بعد ازظهر هشتم آبان عموم نمایندگان طبقات ـ لائحه را برداشته و بمنزل پهلوی رفتند

منزل پهلوی تحصن گاه تجار و علما واعیان واشراف وتمام اطاقها وفضای حیات

مملو ازجمعیت ودربحبوحهٔ ازدحام لایحه را قرائت وتقدیم رئیس دولت نمودند رئیس دولت وعده داد که تقاضای نمایندکان نهضت را بوکلای مجلس شورای ملي ابلاغ خواهند نمود و ضمناً اظهار داشت که فقط می تواند واسطهٔ درابلاغ لایحه گردیده و هیچ انتظار مساعدتی از شخص من مورد ندارد و ملت بمجلس مراجعه نموده و قضایای خود را حل نماید
لایحه تقدیم شد وبیانیهٔ ذیل از طرف کمیسیون نهضت بعنوان متحدالمآل تلگرافاً بتمام نقاط ایران مخابره و در طهران منتشر گردید

(بیانیهٔ کمیسیون مختلط نهضت ملي)

در نتیجهٔ مساعی و مجاهدت های مبذوله عموم هموطنان عزیز چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات امروز هشتم آبان ماه لایحهٔ قانونی با اتفاق نظر کلیهٔ نمایندکان هیئت های مرکز در موضوع تعیین مقدرات ریاست اجرائیه قوای مملکتی (پادشاه) و اصلاح قانون اساسي و موافق ساختن آن با احتیاجات امروزهٔ مملکت تهیه و در میان احساسات هیجان آمیز عموم طبقات تقدیم ریاست معظم دولت و قوای عالیهٔ مملکت دامت عظمته گردید و برای تصویب آن با مساعدت غلیان افکار عامه اقدامات جدی و مؤثر بعمل آمد در ظرف دیشب و امروز در تحت فشار احساسات و هیجان های عمومي توافق نظری ما بین نمایندکان هیئت ها و وکلای مجلس حاصل گردید و فعلا مذاکرات مجلس در ترتیب عملی کردن آن جریان دارد عنقریب بشارت ختم قطعی عمل را بر وفق آمال عمومی اعلام خواهیم کرد

کمیسیون مختلط نهضت ملی

بیانیهٔ دیگری نیز حاوی گذارشات جلسهٔ نمایندکان عموم طبقات ومتضمن مدلول لایحه از طرف کمیسیون مختلط نهضت ملّی بدین مضمون منتشر گردید

(بیانیه)

هموطنان عزیز دورهٔ حکمراني جهل و نادانی دیر زمانی است

سپری شده و نوبهٔ فرمانروائی علم و منطق سالیان درازی است فرا رسیده. ـ برای بقا و دوام هر وضعی از اوضاع عالم ـ جهة تغییر و تبدیل هر یك از آنها دلائل محکم و براهین قاطعی لازم است.

اساساً هریك از صفحات تاریخ نتیجهٔ یك سلسله مقدماتی بوده و هیچ حادثهٔ در عالم از جزئی تا کلی بي مقدمه رخ نداده وهیچ وضعی بدون اسباب و عواملی شکل تازه پیدا نمیکنند.

و در حقیقت مقدرات عالم مربوط به اسباب و عواملی است که بدون تغییر و تبدلي در آنها هیچگونه تحولی در جهان ظاهر نگشته و حتي باصطلاح عامه آب از آب تکان نمیخورد.

در میان قضایای مهمهٔ عالم تغییر سیاست مدن و تبدل اصول ادارهٔ ممالك یك حادثهٔ جالب دقتی است که از اواخر قرن نوزدهم و در قسمت گذشتهٔ قرن بیستم عمومیت پیدا کرده است!.

این قضیه شایان دقت نیز مانند همهٔ نظایر خود شرایط و عوامل زیادی دارد که یکی از آنها انتباه ملل عالم است از خواب غفلت و استخلاص آنها ست از کابوس نادانی.

ملل عالم دیگر حاضر نیستند که مقدرات خود را بعهدهٔ اشخاص امتحان نداده و تجربه نشده واگذار یا بدست کسانی که از عهدهٔ امتحانات لازمه برنیامده اند تسلیم کنند!.

بعد از شروع این انتباه عالم گیر خواب کردن هیچ قومی در هیچ گوشهٔ دنیا با تعینات احمق فریب و تظاهرات مخالف حقیقت بهیچوجه امکان پذیر نیست!.

در عالم منطق هر لفظی را مفهومی هر عنوانی را شرائطي هر مقامی را وظائفي و هر موقعی را مسؤلیتی است که مردم از هر کدامی انجام دادن آنها را متوقعند و باید توقعات با موقع آنها را ایفا کنند

زمام داران ملت قدیم و قدیمی که بزرگترین عنوانی است و رفیع ترین

مقامی البته بدون رعایت شرایط و ملاحظهٔ مقتضیات فقط بعنوان توارث تنها بعهدهٔ احدي واگذار نمیشود

شرایط مذکوره در بارهٔ مشاغل سابق آن موقع منیع در ایران باندازهٔ اهمال شده بود که در مدت مدیدی که آن مقام رفیع را اشغال نمود هیچگونه علاقهٔ از خود نشان نداده و ازاینکه سلطنت را به نحوی عاطل و باطل گذاشت که هیچ عنوانی بهتر و مناسب تر از (سلطنت معطله) نمیتوان بان داد این استکه کمیسیون نهضت ملي آذربایجان در تبریزوطهران هیچ قسم اهمیتی به این (سلطنت معطله) نداده اوقات ملتی نهضت و قیام کرده را گرانبها تر از آن میدانست که با مبارزه با یك لفظ واهی تلف کند زیرا دیر زمانی است که این عنوان بواسطهٔ لا قیدی صاحب آن معني و مفهوم خود را از دست داده است!.

مقصد اصلی و مرام اساس نهضت ملی تجدید نظر در قانون اساسی و موافق ساختن آن بود بامقتضیات کنونی مملکت و تمام مجاهدت ها و مساعی آن ازابتدای نهضت تا کنون دراین زمینه مبذول میشد تااینکه روز هشتم آبان لائحهٔ ذیل باتوافق نظر نمایندگان تمام هیئت های پای تخت تهیه و بمقام معظم ریاست دولت وقوای عالیهٔ مملکت تقدیم گردید

(تصمیم نمایندکان عموم طبقات طهران)

لائحهٔ قانونی نمایندگان عموم طبقات منتخبهٔ طهران که بآستان مقدس ریاست معظم دولت تقدیم میگردد

نظر باینکه مطابق قواعد حقوقی مواد قانون اساسی تاموقعی محترم است که اکثریت ملت آنرا رد نکرده باشند

ونظر باینکه در مواقعی که عموم ملت استدعای تغییر یك ویا چند اصل قانون اساسی را بنمایند وکلای پارلمان و مجلس شوری بهیچوجه عنوان مخصوص ندارند و مثل سایر افراد مملکت تلقی میشوند

ونظر باینکه عموم ملت ایران استدعای تغییر و الغای دو اصل ۳۶ و ۳۷ را کرده وفقط باید هیئت مؤسسان تشکیل گردد بموجب اختیاراتیکه عموم ولایات بمرکز آذربایجان تفویض نموده‌اند این حق برای آنان محرز است لذا از پیشگاه هیئت معظم دولت استدعا داریم که اجازهٔ رسمیت و عملی کردن این مسؤل یعنی الغاء و تغییر دو اصل (که از نقطهٔ نظر نهضت و قیام حاصل است) صادر و باب مخابرات برای نمایندگان طبقات بازبگذارند تا با سایر نقاط وارد مذاکره شده و نمایندگان خود را برای الغاء و جرح و انشاء دو اصل (موسسان) انتخاب نمایند

پارلمان نیز میتواند با مستدعیات ملت مساعدت نموده و اصول مزبوره را بنام ملت الغاء و تعیین تکلیف قطعی را به مؤسسان محول دارند هشتم آبان

محل امضای نمایندگان عموم طبقات طهران

اینک تصویب اصلاح قانون اساسی را بر وفق مقتضیات امروزه مملکت بعموم هموطنان عزیز بشارت داده امیدوار است تا موقع عملی شدن و مجری گردیدن پیشنهاد مذکور همهٔ هموطنان گرامی با همین رویه پسندیده و متین ابراز مقاومت وثبات خواهند نمود. کمیسیون مختلط نهضت ملی

پس از انتشار بیانیهٔ فوق دهشت غریبی در قاجاریه تولید شد و وحشت و اضطراب خطرناکی بوجود زن و مرد این سلسله حکومت پیدا کرد چه آنکه علاوه از قطع و یقین بزوال شؤونات گمان نمودند که دست انتقام ملت بطرف شخصیت آنها دراز خواهد شد و برای تسکین این رعب کمیسیون نهضت بیانیهٔ دیگری را منتشر نموده و وارد در قسمت های مخصوص تاریخی گردیده و با ذکر دلائل سیاسی و اجتماعی مبنی بخطاکاری و تقصیرات غیر قابل عفو سلاطین قاجاریه بافراد سلسله اطمینان و مرعوبیت آنان را تسکین و مقصودنهضت را خاطرنشان نمود که از نقطهٔ نظر اهمیت مندرجات آن مقتضی میدانیم عین آنرا در کتاب خود درج نمائیم

(بیـانیه)

هموطنان عزیز دورهٔ تاجداری تاجدارانیکه بجز تاج و تخت فضیلتی ندارند از دیر زمانی سپری شده است ـ کجا رسد به سلاطینی که اسباب رسوائی ملت نجیبی گردیده اند ! ؟

افعال شرمگین سلاطین آل قاجار در بارهٔ ملت ایران بیش از حوصلهٔ شرح و بیان است !

سلاطین این طایفه بعد از آنکه بتاج و تخت ایران مسلط شدند از هیچ گونه فجایع و عملیات شرم آور مضایقه نکردند رئیس این خانوادهٔ غاصب آغا محمد خان خواجه پس از فوت کریم خان وکیل الرعایا آن پادشاه رعیت پرور و آبادی پرست به تخریب بنیان سعادت این مملکت بزرك شروع نموده و اعقاب آن پادشاه غیور رعیت نواز را با بدترین عقوباتی نابود ساخت یگانه وارث رشید وکیل الرعایای محبوب لطف علیخان را بعد ازهزاران دسایس وفتنه انگیزی بدست آورده با انگشت بی رحمی چشم بینای آن زادهٔ دودمان غیرت و حمیت را نابینا و بعداوت مقاومت آن جوان فرزانه شهر کرمان را ویران و هفتاد هزار مرد را به سخت ترین احوالی از هستی ساقط و هفت من درست از چشم مردم مردمك در آورد عصمت و ناموس اهالی را به لشکر جفا کار خویش مباح کرد از اولاد نادر نادرالوجود هائیکه یادکار خانوادهٔ قدرت و شهامت بودند هرجا یافت از پا در آورد و خزاین ذی قیمت نادر را که از هندوستان بایران انتقال داده بود برای شهوت رانی خود تخصیص داد !

در اثر لاقیدی و تن آسائی فتحعلی شاه شهوت پرست که بجز هوس رانی بکاری نمی پرداخت قطعات بزرگی از وطن ما بدست بیگانگان افتاده عهد های مشؤم و ننك آوری با غرامت جنك کمر شکنی بار دوش ملت کرد ناصر الدین شاه در مدت پنجاه سال سلطنت که میتوانست ملت ایران

را مانند (میکادو) ژاپون که با خودش معاصر بوداز حضیض ذلت باوج عزت برساند بجز یك سلسله قبایح اعمال از خود یادگاری نگذارده با وجود مسافرتهای پر خرج اروپا ره آوردی غیر از لباسهای رقاصان فرنك با خود نیاورده از اقتباس آثار درخشان تمدن ملل راقیه بکلی غفلت نموده تشکیلات محیر العقول مغربیان را بنظر لاقیدی تلقی کرده از آن علوم سرشار کاملا چشم پوشید بعلاوه در خود مملکت نیزهر عنصر وطن پرست دانشمند سراغ گرفت در اعدام و امحایش سرعت نموده بالمره کشور را ازفضلا و عیون عقلا محروم ساخت درحالتیکه در نتیجهٔ تهاون و سستی آن پادشاه جاهل و فضیلت کش ملل اجنبی در مملکت ما وسایل استیلا و تخطی را فراهم ساخته طرق تسلط را هموار مینمودند اجزای دربار عظمت مدار ما شاه غافل را به ترتیب و تهیهٔ شب نشینی ها مشغول میداشتند - از دورهٔ سلطنت مظفر الدین شاه چیزی نگذشته جزئیات وقایع آن زمانراهمه دیده وشنیده‌اید درموقعیکه سلاطین عالم مشغول نقشه وتوسعهٔ مستعمرات و تحشیدات عساکر منظم تجهیز میکردند مظفرالدین شاه از ترس صدای رعد در زیر عبای سید بحرینی خزیده از عالم جهانگیری و پلتیك دول عالم گیر کاملاً آسوده خیال بود تابه اغوای وزراء ودرباریان خائن شوق گردش وتفرج در بلاد اروپا را درکله پرورانیده استقلال مملکت را در بانکهای خارجه گرو گذاشته اعتبار مملکت را فدای هوس رانی خویش ساخت!

فجایع و مظالم شاه مخلوع برهمه معلوم وشرح آنرا اسباب تضییع وقت هموطنان دانسته ازشرحش صرف نظر نمودیم

تانوبت زمامداری بامحمد میرزا رسید ابن‌صبّی بی اراده که از اثر رقت و ترحم بیموقع قائدین انقلاب مشروطه اشغال اریکهٔ سلطنت کرده بود بااینکه سلطان مشروطه می بود و درآغوش ملت پرورش یافته بود بدبختانه عملیات ننگین وشرم آوریرا متحمل شد که کلام (رحمه‌الله نباش)

را حقیقتاً مصداق گردید یك قدمی هم بسوی ترقی و عظمت ایران برنداشت !.

هم وطنان اگر چنانچه یك آثار تسلی بخش ویك یادگار برجسته ازاین طفل بی لیاقت سوراغ دارید بشمارید مگر همین سلطان طمع کار وبی عاطفه نبود که در سال مجاعه وقحطی باحتکار وانبار داری مشغول گردید ؟ ضجّه وانین یتیمان و بیوه زنان مملکت خصوصاً طهران را باکمال لاقیدی وبیرحمی استماع نموده ودر حالتیکه دل مستخدمین امریکا بحالت اسف آور این ملت ستمدیده و مظلوم می سوخت احمد میرزای بی لیاقت در قصور سلطنتی بشهوت رالی و تجارت گندم وجو میپرداخت ؟

ازترقی نرخ اجناس و آذوقهٔ مردم خوشوقت بود باین هم قناعت نکرده اوقات خود را در تفرج و سیاحت خیابانهای اروپا به وقیح ترین قیافه میگذرانید !.

هموطنان غیور ؟! ملت ایران درصفحات تاریخ به غیرت مندی ووطن پرستی معروف بوده در شهامت و توانائی براغلب اقوام و ملل برتری داشت متأسفانه در زیر سلطهٔ سلاطین سست عنصر قاجار شئونات موزونی و شهامت فکری را از دست داد حس انتقام را که ازخصایص ملل غیور است بطاق نسیان گذاشت تا اینکه لطف خدائی یك سردار نامدار علاقمند بسعادت وطن را مأمور کرد که در سایهٔ جدیت وبلند همتی این رئیس دولت دورهٔ ملوك الطوایفی رو بانحطاط گذاشت قدرت حکومت بااقصی زوایای مملکت ساری گردید اقدام و عزم متین و تزلزل ناپذیر حضرت اشرف (آقای پهلوی) خونهای افسرده ملت را بحرکت آورده حس نهضت و قیام بملت ایران بخشید آذربایجانیان غیور که در هر دوره پیش قدم ترین ایالات بوده خصوصاً بیرق حریت و آزادی در دوش این ملت قوی الاراده اهتزاز داشت با یك عزم خستگی ناپذیر قیام مقدس را در بر انداختن مآثر سستی وعیاشی و تن پروری و لاقیدی شروع وباصدای

رسا مظالم فراموش نشدنی سلاطین قاجاریه را بسوامع عالمیان رسانیده
خیم استیلا و تسلط بر تخت و تاج کیانی را خواستار گردیدند
اینك فرصت انتقام خونهای پاك دانشمندان وطن و تسلی ارواح شهدای
بیداد این ملوك مملکت بر باد ده رسیده آتش غضب ملت زبانه کشیده
امروز روزی است که باید کاخ فرعنت سلاطین قاجار که با هزاران
خون دل ضعفای ملت ممهد و مؤسس گردیده است از لوث وجود یك
مشت عناصر غیر صالح منزه و پاکیزه گردد و این شهوت رانی ها وهوا
و هوسها که سالیان دراز با مقدارات ملت بازی کرده اند خاتمه
داده شود

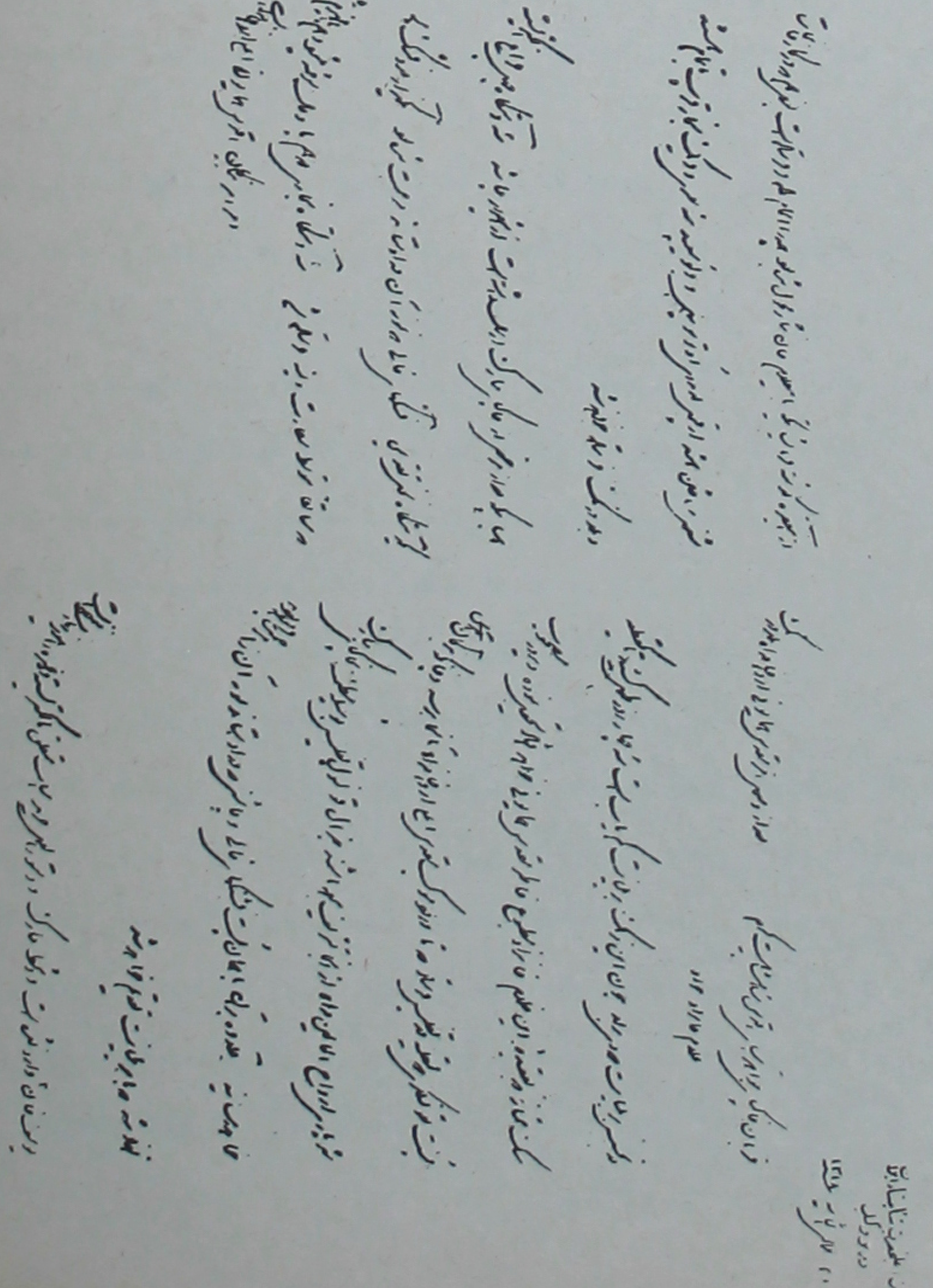
امروز روزی است که هرکس از این قیام مقدس کناره جوئی نموده
بی علاقه گی نشان دهد مردود ملت واقع گشته محکوم قهر انتقام خواهد شد
هموطنان از تذکر این نکته نیز ناگزیریم که غرض اصلی ملت از این
نهضت مقدس خلع خانوادهٔ قاجاریه از سلطنت است ونباید سوء تفاهم
شود که ملت با همهٔ افراد طایفهٔ قاجاریه بلااستثناء مخالفت ندارند در
میان اینها اشخاص صالح و وطن پرست بهیچوجه مردود اذهان جامعه
نبوده بلکه توده آنها را با نظر محبت و برادری می نگرد بشرط آنکه
در اینموقع عملاً موافقت خود را با نهضت ملی اظهار کنند
هموطنان عزیز تاریخ عبارت از تکرار وقایع و حوادث است همینکه
مقدمات قسمتی از تاریخ شروع شد همهٔ آن خواهی نخواهی بعنصهٔ ظهور
خواهد رسید این مسئله از قوانین محرز و نوامیس حتمی طبیعت است
مقدمات انقراض سلطنت این سلسله از دیر زمانی شروع و با دست
خودشان تهیه شده اینك موقع آنست که صفحهٔ جدیدی از تاریخ وطن
ما آغاز گردد مقتضای طبیعت این بوده و مشیت خداوندی چنین علاقه
گرفته — واذا اراد الله رحلت دولت من دار قوم اخطو تدبیرا

کمیسیون نهضت ملی

در بیانیهٔ معهود بجملات مخصوصی بر خوردیم که در اتلاف ثروت ملت نکات خاصی را خاطر نشان می نمود و حقیقت این نسبت ها از یك فقره مستند رسمی که حاکی از مسطورهٔ خرید مظفرالدین شاه است اثبات میشود ازقبیل (برلیانت ـ فشنك های دودی شکاری خالی ـ لاندوی اتوموبیل ـ ولوسپید سه نفری ـ چهل چراغ ـ بخاری)

(عریضهٔ میرزا جواد خان سفیر ایران)

در بروکسل ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۱۸



از یك طرف اساسیهٔ سلطنتی و تاج کیان در گرو بود و از طرفي کپسول فشنك خالی شکاری و تجاري خریده می شد این است نکاتی را که بیانیه در نظر گرفته و یك سلسله وقایع تاریخی را پشت سر هم می شمارد که روی هم رفته علت العلل بدبختی ایران را تشکیل و بالنتیجه مجوز نهضت و قیام گردیده است

آری ! - در همین ساعت که مظفرالدین شاه باپولهای استقراضی مشغول خرید ولوسپید سه نفری و کپسول خالی شکاری بود دولت های دیگر مشغول جمع آوری مونیسیون وتجهیزات بری وبحری را تکمیل نموده و شروع به تسخیر آسمان کرده بودند و باین نکته ایمان میآوردند که زندگاني و سیادت ملي تابع قوه و استقلال نتیجهٔ توازن است ولی شاه ایران این حقایق را فراموش و مملکت را تسلیم قضا وقدر نموده وخود در پی جمع آوری اسباب بازی بچه گانه بود و از اروپا خاك و کوت بار میکرد وبه ایران زمین میآورد!؟

این بود شمهٔ ازعلل نهضت که سالیان درازی در دلها عقده کرده وحال دارد مانند ولکان آتش فشانی مینماید

(لزوم جلسه)

حوادث پشت سر هم گذشت و دلائل حقانیت ملت چهره شد و مقدمات قطعی زوال و انقراض قاجاریه با قلم توده تحریر. وامضاء گردید تأثیرات آن قضاء مبرمی بود وغیر قابل رد - حکمی بود که از محکمهٔ انقلاب صادر شده بود وغیر قابل اعتراض - سلطنت ودیعهٔ بود از ملت ودر روی دلایل و شواهد تاریخي خیانت امانت کار در پیشگاه صاحب مال محرز امانت خود را پس میگیرد - دیگر جای چون و چرائی نمانده قابل وساطت هم نیست و هر دستیکه بخواهد از امانت کار خائن مدافعه و یا شفاعت نماید مردود ومقطوع میگردد

دولت و وکلای پارلمان موجودیت خود را در مخاطره دیدند چه آنکه یك

چنین سیل بنیان کنی قابل مقاومت نبود و تمام عوایق و موانع را از جای خود کنده و با خود میبرد !.

(وکلا راهم ملت فتح کرد)

تقدیم لایحه و نشر بیانیه و وعدهٔ رئیس دولت که آنرا بوکلای مجلس شورا ابلاغ خواهد نمود و پافشاری و تقاضای ملت از دولت که تشکیل مجلس مؤسسان گردد رویهم رفته عواملی بودند که بوسیلهٔ آنها ملت وکلای مجلس را محاصره و بالنتیجه وکلا را نیز فتح کرد - نمی توان باور نمود که وکلا نسبت بمستدعیات ملت این اندازه لاقید بودند که ملت آنهارا لاقید می پنداشت فرقی که داشت میخواستند تجدید نظر درقانون اساسی محول بدورهٔ ششم گردیده وبادست وکلا صورت گیرد ! - ولی ملت زیر این بار نرفتند و برای اهمیت قضیه استقلالاً مجلس مؤسسان را میخواستند هرچه بود وکلا مغلوب شدند و لایحهٔ کمیسیون نهضت نقشه هارا بهمزد . درهمین دقایقی بود که جمعی از وکلا بحوضخانهٔ مدرسه پناه برده ومادهٔ واحدهٔ را که درآتیه چگونگی آنرا خواهیم فهمید طرح و بسرعت برق امضاء مینمودند

چون ملت وسیلهٔ موفقیت را تحصیل کرده بود ازاین خون گرمی وکلا و طرح مزبور چندان حس امتنان ابراز نکرده چه آنکه خود میتوانستند مقصود را اجرا نمایند فقط تأثیری که داشت صاحبان امضارا از خطر محفوظ میداشت و حالا که وکلا نسبت بمستدعیات ملت توافق نظر نشان دادند لازم بود بار را بمنزل رسانیده و مادهٔ واحده را ازتصویب هیئت رسمی مجلس شورای ملی درمشهد ومنظر ملت یعنی جلسه علنی بگذرانند طرح مزبور درهشتم تهیه شد وبرای دوساعت بظهرمانده روز نهم آبان ماه جلسهٔ علنی مجلس شورای ملی اعلام گردید

﴿ طرح مخصوص ﴾

نظر باینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه وشکایاتیکه از این خانواده میشود بدرجهٔ رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند ـ نظر باینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفهٔ شورای ملی است وهرچه زودتر به بحران فعلی باید خاتمه داد امضاء کنند گان باقید دو فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید

(مادهٔ واحده ـ مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه‌را اعلام نموده وحکومت موقتی رادر حدود قانون اساسی وقوانین موضوعهٔ مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میکنند تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود)

داور ـ اخگر ـ عراقی ـ محمد نجات ـ عبدالله معتمد ـ کی استوان ـ دکتر امیر اعلم ـ حبیب‌الله شادلو سردار منتصر ـ رضا دامغانی ـ دیوان بیگی ـ عبدالله یاسائی ـ مفتي ـ رضاحکمت ـ محمد تقی ـ اسعد بختياري ـ میرزائی ـ شوشتری ـ رضا افشار ـ يحيي زنگينه ـ اعظمی هرمزی ـ ابراهیم ـ رضای رفیع ـ دکتر آقایان ـ سهراب زاده ـ سید ابراهیم ضیاء ـ میرزا آقا عصر انقلاب ـ وحید سعد ـ اسمعیل قشقائی ـ احمد شریعت زاده ـ دکتر حسین بهرامی ـ حبیب‌الله کمال‌وند علاءالدین ـ حسن ملك ـ مهدی زاهدی ـ اعتبار ـ حسین اسفندیاری حسن الحسینی ـ محمد ولی اسدی ـ عبدالرحمن صالحی لرستانی ـ سلیم ابزدی ـ نظامی ـ علیرضا الحسیني ـ حیدرقلی ـ سید عبدالحسین صدر حسین دادگر ـ طباطبائی دیبا ـ الاحقر دست غیب ـ عظیمی ـ صادق

اکبر - یوسف عدل - فرج‌الله - مرتضی بیات - سید کاظم - یعقوب الموسوی - امامي خوئی - لطف‌الله لیقوانی - محمدهاشم افسر - سیف‌الله اسکندری رضوی شیروانی - حسین صدرائي - محقق شیرازی - رضا مهدوی - محمد معظمی - سهراب ساکینیان - علی خطیبی - اسمعیل وکیل - سید محمد سلطانی - اسمعیل اصانلو - کازرونی - حائری زاده اسدالله کردستانی - شیخ جلال - محمد ولی - طاهری - حایم - محمد علی طهراني - رهنما

فاصلهٔ تقدیم لایحه به رئیس دولت و جلسهٔ مجلس شورا تقریباً هفده ساعت بیش نبود - و از ساعت افتتاح جلسه تا ختم آن نیز چهار ساعت طول نکشید

بیست و یکساعت از عمر ایرانی .گذشته - هیچ نمی توان دقایق آن را تقدیر و تقویم نمود

روزکار آبستن ساعات وضع حمل خود را نزدیك دیده و عارضه های تشنج آن را دچار اضطراب شدید نموده بود جزر ومد مخصوصی در عرض و طول سیاست ملت و دولت پدیدار گردید که گوئی دو قدرت دو قوه دو سلحشور در نهایت بغض و کینه رو بروی هم ایستاده یا بتمام معنا کلاویز و یا در جنك و جدال بودند - ولی چه باید کرد حربه یکی فوق العاده تیز و برنده و دیگری کند و کج وکوله - آری یکی حس و اراده و حاکمیت ملی را دست گرفته دیگری جز از دسیسه و نیرنك چیزی در دست نداشت .

بیست و یکساعت در کشمکش بودند که آثار فتح و فیروزی در پیشانی ملت و علائم مرك و زوال در چهره دربار پدیدار شد لایحه از طرف ملت برئیس دولت تقدیم شد وکلا نیز طرح خود را تهیه و امضاء نمودند موکبه شب در رسید و بروی تظاهرات پردهٔ تیره فام خود را کشید در زیر این پلاس قیرگون انسانها مستور ماندند دیگر چشم نمی توانست

قیافهٔ آنان را دیده و حسیات را میزان گیرد همه بدریای فکر فرو رفتند و طهران بساحل دریای اضطراب رسید و هر دقیقهٔ ممکن بود در این تاریکی هر یکی از این دو مبارزه (ملت ـ اصول توارث قاجاریه) یکی بدیگری شبیخون زند فقط در میان این دو هم نبرد پلیس و مامورین قلعه بیکی و امنیه جا گرفته و با یك رشادت و متانت اخلاقی در دل شب و ساعات پر هول و هراس با خون خود بازی و افراط و تفریط را تعدیل می نمودند

شب تیره و مخوف بدینموال دقایق خود را زد و ثانیه ها بآخر رسید طارقهٔ رخ نداد حادثهٔ سر نزد قضا و قدر که با شب آمده بودند نتوانستند کاری از پیش برده نه ملت بدربار هجوم و نه دربار بملت شبیخون زد آها ـ ها وقت و موقع رسید دیگر چشمهای منتظر ستاره شماریرا ترك کرد و یا ستاره کان که برای اشتعال فتنه از اول شب بمبارزین چشمك میزدند نتوانستند کاری از پیش برده و مغلوب خواب شدند ورفتند و یا آفتاب از کرانهٔ افق باردوی غمازان شب یورش برد اردوی نجوم را شکست و پراکنده کرد که هر کس در هر جا و هر کجا بود بعزم تماشای بهارستان براه افتاد تهاجم غریبی در اطراف مجلس پدیدار شد

صبح برآمد زکوه خنجر زردر برش گشته روان برافق خون ز سر خنجرش
صبح مشعبد صفت حقهٔ زرین بکف مهره گریزان شده از کف بازیگرش

مردم به بهارستان ریختند و در خیابانها مجال تردد باقی نماند زن و مرد پارلمان را احاطه و یا عرصهٔ دول (اسکریم) ملت وقاجاریه را احاطه کردند که پلیس با زحمت زیاد میتوانست برای عابرین راهی باز کرده وجادهٔ صاف کند ولی مساعی بهدر میرفت وامواج مردم بهم میریخت ومانند قطعات ابر بهاری دسته ها و جوقه ها توی هم فرو میرفتند وجزر ومد مخصوصی در کار بود و از توارد دسته جات و اتصال و انفصال امواج حقیقی برق میزد و عبارت از این بود که (ملت میتواند حاکمیت خود را اثبات

نماید ؟ ـ ملت میتواند ودیعهٔ را که سپرده استرداد کند ؟ ـ آیا ملت ایران در تعیین مقدارات خود آزاد نیست ؟ ـ)

﴿ جلسهٔ رسمی ﴾

قیل و قال و هیاهوی مزدحمین را زنگ ناطم مجلس پاره کرد و دوائر از خود بیادکار گذاشت یکی سکوت عمیق درفضای بهارستان وجلو مجلس تا حدود خیابانهای شاه آباد و چراغ برق و دیگری دعوت وکلا برای تصفیهٔ مقدرات ملت و یا (بپای حساب) .

تماشائیان نفس ها را پس کشیدند ـ خموشي سر تا سر فضا را فرا گرفت و همه بقعر دریای انتظار فرو رفتند تمام قوا در گوش ها مرکزیت یافت و دو قوه در این ساعت از طرف ملت کار می‌کرد یکی چشم در صفوف مقدم بمیدان رزم یعني اطاق رسمی مجلس و دیگری گوش در صفوف مؤخر

با اینکه صفوف مؤخر یقین داشتند که نمی توانند وضعیت جلسهٔ رسمی را تماشا کنند ولی بی اختیار گردنها کشیده و از تمام چشمها خطوط شعاعی به بهارستان و از بهارستان باطاق مخصوص جلسه متوجه بود باندازهٔ استعداد جایگاه تماشا چی مردم جای گرفتند و از تمام چشم ها شرارهٔ مخصوصی وکلارا احاطه کرده وکلا نیزدر رستاخیز اجتماعی و در پیشگاه قاضي وجدان نشستند و یا بمحاسبه دعوت شدند و جلسه در تحت ریاست (آقا سید محمد تدین نایب رئیس) تشکیل یافت ازدوساعت بظهر مانده مقدمات تشریفات جلسه شروع وسه ربع ساعت قبل از ظهر نهم ابان ماه است که صورت مجلس عصر پنجشنبه هفتم ابان ماه را آقا میرزا شهاب قرائت مینماید ـ و ما صورت تفصیلی جلسهٔشنبه نهم ابان ۱۳۰۴ مطابق ۱۳ربیع الثانی ۱۳۴۴ را عیناً نقل‌مینمائیم

﴿ صورت جلسه ﴾

نایب رئیس – آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال – در دستور عرض داشتم – نایب رئیس – آقای اخگر اخگر قبل از دستور

نایب رئیس – آقای نظامی

نظامی – فعلاً عرض ندارم

نایب رئیس – آقای علائی

علائی – خواستم عرض کنم آقای مستوفی .... جلو گیری بازنك

نایب رئیس – راجع بصورت مجلس فرمایشی دارید؟

علائی – بلي خواستم عرض کنم که آقای مستوفی را آقای رئیس‌الوزراء خواسته بودند قبل‌از رفتن ... زنك!

نایب رئیس – صحبت راجع بصورت مجلس است بعد فرمایش بکنید. – آقاي نجات (اجازه)

نجات – عرضی ندارم

نایب رئیس – آقای آصف

فرج الله خان آصف – چون بنده را جزء غایبین بي اجازه نوشته بودند خواستم عرض کنم که پریروز صبح بنده سر وقت حاضر شدم وبعد که فهمیدم که جلسه رسمي نمی شود مرخص شدم بنده یك مریضهٔ داشتم مجبور بودم ظهر مراجعت کردم و برای جلسهٔ غروب به بنده کسی اطلاع نداد

نایب رئیس – آقای ابوالحسن خان پیرنیا – ابوالحسن خان پیرنیا بنده هم خواستم همین را عرض کنم چون مجلس معمولی طرف صبح بود و صبح جلسه نشد وعصر فوق العاده بود کسی به بنده خبر نداد بنده هم بی اطلاع بودم

نایب رئیس – اصلاح میشود – آقای حائری‌زاده (اجازه) – حایری‌زاده

آقای آشتیانی و آقای آقا سید محیي الدین را جزء غایبین نوشته بودند درصورتیکه نظربنده هست حاضر بودند. فقط درموقع رای نبودند پس نباید جزء غایبین نوشته شوند

نایب رئیس – بعدازتحقیق اصلاح میشود – آقای افسر (اجازه) محمدهاشم میرزا افسر در اینموضوع عرضی ندارم

نایب رئیس – آقای هایم (اجازه) – هایم بنده راهم جزء غایبین بی‌اجازه نوشته بودند ولی‌بواسطه عارضه کسالت تحصیل اجازه کرده بودم بعدازظهر بهمین ملاحظه نیامده بودم

نایب رئیس – بعداز مراجعه بکمیسیون اصلاح میشود. نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست ؟

زعیم بنده عرض دارم

نایب رئیس – آقای زعیم (اجازه) زعیم – همانطور بنده را غایب بی اجازه نوشتند درصورتیکه بنده هم مطلع نبودم خواهش میکنم اصلاح شود

نایت رئیس – این هم اصلاح میشود – دیگر بصورت مجلس ایرادی نیست؟

وکلا – خیر

نایب رئیس – صورت مجلس تصویب شد – قبل از ورود در دستور سه فقره خبر از کمیسیون عرایض ومرخصی تقدیم مجلس شده است که یکی یکی بعرض مجلس میرسد – خبر اول راجع بمرخصی شاهزاده محمد هاشم میرزا است از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده است

مدرس – اخطار قانونی دارم!

نایب رئیس – راجع بچه چیز ؟ – راجع بخبر کمیسیون است ؟

مدرس – اجازه بدهید تاعرض کنم که راجع بچه چیز است – یك مسئله مقدم بر اینها ست اخطار قانونی دارم اجازه میدهید عرض کنم

نایب رئیس – بعد ازاین ممکن است اجازه بگیرید صحبت بفرمائید

مدرس – درجلسهٔ رسمی اخطار قانونی مقدم است

نایب رئیس – مقصودتان اخطار نظامنامه ایست ؟

مدرس – مگر نظامنامه قانون نیست ؟ – باید استعفای رئیس را بخوانید

نایب رئیس – آقای داور (اجازه) – داور البته اخطاریکه حضرت آقای مدرس فرمودند ایشان حق داشتند و البته هر وکیلی میتواند هر ماده از نظامنامه را اخطار کند ولی معمول مجلس و سابقه براین بوده است که هروقت یك عدهٔ بایك رأی زیادی به یك رئیس رأی دادند برای انکه استعفا داده نمی باید استعفا نامه را قرائت کنند می شنویم آقای مستوفی استعفا داده اند همانطوریکه راجع بآقای میرزا حسینخان پیرنیا چندین روز مجلس عمل کرد و استعفای ایشانرا قرائت نکرد همانطور درمورد آقای مستوفی تصور میکنم هیچ اجباری برای ما نیست که آن استعفا را قرائت کنیم باید اقدام کنیم بلکه ایشان را متقاعد کنیم وقتی که بکلی مایوس شدیم آنوقت استعفاء را قرائت میکنیم

نایب رئیس – آقای مدرس (اجازه) – مدرس ما اقدام کردیم و ایشان متقاعد نشدند و امروز هم مجدداً نوشته اند که من استعفا کرده ام چرا پریروز استعفاء مرا قرائت نکردید؟ و نوشته اش هم پیش آقای علائی است پنج روز دنبال کردیم و ایشان قبول نکردند لهذا بمقتضای نظامنامه قبل از همه چیز استعفا را بخوانند بعد که رئیس معین کردند آنوقت جلسه رسمیت پیدا کند

نایب رئیس – بنده ناچارم در مقابل اخطار نظامنامهٔ آقای مدرس توضیحاتی بدهم پریروز قبل از ظهر مراسلهٔ از طرف آقای مستوفی توسط ارباب کیخسرو به بنده رسید و چون پریروز موقع پیدا نشد بعرض آقایان برسانم همینطور ماند ولی مفاد اینمراسله که بعرض آقایان ممکن است برسد صریح است بامتناع از قبول ریاست نه استعفا بنا بر این مشمول (مادهٔ ۱۱) نظامنامه نمی شود که بطور الزام و فوریت این موضوع در مجلس قرائت شود و بعد رئیس انتخاب شود

مادهٔ (۱۱) بعرض آقایان میرسد

مادهٔ (۱۱) اگر رئیس قبل از انقضاء مدت ریاست استعفا و یا فوت نمود مسن ترین نائبان رئیس مجلس را منعقد و استعفا نامه را قرائت یا فوت را اعلام کرده مجلس را ختم میکند و در ظرف سه روز در تحت ریاست همان نایب رئیس مجدد مجلس منعقد و بطوریکه در ماده ذکر شد رئیس انتخاب می شود

نایب رئیس ـ این ماده (۱۱) دائراست بانصورتیکه رئیس اشتغال بخدمت حاصل کرده باشد مراسلهٔ آقای مستوفی هم قرائت میشود

داور ـ اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس ـ اجازه بدهید قرائت شود تا مسئله حل شود

(مراسلهٔ مستوفي)

۷ آبان ماه ۱۳۰۴ مقام مقدس مجلس شورای ملي پس از تشکر ازحسن ظنی که نمایندگان محترم نسبت به بنده ابراز داشته اند تصدیع میدهد که بعلل چندی در جواب تلفون آقای نایب رئیس امتناع از مقام ریاست عرض کرده ام چون از قرار معلوم رسمی تلقی نفرموده اند این است که کتباً بعرض میرسانم

نایب رئیس ـ بعقیدهٔ بنده شامل مادهٔ ۱۱ نیست فوریت را ایجاب نمی کند

بعضی از نمایندگان ـ صحیح است

مدرس ـ ورقهٔ امروز را بدهید بخوانند

نایب رئیس ـ ورقهٔ امروز هم همین است

(مراسلهٔ مستوفي)

روز سه شنبه اینجانب امتناع و استعفاء خود را از مقام ریاست بآقای نایب رئیس داده‌ام و نمیدانم چه شده است که تابحال قرائت نشده است ؟ (حسن)

نایب رئیس ـ این اخبار ازاین است که قبلاً مراسلهٔ به بنده نوشته شده است عین مراسله هم همان است

مدرس ـ اجازه ـ مدرس بنده خواهش دارم فورمل استعفا را بفرمائید؟ چون بعداز این محل ابتلا میشود استعفا یعنی طلب عفو یعني اینکه برمن تحمیل کرده اید من طلب عفو میکنیم این معنی استعفا است هم ورقهٔ اول استعفا بوده وهم ورقهٔ دوم مینویسد که من استعفای خودم را دادم چرا نخواندید و من از آقایان تقاضا میکنم مطلب را بیك صورتی در آوریم که مردم لااقل بدانند که ما میخواهیم یك صورت قانونی درست کنیم استعفاء یعنی طلب عفو هم پریروزی استعفا بوده است هم امروز می گوید اینکه مرا رئیس کرده اید من طلب عفو میکنم نظامنامه هم میگوید استعفاء رئیس را باید در جلسهٔ اول خوانده و بعد رئیس را معین کرد تامجلس قانونی بشود شما میخواهید قانونی نشود؟ نشود!

نایب رئیس ـ آقای آقاسید یعقوب ـ اجازه ـ آقا سید یعقوب فرمایشی که آقای مدرس فرمودند درواقع مسئله علمی است چنانکه درکاغذی هم که آقای پیرنیا نوشته بودند بنده در جلسهٔ خصوصی عرض کردم که این مسئله مسئلهٔ علمی است و هریك ازماها از این عبارت نظامنامه چیزی می فهمیم و عبارت نظامنامه این است که آن کسیکه اشتغال داشته باشد بعمل عبارت این است رئیس که مشغول بعمل است و در عمل داخل شده اگردرضمن عمل خواست استعفا بدهد ولی اینمورد ازاول عدم دخول است نه اینکه داخل شده واستعفا کرده ویافوت کرده است مادهٔ نظامنامه مصرح این معنی است وخود آیت الله آقای مدرس میدانند یك مملکتی که درحال انقلاب و بحران است مانمیتوانیم بواسطهٔ یك کلمه که صریح است در معنی ومابخواهیم نظامنامه را ازاین معنای صحیحش برگردانیم مملکت را دراین حال انقلاب باضطراب بیندازیم با اینکه اول تکلیف ما این است که عبارت نظامنامه هرچه باشد منطبق کنیم وجلو انقلابات وبحران را بگیریم من از آقای مدرس

سؤال میکنم قبل از انقضاء مدت معینش این نیست که مشغول باشد؟ و
درحال اشتغال فوت کند؟ یا استعفا بدهد؟
این خود عدم قبول است نه داخل شدن واستعفا این عبارت صریح است و
فارسی است ودست هرکس که بدهیم خواهیم دید معنایش همین است با
اینکه قرینه هم ما داریم که باید عبارت را اینطور معنی بکنیم مجلس هم
رسمی است و اول تکلیف ما خاتمه دادن به بحران ها و انقلابات است
چنانکه درغالب مسائل مقدم آقای مدرس بوده اند بنده استدعا میکنم
که این عبارت صریح الدلاله و واضح المعنی را برهمان معنای خودبدانند
ومجلس هم رسمی است وقانونی است وبهترین جلسات امروز است وسعادت
هم دراین است این بود عرایض بنده
جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است - مدرس - رای بگیرید - نایب
رئیس بچه؟ - مدرس باینکه مذاکرات کافی است یانه؟
نایب رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکراترا کافی
میدانند قیام نمایند [جمع کثیري قیام نمودند]
نایب رئیس - تصویب شد - پیشنهادی ازطرف آقای مدرس قرائت شد
پیشنهاد میکنم که نظر باینکه مطلب مهمی درکار است استعفای رئیس
خوانده شود وعصری مجلس تشکیل شده تعیین شود بعداز رسمیت وارد
دستور شویم
مدرس - بنده که همه آقایان میدانند ده وبیست روز بود که ناخوش
بودم لیکن هرروز که حالم جا میآمد این کاغذ ها وتلگرافات که آمده
بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیعت نگاه میکردم هی میدیدم ازاطراف
تلگراف میآید اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالا همانطور که آقای آقا
سید یعقوب میفرمایند وبه آقایانی که بیرون هستند میدانند چه واقعه
مهمی است بنده که واقعه مهم نمیدانم حالا نظر باینکه میفرمائید واقعه
مهم است پس باید مجلس هم کامل العیار باشد ما که از اینجا درنمیرویم

ما که وقایع مهمه را دراین شانزده سال خیلي دیده ایم این هم یك واقعه بواسطه اینکه مجلس ازهر جهتی بی عیب باشد
استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر هم آقایان میآیند بنده هم که کسالت دارم میآیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین میکنم آنوقت واردهرمسئلهٔ که میخواهیدبشوید مسئله مهم خیلی این مجلس دیده است این هم یکی و الان تا عصرهم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایش عیب میکند و این وکلا هم بنده قول میدهم هیچکدام ازطهران بیرون نروند و تشریف داشته باشند - اگر این تقاضای من مشروع است بشنوید و الا از بنده گفتن است شما میخواهید بشنوید نمی خواهید نشنوید استعفای رئیس را حالا بخوانید عصر هم میآئیم خدمت آقایان و رای میدهیم بهرکس که صلاح میدانید رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئلهٔ مهم را عنوان میکنیم ما از این مسئله مهم که آقای آسید یعقوب چکیده انقلاب و مشروطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا ازمیدان دربرویم حالا نباشد عصر باشد حالا دیگر می پسندید به پسندید نمی‌پسندید خود دانید نایب رئیس - آقای داور (اجازه)
داور بنده میخواستم تمنا کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را باین اندازه تکرار نفرمایند که (مجلس بی عیب باشد) واگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یك وقت مسائل از نقطهٔ نظر احساسات است دراینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلان شخص و نخواندن فلان کاغذیك عیبی را داردو یك وقت ازنقطه نظر یك اصولي و قانونی است ؟
مدرس - قانون است
داور - بنده تصور میکنم هیچ دلیل قانونی نمیتوانند آقای مدرس ذکر بفرمائید برای اینکه اگر مجلس چنانکه تا بحال عمل کرده و بمحض اینکه استعفای رئیس رسیده نخوانده است این مرتبه هم ممکن است

همانطور عمل کند و اگر ایشان هنوز نتوانسته اند آقای مستوفی را متقاعد بکنند ماهنوز مأیوس نشده ایم که نتوانیم ایشان را متقاعد کنیم بنا بر این دیگر در اینخصوص بیشتر از این اصرار نفرمایند حالا اگر واقعاً مقصود این است که این تعبیر شود که استعفا است و خوانده شود و مجلس را در بحران بیندازیم البته اشخاصی که موافق هستند که باید این کار را کرد ومقصود نه مادهٔ یازدهم نظامنامه است البته این یک موضوع علیحده است . بنده که این تعبیر را نمیخواهم بکنم و خوب است بیش از این در اینموضوع مذاکره نکنیم

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهادآقای مدرس آقایانیکه تصویب میکنند قیام بفرمایند (چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس — تصویب نشد . خبر کمیسیون عرایض بعرض آقایان برسد (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای محمد هاشم میرزا افسر نمایندهٔ محترم تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تصویب مینماید که از تاریخ حرکت لغایت دو ماه غایب مجاز باشد

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟ آقای افسر فرمایشي دارید

افسر - بنده سه ماه مرخصی خواسته ام حالا دو ماه نوشته اند نمیدانم مقصود کمیسیون چه بوده است ؟ شوشتری مخبر کمیسیون عرایض - کمیسیون دو ماه بیشتر رأی نداد

نایب رئیس - رای میگیریم به مرخصی آقای افسر از تاریخ حرکت تا دو ماه آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر دیگر راجع بمرخصّی دو ماههٔ دکتر امیر خان اعلم از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده (بمضمون ذیل قرائت شد)

آقای دکتر امیر خان اعلم نمایندهٔ محترم تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ

حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشانرا پذیرفته تصویب مینماید
نایب رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)
نایب رئیس - رای میگیریم بمفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب بر خاستند)
نایب رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی چهل و پنجروزهٔ آقای شوشتری است از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده (به این مضموی خواند شد)
آقای شوشتری نمایندهٔ محترم تقاضای ٤٥ روز دیگر مرخصی نموده دلائل ایشان را کمیسیون موجه دانسته تصویب مینماید که از تاریخ حرکت لغایت چهل و پنج روزه غایب مجاز باشد
نایب رئیس رای میگیریم به مرخصی آقای شوشتری بمدت چهل و پنج روز آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد. آقای آقا شیخ جلال؟ راجع به دستور فرمایش داشتید؟
آقا شیخ جلال - بلی راجع بمسائل جاری پیشنهادی از طرف عدهٔ زیادی از آقایان امضا شده و تقدیم مقام ریاست شده تقاضا میکنم جزو دستور شود
نایب رئیس - نسبت به این پیشنهاد مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)
نایب رئیس - قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)
(نظر به اینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و شکایاتیکه از این خانواده میشود بدرجهٔ رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند نظر به اینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفهٔ مجلس شورای ملی است وهرچه زودتر به بحران فعلی خاتمه باید داد امضا کنندگان با قید دو فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید
ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه‌را اعلام نموده وحکومت موقتی‌را درحدود قانون اساسی وقوانین

موضوعه مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میدماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ر۳۷ر۳۸ر۴۰ متمم قانون اساسي تشکیل میشود)

مدرس - اخطار قانونی دارم !.

نایب رئیس - راجع بهمین پیشنهاد است ؟

مدرس - بلی !.

نایب رئیس - ماده اش را بفرمائید؟

مدرس - ماده اش این است که خلاف قانون اساسی است !

نایب رئیس - در موقعش صحبت بفرمائید

مدرس - اخطار قانونی است که خلاف قانون اساسی است و نمیشود در اینجا طرح کرد (در حال خروج) . صد هزار رأی هم بدهید خلاف قانون است !

نایب رئیس - آقای اخگر ؟

اخگر - موافقم

نایب رئیس - آقای مصدق السلطنه ؟

مصدق السلطنه - در خود موضوع عرض دارم

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - موافقم

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال ؟

آقاشیخ جلال موافقم

نایب رئیس آقای تقی زاده ؟

تقی زاده - در اصل موضوع عرض دارم

نایب رئیس - آقاي یاسائی ؟

یاسائی - موافقم

نایب رئیس - آقای دادگر ؟

دادگر ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای نظامی ؟

نظامی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده ؟

شریعت زاده ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای علائی ؟

علائی ـ دراصل موضوع عرض دارم

نایب رئیس ـ رای میگیریم بفوریت اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام بفرمایند (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس ـ تصویب شد. رای میگیریم بفوریت قسم ثانی آقایانی که موافقند قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند)

نایب رئیس ـ تصویب شد. آقای مصدق السلطنه (حاضر نبودند)

نایب رئیس ـ آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده ـ بنده میخواهم پیش از مطلب عرض کنم چه مسائل متعارفی جاریه و چه مسائل اساسي که در مجلس شورای ملي مطرح میشود خوبست دراین هوا واقعی که دیده میشود (مثلاً در ابتدای مجلس گفته شد که باید استعفاي رئیس خوانده نشود یکی گفت باید خوانده شودو یکی گفت مقصود این است که فلان بشنود) ماهمه وکیل وبرادریم و از طرف ملت وکیل شده ایم باهمدیگر هم غرضی نداریم خدا را هم شاهد میگیرم بنده که نه دراین باب و نه در باب های دیگر با احدی از آقایان وکلا نه میخواهم احداث مشکل کرده باشم ونه میخواهم جلو راه حل‌را بگیرم اما بنده که اینجا ایستاده ام میخواهم عرض کنم اگر آقایان اجازه بدهند و صلاح بدانند در مملکت های دیگر میگویند مجلس ملی در این مملکت گفته میشود مجلس شورای ملی در مجلس مشورت میشود در کار یکی اینطور بنظرش میرسد ویکی طور دیگر. هردو صلاح وصرفهٔ مملکت

را میگویند ما هم آنچه بنظرمان میرسد میگوئیم مطلب واضح است در خود اطراف کار نمیخواهم حرف بزنم در مملکت بحران پیداشده بعضیها میخواهند اینکار زودتر حل شود وبعضی ها میخواهند فلان کار درست بشود بنده اساساً ترجیح میدادم اگر آقایان عرایض مرا قبول میکردند که اینکار باین تعجیل و به این فوری شود هیچ نشود که خدای نکرده اسم فشار رویش گذاشته شود. ما میدانیم همه ماها بموجب قانون اساسی امنیت داریم ودولت دولت امنیت است وما باین دولت اینقدر محبت و اینقدر خیر خواهی که داشته ایم بزرگترین دلیل شخص بنده امنیتي است که ایجاد کرده ونه از وکلا نه از تماشاچی یك فرد واحد پیدا نمیشود یك در هزار یا یك درملیون که به بنده بگوید که من خیر خواه دولت حالیه نیستم خدارا شاهد میگیرم الان که در اینجا حرف میزنم و پیش از اینکه حرف بزنم اشخاص متفرقه وکیل و اشخاص مسؤل به من گفتند حرف نزنید حرف زدن صلاح نیست برای اینکه خطر دارد! . . .

اخگر ـ اینطور نیست

تقی زاده ـ بنده خودم هم میدانم که اینطور نیست . بنده الان اینجا حرف میزنم وظهر هم میروم منزل نهار میخورم عصر هم میآیم هیچ اینطور نیست . یکسال دیگر هم بااین اشخاص کار میکنم باکمال محبت وفداکاری و خدارا شاهد میگیرم که این حرف را که میگویم محض خیر خواهی مملکت وخیر خواهی همان شخص است که زمام امور مملکت را دردست دارد ومن خیر اورا میخواهم واز جان خودم بیشتر اورا میخواهم حالا شرح نمیدهم که اوضاع چه خبر است که یکی بگوید صحیح است یکی بگوید صحیح نیست ولی ترجیح میدادم که رجوع شود به یك کمیسیون چون ممکن است راه حل بهتر وقانونی تری پیدا شود که هیچ خدشه و سوسهٔ درکار پیدا نباشد ولي از قراریکه میشنوم این مقبول نخواهد شد. در اینصورت بنده شخصاً یکنفر در مقابل خدا و در مقابل این ملت

که مرا انتخاب کرده و در مقابل مملکت و در مقابل تاریخ خودمان و در مقابل نسلهای آیندهٔ این ملت میگویم که بعقیدهٔ بنده این وضع مطابق قانون اساسی نیست وصلاح هم نیست برای این مملکت بنده میگویم بعد از آن اکثریت قطع میکنند

مطلب رابنده عرض کردم باین ترتیب اگر میخواهید کمیسیون درست بکنید وفکری بکنید و ترتیب مرتب تری درست کنید بعضی از آقایان قانون دان های مجلس هم دراین کار بوده اند ایشان شاید یك نظر بانی داشته باشند حالا اینکه آقای داور میفرمایند مطابق است من عرضی ندارم !. اما یکی دیگر شاید یك حرفی دارد ؟ !. اسم وفعل وحرف ـ فعل را بنده نمیگویم شاید یك کسی یك گلهٔ دارد که میخواهد بگوید اگر اینطور بود شاید بهتر بود و بصلاح خود اشخاص که باین کار مایلند بهتر بود اگر این را اجازه ندهند گفته شود سوسه درکار پیدا میشود و مطابق صلاح خودشان نیست بنده غیر از این یك کلمه چیزی عرض نمیکنم وبرای این همه چیزرا فدا میکنم وخدا را شاهد میگیرم وملت و مملکتی که مرا وکیل کرده است شاهد میگیرم و در مقابل تاریخ و در مقابل نسلهای آینده میگویم که این کار به این ترتیب مطابق قوانین اساسی مملکت نیست و مطابق صلاح مملکت هم نیست . بیشتر ازاین حرف زدن هم صلاح نیست همه میدانند آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است (آقای تقی زاده خارج شدند !.)

نایب رئیس ـ آقای علائی (اجازه)

علائی ـ مخالفم !.

نایب رئیس ـ پس تامل بفرمائید آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید ـ یعقوب ـ بنده خیلی میل داشتم که آقای تقی زاده تشریف نبرند و عرایض بنده را بشنوند و حقیقتاً همانطورکه بیان کردند بنده هم همین حسن عقیده را در بارهٔ ایشان دارم ولی یك مسئلهٔ را در اینجا اظهار کردند که لازم‌است جواب عرض کنم این مسئله در همین مملکت دوسابقه دارد

و این سابقه در حقیقت بمنزلهٔ یکی از مواد قانون اساسی برای ما واقع شده و الان بنده مراتب را بعرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم بعد از آنکه مجلس شورای ملی را توپ بستند و آن ترتیبی که میدانید پیش آمد و استبداد صغیر واقع شد در مجلس اول قانون اساسی و متمم آن نوشته شده و در جزو اول قانون اساسی نوشته شده بود نمایندگان مجلس شورای ملي باید دویست نفر باشند انتخاب هم بطور طبقاتی بود و بهمان ترتیبی که وکلای دورهٔ اول که جزاهم الله علی الاسم خیرا که بعقیده بنده بهترین وکلا بودند و بهترین خدمات را برای مملکت نمودند و این قانون اساسی را در مقابل قوهٔ قاهره و جبر و استبداد دربارها نوشتند انتخاب شدند و بنده حقیقة همیشه از زحمات وکلای آن دوره شکر گذاری میکنم زیرا قانون اساسی را باخلوص نیت و بایك روح آزادی خواهی برای ما گرفتند . پس از آنکه مجلس توپ بسته شد و آزادی خواهان در تمام اقطار ایران منتشر شدند از مرکز و آذربایجان ازفارس و بالاخره از تمام مملکت صدای خواستن مشروطیت بلند شد تا اینکه خدا خواست و قوهٔ ملی غلبه کرد و دربارها ناچار شدند که در مقابل قوای ملی تسلیم شوند و مشروطیت را اعاده دهند نه این بود که مشروطیت را مفت بما دادند بلکه آزادی خواهان حبس شدند وایستادگی کردند تا اینکه آنهارا وادار کردند که مشروطیت بدهند آنوقت گفتند که ما حاضریم مشرطیت بملت بدهیم وهمین آقای تقی‌زاده که در دورهٔ اول یکی از نمایندگان مبرّز ما بودند چه فریاد ها برای این قانون اساسی میزدند و چه کارها کردند که حالا یك قدمش را در اینجا میخواهم برداریم . داد و فریاد های آقای تقی زاده درروزنامجات پر است خلاصه درباغ شاه کمیسیونی تشکیل شد وآن کمیسیون رجوع کرد به انجمن آذربایجان (که حالا نماینده محترم آقای داور میخواهند بطور مفصل بعرض آقایان برسانند) انجمن های ایالتی و ولایتی تمام نقاط اختیار دادند به انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن ایالتی آذربایجان هم

اختیار داد به کمیسیونی که در اینجا تشکیل شده بود و چهار پنج ماده از مواد قانون اساسی را تغییر دادند و بعضی از آن مواد راجع به انتخابات بود که بعقیدهٔ بنده خیلی مهم است زیرا آن مواد تاسیس حکومت ملی میکند و بنده حق حاکمیت ملت را در آن مواد قانون انتخابات میدانم غرض این است مواد راجع به انتخابات را که پایهٔ حکومت ملی بر آن است تغییر دادند به چه سابقه آنها را تغییر دادند؟ بواسطه اینکه چون در مملکت انقلاب شده بود و میخواستند بجوشش و انقلاب مملکت خاتمه بدهند لذا با این عنوان آمدند و این کار را کردند در دورهٔ دوم ناصرالملك که نایب السلطنه وقت بود پیشنهاد کرد که نمایندگانی که برای دورهٔ سوم انتخاب میشوند خواست درموادی ازقانون اساسی که راجع بحکومت ملی است یك انگشتی ببرند بنده میخواهم دراینجا وارد (پرانتز) بشوم و عرض کنم عقیدهٔ ناصر الملك این بود که نمایندگانی که میآیند باید شریك دراین مسؤلیت باشند ونمایندگان باین حق منتخب شدند وآمدند وحاضر هم شدند که این مسئله را انجام دهند نهایت جنك بین المللی و آن انقلاباتی که همه میدانند پیش آمد یازده ماه بیشتر ازعمر مجلس نگذشت که مجلس تعطیل شد و آن انقلابات که همه میدانید پیش آمد ومجلس را خاتمه داد ما که صد سال نیست مشروطه شده ایم نهایت پانزده شانزده سال است و در این مدت پانزده و شانزده سال هم قانون اساسی با این سوابقی که می بینید واقع شده پس سابقه قانونی در دست داریم

در دورهٔ اول که هیئت مؤسسان بود و خیلی خوب هیئتی هم بود و از مبرزین ایران هم بودند و بسیار زحمت کشیدند در دورهٔ دوم آمدند و مواد قانون اساسی که راجع بانتخابات و حق حکومت و سلطنت ملی بود و انتخاب را که بطور طبقاتی بود تغییر دادند و بطور دو درجه کردند بان شکلی که همه میدانید واقع شد امروز هم همینطور است آتش را چقدر میشود در تحت خاکستر مستور کرد؟ این آتش است که از تمام

نقاط سر بدر آورده !. و در کانون آزادیخواهان از آن وقتی که پایه مشروطیت گذاشته اند شعله کشیده !. و از اول داد و فریاد همه همین بود و بنده که به تصدیق خود حضرت آقای مدرس یکی از انقلابیهای درجهٔ اول بودیم هم فریاد میزدم که باید خاتمه داد باین خوانواده زیرا برای کار تازه مرد تازه لازم است شاهزاده سلیمان میرزا و اشخاص دیگری هم هستند که در مشروطیت پیش قدم بودند با بنده رفتیم و آن چراغان وآتش بازیرا بهم زدیم غرض این است که از همان اول عقیدهٔ ما این بود که این درخت خشکیده است و باید او را کند و درخت برومندی بجای آن غرس کرد که آن درخت برومند سایه افکن بشود و مات از آن استفاده کنند این چیزی بود که بنظر ماها که به فرنك نرفته بودیم و در اینجا تحصیل کرده بودیم میرسید و عقیده داشتیم که این درخت خشکیده وباید آن را کند و نهال تازهٔ بجای آن کاشت منتهي ما چون مشرق زمینی ویك ملت اتکالی هستیم از این جهت مسئله از امروز بفردا و از فردا به پس فردا می اندازیم مسئله همینطور بود تا دو سال قبل تاریخ آزادی خواهان ایران و انقلاب ایران را نگاه کنید و ملاحظه کنید کدام آزادیخواه و انقلابی در مملکت بود که بسعادت ایران علاقه مند بود و عقیده نداشت که این درخت را باید کند ؟!

مرحوم آقا سید جمال الدین افغانی که رئیس الاحرار است ومرحوم میرزا آقاخان کرمانی‌ودیگران که از ترشحات قلم آنها که این همه مردم بیدار وهشیار شده اند همه داد و فریاد میزدند که چاره نیست و ملتي که میخواهد زندگی کند باید حیات تازه پیدا کند و برای نیل بسعادت تازه ناچار است که درخت کهنه را بکنند و دور اندازد نظر باین مسئله آتش بلند شد تا اینکه الان از تمام مملکت سر بیرون آورده از آذربایجان از فارس و کرمان و از گیلان محمره و طهران از همه جا آتش بلند است مگر نمی بینید چه خبر است ؟! حکومت با خود ملت و تعیین سلطنت با ملت است و اولین

وظیفه مجلس خاتمه دادن بانقلاب است کجا این مسئله مخالف قانون اساسی است ؟! بهترین قدمي که مجلس میخواهد بر دارد همین است . که بانقلابات امروزه که در تمام مملکت هست خاتمه دهد و سعادت ملت را تأمین کند پس در جواب فرمایش آقای تقی زاده که میفرمایند این مسئله بر خلاف قانون اساسي است با اینکه نهایت عقیده را بایشان دارم لازم است عرض کنم که این مسئله خلاف قانون اساسی نیست بلکه عین قانون است

نایب رئیس - آقای علائی (اجازه)

آقایان همه میدانند که بنده شهوت کلام ندارم و ماجرا جو هم نیستم و حتی المقدور میل دارم که قضایا به خون سردی گذشته باشد ولی در عین حال وجدان یکنفر وکیل هیچ اجازه نمی‌دهد که در مقابل یك جریانات خلاف قانونی سکوت اختیار کرده و تسلیم قضایا و حوادث شود بنده بطور واقع و مختصر عرض می کنم که ما ها هیچ اختیار نداریم که وارد در این مذاکره و طرح این مسئله بشویم زیرا رای دادن بـه همچو طرحی را بنده بکلی مخالف قانون اساسی که ما حافظ آن هستیم میدانم و قطع نظر از اینکه مخالف قانون میدانم این پیشنهاد را مخالف صلاح مملکت میدانم زیرا یك بابی مفتوح خواهدشدکه برای مملکت مضر خواهد بود

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - از آقایانیکه در آنجا اظهار مخالفت نسبت باین طرح کردند همچو استنباط شد که ناظر هستند بحفظ قانون اساسی بنده خیلی میل داشتم که آقای علائی تشریف میداشتند و جواب بنده را می شنیدند حالا هم که تشریف ندارند البته بگوششان خواهد رسید بنده از سوابق قانون اساسي درست اطلاع ندارم که به چه طور تدوین شده و اشخاصی که تدوین کرده اند چه جنبهٔ داشته اند ؟ ولی بهر حال حالا در نزد ما یك قانون مقدس است چیزی که هست این است که در ادوار گذشته مجلس شورای

ملی یك قسمت از مواد آن را بموجب قانونی که از مجلس گذرانده است نقض کرده و حالابنده آن مواد را می خوانم تا آقایان بدانند که این یك سابقه نیست که حالا میخواهیم بگذرانیم

اصل چهار قانون اساسی است که بنده میخوانم (عدهٔ انتخاب شوندگان بموجب انتخاب نامهٔ علیحده برای طهران وولایات فعلاً صد وشصت و دو نفر معین شده است که در قانون انتخابات صد و سی و شش نفر معین میشود بنده این را از آقایان سؤال میکنم که چرا اینطور شده است ؟

بااینکه در اصل چهارم قانون اساسی تصریح شده است که عدهٔ نمایندگان صدو شصت و دونفر است ولدی الاقتضاء به دویست نفرهم میرسد معذلك صد و سی وشش نفر معین شده اصل ششم میگوید

(منتخبین طهران لدی الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه ومذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات باکثریت مناط واجراست) این ماده کجا اجرا شده ؟ عملي هم نیست که دوازده نفر وکلای طهران بیایند وبنشینند و مقررات مملکت را در دست بگیرند و در غیبت منتخبین ولایات کی عملی واقع میشود بلکه امروزه برخلاف آن عمل میشود زیرا گفته میشود تانصف بعلاوهٔ یك از وکلا حاضر نشوند مجلس رسمیت ندارد پس بنده میخواهم عرض کنم که این موادرا بموجب قانون بعد نقض کرده اند و این ماده وجود خارجی ندارد یعنی قانون بعد آمده اورا نقض کرده است . ودراین موضوع هم نظری به از بین بردن قانون اساسی نداریم و از این جهة پیش نهاد کرده ایم که مجلس مؤسسانی تشکیل شود و راجع به سه چهار ماده که در خصوص حقوق سلطنت است تجدید نظر کند و تکلیف قطعی حکومت مملکت را درآتیه معین کند و تصور میکنم نگراني آقایان مخالفین هم اینقدرها مورد ندارد . زیرا مجلس مؤسسان ناچار از اشخاصی انتخاب خواهد شد که دارای حس وطن پرستی خواهندبود ومعلوم نیست حس وطن پرستی کسانی

که برای آتیه انتخاب میشوند کمتر از آقایان حاضر باشد . و البته اگر ما نتوانیم موادی که در قانون اساسی هست و عملی نشده است آنها را هم اختیار بدهیم بمجلس مؤسسان که در آنها تجدید نظر بکنند بنظر بنده بسعادت مملکت نزدیک تر است . مثلاً موادی در این قانون راجع به دیوان محاسبات هست که عملی نشده و درقانون عادی که بعد وضع شده برخلاف آن رفتار شده وآن ماده قانون اساسی عملاً ملغی شده . همینطور در مادهٔ که میگوید : دورهٔ وکالت دوسال است چه ضرر دارد حالا که مجلس مؤسسان تشکیل میشود این مواد را هم تغییر بدهند . این عقیدهٔ بنده هست

جمعی از نمایندگان . خیر ــ این مواد ملغی نشده است .

یاسائی ــ بهرحال بنظر بنده اشکالی ندارد که در این مواد هم تجدید نظری بشود . حالا هم این یك طرحی است که این آقایان پیش نهاد کرده اند وبنده هم امضا کرده ام

نایب رئیس ــ آقای داور (اجازه)

داور ــ موافقم

نایب رئیس ــ آقای اخگر (اجازه)

اخگر ــ موافقم

نایب رئیس ــ آقای نظامی (اجازه)

نظامی ــ موافقم

نایب رئیس ــ آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده ــ موافقم

نایب رئیس ــ آقای دادگر (اجازه)

دادگر ــ بنده هم موافقم

نایب رئیس ــ آقای افشار (اجازه)

افشار ــ موافقم . پس ازیك مخالف

نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده هم موافقم

نایب رئیس - آقای دکتر محمد خان مصدق (اجازه)

دکتر محمد خان مصدق - بنده در سال گذشته در حضور نمایندگان محترم بکلام الله مجید قسم یاد کردم که به مملکت وملت خیانت نکنم . آن ساعتی که قسم خوردم مسلمان بودم و حالا هم مسلمان هستم واز آقایان تمنی دارم باحترام این قرآن برخیزید (در این موقع کلام الله مجید را از بغل خود بیرون آورده و حضار قیام نمودند) و در حضور همهٔ آقایان بنده شهادت خودم‌را میگویم (اشهد ان لااله الاالله - اشهدان محمداً رسول‌الله - اشهدان علیاً ولي الله) من شخصی بودم مسلمان و باین کلام الله قسم یاد کرده‌ام واین ساعت هم‌این کلام الله خصم مرابکند اگردرعقیدهٔ خودم یك‌اختلاف وتفاوتی حاصل‌کرده باشم من بودم که‌هستم وامروز هم‌اگریك چیزی برخلاف مصالح مملکت بعقل ناقص خودم به بینم خودم را ناچار میدانم که برای حفظ مملکت وحفظ قومیت و بقای اسلامیت از اظهار عقیده خود داری نکنم. بنده همه آقایانیکه اینجا تشریف دارند غیر ازآقایانیکه ازملل متنوعه هستند همه را مسلمان و هوا خواه مملکت وطرف دار اصلاحات میدانم وخودم هم نمیتوانم از اظهار عقیده خود داری کنم . آقایان میدانند که بنده حرفم از روی عقیده است و هیچوقت تابع هوا و هوس و نظریات شخصی نیست امروز هم روزی نیست که کسی دراینجا نظریات شخصی بخرج بدهد و اگر کسی پیدا شود که نظریات مملکتی و ملتی و اسلامی خود را اظهار نکند بنده او را پست و بیشرف و مستحق قتل میدانم اول لازم است که بنده یك عقیدهٔ نسبت بشخص آقای رئیس الوزراء اظهار کنم بعد نسبت بسلاطین قاجار و بعد هم عقیدهٔ خودم را در بارهٔ اصول قانون اساسی عرض کنم . اولا راجع بسلاطین قاجار بنده عرض میکنم که کاملاً از آنها مأیوس هستم زیرا آنها در این مملکت خدماتی

نکرده اند که بنده بتوانم اینجا از آنها دفاع کنم و گمان هم نمیکنم کسی منکر این باشد. همین سلطان احمد شاه قاجار بنده را در فارس گرفتار سه هزار و پانصد پلیس جنوب کرد!. پس از آنکه من استعفا کردم بعد از بیست و هفت روز نوشت که بتصویب جناب رئیس الوزراء آقا سید ضیاء الدین استعفای شما را قبول کردم و فوری بطرف طهران حرکت کنید. مقصودش این بود که من بیایم بطهران و مرا آقا سید ضیاء الدین بگیرد، حبس کند. بنده مدافع اینطور اشخاص نیستم. بنده مدافع اشخاصی که برای وطن خودشان کار نمیکنند و جرئت و جسارت حفظ مملکتشان را نداشته باشند و در موقع خوب از مملکت استفاده بکنند و در موقع بد از مملکت غائب بشوند نیستم.

اگر دوست حقیقی و قوم و خویش خودم هم باشد یا از آن بالاتر هم نباشد وقتی که اینطور شد بنده مدافع او نیستم.

اما نسبت به آقای رضاخان پهلوی بنده نسبت بشخص ایشان عقیده مند هستم و ارادت دارم و در هر موقع آنچه بایشان عرض کردم درخیر ایشان و صلاح مملکت بوده وخودشان هم تصدیق عرایض بنده را فرموده اند نه اینکه در حضور من فرموده باشند بلکه اشخاصیکه با ایشان خیلی مربوط بوده اند بآنها فرموده اند ایشان یك مقامی دارند که از من و امثال من هیچ ملاحظه ندارند اگر یك فرمایش بخواهند در غیاب من بفرمایند در حضور من هم ممکن است بفرمایند ولی احتیاطاً عرض میکنم آن اشخاصیکه فرمایشات ایشانرا به من فرموده اند حکایت از این میکرده که خودشان هم دانسته اند که عرایضی که عرض کرده ام ازروی نظریات شخصی نبوده و مبنی بر مصالح مملکت ووطن خواهی بوده است که از این حیث ایشان به بنده معتقدند گمان نمیکنم یك نظریات میشود اما اینکه ایشان یك خدماتی به مملکت کرده اند گمان نمیکنم بر احدی پوشیده باشد وضعیت این مملکت وضعیتی بود که همه میدانیم که اگر کسی میخواست مسافرت

کند اطمینان نداشت یا اگر کسی مالك بود امنیت نداشت و اگر یك دهی داشت بایستی چند نفر تفنگچی داشته باشد تا بتواند محصول خودش را حفظ کند ولی ایشان از وقتی که زمام امور مملکت را در دست گرفته اند یك خدماتی نسبت بامنیت مملکت کرده اند که گمان نمیکنم بر کسی مستور باشد و البته بنده برای حفظ خودم و خانه و کسان و خویشان خودم مشتاق و مایل هستم که شخص رئیس الوزراء رضاخان پهلوی نام در این مملکت باشد برای اینکه من یك نفرآدمی هستم که در این مملکت امنیت و آسایش میخواهم و در حقیقت از پرتو وجود ایشان ما در ظرف این دو سه سال اینطور چیز ها را داشته ایم واوقاتمان صرف خیر عمومي و منافع عامه شده و هیچوقت ما در چیزهاي خصوصی وارد نشده ایم و بحمدالله ازبرکت وجود ایشان خیالمان راحت شده ومیخواهیم یك کارهای اساسی بکنیم این هم راجع به آقای رئیس الوزراء اما راجع باین موضوع بنده باید عقیده خودم را عرض کنم . تغییر قانون اساسی یا تجدید نظر در قانون اساسی دو جنبه دارد یکی جنبهٔ داخلی که باید فهمید تغییر قانون اساسی نسبت بامور داخلي چه اثری میکند؟ یکیهم جنبهٔ خارجی که باید دید نسبت بامور خارجی در روابط بین المللی چه اثری خواهد داشت ؟ . اما نسبت به جنبهٔ داخلی . اگر آمدیم و گفتیم خانوادهٔ قاجاریه بد است . بسیار خوب هیچ کس منکر نیست و باید تغییر کند . و البته امروز کاندیدای مسلم ما شخص رئیس الوزراء است . خوب آقای رئیس‌الوزراء سلطان میشوند و مقام سلطنت را اشغال میکنند آیا امروز درقرن بیستم هیچ کس میتواند بگوید یك مملکتی که مشروطه است پادشاهش هم مسؤل است ؟اگر ما این حرف را بزنیم آقایان همه تحصیل کرده و درس خوانده و دارای دیپلم هستند ایشان پادشاه مملکت میشوندآنهم پادشاه مسؤل هیچکس چنین حرفی نمیتواند بزند و اگر سیر قهقرائی بکنیم و بگوئیم پادشاه است رئیس الوزراء و حاکم

و همه چیز است این ارتجاع و استبداد صرف است . ما میگوئیم که سلاطین قاجاریه بد بوده اند مخالف آزادی بوده اند . مرتجع بوده اند خوب حالا آقای رئیس الوزراء پادشاه شد اگر مسؤل شد که ما سیر قهقرائی میکنیم امروز مملکت ما بعد از بیست سال و این همه خونریزیها میخواهد سیر قهقرائی بکند و مثل زنگبار بشود که گمان نمیکنم در زنگبار هم اینطور باشد که یك شخص هم پادشاه باشد و هم مسؤل مملکت باشد اگر گفتیم که ایشان پادشاه و مسؤل نیستند آنوقت خیانت بمملکت کرده ایم برای اینکه ایشان در این مقامی که هستند مؤثر هستند و همه کار میتوانند بکنند در مملکت مشروطه رئیس الوزراء مهم است نه پادشاه - پادشاه فقط و فقط میتواند بواسطهٔ رای اعتماد مجلس یك رئیس الوزرائیرا بکار بگمارد خوب اگر ما قائل شویم که آقای رئیس الوزراء پادشاه بشوند آنوقت در کار های مملکت هم دخالت کنند و همین آثاریکه امروز از ایشان ترشح میکند در زمان سلطنت هم ترشح خواهد کرد شاه هستند رئیس الوزراء هستند فرمانده کل قوا هستند بنده اگر سرم را ببرند و تکه تکه ام بکنند و آقا سید یعقوب هزار فحش بمن بدهد زیر بار اینحرفها نمیروم - بعد از بیست سال خونریزی - آقای آقاسید یعقوب شما مشروطه طلب بودید ؟! آزادیخواه بودید ؟! بنده خودم شما را در این مملکت دیدم که بالای منبر میرفتید و مردم را دعوت به آزادی میکردید حالا عقیدهٔ شما این است که یك کسی درمملکت باشد که هم شاه باشد هم رئیس الوزراء . هم حاکم ؟ اگر اینطور باشد که ارتجاع صرف است . استبداد صرف است پس چرا خون شهداء راه آزادی را بیخود ریختید ؟! چرا مردم را بکشتن دادید ؟! میخواستید از روز اول بیائید بگوئید که ما دروغ گفتیم و مشروطه نمیخواستیم آزادی نمیخواستیم . یك ملتی است جاهل و باید با چماق آدم شود . اگر مقصود این بوده بنده هم نوکر شما و مطیع شما هستم ولی چرا بیست سال زحمت کشیدیم و اگر مقصود این بوده که ما خودمان را

در عرض ملل دنیا و دول متمدنه آورده و بگوئیم از آن استبداد و ارتجاع گذشتیم ما قانون اساسی داریم . ما مشروطه داریم ما شاه داریم ما رئیس الوزراء داریم ما شاه غیر مسؤل داریم که بموجب اصل چهل و پنج قانون اساسی از تمام مسؤلیت مبراست و فقط وظیفه اش اینست که هر وقت مجلس رأی عدم اعتماد خودش را بموجب اصل ٦٧ قانون اساسی بیك رئیس دولت .یا یك وزیری اظهار کرد آن وزیر میرود توی خانه اش مي نشیند آنوقت مجدداً اکثریت مجلس یك دولتی را سر کار میآورد . خوب حالا اگر شما میخواهید که رئیس الوزراء شاه بشود با مسؤلیت این ارتجاع است و در دنیا هیچ سابقه ندارد که در مملکت مشروطه پادشاه مسئول باشد و اگر شاه بشوند بدون مسئولیت این خیانت بمملکت است برای اینکه یك شخص محترم و یك وجود مؤثری که امروز این امنیت و آسایش را برای ما درست کرده و اینصورت را امروز بمملکت داده است برود .بی اثر شود هیچ معلوم نیست کی بجـای او میـآید ؟ و اگر شما یك کاندیدائی دارید و کسي را پیش معین کردید بفرمائید ما هم به بینیم ؟ بعد از آنکه ایشان شاه غیر مسؤل شدند آن رئیس الوزرائی که مثل ایشان بتواند کار بکند و خدمت کند و بتواند نظریات خیرخواهانهٔ ایشان را تعقیب کند کی است ؟ اگر چنین کسی را آقای آقا سید یعقوب به بنده نشان بدهند بنده نوکر شما چاکر شما مطیع شما هستم من که در این مملکت همچو کسی را سراغ ندارم و اگر بود تا حالا سر در آورده بود پس امروز که این یك نفر از بین تمام مردم سر در آوزده و اظهار منیت میکند و خدماتی هم کرده است بنده بعقیده خودم خیانت صرف میدانم که شما یك وجود مؤثری را بلا اثر بکنید پس خوب است یك کسی که بتواند قائم مقام او بشود معلوم کنید بعد این کار را بکنید اول چاه را بکنید بعد منار را بدزدید این نسبت به امور داخلی اما نسبت به امور خارجی . البته در امور خصوصي اگر یك اشخاصی یك کارهائی کردند و یك زحماتی کشیدند یا اگر اشخاص یك

فداکاریهائی کردند آن را مفت و مسلم از دست نمیدهند البته در مجلس هم یك اشخاصی هستند که تجارت کرده باشند و اشخاصی هم که تجارت نکرده باشند میدانند وقتی که یك تاجری تجارت خانهٔ خودش را بیك اسم معروف کرد یا یك علامت صنعتی داشت که همه او را شناختند این تاجر آن اسم را تغییر نمیدهد برای اینکه آن اسم سبب شده است که مردم بآن اسم اعتماد داشته باشند بنده من باب مثل عرض میکنم که در اینجا یك دواخانهٔ بود معروف به شوربن که خوب دوامی ساخت بعد از آنکه شوربن آن دواخانه را فروخت و از اینمملکت رفت آن کسی که قائم مقام او شد اسم دواخانه را تغییر نداد چرا؟ برای این که مشتریان این دواخانه اعتماد بآن اسم داشتند و اگر این شخص میگفت که دواخانهٔ من دواخانهٔ بناطی است شاید مشتریان از بین میرفتند ولی یك چندی که گذشت و مردم که باین دواخانه داد و ستد کردند دیدند که بناطی هم مثل شوربن است آنوقت اسمش را عوض کرد و دواخانه بناطی گذاشت. قانون اساسی ما از علامت صنعتی و اسم یك دارالتجارهٔ کمتر نیست. قانون اساسی ما بایك حوادثی تصادف و مقابله کرده است که این حوادث دریك قرن در این مملکت پیدا نشده است قانون اساسی ما وقتی بااین حوادث مقاومت کرد و خودش را معروف جامعهٔ ملل کرد اصولی را داراست که بموجب آن اصول تمام ملل اروپا میدانند اگر یك دولتي پيدا شود و يك عهد نامهٔ به بندد آن عهد نامه بموجب اصل ۲۴ قانون اساسی که میگوید (بستن عهد نامه ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی وفلاحتی وغیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یاخارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهد نامهائیکه استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد) همه مردم میدانند یعنی جامعهٔ ملل میداند که باید بتصویب مجلس باشد. و همچنین اصل ۲۵ که میگوید (استقراض دولتی بهر عنوان که باشد

خواه از داخله خواه از خارجه بااطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد) این را هم همه خوانده اند وفهمیده اند اصل ۲۶ را هم که میگوید (ساختن راههای آهن یاشوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت وکمپانی اعم از داخله وخارجه منوط بتصویب مجلس شورای‌ملی است) همه میدانند قانون اساسی یك اصولی را داراست ویك معروفیتی را پیدا کرده است که این معروفیت را بنده گمان نمیکنم در هر موقعی برای هر قانونی پیدا شود یعنی غالباً بایك مشکلاتی تصادف کرده وقتی آن اشخاصی که میخواستند بامایك معاهدهٔ بکنند بیك اصل قانون اساسی که رسیده اند دیده اند که یك قانون اساسی است و یك مجلس و یك تصویبي هم برأی مجلس لازم است . بنا براین این قانون اساسی یك اصولی دارد که بواسطهٔ معروفیتش بعقیدهٔ بنده حتی المقدور تا یك قضیه حیاتی و مماتی پیدا نشود نبایستی تغییر داد . مگر با بودن یك شرایطی که لازم برای تغییر قانون اساسی است . خدایا تو شاهد باش من خدارا بشهادت میطلبم که عقیده ام را میگویم و تغییر قانون اساسي را مخالف باصلاح ملت و مملکت و اسلامیت میدانم . قانون اساسي را هر آدم مسلمانی و هر آدم وطنخواهی و هر آدمی که بشخص رضا خان پهلوی ارادتمند است و عقیده دارد باید برای صلاح و نفع مملکت حفظ کند اگر قانون اساسی متزلزل شد ممکن است مملکت بیك خرابی بیفتد که مطلوب نباشد آنوقت رضا خان پهلوي هم هر گونه حکومتی را دارا باشد مطلوب نیست . بنده قانون اساسی را یك قانون الهی نمیدانم که قابل تغییر نباشد بلکه قانون اساسي کار بشر میدانم وبشر هم باید او را تغییر بدهد ولی وقتی که یك ضرورت تامی پیدا کند و تمام معایب و محاسنش سنجیده شود و عجله در کار نباشد و با اشخاصیکه خیر خواه مملکت هستند مشورت شود ولی نه بایك عجله وشتابی که امروز اگر این شجرهٔ خبیثه بیخ بر نشود مملکت فلان میشود این را بنده ضروری

و فوری نمیدانم . حالا بنده هم میگویم ضروری است ولی فوری نمیدانم که شما یك قانون اساسی را که در واقع استقلال ما را حفظ میکند و یك قانون اساسی که اسلامیت و قومیت ما را حفظ کند امروز که هزار طور ایرادات هست تغییر بدهید . بنده که صلاح نمیدانم والبته آقایان محترم هم مقصودشان این نیست که یك مواد قانون اساسی را تغییر بدهند که در سیاست بین المللی مؤثر باشد ولی عرض میکنم که اینطور تغییر دادن قانون اساسی یك سابقهٔ میشود که قانون اساسی را بکلی سست ومتزلزل میکند که هر ساعت یك نفر اراده کرد بیاید این اصولی را که بنده برای شما خواندم این اصولی که همه چیز ما را تامین میکند تغییر بدهند در صورتیکه مجلس رئیس نداشته باشد و یك وکلای بدون فکری فکر نکرده بیایند اینجا رای بدهند که ما میخواهیم قانون اساسی را تغییر بدهیم قانون اساسی یك چیزي نیست که یك کسي از توی خانه اش بیاید و بگوید میخواهم قانون اساسی را باید فکر کرد دید چطور باید تغییر داد ؟ وچه چیزش را باید تغییر بدهید و درچه موقع میخواهید تغییر بدهید ؟ بعد هم بنده عرض کردم شما که میخواهید آقای رئیس الوزراء را شاه بکنید ایشان یك وجود مؤثری هستند که میخواهید بلا اثر کنید خدایا تو را بشهادت میطلبم که آنچه گفتم عقیدهٔ خودم بود وآنچه دزخیر مملکت است میگویم واین جا عتبهٔ آقایان را میبوسم ومرخص میشوم

(خارج شدند)

آقاسید یعقوب ــ بنده اخطار قانونی دارم !.

نایب رئیس ــ بفرمائید

آقا سید یعقوب ــ آقای مصدق السلطنه نسبت به هفتاد وهفت نفر که یك مسئلهٔ را که حافظ حقوق ملت بود امضاء کرده اند گفتند بی فکر چطور میشود هفتاد و هفت نفر بی فکر باشند بنده خواستم عرض کنم که ایشان یك عبارتی بیان کردند که خارج از نزاکت بود و مطابق نظامنامه

باید توضیح بدهند .

نایب رئیس ـ آقای داور (اجازه)

داور ـ بندهٔ میخواهم اظهار تاسف بکنم از این مسئله که آقای دکتر مصدق السلطنه دراینجا تشریف ندارند که جوابهای بنده را بشنوند . ایشان یك دلائلی بنظرشان رسید و گفتند از برای اینکه ذهن آقایان را متوجه کرده باشند بنده هم این جواب ها را برای آقایان عرض می کنم . قبل از ورود در صحبت ایشان بنده لازم دیدم که یك مختصر حاشیهٔ راجع به مذاکرهٔ یکی از رفقای محترم خودمان آقای یاسائی بکنم ـ ایشان گویا در ضمن نطقشان اظهار کردند که این اولین مرتبهٔ نیست که در قانون اساسی تغییر داده میشود بنده خیال میکنم که مقصود ایشان هم اینطور بوده است که اینکاری که ما میکنیم واقعاً نقض قانون اساسی است وآن قسمتهائی که ذکر کردند بنده درش داخل نمیشوم فقط میخواستم این را عرض بکنم که یك سوء تفاهمی نشود . آقاي دکتر مصدق درهرکدام ازتکه‌های صحبت هایشان قسمی خوردند و بعد گفتند که من مسلمانم وطن خودم را دوست میدارم . بنده هم بدون قسم عرض میکنم که مسلمانم و گمان میکنم آقایانی هم که این ورقه را امضاء کرده اند در اینکه مسلمان هستند نه خودشان شکی دارند و نه دیگران (بعضی از نمایندگان ـ صحیح است)

تمام گفتگو های ایشان در قسمت اول راجع باین بود که من برخلاف مصالح مملکت نمیخواهم رای بدهم البته هیچ وکیلی نباید حاضر شود که برخلاف مصالح مملکت رأی بدهند منتهی تمام صحبت در تشخیص است ایشان ممکن است همچو تشخیص بدهند که یك چنین پیشنهادی برخلاف مصالح مملکت است و بنده هم خدا را شاهد میگیرم وعرض میکنم که این تغییر و این پیشنهاد موافق مصالح مملکت است مگر

اینکه یك کسی پیدا شود و بگوید فکر و سیاست من بدرجهٔ قوی و عالی است که تمام مردم و وکلا باید تابع نظر و فکر و سیاست من بشوند وچون من تشخیص میدهم که این پیشنهاد برخلاف مصالح مملکت است تمام وکلا و مردم و هرکس هست . هر جا هست و بهر شکل و لباس است تمام باید نظر من را تعقیب کنند و الا از این شکل که بگذریم هرکس مطابق تشخیص خودش حق دارد یك مسئله را قضاوت کند ایشان اینطور تشخیص دادند که این کار موافق مصالح مملکت نیست . بنده عرض میکنم ومعتقدم که مصالح مملکت دراین کار است واگر غیر ازاین بکنیم مصالح مملکت را زیر پا گذاشته ایم راجع به قاجاریه ورئیس الوزراء که اظهارعقیده فرمودند در این موضوع هیچ وارد نمیشوم ولی دو پایهٔ محکم در مذاکرات ایشان پیدا شد گفتند

(از نقطهٔ نظر داخلی و خارجی) بنده در این دو قسمت میخواهم چند کلمهٔ جواب عرض کنم فرمودند شما میخواهید بیائید این خانواده را بر دارید و آقای پهلوی را شاه کنید . اولا بنده نمیدانم در یك پیشنهادی که هفتاد امضا دارد این مسئله را از کجا پیدا کردند و بنده چون راجع به این پیش نهاد صحبت میکنم عرض میکنم در این پیش نهاد ابداً گفتگوی شاه کردن ایشان نبود بلکه حل این قضیه و ترتیب کار واگذار شده است به یك مجلسی که مجلس مؤسسان است یك نکتهٔ را ایشان فرمودند که اساساً صحیح بود فرمودند خوب وقتی که ایشان شاه شدند بایستی مسؤل باشند یا نباشند ؟ اگر مسؤل نباشند که این خیانت به مملکت است بنده کاملا موافقم و تصور نمیکنم که هیچکس در مملکت باشد که فکرش این قدر کوچك و عقب مانده باشد که تصور بکند دادن یك اختیار به دست یکنفر بدون هیچ حدی و بدون هیچ قانونی یعنی یکنفر بقول ایشان شاه باشد رئیس الوزراء باشد - رئیس عالی قواء باشد وزیر جنك باشد یك همچو چیزی نه تنها یك مسئله ایست که همه به او خواهند خندید

بلکه یك مسئله است بقدری واضح و مسلم که هیچ کس زیر این بار نمیرود بنده تعجب میکنم چطور ایشان که مدتی است در مجلس هستند و غالب ما ها را می شناسند درجهٔ فهم رفقای پارلمانی خودشانرا آنقدر کوچك تصور کردند که ممکن است اینطور فرض کنند پس این قسمت فرضشان مورد نداشت . فرمودند اگر ایشان بالا تر از این مقام رفتند که آن وقت وجود شان دارای اثر نخواهد بود بنده گمان میکنم که اینجا یکقدری بی لطفي کرده باشند مخصوصاً ایشان که مدتی در ممالك خارجه زندگانی کرده اند و شاه های خوب و بدديده اند ما همیشه یك روال دیده ایم اما ایشان درنقاط دیگر دنیاهم زندگانی کرده اند و میدانند که بعضي مملکت ها هست که شاههای خوب دارند و بعضی جاها شاه های لایق دارند بعضی جاها یك شخص فوق العاده لایقی سلطنت میکنند و آنوقت خودشان میدانند که چقدر آن شاه فوق العاده غیر مسئول وجودش مؤثر است و البته یك شاهی که علاقه داشته باشد و میل داشته باشد مملکتش بزرك شود و عظمت پیدا کند و درردیف ممالك بزرك عالم گذاشتـه شود و تشخیص هم بدهد که چطور باید این کار را کرد و هرقدر که قانوناً غیر مسئول باشـد حتماً در عمل منتهی درجهٔ تاثیر را خواهد داشت . درخارج کتبي راجع به خیلي ازقضایای سیاسی بین المللی نوشته شده است از جمله اینکه سلطان که در فلان مملکت بوده است وقتیکه او آمده است سرکار این مسائل پیش آمده است و وجود مؤثر او بوده است که توانسته است این کارها را بکنند خلاصه این درصورتی است که بفرمایند اگر ایشان شاه شدند وبدون مسئولیت جواب این بود که عرض کردم . حالا اگر ایشان یك شاهی باشند موافق قوانین ملل متمدنه و بطوریکه مشروطیت ایران تصویب کرده در اینصورت اگرچـه قانون شاه را غیر مسئول قرار میدهد ولی در عمل قطعاً وجود آدم لایق و نالایق تفاوت دارد بعلاوه دراول این

پیش نهاد یك عبارتی بود که گمان میکنم ایشان بهش توجه نکردند نوشته نشده بود که ما میخواهیم فلان کس را شاه کنیم نوشته شده بود که ما میخواهیم این خانواده نباشند و بنا بر ضدیتی که از چند سال پیش از این در این مملکت شروع شده اول این خانواده را محدود کردند. مگر مشروطیت ایران غیر از این بود که اول آمدند گفتند مشروطه و بعد حقوق برای ملت قائل شدند و از آن روز کم کم بخصوص در این دو سال اخیر این بحرانی که پیدا شده است اصل مقصود و نظر این است که اینها نباشند پس نباید اول استدلال را برد روی یك قضیه که بعد باید بشود و یك فرضی گرفت و آن فرض را اظهار کرد. در ابتدای پیش نهاد نوشته شده یك ضدیتی با خانوادهٔ که امروز سلطنت دارند در این مملکت شروع شده و یك بحرانی در مملکت تولید کرده است. حالا بنده نمیخواهم داخل بعضی مسائل بشوم که از وقتی که این بحران شروع شده تا بحال چه قضایائی در مملکت اتفاق افتاده؟ از خوزستان گرفته تا آنطرف مملکت اگر بگردید و ریشه اش را در بیاورید می بینید یك نواحی و مقاماتی هست که با وجود اینکه دور هستند هر روز اثراتشان یك چیز هائی است که ما می بینیم و هر روز مملکت را دریك زحمات فوق العاده می‌اندازیم در پیشنهاد ما صحبت این است که برای خاتمه دادن باین بحران این خانواده را منقرض بدانیم و فکر بعد را بگذاریم برای یك مجلسی که مؤسسان باشد و اختیار از طرف ملت داشته باشد و تکلیف قطعی را معین کند که آیا باید شخص پهلوی یا شخص دیگری باین مقام برسد؟ اگر حرفی در این موضوع باید زده شود باید در مجلس مؤسسان آنروز اگر یك کسی پیدا شد که در آن مجلس آقای پهلوی را کاندید کرد آنوقت آقای دکتر مصدق یا کس دیگر اگر آنجا بود باید بگوید که این بد است که ایشان هم شاه باشند هم مسؤل و هم وزیر و بالاخره تمام این صحبت هائی که فرمودند آنروز وقتش است و امروز وقتش نیست. حالا میرویم بقسمت خارجی بنده تصور میکنم که اگر بقانون انتخابات و بسابقه رجوع میکردند و اگر به

نطق آقا سید یعقوب هم که در اول مجلس تذکر دادند مراجعه میکردند و البته در خاطرشان هست که این قانون اساسی را یکمرتبه دیگر درباغ شاه یکعده آمدند نشستندو تغییر دادند وآن اشخاص مردمي بودند که مصلحت مملکت را این طور تشخیص دادند ودر آن روز آقای مشیر الدوله و آقای مؤتمن الملك ومستوفی الممالك که امضا ها شان الان هست وقتیکه نشستند نوشتند که نظر به پارهٔ ازمقتضیات جمعی ازخیر خواهان گفتند که قانون انتخابات باید تغییر بکند و این با چهار اصل از قانون اساسی مخالفت داشت به این جهة ما آمدیم و رجوع کردیم به انجمن آذربایجان و .بالاخره آنروزی که این کاررا کردند یك تغییر مهمتری در قانون اساسی داده شد . امروز حق سلطنت از افراد یك خانوادهٔ .باید گرفته شود آن روز حقوق ملي درقسمت انتخابات عوض شد ویك عده آمدند و حق یکعده دیگری را که ملت است از بین بردند . بنده هم حرفی ندارم . مصلحت را اینطور تشخیص دادند ومجالس بعد هم قبول کردند ولی تعجب میکنم وقتیکه امروز راجع بحقوق یك اشخاصی صحبت میشود میگویند ما میدانیم که اینها خدماتی بمملکت نکرده اند ولی وقتیکه صحبت گرفتن حقوق آنها است یك حربهٔ بنام قانون اساسی در پیش چشم همه جلوه داده میشود بنده عرض میکنم خوب آن روزی که قانون اساسی دست بهش خورد اگر بنا ست آن اصلي که حقوق ما را در سیاست بین المللي حفظ میکنند متزلزل بشود پس چطور شد که با تغییر قانون اساسی از آن روز تا بحال یك قرار دادی نگذشت که بدون اطلاع مجلس باشد . گفتند ممکن است سابقه بشود و اگر دست بزنند باین عمارت ممکن است آسایش کله ملت برهم بخورد بنده عرض میکنم امروز هم به قانون اساسی دست زدند کی دست زد ؟ کسانیکه وجهای ملت بودند کجا دست زدند ؟ در باغ شاه . کی ؟ بعد ازتوپ بستن بهمین مجلس پس چطور شد آن روز هیچ خطري بهشان نرسید ؟ چطورشد

که امروز ما میخواهیم حقوق یك خانوادهٔ را (که بدون استثناء هیچکس نیست که بگوید من طرفدارم) از دستشان بگیریم آنوقت اصل راجع بخارجه را باید پیش آورد ؟ حقوق خارجه سر جای خودش هست و یقین دارم تا وقتیکه ایران بکلی از شرافت بی بهره نشده نمیگویم ده نفر یا بیست نفر — تا وقتی که ایرانی بکلی از شرافت بی بهره نشده است به آن اصلی که قرار داد ها و مقاولات را موکول میکند به تصویب مجلس هیچکس پیدا نمیشود که جرأت کند بآن اصل دست بزند..

جمعی از نمایندگان — صحیح است.

داور — پس در اینصورت لازم نیست که ما بیائیم و برای دفاع از یك خانوادهٔ که بی لیاقتی آنها را تصدیق میکنیم وارد شویم و قضیه را بخون سردی تلقی کنیم و بنا بر این بنده تصور میکنم آنچه باید در این موضوع گفته شود گفته شده و بیش از این مذاکرات لازم نیست

نایب رئیس — آقای دولت آبادی مخالفید ؟

دولت آبادی — بلی

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

نایب رئیس — بنده عقیده ام این است آقایان تأمل بفرمایند تا تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند.

آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی — مخالفت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آن است و چون مربوط میشود باساس کار از این جهت خواستم مخالفت خودم را عرض کنم. اینجا سه مسئله است که باید خوب توجه کنیم. یکی مسئلهٔ قاجاریه است. یکی مسئلهٔ رضا خان پهلوی رئیس الوزراء و رئیس عالی کل قواء است و یکی مسئلهٔ قانون اساسی است واینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند وهرکس دراینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است. این طور نیست.!!

آقا سید یعقوب ـ معنایش این است

دولت آبادی ـ خلاصهٔ من یکی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم وسلطنت قاجاریه را منقرض میدانم وهرکس جمع بشود وبخواهد سلطنت قاجاریه را برگرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقا سید یعقوب معنایش این نبود . . .

آقاسید یعقوب ـ خیلی خوب قربان شما:

دولت آبادی ـ بهتر این است که ادب را حفظ کنید نزاکت را هم حفظ کنید واز حدود خودتان هم خارج نشوید (صدای زنگ نایب رئیس) نظم مجلس هم باینده نیست اگر باینده بود میدانستم چطور نظم بدهم. عرض میکنم روزی که مادهٔ ٣٦ دراین اطاق آخر مطرح شد ما در تحت فشار واقع شده بودیم که اسم آنرا بیشتر میشود فشار گذاشت تا اینکه حالا هست بما فشار آوردند که باید سلطنت در خانوادهٔ محمد علی میرزا بماند . . .   (آقای یاسائی اجازه خواستند)

دولت آبادی ـ خطاب به یاسائی بلی حالا فشار نیست خوبست اجازه نخواهید هیچ فشار نیست خوب همه میدانیم که فشار نیست و این حرفهائی که میزنند واهمه است . . .

یاسائی ـ واقعیت دارد .

دولت آبادی ـ خیلی خوب اما شما که دیشب بنده را احضار کردید دراینموقع شب صلاحیت نداشت . خلاصه در موقعي که این ماده نوشته میشد بنده و جمعی مخالف این ماده بودیم اسم این ماده را گذاشته بودیم مادهٔ (ابتر) یعنی آخر ندارد ومعلوم نیست آخرش چیست ؟ بجهة اینکه بنویسد سلطنت ایران در شخص اعلیحضرت فلان سلطان محمد علی شاه قاجار نسلاً بعد نسل یعنی چه ؟

اگر یك روز نسلی منقطع شد چه باید کرد ؟ این بود که بنده درآن مجلس بااین ماده مخالفت کردم وگفتم بنده همراه نیستم بااین ماده . خوب

آمدیم نسل پیدا شد ولی لیاقت نداشت آنوقت چه کنیم ؟ شاید اولاد ذکور نداشت پادشاه زن درست کنیم ؟ از این حرفها در آن مجلس بسیار زده شد که اگر در دفاتر مجلس باشد همه حاضر است و بنده از آن روز مخالف با این ماده بودم حالا هم مخالفم زیرا این ماده به ارادهٔ ملت گذارده نشده و به فشار گذارده شد !.

حالا برویم بمطلب پس پیش بنده هیچ اشکالی نیست که سلطنت درخانوادهٔ قاجاریه باشد یا نباشد چرا ؟ برای اینکه میدانیم این ماده اساساً غلط است معذلك وقتی که ملت جمع شدند و شاه درست کردند بنده هم در اسلامبول بودم و تلگراف تبریکی هم مخابره کردم ولی حاج مخبر السلطنه حاضر است پهلوی من نشسته بود من گفتم سلطنت قاجاریه منقرض است گفت چرا ؟ گفتم برای اینکه پادشاه خودش به دست خودش این حق را از خودش سلب کرد و رفت زیر بیرق های اجنبی نشست . دوباره که بایران مسافرت کردم دیدم شاه بازی غریبی است و شاه در فرح آباد نشسته است و یك دستکش به دستش کرده است وقتی کاغذ به دستش میدادند میگفت بگذار آنجا . کتاب که به دستش میدادند میگفت بگذار آنجا مبادا میکروب به دستشان برود و دیگر قضیهٔ جنس بود که همین آقای ارباب کیخسرو قضیهٔ جنس را به بنده فرمودند و اظهار دلتنگی کردند که دست آخر بنده از جیب خودم پول گذاشتم و دادم بمردم خوردند برای اینکه پادشاه حاضر نشد جنس را خرواری ده تومان کمتر بفروشد این قضایا را تاریخ ضبط میکند . بنده رفتم فرح آباد ایشان هم اعلیحضرت بودند چیزهائی است که در تاریخ چاپ میشود چرا اینجا بگویم . گفتم اعلیحضرتا کی شما را پادشاه کرده ؟ (شهاب الدوله هم ایستاده بود) گفت خدا . گفتم همه کار ها را بظاهر خدا میکند کی ها شما را شاه کردند ؟ گفتند ملت . گفتم آیا در میان شما و ملت یك قرار دادی یك نوشتهٔ ردو بدل شده است یا نه ؟ گفتند قانون اساسی . گفتم حافظ قانون

اساسی کیست ؟ گفتند ما . گفتم شما چطور حافظ قانون اساسی هستید ؟ در صورتیکه خودتان بقانون اساسی عمل نمیکنید ؟ گفت من همیشه سعی میکنم که مطابق قانون اساسی رفتار کنم . گفتم اما نشده است و نکردید اعلیحضرتا من بشما میگویم که اگر در این مملکت یك کسی پیدا شد که بهتر از شما باین کتاب رفتار کند او پادشاه خواهد بود رنگش سرخ شد و گفتم که این را از قول خودم نگفتم بلکه از قول امیر المومنین علیه السلام گفتم که در شب وفات به حسین فرمودند (لا یستبقنکم احد بالعمل بالقران) این تمام شد بعد از آن وقایعی پیش آمد در مسئلهٔ قشون شرحی نوشتم جوابهای مزخرف دادند تابحال بنده همیشه میدانستم که این سلطنت از ابتدا اساسی نداشته است و حالا هم اساس ندارد ولی در عین حال ما دچار گرفتاری ها و ابتلائات و پریشانی ها و کشمکشها بودیم تا خدا خواست و شخص آقای پهلوی در اینمملکت پیدا شد یعني یك مرد در این مملکت پیدا شد بنده با ایشان آشنائی نداشتم رفتم آشنا شدم بعد از مدتی وچندین مجلس بامن صحبت داشتند دیدم مردی که علاقه به مملکت دارد و دلش میخواهد مملکت ترقي کند و جرات و قدرت هم داشته باشد همین آدم است در صورتیکه به بانك بلند میگویم (و حاجت هم نیست که بگویم) اهل استفاده هم نیستم و یك دینار مستقیم یا غیر مستقیم از شخص او بشخص من نفع نرسیده بلکه ضرر هم رسیده این آدم آمد و یك عملیات وکار هائی کرد امروز خودش را بجائی رسانده که مردمی که علاقه به مملکت دارند و دلشان میخواهد این مملکت هم همرنك دنیا شود و دلشان میخواهد که از این ذلت و کثافت بیرون بیاید متوسل شده اند باو میگویند آقا بیا وبه بد بختي ما خاتمه بده و یك چارهٔ برای ما بکن چرا در خانهٔ من و شما نمی آیند ؟ چرا میروند و باو میگویند ؟ برای این که این قدرت و توانائی را در او می بینند و در من و شما نمی بینند ما نمی

خواهیم برویم متوسل شویم به آن شاه پوسیده و به آن درباری که وقتی رفتیم باید اشك بریزیم بحال آن دربار !.

سال گذشته همهٔ آقایان حاضر ندمن چقدر مخالفت کردم که حقوق شاه ودرباریکی نباشد من میگفتم که این را تجربه کنند وماهی دوسه هزار تومانشرا بشاه بدهند که برود همانجائیکه رختخوابش گرم است بخوابد ومابقی را براي ترتیب وتنظیم دربار مصرف کنند حالا اینها باشد بنده از خدا میخواهم که شخص آقای رضا خان پهلوی ذمه دار امور این مملکت باشد و حقیقت و ثبات داشته باشد و هیچگونه خللی در اطراف آن نباشد بلکه بتواند کشتي چهار موجهٔ مملکت را بساحل نجات برساند. غیر ازاو دراین مملکت امروز نیست فردا شاید پیدا شد سلطنت قاجاریه منقرض است و رضا خان پهلوی رئیس این مملکت است و اکثریت مجلس هم رای میدهند و کارهایشان را خواهند کرد گرچه بنده آن لائحه را امضاء نکرده‌ام ولی اکثریت امضاء کرده اند بنده مانع اکثریت نیستم بلکه مطیع اکثریت هستم بنده چه کاره ام ؟ بنده میخواهم حرف خودم را گفته باشم این کار بزرك که آتیهٔ مملکت ما کاملاً بسته بآن است یك کاری است که باید در داخله شخص آقای رضا خان پهلوی زیر پای خودش را طوری محکم به بیند که هیچگونه تزلزلی نداشته باشد وبداند که دنیا حامی اوست و دنیا او را بریاست این مملکت می شناسد این راجع به داخله اما راجع بخارجه قانون اساسی ما در مجمع القوانین که نسبت بهمهٔ دنیا هست گذاشته شده است علمای دنیا نشسته اند و همه نگاه میکنند و قلم ها را توی مرکب نگاه داشته اند که به بینند ما کجا را تغییر دادیم فوری در حاشیه اش بنویسند اینجا تغییر کرد. اما اگر پشتش بگوششان خورد که این تغییر یك اشکالات قانونی داشته که هنوز در میان مردم مسلم نیست آنوقت بکار اینجا ضرر میزند مخالفت بنده در این لائحه نه از بابت قاجاریه است. قاجاریه را رفته

و منقرض شده میدانم ونه ازنقطه نظر رضا خان پهلوی است او رئیس
مملکت است و از خدا میخواهم سی سال چهل سال عمر کند وهمیشه
رئیس مملکت باشد وکار این مملکت را بکند فقط قسمت آخرش
که بنده را احضار کردند وقتی که رفتم دیدم امضاء نکردم قسمت
دوم را هم همین طور قسمت سوم را یکقدری بیشتر باید در اطرافش
فکر کرد که ناخوشی ذات البعد پیدا نکنند این بود عرایض بنده و دیگر
عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

نایب رئیس ـ آقای دولت آبادی در ضمن بیاناتشان (لازم است بنده
توضیحاتی بدهم) اولا اظهار کردند کشتی چهار موجهٔ مملکت البته همهٔ
آقایان تصدیق میکنند که مملکت ما در نهایت امنیت و آسایش است
(نمایندگان صحیح است) وهیچ موجی به کشتی استقلال مملکت سکتهٔ
وارد نکرده و نمیتواند بکند (نمایندگان صحیح است) قسمت دوم
اشاره کردند در وقتی که یکی از این اصول تغییر کند بعضی ها در ذیلش
خواهند نوشت این را همهٔ آقایان تصدیق میکنند که هیچ اجنبی وملت
اجنبی حق دخالت در امور داخلی یك ملتی ندارد . . .
(نمایندگان صحیح است)

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

دولت آبادی ـ بنده توضیحی دارم

نایب رئیس ـ بفرمائید

دولت آبادی ـ اما درقسمت اول که فرمودید بنده مرادم از کشتی چهار
موجه این نبود که طوفان در استقلال است بنده عرض کردم مملکت مارا
دراین احوال حاضر دردنیای امروز پهلوی ملل دیگر که بگذاریدمی بینیدیك
کشتی است که بشاهراه ترقی نیفتاده باید آنرا بترقی انداخت . اما راجع به قسمت
دومش عرض کردم آن اشخاصیکه آنجا نشسته اند و نسخهٔ قانون اساسی

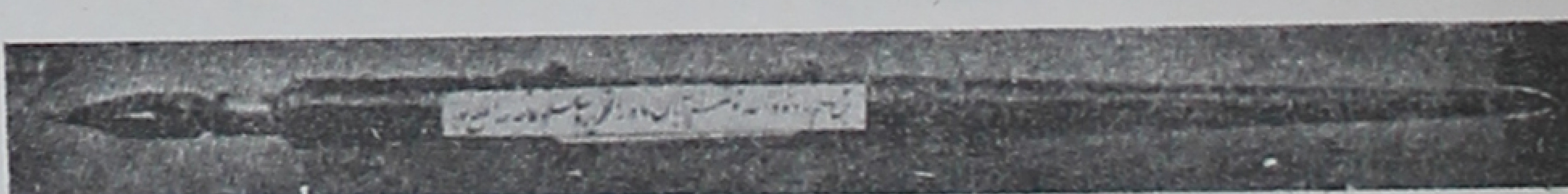
مارا دارند وقتی فهمیدند که قانون اساسی تغییر کرد تغییراتش را در حاشیه اش یادداشت میکنند نگفتم مداخله در قانون میکنند

نایب رئیس – چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند نسبت باین پیش نهاد باورقه اخذ رأی شود قرائت میشود (بمضموی ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان تقاضا داریم در این موضوع رأی باورقه گرفته شود.
عبدالله یاسائی – دکتر امیر – دست غیب – اخگر – علیرضا الحسینی – کی استوان

نائب رئیس – یك ماده است ولي لفظ ماده ندارد بهتر این است ماده واحده نوشته شود بعضی از نمایندکان – قرائت شود (مجدداً بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مجلس شوراي ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید ؛

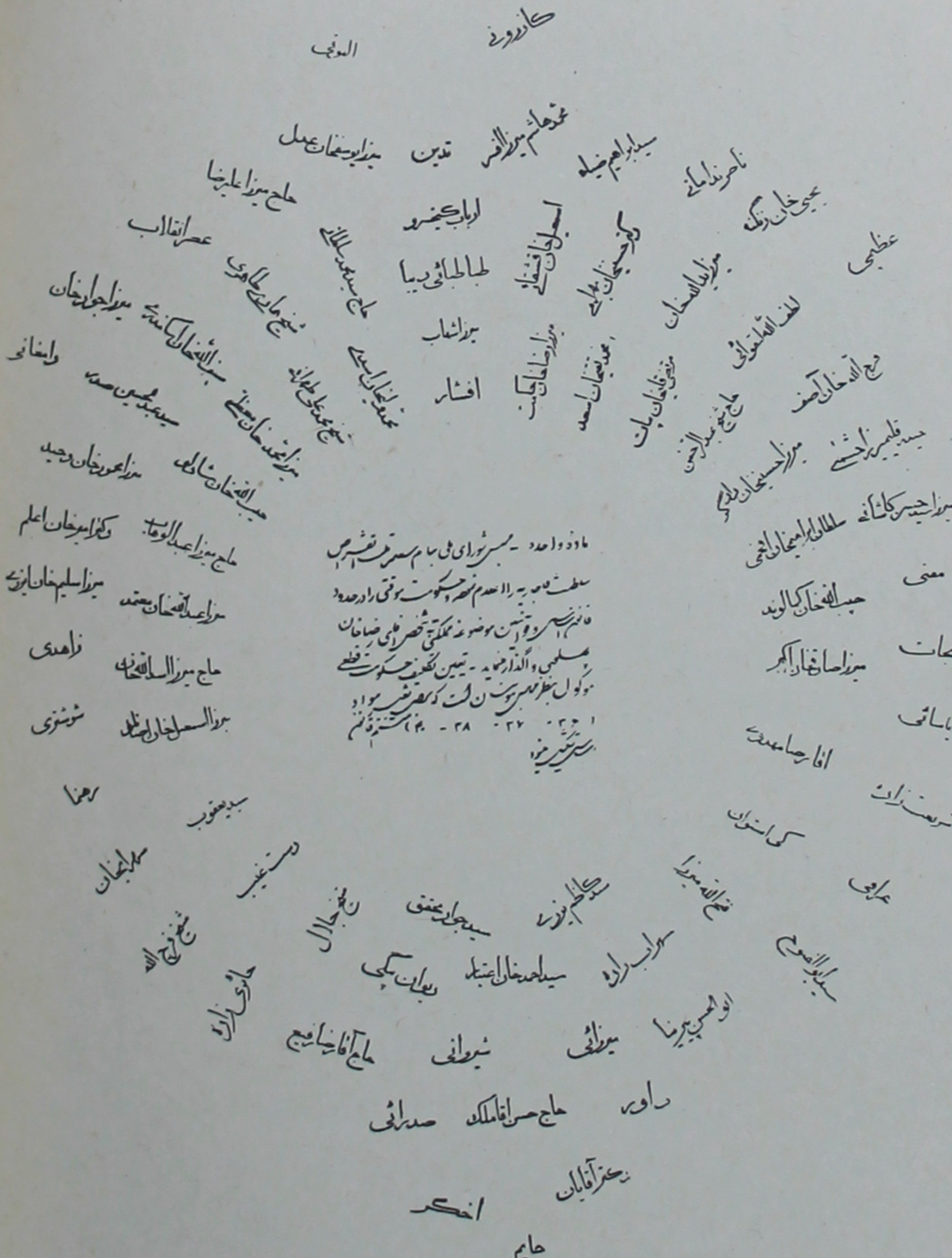


(مادهٔ واحده – مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعهٔ مملکتی به شخص آقای رضا خان پهلوی واگذارمینماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس موّسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ – ۳۷ – ۳۸ – ۴۰ متمم قانون اساس تشکیل میشود)
محمدهاشم میرزا – اجازه میفرمائید
نائب رئیس – مذاکره دیگر نمیشود کرد فقط باسم ماده واحده است

نقض وابرام کافی بود – مذاکرات مثبت و منفی بقدر ازوم جریان یافت اینک کاسهٔ رای بمیان آمد!



همان طوریکه بشر در زندکانی دارای حظ و نصیب است - در نشأه زندکانی یکی خوشبخت و دیگری بد بخت میشود این معنی نه در انسان تنها بلکه در تمام موجودات جاری است و نسبت مخصوصی با اشیاء دارد سابق یك مختصری از این فلسفه را گوشزد کرده ایم و بالجمله این معنی در سنت طبیعت جاری و یك ناموس غیر قابل تردید است آلات وادوات استحصالیه که بشر برای ادارهٔ زندکانی خود بکار می برد وبا طبیعت آنرا مبنی بر یك سر مجهولی که هنوز ادراکات انسان نتوانسته موفق به کشف آن گردد برای موجودات حظ و نصیبی تقدیر نموده وتنها ارادهٔ شاعرانه ویالاعن شعورانهٔ انسان نیست که آنها را از جائی بجائی نقل وازحالي بحالی تحویل میدهد وبه اندازهٔ پیش آمد احتیاجات سنگی را به گردن و یاکلوخی را زیر پا میگذارد مولوی در این قسمت بیان مخصوصی دارد که ما از چگونگي آن صرف نظر مي نمائیم ولی این حقیقت در نظر ما مسلم و بهمین جهة می بینیم این کاسه رابطه وبا عداوت مخصوصی با قاجاریه داشته و دارد کاهی در تاریخ سوم شعبان ۲۹ برای اعدام پدر و درهم


ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضاخان پهلوی واگذار مینماید - تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰) متمم قانون اساسی تشکیل میشود

هشتاد ورقه رأي مثبت

آبان ۱۳۰٤ برای محو و افناء پسر و قطع این سلسله دفعهٔ دیگر عرض وجود کرده و موقعیت خودرا بتمام معنی در زوایای تاریخ ثبت وبا حقیقت مرموزهٔ خود را بتمام معنی بروز میدهد

کاسهٔ رای بمیان آمد و آراء ریخته شد چه میدانیم چه چیز تراوش خواهد نمود؟

☆☆☆

آری - از کوزه برون تراود آبی که در اوست!

نظر بهمان فلسفه که بیان شد پس از شروع بشماره و استخراج اوراق همه سفید و هشتاد رأی از ۸۵ رأی در اطراف مادهٔ واحده هاله زده و مافی الضمیر خود را ابراز نمود

اخذ آراء بعمل آمد نتیجه اینطور حاصل شد: عدهٔ حضار (۸۵)

نایب رئیس - عدهٔ حضار هشتاد و پنج تصمیم مجلس و مادهٔ واحده باکثریت هشتاد رأی تصویب شد

اسامی رای دهندگان - آقایان - آقامیرزا شهاب - آقا سید یعقوب - کی استوان شوشتری - ابراهیم ضیاء - هایم - عراقی - یحیی خان زنگنه - آقا شیخ جلال نجات - یاسائی - حاج میرزاعلیرضا - حاج شیخ عبدالرحمن - مرتضی قلیخان بیات - آقاسید کاظم - لطف الله التقوی - ارباب کیخسرو - میرزا سلیم خان ایزدی - دست غیب - فتح الله میرزا - محمد تقی خان اسعد - حاج میرزا عبدالوهاب - میرزا محمد خان معظمی - حبیب الله خان شادلو - حاج میرزا اسدالله خان - میرزا یدالله خان - میرزا عبدالله خان معتمد - دیوان بیگی - سهراب زاده - آقا شیخ هادی طاهری - مفتی - حاج سید محمد سلطانی - شریعت زاده - محمد ولیخان اسدی - صدرائی - افشار - فرج الله خان آصف - حائری زاده - طباطبائی دیبا - داور - شیروانی - ابوالحسن خان پیرنیا - کازرونی - محمد هاشم میرزا افسر - حیدر قلی میرزا حشمتي - دامغانی - میرزا اسمعیل خان اصانلو

سید ابوالفتوح ـ میرزائی ـ آقا شیخ فرج الله ـ دکتر امیر خان اعلم
حاج حسن آقا ملك شیخ محمد علی طهرانی ـ میرزا یوسف خان عدل ـ
میرزا رضا خان حکمت ـ المونی ـ آقا سید جواد محقق ـ آقا رضا مهدوی
میرزا صادق خان اکبر ـ دکتر حسین خان بهرامی ـ سیف الله خان اسکندری
سید عبدالحسین صدر ـ اسمعیل خان قشقائی ـ دکتر آقایان ـ عظیمی ـ
سهراب خان ـ عصر انقلاب ـ رهنما ـ میرزا حسین خان دادگر ـ
سلطان ابراهیم خان افخمی ـ میرزا جواد خان زاهدی ـ میرزا محمود
خان وحید ـ حبیب الله خان کمالوند ـ اخگر ـ ناصر ندامانی ـ سید
احمد خان اعتبار ـ میرزا سید حسن کاشانی ـ حاج آقا رضا رفیع ـ

نایب رئیس با یك متانت و قیافهٔ جدی که تا این دقیقه زمام انتظام
جلسهٔ مهیب و با محکمهٔ وجدان ملت ایران را در دست خود گرفته
بود این جمله را با نهایت خون سردی (تصویب شد) بیان و جلسه
را ختم نمود و یا پس از ادای جمله مزبوره جلسهٔ رسمی و سکونت
جدی پارلمان را هلهله و شادی بمبارد کرد که یك دفعه بی اختیار دستهای
تماشائیان مانند توپ مسلسل بنای شلیك گذاشته صدای کف از سالون
بباغ و از باغ به خیابان ها نفوذ و قسمت شرق شمالی شهر یك پارچه
از صدای دست مرتعش و هوای مجاور بخود میلرزید
و بالجمله مادهٔ واحده از کاسه بیرون آمد و بنام فرمان در ورقه مخصوصی
نوشته شد و با این قلم امضا گردید



(صاعقه)

در نظر داریم که پس از استخراج آراء نایب رئیس این جمله را گفته بود (تصویب شد) خیال میکنید اندازهٔ تاثیر این حرف چه؟ و دارای چه تاثیراتی بود ؟ ـ این جمله برقی بود که به دربار زد آتش سوزانی بود که از بهارستان شعله کشید و بمیدان سپه رسید فتیله توپی را که در وسط میدان گذاشته شده بود سوزانید تا بهنگام یك صدای مخوف ودهشت باری (بمبارد) هوا را خرق و ارتعاش مخصوصی در فضای طهران ایجاد نمود

(بمبارد)

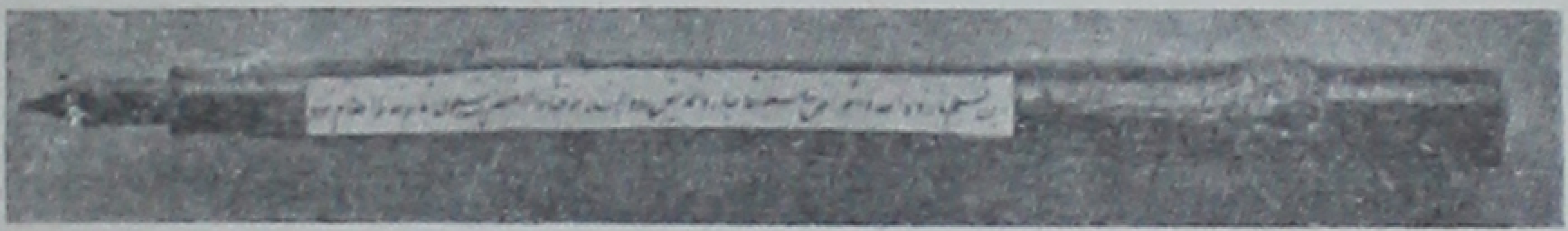
این صدای مخوف هوای مجاور راخرق ومحیطرا بلرزه درآورده ودرآن موسفرپیچید شالودهٔ را که بنظر پا بر جا بود از پای درآورد و رو بهم ریخت از درها و پنجره ها وشیشه های گلستان گذشت و در خط سیر خود همه چیز را زیر ورو کرد و تکان داد و به دل محمدحسن میرزا (ولیعهد مخلوع) خورد و در دهلیز قلب مسدود از عاطفهٔ وی چنان تاثیر شدیدی نمود که اثر آن زیادتر ازیك عرق خجلت و شرمساری چیز دیگری نبود که در پیشانی او ظاهر شد !

اوه ! چه تاثیر شرمگین چهرهٔ شاهزاده را زردی فرا گرفت و بالجمله بند دلش ازاین صدا گسیخت انقراض عزت را بالعیان دید و تلخی (ذق انك انت العزیز) را در کام شیرین خود حس کرد وآثار مرك ابدی عنوان وحیثیات خودرا مشاهده نمود و بافقدان تمام وسائلی که خداوند برای استفادهٔ بشر در طبیعت انسان گذاشته خود را عاری دید بی اختیار بخود لرزید بروی نیمکتی افتاد وبیخود گردید! .

این طپانچهٔ که دست طبیعت به بنا گوش شاهزاده زد جز از رنك سیاهی درگونه چیز دیگری از خود باقی نگذاشت برقی بود که از اصطکاك دو قوّه جست وخرمن موجودیت اورا سوزانید ویکسره نابود ساخت!

(متحدالمآل یاجواب ملت)

چند دقیقه از ختم جلسه نگذشته بود که این قلم بکار افتاد و نتیجهٔ



گذارشات را بشکل متحد المآل تلگرافی توسط رؤساء تلگرافخانها به نقاط وخطوط اربعهٔ شرق و غرب جنوب و شمال و تمام ایالات و ولایات مخابره نمود

(تلگراف)

در اثر شکایات واصله و اظهار عدم رضایت عمومی مادهٔ واحدهٔ ذیل که در جلسه نهم ماه جاری بتصویب مجلس شورای ملی رسیده برای استحضار عموم اعلان میشود (نایب رئیس مجلس شورای ملی تدین)

مادهٔ واحده ـ مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام وحکومت موقتی را در حدود قانون وقوانین موضوعهٔ مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی وا گذار میکند تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر اصول ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه نهم ابان ماه ۱۳۰۴ شمسی بتصویب مجلس شورای مل رسیده

(نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین)

شرح فوق نیز اعلام گردید و صورت جلسه با این قلم امضاء شد



(تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْئٍ قَدِيرٌ)
این است سنت دیرینهٔ طبیعت که دراینموقع به احمد میرزا و محمد حسن میرزا واصول توارث سلسلهٔ قاجاریه بتمام معنی تطبیق وبا دست طبیعت یکی کشته شد و دیگری زنده گردید !.
آری طبیعت سزای اعمال نکوهیده سلف را بخلف وخلف را به اعقاب آینده داده ومیدهد وبجزای نیات و اعمال خود میرساند ـ اینها را کشت و درعوض ملت ایرانرا زنده وجاوید نمود
(طفلان پدر کشته دیدیم جوان گشتند) (روی پدران شستند باخون بداندیشان)
اینهمه تبدلات و تحولات در آن واحد از رشحات یك جملهٔ (تصویب شد) بود که ملت را بفتح خود مطمئن ساخت و در آن واحد نگاه های تند و تیز و خیرهٔ ملت به بهارستان که با تمام معنی آن کاخ را تهدید میکرد مبدل به چهره های باز و لب های خندان و آغوش پر عاطفه گردید حیات لاشعوریه رفت و حس شاعره جایگیر آن شد نفرت رخت بر بست دورهٔ قدر دانی آغاز شد مردم نمیدانستند که چه بایدشان کرد ؟ ـ عرض و طول خیابان ها را گرفته و بی اختیار با هلهله و شادی بطرف تحصن گاه خود وخانهٔ (والا حضرت پهلوی) میدویدند و بیکدیگر تبریك میگفتند

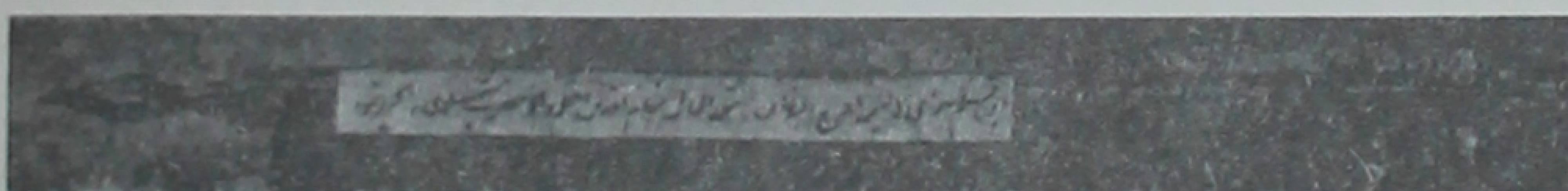
(دو ساعت بغروب)

دو ساعت بغروب مانده روز نهم آبان ماه است که فرمان حکومت موقت به (والا حضرت پهلوی) ازطرف ملت یعنی (مجلس شورای ملی)توسط یك عده از نمایندگان بپاس قدر دانی از زحمات چندین ساله وشکرگذاری حق نعمت اعدام رب النوع مخوف ملوك الطوایفی در زیر لواء امنیتی که دست با اقتدار (والا حضرت پهلوی) آنرا در بالای سر ملت ایران برگشوده تقدیم گردید

این فرمان تمام قدرت و معنویت ملت ایران بود که بنام ودیعه بیك شخص امین باصداقت و وفا دار تقدیم شد .

ملت ودیعه را با نهایت قهاریت و غضب از دستی گرفت و با کمال عاطفه و محبت به دست دیگری تسلیم کرد فقط بپاس خدمت و عظمت قدرت ایران بود که به یکانه فرزند با کفایت و صدیق خود داد به امید و اطمینان بحسن اداره و حفظ ودیعه

والاحضرت پهلوی ـ این ودیعه را با نهایت تکریم از دست ملت قبول و سرپرستی خود را بملت ستمدیده در متحدالمآل مخصوصی تنظیم و با این قلم امضا و اعلام فرمود



(متحدالمآل)

از طرف والا حضرت پهلوی رئیس موقت

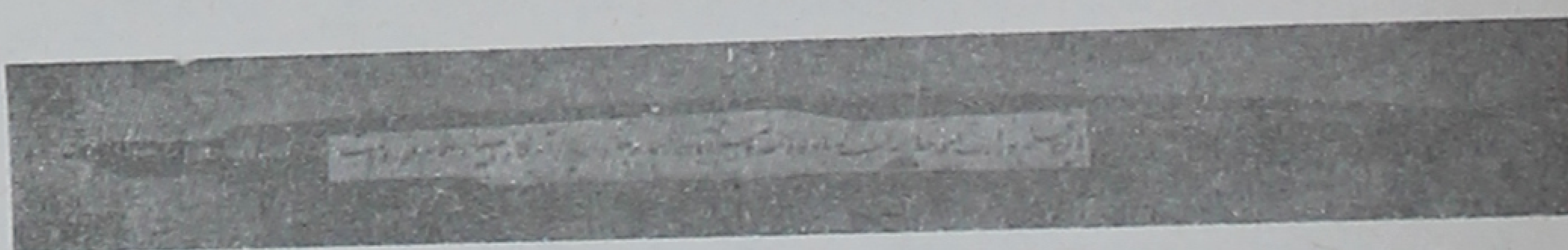
دولت علیه ایران

چنان که عامه سابقه دارند از چندی باین طرف در تمام اطراف و اکناف مملکت در اظهار تنفر و انضجار از سلطنت قاجاریه و الغای آن نهضت عمومي ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدید تر شده و طوری غلیان یافت که در مرکز نیز هیجان فوق العاده برای نیل باین آمال ملی بروز کرد و دنبالهٔ آن بجائی ممتد گردید که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی مي گشت دولت به پاس احترام آزادی افکار عمومی و احساسات ملي در تمام اینمدت بالمره رویهٔ بیطرفی را اتخاذ نمود تا عامهٔ اهالی و مجلس شورای ملی هر طریقهٔ را که موافق صلاح ملت و مملکت میدانند اختیار نمایند مجلس شورای ملی بنا بر موافقت با افکار عمومی متوجه لزوم خاتمه دادن به اوضاع و بحران مملکتی

شده و پس از چندی مطالعه و مذاکره در جلسهٔ شنبهٔ نهم آبان ماه انقراض سلطنت قاجاریه را اعلان نموده و ریاست حکومت موقتی را به اینجانب واگذار کرد تا اینکه مجلس مؤسسان به فوریت تکلیف قطعی حکومت آتیهٔ مملکت را معین نماید این است که در تعقیب رأی مجلس شورای ملی انقراض سلطنت را از آل قاجار و به دست گرفتن حکومت موقتی را بوسیلهٔ این اعلامیه رسما اعلان میکنم امیدوارم که تمام علاقه مندان به سعادت مملکت در حفظ مصالح عمومی با من کمك نمایند

(رئیس حکومت موقتی مملکت ورئیس عالي کل قوا ـ رضا)

متحد المال مزبور به تمام نقاط ایران اعلام گردید و از طرف وزارت خارجه عین آن بشرح ذیل در تحت نمره ۳۸۸ با این قلم



تحریر و تلگرافاً توسط مامورین خارجه وسفرای دولت علیه بتمام دربار های دول ابلاغ شد و نیز در تحت نمره ۱۳۹۲۱ مضمون ذیل را بسفارت خانه های دول متحابه مقیم دربار ایران اعلام گردیده است

«انگلیس ـ فرانسه ـ آلمان»

«ایطالی ـ بلژیك ـ ترکیه»

«روس ـ لهستان ـ افغانستان»

«مصر ـ آمریك»

(متحد المال بسفارتخانهای دول متحابه)

نهم آبان ماه ۱۳۰۴

نمره ۱۳۹۲۱

لزوماً خاطر محترم را زحمت افزا میشود که از چندی باینطرف در تمام مملکت در اظهار تنفر وانضجار از سلطنت قاجاریه و تقاضای الغای آن

نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدید تر شده و دنبالهٔ آن بجائی ممتد گردید که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی میگشت مجلس شورای ملی نیز که این وضعیات را تحت مطالعه داشت برای خاتمه دادن به بحران مملکت لزوم موافقت با افکار عمومی را متوجه شده در جلسهٔ شنبهٔ نهم آبان ماه جاری خلع سلطنت را از سلسلهٔ قاجاریه اعلام و ریاست موقتی مملکت را بوالا حضرت اقدس رضا خان پهلوی رئیس عالی کل قوا واگذار کردند تا اینکه مجلس مؤسسان تشکیل شده ترتیب قطعی را معین نماید موقع را برای تجدید احترامات فایقه غنیمت می شمارد.

(حسن مشار)

(سواد تلگراف متحد المال بسفارتخانها)

(و ژنرال قنسولگریهای ایران در خارجه)

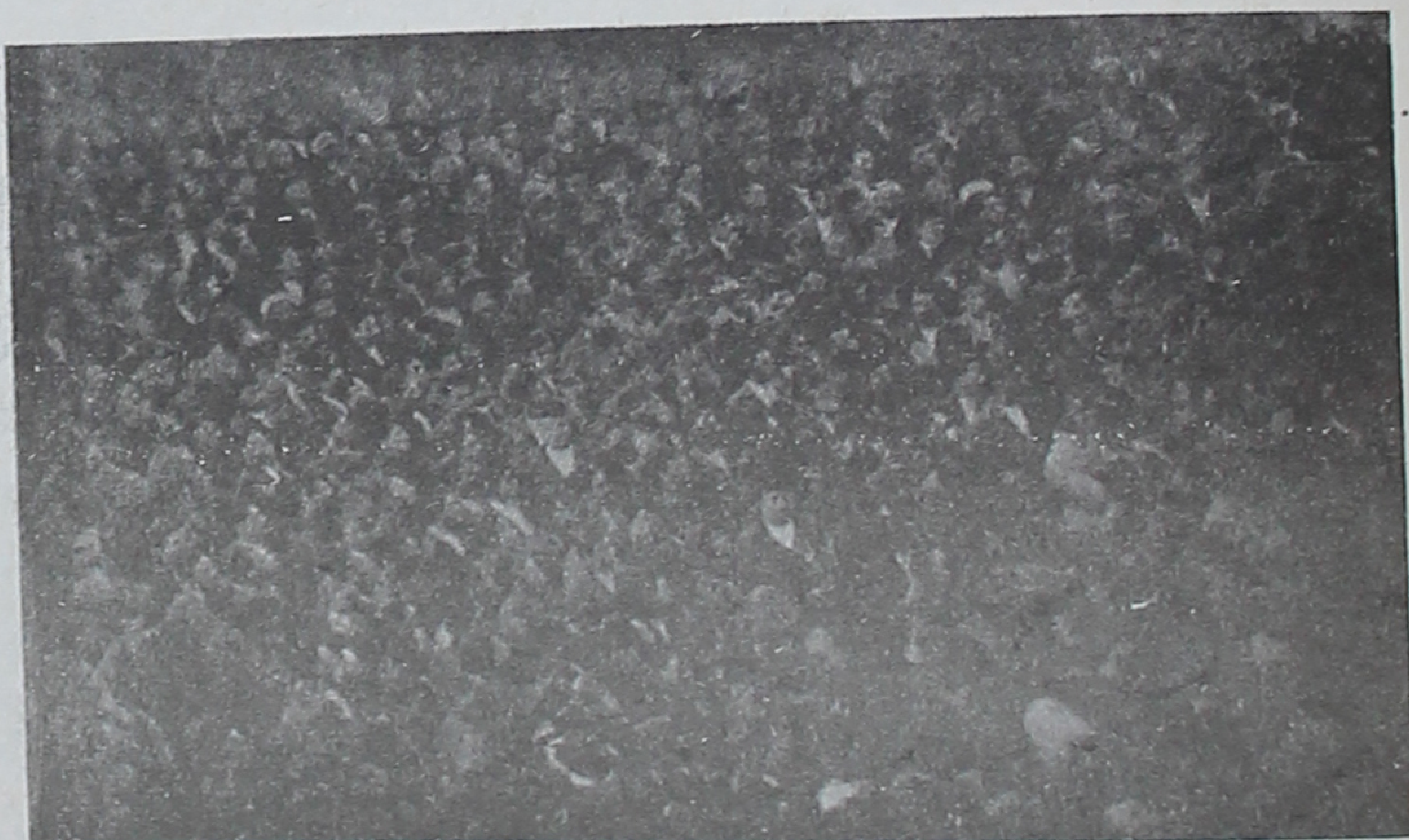
مورخه ۱۰ آبان ۱۳۰۴

نمره ۳۸۸

از چندی باین طرف در تمام مملکت در اظهار تنفر و انضجار از سلطنت قاجاریه و الغای آن نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدیدتر شده طوری غلیان یافت که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی میگشت مجلس شورای ملی هم که وضعیات را تحت مطالعه داشت برای موافقت با افکار عامه وخاتمه دادن به بحران مملکت در جلسهٔ نهم آبان ماه خلع سلطنت از سلسله قاجاریه را اعلام و ریاست موقتی مملکت را بوالا حضرت اقدس رضا خان پهلوی رئیس عالی کل قوا واگذار نمودند تا اینکه مجلس مؤسسان تشکیل شده ترتیب قطعی را معین نماید.

(حسن مشار)

«والا حضرت پهلوی در مدرسهٔ نظام»
«از ملت پذیرائی می کند ـ مردم با»
«یك اشتیاقی خود را بروی قدم های»
«ایشان می اندازند و بایك سیمای رأوفانه»
«نوازش می نماید ـ از چادری بچادری»
«از اطاقي باطاقي می رودو ملت خود»
«را تفقد و دل جوئی میکند»



(والا حضرت پهلوی در امواج احساسات)

پس از تقدیم فرمان شلیك توپ قبول سمت ریاست حکومت موقت را برسمیت قاطعه اعلام و تمام ملت بدر خانهٔ رئیس مملکت هجوم و غوغای غریبي بر پا گردید و روح دیگری در ابدان دمید ـ نفخهٔ مخصوصی بود که ملت را بادای وظیفه و ابراز حسیات درون وادار کرد ازدحام نه بطوری بود که بتوان تقریر کرد و از چند قطعهٔ عکس که در یك

قسمت های مخصوصی از گوشه و کنار گرفته شده و عیناً گراور میشود چگونگی ازدحام بدست خواهد آمد

تمام متحصنین و عموم ملت با یك صمیمیتی میخواستند رئیس دولت را زیارت و عرض تبریك گویند و این مسئله با پذیرائی انفرادی و طبقاتی غیر ممکن بلکه محال بود والا حضرت پهلوی تصمیم نمود که خود وارد جمعیت گردیده و از ملت پذیرائی نماید



(والا حضرت پهلوی در طوفان عواطف)

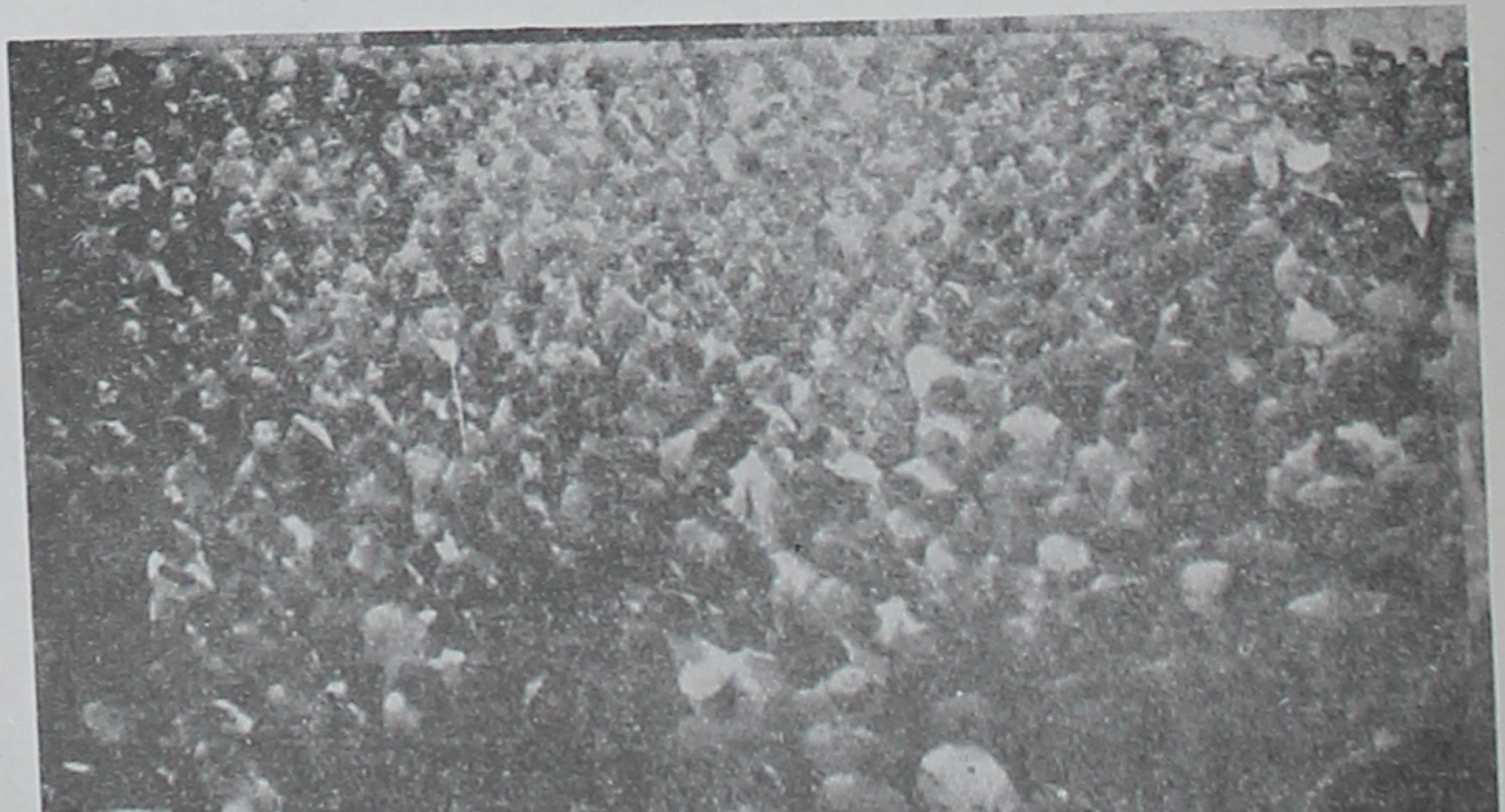
در این چندروزه ایام انقلاب شخص پهلوی غالباً در عمارت ییلاقي بسر مي برد واگرهم درشهربود بهیچوجه کسی نمی توانست اورا ملاقات نماید و مخصوصاًاز مردم کناره گیری مي نمود حتی مشهور شد که عصرهشتم آبان پهلوی از طهران خارج و بسر کشی مازندران و نقاط شمالی رفته است و بالجمله در این چند روزه مردم نمیتوانستند ایشان را ملاقات نمایند و اگر ملاقاتی می افتاد فوق العاده محدود و با نهایت خون سردی دست میداد .باین سابقه حالا شخص والا حضرت پهلوی قدم بداخلهٔ جمعیت گذاشته

و خود را تسلیم امواج احساسات ملت کرده است



(در خانهٔ والا حضرت پهلوی)

از داخل خانهٔ شخصی جمعیت پهلوی را سینه کرده و دست بدست در روی سر و سینه با غریو و هلهله و شادی بمدرسه آورده و عنان اختیار



(والا حضرت پهلوی در تلاطم قدردانی)

از دست رفته جمعیت است که رئیس مملکت را در آغوش گرفته و

بتمام معنی روحیات و حسیات خود را شاباش و نثار می نمایند چه آنکه ملت چیز ندیده دیده رئیس مملکت بر خلاف عادات دیرینه گذشتگان پردهٔ استتار را دریده و بدون حاجب و پاسبان و یساول و فراش و شاطر مانند یك پدری که از عائلهٔ خود پرستاری و تفقد نماید در داخل توده دارد عواطف خود را بملت خود هدیه و ملت نیز مقابله بمثل نموده و دارد موجودیت خود را به پرستار خود فدیه مینماید :



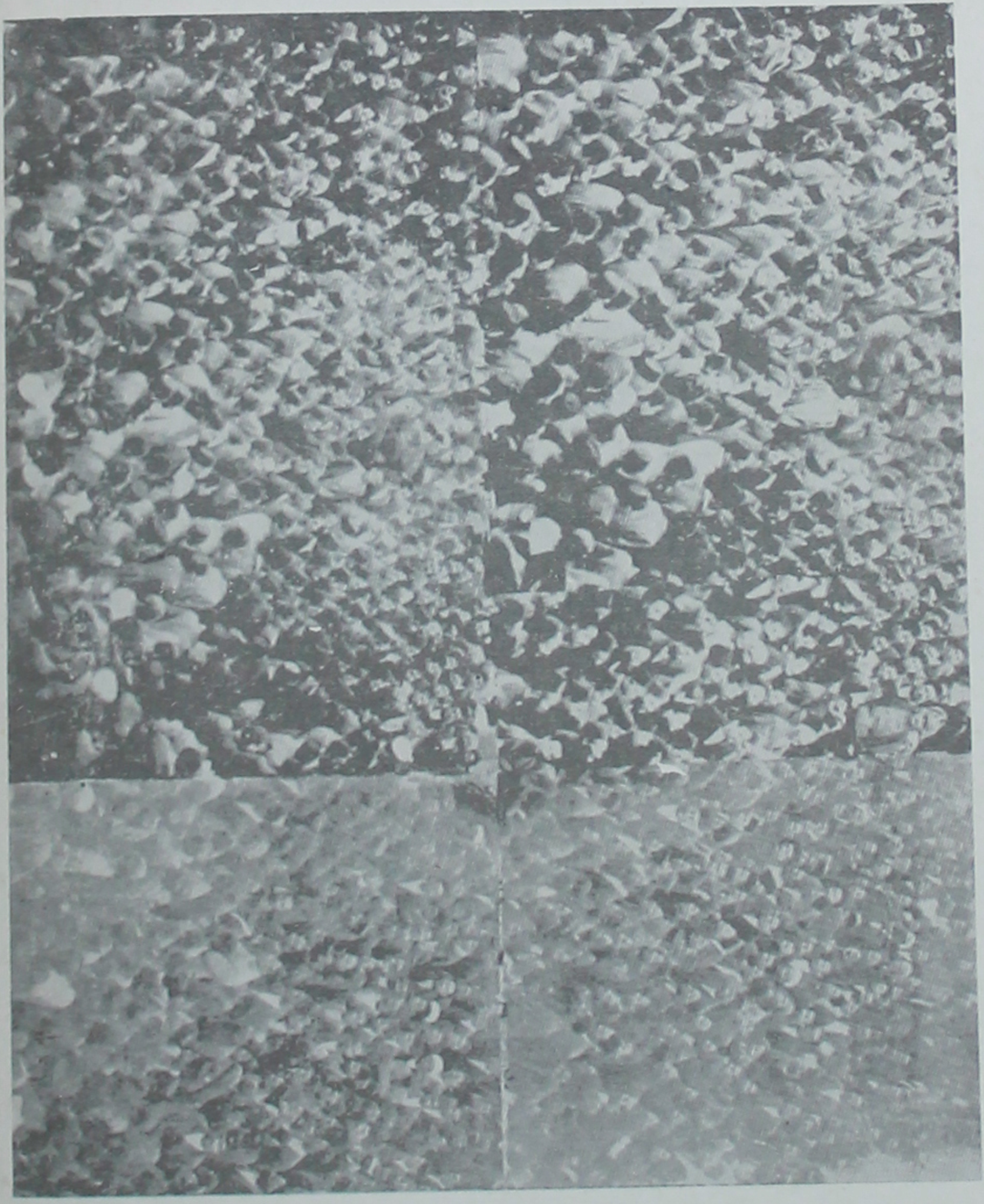
(والا حضرت پهلوی در کوران شفقت)

این پذیرائی فقط از نقطهٔ نظر نوازش یك مایهٔ امید از امیدواران وشفقت یك پدر با عاطفه و مهربان از فرزندان بلا دیدهٔ خود تلقی گردید چه آنکه سالیان دراز بود که ملت ایران در حسرت و آرزومند یك ساعتي بود که بتواند سر پرست خود را دیده و اورا در آغوش گیرد اینك آغوش ها باز و دست ها دراز جمعی زیر پا می رفتند و جمعی مایهٔ امید خود را دست بدست می بردند

از قطعات عکس هائیکه در آن دقایق شیرین از امواج متلاطم عواطف ملي برداشته شده یك حقیقت بخوبی محرز می گردد که عبارت از این خواهد بود که (هر کس با اراده و اعمال و نیات خود می تواند محبوب و یا مبغوض گردد)

☆☆☆

متعلق بصفحهٔ ۲۸۱



یك منظرهٔ با شکوه ـ والاحضرت پهلوی رئیس مملکت از ملت پذیرائی مینماید

☆☆☆

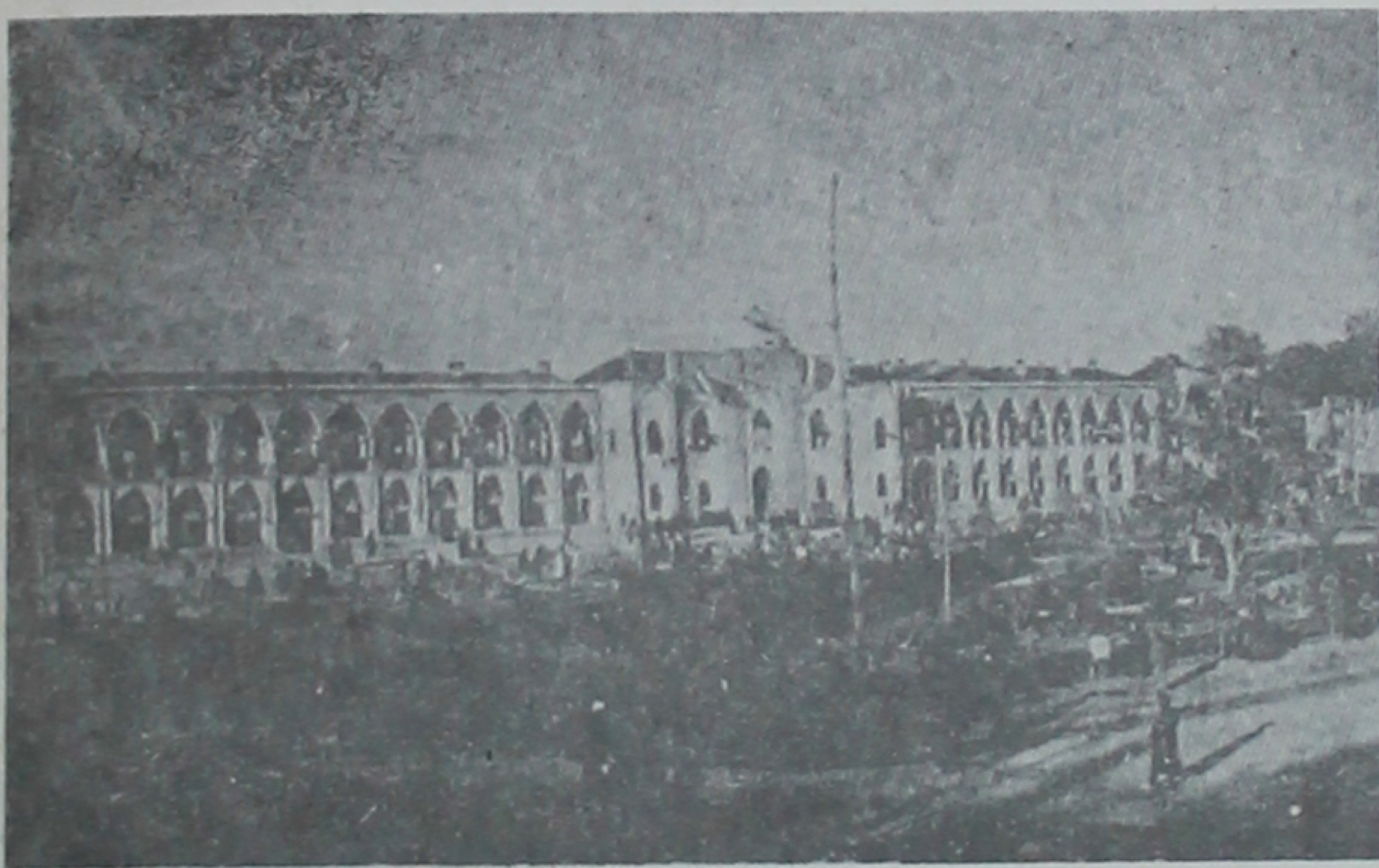
چیزیکه این معنی را باتمام دلائل اثبات می نماید همانا اعراض وانقطاع ملت است از یك سلسلهٔ صد و پنجاه ساله و توجه اوست بیك شخصی که فقط (فعالیت ـ عزم ـ اراده ـ ثبات ـ استقامت ـ وطن دوستی ـ ملت پرستی) معرف اوست و در ظرف مدت پنجسال باتحمل ناملایمات و تحریکات دربار وفقدان تمام وسایل دست ایرانی را گرفته واز زیر گلیم خواب باوج سعادت و هشیاری رسانیده است :

بنا براین نباید انتظار داشت که ملت اخلاقي ایران پروانه وار بدور شمع قامتش گشته واز شدت اشتیاق و علاقه و قدر دانی خود را تقدیم پرستار خود نماید ؟ :

والا حضرت پهلوی بجایگاهٔ واطاق تمام طبقات متحصنین وارد گردید وباتفقد و دلجوئی افراد را امید وار بعدالت وروز سعادت نموده و باقبول تبریکات ملت دست باقدرت خود را بسر وصورت داغ دیدگان و متحصنین کشیده ووارد اطاق مخصوص متحصنین آذربایجان یاسالون (کمیسیون نهضت) گردیدند باذربایجانیان اجازهٔ جلوس داده و پس از استماع تبریکات و اظهار امتنان و وفا داری ازباغ مدرسه خارج شدند

﴿ جشن وچراغانی ﴾

ملت بشکرانهٔ فتح وفیروزی بنای جشن و چراغانی گذاشته و چون بکام خود رسیده بود دیگر برای توقف در مدرسه و تحصن مجالی باقي نبود هرکس پی کار خود را گرفت وآئین چراغانی را بمیان آوردند تحقیقاً تاکنون کسی نظیرآنرا درخاطر ندارد و طهران یك پارچه آئین بندی و تزئین گشت وشب تار مبدل بروز گردید



(جشن وچراغانی در بلدیه)

طبیعت نیز بمساعدت ملت که یك قرن و نیم در ماتم وعزا بود و همیشه می گریست وحالا میخواهد بخندد و شادمانی نماید بنای چراغانی گذاشت وماه شب چهاردهم ربیع الثانی که مطابق با دهم آبان بود از افق سر کشید یابقول حکیم (عمر خیام)

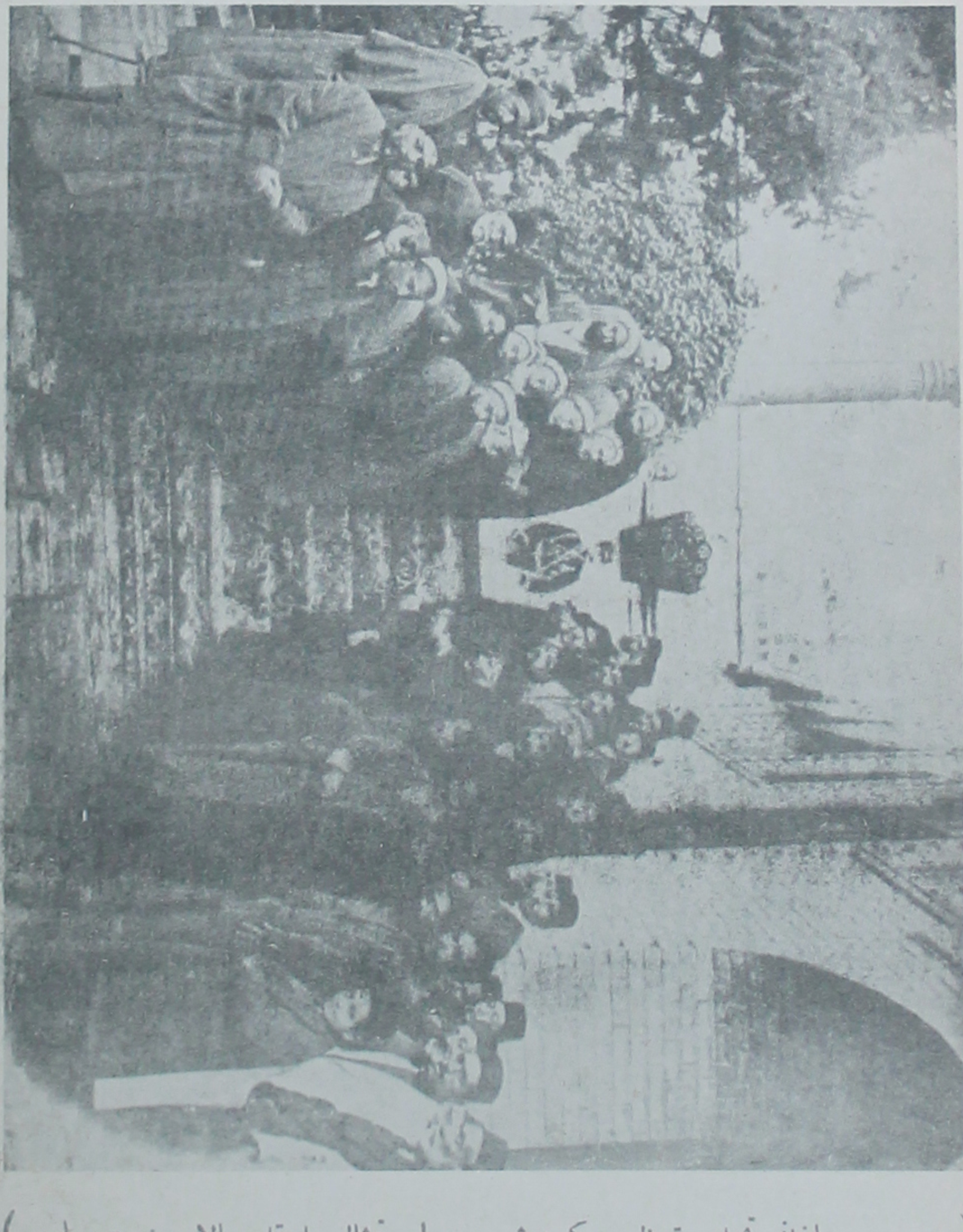
(مهتاب بنور دامن شب بشکافت)   (می خور که دمی بهتر ازین نتوان یافت)

قرص ماه باستارگان بنای عشقبازی گذاشته و از یك بعد لایتناهی چشم می توانست اصول معاشقه یاچشمك بازی و عشوهٔ وغمازی طبیعت را تماشا نماید .

هوا آرام وملایم نور ماه حسیات عاشقانه را تحریك کرده ملتی که یك قرن و نیم درحبس بود اینك آزاد ومشغول جشن وتفریح است فصل درختان را لباس الوان وارغوانی پوشانیده نور ماه از خلال درختان نفوذ کرده و سایه روشني که ذوق عاشقانه اندازهٔ لطافت آنرا می تواند تقدیر نماید تهیه کرده ودسته های موزیك درهر چند قدمي باترانه های ملی باتمام معنی آثار عظمت تاریخی جشن (سده) را پس از قرنهای

☆☆☆

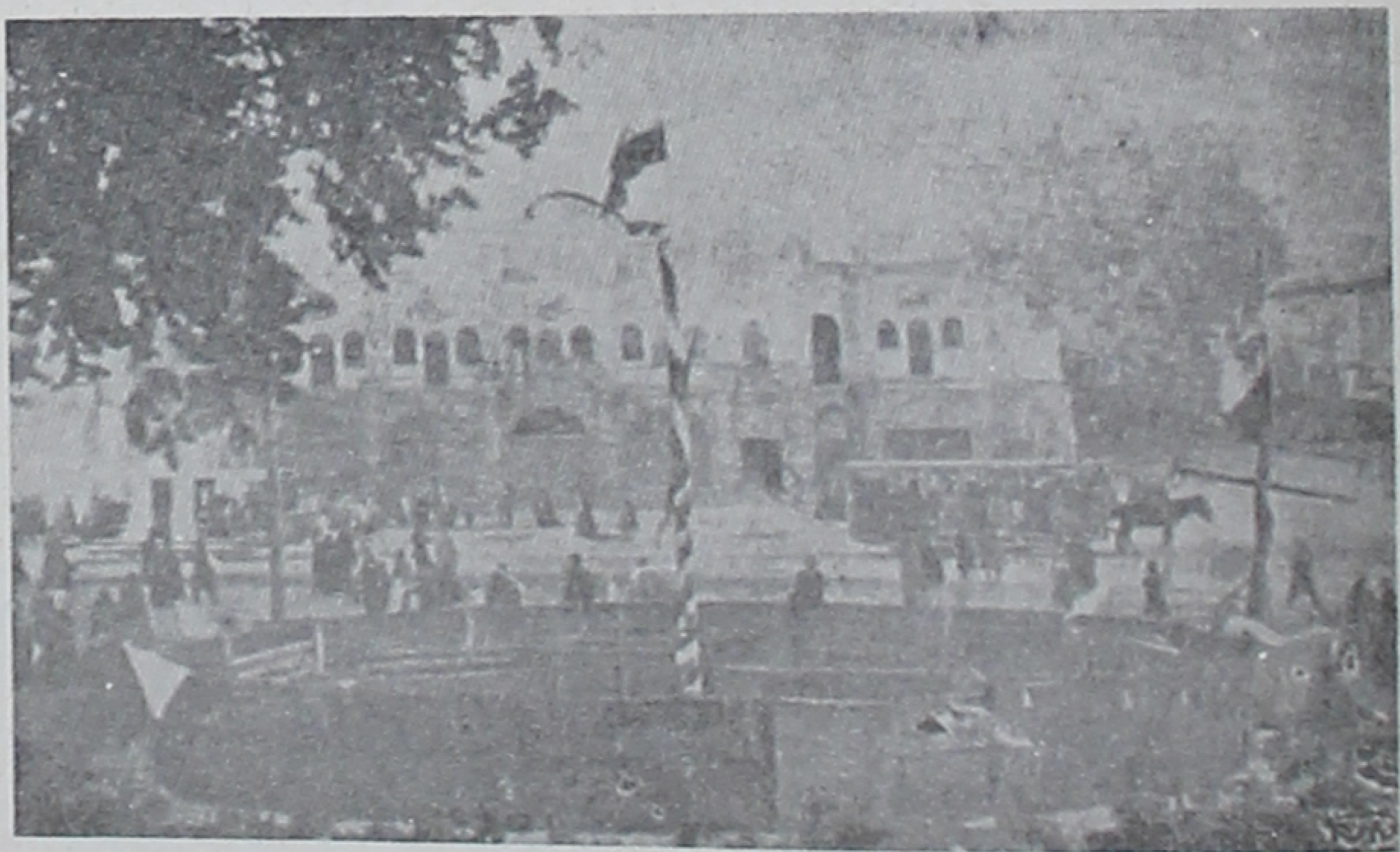
متعلق بصفحهٔ ۲۸۳



(جشن و چراغانی تجار وتعظیم و کر نوش در برابر تمثال باوقار والا حضرت پهلوی)

متمادی یك مرتبهٔ دیگر بذاکرهٔ ایرانیـان انداخت و دسته دسته مردم باسرود های ملی در تردد وباد از عظمت گذشته وبرای آیندهٔ خودآرائی می نمودند و از ملاحظهٔ چند کلیشه گراور حقیقت و معنویت این جشن معلوم میگردد ☆☆☆

روبهم رفته یك چنین جشن باعظمت و شکوهی‌را کسی ندیده و تاریخ درخاطر نداردد در تمام خیابانها وکوچه وبازارها طاق هاي نصرت بسته شد ودر ودیوار تزیین گردید وسه شب تمام جشن وچراغانی دائر بود



(جشن وچراغانی در نظمیه)

ازهمه مهم تر آنکه مجلس شورای ملی بافتخار ملت مجلس جشنی برپا نمود و بقدردانی یك چنین شـادمانی والاحضرت پهلوی حضور خود را در جشن اعلام و در سالون کتابخانهٔ مجلس که اطاق مخصوص پذیرائی والا حضرت بود حضور بهمرسانید تمام سفرا ونمایندگان خارجه حضور داشتند و رئیس مجلس شورای ملی (آقای تدین) خطابهٔ ذیل را در مقـدم والاحضرت ومجلس جشن ایراد نمود

شب سیزدهم آبان

(والا حضرتا)

مجلس شورای ملی با بهترین شعف وشوقی که زینت این ایام سعادت فرجام وساعات فرح بخش است مقدم همایون والا حضرت اقدس را استقبال و پذیرائی نموده بسی شادمان است که سعادت تاریخي و نیکبختی ابدی مملکت باستانی را دراثر افکار علاقه مندانهٔ بی آلایش اعضای خود بکف باکفایت آن والا حضرت تفویض وترقیات آتیهٔ وطن مقدس را در پرتو عظمت و فداکاریهای آن ذات خجسته صفات تأمین کرده است

والا حضرتا مجلس شورای ملي کاملا اطمینان داردکه ایام خفت بار کذشته درنتیجهٔ عملیات قادرانه ومجاهدات بی پایان آن والاحضرت بروزکار درخشانی تبدیل کردیده و باکمال قوت قلب میتواند عموم ملت ایرانرا بازدیاد سعادت وتعالي و ترقیات روز افزون مملکت وعده قطعي داده و بانهایت امید واري حسن موفقیت و مزید توانائی و قدرت والا حضرت را از درکاه عظمت احدیت مسئلت می نماید .

بر حسب رسمیت مجلس و مراعات اصول ثابته لازم بود که والا حضرت اقدس رئیس حکومت موقت در جواب بیانات رئیس مجلس شورای ملی که بنام ملت ایران این پیش آمد را تبریك و تهنیت گفته خطابهٔ ابراد کرده باشند این بود که سر پا ایستاده و تمام نمایندگان و سفرا و حضار

باحترام بیان در حالت رسمی سر پا ایستادند و این خطابهٔ ملوکانه را که شایسته یك رئیس حکومت محبوب و علاقه مند به ترقی و تعالی وطن و ملت خود میباشد ایراد نمودند

(آقایان نمایندگان)

از احساساتی که آقایان محترم دراینموقع نسبت باینجانب ابراز مینمایند ممنون وسپاسگذارم

نیت ملت نجیب ایران ومنتخبین آن همانا اعاده و استقرار سعادت و عظمت تاریخی وطن است اینجانب بحمدالله تعالی در این نیت مقدس کاملا شریك بوده وهستم وعملیات من درگذشته شاهد این مدعا میباشد وامید وارم درآینده نیز چنانکه منظور نظر است ظاهر شود

گرچه تاکنون ترقیات عمده راجع بقوه وقدرت دولت حاصل شده ولیکن برخاطر من پوشیده نیست که هنوز در امور مملکت خاصه نسبت بمسائل اقتصادی وقضائی ومعارفي اصلاحات عدیده ضرورت دارد رجاء واثق دارم که با احساسات سرشار واشتیاقي که در عامه وخصوصاً درآقایان نمایندگان برای نیل باین مقاصد مشاهده میشود درفراهم ساختن موجبات آن درهرگونه مجاهدت وفداکاری مضایقه نشده وموفقیت کامل وعاجل حاصل گردد

در خاتمه سعادت وعظمت وطن را ازخداوند مسئلت مینمایم .

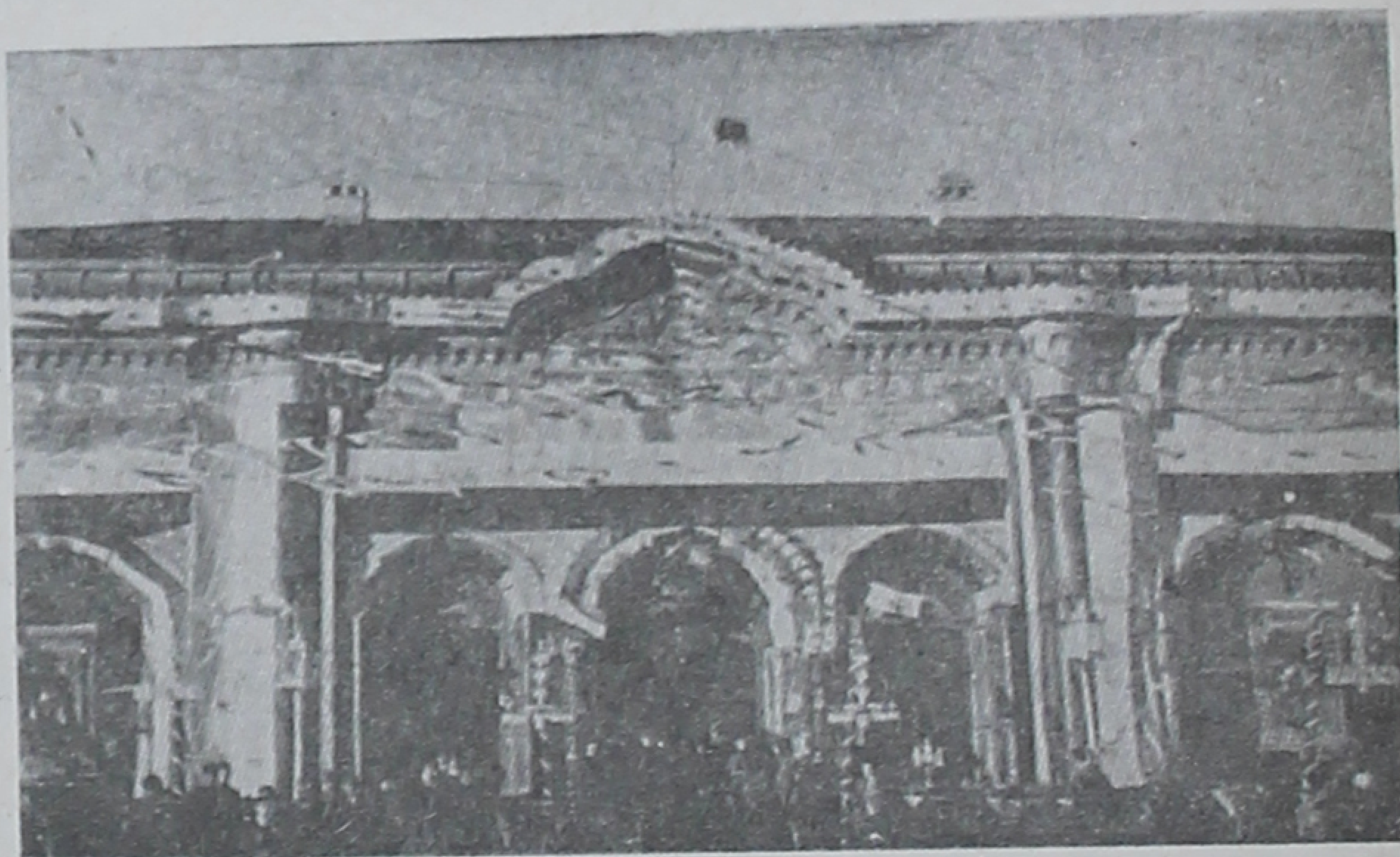
در پایان خطابهٔ حاضرین جلسهٔ جشن بایك شعف روحی مدلول آنرا با یك ایمان و عقیدهٔ و اطمینان که تأثیر آن را حتمی الوقوع میدانستند شادمانی نمودند و ما برای کسانیکه در طهران نبودند و اعقاب آینده که فقط برمز تاریخ انقراض یك سلسله و نصب والا حضرت پهلوی را در راس قوه اجرائیه مملکت ایران استنباط مینمایند و از چگونگی تبدلات و تظاهرات بی اطلاع خواهند بود گراور های طاق نصرت و خیابان های تزیین شده را در کتاب خود برسم علامت و نمونه یادکار میگذاریم تا چگونگی پیش آمد را استنباط نمایند.



(جشن و چراغانی در بانك شاهنشاهی)

فعلا طهران را در بحبوحهٔ جشن و شادمانی گذاشته و میخواهیم بطرف نقطهٔ مهمی که اطراف آن را حوادث احاطه کرده و روی آنرا غبارهای تیره روزی پوشانیده برویم و ببینیم بعد از ظهر نهم آبان در آنجا چه وقایعی اتفاق افتاده است ؟

☆☆☆



(جشن و چراغانی در دواخانه سپه)

☆☆☆

(گاهی غم و گاهی سرور باعث فراموشي است)

محبوسین یك قرن و نیم ایام تیره روزی تلخ کامی را فراموش کرده و در امواج عیش و نوش میگذرانند و یا شادمانی و فتح و فیروزي دشمن را فراموش کرده و فعلاً مشغول خوش گذرانی است!

ما فراموش کار نیستیم و مقصد دیگری داریم و برای آیندگان میخواهیم درس عبرتی تنظیم و کلاس تربیتی تشکیل ومعلوم بداریم که نسل معاصر در تامین زندگاني اعقاب آینده خدمت کرده همانطور که گذشتگان برای نسل معاصر قدمی رو بسعادت برنداشته بودند.

از نقطهٔ نظر تاریخ حقایق را نکته به نکته ثبت و قضاوت را به آینده واگذار مینمائیم این نقطهٔ را که ما در نظر گرفته و میخواهیم بطرف آن سیر کنیم خیلی خطرناك و مخوف است!

شب است از دالان های پرپیچ وخم ودهلیز های مرطوب و دخمه های

تاریك خواهیم گذشت ! و بیك پیش آمد شومی مصادف خواهیم شد و بیك مقام مقدسی خواهیم رسید که بایست در حریم آن احرام بسته و عوض پا و قدم با سینه و دست راه برویم.

ما که نمیتوانیم پای بی ادبانه بروی قبر (وکیل الرعایا کریم خان زند) گذاشته بگذریم ما ازعالم ملکوت از روی عقیده و ایمان این فرمان را (فاخلع نعلیك انك بالواد المقدس طوی) میشنویم گرچه دیگران پنبهٔ غفلت بگوش خود گذاشته وازسفیر صور اسرافیل قضاوت وجدان بی خبر بودند!

این نقطهٔ که ما در نظر گرفته مخوف و مخزن اسرار و فجایع است کسی را نیز نمیتوانیم همراه خود برداشته و وارد این بیغوله ولی بعقیده ملت ایران (مذبح حق و عدالت یا مدفن حریت و آزادی) گردیم

از قضا کسی هم حاضر نیست که ازخیابان های با شکوه و مزین ودلفریب و آئین جشن و چراغانی صرف نظر نموده واز ترانه های عاشقانه وآهنك های دلفریب سرود های ملی چشم وگوش پوشیده ووارد جا های مخوف وخطرناك گردد که عوض ترانه ها با صدای جغد و یا حرکت خزنده ها مصادف گردد

و بالجمله مقصد ما مهم تر از آنستکه مرعوب خیالات بختك نما گردیده و از کابوس وهم مضطرب باشیم میرویم و اسرار تاریخی را کشف و تحصیل مینمائیم وآنچه را که‌در روز نهم‌آبان اتفاق افتاده در ضمن اسرار شب برای شما نقل می نمائیم

(تاریکی یاانتقام)

در این شب نورانی که زوایای طهران بانور ماه و چراغ های برق روشن است فقط یك نقطه دراعماق ظلمت و امواج تاریکی پر وحشت هر دقیقه بقعر بیم و هراس فرو میرود!

هر اندازه ماه میخواهد اعمال نفوذ کرده و نور خود را باین منطقه بگستراند دیوار های کج و کوله با سایه های مخوف خود مقاومت نموده و جلوگیری میکنند!

در این ایام متمادی نه تنها نور ماه و آفتاب نتوانسته باین منطقه تابیده و بر حسب تاثیرات طبیعی خود استفاده بدهد بلکه ساکنین این منطقه نخواسته اند از طبیعت نیز استفاده نمایند و مانند برهمنان در مرز و بوم برهمنی گذرانیده – نور حق و عدالت و وجدان هم باین محوطه سرایت نکرده است !.

مثل این است که طبیعت بخیال انتقام افتاده و پس از قضاوت احکام عادلانه خود را بموقع اجرا گذاشته نور های مصنوعی چلچراغهای خرید اروپا با قرض های کمر شکن را گرفته و اطاقهای روشن شهوت رانی را محکوم به حبس تاریك کرده است اینك در این شب تمام نقاط روشن فقط دربار قاجاریه تیره وتار و دالان های پر پیچ وخمش حکایت از عقاید و افکار ساکنین آن مینماید!.

گلستان بحال وحشت افتاده !. – وبه تیرگی شب مخوف و هراسناك درخت های انبوه و سایه دار مساعدت کرده و در دل تاریکی این دهشت کده را بوحشت انداخته هول و هراس از در و دیوار آن می بارد – این باستیل عقاید و افکار منظرهٔ مخصوصی بخود گرفته و بایك قیافهٔ عبوس بمحیط طهران تماشا مینماید!.

و بالجمله میخواهیم بطرف دربار قاجاریه برویم .

حسب الامر والاحضرت پهلوی دو ساعت بعداز ظهر شنبهٔ نهم آبان ماه ۱۳۰۴ مامور شدم که دربار را تحویل گرفته وخانوادهٔ سلطان مخلوع را بیرون نمایم دو ساعت و ده دقیقه از ظهر گذشته بود که وارد عمارت سلطنتي شدم مشکوة الدوله پیشخدمت احمد میرزا را خواستم و به محمد حسن میرزا (ولیعهد مخلوع) که در غیاب احمد میرزا در ظرف سه سال قائم مقام

او بود و در پس پرده هزار رنك به آب می زد اخطار نمودم که فوراً تهیهٔ مسافرت خود را دیده و همین شب از طهران خارج و بطرف اروپا حرکت و به برادر خود ملحق گردد.

موقعیکه من وارد شدم شوفر محمد حسن میرزا نیز میخواست از دربار خارج گردد. بمشار الیه امر شد که بلا تاخیر اتوموبیل را تهیه و حاضر نماید و یکنفر مامور را تعیین نمودم که شوفر را تحت نظر گرفته و برای اتوموبیل بنزین و روغن تهیه نماید

آغا باشی (معتمدالحرم) نیز احضار و تاکید شد که هر چه زودتر اندرون را تخلیه و اسباب های شخصی خود را نیز از دربار بیرون برد و تا صبح این امر حتمی الاجراست

بلافاصله اوامر بموقع اجرا گذارده شد در این بین صاحب جمع جواب پیغام را آورد که (والا حضرت ولیعهد) بگوئید محمد حسن میرزا: بله ـ اظهار میفرمایند برای رفتن حاضرم ولی وسائل حرکت را ندارم پول هم ندارم تالوازم حرکت را تهیه نمایم و در صورت امکان طالب ملاقات و مذاکرات دوستانه دارد و اینطور میگوید چهل هزار تومان از دولت طلب دارم ممکن است از این بابت وجهی بدهند بعلاوه قرض و کارهای شخصی دارم که باید کسی را مامور تصفیه امورات خود نمایم

جواب دادم ملاقات ممکن نیست مذاکرات دوستانه نیز باهم نداشته و نداریم امر بندگان اعلیحضرت پهلوی است که باید بموقع اجرا گذاشته شود فوراً یکنفری را برای تسویهٔ امور و محاسبات خود تعیین و حرکت نمائید و کار های شما انجام خواهد شد و اگر عرایض دیگری داشته باشید بعرض والاحضرت پهلوی خواهد رسید

صاحب جمع مثل این بود که بحوادث معتقد نبوده و یا خود تجاهل میدنمود و یا برای اثبات فدویت و یا تجویز تقلید بقابرمیت اظهار داشت این مسائل را بوالا حضرت ولیعهد ـ اخطار شد بگوئید محمد حسن میرزا

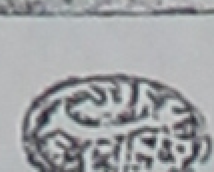
از طرف که ابلاغ کنم ؟ و این امر حرکت از طرف کیست ؟ جواب داده شد در تفهیم و فهم قبلاً خود را مستعد نموده بدانید از طرف بندگان والاحضرت پهلوی این احکام ابلاغ میشود

ساعت دو ونیم بعد از ظهر بود که موثق الدوله (مغرور میرزا) وزیر دربار سابق که قبلاً بوسیلهٔ تلفون احضار شده بود حاضر شد و بایشان اظهار شد هر چه زودتر رؤساء مسؤل دربار را حاضر نمائید که فوراً اشیاء سلطنتی و اطاق ها باید مهر و موم شود !.

روز شنبه بود ولی دربار تعطیل بود و جز چند نفر پیشخدمت و عبدالله میرزا (سردار حشمت) کالسگه چی باشی و ابراهیم خان صدیق همایون کسی دیگری حاضر نبود و بوسیلهٔ تلفون چند نفری حاضر شدند و با حضور حاج عدل السلطنه صندوق خانه و با حضور سردار حشمت کالسگه خانه و با حضور عین السلطان آبدار خانه و چون قهوه چی باشی حاضر نبود با حضور صدیق همایون درب ها مهرو موم گردید

سرایدار خانه نیز با حضور صدیق همایون مهر و موم شد موثق الدوله حاضر بود که خزانه نیز مهرو موم شد و بالجمله تمام ابنیه و اثاثیه دولتی با حضور رؤساء مربوطه به مسؤلیت خود آنها تحت ضبط وتوقیف در آمد و این مهر کار خود را کرد و دست توقیف را بروی آنها گذاشت .





مهر امیر طهماسب عبدالله خان حاکم طهران اثاثیه سلطنتی
ودربار را توقیف ومخزن ها را
ضبط نمود

اشخاص جزء جمع و غیر مسؤل از قبیل پیشخدمت و فراش و اجزاء

خلوت احازه یافتند که چنانچه بخواهند از دربار خارج شوند در این موقع صاحب جمع از طرف محمدحسن میرزا پیغام آورد که اجازه دهند سهم الدوله برای تهیهٔ یکهزار تومان وجه از دربار خارج شود اجازه داده شد که بمعیت یکنفرصاحب منصب بیرون رفته و مقصود خود را انجام دهد در این موقع کار دربار خاتمه یافت و هر چه بود تحت تصرف در آمد و باتفاق سرتیپ مرتضی خان و سرتیپ محمد خان که همراه من بودند بملاقات محمد حسن میرزا رفتیم و به صاحب منصب مامور قراول های دربار دستور لازم داده شد که پس از ملاقات ماجز چند نفر نوکر شخصی محمد حسن میرزا که باید همسفر وی گردند کسی حق ملاقات با مشار الیه را ندارد ولی این نوکرها نیز با حضور مأمور فقط میتوانند ملاقات کنند

راه افتادیم تا درب اطاقیکه محمد حسن میرزا توقف داشت پیشخدمت ها قبلاً درهائی را که در یك قرن و نیم بروی ایرانیان بسته و نمایندهٔ عقاید و افکار و احساسات قلبی ساکنین این نقطه پر پیچ و خم دور از عاطفه و عدالت بود پشت سر هم بروی ما باز مینمودند در مشاهدهٔ این حال نکتهٔ از خاطرم گذشت و بی اختیار حواسم را بجای دیگر کشانید و او عبارت از قدرت و قوه دست ملت بودکه با یك اراده درهای بسته را باز و زندکانی یك سلسله را بهم پیچید و مظهر قدرت خود را والا حضرت پهلوی معرفی نمود این است که یکی از مامورین این مظهر قدرت ملی دارد از این اطاقهای تو در تو میگذرد و ماموریت خودرا اجرا می نماید محمدحسن میرزا ازآمدن ما مطلع شده باطاق نشیمن گاه او هنوز وارد نشده بودیم که از روی صندلی خود بر خواست و تا نزدیك در اطاق باستقبال شتافت و همین شخص بود که چند ساعت قبل ایرانیان را عبید واماء خود محسوب میداشت و چیزی که در مخیلهٔ او قدر و قیمتی نداشت همانا ملت ایران بود در این ساعتی که وارد میشدیم مشار الیه مشغول خوردن نان شیرینی وچائی

بود و از شدت اضطراب چائی را نیمه گذاشته و باستقبال آمده بود
اظهار نمودم که توسط صاحب جمع پیغام داده بودم که حسب الامر
والاحضرت پهلوی باید زود تر تهیه سفر را ساز و ساعت یازده امشب
حرکت نمائید وضمناً اخطار میکنم که لباس نظام را از تن خود بکنید!.
جواب داد فرستاده ام لباس دیگری تهیه کرده بیاورند تا عوض نمایم
و چهار نفر که همراه من خواهند بود تذکره لازم دارند پول هم برای
تهیه لوازم حرکت ندارم چهل هزار تومان از دولت طلبکارهستم پیغام
دوستانه مرا به اعلیحضرت برسانید که از نقطهٔ نظر دوستی وسیله حرکت
مرا فراهم نمایند

جواب - البته برای ملتزمین یا درمرکز درین راه تذکره تهیه میشود - چگونه
میشود پول نداشته باشید ؟ بخدا که پول ندارم مبلغی هم مقروض هستم
بسیار خوب بعرض والاحضرت میرسانم هر طور امر فرمودند ابلاغ
خواهم نمود

برای حمل و نقل اسباب وسیلهٔ ندارم

جواب - بندگان والاحضرت پهلوی همه قسم مساعد هستند بعرض
مبارکشان میرسانم

مبلغی مقروض هستم و محاسباتی دارم نمیدانم به که رجوع کنم ؟

جواب - قبلاً بصاحب جمع گفتم صورت محاسبات خود را باو بدهید
اگر مطالبی باشد که محتاج بعرض رساندن باشد بعرض مبارك میرسانیم
میتوانم بگویم نظر بمعلومات قطعی خودم از عاطفهٔ والا حضرت پهلوی
مطمئن باشید و همه نوع مساعدت در کار های شما از طرف والاحضرت
خواهد شد و اوامر لازمه در تصفیهٔ امور و محاسبات شما صادر میگردد

خانواده را چکنم همراه ببرم یا خیر ؟

مجاز هستید میخواهید ببرید میخواهید در ایران بمانند
کسانیرا که میخواهید همراه خود ببرید ایرادی نیست

میتوانم با اجزای دربار تودیع کنم مانعی برای ملاقات نیست ؟
جواب ـ اجزاء و عمله دربار که تاکنون نزد شما بودند البته مراسم تودیع را بعمل آورده اید
لازم بود بعذا کرات خاتمه داده شود اظهار نمودم دیگر با شما خدا حافظی میکنم وبهم دست دادیم سرتیپ مرتضی خان فرمانده لشگر مرکز و سرتیپ محمد خان نیز دست دادند و از درب سالون خارج شدیم
بموجب دستوریکه قبلاً داده شده بود صاحب‌منصب گارد مأمور بود از ورود اشخاص وملاقات ها جلوگیری نماید و بجز ازچهار نفر همسفر کسی حق ملاقات را نداشت آنها نیز باحضور صاحب‌منصب میبایست‌ملاقات کنند

﴿ وحدت و انفراد ﴾

امر نظامی بموقع اجرا گذاشته شد و دیگر کسی حق ملاقات نداشت !.
محمد حسن میرزا از اجرای این‌امر مستحضر گردید ازدرب سالون خارج شد واز پشت سر اظهار نمود مگر ازملاقات اشخاص ممنوع هستم ؟
چون قبلاً باسایرین تودیع نموده اید دیگر با کسی ملاقات نخواهید کرد مگر چهار نفر باهمراهان خود آنهم باحضور مأمور
قانع شد و ساکت گردید وسر بزیر انداخت این جانب ورفقا از اطاقهای سلطنتی خارج وبرای تسریع حرکت مسافرین وعرض راپرت بخاکپای والا حضرت تشرف حاصل نمودیم
مراتب را معروض داشتم امر فرمودند مبلغ پنجهزار تومان نقد پرداخته و بقدر کفایت اتومبیل و کامیون برای حمل اسباب و مسافرین داده شود فوراً امر عالی اجرا و ساعت نه بعد از ظهر همان روز وسائل نقلیه حاضر و نه و نیم بعد از ظهر این جانب و سرتیپ مرتضی خان به دربار رفته وسائل حرکت آماده اعلام شد که ساعت ده حرکت نمائید در ساعت شش بعد از ظهر اعتضاد السلطنه

نصرت السلطنه عضد السلطنه و یمین الدوله ازصبح برای تودیع آمده بودند و ساعت ورود ما درگوشهٔ اطاق انتظار آنها را دیدم که مجسمه وار بارنگ پریده ایستاده بودند

بمجرد اینکه چشمشان بما افتاد بی اندازه پریشان شدند و بی اختیار لرزیدند چه یقین کردند که توقیف خواهند شد ولی کم کم این اضطراب از آنها رفع شد برای آنکه اعتماد به عاطفهٔ والاحضرت پهلوی اندیشه های مشوش آنها را رفع و مرعوبیت آنهارا تسکین داد و در برابر جرائم غیر قابل عفو سلسلهٔ خود شخص کریم و باعاطفهٔ را دیدند که چشم از سیأت آنها پوشیده وبنام عظمت اخلاقي ملت ایران ازگناهان آنها صرف نظر نموده بلکه همّ خود را متوجه تامین موجودیت آنها کرده و در بحبوحهٔ طغیان عصبانیت ملي اینك دست آنها را گرفته و از گرداب هلاکت به ساحلي میبرد این بود در مقابل یك چنین عطوفت و مهربانی هول و هراس را تسکین دادند وبالجمله ساعت هشت ونیم بعد از ظهر است که شاهزادگان هنوز دراینجا هستند و منتظر آخرین تودیع میباشند ـ درهمین ساعت محمد حسن میرزا برای تودیع باخانواده خود باندرون رفت

﴿آخرین تودیع﴾

ده ساعت و پنج دقیقه بعد از ظهر محمد حسن میرزا در درب اندرون بااجزاء و مستخدمین و خواجه ها آخرین مراسم تودیع را بعمل آورده ودر تحت محافظت صاحب منصبان مخصوص بطرف خارج دربار حرکت نمود

(نقشهٔ حرکت)

یك اتومبیل حامل نظامیان از جلو اتومبیل محمد حسن میرزا از عقب ومابقی اسکورت بفاصلهٔ ده قدم از یکدیگر سلسله وار راه بغدادرا از خط قزوین پیش گرفتند

(دریای نیستی)

پس از صدو پنجاه سال تقریبی آخرین شخص منتظر که روزی بر اریکهٔ سلطنت جلوس نماید و یکدفعهٔ دیگر تخت و تاج با افتخار ایران ملعبهٔ هوا و هوس گردد از ایران رفت و در عالم سیاست بدریای نیستی غرق و امواج ازسرش گذشت

(کان لم یکن بین الحجون الی الصفا انیس) (ولم یسمر بمکة سامر)

هیچ اثری باقی نماند چه انکه اثری نداشت تا ازخود باقی بماند رفت و بدریای عدم ملحق شد .

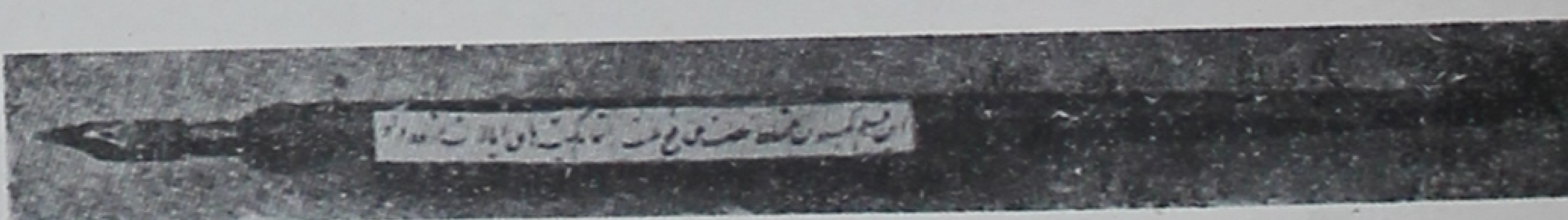
(قضاوت)

راستی .باید اندکی نیز قضاوت نمود ـ وقتیکه اعمال و حرکات مؤسسین سلسله قاجاریه را نسبت بطبقهٔ زندیه از نظر می گذرانیم و در طول (۱۵۰) سال اطوار وحشیانه و سبعانهٔ سلاطین قاجار را نسبت بزیر دستان ومخصوصاً کسانیکه مغلوب اراده وقدرت آنها گردیده اند ملاحظه می کنیم یك چنین گذارشات فجیع و ننگین را با مراتب بزرگواری اخلاقی مظهر قدرت ملی امروزه که برسم ودیعه ملی سلطنت ایران را دست گرفته (ودیعهٔ یك ملتی کـه بتمام معنی برعلیه این سلسله قیام ودرنظر ملت غیر از انتقام ومحو و نابودی احمد میرزا ومحمد حسن میرزا و خانواده قاجاریه چیز دیگری منظور نداشتنـد) مقایسه نمائیم جز باین سر نمی توان قضاوت نمود که این فضیلت اخلاقی خدا دادی وشایستهٔ سر پرست ملت اخلاقی ایران .باستانی است کـه در مقام غضب با قوهٔ عاطفه بی ادب را تادیب وپس از منکوبی دشمن .با دست ترحم بسیئات اعمال قلم عفو و بخشایش میکشند آری این خود یك معجزهٔ اخلاقی و در خور ملت ایران است مگر دارا پس ازفتح یونان و روم تاج بخشی نکـرد ؟ مـگر نادر شاه افشار پس از تسخیر هندوستان دست رافت بسر مجرمین نگذاشت ؟ ـ پهلوی نیز زاده ساسان است که دشمن

را مغلوب و منکوب و شکست خورده دیده و با یك عاطفهٔ شاهانه دارد امواج ترحم را بروی غرقاب دیدهٔ سیآت اعمال زندکانی ریخته و از دریای نیستي و قهر و غضب ملت نجات می دهد

حالا لازم است پس از تحصیل اطلاع و ضبط جریانات و وقایع از این منطقهٔ تیره و تار یکدفعهٔ دیگر بسراغ متحدین آذربایجان رفته و از کمیسیون نهضت کسب خبر و اطلاع کرده باشیم

راستی پس از فتح مشغول چه کارند ؟ پس از آنکه دو ساعت بعد از جلهٔ (تصویب شد) که توپ آتش گرفت و آن صدای مخوف منعکس گردید منشی کمیسیون نهضت این قلم را دست گرفته و این تلگراف را



بشکل بیانیه بتمام کمیسیون های نهضت اعلام و آزادیان را بشارت انقراض دشمن و سقوط ابدی او را داد

(بیانیهٔ کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

هموطنان عزیز !

صفحهٔ جدیدی از تاریخ بروی شما باز شد . دورهٔ نکبت بدون آسیبی که لازمهٔ آن بود سپری گردید . آتیهٔ درخشاني با روی بشاش شما را تهنیت میگوید ؟ زیرا که شما با نهضت حرارت آمیز و رویهٔ متینی که در اثنای آن اتخاذ کرده اید

بر عالمیان ثابت گردید که دارای استقلال فکر و رشد سیاسی بوده و میتوانید مهار مقدرات خود را در دست گرفته وجههٔ سیاست مملکت را در هر موقعی ، بدون هو و جنجال و رجاله بازی ، و بی آنکه آتش

انقلاب خونینی افروخته شده موجب سلب امنیت و آسایش گردد ــ بنقطهٔ مقتضی بر گردانید .

روشنترین علامت رشد و تکامل ملل . همین امتحان بزرگ است که شما ایندفعه با نهایت ثبات و متانت و عاقبت اندیشی و مآل بینی ، از خود بروز داده و در نتیجهٔ آن به مقصد مأمول زودتر و سهلتر واصل گردید این است که شما از دو جهة شایان تبریك و سزاوار تهنیت هستید یکی از حیث امتحان جالب تحسین و تمجیدی که در مقابل خودی و بیکانه دادید . دیگری از نقطهٔ نظر مظفریتی که بدست آوردید . شما مدلل کردید که قانع بر « سلطنت معطله » نبوده لایق حکومت فعال و تجدد و ترقی پرور و معارف دوست و بالاخره مستحق یکدولت معاصر با تمدن عصر حاضر هستید . بنا بر این کمسیون مختلط نهضت ملي با نهایت بشاشت تبریکهای خالصانه و تهنیت های صمیمانه خود را بعموم هموطنان عزیز تقدیم داشته با کمال افتخار بشارت میدهیم که در نتیجهٔ مساعی و مجاهدتهای مبذوله عموم هموطنان عزیز ، چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات و در تلو لایحهٔ قانونی دیروزی که در بیانیهٔ قبل مندرج و بمقام معظم ریاست دولت و قوای عالیه مملکت دامت عظمته تقدیم گردیده و در تصویب رساندن آن با مساعدت احساسات هیجان آمیز عموم طبقات اقدام مؤثری بعمل آمده بود . در ظرف مدتی از دیروز عصر تا امروز صبح در تحت فشار و تضییقات افکار عامه ، مابین نمایندگان هیئتهای محترم مرکز از یکطرف و وکلای مجلس شورای ملي از طرف دیگر توافق نظری حاصل آمده امروز « نهم آبانماه » قبل از ظهر مذاکرات رسمی باحرارتی راجع به ترتیب عملی کردن آن در مجلس شروع و ساعت دو بعد از ظهر تصویب مواد سه گانه ذیل با کثریت هشتاد رای از هشتاد و پنج نفر حضار ختم و در میان هلهله و غریو شادمانی با شلیك تیر توپ بعامهٔ اهالی تبشیر گردید .

اینک مواد سه‌گانه که مژدهٔ آتیهٔ درخشانی را برای عموم هموطنان علاقه مند بترقی و تعالی مملکت متضمن میباشد : ـ

۱ ـ خلع سلطنت از خانواده قاجاریه

۲ ـ تفویض حکومت موقتی تا تشکیل مجلس مؤسسان بکف کفایت و اقتدار آقای پهلوی .

۳ ـ واگذاری اصلاح مواد (۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ۴۰) قانون اساسی و تعیین طرز حکومت آتیه بعهدهٔ مجلس مؤسسان .

مقتضی است که عامهٔ هموطنان گرام در مقابل این مظفریت عظیم جشن باشکوهی گرفته روز نهم ابان ماه را یکی از اعیاد بزرك ملی بشمارند

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(قطع نامهٔ کمیتهٔ انقلاب)

نمرهٔ ۱۰۶۳

هموطنان عزیز ـ مظفریت درخشان ملت در پیش بردن مقاصد مشروع خود بوسیلهٔ بیانیهٔ مفصلی بشارت داده شد و عموم ایالات و ولایات هم بموجب دستور کمیسیون مختلط نهضت ملی سه شبانه روز شهرهارا آئین بسته چراغانی خواهند نمود اینك مقتضی است اهالی محترم مرکز نیز بهمین ترتیب اظهار شادمانی و ابراز احساسات نموده شرکت بمسرت اهالی سایر ایالات و ولایات بفرمایند

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

این بود جریانات کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان حالا باید دید در نقاط خارج مرکز چه تازهٔ اتفاق افتاده و پس از تلگراف مجلس شورای ملی و اعلامیهٔ والا حضرت پهلوی و بیانیهٔ کمیتهٔ انقلاب یا کمیسیون نهضت ملی در ایالات و ولایات چه اثراتی بروز نموده است ؟

آیا استنباط وکیل مخالف (دکتر مصدق) که در موازنهٔ سیاست داخلی

و خارجی .با یك دست قرآن و .با دست دیگر اصل (۳۶) قانون اساسی را گرفته و می ترسید از تغییر آن محور سیاست شکست خورده وایران زیر و رو گردد مطابق واقع بود،؟ و یا هر پنج نفر راه خطا پیموده واز احتیاجات توده و اقتضای سیاست بی خبر بوده اند؟ ودرپس دیوار شکسته سنگر بندی نموده ؟ و .با تمام قوه میخواستند اساسی را که طبیعت دارد واژگون مینماید .با بر جا نگاهدارند ؟

(قوهٔ برق)

اعلامیه و بیانیه را در طرفة العین برید صبا .با قوه برق از مرکز گرفت و در دنیا منتشر نمود

جمادات ترجمان بیانات انسان گردید و برای انسان طریقهٔ بیان آموخت .با سیم بهمه جا خبر داد که دورهٔ کامرانی قاجاریه سپری و روزکار حاکمیت ملت احکام خود را انشاء و مدلل داشت که در رأس تمام قوای قاهره دست جامعه وجماعت قوی تر چه آنکه (ید الله مع الجماعه) است که گریبان غاصبین تخت و تاج را گرفت و از سریر شاهنشاهی ایران پرتاب کرد !.

و تودهٔ را اعتقاد بر این بود که چون به تخت و تاج اجنبي بودند از ایران رانده شدند اینك چند ساعت دیگر از سرحد خارج و بممالك اجنبي رهسپار خواهند شد . تا معلوم گردد که اساساً بي وطن بوده اند !.

سیم از گفتار نیاسودهٔ بود که یکبار دیگر حامل حسیات و تهنیت و تبریك و خورسندی و شادمانی ملت ایران گردید همان طور که دیروز حامل تظلمات وتشددات بود امروزهم قاصد تبریکات است که از تمامیت ایران گرفته و بدربار پهلوی می ریزد و از داخلـه و خارجه اتباع ایران را بیك وجدو سروری وادار نموده که علاوه از تبریکات رسمی بیکدیگر نیز تهنیت و تبریك می گویند بدیهی است حقیقت اشیـا را از خواص و آثار آن می توان کشف کرد ــ بنا بر این می رویم از اوراق تبریك دو مسئله را کشف نمائیم اولی موقعیت قاجاریه و اندازهٔ کدورت ملت

ایران نسبت باین سلسله و دوبمی علاقهٔ ملت به پیش‌آمد جدید و حکومت موقت که چگونه تعجیل در تعیین مقدرات قطعي مملکت داشته ؟ و چه شخص را می خواهند در تخت تاریخی ایران جلوس و سر پرست ملت ایران گردد ؟

البته از این مکاشفه مرتبهٔ دیگر بیانات مخالفین مجلس را از نظر گذرانیده و اندازهٔ خبط سیاسي را تعیین خواهیم کرد چه آنکه اشیا را از آثار می توانیم تعریف نمائیم و برای بیان این حقیقت قبلاً از مرکز روحانیت شروع کرده و یك سیر اجمالی در طبقات و توده کرده و بعد بخارج مرکز نظری انداخته و پس از فراغت در داخله بخارجه خواهیم پرداخت تا اساس سیاست داخلی و خارجی این تغییر و تحویل را با دلائل تحریر و معلوم بداریم که این جریان در انظار ملل و دول چه اندازهٔ تأثیر کرده و دنیای بشر این پیش آمد را چگونه تلقی نموده است ؟

«تاثیرات زمام داری والاحضرت پهلوی»

«درعالم اسلامیت ــ توجه مراجع تقلید»

« بعظمت واقعه ـ اطمینان خاطر از»

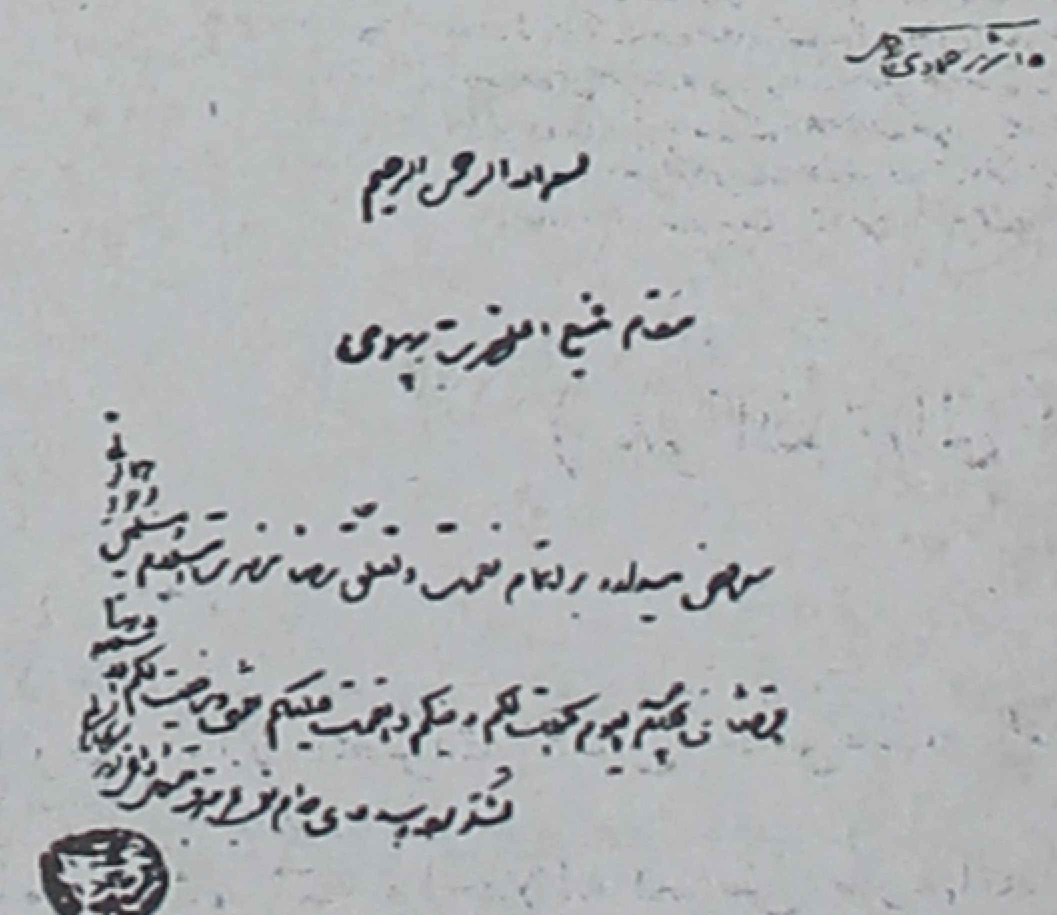
« ازهر رهگذر ـ تبریکات و تعظیمات»

(بسم الله الرحمن الرحیم)

نظر باینکه دین مبین اسلام از حیث دارا بودن مصالح دنیوی واخروی و واجد بودن اسرار سعادت ظاهری و باطني وکفالت تکمیل نفوس بشریه و تأمین تکامل جامعهٔ انسانیه موافقت کامله باهرگونه وسایل تعالی و ترقي داشته و ملایم جمیع طرق اصلاحیهٔ معاش ومعاد بوده در ضمن مجموع متقنه شرعیه پیمودن راه سعادت بشر را اشاره فرموده وسلوك طریق فوز وفلاح را نشان داده همه جا باب خلاصی ازحضیض ذلت‌را ارائه و صعود به اوج عزت را ایجاب نموده وهمان دورهٔ عالیه

سیادت وارتقاء را نقطهٔ نظر قرارداده وهمیشه بسیر درسبیل نجات و رستگاری امر فرموده است و از همین جهة که مناسبت تامه بامصالح هر عصری از از اعصار ماضیه و مستقبله داشته ومشتمل برموز ترقیات گذشته و آتیه میباشد خاتم ادیان بوده و الی یوم القیامه مستمر وغیر قابل نسخ است
ولی مع الاسف درنتیجهٔ غفلت وجهالت و لاقیدی ولا ابالیگری و شهوت پرستی زمامداران سابق که مملکت را باین حال فلاکت و خرابی سوق داده از قافلهٔ ترقي وتمدن هزارها فرسنك عقب انداخته دست ملت را خالی مزارع مملکت را بائر منابع ثروت را معطل معـادن هنگفت را زیر خاك حال رعیت را پریشان بنی نوع مردم را بی سواد وبی بضاعت گذاشته جامعهٔ مسلمین را در مدتهای طولانی درتیه ذلت وضلالت نگاهداشتند در نظر کوته بین کسانیکه آشنا بحقائق اسلام نیستند چنین جلوه گر شد که اسلامیت منافی با ترقیات عصر بوده و قوانین شریعت مخالف مدنیت و عائق از ارتقاء بمدارج تمدن است و در خارج عملیات سرپرستان مملکت این نظریه فاسده را تائید نموده همیشه و همه وقت خرابی مملکت و پریشانی ملت را که از اثرات اهمال کاری و شهوت رانی خودشان است بعداز اسناد بقضا وقدر آسمانی معلل بجلوگیری دیانت ومستند بمقاومت روحانیت مینمودند!.
یاللعجب درعین حالیکه هرگونه فساد اخلاق ورذائل شنیعه‌را که موافق هوا وهوس خودشان بوده مرتکب شده و در مملکت ترویج مینمودند و نه از دیانت باکی داشتند و نه ازشریعت ملاحظه نموده و نه از مقام روحانیت اندیشه داشتند معذالك درآبادی مملکت و اصلاح حال ملت که برای آنها زحمت داشته ومخالف میل ایشان بود باین جور اعذار ناموجه متمسك شده دیانت را ننگین و مقام مقدس روحانیت را بد نام مینمودند وبالاخره يك دنیا ذلت ومسکنت وفساد اخلاق وانحطاطرا درسرتاسر ایران از خود بیادگار گذاشتند حال که خرابی مملکت و استقبال ملت از هرکه و از هر چه بود بانتها رسیده و گذشته از هر قبیل بود گذشت

امروز که ملك و ملت بیکدورهٔ حیاتی جدیدی قدم گذاشته وروح تازه به کالبد افسرده اهالی ایران دمیده شده و زمام امور مملکت در کف باکفایت والا حضرت اقدس رضا خان پهلوی ادام الله ظله قرار گرفته است جای آن هست که جامعهٔ مقدسه روحانیت و اسلامیت در این موقع و وقت مناسب فرصت را مغتنم شمرده برای جبران گذشته و تامین سعادت کاملهٔ آتیهٔ ملت و مملکت در منتهی درجه وحدت نظر و اتفاق رأی نیات عالیهٔ اسلام پرستانه والا حضرت پهلوی را تائید نموده وموقعیت کامل ایشانرا در تقدیم خدمات بزرك و تاریخی بعالم اسلام قلباً و عملاً خواستار باشند رجاء واثق این است که با اعتصام بحبل خداوندی واتفاق واتحاد تمام آمال ملی واسلامی بر آورده شود و بعالمی ثابت شود که رفتار از روی اصول تنفیذ دین مبین پیغمبر خاتم وپیروی ازفضایل اخلاقی اسلامی بهترین وسیله ـ و نزدیکترین طریقه بسر منزل عظمت وسعادت و فیروزی و فلاح است والسلام علی من اتبع الهدی (هیئت علمیه)


بسم الله الرحمن الرحیم

مقام منیع اعلیحضرت پهلوی

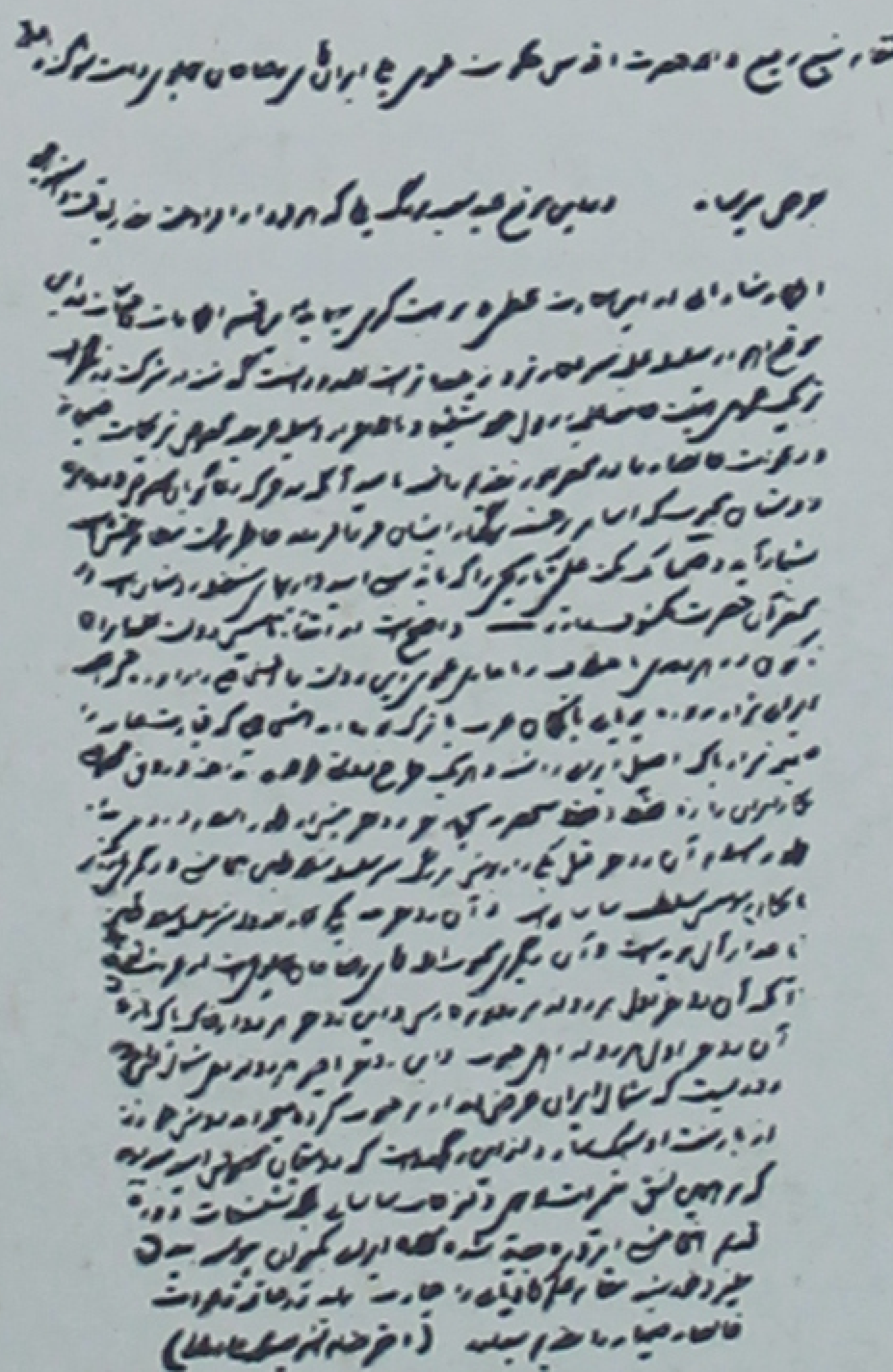
۱۵ شهر جمادی الاول

بسم الله الرحمن الرحیم

مقام منیع اعلیحضرت پهلوی

معروض میدارد براتمام نعمت وتعلق رضا بنصرت اسلام ومسلمین بوجود

همایونی .باقتضای کلام مجید (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا) تشکر نموده وبدعای دوام نعمت غیرمترقبه مشغول (داعی محمد رضا زنجانی)



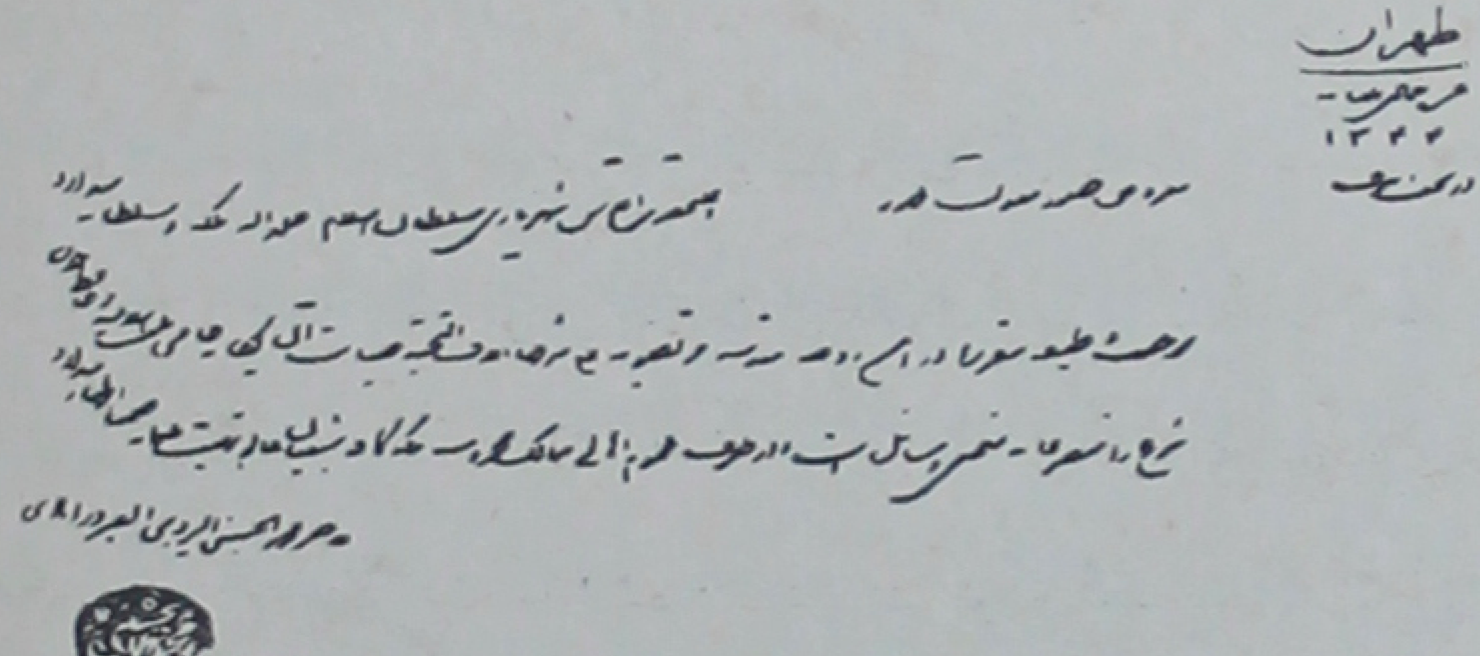
(هو الله تعالی)

۱۵ آبان ۱۳۰٤

مقام منیع رفیع والاحضرت اقدس حکومت عمومی ملی ایران آقای رضاخان پهلوی دامت شوکته واجلاله بعرض میرساند در این موقع عید سعید بزرك ملي که هر فرد از افراد ملت بقدر لیاقت و استعداد خود اظهار شادمانی از این سعادت عظمی و موهبت کبري می نماید و این قسم اظهارات و احساسات در این موقع اهم از سلسلهٔ علمیه سزاوار تر و زیبنده تر است لازم دانست گذشته از شرکت در تلگراف عمومي هیئت علمیه دزفول خود مستقیماً و بالضروره بوسیله عریضهٔ مخصوص تبریکات صمیمانه و

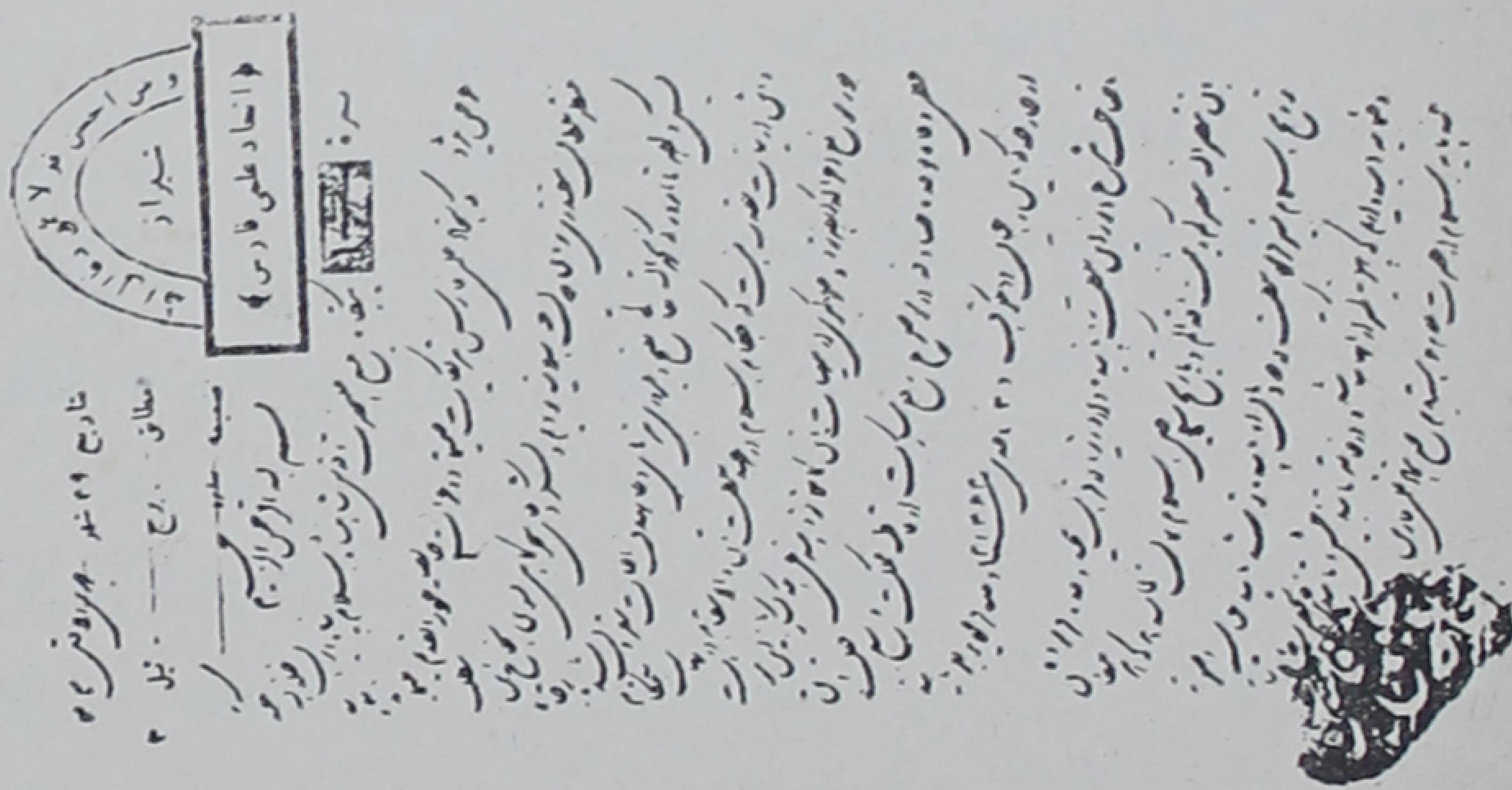
و دعوات خالصانه را در محضر انور تقدیم داشته بامید آنکه در جرگهٔ دعاگویان مخصوص و در زمرهٔ دوستان محبوب که اسامی برجسته بزرگوار ایشان فوراً خود در خاطر مرحمت مظاهر نقش است بشمار آید و ضمناً یك نکتهٔ علمی تاریخی را که مایهٔ بسی امیدواریهای مستقبله دوستان است در محضر آن حضرت مکشوف دارد ـ واضح است از ابتداء تاسیس دولت علیه ایران تا کنون در هر دوری باختلاف زمامداری عمومي این دولت را اشخاصی دارا بوده که اغلب ایرانی نژاد نه بوده یونانی یا ترکمان عرب یا ترك بوده اند اشخاصی که قیادت عامه را ضمیمهٔ نژاد پاك اصل ایرانی داشته و هر یك طرح دوستی طولانی انداخته و رونق مخصوصی بکار ایران داده فقط و فقط منحصرند بچهار نفر دو نفر پیش از اسلام و دو فقره بعد از ظهور اسلام آن دو نفر قبلی یکی داریوش بزرك سر سلسلهٔ سلاطین هخامنشی و دیگری اردشیر بابکان مؤسس سلطنت ساسانی است و آن دو نفر بعد یکی عماد الدوله سر سلسلهٔ سلاطین تاجدار آل بویه است و آن دیگری محبوب الملّه آقای رضا خان پهلوی است از غرایب اتفاقات آنکه آن دو نفر اول هر دو از مرز و بوم فارس و این دو نفر هر دو از خاك پاك مازندران آن دو نفر اول هر دو از اهل جنوب و این دو نفر اخیر هر دو از اهل شمال پس امروز روزیست که شمال ایران عرض اندام بر جنوب کرده مي خواهد دوستی خود را از بار پشت او سبك سازد از این رهگذر است که دوستان مخصوص امید میدارند که بر همین نسق تعمیرات بویهی و فتوحات ساسانی بلکه تشعشعات دورهٔ قدیم هخامنشي امروزه جدید شده کلاه ایرانی بگیوان پیوسته بیرق شیرو خورشید مقام علم کاویانی را حیازت نماید در خاتمه دعوات خالصانه را تقدیم میدارد

(احقر خدام الشریعه محمد علی دزفولی)


طهران

تبریك نامه جامعهٔ مصطفوی بخاکپای جواهر آسای حضرت اقدس اعلا رئیس حکومت موقتی ایران ارواحنا فداه

جامعهٔ مصطفوی جان نثاران قدیمی وفدویان واقعی که درهر موقع باکمال صمیمیت فدویت خودرا عملاً ابراز نموده اینکه باکمال احترام تبریکات صمیمانهٔ خود را بذریعهٔ اعلا میداریم از خداوند متعال تعالی شانه آن ریاست عظمی و دوام آن ودیعهٔ کبری را خواهانیم و عرضه میداریم ای پدر تاجدار سالیان دراز بود ایران باستان گذر سیروس مهد داریوش گرفتار پنجهٔ ظلم وبی لیاقتی آل قاجار و غول بود که از اثر شناعت وشأمت آنان مملکت شش هزار ساله فرسوده قطعات چند از خود مجزا اگر اندك توجهی بتاریخ کنیم تصدیق میشود زحمات ومشقات وخدمات محیرالعقول راد مرد ایران نادر شاه افشار که حقیقتاً ایران را در میان ممالك عالم سرافراز فرموده بود این نالایقان ابداً از آن اثری باقی نگذارده و الحق ذکر آثار آنان شرم آور است اینك جای شکرانه است پس از صد و هفتاد سال از اول کوکب نادری کوکب تابان پهلوی در فضای ایران بآسمان ایرانیت وملیت بایکدنیا شجاعت طالع آری آری جای شکرانه است باید متشکر شویم زیرا قطع داریم آن اراده اهنینی که در این مدت قلیل پیش از یك قرن ایران را به تمدن جدید نزدیك نموده که عموم علماء اجتماعی متحیر و مبهوت همان اراده وعزم است لا یزال ازاین ببعد بی مانع



فصولی برجسته چند در تاریخ ایران بیادگار خواهد گذارد انشاء الله درخاتمه خاطر محترم اعلیحضرت اعلی را به تشکیل مجلس مؤسسان متوجه وعرضه میداریم باصدای رسا

برومند باد آن همایون درخت که درسایه اش میتوان بست رخت

مهر جامعهٔ مصطفوی

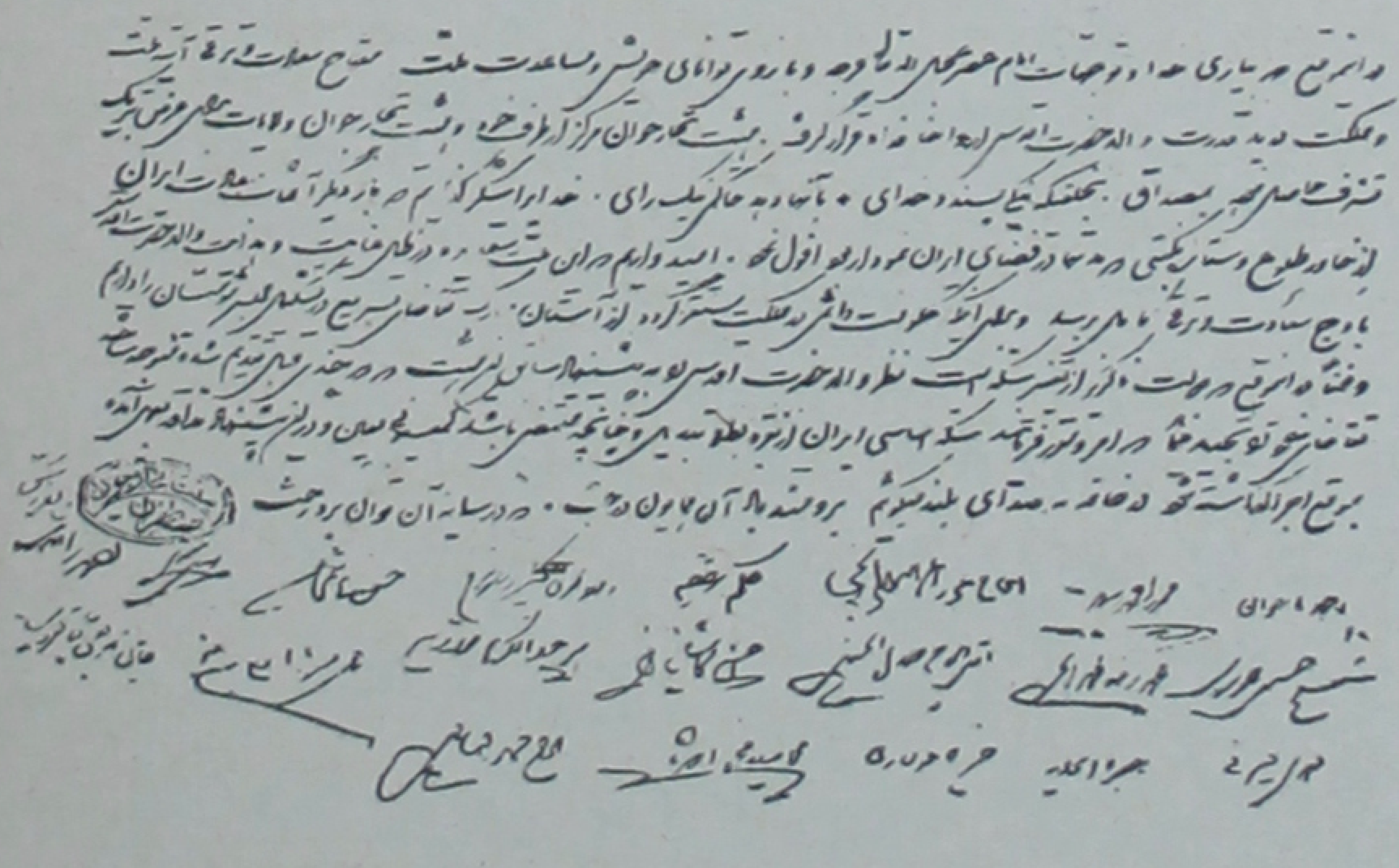
(تبریك نامه)

اعلیحضرتا بحمد الله رب العالمین که بالاخره عزم آهنین ذات اقدس همایونی با مظاهرات باریتعالی جل اسمه و احساسات بی آلایش ملی پس از پنجسال تحمل مشقات و زحمات گوناگون غیر قابل تصور موفق به قطع آبادی جنایتکارانه که در طول مدت حکومت و سلطنت خود جز یادکاریهای تلخ و خاطرات اسف آوری در خاطرهٔ فرزندان وطن باقی نگذارده شده و در این روز های میمون و تاریخی خطوط برجسته امید به آتیه و اصلاح کشور را در پیشانی مبارك بعاشقان اصلاحات اقتصادی و معارفی و ترقی پروران نشان میدهد

اعلیحضرتا جمعیت قیام ملی که از بدو زمامداری ذات اقدس شهریاری همواره بمثابهٔ افواج آهنین قشون در مدافعه و تثبیت مقامات اعلیحضرت دقیقهٔ از خدمتگذاری و جانفشانی فروگذاری ننموده و اینك نمایندگان

خود را برای عرض تبریك بحضور باهرالنور پدر تاجدار خود فرستاده
استدعائیکه از آستان مقدست دارند عطف توجه کامل به امور اقتصادی
و معارفی و صدور اوامر مطاعه ملوکانه دائر بر تعجیل در انشاء راه آهن
در خاتمهٔ هیئت نمایندگان که در این موقع بافتخار تشرف باستان مقدس
همایونی نائل شده اند بنام جمعیت قیام ملی تشکرات صمیمانهٔ خود را در
استخلاص وطن عزیز از چنگال عفریتان دد منش قاجار تقدیم
و از قبول سلطنت و ریاست عالیهٔ ملت نجیب ایران کهن بهترین احساسات
و رفیق ترین عواطف خود را بر روی طبق اخلاص بحضور باهر النور
اعلحضرت اقدس شهریاری ایرانی نژاد خود تقدیم میدارد

از طرف جمعیت قیام ملی



(تبریك نامه هیئت تجار جوان)

تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۴

در اینموقع که بیاری خدا و توجهات امام عصر عجل الله تعالی فرجه
و بازوی توانای خویش و مساعدت ملت مفتاح سعادت و ترقی آتیهٔ
ملت و مملکت در ید قدرت والا حضرت اقدس ارواحنا فداه قرارگرفته
هیئت تجار جوان مرکز از طرف خود و هیئت تجار جوان ولایات برای

عرض تبریك تشرف حاصل نموده بمصداق

(بخلقیکه نیکی پسندد خدای) (بانها دهد حاکمی نیك رای)

خدای را شکر گذاریم که بار دیگر آفتاب سعادت ایران از خاور طلوع و ستاره نکبتی که مدتها در فضای ایران نمودار بود افول نمود امیدواریم که این ملت ستمدیده در ظل عنایت و هدایت والا حضرت اقدس به اوج سعادت و ترقی کامل برسد و برای اینکه حکومت دائمی در مملکت مستقر گردد از آستان مبارك تقاضای تسریع در تشکیل مجلس مؤسسان را داریم وضمناً در اینموقع که دولت ناگزیر از تغییر سکه است نظر والا حضرت اقدس را به پیشنهاد سابق این هیئت که در چندی قبل تقدیم شده متوجه ساخته تقاضای خودرا تجدید مینماید که امر و مقرر فرمایند سکه اساسی ایران از نقره بطلا تبدیل و چنانچه مقتضی باشد کمیسیونی معین و در این پیشنهاد مداقه بعمل آمده بموقع اجرا گذاشته شود در خاتمه بصدای بلند میگوئیم

برومند باد آن همایون درخت که در سایهٔ آن توان برد رخت

مهر هیئت تجار جوان طهران

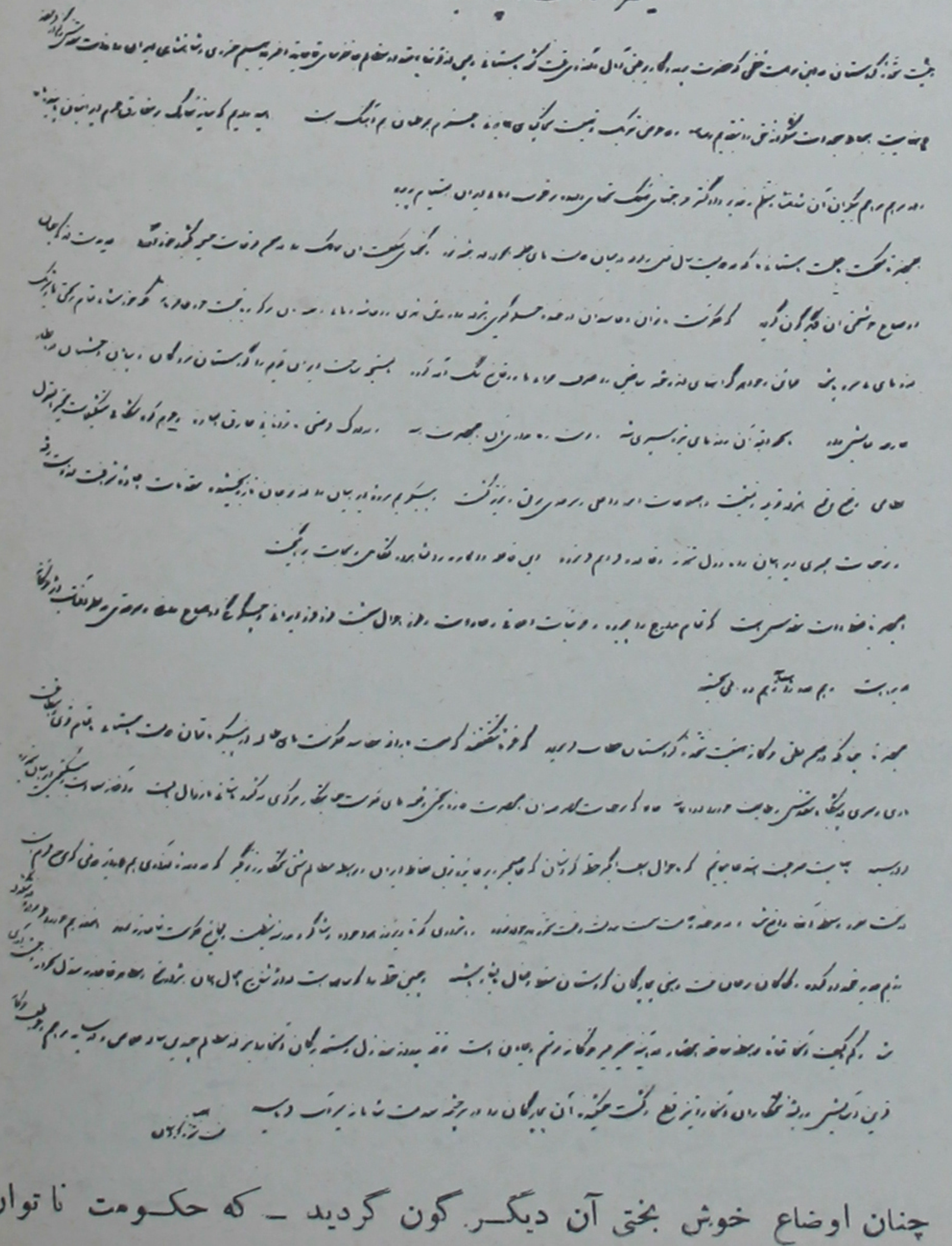
(تبریك نامهٔ هیئت متحدهٔ کردستان)

اعلیحضرتا شاهنشاها تاجدارا

هیئت متحدهٔ کردستان درین موهبت عظمی که حضرت پروردکار برطبق آمال و آرزوی ملت کشور باستانی و پس از قرنها امتداد مظالم جان فرسای قاجاریه افسر و دیهم خسروی و شاهنشاهی ایران را بذات مقدس واگذار فرمودند با نهایت انبساط سجدات شکرانهٔ حق را بتقدیم رسانیده و در عرض تبریك و تهنیت بخاکپای همایونی با عموم هموطنان هم آهنك است امیدواریم که سایهٔ مبارك بر مفارق عموم ایرانیان پاینده باد و از مرهم مراحم بیکران آن شاهنشاه معظم و خدیو دادگستر جراحتهای مهلك ستمهای وارده بر قلوب اهالی ایران التیام پذیرد ،

اعلیحضرتا مملکت با عظمت باستانی ما که در دویست سال قبل زلزله در بنیان دولت های عظیمه همجوار انداخته بود و گنجهای هنگفت آن ممالك را در ضمن فتوحات جسمیه بکشور خود آورد ! در مدت اندکی

اعلیحضرتا شاهنشاها پدر تاجدارا



چنان اوضاع خوش بختی آن دیگر گون گردید ـ که حکومت ناتوان

و فاسد آن از عهدهٔ جلوگیری اشرار و اوباش شهری و اعاشهٔ اهالی و تهیه نان مرکز و پایتخت خود عاجز ماند - بلکه خود منشاء تمام بدبختی ها و شریک دزد های بی سروپا شده خزائن و جواهر گرانبهای اندوخته سابقین را صرف خرابیها و وقایع ننگ آور کرده بالنتیجه ساحت ایران قدیم را گورستان مردکان و بیابان وحشیان در انظار خارجه نمایش داد - تا بحمدالله آن روز های تیره سپری شد - و نوبت زمامداری آن اعلیحضرت رسید - و در اندك فرصتی با توانائی خارق العاده وعزم کوه شکافی بتشکیلات محیر العقول نظامی و قلع و قمع اشرار قدیمه و تمشیت و اصلاحات امور داخلی و سرحدی موفق و موید گشت - و پیکر مردهٔ ایرانیان را از نو جان تازه بخشیده مقدمات اعادهٔ شرافت از دست رفته و موجبات همسری ایرانیان را با دول متمدنه و قادره فراهم فرموده این قافلهٔ وامانده را بشاهراه تکامل و نجات بر انگیخت،

اعلیحضرتا - فقط ذات مقدس است که تمام مدارج را پیموده وجزئیات اخلاق وعادات وطرز احوال معیشت فرد فرد ایرانی وچگونگی اوضاع داخلی و سرحدی در نظر آفتاب اثر ملوکانه هویداست و درد را میدانید وهم دوا می بخشید اعلیحضرتا - چنانکه در ضمن نطق ملوکانه بهیئت متحدهٔ کردستان خطاب فرمودید که عموماً مکلفند که نسبت بازالهٔ مفاسد حکومت های ظالمه از پیکر ناتوان دولت باستانی باتمام قوی و استطاعت مادی ومعنوی در پیشگاه مقدس وظایف خود را ادا نمایند حالا که بتوجهات مخصوصه آن اعلیحضرت دورهٔ بدبختی وفتنه های حکومت جنایت کار مرکزی در کشور باستانی ما زوال یافت و آغاز سعادت و نیکبختی ایرانیان ستمدیده فرا رسید بانهایت ضراعت استدعا می نمائیم - که باحوال اسف انگیز خطهٔ کردستان که حاصلخیز و پر فایده ترین نقاط ایران وبواسطهٔ مظالم مشتی ستمکار زبونگیر که در دورهٔ آزادی هم دوائر دولتی که مرجع عموم است درتحت نفوذ و سلطهٔ آنها واقع شده و درهر

عهد و حـال نسبت بدولت وملت متمرد و بدخواه بوده و اشراریکه تا دیروز هوا خواه و شاگرد مدرسهٔ سلطنت و فجایع حکومت قاجاریه بودند امروز هم خود را طرفدار و خدمتگذار رژیم جدید قلمداد کرده و کما کان برجان ملت وهستي بیچارگان کردستان مسلط و فعال مایشاء باشند !. و همچنین خطهٔ را که سالها است از اثر شنایع اعمال همـان اشرار محلي و مظاهر قاجاریه مبدل بخرابهٔ وحشت آوري شده و کم و کیف آنجا تماماً بواسطهٔ سابقهٔ استحضـار در آئیـهٔ ضمیر منیر ملوکانه مرتسم و نمایان است توجه پدرانه مبذول و ستمدیدگان آنجارا نیز از مظالم چندین ساله خلاص و درسایهٔ مراحم و عواطف ملوکانه قرین آسایش وریشهٔ ستمکاران آنجارا نیز قطع وکشت خشکیدهٔ آن بیچارگان را از سرچشمهٔ معدلت شاهانه سیراب فرمایند (هیئت متحدهٔ کردستان)

﴿ تبریك ﴾

هموطنـان صفحهٔ جدیدی از تاریخ بروی شما باز شد دورهٔ نکبت وبدبختی سپری گشت در تحت زمامداری یگانه ناجی ایران اعلیحضرت پهلوی آذربایجان بنوید آتیهٔ درخشان باروی بشاش شما را تهنیت میگوید زیر سایهٔ آن زندگی مبارکباد عموم آذربایجانیان مرکز

☆☆☆

(تبریك و تهنیت ارامنه)

تبریك نامهٔ در یك پارچهٔ حریر سفید کناره دوزی برنك بیرق ایران بطوری که در گراور مخصوص ملاحظه خواهیـد کرد تقدیم والا حضرت پهلوی گردید

☆☆☆

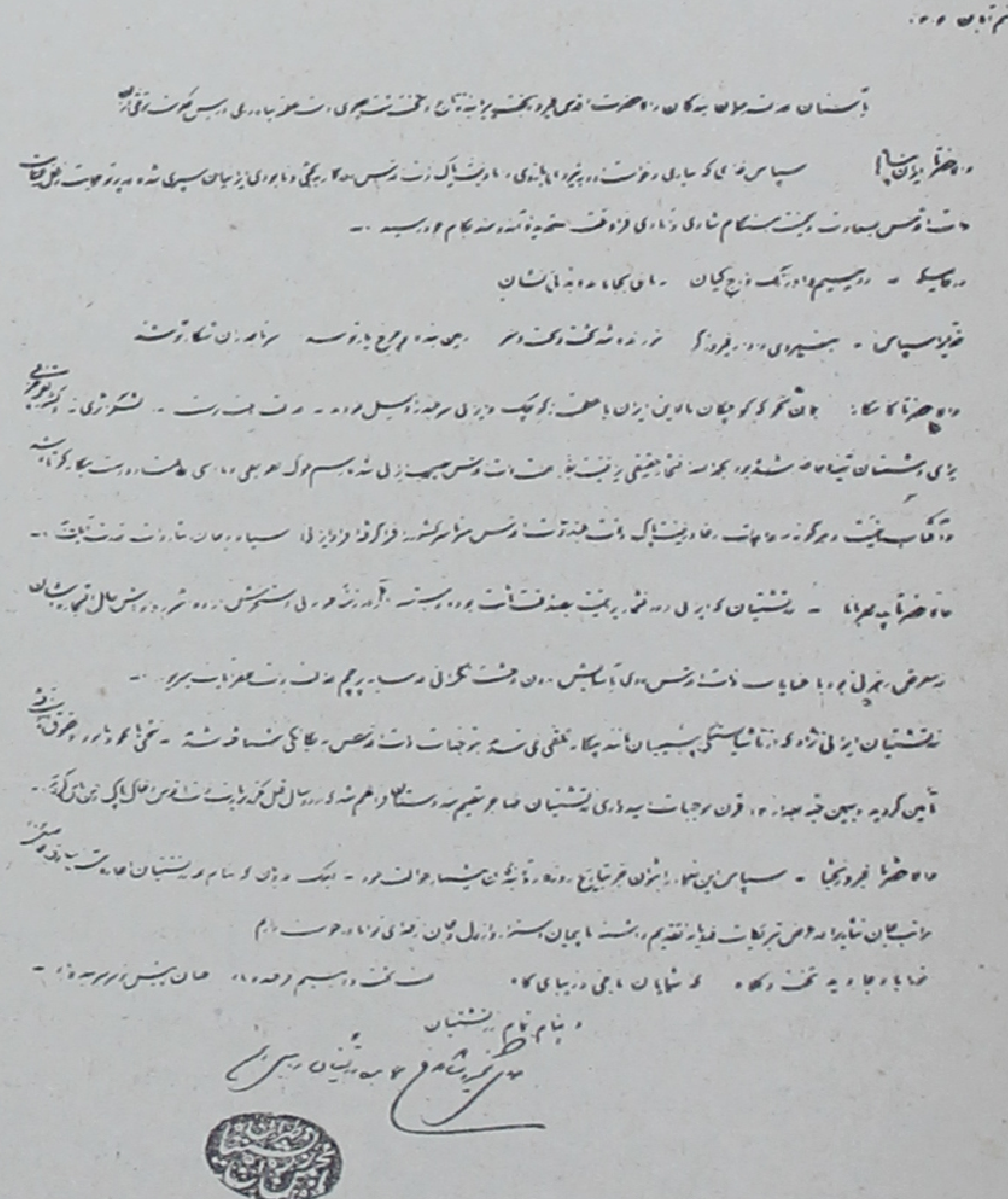
متعلق بصفحه ۳۱۲

والاحضرت اقدسا

ملت ارامنه ایران که پنجسال است عزم و اراده و ثبات قدم و همت والای والاحضرت اقدس اعظم را در حفظ عظمت مملکت شیر وخورشید همه روزه مشاهده مینماید ملت ارامنه ایران که قدم هاے بلند ومجاهدتهاي فراموش نشدني والاحضرت اقدس را در برطرف ساختن هرخس وخاري ازطریق سعادت ملت ایران بایك دنیا افتخار و مسرتی که همه ساعت می بیند ملت ارامنه که نمیتوانند تصدیق نکند ایران مقتدر وتواناي امروز الی الابد مرهون سعی وعمل وقدرت اراده والاحضرت اقدس است دراین روزمسعود که عامه ملت ایران شاهد سعادت را درآغوش کشیده و چنانچه سالیان دراز انتظار داشت والاحضرت اقدس را در راس حکومت ایران مستقر بیند تبریکات صمیمانه خودشانرا تقدیم آستان مبارك نموده وامیدواراست درسایه همان نیت واراده هائی که نمونه آن در این چند سال در وطن عزیز مشاهده شده عموم ملت ایران و این قسمت ارامنه ایرانی را مورد توجه خاص قرارداده بیش ازپیش مرهون الطاف وطن پرستانه والاحضرت اقدس اعظم بشوند

هیئت متحده ارامنه

(تبریك و تهنیت زرتشتیان)



نهم آبان ۱۳۰۴

باستان عدالت بنیان بندگان والاحضرت اقدس فیروز بخت پیرایندهٔ تاج و تخت شت (پهلوی) دامت عظمته پناه دائمی و رئیس حکومت موقتی ایران والاحضرتا ایران پناها سپاس خدای که بیاری و خواست او وبه نیروی بازوی توانا و نیت پاك ذات اقدس روزگار بدبختی و نابودی ایران سپری شده درپرتو حمایت وظل عنایت ذات اقدس بسعادت و میمنت هنگام شادی و آبادی فرا و ملت ستمدیدهٔ آرزومند بکام خود رسید : —

در حالیکه ـ

زدیهیم و اورنك و ارج کیان — نه نامی بجا مانده بدنی نشان!

خدایرا سپاس ـ

به نیروی دادار فیروز گر — بتوزنده شد تخت و بخت وهنر

زمین بنده وچرخ یار توشد — سر تاجداران شکار تو شد

والا حضرتا کامکارا همان نحو که کوچکان نالایق ایران باعظمت را کوچك و ایرانی سربلند را ذلیل نمودند ـ عدالت رخت بر بست ـ از لشکر اثری نه و کشور لقمهٔ چربی برای دشمنان تهیه و حاضر شده بود

بحمدالله افتخار حقیقی ایرانیت بفر عظمت ذات اقدس نصیب ایرانی شده رسم ملوك الطوایفي ونا امنی برافتاد ر دست بیگانه کوتاه شد و آفتاب امنیت و هرگونه سعادت از خاور نیت پاك و همت بلند ذات اقدس سر تاسر کشور را فرا گرفته افراد ایرانی سپاه وجان نثار ذات قدرت آیات اند: ـ

والاحضرتا پدرمهربانا ـ زرتشتیان که ایرانی و درافتخار ایرانیت بصداقت ثابت بوده وهستند اگر درازمنهٔ طولانی دستخوش ارادهٔ اشرار واوباش ومال التجاره شان در معرض رهزنی بود با عنایات ذات اقدس روی بآسایش بدون وحشت نگرانی در سایهٔ پرچم عدالت ذات ظفرایات میزیوند: ـ

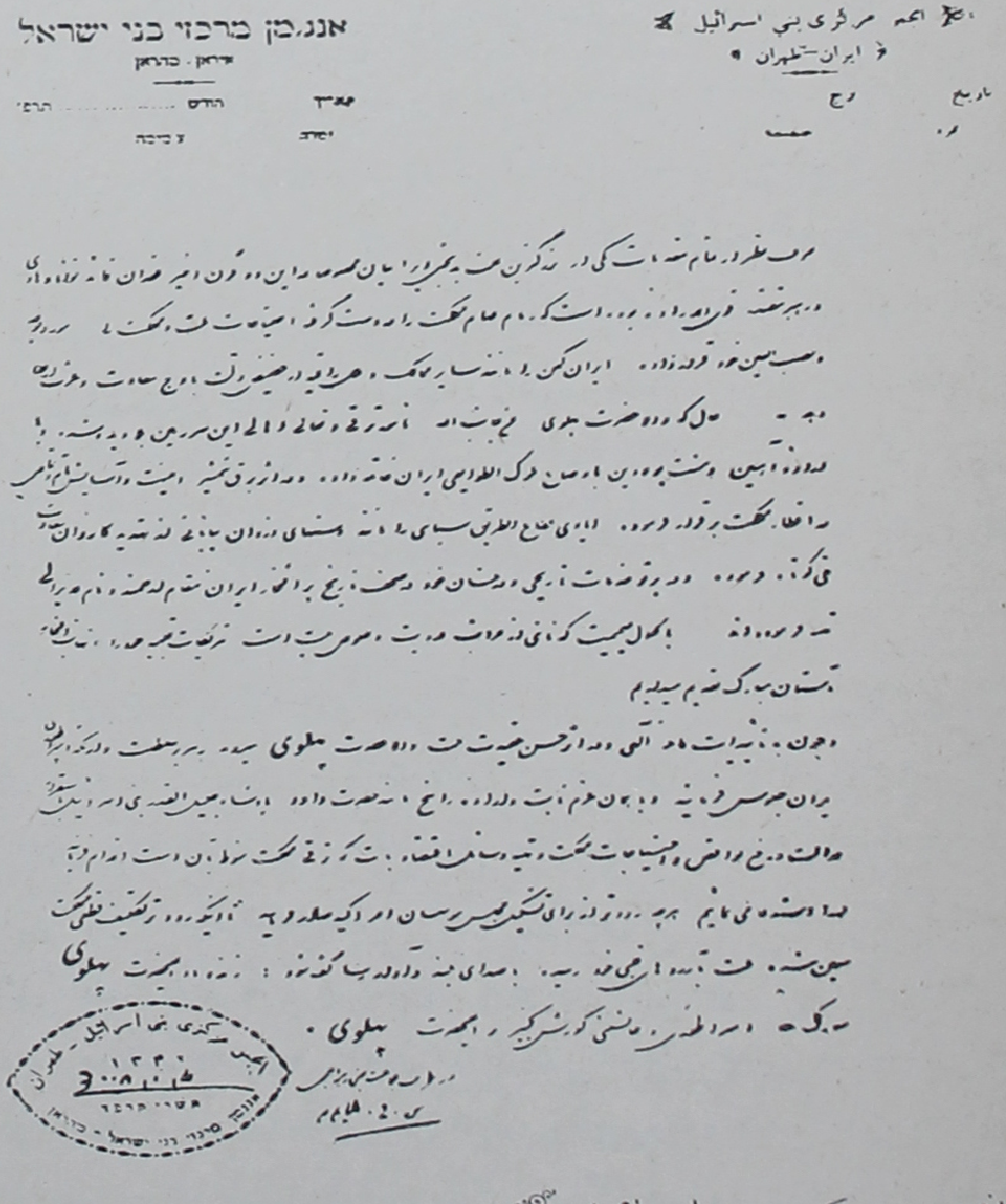
زرتشتیان ایرانی نژاد که از نا شایستگی پیشینیان مانند بیگانه تلقی میشدند بتوجهات ذات اقدس به یگانگی شناخته شدند ـ سختی ها محو و نابود و حقوق از دست رفته تأمین گردید و بهمین جهت بعد از ۱۳ قرن موجبات امیدواری زرتشتیان مهاجر مقیم هندوستان فراهم شد که از دو سال قبل مکرر بزیارت ذات اقدس و خاك پاك وطن نائل گردیدند

والا حضرتا فیروز بختا ـ سپاس این نعماء را نتوان جز بتاریخ روزگار و آیندگان بیشمار حوالت داد ـ اینك فدویان که بنام همه زرتشتیان اجازهٔ آستان بوسی حاصل نموده مراتب جان نثاری را در عرض تبریکات فدویانه تقدیم داشته با پیمان استوار و از دل و جان از خدای توانا در خواست داریم

و را باد جاوید تخت و کلاه — که شایان تاجی و زیبای گاه
همت تخت و دیهیم فرخنده باد — جهان پیش تو سر بسر بنده باد

(بنام تمام زرتشتیان)

فدوی کیخسرو شاهرخ نمایندهٔ زرتشتیان و رئیس انجمن
مهر انجمن زرتشتیان طهران



انجمن مرکزی بنی اسرائیل
ایران — طهران

אנג׳מן מרכזי בני ישראל
איראן - טהראן

﴿ انجمن مرکزی بنی اسرائیل ﴾
﴿ ایران – طهران ﴾

صرف نظر از تمام مقدمات یکی از بزرگترین علت بدبختی ایرانیان مخصوصاً

در این دو قرن اخیر فقدان قائد توانا و هادی و رهبر مقتدر قوی الاراده بوده است که زمام مهام مملکت را در دست گرفته احتیاجات ملت و مملکت را مورد توجه و نصب العین خود قرار داده ایران کهنی را مانند سایر ممالك و ملل راقیه از حضیض ذلت باوج سعادت و عزت ارتقا دهد ـ حال که والا حضرت پهلوی من جانب الله مأمور ترقی و تعالی اهالی این سر زمین بلادیده شده و با ارادهٔ آهنین و مشت پولادین باوضاع ملوك الطوایفی ایران خاتمه داده و در اثر برق شمشیر امنیت و آسایش تام و تمامی در اقطار مملکت بر قرار فرموده ایادی قطاع الطریق سیاسی را مانند دستهای دزد های بیابان از تهدید کاروان سعادت ملی کوتاه فرموده و در پرتو خدمات تاریخی و درخشان خود صحف تاریخ پر افتخار ایران مقام ارجمند و نام لایزالی تهیه فرموده اند با کمال صمیمیت که ناشی از مراتب فدویت و خلوص نیت است تبریکات قلبیهٔ خود را با نهایت افتخار باستان مبارك تقدیم میداریم

و چون با تاییدات کاملهٔ الهی و در اثر حسن عقیدت ملت والا حضرت پهلوی میروند بر سریر سلطنت واریکهٔ امپراطوری ایران جلوس فرمایند و با همان عزم ثابت و ارادهٔ راسخ مانند حضرت داود پادشاه جلیل القدر بنی اسرائیل باستقرار عدالت و رفع نواقص و احتیاجات مملکت و تهیه وسائل اقتصادیات که ترقی مملکت منوط بآن است اقدام فرمایند لهذا استدعا مینمائیم هرچه زودتر از برای تشکیل مجلس مؤسسان امر اکید صادر فرمایند تا اینکه زودتر تکلیف قطعی معین شده ملت به آرزوهای قبل خود رسیده با صدای بلند وآواز رسا گفته شود : زنده باد اعلیحضرت پهلوی مبارك باد امپراطوری کورش کبیر بر اعلیحضرت پهلوی

از طرف جماعت بنی اسرائیل

(تبریك جمعیت کاوه)

صبر بسیار ببـاید پدر پیر فلك را تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند زاید

مژده که تاج کیان یافت زنو تاجدار ز تاجدار نوین تاج کند افتخار
غاصب تاج کیان رانده شد از تخت جم بار دگر حق گرفت بمرکز خود قرار
بفر یزدان پاك خسرو یزدان پرست اهرمن خیره را داد زایران فرار
چارهٔ آن خیرگی نبد جز این چیرگی چو کار باید نمود چنین کند مرد کار
بملك دارا گشود همای اقبال بال زخاك سیروس بست غراب ادبار بار
بتافت خورشد عدل بملك خورشیدو شیر بیافت خورشید وشیر شرافت واعتبار
زبوستان وطن برست نخـل مراد بـداد نخـل مراد میوهٔ امید بار
چهرهٔ مام وطن شکفته شد همچو گل وگرچه چون لاله بود دیرگهی داغدار
مسند وارنك جم رونق دیرین گرفت ز مقدم پهلوی شهنشه کامکار
شهی که درمدح اوعرصهٔ لفظ است تنك شهی که اوصاف اوست برون زحد شمار
پهلوی ای بهترین زادهٔ مام وطن ای زنیاکان پاك پاکترین یادگار
کنون که ازلطف حق رعیت حق شناس نهاد اندر کف کفایتت اختیار
ازطرف مجمع کاوه کمین* تاج پور * بعرض این تهنیت همی کند افتخار

۱۰ ابان ماه ۱۳۰٤ (جمعیت کاوه)

(تلگراف از کردستان)

نمره قبض ۲۰۱۲ عدد کلمات ٤٥٥ نمره تلکراف ٦٦

تاریخ اصل ۱۸ تاریخ وصول ۱۹ــ۸

پیشگاه مقدس بندکان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس پهلوی ارواحنا فداه کپیه مجلس مقدس شورای ملی کپیه جراید کپیه نمایندکان محترم کردستان کپیه آذربایجان فارس خراسان کرمان اصفهان گیلان کرمانشاهان مازندران استراباد همدان بروجرد عراق توسط رؤسای تلکراف خانه

کمیسیون های نهضت ملی طهران و ولایات و سایر طبقات ما با یک خاطری لب ریز از مسرت و شعف و تشکر استحضار منتظر بوده ایم که زمام مقدرات مملکت قطعاً به کف کفایت اختیار و ید کفایت اقتدار یگانه شهریار تاجدار رعیت پرور عدالت گستر اعلیحضرت پهلوی محول گردیده آرزو های ملی و اجتماعی و ابنائي و افتخار بین المللی بعمل آمده و مسرت این مسؤلیت به انعقاد جشن و سرور مبادرت ورزیده آمال ملت وسعادت رتبه خود را بر آورده دیدیم اکنون چنین معلوم میشود که اعلیحضرت قویشوکت پهلوی قبول مقام سلطنت را موکول به انعقاد وتشکیل مجلس مؤسسان فرموده و ملت ایران را از بذل این مرحمت عظمی و سعادت کبری محروم داشته اند نظر باینکه قطعاً مملکت ایران محتاج بداشتن یک سرپرست قادر توانا دانسته و احساس کرده ایم همانا ذات مقدس همایونی به بذل توجهاتی که در خور سابقهٔ تاریخي ملت نجیب ایران باشد سزاوار این ملت را امیدوار و کامکار و قرین اهتزاز و افتخار فرمایند بنام عظمت ایران و بنام سعادت مملکت احراز تاج و تخت کیان و حفظ اورنك ساسان و نگه بانی پرچم افتخار عجم و پاسبانی مملکت جم ونجات اسلام و حراست قرآن را شایسته میباشد لهذا تا بکلمهٔ واحده اتکا نموده قبول این مقام قرین شعف و استظهارمان نفرمایند قطعاً به نهضت خود ادامه داده و سایر برادران ملی خود را برای نیل باین مقصود امید بخش دعوت کرده بهای قدرت حضرت باری در اراده و عقیدهٔ خود ثابت وهیچوقت متزلزل نخواهند شد و تا دامن مقصود علي رغم خود بدست نگیریم دست از دامن سر پرست رعیت پروری اعلیحضرت پهلوی بر نداریم زیرا مملکت محتاج باصلاح فوری است و خرابی هائی که در نتیجهٔ رخاوت و عدم ایفای وظیفه عهده داری زمامداران نالایق سوابق فراهم شده واجب ترمیم و اقتضا ندارد بحال وقفه باقی باشد و اصلاح خرابی ها را به اثر قدرت آن یگانه زمامدار تاجدار لایق دانسته و میدانیم و اخیرا نیز جسارتاً

نهم آبان بعرض میرسانیم اعلیحضرتا ما ملت شافعی مذهب کردستان نمی توانیم در همچو مورد مهمی به تأنی و تامل قائل بوده آئین مذهبی را معوق داریم تعیین تکلیف قطعی و اعلان سلطنت و تاجداری اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه را جدا خواستار و استدعا داریم این ملت نجیب نژاد کرد شافعی مذهب را به پارهٔ اقدامات و ادای وظیفه ملزمه مذهبی مجبور نفرمائید کمیتهٔ نهضت ملی کردستان

« از کردستان به طهران »

نمره قبض ۱۹۱۶ نمره تلگراف ۳۷ عدد کلمات ۲۹

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۱ـ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت شهنشاه ایران رضاخان پهلوی

(شاها مبشری ز بهشتم رسیده است) از صمیم قلب تبریک را حضور مبارک تقدیم میمایم محمد قاضی

« از کردستان به طهران »

نمرهٔ قبض ۱۹۱۰ نمرهٔ تلگراف ۳۱ عدد کلمات ۶۸

تاریخ اصل ۱۱ـ۱

پیشگاه اعلیحضرت شهریار باقتدار دامت عظمته اعلیحضرتا ؟ـ

(صبح دولت میدمد کو جام همچون آفتاب اینکه میبینم به بیداری است یارب یا بخواب؟)

در پایان شام سیاه فجر این صبح پهلوي را از صمیم قلب تبریک مي گویم

شکر خدارا که هرچه طلب کردم از خدا بر منتهای مطلب خودکامران شدم

احقر محمد مردوخ رئیس کمیسیون نهضت ملی

(از کرمان به طهران)

نمرهٔ قبض ۵۵۹۳ نمره تلگراف ۱۵۲ عدد کلمات ۲۵۲

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ـ ۸

مقام معظم اعلیحضرت اشرف آقای رضاخان پهلوی رئیس حکومت ایران

و فرمانده کل قوا دامت عظمته (فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمدلله رب العالمین) حمد و شکر خدای را که مملکت اسلامی ایران در نتیجهٔ مجاهدت های اسلام پرستانهٔ مسلمین و نهضت غیورانهٔ ملت از لوث سلطنت جابره قاجاریه پاك گردید و بتوفیق آمال عموم مسلمین امور مملکت بکف کفایت آن یگانه حامی و خادم اسلام ومحيي وناجی ایران تفویض گردید

(از دست و زبان که براید کز عهدهٔ شکرش بدر آید)

امیدوارم که به یمن توجهات حضرت نقیب الله عجل الله تعالی فرجه درسایه خدمات وخدمت های آن یگانه حامی اسلام مملکت اسلامی ایران که در مدت سلطنت غاصبه قاجاریه سعادت شرافت و سیادت خود را از کف داده بزودی دارا و ترقیات عالیه خود نائل گردد شکر خدای را که ملت ایران زنده قدر دان و دارای قوهٔ ممیزه و از همین جهت است که دست جنایت کاران را زود از گریبان مملکت کوتاه خدمتگذاران وطن را با احساسات پاك اسلامي خود نوازش و تمیز درجهٔ عالیه صعود میدهد روح قدر شناس ملت است که آن وجود مقدس را سزاوار ارجمند ترین مقامات و شایستهٔ سرپرستی و زمامداری خود میداند درخاتمه تبریکات صمیمانه و ادعیهٔ خالصه تقدیم امیدوارم همواره دست صاحب اسلام نگاهبان و پشتیبان وجود مقدست باشند که این مملکت اسلامی را بمدارج عالیه سعادت رسانده وسایل آسایش مسلمین را فراهم فرمایند

داعی محمد رضا ابن ابی جعفر کرمانی

(تلگراف از آباده بطهران)

نمرهٔ قبض ۳۳۳ نمرهٔ تلگراف ۱ عدد کلمات ۱۱۰

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ ـ ۸

مقام منیع مقدس رئیس حکومت مملکت و فرمانده عالی کل قوا دامت عظمته طهران عرض مي نماید اهالی آباده بعد از زیارت دستخط تلگرافی مورخهٔ

۱۱ آبان ماه با یك هیجان و شادماني که تا بحال دیده نشده بود بازار و دکاکین خود را تعطیل نموده و دیشب نیز بواسطهٔ صدور تگراف نمرهٔ ۲۳۰۲۱ مجلس مقدس دارالشورای ملی اهالی در کوچه و بازار دسته دسته بشادمانی و خوشوقتي و در باغ ملی به هلهله و مسرت مشغول بودند ۱۱ آبان نمرهٔ ۸۳۸
(حکومت آباده و مضافات)

(تلگراف از یزد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۰۳۴۱ نمرهٔ تلگراف ۱۱۶ عدد کلمات ۹۹

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ ـ ۸

توسط ارباب کیخسرو طهران به پیشگاه اعلیحضرت اقدس شهریاری رضا شاه پهلوی ارواحنا فداه از استقرار تاج و تخت کیان و کشور باستان ایران بفر وجود مبارك اعلیحضرت ایرانیان پناه عموم ملت قدیم زرتشت بخاکپای اقدس همایونی از دل و جان تبریکات خالصانه تقدیم و امید واریم در ظل توجهات ملوکانه موجبات آسایش کشور باستان ایران خصوص زرتشتیان ایرانی مستقر گردد یوماً فیوم در سایه داری و مهر پروریت ایران و ایرانیان آبادان و شوکت و جلال باستانی از پرتو ذات مقدست اورمزد توانا عطا فرماید ایدون باد تراج جان نثاران انجمن ناصری زرتشتیان

(تلگراف از اصفهان به طهران)

نمرهٔ قبض ۲۱۹۱۰ نمرهٔ تلگراف ۶۹۵ عدد کلمات ۶۳

تاریخ وصول ۲۳ ـ ۸

مقام منیع رفیع اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته و دولته عالی مقام مقدس ایران مداری و اسلام پناهی را با یك عالم مسرت تقدیم میداریم و بلوازم تشکرات موهبت کبری تقدیم و اقدامات صمیمانه از جشن و چراغان مفصل بعمل آمده و دوام دولت وشوکت ذات اقدست را از خداوند متعال تمنی و خواهانیم
اتحادیهٔ تجار بروجن اصناف زارعین

(تلگراف از اصفهان)

نمرهٔ قبض ۲۸۱۵ نمرهٔ تلگراف ۳۷۵ عدهٔ کلمات ۷۲

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطانه جلوس آن اعلیحضرت توانای محبوب را بر سریر سلطنت اسلام با یك دنیا مسرت تبریك و تهنیت عرض میکنم امید است روزگار بدبختي خاتمه یافته و در ظل رأیت منصور اعلیحضرت پهلوی عموم ایران با مال دیرینهٔ خود نائل وکامیاب شوند خاتماً موقعیت آنسلطان عظیم الشأن نادر انجام نیات مقدسهٔ خود ازخداوند مسئلت دارم دعاگو سید محمدجعفر گیلانی(*) تلگرافات زیادي بنمرات ذیل مخابره شده که از درج آنها صرف نظر میشود

نمره قبض	نمره تلگراف	تاریخ اصل	وصول
(*) نمره قبض ۲۴۳۶	نمره تلگراف ۲۴۸	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۰۴۳۲	نمره تلگراف ۲۴۶	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۰۴۵۸	نمره تلگراف ۲۶۳	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۰۵۴۸	نمره تلگراف ۲۹۴	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۴۴۶	نمره تلگراف ۲۵۵	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۱۶۷۷	نمره تلگراف ۶۲۶	تاریخ اصل ۲۰	وصول ۸/۲۰
نمره قبض ۲۰۵۴۷	نمره تلگراف ۲۹۳	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۲۰۴۴۳	نمره تلگراف ۱۵۳	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۰۴۵۹	نمره تلگراف ۲۶۴	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۰۵۷۲	نمره تلگراف ۲۹۹	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۲۰۶۲۵	نمره تلگراف ۳۱۹	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۲۰۵۴۵	نمره تلگراف ۲۹۱	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۲۱۴۴۴	نمره تلگراف ۲۵۴	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۲۰۷۸۲	نمره تلگراف ۳۶۵	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۳
نمره قبض ۲۱۰۳۱	نمره تلگراف ۴۳۹	تاریخ اصل ۱۵	وصول ۸/۱۵
نمره قبض ۲۰۹۸۸	نمره تلگراف ۴۲۵	تاریخ اصل ۱۴	وصول ۸/۱۵
نمره قبض ۲۰۸۰۷	نمره تلگراف ۳۷۰	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۳
نمره قبض ۲۰۸۴۵	نمره تلگراف ۳۸۷	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۲

(تلگراف از شیراز)

نمره قبض ۱۳۶۶۲ نمره تلگراف ۱۸۱ عدد کلمات ۳۵۰
تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۰ ـ ۸

آستان مقدس قائد کبیر وناجی مملکت رئیس .با عظمت حکومت موقتی مملکت ورئیس عالی کل قوا دامت قدرته کپیه توسط آقای صدر نمایندکان محترم فارس کپیه ایران کپیه ستاره کپیه کوشش کپیه کلشن کپیه قانون کپیه جارچی کپیه شفق کپیه تجدد کپیه مجله پهلوی کپیه محشر کپیه مجمع متحدین آذربایجان پدر بزرگوارا .بافتخار این موفقیت مهمی که در اثر مجاهدات خستگی نا پذیر عامه ملت ایران خاصه فارسیان که مجلس شورای ملی را وا دار نمود که بنام جلو گیری از عواقب وخیمه که در نتیجه بحرانی ممکن که بود متوجه مملکت گشته ویك .باره مملکت دستخوش مهیب آتش انقلاب گردد موفقیت بانتزاع سلطنت از دودمان قاجاریه که از دیر زمانی بدینطرف عامه ایران انزجار خود را از آن بعالمیان گوشزد می نمودند گردیدو اینك تابعین تکلیف حکومتی ایران ریاست حکومت مملکت را بکف .با قدرت آن ناجی عظیم الشأن تفویض نموده بیشتر برمسرت ایرانیان .بالاخص فارسیان که این موهبت را مهم ترین آمال خود میدانست افزوده این است که نمایندکان کمیسیون مختلط نهضت ملی فارس بتلگرافخانه شیراز آمده حضوراً .با قلبي سرشار از مسرت و عشق مفرط بآن ذات مقدس تبریکات صالحانه را به پیشگاه مقدس تقدیم داشته دوام عظمت نجات دهنده مملکت را ازصمیم قلب ازخدا خواستار و اطلاعاً معروض میدارد باافتخار اینکه موهبت عظمی در سراسر خطه فارس خاصه شیراز درهرگوشه و کنار به تهیه انعقاد مجالس جشن و چراغانی مشغول و اکثر آن هم به تمام ایالات و ولایات اطلاع دادیم که آنها هم از انعقاد جلسات جشن وشادمانی شرکت خود

را .با برادران فارسی ابراز دارند حاضرین تلگرافخانه شیراز نمایدکان کمیسیون مختلط نهضت ملی فارس ابراهیم قوام ابو القاسم نصیر الملك محمدعلی امام جمعه جلال الدین رئیس العلما ضیاالادبا حاجی میرزا احمد حاجی غلامحسین ـ ملك محمد امین مدیر زاده عبدالله ناظم التولیه ـ استخر ـ عبدالله ـ حسین ـ امام میرزا مرتضی ـ حاجی اسد ـ محمد صادق ـ غلامحسین ـ ماشاالله ـ نواب ـ حاجی رئیس ـ عبدالکریم محمد .باقر دهقان ـ منشی کمیسیون مختلط نهضت ملي حسین تقی کلستان

(تلکراف از شیراز)

نمره قبض ۱۳۸٦۰ نمرهٔ تلگراف ۲٤۹ عدد کلمات ۳۷

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱٤ ـ ۸

توسط حضرت حجة الاسلام آقای محقق مقام مقدس اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته سعادت آتیه مملکترا بوجود اعلیحضرت تبریك و دوام این نعمترا ازخداوند عالم خواهانیم هیئت علمیهٔ شیراز نمایندهٔ بهشتی (☆)

تلگرافات زیادی بنمرات ذیل ازشیراز مخابره شده که ازدرج آنها صرف نظرمیشود

نمرهقبض	۲٦٦۳	نمرهتلگراف	۱۷۲	تاریخ اصل	۱۱	وصول	۸/۱۱
نمرهقبض	۱۳٦۷	نمرهتلگراف	۱۸۸	تاریخ اصل	۱۱	وصول	۸/۱۱
نمرهقبض	۱۳۷۹۷	نمرهتلگراف	۲۲٤	تاریخ اصل	۱۱	وصول	۸/۱۱
نمرهقبض	۱۳۸۰۷	نمرهتلگراف	۲۲۳	تاریخ اصل	۱۲	وصول	۸/۱۲
نمرهقبض	۱۳٦۷۹	نمرهتلگراف	۱۹۲	تاریخ اصل	۱۱	وصول	۸/۱۲
نمرهقبض	۱۳٦۷٤	نمرهتلگراف	۱۸۸	تاریخ اصل	۱۱	وصول	۸/۱۲
نمرهقتض	۱۳٦۷٦	نمرهتلگراف	۱۹۰	تاریخ اصل	۱۱	وصول	۸/۱۲
نمرهقبض	۱۳۸۱۹	نمرهتلگراف	۲۳۲	تاریخ اصل	۱۲	وصول	۸/۱۳
نمرهقبض	۱٤٤٥٦	نمرهتلگراف	٤۲۸	تاریخ اصل	۲۲	وصول	۸/۲۲
نمرهقبض	۱۳٦۱٥	نمرهتلگراف	۱۷٦	تاریخ اصل	۱۰	وصول	۸/۱۱
نمرهقبض	۱۳٦٦	نمرهتلگراف	۱۸۷	تاریخ اصل	۱۲۰	وصول	۸/۱۱
نمرهقبض	۱۳٦٥٥	نمرهتلگراف	۱۷۹	تاریخ اصل	۱۰۸	وصول	۸/۱۰

(*) (تلکراف از بوشهر)

نمره قبض ۵۹۲۱ نمره تلگراف ۶۳ عدد کلمات ۱۰۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

آستان مقدس بندکان اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه بر اثر افتخار روح بخش انقراض حکومت مشؤمه قاجاریه عموم طبقات اهالي بنادر باقلبي مملو از مسرت و انبساط جشن گرفته و مخصوصاً زمامداری ذات اقدس را بزرگترین عید ملی و اول روز سعادت دانسته باکمال خوشوقتی و افتخار تبریکات صادقانه باستان مبارك تقدیم و با نهایت شوق و امیدواری وصداقت معروض میدارند که درظل توجهات و سرپرستي یگانه ناجي وطن از بذل مال و جان برای ترقیات مملکت مضایقه نمیشود ازدیاد عمر واقبال وموفقیت کامل وجود مقدس را از درکاه احدیت مسئلت میدارند

کمیسیون مختلط نهضت ملي بوشهر

(تلکراف از بهبهان)

نمره قبض ۵۷۹ نمره تلگراف ۶۶ غدد کلمات ۲۸

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۶ـ۸

مقام منیع بندگان والا حضرت دامت عظمته این موقع طبق آمال دیرینه زمام اقتدار کف کفایت واگذار تبریکات صمیمانه ازاین پیش آمد سعادتمند تقدیم ـ مولوی از تلگرافات واردهٔ بندرات صرف نظر وفقط بنمره اشاره میشود

(*) نمره قبض ۱۳۶۹۸ نمره تلگراف ۱۹۵ تاریخ اصل ۱۱ وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۶۵ نمره تلگراف ۱۸۴ تاریخ اصل ۱۱ وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۶۶ نمره تلگراف ۱۸۵ تاریخ اصل ۱۱ وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۶۷ نمره تلگراف ۱۸۶ تاریخ اصل ۱۱ وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۰۹ نمره تلگراف ۱۶۷ تاریخ اصل ۱۰ وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۱۳۸۶۸ نمره تلگراف ۲۵۲ تاریخ اصل ۱۳ وصول ۸/۱۳
نمره قبض ۱۳۷۹۷ نمره تلگراف ۲۲۵ تاریخ اصل ۱۲ وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۱۳۸۱۱ نمره تلگراف ۲۳۵ تاریخ اصل ۱۳ وصول ۸/۱۳

(ازسیستان به‌طهران)

نمره قبض ۱۲۱۶ نمره تلگراف ۵ عدد کلمات ۱۵۵

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۶ ـ ۸

پیشگاه مقدس والاحضرت اقدس پهلوی ارواحنا فداه بانهایت تعظیم ما اهالی سیستان تصمیمی را که نمایندگان ملت درخاتمه دادن بدورهٔ منحوسهٔ قجری و افتتاح عهد مسعود پهلوی اتخاذ نموده و زمام حکومت ملی را باستقلال و باستحقاق کف کفایت آنذات والا ارواحنا فداه تفویض داشته اند از صمیم قلب تقدیس مینمائیم و ضمناً بتقدیم تبریکات عبیدانه بدان پیشگاه مقدس جسارت ورزیده وسعادت وترقیات برای ملت ایران درظل سرپرستی آن پدر بزرگوار مسئلت مینمائیم نمایندگان علماء تراب اقدام علما حاج محمد ـ محمد رضا ـ محمد علی ـ احقر محمد علی ـ حسین احقر صدرالدین نمایندگان سرداران و خوانین ـ محمد ناصر ناروئی محمد امین ناروئی ـ علي نجفي ـ حسین سرابندی ـ محمد علی کنانی نمایندگان تجار و اصناف ـ عبدالله هروی ـ بزرك ـ حسن ـ عباسقلی قربانی ـ حاجی ناصر زاده ـ عباسعلی ـ نمایندگان مستأجر وزارعین ـ غلامحسین عرب محمد حسین حسینی

(از عراق بطهران)

نمرهٔ قبض ٤٦٠٥ نمرهٔ تلگراف ۱۳٤ عدد کلمات ۷۰

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۶ ـ ۸

پیشگاه مقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت ارواحنا فداه در این موقع فیروزی و سعادت قاطبهٔ ملت ایران از تفویض مقام سرپرستی دولت و ملت که یگانه آمال فدوی قدیمی سرباز جان نثار بوده تبریکات چاکرانه خود را تقدیم آستان مقدس نموده امیدوارم تشکرات و تبریکات فدویانه را قبول چاکر بی مقدار را از فدویان صمیمی محسوب و قرین مباهاتم فرمایند چاکر قدیمی امیر

(تلگراف از رشت)

نمره قبض ۲۰۹۹۷ نمره تلگراف ۴۲۷
عدد کلمات ۱۲۵ تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۸۱۳

توسط قزوینیان پیشگاه مقدس والاحضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی ایران دامت عظمته ازاین موفقیت عظمی والغاء سلطنت قاجار ایرانیان عموماً طبقهٔ تجار خصوصاً غرق شدت و شادی و همین روز را بزرگترین و مبارکترین عید ملی خود شمرده و بنام سعادت ایران تبریك عرض مینمایند و نظر براینکه طبقهٔ تجار منتظرند که قدمهای برجسته تری در راه ترقی و تعالی مملکت در اولین روز های دولت پهلوی برداشته شود پیشنهادات ذیل را به پیشگاه مقدس عرض میکنند اولا در تمدید خط آهن توجه عاجلی عطف گردد ثانیاً در باب استخراج معادن خصوصاً معادن نفط از طرف دولت اقدام بشود ثالثاً در باب قدغن ورود تزئین آلات و لوکس حکم اکیدی صادر شود رابعاً هر ایرانی کارخانجات به ایران وارد نماید تا پانزده سال از مالیات معاف باشد

رئیس هیئت اتحادیه تجار میرزا علی چاپچی

(تلگراف از رودسر)

نمرهٔ قبض ۲۷۷ نمرهٔ تلگراف ۵ عدهٔ کلمات ۱۵۵
تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۸۱۳

وسیله آقای حاجی آقا رضا رفیع نمایندهٔ مجلس شورای ملی مقام مقدس رئیس حکومت مملکت وریاست عالیه کل قوا دامت عظمته برای انداختن هیولای هولناك و سلاسل سلطنت قاجاریه اولادان اجانب یعنی چنگیز و مغول که صفحات تاریخ ایران را قرنها هنوز از رطوبت خونهای پاك نو باوکان ایران قرمز و روح نیاکان با افتخار منتظر حسن خاتمه اینك با توجهات الهی و نیات پاك حضرت اقدس و مجلس شورای ملی موفق به

انقراض سلطنت آل قاجار گردیده لانه های فساد وکاشانه های ضد حیات سعادت محو و نابود شود ملت ازتوجه آن یگانه ناجی ایران از چنگال گرگان آدمی خوار آسوده و تبریکات صمیمانه وتشکرات قلبی تقدیم از درگاه احدیت بقاء استقلال و عظمت آن مقام مقدس را خواهانیم آزادیخواهان رود سر علی اکبر شریف زاده ـ عیسی خراسانی ـ حسن صدری ـ محمدرضادائمی ـ امان الله مهدی تراب زاده رشتی ـ محمدزاده ـ محمدرضا خلعت بری ـ رئیس بلدیه ـ سلیمان آروند

(ازمشهد به طهران)

تاریخ اصل ۱٤ وصول ۱۵ ـ

مقام منیع والاحضرت اقدس پهلوی فرمانده کل قوا و حکومت عامه موقت کل مملکت ایران دامت شوکته کسالت مزاجی چند روزه وابتلاء بقولنج خطرناك مانع ازعرض دعا گوئی و استعلام از سلامت مزاج مبارك شده اینك که فی الجمله حالت ادراك عودت نموده بعنوان عرض خلوص مختصراً تصدیع و ضمناً تشکر از اقدام وجود مبارك و زمامداری و حکومت ملی مملکت اسلامیه را مینمایم که نظر باین بذل عنایت جلوگیری از نغمات اسلام شکن سنهٔ ماضیه جمهوری که روح خبیث آن چنانچه منتهی آمال کافهٔ بی علاقه گان بدیانت اسلامیه است بالشویکی کرده فرمودید و احداث سدیدی ازآن بلیهٔ کبری که اعظم مصایب اسلامیه است شده رجاء واثق از الطاف کامله حضرت احدیت جل شانه بتوجه ولی عصر ارواحنا فداه وعجل الله فرجه آن است که وجود مبارك را ازبرای حفظ و صیانت بعالم اسلامیه ونوامیس الهیه بحفظ کامل خود محفوظ و همواره وجود مبارك را درقلع وقمع اعدا داخله و خارجه دین مبین اسلامی و مذهب شریف جعفری مظفر و منصور فرمایند لطیفه سامیه را نسبت بکلیه مسلمانان سیما طبقه محترمه و سلسله جلیله علماء اسلام که پاسبان دین و حافظان شرع مقدس‌اند بیش از پیش زیادتر و مستدام فرماید

نمره قبض ۲٦٦۲٦ نمره تلگراف ۳٤٤ تاریخ اصل ۱۱ وصول ۱۱ ۸
۱۷۳ « ۱۵ « ۱۵ ۸
۱۷۵ « ۱۵ « ۱۵ ۸

حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای قمی دامت برکاتهم بواسطه کسالت حادثه مقدور ازعرض خلوص و از دعای درآستان قدس غفلت نفرمایند

احقر مرتضی آشتیانی غروی

(از ناصری بطهران)

نمرهٔ قبض ٤٥٢٤ نمرهٔ تلگراف ٥١ عدد کلمات ٧١

تاریخ اصل ١٥ تاریخ وصول ١٦ ـ ٨

پیشگاه امنع اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته علماء از حصول مقصود در بر گذاری زمام مهام مملکت باستانی بکف با کفایت که منتهی مامول ملت بوده باقسام تشکرات و انواع مسرت امیدهای واثقه تبریکات صمیمانه و تهنیات فائقه تقدیم و از قادر ذوالجلال حسن مقدرات آتیه را برای تعالی و ترقیات سریعه وطن عزیز در ظل توجهات اعلیحضرت درخواست مینمائیم اتحادیه تجار اهواز

(از سبزوار بطهران)

نمرهٔ قبض ٤٧٦٨ نمرهٔ تلگراف ٦٤ عدد کلمات ١٠٩

تاریخ اصل ١٣ تاریخ وصول ١٤ ـ ٨

توسط آقای بهرام پور رئیس بلدیهٔ سبزوار مقام مقدس اعلیحضرت پهلوی روحیفداه در این موقع که زمام حکمرانی مملکت به کف با کفایت حضرتت سپرده شده و اهالی ایران از فتنهٔ اسارت آل قاجار آزاد شدند تبریکات صمیمانهٔ خود را به پیشگاه مقدست عرضه میداریم نمایندگان اصناف و اهالی سبزوار رئیس اصناف قاضی زاده کفاش ـ اقل حاج عباسعلی بزاز میرزا محمد حسین عطار ـ عبدالکریم قصاب ـ عبد الکریم خداد ـ فضل‌الله سراج ـ ابوالقاسم خرازی ـ جلال دواساز ـ صادق حسینی بقال حاجی محمد حسین حمامی ـ میرزا حسین علاقه بند ـ محمد خباز ـ اسمعیل قناد جمیل ملاك ـ محمد خیاط ـ علی اکبر تاجر ـ احمد زاده سقط فروش محمد علاف ـ آقا کوچك زرگر

(از ساوه)

آستان مقدس والا حضرت اقدس آقای پهلوی رئیس حکومت موقتی و رئیس عالی کل قوا ارواحنا فداه در اینموقع از انقراض دورهٔ قاجاریه و تفویض ریاست حکومت مملکت محروسه بذات اقدس عموم اهالی ساوه و زرند با یك انبساط فوق العاده شروع به تزیین شهر و چراغانی نموده عموم طبقات در مجلس جشن لیلهٔ ۱۴ آبان ماه در عمارت حکومتی حضور بهم رسانیده مجلس به دوام ظل مراحم ذات اقدس اختتام یافته این است که تهنیت و تبریکات صمیمانه جان نثار و مردم ساوه و زرند را تقدیم آستان مبارك میداریم (جان نثار عباسقلی)

(ازنوبران به‌طهران)

نمرهٔ قبض ۱۵۷ نمرهٔ تلگراف ۳ عدد کلمات ۱۲۸

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

پیشگاه مقدس اعلیحضرت اقدس پهلوی ادام الله ملکه و دولته چشمی حق بین و عقیدت حق گذار از صعود اقدس بمقام مقدس که شایستهٔ آن بوده وباقوت وجود و نیروی فکر عمل از مجاهداتی که در استقرار امنیت و مدافعاتی که از حقوق ملت فرموده و ازهرجهت ابواب عالی سعادت را برروی اهالی گشوده وبالنتیجه محبوب خیر خواهان و درخورنگهبانی کشور ایران شدند تبریکات صمیمانه خود را تقدیم نموده بقای عمر و دوم دولت و مزید شوکت و کمال موفقیت آن اعلیحضرت را ازپیشگاه قدس الهی خواهانیم از طرف عموم اهالی خلجستان ساوه فدوی دولت خواه رضا قلی خلج امیر حسینی

(تلگراف ازکرمانشاه)

نمره قبض ۱۰۹۶۵ نمره تلگراف ۱۹۵ عدد کلمات

۱۵۰ تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ـ۸

خاکپای مهر اعتلای اعلیحضرت قویشوکت پهلوی شاهنشاه محبوب ایران

خلدالله ملکه و سلطانه در اینموقع که ذات اقدس همایونت بکامکاری و بختیاری زینت بخش اورنك سلطنت و جهانبانی گردیده و تاج و تخت کیان را شوکت وشهامت مفتخر داشته تشکر لایتناهی بآن ساحت مقدس تقدیم وامیدواریم که از سایهٔ عظمت وقدرتت ایران به تحصیل افتخارات از دست رفته موفق وترقیات فوق العاده کسب نماید (برومند باد این همایون درخت) (که درسایه اش میتوان برد رخت) فدویان عموم فامیل حاجی زادگان کرمان محمد حسین ـ نصرالله فزونی ـ غلامحسین ـ علی شهنازی ـ علی اصغر ـ علی پاشا منوچهر محمود فتح الله فزونی ـ نصیر الدوله سابق ـ امین الله ـ باباعبدالله ـ علی ـ اشرف ـ منوچهری یارسول‌الله ـ مظفر فزونی منوچهر ـ یدالله ـ محمد ـ جواد ـ عبدالحسین محمود پاشا ـ علی رضا ـ عباس حیدر علی ـ حسن ـ جعفر ـ موسی ـ شهنازی ـ کریم ـ منوچهری ـ جلال ـ نعمت الله (*)

تلگرافات زیادی بنمرات ذیل مخابره شده که از درج آنها صرف نظر میشود

(*) نمره قبض ۱۰۸۵۰	نمره تلگراف ۱۵۵	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۰۸۳۱	نمره تلگراف ۱۶۶	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۱۰۸۴۳	نمره تلگراف ۱۷۲	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۱۰۹۲۶	نمره تلگراف ۱۹۲	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۸/۱۳
نمره قبض ۱۱۸۹۷	نمره تلگراف ۱۶۷	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۱۰۹۶۴	نمره تلگراف ۱۹۴	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۱۳ ۸
نمره قبض ۱۰۹۶۳	نمره تلگراف ۱۹۳	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۱۳ ۸
نمره قبض ۱۰۹۶۷	نمره تلگراف ۹۶	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱۴ ۸
نمره قبض ۱۱۹۹۲	نمره تلگراف ۱۷۲	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۱۱۰۷۱	نمره تلگراف ۲۳۰	تاریخ اصل ۱۵	وصول ۱۶ ۸

(از یزد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۴۵۰ نمرهٔ تلگراف ۱۵۳ عدد کلمات ۵۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

به سده سنیه عظمی ارواحنا فداه پس از ادای شکر این موهبت کبری که فریضهٔ ذمهٔ تمام ساکنین ممالك و چاکران مملوك است بعرض تهنیت و مبارك باد گستاخی مینماید سپس از خداوند متعال دوام این فرمانفرمائی کل و بقای ذات اقدس همایونی را مسئلت و درخواست دارد غلام بی مقدار فتح الله مشیر

(از یزد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۰۳۶۲ نمرهٔ تلگراف ۱۲۱ عدد کلمات ۱۴۱

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ ـ ۸

توسط آقای طاهری نماینده محترم یزد بعرض مقام شامخ بندگان حضرت اقدس اعظم ریاست حکومت موقتی و ریاست عالیه کل قوا ارواحنا فداه میرساند دستخط تلگرافی صادر و از آنمقام اعلی و مجلس مقدس شورای ملی راجع بخلع سلسلهٔ قاجاریه از سلطنت و نصب ذات اقدس اصالتاً بسمت کفالت حکومت مملکت زیارت و فوراً در تمام نقاط یزد و توابع بوسیلهٔ اعلان انتشار داد عموم اهالي بنوعی این مژده جان بخش را تلقی نمودند که بیان و بنان از عرض آن عاجز و قاصر است بطوریکه تلگرافاً مکتوبات خود شان را بعرض آستان مبارك پی در پی رسانیده و میرسانند و این جان نثار هم خود را بهیچ وجه قابل عرض تبریك ندانسته همان قدر عاجزانه عرض میکنم (تورا ز کنگره عرش میزنند صفیر) نمرهٔ ۲۲۹۸ جان نثار عباس علی شوکت

(تلگراف از کاشان به طهران)

نمرهٔ قبض ۳۸۶۸ نمرهٔ تلگراف ۸۱ عدد کلمات ۴۰

تاریخ اصل تاریخ وصول ۱۱ ـ ۸

آستان اعلیحضرت پادشاه ایران ارواحنا فداه جهانبانی یگانه فرزند ایران را که هموارهٔ از خداوند مسئلت مینمودیم بارزوی خود نایل و امیدواریم مملکت باستانی بتوجهات کامله مدارج ترقی را طی نماید اتحادیه تجار کاشان

(ازکاشان بطهران) (*)

نمره قبض ۳۸۵۹ نمره تلگراف ۷۷ عدد کلمات ۸۶

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ـ۸

توسط آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم زرتشتیان حضور معدلت ظهور مبارك بندگان اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه ایران نژاد و دارندهٔ تخت وتاج کیان رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه از تفویض سلطنت به اعلیحضرت اقدس شهریاری ابواب بهجت بر چهرهٔ آمال قاطبه ایرانیان خاصه جان نثاران گشوده خاضعانه عن صمیم القلب تبریکات و تهنیات فایقه تقدیم خاك پاي حضرت اقدس همایوني داشته واز قادر دادگر بقای ذات مقدس آن خسرو آزادیخواه عدالت گستر را مسئلت داریم سمهیز گویا انجمن زرتشتیان

(از آمل بطهران)

نمرهٔ قبض ۵۴۵ نمره تلگراف ۳۲ عدد کلمات ۲۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

بخاکپاي اعلیحضرت پهلوی حکومت ملي ادام الله بقائه کپیه مجلس مقدس کپیه ریاست اتحادیه تجار بامسرت قلبی تبریکات خالصانه تقدیم

اتحادیه تجار طهرانی

(*) نمره قبض ۳۸۸۵ نمره تلگراف ۹۰ تاریخ اصل ۱۱ وصول ۱۲ ۸

نمره قبض ۳۰۹۵ نمره تلگراف ۹۹ تاریخ اصل ۱۲ وصول ۱۲ ۸

نمره قبض ۳۸۹۹ نمره تلگراف ۹۵ تاریخ اصل ۲۲ وصول ۱۲ ۸

نمره قبض ۳۸۹۱ نمره تلگراف ۹۲ تاریخ اصل ۱۲ وصول ۱۲ ۸

(از بارفروش به طهران)

نمره قبض ۲٦٥٥ نمره تلگراف ۱۳۷ تاریخ اصل ۱٥

تاریخ وصول ۱٥ ـ ۸

آستان مبارك اعلیحضرت پهلوی رئیس معظم حکومت ملی ایران مدظله در این موقع که برای ادامه مراتب شادمانی در مجلس باشکوه فوق العاده مهم که از طرف آقای آقا میرزا عبدالباقی رئیس محترم صلح نامحدود بارفرش تهیه شده و عموماً از داخله و خارجه حاضر و فریاد زنده باد حضرت پهلوی بلند است به تقاضای عموم اهالی تبریکات خالصه وادعیه خالصانه را تجدید مینمائیم کمیسیون مختلط نهضت ملی بارفروش

(تلگراف از کردستان)

نمره قبض ۲۰٤٥ نمره تلگراف ۷٤

عدد کلمات ۳۳۸ تاریخ اصل ۱۹ تاریخ وصول ۲ ـ ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت سلطان با شوکت و اقتدار ایران آقای پهلوی دامت عظمته کپیه مجلس شورای ملی نهضت آذربایجان نهضت کرمانشاه همدان عراق بروجرد خرم آباد فیلی اصفهان رشت ملت ایران عموماً اهالی کردستان خصوصاً که یك قسمت مهم نژاد خالص ایران تشکیل می دهد دو مقصود اساسی دارند اول امنیت و آسایش و استقلال سلطنت و حکومت ایران دوم مورد الطاف و عواطف دولت و سلطنت واقع بودن بحمدالله قسمت اول به همم عالیه آن ذوات مقدس قادر توانا برای مملکت فراهم و باید ایرانیان با داشتن این سرپرست نیرومند ..ومند مفتخر و سرافراز بوده و صدای شکرگذاری خود را به کروبیان عالم بالا رسانیده و در اقصی بلاد ..ران فریاد زنده باد اعلیحضرت رضای پهلوی سلطان با اقتدار ایران دامت عظمته و قدرته بلند و بگوش عالمیان رسیده است فقط قسمت دوم باقی است که الطاف و عواطف آن ذات مقدس شامل حال ایرانیان شود و آن

این است که دولت و ملت ایران را معطل تاسیس مجلس مؤسسان نفرموده و مستقلا مسؤل حل و عقد امور شده وقت ذی قیمت اعلیحضرت همایونی را که صرف هر دقیقهٔ او برابر قیمت یك مملکت است عاطل نگذرانند اگر مقصود از ادای این عدهٔ مجلس مؤسسان تصویب و تصدیق سلطنت آن اعلیحضرت است که مدتی است عموم ایرانیان جان خود را در کف گرفته تقدیم آستان مبارك میمایند که قبول این مقام را فرموده و اهالی ایران را بعد از سالیان دراز نی حکومتي دارای یك همچه سلطنتي بفرمایند که در امنیت جامعهٔ دنیا ما هم دارای سلطان با اقتداری باشیم اگر غرض امرار وقت است که خداوند قادر متعال گواه است ملت ایران دیگر طاقت و توانای این مدت بلا تکلیفی را ندارند تا خاتمه کار کمیته نهضت کردستان تعلیمات خود ادامه داده و بتمام ایالات و ولایات اخطار شده است که دست از اقدامات خود نکنند تا بمژده تاج گذاری بزودی نایل و خود را در میان تمام دول مفتخر سازد و بصدای بلند میگوئیم پاینده باد سلطنت پهلوی (کمیتهٔ نهضت ملی کردستان)

(تلگراف از ملایر)

نمرهٔ قبض ۱۰۷۴ نمره تلگراف ٥٦ عده کلمات ٤١

تاریخ اصل ١٦ تاریخ وصول ١٦ - ٨

حضور مبارك و استان والا حضرت اقدس حکومت مملکت ایران ورئیس عالی کل قوا تبریکات صمیمانه را با ادعیه خالصانه تقدیم میداریم و با نهایت شوق در مجلس جشن اشتغال بدعاگوئی داریم الداعی آقا نجفی - الاحقر شیخ علی - احقر محمد مدرس - حقیر شریف العلما

(تلگراف ازشفارود)

نمره قبض ۱٥۱ نمره تلگراف ٤ عده کلمات ۱۱۷

تاریخ اصل ١٤ تاریخ وصول ١٥ - ٨

مقام منیع حضرت اشرف رئیس حکومت مملکت وریاست عالیه کل قوا

ارواحنا فداه در اثر تعقیب ملت و موفقیت مجلس مقدس شورای ملی انقراض سلطنت از قاجاریه وزیاست حکومت کل مملکت به‌پدر محبوب حضرت پهلوی روحی فداه تفویض نظر باینکه .باین نعمت سلطنتی نایل گردیده لذا عموم اهالی طوالش با روح سرشاری مشغول شادمانی و چراغانی مبادرت و تلگرافات تبریکات خالصانه خودمان را .بمقام مقدس تقدیم مینمائیم محمد خان ساسانی ـ امیر اصلان خان ـ عبدالحسین خان اسدالملك ـ حبیب الله ـ بیت الله یکانی ـ مشهدی عیسی ـ مشهدی آقا جان ـ کدخدا علی حاجی ـ عزت نبی الله ـ حسین زاده ـ مشهدی صالح ـ کربلائی جواد ـ ملك الملك ـ یعقوب بیك ـ شیر علی بیك ـ ارس بیك ـ داداش ـ حسین زاده

(از تربت بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۸۸۱ نمرهٔ تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۱۲۰

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

توسط رئیس محترم اتحادیه تجار مقام مقدس اعلیحضرت پهلوی کپیهٔ مجلس مقدس شورای ملی از تفویض زمامداری مملکت بکف کفایت آن پدر محبوب بایك دنیا مسرت و امیدواری استقبال و تشکرات خود را تقدیم آن پیشگاه نموده انتظار اعلان رسمی سلطنت آن یگانه ناجی و پدر محبوب خود را داریم (هیئت تجار ترشیز) حسین حسینی ـ غلام رضا هاشم موسوی عبدالرضاافتخار زاده ـ احمد علی ـ اصغر ـ محمود ـ حسینی ـ محمد ـ محمد صادق غلام رضا ـ علی اصغر ـ عبدالحمید موسوی ـ محمود ـ حسین ـ محمد حسینی رئیس زاده ـ علی ابن حسن ـ حاجی آقا طباطبائی ـ عبدالحسین ـ محمد علی حسینی ـ حاجی آقا جالینوس زاده ـ علی اکبر محمد حسن ـ ابوالقاسم امین زوار ـ محمد جواد ـ عبدالله اف ـ علی شریف آقا اسمعیل ابن عباس عبدالوهاب جواد زاده

(از نیشا پور)

نمرهٔ قبض ۱۸۵۲ نمرهٔ تلگراف ۳۰ عدد کلمات ۶۳

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ ــ ۸

پیشگاه اقدس اعلی حضرت ریاست حکومت ملی و ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته از بشارت تفویض ریاست کل حکومت ملی به یگانه قائد و ناجی ایران عموماً مسرور و مشعوف تبریکات و تشکرات خالصانه و صادقانه خود را بمقام مقدست تقدیم و پیشرفت مقاصد و آمال دیرینهٔ عموم ایرانیان را از درگاه احدیت خواهانیم (رئیس هیئت اتحادیه تجار نوکلی)

(از رشت بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۱۹۵۹ نمرهٔ تلگراف ۴۱۲ عدد کلمات ۲۱۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ ــ ۸

بوسیلهٔ آقای میرزا حسین خان سمیعی باستان عظمت بنیان اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه بتوجهات کاملهٔ آن یگانه ناجی ایران که انقلابات ایران خاصهٔ گیلان مبدل بامنیت شده با اجازه و امر مطاع اعلی عودت به گیلان نمودیم عموم مهاجرین تماماً طایفهٔ سمیعیان از این بذل مراحم همواره متشکر و از خداوند متعال عظمت و سلطهٔ اعلیحضرت پهلوی را برای نجات و عظمت ایرانیان درخواست تا بحمدالله دعای خالص ما باجابت رسیده امروز به منتهی آرزوی خود نائل و نگاهداری تاج کیان که بمشیت الهی هدیهٔ قدرت آن یگانه ناجی و سرپرست ایران واگذار شده است امیدواریم بعد ها مملکت ایران و وطن عزیز ما بیشتر از اینها ترقی و ما ایرانیان در ظل عطوفت و حمایت آن اعلیحضرت سر افرازی خود تان را مفتخرانه بدنیا ثابت نموده پیوسته مشغول خدمتگذاری و فداکاری باشیم عبدالحمید ــ سمیعی ــ اسمعیل سمیعی ابوالقاسم ــ نجد سمیعی عیسی سمیعی ــ تقی سمیعی ــ محمد سمیعی ــ عنایت الله ــ سمیعی طالش ــ سمیعی

هدایت الله سمیعی - یوسف سمیعی - عزت سمیعی - مهدی سمیعی - حسن سمیعی - نصرالله سمیعی - ذبیح الله سمیعی جعفر سمیعی یوسف سمیعی - حاج میرزا مهدی سمیعی - حسین سمیعی - شیخ سمیعی - عبدالحسین نجد سمیعی - شکرالله سمیعی - عبدالحسین - رحمت سمیعی -

(از بروجرد بطهران)

نمرهٔ قبض ۳۵۵۱ نمرهٔ تلگراف ۶۶ عدد کلمات ۱۰۷
تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ آبانماه

توسط آقای اعتبار نمایندهٔ محترم مجلس مقدس آستان مبارك بندکان حضرت والا اقدس اعظم روحیفداه افراد زن و مرد بطوریکه به نمرهٔ ۶۸۷ بعرض رسانیده غریق وجدو شعف در آئین و جشن وچراغان شهر ولولهٔ عدیم النظیری مشاهده میشود در عین حال افراد و طبقات و کمسیونهای نهضت ملي با یك بی صبری منتظر وصول خبر روح بخش تکلیف قطعی و سلطنت دایمی پهلوی هستند و به فشار و مضیقه خود شان افزوده چنانچه تا فردا این مژده تاخیر افتد با بی صبری اهالی حوادث غیر مترقبه متوجه خواهد بود لیلهٔ (۱۱) آبان نمرهٔ ۷۰۰ فدوی تقی خواجوی

(از دامغان به طهران)

نمرهٔ قبض ۱۲۷۷ نمرهٔ تلگراف ۵۶ عددکلمات ۳۶
تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

مقام مقدس یگانه زمامدار ایران ویگانه نابغهٔ دوران حضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی و ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته اعلامیه تلگرافی مبارك حاکي از مژدهٔ انقراض سلطنت قاجاریه و تفویض حکومت بآن وجود اعظم قلوب افسرده کارکنان دولت خاصه فدویان را قرین مسرت شادی نموده باامیدواری به ترقیات کامل مملکت در تحت لوای آن قائد عدیم النظیر ملی از صمیم قلب تهنیت عرض و انتظار بشارت

ریاست دائمی را داریم عبدالکریم کسرائی - رئیس تلگراف سهراب امینی رئیس پست - سید محمد میر فخرائی امین صلح مظفر سمنانی - رئیس معارف محمود حسینی - امیر خلیل رئیس احصائیه و سجل احوال - وفا طبیب صحیه - سید محمد قائمی نمایندهٔ فواید عامه خلیل معلم - رئیس بلدیه ابوالقاسم یغمائی - رئیس نظمیه ناصری امیری بهادران رئیس حمل و نقل علی رفیعی

(تلگراف ازسمنان)

نمره قبض ۱۸۰۰ نمرهٔ تلگراف ٦۵ عدد کلمات۹۳

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

مقام منیع ریاست حکومت ملی دامت شوکته کپیه مجلس مقدس کپیه ایران کپیه ستاره اینک که بحمدالله دامان ملت از غبار ننك پاك گریبان مردم از چنگال قاجاریه رها مجلس مقدس سعادت ملت و مملکت را در نظر گرفته انقراض سلطنت قاجاریه را اطلاع و ریاست حکومت مملکت را بکف کفایت حضرتت واگذار نموده و اعیان وعموم رعایای این موهبت عظمی را ازصمیم قلب تبریك گفته عظمت و موفقیت حضرتت را مسئلت مینمائیم هیئت کاظم شریعت آقاعلی - علی الحسینی - صدر - عبدالعلی الحسینی

(تلگراف ازسمنان)

نمرهٔ قبض ۱۷۷٦ نمرهٔ تلگراف ۵۱ عدد کلمات ۱۳۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱٤-۸

توسط آقای یاسائی نمایندهٔ محترم سمنان ودامغان مجلس شورای ملی کپیهٔ آقای پهلوی کپیه ایران کپیه کوشش بواسطه سوء عملیات قاجاریه وتنفر اهالی مملکت ازآن سلسله و حسن سلوك وتهنیت قلوب بواسطهٔ خدمات شایان که در قلیل مدت زمامداری آقای پهلوی نسبت بسعادت مملکت بعرصهٔ بروز وظهور رسانده حقیقتاً قابل تقدیر و جای بسی تشکراست لهذا ازآن ذوات مقدسه نازبان الکن تمام اهالی سمنان عموماً سادات حسینی

شرافت پناهی و سادات طباطبائی خصوصا خلع سلطنت را از خانوادهٔ قاجاریه و تفویض حکومت ملی بحضرت آقای پهلوی باکمال شوق و شعف تبریکات صمیمانه و تشکرات قلبیهٔ خودرا تقدیم میدارند سادات حسینی شریعت پناهی و سادات طباطبائی مهدی - تقی الحسینی طباطبائی حسن حسینی

(تلگراف از درجز)

نمرهٔ قبض ۶۸۴ نمرهٔ تلگراف ۶ عدد کلمات ۱۶۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴-۸

خاکپای جواهر آسای بندگان اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه در این موقع که کوکب اقبال و سعادت اهالی ایران عموماً و خانزاد خصوصاً بنور ذات مقدس بندگان اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه منور و میمون ومبارك گشته است به منتها آرزو و آمال که ازخداوند مسئلت داشته بحمدالله نایل گردید اینك بشکرانهٔ این نعمت عظمی از درگاه احدیت مسئلت می نماید ثانیه شمار تا آخرین ساعت عمر خانه زاد موفق بخدمتگذاری و جان فشانی آن اعلیحضرت گشته و جان ناقابل را نثار خاکپای مبارك گرداند خانه زاد و عموم اهالی ولایت درجز و این سرحدات - بدین مژده گرجان فشانم رواست وبرای زیارت مژدهٔ تلگرافی نایب رئیس مجلس مقدس عموم اهالی بایك شعف و سرور قلبی که در باطن شان مسطور بوده اینك عموماً ظاهر نموده اند و مشغول گرفتن جشن و چراغانی و نشاط وسروری از صمیم قلب می باشند غلام خانزاد و فدائی سالار نصرت سابق

(تلگراف از گلپایگان)

نمره قبض ۴۳۹ نمرهٔ تلگراف ۱۴۲ عدد کلمات ۱۳۵

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲-۸

توسط نمایندهٔ محترم آقای میرزا محمد خان معظمی ساحت مقدس بندگان

اقدس ریاست عظمی حکومت مملکت دامت عظمته کپیه مجلس ایران دستخط مطاع تلگرافی دایر به تصویب انقراض سلطنت قاجاریه وتعیین ذات اقدس ریاست حکومت عالیهٔ مملکت زیارت شد قاطبهٔ اهالی این خبر را بایك عالم مسرت و امیدواری استقبال کرده ازدیاد تائید حضرت اقدس را در تهیهٔ وسایل آسودگی ملت وتعالی مملکت از خداوند مسئلت دارند و از حسن سلوك حکومت جلیله فوق وصف راضی و متشکرند علمای گلپایگان و تجار من الخاطی زین‌العابدین داعی شیخ محمدسعید ـ محمد موسوی ـ محمدشریف ـ عنایت‌الله موسوی داعی محمد باقر ـ هیئت تجار گلپایگان ـ اقل حاج محمد رضا شهریاری اقل حاج محمدرضای مرشد زاده ـ اقل حاجی آقا ـ علی گلپایگانی ـ اقل محمد جعفر امینی ـ محمد باقر

(تلگراف از تویسرکان)

نمره قبض ۳۳۳ نمرهٔ تلگراف ۱۷ عدد کلمات ۴۵

تاریخ اصل ۱۴ـ تاریخ وصول ۱۶ ۸

سدهٔ سنیهٔ اعلیحضرت حکمفرمای ایران دامت سطوته تهنیت و تبریك جلوس میمنت مأنوس را تقدیم دوام و بقای اقتدار و اطاله ظل ظلیل را به مفارق ایرانیان عموماً مسئلت داریم عبدالعلی آقا ـ احقر بهاء‌الدین ـ حیدر ـ احقر علی اصغر عموم آقایان

(از همدان بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۷۹۸۹ نمرهٔ تلگراف ۳۵۳ عدد کلمات ۵۸

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۴ ـ ۸

بندگان والا حضرت اقدس پهلوی دراین موقع که زمام و سهام امور مملکتی بعهدهٔ کفایت وید قدرت والا حضرت اشرف اقدس قرار گرفته ملت کلیمی همدان در موقع انعقاد جشن خصوصی از وجدو سرور خودداری

نداشته و مقدم مبارك را بر اریكه فرمانفرمائي صمیمانه تبریك و تهنیت عرض مینمایند جماعت (کلیمی همدان)

(از سیرجان بطهران)

نمرهٔ قبض ۶۱۰ نمرهٔ تلگراف ٤ عدد کلمات ٤۹

اعلیحضرت همایونی و ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته قبول حکومت را که یگانه راه امید ملت ایران است صمیمانه تهنیت و تبریك تقدیم داشته تأییدات لا نهایت ذات مقدس را در حفظ عظمت وطن مقدس از خداوند ذو الجلال مسئلت داریم از طرف اتحادیه سید حسین لاری

(تلگراف از بروجرد)

نمرهٔ قبض ۲۵۹۵ نمرهٔ تلگراف ۸۲

عدد کلمات ٤۶ تاریخ اصل ١٤ تاریخ وصول ١۵ ۸

توسط جناب اجل آقامیرزا سیداحمد خان اعتباری نمایندهٔ محترم بروجرد حضور مبارك بندگان والا حضرت اقدس همایونی دامت قدرته از حسن انتخاب مجلس مقدس شورای ملی زمامداری و سر پرستی مملکت با آنوجود اقدس تشکرات و تبریکات متکاثره تقدیم می نماید.

ابو المجد طباطبائی

(تلگراف از تویسرکان)

نمره قبض ۳۳۰ نمره تلگراف ١٤ عدد کلمات ۵۳

تاریخ اصل ١۳ تاریخ وصول ١٤ آبانماه

آستان مقدس اعلیحضرت شهریاری و فرمانده کل قوا روحنا فداه سلطنت پهلوی را که با استحقاق ملت تفویض ذات مقدس نمودند از صمیم قلب عرض تبریك تقدیم دوام و بقای ذات مقدس را از خداوند مسئلت داشته و تا سه روز مشغول شادی جشن صمیمانه خواهند بود

اتحادیه اصناف تویسرکان

(تلگراف ازبارفروش)

نمره قبض ۳۶۶۴ نمره تلگراف ۴۰ عدد کلمات ۱۷۸

تاریخ اصل ۱۶ تاریخ وصول ۱۶ ـ ۸

آستان مبارك اعلیحضرت ریاست حکومت ملی ایران رضا خان پهلوی ارواحنا فداه در نتیجه نهضت ملی و اظهار عدم رضایت از سلسله آل قاجار و انقراض سلطنت آنان که عمده آمال وسعادت ملت ایران بوده تا این که در شنبه نهم آبان ماه از طرف مجلس مقدس دارالشورای ملي بنام سعادت موافق .باین آرزو شده و انقراض این سلسله را اعلان و ریاست حکومت ملی ایران بید قدرت اعلیحضرت واگذار فدویان از این ترتیب و نعمت عظمی تشکرات و تبریکات چاکرانه را تقدیم اهالی بندپی اقل علما حسین فیروزی ـ ابو تراب خان ـ سرتیب ـ احقر سادات ـ عبده صادق ابن ابو القاسم موسوی ـ احقرسادات عبده حسین حسینی ـ اقل طلاب عبده قنبر علی ـ اقل سادات ابو تراب موسوی احقر حسین ـ احقر عبده صمد ـ اقل حاج بابا خان ـ عباسقلي سررشته دار ـ احقر ید الله ـ اقل حاج خدا مراد ـ اقل حاج یا امام رضا اقل حاج عبدالرحمن ـ اقل حاج سیف الله ـ اقل حاج غلامعلی ابن اسمعیل ـ اقل طلبه راجی لطف الله ابن اسمعیل ـ صادق خان فیروز کوهی ـ عنایت سلطان ـ اقل حاج یاعلی ـ اقل حاج محمد قاسم

(تلگراف از بوشهر بطهران)

نمره قبض ۵۹۶۲ نمره تلگراف ۷۱ عده کلمات ۳۲

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول شب ۱۸ـ۸

آستان مقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله سلطانه به اثر خبر روح بخش انقراض حکومت قاجاریه و تفویض سلطنت بحضرتت تبریکات صمیمانه عرض موفقیت حضرتت از خدا خواهانیم

انجمن اخوت بوشهر

(تلگراف از بم بطهران)

نمرهٔ قبض ۸۸۹ نمرهٔ تلگراف ۱۳ عدد کلمات ۸۶

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ـ۸

توسط جناب اتحاد نماینده محترم دار الشورای مجلس مقدس شورای ملی کپیه اعلیحضرت اقدس همایون پهلوی تشکرانه اعلام انقراض سلطنت ظالمه قاجاریه و تفویض زمام امور به یدقائد مقتدر که کعبه آمال ملت مجلس مقدس ملت ایران را در جامعه ملل حیه عالم مفتخر و مباهی فرموده چراغان عمومی بوده پاینده باد دار الشورای وظیفه شناس زنده باد اعلیحضرت پهلوی طنین انداز مستدعیم تسریع در تشکیل مجلس مؤسسان فرموده نگرانی را مرتفع فرمایند نمره ۳۵

فرقه دموکرات ایران کمیته بم

(تلگراف از ساوجبلاغ)

نمره قبض ۱۹۳۱ نمره تلگراف ۱۱ عدد کلمات ۱۴

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

پیشگاه مقدس اعلیحضرت اقدس رضا خان پهلوی اروحنا فداه بشارت تفویض مقام معظم حکومت عالیه ایران به قبضه نیرومند و توانای آن ذات مقدس حقیقت وصول حق بمن له حق بعمل آمده است سامعه این روز موجب اقصا درجه امیدواری و استظهار گردیده این روز سعیدرا بعید بزرك تاریخی ملی گرفته واز طرف قاطبه رعایا وبرایا موجبات جشن و چراغان وسرور وشادی بعمل آید معهذا اهالی مکری از نیل باین یگانه آرزوی ملتی خود که نصب عین داشته و پیوسته مترصد حصول آن بودند باقلبي سرشار از فرح و شادی تبریکات نابغانه به پیشگاه اقدس تقدیم و موفقیت آن اعلیحضرت را درطی طریق آسایش دائمی ملت وترقي اهالی مملکت از درگاه خداوند احدیت خواستاریم کمیسیون نهضت ملی مکری

(تلگراف ازساوجبلاغ)

نمره قبض ۱۹۲۴ نمره تلگراف عدد کلمات ۱۰۶

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

خاکپای مقدس اعلیحضرت قدر قدرت ریاست کل ممالك ایران ارواحنا فداه در این موقع که یك روز تاریخی برای عموم ایرانیان خصوصاً آذربایجانیان فراهم واز قبول سرپرستی آن ذات مقدس این موهبت عظمی عید حقیقی برپاست این غلام بی مقدار نیز بایك دنیا شوق وشعف عاجزانه بعرض تهنیت جسارت ورزیده از درگاه احدیت ازدیاد شوکت وقدرت آن ظل الله را درخواست ومنتها آمال وآرزویم این است که در خدمتگذاری جان ناقابل خودرا نثار خاکپای مبارك بنمایم حکومت ساوجبلاغ غلام بی مقدار وشمگیر

(ازرامهرمز بطهران)

نمرهٔ قبض ۷۴۶ نمرهٔ تلگراف ۵ عدد کلمات ۲۷۷

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

مقام مقدس حضرت اشرف رضا خان پهلوی رئیس حکومت موقتی ملی ایران دامت قدرته کپیه مجلس مقدس شورای ملی کپیه ادارهٔ مرکزی اطلاعات جراید در نتیجهٔ تحمل چندین سال مشقت و استقامت و از ان همه گونه فداکاری و جان بازی آنذات اشرف مملکت بآغوش امنیت و مهر رفاه و آمال مستقر و جای گزین گردیده و بالاخره در نصب قدرت و شهامت قائد و نابغهٔ غیور ملوك الطوایفی و غارت گری این مرزو بوم را وداع گفت بحمدالله ملت ایران از وصول و درك این موهبت عظمی قدردانی کرده با هر فداکاری که بود بسلسلهٔ خیانتکار و غارت شعار قاجار خاتمه داد و زمام و مهام این مملکت را بکف کفایت و قدرت آنذات اشرف سپرد در اثر خبر تلگرافی انقراض دودمان قاجار و انتخاب ذات

مقدس بر اورنك کشور قلوب فرد فرد را کاخ شعف و مسرت گردانیده ملت ایران را بامید روزکار سعادت و شرافتی امید وار میدارو ما هیئت نهضت رامهرمز با تقدیم هزاران تشکر و افتخار از حسن این انتخاب با صمیمیت قلبی تبریکات و تحافي بی پایان خود را بخاکپای آن عنصر مقدس نثار و نیاز نموده آرزومندیم که این خدمت مهم را برای همیشه بعهدهٔ کفایت ذات مقدس خود واگذار فرمایند تا این روز سعادت فیروز را نخستین بروز حیاتی ملی ایران دانسته از امر تودهٔ افتخار و اعزاز اعیاد و ایام برکت ملّی خود قرار دهیم امیدوارم در ظل عواطف و توجهات آنحکومت مقتدر ملی محبوب این مملکت باصلاحات و عمران داخلی خود موفق گشته جبران دورهٔ سلف خودرا نمایند کمیسیون نهضت ملی رامهرمز

(تلگراف از گوگان بطهران)

نمره قبض ۲۹۳ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۱۱۱

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۳-۸

پیشگاه بندگان اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته درخشیدن ستاره سعادت ایران که خلع سلطنت آل قاجاریه نصیب ذات اقدس آن پرستار محبوب ایرانیان روح تازه بعموم بخشیده واز گوشهٔ ده خوارقان طبقات علماء دوایر دولتی وتجار باصمیمیت تمام تبریك این روز مبارك را که عید عظیم است متجاسر وعرض مینماید (بدین مژده گرجان فشانم رواست) امید واریم درظل رأفت آن ذات مقدس مملکت ایران رشك روضهٔ برین گردد اهالی ده خوارقان چاکر عظیم خدا دادی حسینقلی قاسمی مجید صحی احمد حسن فتح مصطفي حاجی اسدالله ده خوارقانی غلامحسین حاج محمد باقر احمد عباسقلی گل محمد ابراهیم

(از سراب بطهران)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

خاکپای مبارك اعلیحضرت پهلوی رئیس معظم دولت ایران خلدالله ملکه

طلوع موکب سعادت بخش اعلیحضرت سرپرست نیرومند مملکت و نگاهبان غیور امنیت با اضمحلال سلطان نالایق و انقراض سلطنت از آل قاجاریه زمامداری دولت ایران نه تنها کف با کفایت و قدرت اعلیحضرت را بدنیای افتخار و خوشبختی سوق و یك عالم مسرت بي پایان ایرانیان را فراهم کرده بلکه تفویض شدن زمام دولت بآن ذات مقدس سبب اتحاد ترقی و تعالی مملکت و استظهار ملت و آرزومندیم که خون نا قابل رعیتي ما را با همهٔ نوع جان نثاری تصدق امرمبارك اعلیحضرت نمائیم ۱۲ آبانماه جان نثار اسدالله پناهی ایل دله غار دیراگو

(از ماکو بطهران)

نمرهٔ قبض ۷۸۳۸ نمرهٔ تلگراف ۹ عدد کلمات ۶۶

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه جلوس میمنت مأنوس آن پدر مهربان تاجدار که یگانه آمال و آرزوی ملت ایران عموماً و مستخدمین دولت علیه خصوصاً بود تبریکات غلامانه را بخاکپای مقدس تقدیم موفقیت ذات مقدس اعلیحضرت را با ایفای وظایف فدا کاری و جان نثاری از درگاه خداوندی مسئلت مینماید غلام جان نثار سیف‌الدین بهلولی ـ سیف الدوله سابق

(تلگراف از اهر بطهران)

نمره قبض ۴۶۹ نمره تلگراف ۹ عده کلمات ۱۳۹

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

مقام مقدس بندگان اعلی اقدس پهلوی خلدالله ملکه در این موقع که از سلسلهٔ قاجار سلطنت خلع و حکم فرمائی ایران برید قدرت و کف با کفایت اعلیحضرت تفویض به این جشن بزرك ملوکانه عموماً شکر گذار ورطب اللسان و استدامت آن مقام مقدس را به اریکه همایونی از

خداوند خواستاریم که من بعد در میان عطوفت اعلیحضرت خسروانه با باعظمت قشون وترقي مملکت محروسه وتعمیر بیوتات وطن مقدس مستظل اینك تبریکات صمیمانه و دعاگوئی خالصانه خودمان را بخاکپای مقدس عرض وتقدیم میداریم

امام جمعه حاجی میرزا آقا آخوند ملا احمد ابوالفضل آقا میرزا سید آقا آقا میرزا محمدعلی ملا قاسم مقدس سید محمد میرزا محسن آقا ملا حسین ملا احمد ملا عبدالحسین میرزا احمد ملا جواد

(تلگراف از آستارا بطهران)

نمره قبض ۱۸۸۸ نمره تلگراف ۱۶ عده کلمات ۱۶۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

آستان مقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه در این موقع که بر اثر پافشاری آذربایجانیان شانه رنجیده ملت ستم دیده ایران همان ملتی که تا قبل از استیلای قاجار گوی سبقت از سایر ملل حیهٔ عالم میربوده از زیر بار ننگین سلطنت قاجاریه خالی ودست نالایق غیراز تاج کیان که یگانه آثار نیاگان با افتخار ما است قطع وزمام اختیار مملکت باستانی را بکف باکفایت اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه تفویض شد اهالی آستارا نهضت مبارزه که مجالس جشن وچراغانی وصدا های خشونت آمیز مرده و محو باد قاجار را بصدا هاي هلهله شادی و زنده باد اعلیحضرت پهلوي وجاوید باد مملکت باستانی تبدیل نموده وبایك نظریه آثار قدیمه تخت فیروز تخت سیروس قریباً درسایه زحمت خستگی ناپذیران فرزانه فرزند ارجمند دلیرساسان مقامات سالفهٔ خودرا احراز خواهد نمود تبریکات صمیمانه را تقدیم ساحت منزه ومقدس نابغهٔ شرق مینمائیم

کمیسیون نهضت ملی

(از اهر به تبریز)

تاریخ وصول ١٤ ـ ٨

خاکپای مقدس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران پهلوی ارواحنا فداه در این موقع که آفتاب سعادت ایران و ایرانیان طالع و درخشنده ترین انوار خوش بختی ابدی سر تا سر ایران ساطع به نیل آرزوی دیرین عموم ملت بخت باستانی که خلع آل قاجار از سلطنت و تفویض زمام مملکت بکف کفایت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جم جاه پهلوي ارواح العالمین فداه بوده در ذی قیمت ترین ساعات قلوب عموم افراد ایلي جان نثاران را روح تازه دمیده با یك هیئت جامعه و اهلیت قاطبه جوانان فداکار صحن ایل بیگی گری قراجه داغ مملو و با یك حیات تازه و صدای رسا تبریکات صمیمانه را تقدیم آستان ملایك پاسبان داشته و با عموم ارته ملت عرض مینمائیم پاینده باد دولت قویشوکت باستانی و زنده باد اعلیحضرت پهلوی امید واریم در ظل عطوفت آن ذات مقدس ملوکانه در راه ترقی مملکت آرامش تفنك را به گاو آهن تبدیل و در زمام داری و سلطنت آن ذات مقدس از بذل جان و مال نا قابل هیچ گونه فدا کاری قصور نخواهم ورزید

خانزاد ایل چلبیانلو ـ نصرالله ـ علی اکبر ـ عبدالله ـ یدالله سرخای رستم علی قلی ـ نصرة الله ـ فیروز ـ جهانگیر ـ جواد ـ نورالله ـ حبیب ـ عزت ـ تقی ـ محمد ـ بابا حیدر ـ نصرت ـ ستار ـ صمد ـ برادر رحیم خان ـ مرحوم نوروز ـ محمد علی کوسهلار ـ نعمت آقا ـ کشی بدخا خوانین جلیبانلو ـ عزت الله ـ محمد علی ـ شیر علی ـ موسی ـ یوسف انلو ـ غلام حسین الیکانلوشدر ـ پرویز دیلو ـ حسین علی ـ قره باچانلو مولا قلی ـ احمد لو ـ مراد علی ـ محمود ـ علی لو ـ لطف الله ـ نوروز لو محمد علي ـ محمد صالح لو ـ محمد علی غفار و صمد علی ـ قاضی لو ـ علي

آقا کدخدا لو - اسماعیل‌الله لو ابراهیم دلیر - علی شاه گل و لو حسین در شکانلو - خانلر - قلی بیگلو خان - علی شابلو - ولی شاه - بداغ لو - شرفهلو - جهان بخش - رمضان‌لو - فرشو حسین علی بیگلو - اخبارتوچلو فرخ کوس - عبد الصمد حیدر کانلو - قهرمان - عزیز اسکانلو - شکر ترکمه لو - آقا قلی - شکر لو - آقا حسن قلی بیگلو - خانه زاد علی رئیس طایفه - چلبیانلو -

﴿ تلگراف از تبریز ﴾

نمره قبض ۴۰۱۱۵ نمره تلگراف ۲۱۲ عدد کلمات ۱۳۵

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۱-۸

توسط آقای تبریزی پیشگاه مقدس و آستان مبارك حضرت اعلی اقدس پهلوی رئیس حکومت موقتی مملکت و ریاست عالیه کل قوا روحی فداه در این موقع که دراثر احساسات بی آلایش توده ملت ایران برای حفظ استقلال مملکت باستانی و همچنین عمومی دراظهار انزجار و تنفر از سلطنت آل قاجار وقطع ایادی خائنانه آنها از دامن عصمت وطن مقدس ایران که بحمد الله نهضت ملي موفقیت حاصل نمود از خانواده منحوسه قاجار سلطنت خلع گردید و ریاست حکومت موقتی مملکت بآن ذات اقدس که حافظ استقلال ایران و محیي ایران هستید موافق آمال وآرزوی ملی واگذار گشته مجمع اصناف تبریکات صمیمانه خود را بعرض آستان مقدس رسانیده موفقیت آن یگانه ناجی ملك و ملت را از درگاه الهی خواستارند

ناظم مؤسسهٔ اصناف الحاج صادق خرازی

﴿ تلگراف از تبریز ﴾

تاریخ وصول ۱۳-۸

کپیه تبریزی پیشگاه مقدس رئیس حکومت ملی دامت قدرته دستخط مبارك تلگرافیکه مبشر تفویض حکومت ملی بدست مهین سائس فداکار بود عناصر جوان مملکت را به تجدید دورهٔ سعادت و تشکیل حکومت

جوانیکه مربی روح تجدد است سربلند و مباهی ساخت محصلین مدرسه متوسطه باعلاقه‌مندان دورهٔ تجدد از میان طوفان هلهله وشادی بتبریك معصومانه وادعیه خالصه خودرا به پیشگاه مقدست نثار و افتخار داریم که مقدرات ایرانیان را امروز رادمردی بدست گرفته که مطاع حقیقت ومنتخب وجداني ملت است زنده وپاینده باد رئیس حکومت ملی وقدرت پهلوی از طرف معلمین و شاگردان مدرسه متوسطه امیر خیری

﴿ تلگراف از تبریز ﴾

نمره قبض ۲۰۷۵۸ نمره تلگرافی ۳٤۸ عدد کلمات ۱۳۹

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ۱۵ــ۸

توسط آقاي قزوینیان پیشگاه معظم حضرت اعلی رئیس حکومت مملکت و رئیس عالیه کل قوا دامت عظمته بایك انتظار فوق‌العاده بسعادت آتیه خود و مملکت کیاني از شخص شخیص ذات مقدس موقع را مغتنم شمرده مواد چهارگانه را که یگانه وسیله ترقي و تعالی ملك و ملت است جسارتاً بعرض آستان مبارك رسانده و در نزدیك ترین وقتی عملی بودن آنهارا استدعا مینمائیم اولاً به امتداد رشته خط آهن در تمام مملکت عطف توجهی بشود ثانیاً باستخراج معادن خاصه معادن نفت از طرف دولت اقدامي بشود ثالثاً از ورود اسباب تزییني ولوکس جداً جلوگیری شود رابعاً محض تشویق و توسعهٔ کارخانجات در مملکت مقرر شود هر ایرانی که کارخانه وارد مینماید تاپانزده سال ازتادیهٔ هرگونه مالیات معاف شود ازطرف هیئت نجار محمد حریری

(تلگراف از شرفخانه بطهران)

نمره قبض ۱۳۲ نمره تلگراف ۲ عده کلمات ۱۵۳

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱٦ــ۸

خاکپای مبارك بندگان اعلیحضرت پهلوی ریاست عالیه کل قوا ادام الله شوکته بشارت تفویض حکومت ایران بکف کفایت آن

یگانه ناجی ایران برای ما اهالی از دلق و ازاب اسباب نهایت تشکر تبریکات صمیمانه را با قلب بی آلایش معروض پیشگاه مبارك میداریم حاج علی ـ احمد ـ رحمن اف ـ حاجی احمد ـ شکری ـ حاجی قاسم شبستری ـ اسمعیل شبستری ـ الاحقر نبی شبستری ـ باقی ـ عبد مناف شبستری ـ حاجی جبار شبستری ـ حاج اسدالله خامنه ـ حاج تقی ـ حاج اسمعیل ـ اقل الله وردی خامنه ـ اقل عبدالله ـ اقل الحاجی عبد حمید ـ اقل حاج حسین ـ حاج محمد ابراهیم ـ حاج ابراهیم ـ حاجی محمد حسین خادم ملت ـ صادق ـ فیض الله ـ سند اباد خادم ابن وطن حسن ـ رجبعلی ـ باقر ـ احمد سند آبادی ـ قلي و ارباب حاج عبدحمید ـ حاج محمدکاظم ـ اقل حاج عباس قلی دریائی ـ حاج محمد حسین دای قربانی ـ اقل خدا داد ـ مجید شرفخانه ـ اقل سادات وعلماء ـ حاج میراحمد شرفخانه ـ اقل محمد آقا ـ اقل تقی ـ الاحقر غلامحسین ـ

(تلگراف از میانج)

نمرهٔ قبض ۸۱۵ نمره تلگراف ۶ عدد کلمات ۷۹

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

بخاکپای فلك فرسای اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت پهلوی خلدالله ملکه وسلطنته ومعروض افتد در موقعي که سلطنت مطلقه وزمامداری مملکت نجات واقعی ایران وایرانیان بکف کفایت اعلیحضرت اقدس اعظم پهلوی ارواحنا فداه تفویض یافته بشکرانهٔ این عطیه کبری و موهبت بااستظهار عواطف سنیه ملوکانه تقدیم وپایداری ملك وملت شخص شخیص اقدس و استقلال عظمت وطن محبوب را از درگاه خداوند مسئلت می نمائیم ـ امین مالیه جواد معیري ـ حسین نصری مستخدم تلگراف ـ یوسف صدیق ـ حکومت میانج ـ حکومت گرمرود مسعود مولوی

(تلگراف از ارومی)

نمرهٔ قبض ۲۰۹۹ نمرهٔ تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۹۷

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ دضول ۱۵ـ۸

توسط آقای رفیعی قایم مقام الملك نماینده محترم دارالشورای کبری خاکپای مبارك اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت پهلوی ارواحنا فداه امروزکه ملت ایران بطور عموم و خدمتگذاران آستان مبارك خصوصی به منتهی آمال و آرزوی دیرینهٔ خود نائل و آفتاب معدلت قویشوکت دامت قدرته که موجب حیات و سعادت ابدی ملت و مملکت است طالع گشته باقتضای مراتب فدویت باتفاق عموم مامورین دوایر دولتی ارومیه بشکرانه این موهبت عظمی وعطیهٔ کبری کسب افتخار تذکر در خاکپای مبارك مینماید علی بهادری

(تلگراف از مراغه)

نمرهٔ قبض ۱۹۲۱ ـ نمرهٔ تلگراف ـ ٦ عدد کلمات ۹۹

تاریخ اصل ـ ۱۰ تاریخ وصول ۱۱ ـ ۸

توسط مقام منیع وزارت جلیله داخله پیشگاه مقدس بندگان اعلیحضرت شهریاری و ریاست عالیه کل قوا روحنا فداه در این موقع سعادت نمون شمول این عطیه کبرا و موهبت عظمی الان که منتها و امال قاطبهٔ علاقه مندان به ترقي و تعالی مملکت باستانی و چاکران جان نثار صدیق و یگانه اسباب سعادتمندی اهالی ستمدیده بود صمیمانه سپاسگذار و تقدیم عرض تبریکات و تهنیت های چاکرانه و صادقانه جسارت ورزیده استقرار و استدامت طولانی ذات اقدس مقدس را در اریکهٔ نادری از درگاه واهب عطایا مسئلت مینماید غلامعلی سرباز

(تلگراف از مراغه)

نمرهٔ قبض ۱۹۳۵ ـ نمرهٔ تلگراف ۸ ـ عدد کلمات ٤۰

تاریخ اصل ۱۱ ـ تاریخ وصول ۱۳ ـ ۸

توسط آقای وزیر عدلیه آستان مقدس والاحضرت اقدس اعظم پهلوی

دامت عظمته از صمیم قلب در این موقع به اقدام تبریك مبادرت جسته در ظل مراحم ذات مقدس ترقیات عالیه مملکت و آسایش عامه را مسئلت مینمائیم عباس

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱٤ ـ ۸

خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت پهلوي دامت قدرته در ضمن تقدیم وظایف فدویت و تبریکات صمیمانه این موهبت کبری یاد بود احاطه و استحضار خاطر مقدس بعلاقه مندی و مراتب جان فشاني ایلی دیگر توضیح مراتب فدا کاری در خاکپای اقدس زاید و همین قدر نهایت ارزوی قلب و آمال بر جسته عموم افراد این است که در امر و فرمان آن یگانه ناجی و محیي مملکت توسعه عظمت کشور باستانی با تفدیه آخرین قطره خون خود ابواب سعادت بروی خود باز و مادام حیاة مفتخر باشیم غلام بی مقدار ـ محمد قلی رئیس طایفه ـ دورسون خواجه

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱٤ ـ ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته با یك بیان ساده وزبان شاهسونی تبریکات صمیمانه را در مقابل این موهبت عظمی که موجب مزید نجات مملکت و عامل ترقی ملت است بخاکپای اقدس تقدیم ضمناً متجاسریم بطوریکه خاطر اقدس مستحضر است عموم طوایف شاهسون و روح امنیت آنها علاقه مخصوص در فداکاری نسبت بامر و فرمان آن یگانه ذات مروج تربیت کیان و حافظ ناموس ایرانیان است ازخداوند خواهانیم که در مقابل اوامر مطاعه ساکنان آن آستان عظمت با تفدیه خون خود موفق بخدمتگذاري و رو سفید باشیم

غلام ـ جان نثار ماشاءالله رئیس طایفه ـ رضابیك لو

(تلگراف از مراغه)

نمرهٔ قبض ۱۹۴۵ ــ نمرهٔ تلگراف ۱۴ ــ عدد کلمات ۱۲۹

تاریخ اصل ۱۵ ــ تاریخ وصول ۱۵ ــ ۸

آستان مقدس کارگذاران اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت پهلوی و ریاست عالیه کل قوا خلدالله ملکه بشکرانه و پاس گذاری این موهبت عظمی و عطیهٔ کبری که منتهای آمال دیرینهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت باستانی بود با یك نیت پاك و صمیمی با تقدیم عرض تبریك و تهنیت صادقانه متجاسر و از درگاه یزدان مزید عظمت و استدامت عمر و زمامداری آن اعلیحضرت را در اریکهٔ نادری مسئلت مینمائیم که باید قدرت و توانائی آن ذات مقدس و یگانه ناجی ترمیم خرابیهای سلاطین آل قاجار و ترقی ملك و ملت از هر حیث کاملا فراهم آید

چاکران اسکندر مقدم محمد قهوه چی ــ ربیع کبیری ــ احمد ــ مصطفی ــ محمد ــ کریم ــ لطف‌الله ــ نوبختی ــ احمد ــ طیب تبریزی ــ محمد علی ــ عبدالله آشتیانی ــ قادر مقدم ــ رحیم ضیاء

(تلگراف از خوی)

تاریخ وصول ۱۴ ــ ۸

پیشگاه مقدس بندگان اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته خوش بختانه مسرت گران‌بهائی که بمناسبت کوتاه شدن ید سلسله قاجار از سریر سلطنت کیان و تفویض زمام مملکت بدست قادر ونیرومندان اعلیحضرت قویشوکت دامت قدرته این غلامان و جان نثاران را حسن استقبال کرده زاید از حد تصور و با یك دنیا مفاخرت و سر بلندی تبریکات غلامانه خود را بخاکپای مقدست تقدیم و محض ادای سپاس و شکرانه این موهبت عظیم خداوندی حاضریم در مواقع خدمت و جان فشانی ارواح نا قابل خود را در خاکپای مبارکت نثار و در اوقات آرامش اسلحه خود بگاو آهن مبدل داشته و در پرتو سلطنت بندگان آن ذات مقدس در

در راه ترقی و سعادت مملکت عزیز از بذل جان ومال دریغ نداریم
رئیس طایفه دلائی چتو ـ اقل محمد ولد خالودیرکی رئیس طایفه دوکانی
عمر آقا رئیس طایفه خوری ـ ایوب آقا رئیس طایفه ممکانی

(تلگراف ازخوی)

نمرهٔ قبض ۲۱۳۵ ـ نمرهٔ تلگراف ۹ عدد کلمات ۷۳

تاریخ اصل ۱۴ ـ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

خاکپای مبارك بندگان اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی خلدالله ملکه
جلوس میمنت نمون آن ذات اقدس همایون را با صمیمیت و با یکدنیا
مسرت خاطر تبریك عرضه میداریم و بمژده این نعمت خدا دادی که
که بجان نثاران مرحمت فرموده همیشه با جان و مال جانفشاني وفدا کاری
منتظر اوامر جهانمطاعه هستیم از طرف عموم عشایر
محال قطور سلطان قره برچك قادر دو دوکانی عمرخردو

(تلگراف از خوی)

نمرهٔ قبض ۲۱۴۷ ـ نمره تلگراف ۱۳ عددکلمات ۲۸

تاریخ اصل ۱۴ ـ تاریخ وصول ۱۵ ـ

خاکپاي اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه از تمرکز سلطنت حقه لمن
لهالحق تبریکات صمیمانه را آستان مقدس تقدیم میدارد

ازطرف جمعیت متحده پیشنماز زاده

(تلگراف از سلماس)

نمرهٔ قبض ۳۵۰۷ ـ نمرهٔ تلگراف ٦ ـ عدد کمات ۳۹

تاریخ اصل ۱۴ ـ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

خاکپای مبارك اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه از زمامداری
مملکت اعلیحضرت قویشوکت ارواحنا فداه جان نثاران تبریکات عاجزانه
خود را تقدیم آستان باستاني مینمایم

کلیمیان سلماس ملت باشي نسیم سیمون

(تلگراف از اهر)

تاریخ وصول ۱٤ - ۸

آستان با عظمت بندگان اعلیحضرت قویشوکت پهلوی ارواحنا فداه خلع آل قاجار از سلطنت ایران که خفت قومیت و ملیت ما ایرانیان را در اثر بی عاطفگی خودشان درانظار ملل متمدنه جا داده ونام غیور مقدس ایرانیان را در صفحات تاریخ روی زمین ملوث اعمال خود نموده و محض پرده پوشی بخیانت های خانه برانداز وطن فروشانه خودشان بین طوایف و ایلات غیور این آب خاك پاك و اهالی دست خونین و چنك دوتیره را محکم و مستحکم نموده بودند نه تنها آرزوی دیرین اجداد وطن ما بود بلکه مقصود با اصاله افراد طوایف ایل حاجي علی بود که در ظل عنایت و جدیت خلل ناپذیر آن یکانه مربی قهرمان در ظرف سه سال مدت دوره هرج و مرج داخلی را بدرود گفته و مراتب خدمتگذاری و انقیاد باطوایف را مشهور خاطر برادران وطن فرموده همانا زمامداری حکومت مقتدره سلطنت ذی شان ایران بکف کفایت آن یکانه پدر تاجدار بود که بشکرانه موفقیت برسیدن منتهی آمال عموماً در اهر و چه قراچه داغ مشغول انجام مراسم تهنیت و جشن عید سعید ملي بوده و بنام نامی اعلیحضرت هر روز اشغال داشته و اینك با احساسات فوق التصور عرض میدمائیم چنانچه آن پدر تاجدار قیافه ستمکارانه ما طوایف را در انظار عامه بوجه محبوب تبدیل فرموده و حالیه صغیرا و کبیرا بمنزله یك نفر سرباز جان باز وطن بخدمتگذاری ملك وملت گماشته اند با یك نیت پاك عموماً در استقلال سلطنت آن شاهنشاه قوی شوکت مهربان از بذل هیچ گونه مال و جان مضایقه نداشته تا نفس آخر در جانبازی حاضر خواهیم بود امروز است که سعادت ملت و شرافت قومیت خودمان را میتوانیم در انظار عالم

بمنصهٔ ظهور و بروز رسانده ودر این ساعت فرخنده فال صمیمانه صدای فرح بخش آواز زنده باد اعلیحضرت پهلوی و پدر تاجدار مهربان را نثار آستان جم جاه نموده واسترحاماً استدعا داریم تبریکات اولاد حقیقی وملازمان درگاه پاك خودتان را باجابت مقرون فرمایند جانبازان حاجی علی لو وخوانین و کدخدایان حاجی فرامرز ـ حاجی علی لو ـ محمد فرامرز حسین نماینده ـ حاجی علی لو ـ حسین قلی ـ آقا محمد شیرین دل ـ زمان ـ احمد ـ لطف الله ـ حسین الار پاشا ـ ادیگوزل ـ قراخانلو فرخ ـ شیخ علی باغ ـ مستولو ـ صدیق علی ـ تاعنستولو ـ نفیرخان احمدلو ـ فولاد ـ اسدالله مقدم محمود آقا ـ حاجی احمد ـ حسن قرا گوللو ـ حاجی اسمعیل ـ محرم ـ اوزبك آقا ـ آقا میرزا اوزبك ـ سیف الله ـ گنجه لو ـ اصغر خان ـ عباس پیرعلی لو ـ محمد ولی ـ پیر علي لو ـ عزیز خان ـ زینال بیگلر لو ـ ولي ـ ابراهیم صمدلو کریم خان ـ احمد خانلو ـ اسمعیل مددلو ـ حسن علي مددلو ـ محمد قره باغ لو حاتم ـ تراب ـ صمد ـ جبرئیل ـ نبتی لو ـ عبد قراخانلو ـ اسمعیل کرد ـ احمد لو ـ ایمان انموتلو ـ شیرین کنگرلو

(تلگراف از اردبیل بطهران)

نمره قبض ۵۶۵۶ نمره تلگراف ۶۶ عده کلمات ۳۹۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ اصل ۱۴ـ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی خلد الله ملکه از اصغای این نوید و بشارت که هر قسم سعادت وترقی وتعالی مملکت وملت را متضمن چنانچه سالیان دراز آمال قلبیه عمومي مترصد موفقیت باین مقصود ونعمت عظمی بود عموم اهالی بایك روح تازه واحساسات صافیه مشغول لوازمات جشن وسرور و آئین است مراتب احساسات وتشکرات خالصانه خودرا بخاکپای مقدس تقدیم واز درگاه ایزدی جلت عظمته بانیت صمیمانه استغاثه مینمائیم که آن ذات مقدس را که یگانه امید افتخار مملکت و

محیي ملت است در وساده عزت وجلالت مؤید ومنصور وعموم ملت را باستظلال آن ظل مقدس باحراز ترتیبات عزت وترقی موفق و جانهای ناقابل عموم را وقایه اصابه عین الکمال آن ذات اقدس قرار بدهد عموم طبقات اصناف اردبیل

مرتضی – خلیل – یوسف کفاش – کریم کفاش – صمد کفاش – خدا قلی – حسن کفاش – صادق کفاش – محمد باقر کفاش – هاشم کفاش – کربلائی عزیز – محمد علی – استاد علی – استاد نصیر کفاش استاد محمد کفاش – استاد علی محمد – استاد خلیل کفاش – استاد قربان کفاش – مشهدی قاسم کفاش – علی – حسین – محمد کفاش استاد عباداللّه کفاش – استاد قره عزیزاللّه – استاد محمد کفاش – استاد رسول کفاش – استاد زین العابدین کفاش – مهدی کفاش – استاد زین کفاش – محمدقلی – غلام کلاهی – خلیل کلاهی سید علی – کربلائی صالح علاف – محمد – محسن – محمدعلي – عبدالوهاب – کربلائی امامقلی – حسین – شکراللّه – صمد – مهدی – محیي – عبداللّه – استاد رحمان – حاجی موسی علاف – مشهد اسد صالح – محمد تقی – حسین علی پینه دوز – محمد علی – صنفیه – بابا – میرزا علی – محمد آقا – استاد عبدالحسین – استاد عزیز – حسین – حسن قلی علاف – مشهدی محمد قلی علاف کربلائی رسول علاف – عبدالعلی علاف – علی - حسن احمد علاف – محمد – مشهدی کاظم علاف – ابراهیم علاف – علی – حسین آقا آهنگر – قباد آهنگر – عبدالحسین کلاه دوز – استاد قنبر حضرت قلی – حسین قلی – احمد حکاک – مظفر – استاد علی خیاط کربلائی مهدی خراط – مشهدی میرزا آقا خراط – کربلائی محرم خراط کربلائی عبداللّه خراط – استاد جبار خراط – استاد بهلول چرم فروش مشهدی حسن خراط .. استاد حسن چرم فروش – رسم – مشهدی علی اکبر – استاد آبی چرم فروش – قربانعلی – ملك – استاد عبداللّه

چرم فروش ـ استاد محسن چرم فروش ـ علی اکبر تخم فروش ـ
عبدالعلی ـ محمد علی ـ محمد قلی علاف ـ استاد حسن قلی ـ کربلائی
حاجی آقا ـ حیدر علی ـ مشهدی مراد ـ خلیل ـ نصرالله زاده ـ
یدالله مجنون ـ استاد حیدر ـ حسن ـ حسینقلی ـ اسمعیل آهنگر ـ
آقا قلی خیاط ـ غلام آهنگر ـ علی قلی ـ استاد علی آهنگر ـ حاج
عبدالرحیم ـ شعبان ـ آتشی خراط ـ عبدالحسین خیاط ـ ابوالفضل
استاد ستار خراط ـ استاد جبار خراط ـ استاد غفور خیاط ـ استاد
بابا خیاط ـ استاد بیوك آقا خیاط ـ استاد محمّد خیاط ـ استاد علی اکبر
خیاط ـ استاد خیاط ـ استاد حاجی آقا خیاط ـ غلام خیاط ـ
استاد یدالله خیاط ـ سلیمان خیاط ـ استاد فتحعلی خیاط ـ استاد
اسمعیل خیاط ـ استاد عبدل خیاط ـ سیف الله ـ محمّد قلی ـ محرم
کلاه دوز ـ میر هاشم کلاه دوز ـ استاد غلام سراج ـ میرمحمود سراج
محمّد علی ـ اصغر سراج ـ غفور سراج ـ استاد محمّد سراج ـ مشهدی
بابا سراج ـ استاد عظیم ـ حاجی قره سراج ـ حبیب سراج ـ استاد
ناشر سراج ـ حاجی محمّد ـ اسدالله ـ عزت الله ـ صالح کلاه دوز ـ
محمّد تقی کلاه دوز ـ مختار ـ محمّد ـ رحیم ـ یعقوب کلاه دوز ـ
کربلائی غلام کلاه دوز ـ مشهدی کربلائی حسن ـ علی ـ آقا بابا
کلاه دوز ـ مراد کلاه دوز ـ غلام کلاه دوز ـ محرم کلاه دوز ـ
مشهدی شکور کلاه دوز ـ آنی کلاهدوز ـ محمد رضا کلاهدوز ـ محمد
کلاهدوز ـ محمّد سعید کلاهدوز ـ میر صادق کلاهدوز ـ میر خلیل ـ
عبدالله کلاهدوز ـ حسینقلی کلاهدوز ـ علی اکبر کلاهدوز ـ عزت
کلاهی ـ عبدالحسین کلاهدوز ـ اسدالله کلاهدوز ـ اصغر ـ علی
ستار حکاك ـ عبدالله حکاك ـ اسمعیل حکاك ـ میر خلیل حکاك ـ
جعفر علی حکاك ـ ابراهیم حکاك ـ صفر علی ـ عبدالله حکاك ـ استاد
محسن حکاك ـ کربلائی سیف الله

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ـ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه در استماع مژده تفویض زمامداری مملکت بذات اقدس آن یگانه نگاهبان مملکت و محیي ملت که با آمال دیرینه ومقاصد مکنونه عمومي بانظر مراحم ایزدی موافق و عموم باید همین روزرا در ازاء موفقیت بآمال ملی یك روز القاء روح بقالب مرده بدانند این است تبریکات فداکارانه را بخاکپای اقدس تقدیم وضمناً جسارت میورزد که در راه سعادت مملکت که بزمامداري و سلطنت آن ذات مقدس یگانه سبب نجات و ترقي خواهد شد عموم افراد این ایل جان بکف از فداکاری جان ومال دریغ نداشته فوق‌العاده مایهٔ مباهات است که در امتثال امر و فرمان مطاع و مقدس آخرین قطره خون خودمان را فدای این سعادت وعظمت مملکت باستانی نمائیم

غلام بی مقدار غلام رئیس طایفهٔ خامسلو

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ـ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه اصغاي بشارت خلع قاجار از سلطنت وتفویض زمام مملکت بدست توانای اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته روح سلحشوری ایلیت را در ابدان افراد این طایفه مهیج و این است مراتب خوش بختی و مباهات خودمان رابخاکپای اقدس تقدیم وازآنکه در قبال این موهبت عظمی و در ازاء ترقي و تعالي مملکت که زمامدار و سلامت آن مقدس فقط سبب این نجات و ترقي خواهد شد تا آخرین قطره خون خود عموم افراد این طایفه از بذل و فداکاری جان و مال دریغ نخواهند داشت و امیدوارم در زمامداری و سلطنت آن ذات مقدس ابواب سعادت بروی عموم باز و در ظل مقدس مشغول ایفاء وظایف خواهند بود غلام بی مقدار مجید خسروی رئیس طایفهٔ یورت چی

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۵ـ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته با یك نیت صمیمانه و روح ایلیت مراتب فدویت و تبریکات خالصانه تشکرات این موهبت عظمی را بخاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته با یك نیت صمیمانه و روح ایلیت مراتب فدویت و تبریکات خالصانه تشکرات این موهبت عظمی را بخاکپای اقدس تقدیم و ضمناً متجاسر میشود که عموم افراد این ایل در قبال این موفقیت تامه در راه عظمت مملکت داریوش که سلطنت و زمامداری آنذات مقدس تنها سبب و علت جامعه این عظمت و ترقی خواهد بود از بذل جان و مال دریغ نداشته در موقع خدمت حاضریم قبا های خود را با ریختن آخرین قطره خون خود گلگون و در موقع آرامش با تبدیل اسلحه رزم به ترتیبات زراعت و گاو آهن اشتغال- ورزیده و در مقام عاکفانه آن سده سنیه. روسفید باشیم غلام بی مقدار داداش رئیس طایفه تکله

(تلگراف از اردبیل به طهران)

تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

خاکپای مهر اعتلای اعلیحضرت اقدس پهلوی خلدالله ملکه بشارت تفویض زمامداری مملکت بدست آهنین وتوانای آن یکانه نجات دهنده کشتی شکسته ملت از غرقاب فلاکت بساحل سعادت نه باندازهٔ در افراد این طایفه روح ایلیت را تازه نموده که بتوان مراسم خوشوقتی را بعرض رساند در ضمن تقدیم تبریکات با یکصدای بلند عرض مینمائیم اعلیحضرتا ازخداوند خواهانیم که جانهای ناقابل این غلامانرا فدای رکاب مبارك نموده و افتخاراً مباهات داریم که در آتیه در امتثال امر و فرمان آن ذات مقدس جان بکف وظایف سلحشوری ایلیت را امتحان و جان و مال خود را تا آخرین قوه امکان در رکاب مقدس تفدیه نمائیم

غلام بي مقدار نجف قلی رئیس طایفهٔ اینانلوی اردبیل

(تلگراف از اردبیل)

نمرهٔ قبض ۵۶۲۱ نمرهٔ تلگراف ۵۶ عدد کلمات ۱۹۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ - ۸

خاك پای مبارك اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً) در اینموقع تفویض حکومت بآن یگانه ذات مقدس تاریخی که نجات دهندهٔ حقیقی مملکت و محیي ملت و مروج آثار کیان وحافظ ناموس ایرانیانست واین موهبت عظمی بر طبق آمال بر جستهٔ عموم ملت از طرف حضرت احدیت جلت عظمته اهداء عموم گردیده با کدام عبارات و بیانات بتوان از عهدهٔ شکر گذاری این عطیه کبری بر آمد؟ چون هر قسم عبارات و بیانات از عرض تشکر قاصر و عاجز است فقط در قبال این بشارت عظمی با یك قلب صاف مراتب تبریکات و تعهدات خالصانه را تقدیم و مزید موفقیت آن یگانه ذات اقدس را که مایهٔ افتخار و مباهات عموم ملت هشت هزار ساله است از درگاه ایزدی استغاثه مینمائیم وامیدواریم که همواره ملت و مملکت ایران با توجهات وعواطف کریمانهٔ آن ذات اقدس با درك تلألوأت سعادت موفق و کامیاب و ظل مبارك در مفارق انام مستقل خواهد بود عموم علمای اردبیل عبدالکریم - محمد حسین - ابو القاسم - محمد صادق - علي - عبد العظیم - شهاب الدین الموسوی - حبیب - اکبرموسوی - حاجي شیخ عزیز محی الدین الحسینی - مصطفی الحسینی

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه با یك عقیدهٔ صاف از خلع ید قاجار از سریر سلطنت کیان و تفویض زمام مملکت ببازوی توانا و مقتدر آن اعلیحضرت مراتب تبریکات و جان فشانی خود را به خاکپای اقدس تقدیم و آرزومندیم که درطریق ترقي مملکت که زمامداری و سلطنت آن ذات مقدس مسلماً سبب این ابهت و عظمت خواهد بود

عموماً جان و مال خود را بذل و تاریخاً در آن بارگاه عظمت روسفید باشیم غلام بی مقدار حسین رئیس طایفهٔ طالش میکائیل لوی اردبیل

(تلگراف از اردبیل)

نمرهٔ قبض ٥٧٠٤ نمرهٔ تلگراف ٧٣ عدد کلمات ١٥٧

تاریخ اصل ١٤ تاریخ وصول ١٥ـ٨

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه در این موقع تفویض حکومت بآن یگانه ذات اقدس که تاحال سفینه شکسته مملکت با توجهات خستگی ناپذیر آن ذات مقدس از غرقاب فلاکت بساحل نجات سوق داده شده وعموم افراد این مملکت داریوش و خطهٔ سیروس مرهون عواطف وتوجهات کریمانهٔ آن ذات مقدس میباشد از اصغاء این بشارت این است عموم خوانین حوزه ثمین مراتب تبریکات و تسعیدات صمیمانهٔ خود را بخاکپای انور اقدس تقدیم و امیدواریم همواره دستهای قادر و و بازوان توانای آن یگانه سرپرست حقیقی مملکت و نجات دهندهٔ ملت باز و بمزید اجلال و موفقیت موید ومنصور و عموم افراد ملت در سایهٔ اقدس باحراز ترتیبات ترقي و سعادت نایل و موفق خواهند بود

سلطان محمد ـ سالار سلطان ـ علی اشرف ـ عبدالحمید حسینی ـ شیخ علی مصباح السلطنه ـ سلطان سید حبیب الله ـ نصرالله ـ حمید سلطان ـ عبد العلی ـ ساعد نظام ـ نصرالله

(تلگراف از بم)

نمرهٔ قبض ٨٧٣ نمرهٔ تلگراف ١٠ عدد کلمات ٢٧٧

تاریخ اصل ١١ تاریخ وصول ١٢ ـ ٨

توسط آقای درگاهی طهران مقام منیع اعلیحضرت حکومت پهلوی دامت عظمته و بقائه سلطنت و حکومت منحوسه قاجاریه که مبنی بر تقلب و زورمندي و یك سلطنت اجنبی شناخته شد و موجب ننك و بد نامی ملت ایران بود بحمدالله مملکت وملت ایران از ننك وجود آنان آسوده گردید بنام سعادت آتیهٔ ایران سپری شدن حکومت قاجار و انقراض

علم سلطنت میشوم و طلوع حکومت ملی پهلوی که یکی از آرزو های ملی و افتخار تاریخی ملت ایران بشمار است و ملت هم بنام افتخار و مباهات مجالس جشن منعقد نموده و احساسات قلبي خود را به پیشگاه آن ذات والا تقدیم داشته وامیدواریم از سایهٔ حکومت پهلوی ما ملت ایران در مجمع ملل دنیا بتوانیم عرض و جود نمائیم هیئت آزادیخواهان هم ظهیررفیعی ـ امین عماد سجادی ـ کاظم حسینی ـ صالحی طباطبائی دبیر زاده ـ علی اکبر یزدی ـ غفاری ـ علی شریف ـ سید محمّد ـ مهدی موسوی ـ محمد موسوی ـ مرتضی ـ حسین ـ ابو القاسم حسینی علی اکبر ـ داود ـ طاهر ـ محمد یوسف زاده ـ علی ـ سید جواد عباس ـ حسن علی ـ اسد الله زلفعلي ـ محمد علی ـ علیرضا ـ علي اکبر ـ عبد الله جعفر ـ اکبر ـ حسن ـ کریم زابلی ـ حبیب الله ـ محمود ـ محمّد حسیني ـ سیف الدین ـ عباس شریف ـ حسین ـ احمد زین عابدین ـ حسین یزدي حسیني ـ اکبر رمضان ـ حاجی درویش ـ خلیل ـ علی موسوی ـ علی خان ـ مهدی غلامرضا ـ محمد رمضان جلال حسینی ـ فضل الله ـ علی ـ عزیز الله ـ اکبر سلیمان ـ حسن شریف محمّد علی ـ ناری حسینی ـ ماشاء الله حسینی ـ قاسم ـ اسد الله محمد علی ـ اسلام احمد ـ حسین ـ محمد غلامعلی ـ رضا ـ جلال ـ جلیل ـ حسین محمود ـ ضرب علی ـ علی عباس ـ محمد حسین ـ علی

(❀) از تلگرافات دیگر صرف نظر و فقط ذیلا بنمره اشاره میشود

(❀) کرمان نمره قبض	نمره تلگراف	تاریخ اصل	تاریخ وصول
۵۵۹۳	۱۵۲	۱٤	۱۵ـ۸
« « ۵۵۲۷	« ۱۲	« ۱۲	« ۱۲ـ۸
« « ۳۲۵	« ۱۰	« ۱۰۰	« ۱۱ـ۸
« « ۳۲۷	« ۱۱	« ۱۱	« ۱۲ـ۸
« « ۸٤٦	« ۱٦	« ۱۱	« ۱۲ـ۸
« « ۵۵۱٦	« ۱۱۰	« ۱۱	« ۱۲ـ۸
« « ۵٤۸۲	« ۹۸	« ۱۰	« ۱۱ ۷

اکبر ـ غلامحسین حسینی ـ علی ـ احمد زلفعلی ـ محمود حسینی ـ آقا محمد ـ محمد علی ـ نصرالله ـ اسدالله میرزا آقا جان ـ کرمعلی ـ محمود

(تلگراف از بارفروش)

نمرهٔ قبض ۳۵۵۵ نمرهٔ تلگراف ۹۵ عدد کلمات ٦٤

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۰ ـ ۸

آستان مبارك حضرت بندگان اقدس ریاست معظمهٔ حکومت ایران و ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته تبریکات صمیمانهٔ نا قابل خود را به پیشگاه مقدس و بایرانیان عموماً و بمازندرانی وخود خصوصاً تقدیم استقلال و استقرار موفقیت ابدی آن ذات مقدس را در این افتخار و زمامداری تاریخی از یزدان پاك عاجزانه در خواست می‌نمائیم

معصوم حمزه

(*) متلگرافات دیگر بنمره اشاره میشود

(*) بارفروش	نمره قبض ۳۵٤۳	نمره تلگراف ۹۲	تاریخ اصل ۱۰	تاریخ وصول ۱۰ـ۸
«	« ۳۷۳۵	« ۱۷۵	« ۱۹	« ۱۹ـ۸
«	« ۳٦۱٤	« ۱۱۹	« ۱۲	« ۱۲ـ۸
لاهیجان	« —	« ۲۹٤	« ۱۰	« ۱۱ـ۸

ناصری	نمره قبض ٤٤۹۱	نمره تلگراف ٤۷	تاریخ اصل ۱۲	تاریخ وصول ۱٤ـ۸
دزفول	« ۱٤۱۱	« ۱۲	« ۱۰	« ۱۲ـ۸
محمره	« ۱۰۵۰	« ۳۷	« ۱۰	« ۱۱ـ۸
ناصری	« ٤٤۸۰	« ٤۱	« ۱۲	« ۱٤ـ۸

کردستان	نمره قبض ۱۹۱٦	نمره تلگراف ۳۷	تاریخ اصل ۱۰	تاریخ وصول ۱۱ـ۸
«	« ۱۹۵۰	« ۳۱	« ۱۰	« ۱۱ـ۸

﴿ تلگراف از قزوین ﴾

نمرهٔ قبض ٦٦٩٢ نمرهٔ تلگراف ٩٤ عدد کلمات ٥٢

تاریخ اصل ١٢ تاریخ وصول ١٢ـ٨

مقام مبارك والاحضرت اقدس ریاست کل حکومت مملکت ایران ورئیس کل قوا زیدالله نصره ازتفویض حکومت کل مملکت ایران بآن ذات برگزیده و ناجي ایران که همیشه حافظ اسلام و ترقي مملکت بوده تشکرات خالصانه و ادعیه خیریه خود را تقدیم خادم الشریعه مرتضی امام جمعه

﴿ تلگراف از بروجرد ﴾

نمره قبض ٢٥٤١ نمره تلگراف ٦٠ عدد کلمات ٥٢

تاریخ اصل ١١ تاریخ وصول ١٢ آبانماه

مقام منیع والاحضرت نیابت سلطنت عظمی دامت عظمته نیابت عظما را صمیمانه تبریك معروض و ادعیه خالصانه را تقدیم میداریم

عبدالحسین طباطبائی ـ محمد تقی طباطبائی ـ غلامحسین طباطبائی ـ اسمعیل طباطبائي ـ عبدالله طباطبائی ـ ضیاء الاسلام طباطبائی ـ جوادطباطبائی

﴿ تلگراف از بروجرد ﴾

نمرهٔ قبض ١٥٦٠ نمرهٔ تلگراف ٧١ عدد کلمات ٦١

تاریخ اصل ١١ تاریخ وصول ١٢ آبانماه

مقام منیع بندگان والاحضرت اشرف امنع ریاست معظم حکومت مملکت دامت عظمته مژدهٔ بشارت تفویض حکومت مملکت بکف کفایت

قزوین	نمره قبض ٦٦٦١	نمره تلگراف ٨٦	تاریخ اصل ١٢	تاریخ وصول ١٢ـ٨
«	« ٦٦٨٢	« ٩٠	« ١٢	« ١٢ـ٨
«	« ٦٦٨١	« ٨٩	« ١٢	« ١٢ـ٨
«	« ٦٥٦٠	« ٦٤	« ١٠	« ١٠ـ٨
«	« ٦٧٦١	« ١٠٨	« ١٣	« ١٣ـ٨
«	« ٦٥٩١	« ٧١	« ١١	« ١١ـ٨

والاحضرت اقدس روحی‌فداه بکالبد اهالی عموماً این بندگان خصوصاً دمید
تبریکات فایقه و ادعیات خیریه قلبیه خودرا تقدیم پیشگاه مقدس آن یگانه
سرپرست وپدر بزرگوار حقیقی ملت میداریم هیئت‌اتحادیه‌تجاربروجرد (*)

(تلگراف از استراباد)

نمرهٔ قبض ۲۹۹۶ نمرهٔ تلگراف ۵۹ عدد کلمات ۳۷

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۰ - ۸

مقام منیع ریاست عالیهٔ حکومت ایران دامت عظمته نفرات ملت استرآباد
در تلگرافخانه حاضر مراتب تبریك را در طبق دعا نهاده بطرف آن مقام
منیع ایثار می نمایند نمرهٔ ۶

کمیسیون مختلط نهضت ملی استرآباد

(تلگراف از استرآباد)

نمرهٔ قبض ۲۱۱۳ نمرهٔ تلگراف ۱۶ عدد کلمات ۱۷۳

تاریخ اصل ۱۶ تاریخ وصول ۱۶ - ۸

خاکپای مبارك بندکان اعلیحضرت اقدس پهلوی ارواحنا فداه این دعاگوی

	نمره قبض		نمره تلگراف		تاریخ اصل		تاریخ وصول
(*) بروجرد	۲۵۱۸		۵۰		۱۰		۱۱-۸
«	« ۲۵۲۳	«	۵۵	«	۱۰	«	۰۱-۸
«	« ۲۷۰۰	«	۱۱۷	«	۲۲	«	۲۴-۸
«	« —	«	۱۱۷	«	۲۳	«	۲۴-۸
خرم‌آباد	« ۱۴۰۸	«	۱۱	«	۲۴	«	۲۴-۸
بروجرد	« ۲۵۵۳	«	۶۸	«	۱۲	«	۱۲-۸
نهاوند	« ۱۵۵۵	«	۴۸	«	۱۲	«	۱۲-۷
«	« ۱۵۵۷	«	۵۲	«	۱۲	«	۱۳-۸
«	« ۱۵۳۴	«	۳۸	«	۱۱	«	۱۲-۸
«	« ۱۵۵۶	«	۴۹	«	۱۲	«	۱۳-۸
«	« ۵۲۲	«	۳۱	«	۱۰	«	۱۱-۸
«	« ۱۵۴۵	«	۴۲	«	۱۱	«	۱۲-۸
«	« ۱۵۳۸	«	۴۱	«	۱۱	«	۱۲-۸
«	« ۱۵۵۴	«	۴۷	«	۱۲	«	۱۳-۸

دوام عظمت و شوکت و اقتدار بندکان اقدس و تمام قضات و پیش وایان و رؤسای و ریش سفیدان کلیه طوایف ترا که با کمال ضراعت طوق رقیت و عبودیت بگردن فدویت انداخته پس از ایثار ادعیه خیریه خود بوجود مقدس آن یگانه حیات بخش ملت و مملکت ایران از صمیم قلب تبریکات عبیدانه خودمان را از فتح و فیروزی قشون نیرومند سلحشور فداکار دولت پهلوی بخاکپای رأفت اقتضای آن فروزنده گوهر فخر عرض تقدیم داشته و دست دعا بر آسمان بلند داریم که حضرت پروردکار جل جلاله پایان را در سایه اقدست به سعادت و افتخار ابدی موفق بدارد اعلیحضرتا تمام طوایف ترکمن جز اقدست سلطان و سرپرست را قائل نیستند با کمال تضرع عرضه میداریم مراسم چاکری ودعا گوئی پایان رابدرگاه با عظمت وجلالت خود پذیرفته و در آن آستان قدس به‌پایان افتخارابدی مرحمت فرمائید دعا گوی دوام دولت‌پهلوی وقاضی قضات موجب اخوند (☆)

(تلگراف از عراق)

نمرهٔ قبض ٤٤٧٢ نمره تلگراف ٧٥ عدد کلمات ١٠٥

تاریخ اصل ١٠ تاریخ وصول ١١

مقام مقدس بندکان حضرت اشرف آقای پهلوی حکومت عالیه ایران وصول مژدهٔ روح بخش خاتمه سلطنت غاصبانه آل قاجار که یگانه آرزوی دیرین عموم علاقمندان بسعادت ایران بوده و موجبات مسرت بی نهایت و شعف فوق العاده در قلوب عامه ایجاد و مخصوصاً عموم اهالی ایران در این موفقیت غظیم خود را مرهون مساعی ذات مقدس دانسته و

استراباد	نمره‌قبض	٢٩٩٦	نمره‌تلگراف	٦١	تاریخ‌اصل	١٠	تاریخ‌وصول	٨-١٠
»	»	١٩٦٦	»	٨	»	١١	»	٨-١١
»	»	٢٩٩٧	»	٦٢	»	١٠	»	٨-١٠
بندرجز	»	٢٦٦٩	»	٦٤	»	١٣	»	٨-١٤
استراباد	»	٢٩٠٨	»	٦٣	»	١٠	»	٨-١٠
»	»	٣٠٣٦	»	٧٧	»	١١	»	٨-١٢

بافتخار نیل باین آرزو اهالی عراق .باید سایر برادران ایرانی خود روز (۹) ابان را یکی ازبزرگترین اعیاد ملی شناخته تبریکات خالصانه خود را بآستان مبارك تقدیم و بقای ذات محبوب و مقدس را برای سربرستی ملت ایران خواستاریم کمیسیون نهضت ملی عراق آقا رحمن قلي

(☆) بتلگرافات دیگر بنمره اشاره میشود

عراق	نمره‌قبض ۴۴۶۶	نمره‌تلگراف ۷۰		تاریخ‌اصل ۱۰		تاریخ‌وصول ۱۰-۸	
»	»	۴۴۵۹	»	۶۸	»	۱۰	» ۱۰-۸
محلات	»	۲۶۸	»	۲۹۵	»	۱۱	» ۱۲-۸
خمین	»	۱۰۹۵	»	۴۲	»	۱۱	» ۱۲-۸
خمین	»	۸۸	»	۴۶	»	۱۰	» ۱۰-۸
عراق	»	۴۴۶۷	»	۷۱	»	۱۰	» ۱۰-۸
عراق	»	۴۴۷۶	»	۱۱۴	»	۱۰	» ۱۱-۸
»	»	۴۵۱۶	»	۹۹	»	۱۱	» ۱۲-۸
»	»	۴۵۲۸	»	۱۰۳	»	۱۲	» ۱۳-۸
»	»	۱۴۴۶۹	»	۷۳	»	۱۰	» ۱۱-۸
»	»	۴۴۵۸	»	۶۷	»	۱۰	» ۱۰-۸
»	»	۴۵۰۵	»	۹۲	»	۱۱	» ۱۲-۸
»	»	۳۵۱۸	»	۱۰۰	»	۱۱	» ۱۲-۸
»	»	۴۴۸۱	»	۷۸	»	۱۱	» ۱۱-۸
»	»	۴۵۰۶	»	۹۳	»	۱۱	» ۱۲-۸
»	»	۴۴۶۰	»	۶۹	»	۱۰	» ۱۰-۸
»	»	۴۵۱۹	»	۱۰۱	»	۱۱	» ۱۲-۸
»	»	۴۵۰۸	»	۹۴	»	۱۱	» ۱۲-۸
»	»	۴۴۸۹	»	۸۱	»	۱۱	» ۱۱-۸
»	»	۴۴۸۳	»	۷۹	»	۱۱	» ۱۱-۸
»	»	۴۴۹۱	»	۸۲	»	۱۱	» ۱۱-۸
»	»	۴۵۰۲	»	۹۰	»	۱۱	» ۱۲-۸

(تلگراف از اسد آباد)

نمرهٔ قبض ۱۷٤ نمرهٔ تلگراف ٥ عدد کلمات ۱۱٥

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول شب ۱۱ ـ ۸

مقام مقدس دارالشورای ملی کپیه ریاست معظم دولت دامت عظمته از خلع سلطان قاجاریه به این شعر قناعت می نمائیم

بدین مژده گر جان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ماست

هیئت علمیه محمد شفیع حسینی ـ ابوالقاسم ـ سعیدی ـ سیدعبدالحسین ـ ادارات دولتی فاخر فاطمی ـ علی اصغر قهرمانی ـ لطفعلی قهرمانی ـ عبدالحمید ـ حاجی خان ـ عبدالغنی احمد قهرمانی ـ اسمعیل خسروی ـ هیئت اصناف رضا ـ امین الله ـ کلب علی ـ آقا محمد ـ عباس ـ محسن ـ جمال الدین موسوی ـ رمضان قهرمانی ـ بابای شرابیان ـ کاظم ـ عبدالله ـ علی حاجی بابا ـ محمد ـ حسن ـ عابدین ـ محمد ـ خیرالله ـ جمشید محمد ابوطالب ـ عبادالله ـ شمس الله

﴿ تلگراف ازرشت ﴾

نمرهٔ قبض ۲۲۲٤٥ نمرهٔ تلگراف ٤۹۰ عدد کلمات ٦۳

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ۱٤ ـ ۸

ستان رفیع اعلیحضرت پهلوی و رئیس عالیهٔ کل قوا خلدالله ملکه از طرف زارعین گیلان عرض تبریک نثار آستان مبارک نموده و انتظار

همدان	نمره قبض ۱٤٦	نمره تلگراف ٤	تاریخ اصل ۱۰	تاریخ وصول ۱۰ ـ ۸
»	» ۱٥۳	» ٤	» ۱۹	» ۲۰ ـ ۸
»	» ۱۷٦٤۰	» ۱۸۳	» ۱۱	» ۱۱ ـ ۸
»	» ۱۷۸۱۱	» ۲۲٦	» ۱۲	» ۱۳ ـ ۸
»	» ۱۷٥٤۷	» ۱٦٥	» ۱۰	» ۱۰ ـ ۸
»	» ۲۰٤٥٤	» ۲٦۰	» ۱۰	» ۱۰ ـ ۸
»	» ۱۷٥٤۸	» ۱٦٦	» ۱۰	» ۱۰ ـ ۸
»	» ۱۷٥٦۳	» ۱۷۱	» ۱۰	» ۱۰ ـ ۸

دارند که ظل حمایت عالیه همه با امنیت تامه در رفاه وآسایش و از تعدیات جابره و فلاکت خارج شده و بافراغت بدعاگوئی ذات مقدس مشغول باشند حامیان زارع گیلان

(تلگراف از تبریز)

نمرهٔ قبض ۲۰۳۹۶ نمرهٔ تلگراف ۲۵۳ عدد کلمات ۸۸

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ ـ ۸

به پیشگاه مقدس اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته قلوب صاف و معصوم اطفال مدارس با فرط انبساط از سعادت آینده مملکت که نمونه آن بواسطهٔ زمامداری و سر پرستی آن یگانه امید و نجات بخش ایران طالع و باز گردیده تهییج و مسرور تبریکات معصومانه خود را به پیشگاه جلالت آن اعلیحضرت تقدیم و توجهات ذات اقدست را به تربیت پدرانه این نوباوگان که ملت آینده وطن مقدس را تشکیل خواهند داد مسئلت مینمائیم از طرف دو هزار نفر اطفال مدارس تبریز

رشت	نمره‌قبض ۲۱۵۸۴	نمره‌تلگراف ۳۰۱	تاریخ اصل ۱۰	تاریخ‌وصول ۱۰ـ۸
«	« ۲۱۸۱۱	« ۳۶۱	« ۱۱	« ۱۱ـ۸
«	« ۲۱۶۷۷	« ۳۲۹	« ۱۰	« ۱۱ـ۸
«	« ۲۱۷۲٤	« ۳۳٦	« ۱۰	« ۱۱ـ۸
«	« ۲۷٦۱	« ۲۹	« ۱۲	« ۱۳ـ۸
«	« ۲۲۲۸٤	« ۵۰۲	« ۱٤	« ۱٤ـ۸
«	« ۲۱٦۵۱	« ۳۱۲	« ۱۰	« ۱۰ـ۸
«	« ۲۱۵۹۱	« ۳۰٤	« ۱۰	« ۱۰ـ۸
«	« ۲۱٦۰۲	« ۳۰۵	« ۱۰	« ۱۰ـ۸
«	« ۲۱٦۰٤	« ۳۰۷	« ۱۰	« ۱۰ـ۸
«	« ۲۱۷۳۸	« ۳٤۱	« ۱۱	« ۱۱ـ۷
«	« ۲۱۷۵٦	« ۳٤٦	« ۱۱	« ۱۱ـ۸

(تلگراف از تبریز)

نمرهٔ قبض ۲۰۳۳۷ نمرهٔ تلگراف ۲٤٥ عدد کلمات ۱۷٤

تاریخ اصل ۱۱

کپیه هرمزی بخاکپای اقدس بندگان اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته خدا را شاکریم که ما را لیاقت خدمتگذاری و جان نثاری نسبت به ذات اقدست بخشید اعلیحضرتا ما آذربایجانیان نمیدانیم بچه زبان خدا را شکر نمائیم که ما را موفق و بانجام وظیفه و تحصیل مرام ملت ایران داشت ما یقین داریم که بهترین طریق تشکر قیام بر خدمت و اطاعت از او امر مقدسه میباشد ما آذربایجانیان چون به وجود مقدست نهایت علاقه مندی را داریم حاضریم که جان خودمان را در راه مبارکت فدا سازیم ما مردم تبریز هر چه داریم از دولت وجود مبارك است که قبلا با فداکاریهای تاریخی خودمان بما عنایت فرموده اند تصور نفرمائید در تقدیم جان نا قابل خودتان در راه مبارکت کار بزرگی کرده ایم؟

این جان شیرین را اعلیحضرت بما عنایت فرمائید این اعلیحضرت بودید که جان و مال و ناموس ما را از تطاول اشرار خلاص بخشیده و در کنارمان رایگان

سلماس	نمره قبض ۳۵	نمره تلگراف ۳	تاریخ اصل ۱۱	تاریخ وصول ۱۲ـ۸
اردبیل	« ۷٥۰۸	« ٥۱	« ۱۲	« ۱۳ـ۸
اردبیل	« ٥٦۲٦	« ٥۹	« ۱۲	« ۱۳ـ۸
سراب	« ٥۲۰	« ٥	« ۱۳	« ۱۳ـ۸
سراب	« ٥۱٥	« ٤	« ۱۲	« ۱۳ـ۸
اردبیل		« ٥٦۲	« ۱۲	« ۱۲ـ۸
سلماس	« ۳٦٦	« ۸	« ۱٦	« ۱۸ـ۸
هرو	« ٤٥۹	« ٤	« ۱۲	« ۱۲ـ۸
تبریز	« ۲۰٥۱۲	« ۲۷۸	« ۱۲	« ۱۳ـ۸
تبریز	« ۲۰۳۹٦	« ۲٥۰۲	« ۱۱	« ۱۱ـ۸

این نمره تلگراف ازطرف دوهزار نفر محصلین مدارس تبریز مخابره شده است

نهادند پس بر ما است که مال خودمان نثار راهتان نمائیم

عموم اصناف تبریز هیئت اصناف

تلگراف ازسراب

نمره قبض ۸۱۵ نمرهٔ تلگراف ٤ عدد کلمات ٦٠٤

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ـ۸

آستان قدر قدرت اعلیحضرت پهلوی و رئیس دولت ایران خلدالله ملکه در این موقع که انقراض سلطنت آل قاجار و اضمحلال سلطان نالایق ایران وسرنگونی بدبختی ایرانیان باتفویض حکومت بدست توانای آن زمامدار محبوب و سرپرست حقیقی سعادت مملکت و خوشبختی ملت طنین انداز دنیا گردید ما اهالی سراب ازاینکه آرزو وآمال دیرینه ما موقع حصول یافته و میروم آخرین مراحل بدبختی خودمان را قطع و بمراحل امنیت داخل شویم عموماً بخودمان تبریك و این روز فیروز خوشبختی ایرانیت خودمان را بر تاریخ سعادت ایران افزوده از درگاه حضرت تعالی مسئلت که وجود مقدس را نگاهداشته بلکه ترقی وتعالی آتیهٔ خودمان را ازذات اعظم آن اعلیحضرت شب وروز درنظر مبارك دارند ما امیدواریم که از مرحمت بسریر رفاهیت وآسایش خودمان را گسترانیده و درظل سرپرستی آن ذات مقدس مستظهر بمراحم اعلیحضرت گردیده و صمیمیت بی آلایش این ملت را باهمه نوع جان نثاری در راه مقاصد مبارك نالایق شمرده و تبریك رعیتی خودمان را تقدیم پیشگاه مقدس میداریم

ازطرف هیئت فلاحین و معارف و تجار و خوانین و کلیه اصناف

تلگراف از سراب به‌اهر

نمره تلگراف ٤ تاریخ وصول ۱۳ـ۸

اشرفیت مقام اعلای شاهنشاهی که پدر حقیقی و محبوب ما هستند بدرجه

قبول اجابت و تارك غلامی جان بازان را باوج اعلای افلاك بلند و قرین مشمول مراحم ملوکانه فرمائید

علی رئیس طایفه چلبیانلو ـ محمد رئیس طایفه بامیوردی ـ جهانگیر چلبیانلو ـ جواد چلبیانلو ـ حبیب الله چلبیانلو ـ حسین حاجی علی لو ـ محمد فرامرزی ـ حاجی علی لو ـ حسین قلی ـ حاجی علي لو ـ شیرخان رئیس طایفه قراجوللو ـ عبد الصمد رئیس طایفه محمّد خانلو ـ قهرمان الیکانلو ـ مصطفی رئیس طایفه حسین کلو (☆)

این بود نتیجه تاثیرات مادهٔ واحده مصوبه نهم آبان ماه ۱۳۰٤ درسیاست داخلی و عقاید وافکار ملت ایران

ملتی که ادوار مخوفی را در زیر بالاپوش کابوس وهم گذرانید ودر خرابه اوهام بسر میبردند که دفعتاً بخود تکانی داده و قدم بدورهٔ دیگر گذاشته و یك سلسلهٔ صد و پنجاه ساله را از بین برده و دارد خودی بصف مبارزه اجتماعی وسانیده و درمنظره دنیای بشر عرض اندام مینماید

	نمره قبض		نمره تلکراف		تاریخ اصل			تاریخ وصول
(☆) آستارا	۱۹۰۲		۱۷		۱۳			۱۵ــ۸
اهر	« ٤٤۹	«	« ۳	«	« ۱۰	«	«	۱۱ــ۸
تبریز	« ۲۰۱۵۵	«	« ۲۲۳	«	« ۱۰	«	«	۱۱ــ۸
تبریز	« ٥٤۲۹	«	« ۷٤	«	« ۱۰	«	«	۱۱ــ۸
تبریز	« ۲۰۲۷۹	«	« ۲۰۳۵	«	« ۱۰	«	«	۱۱ــ۸
تبریز	« ۲۰٤۱٥	«	« ۲٥٦	«	« ۱۱	«	«	۱۱ــ۸
تبریز	« ٥٤۱۲	«	« ۷۲	«	« ۱۰	«	«	۱۱ــ۸
تبریز	« ۲۰۲۸۲	«	« ۲۳۸	«	« ۱۰	«	«	۱۱ــ۸
تبریز	« ۲۰۲۱۷	«	« ۲٥۲	«	« ۱۱	«	«	۱۲ــ۸
تبریز	« ۲۰۷۰۹	«	« ۳۲۳	«	« ۱۲	«	«	۱۳ــ۸

حالا لازم است از داخلهٔ ایران نظری بسیاست خارجی نموده و به بینیم این عمل چه موقعیتی برای خود در انظار ملل حیه و دول مقتدرهٔ دنیا نموده است ؟

آیا سؤسهٔ در سیاست خارجی پیدا هست یانیست ؟

آیا ایرانی براي تعیین مقدرات خود باید همیشه دچار مالیخولیا گردیده و در تحت ثقل بختک موهوم خفه بشود و یا میتواند نفسی به آزادی کشیده و هرطور که خود اراده مینماید زندگانی کنند ؟

وقتیکه درست در کنه قضایا عمیق میشویم و ازنقطهٔ نظر تاریخ وگذارشات چندین دوره امعان نظر می نمائیم و میخواهیم که علل روحی انحطاط ایرانی را پیدا کنیم غیراز این نکته چیزی نمیتواند در رأس قضایا عرض وجود کنند که باعث سقوط جامعه تاریخی ایران جزاین نبوده که مغلوب وهم و تزریقات مالیخولیای دولت و رجال عصر معاصر بوده که این طبقه بمنافع خود باتمام قوه منافذ حس وشعوو ملت را گل اندود نموده وروزنه های عقل وتدبیر ایرانی را باخرافات مسدود کرده بودند ودرانظار وافکار اینطور جلوه داده بودند که اگر ایرانی از وضعیت حاضره قدمی بالاتر نهد از حیث سیاست داخلی و خارجی دچار ضایعات گردیده و موجودیت خود را از دست میدهد و بهمین دلیل بود که در مواقع استفاده های طبیعی که طرز زندگانی عمومي عالم برای ملل ضعیفه تهیه مینمود و هر کس باندازهٔ موقعیت اجتماعی و سیاسی خود از پیش آمد استفاده مینمودند دولت ایران از واهمه خود را به گلیم بی طرفی می پیچید و لحاف بدبختی را بسر میکشید و تسلیم قضا و قدر میگردید که گفت

گذشت زاهد ولب تر زجام باده نکرد ببین چه روز خوشی دید واستفاده نکرد

مخالفین جلسهٔ نهم آبان ماه نیز پستان همین سیاست را می مکیدند و همین سیاست معطله را تعقیب مینمودند ولي در همین حال طبیعت نیز در کلاس زندکانی به ایرانی درس دیگری تعلیم مینمود و بذا کرهٔ ملت

ایران این معنی را تزریق میکرد که ایرانی بحکم غفلت از حرکت بازمانده و هر آن عضویکه از حرکت باز ماند بالاخره فلج میشود

همین جریان مثل برق دراعماق پرده های مغز ایرانی تاثیر مقناطیسی نمود وسبب شد که در مجلس مؤسسان یکنفر مخالف برای گذرانیدن طرح قانونی پیدانشد کسانیکه از حالت روحی ایرانی خبر ندارند و در یك مسافت بعیده ایستاده و ایرانرا تماشا میکنند و از دور اسمی از این مملکت می شنوند ممکن است در تحلیل این واقعه دچار اندیشه گردند و نتوانند این حقیقت را موشکافي کنند که چگونه یك سلطنت صدو پنجاه ساله از بین میرود و مجلس مؤسسانی تشکیل میگردد و از دویست و هفتاد نفر نماینده مجلس مؤسسان یکنفر پیدا نمیشود که با جریان مخالفت نماید؟ و یا بعبارة اخری اقلیت و اکثریتی تعیین نشد و قضیه باتفاق گذشت؟!

آری کسانیکه از گذارشات داخلهٔ ایران بی خبرند در تحلیل این واقعه دچار حیرت میگردند ولیکن این کتاب تمام شبهات را رفع و این معنی را با تمام دلائل اثبات مینماید که در تمامیت ایران یك فرد پیدا نمیشد که بتواند از سلطنت سلسلهٔ قاجاریه طرفداری یا مدافعه نماید مخصوصاً به بیانات مخالفین مادهٔ واحده که مراجعه مینمائیم این مسئله محرز میگردد که مخالفین نیز این معنی را اعتراف مینمایند که مبغوض ترین اشیاء در پیشگاه آنان سلطنت سلسلهٔ قاجاریه است و لیکن غلبهٔ اوهام بآنها اجازهٔ تصمیم نمیداد و یا بی فرصت و موقع مناسبی میگشتند؟

و بالجمله ایرانیان این پیش آمد را روحاً و جسماً پرستیدند و روز نهم آبان ماه را برای خود عید تاریخی و ملی قرار دادند و در تمامیت ایران این حقیقت متحدالشکل بمورد تصمیم آمد

این بود شمهٔ از سیاست داخلی و اما سیاست خارجی که دول یکی بعد از دیگری حکومت پهلوی را برسمیت می شناسند و بپاس خدمات تاریخی ایشان که عظمت یك چنین خدمات در پیشگاه ملل حیه محرز و غیر

قابل تردید است روابط دوستانهٔ خود را نثار و تقدیم مینمایند

مراجعه نمائید به یادداشت های رسمی

(تذکر نامهٔ سفارت ایطالی نمرهٔ ۱۱۷۱)

مورخهٔ چهارم دسامبر ۱۹۲۵ وزارت امور خارجه

سفارت پادشاهی ایطالی با کمال احترام تبریکات خالصاله و صادقانه (ژنرال فرانسیسکو مالتا) مستخدم سابق و وظیفه خوار دولت ایران را که بتوسط سفارت ایطالی برئیس موقتی دولت بجهة تجلیلی که برای کفایت وتقدیم خدمات معظم له بایران بعمل آمده عرض نموده است بوزارت امور خارجه تبلیغ و متمنی است بحضور والاحضرت اقدس رضا خان پهلوی معروض دارند

تفلیس مورخهٔ پنجم نوامبر ۱۹۲۵

﴿ وزارت امور خارجه ﴾

پس از خبر خلع سلطنت وانتخاب والاحضرت اقدس پنجهزار نفر ایرانیان مسلمان و ارمني و یهودی تعطیل نموده وبا اجماع و باکمال شادی تلگراف تشکر و تبریك عرض کرده اند مفتاح

دهلی هندوستان سوم اکتبر ۱۹۲۵

والاحضرت اقدس

بمناسبت افتخار و اختیارات حقیقي که مجلس ملی ایران بوالاحضرت اقدس اعطا نموده است از جانب مسلمین هندوستان تبریکات صمیمانه را تقدیم و توجهات مخصوصهٔ والا حضرت اقدس را بفجایع غیر قابل تحمل مرتکبه از طرف فرانسه را در دمشق که یك لطمه علنی بعالم اسلام و ملل شرقی میباشد معطوف و متوجه میسازیم ، ما اطمینان داریم که والاحضرت اقدس وملت عظیم الشان ایران حتی الامکان در تخفیف مصائب ومحن برادران مظلوم شامی خود بذل همت فرموده وبجدّ اعلي فشار

اخلاقی بر مجمع اتفاق ملل وارد خواهند ساخت .

اجمل خان - کفایت الله - انصاری - آزاد - شوکت علی - عبدالخالق - محمد علی

اگر درنظر داشته باشید درصفحهٔ چهارده کتاب خود درموضوع موازنه سیاست اشاره به تقاضای رئیس جامعهٔ اسلامی هندوستان کرده بودیم باتذکر بسابقه این همان تلگرافی است که از مسلمین هندوستان صادر و نشان میدهد که دولت ایران علاوه ازادارهٔ مملکت نسبت بعالم اسلامی چه سیاستی را باید دارا بوده؟ وچه وظیفهٔ را باید انجام بدهد ؟ وبرای تثبیت این حقیقت تلگرافی را که شیعیان هند به دولت ایران مخابره نموده ودر جریده (ناطق لکنهور) درج و روزنامهٔ شفق سرخ درشمارهٔ ٤٧٧ خود در تحت عنوان (التجاء شیعیان هند بدولت ایران) درج کرده عیناً نقل میمائیم .

(التجاء شیعیان هند بدولت ایران)

بطوریکه در روزنامه (الناطق لکنهور) منطبعه هند مینگارد در این اواخر جماعت شیعه هند بدولت ایران مراجعه نموده و ملتجی شده‌اند که همانطوریکه دراینموقع دولت ایران وسایل راهنمائی وآسایش وسهولت مسافرت حجاج ایران را بحجاز فراهم مینماید برادران دینی وهم مذهبی (یعنی شیعیان هند) را هم درمد نظر آورده مشمول و منظور نماید

﴿ ابلاغ و انتظار دستور ﴾

درنظر داریم که وزارت امور خارجه در ضمن اعلامیه انقراض سلسلهٔ قاجاریه وتفویض حکومت موقت را بوالاحضرت پهلوی بنمایندگان دول خارجه اعلام وبرحسب قوانین بین الدولی و آزادی و استقلال ایران در تعیین مقدرات خود بوسائل دیپلماسی دول متحابه را دعوت بشناسائی

حکومت موقت نموده بود اینك نمایندگان دول خارجه خبر میدهند که
مراتب را بدولت های خود ابلاغ و منتظر دستور هستند

سواد مراسلهٔ جناب سرپرسی لورن وزیر مختار انکلیس

بوزیر امور خارجه

۱۱ آبان

فدایت شوم ـ مراسلهٔ نمرهٔ (۱۳۹۲۱) مورخه نهم آبانماه جنابمستطاب
عالی که تصویب مجلس شورای ملی در جلسهٔ نهم آبانماه را راجع بالغاء
سلطنت قاجاریه و تعیین رئیس موقتی مملکت تاتشکیل مجلس مؤسسان
شرف وصول بخشید.

محترماً خاطر شریف را مستحضر میسازم که مراسلهٔ جنابعالی را بدولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان رجوع نموده و دستور العمل خواسته ام
بمحض وصول دستور العمل مزبور آنرا بجناب مستطاب عالی اطلاع
خواهم داد. دوست حقیقی (پرسی لورن)

سواد مراسلهٔ جناب مسیو یورنیف وزیر مختار دولت

شوروي بوزیر امور خارجه

۱۲ آبان نمرهٔ ۱۹۲۵

آقای وزیر امور خارجه

باکمال احترام زحمت افزاست که مراسلهٔ محترمهٔ جنابمستطابعالی مورخه
۹ آبان نمره ۱۳۹۲۱ واصل واز مندرجات آن استحضار حاصل شد:
دوستدار مضمون مراسلهٔ محترمه را بدولت متبوعهٔ خود اطلاع داده
اینك منتظر تعلیمات است که بمحض وصول آنها خاطر جنابعالی را مستحضر
خواهد داشت. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تقدیم میدارد

نماینده مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران.

(ك. یورنیف)

سواد مراسله جناب کنت شولنبورك وزیر مختار آلمان بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵ نمرهٔ ۳۱۵۱۴

جناب مستطاب اجل آقای حسن خان مشار

دوستدار از مدلول مرقومهٔ محترمهٔ مورخهٔ نهم آبان نمرهٔ ۱۳۹۲۱ مشعر بر ابلاغ تصمیم مجلس شورای ملی مبنی بر اعلام خلع سلسلهٔ قاجاریه و تعیین ریاست عالیه حکومت موقتی تا تشکیل مجلس مؤسسان اطلاع حاصل نمود.

محترماً باستحضار خاطر عالی میرساند که دوستدار مراتب را برای کسب دستور العمل به دولت متبوع خود اطلاع و نتیجه را بمحض وصول باستحضار خاطر عالی خواهد رسانید.

در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم میدارد.

سواد ترجمه مراسله جناب آقای کارل کالی وزیر مختار دولت ایطالی بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵

جناب آقای میرزا حسنخان مشار

بوسیلهٔ مراسلهٔ نمرهٔ (۱۳۹۲۱) مورخهٔ نهم آبان لطفاً تصمیم مجلس ملی را دائر بخلع سلسلهٔ قاجاریه و تسلیم حکومت موقتی مملکت بوالاحضرت اقدس رضاخان پهلوي تاموقع تشکیل مجلس مؤسسان بدوستدار اشعار فرمودند باکمال توقیر خاطر مبارك را مستحضر میدارد اطلاع مزبور را بدولت متبوعهٔ خود اشعار داشته و دستور خواسته است و بمحض وصول دستور خاطر مبارك را مطلع خواهد نمود.

مراتب احترامات فائقه را تقدیم میدارد.

کارل کالی

سواد مراسله جناب موریس کوولیه
وزیر مختار دولت بلژیك بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵

جناب آقای میرزا حسنخان مشار

در تاریخ نهم آبان ۱۳۰٤ بوسیله مراسله نمره (۱۳۹۲۱) لطفاً تصمیم مجلس ملی را دائر باعلان خلع سلسله قاجاریه و انتخاب یك رئیس حکومت موقتی تاموقع تشکیل مجلس مؤسسان بدوستدار اشعارفرموده اند باکمال احترام خاطر مبارك را مستحضر میدارد که خبر مزبور را باطلاع دولت پادشاهی بلژیك رسانیده و تقاضای دستور نموده است بمحض وصول دستور باستحضار خاطر عالی خواهد رسانید.

مراتب احترامات فائقه را تجدید مینماید

موریس کوولیه

سواد مراسلهٔ جناب عبدالعظیم راشد پاشا وزیر مختار مصر
بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر – ۱۹۲۵ نمرهٔ ۱۳۳

عزیز صاحب العاده

بموجب مراسله نمرهٔ ۱۳۹۲۱ مورخه ۹ آبان ماه جنابمستطاب عالی تصمیم مجلس شورای ملی راجع بخلع سلطنت ازسلسله قاجار وواگذاری ریاست موقتی مملکت بوالاحضرت اقدس رضا خان پهلوی تا تاسیس مجلس مؤسسان باینجانب اطلاع فرمودید.

باکمال افتخار باستحضار جناب مستطاب عالی میرساند که مفاد مراسله مزبور را بدولت خود اطلاع داده دستور خواسته است پس ازوصول خاطر شریف را از دستور مزبور مسبوق خواهد نمود.

اینموقع را مغتنم شمرده حترامات فائقه را تجدید مینماید.

جنابمستطاب عالی آقای میرزا حسن خان مشار.

سواد مراسلهٔ همپل شارژه دافر لهستان

بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵ نمرهٔ ۲۵ ـ ۲۵٤

جناب آقای وزیر امور خارجه

بوسیلهٔ مراسلهٔ نهم آبان نمره ۱۳۹۲۱ تصمیم مجلس ملی را دائر بخلع سلسلهٔ قاجار و انتخاب یکنفر رئیس حکومت موقتی و تشکیل مجلس مؤسسان بدوستدار اشعار فرمودند توقیراً خاطر عالیرا مستحضر میدارد که دوستدار بفوریت دولت متبوعه را از این خبر مستحضر داشته و تقاضای دستور نموده است بمحض وصول دستور خاطر عالی را مطلع خواهد داشت.

متمنی است مراتب احترامات فائقه را قبول فرمایند همپل

سواد مراسلهٔ آقای کپلی امری شارژ دافر

دولت اتازونی امریکا بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر

جناب آقای میرزا حسنخان مشار

مراسله مورخه ۹ آبان جنابعالی دائر براینکه مجلس شورای ملی سلسله قاجاریه را از سلطنت خلع و زمام امور حکومت موقتی مملکترا برئیس دولت تفویض نموده است تامجلس مؤسسان انعقاد یافته و ترتیب دائمی بدهد عز وصول ارزانی بخشید.

بانهایت مسرت خاطر عالی را مستحضر میسازد که مراتب مندرجه در مراسله مزبوره‌را باطلاع دولت مطبوعهٔ خود رسانده و بمجرد وصول جواب خاطر عالیرا مطلع خواهد ساخت

مراتب احترامات فائقه را تجدید مینماید امضا کپلی امری

سواد مراسلهٔ شارژ دافر ترکیه

آقاي وصفی بیك بوزیر امور خارجه

۳ تشرین ثانی ۱۳٤۱ نمرهٔ ۲۲٥۱ - ۱۷٥

آقای میرزا حسن خان مشار

مراسلهٔ محترمه مورخهٔ نهم آبان ماه ۱۳۰٤ و نمرهٔ ۱۳۹۲۱ آن جناب مستطاب اجل دائر باینکه بموجب تصویب مجلس شورای ملي سلسلهٔ قاجاریه از سلطنت خلع و تا زمان تعیین ترتیب قطعی از طرف مجلس مؤسسان ریاست حکومت موقت بوالا حضرت اقدس رضا خان پهلوی رئیس عالیهٔ کل قوا واگذار گردیده است واصل و از مراتب استحضار حاصل گردید دوستدار خاطر شریف را با نهایت احترام مستحضر میدارد که تبدل واقعه را بدولت متبوعه خود ابلاغ نمود . موقع را غنیمت شمرده احترامات فائقه را تجدید می نماید

شارژدافر (وصفی)

سواد مراسلهٔ جناب مسیو بزن وزیر مختار دولت

دولت فرانسه بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲٥ نمرهٔ ۲۰۷

جناب آقای میرزا حسن خان مشار

مراسلهٔ نمرهٔ ۱۳۹۲۱ مورخهٔ ۹ آبان آن جناب دائر بر اشعار تصمیم مجلس ملی راجع بخلع سلسلهٔ قاجاریه و انتصاب یکنفر رئیس موقتی تا موقع تشکیل مجلس مؤسسان زیب وصول یافت .

دوستدار خبر مزبور را باطلاع دولت جمهوری رسانیده تقاضای دستور نموده است به محض وصول دستور خاطر مبارك را مستحضر خواهد داشت

بزن

هریك از نمایندگان دول مقیم دربار ایران بموجب یاد داشت هائیکه از نظر گذشت منتظر دستور و تعلیمات دربار های دولت های خود بودند و بدیهی است تا وصول دستور سیاست خارجی ایران معلق و ممکن بود که مطابق پیش بینی وکیل مخالف سوء اثر بخشیده و سیاست ایران را متزلزل نماید اینك این نگرانی بر حسب اسنادیکه ذیلاً ملاحظه میگردد بر طرف گردیده و تمام دول مدلول مادهٔ واحدهٔ نهم آبانماه ۱۳۰۴ را برسمیت شناختند

سواد مراسلهٔ جناب سرپرسی لرن وزیرمختار دولت فخیمه انگلیس بوالاحضرت اقدس پهلوی، دامت عظمته

۱۲ آبان ۱۳۰۴ نمرهٔ ۲۶۹

والا حضرت اقدس

مفاد مکاتبه نهم آبان ماه جناب حسن خان مشار را که قبول زحمت فرموده تصمیم مجلس شورای ملی را در الغاء سلطنت قاجاریه وواگذاری ریاست موقتی مملکت را بوالا حضرت تا انعقاد مجلس مؤسسان که دارای اجازه برای تصمیم قطعی راجع بشکل دولت خواهد بود بدوستدار اطلاع داده بودند باستحضار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان رسانیدم
برحسب دستور العمل وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان محترماً بوالا حضرت اقدس اطلاع میدهد که با تفهیم این نکته که تمام عهود و قرار داد ها و غیره منعقده فیما بین مملکتین شناخته وکلیه تعهدات مربوطه بانها کاملا از طرف حکومت جدید از روی صداقت بموقع اجرا گذارده شود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهند بود که حکومت جدید را که بر حسب رأی مجلس شورای ملی تاتصمیم قطعی ایران راجع بطرز حکومت آتیه مملکت معین شده است موقةً بشناسند.
علاوه بر این با احترام و مسرت خاطر والا حضرت را مستحضر میسازم

که بموجب همین تفهیم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اجازه داده اند که داخل روابط راجعه بامورات شده و کار های جاریه را با دولت ایران که در تحت ریاست والاحضرت بر قرار میشود فیصله دهم موقع را غنیمت شمرده احترامات فایقه خود را بوالاحضرت اقدس تجدید مینمایم

سواد مراسلهٔ جناب یورنف وزیر مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بحضور والاحضرت اقدس دامت عظمته

۱۳ آبان ۱۳۰٤ نمرهٔ ۱۹۳۲

والاحضرت اقدس

تلگرافی از مسکو بدوستدار رسیده و در طی آن دولت متبوعه اینجانب دوستدار را مامور نموده خاطر مبارك را قرین استحضار بدارد که دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصویبنامهٔ مجلس شورای ملي ایران را راجع بواگذاری ریاست موقتي مملکت بوالاحضرت اقدس برسمیت میشناسد دولت متبوعهٔ دوستدار اطمینان دارد که روابط دوستانه ومودت صمیمانهٔ که بین مملکتین بر قرار ووالاحضرت اقدس رکن عمدهٔ ایجاد آن بودید اینك با واگذاری ریاست عالیه مملکت بوالاحضرت اقدس بنام صلاح و تشیید نیروی ملی و استقلال هر دو مملکت که با رشته های تاریخی مودت کامل و اخوت صمیمانه بهم پیوسته وعلاقمند میباشند بیش از پیش ریشه دوانیده و توسعه و استحکام خواهد یافت . موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تقدیم میدارد.

نماینده مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

(ك . یورنف)

سواد مراسلهٔ جناب کنت شوانبورک

وزیر مختار آلمان بوالاحضرت اقدس دامت عظمته

والاحضرت اقدس رضاخان پهلوی رئیس عالیه حکومت موقتی و و رئیس عالیه کل قوا

والاحضرت اقدس

دوستدار باکمال افتخار باطلاع میرساند که دولت آلمان وضعیتی را که مجلس شورای ملی ایران برحسب تصمیم مورخه نهم آبان ۱۳۰۴ تاتعیین تکلیف قطعی ازطرف مجلس مؤسسان ایجاد نموده موقتاً برسمیت میشناسد بدیهی است معاهدات و قراردادها و مقاولات و غیره که بین آلمان و ایران برقرار است از طرف ایران برسمیت شناخته شده و تعهداتی که متضمن آنست انجام داده خواهد شد.

دوستدار بی نهایت مفتخر و مسرور است که حامل اطلاع فوق بوده و تبریکات خود را تقدیم حضور والاحضرت اقدس مینماید

درخاتمه ازوالاحضرت اقدس استدعا دارد احترامات فائقه دوستدار را بپذیرید.

طهران بتاریخ پنجم نوامبر ۱۹۲۵

سواد ترجمه مراسله جناب کارلو گالی

وزیر مختار ایطالیا بوزیر امور خارجه

جناب مستطاب اجل میرزا حسنخان مشار وزیر امور خارجه

درجواب یادداشت مورخه نهم آبان ۱۳۰۴ـ ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵ در تحت نمره ۱۳۹۲۱ که بموجب آن جنابعالی لطفاً تصمیم متخذهٔ مجلس ملی مورخهٔ ۳۱ اکتبر را بدوستدار اشعار فرمودید و در تعقیب مراسلهٔ اینجانب مورخه ۳ نوامبر باکمال توقیر و احترام باستحضار خاطر عالی

میرساند که دولت اعلیحضرت پادشاه ایطالیا بدوستدار اجازه داده است رژیم موقتی که مجلس ملی ایجاد آنرا تصمیم و ریاست عالیهٔ مملکت را تا موقع اتخاذ تصمیم قطعی بمجلس مؤسسان بوالاحضرت اقدس رضا خان پهلوی تفویض داشته است بشناسد .

تنها قید وشرطیکه دراین مورد دولت اعلیحضرت پادشاه ایطالیا اظهار داشته عبارت ازاین است که رژیم جدید عهود وقرار دادهائیکه فعلاً بین ایطالیا و ایران مجری و منعقداست قبول کرده و تعهدات والزاماتیکه از عهود وقراردادهای مزبور ناشی میگردد محل اجرا قرار دهند .

احترامات فائقه را تجدید نماید . (کارلو گالی)

۶ نوامبر ۱۹۲۵ نمرهٔ ۱۰۳۹

سواد ترجمه مراسله جناب مسیو موریس کوولیه وزیر مختاربلژیك بوالا حضرت اقدس دامت عظمته

والا حضرت اقدس رئیس حکومت موقتی

جسب الامر دولت پادشاهی بلژیك با کمال احترام باستحضار خاطر مبارك میرساند چنانچه رژیم جدید که بموجب تصمیم مجلس ملی ایران ایجاد شده عهد نامجات وقرار داد های جاریه ما بین بلژیك وایران را بشناسد و تعهداتیکه ناشی از عهدنامجات مزبور میشود اجرا نماید که دوستدار موقتاً رژیم مزبور را تا موقع تصمیم قطعی مجلس مؤسسان برسمیت میشناسد بعلاوه بدوستدار اجازه داده شده است که روابط خود را با حکومت موقتی ایران داشته و امور جاریه را تعقیب نماید مخصوصاً دوستدار از اشعار مراتب مزبوره بوالا حضرت اقدس خوشوقت بوده و البته در تصمیم دولت متبوعه دوستدار نظریه خالصانه تثبیت و تشیید روابط موجوده بین بلژیك و ایران را مشاهده خواهند فرمود .

متمنی است والاحضرت اقدس مراتب احترامات فائقه دوستدار را بپذیرند

موریس کوولیه ۶ نوامبر

مراسلهٔ جناب آقای عبدالعظیم راشد پاشا وزیر مختار مصر بحضور والا حضرت اقدس دامت عظمته

والا حضرت اقدس

افتخار بزرگی برای خود میداند که باطلاع عالیه والا حضرت اقدس برساند که دولت این جانب که همیشه مایل بروابط دوستی برادرانه دائم محکم کامل با ایران بوده است اجازه میدهد حکومتی را که مجلس در نهم آبان ماه بوسیله تصمیم جدید خود اعلام نموده و ریاست موقتی مملکت را تا تصمیم قطعی مجلس مؤسسان بوالا حضرت اقدس واگذار نموده است موقتاً بشناسم.

باین جانب نیز اجازه داده شده است که امور عالی این سفارت را با دولت موقتی در جریان خود بگذارد.

از والا حضرت اقدس متمنی است لطف فرموده احترامات کامله و تجلیلات فائقه اینجانب قبول فرمایند ٦ نوامبر ۱۹۲۵

سفیر مصر

والاحضرت اقدس رئیس موقتی مملکت ورئیس عالیهٔ کل قوا

مراسلهٔ مسیو همپل شارژ دافر دولت جمهوری لهستان بوالا حضرت اقدس دامت عظمته

والاحضرت اقدس رضا خان پهلوي رئیس دولت در طهران

نمرهٔ ۲۹۱ ـ ۲۵

در تعقیب یاد داشت مورخهٔ نهم آبان ۱۳۰٤ جناب آقای وزیر امور خارجه حسب الامر دولت متبوعهٔ خود با کمال احترام خاطر مبارك والا حضرت اقدس را مستحضر میدارد دولت جمهوری لهستان رژیم جدید را که بموجب رأی نهم آبان ۱۳۰٤ مجلس ملی در ایران ایجاد شده و انتخاب والاحضرت اقدس را بسمت ریاست دولتی موقتی میشناسد ضمناً با کمال

توقیر باستحضار خاطر والا حضرت اقدس میرساند که دوستدار مامور بادامهٔ روابط و ارسال امور جاریه بحکومت موقتی ایران میباشد مراتب احترامات فائقه را بحضور والا حضرت اقدس تقدیم میدارد .

شارژدافر (همپل)

مراسلهٔ سفارت دولت جمهوري امریکا که مسیو کو یلی آمری شارژدافر بوزیر امور خارجه

۷ نوامبر ۱۹۲۵ نمرهٔ (۱)

جناب مستطاب اجل آقای میرزا حسنخان مشار وزیر امور خارجه

در تعقیب یاد داشت مورخهٔ نهم آبان ۱۳۰٤ که بموجب آن بدوستدار اشعار گردید که مجلس ملی در روز مزبور بسلطنت قاجاریه خاتمه داده وزمام مهام امور مملکتی را تا اتخاذ تصمیم قطعی مجلس مؤسسان موقتاً درعهدهٔ والا حضرت اقدس رضا خان پهلوی فرمانده کل قواء قرار داده است و پس ازمراجعه مدلول یاد داشت مزبور بدولت متبوعهٔ خود اینک باکمال توقیر واحترام .باستحضار خاطر عالی میرساند که دوستدار ازطرف دولت متبوعهٔ خود اجازه دارد .بانجناب اشعار سازد که دولت آمریکا رژیم موقتی را که درنتیجهٔ تصمیم جدید مجلس ملی ایران تا موقع اتخاذ تصمیم قطعی مجلس مؤسسان ایجاد گردیده است برسمیت میشناسد ضمناً بدوستدار تعلیم داده شده است که توجه عالی را باین نکته جلب نماید که شناسائی دولت آمریکا مشروط براین است که رژیم جدید تمام قراردادهاي بین المللی منعقده بین دول متحده آمریکا و ایران را بطور دقت مرعی و طرف توجه مخصوص قرار دهد .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

(کویلی آمری)

مراسلهٔ شارژ دافر ترکیه آقای وصفی بیك بوزیر امور خارجه

۱۲ تشرین ثانی نمره ۲۲۵۸ ـ ۱۷۷

آقای وزیر

خاطر محترم آن جناب مستطاب اجل را بانهایت احترام قرین استحضار میدارد که دوستدار باسمت شارژ دافری تبدلی را که واقع گردیده است براثر مراسلهٔ محترمهٔ آن جناب مستطاب اجل مورخه ۹ آبانماه ۱۳۰۴ ونمره ۱۳۹۲۱ راجع بخلع سلطنت از سلسلهٔ قاجاریه باتصویب مجلس شورای ملی وتفویض ریاست دولت بطورموقت بوالاحضرت اقدس رئیس عالی کل قوا رضا خان پهلوی تازمان تعیین شکل قطعی از طرف مجلس مؤسسان بدولت متبوعهٔ خود ابلاغ نموده بود. از آنجائیکه مسلك متخذه دولت جمهوریت ترکیه استلزام مینمود یك انقلابی را که مظهر ازدیاد قدرت وسعادت و اعتلاء ایران باشد باکمال صمیمیت واحساسات بسیار خیر خواهانه بپذیرد لهذا توقیراً باستحضار خاطر محترم میرساندکه براثرامر وتعلیماتی که تلقی کردهایم دولت موقت را که الیوم والاحضرت اقدس رضا خان پهلوی ریاست آنرا عهده دار میباشند رسماً میشناسیم. موقع را غنیمت شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

مستشار سفارت کبري ترکیه (وصفی)

مراسلهٔ جناب آقاي سردار عبدالعزیز خان وزیر مختار دولت افغانستان بوزیرامور خارجه

۲۳ عقرب ۱۳۰۴ نمرهٔ ۲۸۶ ـ ۷۸۵

آقای وزیر

در جواب مرقومهٔ محترمه مورخهٔ ۹ آبان ۱۳۰۴ نمرهٔ ۱۳۹۲۱ راجع به تصمیم مجلس شورای ملی در خلع سلطنت از سلسلهٔ قاجاریه و واگذاری ریاست موقتی مملکت ایران بوالاحضرت اقدس رضا خان پهلوی زحمتافزا

میگردد که دوستدار مراتب را فوراً تلگرافی بعرض اولیای حکومت متبوع خود رسانده لیکن متأسفانه بواسطه تشریف بردن موکب اعلیحضرت امیر امان الله خان پادشاه و ولینعمت دوستدار بقندهار صدور جواب آن بعهده تأخیر افتاد.

اینک بتاریخ ۲۰ آبان تلگرافی مخابره نموده اند که حکومت افغانستان رأی مجلس مقدس شورای ملی ایران را در تعیین مقدرات مملکت محترم دانسته و یقین است در تحت ریاست حکومت موقتی والا حضرت رضاخان پهلوی که در دورهٔ مشعشع ریاست وزرائی خود نهایت مراقبت را در تشیید مبانی دوستی دولتین علیتین داشته اند کما فی السابق روابط حسنه فیمابین محکم و بر قرار خواهد ماند و روز بروز علائق و داد و مرمت محکمتر خواهد گردید در خاتمه احترامات فائقه را تجدید مینماید

عبدالعزیز سفیر

نگرانی ها برطرف گردید و حکومت موقت برسمیت شناخته شد اینک وزارت خارجه ایران مراتب را در تلگراف متحد المال بمامورین سیاسی خود ابلاغ مینماید.

تلگراف متحد المآل بسفارتخانها و قنسولگریهای خارجه

در تعقیب نمره ۳۸۸ اطلاع میدهد که دول انگلیس روس آلمان ایطالی بلژیك مصر آمریك و لهستان تصمیم جدید مجلس شورای ملی را در الغاء سلطنت قاجاریه و تفویض ریاست موقت مملکت بوالا حضرت اقدس رضا خان پهلوی برسمیت شناخته و به نمایندگان خودشان تعلیمات داده‌اند بادولت حاضر داخل روابط وانجام کار باشند لازم است بدولت متوقف فیها و جرائد اطلاع دهید (حسن مشار)

(سواد تلگراف متحدالمآل بسفارتخانها)

وجنرال قونسولگریها

در تعقیب نمره (۴۰۶) اطلاع میدهد که دولت ترکیه و افغانستان نیز تصمیم جدید مجلس شورای ملی را در الغاء سلطنت قاجاریه و تفویض ریاست موقتی مملکت بوالاحضرت اقدس رضاخان پهلوی برسمیت شناخته اند لازم است بدولت متوقف فیها وجرائد اطلاع دهید

(حسن مشار)

حکومت موقت درایران و ممالك دیگر برسمیت شناخته شد و بتمام دول باستقلال سیاسی ایران اعتراف نمودند دیگر هیچگونه تردید و نگرانی در سیاست داخلی و خارجی باقی نماند

حالا دیگرموقع آن رسیده که بمنویات رئیس حکومت مراجعه کرده وبه بینیم در اولین ساعت زمامداری چه تصمیماتی را اتخاذ وچه سیاستی رابراي آسایش ایرانی درنظر گرفته ؟ و بعکس گذشته چگونه می خواهد عقاید و افکار را براه سعادت سوق دهد ؟ ـ اینك در اولین نظر مصادف ابلاغیهٔ مخصوص خواهیم شد

۱۱ آبان ۱۳۰۴

(ابلاغیهٔ رئیس حکومت موقتي مملکت و رئیس عالیهٔ کل قواء)

عموم اهالی ایران اعم ازمرکز و ولایات بدانند که از تمام مجاهدات و زحماتی که من ازبدو امر در حصول مراتب امنیت و تهیهٔ طرق سعادت و عظمت این مملکت متحمل بوده ام همیشه دو اصل مهم را سرسلسلهٔ سایر مکنونات و عقاید خود قرار داده ام و خوشوقتم که فعلا مدلول

منویات دیرینه خود را همان طور که وظیفه دار آن هستم عملا بموقع اجرا میگذارم

(۱) اجرای عملی احکام شرع مبین اسلام

(۲) تهیهٔ رفاه حال عموم

برخاطر عامهٔ اهالی پوشیده نیست که این دواصل مهم مدتها و سالیان دراز است که درایران فراموش شده وبااینکه اجرای آن جزء ضروریات و فرایض اولیهٔ زمامداران امر شناخته میشود معهذا طوری بفراموش و متروك ساختن آن تعمد شده است که فعلا جز بتأسف وتأثر دراطراف آن نمی توان تفسیر و تعبیری نموده اکنون که روزگار لاقیدی ودوران فراموشکاری سپری شده ومملکت میرود که وارد مراحل سعي وعمل گردد از سجدات شکر خداوند خوداری ندارم که طلوع دورهٔ جدید را بظهور بزرگترین وظایف قطعی خود افتتاح و آغاز مینمایم

نظر باینکه تکمیل سعادت آتیهٔ ایران و تمهید وسایل عظمت و ترقی مملکت بالاخره منوط ومربوط باکمال اجرائیات همین دواصل خواهد بود علیهذا چون فعلا تنزل قیمت نان طهران بامراجعه بعسرت مالیهٔ مملکت آنطوریکه منظور نظر خود من است امکان پذیر نیست و انشاء الله در آتیه جبران ومرتب خواهد شد معهذا بوسیلهٔ این اعلامیه مقرر میدارم چهار شاهی ازمبلغی را که اخیراً برقیمت نان طهران افزوده بودند ازاین تاریخ متروك بدارند تا ازاین راه رفاه معاش و آسایش حال ضعفا و بیچارگان مترتب باشد

درثانی نظر باینکه اشاعهٔ منکرات مخالف اصول مسلمهٔ اسلامی شمرده می شود .

لهذا امر اکید میدهم که از همین تاریخ کلیهٔ دکاکین مشروب فروشی و قمارخانها درسرتاسر ایران مقفل وبسته بماند و حکام ایالات وولایات و امراء قشونی نیز در تمام نقاط ماموریت دارند که این موضوع اهم و

حکم استثناء ناپذیر را قطعاً و قویاً باکمال شدت و سختی بموقع اجرا بگذارند .

در خاتمه دریك طرف غرور حس انسانی و انسانیت وشرف ملی وملیت و بالاخره هویت آدمیت وعزت نفس را به بعضی از مخدرات امروز حتی آنهائیکه علناً متظاهر به جلافت میشوند تذکر داده و از طرف دیگر بتمام نظمیه ها و مامورین پلیس حکم میکنم که صفات مرقومهٔ فوق را یکی از قطعی ترین مواد ماموریت خود تشخیص داده وهرگاه درمعابر عمومی برخلاف این رویه خلاف انتظاری از هرکس مشاهده کنند مرتکب آن را خارج از موجودیت انسانی دانسته بلا تردید به محبس های نظمیه جلب نمایند تاباخواست خداوند ازاین حیث نیز نسل آینده ایران کنونی از انقراض و انحطاط مصون و صداقت و امانت و راستگوئی و درست کرداری آنان اقلا بانیاکان تاریخی خود قابل مقایسه وتطبیق بماند

رئیس حکومت موقتی مملکت ورئیس کل قواء (رضا)

ابلاغیه منتشر گردید و معلوم شد که بر خلاف گذشته مسؤلیت اداری واخلاقی بتمام معنی منظور نظر رئیس دولت بوده ومن بعد زندکانی ایرانی تابع اصول مخصوصی خواهد بود ولیکن این مسئله کافی برای ادای مقصود نبود و وظیفهٔ مهمی در خور موقعیت زمامداری والا حضرت بودکه ازهر جهة می توانست موجبات تامین زندکانی داخلی و خارجي ایرانیان فراهم نماید وعبارت از تعیین مقدرات حکومت قطعی مملکت بود اینك دومین قدمی که برای اقدام حاکمیت ملی برداشته میشود حفظ حدود واحترامات آزادی و حاکمیت ملیه است و می توان همین مسئله را میزان مقایسهٔ عملیات سلاطین قاجاریه و نیات والا حضرت پهلوی قرار داد یکی جایکاه بروز آثار حاکمیت ملی یعنی (مجلس شوری) را بما رد و دیکری محدود

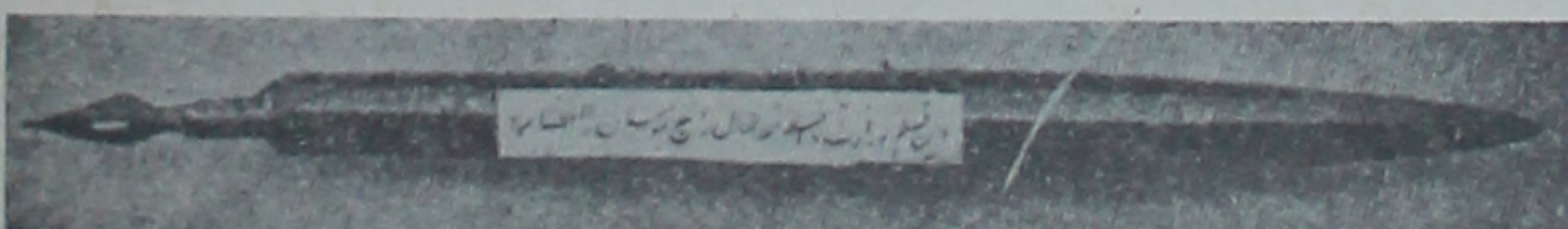
که با حاکمیت عقاید و افکار مقدرات جامعه را تعیین نماید

(اعلان مؤسسان)

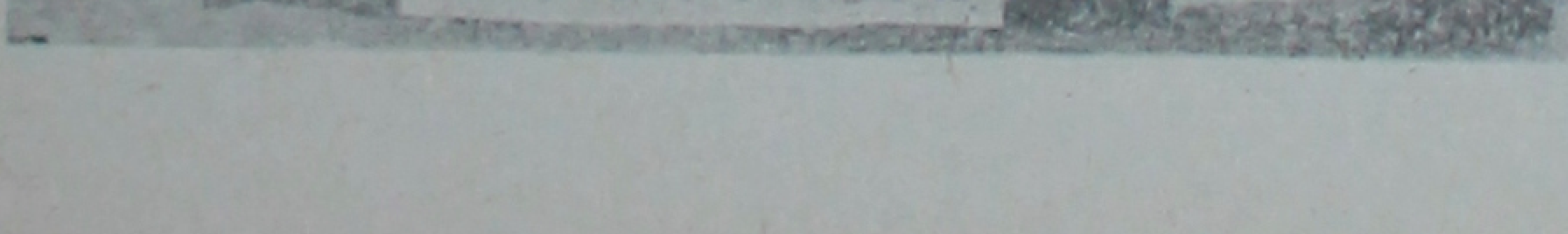
در نظر داریم که مجلس شورای ملی پس از الغاء سلطنت قاجاریه تعیین حکومت قطعی را بملت یعنی مجلس مؤسسان واگذار نموده بود
بدیهی است ابراز حق حاکمیت ملی فقط در روی قاعده انتخاب است و این اصل چون مستقیما غیر ممکن بود لابد بادست نمایندگان ملت باید انجام بگیرد و چون انتخاب با حکومت نظامی مناسبت قانونی نداشت لذا درتعقیب همین نظریه علاوه ازفرمان انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان اعلامیه الغاء حکومت نظامی ازطرف والاحضرت پهلوی رئیس حکومت موقت ایران صادر گردید

(اعلامیه رئیس حکومت موقتی مملکت)

در این موقع که در تمام نقاط اعلان انتخابات مجلس مؤسسان داده شده مقرر میداریم که تا خاتمه انتخابات مزبور قوانین حکومت نظامی در نقاطی که بر قرار است موقوف الاجرا خواهد بود (رضا)
وزارتداخله مدلول فرمان رابموقع اجرا گذاشته و بایالات وولایات وبحکومت طهران بااین قلم امر داد که مدلول احکام را اجرا نمایند



در طهران در رأس موعد لازم بود که وجوه محل از طرف حکومت برای تشکیل انجمن نظار دعوت شوند
لذا این قلم وجوه اهالی را برای ادای وظیفهٔ ملی دعوت نمود و روز



چهاردهم آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی در عمارت دار الفنون از بین مدعوین که ۳۶ نفر بودند هیئت قانونی باسم نظار اصلی و نظار فرعی بقرار ذیل انتخاب شدند

هیئت اصلی و فرعی انجمن نظار پنج گانه



(نظار اصلی)

حاجی حسین آقا امین الضرب — میرزا ابو طالب اسلامیه

میرزا مجیدخان آهی — حاجی سید محمد اسلامبولچی

حاجی میرزا علی قیصریه — میرزا عبدالحسین چینی فروش نیکپور

دکتر مهدی خان ملک زاده — آقا ضیاء الدین نوری

حاجی رحیم آقا قزوینی

(نظار فرعی یا علی البدل)

نیر الملک — نقیب زاده — ملا اسد الله فقیه التجار

حاج محمد حسین بلور فروش — حاج سید ابو القاسم کاشی

حاج رحیم اتحادیه — حاج سید محمد لاریجانی — میرزا علی اکبر ارباب

حاج میرزا علی نقی کاشانچی

از وجوه ملل متنوعه نیز بر حسب قانون دعوت و هر یك هیئت های اصلی و فرعی انجمن نظار خود را انتخاب نمودند

(اعضاء انجمن انتخاب مجلس مؤسسان زرتشتیان)

منتخبهٔ از وجوه ملت زرتشتیان

(هیئت اصلی)

آقای ارباب بهرام اردشیر آقای ارباب گشتاسب فریدون آقای ارباب افلاطون آقای میرزا مهربان خدا داد مهر آقای میرزا شاه بهرام فرهاد آقای ارباب رشید مهربان غریب شاهی آقای ارباب رستم خدا بخش ماونداد آقای ارباب پولاد نوشیروان آقای ارباب خدا داد سیروس

(هیئت فرعی)

آقای ارباب بهمن بهرام فروردین آقای ارباب خسرو نوزر آقای میرزا خدار رحیم اسفندیار آقای میرزا سروش رشیدخیام آقای میرزا سهراب مهربان سفرنگ آقای ارباب بهمن کیخسروی آقای ارباب جمشید شهریار آقای موسیو اردشیر مهربان آقا رستم آبادیان

(اعضاء انجمن انتخابات کلیمیان)

منتخبه از وجوه ملت کلیمی

(هیئت اصلی)

آقای دکتر آقا خان میرزا عزیزالله برال میرزا داود هارون میرزا ابراهیم آقا داود میرزا رحیم فرهادی آقای میرزا شمئویل خرسندی آقای حاجی اسحق ایشور آقای عنایت الله خان سپتیر آقای میرزا اسحق حاجی منیر

(هیئت فرعی)

آقای میرزا شکرالله خان ربانی آقای میرزا یعقوب خان لاهیجانی آقای

میرزا بابا خان خادم صیون آقای میرزا یوسف لوی آقای میرزا آقا جان خیاط آقای میرزا عزیز الله نحشی آقای میرزا فرج الله حکیم آقای میرزا بودعیم آقای میرزا برلن

(اعضاء انجمن انتخابات مجلس مؤسسان ارامنه)

منتخبه از وجوه ملت ارامنه

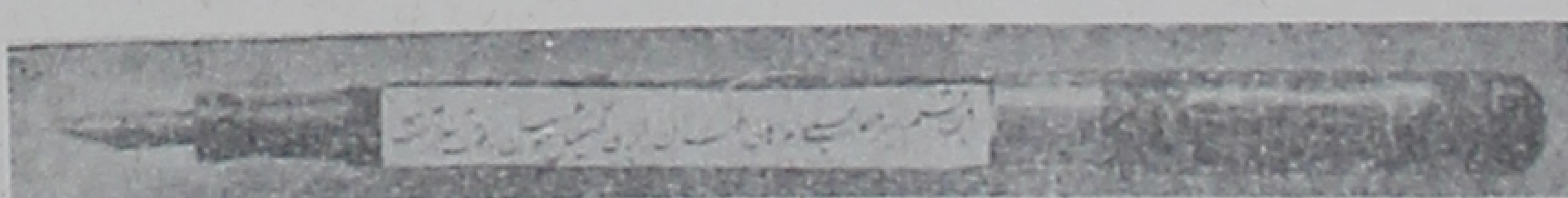
(هیئت اصلی)

دکتر وارطان الکساندر خان ها کوب وانسیان دکتر آقایان سهراب خان ساکنیان مکردیج مکردیجیان مارکار کیورکیان نیکلا لاله زاریان ارسن میکائلیان

(هیئت فرعی)

اوهان کوچاریان ملیك سط قازاریان موسس کارامیان البریك پطروسیان لیون ملیك یان هارایط میناسیان آرمناك خاچطوریان طاطاوس اوانسان هاروطیون کالسیان

هر یك از انجمن های نظار اعلان های قانونی خود را منتشر و این قلم وظیفهٔ خود را انجام و موجبات تسهیل و تنظیم جریان اداری را فراهم نمود



(اعلان انجمن نظارت انتخابات مجلس مؤسسان)

(مادهٔ واحده مصوبهٔ ۹ آبانماه مجلس شورای ملي که ذیلا درج میشود و بر طبق نظامنامهٔ انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان و حکم وزارت جلیلهٔ داخله و امر حکومت بعموم اهالي طهران اعلان میشود که انجمن نظارت برای انتخات اعضاء مجلس مؤسسان منعقد شده کسانی که موافق

قانون ۲۸ شوال ۱۳۲۹ قمری که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰٤ در مجلس شورای ملی اصلاح و تصویب شده خود را دارای حق انتخاب میدانند از روز سه شنبه ۱۹ آبانماه مطابق ۲۳ ربیع الثانی لغایت شنبه ۲۳ آبانماه ازساعت چهار قبل از ظهر تا ظهر و ازساعت یك تا ساعت ۷ بعد از ظهر میتوانند به شعب انجمن نظارت واقعه در محلات پنجگانه شهر طهران

محله دولت و حسن آباد	میدان سپه عمارت بلدیه
محلهٔ سنگلج و قنات آباد	خیابان ارامنه مسجد حاجی حسن معمار
محلهٔ بازار	مسجد شاه
محلهٔ چاله میدان	مسجد امین الدوله
محلهٔ عودلاجان	بازار بامنار مسجد آقا بهرام

رفته تعرفه انتخاب بکیرند ورای خود را راجع بانتخاب بیست و چهار نفر اعضاء مجلس مؤسسان که باید قبل از ورود بانجمن روی کاغذ سفید بی نشان نوشته حاضر داشته باشند بانجمن تسلیم نمایند عده نماینده که باید انتخاب نمایند **(بیست و چهار نفراست)**

شرایط انتخاب کنندکان و انتخاب شوندکان بموجب ماده ۹و۱۰و۱۱ و ۱۲ و۱۳ و اخطارات لازمه قانونی بموجب مادهٔ ۷و۸ و۲۲ و۲۵ و۲۷ و۳۳ و٤٤و٤٦ قانون انتخابات بقرار ذیل است

(شرایط انتخاب کنندکان)

ماده ۹ انتخاب کنندکان باید دارای شرایط ذیل باشند

۱ ــ تبعهٔ ایران باشند ۲ ــ لا اقل بیست سال داشته باشند ۳ ــ در حوزهٔ انتخابیه متوطن یالااقل از شش ماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند

مادهٔ (۱۰) کسانی که ازحقّ انتخاب کردن محرومند

۱ ـ نسوان ۲ ـ کسانی که خارج از رشد و آنهائیکه در تحت قیمومیت شرعی هستند ۳ ـ تبعهٔ خارجه ۴ ـ اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام درحضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط به ثبوت رسیده باشد ۵ ـ اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند ۶ ـ ورشکستگان بتقصیر ۷ ـ متکدیان و اشخاصی که بوسایل بیشرفانه تحصیل معاش مینمایند ۸ ـ مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامي شده اند ۹ ـ مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملي و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند

ماده (۱۱) کسانی که بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند

۱ ـ اهل نظام بری و بحری باستثنای صاحبمنصبان افتخاری ۲ ـ صاحبمنصبان و اجزاء امنیه و نظمیه درمحل خدمت

کسانیکه تعرفه انتخاب میگیرند درموقع نوشتن رأی باید اشخاصیرا انتخاب کنند که دارای شرایط ذیل باشند

(شرایط انتخاب شوندگان)

مادهٔ (۱۲) انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند

۱ ـ متدین بدین حضرت محمدابن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (کلیمی وزرتشتی ومسیحی) ۲ ـ تبعهٔ ایران باشند ۳ ـ خط وسواد فارسی باندازهٔ کافي داشته باشند ۴ ـ در محل انتخاب معروف باشند ۵ ـ سن ایشان کمتر ازسی و زیاده از هفتاد سال نباشد ۶ ـ معروف بامانت و درستکاری باشند

مادهٔ (۱۳) اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند

۱ ـ شاهزادهٔ بلا فصل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه) ۲ ـ نسوان ۳ تبعهٔ خارجه ۴ ـ مستخدمین امنیه و نظمیه واهل نظام بری وبحری باستثنای صاحبمنصبان افتخاری ۵ ـ حکام کل وجزء و معاونین ایشان

در قلمرو ومأموریت خود ۶ ـ مأمورین مالیه درقلمرو وماموریت خود

تبصره ـ سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط اینکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند

۷ ـ ورشکستگان به‌تقصیر ۸ ـ مرتکبین قتل وسرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند ۹ ـ متجاهرین بفسق و اشخاصیکه فساد عقیدهٔ دینی وخروجشان از دین حنیف اسلام در نزدیکی از حکام شرع جامع الشرایط ثابت ویابه شیاع رسیده باشد ۱۰ ـ مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملي و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند .

(اخطارات لازمهٔ قانونی)

مادهٔ ۷ ـ هر یك از انتخاب کنندکان زیاده بر یك مرتبه حق رأی‌دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود

مادهٔ ۸ ـ انتخاب کننده گان مجبور نیستند نمایندهٔ خود را از ساکنین محل خود انتخاب کنند

مادهٔ ۲۲ ـ اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت بجهة گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند در آن انتخابات حق ایشان ساقط است

مادهٔ ۲۵ ـ دادن رأی باید مخفی باشد و بـآن جهت رای دهندگان قبل از ورود بمجلس انتخاب اسم یك یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عدهٔ که اعلان شده است روی کاغذ سفید بي نشان باید نوشته و پیچیده با خود داشته باشند

مادهٔ ۲۷ ـ انتخاب کنندکان پس از گرفتن تعرفه بلافاصله بدون این که از انجمن خارج شوند ورقهٔ رای خود را در حضور نظار در جعبهٔ رای انداخته تعرفهٔ خود را به منشی انجمن میدهند کـه باطل نموده بصاحب آن مسترد دارد

مادهٔ ۴۳ ـ از اوراق رای آنچه سفید یالایقرء باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضای انتخاب کننده را داشته باشد یابیش از یك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمهٔ صورت مجلس میشود

مادهٔ ٤٤ انتخاباتیکه مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد از درجهٔ اعتبار ساقط است و تهدید یا تطمیع کننده از سه ماه الی یکسال محبوس میشود و برای یك الی دو دورهٔ انتخابیه از حق انتخاب محروم خواهد بود

مادهٔ ٤٦ ـ ورود در محوطهٔ انتخاب با داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است بعموم اشخاصی که دارای شرایط فوق میباشند سفارش و تاکید میشود که از شرکت در انتخابات و گرفتن تعرفه و دادن راي مسامحه و غفلت ننمایند.

انجمن نظارت

بتاریخ شنبهٔ ۱۶ آبانماه ۱۳۰٤ شمسی مطابق ۲۰ ربیع الثانی ۱۳٤٤

☆☆☆

۱۹ آبانماه ۱۳۰٤

(اعلان)

بر طبق حکومت وزارت جلیلهٔ داخله و امر حکومت جلیلهٔ طهران بعموم افراد جماعت زرتشتی که مشمول مواد قانونی موافق قانون مصوبهٔ مجلس مقدس شورای ملی و اعلان منتشره از جانب انجمن محترم مرکزی کل باشند اعلام میشود که انجمن نظارت انتخابات زرتشتیان برای انتخاب دو نفر عضو بجهة مجلس مؤسسان معین گردیده از صبح پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۰٤ از سه ساعت قبل از ظهر تا ظهر و از دو ساعت بعد از ظهر تا غروب و همچنین در روز جمعه ۲۲ آبان بهمان ساعات معینه در آدریان زرتشتیان جلسات انجمن مزبوره منعقد است از آقایانیکه مشمول قانون و قابل رای دادن هستند تمنا میشود در ایام مذکور برای اخذ تعرفه و دادن رای حضور یابند.

توضیحاً - بر طبق مواد ۲۵ - و ۲۷ قانون انتخابات باید آقایانیکه برای اخذ تعرفه حاضر میشوند قبلا اسم دو نفر کسانی را که برای آن مقصود در نظر دارند روی کاغذ بی نشان نوشته و پیچیده بهمراه داشته باشند پس از اخذ تعرفه رای خود را فی‌المجلس در جعبهٔ رای بیندازند

انجمن نظارت مرکزی انتخابات زرتشتیان

اعلان

﴿ انجمن نظارت انتخابات مجلس مؤسسان ﴾

« طایفهٔ کلیمیان »

نظر باینکه موجب مادهٔ واحده مصوبهٔ مجلس شورای ملی مورخهٔ ۹ آبان انقراض سلطنت قاجاریه اعلان و حکومت موقتی در حدود قانون اساسی در تحت ریاست عالیهٔ والا حضرت آقای رضا خان پهلوی بر قرار و تعیین حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان گردیده که برای تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ٤٠ قانون اساسی تشکیل میگردد لهذا از طرف حکومت جلیلهٔ طهران از سی و شش نفر از هیئت تجار و اصناف و طبقات مختلفهٔ ملت کلیمی دعوت رسمی بعمل آمده و بموجب نظامنامه موضوعه ۹ نفر از برای تشکیل انجمن نظارت مجلس مؤسسان باکثریت آراء انتخاب گردیدند. اینك چون بر حسب اعلان حکومت جلیله لازم است از بین جماعت بنی اسرائیل ایران دو نفر برای عضویت در مجلس مؤسسان انتخاب گردند اینست که بموجب تصمیم انجمن نظار اعلان انتخابات صادر و از روز یکشنبهٔ مورخهٔ ۲٤ آبان ماه ۱۳۰٤ (مطابق ۲۸ هشوان ٥٦٨٦) در مسجد مرحوم آقا عزرا از ساعت دو بعد از ظهر شروع بدادن تعرفه و اخذ آراء خواهد شد و انتخابات مزبور تا روز سه شنبه ساعت هفت بعد از ظهر ادامه داشته و از روز چهارشنبه شروع باستخراج آراء خواهد شد. رای دهندگان باید اسامی دو نفر

اشخاص لایق و صالح اسرائیل را که برای مجلس مؤسسان نامزد میمایند در ورقهٔ سفید بدون امضا قبلا نوشته همراه خود بحوزهٔ انجمن نظارت بیاورند.

(انجمن نظارت کلیمیان طهران)

(اعلان انجمن نظارت مرکزی ارامنه انتخابات مجلس مؤسسان)

مادهٔ واحده مصوبهٔ ۹ آبانماه مجلس شورای ملی که ذیلا درج میشود و برطبق نظامنامهٔ انتخاب اعضـاء مجلس مؤسسان و حکم وزارت جلیلهٔ داخله وامر حکومت بعموم اهالی طهران اعلان میشود که انجمن نظارت برای

« مادهٔ واحده ـ مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت »
« قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی »
« وقوانین موضوعه مملکت به شخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میکند »
« تعیین تکلیف قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که از تغییر »
« مواد ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ٤٠ متمم قانون اساسی تشکیل میشود »

انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان منعقد شده کسانیکه موافق قانون ۲۸ شوال ۱۳۲۹ قمری که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰٤ در مجلس شورای ملی اصلاح و تصویب شده خود را دارای حق انتخاب میدانند از روز جمعه ۲۲ آبانماه مطابق ۲۶ ربیع الثانی لغایت یکشنبه ۲٤ آبانماه از ساعت چهار قبل ازظهر تاظهر و از ساعت ۲ تاساعت ۷ ونیم بعد از ظهر میتوانند بانجمن نظارت واقعه در محلهٔ حسن آباد مدرسهٔ ارامنه رفته تعرفه انتخاب بگیرند ورأی خود را راجع بانتخاب اعضاء مجلس مؤسسان که باید قبل از ورود بانجمن روی کاغذ سفید بی نشان نوشته حاضر داشته باشند بانجمن تسلیم نمایند عدهٔ نمایند که انتخاب نمایند (دونفر است)

انجمن نظارمرکزی شروع بکار کرد و انجمنهای محلات پنجگانه را بقرار ذیل تشکیل دادو هریك باشوق وشعفیکه تاکنون نظیر آن درهیچیك ازادوارانتخابیه

دیده نشده بود مشغول ادای وظیفه گردیده و بهمان اندازهٔ فعالیت انجمن های نظار اهالي نیز در مبارزه ومسابقه انتخابی بودند



(محله سنکلج)

آقا میرزا محمد مازندرانی حاجی محمد تقی کتابفروش دکتر ابو القاسم خان کیا عمید التجار منشور السلطان حاجي محمد حسین براق باف آقا سید حسن دوا فروش آقا سید صادق افتخار شریف الواعظین



(محلهٔ دولت)

مشار الدوله　　صدیق اعلم
امیر همایون　　صدیق اکرم
معتمد الممالک　　حاجی میرزا علی وینه
مترجم همایون　　میرزا علی اصغر حکمت　　اویسی



(محله بازار)

دکتر علیم الدوله

اعتماد الاشراف جواهری

حاجی علی

امین لشکر

حاجی محمد تقی بنکدار

ارباب محمد رضا طهرانی

میرزا احمد ماهوت فروش

حاجی نبی قناد

حاجی خان حریری



(محلهٔ چاله میدان)

میرزا محمد رشتی	مجید الملك
میرزا علی اصغر خان وکیل الرعایا	آقا بزرك خان مشیر
مرتضی خان کشوری	محمد آقا سپهر
آقا شیخ محمدحسین عقیلی	میرزا محمد خیاط
آقا سید حسین کتابفروش	



(محلهٔ عودلاجان)

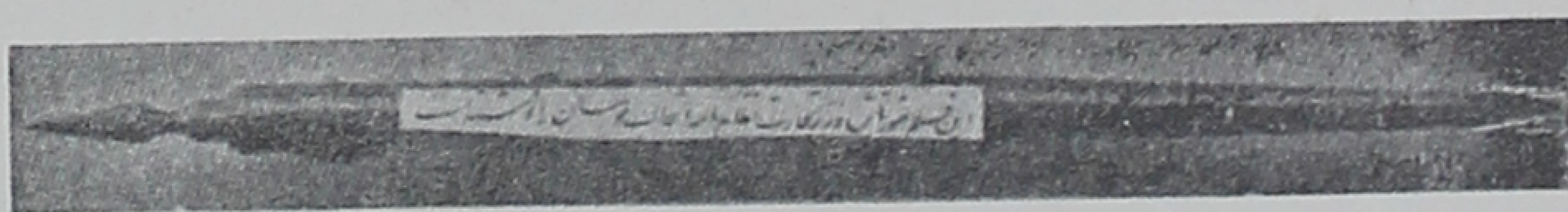
آقا سید ابوطالب آیت الله زاده اصفهانی	آقا شیخ محمد تقی نهاوندی
میر عماد لاریجانی	میرزا علی اکبر بروجردی
آقا سید حبیب الله بلور فروش لاریجانی	حاجی محمد حسین رزاز

حاجی عبد الصمد یخچالی مشهدی باقر کدخدا حاجی ملك التجار آملی

۱۶ آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی

ملتی که در نتیجهٔ شدائد و مصائب طاقت فرسای سلسلهٔ قاجار به اصول حاکمیت خود را فراموش وموقعیت سیاسی خود را از دست داده مشروطیتش که بنص قانون اساسی :
(اصل هفتم - متمم قانون اساسی - اساس مشروطیت جزءً وکلاً تعطیل بردار نیست) در ظرف بیست سال از عمر آزادی وی گاهی کعبهٔ آمالش هدف کلوله توپ و گاهی بواسطهٔ هجوم سلطان مخلوع (محمد علی میرزا) و شاهزاده گان محکوم باعدام سلسلهٔ قاجار مصادف وقایع ۱۳۲۹ و گاهی دچار دورهٔ فترت گردیده و اساساً معنی حاکمیت ملي را یاد نگرفته فراموش نموده بود که ناگاه در صبح شانزدهم آبان ماه شمسی هر کس از خانهٔ خود بیرون آمد اعلانات برجسته را در و دیوار طهران مشاهده نمود که از حقیقت قدرت ملی خبر میداد (مجلس مؤسسان)
این اعلان مؤثر و جالب توجه تأثیر مخصوصی در عقاید و افکار توده نموده و ربطی باعلانات انتخابیهٔ دوره های ناقص و پر پیچ و خم مجلس شورای ملي نداشت !.
این اعلان ملت را دعوت میکرد که در اساس زندگانی خود حاکمیت خود را ابراز و قدرت ملی را نشان داده و در روی یك حقیقت و قانون طبیعت (انسان خلق شده آزاد و باید زندگانی کند بطور آزاد و تعیین مقدرات هر ملتي با خود آن ملت است) حسیات عمومی را باهتزاز در آورده و بیکدیگر از شروع دورهٔ حکمرانی ملت و انعکاس قدرت حاکمیت مژده و تبریك میگفتند
و بالجمله انجمن ها تشکیل و در سر موعد شروع بکار نمودند
ادوار پنجگانه انتخابی ایران که ملت برای تعیین نماینده قدم به دائرهٔ مبارزهٔ اجتماعی و سیاسی میگذاشتند و هر دسته برای ربودن نامزد خود در سعی و تلاش بود نسبت به این انتخاب غیر قابل قیاس و گذارشات

پنج روز محدود و موقت انتخاب نمایندگان مؤسسان را نمیشود با انتخابات دیگر موازنه نمود با اینکه نظامنامه انتخاب عرصه را به ملت تنگ گرفته و اجازهٔ مبارزه نمیداد و ملت نمیتوانستند با مشاوره و تبادل آراء مقصود خود را انجام داده و ضیق وقت اجازهٔ سعی و تلاش را نمیداد و فی المجلس میبایست آراء خود را بصندوق بریزند کوتاهی ساعات روز هم عرصه را تنگ تر مینمود و روی هم رفته نظامنامهٔ انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان که با این قلم تحریر و امضا شده بطوریکه ذیلاً ملاحظه خواهید کرد



(نظامنامهٔ انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان)

مادهٔ ۱ ـ مجلس مؤسسان که برای تعیین حکومت قطعی مملکت منعقد می شود مرکب است از نمایندگانی که از طرف مراکز حوزهای انتخابیه معینه در جدول ضمیمهٔ قانون انتخابات مورخهٔ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ انتخاب می شوند.

مادهٔ ۲ ـ هریك از مراکز حوزهای انتخابیهٔ مذکور در مادهٔ قبل دو مقابل عدهٔ را که مطابق قانون انتخابات برای عضویت مجلس شورای ملی معین شده است برای مجلس مؤسسان انتخاب خواهند نمود

مادهٔ ۳ ـ مواد ۹ و ۱۰ و ۱۱ قانون انتخابات مجلس شورای ملی نسبت بانتخاب کنندگان ومواد دوازده وسیزده قانون مزبور نسبت بانتخاب شوندگان مجلس مؤسسان باید مراعات شود

مادهٔ ٤ ـ پس از وصول امر وزارت داخله بلاتاخیر حکومت هریك از مراکز حوز های انتخابیه باید انجمن نظارت انتخابات اعضاء مجلس مؤسسان را مطابق مادهٔ ١٤ قانون انتخابات تشکیل دهند

مادهٔ ٥ ـ انجمن نظارت بلاتاخیر مطابق مادهٔ ١٥ قانون انتخابات هیئت رئیسهٔ خود را معین نموده و فوراً اعلانی که حاوی موقع ومدت دادن تعرفه واخذ رأی و عدهٔ اعضا مجلس مؤسسان که باید از آن حوزه انتخاب شوند و شرائط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان باشد منتشر خواهد نمود

مادهٔ ٦ ـ فاصله مابین انتشار اعلان و موقعیکه برای دادن تعرفه واخذ رأی معین مي شود نباید متجاوز ازسه روز بوده ومدتیکه برای دادن تعرفه واخذ رأی معین میشود بمناسبت اهمیت محل از یك الی پنج روز خواهد بود

ماده ٧ ـ انجمن نظارت انتخابات در موقع انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان و دادن تعرفه و اخذ و استخراج آراء مواد ٣ ـ ٤ ـ ٥ ـ ٦ ـ ٧ ـ ٨ ـ ٢٣ ـ ٢٤ ـ ٢٥ ـ ٢٦ ـ ٢٧ ـ ٢٨ ـ ٢٩ ـ ٣٠ ـ ٣١ ـ ٣٢ ـ ٣٣ ـ ٣٤ ـ ٣٨ ـ ٣٩ قانون انتخابات را مراعات خواهد نمود

ماده ٨ ـ نمایندگان دوره پنجم تقنینیهٔ مجلس شورای ملی برای عضویت مجلس مؤسسان میتوانند انتخاب شوند

ماده ٩ ـ پس از اتمام انتخابات بلاتاخیر برای هریك از اعضا مجلس مؤسسان اعتبارنامه بامضاء اعضاء انجمن نظارت و حکومت محل صادر میشود

ماده ١٠ ـ پس از آنکه دوثلث اعضاء مجلس مؤسسان درمرکز حاضر شدند مجلس مزبور از طرف رئیس حکومت موقتی مملکت رسماً افتتاح خواهد یافت

ماده ١١ ـ پس از افتتاح رسمی مجلس مؤسسان مجلس مزبور درهمان روز در تحت ریاست مسن ترین عضو خود تشکیل یافته ویك نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و چهار نفر منشی انتخاب مینمایند

ماده ١٢ ـ جلسات مجلس مؤسسان علنی خواهد بود

ماده ۱۳ ـ مجلس مؤسسان که عهده دار تقنین قوانین عادی نبوده و فقط وظیفه دار تعیین حکومت قطعی مملکت میباشد و پس از انجام این وظیفه منحل خواهد شد

ماده ۱۴ ـ کلیهٔ حکام مکلف میباشند که بمجرد وصول این نظامنامه آنرا برای اطلاع عامه اعلان نمایند وپس ازوصول اوامر لازمه موجبات اجرا آنرا فراهم سازند

رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عالي کل قوا

این نظام نامه انتخابات را محدود مراکز حوزه های انتخابیه نموده و روی هم رفته اجازهٔ مسابقه ومبارزهٔ عمومی نمیداد وقابل بسی مطالعه است !

با کوتاهی ساعات ایام و اقتضای فصل انجمنهای انتخابی هر روز تقریباً ده دوازده‌ساعت کار میکردند و این مدت در ظرف پنج روز کافی برای یك چنین مبارزه حیاتی نبود باوجود این بیست وهفت هزار و یکصد و یك تعرفه صادر و رأی گرفته بودند و در تاریخ سیاسی ملت ایران این پیش آمد بی نظیر و نشان میدهد که این روح قادر درروی یك حس وتمایلات قلبی و تربیت متحدالشکلی است که در کمون ایرانیان بوده نهایت جریانات حوادث اجازهٔ تظاهرات نداده و نمیگذاشت ایرانی حقیقت استعداد و قابلیت خود را نشان دهد

از دیر زمانی قدرت ملي ایران متلاشی و اوراق شده و جامعه و جماعت و روح عمومی مبدل بشخصیات و مبارزات خصوصی گردیده و القاء نفاق و تولید فتنه و فساد یکی از شاهکار هاي سیاسی سلسلهٔ قاجاریه بود که در ظرف یکصد و پنجاه سال به هر اسم و رسمی بجامعه تزریق گردیده وقضیهٔ حیدری ونعمتی ! . . . و امثال آن یکی از اصول ثابتهٔ سیاست مداری این سلسله بوده و بدین وسیله همیشه مقاصد خود را اجرا مینمودند !

از زمان شروع به آزادی باینطرف در روی همین مبانی بودکه توانسته بودند دسته‌ها را بجان‌هم انداخته وآزادیان راتکفیرو داستان باغ شاه و میدان توپخانه وجنك استبداد ومشروطه نیز از همین مجرا بود که هر دقیقه ملت میخواست زندکانی خود را مطالعه نموده و برای سعادت خود قدمی بردارد فورا یك نیرنك سیاسی به تمام آب های جاری و راکد ایران داخل میشد و رنك مخصوصی بخود میگرفت و با دست علماء سوء و یك مشت ولگرد افکار عمومی را مسموم و اذهان را تخدیش میکردند .!

از سوم حوت ۹۹ ملت ایران در تحت تاثیرات یك قوهٔ فائقه شروع کرد از یك زندکاني متحد الشکل و اداری تعقیب نموده و در تحت تاثیر یك نیت صادقانه موقعیت ملی خود را ترمیم نماید

دربار قاجاریه وخامت این جریان را حس کرده فورا بمقام ایجاد نقشه ملیت بر بادهٔ بر آمدند کشمکش پنجسالهٔ طبقهٔ منور الفکر با اراذل و اوباش جریان مخصوصی است که افکار متفکرین عالم را بطرف خود جلب و اجازه داده بود که عموماً در پسیکولوژی (روحیات) ایرانی مطالعه نموده و با مقایسهٔ ادوار تاریخی این ملت کهن سال انگشت حیرت را بدندان گرفته و در پیدا نمودن علل اساس این روحیات پلید دچار اندیشه گردند .!

بدیهی است اگر این نیرنك ها در جامعه و جماعت ایرانی را عامل مؤثر بربادی نمی نمودند هیچوقت ممکن نبود که یك دولتی بتواند زیر بار استقراض موسوم به قرضهٔ (۱۹۰۰) ایران رفته و تمام منابع ثروت را گرو گذاشته وخود مشغول عیش و عشرت و خوشگذرانی گردد . !

ما برای تبیین آنچه را که در دل داریم و میخواهیم خود را ترجمان احساسات ایرانیان نموده و علت حقیقی این نهضت را بتمام معنی نشان بدهیم لازم میدانیم (قرار داد استقراض اول ایران از روسیه) را در همین جا نقل کرده و با جلب توجه مطالعه کنندکان این تاریخ به فصول

آن و مخصوصاً فصل چهارم و پنجم و ششم آن نشان بدهیم که دربار قاجاریه پس از حوت ۹۹ چه نقشهٔ را در دست گرفته؟ و ملت وطبقه منورالفکر دچار چه اندیشه بوده؟ ووالا حضرت رضا خان پهلوی در این مدت باچه حوادثی داشت مبارزه مینمود؟

(قرارداد استقراض اول ایران از روسیه)

آنچه بعداً نگاشته میشود بین امضاء کنندکان ذیل از یکطرف میرزا رضا خان ارفع الدوله اجودان جنرال وزیر مختار و سفیر فوق العاده اعلیحضرت شاهنشاه ایران (واز سمت دیگر) (بانگ استقراضی ایران) مقرر و مقبول شده است

فصل اول ـ دولت علیه ایران بنا بر فرمان اعلیحضرت شاهنشاه مورخهٔ چهارم جمادی الاولی ۱۳۱۷ (۳۰ اوکوست ماه روسی ۱۸۹۹ میلادی قدیم) اقدام باعلان قرضهٔ دولتی خواهد نمود اسماً بمیزان بیست و دو ملیون و نیم منات (یك منات عبارت است از $\frac{1}{10}$ امپریال که موافق قانون مسکوکات مورخه ۱۹ ژوئن ۱۸۹۹ محتوی هفده وُل وچهارصد و بیست و چهار هزارم آن طلای خالص میباشد)

سوداین قرض از قرار صدی پنج بسرمایهٔ اسمی تعلق خواهد گرفت و موسوم خواهد شد به قرضه ۱۹۰۰ ایران ٪ ۵ طلا، در مدت هفتاد و پنج سال مستهلك خواهد گشت

فصل دویم ـ بانك استقراض ایران ملتزم میشود بمحض اینکه این قرار داد فقط بامضا برسد استقراض ایران را که رسماً $۲۲\frac{1}{2}$ ملیون است بمبلغ ٪ $۸۶\frac{2}{2}$ از سرمایهٔ اسمی بعد از وضع ٪ $۱\frac{2}{2}$ بعنوان مخارج طبع ونشر و تمبر اسهام وغیره یعنی بقیمت معین ٪۸۵ یابعبارهٔ اخری ۱۹و۱۲۵و۰۰۰ منات باضافهٔ منفعت زمان گذشته قبول نماید و الحال هم قبول میکند

فصل سیم ـ دولت علیه برای تمامی مبلغ قرضه ۱۹۰۰ ایران ٪۵ طلاء بزبان فارسی و روسی سندی کلی خواهد داد که امضا های قانونی ایران را دارا خواهد بود و سند مزبور در سن پطرزبورغ تسلیم ادارهٔ بانك استقراضی ایران خواهد شد که تا زمان استهلاك قطعی آن بانك مذکور در بانك دولتی روسیه امانت خواهد گذارد

فصل چهارم ـ قرضهٔ ۱۹۰۰ ایران ٪ ۵ طلا کلیهٔ عایدات تمام گمرکات ایران را باستثنای گمرکات فارس وبنادر خلیج فارس بعنوان تامین خواهد داشت عایدات گمرکات عبارت است از عایدات حالیه اعم از آنکه در سنهٔ ۱۲۷۸ شمسی هجری (از ۲۱ مارس ۱۸۹۹ الی ۲۱ مارس ۱۹۰۰) اجاره داده شده است یا آنکه خود دولت جمع آوری نماید مخصوصاً تصریح میشود که قرضهٔ حاضر بر تمام دیون دیگر حق اولویت مطلق به قسمتی یا بکلیهٔ عایدات گمرکات مذکوره در فوق خواهد داشت چه آنکه دیون مزبوره در نتیجهٔ قرار داد های قبل ازاین قرار داد باشد یا در نتیجهٔ قرار دادهائی باشد که فعلا یا بعداً منعقد میشود

فصل پنجم ـ کلیهٔ عایدات گمرکات دولت علیه مذکوره در فصل چهارم در طهران تحویل بانك استقراضی ایران خواهد شد که در مدت هفتادو پنجسال اقساط هر شش ماه را که عبارت است از ٪ ۱۲۳و۵۶۳و۲ ازسرمایهٔ اسمی باضافه $\frac{1}{4}$٪ حق العمل دفتری ازقسط مزبور برداشت خواهد نمود یعنی مبلغ ۵۷۸۱٤٤ منات در هر شش ماه از اول ژویه ۱۹۰۰

فصل ششم ـ اگر عایدات تحویلی بانك استقراضی ایران در سال از مبلغ ۱۱۵۶۲۸۸ منات اضافه شد مازادان تسلیم خزانهٔ شاهنشاهی ایران خواهد گشت

در صورتیکه در راس انقضاء یك قسط ششماهه وجوه تحویلی دولت علیه ایران مساوی مبلغ مزبور نگردد دولت علیه مطابق این قرار داد قبول میکند و عطا میفرماید ببـانك استقراضی ایران حق تفتیش حقیقی در

وصول عایدات مذکوره در فصل چهارم برای اینکه بانک مزبور بمیزان عایدات و مصرف آن رسیدگی نماید تا زمانیکه وجوه تحویلی اقساط شش ماهه را تکافوء کند این حق تفتیش و رسیدگی بلااجرا خواهد ماند

فصل هفتم - اگر با وجود تفتیش مذکور در فصل ششم تاخیر مدیدی در تادیهٔ اقساط شش ماهه مشاهده گردد بانک استقراضی ایران حق خواهد داشت که بخرج دولت علیه با شرایط ذیل اداره کردن تمام گمرکات ایران را باستثنای فارس و بنادر خلیج آن که در تحت ادارهٔ خزانهٔ دولت علیه خواهد ماند مستقیماً بعهدهٔ خود بگیرد

اولا -- انتخاب مستخدمین متعلق خواهد بود به بانک استقراضی ایران ولی مرکب خواهد گشت مخصوصاً از رعایای ایران باستثنای بیست و پنج نفر اعضاء رئیسه که بانک در انتخاب آنها اختیار تام و تمام خواهد داشت

ثانیاً - بانک ملتزم است تعرفه های قانونی و حقوقی گمرکی حالیه را ابقاء نماید و بدون رضایت دولت علیه ایران آنها را اضافه نماید

ثالثاً - دولت علیهٔ ایران حق تفتیش در عملیات این اداره را برای خود حفظ مینماید .

رابعاً - بعد از وضع مخارج جمع آوری عایدات و مصارف اداری و همچنین دو قسط ششماهه از جمع عوائد مازادان تسلیم دولت علیه خواهد شد

فصل هشتم - در صورتیکه عایدات گمرکی که در تحت ادارهٔ بانک موافق فصل هفتم جمع آوری میشود تکافوء پرداخت قسط ششماهه را نکند دولت علیه ایران دادن یك تامین اضافي دیگری را تقبل خواهد کرد شرائط ترتیبات این تامین اضافي در قرار داد مخصوص بین دولت علیه و بانك استقراض ایران معین خواهد شد

فصل ۹ - مبلغ قرضه ۱۹۰۰ ایران ٪۵ طلا (موافق مادهٔ ۲) بترتیب ذیل بدولت علیهٔ ایران تادیه خواهد شد :

۱ - مبلغ ۱٬۵۵۵٬۳۹۰٫۵۳ منات و ۱٬۵۶۳٬۹۰۰ قران باضافهٔ

منافع گذشتهٔ آنها برای استهلاك مبلغی که بانك استقراضی ایران قرض داده است وبابت بروات تنزیل شده طلبکار است تخصیص داده خواهد شد مبلغی که بقران است بنرخ روز تبدیل بمنات خواهد گشت .

ب - بانك استقراضی ایران بعهده میگیرد که کلیهٔ قروض و دیون دولت علیهٔ ایران را که قبل از قرارداد حاضر دربازار انگلیس و توسط بانك شاهنشاهی ایران صورت گرفته است و مخصوصاً قرضه ۶٪ ۱۸۹۲ را که از انگلیس شده و مساعده تقریباً دو ملیون و نیم قرانی را که بانك شاهنشاهی ایران پرداخته است اصلاً وفرعاً از مبلغ خالص قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا به لیرهٔ انگلیس و بنرخ برات تلگرافی لندن در بورس پطرزبورغ حساب کرده کسر گذارد و بطلبکاران تادیه نماید .

دولت علیهٔ ایران صورت کامل این قروض ودیون را رسماً ببانك استقراضی تسلیم خواهد نمود وبرطبق همین قرار داد ملتزم میشود که کلیهٔ قروض و دیون مزبوره را درظرف مدتی که منتها تا اول ژانویه ۱۹۰۱ باشد توسط بانك استقراضی ایران بپردازد .

ج - باقیماندهٔ مبلغ خالص قرضه بیکی از شقوق ذیل تحویل دولت علیه ایران خواهد شد :

۱ - خواه درسن پطرزبورغ باسند های اعتبار یاباشمشهای نقره که بمیل دولت علیهٔ ایران توسط بانك خریداری شود وحق العمل معمولی خود را ازآن بابت دریافت دارد .

۲ - خواه در طهران ایضاً باسند های اعتبار یاباشمش های نقره مخارج ارسال سند های اعتبار بعهدهٔ بانك استقراضی ایران است . ولی مخارج حمل و نقل شمشهای نقره بعهدهٔ دولت علیه ایران میباشد .

۳ - خواه بابرواتی که بعهدهٔ لندن وپاریس و برلن باشهرهای روسیه باستثنای سن پطرزبورغ بانك استقراضی ایران خواهد داد وحق العمل معمولی خودرا دریافت خواهد داشت .

تادیهٔ باقیماندهٔ مبلغ قرضه بچهار قسط هریك بفاصلهٔ یکماه انجام خواهد یافت قسط اول ۱٬۸۷۵٬۰۰۰ ملیون منات فوری پس ازامضاء قرارداد حاضر و سه قسط دیگر متساویاً

فصل دهم - جهة محاسبهٔ مذکوره در فصل نهم بانك استقراضی ایران یك حساب جاری باسم دولت علیه ایران باسود ۴٪ در سال بازخواهد نمود که از یك طرف مبلغ خالص قرضه را در دائنی دولت علیه و از طرف دیگر آنچه را که بابت استهلاك قروض دولت علیه بپردازد یا مستقیما تسلیم نماید بمدیونی دولت علیه ایران از روز تاریخ اسناد متقابله ثبت خواهد کرد .

فصل یازدهم - بانك استقراضی ایران ملتزم میشود از تاریخیکه دولت علیه ایران معین نماید ببانك شاهنشاهی ایران اطلاع دهد که پرداخت سرمایهٔ اسمی قرضه انگلیسی ۶٪ ۱۸۹۲ را که اصلاً ۵۰۰٬۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی (فصل ۹) بوده و همچنین هر قرض و هردین دیگری که دولت بتوسط بانك شاهنشاهی ایران دارد خود بانك استقراضی ایران عهده دار میشود .*

اسناد قرضهٔ انگلیسی ۶٪ ۱۸۹۲ که مستهلك شود مطابق معمول بوسیلهٔ بانك باطل شده وبتدریج که استهلاك میشود باختیار دولت علیه ایران گذاشته خواهد شد .

فصل دوازدهم - برای آنکه بانك استقراضی ایران بتواند وجوهی را که مطابق قرارداد حاضر بدولت علیه قرض داده است بحیطهٔ وصول درآورد حق خواهد داشت بشرائط ذیل اسهام یك قرضهٔ ایرانی منتشر سازد :

ا - قرضهٔ ایران بضمانت دولت بهیهٔ روسیه خواهد بود .

ب - مبلغ اسمی قرضه که ضمانت میشود و نرخ ربح آن بتوسط بانك

* (یك عبارت ناقص است ونمیشود ترجمه کرد لذا حذف شد)

استقراضی ایران معین خواهد شد مشروط برانکه مبلغ خالص قرضه از باقیماندهٔ مستهلك نشدهٔ قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا تجاوز ننماید و مدت استهلاك آن نیز از مدت قطعی که برای استهلاك قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا مقرر است بیشتر نشود .

ج ـ مبلغ اسهام بمنات معین خواهد شد و معادل آن بپول خارجه و نرخیکه برای قرضه هاي دولت بهیه روسیه مقرر است نیز قید خواهد گشت .

د ـ اسهام وکوپن های قرضه ازهرنوع مالیـات وعوارض ایرانی بالمدام معاف خواهد بود .

هـ ـ سایر جزئیات راجع بانتشار اسهام قرضه و ترتیبات متعلقه بآن توسط و بعمل بانك استقراضی ایران صورت خواهد گرفت

و ـ از آنجا که بانك استقراضی ایران تمام مخارج اقدام و اداره نمودن قرضهٔ ایران را که دولت بهیهٔ روسیه ضمانت خواهد نمود بعهدهٔ خود میگیرد اقدام بقرضهٔ مزبور تعهدات دولت علیه ایران را که در این قرار داد مصرح و راجع است بقرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا بهیچوجه تغییر نخواهد داد

فصل سیزدهم ـ دولت علیهٔ ایران اختیار دارد که قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا را از تاریخ اول ژانویه ۱۹۱۰ قبل از اکمال مدت باقیه قبلا پرداخت نماید مشروط بر آنکه ششماه قبل بانك استقراضي ایران را از قصد خود مطلع سازد .

در اینصورت بانك استقراضی ایران مختار خواهد بود که بقیهٔ قرضهٔ ایرانی ضمانت شدهٔ دولت بهیهٔ روسیه را همان وقت مستهلك سازد یا آنکه تا آخر مدت معینه آن معامله را بعهدهٔ خود گرفته و در جریان نگه دارد بدون آنکه از آن بابت قرضي بعهدهٔ دولت علیه تعلق گیرد

فصل چهاردهم ـ تا استهلاك کامل وتمامي قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا دولت علیه ایران بدون موافقت مقدم دولت بهیهٔ روسیه اقدام بهیچ

نوع قرضهٔ خارجی نخواهد کرد

فصل پانزدهم ـ حل اختلافاتی که در اجرای قرار داد حاضر حاصل شود با موافقت دولتین روسیه و ایران خواهد بود

فصل شانزدهم ـ قرار داد حاضر دردو نسخهٔ تحریر شده که یکی از آنها برای دولت علیهٔ ایران است و دیگری برای بانك استقراضی ایران و هر دو نسخهٔ از تادیه هرمالیات تمبرروسی و ایرانی معاف میباشد ژانویه (۱۹۰۰)

این قرار داد و مقاوله های دیگرسلاطین قاجاریه ازقبیل امتیاز رژی وغیره زمینهٔ خاطرات این سلسله رانشان واثبات مینماید که یك نوع مزاحمتی درظاهر و باطن بااصول استقلال واصلاحات اساسی داشته وهمیشه بامنافع ملت ومملکت مقاومت می نمودنداین بود که نیّات استقلال وترقی پروانهٔ عامل پیش آمد تاریخی حوت ۹۹ سعی میکرد پرده اوهام متکاسفه رادریده و حقیقت روشن زندگانی را بنظر ملت ایران جلوه داده وافکار رابسوی حقایق سوق بدهد ویك زندگانی متحدالشکل اداری را بتمام معنی درملت ایران ایجاد نماید ودربار قاجاریه در برابر یك چنین مقصدی جزاخلال افکار وتخدیش اذهان بادست همان عوامل دیرینهٔ خود هیچگونه وسیلهٔ تدافعی نداشتند علاوه ازنیّات این عامل مؤثرحیات جدید هراندازه زمانه ایرانی را میخواست با قانون تبدلات یعنی توافق با احتیاجات جدیده توام نماید دربار قاجاریه نیز قانون توارث رابچشم ایرانی میکشید ونمی گذاشت از اوهام منفصل وبحقایق متصل گردد و ملت ایران در فشار دو اصطکاك گیر کرده بود ومیخواست ازگذشته جدا گردد ولی با تأثر موهوم و به آینده ملحق شود ولی با نگرانی آنطوریکه بشر از بدو طلوع خود تا به امروز در روی همین فلسفه سیر کرده وتمام موفقیت های محیرالعقول را در نتیجهٔ این جزرومد پیدا کرده است

مبارزهٔ این دوقوه روی هم رفته افکار را مستعدّ خلجان نموده وزمینه را برای ظهوریك حادثهٔ آماده کرده بودکه ناگاه دربارپیش دستی گرفت وعلت شبیخونی زد!.

وسقاخانهٔ چهارراه شیخ هادی معجزه کرد !. و مستر (امبری) ویس قونسول امریکا کشته شد !ـ وطهران دراین ساعت در صفحهٔ تاریخ ما موسوم به (طهران مخوف) گردید وقوع یك چنین حادثهٔ فجیع که طبقهٔ منورالفکر را هراسناك و در برابر آن شهامت تاریخی ملی ایرانی میرفت سرافکنده گردد پهلوی نیز تصمیم گرفت که در مقابل آن تدابیری اتخاذ نماید که ملل غرب خود بپاکی روح ایرانی اعتراف نموده وخود پیش آمدرا مطالعه و قضاوت نمایند
یکی از صاحب منصبان وفادار و صدیق خود (سرتیپ مرتضی خان)



(سرتیپ مرتضی خان)

را مامور دفع غائله وکشف حقیقت نمود و اجرای دو مقصد اساسی را دستور داد :

۱) کشف حقیقت وروشن کردن اساس پیش آمد در پیشگاه دنیای متمدن
۲) تائید وتحکیم شالودهٔ زندگانی اداری واجتماعی در جامعهٔ ایرانی

(یک نظر بتاریخ)

در تمام ادوار سیاسی تاریخ نشان نمیدهد که ایرانی بقدر سرموئی بحق مصونیت و ودادیه و احترامات مدنی وحدود سیاسی اتباع دول خارجه ومخصوصاً نسبت بمأمورین سیاسی خارجه تجاوزاتی کرده ویامرتکب ادنی نزاکتی بوده باشد

تقریباً نوزده سال ازعمر آزادی ایران میگذشت وتاطلوع کوکب سعادت پهلوی ایران همیشه در جزر و مدهای آنتریك داخلي و خارجی امواج حوادث سیاسی را ازسر خود میگذرانید و در این مدت مصونیت اتباع خارجه در ایران یکی از مسائل فوق العاده مهمّی بود که انظار دنیارا خیره ویکی از دلائل مثبتهٔ عظمت اخلاقی ملت ایران بشمار رفته است بااینکه در داخلهٔ ایران اتباع خارجه دست از آستین ترور بیرون آورده ودر وسط خیابان مثل صنیع الدوله را از پای درآوردند ایرانی دندان روی جگر نهاد !.

برای حقانیت و لیاقت خود در آرشیو وزارت امور خارجهٔ دول دوسیه تشکیل میداد و این معنی را اثبات مینمود که تاکنون بهیچ اسم و رسمی دولت ویاملت ایران از محور توازن سیاسی و حدود قوانین بین المللي نسبت بحقوق اتباع خارجه هیچگونه سوء قصدی نداشته وهمیشه دیگران را بنام دوستي پذیرفته و در دامان مودت و محبت پرورانیده است .

اگر بتاریخ زندگانی ملل معاصر مراجعه نمائیم و فقط راپورت های روزانهٔ آژانس های تلگرافی اروپا و روتر را از نظر بگذرانیم خواهیم دید که درمواقع حدوث انقلابات وهمچنین در اوقات عادی درهر مملکتی حقوق بسی از اتباع دول دیگر مورد مهاجمه و مصادمه واقع گردیده چه از حیث جسم وجان وچه از حیث مال ومنال چه بسیاری (جان

و مال و شرف و حقوق) اتباع دولتی. در داخله دولت دیگر دچار صدمات جبران ناپذیر وحیرت انگیز و عبرت آور گردیده است وهمیشه درسرلوحهٔ تاریخ زندگانی بشر این حوادث و فجایع ننگین و رقت آور بااقلام برجسته ثبت و در مخزن تاریخ ضبط گردیده است ـ فقط ایران است که با اخـلاق بزرگوارانه خود این حقوق را محترم شمرده است و تاکنون در هیچ زمانی از خط نزاکت و اخلاق قدمی فراتر ننهاده و دیگران را مقدم برخود داشته است .

آری تاریخ فراموش نمیکند ساعاتی را که تبریز درولولهٔ بمباردمان شبانه روزی اردو های جرّار محمد علی میرزا میگذرانید و زن و مرد از شدت قحطی و مجاعه باعلف خوارگی بسر میبردند و در همین حال هرچه از مواد غذائی پیدا مینمودند دودستی باتباع دول دیگر برسم مهمان نوازی تقدیم میکردند

رسم مهمان نوازی ایراني کار را بجائی رسانید که مستر (باسکر وویل) تبعهٔ دولت آمریك از تابعیت دولت آمریك استعفا داد و داخـل صفوف آزادیان و مجاهدین گردید و در جنك آزادی خواهان با اقبـال السلطنه ماکوئی کشته شد و آذربایجاني با پنجـاه هزار زن و مرد نعش او را تشییع و آمریکائی ها به عظمت اخلاقي ملت ایران امضا دادند این مسئله در تاریخ انقلاب ایران یکی از نکات فوق العاده بر جسته استکه تا کنون در هیچ ملتی و انقلابی اتفاق نیفتاده است .

با یك چنین مقدمات بی نظیر دست تحریکات دربار قاجاریه حادثهٔ ناگوار مستر (امبری) راایجاد نمود ! .

در ساعت حدوث این واقعه ایران و مخصوصاً طهران در اثر تحریکات محمد حسن میرزاي ولیعهد مخلوع و ایادی خائنانه که برای چند روزه دورهٔ کامرانی خود از محو و افنای هیچ ناموسی خود داری نداشتند درشدید

ترین مواقع بحران میگذرانید که متاسفانه تشریح چگونگی آن از موضوع این کتاب خارج است و الاّ مستندات آنرا از نظر قارئین میگذراندیم تا معلوم میگردید که ایادی خائنانه چگونه از مقامات مصون از تعرض آب را گل اندود مینمودند ؟! و چگونه باتش دامن میزدند !؟

در همین مواقع بود که صاحب منصب مزبور (سرتیپ مرتضی خان) از طرف فرمانده کل قوا (پهلوی) به حکومت نظامی طهران منصوب شد مشار الیه در مدت چند صباحی با استعداد و صمیمیتی که نسبت به مملکت و فرمانده خود داشت نقشهٔ حوادث را در برابر چشم خود گذاشته و با فکر روشن شروع بمطالعه نمود نه تنها بفاجعه خاتمه داد بلکه با بهترین طریق منویات فرماندهٔ کل (پهلوی) را بموقع اجرا و تظاهر گذاشت و عملاً این حقیقت را در محکمهٔ نظامی به نمایندهٔ دولت آمریك اثبات نمود که این پیش آمد زیاد تر از یك تحریك خارجی آنهم با دست خائنانهٔ دربار قاجاریه و شرکاء آن چیز دیگری نبوده و بطوری روابط ودادیه را در روی شالودهٔ محکمی گذاشت که از هر جهة در تاریخ سیاست ایران و دقائق حکومت مشار الیه وتصدی سرهنك محمد خان درگاهی رئیس نظمیه بوظایف مرجوعه بی‌نظیر بود وبتمام معنی حقائق را درپیشگاه دولت آمریك و سایر دول بطوری مکشوف و قضاوت منصفانه و بیطرفانهٔ محکمهٔ نظامی از اعدام و مجازات مسببین فاجعه دو اثر خاص ازخود بیادگار گذاشت یکی راجع به سیاست خارجی و دیگری راجع به سیاست داخلی

آنکه راجع بخارجیان بود این مسئله را تصدیق نمودند که این تراوش و حدوث یك چنین حادثه معلل به اغراض خارجی و ایادی خائنانهٔ دربار بوده و ملت ایران هیچگونه نظری نداشته است

و آنکه راجع به سیاست داخلی بود این شد که پس از حدوث این قضیه ملت ایران بسی متاسف و متأثر شدند و پس از آنکه پهلوی قضیه را حل و تسویه نمود توجهات حقیقی ملت بطرف این معنی متوجه گردید

که ایراني بایستی در تحت سر پرستی یك چنین شخص لایقی زندگانی متحد الشکلي را تعقیب و از مقاصد وطن پرستانهٔ او تقلید نماید ازهمین ساعت شروع کرد در جامعه و جماعت روح علاقمندی بوطن بنای اتساع گذاشته و بخود افراد ملت حق حاکمیت وجدانی در تقدیر شؤن اجتماعی داده وآنها را در تحلیل وقایع وپیدا کردن حق و تکیه گاه حقیقی حق قضاوت بدهد و از همین دقیقه دو روح با تمام قوه بنای تاثیر گذاشت یکی تنفر از ایادی خائنانه و دیگری قدر دانی از قوهٔ که لکهٔ ننك را از دامن ملیت ایراني زدود

تمام این خدمات بر جسته که با دست زمامدار وقت (والا حضرت پهلوی) خاتمه پذیرفت عوامل مخصوصی بودند در بیداری ملت ایران و تقلید از روح مخصوص که من بعد تمام پیش آمد های اجتماعی را مانند احکام نظامي تلقی نموده و مثل سرباز فداکار در انجام آن فدا کاری نمایند.

خوشبختانه اولین ساعتی که برای ارائه یك چنین حقیقت بمیان آمد عبارت از نشان دادن حق حاکمیت ملی و تعیین نماینده براي مجلس مؤسسان بود.

با یك چنین مقدمات و مطالعاتی ملت ایران وارد در مبارزه انتخابی گردیده و آخرین دقیقهٔ مدت پنج روزه توزیع تعرفه خاتمه یافت

حوزه های (پنجگانهٔ انتخابات در عمارت دار الفنون هر یك در اطاق مخصوصی جای گرفتند و بنای استخراج آراء را گذاشتند تمام نظار انجمن کار های شخصی را ترك و منازل خود را فراموش شام و نهار خود رانیز

در سر میز ادای وظیفهٔ ملّی خود صرف کرده و بدون ادنی غفلتی خدمات



(هیئت نظار در سر نهار)

ملی خود را خاتمه دادند و در نتیجه اعلان ذیل منتشر شد

(اعلان از طرف حکومت طهران)

مطابق مادهٔ ۳۹ و ۴۱ قانون انتخابات برای اطلاع عموم اعلان میشود که نه ساعت بعد از ظهر یوم پنج شنبه ۵ آذر ماه ۱۳۰۴ استخراج آراء حوزهٔ انتخابیهٔ طهران خاتمه یافت و ۲۴ نفر آقایان مفصلة الاسامی با آراء ذیل به نمایندگی مجلس مؤسسان انتخاب شده اند

۱ ــ آقای احتشام زاده (۲۲۸۷۶) رأی

۲ ــ آقای میرزا علی اکبر خان داور (۲۱۵۵۷) «

۳ ــ آقای حاجی حسین آقا (امین الضرب) (۲۱۳۸۵) «

۴ ــ آقای آقا ضیاء الدین نوری (۲۱۳۷۹) «

۵ ـ آقای حاجی سید ابوالقاسم کاشانی	(۲۰۲۷۳ »
۶ ـ آقای تدین	(۲۰۱۳۷ »
۷ ـ آقای آیة الله زاده شیرازی	(۱۹۹۵۳ »
۸ ـ آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی	(۱۹۷۹۲ »
۹ ـ آقای حاجی رحیم آقا قزوینی	(۱۹۶۵۳ »
۱۰ ـ آقای دکتر مهدیخان ملك زاده	(۱۹۵۹۱ »
۱۱ ـ آقای میرزا ابوطالب اسلامیه	(۱۹۰۰۱ »
۱۲ ـ آقای میرزا حسینخان سمیعی (ادیب السلطنه)	(۱۸۹۳۹ »
۱۳ ـ آقای نظام الدین خان حکمت (مشار الدوله)	(۱۸۷۷۶ »
۱٤ ـ آقای آقا شیخ حسین یزدی	(۱۸۵۳۵ »
۱۵ ـ آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی	(۱۸۲٤۳ »
۱۶ ـ آقای سلیمان میرزا	(۱۷۸٤۵ »
۱۷ ـ آقای حاجی سید محمد اسلامبولچی	(۱۷۱۱۷ »
۱۸ ـ آقای میرزا جواد خان دهدشتی (امیر همایون)	(۱۷۰۹۰ »
۱۹ ـ آقای میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن الملك)	(۱۶۳۷۷ »
۲۰ ـ آقای سلطان احمد خان راد (معتمد الممالك)	(۱۵۲٤۸ »
۲۱ ـ آقای نقیب زاده تبریزی	(۱۵۱۸۸ »
۲۲ ـ آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی	(۱۱۷۸۶ »
۲۳ ـ آقای آقا سید عبدالرحیم کاشانی	(۱۱۱٤۶ »
۲٤ ـ آقای میرزا عبدالحسین نیك پور	(۱۰۷۰٤ »

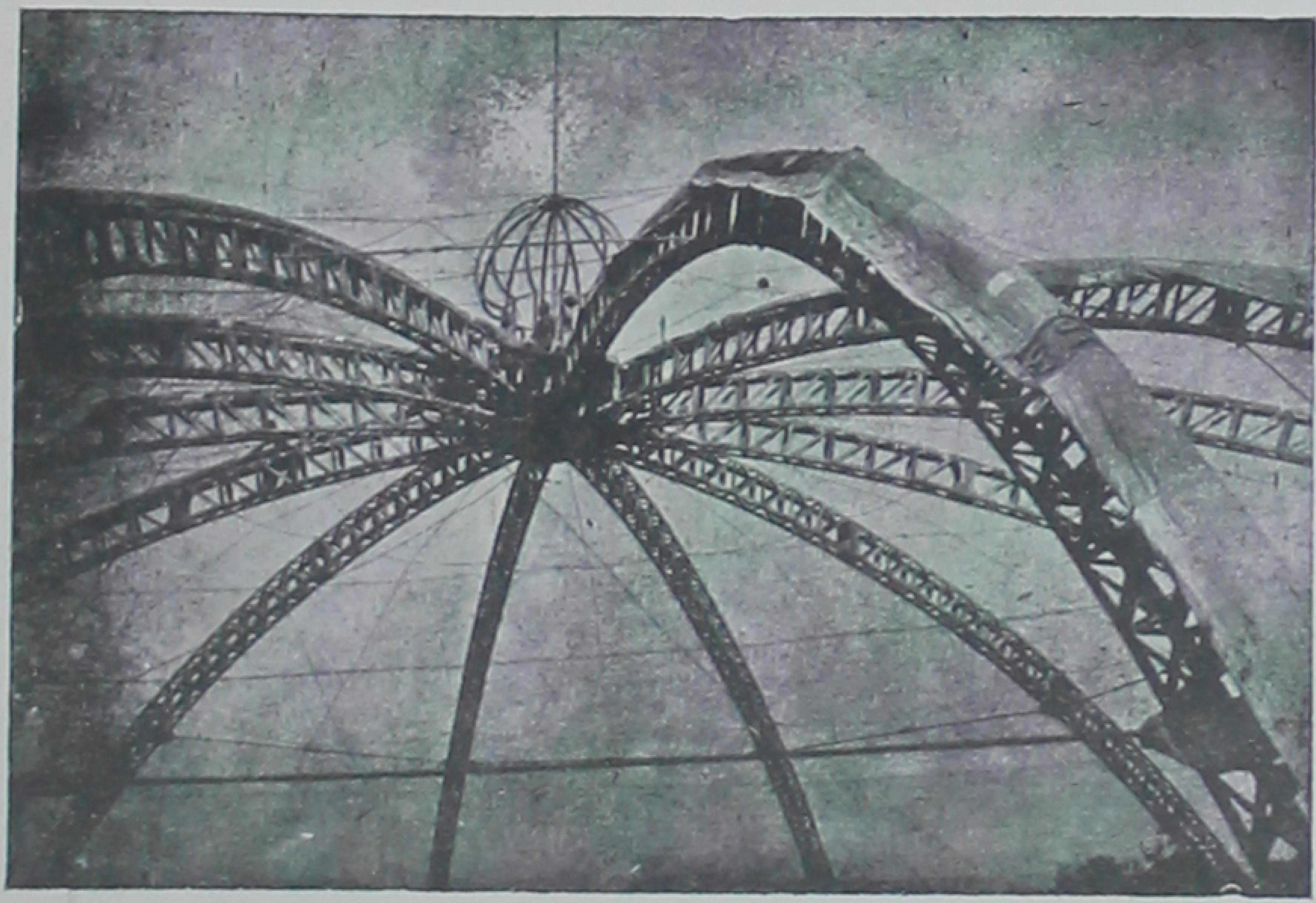
چنانچه کسی شکایتی داشته باشد در ظرف یك هفته از تاریخ این اعلان به انجمن نظارت مرکزی (در عمارت مدرسهٔ دارالفنون) مراجعه کند

۶ آذر ماه ۱۳۰٤

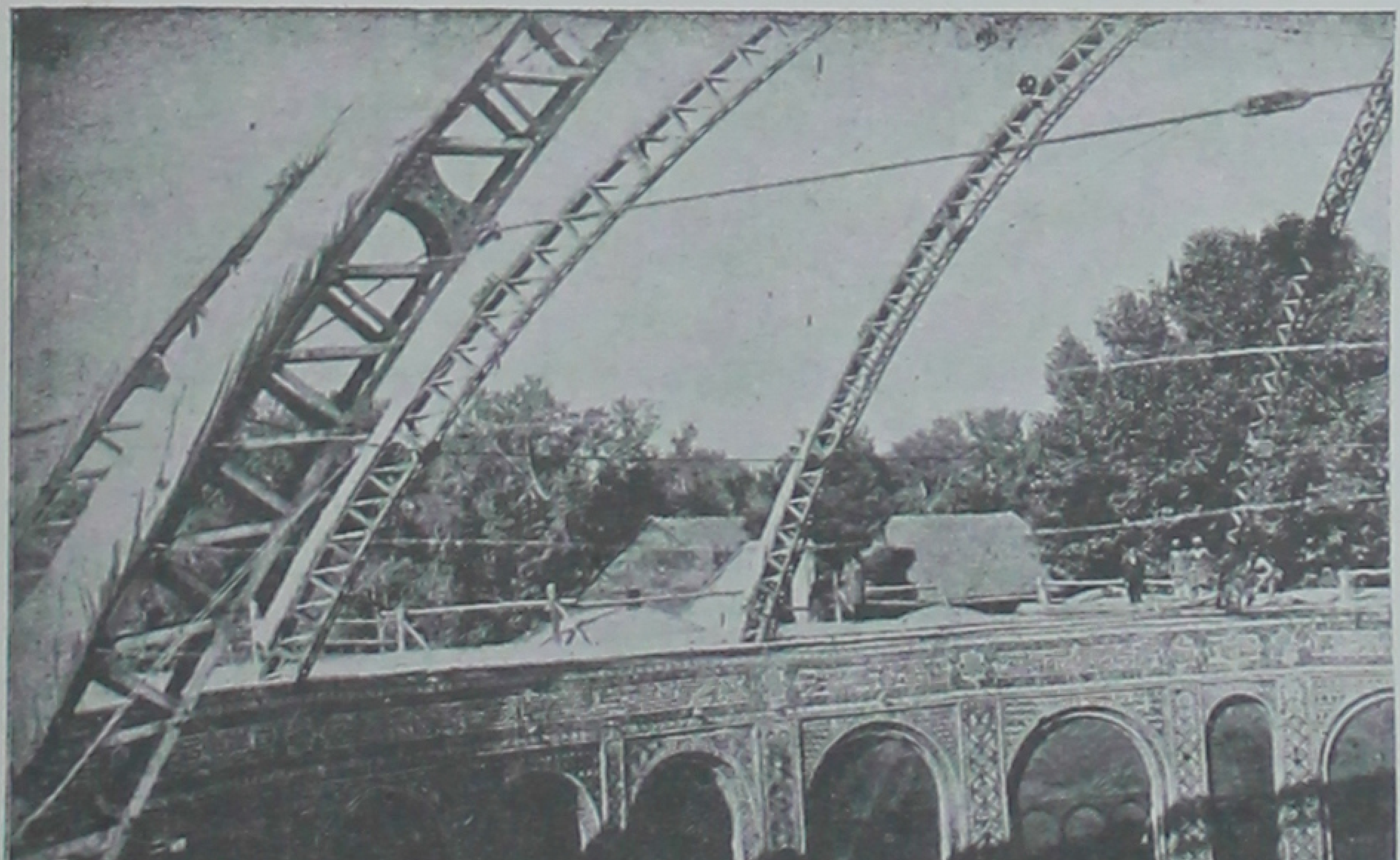
حکومت طهران عبدالله امیر طهماسب

☆☆☆

متعلق بصفحهٔ ۴۲۹

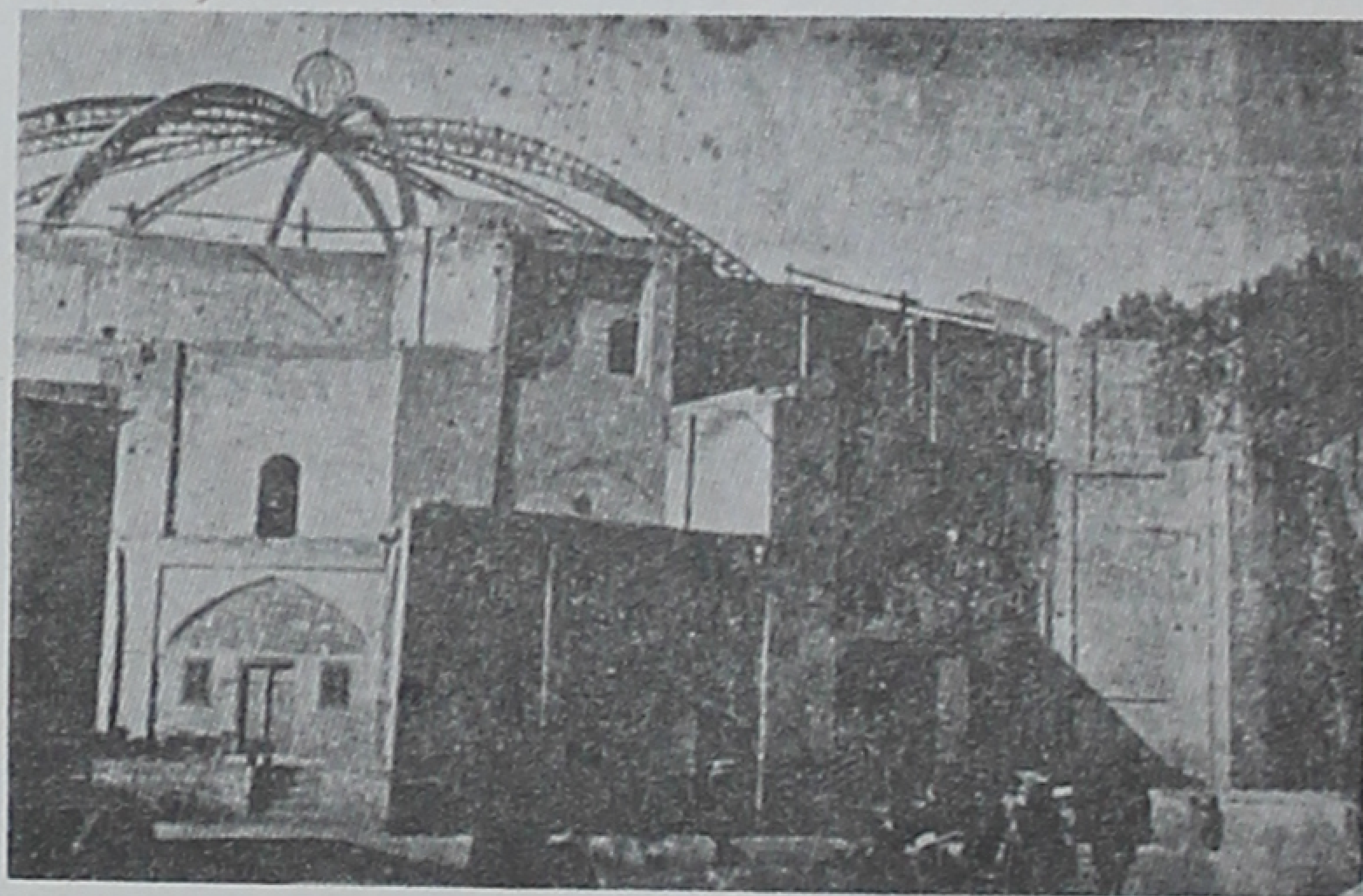


(منظرهٔ داخلي يك قسمت از تكيهٔ دولت)



(منظرهٔ طاق آهنين تكيهٔ دولت و يك قطعه چادر در روی طاق)

(تکیهٔ دولت)



(منظرهٔ خارجی تکیهٔ دولت) ☆*☆

سابقا بطور اجمال گوشزد کرده ایم که سعادت و شقاوت یك حظ ونصیب عمومی است و اختصاصی به جنس دو پا ندارد نهایت ارادهٔ انسان در فراهم آوردن تظاهرات خواص و حاق اشیاء دخالت تامه دارد.

روزکاری این تکیهٔ دولت فقط براي عیاشی و خوشگذرانی و بد اخلاقي و شهوت رانی تاسیس شده بود و یکی از جرائم غیر قابل عفو آل قاجار این بود که از نقطهٔ نظر بد اخلاقی و اینکه معتقد بهیچ اصلی درزندکانی غیر ازشهوت رانی نبودند در یك جامعهٔ کور وکر ٭ متعصب باصول دیانت دست اندازی کرده و شیوهٔ تعزیه (شبیه) را پیش کشیدند و ضربهٔ غیر قابل التیامی به دیانت وارد نمودند و توهین شدیدی بشهداء آئین پاك واصول حقهٔ اسلامی وارد آوردند که روح اسلام و صاحب شریعت از این سلسله و عملیات ننگین دیانت بر باد ده آنان بیزار بود و بالجمله تکیهٔ دولت ساخته شد و هر روز هزاران ناموس های بر باد رفته و شرافت های لکه دار شده از این تکیه خارج میشدند و ایرانی حمیده اخلاق را مبدل به نکوهیده حالي نمودند !ـ رفتند و یك روزکار ننگینی باقی گذاشتند که خلقت باین سلسله لعنت و طبیعت بانها نفرین میکنند!

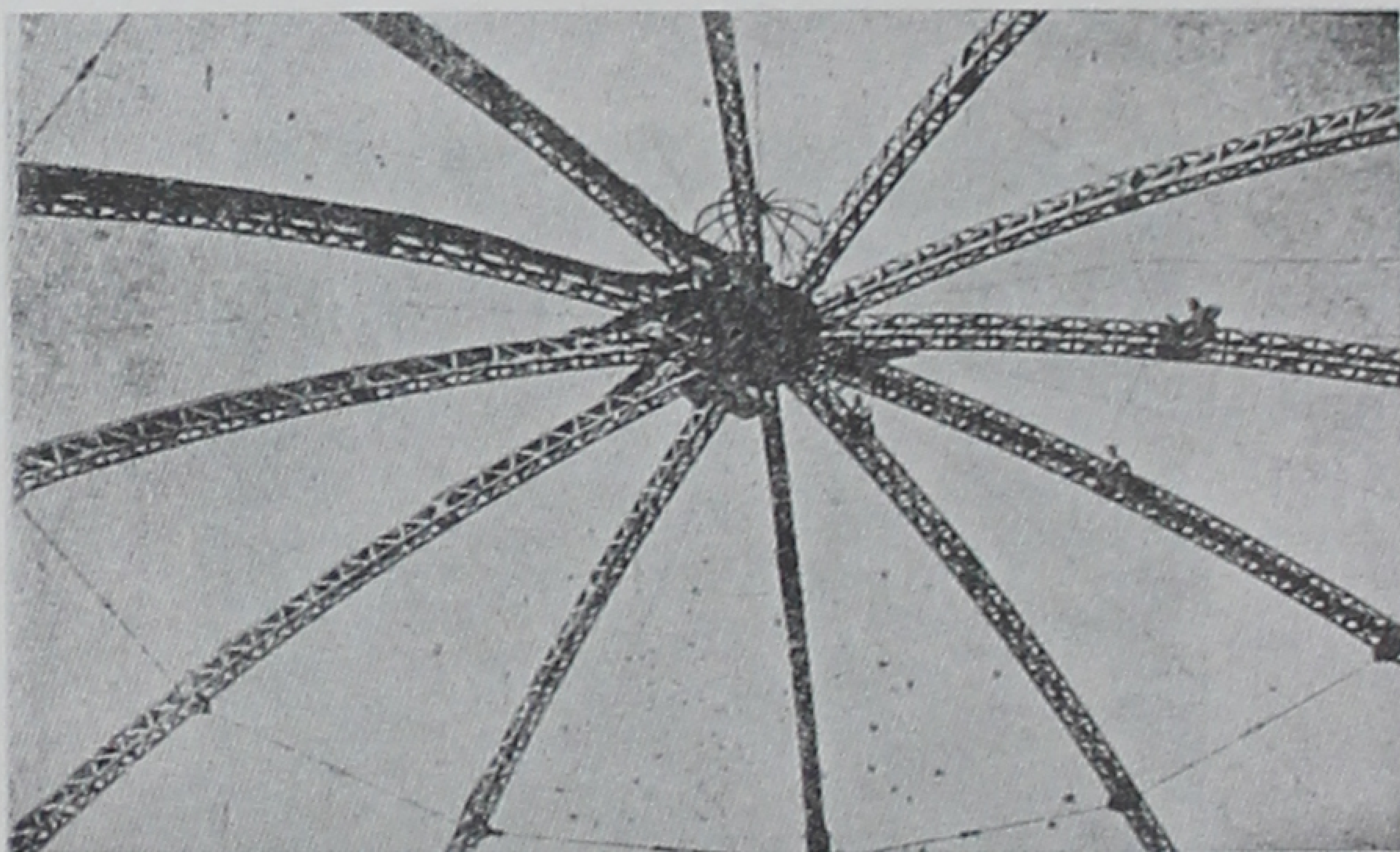
ارادهٔ شوم قاجاریه بخت و نصیب یك چنین بنای عالی را واژگون ومنفورترین ابنیه در نظر متفکرین کرده بود تا روزکار خواست ایرانی را اززیرلکهٔ تاریخی بدر آورد (پهلوی) را پیش کشید وبحکم لیاقت و عزم واراده فرمان داد که برای نجات ایران پیش برود و در سال ۱۳۰۲ در اثر ارادهٔ این مرد تاریخی این بنای کذائی یکدفعه مبدل به نمایشگاه امتعهٔ وطنی گردید و دنیا را بطرف خود جلب وهرکس پا بداخلهٔ این بنانهاد نفرین بروح مؤسس این سلسلهٔ شوم کرد و یکدفعه خلجانی درفکرپیدا نمود و از روی قضاوت در برابر (پهلوی) زانو زد و از جان و دل باین نکته ایمان آورد که برای نجات ایران و سر پرستی ایرانی فقط یك چنین شخصی لازم است وبس

در تاریخ اقتصاد و اجتماع اولین وقتی که اکسپوزیسیون در ایران تشکیل شد در همین بنا و از اثر افکار عالیهٔ سردار سپه آنروزه و اعلیحضرت شاهنشاه امروزه (رضا شاه پهلوی) بود

از این ساعت عفریت نفرت و پلیدی ازاین بنا فرار کرد وافکار بتقدیس و تعمیر و پایداری آن معطوف خود بنا نیز با زبان حال از این حق‌شناسی و نوازش روزکار با سعادت وخرمی را بملت ایران‌و شخص (سردار سپه) وعده میداد و ضمنا اعتراف مینمود که ذمه دار عوض خوب و رهین احسان حق شناسانه است

دیری نگذشت وموقع ادای دین دررسید:

این بنا که از زمان ایجادش تا کنون مذبح اخلاق بود وبا یك قیافهٔ شرمگین سر بزیر انداخته و طاق های آهنینش که مانند تار عنکبوت

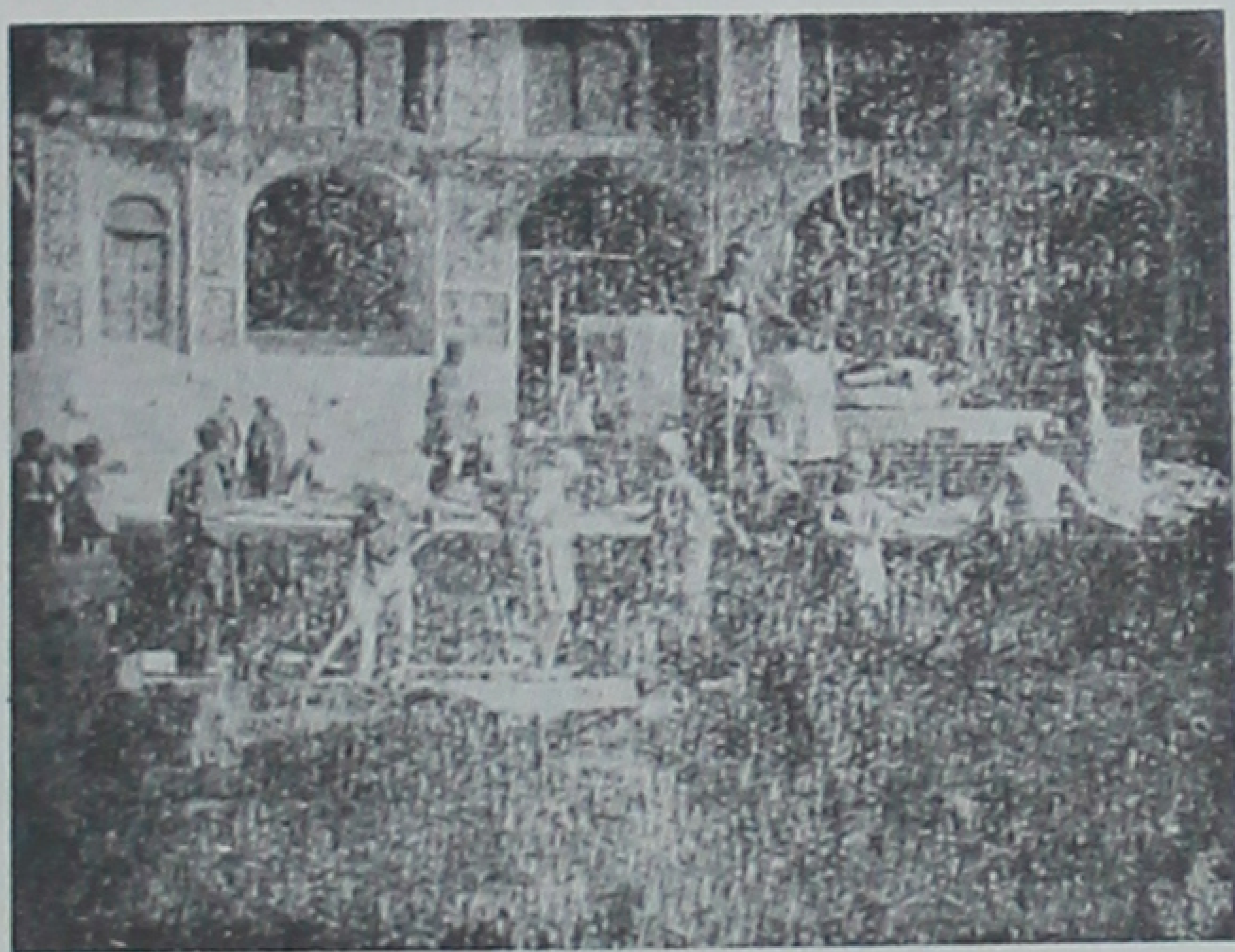


دامگه شکار نوامیس ملت ایران بود رفت که خودآرائی نماید وبا زیباترین چهره در منظر نمایندکان تمام دول و تمام طبقات نمایش حقیقت خودرا داده باشد لازم بود مدیون با لباس رسمي در پیشگاه محکمه وجدان و منظر تماشائیان قرض خود را ادا نماید
ارباب کیخسرو که تاریخ او را می شناسد مامور اصلاح و ترمیم وتزئین



(عمله وبنا در حال تعمیرتکیه دولت)

ن گردید و در ظرف چند روز خرابي ها آباد و نواقص اصلاح شد



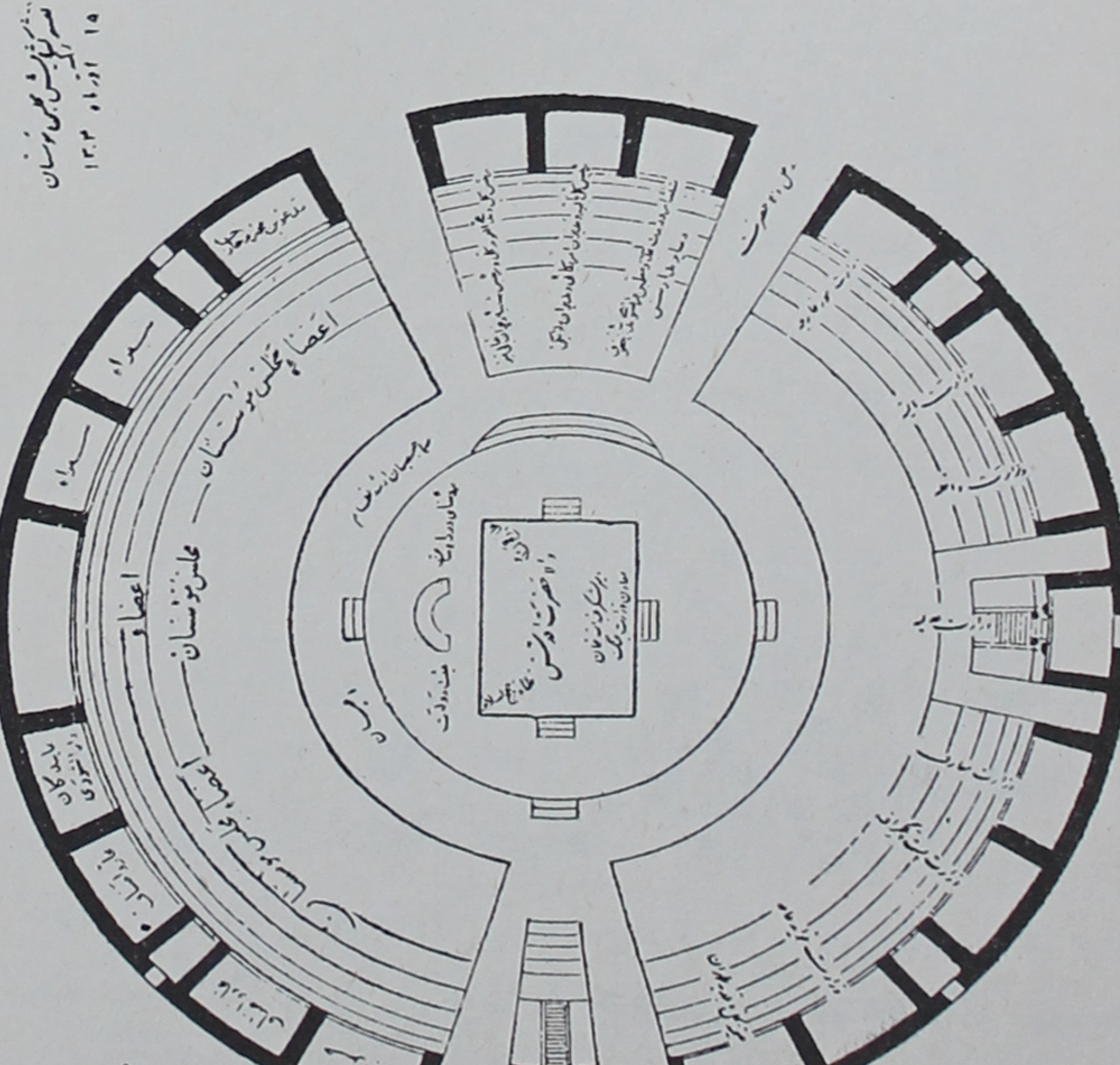
(تکیهٔ دولت در حال تعمیر)

دست طبیعت مدتی بود سرپوش ازروی اسرار روحیات قاجاریه برداشته و گذارشات فجیعشان را بازاری کرده بود و بی گناهان نیز آلودهٔ جرایم آنها شده بودند اینك دارد به بی گناهی این بنا پرده کشیده و این حقیقت را اثبات میکند که بنا تقصیری نداشته‌و اراده های شهوانی بشر بوده که وسائل را سوء استعمال کرده‌است و بالجمله چادر بروی آن کشیده شد



(منظره یك قسمت از طاق آهنین که بروی آن چادر میکشند)

شهر ها بسته شد و در و دیوار زینت گردید اعلان افتتاح برای روز (یکشنبهٔ پانزدهم آذر ماه) برای دوساعت بعد از ظهر منتشر شد و جایگاه مأمورین داخله و خارجه و تماشاچیان ومدعوین از هر طبقه و نمایندگان مطابق جدول ذیل تعیین گردید



ودر رأس تمام قضایا خط سیر موکبهٔ والاحضرت پهلوی بود که چگونگی‌را مطابق پروگرام مخصوص (بنام آئین گشایش مجلس مؤسسان) ملاحظه خواهید کرد

(آئین گشایش مجلس مؤسسان از طرف ذیشرف بندگان
(والا حضرت اقدس رضا خان پهلوي رئیس حکومت)
(موقتی مملکت دامت عظمته)

چون برحسب ارادهٔ بندگان والا حضرت اقدس دامت عظمته مجلس مؤسسان رز یکشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۰٤ افتتاح می یابد ترتیبات ذیل برای مراسم تشریفات روز مزبور مقرر میگردد :

﴿ ۱ - خط عبور ﴾

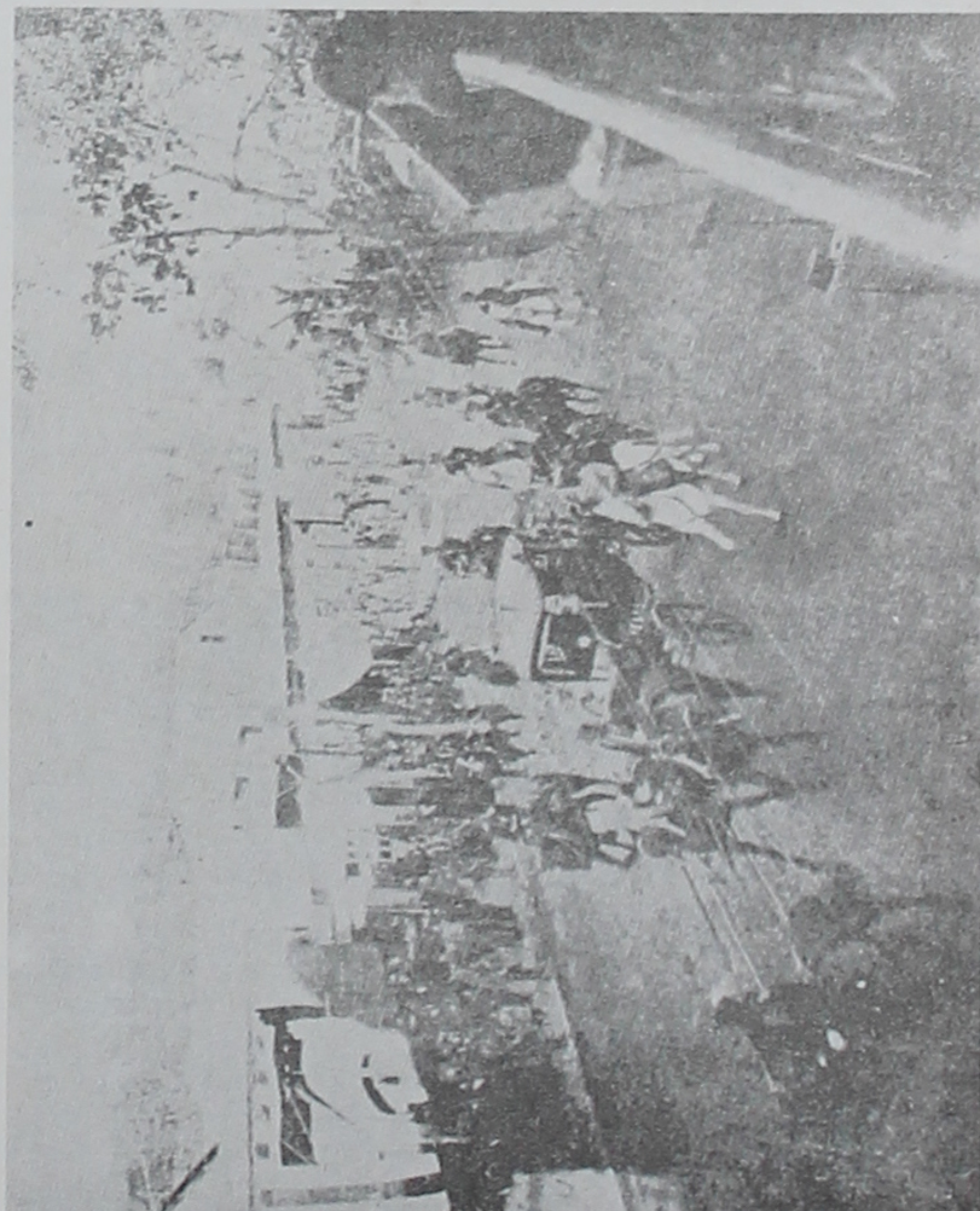
موکب مسعود والاحضرت اقدس دامت عظمته از خیابان سپه - میدان سپه - خیابان باب همیون - خیابان میدان ارك - و باغ وزارت فواید عامه بمجلس مؤسسان نزول اجلال میفرمایند .

(۲ - ترتیب حرکت موکب مسعود)

۱ - روز یکشنبه ۱۵ آذرماه یکساعت بعد ازظهر قوای نظامی در معبر موکب مسعود والا از درب منزل شخصي تادرب باغ وزارت فوائد عامه به ترتیبی که وزارت جنك معین خواهند کرد از دوطرف خواهند ایستاد و گارد مخصوص و شاگردان ارشد مدارس نظام در باغ وزارت فوائد عامه که مدخل موکب والاحضرت اقدس دامت عظمته بمجلس مؤسسان میباشد صف خواهند کشید

موکت مسعود بترتیب ذیل حرکت خواهند فرمود:

آژان سوار	۵۰ نفر
امنیه	۲۰ نفر
سوار نیزه دار	۱۰۰ نفر



امیر لشکر عبدالله خان امیر طهماسب امیر لشکر احمد آقا خان رئیس امنیه

سرتیپ امان الله میرزا رئیس ارکان حرب علی آقاخان نقدی امیر لشکر

سرتیپ مرتضی خان فرماندهٔ لشکر مرکز امیر لشکر محمد خان

امیر لشکر خدایار خان با بیرق سلطنتی

۱ ـ سرهنگ کریم آقا خان بوزرجمهری ۲ ـ سرهنگ محمد خان درگاهی

کفیل بلدیه ـ رئیس نظمیه

گارد ۱۰۰ نفر

۲ ـ دوساعت بعد از ظهر موکب مسعود والاحضرت اقدس دامت عظمته به ترتیب فوق بطرف مجلس مؤسسان حرکت خواهند فرمود .

در موقع سوار شدن یك تیر توپ ـ در ورود بمیدان سپه سه تیر توپ ـ و ورود بمجلس یك تیر توپ شلیك خواهد شد

(۳ ـ ترتیب ورود موکب مسعود و اجرای مراسم)

(افتتاح مجلس مؤسسان)

۱ ـ ورود موکب مسعود بباغ وزارت فوائد عامه درساعت دو وبیست دقیقه بعد از ظهر خواهد بود (فقط حامل بیرق سلطنتی سواره درعقب کالسکه وارد باغ میشود)

ب ـ هیئت وزراء درجلو اطاق مخصوص حاضر خواهند بود والاحضرت اقدس دامت عظمته بعد از ورود بمجلس ده دقیقه در اطاق مخصوص استراحت فرموده ملتزمین رکاب که دعوت بحضور در مجلس مؤسسان شده اند داخل اطاق رسمی مجلس گردیده درجای خود قرار میگیرند

ج ـ مدعوین محترم قبلاً در جاهائیکه برای آنها معین شده مطابق نقشهٔ منضمّه قرار میگیرند .

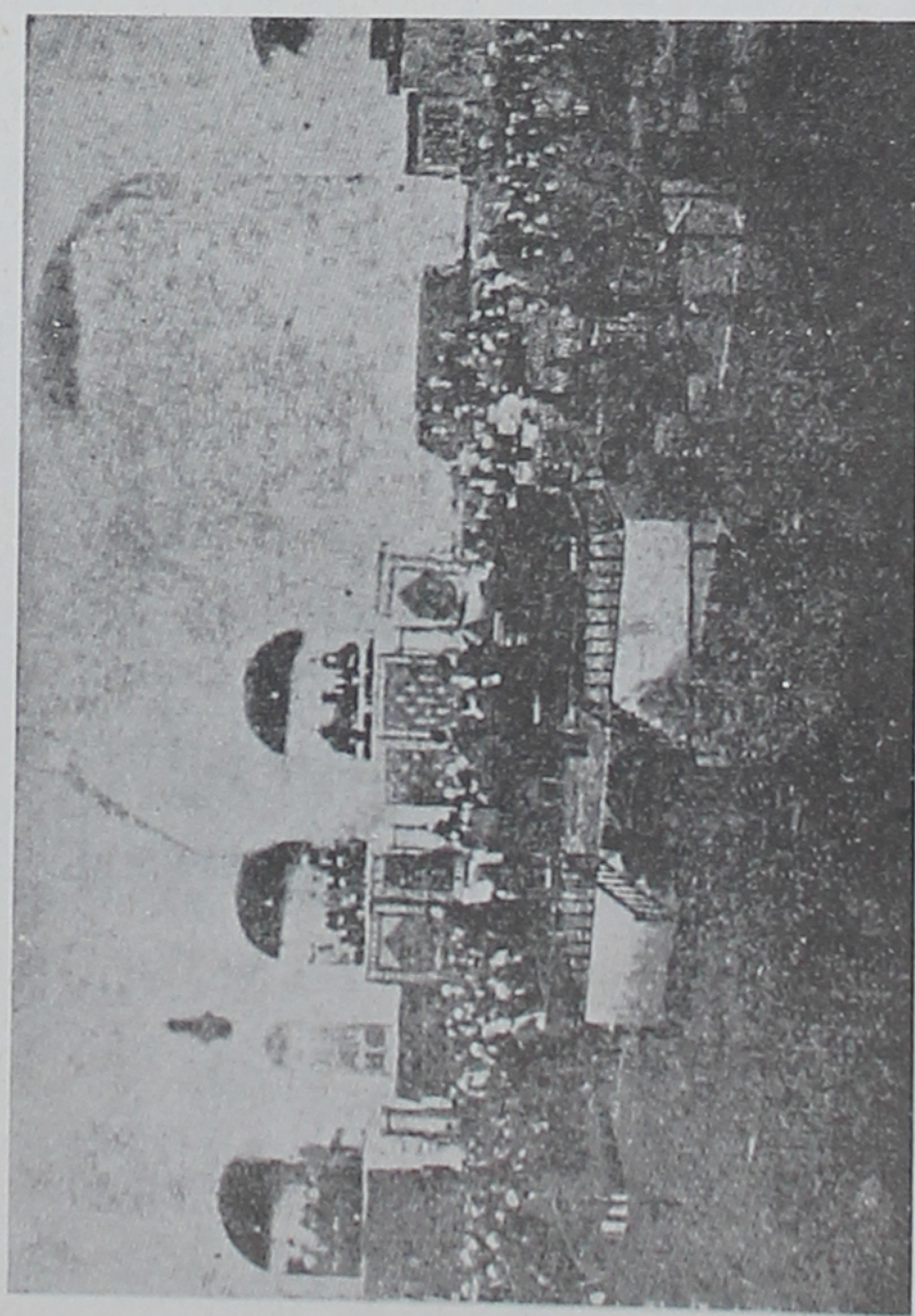
د ـ مقارن دوساعت و نیم بعد از ظهر آقای جم ورود والاحضرت اقدس دامت عظمته را باطاق مجلس اعلام نموده در اینموقع عموم حضار قیام می نمایند .

والاحضرت اقدس دامت عظمته درجلوی میز مخصوص تشریف فرما شده نطق افتتاحیه را بیان خواهند فرمود . درموقع ورود والاحضرت اقدس

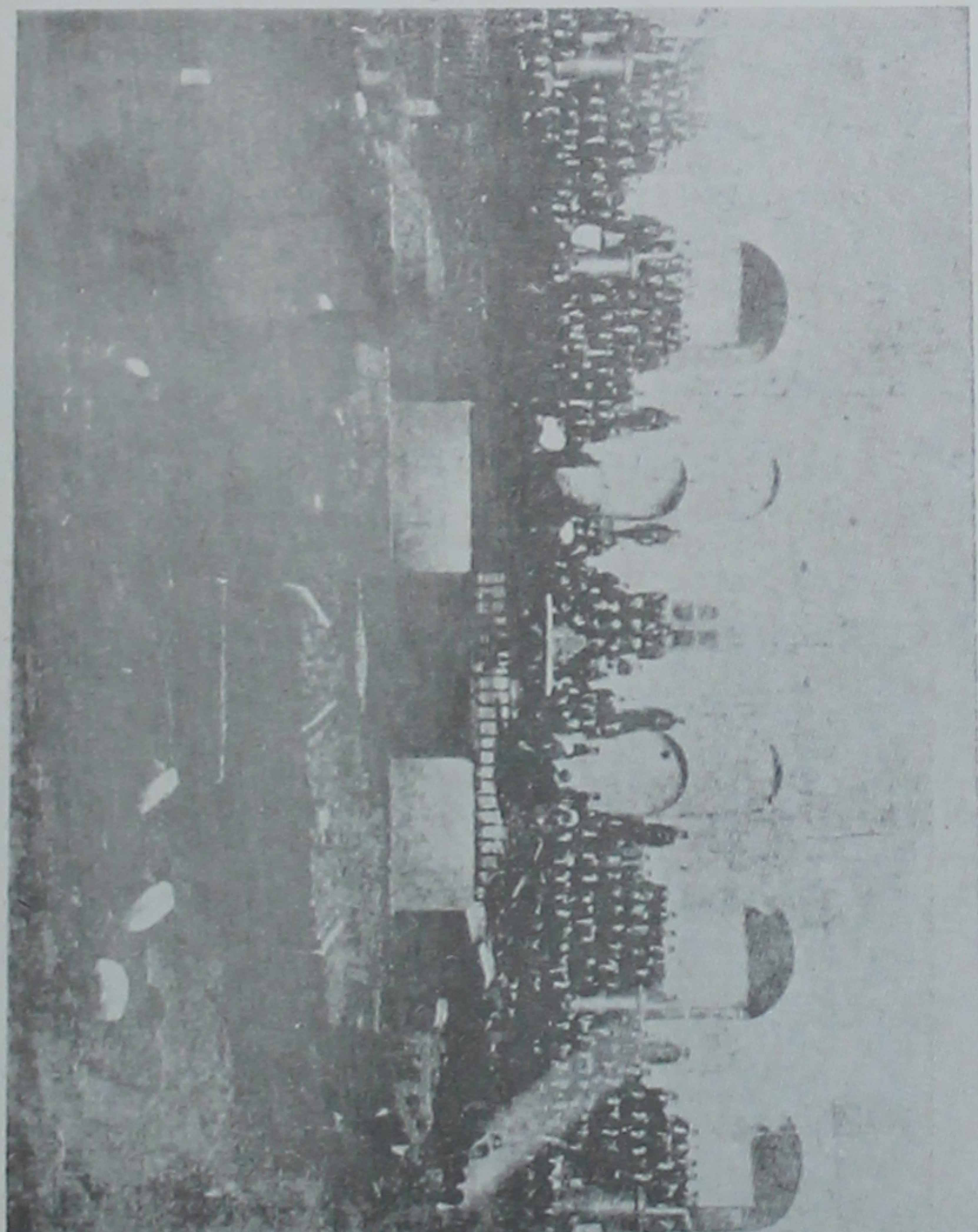
بعمارت مجلس بیرق مخصوص سلطنتی بالای عمارت کشیده و در موقع نطق چهارده تیر توپ شلیك میشود .

ه ـ بلافاصله بعد از اتمام نطق والاحضرت اقدس دامت عظمته مجدداً باطاق مخصوص تشریف فرما شده پس از قدری تأمل بترتیبی که تشریف آورده بودند مراجعت فرموده هنگام حرکت از مجلس یك تیر توپ و در موقع ورود بعمارت شخصی یك تیر توپ دیگر شلیك میشود

(کفیل ریاست وزراء فروغي محمد علی)



(منظرهٔ مجلس مؤسسان)



(مجلس مؤسسان در حال انتظار)

(نطق افتتاحیهٔ والاحضرت پهلوی)

بتاریخ ۱۵ آذر ۱۳۰۴

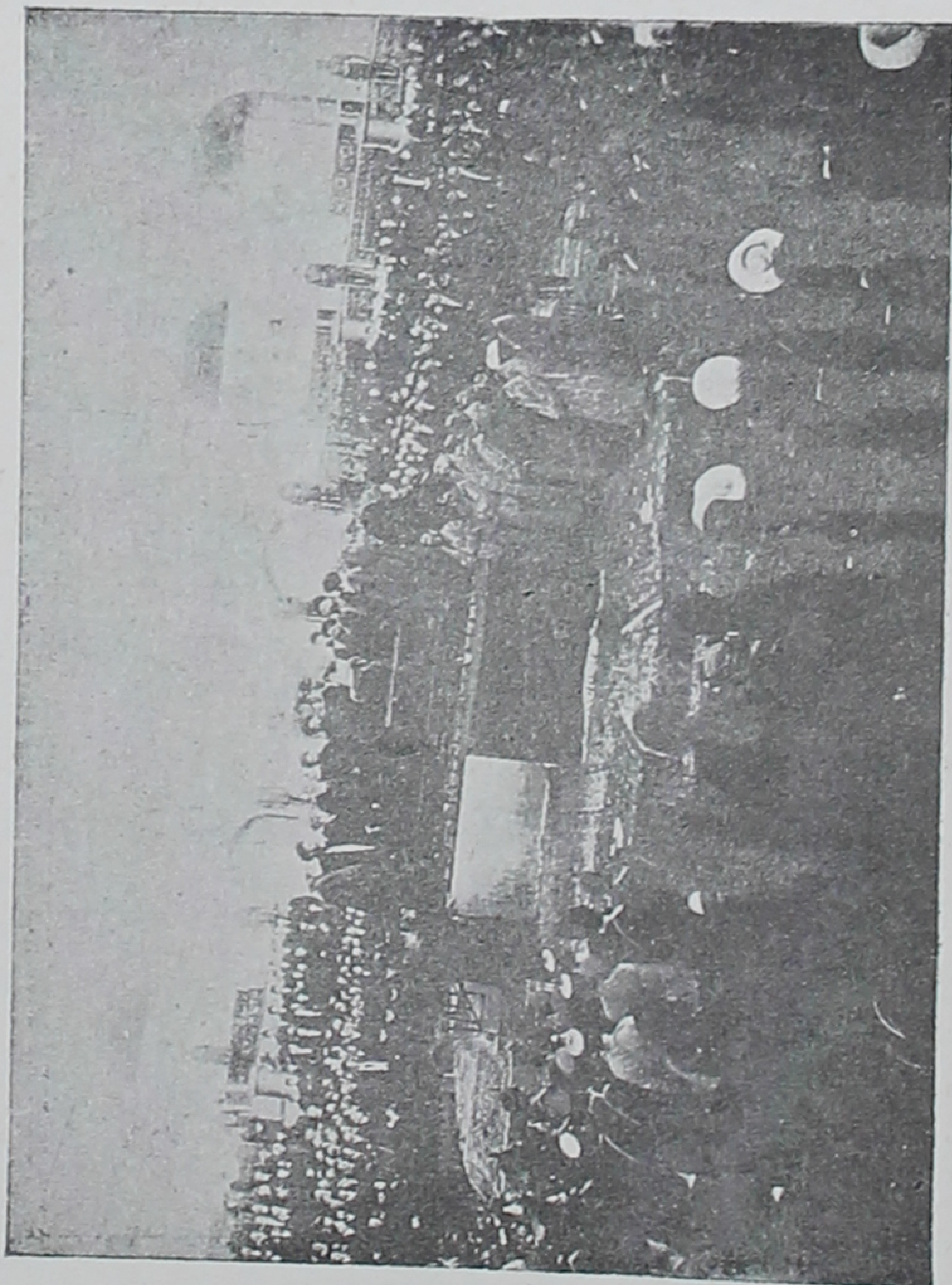
صورت نطق افتتاحیهٔ والا حضرت اقدس پهلوی دامت عظمته

(رئیس حکومت موقتی)

بسمه تعالی ☆✲☆

البته آقایان محترم از علل و پیش آمد هائی که باعث انعقاد مجلس مؤسسان گردیده است اطلاع کامل دارند و میدانند که مجلس شورای ملی که

متعلق بصفحهٔ ۴۳۸



(والا حضرت پهلوی بانطق افتتاحیه خود مجلس مؤسسان را افتتاح می نمایند)

بموجب قانون اساسی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت ایرانست بر حسب ضرورت و برای متابعت میل و افکار ملت که در تمام مملکت ابراز و اظهار شده بود برای نیل باستقرار حکومتی که مرام ملی را بهتر تامین نماید سلطنت را از سلسلهٔ قاجاریه منتزع نموده ریاست حکومت مملکت را موقتاً بعهدهٔ این جانب محول ساخته و انعقاد مجلس مؤسسان را برای تعیین تکلیف قطعی امر لازم و مقتضی دانست این بود که این جانب حسب التکلیف و بنا بر تصمیم و تصویب مجلس شوراي ملی ملت را به تعیین و انتخاب امناي خود بجهة این مقصود مهم دعوت کردم و ملت نیز شما را منتخب نمود اینك بعون الله و توفیقه ادای آن وظیفه را که معظمترین وظایف ملی و مملکتی است بر حسب رأی ملت بشما واگذار نموده و شما را دعوت میکنم که صلاح و خیر مملکت را در نظر گرفته و در هر حال خداوند را شاهد و ناظر اعمال خود دانسته آنچه وجدان شما بر آن حکم میکند بموقع عمل بگذارید و چون در این امر خاص طول مدت بی تکلیفی برای مملکت ممکن است جلب مضرات و مفاسد نماید مقتضي است حتی الامکان در انجام وظیفه تسریع نمائید در خاتمه امیدوارم خداوند تبارك و تعالي شما را موفق و مؤید بدارد .

(اسامي نمایندگان مجلس مؤسسان)

(طهران)

آقای احتشام زاده داور امین الضرب آقا ضیاء نوری حاج سید ابوالقاسم کاشاني تدین آیت الله شیرازی شیخ محمدعلی طهرانی حاج رحیم قزوینی ملك زاده اسلامیه ادیب السلطنه محمد حسین خان سمیعی مشار الدوله نظام الدین خان شیخ محمد حسین یزدی آقا میرزا هاشم آشتیاني سلیمان میرزا اسلامبولچی امیر همایون جواد خان معتمد الممالك سلطان احمد نقیب زاده طباطبائی آقا میرزا سید محمد بهبهانی

(ساوه)

آقای محمد تقی خان اسعد   مرتضی خان کشوری

(شاهرود)

آقای شریعتمدار دامغانی   آقا سید حسین ناصر   آقا شیخ مرتضی

(غار)

میرزا مهدي خان زاهدی   حاج میرزا علی صراف

(ایوانکی)

اعتمادالاسلام   وکیل الرعایا

(ساوچبلاغ)

آقای میرزا یدالله خان   حاج میرزا علي قیصریه

(دماوند)

آقای صدرائی   مجید خان آهی

(عراق)

آقای عزت‌الله خان   مرتضی خان بیات   حاج آقا اسمعیل   حاج میرزا محمود

(دزفول)

آقای نظام خان مستوفي   آقا سید صدر الدین ظهیرالاسلام زاده

(شوشتر)

حاج سید مهدی علوی   حاج محمد ابریشم کار

(محمره)

آقای شیخ خزعل خان   میرزا حسین خان موقر

(بنی طرف)

آقای حاج شیخ محمدجواد   آقا احمد عبدی

(شیراز)

آقای میرزا ابراهیم خان قوام   امام جمعهٔ شیراز   رئیس العلماء
محقق العلماء آقا سید جواد   ملك التجار حاج غلامحسین   صدر الاسلام
آقاسید عبدالحسین   حاج میرزا احمد لاری   مدیر گلستان آقا سید
محمّد تقی   آقا علی زارع   آموزگار میرزا حبیب‌الله خان

(یزد)

آقای حائری زاده   آقا سید کاظم   آقا شیخ هادی طاهری   میرزا
فتح الله خان مشیر الممالك   میرزا علیرضا صدر العلماء   میرزاعبدالوهاب
ملك التجار

(نائین)

سلطان محمدخان عامری   میرزا محمد علیخان ناظمی

(شاهسون آذربایجان)

حاج میرزا عبدالعلی دیبا   میرزا حسینخان منشور

(تراکمه)

حاج رجب آخوند   آنا جان آخوند

(قشقائي)

آقای سید عبدالله امام   کازرونی   ضیاء الواعظین   آقا سید ابراهیم

(ایلات خمسهٔ فارس)

آقای سید یعقوب   میرزا محمدعلیخان قوامي   ناظم‌الملك

(بختیاری)

آقای صمصام السلطنه نجفقلی   سردار محتشم غلام حسینخان

(ارامنهٔ آذربایجان)

سهراب خان   دکتر وارطان اوهانس نان

(ارامنهٔ جنوب)

الکساندر خان طومانیانس   دکتر آقایان

(زرتشتیان)

ارباب کیخسرو   ارباب افلاطون

(کلیمیان)

مسیو حایم   آقا خان حکیم

(بلوچ دزداب)

ملك محمد خان   شاه جهان خان

(بلوچ سیستان)

حیدر علي خان   سردار علی خان

(محلات)

حیدر قلی میرزا   امیر حشمت   آقا میرزا بهاء الدین محلاتی

(رشت)

آقا شیخ اسمعیل   آقا سید عبدالوهاب   میرزاعلی چاپچی   شیخ بهاءالدین

(بندر پهلوی)

آقای کی استوان   آقا رضا حسین زادهٔ تبریزی

(خمسهٔ طوالش)

آقای جاج آقا رضا رفیع   میرزا حسین هدایتي مدیر وقت

(فومن)

میرزا محمد انشائی   ناصر ندامانی

(لاهیجان)

آقا محمود رضا مدیر جریدهٔ طلوع   آقا میرزاعلی اکبر تاجر نهاوندي مقیم رشت

(ساری)

آقا میرزا حسن اعتمادی سید میرزا علی عمادی لطفعلی خان مجد
ذبیح الله خان علی آبادی

(بارفروش)

آقای میرزا عبدالباقی رئیس عدلیه آقاشیخ جعفر آقاشیخ علی مستنطق
عدلیه شریعت زاده حاج ملك آملی داد گر

(ملایر)

شیخ الاسلام آقا شیخ جلال آقا هاشم ملك التجار اسمعیل خان
ظفر السلطان

(همدان)

حسنعلی خان فرمند میرزا حسنخان مخبر حضور نصرة الله خان
نصرت الملك آقا شیخ علی ثقة الاسلام

(سنندج)

حاج میر زا اسدالله خان اسدالله خان کردستانی دکتر هدایت
عبدالحمید خان سنندجی آقای فرج الله خان آصف آقای محمد خان وکیل

(سقز)

آقای میرزا عبدالعزیز مفتی صدیق اعلم

(کرمانشاهان)

آقای علی خان امیر کل سلیمان خان امیر مقتدر یحیی خان سالار اشرف
فیض الله خان ظهیر الملك هدایت الله رفعت السلطنه غلامعلی میر زا
مجلل الدوله

(کرمانشاهان)

فتح الله خان نصیر دیوان محمد علی میرزا مشکوة الدوله

﴿گروس﴾

میرزا علی خان خطیبی   حاج شیخ محمد حسن گروسی

(کرمان)

آقای حاج میرزا محمد رضا مجتهد   آمیرزا عبدالحسین مجتهد   سیدالعراقین
آمهدی رئیس بلدیه

(رفسنجان)

آقا میرزا شهاب   آشیخ یحیي روحی

(سیر جان)

آقای حاج بیان   شریف الملك صدری

(بم)

آقای عطاء الملك   دیوان بیگی

(جیرفت)

آقای آقای شیخ فرج الله   آقای آقا میرزا علی نقی خان بیگلری

(گلپایگان)

آقای میرزا محمد خان معظمی   میرزا محسن خان نجم آبادی

(فسا)

آقی امین الشریعه آقا شیخ محمد تقی   میرزا سید احمد مهذب الدوله

﴿آباده﴾

آقای میرزا رضا خان حکمت   اسمعیل خان نجومی (صدیق السلطنه)

﴿بهبهان﴾

آقای حاج مجتهد شیرازی   میرزا احمد خان عمار لوئي

(بو شهر)

آقای میرزا محمد علی خـان منتصر کار گذار   آقا شیخ جواد فرهمند رئیس عدلیه   میرزا حسینعلی تاجر کازرونی   آقا سید حسین رئیس بلدیه

(لار)

میرزا محمد علیخان دهقان   آقای تجدد

(عباسی)

آقای دست غیب   میرزا نصرةالله خان علی آبادی

(جهرم)

آقای میرزا اسمعیل خان قشقائی   میرزا علی اصغر خان حکمت

(قزوین)

آقا شیخ محمّد علی الموتی   آقا سید مرتضی وثوق   آقا محمّد باقر شاهرودی   حاج سید موسی

(قم)

آقای حاجب التولیه آقا سید علی اصغر   حاج میرزا علیرضا

(کاشان)

آقا میرزا سید حسن   آقا احمد مدیر نراقی   حاج میرزا عـلی نقی کاشانچی   محلوجی

(استراباد)

آقا شیخ آقا استرابادی   آقا سید محمد علی شوشتری

(بروجرد)

حاج آقا جواد   حسین خان گرد زری   میرزا احمد خان اعتبار   میرزا یوسف خان مشار

(خرم آباد)

آقای حاج شیخ عبدالرحمن   یمن الملک کمال وند   علی خان نظام السلطنه   میر محمد حسین خان حسانی

(مشهد)

آقای آقا حسن آیة الله زاده   سالار ممتاز ـ میرزا سید حسینخان

(مشهد)

میرزا محمد دانش   مفاخر السلطنه ایرج میرزا   آقا رضا مهدوی   حاج شیخ علی خمسهٔ   حاج میرزا محمد علي قائم مقام   سید محمد خان ارجمند   رئیس تلگراف

(درجز)

آقاي دکتر امیر اعلم   معتمد السلطنه   میرزا عبدالله خان

(ترشیز)

آقا میرزا علی بزرك نیا   رئیس التجار ترشیزی

(سبزوار)

آقا زاده سبزواری   آقا میرزا حسن   محمد هاشم میرزا افسر   آقا میرزا طاهر متولي مسجد گوهر شاه

(سبزوار)

حاج بقراط

(تربت)

آقای دکتر ضیائی   حاج اسد آقا زوار زاده

(نیشابور)

آقای شریعتمدار نیشابوری   تیمور تاش

(قوچان)

آقای حاج تقی ملك التجار   ذکاء الملك   میرزا سید داود خان طوسی

(بجنورد)

حاج علی اصغر کرمه   تبریزیان محمد آقا

(طون طبس)

حاج حسن آقا ملك التجار   محمد ابراهیم خان امیر کلانی

(بیرجند)

آقای تدین   میرزا باقر خان عظیمی

(سیستان)

آقای میرزا محمد ولی خان اسدی   سلیم خان ایزدی

(زنجان)

آقای حاج میرزا مهدی مجتهد   میرزا عباس مجتهد   حاج سید محمد آقا مجتهد
آقا میرزا ضیاء الدین   نایب الصدر   آقا میرزا محمود امام جمعه
حاج آقا حسین

(سمنان)

آقای یاسائی   حاج میرزا آقا فامیلی

(تبریز)

آقای تبریزی کربلائی حسین   ممقانی   خرازی   حاج محمد صادق
توتونچی   حاج میرزا یحیی   میرزا رضا فرشی   قائم مقام   (سید یوسف خان)
دبیر اعظم بهرامی   صدق السلطنه   لطف الله خان   صدر المعالی
میرزا علی اصغر   اسکندری (سیف الله خان)   رهنما شیخ زین العابدین
وحید الدوله   حاج سیف   براقچی   اسمعیل زاده   میرزا علی اصغر
آقای حاج میرزا سید کاظم   آقازاده   حبیب الله خان   نصرة الملك

(اردبیل)

آقای آقا سید ابوالفتوح   عصر انقلاب آقا میرزا آقا خان   وکیل-
الرعایا اردبیلی   احیاء السلطنه دکتر حسین خان

﴿قراچه داغ﴾

آقای مستشار الدوله   حاج آقا احمد اهری

﴿سراب﴾

آقای صدق الملك تاج محمد خان   آقای هرمزی ابو الفتح میرزا

﴿مراغه﴾

آقای میرزا موسی خان فتوحی   اسکندر خان مقدم   سهراب زاده
میرزا احمد خان ساعد الوزاره

﴿ساوچبلاغ﴾

آقای علیخان سالار سعید   اجلال الملك طباطبائی

﴿ارومیه﴾

آقای میرزا رضا خان افشار   میر محمد حسین آقا مدنی

﴿خوی﴾

آقای حاج امین الاسلام حاج ابو القاسم   حاج امام جمعه خوئی
میرزا جواد خان   آقا باقر آقا

﴿اصفهان﴾

آقای اکبر میرزا مسعود   حاج آقا جمال   ناظمی وزیر معارف
شیخ الاسلام   حاج امین التجار   جهاد اکبر

﴿فریدن﴾

آقای غلامحسین میرزا   جلاء السلطنه

﴿قمشه﴾

آقای شیروانی   حاج میرزا عیسی خان ناظمی

دقائق گرانبها پشت سر هم میگذرد ـ نطق افتتاحیهٔ صمیمی ترین شخص با وقار که تا کنون از روی ایمان و عقیده تکیه گاه ملت ایران است و جز از عظمت و تعالی ایرانی هیچگونه مقصدی نداشته و جملات خطابیه اش را از روی یك معنویتی بمسامع حضار رسید نمایندکان را چند دقیقه به بهت عمیق فرو برد والا حضرت از مجلس رفت ولی هیئت عمومی چند دقیقه سر پا ایستاده و تشنج مخصوص در افکار پدیدار است که قیافه ها ترجمان افکار بوده و حکایت از یك محاکمه وجدانی مینمود

چه طرح های درهم و برهم ؟! چه نقشه های پیچیده ؟! چه افکار مشوش !؟ انواع صور عجیب و غریب در همین چند دقیقه در عروق شعریه و رگهای حساسهٔ مغز های نمایندگان پشت سر هم مرتسم میگشت وزائل میگردید!. همه مبهم و هنوز نمیتوانستند در این محکمه خودی آراسته رعب مجلس از طرفی و تصورات مبهم از طرفی قوای مخیله را بطوری مشوش کرده بود که اگر بشر میتوانست آلتی را ایجاد کرده و عکس تخیلات انسانی را بگیرد فیلم تخیلات نمایندکان مؤسسان در این دقیقه برای بشر پردهٔ قابل عبرت و تماشائی بود و دست هیچ نقاشی نمیتوانست نظیر آنرا ایجاد و این پرده را ترسیم کند!.

این منظره تا سه ساعت بعد از ظهر روز پانزدهم دوام داشت!.

افراط و مرام های غیر عملی ویا غیر منطقی دور از محیط اوضاع واحوال زندگانی ایرانی از طرفی تاثیر نطق افتتاحیه که نمایندگان را دعوت به محاکمهٔ وجدان نمود از طرف دیگر تصورات مبهم و آلوده بخود پسندی که روی هم رفته در پرتگاه پلتیك و سیاست صور مرتعشهٔ تخیلات را مانند اسکلت ذیروحی که از لغزش پا و بی احتیاطی منحرف و در اعماق دره های دهشت افزا جز از سفیدی استخوانهای پوسیده به مرور ایام چیز دیگری از او نشان نمیدهد از طرف دیگر!. بعضی در افراط و برخی در تفریط قسمتی در تند روی وقسمت دیگر در سکونت و کندی

میرفتند برای تعیین مقدرات ملت ایران دست بگریبان ارواح گردیده و افکار پراکندهٔ خود را پیدا نمایند !.

فی المثل مجلس مؤسسان در ایندقیقه در عالم فکر و اندیشه وضعیت غریبی داشت بعضی ممتنع و بعضی فارق از هر ماجرا نمیتوانستند از افکار خود نتیجهٔ مطلوبه را تحصیل نمایند!.

این یك قاعده طبیعی است که هر فکر دریده ومتشنج یکدفعه برای خود ترسیم نقشه نموده و راه چاره را پیدا میکند که یکدفعه نمایندگان را بخاطر گذشت که در پایان نطق افتتاحیه این جملات از زبان رئیس موقت مملکت جاري شده بود که (ملت شما را منتخب نموده و معظم ترین وظائف ملی و مملکت را بشما واگذار کرده ـ شما را دعوت میکنم صلاح وخیر مملکت را در نظر گرفته و در هر حال خداوند را شاهد و ناظر اعمال خود دانسته آنچه وجدان شما بر آن حکم میکند بموقع عمل بگذارید)

چه جملات پر دهشت ؟ ـ وظیفه ملی ؟ ـ صلاح و خیر مملکت ؟ ـ نظارت پروردکار ؟ ـ حاکمیت وجدان ؟ هر یك در جای خود برای تنبیه و تنبّه حکمی است قاطع وعاملي است مؤثر

نمایندکان مجلس مؤسسان را بتفکر وتامل سپرده و بهمین حال میگذاریم تا با محاکمهٔ وجدان تکلیف خود را پیدا نمایند ومتوجه نظامنامهٔ داخلی مجلس مؤسسان میگردیم

(نظامنامهٔ داخلي مجلس مؤسسان)

مادهٔ اول ـ پس از آنکه مجلس مؤسسان مطابق مادهٔ ١٠ نظامنامهٔ انتخابات مجلس مزبور از طرف رئیس حکومت موقتی مملکت افتتاح یافت جلسه برای یك ربع ساعت تعطیل شده و پس از آن باید منعقد گردد

و مسن ترین نمایندگان حاضره در جلسه بمقام ریاست نشسته و چهار نفر از جوان ترین اعضاء بسمت منشی گری معین میشوند .

مادهٔ دوم ــ بلافاصله نمایندگان حاضره در مرکز با قرعه بشش شعبه تقسیم شده و پس از تعیین شعب جلسه برای یکساعت تعطیل میشود که نمایندگان در شعب خود جمع شده و در باب انتخاب هیئت رئیسه تبادل نظر نموده و اعضاء کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها را انتخاب نمایند .

قرعه بوسیله منشیان در خود جلسه بعمل خواهد آمد .

مادهٔ سوم ــ شعب مزبوره بفوریت در تحت ریاست مسن ترین عضو خود منعقد شده و هیئت رئیسهٔ خود را که عبارت از یك رئیس و یك نایب رئیس و دو منشی باشد انتخاب مینمایند و پس از انتخاب هیئت رئیسه هر یك از شعب سه نفر برای عضویت کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها انتخاب مینمایند و راپرت انتخاب خود را بهیئت رئیسه میدهند و پس از آن در باب انتخاب هیئت رئیسه تبادل نظر بعمل میآورند .

مادهٔ چهارم ــ حضور نصف بعلاوهٔ یك اعضاء شعب و کمیسیونها برای مذاکره و رأی کافی خواهد بود و تمام انتخابات با رای مخفی و با کثریت تام است و اکثریت تام وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار به رد یا قبول مطلبی رای دهند در هر مورد که در دو دفعه اکثریت تام حاصل نشد در دفعهٔ سوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود در صورت تساوی آراء در دفعهٔ سوم عدهٔ لازم بقرعه معین خواهد شد .

مادهٔ پنجم ــ پس از یکساعت تعطیل ثانیاً مجلس مؤسسان بریاست همان رئیس سنّی منعقد خواهد شد و باید انتخاب هیئت رئیسهٔ دائمی بعمل آید

مادهٔ ششم ــ هیئت رئیسهٔ دائمی مرکب است از یکنفر رئیس دو نایب رئیس و چهار نفر منشی و سه نفر مباشر .

مادهٔ هفتم ــ انتخاب رئیس فردی و انتخاب نواب رئیس جدا گانه و منشی ها جدا گانه و مباشرین جدا گانه جمعی خواهد بود و انتخاب در

خود جلسه بعمل خواهد آمد باین ترتیب که نمایندگان رای خود رادر پاکت گذارده و بظرفی که نزد آنها خواهند بردخواهند انداخت. برای استخراج آراء انتخاب هیئت رئیسه سه نفر از نمایندگان بحکم قرعه معین خواهند شد و استخراج آراء در خود مجلس بعمل خواهد آمد.

مادهٔ هشتم - پس ازاستخراج آراء راجع بانتخاب رئیس نتیجهٔ انتخابات را رئیس سنی اعلان کرده و در صورتیکه اکثریت حاصل شده باشد رئیس در مقام ریاست جلوس کرده وبقیهٔ انتخابات هیئت رئیسه ادامه خواهد یافت

در صورتیکه اکثریت حاصل نشده باشد تجدید انتخاب بعمل خواهد آمد.

مادهٔ نهم - پس از انتخاب شدن هیئت رئیسه نتیجهٔ انتخابات شعب درباب کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها بتوسط رئیس باطلاع مجلس مؤسسان رسیده و پس از آن جلسه برای سه روز تعطیل میشود.

مادهٔ دهم - هریك از اعضاء مجلس مؤسسان باید اعتبار نامهٔ نمایندگی را دارا بوده و بعلاوه از طرف وزارت داخله نیز معرفی شده باشند.

مادهٔ یازدهم - اعتبار نامها و معرفی نامهای وزارت داخله از طرف اعضاء مجلس مؤسسان قبل ازافتتاح تسلیم دارالانشاء مجلس مؤسسان خواهد شد.

مادهٔ دوازدهم - پس از آنکه کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها معین شد اعتبار نامها ومعرفی نامها و اسناد واصله راجع بانتخابات ازطرف هیئت رئیسه بکمسیون مزبور ارجاع خواهد شد.

مادهٔ سیزدهم - کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها بدون فوت وقت پس از انتخاب شدن در تحت ریاست مسن ترین عضو خود منعقد شده و یکنفر رئیس و یك نایب رئیس و دو منشی و یك مخبر باکثریت نام و برأی مخفی انتخاب نموده و شروع برسیدگی باعتبار نامها مینماید و کمیسیون مزبور مکلف است که در ظرف سه روز تعطیل راپرت خرد را نسبت به لا اقل دو ثلث از اعتبار نامها تهیه و تقدیم دارد.

مادهٔ چهاردهم ـ در صورتیکه نسبت بانتخابی اعتراض و شکایاتی نرسیده باشد و یا اینکه کمیسیون پس از رسیدگي شکایات واصله را وارد نداند آن انتخاب صحیح شمرده شده ونسبت به صحت مجموع اینگونه انتخابات راپرتی که حاوی فهرست آن انتخابات باشد ازطرف کمیسیون تهیه شده و بهیئت رئیسه داده خواهد شد .

مادهٔ پانزدهم ـ نسبت بانتخاباتی که مورد شکایت واقع شده باشند وعدم صحت آنرا کمیسیون نیز تصدیق کرده باشد کمیسیون راپرتهای جداگانه خواهد داد .

مادهٔ شانزدهم ـ پس از انقضای تعطیل مذکور در مادهٔ نهم مجدداً مجلس مؤسسان منعقد خواهد شد وابتداءً صحت نمایندگی نمایندگانی که مورد تصدیق کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه ها واقع شده است بتوسط رئیس اعلام میشود .

مادهٔ هفدهم ـ نسبت بانتخاباتی که صحت آنرا کمیسیون رسیدگی باعتبارنامها تصدیق نکرده باشد تعیین تکلیف آنها منوط برأی مجلس مؤسسان است باین ترتیب که پس از قرائت راپرتهای مذکوره در مادهٔ پانزدهم واستماع توضیحات لازمه درهمان جلسه بقیام وقعود اخذ رأی شده ونتیجهٔ حاصله قاطع خواهد بود .

مادهٔ هیجدهم ـ پس از اعلام صحت نمایندگی عدهٔ که کمتر از نصف بعلاوهٔ یك حاضرین در طهران نباشد کمیسیونی برای مطالعه درمطالبی که باید مورد تصمیم مجلس مؤسسان گردد از شعب انتخاب میشود باین ترتیب که هریك از شعب سه نفر برای عضویت کمیسیون مزبور انتخاب مي نماید .

مادهٔ نوزدهم ـ کمیسیون مزبور باید بلا تأخیر هیئت رئیسهٔ خود را که عبارت ازیك رئیس ویك نایب رئیس ودو منشی ویك مخبر باشد انتخاب نموده و راپرت آنرا بهیئت رئیسه بدهد

مادهٔ بیستم - ازطرف هیئت رئیسه مطالبی که باید مورد مطالعهٔ کمیسیون مزبور بشود بکمیسیون ارجاع خواهد شد و کمیسیون باید در اسرع اوقات در باب مطالب مرجوعه راپرتهای لازمه را به مجلس مؤسسان بدهد .

مادهٔ بیست و یکم - راپرتهای کمیسیون مذکور باید ۲٤ ساعت قبل ازشور طبع ومابین نمایندگان توزیع شود .

مادهٔ بیست و دوم - درباب راپرتهای مطرح شده ابتدا مذاکره درکلیات بعمل آمده و پس از آن برای دخول در شور مواد بقیام و قعود رأی گرفته میشود

در صورتیکه شور درمواد تصویب شد در هر یك از مواد جداگانه بحث شده ورأی گرفته میشود .

پس ازختم رأی درمواد یك مرتبهٔ دیگر بحث در کلیات بعمل آمده و رأی قطعی درباب راپرت اخذ خواهد شد .

مادهٔ بیست و سوم - درضمن شور درمواد اگر اصلاحاتی پیشنهاد شود صاحب پیشنهاد بطور اختصار در پیشنهاد خود توضیح خواهد داد .

مخبر کمیسیون حق دارد که آن پیشنهاد را (قبل از استماع توضیحات پیشنهاد کننده ویا بعد ازآن) بپذیرد و در این صورت پیشنهاد مزبور جزء ماده محسوب خواهد شد .

همچنین مخبر کمیسیون حق خواهد داشت که ارجاع پیشنهاد را به کمیسیون تقاضا نماید و این تقاضا باید پذیرفته شود .

درصورتیکه هیچیك ازاین شقوق بعمل نمیآید دونفر حق دارند که بترتیب موافق و مخالف و بطور اختصار درباب پیشنهاد اظهار عقیده نمود، وپس از آن در باب قابل توجه بودن پیشنهاد رأی گرفته خواهد شد . در صورتیکه پیشنهادی قابل توجه شد به کمیسیون ارجاع خواهد شد .

مادهٔ بیست و چهارم - رأی علنی بوده و بردو قسم است : رأی باقیام و قعود و رأی باورقه .

در تمام مسائل باید بقیام و قعود رأی گرفت مگر اینکه ده نفر تقاضای اخذ رأی باورقه را بنمایند .

در اینصورت اخذ رأی باورقه بعمل خواهد آمد ولی موردیکه در این نظامنامه تصریح شده است که اخذ رأی باقیام وقعود بعمل خواهد آمد از این قاعده مستثنی خواهد بود .

مادهٔ بیست و پنجم - در موارد اخذ رأی به قیام و قعود برای تعیین تکلیف ممتنعین دومرتبه رأی اثباتاً ونفیاً گرفته خواهد شد و نتیجهٔ رأی از تفاوت عدهٔ موافقین و مخالفین معین خواهد گردید و اکثریت وقتی حاصل میشود که بیشتر از نصف حضار به قبول یا رد رای دهند .

مادهٔ بیست و ششم - نتیجهٔ راي به قیام و قعود را رئیس و منشیان تشخیص میدهند .

هرگاه دفعهٔ اولي نتیجه مشکوك باشد در دفعهٔ ثانی بهمان طریق رای گرفته میشود در اینصورت در میان دفعهٔ اولی و دفعهٔ ثانی کسی حق نطق ندارد و همچنین اگر دفعهٔ ثانی هم مشکوك شد و لازم به رای گرفتن بواسطه اوراق باشد ما بین این دو عمل نیز کسی حق نطق ندارد .

در مواردیکه در دو دفعه بواسطه قیام و قعود نتیجه مشکوك باشد اخذ رای علنی یا اوراق حتمی است .

مادهٔ بیست وهفتم - ترتیب گرفتن رای علنی یا اوراق از اینقرار است .

هر نماینده دارای دو ورقهٔ مختلف اللون است که اسم آن نماینده در روی آنها چاپ شده است .

ورقهٔ سفید علامت قبول و ورقهٔ آبی علامت رد است

در موقع گرفتن رای پیشخدمت مخصوص اطاق مجلس ظرف رای را نزد هر نماینده برده و نماینده ورقهٔ خود را در آن میاندازد پس از آنکه تمام اوراق جمع شد رئیس ختم اخذ اوراق را اعلام میکند و فوراً ظرف رای را در محل نطق آورده و منشیان استخراج آراء نموده و نتیجه

را رئیس اعلام مینماید – هیئت رئیسه باید بعد از سایرین رای بدهند

مادهٔ بیست و هشتم – تشخیص عدهٔ کافي برای مذاکرات و گرفتن رای که مطابق مادهٔ چهار معین شده است بعهدهٔ هیئت رئیسه است .

مادهٔ بیست و نهم – نتیجهٔ رای مجلس را رئیس با صدای بلند اعلام می کند .

مادهٔ سی ام – افتتاح جلسات و حفظ ترتیب مذاکرات و اجرای نظامنامه و حفظ نظم بعهدهٔ رئیس است .

هر یك از نمایندگان در صورتیکه از نظامنامه تخلفي مشاهده شود حق دارد مراتب را اخطار نماید .

مادهٔ سی و یکم – منشیان مجلس مواظب و ناظر تحریر صورت مجلس خواهند بود .

صورت مجلس هر جلسه را یکی از منشیان در ابتدای جلسهٔ بعد قرائت میکند و صورت مزبوره پس از قبول مجلس بامضای رئیس یا نایب رئیس که در آن جلسه بجای رئیس بوده است و نیز اقلا بامضای دو نفر از منشیان میرسد .

مادهٔ سی و دوم – قبل از آنکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس نوشتجات و مطالبی که راجع به مجلس است باطلاع نمایندگان میرساند .

مادهٔ سی و سوم – هر یك از اعضاء که میخواهد در باب مطلب مطرح شده نطق نماید باید اول از رئیس اجازه خواسته پس از تحصیل آن به کرسی نطق رفته و مطلب خود را عنوان نماید و اگر کسی خواسته باشد که در جاي خود ایستاده نطق مختصری نماید آنهم موقوف باجازهٔ رئیس است مذاکرهٔ خارج از دستور در مجلس مؤسسان ممنوع است .

مادهٔ سی و چهارم – منشیان اسامی نمایندگان را بترتیبی که در مجلس اجازه میخواهند ثبت میکنند .

مادهٔ سی و پنجم – در مباحثات ناطقین باید متناوباً بترتیب مخالف و

موافق نطق نمایند .
مخبرین کمیسیونها هر وقتی که اجازهٔ نطق بخواهند اجازه بآنها داده میشود
مادهٔ سی و ششم ـ اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمتی بیکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او بر خلاف واقع جلوه داده شود و نمایندهٔ مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه اجازهٔ نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد .
مادهٔ سی و هفتم ـ ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس او را متذکر میسازد و اگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که او از موضوع خارج نشده است یا آنکه خارج از موضوع شدن دلایل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد .
مادهٔ سی و هشتم ـ هرگاه رئیس در ضمن یك نطق دو نوبت به ناطقی اخطار انحراف از موضوع نمود و باز ناطق مداومت نماید در دفعهٔ سوم رئیس میتواند ناطق را از تکلم درآن موضوع در تمام جلسه منع نماید .
مادهٔ سی و نهم ـ کلیةً قطع کلام واستعمال الفاظ زشت و تعرضات شخصی و هرگونه حرکات و نمایشاتی که موجب بی نظمی مجلس باشد ممنوع است .
مادهٔ چهلم ـ رئیس قبل از اینکه مباحثهٔ مطلبي را ختم نماید عقیدهٔ مجلس را کسب میکند .
درصورتیکه دراین باب اخذ رای لازم شد بواسطهٔ قیام و قعود و بدون مذاکره رأی گرفته میشود و هرگاه درنوبت اول و ثانی نتیجه مشکوك شد مباحثات اعاده می شود .
پس از ختم مباحثات دیگر به کسی اجازهٔ نطق داده نمی شود مگردرباب ترتیب عبارتی که از روی آن مجلس باید رای بدهد .
مادهٔ چهل ویکم ـ چنانچه در مجلس همهمه و غوغا بر پا شود بقسمی که رئیس نتواند از آن جلوگیری نماید از جای خود قیام میکند .
چنانچه برخاستن رئیس موجب اسکات نشود اعلام میکند که جلسه

را تعطیل خواهد کرد با وجود این اگر سکوت حاصل نشود جلسه را یك ساعت تعطیل کرده و نمایندگان بشعبات خود میروند و پس از انقضای ساعت مجددا جلسه منعقد میشود.

و هرگاه اغتشاش و غوغا عود کند رئیس جلسه را ختم کرده بروزدیگر محول خواهد کرد.

مادهٔ چهل و دوم ـ رئیس قبل از اینکه جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسهٔ آتیه یعنی تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات بمجلس رجوع مینماید دستوری که باین ترتیب قرار داد شده است در محوطهٔ مجلس اعلان خواهد شد ولی مجلس در هر موقعی که لازم بداند میتواند دستور خود را تغییر بدهد.

مادهٔ چهل و سوم ـ بطور کلی تمام تکالیف رئیس در موقع غیبت بعهدهٔ نایبان رئیس است.

ماده چهل و چهارم ـ هیچیك از نمایندگان بدون اجازهٔ مجلس نمیتواند غیبت نماید ولی در صورت فوریت رئیس میتواند اجازه داده وبعد مجلس را در اولین جلسه مسبوق نماید.

مادهٔ چهل و پنجم ـ اشخاصی که بدون عذر موجه غایب میشوند جزو غائبین بدون اجازه هستند و اسامي آنها در صورت مجلس ثبت و قرائت خواهد شد.

مادهٔ چهل وششم ـ تنبیهاتی که از بابت حفظ نظم در مورد نمایندگان میتوان مجری داشت از اینقرار است:

اولا اخطار.

ثانیاً ـ اخطار با قید در صورت مجلس.

ثالثاً ـ منع از تکلم در جلسه مطابق مادهٔ ۳۸ و ۳۹

رابعاً ـ منع از حضور در یك یادو جلسه

اخطار که از مختصات رئیس است دربارهٔ ناطقینی است که از دایرهٔ نظم

خارج میشوند ونیز دربارهٔ اعضائی است که بواسطهٔ عدم رعایت مادهٔ ۳۹
یا باقسام دیگر باعث بی نظمی میشوند

مادهٔ چهل وهفتم – درصورتیکه یکی از نمایندگان در دفعهٔ اولی اخطاری
شده باشد ودر همان جلسه مجدداً مستحق همین تنبیه بشود این دفعه اسم
او در صورت مجلس قید خواهد شد .

مادهٔ چهل و هشتم – ناطقی که باو اخطار شده و اطاعت نماید هرگاه
برای برائت ذمه اجازهٔ نطق بخواهد داده خواهد شد .

هر نمایندهٔ که بدون اجازه حرف زده یاناطقی نماید و از اینجهة باو اخطاری
بشود هرگاه براي برائت ذمه اجازهٔ نطق بخواهد داده نخواهد شد مگر
در آخر جلسه الا اینکه رئیس اجازهٔ نطق را مقتضی بداند .

پس از بیانات نماینده در برائت ذمهٔ خود هرگاه رئیس قانع نشده و
اخطار را در مورد آن شخص برقرار داشت مراتب درصورت مجلس قید
خواهد شد .

مادهٔ چهل و نهم – هرگاه بناطقی دریك جلسه دو مرتبه اخطار شود
رئیس میتواند حق نطق را درآن جلسه از او سلب نماید .

مادهٔ پنجاهم – منع از حضور در جلسه در موارد ذیل است :

اولاً – نمایندهٔ که پس از اخطار باقید در صورت مجلس در همان جلسه
مجدداً از دایرهٔ نظم خارج میشود

ثانیاً – نمایندهٔ که در مجلس منشاء غوغائی شده یا اینکه محرك امتناع
جمعي ازکار بشود .

ثالثاً – نمایندهٔ که بیك یاچند نفر از نمایندگان دیگر فحش داده یا
تهدید نماید .

رابعاً – نمایندهٔ که مردم را در مجلس علنی به زدو خورد یاجنك خانکی
یا بضدیت و نقض قوانین مملکتی دعوت و ترغیب نماید .

خامساً – نمایندهٔ که نسبت بمجلس یا قسمتی از مجلس یا برئیس هتك

شرف نماید .

سادساً ـ نمایندهٔ که نسبت به یك یاچند نفر از هیئت دولت فحش داده یا تهدید نماید .

سابعاً ـ نمایندهٔ که نسبت بدولت توهین نماید .

مادهٔ پنجاه و یکم ـ درصورتیکه نماینده ممنوع از حضور شد برای مدت منع حق شرکت در امور مجلس ندارد .

پس از رأی مجلس رئیس نماینده را دعوت به بیرون رفتن میکند هرگاه اطاعت نکند رئیس جلسه را ختم مینماید ولی مجدداً میتواند منعقد کند .

درصورت عدم اطاعت تنبیه فوق مضاعف خواهد بود .

مادهٔ پنجاه و دویم ـ چنانچه نماینده قبل از انقضاء مدت معینهٔ ممنوعیت خود را داخل عمارت مجلس بشود بحکم رئیس دستگیر شده در محل مخصوص برای مدتی که متجاوز از سه روز نباشد توقیف میشود .

اگر نمایندهٔ مزبور داخل محل انعقاد مجلس بشود پس از آنکه هیئت رئیسه حضور اورا بمجلس اخطار نمود رئیس جلسه را ختم نموده و مباشرین بحکم رئیس در توقیف نماینده بطوریکه در فوق ذکر شد اقدام مینمایند .

مادهٔ پنجاه و سوم ـ منع از حضور و تعیین یك یا دو جلسه ممنوعیت برحسب تقاضای رئیس بسته برای مجلس است اخذ رأی بقیام و قعود خواهد بود نماینده که در بارهٔ او اجرای این تنبیه خواسته شده است حق دارد خود شخصاً اگر توضیحاتی دارد بدهد یا بتوسط دیگری از نمایندگان از طرف خود آن توضیحات را بمجلس عرضه دارد رای مجلس در صورت مجلس قید خواهد شد .

مادهٔ پنجاه و چهارم ـ درصورتیکه در محوطهٔ مجلس از طرف یکی از نمایندگان جنحه یا جنایتی بروز نماید رئیس مراتب را باطلاع مجلس رسانیده و مذاکرات فی الفور قطع میشود .

در صورتیکه نمایندهٔ مزبور بخواهد توضیحات بدهد اجازه داده میشود پس ازآن باید بحکم رئیس ازمجلس خارج شده وبمحلی که درمادهٔ (۵۲) ذکر شده برود چنانچه اطاعت نماید یااینکه در مجلس غوغائی بشود رئیس جلسه را ختم مینماید.
هیئت رئیسه وقوع جنحه و جنایت را باداره مدعی العمومی اطلاع میدهد.
مادهٔ پنجاه و پنجم ـ مجلس مؤسسان دارای ادارهٔ تقنینیه که عبارت است از دارالانشاء هیئت رئیسه و دایرهٔ تحریر صورت مجلس و صورت مشروح مجلس و دایرهٔ تند نویسی و دایرهٔ ارسال مراسلات و مطبوعات راجع به قوانین و ادارهٔ مباشرت خواهد بود.
مادهٔ پنجاه و ششم ـ ادارات مجلس مؤسسان در تحت ریاست و نظارت عالیه رئیس مجلس است مخارجی که برای مجلس مؤسسان لازم میشود باید بتصویب هیئت رئیسه رسیده باشد
مادهٔ پنجاه و هفتم ـ حفظ امنیت محوطهٔ مجلس محول برئیس است.
عدهٔ قوای نظامی که برای این امر لازم است بسته بقرار داد خود رئیس و در تحت اوامر اواست.
مادهٔ پنجاه و هشتم ـ رئیس از طرف مجلس حافظ و مجری قواعد نظم مجلس است.
مادهٔ پنجاه نهم ـ بغیر از وزراء و معاونین ایشان و رئیس دارالانشاء و رئیس کابینهٔ هیئت رئیسه و نیز رئیس و اعضاء دایرهٔ صورت مجلس و رئیس و اعضاء دایرهٔ تند نویسان مجلس و همچنین پیشخدمتان مخصوص مجلس هیچکس بهیچ عنوان در موقع جلسه در محل مخصوص اجلاس نمایندگان حق دخول ندارد.
مادهٔ شصتم ـ مخبرین جراید وتماشاچیان باداشتن بلیط درمحل مخصوص که خارج از محل اجلاس نمایندگان برای آنها معین شده است حق دخول دارند

مادهٔ شصت ویکم ـ مخبرین جراید و تماشاچیان باید ساکت به نشینند و اگر از طرف یکی از آنها علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهد شد

مادهٔ شصت و دوم ـ هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یا اختلال نظم شود فوراً بمحاکم صالحه جلب میشود .

مادهٔ شصت و سوم ـ هیئت هائی که مجلس صلاح میداند در بعضی از مواقع از طرف مجلس حضور بهمرسانند عدهٔ اعضاء آنها بسته بقرار داد مجلس است .

مادهٔ شصت و چهارم ـ در مواقعی که هیئت مزبوره مامور گفتگو و و مذاکره مطلبی باشد از قبیل تبریك و تشریفات و غیره اعضاء آن هیئت بقرعه معین میشوند و رئیس یا یکی از نائبان رئیس و دو نفر از منشیان لزوماً جزء هیئت مزبوره هستند ولی در مواردی که هیئت مامور مذاکره و گفتگوئی است اعضاء آن بسته بانتخاب مجلس است .

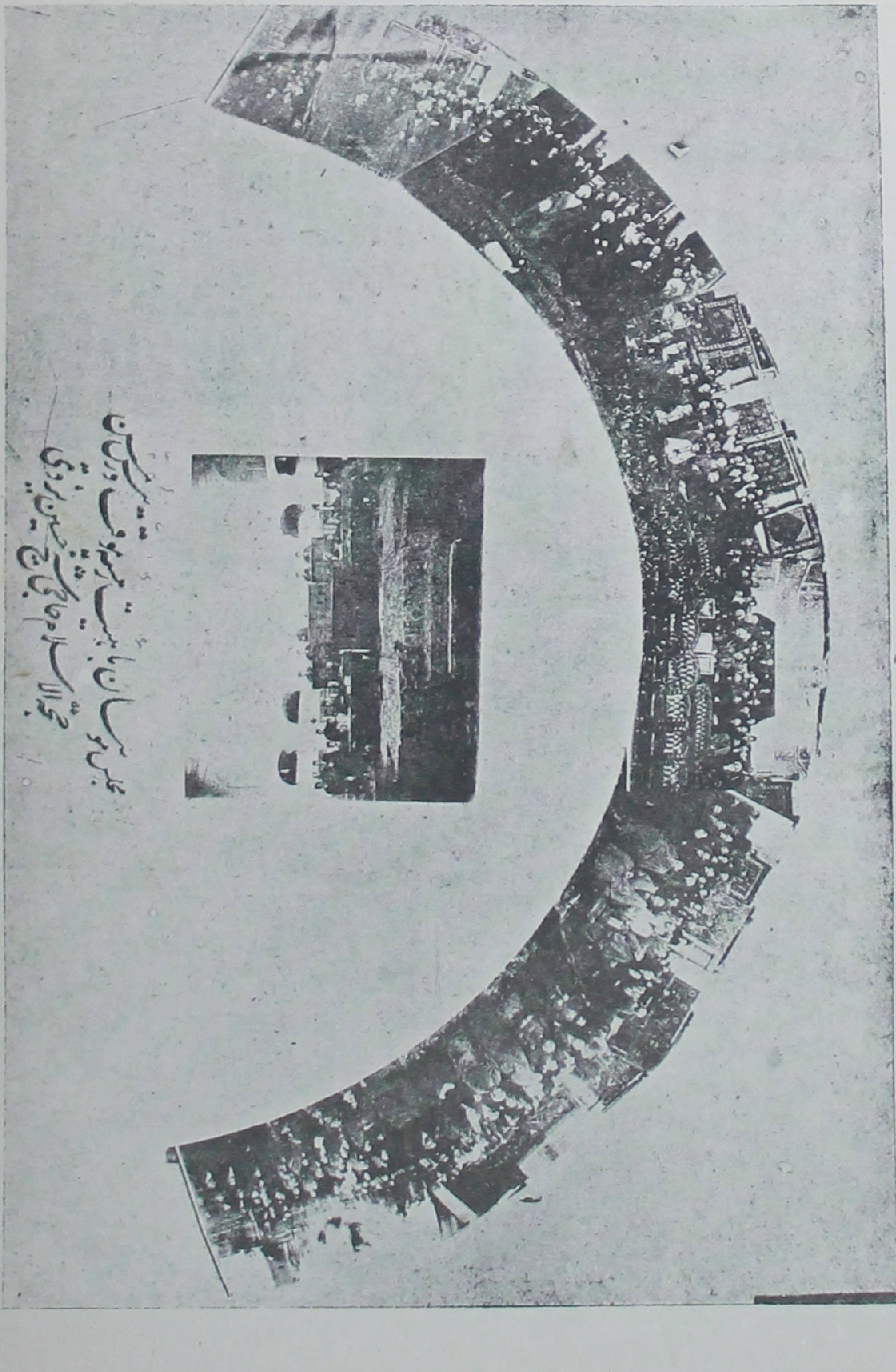
مادهٔ شصت و پنجم ـ هیئت رئیسه در باب ترتیب صورت مجلس و صورت مشروح مجلس و نیز در باب ترتیبات داخلی دوایر و تعیین شغل و تکالیف اجزاء تصمیمات لازمه را اتخاذ خواهد کرد .

نظامنامهٔ مجلس مؤسسان بموقع اجرا باید گذارده شود .

۱۲ آذر ماه ۱۳۰٤

رئیس حکومت موقتی مملکت ـ رضا

مادهٔ اول را ملاحظه نمودید که پس از افتتاح لازم بود یکربع تعطیل و پس از آن دو باره تشکیل و مسن ترین نمایندگان بسمت ریاست موقت جلسه تعیین و با چهار نفر از جوان ترین اعضاء بسمت منشي گری جلسه را اداره نمایند بنا بر این جلسه تعطیل شد



(یکربع تعطیل)

مجلس تعطیل شد و جلسه از رسمیت افتاد نمایندگان به اطاق تنفس رفتند تا برای تعیین رئیس و هیئت عامله مبادلهٔ افکار نموده و سایر وظائف خودرا تعقیب نمایند در این برحه زمان قیافه های پیچیده و ابروهای شکسته و سر های بزیر انداخته شده حکایت مینمود که افکار در جزر و مد تعیین مقدرات مملکت مشغول و جملات نطق افتتاحیه را دارند مطالعه مینمایند هرچه بود وقت به آخر رسید و ناظم مجلس عمل بوظیفه را اعلام نمود !.

(صدای زنك)

دفعةً این صدا پرده آفکار را درید ومذاکرات را از یکدیگر قطع کرد همهمه و قیل و قال بر طرف شد و خواهی نخواهی رو بمجلس رفتند و هرکس در جای خود جای گرفت و حاج شیخ محمد حسین یزدی که یکی از روحانیان معمر و روشن ضمیر است درپشت میز ریاست نشست وجوانترین اعضا میرزا افلاطون پسرارباب کیخسرو ومیرزاعیسي خان صدیق وعبدالحمیدخان سنندجی و نصرت‌اللّه‌خان قراگوزلو بسمت منشی گری تعیین گردیدند

☆☆☆

(شش شعبه)

مطابق مادهٔ دوم نظامنامهٔ داخلی نمایندگان حاضر با قرعه به شش شعبه تقسیم و پس از تعیین شعب جلسه یکساعت تعطیل میشود تا در شعبات درباب انتخاب هیئت رئیسه تبادل نظر نموده و اعضاء کمیسیون رسیدگی به اعتبار نامه هارا انتخاب نمایند.

این کار نیز صورت گرفت و جلسه دوباره برای یکساعت تعطیل شد و نمایندگان در شعبات جمع و رفتند تشریفات قانونی را بعمل آورده و ساعت

بآخر رسید و مرتبهٔ دیگر مجلس بریاست همان رئیس مسن تشکیل و شروع بانتخاب رئیس رسمی ودائمی گردید و میرزا صادقخان (صادق) (مستشارالدوله سابق) بسمت ریاست مجلس مؤسسان انتخاب گردید

☆☆☆

تمام مقدمات در ظرف دو جلسه خاتمه یافت و کمیسیون مطالعات نیز تشکیل و بعد از مذاکراتی که در صورت جلسهٔ مشروح ملاحظه خواهید کرد طرح ذیل را با این قلم تحریر و طبع و توزیع نمودند



(مجلس مؤسسان)

خبر از کمیسیون مطالعه به مجلس راجع باصول چهار گانه

مقام محترم ریاست مجلس مؤسسان

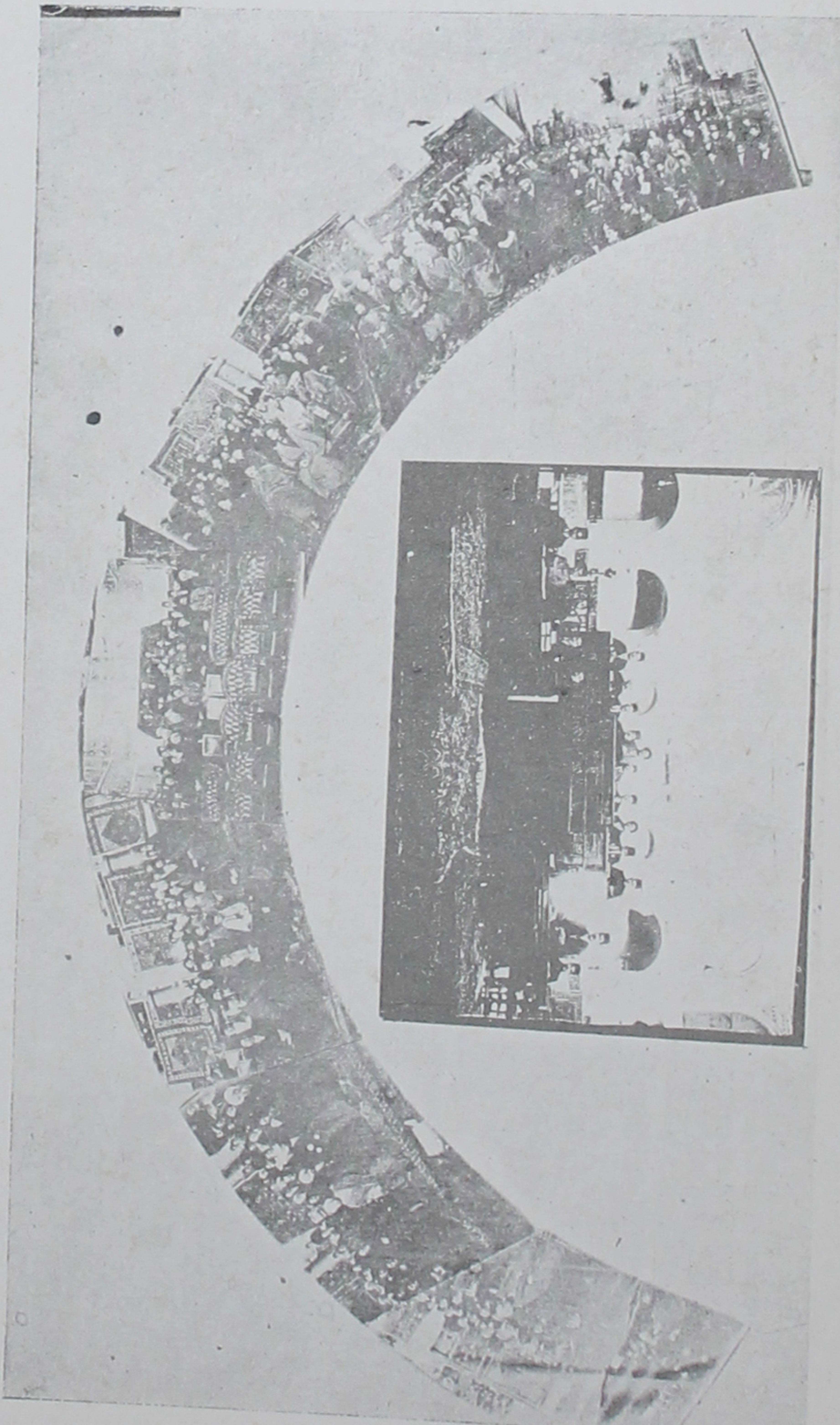
کمیسیون مطالعه ـ اصول ۳٦ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ و ٤۰ متمم قانون اساسی را مورد دقت قرارداده ـ اصل چهلم را بحال خود باقی گذارده و در زمینهٔ پیشنهادی که از طرف عدهٔ از نمایندگان محترم رسیده بود مذاکرات لازمه بعمل آورده در نتیجه اصول ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مؤسسان مینماید :

اصل ۳٦ ـ سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد نسل بر قرار خواهد بود . ـ

اصل ۳۷ ـ ولایت عهد باپسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود ـ درصورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد

☆☆☆

متعلق بصفحهٔ ٤٦٤



مجلس مؤسسان باهیئت رئیسهٔ سنی بریاست میرزا صادق خان (صادق)

آمد ولي درهر موقعیکه فرزند ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد بود .

اصل ۳۸ ـ در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد ـ چنانچه باین سن نرسیده باشد باتصویب مجلس شورای ملی نایب السلطنهٔ از غیر خانوادهٔ قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد . ـ

اصل ٤۰ ـ همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق‌را یاد نموده باشد .

مخبر کمیسیون

داور

طرح مخصوص قبلاً منتشر شد و افکار متوجه مطالعه و جرح و تعدیل آن گردید واز ملاحظه صورت تفصیلی مذاکرات چگونگی عقاید وافکار را خواهیم فهمید

(صورت مشروح مجلس یکشنبه پانزدهم آذرماه ۱۳۰٤)

مطابق ۱۹ جمادی الاولی ۱۳٤٤

(جلسهٔ اول)

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب بریاست سنی (آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی) و چهار نفرمنشی از جوان ترین اعضاء آقایان : (عبد الحمید خان سنندجی ـ میرزا علی خان صدیق ـ نصرت الله خان قراگوز لو و میرزا افلاطون) تشکیل گردید

رئیس ـ (بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و به نستعین) بتوجهات حضرت ولي عصر این مجلس امروز که انشاء الله باعث سعادت آتیهٔ ایران است افتتاح میشود یعنی باید خیلی شکر بگذاریم که درراس دورهٔ ترقي و تعالی ایران واقع شده ایم و تائید و استعانت میخواهیم

انشا الله به ترقی آتیهٔ ایران موفق شویم حالا باید تعیین شعب کرد (آقای میرزا علی خان صدیق استقراع نموده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

شعبهٔ اول ـ آقایان، آقا شیخ محمد علی الموتی ـ مرتضی قلی خان بیات میرزا علی آقا چای چی ـ حاج میرزا علی صراف ـ شریعتمدار نیشابوری حاج میرزا اسد الله خان ـ سلیمان خان اعظمی ـ سلیمان میرزا ـ حاج میرزا علی اصغر قیصریه ـ شیخ محمد علی امام ـ آشتیانی ـ میرزا عباس مجتهد ـ اسمعیل خان قشقائی ـ چینی فروش ـ ملك زاده ـ میرزامهدی خان زاهدی ـ محمد تقی خان اسعد ـ مشایخی ـ صدیق ـ میرزا عبدالعزیز مفتی ـ آقا احمد عبدی ـ حاج محمد ابریشم کار ـ آقا ضیاء الدین نوری میرزا یوسف خان مشار ـ هدایت الله خان هالیزی ـ حاج میرزا محمد رضا مجتهد ـ میرزا حسینخان جلائی ـ حاج سید جواد محقق ـ میرزا حسینخان فرهمند ـ حاج میرزا آقا فامیلی ـ حاج میرزا عبد الوهاب ـ آقا میرزا عبد الباقي ـ آقا میرزا محمد انشائی ـ میرزا ابراهیم خان قوام سید العراقین ـ میرزا حسینخان موقر ـ نظامی ـ آقا مهدی رئیس بلدیه (غائب) میرزا سید حسن رئیس التجار ـ (غائب) حاج شیخ محمّد حسین ـ آقا حسین آقایان ـ نظام خان مستوفی ـ حاج بنان (غائب) میرزا فتح الله خان ـ میرزا عیسی خان صدیق)

شعبهٔ یك تمام شد حالا شروع میشود بشعبه دوم:

شعبهٔ دوم ـ آقایان: سهراب زاده ـ میرزا شهاب ـ دیوان بیکی ـ آقا محمد باقر شاهرودی ـ آقا شیخ هادی طاهر ـ میرزا اسمعیل خان نجومی ـ میرزا علیخان خطیبي ـ میرزا صادق خان صادقی ـ آقا احمد مدبر نراقي ـ حاج احمد اهري ـ كي استوان ـ فرج الله خان بهرامی ـ افشار ـ صدرائی آقا سید عبدالله امام ـ کازرونی ـ آلکساندر خان ـ حاج رحیم آقا قزوینی آقا میرزا عبدالوهاب ملك ـ دکتر آقایان ـ عطاء الله خان روحی ـ حاج محمد شیرازی ـ حاج میرزا محمّد علي ـ قائم مقام ـ هدایت ـ میرزا محمد

دانش ـ آقای آقا خان ـ آیت الله زاده خراسانی ـ آقا زاده ـ میرزا مجید
خان آهی ـ افلاطون خان ـ حاج غلام حسین ملك ـ آقا زاده سبزواری
محمدهاشم میرزا ـ میرزا عبدالله خان معتمد ـ فرج الله خان آصف ـ
شیخ خزعل خان ـ شیخ اسمعیل ـ نصرت‌الله خان ـ سهراب خان ساکینیان
حاج آقا اسمعیل ـ طباطبائی وکیلی ـ میرزا باقر خان عظیمی
شعبهٔ سوم ـ آقایان ـ نجفقلی خان ـ دکتر حسین خان بهرامی ـ اکبر میرزا
مسعود ـ حاج تقی ملك خراسانی ـ آقا شیخ حسین یزدی ـ موسی خان
فتوحی ـ دکتر ضیائی (غائب) میرزا حسینخان سمیعی ـ علی خان
حیدری ـ آقا سید عبد الرحیم کاشانی ـ آقا میرزا ضیاء الدین ـ نایب‌الصدر
قائم مقام ـ حاج سید محمد آقا مجتهد ـ حسین خان گودرزی ـ حاج سید
مرتضی وثوق ـ آقا سید یعقوب ـ محمود رضا مدیر طلوع ـ میرزا اسدالله
خان علی آبادی ـ شیروانی ـ حسنعلی خان فرمند ـ میرزا علی اصغر
صدرالمعالی ـ ماماقانی (غائب) حاج میرزا محمود ـ حاج شیخ جعفر
حاج میرزا ابوالقاسم امین ـ حاج سید موسی ـ حاج سید اسدالله زوار
ذوالقدر ـ یاسائی ـ آقا سید ابوالفتوح علوی ـ حاج میرزا مهدی مجتهد
میرزا طاهر متولی گوهر شاد ـ محمد ولی خان اسدی ـ غلام علی
میرزا دولتشاهی ـ ارباب کیخسرو ـ شیخ یحیي روحی (غائب)
غلامرضا خان صدري ـ میرزا محمد خان معظمی ـ شیخ محمد جواد فرهمند
حاج میرزا علیرضا ـ حاج بقراط ـ شیخ الاسلام ملایری ـ اسلامیه
شعبه چهار ـ آقایان . فتح الله خان ـ آقا سید محمد علي شوشتری ـ
فیض الله خان اعظمی ـ حاج آقا جواد فخر الاسلام ـ آقا میرزا حسن
اعتماد ـ آقا میرزا احمد خان عمار لو ـ غلامحسین خان ـ میرزا جواد خان
تبریزیان ـ آقا سید صدر الدین ظهیر الاسلام زاده ـ حاج حسین آقا
مهدوی ـ میرزا محمد خان وکیل ـ آقا سید عبد الحسین صدر الاسلام
آقا شیخ مرتضی (غائب) حاج ملك آملی ـ محمد علی میرزا دولتشاهی

میرزا حسنعلی کلشن ـ احتشام زاده ـ امیر خان اعلم ـ شریعت زاده
میرزا محمدعلیخان دهقان ـ علیخان اعظمی ـ آقامیرزا سیداحمد مهذب (غائب)
تدین ـ اشتباه است اخطار نظامنامهٔ دارم ٬
رئیس ـ بفرمائید
تدین ـ ماده دوم نظامنامه مینویسد . بلافاصله نمایندکان حاضر درمرکز
با قرعه به شش شعبه تقسیم شده و پس از تعیین شعب جلسه برای یك
ساعت تعطیل میشود .
وکلائی که در مرکز حاضرند دویست و چهل و پنج نفر است به شش
شعبه که تقسیم شود هر شعبه چهل و یك نفر میشود بجز شعبهٔ آخر که
چهل نفر میشود و این طرز قرعه غلط است برای اینکه شعبهٔ یك چهل
و پنج نفر و شعبهٔ دوم چهل و یك نفر و شعبهٔ سوم چهل و سه و این
غلط است و باید از سر رای گرفته بشود
ارباب کیخسرو ـ اجازه بفرمائید همان طورکه آقای تدین فرمودند خوانده
شده است ولی بعد معلوم شد غائبین را خارج کردند
تدین ـ تمام این صورتها که آقایان نوشته اند شعبهٔ یك را چهل و پنج
نفر وشعبهٔ ۲ را چهل ویك نفر وشعبهٔ سیم را چهل و سه نفر نوشته اند
واین غلط است باید از نو استقراع شود
ارباب کیخسرو ـ اینجا که رسیدگی میشد معلوم شد منشی ها آن عدهٔ
زیادی را که غایب بودند خارج کردند وهمان چهل و یك نفر را نوشتند
و حالا بنده دارم مراجعه میکنم که صورت صحیحي را تقدیم کنم
رئیس ـ آقاي قائم مقام ـ (اجازه)
میرزا یوسفخان عدل قائم مقام ـ بنده عقیده‌ام اینست شعبهٔ اول را
تاچهل و یك نفر باید صحیح فرض کرد وازآن ببعد استقراع شود .
رئیس ـ آقای شیروانی ـ (اجازه)
شیرواني ـ اینطور که آقای عدل فرمودند صحیح نیست ممکن است شعبهٔ

اول را همان طور که فرمودند ٤٠ نفر فرض کرد و بهمین طریق چهل چهل بقیهٔ شعب را معین کرد و هرچه زیاد آمد بشعبه ها تقسیم کنند والا باید تجدید شود

میرزا عیسی خان صدیق - بنده تصور نمیکنم که خلاف نظامنامه رفتار شده باشد بجهة اینکه اشخاصیکه اینجا بودند اسمشان جزء شعب حساب شد و غائبین را حساب نکردیم ممکن است آقایان بعد از اینکه قرعه ختم شود مراجعه بفرمایند وغائبین را ازصورتهائیکه نوشته اند حك فرمایند.

رئیس - آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقاشیخ فرج‌الله - باید اشخاصیکه درمرکز حاضر نیستند اسمشان راجزء قرعه‌ها ننوشت وفقط اسامی اشخاصیکه درمرکز حاضرهستند بایداسامی آنها خوانده شود در اینجا اسامی خیلی اشخاصي راکه هنوز حاضر نشده اند قرائت شد بعقیدهٔ بنده باید آنها را استثنا کنند.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه).

آقای دست غیب - اولا استدعا میکنم که بدون اجازه کسی صحبت نکنند برای اینکه نظام مجلس محفوظ بماند. مطلب دیگر اینکه فرمایش آقای تدین درست بود و اصلا باید تجدید استقراع بشود زیرا وقتی استقراع غلط بعمل آمد باید تجدید شود. اگر چه ممکن است همان طورکه آقای شیروانی فرمودند شعبهٔ اول را چهل نفر قرار بدهند واز شعبهٔ دوم شروع بکنند ولی چون اصل استقراع غلط بوده است باید از اول شروع بشود.

رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده - بنده هم باآقای دست غیب هم عقیده هستم که باید تجدید استقراع بشود و تصور میکنم که مذاکرات هم کافی باشد.

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور در اینکه میبایستی ازابتداء اسامی غائبین را از صورت خارج کرده

باشند حرفی نیست ولی از قراریکه منشی ها میگویند و آقای ارباب هم اظهار کردند معلوم میشود که فقط یکدفعه این اشتباه شده است . شعبهٔ اول را بهمان ترتیب که بوده چهل یا چهل و یك نفر استقراع کرده اند بعد از آن همانطور که آقای قائم مقام گفتند ممکن است تجدید کرد و مسئله چندان مهم نیست و ما هم برای کارهای مهمتری این جا آمده ایم و حالا بایستی یك مدت زیادی صحبت بشود که آیا شعب را ازسر بگیریم یا خیر؛ بنده تصور میکنم که بهتر این است اقایان هم همراهی بفرمایند وشعبهٔ اول همان چهل نفر یاچهل ویکنفر که هست بماند وسایر شعب را استقراع کنند

رئیس – آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی – نظر باینکه اختلافی فیما بین آقایان وکلاء هست و قاطع آن رای اکثریت مجلس است باید رای گرفت . اگر رای بصحت دادند که هیچ والاّ باید تجدید شود .

رئیس – آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان – این جا در شعبهٔ اول اکر درست ملاحظه بفرمایند اسامی بعضی آقایان هست که هنوز در مرکز حاضر نیستند مثل حاج محمد رضای مجتهد و بعقیدهٔ بنده خوبست این استقراع را از نو شروع کنند و اسامی اشخاصیکه در مرکز حاضر نیستند از صورت خارج کنند و بیشتر از این هم مذاکره لزومی ندارد .

رئیس – آقایانی که با پیش نهاد آقای سهام السلطان موافقند . . .

تدین – اجازه میفرمائید ؟

رئیس – بفرمائید –

تدین – بنده با نهایت سادگی عرض کردم که این جلسهٔ اول این مجلس است و باید خیلی مقید باشیم که نظامنامهٔ داخلی از همان روز اول بموقع اجرا گذاشته شود . بنده نظر دیگری نداشتم و البته آقایان تصدیق میکنند که ظاهر نظامنامه همان است که بنده عرض کردم حالا آقایان میخواهند

رای بگیرند مختارند ولی بعقیدهٔ بنده رای گرفتن موقعیت ندارد خوبست اجازه بفرمائید که از سر نو استقراع بفرمایند و مادهٔ نظامنامه را بموقع اجرا بگذارند .

جمعی از نمایندگان ـ صحیح است .

رئیس ـ مجدداً شروع میشود باستقراع اسامی برای شعب هر شعبه چهل و یکنفر شعبهٔ آخر چهل نفر

(آقای میرزا عیسی خان صدیق . مجدداً استقراع نموده نتیجه بقرارذیل حاصل شد)

شعبهٔ اول ـ آقایان : میرزا حسن اعتماد ـ عطاء الله خان روحی ـ حاج میرزا علیرضا ـ حاج بقراط ـ آیة الله زادهٔ خراسانی ـ ارباب کیخسرو ـ حاج رجب آخوند ـ میرزا علی آقا چای چی ـ صدرائی ـ افشار ـ تیمور تاش ـ آقا جان آخوند ـ محمود رضا ـ دست غیب ـ سید مهدی خان فاطمی ـ میرزا سید حسین خان ممتاز ـ میرزا علي اصغر خان حکمت ـ آقا میرزا بهاء الدین ـ دکتر هدایت الله خان ـ کی استوان ـ سلطان محمد خان عامری ـ غلامحسین میرزا ـ سید عبد الحسین صدر ـ میرزا فرج الله خان بهرامی ـ میرزا حسین خان موقر ـ میرزا یوسفخان مشار ـ میرزا جواد خان ـ میرزا علی اصغر خان وکیل الرعایا ـ آقاخان ـ میرزا محمد خان وکیل ـ حاج ملك آملي ـ میرزا محمد علی خان دهقان ـ محمد علی میرزا دولت شاهی ـ آقا میرزا عباس مجتهد ـ آقا سید محمد علی شوشتري ـ حاج میرزا مهدی مجتهد ـ دکتر آقایان ـ حاج اسدالله زوار ـ یاسائی ـ میرزا نصر الله خان علی آبادی

شعبهٔ دوم ـ آقایان وحید سعد ـ حسینعلی خان فرمند ـ آقامیرزامحمد دانش ـ طباطبائی وکیلی ـ احتشام زاده ـ میرزا حسنعلی گلشن ـ امیر خان اعلم ـ آقا میرزا شهاب ـ دیوان بیگی ـ میرزا عبدالباقی ـ نصرة الله خان ـ سهراب خان ساکینیان ـ میرزا باقرخان عظیمی ـ

حاج میرزا ابوالقاسم امین ـ شریعت زاده ـ محمد هاشم میرزا ـ آقا شیخ هادي طاهری ـ میرزا علیخان خطیبي ـ حاج میرزا محمود ـ آقارضا مهدوی حاج شیخ جعفر ـ محمد ابراهیم خان امیر کلائی ـ علی خان اعظمی

یك نفر از نمایندگان غائب هستند :

صدیق ـ مطابق سؤالی که از وزارت داخله شده است ایشان در مرگر حاضرند ولی ممکن است در این جا نباشند

حاج آقا جواد فخرالاسلام ـ سید ابوالفتح علوی ـ میرزا اسمعیل نجومی شیخ علی مستنطق عدلیه ـ شیخ محمد علي الموتی ـ آقا سید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده ـ فتح‌الله خان فزونی ـ غلامحسین خان تبریزیان آیةالله شیرازی ـ مرتضی قلیخان بیات ـ افلاطون خان ـ شیروانی حاج میرزا علی صراف ـ حاج سید مهدی علوی ـ میرزا مهدیخان زاهدی حاج میرزا احمد خان لاری ـ محمد تقی خان اسعد

شعبه سوم ـ آقایان حاج محمد تقی بنکدار ـ هدایت ـ آسید موسی میرزا محمد علي خان فروغی ـ حاج سیف ـ آقا سید میرزا علی عمادی آقا شیخ علی ثقةالاسلام ـ اسلامیه ـ اسدالله خان کردستانی ـ ناصر ندامانی ـ آقا سید عبدالله امام کازرونی ـ آقا میرزا عبدالوهاب ملك الکساندر خان ـ کاشانچی ـ رهنما ـ کمالوند ـ حاج میرزا محمد شیرازی میرزا محمدخان معظمی ـ شیخ محمدجواد فرهمند ـ ملك‌زاده ـ شیخ‌الاسلام ملایری آقا سید عبدالرحیم کاشانی ـ حاج سید محمد آقا مجتهد ـ حسنعلی خان گودرزی ـ علی خان حیدری ـ حاج سید عبدالوهاب ـ اسمعیل خان قشقائی ـ ذوالقدر ـ حاج تقی ملك خراسانی ـ حاج آقا اسمعیل ـ آقا شیخ حسین یزدی ـ موسي خان فتوحی ـ حاج غلامحسین ملك ـ میرزا مجید خان آهی ـ حاج حسن آقا ملك ـ آقا زاده ـ آقا شیخ بهاء الدین میرزا محمد علی خان منتصر ـ علی خان مافي ـ لطفعلی خان مجد ـ دکتر حسین خان بهرامی

شعبهٔ چهارم ـ آقایان ـ غلام علی میرزا دولتشاهی ـ ذبیح الله خان علی آبادی ـ حسین ـ میرزا فتح الله خان ـ حاج میرزا علی قیصریه ـ نظام خان مستوفی سلیمان خان اعظمی ـ میرزا ابراهیم خان قوام ـ هدایت الله خان هالزی میرزا علی اصغر صدرالمعالی ـ آقا ضیاء الدین نوری ـ حاج میرزا آقا فامیلی ـ نظامی ـ آقا حسین آقا تبریزی ـ حاج محمد ابریشم کار ـ شریعتمدار نیشاپوری ـ حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام ـ لطف الله لیقوانی ـ آقا حسین آقایان ـ مفتی ـ سلیمان میرزا ـ جبار حسین زاده ـ تدین ـ آقا احمد عبدی ـ حاج سید مرتضی وثوق ـ حاج میرزا اسدالله خان ـ حاج شیخ محمد حسن ـ چینی فروش ـ آقا شیخ محمد علی امام ـ آقا سید کاظم هاشم آقا ملك ـ حاج سید جواد محقق ـ عبدالحمید خان سنندجی ـ آقا سید ابراهیم ضیا ـ آقا میرزا محمد انشائی ـ حیدر قلی میرزا ـ میرزا حسین خان سمیعی ـ میرزا رضا خان حکمت ـ آقا شیخ جلال الدین رئیس دکتر وارطان اوخانسیان ـ میرزا محمد علیخان قوامی

شعبهٔ پنجم ـ آقایان خرّازی ـ میرزا یوسفخان عدل ـ میرزا علی اکبر تاجر نهاوندی ـ آقا سید حسین ـ اسمعیل خان ظفر ـ محسن خان نجم آبادی ـ آقا علی زارع ـ آقا محمد باقر شاهرودی ـ آقا شیخ آقا اسد آبادی ـ هرمزی ـ حاج میرزا حسینخان فاطمی ـ آقا احمد مدیر نراقی ـ عبدالله خان معتمد ـ حاج رحیم آقا قزوینی ـ میرزا سید علی اصغر یحیي خان اعظمی ـ آقا میرزا طاهر متولی گوهر شاد ـ عزت الله خان بیات میرزا علی بزرك نیا ـ حاج میرزا حبیب الله امین ـ سهراب زاده آقا شیخ اسمعیل ـ آقای شیخ خزعل خان ـ تو تونچی ـ ـ حاج شیخ علی خمسهٔ ـ میرزا محمد علیخان فاطمی ـ سلطان احمد خان راد ـ مسیو هایم ـ میرزا علینقی خان بیکلری ـ حاج سید ابوالقاسم کاشانی ـ آقاسید محمد خان ارجمند ـ فیض الله خان اعظمی ـ میرزا جواد خان دهدشتي ـ حاج میرزا یحیي امامي ـ آقا زاده سبزواری

ـ آقا سید علاء الدین بهبهانی ـ اسمعیل زاده ـ حائری زاده ـ کاشانی
ـ آقا سید یعقوب ـ آقا میرزا صادق خان صادق :

شعبهٔ ششم ـ : آقایان ـ محمد خان ساعدالوزاره ـ میرزا حسین هدایتی ـ
آقا شیخ جلال ـ آقا میرزا رضا فرشی ـ آقا شیخ محمد علی طهرانی ـ میر
محمد حسین خان حسابی ـ حاج میرزا محمدعلی قائم مقام ـ داد گر
ـ مدیر گلستان ـ آشتیانی ـ میرزا سید احمد خان اعتبار ـ میرزا
حسینخان جلائی ـ حاج آقا رضا رفیع ـ اسکندر خان مقدم ـ محمد
حسین آقا مدنی ـ محمد ولیخان اسدی ـ جهاد اکبر ـ آقا شیخ محمد
جواد ـ نظام الدین خان حکمت ـ میرزا علیرضا ـ آموز کار ـ عصر
انقلاب ـ اسلامبولچی ـ فرج الله خان آصف ـ میرزا حسینخان
فرهمند ـ حاج حسین آقا مهدوی ـ ایزدی ـ محلوجی ـ ایرج میرزا ـ
نجفعلی خان ـ اسکندری ـ داور ـ آقا باقر ـ نقیب زاده ـ میرزا علیخان
ملك ـ مرتضی خان کشوری ـ حاج شیخ عبدالرحمن ـ میرزا ضیاء الدین
ـ اکبر میرزا مسعود ـ غلامرضا خان صدری ـ بادامچی .
(گفته شد غائبند)

رئیس ـ اعضاء شعب تعیین شدند ـ بقدر یك ساعت تنفس داده میشود
برای اینکه برحسب نظامنامه شعب هیئت رئیسهٔ خودرا معین کنندو
از هر شعبهٔ هم سه نفر برای کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه تعیین شود .

دراینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یکساعت ونیم مجدداً تشکیل گردید

رئیس ـ انتخاب هیئت رئیسهٔ شعب و کمیسیون نظر در اعتبار نامها
خاتمه یافت . حالا مطابق مادهٔ پنج نظامنامه باید شروع بانتخاب هیئت
رئیسه دائمی بشود بدواً شروع میشود بانتخاب رئیس .

[اوراق رأی توزیع واخذ آراء بعمل آمد]

رئیس - اخذ آراء بعمل آمد حالا بتوسط منشی سه نفر برای استخراج آراء بقرعه معین میشود.

آقای عبد الحمید خان سنندجی استقراع نموده آقایان یوسفخان عدل عزت الله خان بیات وحاج محمد ابریشم کار بحکم قرعه برای استخراج آراء معین شدند

استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل گردید

عدهٔ اوراق رای (۲۲۳)

آقای میرزا صادقخان (مستشار الدوله) - (۱۰۵ رای) . آقای تدین (۸۵ رای) . آقای حاج امین الضرب - (۲۹ راي). مستشار السلطنه (۱) رای ، آقای حاح شیخ محمد حسین یزدی - (۱) رای. آقای رئیس العلماء (۱) رای. آقای حاج سید ابو القاسم کاشانی - (۱) رای حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فداه (۱) راي ورقه سفید (٤)

رئیس - اکثریت تام حاصل نشده است تجدید رای میشود .

آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در عین اینکه قبل از تشکیل این جلسه خدمت آقایان نمایندگان محترم اظهار کردم که این نظر لطفی که به بنده ابراز میکنند خیلي ممنونم ولی این لطف را بموقع اجرا نگذارند و بنده را برای این موضوع انتخاب نفرمایند در عین این حال ملاحظه میکنم اغلب ازآقایان بواسطه لطف و حسن ظنی که به بنده داشته اند نسبت به بنده رای داده اند بعد از تشکرات فائقه که تقدیم آقایان میکنم میخواهم همان عرایض را که در خارج کرده ام تکرار کنم و آن این است که بنده بواسطه گرفتاریهائی که دارم از حیث خدمتگذاری بامور مجلس شورای ملی و همچنین بواسطهٔ کسالت مزاجي که پیدا کرده‌ام استدعا میکنم که بنده را معاف بفرمایند و در دفعه ثانی لطفاً از نظر دور بفرمایند و بنده

را ننویسند و علاوه بر گرفتاریهائی که دارم چون مدت مجلس مؤسسان خیلی قلیل است انقدرها هم بنظر بنده لزومی ندارد که این سمت خدمتگذاری را دارا باشم این است که تمنا میکنم آقایان این استدعای بنده را بپذیرند و هرکس را که بنظرشان قادر باداره کردن اینجا میدانند انتخاب فرمایند

رئیس - آقای حاج امین الضرب - (اجازه)

حاج امین الضرب - این بنده هم عاجزانه استدعا میکنم آقایانی که به بنده نظر التفات فرموده اند و اسم بنده را مرقوم داشته اند چون بنده نمیتوانم معذورم بدارند و هرکس را صلاح میدانند انتخاب بفرمایند.

رئیس - تجدید رای میشود.

اوراق رای مجدداً توزیع و اخذ آراء بعمل آمده عدهٔ از نمایندگان مجلس خارج وعدهٔ در حال خروج بودند

رئیس - از آقایان استدعا میکنم مجلس را از اکثریت نیندازند آقایانی که برای استخراج آراء معین شده بودند تشریف بیاورند،

آقایان مستخرجین استخراج آراء نموده بترتیب ذیل حاصل شد عدهٔ اوراق رای (۲۲۳)

آقای میرزا صادق خان صادق - (مستشار الدوله) ۱۲۲ رأی

آقای تدین ٦۸ رأی آقای امین الضرب ۷ رأی حضرت صاحب الامر عجل‌الله فرجه ٤ رأی آقای زاهدی ۱ رأی آقای سلیمان میرزا ۱ رأی آقای آخوند رجب ۱ رأی آقای شوشتری ۱ رای آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی ۲ رای

عدل - توی یك پاکت پنج ورقه رای است چهار تا باسم آقای مستشارالدوله و یکی باسم آقای تدین است بنده عقیده ام اینست که اولی باید خوانده

شود و باقی باید باطل شود

رئیس ـ آقای دست غیب . (اجازه)

دست غیب ـ بعقیدهٔ بنده این آراء باید باطل شود و جزء آراء تردیدیه حساب شود زیرا اگر این پنج اسم روی یکورقه یا یکصفحه نوشته شده بود اسم اولی مقدم بود ولی چون پنج تا ورقه جدا گانه نوشته شده است و معلوم نیست کدام اول است و کدام وسط است یا کدام آخر است این است که بعقیدهٔ بنده باید باطل شود و جزء اوراق تردیدیه محسوب شود

رئیس ـ بسیار خوب آقای مستشار الدوله باکثریت صدو بیست و دو رای برای ریاست انتخاب شدند

خطاب به آقای میرزا صادق خان مستشار الدوله آقا تشریف بیاورید

درینموقع آقاي میرزا صادقخان صادق بمقام ریاست جلوس نمودند

رئیس ـ از حسن توجهات آقایان محترم که این خدمت مهمه را باین بندهٔ ناچیز محول فرموده اند خیلی متشکرم و از خداوند توفیق میطلبم که بانجام این امر همه را موفق بدارد ـ آقای وکیل الملك پیشنهاد فرمودند جلسه ختم شود ـ صدر الاسلام ـ بنده مخالفم

وکیل الملك ـ اجازه بفرمائید بنده توضیح بدهم

رئیس ـ بفرمائید

وکیل الملك شش هفت ساعت است جلسه طول کشیده و هوا هم باین سردی است و اگر دو ساعت دیگر اینجا باشیم نصف آقایان بدرد سینه مبتلا خواهند شد و این انتخابات هیئت رئیسه هم قطعاً امشب تمام نخواهد شد و لو تا ساعت دوازده هم اینجا بمانیم لهذا بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود و یك قدری رفع خستگی بشود و ممکن است فردا بعد از ظهر جلسه تشکیل شود و بقیهٔ انتخابات هیئت رئیسه تمام شود .

رئیس ـ پیشنهاد دیگری رسیده است قرائت میشود.

بشرح ذیل خوانده شد

مقام منیع ریاست محترم مجلس مؤسسان - نظر باینکه بقیهٔ انتخابات هیئت رئیسه ممکن است امشب صورت نگیرد و تاخیر آنهم شایسته نخواهد بود پیشنهاد مینمائیم که فردا دو شنبه سه ساعت بعد از ظهر جلسهٔ مجلس مؤسسان تشکیل گردد . عبدالله معتمد - ضیاءالدین نوری طهرانی .

رئیس - آقای معتمدالسلطنه . (اجازه)

میرزا عبدالله خان معتمد - بنده و آقای طهرانی وآقاي آقا ضیاءالدین نوری که این پیشنهاد را تقدیم کرده ایم در صورتی است که مجلس مؤسسان امشب تصمیم بگیرد بقیهٔ انتخابات هیئت رئیسه امشب صورت نگیرد ولی اگر بنا شود بقیه انتخابات امشت صورت بگیرد ما موافقیم و پیشنهاد خودمان را مسترد میداریم . در صورتی که نظر اکثریت این باشد که امشب مجلس تعطیل و امر انتخابات هیئت رئیسه بتأخیر افتد آنوقت ما معتقد خواهیم بود که جلسه برای فردا سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شود . پس پیشنهاد بنده و آقایان مبنی بر اینکه فردا جلسهٔ مجلس مؤسسان تشکیل شود مشروط براینست که بقیه انتخابات امشب صورت نگیرد .

رئیس - آقای سوشتری (اجازه)

شوشتری - اساساً خوب است یك قدری دقت کنیم . برتمام ماها فرض است که نظامنامهٔ داخلی را رعایت کنیم . یك پیشنهاد میشود بدواً باید در اطراف آن مذاکره کرد و رأی قاطع در آن باب گرفت بعد پیشنهاد ثانوی داده شود . پیشنهادی داده شد که جلسه ختم شود در صورتیکه این پیشنهاد برخلاف نظامنامه است زیرا نظامنامه اجازه نمیدهد که جلسه ختم شود . برفرض هم که خواسته باشیم این نظریه را اعمال کنیم باید قبلاً در پیشنهاد آقای وکیل اظهار مخالفت و موافقت بشود و بعد

رأی گرفته شود بعد پیشنهاد ثانوی داده شود

رئیس - خواهش میکنم رعایت موافق و مخالف بشود . آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده موافقم

رئیس - ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده موافقم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی البته باید قبل از اینکه امشب جلسه برهم بخورد تکلیف هیئتی که بعد از این باید انتخاب شود معین شود . حالا اگر بنا باشد مارأی بگیریم بدواً باینکه جلسه را حالا تعطیل کنیم . پس از تعطیل رای گرفتن که معین کنیم مثلاً درچه وقت حاضر شویم معنی ندارد . پس اول باید رأی گرفته شود باینکه بقیه هیئت رئیسه درجلسه باید انتخاب شود یادرجلسه بعد ؟ . پس از اینکه معین شد که باید برای جلسهٔ بعد انتخاب شوند آنوقت مجلس تعطیل شود از این جهت ما این پیشنهاد را کردیم .

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

فاطمی - (عماد السلطنه) - بنده با غالب مذاکراتی که در اینجا شد موافق نیستم یك پیشنهادی آقای وکیل کردند راجع بختم جلسه بنده عقیده ام اینست که اول باید تکلیف آن پیشنهاد معین شود بعد از این که تکلیف آن معین شد آنوقت باید تکلیف جلسهٔ آتیه معین شود که فردا باشد یا پس فردا و اینکه آقای شوشتری فرمودند که نمیشود جلسه را امشب تعطیل کرد این اظهار بر خلاف حقیقت است و مجلس در هر موقع میتواند دستور خودش را تغییر بدهد .

رئیس - رأی میگیریم با قیام و قعود آقایانی که موافقند با اینکه جلسه ختم شود قیام فرمایند - (اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس – تصویب شد.

تدین – بنده اخطار نظامنامهٔ دارم

رئیس – بفرمائید

تدین – بر طبق نظامنامه در موقعیکه رای بقیام و قعود گرفته میشود دو مرتبه باید گرفته شود.

رئیس – بنده هم میخواهم عرض کنم. دو مرتبه رای میگیریم...

تدین – بگذارید من حرفم را بزنم. یکدفعه رأی موافق و یکدفعه رأی مخالف بنا براین دفعه ثانیهم باید رای بگیرید باین معنی آقایانیکه مخالف هستند قیام کنند آن وقت بعد از دو مرتبه نتیجهٔ رای باید اعلام شود که اکثریت به کدام طرف متوجه است ازین جهت یکمرتبهٔ دیگر باید رای گرفت

رئیس – مجدداً رای میگیریم. آقایانی که مخالفند با اینکه امشب جلسه ختم شود قیام بفرمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس – تصویب شد پیشنهادی اینجا شده بود در صورتیکه امشب انتخابات هیئت رئیسه تمام نشود بماند به فردا. دراین باب مخالفی نیست

مرتضی قلیخان بیات – بنده دروقتش مخالفم پیشنهادی که قرائت شد سه ساعت بعداز ظهر نوشته شده بود...

رئیس – آن مسئله حالا مطرح نیست. این مسلم است وقتیکه امشب هیئت رئیسه تکمیل نشد لابد آن سه روز تعطیل پیش نخواهد آمد. بنده درساعت فردا چیزی عرض نکردم. بنده عرض کردم دراینکه جلسه فردا باشد مخالفی هست یا نه؟

بیات – چون اینجا یك پیشنهادی شد و ساعتش هم برای فردا سه ساعت بعداز ظهر معین شده بود مذاکره در اطراف آن پیشنهاد بود وغیر از آن که مذاکراتی نیست؟. مذاکره در اطراف آن پیشنهادی بود که بعضی از آقایان جلسه‌را برای فردا سه ساعت بعدازظهر معین وپیشنهاد

کرده بودند حالا اگر همان پیشنهاد مطرح است که بنده عرضی ندارم و الا که هیچ !؟

رئیس – (خطاب به آقا سید ابراهیم ضیاء) دراین باب مخالفتی دارید؟

ضیاء – خیر عرضی ندارم .

رئیس – آقای افسر (اجازه)

محمدهاشم میرزا افسر – پس از آنکه رای بختم جلسه گرفته شد دیگر مذاکرات چه در پیشنهاد و چه در غیر پیشنهاد موضوعی ندارد و باید فردا بیائیم برای تشکیل جلسه ، ما این جا مذاکره در ساعت جلسه میکنیم و حال آنکه هنوز جلسهٔ ثانی را معین نکرده ایم .

رئیس آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو – این جا دومرتبه رای گرفته شد واکثریت حاصل شد که جلسه امشب ختم شود و پیشنهادی شد که فردا بعد از ظهر تشکیل شود . بنده در ساعتش که سه ساعت بعد ازظهر باشد مخالفم و پیشنهاد میکنم آقایان جلسه را برای دوساعت بعد از ظهر قرار دهند . زیرا آقایان در اینجا وارد شوند و جمع شوند دیر میشود بعلاوه کار هم زیاد است و وضعیت طوری است که هرچه زودتر کارها صورت گیرد بهتر است از این جهت بنده دو ساعت بعد از ظهر را پیشنهاد میکنم و استدعا دارم آقایان پیشنهاد کنندگان هم قبول فرمایند .

معتمد السلطنه – بنده این پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو را قبول میکنم که جلسهٔ فردا دو ساعت بعد از ظهر باشد .

رئیس – (خطاب بمرتضی قلیخان بیات) – حالا اگر فرمایش دارید؟ بفرمائید که موقعش است .

مرتضی قلیخان بیات – بنده همان موقع چون فرمودند این مسئله مطرح نیست عرض نکردم ولی سایرین در همین زمینه صحبت کردند . نظربنده هم همین بود که جلسهٔ فردا دو ساعت بعد از ظهر باشد و چون مخالفی

در این باب نیست گمان میکنم بهمین صورت ختم شود و جلسه فردا دو ساعت بعد از ظهر باشد و چون مخالفي در این باب نیست کمان میکنم بهمین صورت ختم شود و جلسهٔ فردا دو ساعت بعد از ظهر تشکیل شود

رئیس - رای میگیریم . . . .

بعضی از نمایندگان -- مخالفی ندارد محتاج به رای نیست .

رئیس -- جلسه فردا دو ساعت بعد از ظهر . دستور مجلس هم بقیهٔ انتخابات هیئت رئیسه . (مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

(جلسهٔ ۲)

صورت مشروح مجلس دوشنبهٔ شانزدهم آذرماه هزارو سیصدو چهار مطابق بیستم جمادی الاولی ۱۳٤٤

مجلس دوساعت قبل ازغروب بریاست (آقا میرزا صادق خان) تشکیل گردید صورت مجلس روز قبل را آقای میرزا عیسی خان صدیق قرائت نمودند

﴿ صورت مجلس جلسهٔ اول روز یکشنبهٔ ۱۵ آذر ماه ۱۳۰٤ ﴾

مطابق ۱۹ شهر جمادی الاولی ۱۳٤٤

مجلس یکساعت قبل ازغروب بریاست سنّی آقای حاج شیخ محمدحسین یزدي و چهار نفر از جوان ترین اعضاء آقایان میرزا عبدالحمید خان سنندجي - میرزا عیسی خان صدیق - نصرت الله خان قراگوزلو - و میرزا افلاطون بمنشی گری تشکیل گردید :

غائبین بی اجازه آقایان حاج میرزا یحیي امام جمعهٔ خوئی - حاج آقاجمال - سلطان محمّد خان عامری

غائب مریض - نجف قلی خان بختیاری

بر طبق مادهٔ دوم نظام نامه برای تعیین شعب سته استقراع بعمل آمده وچون اشتباهاً اسامی غائبین تاشعبهٔ سوم درجزو اسامی نمایندگان

حاضر مرکز قرائت شد آقای تدین اظهار نمودند چون عدهٔ شعب باختلاف قرائت شده بایستي اسامی غائبین خارج و تجدید قرعه شود و پس از قدری مذاکره مجدداً استقراع بعمل آمده شعب سته بطریق ذیل معین گردید :

شعبهٔ اول ـ آقایان ـ آقا میرزا حسن اعتماد ـ روحی ـ حاج میرزا علیرضا ـ حاج بقراط ـ آیة الله زادهٔ خراسانی ـ ارباب کیخسرو ـ حاج رجب آخوند ـ میرزا علی آقا چای چی ـ صدرائی ـ افشار ـ تیمور تاش ـ آقاجان آخوند ـ دست غیب ـ آقا محمود رضا ـ میرزا سید مهدیخان فاطمی ـ سید حسینخان ممتاز ـ علی اصغرخان حکمت ـ میرزا بهاء الدین ـ دکتر هدایت الله خان ـ کی استوان ـ سلطان محمد خان عامری ـ غلامحسین میرزا ـ سید عبدالحسین صدر ـ فرج الله خان بهرامی ـ میرزا حسینخان موقر ـ میرزا یوسف خان مشار ـ میرزا جواد خان ـ میرزا علی اصغر خان وکیل الرعایا ـ آقاخان ـ میرزا محمد خان وکیل ـ حاج ملك آملي ـ میرزا محمد علی خان دهقان ـ محمد علي میرزا دولت شاهی ـ میرزا عباس مجتهد ـ مشایخی ـ سید محمد علی شوشتری ـ حاج میرزا مهدي مجتهد ـ دکتر آقایان ـ حاج اسدالله زوار ـ یاسائی ـ میرزا نصرالله خان علي آبادی

شعبهٔ دوم ـ وحید سعد ـ فرمند ـ میرزا محمد خان دانش ـ طباطبائی وکیلی ـ احتشام زاده ـ میرزا حسنعلی گلشن ـ دکتر امیر خان اعلم ـ میرزا شهاب ـ دیوان بیگی ـ میرزا عبدالباقی ـ نصرت الله خان ـ سهراب خان میرزا باقر خان عظیمی ـ حاج میرزا ابوالقاسم امین ـ شریعت زاده ـ افسر ـ طاهری ـ خطیبی ـ حاج میرزا محمود ـ آقا رضا مهدوی ـ آقا شیخ جعفر ـ محمد ابراهیم خان امیر کلان ـ علیخان اعظمی ـ حاج آقا جواد فخر الاسلام ـ آقا سید ابو الفتوح ـ اسمعیل خان نجومی ـ آقاشیخ علی مستنطق ـ الموتی ـ سید صدرالدین ظهیرالاسلام

زاده ـ فتح الله خان فزونی ـ غلامحسین خان ـ تبرزبان ـ آیة الله شیرازی ـ مرتضی قلیخان بیات ـ میرزا افلاطون ـ شیروانی ـ حاج میرزاعلی صراف ـ حاج سیدمهدی علوی ـ زاهدی ـ حاج میرزااحمد خان لاری ـ محمد تقیخان اسعد

شعبهٔ سوم ـ آقایان ـ حاج محمد تقی بنکدار ـ هدایت ـ حاج سید موسی ـ میرزا محمد علیخان فروغی ـ سید میرزا علیخان عمادی ـ حاج سیف ـ آقا شیخ علی ثقة الاسلام ـ اسلامیه ـ میرزا اسدالله خان ـ کردستانی ـ ناصرندامانی ـ سید عبدالله امام کازرونی ـ میرزاعبدالوهاب ملك ـ الکساندر خان ـ کاشانچی ـ رهنما ـ کمالوند ـ حاج مجتهد شیرازی ـ محمد خان معظمی ـ شیخ محمد جواد فرهمند ـ ملك زاده ـ آقا اسمعیل ملایری ـ آقا سید عبد الرحیم کاشانی ـ حاج سید محمدآقا مجتهد ـ حسین قلیخان گودرزی ـ علی خان حیدری ـ سیدعبدالوهاب اسمعیل خان قشقائی ـ ذو القدر ـ حاج تقی ملك خراسانی ـ حاج آقا اسمعیل ـ حاج شیخ حسین یزدی ـ موسی خان فتوحی ـ حاج غلامحسین ملك ـ میرزا مجید خان آهی ـ حاج حسن آقا ملك ـ آقا زاده ـ شیخ بهاء الدین ـ میرزا محمد علیخان منتصر ـ علی خان مافی ـ لطفعلی خان مجد ـ دکتر حسین خان بهرامی

شعبهٔ چهارم ـ آقایان ـ غلامعلی میرزا دولت شاهی ـ ذبیح الله خان علی آبادی ـ صدیق ـ میرزا فتح الله خان ـ حاج میرزا علی قیصریه ـ نظام خان مستوفی ـ سلیمان خان اعظمی ـ ابراهیم خان قوام ـ هدایت الله خان هالیزی ـ میرزا علی اصغر صدر المعالی ـ آقا ضیاء الدین نوری ـ حاج میرزا فامیلی ـ نظامی ـ آقا حسین آقا تبریزی ـ حاج محمد ابریشم کار شربعتمدار نیشابوری ـ حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلامی ـ لطف الله خان لیقوانی ـ آقا حسین آقایان ـ مفتی ـ سلیمان میرزا ـ جبار حسین زاده ـ تدین ـ آقا احمد عبدی ـ سید مرتضی وثوق ـ حاج

میرزا اسدالله‌خان ـ حاج شیخ محمدحسن ـ چینی‌فروش ـ آقاشیخ محمد علی امام آقا سید کاظم ـ هاشم آقا ملك ـ حاج سید جواد محقق ـ عبدالحمیدخان سنندجی ـ آقا سید ابراهیم ضیاء ـ آقا میرزا محمد انشائی ـ حیدر قلی میرزا میرزا حسین خان سمیعی ـ میرزا رضا خان حکمت ـ شیخ جلال‌الدین رئیس دکتر وارطان ـ میرزا محمد علی خان قوامی

شعبهٔ پنجم ـ آقایان ـ خرازی ـ میرزا یوسف خان عدل ـ میرزا علی اکبر تاجر نهاوندی ـ آقا سید حسین ـ اسمعیل خان ظفر ـ محسن‌خان نجم آبادی ـ آقا علی زارع ـ آقا محمد باقر شاهرودی ـ آقا شیخ آقا استرابادی هرمزی ـ حاج میرزا حسین خان‌فاطمی ـ آقا احمد نراقي عبدالله خان معتمد ـ حاج رحیم آقا قزوینی ـ میرزا سید علی اصغر ـ یحیی خان اعظمی ـ میرزا طاهر متولی ـ عزت الله خان بیات ـ آقا میرزا علی اکبر بزرك نیا ـ حاج میرزا حبیب الله امین ـ سهراب زاده ـ آقا شیخ اسمعیل ـ شیخ خزعل خان ـ توتونچي ـ حاج شیخعلی خمسهٔ ـ میرزا محمد علی خان فاطمی ـ سلطان احمد خان دادگر ـ هایم ـ علی نقی خان بیگلری ـ حاج سید ابوالقاسم کاشانی ـ میرزا سید محمد خان ارجمند فیض الله خان اعظمی ـ میرزا جواد خان دهدشتی ـ حاج میرزا یحیي امامی خوئی ـ آقا زاده سبزواری ـ سید علاء الدین بهبهاني ـ اسمعیل زاده ـ حائری زاده ـ کاشاني ـ آقا سید یعقوب ـ میرزا صادقخان صادقي

شعبهٔ ششم ـ آقایان میرزا محمد خان مساعد ـ میرزا حسین هدایتی ـ آقا شیخ جلال ـ میرزا رضا فرشی ـ طهرانی ـ میر محمد حسین خان حیائی حاج میرزا محمد علی قائم مقام ـ دادگر ـ مدیر گلستان ـ آشتیانی ـ احمد خان اعتبار ـ میرزا حسین خان علائی ـ حاج آقا رضا رفیع ـ اسکندر خان مقدم ـ محمد حسین خان مدنی ـ محمد ولی خان اسدی ـ جهاد اکبر ـ حاج شیخ محمد جواد ـ نظام الدین خان حکمت ـ آقا میرزا علی رضا آموزکار ـ عصر انقلاب ـ اسلامبولچی ـ فرج‌الله خان آصف ـ

میرزا حسنخان فرهمند ــ حاج حسین آقا مهدوی ــ ایزدی ــ محلوجی ــ ایرج میرزا ــ نجفقلی خان ــ اسکندری ــ داور ــ آقا باقر ــ نقیب زاده ــ میرزا علی اکبر خان ملک ــ مرتضی خان کشوری ــ حاج شیخ عبدالرحمن میرزا ضیاء الدین ــ اکبر میرزا مسعود ــ غلامرضا خان صدری ــ

در اینموقع جلسه برای تعیین هیئت رئیسه و انتخاب کمسیون رسیدکی باعتبار نامه ها تعطیل و پس از یکساعت و نیم مجدداً تشکیل و برای انتخاب هیئت رئیسهٔ دائمی آقایان میرزا یوسف خان عدل عزت‌الله خان بیات ــ حاج محمد ابریشم کار بحکم قرعه جهة استخراج آراء تعیین و نسبت بانتخاب رئیس اخذ و استخراج آراء بعمل آمد درمرتبه اولی نتیجه حاصل نشده و در دفعه ثانی آقای میرزا صادقخان صادق بااکثریت ١٢٢ رای از ٢٢٣ نفر رای دهندکان بریاست دائمی مجلس مؤسسان انتخاب و بمقام ریاست جلوس نمودند ــ

آقای میرزا مجید خان وکیل پیشنهاد نمودند جلسه ختم بقیهٔ اعضاء هیئت رئیسه موکول به جلسهٔ بعد شود و پس از قدری مذاکره نسبت به پیشنهاد ایشان دومرتبه باقیام وقعود نفیاً و اثباتاً اخذ رای وتصویب گردید ــ آقایان میرزا عبدالله خان معتمد آقا ضیاء الدین نوری طهرانی ــ پیش نهاد نمودند جلسهٔ آتیه بسه ساعت بعد از ظهر دوشنبه ١٦ آذر مقرر شود ــ آقای ارباب کیخسرو مخالف بوده و عقیده شان این بود دو ساعت بعد ازظهر جلسه تشکیل شود وچون در این خصوص مخالفی نبود جلسهٔ آتیه بروز دوشنبه ١٦ آذرماه دو ساعت بعد از ظهر و دستور آن بقیهٔ انتخاب هیئت رئیسه مقرر و مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

درصورت‌جلسهٔ روزدوشنبه ١٦ آذرماه قرائت وآقای آقا سیدیعقوب اعتراض نمودند که اسم آقای حاج میرزا احمد خان لاری که در شعبهٔ دوم نوشته شده باستی در شعبهٔ پنجم نوشته شود ــ ثانیاً چون لقب الغاء شده

وکیل التجار نبایستی نوشته شود هیچ یك از این دو اعتراض وارد نبود و صورت مجلس تصویب شد

رئیس مخالفی هست ؟

آقاسید یعقوب - بلی اجازه خواسته ام

رئیس بفرمائید

آقا سید یعقوب - سه اصلاح بعقیدهٔ بنده در صورت مجلس لازم است یکی اینکه یکجا وکیل التجار نوشته بود چون لقب الغا شده بایستی مطابق قوانین که از مجلس گذشته رفتار کنیم باید لقب نوشته نشود و اسم نوشته شود یکی هم آقای آقامیرزا احمد لاری را جزو شعبهٔ دوم نوشته بودند در صورتیکه جزو شعبهٔ پنجم که مابودیم بودند ودرآنجا رئیس سنی هم‌شدند و انتخابات در تحت نظر ایشان واقع شد این هم باید اصلاح شود یکی هم در انتخابات دوم رای دهندگان دویست و بیست سه نفر بودند و حاضرین دویست و بیست وهشت نفر بودند و اینجا نوشته‌است حضار دویست و بیست وسه نفر بودند باید اصلاح شود . رای دهندگان اینقدر بودند نه حضار

رئیس - ملاحظات آقای آقا شیخ محمد حسن گروسی هم همین است ؟

گروسی - در صورت جلسه نیست بعد از تصویب صورت جلسه اجازه بفرمائید

رئیس - آقای وثوق درباب صورت مجلس فرمایشی داشتید ؟

وثوق - بنده را درصورت مجلس حاجی سید مرتضی وثوق نوشته اند در صورتیکه بنده قبلاً باقایان عرض کرده بودم که هنوز مفتخر نشده ام وسید مرتضی وثوق هستم

رئیس آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - یك قسمت عرایض بنده را آقای آقاسید یعقوب فرمودند و یك قسمت غلط انشائی هم هست و آن کلمهٔ فردا است که نوشته اند جلسه

برای فردا معین شده خوبست اصلاح شود و نوشته شود جلسه برای روز ۱۶ آذرماه مقرر شد .

رئیس – با این اصلاحات صورت مجلس تصویب شد . آقای گروسی در باب دستور امروز فرمایشی داشتید؟

گروسی -- اجازه میفرمائید

رئیس -- بفرمائید

گروسي -- راجع بدستور امروز که میبایست دو نفر بسمت نایب رئیس معین شود در نظامنامه متعرض نیست که نایب رئیس اول و دوم و بملاحظهٔ اینکه جمعی بر داشته است دیگر رعایت این را نکرده است که درموقعی که رئیس غیبت کرد کدام یك از این دو نفر باید انتظام مجلس را بعهده بگیرد و کدام یك از این دو نفر باید نیابت کند؟ . در اینصورت ممکن است قرار را اینطور بگذارند که خود آقایان وکلا در وقت نوشتن فلان آقا را بسمت نایب رئیس اول و فلان آقا را بسمت نایب رئیس دوم بنویسند یا اینکه هر کدام از حیث رای بر دیگری تفوق دارد اورا بسمت نایب رئیس اول بشناسیم والا در آنجا رعایت اول و دوم نشده است وفقط نوشته است جمعی در اینجا جمعی کافی نیست . درمنشیها انتخاب جمعی کفایت میکند زیرا آنها همگی یك کار را دارند لیکن در نایب رئیس نمیشود هر دو بیایند به نیابت حاضر شوند

کدامش باید اولویت و تعین داشته باشد ؟ او را نظامنامه پیش بینی نکرده و لازمست در این باب به نحوی که عرض کردم معلوم شود نایب رئیس اول کدامست ؟ و دوم کدامست ؟ باینطریق که یا درموقع رای آقایان اول و دوم بنویسند یا آنکسیکه اکثریت دارد از حیث راي او را ما بشناسیم که نایب رئیس اول است

رئیس -- این مسئله محرز است که در بین نواب رئیس هر کدام آرائشان بیشتر است او نایب رئیس اول است ...

جمعی از نمایندگان ــ خیر اینطور نیست
شیروانی ــ بنده اخطار نظامنامهٔ دارم
رئیس ــ آقای تدین (اجازه)
تدین ــ آقا اخطار نظامنامهٔ اگر دارند مقدم است
رئیس ــ آقای شیروانی بفرمائید
شیروانی ــ بموجب مادهٔ ۳۳ نظامنامه ابداً غیر از دستور در هیچ موردی نمیشود حرف زد و مطابق نظامنامه باید عمل شود. نظامنامه هم تکلیف مجلس مؤسسان را معین کرده و نایب رئیس ها انتخابشان جمعی است
بعضی از نمایندگان ــ مذاکرات کافی است
رئیس شروع میشود بدستور امروز یعنی تکمیل انتخاب هیئت رئیسه ابتدا شروع خواهد شد بانتخاب دو نفر نایب رئیس در یك ورقه جمعی انتخاب خواهد شد) (اخذ آراء بعمل آمد)
رئیس ــ آقای میرزا یوسف خان عدل حاجی محمد ابریشم کار وعزت الله خان بیات که دیروز بحکم قرعه معین شده بودند تشریف بیاورند برای استخراج آراء
استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد
عدهٔ اوراق رای ۲۳۰ آقای دادگر ۱۱۹ رای آقای بیات ۸۱ رای آقای سلطان احمد خان راد ۸۰ رای آقای اسلامیه ۴۸ رای آقای میرزا یوسف خان عدل ۲۶ رای آقای سلیمان میرزا ۲۶ رای آقای دست غیب ۱۴ رای میرزا علی آقای چاپچی ۹ رای آقای حاجی امین الضرب ۸ رای آقای امامی ۵ رای آقای دکتر امیرخان اعلم ۳ رای آقای نقیب زاده ۴ رای آقای طباطبائی دیبا ۲ رای آقای مشکوة الملك ۱ رای آقای چینی فروش ۱ رای آقای فرج الله خان بهرامی ۱ رای آقای داور ۱ رای آقای نصرة الملك ۱ رای آقای رجب آخوند ۱ رای آقا جان

آخوند ۱ رای تدین ۱ رای حضرت حجة ابن الحسن ارواحنا فداه ۱ رای ورقه سفید علامت امتناع ٤

رئیس ــ آقای دادگر اکثریت دارند بنیابت ریاست انتخاب شدند ولی دو نفر دیگر که نسبتاً از ایشان بیشتر است یکی آقای بیات و یکی آقای معتمد الممالك ولی اکثریت ندارند ــ

تیمور تاش ــ عدهٔ آراء چه قدر است ؟

رئیس ــ عدهٔ آراء ۲۳۰ نفر اکثریت با صدو شانزده رأی حاصل میشود آقای عدل الملك صدو نوزده رأی دارند و بسمت نیابت ریاست انتخاب شدند لهذا شروع میشود بانتخاب یکنفر نائب رئیس دیگر

اسلامیه ــ اجازه میفرمائید ؟

بعضی از نمایندگان ــ در موقع رأی نمیشود

اسلامیه ــ خواستم بعرض آقایان برسانم بعد از تشکر از آقایانیکه بعضی از نمایندکان ــ (با همهمه) نمیشود حرف زد

یکنفر از نمایندکان ــ سابقه دارد

اسلامیه ــ دیروز هم همین طور بود و سابقه دارد پس حق دارم که عرض کنم .

بعد از اظهار تشکر از آقایانیکه اسم بنده را بسمت نیابت ریاست نوشته اند عرض میکنم که بنده کاندید نیستم و انتخاب هم نخواهم شد و بر فرض هم که انتخاب شدم قبول نمی کنم و استعفا خواهم داد

شروع باخذ آراء شد و بعضی از نمایندگان خارج میشدند

رئیس ـ آقایان تشریف نبرید عده کافی نخواهد بود برای استخراج آراء اخذ آراء بعمل آمد آقایان نظار تشریف بیاورید برای استخراج آراء

استخراج آراء بعمل آمد ونتیجه بطریق ذیل حاصل شد

عدهٔ اوراق رأی ۲۳٤ آقای بیات ۱۰۷ رأی آقای سلطان احمد خان راد ۸۷ رأی آقای سلیمان میرزا ۸ رأی آقای عدل ۷ رای آقای حاجی امین الضرب ۳

رای آقای میرزا بهاء الدین ۲ رای آقای محقق ۲ رای آقای دانش ۲ رای آقای پهلوی ۱ رای اسلامیه ۱ راي ورقهٔ سفید علامت امتناع ۱٤

رئیس – آقای بیات ۱۰۷ رای داشتند آقای راد ۸۷ رای. لهذا اکثریت حاصل نشد زیرا عدهٔ رای دهندگان دویست و سی وچهار نفر بود اکثریت باصدو بیست وهیجده رای حاصل میشود پس باید تجدید انتخاب شود این مرتبهٔ آخر است

مجدداً اخذ آراء بعمل آمد

رئیس – آقایان مستخرجین آراء تشریف بیاورید

استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل شد

عدهٔ اوراق راي ۲۳۰ آقای بیات ۱۱۹ رای آقای سلطان احمدخان راد ۹۰ رای آقای سلیمان میرزا ۳ رای آقای حاجی سید عبدالعلی دیبا ۲ رای میرزا عبد الحسین . آقای حاجی امین الضرب ۲ رای آقای پهلوی ۱ رای آقای دانش ۱ رای. آقای حاجی میرزا علیرضا ۱ رای آقای میرزا عبدالله خان معتمد ۱ رای آقای فرج الله خان آصف ۱ رای حضرت حجة ابن الحسن صلواة الله و سلامه علیه ۱ رای آقای عدل ۱ رای ورقهٔ لایقرء ۱ رای ورقهٔ سفید علامت امتناع ٤

رئیس – آقای بیات با ۱۱۹ رای انتخاب شدند چون عدهٔ رای دهندگان دویست و سی نفر بود اکثریت تام صدو پانزده میشود لهذا با اکثریت تمام انتخاب شدند . یك ربع ساعت تنفس است

(دراینموقع جلسه براي تنفس تعطیل و پس از نیم)

(ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس – شروع میشود بانتخاب چهار نفر منشی این انتخاب جمعی خواهد بود یعنی هرچهار نفر دریك ورقه نوشته میشود

اخذ آراء بعمل آمد

رئیس آقایان نظار تشریف بیاورید

استخراج آراء بعمل آمد نتیجه اینطور حاصل شد

عدهٔ اوراق رای ۲۱۲ آقای آقا میرزا شهاب ۱۵۶ رای آقای شیروانی ۱۳۰ ـ رای آقای شاهرودی ۹۰ ـ رای آقای صدر التجار ۸۳ ـ رای آقای احتشام زاده ۵۳ ـ رای آقای میرزا افلاطون ۵۴ ـ رای آقای روحی ۳۷ ـ رای آقای یاسائی ۲۹ ـ رای آقای منتصر الملك ۱۶ ـ رای آقای عبد الحمید خان کردستانی ۱۵ ـ رای آقای امیر کلال تیموری ۱۱ ـ رای آقای شوشتری ۱۳ ـ رای آقای محمود رضا ۱۶ ـ رای آقای نیك پور ۹ ـ رای آقای آقا زاده ۱۴ ـ رای آقای نراقی ـ ۱۱ رای آقای کوچك نیا ٤ ـ رای آقای کلستان ۸ ـ رای آقای آموزکار ۷ ـ رای آقای آقا سید ابراهیم ضیاء ۶ ـ رای آقای میرزا عبد الله خان معتمد ـ ۵ رای آقا میرزا عیسی خان صدیق ۳ ـ رای آقای خطیبی ۳ ـ رای آقای نصرة الملك ۶ ـ رای آقای شیخ خزعل خان ۲ رای آقای اسلامبولچی ۲ ـ رای آقای حاجب التولیه قم ۲ رای آقای دست غیب ۱ ـ رای آقای محلوجی ۱ رای آقای تدین ۱ ـ رای آقای کی استوان ۱ ـ رای آقای رئیس التجار خراسانی ۱ ـ رای آقای میرزا علی اکبر خان ملکی ۱ ـ رای آقای عراقی ۱ رای ـ آقای ارجمند ۲ ـ رای آقای دانش ۲ ـ رای آقای اصغر نیا ۱ ـ رای آقای الموتی ۱ ـ رای آقای آقا سید جواد محقق ۳ ـ رای آقای میرزا اصغر خان ۱ ـ رای ورقه سفید ٤ ـ

رئیس ـ آقایان آقا میرزا شهاب و شیروانی اکثریت دارند زیرا عده رای دویست و دوازده نفر بود اکثریت با صدو هفت رای حاصل میشود اقای اقا میرزا شهاب ۱۵۶ رای دارند لهذا اکثریت تام دارند اقای شیروانی ۱۳۰ رای دارند ایشان هم اکثریت دارند برای اقایان شاهرودی و صدرالتجار (اولی ۹۰ رای و دومی ۸۳ رای) اکثریت حاصل نشده لهذا برای دو نفر از منشی ها باید تجدید رای شود

تدین -- اسامی دیگران هم خوانده شود

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین -- آقایان دیگر هم عدهٔ زیادی رای داشتند تقاضا میکنم خلاصه اش گفته شود باستثنای آنهائیکه هفت هشت رأی داشتند

رئیس -- آقایانیکه در بارهٔ آنها اکثریت تام حاصل نشده است آقای شاهرودی ۹۰ رای آقای صدر التجار ۸۳ رای آقای احتشام زاده ۵۳ رای آقای میرزا افلاطون ۵۴ رای آقای روحی ۳۷ رای آقای یاسائی ۲۹ رای تجدید رای میشود

آقا سید مرتضی وثوق -- اخطار نظامنامهٔ دارم

رئیس -- بفرمائید

آقا سید مرتضی -- بنده یك پیشنهادی دارم که مقدم است بفرمائید قرائت شود.

رئیس -- نظامنامه قدغن کرده است در بین رای چیزی خوانده شود.

آقا سید مرتضی -- قبلا پیشنهاد را داده بودم.

اخذ آراء بعمل آمد و باز عدهٔ از نمایندگان خارج شدند

رئیس - آقایان تشریف نبرید مجلس از اکثریت خواهد افتاد. آقایان مستخرجین تشریف بیاورید.

(استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل گردید)

عدهٔ اوراق رای ۱۹۵

رئیس عدهٔ رای دهندگان ۱۹۵ نفر آقای شاهرودی - ۹۷ رای - آقای صدر التجار ۸۴ رای - آقای احتشام زاده ۲۴ رای - آقای میرزا افلاطون ۴۹ رای - آقای یاسائی ۲۵ راي اکثریت تامه ۹۸ رای است. براي هیچکدام اکثریت حاصل نشده است لهذا تجدید رای میشود و ایندفعه سوم است اکثریت نسبی کافی خواهد بود

(اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس ـ آقایان مستخرجین تشریف بیاورید

(استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

عدهٔ اوراق رای ۱۷۸

رئیس ـ آقای شاهرودی ۱۰۸ رای ـ آقای صدر التجار ۸۸ رای ـ آقای احتشام زاده ۴۰ رای ـ آقای میرزا افلاطون ۳۸ راي ـ آقاي یاسائی ۲۱ رای . اکثریت تام با نود رای حاصل میشود بنا بر این آقای شاهرودی باکثریت تام و آقای صدر التجار باکثریت نسبی انتخاب شدند حالا شروع میشود بانتخاب سه نفر مباشر این انتخاب هم جمعی خواهد بود یعني هر سه نفر در یك ورقه نوشته خواهد شد

(اخذ آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

عدهٔ اوراق رای ۱۷۸ .

رئیس ـ عدهٔ راي دهندکان ۱۷۸ آقای ارباب کیخسرو با ۱۶۰ رای آقای دست غیب با ۱۴۸ رای ـ آقای مدیر گلستان با ۱۴۸ رای بمباشرت انتخاب شدند خواهش میکنم آقایان منشی ها تشریف بیاورند جای خودشان .

آقایان منشی های دائمی در محل هیئت رئیسه حاضر شده بمحل خود جلوس نمودند)

رئیس ـ آقایانیکه اعتبارنامه های خودشان را هنوز بدفتر نداده اند خواهش میکنم زودتر بدهند . نتیجه انتخاب کمیسیون اعتبار نامه ها که باید بعرض مجلس برسد خوانده میشود

آقای میرزا شهاب بشرح ذیل قرائت نمودند

ازشعبهٔ اول ـ آقای میرزا جوادخان امامی ـ آقای کي استوان ـ آقای افشار ـ

ازشعبه دوم ـ آقای مرتضی قلیخان بیات ـ آقای سید ابوالفتوح علوی ـ آقای زاهد

ازشعبهٔ سوم آقای رهنما ـ آقای اسدالله خان کردستانی ـ اسلامیه

از شعبهٔ چهارم آقا میرزا حسینخان سمیعی ـ آقای امام جمعه شیرازی ـ آقای آقا ضیاء الدین نوری

از شعبهٔ پنجم ـ آقای عدل ـ آقای میرزا عبدالله خان معتمد ـ آقای سهراب زاده

از شعبهٔ ششم ـ آقای محمد ولی خان اسدی ـ آقای حاجی آقا رضا رفیع آقای عصر انقلاب

رئیس ـ در خصوص جلسهٔ آتیه پیشنهاد هائی رسیده است که حالا قرائت میشود.

چون مطابق نظامنامه میبایستی بعد از انتخاب هیئت رئیسه سه روز تعطیل شود موقع جلسه بروز جمعه میافتد و برای اینکه تخلف نشود میبایستی روز جمعه جلسه تشکیل شود ولی از طرف آقایان پیشنهاداتی رسیده است که قرائت میشود تاتکلیف معلوم شود

بشرح ذیل قرائت شد

پیشنهاد جمعی از آقایان ـ امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم نظر باینکه کارهای راجعه به مجلس مؤسسان فوق العاده مترا کم شده ووقت هم مضیق است غروب یوم پنجشبهٔ ۱۹ آذرماه جلسه تشکیل شود ـ عراقي ـ نقیب زاده ـ میرزا حسینخان موقّر ـ دکتر امیر خان اعلم ـ مرتضی خان کشوری ـ احتشام زاده ـ داور ـ میرزا علي اکبر وکیل الرعایا دهدشتی ـ حاجب التولیه ـ محمود

پیشنهاد آقای معتمد السلطنه ـ بنده پیشنهاد میکنم جلسهٔ آتیهٔ مجلس مؤسسان شب جمعهٔ بیستم آذرماه بعد از غروب (پنج بعد ازظهر) تشکیل شود

پیشنهاد آقای حاجی آقا رضا رفیع ـ پیشنهاد میکنم که جلسهٔ آتیه غروب ۱۹ آذر پنجشنهٔ آتیه اعلام شود

پیشنهاد آقا سید یعقوب ـ نظر به حفظ مادهٔ پنج نظامنامهٔ داخلي و

نظر برعایت مادهٔ ۹ نظامنامه و نظر بضیق وقت و اقدام سریع در تعیین تکلیف قطعی مملکت بنام سعادت ایران در رفع بحران پیشنهاد میکنم جلسهٔ امروز را که در واقع متمم جلسهٔ گذشته است ابتداء تعطیل سه روز که در نظامنامه برای رسیدگی باعتبار نامه ها قرار داده شده منظور نمائیم .

رئیس -- چون سه پیشنهاد اول که خوانده شد تقریباً مفادش یکی بود در آن باب یك مرتبه رای میگیریم . آقای داور (اجازه)

داور -- یك نفر مخالف صحبت بکند تا بنده توضیح بدهم ولی تصور میکنم مخالفی نباشد .

رئیس -- آقای تیمور تاش -- (اجازه)

تیمور تاش -- این پیشنهادها هیچکدام محل احتیاج نیست برای اینکه مطابق نظامنامه باید روز پنج شنبه جلسه منعقد شود برای اینکه نظامنامه پیش بینی کرده بود که در همان جلسه که جلسهٔ افتتاحیه است باید هیئت رئیسه انتخاب شود و در واقع اگر قصوري هم شده از طرف ما ها شده و دیروز بایستی انتخاب هیئت رئیسه تمام میشد و از دیروز این سه روز حساب میشود . بنا بر این مطابق نظامنامه روز پنجشنبه باید جلسه منعقد شود . زیرا امروز باید جزء تعطیل شمرده شود . فردا پس فردا هم جزء تعطیل است و روز پنجشنبه عصر باید جلسهٔ مجلس مؤسسان تشکیل شود .

رئیس -- خیلی از آقایان اجازه خواسته اند راي میگیریم به قیام و قعود آقایانی که با این سه پیشنهاد که خوانده شد موافق اند یعنی موافقند با اینکه جلسهٔ آتیه غروب روز پنجشنبه تشکیل شود قیام فرمایند

اغلب برخاستند

رئیس -- اکثریت موافق است . مجددا رای میگیریم د همین موضوع اقای تیمور تاش (اجازه)

تیمور تاش -- باید این رای تجزیه شود برای اینکه یك عده برای پنجشنبه رای دادند ولی حالا باید عصر یا غروب ان معلوم شود

بعضی از نمایندکان -- در بین رای نمیشود صحبت کرد

رئیس -- مجدداً رای میگیریم با قیام و قعود . اقایانیکه مخالف این پیشنهاد هستند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس -- جلسهٔ اتیه غروب پنجشنبه -- دستور هم قرائت راپورت کمیسیون است که برای اعتبار نامه ها معین شده است و بعد انتخاب کمیسیونی از شعب برای مطالعه در مطالبی که موضوع بحث مجلس مؤسسان واقع میشود

(جلسه چهار ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

(جلسهٔ ۳)

صورت مشروح مجلس لیلهٔ جمعه ۲۰ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس یك ساعت از شب گذشته بریاست اقاي اقا میرزا صادق خان صادق تشکیل گردید .

صورت مجلس دو شنبه شانزدهم اذرماه را اقاي اقا میرزا شهاب قرائت نمودند

(صورت مجلس جلسهٔ دوم روز دوشنبهٔ ۱۶ آذرماه ۱۳۰۴)

مطابق ۲۰ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای میرزا صادق خان صادق تشکیل و صورت جلسهٔ روز قبل قرائت وتصویب شد

غائبین بااجازه : آقایان آشتیانی -- آقارضا تجدد -- میرزا طاهر متولی

غائبین بی اجازه : آقایان حاج امام جمعه خوئی -- حاج آقا جمال --

حاج شیخ علي خمسهٔ ـ حاج سید ابوالقاسم کاشانی ـ حاج مجتهد شیرازی
ـ سلطان محمد خان عامری ـ نجفقلی خان بختیاری

بطوریکه قبلاً در دستور معین شده بود انتخاب بقیهٔ اعضاء هیئت رئیسه
شروع و برای انتخاب دونفر نایب رئیس اخذ واستخراج آراء بعمل آمده
آقای میرزا حسین خان دادگر باکثریت ۱۱۹ رای از ۲۳۰ نفر رای
دهندگان به نیابت ریاست انتخاب شدند و چون نسبت به یکنفر نایب
رئیس دیگر اکثریت تام حاصل نشده بود ثانیاً اخذ آراء بعمل آمده و
در این نوبت نیز نتیجه حاصل نشد و در دفعهٔ سوم آقای مرتضی قلیخان
بیات باکثریت ۱۱۹ رای از ۲۳۰ نفر رای دهندگان به نیابت ریاست
انتخاب شدند .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس ازیکساعت مجدداً تشکیل و
برای انتخاب چهار نفر منشی اخذ و استخراج آراء بعمل آمده آقای آقا
میرزا شهاب باکثریت (۱۵۰) رای و آقای شیروانی باکثریت ۱۳۰ رای
از ۲۱۲ نفر رای دهندگان انتخاب و نسبت بدو نفر دیگر ثانیاً اخذ
رای شده بلا نتیجه ماند و در دفعهٔ ثالث آقای شاهرودی باکثریت
۱۰۸ ـ رای و آقا میرزا علی بزرگ نیا به اکثریت ۸۸ رای از
۱۷۸ نفر رای دهندگان منتخب شدند پس از آن برای
انتخاب سه نفر مباشر اخذ آراء شده آقایان ارباب کیخسرو باکثریت
۱۶۰ رای ـ دست غیب باکثریت ۱۴۸ رای ـ مدیر گلستان .باکثریت
۱۳۸ رای از ۱۷۷ نفر رای دهندکان انتخاب شدند :

اسامي اعضاء کمیسیون رسیدگی .باعتبارنامه ها که ازطرف شعب انتخاب
شده بودند قرائت و سه فقره پیشنهاد اول از طرف آقای داور و عدهٔ
از آقایان نمایندکان و دوم از طرف آقای میرزا عبدالله خان معتمد و
سوم ازطرف آقای حاج آقا رضا رفیع قرائت شد مشعر .باینکه جلسهٔ
آتیه بفوریت روز پنجشنبه ۱۹ آذر ماه موکول شود :

پیشنهادی نیز از طرف آقای آقا سید یعقوب قرائت و نسبت بسه فقره پیشنهاد اول دومرتبه با قیام وقعود نفیاً واثباتاً اخذ رای شده تصویب و جلسهٔ آتیه بغروب روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه موکول و دستور آن بقرار ذیل معین گردید ؛

اولاً راپورت کمیسیون رسیدگی باعتبارنامه ها درخصوص اعتبارنامه‌های آقایان نمایندگان ثانیاً انتخاب کمیسیون از طرف شعب : « برای مطالعه درمطالبی که بایستی مورد بحث مجلس مؤسسان شود »

مجلس چهار ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

در جلسهٔ سوم مجلس مؤسسان مورخهٔ لیلهٔ جمعه بیستم آذرماه ۱۳۰۴ قرائت آقای آقا سید یعقوب اظهار داشتند انتخاب آقای مرتضی قلی‌خان بیات اگرچه در دفعهٔ سوم بوده است لیکن چون باکثریت تام بوده است خوبست در صورت مجلس قید شود باکثریت تام انتخاب شدند

آقای رئیس اظهار داشتند اصلاح میشود

چون اعتراض دیگری نبود صورت مجلس تصویب شد

رئیس — درصورت مجلس اعتراضی نیست .

اقا سید یعقوب — بنده یك کلمه عرض داشتم .

رئیس — بفرمائید .

اقا سید یعقوب — در صورت مجلس که راجع بآقاي مرتضی قلیخان بیات نوشته شده بود باکثریت تام چون صد و نوزده رای داشتند وصدو نوزده هم اکثریت تام است .

رئیس — اصلاح میشود — اقاي سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده — عرض ندارم .

رئیس — صورت مجلس مخالفي ندارد ؟

اظهاري نشد

رئیس — صورت مجلس تصویب شد . راپورت کمسیون رسیدگی باعتبار

نامه مطرح است اقاي مخبر كمسيون تشريف بياورند بخوانند .
آقای رهنما مخبر كميسيون راپرت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند
كميسيون رسيدگی باعتبار نامها در جلسات عديده خود بدوسيهٔ انتخابات
و اعتبار نامهای نمایندگان مجلس مؤسسان رسيدگی بعمل آورده اعتبار نامهاي
مزبور بمهر و امضای اعضای انجمن نظارت انتخابات و حكومت محل و
مبنی بر شهادت و تصديق آنها بصحت جريان و رعايت قانون انتخابات
بوده لهذا كميسيون نسبت بهر يك از اعتبار نامها رای جداگانه اتخاذ و
تصويب گرديده این است که راپرت مجموع آنها مطابق مادهٔ ۱۳ نظامنامه
داخلی تقدیم مجلس مؤسسان میگردد . این اعتبار نامها نمراتش بطريقي
است که در كميسيون تصويب شده .

آقای خطیبی	گروس	باکثریت	۱۳۲۷	رای
» ارباب کیخسرو	ازطرف زرتشتیان	»	۱۱۵۳	»
» ارباب افلاطون	» »	»	۸۶۱	»
» حائری زاده	یزد	»	۳۷۷۰	»
» حاجی یوسف آملي	بارفروش	»	۳۸۱۹	»
» سیدمحمدعلي شوشتری	استراباد	»	۱۲۲۴	»
» آلکساندرخان‌طونیانس	ارامنه‌نقاط جنوب	»	۸۰۰	»
» نصرةالله خان	همدان	»	۱۳۵۸	»
» حسنعلي خان فرمند	«	»	۱۱۸۳	»
» دکتر آقایان	ارامنه نقاط‌جنوب	»	۸۴۴	»
» تدین	بیرجند	»	۹۲۴	»
» دکتر امیر خان اعلم	درجز	»	۳۲۳۹	»
» میرزاعلی اکبرخان‌ملك	تبریز	»	۱۷۹۰	»
» هرمزی	سراب	»	٤۶۳۶	»
» میرزا نصرالله‌خان علی ابادي	عباسی	»	۱۷۹۹	»

آقای میرزا جواد خان	طهران	با کثریت	۱۷۱۲۲ رای
« میرزا عبدالعزیز مفتی	سقز	«	۲۵۰۸ «
« میرزا عبد الباقی	بار فروش	«	٤٤٨٦ «
« شیخ علی	«	«	٤١١٩ «
« میرزا بهاء الدین	محلات	«	۱۰٤٤ «
« اقای شیروانی	قمشه	«	۱۰٦۳ «
« اسمعیل خان قشقاقی	جهرم	«	۱۹۱۰ «
« اقا شیخ اقا استرابادي	استراباد	«	۱۲٦۷ «
« سهراب خان ساکنیان ازطرف ارامنه اذربایجان		«	۳۳٦ «
« میرزا علی بزرك نیا	ترشیز	«	۳۷٦ «
« میرزا طاهر متولی	سبزوار	«	۱۳۹۹ «
« یاسائی	سمنان	«	۳۷٤۱ «
« میرزا فتح الله خان	یزد	«	۳۷۳۹ «
« میرزا عبدالوهاب	«	«	۳۷٤۱ «
« میرزا یدالله خان	ساوجبلاغ	«	۲۵٦۳ «
« غلامحسین میرزا	نجف آباد	«	۳۲۱۷ «
« حاجی میرزاعلی اکبر	اصفهان	«	۳۷۰۱ «
« میرزاحسن آیت‌الله‌زاده	مشهد	«	۱۹٥۷ «
« جهاد اکبر	اصفهان	«	۲۲۷۸ «
« حسین آقایان	شاهرود	«	۸۷۸ «
« شیخ هادی	یزد	«	۳۷٥٤ «
« حاجی میرزا آقا فامیلي	سمنان	«	۳۱٥۰ «
« میرزاسیدمجیدخان ارجمند	مشهد	«	۱۲۲٥ «
« آقارضا مهدوی	«	«	۱٤٥٥ «
« میرزاعلی رضا	یزد	«	۳٦۹٦ «

آقای حسینقلی خان گودرزی	بروجرد	»	۳۲۷۶	رای
» سید عبدالحسین صدر	شیراز	»	۵۵۹۸	»
» نجفقلی خان	بختیاری	»	۱۱۲۲	»
» میرزا محمد خان معظمی	گلپایگان	»	۲۲۴۸	»
» میرزا هاشم آشتیانی	طهران	»	۱۸۲۷۲	»
» عزت الله خان	عراق	»	۳۲۸۳	»
» میرزا محمود خان وحید سعد	تبریز	»	۲۶۴۲	»
» سید مرتضی وثوق	قزوین	»	۱۱۸۶	»
» آقا حسین	زنجان	»	۱۲۱۱	»
» ضیاء الدین نایب الصدر	»	»	۱۷۸۵	»
» حیدر قلی میرزا	محلات	»	۱۹۶۵	»
» شیخ محمد علی طهرانی	طهران	»	۱۹۱۱۰	»
» غلامحسین میرزا دولتشاهی	کرمانشاهان	»	۴۵۴۰	»
» دکتر مهدیخان ملک زاده	طهران	»	۱۹۵۹۱	»
» میرزا علی اکبر خان داور	»	»	۲۲۲۶۰	»
» محمد ولی خان اسدی	سیستان	»	۵۲۳	»
» میرزا حسینخان سمیعی	طهران	»	۱۸۹۷۰	»
» نظام الدین خان حکمت	»	»	۱۸۷۷۹	»
» میرزا فرج الله آصف	کردستان	»	۲۳۶۶	»
» هاشم آقا	ملایر	»	۳۷۶۳	»
» سلیمان محسن	طهران	»	۱۷۷۵۰	»
» میرزا ابوطالب اسلامیه	»	»	۱۹۰۵۲	»
» میرزا رضا قلی خان هدایت	»	»	۹۶۲۰	»
» عطاء الله خان روحی	بم	»	۱۵۱۲	»
» میرزا علی خان قوامی	ایلات خمسه	»	۹۶۷	»

آقای سید عبدالرحیم کاشانی	طهران	باکثریت	۱۱۱۴۶ رای
» سهراب زاده	مراغه	»	۳۰۰۷ »
» میرزا عیسی خان	سقز	»	۲۰۵۱ »
» سلطان احمد خان راد	طهران	»	۱۵۰۶۸ »
» سید یعقوب	ایلات خمسه	»	۷۵۲ »
» میرزا رضا خان افشار	ارومیه	»	۳۶۱۱ »

آقای مخبر اگر آقایان اجازه فرمایند آراء خوانده شود.

بعضی از نمایندگان — لازم نیست . نخوانید .

(بقیهٔ اسامی را بشرح ذیل قرائت نمودند)

آقای نقیب زاده	طهران	آقای حاجی حسن آقا ملك	تون
» میرزا رضا خان حکمت	آباده	» آقا احمد مدبر نراقی	کاشان
» آقا سید کاظم	یزد	» آقا سید جواد محقق	شیراز
» میرزا سید حسن	کاشان	» حاجی آقا اسمعیل	عراق
» مرتضی قلی خان بیات	عراق	» ناصر ندامانی	فومن
» سید علی اصغر	قم	» حاجی میرزا محمود	عراق
» سید ابراهیم ضیاء	قشقائی	» میرزا احمد خان اعتبار	بروجرد
» شیخ جلال	ملایر	» اسد الله خان کردستانی	کردستان
» حاجی میرزا ابوالقاسم	خوی	» اسکندر خان مقدم	مراغه
» باقر اقا	خوی	» نظام خان	دزفول
» میرزا عبدالله خان معتمد	درجز	» میرزا باقر خان عظیمی	بیرجند
» رهنما	تبریز	» شیخ محمد علی ثابت	قزوین
» حاجی اقا رضا رفیع	کرگانرود	» میرزا حسینخان دادگر	بارفروش
» شیخ اسمعیل	رشت	» میرزا علی محمد محلوجی	کاشان
» علی خان صدری	ساوجبلاغ	» میرزا موسی خان فتوحی	مراغه
» حاجی میرزا حسینخان فاطمی	قمشه	» میرزا محمدعلی خان فاطمی	نائین

آقای میرزا حسین خان جلائی	نجف آباد	آقای میرزا محمد علی خان منتصر	بوشهر
» شریعت زاده	بارفروش	» محمد باقر شاهرودی	قزوین
» حاجی سید موسی	قزوین	» سلیمان خان اعظمی	کرمانشاهان
» محمدعلی میرزا دولتشاهی	کرمانشاهان	» میرزا سلیم خان ایزدی	سیستان
» تیمور تاش	نیشابور	» حاجی میرزا علی قیصریه	ساوجبلاغ
» سید اسمعیل	ملایر	» مدیر گلستان	شیراز
» احمد عبدی	بنی طرف	» میرزا شهاب	رفسنجان
» حاجی محمد ابریشم کار	شوشتر	» میرزا حسین هدایتی مدیر وقت	کرکانرود
» میرزا مهدیخان زاهدی	غار	» حاجی میرزا علی صراف	غار
» میرزا اسمعیل خان نجومی	آباده	» میرزا حسینعلی گلشن	بوشهر
» حاجی آقا جواد	بروجرد	» میرزا علی اصغر خان حکمت	جهرم
» طباطبائی وکیلی	ساوجبلاغ مکری	» میرزا صادق خان (صادق)	اهر
» لطف الله خان	تبریز	» شیخ محمد حسین یزدی	طهران
» آیت الله زاده شیرازی	طهران	» حاجی غلام حسین ملک	شیراز
» میرزا علی اکبر تاجر نهاوندی	لاهیجان	» سید عبدالوهاب	رشت
» شیخ بهاء الدین	رشت	» میرزا محمد انشائی	فومن
» محمود رضا مدیر طلوع	لاهیجان	» میرزا حسن آقازاده سبزواری	سبزوار
» میرزا حسین خان موقر	محمره	» میرزا فرج الله خان بهرامی	تبریز
» شیخ جلال الدین	شیراز	» میرزا علی اصغر خان	ایوانکی
» توتونچی	تبریز	» میرزا رضا فرشی	تبریز
» صدرالدین ظهیرالاسلام زاده	دزفول	» شیخ محمدعلی امام جمعه	شیراز
» میرزا آقاخان عصر انقلاب	اردبیل	» آقا شیخ علی	همدان
» حاجی میرزا مهدی مجتهد	زنجان	» احتشام زاده	طهران
» ایرج میرزا	مشهد	» میرزا ابراهیم خان قوام	شیراز

آقای حاجی سیف	تبریز	آقای غلامحسین خان	بختیاری
« اسمعیل خان	ملایر	« آقاشیخ جعفر	بارفروش
« آموزگار	شیراز	« آقاسیدابوالقاسم کاشی	طهران
« میرزا حسن اعتماد	ساری	« دست غیب	عباسی
« لطفعلی خان	«	« محمد حسین مدنی	ارومیه
« آقا جبار حسین زاده	پهلوی	« حاجی میرزا حبیب الله امینی	« اصفهان
« حاجی سیدمهدی علوی	شوشتر	« آقامیرزاعباس مجتهد	زنجان
« حاجی میرزا علیرضا	قم	« میرزاعلی آقاچایچی	رشت
« کی استوان	پهلوی	« حاجی میرزا احمدخان لاری	شیراز
« آقاسید حسین	بوشهر	« اسمعیل زاده	تبریز
« خرّازی	تبریز	« حاج بقراط	سبزوار
« محمدهاشم میرزا افسر	سبزوار	« آقاعلی زارع	شیراز
« آقاسید عبدالله	قشقائی	« میرزا محسنخان نجم آبادی	گلپایگان
« حاجی اسد آقای زوّار	تربت حیدریه	« میرزا محمدعلیخان وکیلی	اردبیل
« یحیی خان اعظمی	کرمانشاهان	« عدل (قایم مقام)	تبریز
« فیض الله خان اعظمی	«	« سید ابوالفتوح علوی	اردبیل
« حاجی امام جمعهٔ خوئی	خوی	« میرزا جوادخان	خوی
« ضیاء الدین نوری	طهران	« اسکندری	تبریز
« میرزا عبدالحسین چینی فروش	«	« دکتر حسینخان بهرامی	اردبیل
« حاجی محمدتقی بنکدار	«	« حاجی حسین آقا امین الضرب	طهران
« حاجی محمد اسلامبولچی	«	« امامی	تبریز
« میرزا محمدخان ساعدالوزاره	مراغه	« میرزا محمدتقی ذوالقدر	فسا
« حاجی رحیم آقا قزوینی	طهران	« آقامیرسید احمد مهذب	«
« طوسی	قوچان	« تجدّد	لار
« میر محمّد حسین حسابی	خرّم آباد لرستان	« آقاسید میرزا علی	ساری

آقای شیخ عبدالرحمن	خرّم آباد لرستان	آقای علیخان اعظمی	کرمانشاهان
« هدایت الله خان هالیزی	کرمانشاهان	« اکبر مسعود	اصفهان
« محمّد علیخان نظام	حسن آباد لرستان	« مرتضی خان کشوری	ساوه
« میرزا حبیب الله خان	«	« حاجی شیخ محمد حسن	گرّوس
« حاجی علی اصغر گرمهٔ	بجنورد	« حاجی مجتهد (اعتماد الاسلام»	بهبهان
« میرزا فتح الله خان قزونی	کرمانشاهان	« آقاجان آخوند	تراکمه
« آقامیرزا جواد	بوشهر	« حاجی رجب آخوند	گمش تپه
« ذبیح الله خان علی آبادی	ساری	« آقاشیخ آقا استرابادی	استراباد
« دکتر هدایت الله خان	کردستان	حاجی شیخ محمد حسین شریعتمدار	نیشابور
« حاجی محمد تقی ملک التجار	قوچان	« حاج سید محمّد مجتهد	خمسه
« محمّد تقی خان اسعد	ساوه	« میرزا محمود امام جمعه	«
« محمد آقا تبریزیان	بجنورد	میرزا مجید خان امامی	(دماوند و فیروزکوه
« صدرائی	دماوند و فیروزکوه	« شیخ خزعل خان	محمره
« حسن خان فرهمند	همدان	« میرزا محمّد دانش	مشهد
« حاجی میرزا محمد علی رضوی	مشهد	« میرزحبیب الله آقازاده	تبریز
« تبریزی	تبریز	« میرزا محمّد علیخان دهقان	لار
« دیبا	شاهسون	« حسینخان منشور	شاهسون

بقیهٔ اعتبارنامها در خبر دیگر بعرض مجلس مؤسسان خواهد رسید

یکنفر از نمایندگان ــ عدّه را بفرمائید چقدر است

مخبر ــ دویست و بیست و هفت نفر است

رئیس ــ مطابق مادهٔ ۱۸ نظامنامه باید کمیسیونی از شعب تشکیل شود (ازهر شعبه سه نفر) برای مطالعه درمطالبی که باید مورد تصویب مجلس مؤسسان واقع شود لهذا تنفس داده می شود که تشکیل کمیسیون صورت بگیرد (دراینموقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس از یکساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس ـ کمیسیون مطالعه درمطالبی که باید مورد تصویب مجلس مؤسسان باشد تشکیل شده وهیئت رئیسه خودش‌راهم ازقراریکه میخوانند انتخاب کرده است ـ بشرح ذیل خوانده شد اعضاء کمیسیون مطالعه

از شعبهٔ اول آقایان: افشار ـ بهرامی ـ تیمور تاش ـ

از شعبهٔ دویم آقایان: امیر جنك ـ شریعت زاده ـ احتشام زاده.

از شعبهٔ سوم آقایان: تجدد ـ ذوالقدر ـ ملك زاده.

از شعبهٔ چهارم آقایان: تدین ـ سردار فاخر ـ قوام الملك.

از شعبهٔ پنجم آقایان: میرزا عبدالله خان معتمد ـ حائری زاده ـ امین التجار.

از شعبهٔ ششم آقایان: داور ـ حاجی امین الضرب ـ قائم مقام الملك.

یکنفر از نمایندگان ـ آقا اسم بخوانید لقب نخوانید

آقا میرزا شهاب ـ صحیح است

راپرت کمیسیون مزبور بشرح ذیل قرائت شد

مقام منیع ریاست محترم مجلس مؤسسان دامت عظمته

کمیسیون مطالعه بتاریخ ۱۹ آذرماه ساعت هشت بعدازظهر تشکیل وهیئت رئیسهٔ خودرا ازاینقرار انتخاب نمودند

رئیس آقای تدین ـ نایب رئیس آقای حاجی امین الضرب. منشی‌آقایان میرزا عبدالله خان معتمد وافشار. مخبر آقای داور

رئیس ـ کمیسیون از فردا صبح مشغول کار هـای خودش خواهد بود مطالب و نوشتجاتی که در این باب هست بآن کمیسیون ارجاع می شود یك فقره پیشنهاد هم ازطرف عدهٔ از نمایندگان شده است آنهم درضمن مطالب و نوشتجات بکمیسیون ارجاع میشود ـ برای تعیین جلسهٔ آتیهٔ باید این مطلب مراعات شود که کمیسیون فردا هرچه زودتر کارخودش را انجام خواهد داد ـ پس‌از آنکه کمیسیون راپرت خودش را دادباید

طبع و بین آقایان نمایندگان محترم توزیع شود و مطابق نظامنامه ۲۴ ساعت برای مطالعه آن رابرت برای آقایان نمایندگان مهلت قرار داده شده - با این نظریات تصور میرود جلسهٔ آتیه روز یکشنبه . قبل ازظهر باشد

جمعی از نمایندگان - شنبه

رئیس - حالا هرطور آقایان بهتر میدانند پیشنهاد بفرمایند

چند فقره پیشنهاد از طرف آقایان نمایندگان بشرح ذیل خوانده شد

برای اینکه زودتر به بلاتکلیفی وانتظار عموم ملت خاتمه داده شود امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم جلسهٔ آتیهٔ مجلس مؤسسان دو ساعت بعد از ظهر شنبه ۲۱ آذرماه تشکیل شود . احتشام زاده - کشوری - علی اصغر وکیل الرعایا - داور .

این جانبان پیشنهاد می نمائیم که دو ساعت بعد از ظهر شنبه ۲۱ آذر ماه جلسهٔ چهارم تشکیل شود .

طهرانی - ضیاء الدین نوری - علیرضا الحسینی - حاجب التولیه - عبدالله معتمد - اسلامبولچی .

پیشنهاد آقای امامی خوئی - بنده پیشنهاد میکنم جلسهٔ آتیه برای شنبه دو بعد از ظهر مقرر شود .

پیشنهاد آقای فاطمی - بنده پیشنهاد میکنم جلسه شنبه اول غروب تشکیل شود .

رئیس - آقایانی که اجازه خواسته اند برای فرمایشات اگر در این باب است رأی بگیریم بدو ساعت بعد از ظهر شنبه

فاطمی - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم

ارباب کیخسرو - بنده اخطار نظامنامهٔ دارم

رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم همچو رأئی نمی شود گرفت برای اینکه وقتی در نظامنامه تصریح شده است که ۲۴ ساعت باید فاصله باشد و

هنوز معلوم نیست که راپرت چه وقت میرسد ؟

بنده تصور میکنم مناسب‌تراین است که جلسه صبح یکشنبه باشد و در صورتی میشود این رأي را داد که ازکمیسیون اطمینان حاصل شود که راپرت را قبلا حاضر میکند که درست ۲۴ ساعت منقضی شود و الا اگرغیر از این باشد ؟ تصور میکنم این رأی کاملا مخالف نظامنامه باشد ؟!

رئیس ـ آقای داور (اجازه)

داور ـ بنده تصور میکنم در هر حال رأی گرفتن باینکه جلسهٔ روز شنبه دو ساعت بعد از ظهر باشد بهیچ وجه منافی با نظامنامه نیست ـ آقا از حیث دستور می فرمایند البته یا کمیسیون راپرت خودش را تهیه میکند ؟ یا نمی کند ؛ اگر تهیه کرد و حاضر شد راپرتش جزء دستور میشود و اگر هم حاضر نشد اهمیتی ندارد آقایانیکه تشریف آورده اند نمیروند و مي ماند برای بعد .

رئیس ـ شاهزادهٔ سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا ـ بنده در صورتیکه این نظامنامه را قانونی نمیدانم برای اینکه نظامنامهٔ هر هیئتی را خود آن هیئت باید بنویسد . (همهمه بین نمایندگان)

تیمور تاش ـ اینطور نیست .

سلیمان میرزا ـ بعد از بنده حرف خود تان را مي توانید بزنید که این طور هست یا نیست ؟ ـ بنده باز تکرار مي کنم . . . .

داور ـ اینطور نیست

سلیمان میرزا ـ شما هم بفرمائید اینطور نیست بنده مي گویم اینطور است دنیا هم تصدیق خواهد کرد که اینطور هست یا اینطور نیست ؟ . بنده تکرار میکنم در صورتیکه این نظام نامه را قانونی نمیدانم (و از این اینطور نیست آقای داور هم تغییر عقیده نمیدهم) برای اینکه هر هیئتی مخصوصاً هیئت مقننه نظام نامهٔ داخلی خودش را خودش باید بنویسد و

یکی از معایب بزرگی که در این نظامنامه هست این است که ما وکلائی که در این جا نشسته ایم دو طبقه هستیم یعنی بنده و سایر وکلاء مجلس شورای ملی که ینجا هستیم و مقام نمایندگی را داریم مصون از هر نوع تعرض هستیم و سایر وکلائی که اینجا هستند و نمایندهٔ مجلس شورای ملی نیستند مثلا معلوم نیست که مثل بنده آیا مصون از هر تعرض هستند یا نیستند؟ و از این نواقص بسیار است با تمام این فرضیات در حالتی این نظام نامه صحیح باشد و اکثریت این جا بگوید صحیح است همانطوری که آقای ارباب یاد آوری کردند نمی توان رای داد بلکه بایستی رئیس هیئت رئیسه هر ساعتي که راپرت طبع و توزیع شد ۲۴ ساعت قبل بعموم نمایندکان برسانند که مطالعه کنند و عقاید خودشان را اظهار کنند اعم از مخالف یا موافق در همان ساعت که مامور هیئت رئیسه ورقه چاپ شده را بمنزل بنده بیاورد اعلان خواهد کرد که ۲۴ ساعت دیگر مجلس است آنوقت مطابق نظام نامه است و الا خداوند بهیچ یك از ماها علم غیب کرامت نفرموده است که از حالا بدانم در چه ساعت کمسیون راپرت خواهد داد و درچه ساعت حتما تمام خواهد کرد؟ و بهترین ترتیب این است که پس از راپرت دادن کمسیون و طبع و توزیع شدن بین آقایان وکلا ساعت افتتاح مجلس را هم اعلان کنند حالا هر طور آقایان میخواهند رای بدهند

رئیس ـ آقای فاطمی (اجازه)

فاطمی ـ بنده اولا مثل شاهزاده سلیمان میرزا نمی خواهم یك حالت عصبانی مصنوعی بخود بدهم.... سلیمان میرزا ـ به بنده توهین می کنند ملاحظه می فرمائید.

(صدای زنك رئیس ـ دعوت به سکوت)

فاطمی ـ و بنده فقط باصل موضوع می پردازم والا دلائل کامل دارم که این نظامنامه قانون است و حاضرم بایشان و هر کس که مخالف باشد

ثابت کنم و مدلل بدارم که از روی حق و قانون نوشته شده است .
اما در اصل مطلب همانطوری که آقای داور تذکر دادند تصور نمي کنم یك مطلب مهمی را پیشنهاد کرده باشیم . ما این جا پیشنهاد مي کنیم که برای روز شنبه دو ساعت بعد از ظهر مجلس مؤسسان مفتوح شود آیا هیچ گفتیم که دو ساعت بعد از ظهر حتما باید راپرت کمسیون هم حاضر باشد ؟ گفتیم اگر چنانچه راپرت فرداً باقایان محترم نمایندگان رسید پس فردا روز شنبه دو ساعت بعداز ظهر که جلسه تشکیل میشود در آن راپرت مذاکره خواهند کرد و البته آنوقت هم همانطوری که اشاره کردند موافق و مخالف معلوم خواهد شد و اگر هم نرسید چه اهمیت دارد ؟ آقایان که تشریف آورده اند اگر مطلب دیگری بود در آن مذاکره می کنند و اگر هم نبود آقایان تشریف می برند و مجددا هیئت رئیسه جلسه را اعلام خواهد کرد یا شبش یا فردایش یا پس فردا شبش
این اهمیتی ندارد – وحشتی هم نداریم یك روز دیر تر باشد –
سلیمان میرزا – اخطار نظامنامهٔ دارم
رئیس – بفرمائید
سلیمان میرزا – ایشان باید مطابق نظامنامه از من معذرت بخواهند و آقای رئیس باید بوظیفهٔ خودشان عمل کنند زیرا بنده بهیچ وجه عصبانی نشدم فقط برای اینکه آقایان بشنوند بنده حرف زدم و از روی عقیدهٔ خودم گفتم که این نظامنامه قانونی نیست آنوقت آقایان حق نداشتند بگویند عصبانی مصنوعی !...
(همهمهٔ نمایندگان – صدای زنگ رئیس)
رئیس – اینها همه خارج از موضوع است – عدهٔ زیادی از آقایان اجازه خواسته اند رای می گیریم ....
سلیمان میرزا – قبل از رای تکلیف توهیني که به بنده شده است باید معین بفرمائید !.

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است .

رئیس ـ رای می گیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا نه!؟

جمعی ازنمایندکان ـ دو مرتبه بفرمائید آقایان ملتفت نشده اند

طهراني ـ اجازه می فرمائید توضیح بدهم

رئیس بفرمائید

آقا شیخ محمدعلی طهرانی ـ بنده که این پیشنهادرا کردم اقلاحق داشتم که توضیح بدهم یك ماده ازنظامنامه حق داده که خودمجلس هرموقع میتواند دستور مجلس راتعیین کنند ما میتوانیم خودمان دستور مجلس را تعیین کنیم اعم از اینکه آن مواد تهیه شده باشد یانشده باشد؟ .

درهر حال برای ما هیچ مانعی ندارد اگر مواد تهیه شده باشد که در همان جلسه خاتمه میدهیم والا در جلسهٔ دیگر پس مانعی ندارد که ما رأی بگیریم که مجلس بشود اعم از اینکه مواد طبع و توزیع شده باشد یانشده باشد؟

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

سلیمان میرزا ـ آقاي رئیس وقتیکه حق را محفوظ نمیکنند من هم بآن وکیل میگویم وکیل مصنوعی!

رئیس ـ آقاي دست غیب مخالفید؟ همهمه بین نمایندگان . !

آقا سید یعقوب ـ بنده مخالفم اجازه میخواهم؟

رئیس ـ بفرمائید

آقا سید یعقوب ـ حالا که بناشد این نظامنامه عملی باشد باید به تمام مواد نظامنامه عمل کنیم . یکی از مواد نظامنامه این است که صحبت و مذاکرهٔ ناطق درپشت تریبون باید باشد واگر درجای خودش هم بخواهد صحبت کنند باید با اجازه باشد . از این جهة بنده پشت تریبون آمدم واما در این مسئله آقایان فاطمی و داور که از رفقای بنده هستند باید توجه کنند وبدانند که این جمعیتی که ازتمام اقطار ونقاط مملکت دراینجا

آمده اند همه شان مردمان خیلي با اهمیتی هستند. آیا میشود که بدون دستور معین دراینجا بیایند؟

عقیدهٔ ما وتمام ایرانی ها این است که برتمام دنیا ثابت کنیم که ایراني‌ها حقوق دانند وبرای ادای حقوق همه باکمال میل دراینجا حاضر شده اند ومیخواهند مقام سلطنت‌را بوالاحضرت تفویض کنند ولی درهرحال دستور باید معین باشد و در نظامنامه معین شده است و نظامنامه معین کرده که مواد ٢٤ساعت قبل باید طبع وتوزیع شود وهنوز طبع وتوزیع نشده است. گرچه مطلب نزد ما معلوم و روشن است ولی.... ما برای گردش اینجا نیامده ایم وبرای کارهای اساسی ومهم دراینجا آمده ایم و برای انجام کاری آمده ایم که در واقع اولین قدمی است که تا کنون در ایران برداشته شده وخیلی هم اهمیت دارد ما دراینجا مي آئیم که برای اعقاب خودمان تحصیل افتخار کنیم و ما باید خیلی باین اقدام اهمیت بدهیم مطابق نظامنامه وقتی دستور را معین میکنند که راپرت آن طبع وتوزیع شده باشد والا درصورتیکه راپرت ولایحه راجع بدستور طبع وتوزیع نشده باشد آمدن ما چه لزوم دارد؟ وبرای چه باید بیائیم؟ لذا همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند باید عمل شود، وعملیات ما باید بر طبق نظامنامه باشد. حالا که ما میخواهیم یك قدم هائي بر طبق حق و عدالت برداریم چرا یك قدمی برداریم که مخالف با قانون باشد؟. ما نمایندگان مؤسسان که از تمام نقاط ایران در اینجا آمده ایم باید بکمیسیون محترم مطالعه تذکر بدهیم و تأکید کنیم که همت کنند و شجاعت و بزرگواری کنند و همین امشب جلسه را تشکیل بدهند. آقایان همت و شهامت و فداکاری کنید و همانطور که در تمام دنیا در اینقبیل مواقع فداکاري میکنند ماهم خوب است امشب جلسه‌را تشکیل بدهیم وتافردا مطلب را حاضر ومعین کنند بطوریکه فردا صبح لایحه طبع وتوزیع شود که برای روز شنبه دوساعت بعدازظهر جلسه تشکیل

شود. باید این تاکیدرا کرد و مسؤلیت تأخیر این امررا بایدملت ایران برگردن کمیسیون بداند. ولذا کمیسیون نباید بهیچ وجه تعویق و تأخیر کنند. وباین ترتیب که بنده عرض کردم هم جمع بین نظریات واقع میشود وهم عمل صورت میگیرد.

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

رئیس ـ رأی میگیریم اولاً آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند   اغلب قیام نمودند

طوسی ـ قریب باتفاق است.

رئیس ـ رای دیگر میگیریم آقایانیکه باکفایت مذاکرات مخالفند قیام فرمایند   چند نفری قیام نمودند

رئیس ـ معلوم میشود مذاکرات کافی است پیشنهاد مجدداً قرائت میشود بترتیب ذیل خوانده شد

این جانبان پیشنهاد مینمائیم که دوساعت بعداز ظهر شنبهٔ ۲۱ آذرماه جلسهٔ چهارم تشکیل شود.

رئیس رای می گیریم آقایانیکه بااین پیشنهاد موافق هستند.

یاسائی ـ بنده قبل از رای اخطار نظامنامهٔ دارم.

رئیس ـ بفرمائید ـ

یاسائی ـ بنده تصور میکنم اولاً مادهٔ چهل و دو نظامنامه را بفرمائید قرائت شود چون حتمي الرعایه است زیرا باید قبل از تعیین جلسهٔ آتیه دستور هم تعیین شود و خوب است مراقب باشیم که این نظامنامه اقلاً در اینجا اجرا شود.

مادهٔ ۴۲ نظامه بشرح آتی خوانده شد

مادهٔ ۴۲ رئیس قبل ازاینکه جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسهٔ آتیه تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات به مجلس رجوع می نماید دستوري که باین ترتیب قرارداده شده است در محوطهٔ مجلس اعلان خواهد

شد ولی مجلس درهر موقعی که لازم بداند می تواند دستور خود را تغییر بدهد .

رئیس - آقا پس از این اعتراضی وارد نیست زیرا قبل ازاینکه روز و ساعت و جلسه را تعیین کنیم نمی توانیم باین ترتیب عمل کنیم ولی پس ازانکه آقایان رای دادند و معلوم شد که چه روز وچه ساعت جلسه خواهد شد آنوقت دستور تعیین میشود پس رای بگیریم آقایانیکه با این پیشنهاد موافق هستند قیام بفرمایند . . .

یکنفر از نمایندگان - کدام پیشنهاد ؟

رئیس - همین پیشنهادی که خوانده شد ودو بعد ازظهر روز شنبه بود .

اغلب نمایندگان قیام نمودند

رئیس - باکثریت تصویب شد - ولی راي مخالف هم باید بگیریم آقایانی که بااین پیشنهادی که خوانده شد مخالف هستند قیام بفرمایند .

چند نفری قیام نمودند

رئیس پس مطابق این پیشنهاد روز شنبه دوساعت بعد از ظهر جلسه تشکیل خواهد شد .

بعضی از نمایندگان - دستور .

رئیس - دستور جلسهٔ آتیه مذاکره وشور . . .

تیمورتاش - اول دستور بقیهٔ اعتبار نامها بعد اگر حاضر باشد راپرت کمیسیون .

آقا میرزا شهاب - بنده اخطار نظامنامهٔ دارم .

رئیس - بفرمائید .

آقا میرزا شهاب - آقای سردار معظم بدون اجازه نطق میکنند در صورتیکه مطابق نظامنامه باید اجازه بگیرند و نطق کنند ولی آقایان بدون اجازه صحبت میکنند .

تیمور تاش - بنده ده مرتبه اجازهٔ نطق خواستم بعلاوه شماهم رئیس نیستید

منشی هستید .
آقا میرزا شهاب - بنده اخطار نظامنامهٔ کردم .
حائری زاده - برئیس اخطار کردند که بشما اخطار کنند .
صدای زنك رئیس
رئیس - آقای شریعت زاده راجع بدستور فرمایشی دارید ؟
شریعت زاده - بلی
رئیس - بفرمائید
شریعت زاده - چون عرض بنده راجع بدستور بود و بعلاوه در یك گوشه نشسته بودم که ممکن نبود صدایم بآقایان برسد از آن جهة پشت تریبون آمدم . دستور جلسهٔ آتیه موافق اصول معموله راپرت کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه است (جمعی از نمایندگان صحیح است) بنا براین در قسمت اول مجلس تتمه همان راپرت کمیسیون استماع خواهد شد و پس از آن اگر کمیسیون مطالعات خودش را نسبت بمسائلی که باید مورد بحث واقع شود تمام کرده باشد و وظایف خودش را سریعاً انجام داده باشد و موافق نظام نامه در مدت ٢٤ ساعت آن راپرت طبع و توزیع شده باشد و بآقایان نمایندکان ابلاغ شده باشد البته بموقع خواهد بود که هیئت رئیسه برای آن جلسه بعد از استماع بقیهٔ راپرت کمیسیون رسیدکی باعتبار نامه ها آن راپرت را هم مورد بحث قرار بدهد بنا براین تصور میکنم هیچ اخطاری وهیچ موجبی برای ادامه دادن بمذاکرات نخواهد بود
رئیس - پیشنهادهائی است خوانده میشود - (بمضمون ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای حائری زاده - بنده پیشنهاد میکنم دستور جلسهٔ آتیه راپرت کمیسیون اعتبار نامه قرار داده شود .
پیشنهاد آقای فرمند - بنده پیشنهاد میکنم دستور جلسهٔ دو بعد از ظهر بقیهٔ اعتبار نامه ها باشد -
پیشنهاد آقای دکتر آقایان - دستور جلسهٔ آینده در درجهٔ اول راپرت

بقیهٔ اعتبارنامه ها خواهد بود .

پیشنهاد آقای تیمورتاش – بنده پیشنهاد میکنم اولا بقیهٔ اعتبار نامها جزو دستور شده ثانیاً در صورتیکه راپرت کمیسیون دستور حاضر شد جزو دستور شود .

پیشنهاد آقای طهراني – این بنده پیشنهاد می نماید در صورتیکه مواد موافق نظامنامه تنظیم شده باشدو انتشار یافته باشد مذاکره در مواد شود

رئیس – پیشنهاد آقای طهرانی .

طهرانی – همان است که خوانده شد .

پیشنهاد – آقای عراقی – بنده پیشنهاد میکنم دستور جلسهٔ آتیه راپرت بقیه اعتبار نامها باشد .

بعضی از نمایندگان – رأی بگیرید .

سهراب زاده – رأی نمی خواهد مخالفي ندارد غیر از این هم کاری نداریم .

تدین – اجازه میخواهم .

رئیس – همهٔ این پیشنهاد ها دو مفهوم دارد یکی این است که در دستور جلسهٔ آتیه راپرت بقیه اعتبار نامها باشد و یکی هم این است که اول راپرت راجع باعتبارنامها و بعد شور در مواد قانون اساسی که باید مطرح شود مذاکره شود حالا در این دو قسم رأی می گیریم .

آقای تدین – توضیحی دارید بفرمائید ؟

تدین – بنده متأسفانه هر قدر امساك میکنم از اینکه صحبت بکنم بالاخره مجبور میشوم بعضی جمله ها را عرض کنم و آن این است که علی الاصول در هر مجلس مقنني مطالب و مسائلی که راجع بخود مجلس است آن مقدم بر هر دستوری است . این یك اصلی است مسلم . بنا بر این نسبت باین مطلب بهیچ وجه محتاج برأی گرفتن نیست فقط جلسه را روز شنبه معین کرده اند در ابتدای جلسه بقیهٔ راپرت اعتبار نامها قرائت خواهد شد و قسمت ثانی که پیشنهاد میکنند اگر آن راپرت حاضر باشد جزو

دستور گذارده میشود این صحیح نیست و نمی توان رای گرفت زیرا دستور مردد ومجهول نمی تواند باشد بنا بر این تصور میکنم مذا کرهٔ در اطراف این مسئله بیش از این لازم نباشد و همانطور که رای داده شد جلسهٔ روز شنبه در آن ساعت معین تشکیل خواهد شد در ابتدا بقیهٔ راپرت اعتبار نامها بعرض مجلس خواهد رسید و بعد آن راپرت اگر حاضر بود جزو دستور خواهد شد و اگر نبود مجلس ختم میشود ـ

جمعي از نمایندگان ـ صحیح است

سهراب زاده ـ بنده ختم جلسه را پیشنهاد میکنم

رئیس ـ دستور جلسهٔ آتیه بقیهٔ راپرت کمسیون رسیدگی به اعتبارنامها و بعد هم اگر آن راپرت حاضر شده بود جزو دستور میشود

مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

﴿ جلسهٔ چهارم ﴾

صورت مشروح مجلس مؤسسان مورخهٔ شنبهٔ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۵ جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس سه ساعت بعد از ظهر بریاست آقای میرزا صادق خان تشکیل گردید صورت مجلس لیلهٔ جمعهٔ بیستم آذرماه‌را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

صورت مجلس لیلهٔ جمعه ۲۰ آذر ماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس یك ساعت از شب گذشته بریاست آقای میرزا صادق خان صادق تشکیل وصورت مجلس روز دو شنبه ۱۶ آذرماه قرائت وتصویب شد.

غایبین با اجازه و مریض آقایان آقاي حاجي شیخ علی خمسهٔ مریض ـ آقای اسدالله خان کردستانی ـ حاجی آقا یوسف ملك مریض ـ غائبین بی اجازه آقایان آقای حاجی امام جمعه خوئی ـ حاجی آقا جمال الدین ـ نجفقلیخان بختیاري ـ

خبر کمیسیون رسیدگی باعتبار نامهای آقایان نمایندگان را مشعر بتصویب (۲۲۷) فقره اعتبار نامه آقای رهنما مخبر کمیسیون قرائت نموده پس از آن جلسه برای انتخاب کمیسیون (رسیدگی بمطالبي که بایستی مورد بحث مجلس مؤسسان واقع شود) تعطیل وپس از یکساعت مجدداً تشکیل و اسامي اعضای کمیسیون مزبور منتخبه از شعب وهیئت رئیسهٔ آن قرائت و آقای رئیس اظهار نمودند نوشتجات و مطالبي که مورد بحث مجلس واقع شود بکمیسیون ارجاع ولازم است هرچه زودتر کمیسیون تشکیل وراپرت خودرا تهیه وتقدیم فرمایند

سه فقره پیشنهاد: اول ازطرف آقای احتشام زاده وجمعی از نمایندگان دویم ازطرف آقای طهرانی وجمعی دیگر وسوم ازطرف آقای امامی خوئی قرائت شد مشعر باینکه جلسهٔ آتیه بدو ساعت بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ آذرماه تشکیل شود- آقاي فاطمی پیشنهاد نمودند جلسهٔ آتیه بغروب روز شنبه مقرر شود وبعد پیشنهاد خودرا مسترد نمودند

آقایان؛ ارباب کیخسرو وسلیمان میرزا وآقاسید یعقوب پیشنهاد مینمودند چون برطبق نظامنامهٔ بایستی راپرت کمیسیون ۲۴ ساعت قبل از وقت طبع و توزیع شود و نمیتوان پیش بینی نمود که راپرت کمیسیون در چه موقع تهیه خواهد شد فعلا نمیتوان ساعت جلسهٔ آتیه را معین نمود آقایان فاطمی و داور وطهرانی اظهار می نمودند تعیین وقت جلسه منافي با نظامنامه نبوده وممکن است در ابتداء جلسه راپرت کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها قرائت شود چنانچه راپرت کمیسیون هم حاضر بود که مطرح میشود والا موکول بجلسهٔ بعد خواهد شد

بدوا به کفایت مذاکرات اخذ رای شده تصویب و بعد نسبت به سه فقره پیش نهاد آقایان، احتشام زاده وطهرانی و امامی در خصوص تعیین جلسهٔ آتیه بدو ساعت بعد از ظهر روز شنبه دو مرتبه نفیاً و اثباتاً اخذ رای شده تصویب گردید

چهار فقره پیشنهاد از طرف آقایان : حائری زاده ـ فرمند ـ دکتر آقایان و عراقي مشعر به تعیین بقیهٔ راپرت کمسیون رسیدگی باعتبار نامها در دستور جلسهٔ آتیه و دو فقره از طرف آقایان ، طهرانی و تیمور تاش راجع به تعیین بقیهٔ اعتبار نامها در درجهٔ اول و راپرت کمسیون مطالعه در مطالب در صورتیکه حاضر باشد در درجهٔ دویم قرائت ونسبت به پیشنهادات مزبور قدری مذاکره بعمل آمده و بالاخره دستود جلسهٔ آتیه بقیهٔ راپرت کمسیون رسیدگی باعتبار نامها و مذاکره در راپرت کمسیون رسیدگی بمطالبي که باید مورد بحث واقع شود در صورتیکه ۲۴ ساعت قبل طبع و توزیع شده باشد مقرر و مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

رئیس ـ درصورت مجلس مخالفي هست ؟

آقا سید یعقوب ـ بله اجازه میفرمائید ؟

رئیس ـ بفرمائید

آقا سید یعقوب ـ درآن جلسات سابق آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی را هم جزو غائبین نوشته بودند ولی دراین جلسه ننوشته اند چون ایشان هم جزو غائبین هستند و تشریف نیاورده اند . عقیدهٔ بنده این است نوشته شود .

رئیس ـ آقای عراقی درصورت مجلس فرمایشی دارند ؟

حاج آقا اسمعیل عراقي ـ خیر در صورت عرض ندارم اجازه ام محفوظ باشد بعد از ورود بدستور عرض دارم

رئیس ـ آقای ملك زاده . در دستور فرمایشی داشتید ؟

تدین ـ صورت مجلس است نه دستور .

ملك زاده ـ خیر اجازه ام محفوظ باشد بعد از صورت مجلس .

رئیس ـ آقای شریعت زاده در صورت مجلس است ؟

شریعت زاده ـ بلي در خلال مباحثه در تعیین دستور مجلس از طرف

بنده توضیحاتی داده شد که در صورت مجلس بهیچوجه قید نشده است.

رئیس – با اصلاحاتیکه مذاکره شد صورت جلسه را قبول فرمودید؟

جمعی از نمایندگان – صحیح است

رئیس – دستور امروز بقیهٔ راپرت کمیسیون اعتبارنامها است.

امامی – بنده پیشنهاد داده بودم.

رئیس – آقای رهنما (احضار برای قرائت راپرت)

(آقای رهنما راپرت کمیسیون اعتبارنامها را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

کمسیون رسیدگی باعتبارنامها برای مراجعهٔ بدوسیهٔ بقیهٔ اعتبار نامهای نمایندگان محترم امروز قبل ازظهر تشکیل و بدوسیهٔ انتخابات و اعتبار نامهای بقیهٔ نمایندگان رسیدگی بعمل آورده اعتبار نامهای ذیل تصویب و راپرت آن تقدیم میگردد.

آقای حاج میرزا محمد خان مشایخی	ازحوزهٔ انتخابیه سراب
» شیخ اسدالله ممقانی	» » تبریز
» حاج محمد علی بادامچی	» » »
» آقا میرزا علی اصغر (صدر المعالی)	» » »
» میرزا آقا خان (دیوان بیگی)	» » »
» میرزا محمد خان وکیل	» » کردستان
» عبد الحمید خان سنندجی	» » »
» آقا سید ابراهیم خان (امیر کلان)	» » تون
» شیخ مرتضی	» » شاهرود
» حاجی شیخ محمد جواد بهبهانی	» » بنی طرف
» غلامرضا خان صدری	» » سیرجان
» حاج شیخ علی خمسهٔ	» » مشهد
» وارتان اوخانسیان	» ارامنه آذربایجان
» حاج میرزا علی نقی کاشانچی	» » کاشان

آقای میرزا سید حسین خان » » مشهد
» حاج میرزا اسدالله خان » » کردستان
» آقا خان حکیم » » کلیمیان
مسیو هایم » » »
رئیس - اعتبار نامهٔ آقایانیکه اسامی شان را خواندند تصویب شد.
خبر کمسیون مطالعه راجع باصول چهار کانهٔ قانون اساسی مطرح است
جمعی از نمایندگان - صحیح است.
آقا سید یعقوب اجازه نامها را ثبت کنید. منشی ها حالا نوبت شماست
(راپرت مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

(مقام محترم ریاست مجلس مؤسسان)

کمسیون مطالعه اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را مورد دقت قرار داده - اصل چهلم را بحال خود باقی گذارده و در پیشنهادی که از طرف عدهٔ از نمایندگان محترم رسیده بود مذاکرات لازمه بعمل آورده در نتیجه اصول ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مؤسسان مینماید:

اصل ۳۶ - سلطنت مشروطهٔ ایران ازطرف ملت بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد نسل بر قرار خواهد بود

اصل ۳۷ - ولایت عهد باپسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود درصورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد ولی در هر موقعی که فرزند ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد بود:

اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد - چنانچه باین

سن نرسیده باشد با تصویب مجلس شورای ملی نایب‌السلطنه از غیر خانوادهٔ قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد .

اصل ۴۰ – همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمی تواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد .

رئیس – مذاکره در کلیات است . آقای دکتر مهدیخان ملک زاده موافقید یا مخالف ؟

ملك زاده – موافقم .

رئیس – آقای طهرانی .   اجازه

طهرانی – موافقم .

رئیس – آقای عراقی .

عراقی – موافقم .

رئیس – آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب – (با آهنك طولانی)   موافقم .

رئیس – آقای شریعت زاده .

شریعت زاده – موافقم .

رئیس – آقاي سهراب زاده .

سهراب زاده – در کلیات موافقم .

رئیس – آقای سردار فاخر .

آقا میرزا محمد خان حکمت (سردار فاخر)   موافقم .

رئیس – آقاي مشار .

میرزا یوسف خان مشار – موافقم .

رئیس – آقا شیخ الاسلام اصفهانی .

شیخ الاسلام اصفهانی – مخالفم با یك جمله که در مقدمه نوشته شده است راجع باصل چهلم

بعضی از نمایندگان – مذاکره در کلیات است .

شیخ الاسلام ـ یك اشتباهی در مقدمه شده است . و بنظر من جزء کلیات میشود

رئیس ـ مقدمه جزء مواد نیست .

شیخ الاسلام ـ همین مقدمه را در جرائد مینویسند و این اشتباه میماند .

(صدای زنك رئیس)

رئیس ـ آقای دست غیب .

دست غیب ـ موافقم

رئیس ـ آقای وثوق .

آقای سید مرتضی ـ وثوق ـ بنده هم موافقم فقط در یك جمله عرض خواهم کرد .

جمعی از نمایندکان ـ مخالفی نیست رای بگیرید .

رئیس ـ مخالفي نیست رای بگیرید .

رئیس مخالفي نیست ؟ رای میگیریم برای دخول در شور مواد آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) .

رئیس ـ باکثریت تصویب شد

جمعی از نمایندگان ـ اتفاق است

رئیس ـ رأی مخالف میگیریم آقایانیکه بادخول درشور مواد مخالفند قیام فرمایند کسی قیام نکرد

رئیس ـ کسی مخالف نیست شروع میشود بشور مواد

یکنفر از نمایندگان ـ ماده اول را بخوانند

رئیس ـ اصل سی وششم قرائت میشود. بشرح ذیل قرائت شد

اصل ٣٦ ـ سلطنت مشروطهٔ ایران ازطرف ملت بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده ودر اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود .

رئیس ـ آقاي دکتر مهدیخان . اجازه

دکتر مهدیخان – موافقم ولی یك توضیحاتی دارم.

رئیس – حالا که موافقید بعد بفرمائید. آقای شریعت زاده اجازه

شریعت زاده – موافقم.

رئیس – آقاي سهراب زاده

سهراب زاده – موافقم

رئیس – آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب – (با آهنك طولانی وممدود) موافق خندهٔ حضار

رئیس – آقای دست غیب

دست غیب – موافقم

رئیس – آقای عراقی

حاج آقا اسمعیل عراقي – موافقم

میرزا عبدالله خان معتمد – مخالفی ندارد

رئیس – آقای سلیمان میرزا

سلیمان میرزا – نظریاتی دارم اگر اجازه بفرمائید عرض کنم

رئیس – موافقید یامخالف

سلیمان میرزا – در بعضی موافق ودر بعضی مخالف

رئیس – خوب در موقعش.

بعضی از نمایندگان – حرفشان را بزنند.

رئیس – درهمان قسمتی که مخالفید بفرمائید.

سلیمان میرزا – بنده که نظامنامهٔ مجلس شوراي ملّی را بلد هستم...

رئیس – اگرمطلب مفصل است خوبست تشریف بیاورید اینجا.

سلیمان میرزا – مختصرش راهم ممکن است آنجا عرض کنم (در محل نطق حاضر شدند) چنانکه در جلسهٔ گذشته حضور آقایان نمایندگان مجلس مؤسسان عرضه داشتم این ماده که الان مطرح است دارای دو قسمت است دریك قسمت آن بنده موافقم و در یك قسمت آن مخالفم ونظامنامه

یکی از معایبش این است که بنده الان نمیتوانم از این حق خودم درموقع رای استفاده کنم ,زیرا که در تمام نظامنامهٔ که بنده ملاحظه کردم حق تجزیه وتقاضای تجزیه را فراموش کرده اند بنویسند . بنا براین بنده درموقع رای از این حق خودم نمیتوانم استفاده کنم زیرا که در یك قسمت یعنی در تفویض حکومت بشخص آقای پهلوی کاملا موفقم . زیرا الساعه شاید مدت دو سال باشد که همه وقت خواه درمجالس خصوصی مجلس شورای ملي خواه در مجالس علنی از اولین مدافعین ایشان و اعمالی که ایشان برای خیر مملکت و صلاح مملکت کرده اند بنده بوده ام و هیچ جای تردید برای احدي نیست که درخیلي ازمواقع مهمه کسی که برخواسته است و دفاع کرده است از خدماتیکه شخص ایشان در برانداختن اصول ملوك الطوایفی و از امنیتی که در سرتاسر این مملکت تهیه کرده اند و ازمرکزیتی که درقوا داده‌اند و از کوبیدن سر اشرار و اشخاصی که قواي مرکزی را سابقاً نمی شناختند و سایر ترتیبات دیگر که همه‌اش در موقع خودش واضح وآشکار است همیشه اگر مخالفی داشته اند مواقعی که در مقابل آن مخالف صحبت کرده است در مجالس علنی یا خصوصی (بشهادت رفقای مجلس اگرجلسه خصوصی بوده است و بشهادت ارباب جرائد وروزنامها درجلسات علنی) بنده بوده ام . دراین تردید نیست .

همین‌طور درمجلس شورای ملی درمادهٔ واحده بنده رای‌دادم‌وورقهٔ‌سفید هم آنجا هست . فعلاهم اگر حق تجزیه در این نظامنامهٔ که آقایان عملا برسمیت شناخته اند منظور بود بنده تقاضای تجزیه میکردم در ماده اول ودر قسمتی که راجع بایشان بود رأي میدادم و در قسمت دیگر راي نمیدادم وچون این مسئله دراینجا قابل اجراء نیست زیرا که بنده مادهٔ در نظامنامه پیدا نکردم که از این حق خودم بتوانم استفاده کنم بنابراین چه خواهم کرد دریك ماده ؟ درصورتیکه ازیك طرف بایك قسمتش کاملاً موافقم واز برای خیر این مملکت بهترین ترتیب میدانم که شخص ایشان

رئیس حکومت شوند زیرا خدمات گذشته شان معلوم ودرآتیه هم خدماتشان محقق است برای این مملکت. در قسمت دیگر که موافق عقیده مسلکی بنده نیست در آنجا اگر بخواهم رای ندهم در نظامنامه قابل تجزیه نیست بنا براین بعد از مطالعه بسیار در این قضیه در کلیات هم اجازه خواستم نوبت نرسید یا اجازه را ننوشتند یانمیدانم چه شد؟ وتفاوتی هم نمی کند و همین مطالب را میخواستم درکلیات بعرض آقایان برسانم که حالا درمادهٔ اول عرض کردم

لذا حالا تصمیمي که گرفته‌ام این است که امتناع کنم درکلیهٔ مواد اولی وآخری وسایر مواد زیرا که نمیتوان تجزیه کرد

داور مخبر کمیسیون – همانطور که از برای ناطق محترم خیلی مشکل بود راجع باینکه هم موافق بودند دریك قسمت وهم توضیحاتی داشتند راجع بیك قسمت دیگر که آیا بچه عنوان (موافق یامخالف) رای بدهند. همان طور هم از برای بنده مشکل است که جواب بدهم برای اینکه ایشان اشارهٔ کردند باینکه یك جزئی در این ماده است که من با آن موافق نیستم ودرموقع رای برای اینکه نظامنامه راهی از برای تجزیه پیش‌بینی نکرده است من در اشکال میافتم و بطور صریح هم نگفتند مخالفت ایشان در چه قسمتي است ودرهرصورت دلائلی ذکر نکردند که بنده درموضوع آن دلایل یك عرایضی از نقطهٔ نطر مدافعه از نظر کمیسیون عرض کنم همانطور که خودشان اظهار کردند ما میدانیم ایشان از موافقین جدی ومسلم وهمیشه همراه بارئیس محترم مملکت بوده‌اند البته دراین قسمت تصدیق میفرمائید که لازم نیست بنده هم یك توضیحاتي بدهم. در قسمت دوم بطور اشاره بنده میتوانم ملتفت شوم که باکدام قسمت مخالف بودند گویا راجع بان قسمت نسلاً بعدنسل بوده؟

بعضی از نمایندگان – معلوم نیست.

مخبر – چون بنده وقتی میتوانم حقیقةً وارد در اینموضوع بشوم و یك

دلائلی برای رای کمیسیون اقامه کنم که شخص مخالف یك دلائلی را برای نظر خودش اظهار کرده باشد و چون ایشان بایك جدیت تمام و بایك نیت پاکی خواستند هم عقیدهٔ شخص خودشان را حفظ کرده باشند وهم در این موقع مهم تاریخی داخل یك تفصیلاتی نشده باشند که وقت مجلس تلف شده باشد باین مناسبت بنده هم هیچ لازم نمیدانم که داخل در یك دلائلی بشوم که فرض بکنم ایشان میخواسته اند آن دلائل را اقامه کرده باشند .

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است ،

رئیس ـ آقای سردار فاخر .

میرزا رضاخان حکمت ـ سردار فاخر ـ موافقم

رئیس ـ آقاي فاطمی.

فاطمی ـ موافقم .

رئیس ـ آقای عدل

عدل ـ دراین ماده عرض ندارم .

رئیس ـ آقای طهرانی ـ

طهرانی ـ موافقم .

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است .

رئیس ـ آقایان مذاکرات را دراصل ماده کافي میدانید ؟

جمعی از نمایندگان ـ کافی است

رئیس ـ پیشنهادها قرائت میشود

آقای آقا میرزا شهاب پیشنهاد ذیل را قرائت نمودند

پیشنهاد آقای یاسائی ـ بنده پیشنهاد میکنم کلمهٔ شاهنشاه از اصل سی و ششم حذف شود همهمه بین نمایندگان

رئیس ـ آقاي یاسائی توضیح بدهید .

یاسائي ـ بعضی از آقایان شاید تصور کنندکه بچه مناسبت بنده این پیشنهاد رادادم؟

آقا سید یعقوب ـ واقعاً همینطور است

یاسائی ـ ولی خود بنده تعجبی ندارم اصلا لغت شاهنشاه یك لغت مرکبي است وبعقیدهٔ بنده حاکي از ملوك الطوایفي ایران است

بعضی از نمایندگان ـ (با همهمه) اینطور نیست

یاسائی ـ بنده عقیده ام این است از زمان داریوش وقتی که مملکت را بیك قسمتهائی تقسیم کردند این کلمه مانده است و عجالتاً که ما کاملاً معتقد باصول مرکزیت هستیم و بحمد الله بتوجهات والا حضرت اقدس پهلوی اصول ملوك الطوائفي از این مملکت بر انداخته شده مملکت ایران شاه دارد نه (شاه شاهان) شاهان دیگر هم هست ؟ گراندوك که اینجا ندارد پرنس نشین هم که ندارد ما چنانچه بخواهیم حکومت مرکزی را کاملاً معتقد باشیم و باصل لا مرکزیت مخالف باشیم بهتر این است که این کلمه را از اینجا حذف کنیم و بنویسیم اعلیحضرت رضا شاه پهلوی اگر بخواهیم کلمهٔ شاهنشاه را معنی کنیم یعنی شاه شاهان من نمیدانم آن شاهانش کدام است ؟ خارج از مملکت است ؟! داخل در این مملکت است ؟! اگر یکوقتی شاه ایران نسبت بیك سلاطین خارجی سلطنت داشته است این عنوان را ما در اینجا حفظ کنیم لزومی ندارد بنده عقیده ام این است که این کلمه حذف شود از نقطهٔ نظر حفظ مرکزیت بهتر است

رئیس ـ آقای مخبر نظر شما چیست ؟

مخبر ـ بنده این قضیه را از نقطهٔ نظریکه ایشان گفتند داخل درمسابقه لغت آن نمی شوم ولی امروز این یك عنوان افتخاریست از برای سلطان ایران که در همه جا مملکت ایران را مملکت شاهنشاهی ایران گفته اند (بعضی ازنمایندگان ـ صحیح است) و بهمین مناسبت است که این لغت در اینجا وضع شده

نمایندگان ـ صحیح است .

رئیس ـ پس رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه ا

این پیشنهاد موافق هستند قیام نمایند
(فقط آقای یاسائی برخواستند)
رئیس ـ آقایانیکه مخالف هستند با این پیشنهاد قیام نمایند
(عدهٔ کثیری قیام نمودند)
رئیس ـ پیشنهاد رد شد .
پیشنهاد آقای نقب زاده بترتیب ذیل قرائت شد
دراصل سی وششم جملهٔ ازطرف ملت زائد است : و لفظ شده بعد از لفظ تفویض باید مبدل بلفظ شد یامیشود گردد .
رئیس ـ آقای نقب زاده توضیح بدهید .
نقب زاده ـ آقایان میدانند که در اصول قانون گذاری تدرج وترتب مواد خود یك اصلی است وهر مادهٔ نسبت بمادهٔ دیگر شارح و مبیّن است مگر اینکه یك فصل دیگری بیاید و جریان را قطع کند قبلا باید رجوع شود باصل سی و پنجم که عین آن اصل را میخوانم .
اصل ۳۵ ـ سلطنت ودیعهٔ است که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوّض شده . ـ در اینجا معلوم گردید که این ودیعه از طرف ملت داده میشود بنابر این در اصل سی وششم سلطنت مشروطهٔ ایران ازطرف ملت بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت تفویض شده این لفظ (ازطرف ملت) مکرّر میشود خصوصاً با جملهٔ مجلس مؤسسان . چون در اصطلاح مجلس مؤسسان نمیشود مگر از طرف ملت وچون بوسیلهٔ مجلس مؤسسان که نمایندهٔ قدرت ملت است این حق تفویض می شود دیگر برای جمله (ازطرف ملت) موقعی باقی نمی ماند . اما قسمت دیگر که عرض کردم لفظ (شده) تبدیل شود به (شد) یا (میشود) بدیهی است الان موقع انشاء قانون است و در موقع انشاء قانون تعبیر بلفظ (شده) مورد ندارد
عراقی ـ صحیح است . مثل ایدك الله .

رئيس – آقای مخبر نظرشان چیست ؟
مخبر – بنده تصور میکنم بهترین دلیلي که بنده برخلاف پیشنهاد نقیب زاده میتوانم بیاورم همان دلیلی است که خودشان ذکر کردند یعنی در اصل سابق نوشته شده است از طرف ملت وماهم که امروز اینکار را از طرف ملت بنام عظمت قضیه میکنیم از طرف ملت است لازم است این کلمه ذکر شود و گمان میکنم خودشان هم تصدیق بفرمایند .
رئیس – رای بگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای نقیب زاده .
آقایانیکه موافقند قیام بفرمایند آقای نقیب زاده قیام کردند
رئیس آقایانیکه مخالفند بااین پیشنهاد قیام بفرمایند عدهٔ زیادی برخواستند
رئیس – پیشنهاد رد شد . آقای وثوق پیشنهاد شما راجع است باصل سی و هشتم وحالا موقعش نیست
وثوق – راجع باصل سی و هفتم است .
رئیس – رای میگیریم باصل مادهٔ .....
نقیب زاده – بنده دوقسمت پیشنهاد کردم .
عراقي – رای بگیرید .
رئیس – آقایانیکه موافقند بااصل ماده قیام فرمایند .
آقایان نمایندگان قریب باتفاق قیام نمودند
رئیس – آقایانیکه مخالفند با اصل سی و ششم قیام فرمایند کسي قیام نکرد
رئیس – تصویب شد – اصل سی و هفتم قرائت میشود
بشرح آتی قرائت شد
اصل ۳۷ – ولایت عهد باپسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهدبود درصورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد ولی در هر موقعیکه فرزند ذکور بوجود آمد حقاً ولایتعهد با او خواهد بود
رئیس – آقای عراقی .

عراقي - موافقم.

رئيس - آقای تیمورتاش.

تیمورتاش - موافقم

رئيس - آقای فاطمی.

فاطمی - موافقم

رئيس - آقای سهراب زاده.

سهراب زاده - مخالفم

رئيس - بفرمائيد

سهراب زاده - بنده که بااین ماده مخالفم ازاین جهة است که اینجایك کلمه را ننوشته میدانم یعني بایستی اضافه شود و برای آنهم يك پیشنهاد کرده ام. اگر پیشنهاد بنده قبول شود موافقم والا مخالفم وآن این است که نوشته (ولایتعهد باپسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد) در اینجا اگر لفظ مسلمه اضافه شود موافقم والا مخالفم.

رئيس - در موقع قرائت پیشنهاد ها خوانده میشود و تکلیفش معلوم میشود. آقای طهرانی موافقید یامخالف؟

طهرانی - موافقم.

رئيس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - موافقم

رئيس - آقای شیخ الرئيس:

محمد هاشم میرزا - موافقم.

تدین - اخطار نظامنامهٔ دارم.

رئيس - بفرمائيد.

تدین - آقاي سهراب زاده مخالف بودند باید در مقابل ایشان يك موافق حرف بزند یعنی آنکه اول اسمش را بردید.

رئيس - مانعي ندارد.

تدین – چطور مانعی ندارد؟ باید موافق حرف بزند.

سهراب زاده – مخالف نداشت من پیشنهاد دادم.

تدین – بنا بر این شما بیمورد صحبت کردید.

سهراب زاده – بهمین جهت هم بود که حرف نزدم

رئیس – موقع پیشنهاد نبود. آقای عراقی

حاج آقا اسمعیل عراقي – موافقم.

رئیس – بفرمائید.

عراقي – بنده قبلا خیلی معذرت میطلبم از عموم آقایان نمایندگان که مجبورم قبل از اینکه جواب آقای سهراب زاده را عرض کنم. قدری در پشت این تریبون تشکرات خدا را بجا بیاورم و حمد میکنم خدا را که بعد از صدو چهل و یکسال امروز اشخاصي که دیگران براي خاطر کشته شدن آنها در توی جرایدشان چیز هائی مینویسند از قبیل میرزا ابوالقاسم آن سید جلیل اولاد پیغمبر که دژخیمان محمد شاه قاجار دستمال بر گلوی آنسید کردند و سید هفتاد ساله را با یك حالت فضاحت و فلاکتی خفه کردند. اول تشکر میکنم خدا را که اینجا آمدم و دیدم آنسلطنت منقرض شد و بهم خورد (یکنفر از نمایندگان – بحمدالله) و بعد جواب آقاي سهراب زاده را عرض میکنم. این بسیار خوب پیشنهادي است ولی چیزی که هست در قانون اساسی سابق هم شاید این را میدانستند ولی اگر درست دقت بفرمائید اگر این قید را بکنیم مثل این میشود که اجازه برای پادشاه بگذاریم که دارای دو جور زن یك زن مسلمه و یکی زن غیر مسلمه باشد. تنها زن مسلمه را میخواهیم با او بیشتر همراهی کنیم که میگوئیم ولیعهدی با اولاد آن زن مسلمان باشد.

در صورتیکه ما باید محدود کنیم پادشاه را که اصل زن غیر مسلمه نداشته باشد بنا بر این بنده مخالفم.

رئیس – آقای دست غیب موافقید یا مخالف؟

دست غیب -- موافقم .

رئیس - آقای وکیل الملك

میرزا محمد خان وکیل - مخالفم .

رئیس - بفرمائید

آقا سید ابراهیم ضیاء - بنده تذکر نظامنامهٔ دارم

رئیس - بفرمائید .

آقا سید ابراهیم ضیاء - موافق مادهٔ ۲۳ نظامنامه راجع به پیشنهاد یك موافق و یك مخالف بیشتر نمی تواند حرف بزند

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد نیست مذاکره در ماده است

رئیس - آن در پیشنهاد است نه در اصل ماده

میرزا محمد خان وکیل - مخالفت بنده در ماده سی و هفتم راجع باین قسمت است میگوید : در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد. در اینجا باید قلم بطلان بر پانزده بیست کلمهٔ ماده قانون اساسی بکشیم . (آقا سید یعقوب اوه) یعنی آن موادی که اسم مجلس سنا در آنجا است یا باید قلم بطلان روی آنها بکشیم یا باید آن حق را که در قانون اساسی مملکت در چهارده پانزده ماده اش ذکر می کند این حق را نگیریم زیرا اظهار میکند (بر حسب پیشنهاد شاه وتصدیق مجلس شورای ملی) در اینجا الان همین مجلس مؤسسان ناشی از چه شده است ؟ که ما مدتی در ایالات و ولایات ایران مشغول تاسیس مجلس مؤسسان بودیم این بواسطه نبودن مجلس سنا بود . بلی تا امروز در ظرف این بیست سال مشروطیت ما موفق نشدیم که مجلس سنا داشته باشیم شاید بعد هم نداشتیم ولی شاید هم داشتیم . پس تا این حق مانده و تا اسم مجلس سنا در آنجا هست ما آن حقي که حق مجلس سنا است نباید از او بگیریم . در تمام ممالك دنیا وقتی که مجلس مؤسسان تشکیل میشود عبارت از اجتماع

مجلس شورای ملی و مجلس سنا است امروز که ما مجلس سنا نداشتیم احتیاج پیدا کردیم بمجلس مؤسسان . ممکن است در آتیه ما بمجلس سنا چون در قانون اساسی هست احتیاج پیدا کنیم . ما که هنوز این اساس را از قانون اساسی بر نداشته ایم ممکن است یك موقعی مجلس سنا تشکیل شده باشد و یك چنین احتیاجی که در ماده ۳۷ و ماده ۳۸ پیش بینی شده پیش بیاید و تعیین نایب السلطنه لازم شود . چه ضرر دارد اینجا بنویسم که در آن موقع مجلس سنا و مجلس شورای ملی حق این را خواهند داشت که معین کنند!

و بعقیدهٔ بنده اگر موقعی مجلس سنا داشتیم و در عین بودن آن ما احتیاج پیدا کردیم بتعیین نایب السلطنه یاولیعهد اگر درآن موقع فقط مجلس شورای ملی را دخالت بدهیم و مجلس سنا را هیچ دخالت ندهیم بعقیدهٔ بنده خلاف قانون کرده ایم باینجهة بنده پیشنهاد کردم که (مجلس سنا) ضمیمه شود وحالا تقدیم میکنم

رئیس ــ آقای تیمورتاش اجازه

آقا شیخ محمد علی طهراني ــ اجازهٔ بنده مقدم است

تیمورتاش ــ (در ضمن حرکت بطرف کرسی نطق خطاب بآقای طهرانی) بنده قبل‌از همه تان اجازه خواسته ام (در محل نطق) اگرچه باوظایف مهمی که مجلس مؤسسان در پیش دارد یعنی یك وظیفهٔ مهم ملی که در پیش دارد مقتضی نبود که ما وارد در بحث خوبي و بدی سنا بشویم . موقع این حرف اینجا نیست وبنده هم خود داری خواهم کرد از اظهار این عقیده که آیا بودن یانبودن سنا کدام مرجح است ؟ ویاموافق مصالح مملکت ایران است یانه ؟ ولی فقط میخواهم در جواب نمایندهٔ محترم عرض کنم که این ماده حقی را ازسنا سلب نمیکند ومنطقی دارد که مخصوصاً نظر مجلس شورای ملی بیشتر مراعات و منظور شود. اولا تعین حقوق مخصوصه برای مجلس شورای ملی یك‌چیز تازهٔ نیست اگر مراجعه بقانون

اساسی بفرمائید خواهید دید که مجلس شورای ملی مطابق قانون اساسی ما حقوقی را داراست که مجلس سنا دارا نیست بهمین ملاحظه این هم یکی ازآن حقوق و شرایطی باشد که مجلس شورای ملی دارا است ومجلس سنا دارا نیست بعلاوه از نقطهٔ نظر لزوم و از نقطه نظر منطق هم اگر مراجعه کنید بقانون اساسی ودقت کنید خواهید دید اعمال نظر سنا در این مورد هیچ لزومی ندارد زیرا سنا ساخته شده در تمام ممالك عالم برای تعدیل نظر مجلس شورای ملی وبرای نزدیك کردن نظر مجلس شورای ملی که نظر ملی است بانظر دولت بهمین دلیل است که مجلس سنای ما مرکب ازیك عده اعضاء انتخابی ازطرف مردم ویکعده اعضاء تعیینی از طرف شاه. پس وقتی در اینجا پیشنهاد کننده خود مقام سلطنت و خود شاه باشد آن جنبهٔ که لازم بود مجلس سنا تأمین کند تامین شده هست ومقصود حاصل شده‌است ودیگر مراجعه بسنا تکرار مکرر خواهد بود. بهمین ملاحظه است که درکمیسیون اصلح دیده شدکه فقطمراعات نظر مجلس شورای ملي بشود وبس

بعضی از نمایندگان – مذاکرات کافي است

رئیس – آقای سلیمان میرزا موافقید یا مخالف؟

سلیمان میرزا – عرض کردم مخالفم چه طور بگویم؟

رئیس – اگر مخالفید بفرمائید.

سلیمان میرزا – مخالفم ولي می بینم آقایان میگویند مذاکرات کافی است و. آقای رئیس هم میگویند موافقید یا مخالف کدام یکی از این دوتا است؟

رئیس – بفرمائید

سلیمان میرزا – بنده چنانکه در مادهٔ اول عرض کردم البته محتاج بتکرار نیست و همه خوب می شناسند که بنده دارای یك مسلکی هستم که مرامنامه اش هم در تمام مملکت طبع و منتشر شده و هر کس هم اگر ندیده است فوراً از بنده میخواهد

تیمور تاش ــ ما که ندیده ایم

سلیمان میرزا ــ آلان یکیش در جیبم هست تقدیم میکنم و مطابق مرامنامه و عقیدهٔ خودم همیشه بایستی در قضایا صحبت کنم و رای بدهم ــ در مادهٔ دوم مرامنامه بنده هست و آرزوئی که در مملکت همیشه حکومت از طرف ملت داده شود چنانکه آلان هم اینجا نوشته میشود .

بنا بر این اعم از اینکه کسی بخواهد ولیعهد باشد که آنوقت معني ندارد و یا شاه باشد بایستی ملت این اختیار را باو بدهد .

بنا براین با این اصل بنده کاملا مخالفم زیرا ملتی که خودرامتمدن میداند ملتی که تحصیل کرده است ملتي که موفق میشود مجلس مؤسسان داشته باشدملتی که مجلس شورای ملی دارد همه‌چیز دراقتدار او است واوست که میتواندبرای خودش وکیل معین کند و حکومت معین کند . این اصل عقیدهٔ بنده است اما آمدیم بر سر این ماده . این ماده بر طبق نظریه اشخاص هم که طرفدار این قضیه هستند چندین عیب اساسی دارد که آن مادهٔ سابق قانون اساسی هم ملاحظه نکرده و آن معایب فعلا هم که موقع اصلاح است باز بنده مي بینم از نظر طرفداران ماده هم آن معایب در ماده هست . مثلا ملاحظه بفرمائیداینجا نوشته شده است ولایت عهد با پسر بزرگتر پادشاه خواهد بود . دیگر حدی در اینجا نیست . همینقدر که این پسر بزرگتر باشد فرض بفرمائید اگر پسر بزرگتر پادشاه دیوانه باشد چون اینجا ذکر شده پسر بزرگتر پادشاه باید مملکت بیك شخص دیوانه تسلیم شود ؟! اگر فرضاً این پسر بزرگتر پادشاه کر باشد ؟ کور باشد ؟ نتواند حرکت کند ؟ علیل باشد آیا باید اختیار مملکت بیك‌چنین شخصی داده شود ؟ براي اینکه پسر بزرگتر پادشاه ! اگر مجنون باشد یك مملکتی که نمی تواندچندین سال برای خودش رئیس مجنون داشته باشد ؟ یك رئیس ناقص داشته باشد . پس تنها پسر ارشد کفایت نمیکند

یکنفر از نمایندگان ــ اکبر

سلیمان میرزا ـ اکبر . پس باید شخص رشید و صاحب رشد معین گردد .

این است که این ماده از نظر اشخاص طرفداران آن هم ناقص است وبالاخره در آتیه ممکن است دچار معایبی بشود که جبران پذیر نیست . بنده همانطور که عرض کردم تکلیفم معلوم است اما آقایانی که میخواهند این ماده را بنام خیر وسعادت مملکت اصلاح کنند این اشکال را باید رفع کنند . خوب اگر یك پسری یکسال بزرگتر بود ویکی یکسال کوچکتر آیا بواسطهٔ یکسال بزرگتر بودن باداشتن معایب اخلاقی یا اساسی میشود او را معین کرد ؟ پس تکلیف این بود که آقایان موافقین این ماده برگتر را مناط قرار ندهند و شرایط اساسی را که لازم است دراین ماده معین کنند که بعد در آتیه دچار اشکال نشوند بنویسند باید رشید باشد سالم باشد بیگانه نباشد . این است عیب این ماده .

آقای سلیمان میرزا بمحل خود مراجعت نمودند

سلیمان میرزا ـ (نزدیك بصندلی خود ـ خطاب به پیشخدمت) این مرامنامه را بده خدمت آقاي سردار معظم

رئیس ـ آقای مخبر

مخبر ـ باز ناطق محترم فقط بطور اشاره درآن قسمت که مورد اختلاف است صحبت کردند .

البته باهمان نیت پاك وحسن عقیدهٔ که وقت را تلف نکنند نخواستند وارد دریك قضیهٔ شوند و دلایلی بیاورند که طرف توجه اکثریت دلایل برخلاف آن هست بنده هم باین مناسبت وارد درآن موضوع نمیشوم بطور اشاره فرمودند من چون یك مرامی دارم و درآن مرام ذکر شده است که بایستي حکومت از طرف ملت باشد این مرام و این ماده بمن اجازه نمیدهد که در اینجا موافقت بکنم . بنده واقعاً آن مرام را ندیده ام خیلي هم البته تأسف دارم اگر مقصود حکومت ملی حکومتی است که از

طرف ملت داده شده باشد البته هیچکس بااو مخالف نیست والبته تمام ماها معتقدیم که باید حکومت از طرف ملت باشد ودر اینجا هم مخصوصاً این مسئله ذکر شده و تصریح شده . اما حکومت ملی یك شکل ندارد حکومت ملی انواع و اقسام مختلف در تمام ادوار تاریخ و در تمام ممالك امروزهٔ دنیا پیدا کرده است وتمام اینها حکومتهائی است ملی . یعنی بالاخره آن مرکزی که باید تصمیمش تصمیم قاطع باشد بالاخره ملت است منتهاممکن است در یك موقعی یادریك مملکتی حکومت یك صورتی بگیرد بیك عنوانی و دریك مواقع دیگریا دریك ممالك دیگری یك صورتهای دیگری را داشته باشد (بعضی از نمایندگان صحیح است) بعداز این اصل کلی که حکومت باید ازطرف ملت باشد وارد شدند در این قضیه که شخص پادشاه تعیین ولیعهد را میکند و گفتند که تعیین شاه باید با ملت باشد البته تصدیق میفرمائید که ملت کمتر میشود دریك مسائل مهمی و دریك مسائل مربوط به قانون گذاری و حکومت مستقیماً اقدام کند جز در بعضی از ممالك فوق العاده کوچك ودر تمام مواقع ملت بطور غیر مستقیم نظر خودش را ابراز میکند وحق میدهد و اختیارات میدهد بیك عده یا بیك شخص بهمان طور که بیك عده حق میدهد که بعنوان وکیل از طرف او بیایند و قانون گذاری کنند همان طورهم ممکن است حق بدهد بیك شخص که شخص پادشاه باشد که آنشخص هم دریك موقعی ولیعهد خودش را معین کند و معرفی کند اما درقسمتی که باز بآن اشاره کردند بنده هم بطور اجمال ناچارم یك دلائلی عرض کنم البته عقاید محترم است عقاید آزاد است و ایشان هم یك کسی هستند که خواسته اند بهیچ اندازه وقت مجلس را در این قضیه نگرفته باشند ولی چون دو مرتبه اشاره کردند بنده هم بطور اجمال راجع باین قسمت برای دفاع از نظرکمیسیون چند کلمه عرض میکنم آن شکلی که ایشان اشاره کردند که تعیینی نباشد از طرف یك شخص یا اولاد کسی نباشد بعبارة اخري ارثی نباشد این شکل

در نظر اول و در بادی امر یك شكل بسیار خوب یك شكل بسیار مطبوع و یك شكلی بنظر می آید كه بهترین شكل‌را دارد ولی فقط در نظر اول . اما دنیا تجربهٔ تاریخ و بالاخره سابقهٔ زندگانی بشر دراین مسئله خوب نبوده است وهروقت سلطنت را بغیر این شكلی كه ما در اینجا تصویب كرده ایم شكل دیگری ایجاب كرده اند بعد از یك مدت كمی یك كشمكش های بزرك ویك بدبختی های بزرك برای آن مملكت پیدا شد كه آن مملكت را بكلی از هستی انداخت . این تجربه تاریخ بود . ما وقتی خواستیم فصل جدیدی در تاریخ ایران باز كنیم در این موقع این تجربهٔ تاریخ را نگاه كردیم و خواستیم دركار دیگران عبرت بگیریم و كاری بكنیم كه آتیهٔ ما روی یك اثاث ثابت ویك ترتیب منظمی باشد و مملكت همیشه دچار تزلزل وكشمكش نباشد . بطوركلی عرض میكنم چون ناطق محترم نخواستند زیاد وارد درمطلب شوند بنده هم بهمان اندازه كه ایشان اشاره كردند خواستم بعرض آقایان برسانم كه نظر كمیسیون دراین موضوع بواسطهٔ همین دلائلی بود كه اجمالا عرض شد یعنی تجربهٔ كه ازكار های دیگران داشتیم بكار بردیم اما در قسمت دیگر درآن قسمت كه واضح وروشن بود راجع بكلمهٔ بزرگتر بود كه فرمودند پسر بزرگتر ممكن است ابله و دیوانه باشد یا ناقص الخلقه باشد . البته صحیح است ولی تصدیق نمیفرمائید كه قانون در تمام قسمت هائیكه اظهار نظر میكنند داخل در تمام جزئیات نمیشود یك مسائلی است كه بطوركلی معین میشود البته اگر بنباشد یك كسی دیوانه بود این شخص دیوانه نمیتواند ازحقوق سیاسی خودش استفاده كند اگراین دیوانگی یك مرض موقتی بود البته در این مدت او نمیتواند شخصاً متصدی امور شود وبعد از آنكه معالجه شد اموررا خودش متصدی میشود واگریك مرضی است غیر قابل علاج البته كسی است كه‌بدرد اینكار نمیخورد وكسی دیگر بجای او میرود ولیكن اگرتمام موارد مابخواهیم در قانون اساسی پیش بینی كنیم وتمام این اگرها را ذكر بكنیم بنده

گمان میکنم از آن رویهٔ معمولی که در تمام قوانین اساسی است خارج شده ایم و آمده ایم یك کتاب مفصل نوشته ایم . (آخر سایر مردم دنیا هم مگر پیش بینی دارند) بطور کلی آنچه که شرایط اصلی است او را برمیدارند و در قانون اساسی مینویسند حالا اگر در این بین یك اشکالاتی پیش آمد اتفاقاً ولیعهد یا پسر بزرگتر کر شد بنده تصور نمیکنم (چونکه فرمودند ممکن است کر باشد) واقعاً اگر کسی کر شد نمیتواند سلطنت کند ؟ دلیلی ندارد یك آدمی ممکن است کر باشد یك قدری گوشش سنگین باشد و بالاخره هم خوب بتواند سلطنت کند باضافه ورود در این جزئیات فقط بطور انتقاد و ایراد کافی نیست باید راه حل را پیدا کرد و گفت چه کنیم و چه بنویسیم و اگر بناشد ما بخواهیم تمام امراض را جلومان بگذاریم (مثلاً جنون و کری را ذکر کردند) ممکن است بگردیم در کتب طبی و یك امراض دیگری را هم پیدا کنیم مثل امراض عصبانی . امراض عصبانی داخل در جنون نمیشود ولی ممکن است یك امراض عصبانی باشد که اشخاص به نشینند و بگویند کسی که دارای این علل عصبی است این آدم کاملی نیست و خوب نیست سلطنت کند پس ما باید تمام آن امراض را ذکر کنیم و داخل یك تحقیقاتی بشویم که از موضوع قانون اساسی خارج است . بنده خیال میکنم همان راه حل ساده و سهلی که در عمل هم کمتر باشکالات بر میخورد همان راه حل را ما هم مثل دیگران قبول کنیم . پسر بزرگتر کسی است که حقاً باید جای پدرش بنشیند در تمام عالم هم این کار را کرده اند . البته ممکن است بندرت یك مرتبه بر حسب اتفاق یك موردی هم پیدا شود که آن مورد اسباب اشکال و زحمت شود ولی لازم نیست که ما از برای نسل های بعد بیائیم و تکلیفات قطعی معین کنیم و بالاخره اگر یك همچو مواردی پیدا شد آنوقت می نشینند و تکلیفش را معین میکنند و اگر امروز ما بخواهیم راهی جز این راهی که برای ما معین شده است درنظربگیریم

گمان میکنم بیشتر باشکال بر خواهیم خورد بجهة اینکه هر یك ازامراض را ممکن است یك ناطق محترم با یك دلائل علمی بر خیزد و بگوید کسی که این مرض‌را دارد او هم نمیتواند سلطنت کند

سهراب زاده ـ مذاکرات کافی است

داور ـ اگراجازه بفرمائید بنده یاد داشتم را به بینم چیز دیگری داردیانه خیر دیگر چیزی نیست .

رئیس ـ بکفایت مذاکرات باید رای گرفت

بعضی از نمایندگان ـ مخالفی ندارد

رئیس ـ پیشنهادات قرائت میشود

نقیب زاده ـ باید درباب آن پیشنهاد رأی گرفته شود

رئیس ـ کدام پیشنهاد ؟

نقیب زاده ـ هر پیشنهادی که خوانده شود باید تکلیفش معلوم شود

پیشنهاد آقای شیروانی بشرح ذیل خوانده شد

پیشنهاد آقای شیروانی .. بنده پیشنهاد میکنم اصل ۳۷ بطریق ذیل اصلاح شود .

اصل ۳۷ ـ ولایت عهد باپسر لایق تر بتعیین پادشاه الی آخر

شیروانی ـ اصل موضوعی‌را که مجلس مؤسسان برای آن تشکیل شده است بحمدالله بتصویب رسید وآن عبارت ازماده ۳۶ بود که رای درش داده شد وتمام شد. درسایر مسائل یك اختلافات نظری هست و باید عقاید اشخاص اظهار شود فقط چیزی را که بنده‌میخواهم تذکر بدهم این است که باین اظهارات عنوان مخالف و موافق نباید داده شود زیرا این ها یك موضوعات نظری است و باید عنوان منطق بآن داده شود و روي منطق بهمدیگر جواب بدهیم وحقیقة هم اگر کسی نظرش صائب است او را بدون جهه هو نکنند. البته ما میخواهیم درنتیجه یك امر شوروي قانون اساسی مملکت که فوق تمام قوانین است یك چیز

خوبي در آيد،

بايد فهميد كه عمليات ما يعنى از آن ساعتى كه شخص پهلوى را از فن خودش و از آن عمليات تخصص خودش ماها موافقت كرده ايم كه بالا تر بيايد. رئيس الوزراء بشود. بعد رئيس كل قوا بشود. بعد رئيس حكومت موقتى بشود و بالاخره بعد صاحب تاج و تخت كيانى بشود. اين ازروى چه اصلي بوده است؟

چه اصلى را ما ميخواستيم رعايت كرده باشيم كه اين عمليات را همينطور موافقت كرديم تا كار رسيده است باينجا. بعقيدهٔ بنده فقط و فقط از روى اصل لياقت بوده است. ما خواستيم بگوئيم ما هم مثل ساير افراد بشر و ملل متمدنه اصل لياقت را احترام ميگذاريم و ميگوئيم هر كس لايقتراست بايد جلو تر باشد و هر كس نالايق است او را عقب ميزنيم بايد بيفتد و سقوط پيدا كند. اين اصل مقدس ترين اصول است. بعقيدهٔ بنده در امور سياسى و زمام دارى. شخص آقاى پهلوي هم بنام لياقت دارد ميرسد و رسيد به بالا ترين مقامات. خوب. حالا ما اين كار را تمام كرديم. و الان داريم براى آتيه قانون مينويسيم يعنى آن موضوعى كه مربوط بشخص پهلوى است گذشت و تصويب شد حالا ميخواهيم براى بعدها براى نسل آتيه خودمان قانون بنويسيم. اين قانون را بايد چه جور بنويسيم بايد طورى بنويسيم كه نسل آتيه هم دچار همين وضعيتى كه ما شديم آنها دچار اين زحمات نشوند. از تمام اطراف و اكناف مملكت بر نخيزند بيايند يك لايق پيدا كنند وبياورند در راس امور بگذارند و اين لايق را قبلاً پيش بينى كرده باشيم. خيلى خوب. اعليحضرت پهلوى اولاد خيلى دارد. پسر خيلى دارد. باز هم انشاء الله پيدا ميكنند. اگر پسر بزرگترش لايق تر شد بنده نميگويم كه آن كسى كه لايق تر است و بزرگتر است براى اينكه بزرگتر است سر كار نيايد. خير. اين اصل محرز است. پسرى كه لايق تراست و بزرگتر

است او باید پادشاه این مملکت بشود اما اگر آمدیم مثل وضعیات فعلی مان دچار یك نالایق شدیم آنوقت چه بکنیم

سهراب زاده - همین کار را میکنیم.

شیروانی - رئیس مملکت البته باید الیق باشد. اینجا یك جوابی آقای مخبر محترم دادند که ممکن است درآن موقع یك بحرانهائی پیش بیاید و باید از حالا تکلیف معلوم باشد. بنده در پیشنهاد خودم این نقطهٔ نظر مخبر محترم و بعضی آقایان را هم که طرفدار کلمهٔ پسر بزرگتر هستند پیش بینی کرده ام که تعیین ولیعهد باشخص پادشاه باشد ولی چرا اورا مجبور بکنیم که حتماً پسر بزرگتر نالایق را بر پسر کوچکتر لایق ترجیح بدهد؟ چرا ما اورا مجبور کنیم؟ بنده تعیین ولایت عهد را برای اینکه وضعیات مملکت اجازه نمیدهد موافقت میکنم با آقایان که باشخص پادشاه باشد اما یك راهی برای او بازبگذاریم و آن اصل لیاقت که مارا در این فضا آورده است برای آتیهٔ خودمان هم پیش بینی کنیم. بنده در مقدمه هم عرض کردم این یك موضوع نظری است وموافقت و مخالفتش از این نظر است که یك قانون خوبی درست بشود. اگر مخبر محترم یا آقایان اعضاء دیگر کمیسیون حقیقتاً یك نظر صائب تری دارند که دلیل و منطق دارد که پسر بزرگتر بهتر است از لایق تر بفرمایند بنده هم ممکن است پیشنهاد خودم را پس بگیرم

مخبر - پسر لایق تر باز یکی از آن کلماتی است و یکی از آن صحبتها و خیالاتی است که در بادی نظر خیلی خوب بذهن میآید. واقعاً چه بهتر از این حالا که روزگار فرصت و مهلت بدست ما داده یك کار بزرگی بکنیم که در تاریخ آتیه ایران یك اثرات فوق العاده داشته باشد یعنی بایك ماده. بایك اصلاح. بایك پیشنهاد (همینطور که آقایان پیشنهاد کردند) اصل لیاقت را دراین مملکت مسلّم بداریم. این در نظر اول خیلی خوب است اما اگر یك قدری از این صحبتهای کلّی و نظری وارد در عمل بشویم آنوقت بنده قطع دارم که رفیق محترم بنده آقای

کرده و داستان لیاکف در گذشته و فجایع دورهٔ جنك عمومی اروپا و عملیات این قوه در مرکز مملکت ایران بیطرف یکی از وقایعی استکه ملت ایران هیچوقت آنرا فراموش نمی نماید!

حوادث بهمانطور پشت سر هم میگذشت و در کنج قزاق خانه يك شخصي کاهکاهی خودی نشان میداد که ساعات خود را در فکر میگذارند و با يك قیافه جدّی و متأثر و با قدم های سنگین میآید و میرود و تنها زندگانی مینماید

این قیافه را در نظر میگیریم و در آینده او را خواهیم شناخت

کار طهران بجای خطرناکی کشید و دشمن امنیت مرکز را نیز اخلال نمود شکست های پي در پی ولی عمداً در فرونت های جنك داخلی که در معني نام خارجی داشت نصیب قوای دولت یعنی قزاق گردید

روزکار بدین منوال میگذشت روز ها بهفته هفته ها بماه ماه ها میرفتند که دورهٔ سالیانه خود را تمام نمایند آفتاب ببرج حوت رسید وشب سوّم همین برج طهران یکدفعه بادست یکعده قشون تسخیر شد صبح دیده شد که در رأس این قشون فاتح همان قیافهٔ جدی و فکور عرض اندام کرده و ﴿ رضا خان پهلوی ﴾ زمام قدرت این دسته را در دست گرفته و از صبح سیم حوت شروع کرد که به دورهٔ فترت خاتمه داده واصول مرکزیت را بتمام معنی بموقع اجرا گذاشته و تمام ملت را در تحت لواء امنیت بپروراند

بعضی نام این پیش آمد را (کودتا) گذاشتند این تسمیه دور ازانصاف است خاتمه دادن بدورهٔ فترت و هرج و مرج و ملوك الطوایفی وجریان انداختن اصول مشروطیّت را نمیتوان کودتا نامید. برای آنکه تشکیلات اساسی مملکت تغییر نیافت بلکه چرخهای شکسته و روی هم ریخته مملکت اصلاح و بکار افتاد

این واقعهٔ تکان سختي بعقاید و افکار داد و انظار ملّت را بخود جلب

نمود و در پایان یاس و انزجار از دربار قاجاریه عقاید و افکار متوجه
عملیّات این سردار گردید وملّت جزئیات وکلیات عملیات اورا درتحت
نظر گرفت تا این حقیقت را تشخیص دهند که این پیش آمد نیز مانند
سایر حوادث جاریه است یا حقیقت و مرامی دارد؟
درآن ساعتی که ملت ایران دربهت وحیرت بود وخیره خیره بجریانات می‌نگریست و
میرفت حقیقت پیش آمدرا مطالعه نماید اراده وعزم این سردار فاتح نیز منویّات
اورا پیش می‌برد وموفقیّت ازطهران شروع باتساع کرده وهردقیقه قدم خود
را بالاتر نهاده هنوز افکار عمومی مطالعات خود را تمام نکرده بود که
یکمرتبه ایرانیان فهمیدند که از مرکز گرفته تا آخرین نقاط دوردست
سرحدی که یکقرن و نیم تمام رابطهٔ با مرکز نداشتند بتصرف مرکز
در آمده و در تحت تصرف این ارادهٔ قوی و عزم آهنین اداره شده و
قشون تا آخر سرحدات رسیده و بیرق ایران در همه جا در اهتزاز
ست و تمدن با بیرق دوش بدوش راه میرود و امنیت عمومي در همه‌جا
منبسط راه ها تسطیح و قافله ها شب و روز در تردد و دست قدرت
این سردار بروی ایران گذاشته شده و ملت با یك شوق و امید
واری از خواب غفلت بیدار ومحبّت و توجه مخصوصی بشخص رضا خان
پهلوی پیدا نمودند

(شاه درچه حال است)

احمد شاه که همیشه دستی در آتش داشت نسبت به این پیش آمد خدا
داد حسن نیتی بخرج نداد و منافع خود را در خطر دید و با یك وضع
مخصوصی از ملك و ملّت اعراض و بخارجه شتافت!.
این حرکت شاه افکار را پریشان و دلها را عصبانی و امید واری ها را
مبدل به یاس بلکه بیك نکته ایمان آوردند که هر چه هست از احمد میرزا
یا (شاه) است
برای اینکه ایرانیان انتظار داشتند که در پایان ختم جنك عمومی وزوال

فشار اجانب و یك چنین نعمت غیر مترقبهٔ خدا دادی در موقعیکه قوای مملکت در روی اصول مرکزیت سیر میکنند و تدریجاً امنیت مملکت را فرا میگیرد و آسایش و عدالت در تمام نقاط ریشه میدواند شاه با خون گرمی و علاقه مندی در رأس اصلاحات جای گرفته و با راهنمائی های مخصوص و عقیده و ایمان در تهیهٔ لوایح قانونی و ایجاد سعادت به دولت مساعدت نموده و مملکت را از بحران سیاسی و اقتصادی نجات بخشد و بار سنگین را از دوش ملت بگیرد

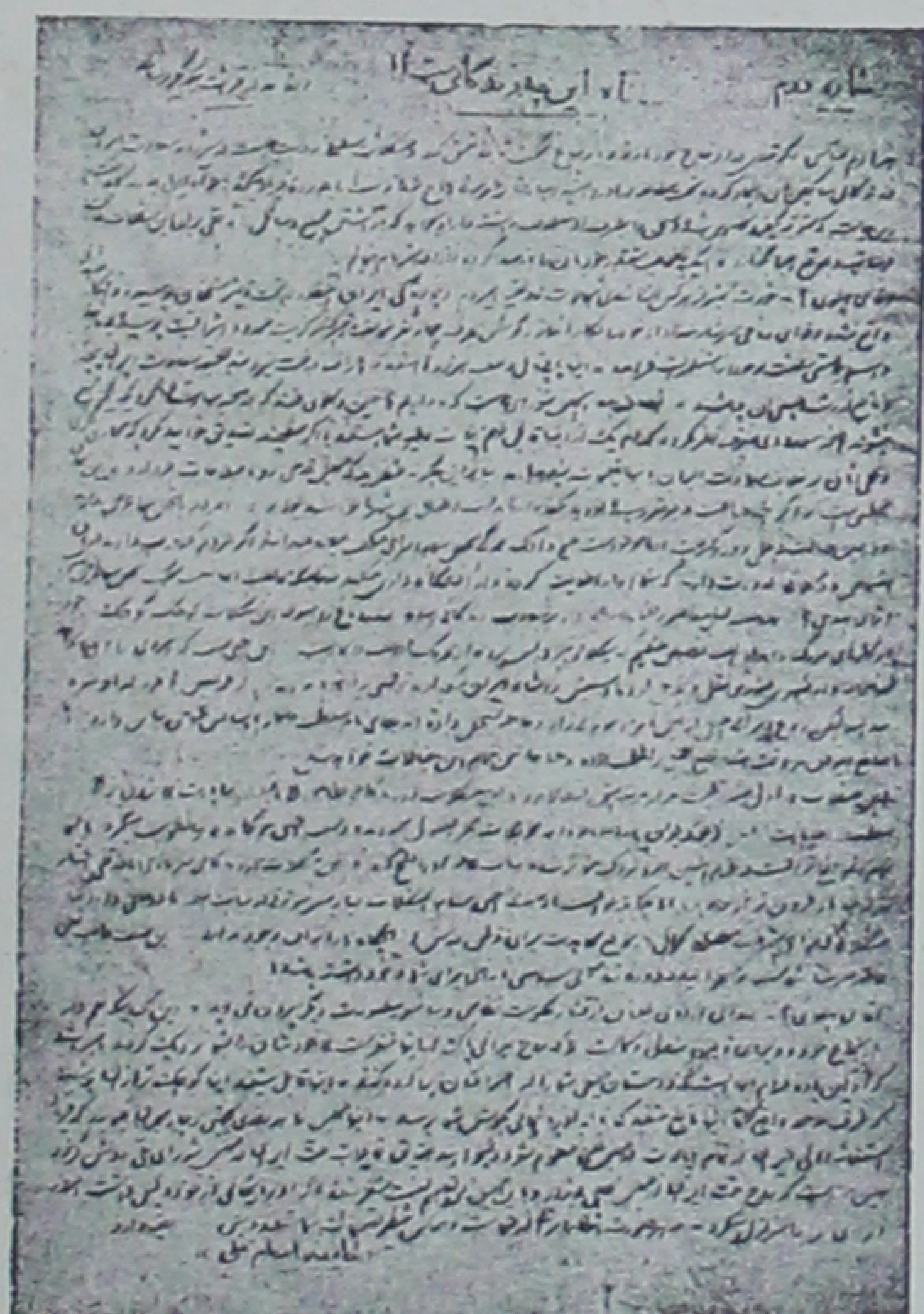
متاسفانه نه تنها شاه از این عقیده و آمال دور بود بلکه خود بار سنگینی بدوش ملت و حیات اقتصادی جامعه و جماعت بود و بجز از منافع شخصی و پر کردن کیسهٔ اختصاصی خود هیچ آرزو و آمالی نداشت و بهر وسیله از حقوق خدمه میکاست و صندوق خود را پر میکرد!.

با یك چنین عملیات مسافرت های پی در پی احمد میرزا توده را عصبانی و باوجود قدرت فوق‌العاده دولت یکدفعهٔ دیگر تشکیلات سرّی در کار و با وجود سانسور مطابع و جرائد و جلو گیری از اجتماعات دسته های آزادی طلب و اصلاح پرست نمیتوانستند از اظهار عملیات خود داری نموده و با تمام قوه میکوشیدند که خود را از زیر بار سلسله قاجاریه خلاص نماید

با اینکه ادارهٔ پلیس از زمان تصدی سرهنك (محمد خان درکاهی) رئیس نظمیه با نهایت دقت جریانات را مواظبت می نمود و از حبس و تعقیب مظنونین دقیقهٔ فرو گذاری نداشت و بهر کس سوء ظنی می برد او را برای استنطاق و تحقیق جلب مینمود و در توقیف نگاه میداشت باوجود این نمیتوانست به کنه تشکیلات سری پی برده و قطع ریشه نماید برای آنکه ریشه این تشکیلات در پس دلهای مردم بود و متأسفانه پلیس در آنجا راهی نداشت!.

این تشکیلات در مرکز و خارج مرکز در سرتاسر ایران مشغول بودند دستهٔ

بنام کاوه ـ جمعی باسم احرار ـ برخی ملیّون ـ بعضی جامعه انتقام دور هم جمع و در پس پرده مشغول اجرای نقشه بودند و برای نمونه دو سه فقره از نشریات خفیهٔ این جمعیت های سری را عیناً گراور نموده و از نظرها میگذرانیم و ذیلاً مندرجات آنها را نقل میکنیم تا معلوم گردد شاه در چه حال و ملت در چه کار است ؟



(شب نامه)

شمارهٔ دوم

(آه ـ ! این چه زندگانیست ؟ !)

رفقا بعد از قرائت بیکدیگر برسانند

هر آدم حساسی اگر قدری در اوضاع خود اولاً و باوضاع مملکت ثانیاً تعمق کند و مشکلات مسلسلی که دست طبیعت در سر راه سعادت ایران و زندگانی ساکنین آن ایجاد کرده تحت مطالعه در آورد البته دچار فشار غیر مرئی

دماغ شده دست‌ها را بهم زده فریاد می کند (آه ! این چه زندگانی است ! ؟)
اینجاست که متوجه یك فرد مخصوص شده و سخن را بطرف او معطوف داشته و از او میخواهد که با داشتن جمیع وسائل راه حلی برای این مشکلات طاقت فرسا تهیه و بموقع اجرا بگذارد - اینك مخاطب مقتدر خودمان را باز صدا کرده و از او استرحام می نمائیم

آقای پهلوی خودت بهتر از هر کس آشنا شدی بحالات روحیّه این مردم و بیچاره گی ایران اینقدر در تحت تاثیر سخنان پوسیده و افکار مبتذل واقع نشده و قوای دماغی سرشار خدا داد خود را بکار انداز وگوش بحرف چهار نفر مخالف و اجیر که مرکزیت محدود اشراف پوسیدهٔ بي ماخذ و اسم بلا مسمی سلطنت بوجود آنها مستظهر است فرامده - انصاف بده این مجلس شوری ملی است که ما داریم ؟ این وکلای ملتند که در صحنهٔ بهارستان گرد یکدیگر جمع میشوند ؟ از معدودی صرف نظر کرده کدام یك از اینها قابل فهم نیّات عالیهٔ شما هستند ؟ یا اگرمی فهمند تصدیق خواهید کرد که مجاری فکری و عملی آنان بر خلاف سعادت ایران بانها تعلیمات میدهد بنا بر این چگونه منتظرید که مجلس قدمی رو باصلاحات بر دارد ؟ این همان مجلس استکه اگر چند ساعت دیر تر رسیده بودید یك عدهٔ آنها بدست اطفال این شهر نابود شده بودند !

این مردم با شخص شما غرضی ندارند و در عین جهالت و بی علمی که در اکثریت آنها موجود است معذلك همگی شخص شمارا برای مملکت مفید مي دانند اگر مردم کدورت دارند از آن اشخاص و وکلائی کدورت دارند که شما آنها را حمایت کرده واز آنها نگاهداری می کنید در حالتیکه مخالفت آنها نسبت بمملکت و شخص شما اظهر من الشمس است !

آقای پهلوی رضایت نسل معاصر را نباید ترجیح داد بر سعادت زندگانی آینده اینقدر دماغ خود را متوجه این مشکلات کوچك کوچك مکن و خود را از کار های بزرك وامدار البته تصدیق میکنیم که مشکلاتی نیز در پس پرده

از تحریك اجانب درکار است این اجنبی است که امردی را از مهمانخانهٔ به مهمانخانهٔ و از شهری بشهری نقل و تحویل کرده اسمش را شاه ایران میگذارد و جمعی را اینجا بامزد و حق الزحمه معین وطرفدار او جلوه میدهند لیکن روح ایرانی اصیل از این نام موهوم بیزار و جامعه تشخیص داده اند بقای نام سلطنت قاجار باآسایش عمومی تباین دارد اما منافع ایران هر وقت باشد نفع اجنبي را عقب زده و حقاً جانشین تمام این خیالات خواهد شد!.

این مشکلات دراول مشروطیت هزار مرتبه بیش از حالا بود این مشکلات در زندکانی (ناپلئون بناپارت) فزون تر بود در سلطنت بناپارت نسل (بوربون) زنانه و مردانه تحریکات محیر العقول مینمودند و دست اجنبي هم کاملاً باآنها تقویت میکرد اما تمام این موانع کجا توانست بعزم آهنین آن مرد بزرك مؤثر شده نیات عالیه اورا فلج کند؟ این مشکلات درزندکانی سربازی نادر قلی افشار هزار بار فزون تر از حالا بود اما چگونه توانست با دست اجنبی همسایه آن مشکلات بقدر سر سوزنی در نیّات مهمهٔ نادر خلـلی وارد کند؟

مشکلاتي که برای پیشرفت مصطفی کمال در موقع مجاهدت برای وطن درپیش آمد هیچگاه در ایران وجود ندارد این صفت غالب یعنی عاطفه سرشار شما است که نمیخواهید دردورهٔ زندکانی سیاسی ناراضی برای شما وجود داشته باشد آقای پهلوی صدای آزادی طلبان ازفشار حکومت نظامی وسانسور مطبوعات دیگر بیرون نمي آید!

این کسانیکه علمدار ارتجاع بوده وبخیال تامین صندلی وکالت (که روح ایرانی پاك از اینها متنفر است) خودشان را بشما نزدیك کرده‌اند باخبر باشید که اولین مادهٔ مرام آنها آنست که دوستان صمیمی شمارا ازاطرافتان پرا کنده کنند اینها قابل نیستند واینها کوچکتر ازآن میباشند که طرف ملاحظه واقع گردند اینهامانع هستندکه نالهٔ آذربایجانی بگوش شما برسد اینها مجلس را هر روزی بجهتی

دچار بحران میمایند که فریاد استغاثهٔ اهالي ایران از تمام ایالات در مجلس علني معلوم نشود و نمیخواهند حقایق تمایلات ملت ایران در مجلس شورای ملی روشن گردد بهمین جهة است که روح ملت ایران از مجلس فعلی بیزار و باین مجلس بی تصمیم لعنت میفرستند اگر آذربایجانی از خود وکیل داشت امروز ارکان مجلس را متزلزل میکرد ـ در هر صورت انتظار ایرانی از شما است و همه کس منتظر تصمیمات شما هستند و بس بقیه دارد

(جامعه انتقام ملی)

☆*☆

اهمیّت هر نوشته و بیانی از اهمیّت موقع و وقت آن معلوم میگردد ـ همه میدانیم که اوراق شب نامه ترجمان احساسات خفه شده است که صاحب آنرا دچار اختناق نموده و از بیچارگی و فقدان وسائل و کثرت موانع در نیمهٔ شب گذارشات را مطالعه و حسیات خود را نثار و قضاوت را بجامعه محول میدارد!.

از مطالعهٔ این شب نامه حقائق مخصوصی را کشف مینمائیم و بما معلوم میگردد که از دیر زمانی دلها عقده کرده و قوای دولتی مانع از ابراز آنچه در دلها بوده گردیده و از مطالبی گفتکو میکند که فوق العاده خطر ناك وبا وجود حکومت نظامی که خود نماینده عظمت موقع و وقت است !.

از فشار حکومت نظامي مینالد و از سانسور مطابع و محرومیت از آزادی عقیده و بیان شکوه میکنند و از مجلس شوری شکایت دارد و اینطور تشخیص و قضاوت میکنند که وکلا عمداً در جلسات رسمی ایجاد بحران میمایند تا فریاد و استغاثهٔ ملت ایران از تمام ایالات و ولایات در مجلس علنی نشود ـ و این شکایات اثبات مینماید که سابقه های مدهشی در کار بوده و وکلای مجلس ازمستدعیات ومنویات ملت خبر داشته و عمداً تجاهل عارف نموده وخود را براه چپ میزده‌اند !.

حال وظیفه دارم که از روی همین ورقهٔ (شب نامه) دنبالهٔ این صدا و
یا بقول همان ورقه اثر ناله و استغاثه را گرفته و بحقیقت آن پی ببریم

(صدا از کجاست و از کلوی که بیرون می آید ؟)

ممکن است این صدا حقیقت نداشته و از اثر انعکاس اصوات کوهستانی
و یا طاق مقرنس و مجوفی بوده باشد که گوینده خود خیال میکند غیر
از او کس دیگری نیز حرف میزند اینطور است ؟ ـ یا اینکه جامعه و
جماعتی در کار است و افکار عمومی در این مملکت موجود است و از
نقاط دور دست صدا ها و همهمه هائی بلند است ولی مرکز نشینان دو
دستی بگوش خود پنبه گذاشته و یا عمداً ثقل سامعه پیدا کرده اند ؟
این قضیه خیلی مهم است و باید آنرا تحقیق نمائیم ـ مبادا واقعه نظیر
گذارشات یك قسمت از شورش فرانسه بوده باشد ـ که یك دسته دشمن
تغییر لباس داده و خودرا بلباس آزادیخواهان در آوردند و وارد صفوف
آنها شدند در ساعتیکه اینها آزادی میخواستند آنها هم فریاد میزدند
(نان میخواهیم) ولی گرسنه نبودند و الا بمبل ها دستبرد نمیزدند و صندلی
ها را غارت نمیکردند و فقط برای تشویش و تخدیش اذهان خلط مبحث
میکردند وغوغا مینمودند !
ما میرویم حقیقت این جریان را پیدا نموده و علل آن را تحصیل نمائیم ؟
چه خبر است ؟ چرا مردم مضطربند ؟ و مرکز اضطراب کجا است ؟
شب نامه دیگر را بدقت بخوانید وکم کم اذهان سادهٔ خودرا مستعد درك
حقائق مهمهٔ تاریخی بنمائید
تا معلوم گردد چه وحشت و اضطرابی سر تا سر ایران را فرا گرفته و چه
خیالاتي در کلهٔ مردم جای گیر شده و چگونه عصبانی شده اند ؟ لابد بتاریخ
(سر ژان ملکم صفحه ۱٤۷) مراجعه نموده باین سرّ پی برده اند که
(آغامحمدخان) استخوانهای نادر را نیزازقبر بیرون و ازمسهدبطهران آورد ودر

داد و اما خودشان باستناد اینکه چند سال مملکت ما مجلس شورای ملي نداشت اظهار وحشت کردند و برای اینکه تعیین تکلیف را بکنند به مجلس شوراي ملی واگذار کردند. اگر هر آینه این وضعیت و تردید مورد داشته باشد ممکن است بواسطه اینکه مجلس شورای ملي نباشد مملکت بحال بلاتکلیفي بماند - پس در پیشنهادی هم که خودایشان کردند چون قضیه را بنظرمجلس شورای ملي واگذار کردند - این‌وحشت هست ولی این وحشت را بنده تصور میکنم مورد ندارد چرا؟ برای اینکه بحکم عمل وسابقه اگر چنانچه یك موقعی محتاج بتعیین ولیعهد شدیمو مجلس شورای ملی وجود خارجی نداشت برطبق عمل وسابقه نمایندگان دورهٔ سابق این حق‌را دارند - وتعیین ولیعهد خواهند کرد دراینصورت بنده برای این پیشنهاد صورت خارجی تصور نمیکنم

رئیس - آقای شریعت زاده - موافقید یا مخالف؟

شریعت زاده - بنده باپیشنهاد مخالفم

رئیس - راي میگیریم باین پیشنهاد

یك نفر ازنمایندگان - قرائت شود - مجدداً به شرح سابق قرائت‌شد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند -

چند نفر قیام نمودند

رئیس - آقایانی که مخالف با این پیشنهاد هستند قیام فرمایند-

غلب نمایندگان بر خواستند

رئیس - پیشنهاد رد شد - پیشنهاد آقای شیخ الاسلام اصفهانی -

بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم - جملهٔ مادرش ایرانی الاصل باشد از اصل ۳۷ بر داشته شود بجای آن نوشته شود ایرانی و ایرانی الاصل باشد -

(خندهٔ حضار - همهمه)

رئیس - آقای شیخ الاسلام - توضیح بدهید -

شیخ الاسلام اصفهانی ـ بعقیدهٔ بنده جملهٔ ایرانی الاصل . . . . .

بعضی از نمایندگان ـ نمی شنویم ـ

رئیس ـ بفرمائید پشت تریبون ـ

شیخ الاسلام ـ بنده متأسفم ـ اگر آقایان توجه بفرمایند ـ همهمه نباشد همه می شنوند ـ بعقیدهٔ بنده جمله (ایرانی الاصل باشد) در متفاهم عرف معني آن این است (خندهٔ حضار) که یك نفرو لو یکی از پدرانش یا مادرانش از مرتبهٔ دو بیاید ایراني باشد و حال آنکه خود او ایرانی نباشد او را ایرانی الاصل می گویند و بر فرض که این جمله یك معنای مشترك داشته باشد فیما بین این معنی که عرض شد و کسی که در عین حال ایرانی باشد ـ باز منظور ما را تأمین نمی کند ـ ما می خواهیم مادر پادشاه در عین حال ایرانی باشد این است که بنده پیشنهاد کردم که این جمله (مادرش ایراني الاصل باشد) را بر دارند و بجای آن بگذارند ـ مادرش ایرانی و ایرانی الاصل باشد

رئیس ـ آقای مخبر چه نظری دارید ؟

مخبر ـ بنده خیال میکنم که خود آقای شیخ الاسلام این مسئله را تصدیق میفرمایند (اینجا گویا یك عدم توجهی بوده یا غفلت کرده اند) باینکه اگر یك زني بیك ایرانی شوهر کرد ایرانی میشود بنا براین ماهم ازنقطهٔ نظر ایراني الاصل بودنش و هم از نقطهٔ نظر تابع بودنش این قید را کردیم ـ

بعضی از نمایندگان ـ صحیح است ـ

رئیس ـ رای می گیریم ـ

حائری زاده ـ اخطار نظامنامهٔ دارم این طرز رای گرفتن نیست یك موافق ویك مخالف باید حرف بزند ـ

رئیس ـ رای میگیریم بقابل توجه بودن آقای شیخ الاسلام (خندهٔ نمایندگان)

آقایانی که باپیشنهاد آقای شیخ الاسلام موافقند قیام فرمایند.
چند نفری قیام نمودند
رئیس - آقایانیکه مخالفند قیام نمایند. اکثر قیام نمودند
رئیس - پیشنهاد رد شد - پیشنهاد دیگری است قرائت میشود.
بشرح ذیل قرائت شد
این جانبان پیشنهاد مینمائیم در مادهٔ ۳۷ بجای تصدیق مجلس شورای ملی تصویب مجلس شورای ملی باشد.
سید عبدالرحیم کاشانی - کاشانچی.
رئیس - آقای کاشانی - توضیح بدهید.
کاشانی - بتصدیق مجلس را اگر آقایان صلاح بدانند بتصویب مجلس باشد.
رئیس - نظر آقای مخبر چیست؟
مخبر - درهرصورت اصل مقصود همان تصویب است ومقصود این نیست که بمجلس اعلام بکنند البته وقتی که پیشنهاد شد مجلس شورای ملی باید رای بدهد وتصویب کنند ومعنی کلمهٔ تصدیق هم همان است با وجود این اگر آقایان مایلند قبول میکنم.
رئیس - پیشنهاد آقای وکیل - بشرح آتی خوانده شد
پیشنهاد میکنم در اصل ۳۷ بجملهٔ (تصدیق مجلس شورای ملی) جملهٔ (مجلس سنا) اضافه شود
رئیس - آقای وکیل توضیح بدهید
وکیل - بنده توضیحاتم را قبلاً مفصل عرض کردم - نظرم هم نه این است که مخبر قبول کند و نه اینکه مجلس رای بدهد - فقط نظرم این است که یك چیزی که در چهارده پانزده اصل قانون اساسی به مجلس سنا حق داده شده است در اینجا هم این اصل محرز بشود که در آتیه اگر مجلس سنائی داشتیم آن مجلس ازاین حق خودش محروم نباشد حالا آقایان مختارند رای میدهند بدهند نمیدهند ندهند

رئیس ـ نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر ـ نظر بنده البته همان نظری است که در راپرت کمیسیون نوشته شده وتصور میکنم که در هرحال خاطر ناطق محترم میتواند راحت باشد اگر یك روزی هم مجلس سنا تشکیل شد خیلی از کارها هست که میتواند در آن کارها دخالت کند ـ این کار را بگذارید ما مخصوصی کرده باشیم بآن طبقهٔ که مستقیما ازطرف ملت انتخاب میشوند ونمایندهٔ ملت هستند

بعضی از نمایندگان صحیح است

رئیس ـ پیشنهاد آقای وحید سعدهم درهمین زمینه است ـ پس رأی بگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای کردستانی آقایان موافقین قیام فرمایند چند نفر قیام کردند

رئیس ـ آقایانیکه مخالفند .با پیشنهاد آقای کردستانی قیام فرمایند .
اکثر قیام نمودند

رئیس ـ پیشنهاد رد شد پیشنهاد آقای مشار ـ
بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم ـ کلمهٔ ایراني الاصل در اصل ۳۷ .بایرانی نژاد تبدیل شود .

رئیس ـ آقای مشار توضیح بدهید .

یوسفخان مشار ـ مطابق اصطلاح عربی اگر بخواهیم ایرانی الاصل عیبي ندارد ولی اگر مطابق لغت ایرانی باشد ـ ایرانی نژاد بهتر است ـ

رئیس ـ آقای مخبر قبول می فرمائید ؟

مخبر ـ خیر مسئلهٔ ایرانی الاصل بودن بنده نمیدانم ...

مشار ـ پس گرفتم ـ

بعضی از نمایندکان ـ پس گرفتند ـ

مخبر ـ خوب اگر پس گرفتند عرضی ندارم ـ

رئیس ـ پیشنهاد ـ آقای مفتی ـ (بشرح ذیل خوانده شد)

دراصل ۳۷ بجای (فرزند ذکور) نوشته شود (پسری)

مخبر - ضرر ندارد - این یك اصلاح عبارتی است قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای نقیب زاده - بشرح ذیل خوانده شد

دراصل ۳۷ لفظ تر درآخر (بزرگتر) غلط است و باید حذف شود ولفظ تصدیق در جمله مجلس شورای ملی غلط است و باید مبدل بتصویب گردد -

رئیس - آقای نقیب زاده - توضیحی دارید بفرمائید -

نقیب زاده - بدیهی است لفظ بزرگتر در اینجا معنی ندارد زیرا لفظ بزرك مادون او کوچك است در اینجا اگر بمعنی بزرك است اصطلاح ادبی ندارد و باید پسر بزرك نوشته شود -

رئیس - نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر - بنده مخالفم - آقای تیمورتاش میخواهند صحبت کنند -

رئیس - آقای تیمور تاش - اجازه

تیمورتاش - این صحبتی ندارد - خیلی واضح است وقتی میگویند بزرگ درمقابل کوچك است - ممکن است ایشان چند نفر پسر داشته باشند وقتی میگویند بزرگتر مقصود آن پسری است که از همه بزرگتر و سنش بیشتر است این است که این اشکال وارد نیست -

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای نقیب زاده

سهراب زاده و بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -

نقیب زاده - پس میگیرم -

رئیس - آقای وحید سعد هم پس گرفتند؟ -

وحید سعد - بلی -

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا محمدعلی خان منتصر -

بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد می کنم - در موقع رحلت یا استعفای پادشاه درصورتیکه

ولیعهد معین نشده باشد ولیعهد پادشاه را مجلس مؤسسان معین خواهد نمود.

سهراب زاده - این پیشنهاد رد شد.

مجلس شورای ملی بود اینجا مجلس مؤسسان نوشته شده است - آقای منتصر توضیحی دارید بفرمائید -

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -

منتصر - پس گرفتم -

رئیس - پیشنهاد آقای آقاسید مرتضی وثوق بمضمون ذیل خوانده شد

در اصل ۳۷ پیشنهاد میکنم در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس از ذکور و لایق اولاد اناث پادشاه بعمل خواهد آمد - در صورت انقراض با رعایت الاقرب فالاقرب ولیعهد انتخاب خواهد شد - خنده حضار

رئیس - آقای وثوق توضیح بدهید

آقا سید مرتضی وثوق - در اصل ۳۶ قید شده است سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه (رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد نسل بر قرار خواهد بود - (اعقاب ذکور) یك معنای اعم است ممکن است اعقاب ذکور از ذکور یا اعقاب ذکور از اناث باشد - اینجا اگر آقای مخبر معین بفرمایند - که مقصود از اینکه تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس از اعقاب اعلیحضرت پهلوی است بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم - اگر مقصود از اعقاب اعلیحضرت پهلوی نیست بنده پیشنهاد خودم را پس نمیگیرم

سهراب زاده و بعضی از نمایندگان - پس گرفتند

رئیس - آقای وثوق پیشنهاد خودتانرا پس گرفتید ؟

وثوق - عرض کردم اگر آن معنی را داشته باشد بلی -

رئیس - پیشنهاد آقای زاهدی - بشرح ذیل قرائت شد

این بنده پیشنهاد میکنم تبصرهٔ ذیل را - در صورتیکه پادشاه انفصال ولیعهد را بواسطهٔ عدم لیاقت به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمودند الیق ترین فرزند دیگر پادشاه را بتصویب مجلس شورای ملی میتوان ولیعهد شناخت همهمه نمایندگان

رئیس - آقای زاهدی توضیح دارید بفرمائید

زاهدی - توضیح آقای مخبر بنده را متـذکر باین مسئله کرد که ممکن است پادشاه چند طفل صغیر و کوچك داشته باشند که هنوز لیاقت آنها را نداند و پسر اکبر خودش را معین کند ولی وقتیکه دید لایق نیست وممکن است پسر دیگرش که الیق تر است اورا پیشنهاد کند - پس اگر بنا شد خودشان پیشنهاد کردند بمجلس شورای ملی که این پسر من لایق نیست طوری باشد که الیق تر را بتوانند به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند ومجلس قبول کند.

رئیس - عقیدهٔ آقای مخبر کمیسیون چیست ؟-

مخبر - بنده همان نظریهٔ سابق را دارم و تصور میکنم این موضوع تا اندازهٔ حل شده است و تمنا میکنم که آقای زاهدی پیشنهادشان را پس بگیرند.

بعضی از نمایندگان پس گرفتند

زاهدی - بنده مسترد میدارم

آقاسید یعقوب - خیر پس نگرفتند

آقاسید یعقوب - بنده پیشنهاد آقای زاهدی را قبول میکنم و مطابق نظامنامه هم حق دارم

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - آقایان یك قدری توجه بفرمایند - مجلس شورای ملی بحمدالله آن قدمهای اساسی را برداشت و خدمت خودش را کرد وتا اندازهٔ هم این مجلس معظم که حقیقتاً ثانی مجلس مؤسسان مغان است حق

را بحق دار خودش تسلیم کرد و نهایت افتخار برای آتیه وبازماندگان ماست که ما حاضر شدیم یك شخص مقتدری که از تودهٔ ملت بیرون آمده و بعد از مدتها ویرانی و سرگردانی ملت را باوج ترقی رسانده بحمدالله این ملت هم قدردانی وحق گذاری کرده وآن ودیعهٔ ملی که عبارت از سلطنت باشد تقدیم کردند بذات اقدس اعلیحضرت شهریاری رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه و سلطانه و بهترین روز ها برای ملت و اخلاف ما این است که اخلاف ما مباهات کنند و بگویند که اسلاف ما نسبت بیك شخصی که از تودهٔ ملت بیرون آمده ویك خدماتی کرد قدردانی کردند ما می خواهیم قدمهائی برداریم برای حکومت ملی - در وقتی که پادشاه مطابق اصل اول پسر بزرگش را ولیعهد کرد بعد آن پسر بزرك نالایق شد بنده پیشنهاد کردم انتخاب دوم را که شاه میکند بتصویب مجلس شورای ملی باشد - چه عیبي دارد ؟ همهٔ ماها متوجه هستیم که مجلس شورای ملی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی است وسیاست مملکت در دست آن مجلس است و در تمام شؤنات ملی مداخله میکند - در دفعه اول سلطان پسر بزرك خودش را ولیعهد قرار میدهد اگر ولیعهدی که سلطان قرار داد نالایق شد و خواست در مرتبه دوم ولیعهد انتخاب کند بتصویب مجلس شورای ملی باشد - این یك قدم بسوی آن انتخاباتیست که در اول مجلس پنجم ماعقیده داشتیم - چه عیبی دارد که درمرتبه دوم انتخاب ولیعهد بتصویب مجلس باشد ؟ آقایان - آزادي خواهان - مشروطه طلبان چه عیب دارد ؟ این هم یك قدمی است برای حقوق ملی - چه ضرر دارد که شما یکمرتبه حمله کردید باقای زاهدی وفریاد زدید پس گرفتند

خیر بنده قبول میکنم ومطابق قانون اساسی تمام اختیارات سیاسی بامجلس شورای ملي است این حق هم سلب نشود

رئیس - آقای شریعت زاده - اجازه

شریعت زاده - بنده مقصودم از آمدن پشت تریبون این بود که بتوانم

عرایض خودم را بعرض آقایان برسانم ـ نه اینکه بخواهم تفصیلاً مطالبی را عرض کنم ـ بعقیده بنده موافقت این پیشنهاد مخالفت با آن استدلالات قوی است که آقای داور کردند ـ راجع باینکه تعیینی بودن ولیعهد مخالف مصلحت است زیرا معنای این پیشنهاد در حقیقت این است که اگر یکوقتی رئیس مملکت نظر بجهاتیکه در آنوقت پیش آمد کند پسر بزرك خودش را نالایق تشخیص داد ـ پسر دیگر خودش را باموافقت مجلس شورای ملی ولیعهد کند ـ واین نظر مخالف آن نظر اصلی است که عبارت است از اینکه در صورت داشتن اولاد ذکور پسر بزرك ولیعهد باشد بنا براین تصور میکنم بهتر این باشد اینقبیل پیشنهادات که مخالف بااصول مطالعات وحقیقتي است که ما باید طرفدار آن باشیم ـ یعنی در موقع وضع قانون فقط تامین مصالح آتیه مملکت باید درنظر ما باشد وبهتر این است که موافقت کنیم که نسبت باصل رأی گرفته شود

رئیس ـ عقیده آقای مخبر چیست ؟

مخبر ـ بنده مخالفم

رئیس ـ رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقاي آقا سید یعقوب آقایانیکه موافقند قیام فرمایند   دوسه نفری برخواستند

رئیس ـ آقایانیکه مخالفند قیام فرمایند   اغلب قیام نمودند

رئیس ـ پیشنهاد رد شد ـ رأی میگیریم باصل ۳۷ با اصلاحاتیکه قبول شده است . . .

یاسائی ـ اخطار نظامنامه دارم .

رئیس ـ بفرمائید ـ

یاسائی ـ من تعجب میکنم که آقایان دراین پیشنهاد ها تبعیض هم قائل میشوند بعضی را میخوانند و بعضی‌را نمیخوانند بنده دوفقره پیشنهاد داده‌ام هیچ کدام قرائت نشده خیلي اسباب تعجب است ! ! یك قضیه باین مهمی دو دقیقه دیر تر بگذرد چه اهمیت دارد

رئیس – اشتباه آن رد شد – چندین پیشنهاد که بیك مضمون میرسد همه را نباید خواند و رأی گرفت .

یاسائی – خصوصیت بخرج میدهند اجازهٔ رفقایشانرا مینویسند – اجازه ما ها را نمی نویسند . صدای زنك رئیس

رئیس – پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب – بشرح ذیل خوانده شد

عین اصل ۳۷ که کمیسیون پیشنهاد کرده است بدون جزء پیشنهادی آقای راد پیشنهاد میکنم که رأی گرفته شود

دادگر – اخطار نظامنامه دارم –

رئیس – بفرمائید –

دادگر – پیشنهاد آقای راد تصویب شد . . .

بعضی از نمایندگان – تصویب نشد مخبر قبول کردند .

داد گر – چیز مصوب را نمیشود حذف کرد و بر خلاف نظامنامه است

رئیس – آقای رهنما (اجازه)

رهنما – مطابق نظامنامه وقتی که مخبر کمیسیون پیشنهادی قبول کرد جزء ماده میشود در مجلس شورای ملی اینطور است . اینجا هم در نظامنامه صراحت دارد بنا بر این دیگر جای این مذاکرات باقی نمی ماند پیشنهادی را که مخبر کمیسیون قبول کرده باید رای گرفت اگر مجلس آنرا تصویب کرد که قبول شده و اگر مجلس تصویب نکرد آنوقت باید باصل ماده رای بگیریم .

رئیس – آقاي تدین (اجازه)

تدین – قسمت اول بیانات آقای رهنما که فرمودند هر گاه اصلاح یا پیشنهادی را مخبر قبول کرد جزء ماده میشود – صحیح است ولی نمایندگان حق دارند آن ماده اصلي را باستثنای آن اصلاحی که مخبر کمیسیون قبول کرده است پیشنهاد کنند نهایت رای قطعی نسبت بان نمیشود گرفت . فقط رای میگیرند بقابل توجه بودنش اگر رای دادند و قابل توجه شد

بکمیسیون ارجاع میشود و اگر رد کردند معلوم میشود نظرشان همان است که مخبر کمیسیون قبول کرده است .

آقا سید یعقوب - حالا اجازه میفرمائید توضیح بدهم .

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقایان . ما همه درطهرانیم . نماینده هائی که ازولایات آمده اند عشق دارند که در این مجلس همه آزادنه حرف بزنند . ماها مدتها است که در حکومت شوری و حکومت مشروطه و حکومت قانون اساسی بزرك شده ایم ..

رئیس - آقا از موضوع خارج نشوید .

آقا سید یعقوب - از موضوع خارج نمیشوم . من میفهمم وپیشنهاد میکنم (خنده نمایندگان) بنده عرض کردم آن جزء اولی که آقای مخبر قبول کردند مجلس شورای ملی در نهم آبان ماه این کار را کرد و پیشنهاد رای در مقابل ادله هائي که ذکر کرده بودند مجلس سلطنت را از خانوادهٔ قاجاریه منتزع کرد بعد از منقرض کردن دیگر براي چه هی ما انگشت میکنیم ؟ منقرض کردند و تمام شد و رفت و یك درختی را کندند ودور انداختند دیگرچطور میشود که ولیعهدقاجار بشود ؟ ماها حافظ قانون‌اساسی هستیم . اعلیحضرت‌رضاشاه‌پهلوی نگهبان مواد قانون‌اساسی‌است حالایکی‌ازآقایان پیشنهاد میکنند که ولیعهدش هم نباید قجر باشد . ولیعهدش هم نیست پسر ولیعهدش هم نیست الی ظهور قائم آل محمد

(حضار برای تعظیم قیام نمودند)

مخبر - ما بطرز صحبت آقای آقاسید یعقوب در مجلس شورای ملی عادت داریم ومیدانیم ایشان همیشه آزادتر از همهٔ ماها صحبت کرده اند و هیچ وقت نشده است که آزادی ازما سلب شده باشد ولی ایشان تایك درجه زیادی عادت دارند همینطور صحبت کنند اما بنده چرا این پیشنهادرا قبول کردم ؟ وقتیکه دلیلم را بگویم قطع دارم خود آقای آقاسیدیعقوب

قبول خواهند کرد کمیسیون پیشنهاد کرده است کسیکه برای نیابت سلطنت معین میشود از فلان خانواده نباشد بعد یکی از آقایان پیشنهاد کرد حالا که نایب السلطنه کارش یك کار موقتی است باید از فلان خانواده نباشد درصورتیکه شاه اولاد ذکور نداشته باشد و بخواهد ولیعهدی معین کند بطریق اولی نباید ذراین خانواده باشد . این یك مسئله خیلی روشن است و بنده هم چون محتاج نمیدانستم که خیلي درآن صحبت بکنند قبول کردم . آقای آقا سید یعقوب فرمودند مجلس رای داد که سلطنت قاجاریه منقرض است و تمام شد . این طور نیست . برای اینکه اگر شما این منع را نکنید یك روزی یك پادشاهی که اولاد نداشته باشد حق دارد یك نفر ولیعهد از این خانواده معین و معرفی کند . بنا براین ما این احتیاط را هم کرده ایم واین رای مجلس از این عمل جلوگیری میکند . حالا اگر آقایان باین پیشنهاد رای بدهند و قابل توجه بشود باید بکمیسیون ارجاع شود وبعد مدتی هم بایستی آنجا صحبت کرد تاباز برگردد به مجلس .

آقاسید یعقوب ــ بنده محض خاطر این فرمایش که در آخر آقای داور کردند پس میگیرم . خندهٔ حضار

رئیس ــ اصل سی وهفتم بااصلاحاتی که قبول شده قرائت میشود . بشرح آتی خوانده شد

اصل ۳۷ ولایت عهد باپسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در موقعی که فرزند ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهد با او خواهد بود :

رئیس ــ رای میگیریم باصل سی‌وهفتم بطریقی که خوانده شد . آقایانیکه موافقند قیام فرمایند اکثر قیام نمودند

رئیس ـ آقایانیکه مخالفند قیام فرمایند آقای تیمورتاش قیام نمودند

بعضی از نمایندگان ـ تنفس

تیمورتاش ـ خیر خیر

بعضی از نمایندگان ـ خیر مخالفیم

رئیس ـ اصل سی وهفتم تصویب شد. اصل سی وهشتم قرائت میشود

بشرح ذیل خوانده شد

اصل ۳۸ ـ در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد باتصویب مجلس شورای ملی نایب السلطنهٔ ازغیر خانواده قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد

رئیس ـ آقاي رهنما

رهنما ـ موافقم

رئیس ـ آقای آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب ـ بحمدالله بمیمنت ومبارکی این کار بزرگی که ملت بعهده ما گذاشته بودند شکر خدا را بجا می آوریم که در ظل رؤفت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی خاتمه دادیم لیکن برای جلب توجه خاطر محترم آقای مخبر عرض میکنم چون یك ماده در قانون اساسی دارد که (مجلس سنا با مجلس شورای ملی) بنده خواستم عرض کنم که این حق مجلس شورای ملی تنهااست چیزیکه لازم‌است نوشته شودبا تصویب مجلس شورای ملی است که باید به‌تصویب مجلس شورای‌ملی بشود للهقبول بفرمائید ضرری ندارد.

رئیس -- آقای رهنما

رهنما -- بنده در این قسمت عرضی ندارم

رئیس -- آقای فاطمی

فاطمی -- عرضی ندارم

رئیس -- آقای عراقي.

عراقی -- موافقم بعد از یك مخالف
رئیس -- آقای تیمور تاش
تیمور تاش - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - موافقم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافي است
رئیس -- پیشنهاد ها قرائت میشود . بشرح آتی خوانده شد
پیشنهاد آقاي حاج سید ابوالقاسم کاشانی -- عبارت ذیل را در اول اصل ۳۸ پیشنهاد مینماید .
در موقع رحلت یا استعفای پادشاه .
رئیس -- آقاي حاج سید ابوالقاسم کاشانی اجازه
حاج سید ابوالقاسم - مجلس باید در موقع وضع یك مادهٔ همهٔ صور را ملاحظه کند از این جهة این پیشنهاد را تقدیم کردم .
رئیس - نظر مخبر کمیسیون چیست ؟
مخبر - بنده با این پیشنهاد مخالفم وتصور میکنم همانطوریکه نوشته شده است نظر آقا را تأمین میکند .
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده تصور میکنم که پیشنهاد آقای کازرونی برای مقصودشان نباشد . اولاً موضوع رحلت در یکی ازاصولی که درقانون اساسي باقی است ذکر شده و موارد انتقال هم زیاد است فقط مورد استعفا نیست وآن کلمهٔ که جامعترین کلمات است و شامل تمام موارد میشود همین جملهٔ انتقال سلطنت است بنا براین پیشنهاد ایشان مورد ندارد .
حاج سید ابوالقاسم - استرداد میکنم .
رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهادمیکنم در اصل (۳۸) بعد ازبیست سال تمام مزید شود (شمسی)

مخبر - قبول میکنم ضرر ندارد .

پیشنهاد آقای آقا سید عبدالحسین صدر - این بنده پیشنهاد میکنم که در آخر اصل ۳۸ این جمله اضافه شود (تا سن بیست سالگی را بالغ شود)

آقا سید عبدالحسین صدر - البته مقصود کمیسیون هم همین بوده است که نیابت سلطنت ادامه داشته باشد تاولیعهد بسن بیست سالگی برسد ولی عبارت ابهام دارد واین مقصود را کاملاً نمیرساند زیرا در اصل ۳۸ مینویسد : در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب مجلس شورای ملی نایب السلطنهٔ از غیر خانوادهٔ قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد . منتها برای نیابت سلطنت این جا صریحاً مدت ذکرنکرده . ممکن است یکوقتی اتفاق بیفتد نیابت سلطنت پس از رسیدن ولیعهد بسن بیست سالگی بخواهد به نیابت خودش ادامه بدهد آنوقت کدام قانونی جلوگیری و منع میکند او را از یك چنین کاری

رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر - بنده مخالفم ولی آقای تدین توضیح خواهند داد

رئیس - آقای تجدد (اجازه)

تجدد - برای آقا آن قانونی را که فرمودند (کدام قانون منع میکند) میخوانم گوش کنند همین قانون منع خواهد کرد آن نایب السلطنهٔ که بعد از بیست سال بخواهد به نیابت سلطنت خودش ادامه بدهد (در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد) همین قانون او را ممنوع میکند

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای صدر . آقایانی که موافقند قیام فرمایند فقط آقاي صدر بر خواستند

رئیس - آقایاني که مخالفند قیام فرمایند اغلب بر خواستند

رئیس - پیشنهاد رد شد . پیشنهاد آقاي یاسائی

بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم در اصل ۳۸ بجای بیست سال نوشته شود (بیست و پنجسال تمام)
یاسائی - اساساً ماها که بیك نظرباتي پیشنهادهائی میدهیم بااین تغییراتی که در این سه اصل داده‌شده است دراساسش موافق بوده وهستیم لیکن آنها یك مطالعاتی است که برای اشخاصی پیش میآید و روی آن نظریات و مطالعات پیشنهاداتی می کنند وبنده خیلی خوش وقتم که فاصلهٔ این پیشنهاد بنده با آن چیزی که در راپرت کمیسیون است پنج سال‌است ونتوانستند بگویند شبیه اواست وعلت اینکه بنده بیست وپنج سال‌را پیشنهاد کردم این است که اختیاراتی بموجب قانون اساسي بشخص پادشاه داده شده است ازقبیل اعلان جنك عقد صلح - فرمان فرمائی کل قشون. انتخاب تمام رؤسای دوایر دولتی امضای معاهدات و قوانین و سایر چیز هائی که در قانون اساسي است. اینها از حقوق پادشاه است و کسی که میخواهد متصدی امور سلطنت شود بعقیده بنده باید دارای بیست وپنج سال تمام‌باشد یعنی کاملاً رشید باشد و بیست سال کافي نیست برای اینکه یکنفر بتواند آن طوری که لازم است مصالح ومفاسد مملکتی را تشخیص بدهد زیرا ما درنظر داریم ولیعهدی که معین میشود مثل ولیعهد های سایر ممالك دنیا تربیت بشود وتحصیلات بکند و دکتر حقوقي بشود که دارای معلومات عالیه باشد و البته باید سن وفا کند که او این معلومات را بدست بیاورد و بتواند مسافرت هائی در دنیا بکند و مدارسی که لازم‌است طی‌کند بنا براین بعقیده بنده اگر سن شاه یعنی آن کسی را که میخواهد متصدی امور سلطنت بشود ۲۵ سال قرار بدهیم و ما قبل آنرا در ولایتعهدیش صرف کند که بتواند دارای معلوماتی بشود بهتر است دیگر بسته به نظر آقایان است -
مخبر - بنده مخالفم - و دلائلی که آوردند نمیخواهم بگویم دلایل ضعیفی

است ولی در قانون اساسی سن ۱۸ سال معین شده بود. حالا ما در اینجا آمده ایم ویك قدری مراعات این دلایل آقا را کرده ایم وبیست سال قرار داده ایم و معمولاً میشود گفت یك کسیکه بسن بیست سال رسیده باشد بحد رشد رسیده است مخصوصا یك کسیکه پسر سلطان است وطبعاً او را تربیت خوبي کرده اند دراین سن حاضر و آمادهٔ از برای کاراست بعلاوه مانع هم نیست که درآن وقت هم به تحصیلات خودش ادامه بدهد و معلومات خود را کامل بکند کتاب هم بخواند بنا بر این سن ۲۰ سال گمان میکنم کافی باشد

رئیس — آقای رهنما — اجازه

رهنما — بنده با پیشنهاد آقای یاسائی موافقم و اگر اجازه بفرمائید همین جا مختصر عرض کنم این موضوع یك موضوع فکری وادبی است وضرری هم ندارد زیرا اگر سن ۲۵ سال باشد بهمان درجه البته شاهزاده بیشتر به تحصیل خودش مشغول است و بیشتر عمرش را صرف میکند و رشد پیدا مي کند و تربیت فکري و نضج دماغی پیدا می کند و البته این امتحانهای ادبی را دارد و بهمان دلائلی که کمیسیون را وادار کرد باینکه سن را از ۱۸ سالگی ۲۰ سال قرار بدهند بعقیدهٔ ما دو سال کافي نیست و اگر ۲۵ سال بشود بهتر است

رئیس — آقای شوشتری — اجازه

شوشتری — بنده با پیشنهاد مخالفم. رای بگیرید.

رئیس — یکنفر مخالف و یکنفر موافق حق دارد صحبت کند. آقاي مخبر نه قبول کردند و نه ارجاع بکمیسیون را خواستند بنا بر این موافقم و مخالف باید صحبت بکند —

شوشتري — حد نصاب در شرع مقدس اسلام ۱۵ سال است. نمایندهٔ محترم که یك آدم صحیح و متقن هستند با آشنا بودن ایشان باخلاق مشرق زمیني ها میدانند که یك جوان بیست ساله تحصیل کردهٔ لایق

سلطنت . لایق وکالت . لایق وزارت . لایق قیمومیت و لیاقت تمام مراتب را بعقیدهٔ بنده دارد . . . همهمه بین نمایندکان

شوشتری – اجازه بدهید . در موضوع قانون انتخابات در مجلس شورای ملی آقای یاسائی همین نظر بنده را تعقیب میفرمودند و بنده این اندازهٔ را که کمیسیون محترم معین کرده است کافی میدانم . گر چه حد نصاب در شرع مقدس اسلام ۱۵ سال است ولی من ۲۰ سال را کافی میدانم .

رئیس – رای می گیریم –

حائری زاده – بنده اخطار نظامنامهٔ دارم –

رئیس – بفرمائید

حائری زاده – درمادهٔ ۲۳ نظامنامه مي نویسد : در صورتیکه هیچیك ازاین شقوق بعمل نمی آید دونفر حق دارند که بترتیب موافق ومخالف و بطور اختصار در باب پیشنهاد اظهار عقیده نموده یك نفر صاحب پیشنهاد است که اظهار عقیده نموده یکنفر هم مخبر بایك کس دیگر باید حرف بزند چهار نفر که نباید دراطراف یك پیشنهاد اظهار عقیده بکنند .

رئیس – غیر از پیشنهاد کننده ومخبر یك نفر موافق و یك نفر مخالف باید صحبت کنند

رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسائی آقائی که موافقند قیام فرمایند معدودی برخواستند

رئیس – آقایانی که مخالفند قیام بفرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس – پیشنهاد ردشد . پیشنهاد آقای طهرانی .

بشرح آتی قرائت شد

بنده پیشنهاد مي نمایم بعوض بیست سال ۲۲ سال تمام داشته باشد .

(همهمهٔ نمایندگان)

پیشنهاد آقای امامی - این بنده پیشنهاد مینمایم که سن ولیعهد در موقع تصدی سلطنت بیست و دو سال باشد

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده فلسفهٔ اینکه ۲۲ سال پیشنهاد کردم همان معنائی است که اعلیحضرت اقدس پهلوی یك لایحهٔ بمجلس پیشنهاد کردند و مجلس شورای ملی بقانون نظام اجباری رای داد که کلیهٔ افراد ایران (بدون اینکه استثنائی قائل شود) مجبور باشند داخل در این خدمت شوند. قانون اساسی مصونیت مقام سلطنت و مصونیت مقام ولایت عهد را مسلّم کرده ومسؤلیتی ندارند وبآنها نمیشود امر یا نهی کرد بنابراین بنده پیشنهاد کردم که سن ۲۲ سال باشد براي اینکه تا ۲۰ سال تحصیلات علمی کرده و دو سال هم عملیات خودش را در نظام تکمیل کند و بداند که معنای نظام چیست و حقیقت نظام را عملاً بمنصه ظهور بگذارد و پس از آن بمقام سلطنت برسد و فرقی بین ولیعهد مملکت وسایر افراد ملت نباشد وهمه در نظام وارد شوند و این علم را یادبگیرند وحافظ حقوق مملکت و ملت باشند از این جهة این پیشنهاد را کردم.

رئیس - نظر آقاي مخبر چیست؟

مخبر - نظر بنده همان است که عرض کردم - ما خواستیم یك حدی گرفته باشیم بین آن ۱۸ سال و بالاتر بنا بر این آمده ایم سن را ۲۰ سال قرار داده ایم و مخصوصاً قید شده که اقل ۲۱ ساله میتواند متصدي مقام سلطنت بشود - حالا من از آقا تمنا میکنم پیشنهاد خودشان را مسترد بفرمایند چون ممکن است بعد یکی ۲۱ سال و یکی بیست و یك سال و شش ماه پیشنهاد کند و در آنها صحبت خیلی بشود. بنده هم که از طرف کمیسیون نمی توانم قبول بکنم آنوقت اگر هم آقایان بیکی از این پیشنهاد ها رای بدهند بایستی بکمیسیون برود و مدتي معطلی دارد بنا بر این بنده از آقایان تمنا میکنم که یك قدری جلو این پیشنهاد ها را بگیرند

که کار زود تر بگذرد –

طهراني – محض اینکه کار زود تر بگذرد مسترد میکنم –

رئیس – پیشنهاد آقای آهی. بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم در اصل ۳۸ سن ولیعهد ۱۸ سال معین شود.

بعضی از نمایندگان – پس گرفتند –

میرزا مجید خان آهی – اجازه میدهید دلائل خودم را عرض کنم

رئیس – مگر پس نگرفتید ؟

آهی – خیر پس نگرفتم.

رئیس – بفرمائید.

آهی – اگر چه آقایان محترمی که سن ولیعهد را ۲۲ سال یا بیشتر پیشنهاد کردند بنده را مأیوس کردند از اینکه پیشنهاد بنده مورد قبول واقع شود و آقایان هم همه میل دارند که کار زودتر بگذرد ولی بنده خواستم خاطر محترم آقایان را متذکر بشوم که دلیل زیاد کردن سن چیست ؟ دلائلی که اقامه فرمودند برای این که سن ولیعهد زیاد تر از بیست سال باشد بنده را قانع نکرد. چون برای اشتغال بسلطنت تحصیل دکتر یا تحصیل علم نظام لازم نیست. چیزی که اهمیت دارد این است که مملکت زود تر از حال بي تکلیفی بیرون بیاید.

بعضی از نمایندگان – چه بی تکلیفی نایب السلطنه دارد.

آهی – اجازه بفرمائید. وجود نیابت سلطنت بطوری که کلیهٔ علماء حقوق تصدیق دارند اسباب تزلزل مملکت است و هر چه زود تر بدورهٔ نیابت سلطنت خاتمه داده شود بهتر است دیگر اینکه بودن نیابت سلطنت اسباب سنگینی بودجهٔ مملکت است. آقایان فراموش نفرمائید که گذشتهٔ از حقوق سلطنت باید حقوقی هم به نیابت سلطنت داده شود و اسباب سنگینی بودجه میشود – پس برای این که این موضوع ها نباشد و برای این که مملکت زود تر از حال بی تکلیفی بیرون بیاید بنده سن ۱۸ سال

را که در قانون اساسی هم ذکر شده است کافی میدانم ولی چون آقایان میل دارند که این قضیه زودتر بگذرد بنده پیشنهاد خودم را پس گرفتم .

رئیس - پیشنهاد آقای تیمور تاش - بشرح ذیل خوانده شد

اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می تواند امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانوادهٔ قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد .

تیمور تاش - بنده نظر باینکه علاقه مند بتمام شدن این مواد هستم اگر یك اصلاح غیرعبارتی بود پیشنهاد نمیکردم ولی چون اصلاح عبارتی است پیشنهاد کردم وامید وارم که آقای مخبرهم قبول بفرمایند این عبارت حاکی ازاین است که کاًنه بانتخاب یك مقام دیگری باتصویب مجلس است درصورتیکه خود انتخاب بتوسط مجلس شورای ملی بعمل میآید بنابراین این اصلاح عبارتی را بنده پیشنهاد میکنم والبته سنوات شمسی هم باید اضافه شود

مخبر - بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقاي معظمی اینطور خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم باتصویب ازآخر سطر دویم اصل۳۸ حذف شود و بجای شد درآخر سطر سوم اصل۳۸ نمود نوشته شود

رئیس - قبول شده است

بنده پیشنهاد میکنم کلمهٔ (باتصویب) از جملهٔ آخر اصل ۳۸ حذف وکلمهٔ (شد) درآخر اصل بهکلمهٔ کرد تبدیل شود که جملهٔ آخر اینطوراصلاح خواهد شد: چنانچه باین‌سن نرسیده باشد مجلس شوراي ملی نایب‌السلطنهٔ ازغیر خانوادهٔ قاجاریه برای‌او انتخاب خواهد کرد - کشوری - احتشام‌زاده علی اصغر - وکیل الرعایا

پیشنهاد آقاي آقاسید عبدالرحیم کاشانی - بنده پیشنهاد میکنم دراصل ۳۸ این تبصره اضافه شود،

تبصره - درصورت نبودن مجلس شورای ملی وکلای دوره های قبل دعوت شده مجلس شورا را موقتاً تشکیل و برای ولایت عهد یا نایب السلطنه تصمیمی بگیرند

بعضی از نمایندگان این موضوع در قانون اساسی هست

کاشانی - پس گرفتم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - نظر من تامین شد پس گرفتم

پیشنهاد آقای شیخ جلال - بنده پیشنهاد میکنم که در آخر اصل ۳۸ پیشنهادی کمیسیون اضافه شود : مشروط بر اینکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعهٔ مسلمهٔ ایران باشد -

آقا شیخ جلال - از کوزه همان برون تراود که در اوست - برای اینکه مورد هو واقع نشوم مقدمتاً دو مطلب را بعرض آقایان میرسانم . یکی اینکه از ابتدای انقلاب ایران خوشبختانه در قسمت عمده جریانات شرکت داشته و همیشه وضعیات اقلیت و اکثریت نژادی و ملی را در این مملکت دیده ام . در یک موقعی بود که بواسطهٔ بعضی حوادث اقلیت و نام مملکت را در دست گرفتند بحدی که تقاضای این مرتبه را هم ننموده و این در حدود ۱۳۲۸ و ۲۹ بود . مطلب دویم اینکه بنده در عین اینکه یکنفر مسلمان هستم معتقدم به تساوی تمام ملت ایران در مقابل قانون و فقط عرضی که در این خصوص می نمایم مبنی بر اصول حکومت اکثریت است و نظر باینکه اکثریت مملکت ما مسلمان هستند بنده معتقدم این قضایا فقط از نقطه نظر حکومت اکثریت در قوانین اساسی ما ذکر شود منتها چیزی که دراین خصوص آقایان و مخبر کمیسیون ممکن است بگویند دو مطلب است یکی اینکه درسایر قوانین این نکته تامین شده و این قضیه قید شده و محتاج بذکر آن نیستم : دیگر اینکه با اکثریت قریب باتفاق که در این مملکت با اسلام است چطورمیشود

که یك اقلیتی تقاضای این مرتبه را بکنند یا مجلس شورای ملی این تقاضای اقلیت را قبول بکنند نسبت بقسمت اول اگر بگویند در سایر قوانین است استدعا میکنم آقایان یا آقای مخبر یا غیر مخبر یك مادهٔ اصلی یافرعی بمن نشان بدهند که بنده هم ببینم در تمام مواد قانون اساسی راجع به شخص نایب السلطنه که این قید نشده و اگر هم قید شده شاید من فراموش کرده باشم – واما راجع بمسئلهٔ اقلیت و اکثریت خوش بختانه خودم بودم در ۱۳۲۷ و ۲۸ وهمینطور تا ابتدای طلوع پهلوی که همیشه اوقات اقلیت واشخاصکیه تبعهٔ داخله ایران نبودند زمام امور اینمملکت رادردست میگرفتندواگر بر خلاف میل بنده و بر خلاف نزاکت نمیشد شایدوقایع تاریخی این چند سال راکه بنده اطلاع دارم راجع بهمین اشخاصیکه تبعهٔ خارجه بودند و تا حدی متصدی امور مملکت ما بودندوهمین طور اشخاصیکه از اقلیت بوده وزمام امور مملکت را در دست داشتند و همین طور قضایای ۱۳۲۸ و ۲۹ را که مبنی براین اساس بود تمام آنهارا یگان یگان بعرض آقایان میرسانم -

مخبر – مادهٔ ۲۳ نظامنامه را فراموش نکنید

آقاشیخ جلال – بنابراین از نقطهٔ نظر عمل این موضوع درمملکت ما قریب الوقوع واقع شد واز نقطهٔ نظر قوانین هم در هیچ یك ازقوانین ما این مطلب پیش بینی نشده بخصوص نسبت بشخص نایب السلطنه قید نشده است که مسلمان و ایرانی و تبعهٔ مسلّم ایران باشد بنده اصراری ندارم و از نقطهٔ نظر عدم توجه این عرض را میکنم و الا اگر آقایان بگویند در قوانین هست بنده عرض می کنم قانون اساسی وقوانین فرعی ما الان در اینجا هست (اشاره بکتب قوانین روی میز) و تقریباً پنج جلد است و آقای مخبر ممکن است دستشان را روی آن ماده یا آن اصل بگذارند وبگویند بموجب این ماده واین اصل نایب السلطنه بایستی مسلمان وتبعهٔ مسلم ایران باشد . بنابراین اگر قید نشده باشد بنده خیال میکنم که آقایان عرایض بنده را تصدیق بفرمایند و اگرهم قید

شده است که بنده خیلی معذرت میخواهم که دوسه دقیقه وقت آقایان را تلف کرده ام.

مخبر - اصل چهلم را ملاحظه بفرمائید.

آقاشیخ جلال - اما مسئلهٔ اصل چهلم.

بعضی از نمایندگان - (بطور همهمه) این اصل مطرح نیست.

آقا شیخ جلال - آقایان هو میکنند. و آزادی بنده را تهدید میکنند! بنده با اینکه منتها درجه علاقه مند بودم که در اطراف این مواد صحبتی نشود وزودتر بگذرد ولیکن این قضیه اقلیت و اکثریت فوق‌العاده مهم است و راجع بهمان فکری است که در دماغ من است اصل چهلم می نویسد ..... همهمهٔ نمایندگان

رئیس - هنوز باصل چهلم نرسیده ایم. در پیشنهاد خودتان توضیح بدهید.

آقاشیخ جلال - بله اولا اصل چهلم هم تأمین نمیکند ثانیاً ممکن است یکنفر غیر مسلمان یایکنفر غیر تبعهٔ ایران باشد که معتقد بقرآن نباشد وبیاید قسم هم بخورد هیچ منافاتی هم ندارد

مخبر - واقعاً باصطلاح معمول حالا که ما خودمانیم ولي گاهی بعضی‌از آقایان از حدود خودشان تجاوز میکنند باز هم فریاد میزنند آزادی نیست - اولاً آقایانیکه پیشنهاد میدهند تمنا میکنم مراجعه بماده ۲۳ نظامنامه که توضیح راجع به پیشنهاد باید خیلي مختصر باشد. اما راجع بمسئلهٔ که فرمودند آخر کارهائی که دریك مملکتی میخواهند بکنند تمام. جزئیات را که در قانون نمی نویسند - اگرهم تمام مواد را در نظر میگرفتند که شاه باید قسم بخورد وبعد مادهٔ را که نایب السلطنه هم باید قسم بخورد که قانون اساسی را حفظ کند واز طرف دیگر آن اصل را در نظر میگرفتند که شاه ایران باید دارا ومروّج مذهب جعفری باشد بعداز تمام این مقدمات و اصولي که در قانون اساسي هست آنوقت تصدیق میکردند که بطریق اولی کسیکه نایب السلطنه میشود درصورتیکه

مسلمان نباشد نمی تواند متصدی امور سلطنت بشود آیا ممکن است مثلا
یک کسیکه مسلمان نباشد و بیاید بکلام الله قسم بخورد که من مروج مذهب
جعفری هستم وقانون اساسی را حفظ میکنم وبالاخره بنده استدعامیکنم
دراین موضوع اینقدرها صحبت نکنیم وسنه ۱۳۲۸ راهم بگذاریم برای
اشخاصیکه در آن وقت بودند بنا براین اگر آقایان این پیشنهاد را پس
می گرفتند صرف نظر از این که کارهم زودتر میگذرد بنده شخصاً
متشکر می شدم -

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال آقایان موافقین
قیام فرمایند چند نفری قیام نمودند

رئیس - آقایانیکه مخالفند قیام فرمایند - اکثر نمایندگان قیام فرمودند

رئیس - پیشنهاد آقا شیخ جلال رد شد پیشنهاد آقای عدل

عدل - بنده مسترد می کنم -

رئیس - آن یکی را هم مسترد می کنید؟

عدل - بلی هردو پیشنهاد را استرداد می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا شیخ علی استرابادی

به مضمون ذیل خوانده شد

این بنده پیشنهاد میکنم که این جمله باصل ۳۸ اضافه شود: ولیعهدش
از بلوغ بسن ۲۰ سال بشرطی میتواند متصدی امر سلطنت شود که
تصدیق رسمی از مدرسهٔ متوسطه داشته باشد - خندهٔ نمایندگان!

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -

رئیس - پیشنهاد آقای افسر -

بعبارت ذیل قرائت شد

تبصرهٔ ذیل را پیشنهاد میکنم که الحاق شود بمادهٔ ۳۸

(تبصره اگر مجلس شورای ملی در موقع تعیین نیابت سلطنت موجود
نباشد باید از نمایندگان ادوار سابقهٔ مجلس شورای ملی که در طهران

حضور داشته باشند مجلسی تشکیل داده و پس از حضور اکثر آن ها موقتاً نایب السلطنه را تعیین کرده تا این که مجلس شورای ملی بفوریت تشکیل و مطابق اصل ۳۸ رفتار نمایند ـ

رئیس ـ آقای افسر ـ اجازه

افسر ـ مجلس مؤسسان برای این تشکیل شده است که این چهار اصلی را که در قانون اساسی هست ومیخواهد عوض کند مطابق با احتیاجات مملکتی عوض کند و پیش بینی کند تمام حوادث مترقبه و غیر مترقبه را چون این مطلب پیش آمد در سنه ۱۳۲۷ و تمام آقایان دیدند و مشاهده کردند که برای تعیین نیابت سلطنت در آن موقع مجلس نبود ویك مجلس عالی موقتی تشکیل دادند و مرحوم عضد الملك را معین کردند تا اینکه بعد مجلس شورای ملی منعقد شد و دو مرتبه رسماً او را معین کرد چون این قضیه را ما دیدیم در آتیه هم ممکن است نظایر آن اتفاق بیفتد . جایش در این ماده است و در آنجا باید پیش بینی شود حالا آقای مخبر یا جواب قاطعی بدهند و بنده را متقاعد کنند یا قبول کنند نه این که مثل آندفعه بنظر مجلس واگذار کنند ـ

یك نفر از نمایندگان ـ در قانون اساسی هست ـ

افسر ـ و این که آقایان می فرمایند در قانون اساسی هست بفرمایند در کدام ماده است ؟!

بعضی از نمایندگان ـ اصل چهل و دویم ـ

افسر ـ اصل چهل و دوم این نظر را تامین نمیکند بنده عرض میکنم آن کسی که باید مجلس را منعقد کند و اسمش نایب السلطنه است که موجود نیست ولیعهد هم که بسن بلوغ نرسیده . پس آن کسیکه رئیس حکومت باشد و مجلس را تشکیل بدهد کیست ؟ در این صورت ممکن است در این موقع اختلاف نظر پیدا شود به این جهة بنده پیش بینی کردم که در این موقع چون دست رسي نیست که بگوئیم مجلس سابق را

فوراً تشکیل بدهند (مثل موقع تاج گذاری) چون دست رسی نیست
و ممکن است تعطیل مجلس هم شش سال طول بکشد چنانکه ما دیده ایم
در مقابل محسوسات هیچ منطق های احتمالی با محسوساتی که ما دیده‌ایم
مقابله نخواهد کرد و نتیجه نخواهد داشت که بفرمایند همچو چیزی نمیشود
بنده عرض میکنم که همچو چیزی شد و همه دیدیم لهذا برای اینکه
این اشکال پیش نیاید بنده این پیشنهاد را کردم و هیچ عیبی ندارد که
بگوئیم همانهائی که در ادوار سابقه طرف توجه ملت بوده اند صد نفر
یاهفتاد نفرهر چه درطهران حاضرند اکثر آنها بیایند و یك نفر نایب السلطنه
انتخاب کنند که اسباب زحمت اشکال و تضییع وقت نباشد . اگر این
فکر پیش بینی شده است بفرمایند ؟ در کجا پیش بینی شده ؟ و اگر میفرمایند
لازم نیست وهیچ فکری نباید کرد بنده عرض میکنم مجلس مؤسسان
معلوم نیست بیست سال دیگر . سی سال دیگر . کی افتتاح شود ؟ آنوقت
اسباب زحمت میشود حالا اگر این پیشنهاد بنده را رد کنند بنده
همانقدر افتخار دارم که این مسئله را پیش بینی کردم

مخبر ـ بااینکه خیلی میل دارم پیشنهاد نمایندهٔ محترم را قبول کنم ولی
بدبختانه این مسئله را نه میتوانم قبول کنم و نه میتوانم ارجاع آن
را به کمیسیون تقاضا کنم زیرا موادی را که درقانون اساسی هست کافی
میدانم ودر این موقع آن مواد ازاین پیش آمد ها جلوگیری میکنند

رئیس ـ آقای تیمورتاش (اجازه)

تیمورتاش ـ بنده مخالفم باپیشنهاد پس از یك موافق عرض میکنم

رئیس ـ آقای سهراب زده (اجازه)

سهراب زاده ـ بنده مخالفم .

رئیس ـ آقای طهرانی .

طهرانی ـ بنده مخالفم .

رئیس ـ آقای شوشتری

شوشتری – بنده هم مخالفم

رئیس – رئیس آقای تجدد (اجازه)

تجدد – مخالفم.

رئیس – آقاي رهنما

رهنما – مخالفم

رئیش – آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب – بنده موافقم. عرض میکنم: بنده چون آقای افسر را یك آدم ادبي تاریخ دانی میدانم بعد از اینکه فرمودند بنده متذکر شدم و عقیده بایشان پیدا کردم خود آقای رئیس مجلس مؤسسان نظرشان هست که در باغ شاه حبس بودند وقتي که آمدند و مجلس را مفتوح کردند و آن سلطنت بحمدالله منقرض شد در همانوقت ولیعهد صغیر بود همین قانون اساسی را هم ما داشتیم آنها چه کردند؟ آنوقت هیئت مدیره ناچار شدند و آمدند مرحوم عضد الملك را نایب السلطنه حالا بنده نظر به قوت قلبی که باین سلطنت دارم امیدوارم پنجاه سال این سلطنت دوام پیدا کند لیکن من آقایان را توجه میدهم به پیش آمد. چه عیب دارد حکایت آن نباشد که بگوئیم کلاغ توی چاه نمی افتد؟ اگر آمدیم و کلاغ توی چاه افتاد؟ چه باید کرد؟ تاریخ سابقه براي ما عبرت بشود چه عیب دارد که ما همچو پیش آمدي را در نظر بگیریم که در یك موقعی که مجلس نیست و میخواهند نایب السلطنه قرار بدهند ولیعهد هم صغیر است؟ این بود نظر همکار محترم من که پیش بینی کردند. حالا بنده نمیدانم که آقایان چطور با این پیش بینی مخالفت میکنند؟ چه ضرر دارد این را آقای مخبر قبول بفرمایند و آقایان نمایندگان هم رأی بدهند.؟

رئیس – آقای تیمور تاش اجازه

تیمور تاش پیش از اینکه در اصل پیشنهاد بنده اظهار عقیده کرده باشم یك اصل مسلمی را باید تذکر بدهم یك قانونی اعم از اینکه قانون

اساسی باشد یا قوانین عادی باشد برای مواقع عادی وضع میشود و الا در سنوات گذشته آمدند . طهران را فتح کردند یا چه شد یاچه نشد ؟ اینها هیچ مؤثر در قانون نیست . هزار قانون اساسی و هزار قانون عادی اگر نوشته شود و یك مطلبی پیش بینی شود در مقابل انقلاب بقدر سر سوزنی نتیجه نخواهد داشت . پس ما برای مواقع عادی این قانون را مینویسم و برای مواقع عادی هم قانون اساسی خودش پیش بینی کرده درچه موقع باید نایب‌السلطنه تعیین شود.؟ در موقع رحلت پادشاه . فقط در آنموقع است که اگر ولیعهد دارای بیست سال تمام نباشد احتیاج پیدا میشود به تعیین نایب السلطنه و در قانون اساسی در اصل چهل و دوم صراحتاً تکلیفش را معین کرده است . در اینجا هم این وظیفه یعنی وظیفهٔ انتخاب نایب‌السلطنهٔ بمجلس شورای ملی واگذار شده است واینکه میفرمایند وکلای سابق جمع شوند وکلای سابق در هرجا جمع شوند مجلس شورای ملی را تشکیل نمیدهند مجلس شورای ملی عبارت از اشخاصی است که در ادوار مختلفه و برای ادوار مختلفه انتخاب شده اند بنده که در چهار دوره وکیل شده ام اگر دورهٔ ششم انتخاب نشوم هیچ حقي ندارم وهیچ مزیتی هم برسایر افراد مردم ندارم به این جهة یکی از وظایف مجلس شورای ملی را نمیشود بیك فردی که یك وقتی وکیل مجلس بوده است واگذار کرد و این بر خلاف قانون اساسی است و بنابراین پیشنهاد ایشان مورد ندارد .

رئیس ـ رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای افسر آقایانیکه موافقند قیام فرمایند چند نفر برخواستند

رئیس ـ آقایان مخالفین قیام فرمایند اکثر ازنمایندگان قیام نمودند

رئیس پیشنهاد آقای افسر رد شد .

پیشنهاد آموزگار بشرح ذیل قرائت شد

این بنده پیشنهاد میکنم که کلمهٔ چنانچه دراصل ۳۸ درسطر ۳ به کلمهٔ

اگر تبدیل شود .
آموزگار - این یك اصلاح عبارتي است وچندان هم مهم نیست با اینکه کلمهٔ چنانچه کلمهٔ قشنگی است ولی از (ادوات) شرطیهٔ حساب نمیشود و چون اگر از ادوات شرطیه است چه ضرردارد بجای (چنانچه) اگر گذارده شود . ؟
مخبر - محض اینکه مدتي طول نکشد بنده این پیشنهادرا قبول میکنم
(پیشنهاد آقای دکتر آقایان بمضمون آتی خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که باصل ۳۸ راپرت کمیسیون رای گرفته شود
بعضی از نمایندگان - برخلاف نظامنامه است
دکتر آقایان - چون پیشنهادات زیادمیشود ودر هرکدام مذاکرات زیاد میشود برای اینکه پیشنهادها ومذاکرات خاتمه پیدا کنند بنده پیشنهاد کردم باصل ۳۸ راپرت کمیسیون راي گرفته شود ولیحالا که میفرمایند برخلاف نظامنامه است مسترد میکنم
رئیس - دو پیشنهاد دیگر است که امضاء ندارد
بعضی ار نمایندگان خوانده نمیشود
رئیس - راي گرفته میشود باصل سی و هشتم با اصلاحاتی که قبول شده است ...
بعضی از نمایندگان قرائت شود.- بشرح ذیل قرائت شد
اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتي میتواند شخصاً امر سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر باین سن نرسیده باشد نایب السلطنه ازغیر ازخانوادهٔ قاجاریه ازطرف مجلس شورای ملی برای او انتخاب خواهد شد
رئیس - آقایانیکه با اصل ۳۸ بطریقی که خوانده شد موافقند قیام فرمایند عدهٔ کثیری برخواستند
رئیس - آقانیکه مخالفند قیام فرمایند کسی قیام نکرد

رئیس – ماده ۳۸ تصویب شد. اصل چهلم قرائت میشود
بشرح ذیل قرائت شد
اصل چهلم – همینطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدي این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد
رئیس – آقای شیخ الاسلام (اجازه)
شیخ الاسلام اصفهاني – کمیسیون مطالعه این جمله را باصل چهلم اضافه کرده است –
یك نفر از نمایندگان – چه چیز را اضافه کرده است.؟
مخبر – خیر آقا دست نخورده است
شیخ الاسلام – در اینجا اصل چهلم را مینویسد و آن وقت در مقدمه حاشا میکند ومیگویند اصل چهلم را بحال خودش باقی میگذاریم و این بعقیده بنده درست نیست.
مخبر – بنده اول اصل چهلم را میخوانم: اصل چهلم متمم قانون اساسی (همینطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد. (این ماده را که کمیسیون پیشنهاد کرده است میخوانم (همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد) آیا این دو فرقي دارد. ؟ یا کمیسیون تغییري در این اصل داداه است.؟ ولي البته مجلس باید در این اصل هم رای بدهد.
رئیس – رای گرفته میشود باصل چهلم با وصفي که محفوظ مانده است آقایانیکه موافقند قیام فرمایند   نمایندگان باتفاق برخواستند
رئیس – آقایانیکه مخالفند قیام فرمایند   کسی قیام نکرد
رئیس – اصل چهلم تصویب شد. پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو (بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم مجلس مؤسسان بعد از تصویب سه اصل ۳۶ و ۳۷

۳۸ قانون اساسی ماده واحدهٔ ذیل را تصویب فرماید
مادهٔ واحده ـ (مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی مصوبهٔ ۲۱ آذر ماه ۱۳۰٤ را بجای سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ سابق متمم قانون اساسی قرار داد سه اصل مذکور سابق را ملغی میداند)

رئیس ـ آقای تیمور تاش (اجازه)

تیمور تاش ـ بنده قبل از این که اظهار عقیده کنم میخواستم از آقای پیشنهاد کننده یا از مجلس مؤسسان استفسار کنم که این در دنبالهٔ این اصولی است که تصویب شد یعنی یك اصل اضافی میشود بر قانون اساسی یا خیر تصمیم خاص مجلس مؤسسان خواهد بود؟
اگر تصمیم خاص مجلس مؤسسان است که البته در اصل مطلب تفاوتی پیدا نخواهد شد زیرا بر قرار شدن اصولی در جای یك اصل دیگر خودش مستلزم الغای آن اصول است حالا اگر این ماده به خصوص خواهد بود از طرف مجلس مؤسسان که در ضمن شور در چهار اصل بعقیده و قضاوت من نمیشود در این باب صحبت کرد (بعضی ازنمایندگان صحیح است) یعنی اگر پیشنهادی خواهد بود در باب الغاء فلان یا بهمان بعد باید مذاکره شود زیرا این تذکر و این تصمیم مجلس مؤسسان جزو اصول قانون اساسی محسوب نمیشود و آن سه چهار اصلی که از بین رفته همین سه چهار اصلی که امروز بجایش آمده است بهمان درجه که آن قانون اساسی معتبر و محکم است بهمان درجه این چهار اصلی که امروز تصویب میشود محکم است و بهمان شدت غیر قابل تغییر است. بنا بر این آن چهار اصل قانون اساسی باید تمام شود و رای از طرف مجلس مؤسسان داده شود آنوقت در این پیشنهاد مذاکره شود.

رئیس ـ آقای تدین (اجازه)

تدین ـ اگر آقایان تصور میفرمایند که یك اصلی میخواهد علاوه شود بر قانون اساسی و باین جهة مخالفند. ؟ این صحیح است بنده هم کاملا مخالف هستم با

اینکه یك اصلی بر اصول قانون اساسی اضافه شود زیرا وظیفهٔ مجلس مؤسسان فقط تجدید نظر در همان چهار اصل بود ولی باید تشخیص داد که این ماده یك اصل اضافي است یا یك اخباری است از طرف مجلس مؤسسان ؟

این اصل اضافی نیست برای اینکه تاسیس یك مطلبی نمیکند مجلس مؤسسان میخواهد بگوید این چهار اصلی را که وظیفهٔ من بود باین ترتیب تصویب کردم و برای اینکه درآتیه معلوم شود که آن سه اصل سابق دیگر بهیچوجه اثری ندارد و از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود یك مادهٔ تصویب میشود که آن سه اصل که در متمم قانون اساسی سابق است منسوخ است و باید هم همینطور باشد برای اینکه هر قانونی که وضع میشود اگرچنانچه در آن قانون موادی باشد که در قانون هم بوده و آنها لغو کرده اند باید مادهٔ صریحی باشد که آن مواد منسوخ است وبالاخره این یك اصل اضافی نیست زیر ما اینجا تکلیفي برای کسی معین نمیکنم و حقوقی برای کسی تثبیت نمیکنیم بنا براین لازم است که این اخبار و این اعلام از طرف مجلس مؤسسان بعنوان یك اصل واحد یا یك مادهٔ واحده تصویب شود.

سهراب زاده ـ بعداز اتمام این سه اصل

تدین ـ اجازه بدهید. بعدهم نیست اشتباه است. تمام جریان قوانین همین قوانین خودمان. خالا ما نمی خواهیم بدنیا بچسبیم شاید انقدرهم اطلاعات زیادی نداشته باشیم قوانینی که در خود مجلس شورای ملی ما وضع میشود وآن مادهٔ که اعلان میکنند نسخ آن قانون سابق را جزو همان قانون است که یکی از آنها الان بنظر من آمد قانون شورای عالی معارف که دو دورهٔ سابق گذشت..

یك نفر از نمایندگان ـ قانون انتخابات

تدین ـ وهمچنین قانون انتخابات وهکذا سایر قوانین وبالاخره در جزء همین قانون باید باشد بنا برآین هیچ اشکالی و ایرادی و اعتراضی نیست وما هم کاری بخلاف نکرده ایم وباید بعنوان مادهٔ واحده یااصل واحداضافه کنیم

شیخ الاسلام – بعنوان تبصره

تدین – تبصره نمیشود زیرا تبصره بایستی مربوط بمادهٔ قبل ازخودش باشد زیرا توضیح میکند یك قسمت چیز هائی را که در مادهٔ قبل است و این پیشنهاد آنطور نیست وبالاخره همینطور که این پیشنهاد شده باید ضمیمهٔ این چهار اصل باشد و الا بالاخره در آتیه ممکن است همین مسئله اعلام و اخبار نگرانی بمنسوخیت آن اصل تولید یك مشکلاتی بنماید بنا براین هیچ اشکالی ندارد و خواهش میکنم آقایان هم موافقت به فرمایند –

رئیس – آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو – اگرچه‌بنده بعداز توضیحات آقای تدین توضیحاتی ندارم ولی خواستم دراینجا متذکر شوم که آن اصلی را که‌مجلس شورای ملی درنهم آبان تصویب کرده است هیچ ذکری از الغاء چهار اصل قانون اساسی ندارد درآنجا منقرض میکند خانوادهٔ سلطنت‌را وموکول میکند تغییرآن چهار اصل‌را بمجلس مؤسسان‌مجلس مؤسسان هم‌برطبق آن تشکیل‌شده‌است وسه‌اصل ازآن چهار اصل‌را تغییرداده است و یك اصل را بجای خودش باقی گذاشته است اما آن اصول چه شد .؟ آن اصول بر جای خودش باقی است و بطوریکه آقاي تدین فرمودند آن اصول باید منسوخ شودو تا مجلس مؤسسان این رای‌را ندهد آن اصول بر جای خودش باقي است از این جهت بودکه بنده این پیشنهاد را کردم که بطوز مادهٔ واحده که جزو قوانین معموله هم هست مجلس مؤسسان رأی خودش را در این باب داده باشد

مخبر – بنده در هر صورت از نقطهٔ نظر اصولی نه ذکرش را ضروری میدانم و نه مضر ولی براي اینکه یك مقداری وقت تلف نکنم و از برای آقایان هم هیچ نگرانی نباشد قبول میکنم که بطور ماده واحده ذکر شود .

رئیس – رای گرفته میشود بمادهٔ واحده پیشنهادی آقای ارباب که آقای

مخبر هم قبول کردند آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند
(آقایان قریب به اتفاق قیام نمودند)
رئیس – آقایانی که مخالفند قیام فرمایند (کسی بر نخواست)
رئیس – پیشنهاد آقای ارباب تصویب شد پیشنهادی از طرف آقای یاسائی شده است که متضمن یکمادهٔ الحاقیه است
جمعی از نمایندگان – با همهمه نمیشود . نمیشود
رئیس – شور در کلیاتست . آقای دکتر مهدیخان (اجازه)
دکتر مهدیخان موافقم
رئیس – آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی – بنده در کلیات مخالفم
رئیس – بفرمائید .
یاسائی – مخالفت بنده با کلیات این مواد نه از نقطهٔ نظر سلطنت ارثی یا انتخابی است که آقای سلیمان میرزا بآن اشاره کردند و از نقطهٔ نظر مسلکی بنده هم متوجه به سلطنت انتخابی یا طرز دیگر هستم ولی بنده عقیده ام این است که اول وطن بعد مسلک و از نقطهٔ نظر وطن پرستی لازم میدانم که سلطنت ارثی باشد و بالاخره راجع باساس قضیه بود مخالفتی ندارم . مخالفت بنده راجع بدان موضوعی بود که مربوط بولیعهد و حالا استفاده میکنم در موقع مخالفت در کلیات عرض خود را میکنم بنده پیشنهاد کرده بودم که ولیعهد باید الیق اولاد شاه باشد این پیشنهاد بنده یك جزء دیگری هم داشت که باید مادرش هم ایرانی الاصل و مسلمان باشد در قسمت اول پیشنهاد بنده یعنی به پیشنهاد یك نفر از رفقا که مربوط بقسمت اول پیشنهاد بنده بود گویا رای گرفته شد و رد شد ولی در قسمت دوم که پیشنهاد آقای کاشانی بود استرداد کردند و نسبت به پیشنهاد من رای گرفته نشد اخطار هم کردم ملتفت نشدند مادهٔ ۲۳ راهم تذکر دادم که قرائت شود باز نشد بنا براین حالا عقیدهٔ خودم را عرض

میکنم نسبت بمادر ولیعهد عقیده من این است که باید مسلمان باشد زیرا ازدواج بااهل کتاب به فتاوی از علماء جایز است از این جهت مقتضی بود که حتماً این قیدرا بکنیم که مادر ولیعهد هم ایرانی الاصل ومسلمان باشد ولی حالا که گذشت . یك جهت مخالفت بنده این است ویك ماده الحاقیه هم پیشنهاد کردم که قرائت نکردند

جمعی از نمایندگان باهمهمه نمیشود

یاسائی ـ آقایان رای ندادن غیر از گوش بحرف ندادن است من تقاضا نکردم که آقایان حتما رای بدهند ولی عرض من که باید گفته شود !!

بنده پیشنهاد کردم که اگرسه ربع اعضاء مجلس شورای ملی تصویب کردو اگر انجمنهای ایالتی وولایتي اجازه‌دادند بوسیلهٔ مجلس مؤسسان درآینده میتوانیم تجدید نظری در قانون اساسی بکنیم عده از نمایندگان (باهمهمه) ما حق نداریم (صدای زنك رئیس)

رئیس ـ اینها خارج از موضوع است

یاسائی ـ آقایان فرارمیکنند از حرف زدن وگفتگو کردن بنده عقیده‌ام این است که باید مفتاحی باز کنیم برای آتیه . . .

نمایندگان ـ (بطور همهمه) حق نداریم صدای زنك رئیس

یاسائی ـ ما یك عمارت حصار بندی را یك جائیش را گرفتیم خراب کردیم وبیك ترتیب مخصوصی درست کردیم خوب اگر یك دری برایش بگذاریم وکلیدش را بدست ملت بدهیم که هر وقت بخواهند باز کنند این چه عیبي دارد ؟

جمعی از نمایندگان ـ باهمهمه واعتراض ـ خارج از موضوع است .

یاسائی ـ اصل پنجاه ویکم فرمان مظفر شاه است که نوشته است (اصل پنجاه ویکم ـ مقرر آنکه سلاطین اعقاب واخلاف ما حفظ این حدود واصول را) وبنده عقیده‌ام این‌است که اصل پنجاه ویکم باید نسخ شود (نمایندگان باهمهمه زیاد این‌مربوط باین چهار ماده نیست) صدای زنك

رئیس ـ آقا از موضوع خارج است
آقای یاسائی به محل خود مراجعت نمودند
رئیس ـ آقای دکتر مهدیخان (اجازه)
دکتر مهدیخان ملك زاده ـ بنده از نقطهٔ نظر مصالح مملکت و مصالح عمومی و موقعیتی را که مجلس مؤسسان درمقابل دنیای متمدن درمقابل وجدان. درمقابل وطن حائز است مجبور می بینم خودم را که دراطراف اصول اربعه بعنوان موافقت اظهاراتی عرض کنم تمام آقایان ومنتخبین این مجلس مقدس موقعیت مهمی را که مجلس مؤسسان در دنیای متمدن حائز و دارا بوده است ملتفت هستند وبنده هیچ محتاج نمیبینم خودم را که دراین موضوع اظهاراتی بکنم ولی چون عامهٔ مردم ودنیای متمدن همه متوجه ومنتظر تصمیمی‌که مجلس مؤسسان ایران ازبرای سعادت مملکت خود میخواهد بگیرد هستند مجبوراً عرایضی میکنم (همهمه نمایندگان) ملت ایران یك اصل مسلمی‌را که بعقیدهٔ من ترقی و تعالی بشر در روی آن اصل قرار گرفته است
جمعی از نمایندگان (باهمهمه) خارج از موضوع است
ملك زاده (پس از قدری سکوت) خوب وقتی فرمایشاتتان تمام شد از قسمت بنده عرایضم را عرض میکنم وآن اصل مسلمی که بعقیدهٔ من ملت ایران قبول کرد بدنیا نشان داد که این ملت دارای قوهٔ قضاوت است و میتواند مصالح مملکت خودش را درتحت دقت درآورده و نتیجهٔ قضاوت خودش را درتحت مواد معینی قانون مملکتی قرار بدهد
همهمهٔ نمایندگان ـ صدای زنك رئیس
رئیس ـ آقا دراصل موضوع حرف بزنید
دکتر مهدیخان ـ حقیقتاً این رویهٔ وکلای محترم خیلی تاسف آور است بعقیدهٔ من ملت ایران دراین تصمیمی که امشب گرفت پاداش داد بیکی از بزرگترین خادم مملکت و به تمام دنیا نشان داد که هرکس از برای

وطن خود خدمت کند از طرف ملت پاداش خواهد گرفت

جمعی از نمایندگان (بطور همهمه) اینطور نمیشود حرف زد راي بگیرید

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟

عده از نمایندگان - بلی مذاکرات کافی است

رئیس - متجاوز از چهل نفر از آقایان پیشنهاداتی کرده اند که در این باب با ورقه رأی گرفته شود. نمایندگان - صحیح است

رئیس رای میگیریم به این اصول با اصلاحاتی که شده است. با ورقه. آقایانیکه موافقند ورقهٔ سفید و آقایانیکه مخالفند ورقهٔ کبود میدهند

اخذ آراء شروع شد ۱ (*)

☆☆☆

(در اینموقع چند نفر از نمایندگان از مجلس خارج میشدند)

رئیس آقایان درموقع رای خارج نشوید که از عده رای دهندگان مطلع شوند! اخذ آراء بعمل آمد

رئیس - اخذ آراء تمام شد. حال قرائت میشود.

(آقایان آقا میرزا شهاب و شیروانی اوراق آراء را تعداد نموده ونتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت (قبول ۲۵۶)

آقا میرزا شهاب - یکنفر هم روی یك کاغذ سفید نوشته است (موافق باقر)

بعضی از نمایندگان - آن هم حساب میشود ورقهٔ چاپی نداشته است

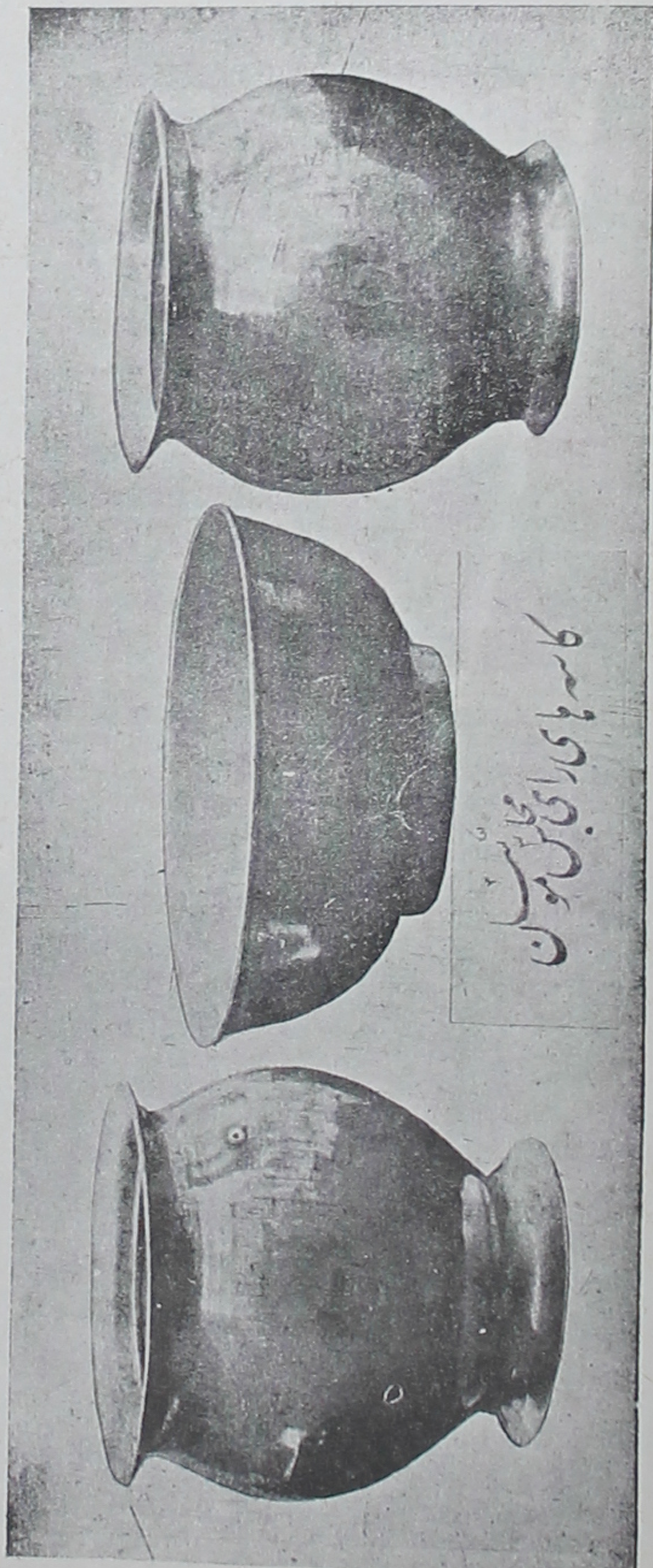
آقا میرزا شهاب - بنا بر این ورقهٔ سفید دویست و پنجاه و هفت تا می شود.

---

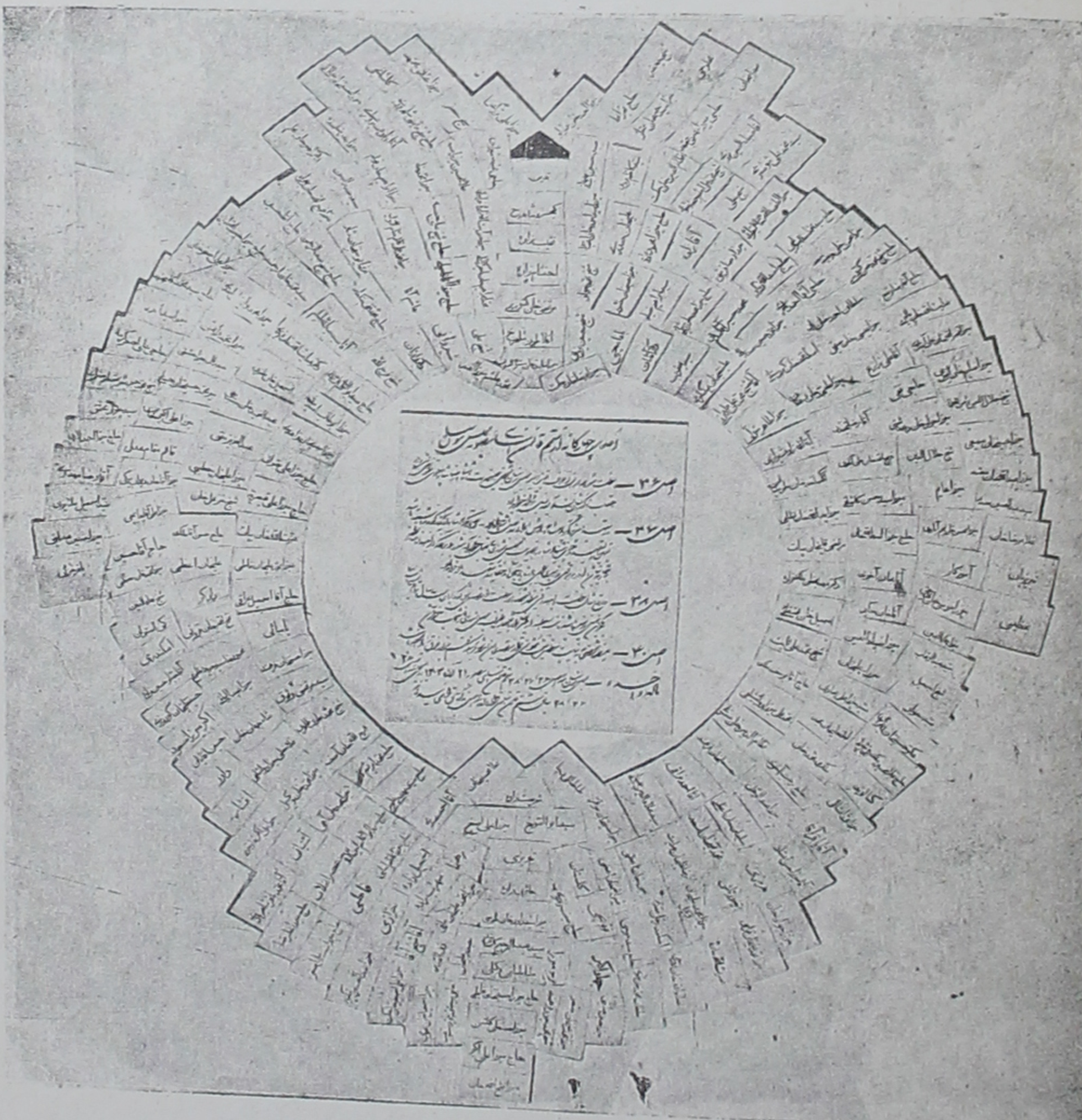
۱ (*) دراین موقع کاسهٔ راي بمیان آمدو نمایند گان با یك قهاریتی آراء خود را ریختند

☆☆☆

متعلق بصفحهٔ ۵۹۰



رئیس - عدهٔ حاضرین اعضاء محترم مجلس مؤسسان ۲۶۰ نفر . موافقین ۲۵۷ نفر و سه نفر ممتنع .



(آقایان نمایندگان وتماشا چیان شروع بکف زدن نمودند)

اسامی رأی دهندگان - : آقایان حاج میرزا اسدالله خان کردستانی - هرمزی - حاج میرزا آقا فامیلی - حاج علی اصغر تاجر گرمهٔ - حسین

آقایان – عبدالحمید خان سنندجی – غلامرضا خان – یاسائی – میر محمد
حسینخان حسابی – میرزا محمدخان معظمی – باقر خوئی – میرزا علی اکبرخان
ملاعبدالعزیز مفتی – میرزا محمدعلیخان وکیل اردبیلی – میرزا فرج‌الله‌خان بهرامی
میرزا علیخان خطیبی – میرزا محمد علیخان منتصر – حاج آقا احمد اهری –
روحی – دادگر – لطفعلی خان مجد – میرزا علی اصغر صدرالمعالی – میرزا محمدعلی
خان مافی – نظام – حاجی سیف – سیدعبدالوهاب رشتی – میرزا باقرخان عظیمی
میرزا صادق خان صادق – شیخ خزعل خان کعبی عامری – عزت‌الله خان
بیات – میرزا عبدالحسین نیک‌پور – آقاسیدمرتضی وثوق – میرزا محمدخان – حاج
آقاحسین – حاج شیخ محمدحسین یزدی – شیخ محمدعلی طهرانی – میرزا احمدخان
عمارلو – حاج آقاجواد طباطبائی – حاج آقا اسمعیل عراقی – افلاطون کیخسرو
شاهرخ – گلستان – سید میرزا علی عمادی – جهاد اکبر – میرزا رضا
خان افشار – شاه جهان خان – میرزا موسی خان فتوحی – اسمعیل خان
قشقائی – یحیی خان اعظمی – شیروانی – میرزا اسمعیل خان نجومی –
هدایت الله هالیزی – آقا جان آخوند – محلوجی – میرزا علی اصغر خان
حکمت – آقا سید ابراهیم ضیاء – شیخ محمد علی ثابت – میرزا ابوطالب
اسلامیه – میرزا اسدالله کردستانی – دکتر مهدیخان ملک‌زاده – رئیس العلماء
میرزا یوسفخان عدل – آقا سید یعقوب – عصر انقلاب – غلام حسینخان
بختیاری – هاشم آقا ملایری مدنی – حاج آقا حسین – حاج سید محمد آقامجتهد
شیخ آقا استرآبادی – آقا سید اسمعیل ملایری – آقا احمدعلمری – حسینقلیخان
گودرزی – حیدر قلی میرزا حشمتی – میرزا محمود خان – وحید سعد – رهنما
حاج سید محمد باقر دست غیب – میرزا فتح‌الله خان مشیر – شیخ جلال‌الدین
نهاوندی – سیف‌الله خان اسکندری – محمدعلی میرزا دولتشاهی – دکتر حسینخان
بهرامی – میرزا بهاء الدین محلاتی – اکبر میرزا مسعود – میرزا طاهر متولی –
میرزا محمد خان آهی – حاج محمد ابریشم کار – توتونچی – میرزا محمد انشائی
میرزا محسن خان نجم آبادی – آقا سید جواد محقق – حاج میرزا علی اکبر

آقا زاده ـ حاج میرزا احمد لاری ـ نصرالله خان ـ میرزا یدالله خان ـ
میرزا عیسی خان صدیق ـ سید عبدالله امام ـ آقا شیخ جعفر ـ
آقا سید ابو الفتوح علوی ـ میرزا یوسف خان مشار ـ طوسی ـ
میرزا عبدالوهاب ملك ـ میرزا مهدیخان زاهدی ـ سهراب خان ـ
شیخ محمد علی ـ امام جمعه شیراز ـ میرزا مهدیخان فاطمی ـ مرتضی خان
کشوری ـ فضل الله خان اعظمی ـ شیخ محمدهادی طاهری ـ ابراهیم سهراب زاده
میرزا محمد علیخان دهقان ـ ذوالقدر ـ میرزا محمد دانش ـ رضاقلیخان
هدایت ـ میرزا حسینخان منشور ـ بیگلری ـ نظام خان مستوفی ـ
آقا سید عبدالحسین صدر ـ میرزا رضا فرشچي ـ حیدر علیخان بلوچ ـ
ملك التجار شیرازی ـ تیمور تاش ـ میرزا عبدالرحیم کاشاني ـ اسمعیل
خان ظفر ـ آقا شیخ علی ـ میرزا عبد الباقی ـ آقا زاده سبزواری ـ
ایرج میرزا ـ حاج میرزا مهدی مجتهد ـ آقا سید محمد علی شوشتری ـ
میرزا محمد علیخان فاطمی ـ حاج میرزا علی قیصریه ـ میرزا محمدولیخان
اسدی ـ میرزا رضا خان حکمت ـ میرزا حسنعلی گلشن ـ میرزا آقاخان
دیوان بیگی ـ تدین ـ صدرائی ـ میرزا محمد خان مشایخی ـ فرج الله
خان آصف ـ میرزا محمد علیخان قوامی ـ بادامچی ـ حائری زاده ـ
کاشانچی ـ نظام الدین خان حکمت ـ میرزا جواد خان امامی ـ میرزا علی
زرك نیا ـ محمد ابراهیم خان امیرکلال ـ میر سید علي اصغر ـ حاج سید
محمد اسلامبول چی ـ میرزا علی اصغر خان جبار ـ حسین زاده تبریزی ـ
شیخ بهاءالدین رشتي ـ میرزا حسین هدایتی ـ حاج مجتهد شیرازی ـ
شیخ اسمعیل رشتی ـ میرزا علي آقای چای چی ـ میرزا علی اکبر نهاوندی
حاج محمد تقی بنکدار ـ سلطان احمد خان راد ـ میرزا علی رضا صدر ـ
حاج میرزا علی صراف ـ سلطان محمد خان عامری ـ تبریزی ـ آقاشیخ علی
حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی ـ حاج آقا یوسف ملك ـ میرزا حسینخان موقر
میرزا جواد خان دهدشتی ـ سردار علیخان بلوچ ـ میرزا سیداحمد خان

اعتبار ـ شریعت زاده ـ دکترامیر خان اعلم ـ خرازی ـ محمد حسین آقامدنی آقا احمد نراقی ـ آقا باقر آقا ـ حاج حسن آقا ملك ـ احتشام زاده ـ میرزا فتح‌الله فزونی ـ دکتر وارطان ـ دکتر هدایت‌الله خان فریدی ـ ضیاءالدین نوری ـ حاج شیخ علی خمسهٔ ـ سید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده دکتر آقایان ـ حاج سید مهدی علوی ـ کی استوان ـ علیخان حیدری ـ حاج میرزا علی رضا قمی ـ آقا سید حسین بهبهانی ـ آموزکار ـ حاج سید موسی ـ ذبیح الله خان علی آبادي ـ میرزا حسن اعتماد ـ اسمعیل‌زاده ـ آقا رضا مجدد ـ میرزا حسن آیت الله زاده خراسانی ـ آیت الله زاده شیرازی ـ آقا سید کاظم یزدی ـ آقا سید محمد خان ارجمند ـ آقا رضا مهدوی ـ حاج میرزا حسین خان فاطمی ـ آقاخان حکیم ـ اسکندر خان مقدم ـ آقا سید علاء الدین بهبهانی ـ میرزا هاشم اشتیانی ـ میرزا عباس مجتهد ـ حاج میرزا محمود عراقی ـ طباطبائی وکیلی ـ میرزا حسن خان فرهمند ـ شیخ فرج الله ـ حاج آقا رضا رفیع ـ حاج بقراط میرزا عبدالله خان معتمد ـ محمود رضا مدیر جریدهٔ طلوع ـ آقاعلی زارع ـ میرزا محمد خان وکیل کردستانی ـ مرتضی قلیخان بیات ـ میرزا لطف الله خان لیقوانی ـ میرزا حسین خان سمیعی ـ شیخ محمد جواد فرهمند ـ محمد تقی خان اسعد ـ حاج میرزا حبیب الله امین ـ حاج تقی خراسانی ـ علیخان اعظمی ـ حاج میرزا محمد علی قائم مقام التولیه ـ ملك محمد خان ـ شریعتمدار نیشابوری ـ میرزا سید حسن کاشانی ـ سلیم ایزدی ـ میرزا نصرالله خان علی آبادی ـ میرزا حبیب الله خان کمالوند ـ حاج رجب آخوند ـ میرزا حسین خان جلائی ـ میرزا سید حسن خان ممتاز ـ محمد هاشم میرزا افسر ـ تبریزیان ـ حاج شیخ عبدالرحمن ـ حسن علی خان فرمند ـ حاج شیخ مرتضی شاهرودی ـ میرزا سید احمد ـ میرزا ابراهیم خان قوام ـ حاج میرزا کاظم آقا امامی ـ حاج شیخ محمد جواد ـ طباطبائی دیبا ـ کیخسرو شاهرخ ـ سلیمان

خان اعظمی ـ نقیب زاده ـ الکساندر خان ـ طومانیانس ـ حاج اسدالله زوار زاده ـ حاج شیخ محمد حسن گروسی ـ حاج میرزا ابوالقاسم امین ـ میرزا ضیاء الدین ـ آقا شیخ جعفر ـ غلامعلی میرزا دولتشاهی آقا محمد باقر شاهرودی

رئیس ـ حال که بحمدالله باسعادت و میمنت و مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی سلطنت مشروطهٔ ایران به اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شد لازم است مطابق مادهٔ ۶۳ و ۶۴ نظامنامه هیئتی ازطرف مجلس معین شود برای تقدیم این چهار اصلی که امشب تصویب شد و مطابق همین ماده باید عدهٔ آن هیئت از طرف مجلس معلوم شود و باید بقرعه هم باشد . آقای تدین (اجازه)

تدین ـ آن اصلی که آقای رئیس بآن اشاره کردند راجع باین است که یك هیئتی باقرعه ازطرف مجلس مؤسسان انتخاب شوند وبرای تبریك خدمت اعلیحضرت شرفیاب شوند و فقط اصلی که راجع به شخص ایشان است همان اصل (سی و شش) است کـه باید با تجلیلات شود وتقدیمشان کرد ولی خاطر محترم ریاست را متذکر میکنم که از نقطهٔ نظر جریان این اصول با آن مادهٔ اضافی در دو نسخه باید نوشته شود یك نسخه برای دولت فرستاده و یك نسخه هم برای مجلس شورای ملی و حالا باید آن هیئت را معین کنند. بعضی از نمایندگان ـ صحیح است .

رئیس ـ عدهٔ که بنظر هیئت رئیسه رسیده است بقرعه معین شود و سی شش نفر است . جمعی از نمایندکان ـ صحیح است .

(استقراع بعمل آمده و آقایان مفصلهٔ ذیل انتخاب شدند)

آقای اکبر میرزا مسعود ـ آقای آقای دهدشتی ـ آقای حاج نقی ملك خراسانی ـ آقای مرتضی قلیخان بیات ـ یکنفر از نمایندگان ـ آقای بیات جزء هیئت رئیسه هستند باید موضوع شود . آقای سلطان احمد خان ـ آقای حاج شیخ علی خمسهٔ ـ آقای میرزا عبدالله خان معتمد ـ

آقاي حاجی علی اصغر گرمهٔ ـ آقای میرزا نصر الله خان علی آبادی ـ آقای سید محمد خان ارجمند ـ آقای حاج حسین آقا مهدوی ـ آقای حاج رحیم آقا قزويني ـ آقای آقا حسین آقایان ـ آقای ناصر ندا مانی ـ آقای حاج اسدالله زوار ـ آقای حاج میرزا بهاء الدین ـ آقای آقاسید یعقوب آقای میرزا علی آقا چاپچی ـ آقای میرزا حسین خان منشور ـ آقای مدیر گلستان ـ آقای حاج غلامحسین ملك ـ آقای غلامرضا خان صدری ـ آقای آقا حسین تبریزی ـ آقای فتح الله خان قزوني ـ آقای میرزا یوسف خان عدل ـ آقای میرزا رضاخان حکمت ـ آقای آقا علی اکبر تاجر نهاوندی آقای ملا عبد العزیز مفتی ـ آقاي آقا سید عبدالله امام کازرونی ـ آقای اسلامیه ـ آقای میرزا حسینخان علائی ـ آقای عزت الله خان بیات ـ آقای حاج حسن آقا ملك ـ آقا سید یعقوب بنده پیشنهاد میکنم که فردا تمام اعضاء مجلس مؤسسان در تحت ریاست آقای رئیس شرفیاب شوند چون تمام این آقایان حق دارند. ازراه های دور آمده اند ومیخواهند بحضور اعلیحضرت شرفیابی حاصل کنند اینرا از روی یك عقیده پاکی عرض کردم

رئیس ـ اولاً بدون اجازه حرف زدید. ثانیاً اینرا میخواستید قبل از اینکه قرعه معین میشود بفرمائید. آقای تدین اجازه

تدین ـ این عملی که واقع شد نسبت بهیئت تبریکیه مطابق صریح نظامنامه است و مانعی هم ندارد که سایر آقایان هر کدام بنوبهٔ خودشان شرفیاب بشوند. البته ایشان هم با آن عطوفت ومهربانی که دارند پذیرائی خواهند کرد. ولی بنده مقصودم این بود که یك تذکری بآقایان بدهم و بعد هم تقاضا کنم جلسه ختم شود وآن این است که کارهای این مجلس تمام شد وکار دیگری این مجلس ندارد سوای صورت مجلس امروز وچون آقایان اگر بخواهند امشب بمانند تاصورت مجلس پاك نویس شود وقرائت شود عملی نیست. بنا براین ممکن است بنده پیشنهاد کنم که آقایان فردا برای

سه ساعت قبل‌از ظهر تشریف بیاورند.

بعضی از نمایندگان - دو ساعت

تدین - یادوساعت قبل‌ازظهر (فرق نمیکند) تشریف بیاورند وفقط دستور قرائت صورت جلسه امروز باشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - حالا که جلسه اینجا دوساعت قبل‌از ظهر شد آقایان که‌انتخاب شده اند سه ساعت بغروب مانده اینجا حاضر شوند بعد بروند

(مجلس سه ساعت ازشب گذشته ختم شد)

جلسهٔ (۵)

روز یکشنبهٔ ۲۲ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۳۴

مجلس یکساعت قبل از ظهر بریاست آقای آقا میرزا صادق خان صادق تشکیل گردید

رئیس - صورت مجلس خوانده میشود

(صورت مجلس شنبهٔ (۲۱) آذرماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

صورت مجلس روز شنبهٔ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۴۴

مجلس سه ساعت بعد ازظهر بریاست آقای میرزا صادق خان صادق تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه قرائت و تصویب شد -

غائبین آقایان: حاجی امام جمعهٔ خوئی - ممقانی مریض - حاج آقا جمال حاج سید جواد بنان - ناصر ندامانی - نجفقلی خان - بختیاری مریض آقای رهنما مخبر کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه خبر کمیسیون را مشعر بتصویب ۱۸ فقره اعتبار نامه آقایان نمایندگان قرائت پس ازآن راپرت

کمیسیون مطالعه در اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ قانون اساسی مطرح و چون در کلیات مخالفی نبود برای ورود در شور مواد نفیاً و اثباتاً اخذ رای شده تصویب و در اصل ۳۶ آقای سلیمان میرزا شرحی مشعر بموافقت با قسمت اول و مخالفت با قسمت دوم تقریر و آقای داور مخبر کمیسیون اظهار مینمودند چنانچه غیر از این ترتیب دیگری در نظر گرفته میشد ممکن بود در آتیه برای مملکت تولید مشکلاتی نماید ـ

آقای یاسائی پیشنهاد نمودند کلمهٔ شاهنشاه از اصل ۳۶ حذف شود ـ آقای نقیب زاده نیز پیشنهاد نمودند جملهٔ از طرف ملت حذف شده و عبارت تفویض شده بتفویض میشود تبدیل شود و پس از توضیح از طرف آقایان پیشنهاد کنندگان نسبت بهر یك جداگانه رای گرفته هیچ یك قابل توجه نشد و نسبت باصل ۳۶ نفیاً و اثباتاً اخذ رای شده تصویب گردید در اصل ۳۷ آقای سهراب زاده عقیده داشتند بعد از جملهٔ ایرانی الاصل (مسلمه) نیز قید شود و آقای عراقی این موضوع را بدیهی وذکر آن را غیر ضروری میدانستند . آقای میرزا محمد خان وکیل عقیده شان این بود لفظ مجلس سنا هم علاوه شود ـ آقای تیمور تاش موافق بوده و آقای سلیمان میرزا لفظ بزرگتر را برای تعیین ولیعهد غیر کافی میدانستند ـ آقای مخبر اظهار می نمودند شقوق مسطوره برای تعیین ولیعهد منحصر بیك مورد دو مورد نیست وذکر تمام آنها در قانون اساسی خالی از اشکال نیست .

ده‌فقره پیشنهاد از طرف آقایان شیروانی ـ محمد هاشم میرزا حاجی میرزا علی اکبر اصفهانی ـ میرزا محمد خان وکیل ـ آقا سید یعقوب ـ میرزا یوسف خان مشار ـ حاجی سید ابوالقاسم کاشانی ـ سهراب زاده ـ آقا سید مرتضی وثوق ـ زاهدی ـ نقیب زاده ـ میرزا محمد علیخان منتصر ـ راجع باصلاح اصل ۳۸ قرائت هفت فقرهٔ اخیر مسترد و بقیه قابل توجه نشد ـ آقای سلطان احمد خان راد پیشنهاد نمودند در اصل ۳۷

بعد از عبارت (بعمل خواهد آمد) اضافه شود « مشروط براینکه آن ولیعهد از خانوادهٔ قاجاریه نباشد . »

آقای مفتی پیشنهاد نمودند بجای فرزند ذکور نوشته شود (پسری)

آقایان آقا سید عبدالرحیم کاشانچی پیشنهاد نمودند کلمهٔ « تصدیق مجلس شورای ملی » به « تصویب مجلس شورای ملي » تبدیل شود وهرسه فقره را آقای مخبر کمیسیون قبول نمودند .

آقای آقا سید یعقوب عین مادهٔ مصوبهٔ کمیسیون را پیشنهاد نمودند وبعد مسترد داشته و نسبت باصل ۳۷ با اصلاحات فوق نفیاً و اثباتاً اخذرای شده تصویب گردید .

در اصل ۳۸ ـ ده فقره پیشنهاد از طرف آقایان : حاجی سید ابوالقاسم کاشانی ـ آهی ـ کاشانی ـ عدل ـ آقا شیخ آقا استرابادی ـ افسر ـ آقا شیخ جلال ـ یاسائی ـ آقا سید عبد الحسین صدر قرائت چهارفقرهٔ اخیر رد و بقیه مسترد شد .

آقای آموزگار پیشنهاد نمودند کلمهٔ «چنانچه » به « اگر » تدیل شود .

آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد نمودند بعد از بیست سال کلمهٔ « شمسی » اضافه شود .

آقای تیمور تاش قسمت اخیر ماده را باین نحو پیشنهاد نمودند : اگر باین سن نرسیده باشد نایب السلطنه ازغیر خانوادهٔ قاجاریه ازطرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد .

این سه فقره اصلاح نیز از طرف آقای مخبر قبول و نسبت باصل ۳۸ با اصلاحات مذکوره دومرتبه با قیام و قعود رای گرفته تصویب شددر اصل ۴۰ چون از طرف کمیسیون تغییری داده نشده بود بهمان طور اخذ رای شده تصویب گردید

آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد نمودند مادهٔ واحده باین مضمون از طرف مجلس تصویب شود

مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ اساسی مصوبهٔ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ را بجای سه اصل ۳۶ ـ ۳۷ ـ سابق متمم قانون اساسی قرار داده و اصل مذکور سابق را ملغی میداند .

آقای مخبر ـ این پیشنهاد را نیز قبول و پس از قدري مذاکره در این خصوص بعنوان مادهٔ واحده اخذ رای بعمل آمده تصویب شد . در ضمن شور کلی آقای .ناسائی عقیده شان این بود مادهٔ الحاقیه اضافه شود که مجلس شورای ملی با جلب نظر انجمن های ایالتی و ولایتی حق داشته باشد در قانون اساسی تجدید نظر بنماید ـ و عدهٔ از آقایان اظهار می نمودند و چون از موضوع این چهار اصل خارج است نمیتوان داخل مذاکره شد .

آقای ملك زاده ـ شرحی مشعر بموافقت تقریر پس از آن نسبت بکلیهٔ لایحه بر حسب تقاضای عدهٔ از آقایان نمایندگان با ورقه اخذ رای شده باکثریت ۲۵۷ رای از ۲۶۱ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد

برای شرفیابي بحضور اعلیحضرت همایونی و تقدیم اصل مصوبه از طرف مجلس مؤسسان استقراع بعمل آمده آقایان مفصلة الذیل معین شدند

آقای اکبر میرزا مسعود ـ آقای میرزا جواد خان دهدشتی ـ آقای حاجي تقی ملك خراسانی ـ آقای سلطان احمد خان راد ـ آقای حاجی شیخ علی خمسهٔ ـ آقای میرزا عبدالله خان معتمد ـ آقای حاجی علي اصغر گرمهٔ آقای میرزا نصرالله علی آبادی ـ آقای میرزا سید محمد خان ارجمند ـ آقای حاجی حسین آقا مهدوی ـ آقای حاجی رحیم آقا قزوینی ـ آقای آقا سید یعقوب ـ آقای آقا حسین آقایان ـ آقای ناصر ندامانی آقای حاجي اسدالله زوار ـ آقای میرزا بهاء الدین ـ آقای غلامحسین میرزا آقای طباطبائی دیبا ـ آقای حاج میرزا علی صراف ـ آقای بادامچی- آقای میرزا علی اصغر خان حکمت ـ آقا میرزا علی آقا چایچی - آقای میرزا حسین خان موقر ـ آقای حاج غلامحسین پیك ـ آقاي غلامرضا

خان صدری - آقای آقا حسین آقا تبریزی - آقای فتح الله خان فزونی
آقای میرزا یوسف خان عدل - آقای میرزا رضا خان حکمت - آقای
آقامیرزا علی اکبر تاجر نهاوندي - آقای ملا عبد العزیز مفتي - آقای سید
عبدالله امام کازرونی - آقای اسلامیه - آقای میرزا حسینخان جلائي
غرت‌الله خان بیات - آقای حاج حسن آقا ملك
جلسه آتیه بروز یکشنبه ۲۲ آذر دوساعت قبل‌از ظهر و دستور آن
تصویب صورت مجلس همین جلسه مقرر ومجلس سه ساعت ازشب گذشته
ختم شد در جلسه یکشنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۰٤ قرائت. آقاي تدین
اظهار نمودند در مادهٔ واحده پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بجاي‌اصول
اساسی بایستی نوشته شود (اصول متمم قانون اساسی) وبعلاوه هیئتی که
بقرعه انتخاب شده اند فقط برای تقدیم اصل ۳٦ بوده است نه برای
اصول و بایستی اصلاح شود - آقای آقا شیخ جلال اظهار نمودند بنده
پیشنهاد کردم که شرط شود نایب السلطنه هم مسلمان باشد و هم ایرانی
ودر صورت همین قید نشده است - آقای یاسائی شرحی بیان نمودند که
بنده پیشنهاد کردم در موقع لزوم (باتصویب سه ربع اعضاء مجلس شورای
ملی واجازهٔ انجمن هاي ایالتی وولایتی ممکن است بوسیلهٔ مجلس شورای
مؤسسان تجدید نظر شود در قانون اساسی بشود. قسمت بوسیلهٔ مجلس
مؤسسان) که در پیشنهاد قید شده بود در صورت مجلس نوشته نشده
است - آقای آقا سید یعقوب اظهار مینمودند که پیشنهاد آقای زاهدی
راجع بولایتعهد وپیشنهاد آقای افسر راجع بانتخاب نایب السلطنه نیز
بایستی در صورت مجلس قید شود. و بعلاوه اسامی نمایندگان که رای
باصول چهار گانه داده اند بایستی در صورت مجلس درج شود و دیگر
راجع بتقاضاي بنده در موضوع تشرف عموم نمایندگان بحضور اعلیحضرت
در صورت مجلس قیدی نشده است - آقاي طهراني اظهار نمودند آقای
ممقانی در جلسهٔ گذشته چون مریض بوده اند حاضر نشده اند بایستي قید

شود. آقاي شريعت زاده معتقد بودند كه پيشنهاد ايشان راجع باينكه (شاه حق دارد در موقعی كه عدم لياقت وليعهدی را احساس كرد انفصال او را بمجلس پيشنهاد كند) بايستی در صورت مجلس قيد شود. آقای رئيس اظهار نمودند بعضی از آقايان نمايندگان پيشنهاد كرده اند صورت مشروح مجلس مؤسسان طبع وتوزيع شود وچون مخالفی نبود قرار شد طبع وتوزيع شود صورت اسامی راي دهندگان بقانون اصول چهارگانه به تفصيل ذيل قرائت گرديد:

آقايان ـ حاج ميرزا اسدالله خان كردستانی ـ هرمزی ـ حاج ميرزا آقا فاميلی ـ حاج علی اصغر آقا تاجر گرمهٔ ـ حسين آقايان ـ عبدالحميدخان سننددجی غلامرضاخان ـ ياسائی ـ مير محمد حسينخان حسابی ـ ميرزا محمد خان معظمي باقر خوئی ـ ميرزا علی اكبرخان ـ ملا عبد العزيز مفتی ـ ميرزا محمدعليخان وكيل اردبيلی ـ ميرزا فرج الله خان بهرامی ـ ميرزا عليخان خطيبی ميرزا محمد عليخان منتصر ـ حاج آقا احمد اهری ـ روحی ـ دادگر ـ لطفعلی خان مجد ـ ميرزا علی اصغر صدرالمعالی ـ ميرزا محمد عليخان مافی نظام ـ حاج سيف ـ سيد عبدالوهاب رشتی ـ ميرزا باقر خان عظيمی ميرزا صادقخان صادق ـ شيخ خزعل خان كعبی عامری ـ عزت الله خان بيات ـ ميرزا عبدالحسين نيك پور ـ آقا سيد مرتضی وثوق ـ ميرزا محمد خان ـ حاج آقا حسين ـ حاج شيخ محمد حسين يزدی ـ شيخ محمّد علي طهرانی ـ ميرزا احمد خان عمارلو ـ حاج آقا جواد طباطبائی ـ حاج آقا اسمعيل عراقی ـ افلاطون كيخسرو شاهرخ ـ گلستان ـ سيد محمد علی عمادی ـ جهاد اكبر ـ ميرزا رضا خان افشار ـ شاه جهان خان ـ ميرزا موسی خان فرحی ـ اسمعيل خان قشقائی ـ يحيي خان اعظمی ـ شيروانی ـ ميرزا اسمعيل خان نجومی ـ هدايت الله خان هاليزي ـ آقا جان آخوند ـ محلوجی ـ ميرزا علی اصغر خان حكمت ـ آقا سيد ابراهيم ضياء ـ شيخ محمّد علی ثابت ـ ميرزا ابوطالب اسلاميه ـ ميرزا اسدالله

خان -- کردستانی -- دکتر مهدیخان ملك زاده -- رئیس العلماء -- میرزا یوسف خان عدل -- آقا سید یعقوب -- عصر انقلاب -- غلام حسینخان -- بختیاری -- هاشم آقا مدیری مدنی -- حاج آقا حسین -- حاج میرزا محمد آقا مجتهد -- شیخ آقا استرآبادی -- آقا سید اسمعیل مدیری -- آقا احمد عبدی -- حسین قلی خان گرورزی - حیدر قلی میرزا حشمتی -- میرزا محمود خان وحید سعد -- رهنما -- حاج سید محمد دست غیب -- میرزا فتح‌الله خان مشیر شیخ جلال الدین نهاوندی -- سیف الله خان اسکندری -- محمد علی میرزا دولتشاهی -- دکتر حسین خان بهرامی -- میرزا بهاء الدین محلاتی -- اکبر میرزا مسعود -- داور -- هایم -- غلام حسین میرزا مسعود میرزا طاهر مستوفی -- میرزا مجید خان آهی -- حاج محمد ابریشم کار - توتونچی - میرزا محمّد انشائی - میرزا محسن خان نجم آبادی - آقا سید جواد محقق - حاج میرزا علی اکبر - آقا زاده - حاج میرزا احمد لاری نصرالله خان - میرزا یدالله خان - میرزا علی خان صدیق - سید عبدالله امام - آقا شیخ جعفر - آقا سید ابو الفتوح علوی - میرزا یوسف خان مشار - طوسی - میرزا عبدالوهاب ملك - میرزا مهدیخان زاهدی - سهراب خان - شیخ محمّد علي - امام جمعه شیراز - میرزا مهدی خان فاطمی - مرتضی خان کشوری - فیض الله خان عظیمی- شیخ محمد هادی طاهری - ابراهیم سهراب زاده - میرزا محمّد علیخان دهقان - ذوالقدر - میرزا محمّد دانش - رضا قلیخان هدایت - میرزا حسینخان منشور - بیگلری - نظام خان مستوفي - آقا سید عبدالحسین صدر - میرزارضا فرشچی - حیدرعلی خان بلوچ ملك‌التجار شیرازي - تیمورتاش - میرزا عبدالرحیم کاشاني - اسمعیل‌خان ظفر آقا شیخ علی - میرزا عبدالباقي - آقا زاده سبزواری - ایرج‌میرزا - حاج میرزا مهدی مجتهد - آقای سیدمحمد علی شوشتری - میرزا محمد علیخان ناظمی - حاج میرزاعلی قیصریه - میرزا محمد ولیخان اسدی - محمّدرضاخان حکمت - میرزا حسنعلی گلشن - میرزا آقاخان دیوان بیگی - تدین - صدرائی - میرزا

محمد خان مشایخی - فرج الله خان آصف - میرزا محمد علی قوامی - بادامچی - حائری زاده - کاشانچی نظام الدین خان حکمت - میرزا جواد امامی - میرزا علی بزرك نیا - محمدابراهیم خان امیر کلال - میرسید علی اصغر - حاج سید محمداسلامبولچی - میرزا علي اصغر خان - جبار زادهٔ تبریزی - شیخ بهاء الدین رشتی - میرزا حسین هدایتي - حاج مجتهد شیرازی - شیخ اسمعیل رشتی - میرزا علی آقا چای چي - میرزا علی اکبر نهاوندی - حاجی محمد تقی بنکدار - سلطان احمدخان راد - میرزا علیرضا صدر - حاج میرزا علی صراف - سلطان محمد خان عامری - تبریزی - آقاشیخ علی حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی - حاج آقا یوسف ملك - میرزا حسین خان موقر - میرزا جواد خان - دهدشتی - سردار علی خان بلوچ - میرزا سید احمد خان اعتبار - شریعت زاده - دکتر امیر خان اعلم - خرازی - محمد حسین آقا مدنی - آقا احمد نراقي - آقا باقر آقا - حاج حسن آقاملك - احتشام زاده - میرزاً فتح الله خان فزونی - دکتر وارطان - دکتر هدایت الله خان فریدی - ضیاء الدین نوری - حاج شخ علی خمسهٔ - سید صدرالدین ظهیر الاسلام زاده - دکتر آقایان - حاج سید موسی علوی - کی استوان - علیخان حیدری - جاج میرزا علی رضا قمی - آقا سید حسین بهبهانی - آموزگار - حاج سید موسی - ذبیح الله خان علی آبادی - میرزا حسن اعتماد - اسمعیلی زاده - آقا رضا تجدد - میرزا حسن آیت الله زاده خراسانی - آیت الله زاده شیرازی - آقاسیدکاظم یزدی - آقا سید محمد خان ارجمند - آقا رضا مهدوی - میرزا حسینخان فاطمی - آقا خان حکیم - اسکندر خان مقدم - آقا سیدعلاء الدین بهبهانی - میرزا هاشم آشتیاني - میرزا عباس مجتهد - حاجی میرزا محمود عراقی - طبا طبائی وکیلی - میرزا حسن خان فرهمند - شیخ فرج الله - حاج آقارضا رفیع - حاج بقراط - میرزا عبدالله خان معتمد - محمود رضا مدیر جریده طلوع - آقا علی زارع - میرزا محمد خان وکیل کردستاني

مرتضی قلیخان بیات ـ میرزا لطف‌الله خان لیقوانی ـ میرزا حسینخان سمیعی ـ شیخ محمد جواد فرهمند ـ محمد تقی خان اسعد ٠ حاج میرزا حبیب الله امین ـ حاج تقی خراسانی ـ علیخان اعظمی ـ حاج میرزا محمد علي قائم مقام التولیه ـ ملك محمد خان ـ شریعتمدار نیشابوری میرزا سید حسن کاشانی ـ سلیم ایزدي ـ میرزا نصرالله خان علی‌آبادی میرزا حبیب‌الله خان کمالوند ـ حاج رجب آخوند ـ میرزا حسینخان جلائی ـ میرزا سید حسینخان ممتاز ـ محمدهاشم میرزا افسر ـ تبریزیان حاج شیخ عبد الرحمن ـ حسینعلیخان فرمند ـ حاج شیخ مرتضی شاهرودی میرزا سید احمد ـ میرزا ابراهیم خان قوام ـ حاج میرزا کاظم آقا امامی حاج شیخ محمد جواد ـ طبا طبائی دیبا ـ کیخسرو شاهرخ ـ سلیمان خان عظیمی ـ نقیب زاده ـ الکساندر خان طومانیانس ـ حاج اسدالله زوارزاده حاج شیخ محمد حسن گروسی ـ حاج میرزا ابو القاسم امین ـ میرزا ضیاءالدین آقا شیخ جعفر ـ غلامعلي میرزا دولت شاهی ـ آقا محمد باقر شاهرودی

رئیس ـ آقایان در صورت مجلس مخالفی ندارند ؟ آقا سید یعقوب ـ بنده مخالفم

رئیس ـ آقای افسر ـ (اجازه) محمد هاشم میرزا افسر ـ البته مجلس مؤسسان که تشکیل می شود و آثار آن باید سالها بماند صورت خلاصه اش هم باید حاکي از اصول مطالب صورت تفصیلی باشد ولی در این صورت مجلس بعضی مطالب که جزئی و مختصر و اصلاحات عبارتی بود از قبیل چنانچه و اگر أصل پیشنهاد و موافق و مخالف همه نوشته شده ولی مسائل اساسی از قبیل تبصره و مادهٔ الحاقیه یا مطالبی که دراصل موضوع مؤثر بود و موجب تامین یا تکمیل موضوع بود نوشته نشده است : فقط نوشته شده پانزده فقره یا هفت فقره پیشنهاد شد چند فقره اش مسترد شد و این ناقص است . اگر بازتمام پیشنهاد ها را بطور فهرست مینوشتند که چند فقره پیشنهاد از طرف

کی ؟ و کی شد ؟ و چند فقره اش که متعلق به کی و کی بود ؟ رد شد
و کی و کی مسترد داشتند باز یك چیزی بود ولی در اینصورت مجلس
خیلی تبعیض شده است دقت بفرمائید . اصلاحات عبارتی نوشته شده
ولی پیشنهاد هائی که اساسی بوده است نوشته نشده است هفده فقره
پیشنهاد شد هفت تاش رد و هشت تاش خوانده شد و دو تاش مسترد
شد و این کافی نیست . بعقیدهٔ بنده یك مجلس مؤسسانی با این اهمیت
باید صورت خلاصه اش حاکی از صورت تفصیلی باشد و سالهای سال
بماند و این صورت مجلس را بنده ناقص میدانم .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده اجازهٔ که خواسته بودم برای مطلب دیگری بود ولی از
طرف آقای رئیس جواب آقای افسر را عرض میکنم .

اولا با کمی وقت باید خیلی هم تقدیر کرد زحمات هیئت
تند نویسی را که موفق شده اند این اندازه را هم نوشته اند
جمعی از نمایندگان صحیح است وثانیاً خود آقای افسر هم خوب میدانید
لازم نیست تمام جزئیات درصورت خلاصه نوشته شود . بلي اگرچنانچه
مذاکرات منحصر باین صورت خلاصه بود حق با ایشان بود ولي اینطور
نیست صورت مشروح مجلس هست و تمام مذاکرات و نطق آقایان
از کلی و جزئی بتفصیل در آن مندرج است از حیث سندیت تاریخی هم
آن صورت مشروح مؤثر است و هم اینصورت بنا بر این از این حیث
اشکالی بنظر من وارد نمی آید واینهم که میفرمایند تبعیض شده است
تصور نمي کنم نظر خصوصی اعمال شده باشد اولا کمی وقت باعث شده
است که باین اختصار نوشته شود ثانیاً اینها یك فورمولهائی است که
چندین پیشنهاد که متشابه بهم است باید آنها را بطور ردیف ذکر کرد
ولی عرض بنده راجع بتصویب مجلس بدو قسمتش متوجه بود که باید
اصلاح شود یکی راجع بآن ماده پیشنهادی آقاي ارباب کیخسرو بود

که بنده شنیدم اینطور خوانده شد .
(اصول اساسی) و حال آنکه مقصود از این اصول اصل ۳۶ ــ ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی است :

رئیس ــ این عین پیشنهاد است که نوشته‌اند . (قانون) هم اضافه میشود

تدین ــ یکی دیگر اینکه در اینجا نوشته شده یك هیئتی بقرعه برای تقدیم اصول مصوبه بحضور اعلیحضرت انتخاب شدند و حال اینکه اینطور نیست وبنده مخصوصاً دیشب هم تذکر دادم که فقط برای تقدیم یك اصل است که اصل (۳۶) باشد .

رئیس همینطور هم هست همان یك اصل تقدیم شد

تدین ــ خیلی خوب ولی دراینجا که اصول نوشته است کلمهٔ اصول باید تبدیل شود باصل (۳۶) بعضی از نمایندگان صحیح است

رئیس ــ آقای آقاشیخ جلال در صورت مجلس فرمایشی دارید ؟

آقا شیخ جلال ــ بلی . یك قسمت ازعرایض بنده را آقای افسر عرض نمودند و بنده اضافه میکنم این قسمت را که در یك موقعی که بنااست بعضی نوشته شود چنانچه سایر مطالب نوشته نشود ولو بطور خلاصه از این حکایت میکند که طرف توجه مجلس واقع نشده است واز طرف دیگر ما که صورت تفصیلی را نمی خوانیم و اطلاعی هم نداریم ما فقط بتصویب صورت اجمالی تصدیق میکنیم آن صورت تفصیلی را بنده پیشنهاد کردم که شرط شود نایب السلطنه هم مسلمان باشد ولی آقای مخبر محترم هم اساساً تصدیق کردند که در این قانون پیش بینی شده است ولی برای اینکه سایر اصول ضمناً این قضیه را تصریح می کنند لازم وحتمی است که در ضمن اصل سی و هشت ذکر شود . این است که ازمقام ریاست استدعا می کنم نظر باهمیت موضوع و نظر باینکه تمام آقایان وکلا این اصول را قبول دارند و آقای مخبر محترم هم تصدیق

کردند این مطلب درضمن خلاصهٔ صورت مجلس تذکرداده شود.
رئیس - درصورت مشروح مجلس همهٔ اینها نوشه خواهد شد و بامضاء هم خواهد رسید .
تدین - در ذیل این صورت مجلس هم بنویسند .
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی عرض بنده راجع بآن مادهٔ الحاقیه است که بنده پیشنهاد کردم وتجزیه شده است . یك قسمتش در صورت مجلس نوشته شده است و بنده پیشنهادم این بود که در موقع لزوم باتصویب سه ربع اعضاء مجلس شورای ملی و اجازهٔ انجمن های ایالتی و ولایتی ممکن است بوسیلهٔ مجلس مؤسسان تجدید نظر در قانون اساسی بشود. این قسمت اخیر یعنی (بوسیلهٔ مجلس مؤسسان) که در پیشنهاد بنده قید شده بود در صورت مجلس نوشته نشده است. استدعا میکنم اصلاح بفرمایند.
رئیس - اقای اقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - عرایض بنده را گرچه حضرت آقای تدین رئیس محترم مجلس شورای ملی در جواب آقاي افسر بیان فرمودند ولي بنده ناچارم یك مطلب. دیگری را که ایشان تذکر ندادند عرض کنم . که مطلب اساسی بود که یك مسئلهٔ آنرا آقای زاهدی پیشنهاد نمودند که بنده آن را خیلی لازم میدانم که بر سبیل اجمال در صورت مجلس نوشته شود زیرا صورت مجلس یك سند تاریخي است و صورت مشروح مجلس آن هم البته سند تاریخی است و بامضاء هیئت رئیسهٔ مجلس مؤسسان هم میرسد ولی بنده تقاضا میکنم هم آن چیزی را که آقای زاهدی پیشنهاد کرده بودند و هم آن قسمتش را که مفصلا تذکر دادم که آنوقتی که مقام ریاست در باغ شاه حبس بودید و در وقتی که ولیعهد کوچك بود و و ناچاراً ما عقیده مان این بود که مجلس یك نایب السلطنه تعیین بکند و آقای افسر هم در این باب پیشنهادي کرده بودند چون این مسئله

اهمیت دارد بنده تقاضا میکنم دو مرتبه مقام ریاست امر بفرمایند که اینصورت اجمالی را تحت نظر بیاورند و بعضی مسائلی را که لازم است در آن ذکر و قید کنند قسمت دیگر از تقاضای بنده این است که چون ۲۵۷ نفر از آقایان رای داده اند اسامی شان باید در صورت مجلس درج باشد . چون این مسئله تاریخی است لذا باید در صورت مجلس اسامی کسانی که رای داده اند نوشته شود . زیرا این اسباب افتخار من و خانوادهٔ من است . من که از طرف ایلات خمسهٔ فارس آمده ام و در این جا رأی داده ام بسلطنت اعلیحضرت پهلوی باید در خانوادهٔ من این شرف و افتخار باقي باشد . و یکی دیگر اینکه بنده از مقام ریاست تقاضا کردم که تمام اعضای مجلس مؤسسان در خدمت آقای رئیس حضور اعلیحضرت شرفیاب شوند . و این یك مسئله بود خیلي بجا و در صورت مجلس نوشته نشده . لهذا در صورتیکه صورت مجلس اصلاح میشود این عرایض بنده هم خوب است در آن اشاره شود.

رئیس ـ اسامی اقابانیکه رای موافق داده اند ذیلا بصورت مجلس اضافه خواهد شد أقای طهرانی (اجازه)

اقا شیخ محمد علی طهرانی ـ بنده اعتراضم این اندازه بود که معتقدم باید فرق گذاشت بین اشخاصی که بواسطهٔ یك جهاتی نیامده اند یابدون جهة نیامده اند ـ اقای ممقانی چون مریض بوده اند تشریف نیاورده اند و ازاین جهة باید در صورت مجلس درج شود که مریض بوده اند.

رئیس ـ آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده ـ بنظر بنده هم دراین صورت مجلس یك اعتراضاتی حقاً وارد است. اساساً بنده معتقد نیستم صورت مجلس که اجمالاً حاکی و نمایندهٔ ازرؤس مسائلی است که در مجلس مورد بحث واقع شده صحیح تلقی نشود. زیرا صورت مجلس برای این است که روح و بالاخره اس اساس مسائل را بدون حشو وزائد حاکی باشد ووقتی که قرائت میشود

و آقایان نمایندگان تصدیق میکنند این تصدیق ناظر تمام جریاناتی است که واقع شد ٪. قسمت دیگر که مربوط بخود بنده بود این است که یك پیشنهادی شده بود که شاه حق دارد در موقعی که عدم لیاقت ولیعهدرا احساس کرد انفصال اورا بمجلس پیشنهاد بکند واین یکی ازمسائل مهمهٔ بود که بهیچوجه قید نشده است

رئیس ـ آقای آهی (اجازه)

آهی ـ بنده خواستم یك استفساری بکنم چون آقای میرزا حسین خان منشور درجزو اشخاصی بودند که بقرعه انتخاب شده بودند و در اینجا ذکر نشده خواستم ببینم که از قلم افتاده است یاخوانده نشده است؟

بعضی از نمایندگان ـ خوانده شد

رئیس ـ خیرجزو صورت مجلس بود وخوانده هم شد. آقای قائم مقام‌الملك (اجازه)

قائم مقام الملك ـ بنده میخواستم استدعا کنم که اسامی آقایانیکه رأی داده اند خوانده شود ولی آقای آقا سید یعقوب عرایض بنده را فرمودند وحالا خواهش میکنم خوانده شود.

رئیس ـ آقاي نقیب زاده (اجازه)

نقیب زاده ـ در اصل (۳۷) تبدیل جملهٔ تصدیق به تصویب مال بنده بود و از قلم افتاده است .

رئیس ـ آقای رهنما (اجازه)

رهنما ـ بنده درصورت مجلس اعتراض ندارم فقط راجع بآن اسامی عقیده دارم که وقتی که در صورت مجلس مفصلاً نوشته شده است و اساساً صورت مجلس مفصل هم این مطالب را دارد دیگر این اعتراضات مورد ندارد وشایدهم آن صورت مفصل مجلس از نقطهٔ نظر اینکه تاریخی است انتشار پیدا کند و از طرف دیگر اگر آقایان نمایندگان محترم در صورت مفصل مجلس اعتراض دارند ممکن است مراجعه بفرمایند واگر

اشتباهی درآن شده است اصلاح نمایند و البته آقایان منشی ها هم این اعتراضاتی که این جا شد یادداشت فرموده اند وبا نظر هیئت محترم رئیسه اصلاح و علاوه میشود همینطور که معمول تمام صورت مجلس ها است که اعتراضات را در آخر صورت مجلس می نویسند و امضا میکنند.

تدین - اسامی را بخوانند.

رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده - بنده عقیده ام این است که هیچ اشکالی برای خواندن اسامی نیست زیرا آخر شب هم نیست که در ختم جلسه عجله داشته باشیم بنابراین استدعا میکنم بفرمایند اسامی خوانده شود.

رئیس - عدهٔ از نمایندگان آقایان طهرانی و آقا ضیاء الدین نوری تقاضا کرده اند صورت مشروح مجلس مؤسسان طبع وتوزیع شود. جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - این مطلب درنظر گرفته شده است وهیچ عیبی هم ندارد صورت اسامی قرائت میشود.به تفصیل ذیل قرائت شد

آقایان: حاجی میرزا اسدالله خان کردستانی - هرمزی - حاجی میرزا آقا فامیلی - حاجی علی اصغر تاجر کرمهٔ - حسین آقایان - عبدالحمید خان سنندجی - غلامرضاخان - یاسائی - میر محمد حسین خان حسابی - میرزامحمد خان معظمی - باقرخوئی - میرزاعلی اکبرخان - ملاعبدالعزیز مفتی میرزا محمد علی خان وکیل اردبیلی - میرزا فرج الله خان بهرامی - میرزا علی خان خطیبي - میرزا محمد علیخان منتصر - حاجی آقا احداهری - روحی- دادگر - لطفعلیخان مجد - میرزا علی اصغر صدر المعالی - میرزا محمد علیخان مافي نظام - حاجی سیف - سید عبد الوهاب رشتی - میرزا باقر خان عظیمي - میرزا صادق خان صادق - شیخ خزعل خان کعبی عامری عزت الله خان بیات - میرزا عبدالحسین نیك پور - آقا سید مرتضی وثوق- میرزا محمد خان - حاجی آقا حسین - حاجی شیخ محمد حسین یزدی-

شیخ محمد علی طهرانی ـ میرزا احمد خان عمار لو ـ حاج آقا جواد طباطبائی
حاج آقا اسمعیل عراقی ـ افلاطون کیخسرو شاهرخ ـ گلستان ـ
سید میرزا علي عمادی ـ جهاد اکبر ـ میرزا رضا خان افشار ـ شاه جهان
خان ـ میرزا موسی خان فتوحی ـ اسمعیل خان قشقائی ـ یحیی خان
اعظمی ـ شیروانی ـ میرزا اسمعیل خان نجومی ـ هدایت الله خان پالیزی
آقا خان آخوند ـ محلوجی ـ میرزا علی اصغر خان حکمت ـ آقا سید ابراهیم
ضیاء ـ شیخ محمد علی ثابت ـ میرزا ابو طالب اسلامیه ـ میرزا اسدالله
خان کردستانی ـ دکتر مهدی خان ملك زاده ـ رئیس العلماء ـ میرزا
یوسفخان عدل ـ آقا سید یعقوب ـ عصر انقلاب ـ غلامحسین خان
بختیاری ـ هاشم ملایری مدنی ـ حاج آقا حسین ـ حاجی سید محمد آقا
مجتهد ـ شیخ آقا استرابادی ـ آقا سید اسمعیل ملایری ـ آقا احمد عبیدی
حسینقلی خان گودرزی ـ حیدر قلی میرزا حشمتی ـ میرزا محمود خان
وحید سعید ـ رهنما ـ خاجی سید محمد باقر دست غیب ـ میرزا فتح الله
خان مشیر ـ شیخ جلال الدین نهاوندی ـ سیف الله خان اسکندری ـ
محمد علی میرزا دولت شاهی ـ دکتر حسین خان بهرامی ـ میرزا
بهاء الدین محلاتی ـ اکبر میرزا مسعود ـ داور ـ هایم ـ غلامحسین
میرزا مسعود ـ میرزا طاهر متولی ـ میرزا مجید خان آهی ـ حاجی محمد
ابریشم کار ـ توتونچی ـ میرزا محمد انشائی ـ میرزا محسن خان نجم آبادی
آقا سید جواد محقق ـ حاجی میرزا علی اکبر ـ آقا زاده ـ حاجی
میرزا احمد لاری ـ نصرة الله خان ـ میرزا یدالله خان ـ میرزا عیسی
خان صدیق ـ سید عبد الله خان امام ـ آقا شیخ جواد ـ آقا سید ابوالفتوح
علوی ـ میرزا یوسف خان مشار ـ آقای طوسی ـ آقا میرزا عبدالوهاب
ملك ـ میرزا مهدی خان زاهدی ـ سهراب خان ـ شیخ محمد علي امام
جمعه شیراز ـ میرزا مهدی خان فاطمی ـ مرتضی خان کشوری ـ
فیض الله خان اعظمی ـ شیخ محمد هادي طاهری ـ ابراهیم سهراب زاده

میرزا علی محمدخان دهقان - ذوالقدر - میرزا محمد دانش - رضا قلی خان هدایت
میرزا حسین خان منشور - بیگلری - نظام خان مستوفی - آقاسید عبدالحسین
صدر - میرزارضا فرشچی - حیدر علی خان بلوچ - ملك التجار شیرازی
تیمور تاش - میرزا عبدالرحیم کاشانی - اسمعیل خان ظفر - آقاشیخ علی -
میرزا عبدالباقی - آقازاده سبزواری - ایرج میرزا - حاجی میرزا مهدی
مجتهد - آقا سید محمد علی شوشتری میرزا محمدعلی خان فاطمی - حاجی میرزا
علی قیصریه - میرزامحمدولی خان اسدی - میرزا رضاخان حکمت - میرزا
حسنعلی گلشن - میرزا آقاخان دیوان بیگی - تدین - صدرائی - میرزا
محمد خان مشایخی - فرج الله خان آصف - میرزا محمد علی خان قوامی -
بادامچی حائری زاده - کاشانچی - نظام الدین خان حکمت - میرزا
جواد خان امامی - میرزا علی بزرگ نیا - محمد ابراهیم خان امیر کلال -
میر سید علی اصغر - حاجی سید محمد اسلامبولچی - میرزا علی اصغر خان
جبار - حسین زاده تبریزی - شیخ بهاءالدین رشتی - میرزا حسین هدایتی -
حاجی مجتهد شیرازی - شیخ اسمعیل رشتی - میرزا علی آقای چایچی -
میرزا علی اکبر نهاوندی - حاجی محمد تقی بنکدار - سلطان احمد خان راد
میرزا علیرضا صدر - حاجی میرزا علی صراف - سلطان محمد خان عامری -
تبریزی - آقاشیخ علی - حاجی میرزا ابوالقاسم کاشانی - حاجی آقا یوسف
ملك - میرزا حسین خان موقر - میرزا جواد خان دهدشتی - سردار
علی خان بلوچ - میرزا سید احمد خان اعتبار - شریعت زاده - دکتر امیر
خان اعلم - خرازی محمد حسین آقا مدنی - آقا احمد زاقی - آقا باقر آقا -
حاجی حسن آقا ملك - احتشام زاده - میرزا فتح الله خان فزونی -
دکتر وارطان دکتر هدایت الله خان فریدی - ضیاء الدین نوری - حاج
شیخ علی خمسه - سید صدرالدین ظهیر الاسلام زاده - دکتر آقایان - حاج
سید مهدی علوی -- کی استوان - علی خان حیدری - حاج میرزا علیرضا قمی
آقاسید حسین بهبهانی - آموزکار - حاجی سید موسی - ذبیح الله خان علی آبادی
میرزا حسین اعتماد - اسمعیل زاده - آقا رضا تجدد - میرزا حسن آیة الله

زادهٔ خراسانی ـ آیة الله زاده شیرازی آقاسید کاظم یزدی ـ آقاسید محمد خان ار جمند ـ آقا رضا مهدوی ـ حاجی میرزا حسین خان فاطمی ـ آقا خان حکیم ـ اسکندر خان مقدم ـ آقا سید علاء الدین بهبهانی ـ میرزا هاشم آشتیانی ـ میرزا عباس مجتهد ـ حاجی میرزا محمود عراقی ـ طباطبائی وکیلی ـ میرزا حسن خان فرهمند ـ شیخ فرج الله ـ حاجی آقا رضا رفیع ـ حاج بقراط ـ میرزا عبدالله خان معتمد ـ محمود رضا مدیر جریدهٔ طلوع ـ آقا علی زارع ـ میرزا محمد خان وکیل کردستانی ـ مرتضی قلیخان بیات ـ میرزا لطف الله خان لیقوانی ـ میرزا حسین خان سمیعی ـ شیخ محمد جواد فرهمند ـ محمد تقی خان اسعد ـ حاج میرزا حبیب الله امین ـ حاج تقی خراسانی ـ علی خان اعظمی ـ حاج میرزا محمد علی قائم مقام التولیه ـ ملک محمد خان ـ شریعتمدار نیشابوری ـ میرزا سید حسن کاشانی ـ سلیم ایزدی ـ میرزا نصرالله خان علی آبادی ـ میرزا حبیب الله خان کمالوند ـ حاج رجب آخوند ـ میرزا حسین خان جلائی ـ میرزا سید حسن خان ممتاز ـ محمد هاشم میرزا افسر ـ تبریزیان ـ حاجی شیخ عبد الرحمن ـ حسینعلی خان فرمند ـ حاج شیخ مرتضی شاهرودی ـ میرزا سید احمد ـ میرزا ابراهیم خان قوام ـ حاجي ميرزا کاظم آقا امامی ـ حاجي شيخ محمد جواد ـ طباطبائی دیبا ـ کیخسرو شاهرخ ـ سلیمان خان اعظمی ـ نقیب زاده ـ آلکساندر خان طومانیانس ـ حاجی اسدالله زوار زاده ـ حاجی شیخ محمد حسن گروسي ـ حاج میرزا ابوالقاسم امین ـ میرزا ضیاء الدین آقا شیخ جعفر ـ غلامعلی میرزا دولتشاهی ـ آقا محمد باقر شاهرودی ـ

رئیس ـ آقای امامی (اجازه)

امامی ـ در ضمن اسامی که خوانده شد آقای حاجی میرزا ابوالقاسم امین خوانده نشد معلوم میشود از قلم افتاده است خوب است اضافه شود ـ

رئیس ـ آقای تدین ـ (اجازه)

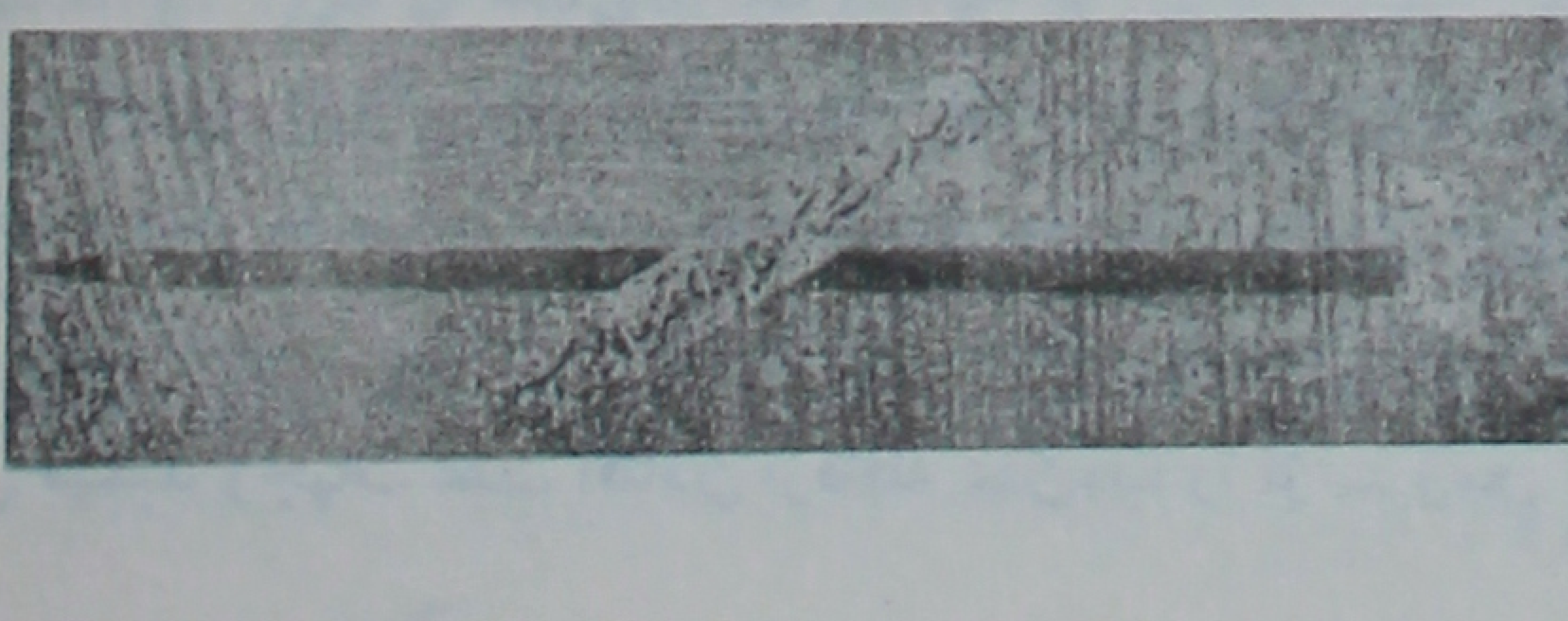
تدین ـ صورت مجلس که تصویب بشود بنده دو کلمه برای خاتمهٔ مجلس عرض دارم .

رئیس - در صورت مجلس با اصلاحاتی که اینجا ذکر شد مخالفی هست ؟
جمعی از نمایندگان - خیر .
یکنفر از نمایندگان - ممتنعین هم خوانده شود.
رئیس - آقای ارباب کیخسرو .
ارباب کیخسرو - بنده اجازه نخواسته بودم.
رئیس - صورت مجلس تصویب شد.
جمعی از نمایندگان - صحیح است .
رئیس - آقای تدین (اجازه)
شیخ الاسلام اصفهانی - دیگر نمیشود حرف زد برای اینکه فردا هم باید جلسه تشکیل شود وصورت مجلس امروز تصویب شود.
یکنفر از نمایندگان - مانعی ندارد
تدین - بنده موقع را مغتنم میشمارم که چند کلمه بعرض آقایان برسانم وهیچ معتقد هم نیستم که این عرایض بنده درصورت مجلس نوشته شود تاضمناً هم نظریهٔ آقای شیخ الاسلام اصفهانی تأمین شود. بنده فقط موقع را مغتنم میشمارم والبته آقایان اجازه میدهند که بنام همهٔ ایشان ازدرگاه حضرت احدیت خداوند قادر متعال تمنا کنم که امروز ببعد اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی را نسبت بخدمت بعالم اسلامیت وایرانیت موفق ومنصوربدارد.
بعضی از نمایندگان - (الهی آمین) وباز استمداد میکنم از اولیای کرام که ابواب سعادت وخیر وصلاح ملت ومملکت ازاین تاریخ بروی سکنهٔ مفتوح شود (نمایندگان - انشاءالله) وازآقای رئیس هم تمنا میکنم که اعلان انحلال مجلس مؤسسان را هم بفرمایند
جمعی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - در این دورهٔ ترقی وتکاملی که دنیا سیر مینماید ملت ایران در تحت تاثیر وفشار مقتضیات وقت قدم بلندی بطرف سعادت خود برداشت (نمایندگان صحیح است) و علت العلل بدبختی خود را ازسر تشخیص داد یعنی فهمید وجهات عقب افتادن ازقافلهٔ تمدن دنیا را از سرزمین تشخیص

داد و دانست که برای تهیهٔ موجبات ترقی و تعالی مملکت اول بایدسررا بلند کرد یعنی باید برای مملکت پادشاهی انتخاب کنند که در فکر اصلاحات و ترقی وسعادت مملکت باشد .

(نمایندگان ـ صحیح است ـ) و برای حصول این مقصود عالی تشکیل مجلس مؤسسان لازم آمد که چهار اصل از قانون اساسی را تغییر بدهد این بود که آقایان محترم از اطراف و اکناف مملکت باسرعتی که تاحال در ایران سابقه نداشته است بسوی مرکز شتافتند که این آرزوی ملی را صورت فعلیت دهند (نمایندگان ـ صحیح است ـ) اصلاحاتی که در این مدت قلیل زمامداری و سرپرستی اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی در مملکت پیدا شده است کافی بود که آرزو و توجهات ملت را بطرف ایشان سوق دهد و اگر آقایان نمایندگان در وقت تشریف فرمائی بطهران امید هائیکه در دل خود داشتند قدری آلوده بنگرانی و دغدغهٔ خاطر بود بحمدالله در موقع مراجعت بادلی پراز شعف و امیدواری بطرف محل خود مراجعت خواهند فرمود زیرا موفق شدند که تاج و تخت مملکت مشروطهٔ ایران را بکسی بسپارند که همه میدانیم ارادهٔ توانای او مصروف بترقی وتعالی مملکت است واین افتخار بزرگرا باخودشان خواهند برد که این خدمت مهمی را که از طرف ملت بآنها محول شده بود موفق شدند که بانجام برسانند لهذا همانطوری که آقایان تشریف‌آوردند و به میمنت وسعادت مجلس مؤسسان تشکیل شد همینطور هم به میمنت انحلال می یابد .

مجلس یك ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد

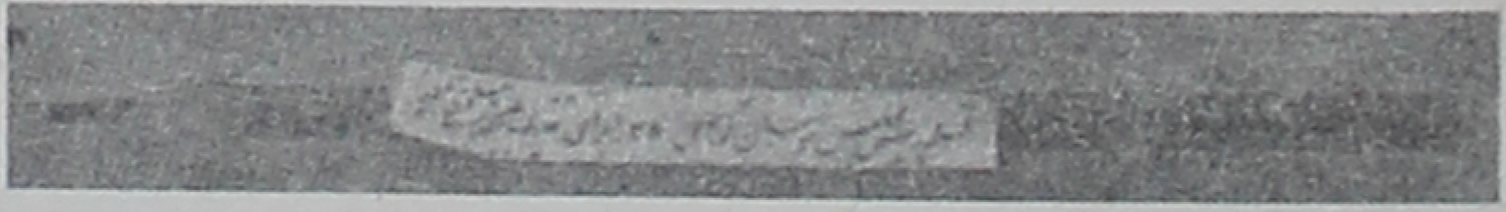


مذاکرات کافی بود و رأی گرفته شد به کفایت مذاکرات و باتفاق تصویب شد کاسهٔ رأی بمیان آمد اوراق رای ریخته شد و پس از استخراج آراء نتیجه را بشکل حلقه و دست بند اتحاد تاریخی که در کتیبه های سنگی تاریخی ایران ملاحظه کرده اید اصول چهارگانه ومادهٔ واحده‌را این قلم تاریخی تحریر و امضا نمود و از دویست‌و هفتاد و دو نفر نماینده‌سه



نفر ممتنع و مواد با اکثریت قریب باتفاق تصویب شد

میبایست فرمانی از طرف مجلس مؤسسان صادر و بموجب نظامنامه چند نفری بحکم قرعه انتخاب و حامل فرمان بوده باشند اشخاص ذیل بقید قرعه انتخاب و روز ۲۲ آذر ماه این قلم فرمان را امضا و بمعیت رئیس



مجلس مؤسسان بحضور (اعلیحضرت شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی) تشرف حاصل نموده واصل (۳۶) متعلق به شخص پادشاه را تقدیم و با عرض تبریك مراجعت نمودند

اجرای اصل ۳۹ قانون

اساسی یامراسم تحلیف:

یامقدمات جلوس

ودیعهٔ ملت باعلیحضرت شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی تفویض شد و

میبایست دراورنك تاریخی ایران جلوس نماید و مطابق اصل ۳۹ متمم قانون اساسي :-

(اصل ۳۹ - هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس نماید مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود و با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید (من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام الله مجید و بدانچه که نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایرانرا نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوندعزشأنه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد میکنم)

- برای روز سه شنبه ۲٤ آذر ماه ۱۳۰٤ شمسی مطابق ۲۳ قوس مطابق ۲۸ جمادی الاول ۱۳٤٤ هجری مطابق ۱۵ نوامبر ۱۹۲۵ میلادی موقع تحلیف تعیین و مراسم تجلیلیه بشرح ذیل تعیین گردید

(پروکرام حرکت اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی به مجلس شورای ملی

اعلامیهٔ وزارت داخله

آئین تشریف فرمائی موکب بندکان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی رضا شاه پهلوی خلدالله ملکه به مجلس شورای ملي برای ادای مراسم تحلیف روز سه شنبه ۲٤ آذر ماه موکب مبارك همایونی دو ساعت بعد از ظهر از قصر کلستان بترتیب ذیل تشریف فرمای مجلس شورای ملی میشوند .

(۱ ــ خط عبور)

موکب همایونی از خیابان باب همایون ــ میدان سپه ــ خیابان شاه آباد میدان بهارستان ــ بمجلس شورای ملی نزول اجلال می فرمایند

(۲ ــ ترتیب حرکت موکب مبارك)

۱ ــ روز سه شنبه ۲۴ آذرماه یك ساعت بعد از ظهر به ترتیبی که وزارت جنك معین می کند قوای نظامی در معبر موکب همایونی از در قصر گلستان تا در مجلس شورای ملی از دو طرف خواهند ایستاد و گارد مخصوص وشاگردان ارشد مدارس نظام در باغ و داخل عمارت مجلس صف خواهند کشید (موکب مسعود بترتیب ذیل حرکت خواهند فرمود)



آژان سواره	۵۰ نفر
امنیه	۲۰ نفر
سوار نیزه دار	۱۰۰ نفر

یساولان سلطنتی

میراخور سوار اسب مخصوص

کالسکهٔ سلطنتی

با شش اسب

امیر لشگر عبد الله خان امیر طهماسب معاون وزارت جنگ

سرتیپ امان الله میرزا رئیس ارکان حرب کل قشون

سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه فرمانده لشکر مرکز

امیر لشکر احمد آقا خان احمدی رئیس امنیه

امیرلشگر محمد خان امیرلشگرعلی آقاخان نقدی

امیر لشکر خدا یار خان با بیرق سلطنتی

۱ — سرهنگ کریم آقا خان بوزرجمهری ۲ — سرهنك محمد خان درگاهی

کفیل بلدیه رئیس نظمیه

گارد ۱۰۰ نفر

۲ — دو ساعت بعد از ظهر موکب مبارك همایونی بترتیب فوق بطرف مجلس شورای ملی حرکت خواهند فرمود

در موقع سوار شدن یك تیر توپ — و در ورود بمجلس شورای ملی یك تیر توپ شلیك خواهد شد

۳ — در موقع ورود موکب مبارك به باغ مجلس فقط حامل بیرق سلطنتی سواره در عقب کالسکه وارد باغ میشود

٤ — ترتیب داخلی مجلس شورای ملی مطابق دستوری خواهد بود که از طرف ریاست مجلس مقرر می گردد

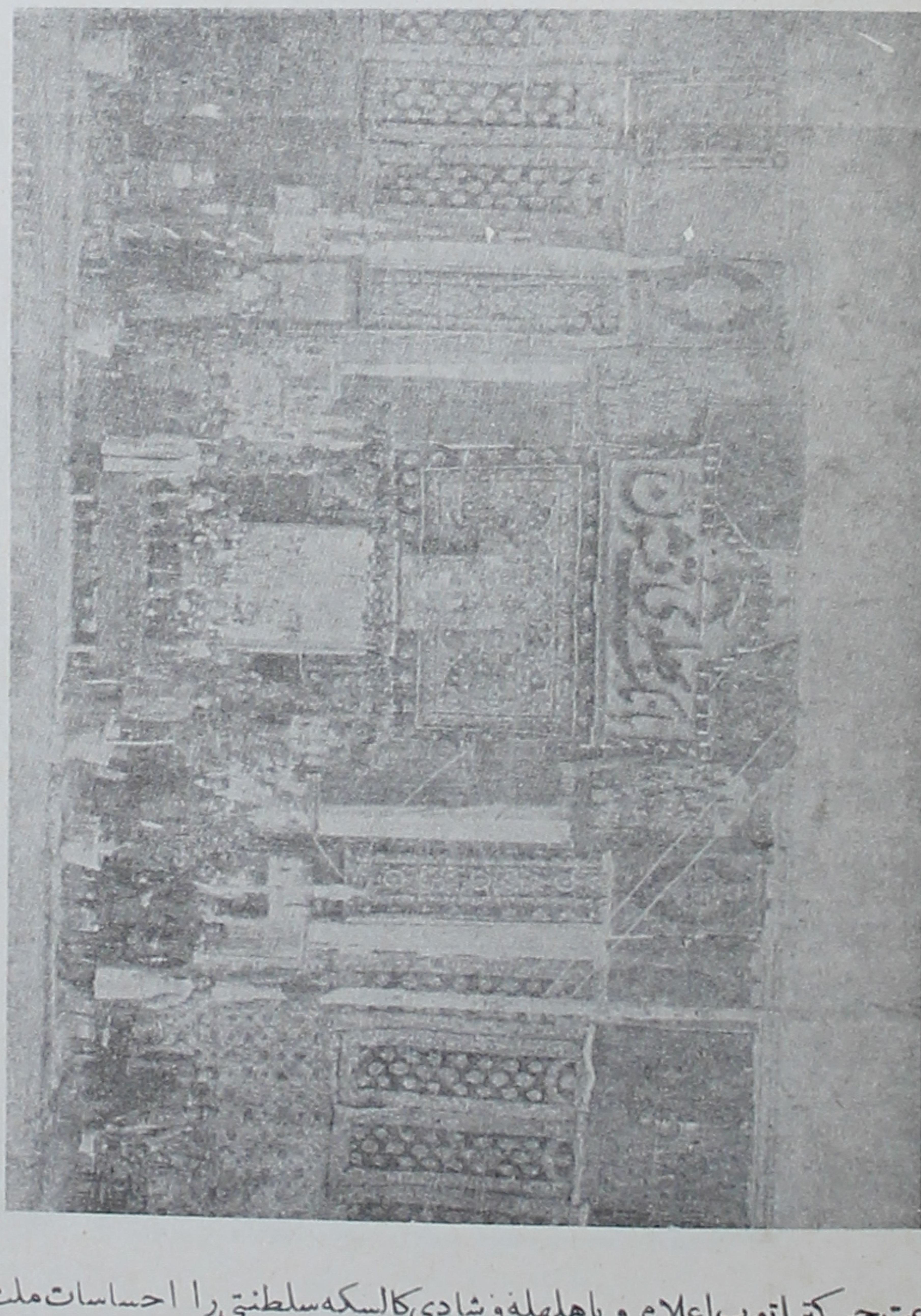
۵ — در موقع ادای مراسم تحلیف چهارده تیر توپ شلیك خواهد شد

۶ — موکب همایونی در موقع مراجعت بترتیبی که تشریف فرما شده بودند حرکت خواهند فرمود

هنگام خروج از مجلس یك تیر توپ و در موقع ورود بقصر گلستان یك تیر توپ دیگر شلیك خواهد شد

وزیر داخله شکر الله

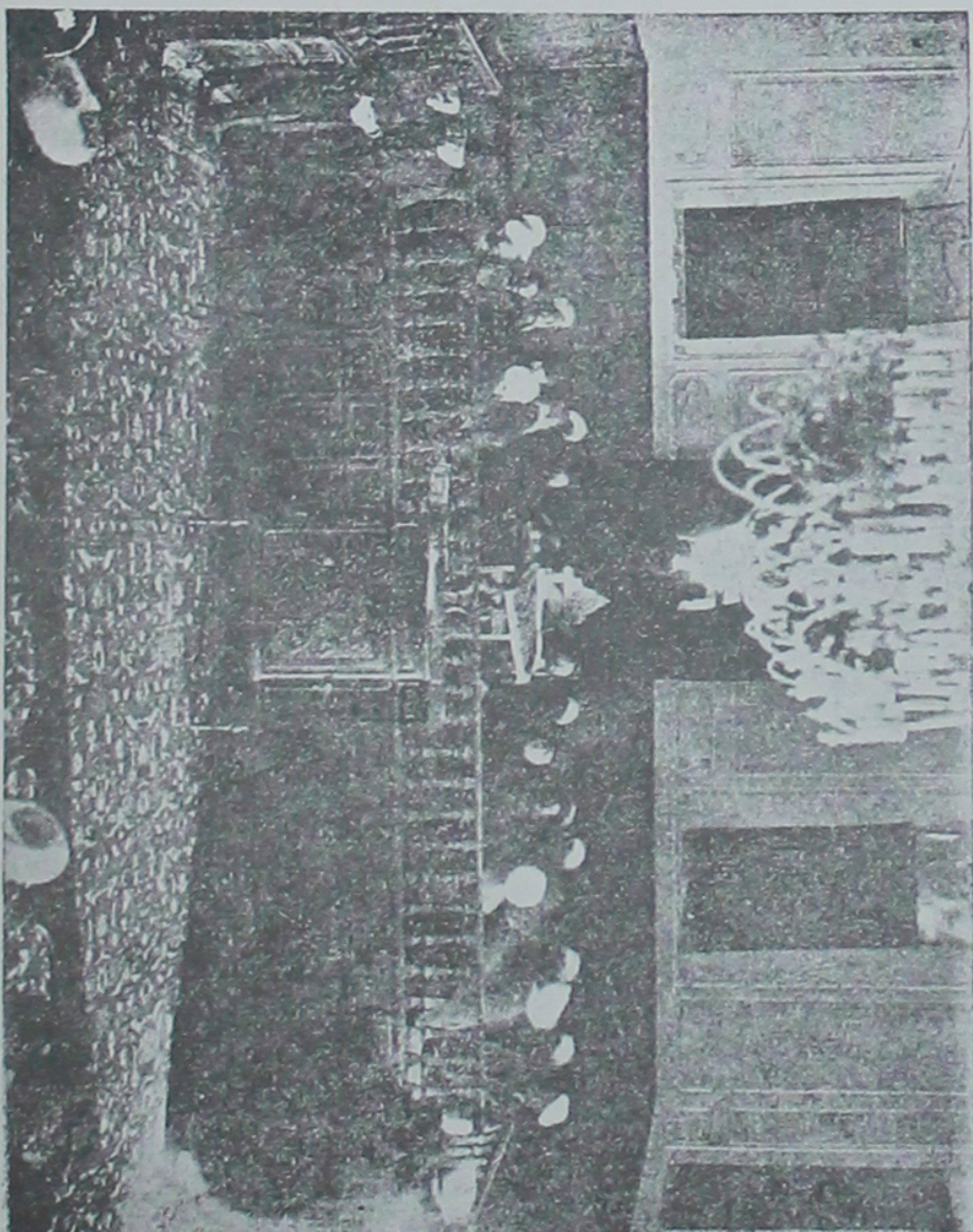
در خط سیر موکب اعلیحضرت احساسات آئین بندی نمود و تجلیات سرشار روحیات ملی در هر چند قدم طاق نصرت زد



(تزئین و آئین بندی در بانک پهلوی)

ساعت حرکت را توپ اعلام و با هلهله و شادی کالسکه سلطنتی را احساسات ملت استقبال و دو ساعت از ظهر گذشته بود که کالسکهٔ شش اسبه با بیرق سلطنتی وارد بهارستان گردید. تمام نمایندگان مجلس مؤسسان و وکلا و نمایندگان خارجه و طبقات

مختلفه هر یك درجایگاه مخصوص و لژهای معینهٔ خود جا گرفتند و صندلی سلطنتی با میز و سینی مخصوص و دوات و قلم و کلام الله (قرآن مجید) و قسم نامه در روی میز گذاشته شد و علماء و هیئت روحانی در اطراف صندلی حلقه زدند و منتظر ورود اعلیحضرت گردیدند



﴿پارلمان در حال انتظار . با منظرهٔ داخلی مجلس شورای ملی قبل از سوگند﴾

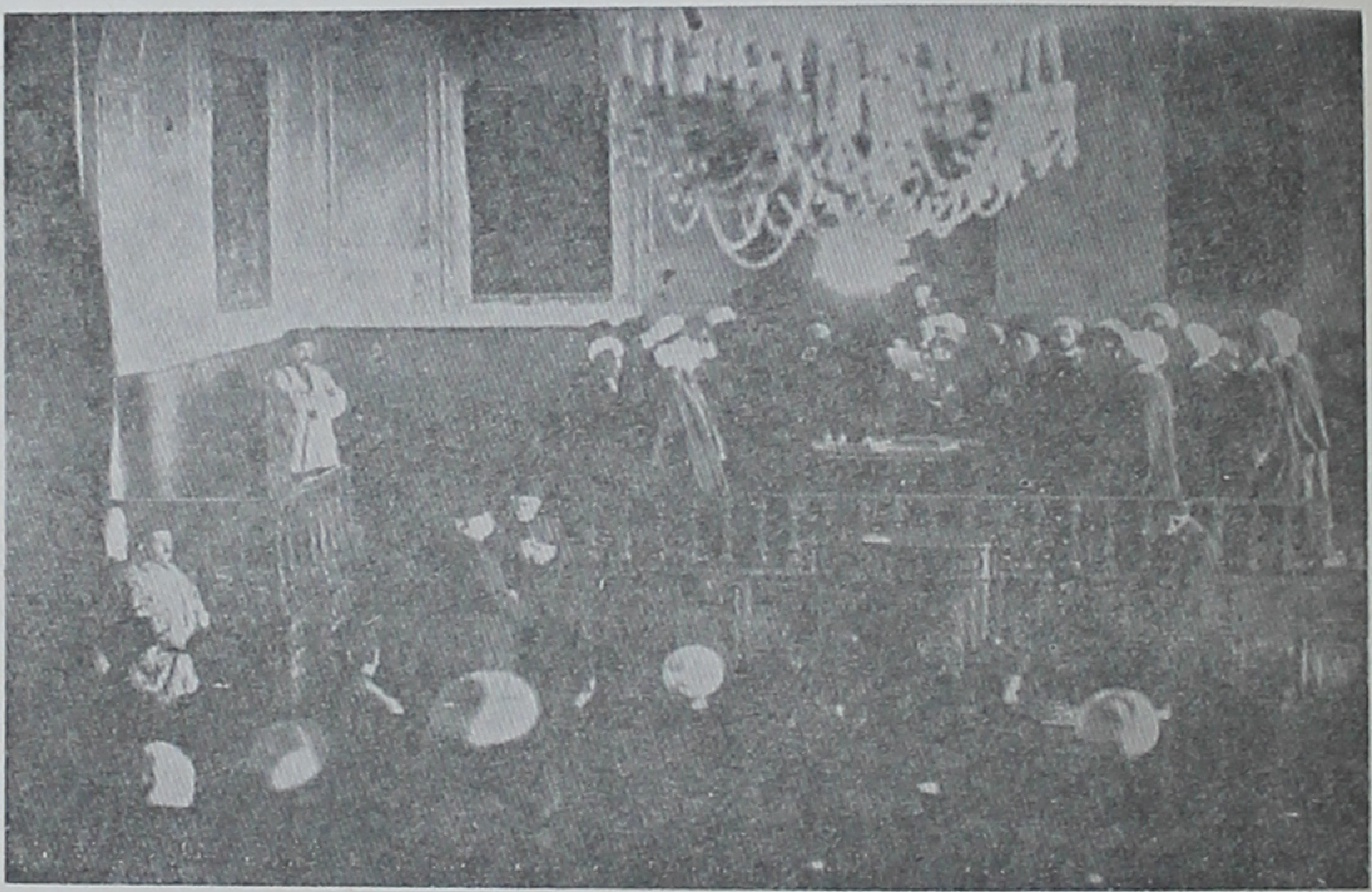
در ساعت مزبور اعلیحضرت وارد اطاق استراحت گردیده و پس از ده دقیقه وارد طالار رسمی یا مجلس شورای ملی شد

پس از روزگار درازی جهان
چگویم که را بود تخت مهان
در ایران کسی را نبد تخت و تاج
زشاهین یکی صعوه می برد باج
بگیتی بهر گوشهٔ بر یکی
گرفته ز هر کشوری اندکی
چه بر تختشان شاد بنشاندند
ملوك طوایف همی خواندند
بدینگونه بگذشت سال هفت بیست
توگوئی در ایران زمین شاه نیست
گرانمایه شاهنشه پهلوی
که از فرّ وی یافت ایران نوی
برآمد براین تخت باکرّ و فر
زمانه گذارد ورا تاج سر (*)



(*)جهانی بر آسود از داوری
بفرمان او دیو مرغ و پری
جهان را فزوده بدو آب روی
فروزان شده تخت شاهی بدوی
منم گفت با فرّه ایزدی
همم شهریاریّ و هم مؤبدی
بدان را ز بد دست کوته کنم
روان را سوی روشنی ره کنم
نخست آلت جنگ را دست برد
در نام جستن بگردان سپرد
ز ایران برانداخت اهنو خوشی
همان دست ورزان بر سر کشی
کجا کارشان همکنان پیشه بود
روانشان همیشه پر اندیشه بود

جهان انجمن شد بر تخت اوی — ازآن بر شده فرّه بخت اوی — بزرگان بشادی بیاراستند — مي و رود و رامشگران خواستند
یکی تخت پر مایه کرده بپای — براو بر نشسته جهان کدخدای — نشسته برآن تخت شه پهلوی — بچنگ اندران جام می خسروی
بفرمانش مردم نهاده دو گوش — ز رامش جهان پر زآوای نوش



(شاهنشاه ایران در حضور نمایندگان مجلس شورای ملی قسم یاد میکنند)

سوگند خورده شد وقسم نامه امضاء گردید اعلیحضرت دربرابر کتاب آسمانی زانو زد وبایك قیافهٔ صمیمی وجدی ومتواضع قرآن را بوسید و دو دستی ازروی میز گرفت وتابالای سر خود برد ودوباره بوسید و روی میز گذاشت واز طالار خارج گردید

☆☆☆

(جلوس در اورنك شاهنشاهی)

تمام مقدمات جلوس فراهم وبکتاب مقدس پروردگار قسم یادشد و پاسبان مملکت و حارس و حافظ نوامیس اسلام و مسلمین لازم بود که در تخت پادشاهی جلوس و سلام رسمی بعمل آید این بود برای روز چهار شنبه (۲۵) آذرماه ۱۳۰٤ اعلیحضرت شاهنشاه ایران (رضاشاه پهلوی) در تخت مرمر جلوس وخطابهٔ شاهانه را ایراد نمودند

(نطق یا خطابهٔ شاهانه در موقع جلوس در تخت مرمر)

دراینموقع که بحول و قوهٔ الهی بر تخت سلطنت ایران که ازطرف ملت بمن تفویض شده است جلوس میکنم لازم میدانم که ارادهٔ خودم‌را به همه اعلام نمایم که بدانند تمام مجاهدات وکوشش من درآتیه مثل گذشته معطوف سپردادن وطن‌عزیز بطرف ترقی وتعالی خواهد بود وامیدواریم که‌خداوند دراین نیت من را موفق بدارد

شرفیابی نمایندگان خارجه کور دیپلماتیک

(شیخ السفراء)

نطق شیخ‌السفراء ــ سفیر انگلیس در پایهٔ سریر شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی

در این موقع مسرت بخش مهم بلانهایه خوشوقت و مفتخر است که مترجم تبریکات قلبیهٔ مودت آمیزیکه هیئت نمایندگان سیاسی مجتمع در این نقطه مایلند تقدیم حضور مقدس اعلیحضرت همایونی نمایند گردیده جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت اقدس شهریاری بتخت سلطنت سه هزارساله ایران که در نتیجهٔ تظاهر ارادهٔ ملت بوسیله آراء نمایندگان وي در مجلس مؤسسان صورت گرفت مرحلهٔ مهمی در تاریخ باستاني و مفخرت آمیز ملت نجیبي میباشد که مزایای اخلاقي و صفات جهان نوازی وی معروف خاطر همگی است این مرحلهٔ مهم صفحهٔ جدیدی در تاریخ ایران باز کرده و حاکي از طلوع عصر نوین و مشعشعی در حیات‌مملکت باستانی و برای ملت آن میباشد اینك مشاهده مینمائیم که در نتیجهٔ قبول زمام مهام حکومت و تقبل بار سنگین مسؤلیت ازطرف اعلیحضرت اقدس شهریاری تمایلات شدیدی برای احراز آتیهٔ درخشان و آنچه که موجب ترقی و سعادت ملي است ابراز میدارد با نهایت افتخار از طرف نمایندگان محترمی که دراینجا شرف حضور دارند و همچنین شخصا آرزو مینمائیم که آن اعلیحضرت اقدس شهریاری سالیان دراز براي انجام

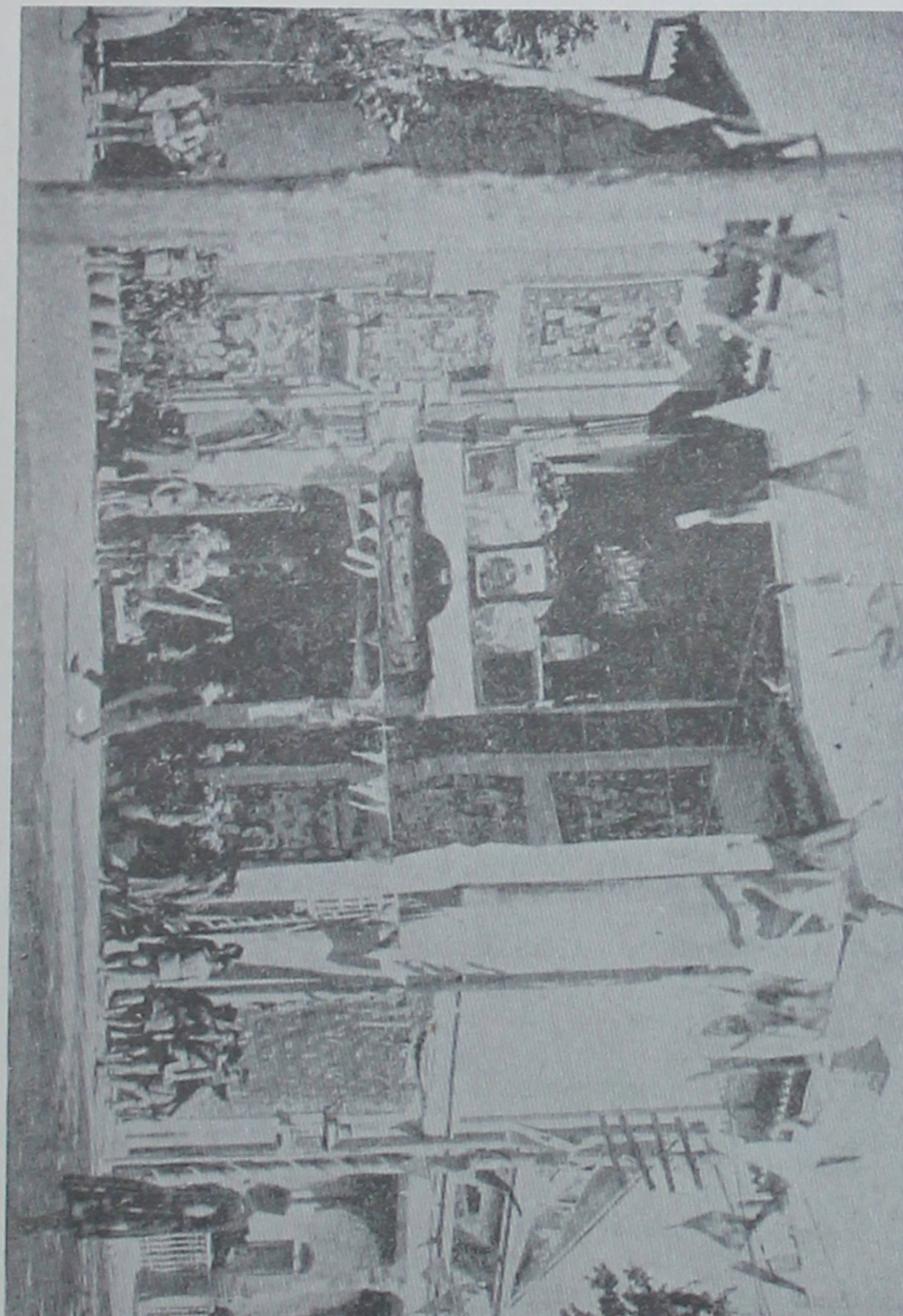
وظیفه مهمی که عهده دار شده اند و برای حفظ نیکنامی و حیثیت مملکت وتامین سعادت ایران و تهیهٔ موجبات رفاه و ترقی ملتی که آن اعلیحضرت اقدس را بسمت سلطنت برگزیده است بر اریکهٔ سلطنت مستقر بوده و یك دورهٔ طولانی با شکوه و عظمت و خیریت اثر براي آن اعلیحضرت مسئلت مینمائیم وامیدواریم که مجاهدات دائمی اعلیحضرت شهریاری برای اصلاح حال ملت ایران بوسیلهٔ قدر دانی و محبت ابنی هریك از افراد ماجور گردد امید است همواره آن اعلیحضرت بتوفیقات ربانی مؤید و مستظهر باشند

سفیر دولت انگلیس بر حسب مقررات معموله دیپلماسی بعنوان حائز بودن مقام شیخ السفرائی نطق فوق را ایراد کرد و اعلیحضرت شاهنشاه در جواب چنین اظهار نمودند

(جواب شاهانه)

(آقای وزیر مختار بیانات فصیح که بمناسبت جلوس ما بتخت سلطنت از طرف خود و بنام هیئت نمایندگان سیاسی ایراد نمودید موجب نهایت مسرت گردید و خوشوقتیم در این روز تاریخی که ملت ایران بساط جشن و شادی گسترده است هیئت نمایندگان سیاسی خاطر همایون مارا از ملاقات خود قرین مسرت ساخته اند بطوریکه اظهار داشتید اطمینان داریم آرزوی ملت ایران که بوسیله آراء مجلس مؤسسان صورت خارجی پیدا کرد حاکی از طلوع عصر جدیدی در مملکت ما میباشد و برای این مقصود بار سنگین مسؤلیت و مقدرات مملکت را در دست گرفتیم که اصلاحات لازمه را که ایران نهایت احتیاج را بانها دارد در مملکت خود بنمائیم و یقین کامل داریم که دول معظمهٔ متحابه در انجام این وظیفهٔ مشکل با ما معاضدت خواهند نمود در این موقع اطمینان میدهیم که نهایت اشتیاق را بحفظ استقرار روابط ومناسبات حسنه با کلیهٔ ممالك ومخصوصاً با ممالکی که نمایندگان محترم آنها در اینجا حاضرند داریم از خداوند متعال مسئلت مینمائیم که ما را در انجام وظیفهٔ مهمی که عهده دار شده ایم مؤید و منصور دارد

﴿ جشن وچراغانی ﴾



طهران و تمام نقاط ایران دوباره تزیین گردید وجشن وچراغانی ازسرنو شروع شد و عواطف و احساسات سرکشید و تمام دوایر دولتی ومؤسسات ملی وخیابانها وکوچه ها و بازار ودکاکین بنای آئین بندی راگذاشتند و سه شبانه روز تعطیل عمومی وجشن وشادمانی بود.



(سر در میدان سپه درحال تزیین)

درمجلس سلام ازخاص وعام پذیرائی شد و تمام طبقات ووجوه بآستان شاهنشاه ایران عرض تبریك گفتند و روحاً پیش‌آمد را استقبال وبا شادکامی ایام‌جشن وسرورخاتمه‌پذیرفت وایرانیان بفکر روز نو وروزگار نوین افتادند وشروع بتحولات‌عقلی واجتماعی نمودند چه آنکه ایرانیان متفکررا اعتقاد براین بود که حکومت قاجاریه مساوی باروزگار نکبت وبد بختی است واحمد شاه فاقد عزم‌واراده‌تکیه بعصای عیاشی نموده‌ودرمقابل اعتراض ملت منقصت را ازقانون اساسی معرفی مینمود که اورا غیر مسؤل قرار داده و نمیتواند بسیاهی و سفیدی دست بزند! ولی این اعتذار زیادتر از اقرار بعدم لیاقت خود چیز دیگری درانظار خاص وعام جلوه‌نمیکرد وافکار را باین نکته جلب مینمود که بجز زوال سلسلهٔ قاجاریه دردایران را درمانی نیست چه آنکه عموماً قانون اساسی‌را مفید ویگانه سپر مدافعهٔ حوادث می دانستند وازمطالعهٔ مباحث

گذشته و آینده این تاریخ اسرار مستوره دربین ملت ودربار قاجاریه‌را مکشوف واسناد تاریخی حقایق مرموزه را بتمام معنی آشکار خواهد کرد واین مسئله‌را جلوه خواهد داد که عالم اسلامیت و ایرانیت یگانه مایهٔ بدبختی خودرا فقط سلطنت سلسلهٔ قاجاریه تشخیص داده بودند وچون مانع‌را ازبین برداشته‌اند اینک بطرف دورهٔ دیگری سیرمینمایند وازملاحظهٔ اسناد آتیه این حقیقت روشن خواهد گردید

«تاثیرات جلوس در عالم اسلامیت»
«و روحانیت ـ اسناد و تلگرافات»
«تبریك و تهنیت ـ حسن اداره»
«روابط سیاست داخلی و خارجی»

﴿ شاهنشاهی اعلیحضرت پهلوی و عالم روحانیت ﴾

﴿ تلگراف از نجف ﴾

طهران ـ نمرهٔ ۸۲۸ تاریخ ماه ۱۲ ـ ۱۹۲۵

حضور مبارك اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران خدالله ملکه و سلطانه تبریك سلطنت تقدیم امید است بظهور ولي عصر متصل شود

(جواد ـ صاحب جواهر)

(تلگراف از نجف)

طهران ـ نمره ۱۲۳۹ تاریخ ۳۰ ماه ۱۲ ـ ۱۹۲۵

وزارت امور خارجه ـ حضور مبارك پادشاه اسلام پناه پهلوی ایدالله نصره دوام این دولت قویشوکت را برای تشیید ملت وحفظ استقلال مملکت و بسط معدلت وموجبات ترفیه حال رعیت مسئلت وجلوس میمنت مأنوس را تهنیت تقدیم

(الاحقر ابوالحسن موسوی)

(تلگراف از نجف)

طهران ـ نمره ۸۲۹ تاریخ ۱۹ ماه ۱۲ ـ ۱۹۲۵

توسط حضرت حجة الاسلام آقاي بحرالعلوم ـ تبریك جلوس و تاجگذاری

اعلیحضرت قدر قدرت‌را صمیمانه تقدیم وتائیدات شاهنشاهی درتشیید ارکان دین‌مبین از حجة عصر خواستارم (ضیاء الدین عراقی)

(از نجف)

(تبریك كتبی حجة الاسلام آیةالله آقا ضیاء الدین عراقی)

بعرض اعلیحضرت قدر قدرت همایونی خلدالله ملکه میرساند ـ اول وقتی که بشارت جلوس میمنت مأنوس رسید فوری تلگراف تبریك مستقیماً تقدیم شد اینك سدۀ سینه را مزاحم است امروز که بحمدالله تعالی وحسن تائیده سلطنت ممالك اسلامیه مفوض بذات مقدس ملوکانه است رجاء واثق آنکه آمال وآرزو هائیکه ازقدیم زمان داشتم ازتقویت ملت وتشیید دین مبین واعانۀ مظلومین واغاثۀ ملهوفین و رعایت رعیت وبسط معدلت وامنیت وامر بمعروف ونهی ازمنکر وغیرها دراین عهد سعید کاملاً صورت پذیر وبر واضح است که حضرت احدیت عز اسمه با این نیت حسنه مساعد یابند وامام زمان ارواحنا له الفداه هم تقویت شوکت‌را خواهند فرمود درخاتمه اتصال دولت ابدمدت را به دولت‌حقه صمیمانه در خواست ومسئلت می نماید (الاحقر ضیاء الدین العراقی)

(تلگراف از نجف)

طهران ـ نمره ۹۸۷۲ تاریخ ۲۱ ماه ۱۲ ـ ۱۹۲۵

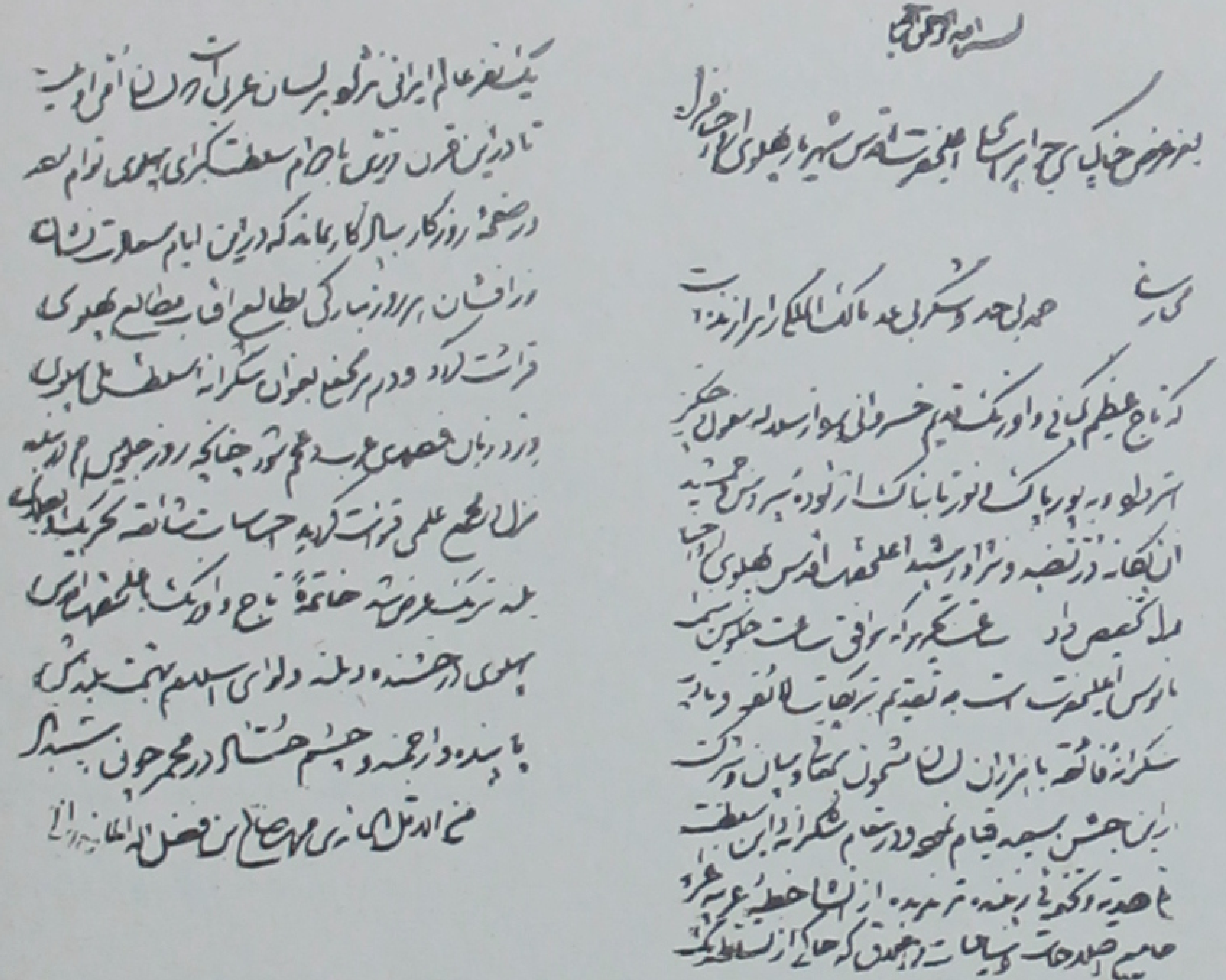
پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی خلد الله ملکه ـ تبریکات صادقانه دعوات صمیمانه را تقدیم مینماید (داعی محسن علاء المحدثین)

﴿ تلگراف از نجف ﴾

طهران نمرۀ ۰۷۶۹ تاریخ ۲۸ ـ ماه ۱۲ ـ ۱۹۲۵

حضور مبارك اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه جلوس میمنت مأنوس را بایك دنیا مسرت تهنیت تقدیم دوام دولت را مسئلت مینمایم

(داعی مهدی خراسانی)



بسم الله الرحمن الرحيم

بعزّ عرض خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت اقدس شهریار پهلوی ارواحنا فداه می رساند .

حمد بی حد و شکر بی عد مالك الملکی را برازنده است که تاج عظیم کیانی و اورنك قدیم خسروانی را از سلاله مغول و چنگیز استرداد و به پور پاك و نور تابناك از تودهٔ سیروس و جمشید آن یکانه در نفید و نژاد رشید اعلیحضرت اقدس پهلوی ارواحنا فداه تخصیص داد ساعت تحریر که موافق ساعت جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت است به تقدیم تبریکات لائقه و تأدیهٔ شکرانهٔ فائقه با هزاران لسان مشحون بمعانی و بیان و شرکت در این جشن سعید قیام نموده و در مقام شکرانهٔ این سلطنت ملی هدیه و تحفه ئی زیبنده تر ندیده از انشاء خطبهٔ عربیهٔ غرا جامع اصلاحات و سیاسات و اخلاق که حاکي از تسلط یك نفر عالم ایراني نژاد بر لسان عربی است که لسان مُحی اونیست تا در این قرن زرین با دوام سلطنت کبرای پهلوی توام بوده و در صفحهٔ روزکار بیادگار بماند

که در این ایام سعادت نشان زر افشان هر روز مبارکي به طالع آفتاب مطالع پهلوی قرائت گردد و در هر محفلی بعنوان شکرانهٔ سلطنت ملی پهلوی ورد زبان فضلای عرب و عجم شود چنانچه روز جلوس هم در بنده منزل در مجمع علمی قرائت گردید احساسات شائقه تحریك و بصدای بلند تبریك عرض شد خاتمه تاج و اورنك اعلیحضرت اقدس پهلوی درخشنده و بلند و لوای اسلام بهمت بلندش پاینده و ارجمند وچشم حساد درمجمر چون سپند باد من الاقل الحائری محمّد صالح ابن فضل الله مازندرانی

﴿ لایحهٔ تبریکیه ﴾

بسم الله الرحمن الرحیم

خطبهٔ جشن ملت اسلام و شکرانهٔ از طلوع سلطنت پهلوی و تاجگذاری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه پهلوی رضا شاه ارواحنا فداه که خادم الشریعة الطاهره محمّد صالح ابن فضل الله الحائری المازندرانی روز تاجگذاري در بارفروش انشاء نموده و بعرض ملوکانه میرساند ۲۵ آذر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله سلطان سلاطین البرایا و مالك الملوك والرعایا و العادل فی محکمة القضایا الذی جعل جعل الهدی افضل الهدایا و جعل الاسلام اکمل النحل و اجزل العطایا العالم باسرار نظم الملك ونظام الملکوت والخفایا والمحیط بضمائر القلوب و سرائر الغیوب والخبایا و فاتح البلاد بالجنود و السرایا و مانح المجاهدین من الانفال والغنائم والصفایا الذی جعل المسلمین احراراً یسترقون الکفرة عبید او سبایا و انزل علي اصناف المشرکین اجناس الخزی و انواع البلایا وکسر من الجبابرة القاجاریة اصعب جبال الثنایا وقلع من اعیان احبّهم العیون و الثیایا و کسر علی عرانین الاکاسرة منهم ومن غیرهم عصی الادب و قسی العرب حتی جعلها شظایا وشرّف العجم بشهادته في حقهم بانهم یتناولون الدین علی الثریا اذا لم تبق من العرب بقایا نحمده

على ما الهمنا من استرداد تاج الكيان من غير اهله المنتسبين الى المغول والتركمان سلالة الفجرة و البغايا و نشكره على تسليم الامر الى الملك العادل القوى الامين على مهمّات المملكة و ملمات المعركة و مدلهمات المهلكة لحفظ النفوس من البلايا و صيانة الافكار من الخطايا وتقصير ايدى الاجانب عن الاذايا و تعليم الاحرار المجاهدين قواعد الحرب لحمل قوائم الرزايا و تربية النفوس فى حفظ استقلال الملك باستقبال وجوه المنايا و الصلوة الجامعة لجميع التهانى والتحايا فى جميع الغدوات و الاصال و العشايا على صفي الصفايا و وصى الوصايا و اظهر المظاهر و ازهر المرايا و الحائز لمكارم الشيم ومحاسن السجايا (محمد خاتم الانبياء وسيد الرعايا) وعلى اله المضطلعين باعباء الخلافة بالاضلاع و الحوايا و لعنة الله على اعدئهم اولاد البغايا و ابناء الدعايا ما سارت الى البيت العتيق المطايا ودارت عليها الهوادج والروايا

اما بعد فان بقاء الاسلام ببقاء ملكه و عدالة ملوكه و سياسة سلطانه في سلوكه و المساواه بين مالكه و مملوكه و المواساة بين غنه و صعلوكه و تقوية ضعيفه و منهوكه و تغطية معيبه و مهتوكه و تنهيج مسالكه و شوارعه و سكوكه و ترويج محكوكه و مسكوكه و استخراج معدنه من مطبوعه و مسبوكه و الاستقلال فى ملبوسه و منسوجه و محبوكه و تعديل افعاله و تروكه و تعاهد مهجوره و متروكه و ادارة المدارس العاليه و انارة العقائد الصافيه و اقامة ادارات الصنائع لاكتشاف الغرائب و البدائع الاوان قوام الدين و الملك قائم بدولة بالعدل مشروطة قوائمها بقواعده مضبوطة و معالمها بضوابطه مبسوطة و دعائمها بوسائله منوطة و غنائمها بعوائده مربوطة تنطق مدارسها بعلومه و عقائده و تسبق بمجالسها برسومه و فوائده ولقد من الله على هذه الملة الغراء التى هى عين الملل والدولة العلياء التي هى زين الدول بملك عادل ارتضاه الملة فهو عين الرضا واسست له السلطنة الموروثة المؤيدة البهلويه و توجبه يد القضا و هو مفخر سلاطين العجم و خير الملوك المرضى السيرة والسلوك الذى بايعه الحر والمملوك و تابعه الغنى والصعلوك

غرة ناصية الاسلام و قرة باصرة امام العصر عليه السلام حامي الكتاب و السنن محمود الطريقة و السنن سلطان الشيعة وحامی حمی الشريعة ملك العجم وفلك الشهامة و الكرم (السلطان رضاشاه البهلوى خلدالله ملكه وسلطانه) فقد جلس مجلس جمشيد و في سرير سيروس اسعد جلوس فى اليوم الخامس و العشرين من ازر من برج قوس الصعود المظفر فالبسه الله تاج الكرامه و كلله باكليل البهاء و الشهامة و نصب له كرسى العدل و الاستقامة ليحفظ بذلك بقائه و يمنع زواله اذالعدل سجية ابقت على كل ذى ملك ملكه و اجرت فى بحرالظفر فلكه و نظم في نظام الارتقاء سلكه وحسبك مثلا واحداً على حسن العدل شاهداً قصة (تُبّعْ) اعظم ملوك حمير حيث اضمر هدم الكعبة و تخريبها و محو صورة الاسلام و تركيبها فانقلعت عيناه وسالتا على خديه فلما اضمر العدل و نصرة الاهل عادت عيناه الي محلمها فكسى الكعبة بالاستار الفاخرة و الحلل الباهره فكذلك سلسلة القاجار اولئك الخونة الاشرار لما استمرو اعلى الجور و العناد و استقروا على الجهل و الفساد انقرضوا و زالو او انتقضوا فالتجأ الملة الى الملك الامين الرضى المكين لما امتحنوه بنظم الجنود و رفع البنود و فتح البلاد و قلع اصول الفساد من الخوزستان و الديلمان و اللرستان و الخراسان و التركمان فالحمد لله على ما بلغنا من امالنا فيه و في نسله من السلطنة و التاج الموروث فيهم باصله حمد الاانقطاع له ولاانفصام فخلدالله سلطانه و اوضح برهانه انشاء الاقل الحائرى محمّد صالح بن فضل الله المازندرانى

❋ تلگراف از کراچی ❋

طهران نمرۀ ٤١ ـ تاریخ ١٢ ماه ١٢ـ١٩٢٥

ارباب کیخسرو شاهرخ انجمن زرتشتیان کراچی باکمال فدویت از جلوس اعلیحضرت اقدس رضاشاه پهلوی به تخت کهن ایران تبریکات چاکرانه تقدیم نموده از خدای قادر متعال نصرت و طول عمر اقدسشان راخواستاریم تا ایران بعظمت دیرینۀ خود برسد (جمشید جي شاپورچی رئیس انجمن)

﴿ تلگراف از اسلامبول ﴾

طهران نمرهٔ ۸ تاریخ ۲۳-۱۲-۱۹۲۵

اعلیحضرت پهلوی آرایش یافتن لباس سلطنت را باندام رسای پهلوی تبریک گفته توفیق اعلیحضرترا از درگاه ایزدی خواهانیم (انجمن ایرانیان)



لیوم انجزت الآمال ما وعدا و کوکب المجد من افق العلی صعدا

السلطان رضا شاه پهلوی

﴿ تبریک نامهٔ اهالي طبرستان ﴾

هزاران تلگراف تبریک از داخله و خارجه بآستان شاهنشاهی ایران رسیدو حسیات صمیمانه نثار و تمام ملت ایران جلوس را بمیمنت حال و استقبال و برای سعادت مملکت بفال نیک گرفتند و ما بملاحظه اختصار از درج آنها صرف نظر نموده و توجهات خودرا معطوف اسناد سیاست خارجی می نمائیم و از ملاحظهٔ

اسناد معلوم خواهد شد که روابط سیاسی در روی چه پایهٔ گذاشته شده ؟ و چگونه تمام دول تصمیم مجلس مؤسسان را محترمانه با حسن نظر تلقی کرده ؟ و از این تحولات تاریخی چه اندازه موقعیت ایران را تقدیر و بعقاید و افکار اهمیت داده اند ؟ اینك اسناد رسمی را گراور نموده و مدلول آنها را ذیلا ترجمه و ثبت می نمائیم

پس از رای مجلس مؤسسان و تفویض سلطنت باعلیحضرت (شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی) بر حسب مقررات رسمی وزارت امور خارجه مراتب را متحد المال بتمام سفارت خانه های مقیم دربار ایران اعلام نمود و موقعیت و چگونگی روابط خارجی وبین الدولی سلطنت جدید ایران محول برد و قبول دول گردید و از این رو جریان سیاست خارجی معلق و موکول به جواب های مساعد دول دیگر خواهد بود اینك چگونگی آنرا ذیلاً ملاحظه خواهید کرد:-

و اگر جملات اسناد سیاسی کاملاً مورد دقت قرار داده شود روی هم رفته یك نکتهٔ قابل توجهی استنباط می گردد و عبارت ازاین خواهد بود که تمام دول مقتدره از سکونت و خمود یکصدو پنجاه سالهٔ ایران دچار بسی اندیشه ها گردیده و خیال می کردند که ملت ایران مردهٔ متحرك و یا انسان های قضا و قدر بوده و در سرزمین آنان از حس و اراده و عقل تدبیر دانهٔ نمی روید ! چه آنکه درظرف این مدت در تمام عالم تحولات و تغییرات عجیب و غریبی ظهور کرد و تمام ملل در تقدیر و تعیین سر نوشت خود قدمهای مخصوصی بر داشتند غیر از ملت ایران که برغم ترقیات حیرت انگیز دنیای بشر بقهقرا بر گشته و میرفتند که از لوح هستي و وجود نیز محو وفراموش گردند و حالا که این نهضت شروع شده و قوای مکنونه را دارد بروز و ظهور می دهد توجهات دول را جلب و در اسناد سیاسی مخصوصاً باین نکته اهمیت مخصوص میدهند و البته این نکات در موقع مطالعه بخوبی معلوم خواهد گردید

British Legation,

Tehran,

December 15th, 1925.

Monsieur le Ministre,

I had the honour to inform Your Excellency by my Note No. 307 of December 14th that I had communicated to my Government the substance of your Note No. 15297 Azar 22 1304 (December 13th 1925) in which you were so good as to inform me that the Constituent Assembly had entrusted the constitutional sovereignty of Persia to His Imperial Majesty Reza Shah Pahlevi and his male descendants.

His Britannic Majesty's Government, who had taken note with satisfaction of the assurances contained in Your Excellency's Note No. 14504 Aban 26th 1304 (November 17th 1925) to the effect that the new régime now so auspiciously inaugurated will respect all Treaties, Conventions, etcetera, in force between the two friendly Governments, now authorise me to inform...

His Excellency

Mirza Hassan Khan Mushar,

Minister for Foreign Affairs.

inform Your Excellency that they are glad to accord their full recognition to the new polity as established by this decision of the Constituent Assembly.

I have great pleasure in conveying this recognition to the Government of His Imperial Majesty and I have the honour at the same time to request Your Excellency to offer to His Imperial Majesty the congratulations of my Government and those of myself upon an event which, I feel convinced, will open for the Persian Empire an era of peace and progress.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

Percy Loraine

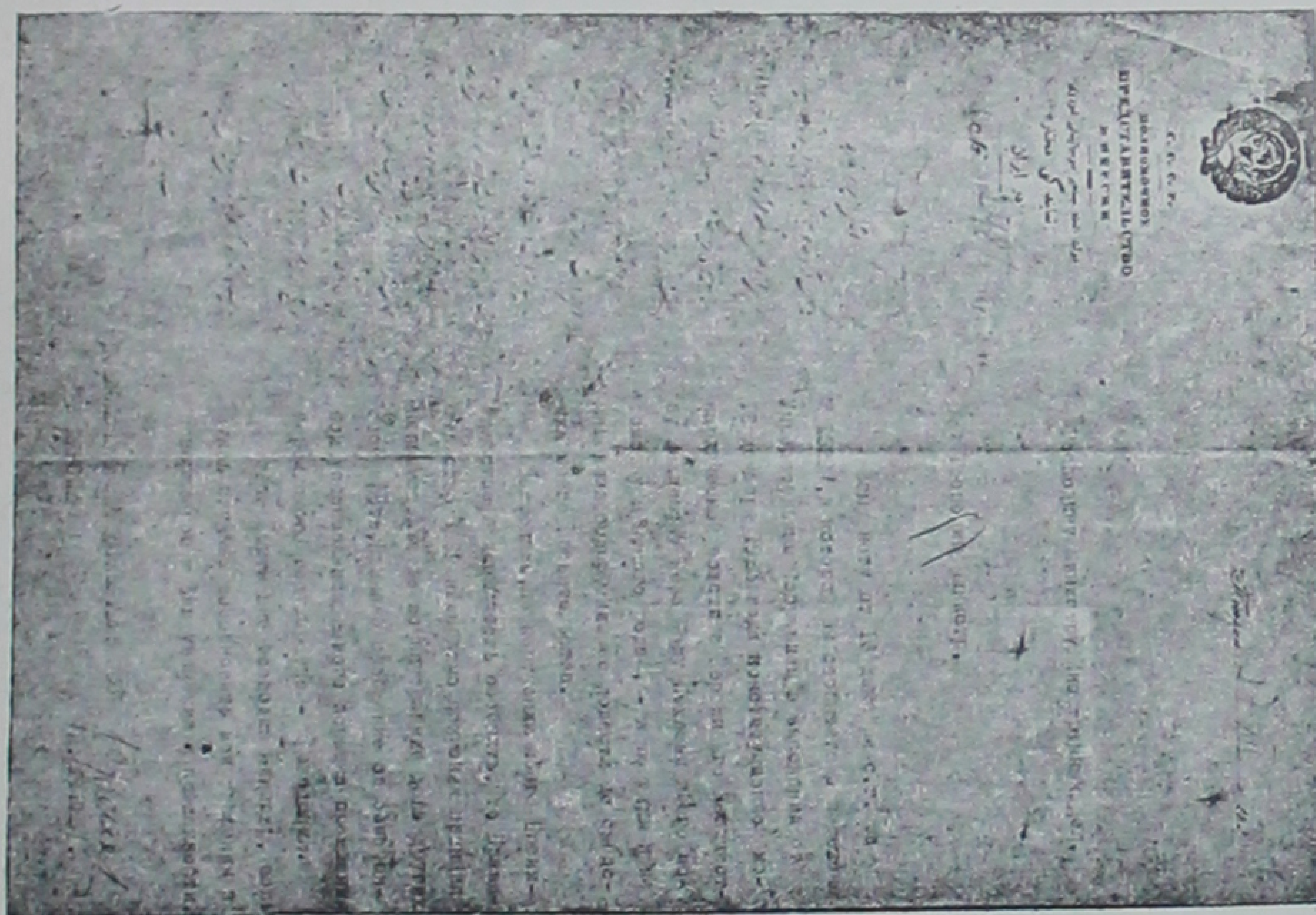
(دولت انگلیس)

طهران ۲۴ آذر ماه ۱۳۰۴ نمره ۳۱۰

آقای وزیر بموجب مراسلهٔ خود نمره ۳۰۷ مورخه ۱۴ دسامبر ۲۳ آذر ماه بجناب مستطابعالی اطلاع دادم که مفاد مراسلهٔ آن جناب نمره ۱۵۲۹۷ مورخهٔ ۲۲ آذرماه که لطفاً به دوستدار اطلاع داده بودند که مجلس مؤسسان سلطنت مشروطیت ایرانرا تفویض باعلیحضرت اقدس شاهنشاهی رضا شاه پهلوی و اعقاب ذکور آن اعلیحضرت نموده اند به دولت خود اطلاع داده ام

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان که با نهایت خورسندی اطمینانهای مندرجه درمراسله نمرهٔ ۱۴۵۰۴ مورخه ۲۶ آبان ۱۳۰۴ جناب مستطاب عالی را مشعر براینکه رژیم جدید که حال به میمنت ومبارکي برقرار شده است تمام عهود وقرار دادها وغیره را که فیمابین دولتین دوست برقرار میباشد مراعات خواهند نمود یادداشت نموده اند حال بردوستدار اجازه داده اند خاطر محترم را مستخضر سازم که خورسندند از این که سیاستي را که برطبق این تصمیم مجلس مؤسسان برقرار شده است کاملاً بشناسند نهایت خورسندی را دارم که این شناسائی را به دولت اعلیحضرت شاهنشاهی اطلاع دهم و ضمناً مفتخرم از اینکه از جناب مستطاب عالی خواهش نمایم که تبریکات دولت دوستدار وهمچنین تبریکات خودم رادر این مورد که یقین دارم موجب افتتاح بابی برای عصر صلح و ترقی مملکت ایران خواهد بود باعلیحضرت شاهنشاه ایران تقدیم دارم موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خودرا تجدید مینمایم

پرسي لرن



(دولت روس)

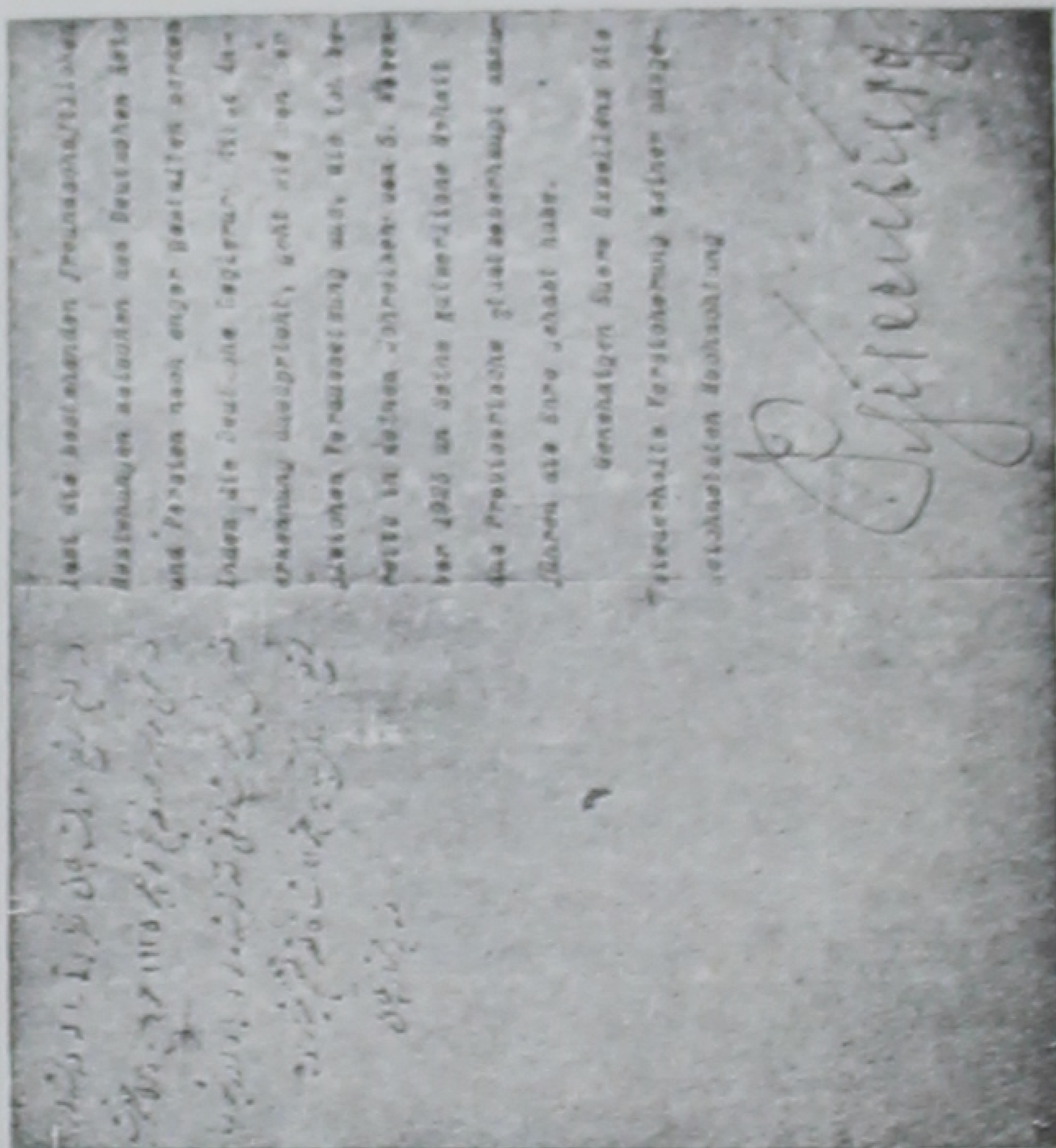
۲۶ آذر ۱۳۰٤

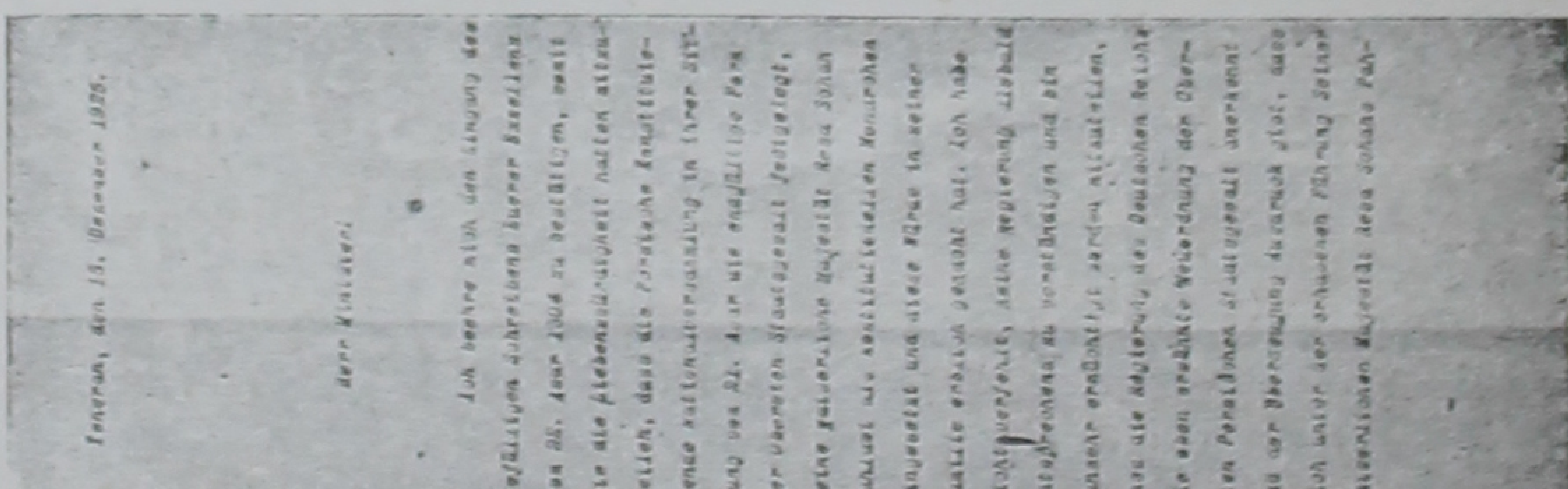
آقای وزیر امور خارجه باکمال افتخار خاطر جناب مستطاب عالی را قرین استحضار میدارد که پس از وصول مراسلهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۲۲ آذر نمره ۱۵۹۲۷ مشعر براینکه درجلسهٔ ۲۱ آذر ۱۳۰٤ سلطنت مشروطهٔ ایران را باعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی و اعقاب ذکور ایشان تفویض نموده دوستدار فورا دولت مطبوعهٔ خود را از مضمون آن مستحضر ساخت اینك از طرف دولت مطبوعهٔ خود مامور است به اطلاع خاطر جناب مستطاب عالی برساند که دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نظر به حفظ اصول تزلزل ناپذیر عدم مداخله بامور داخلی ممالك دیگر از خبر برقراری ترتیب جدید حکومت مملکت ایران استحضار حاصل نموده است

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید

نمایندهٔ مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

ك . ی . یرنوف





Deutsche Gesandtschaft

Teheran, den 15. Dezember 1925.

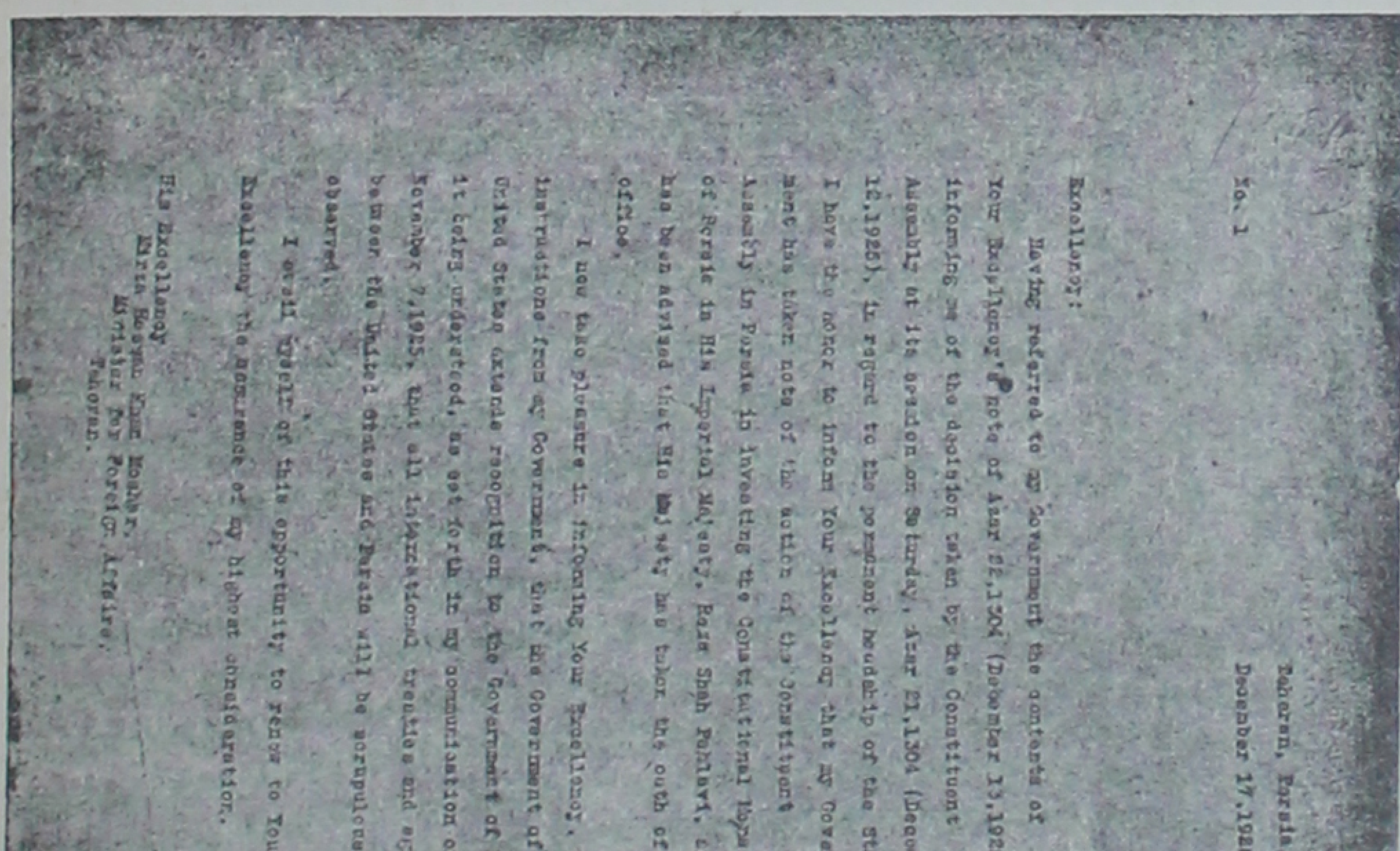
(دولت آلمان)

طهران بتاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۲۵

آقای وزیر مرقومهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۲۲ آذرماه ۱۳۰۴ مبنی براینکه

مجلس مؤسسان ایران در جلسهٔ ۲۱ آذرماه ترتیب قطعی ریاست مملکت را باتفویض سلطنت مشروطهٔ ایران باعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوي واعقاب آن نسلاً بعد نسل مقرر داشت زیب وصول بخشید

دوستدار بلافاصله مراتب را باطلاع دولت مطبوع خود رسانید واینک به دوستدار اختیار داده شده است باستحضار خاطر محترم برساند که‌دولت آلمان ترتیب قطعی ریاست عالیهٔ ایران را که درفوق ذکر گردیده برسمیت بشناسد و اطمینان دارد که در تحت ریاست عالیهٔ اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی روابط دوستانه فیمابین آلمان و ایران بیش ازپیش محکم خواهد گردید



No. 1

Teheran, Persia,
December 17,1925.

Excellency:

Having referred to my Government the contents of Your Excellency's note of Azar 22,1304 (December 13,1925) informing me of the decision taken by the Constituent Assembly at its session on Saturday, Azar 21,1304 (December 12,1925), in regard to the permanent headship of the State, I have the honor to inform Your Excellency that my Government has taken note of the action of the Constituent Assembly in Persia in investing the Constitutional Monarchy of Persia in His Imperial Majesty, Reza Shah Pahlavi, and has been advised that His Majesty has taken the oath of office.

I now take pleasure in informing Your Excellency, under instructions from my Government, that the Government of the United States extends recognition to the Government of Persia, it being understood, as set forth in my communication of November 7,1925, that all international treaties and agreements between the United States and Persia will be scrupulously observed.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my highest consideration.

His Excellency
Mirza Hassan Khan Moshar,
Minister for Foreign Affairs,
Teheran.

(دولت امریکا)

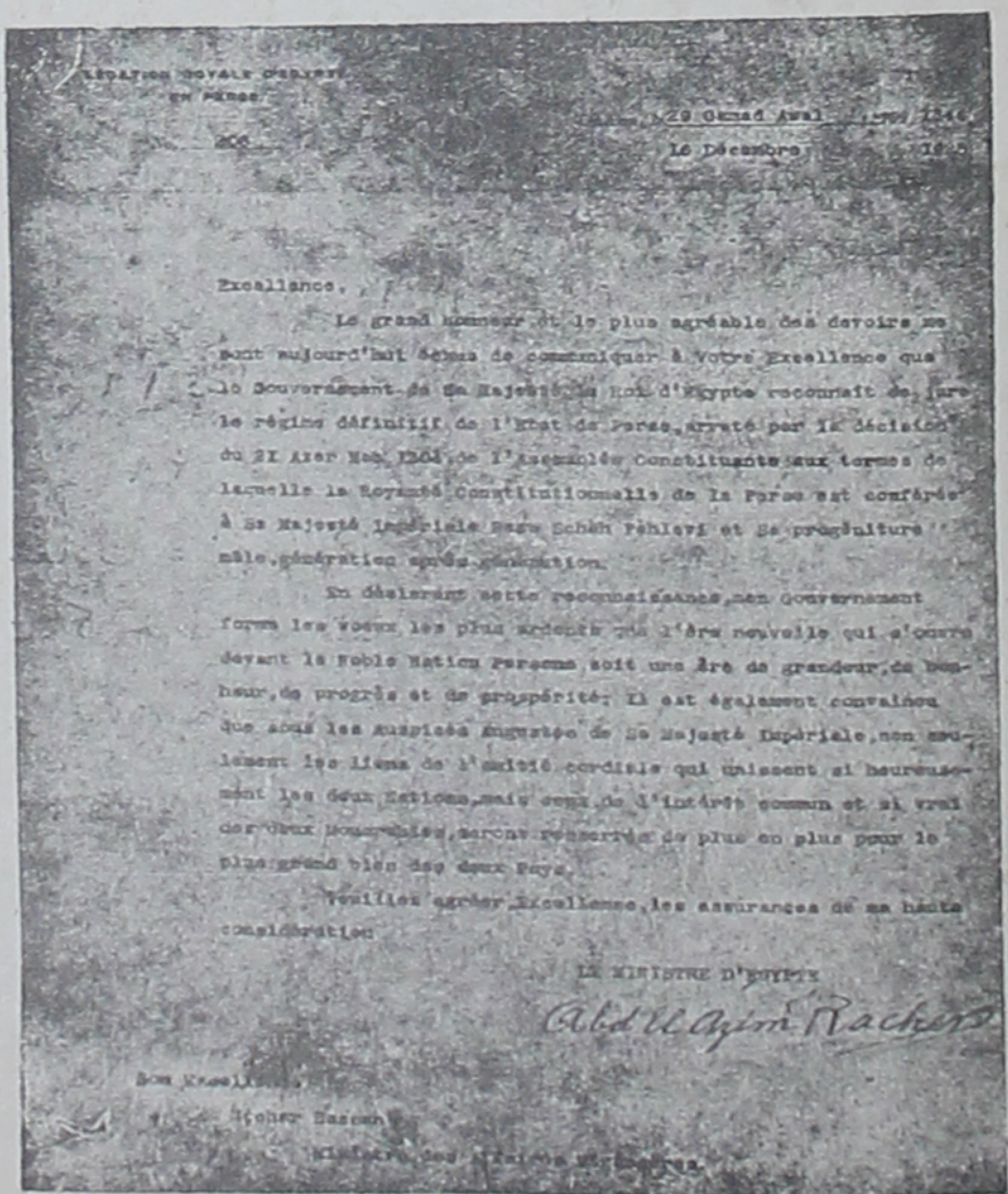
۱۷ دسامبر ۱۹۲۵

جناب میرزا حسنخان مشار وزیر امور خارجه

مفاد یاد داشت مورخهٔ ۲۲ آذر ۱۳۰٤ (۱۳ دسامبر ۱۹۲۵) آنجناب را که بموجب آن تصمیمی را که مجلس مؤسسان درجلسهٔ شنبهٔ ۲۱ آذر ۱۳۰٤ (۱۲

دسامبر ۱۹۲۵) خودراجع بسرپرستی دائمی مملکت انتخاذ کرده است وبدوستدار اشعار فرمودند باستحضار دولت متبوعهٔ خود رسانیده و با کمال توقیر و احترام خاطر عالی را مستحضر میدارم که دولت متبوعهٔ دوستدار ازاقدام مجلس مؤسسان درایران که سلطنت مشروطهٔ آن کشور را باعلیحضرت شاهنشاهی رضاشاه پهلوی تفویض واعلیحضرت نیزمراسم تحلیف رابجا آوردند انتخاسنندنمود بنابراین باکمال مسرت برطبق دستور دولت متبوعهٔ خود باطلاع آنجناب میرساند که‌دولت ممالك متحدهٔ امریکا حکومت ایران را برسمیت میشناسد بدیهی است چنانکه در مراسلهٔ هفتم نوامبر ۱۹۲۵ اشعار گردید تمام عهود بین المللی وقرار داد های منعقده بین ممالك متحدهٔ امریکا وایران باکمال دقت مورد رعایت احترام واقع خواهد گردید

مراتب احترام فائقه را تجدید مینماید- امضاء کلی امری



Légation Royale d'Egypte
en Perse

No. 206

[illegible] 29 Gamad Awal [illegible] 1344
16 Décembre [illegible] 1925

Excellence,

Le grand honneur et le plus agréable des devoirs me sont aujourd'hui échus de communiquer à Votre Excellence que le Gouvernement de Sa Majesté le Roi d'Egypte reconnait de jure le régime définitif de l'Etat de Perse, arrêté par la décision du 21 Azer Mah 1304 de l'Assemblée Constituante aux termes de laquelle la Royauté Constitutionnelle de la Perse est conférée à Sa Majesté Impériale Reza Schah Pehlevi et sa progéniture mâle, génération après génération.

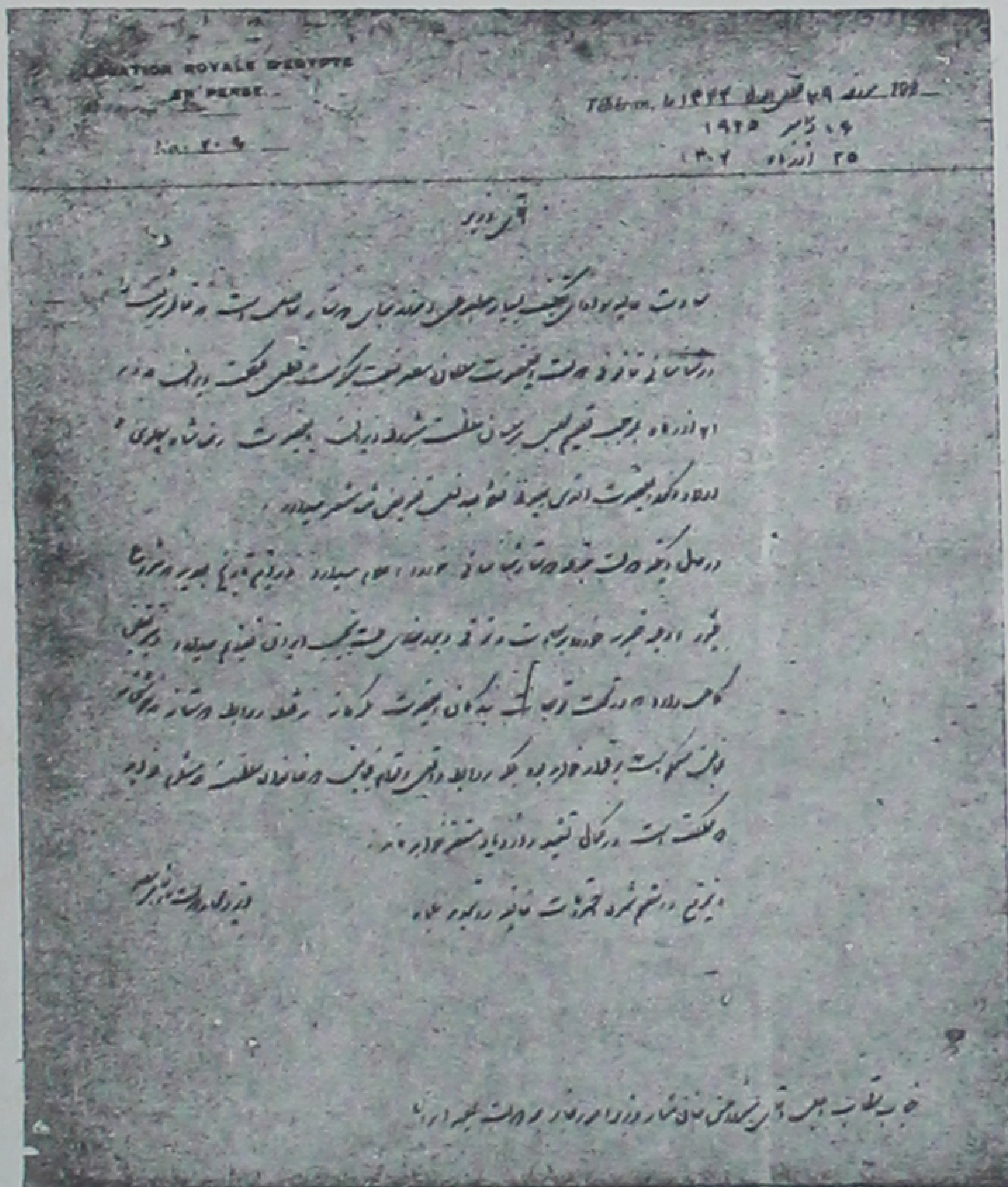
En déclarant cette reconnaissance, mon Gouvernement forme les voeux les plus ardents que l'ère nouvelle qui s'ouvre devant la Noble Nation Persane soit une ère de grandeur, de bonheur, de progrès et de prospérité; Il est également convaincu que sous les auspices Augustes de Sa Majesté Impériale, non seulement les liens de l'amitié cordiale qui unissent si heureusement les deux Nations, mais ceux de l'intérêt commun et si vrai des deux Monarchies, seront resserrés de plus en plus pour le plus grand bien des deux Pays.

Veuillez agréer, Excellence, les assurances de ma haute considération

LE MINISTRE D'EGYPTE

Abd Ul Azim Rachid

Son Excellence,
[illegible] Mohsen [illegible]
Ministre des Affaires Etrangères.



(دولت مصر)

بتاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ مطابق ۲۵ آذر ماه ۱۳۰۴

۲۹ جمادی الاول ۱۳۴۴ نمرهٔ ۲۰۶

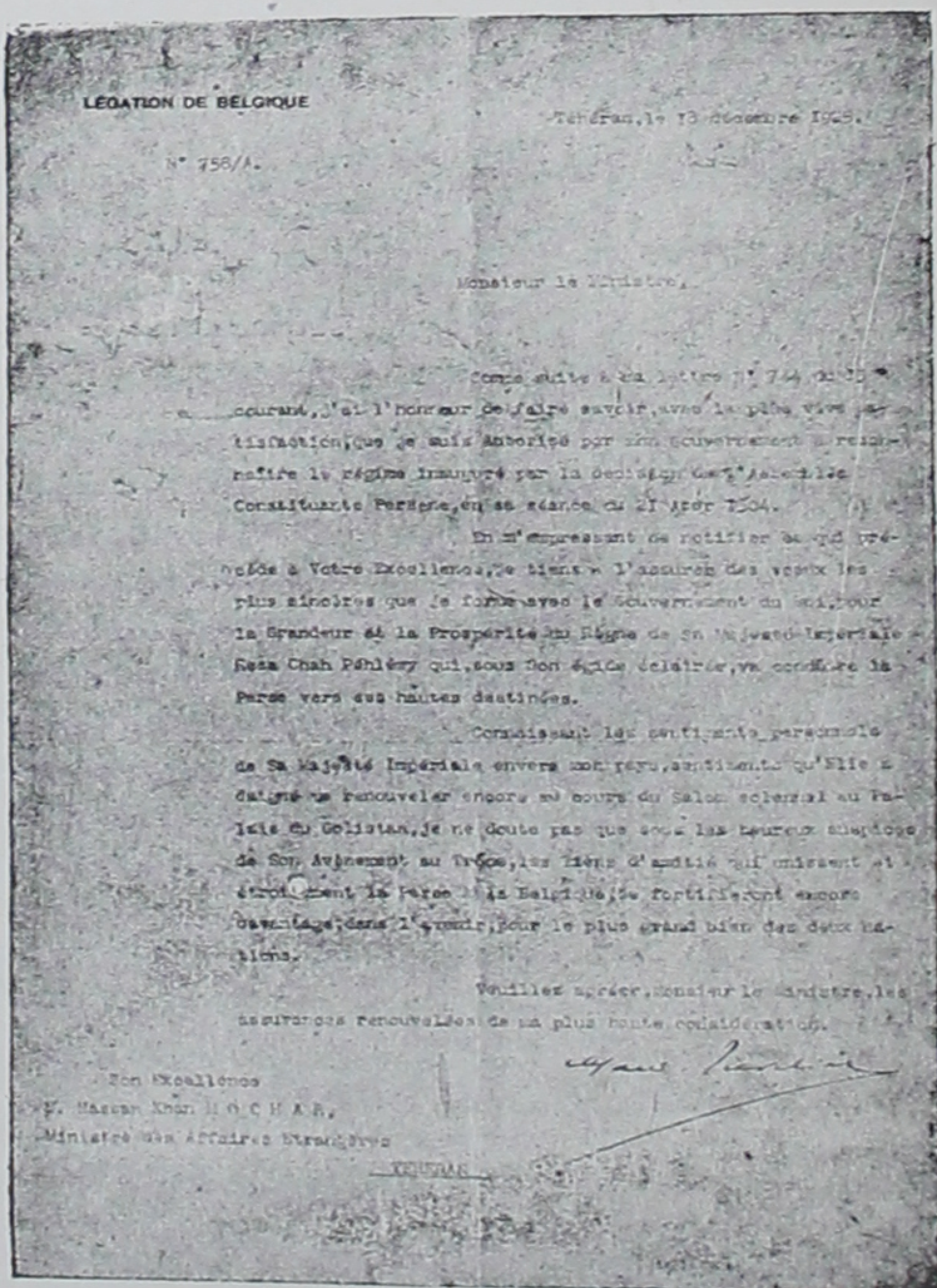
آقای وزیر سعادت عالیه واداى تكلیف بسیار مطبوعی امروز برای دوستدار حاصل است که خاطر شریف را در شناسائی قانونی دولت اعلیحضرت سلطان مصر نسبت بحکومت قطعی مملکت ایران که در ۲۱ آذرماه بموجب تصمیم مجلس مؤسسان سلطنت مشروطهٔ ایران باعلیحضرت رضاشاه پهلوي و اولاد ذکور اعلیحضرت اقدس همایونی نسلاً بعد نسل تفویض شده مستحضر میدارد.

در حال اینکه دولت متبوعهٔ دوستدار شناسائی خود را اعلام میدارد در این تاریخ جدید که شروع میشود ادعیهٔ خیریهٔ خود را برسعادت وترقي و برومندی ملت نجیب ایران تقدیم میدارد ونیز یقین کامل دارد

که در تحت توجهات بندگان اعلیحضرت ملوکانه نه فقط روابط دوستانه که خوشبختانه فیمابین مستحکم است برقرار خواهد بود بلکه روابط واقعی و قوام فیمابین دوخانوادهٔ سلطنت که مستلزم فوائد دو مملکت است در کمال تشیّد و ازدیاد مستقر خواهد ماند

این موقع را معتنم شمرده اقدامات فائقه‌را تجدید مینماید

وزیرمختار دولت شاهنشاهی مصر



LÉGATION DE BELGIQUE

Téhéran, le 18 décembre 1925.

N° 758/A.

Monsieur le Ministre,

Comme suite à sa lettre N° 744 du 13 courant, j'ai l'honneur de faire savoir, avec la plus vive satisfaction, que je suis autorisé par mon Gouvernement à reconnaître le régime inauguré par la décision de l'Assemblée Constituante Persane, en sa séance du 21 Azer 1304.

En m'empressant de notifier ce qui précède à Votre Excellence, je tiens à l'assurer des voeux les plus sincères que je forme avec le Gouvernement du Roi, pour la Grandeur et la Prospérité du Règne de Sa Majesté Impériale Reza Chah Pahlévy qui, sous Son égide éclairée, va conduire la Perse vers ses hautes destinées.

Connaissant les sentiments personnels de Sa Majesté Impériale envers mon pays, sentiments qu'Elle a daigné me renouveler encore au cours du Salon [illegible] au Palais du Golistan, je ne doute pas que sous les heureux auspices de Son Avènement au Trône, les liens d'amitié qui unissent si étroitement la Perse et la Belgique, se fortifieront encore davantage, dans l'avenir, pour le plus grand bien des deux nations.

Veuillez agréer, Monsieur le Ministre, les assurances renouvelées de ma plus haute considération.

[illegible]

Son Excellence
M. Hassan Khan M O C H A R,
Ministre des Affaires Etrangères
TEHERAN

(دولت بلژیك)

بتاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۲۵ نمرهٔ ۷۵۸

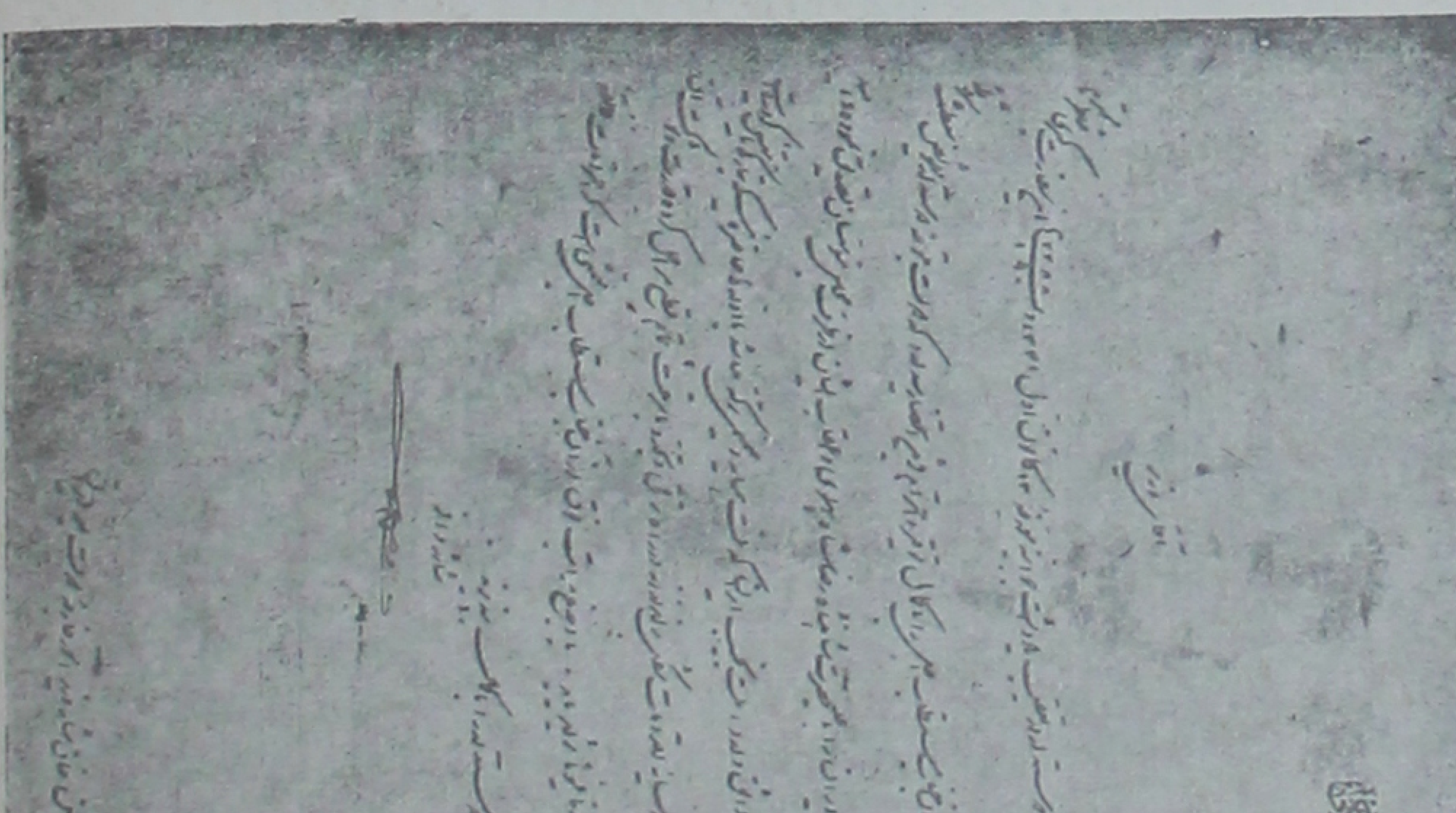
جناب آقای میرزا حسنخان مشار وزیر امور خارجه

در تعقیب مراسلهٔ نمرهٔ ۷٤٤ این سفارتخانه مورخهٔ ۱۳ ماه جاری باکمال

توقير و مسرت خاطر عالي را مستحضر ميدارد كه از طرف دولت متبوعه بدوستار اجازه داده شد رژيمي را كه در نتيجهٔ تصميم مجلس مؤسسان ايران در جلسهٔ ۲۱ آذر ۱۳۰٤ برقرار شده است برسميت بشناسد در ضمن اشعار مراتب فوق الذكر ادعيهٔ خالصانهٔ خود و دولت پادشاهی را براي عظمت وشوكت سلطنت اعليحضرت همايونی رضا شاه پهلوی كه در تحت لواء منور خود ايران را بمدارج عاليه سير خواهد داد تقديم ميدارد

نظر بسابقهٔ كه دوستدار ازاحساسات ونيات شخص اعليحضرت همايونی نسبت بمملكت پادشاهی بلژيك دارد و درضمن سلام رسمی در قصر گلستان نيز مرحمت فرموده احساسات مزبور را تجديد فرمودند دوستدار يقين دارد كه در موقع سعد جلوس ميمنت مأنوس اعليحضرت بر اريكهٔ سلطنت روابط محكم وداديه بين ايران و بلژيك بازهم درآتيه بيش از پيش در نفع ملتين مشيّد و مستحكم خواهد گرديد

مراتب .....　　　　　　امضاء مرين كووليه

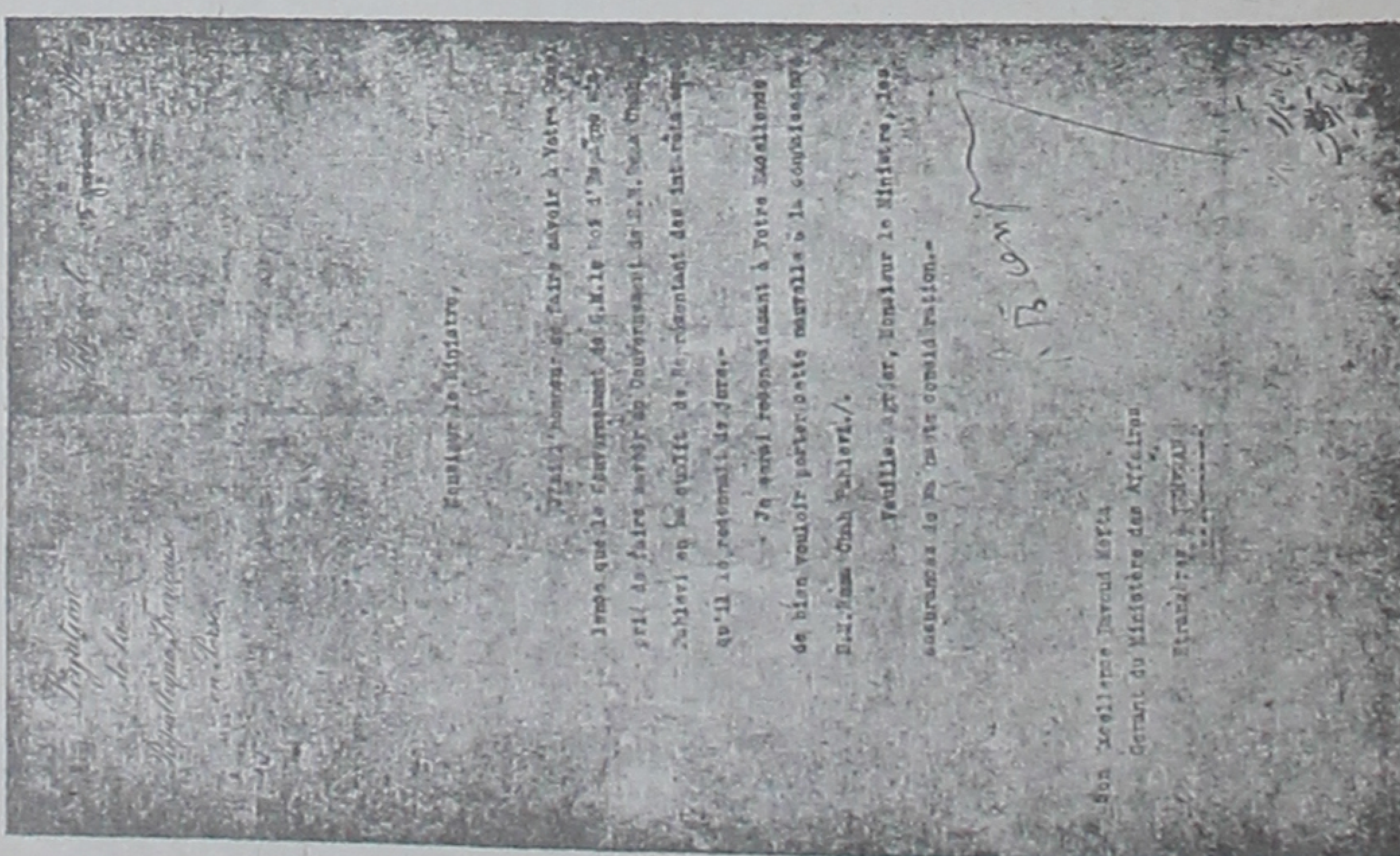


(دولت ترکیّه)

۲۰ کانون اول ۱۳٤۱ نمرهٔ ۱۹۳ ـ ۲۲۹۷

آقای وزیر دوستدار در تعقیب یاد داشت جوابیهٔ مورخهٔ ۱۳ کانون اول ۱۳٤۱ و نمرهٔ ۲۲۸۸ ـ ۱۹۰ این سفارت کبری خاطر محترم آن جناب مستطاب اجل را باکمال توقیر و احترام قرین استحضار میدارد که دولت متبوعهٔ دوستدار تفویض سلطنت مشروطهٔ ایران را باعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی و اعقاب ایشان از طرف مجلس مؤسسان تصدیق نموده وامید واثق دارد ملت نجیب ایران که ملت همسایه وصمیمی ترکیّه می باشد با ادارهٔ حاضرهٔ که بتازگی تاسیس گردیده است درسایهٔ اقدامات مشگل بر اندازانه در راه ترقی و تجدد باسرعت تمام قطع مراحل کرده قدرت و شوکت آن یوماً فیوماً تزاید یابد . باابلاغ مراتب فوق از آنجناب مستطاب اجل متمنی است که احترامات فائقهٔ دوستدار را باکمال بپذیرد

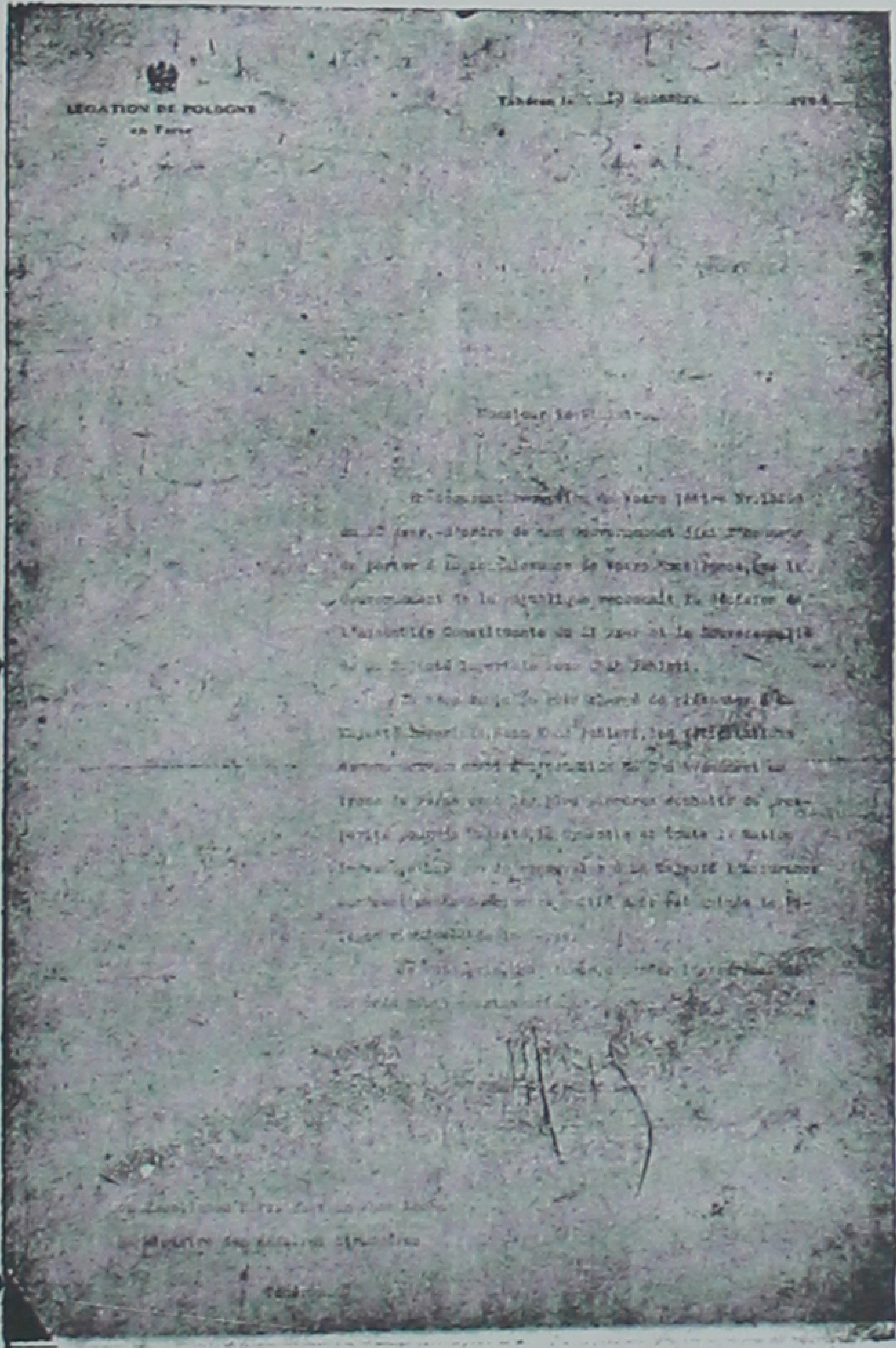
شارژدافر وصفی



(دولت فرانسه)

نمرهٔ ۲۱۹۷۱ بتاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۰۴

وزارت جلیلهٔ دربار پهلوی   سفارت دولت جمهوری فرانسه که حافظ منافع اتباع اسپانیول در ایران است رسماً اطلاع میدهد که دولت اسپانی سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه را برسمیت شناخته است سواد مراسلهٔ شناسائی را تلواً تقدیم و متمنی است مراتب را بعرض خاکپای ملوکانه برسانید   امضاء سفیر دولت فرانسه



LÉGATION DE POLOGNE
en Perse

(دولت لهستان)

۱۳ دسامبر ۱۹۲۵

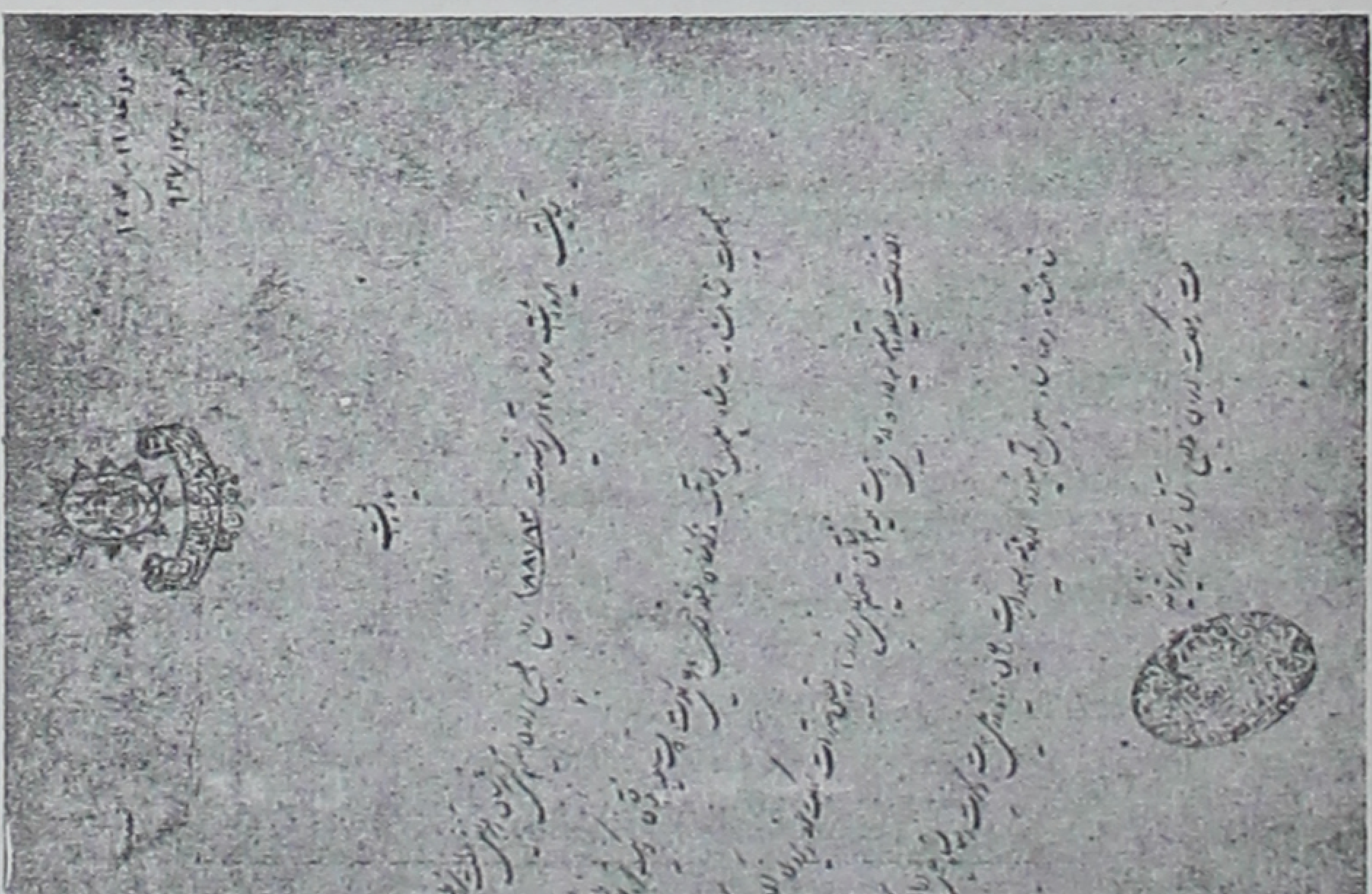
جناب آقاي ميرزا حسن خان مشار وزير امور خارجه

مراسلهٔ نمرهٔ ۱۵۲۹۸ مورخهٔ ۲۲ آذر جنابعالی عز وصول یافت

حسب الامر دولت متبوعه با کمال توقیر باستحضار خاطر محترم مي رساند که دولت جمهوری لهستان تصمیم ۲۱ آذر مجلس مؤسسان و سلطنت اعلیحضرت همایوني رضا شاه پهلوی را برسمیت می شناسد

ضمناً دوستدار مأمور است تبریکات دولت متبوعهٔ خود را بمناسبت جلوس رضا شاه پهلوی بتخت ایران با آرزوی دوام شوکت اعلیحضرت همایونی و سلسلهٔ او و تمام ملت ایران تقدیم سریر ملوکانه کرده و مراتب احساسات صمیمانهٔ مودت آمیز دولت لهستان را نسبت بایران تجدید می نماید.

مراتب . . . . . .   همپل



(دولت افغان)

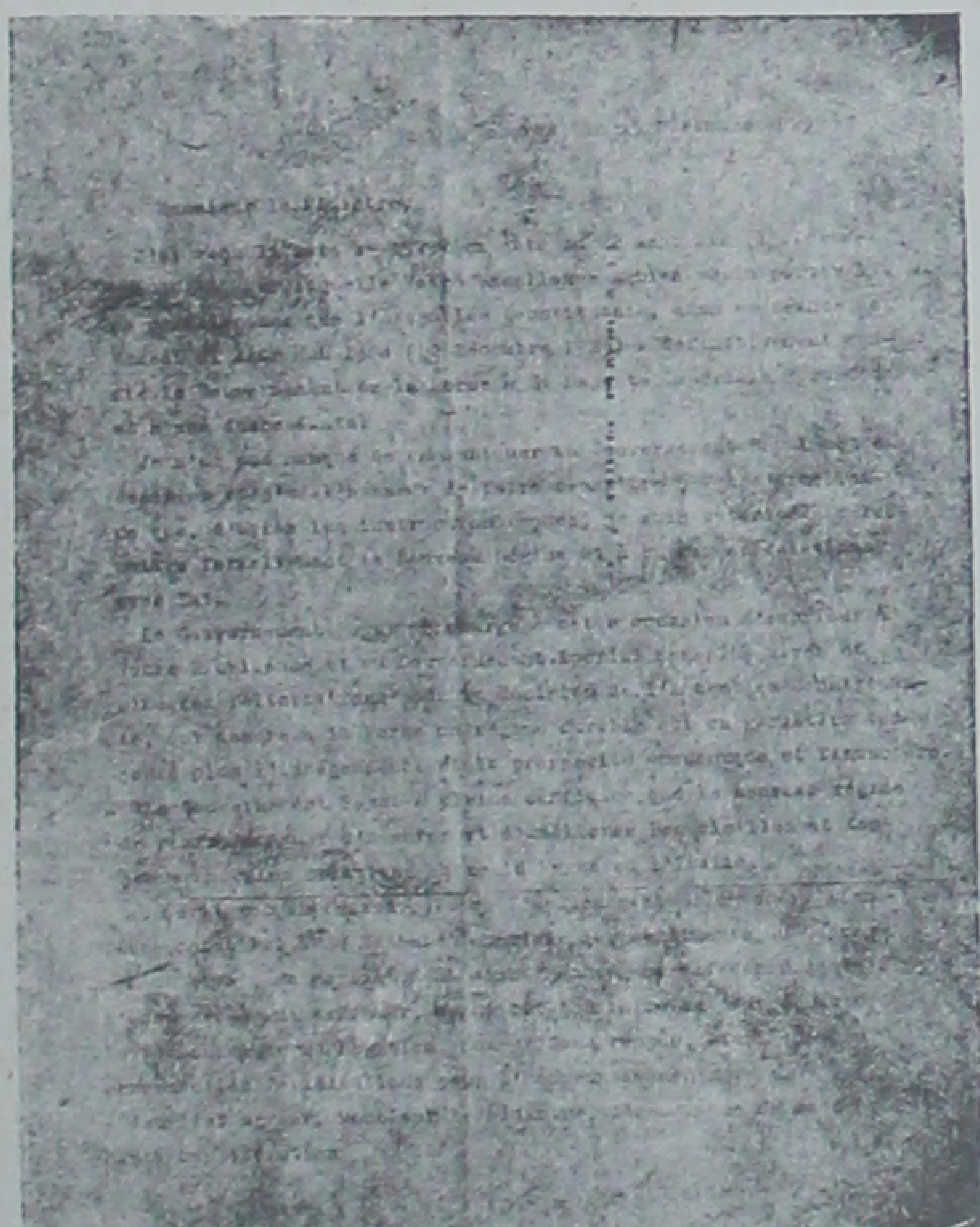
مورخهٔ ۱۱ سال ۱۳۰٤ نمرهٔ ۱۳٦-۹۳۷

یاد داشت

در تعقیب یاد داشت مورخهٔ ۲۱ قوس ۳۱ سفارت به نمرهٔ ۸۳-۸۸۱ راجع به اطلاع دادن تصمیم مجلس مؤسسان بتفویض سلطنت مشروطهٔ

ایران باعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی و اعقاب ذکور شان نسلاً بعد نسل باولیاء حکومت دولت علیهٔ افغانستان اینک محترماً خاطر اولیاء آنوزارت جلیله را مستحضر میدارد که اولیاء دولت علیهٔ افغانستان تصمیم مجلس مزبور را در تعیین مقدرات مملکت خود و سپردن آن باعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی محترم میشمارد

در خاتمه امیدوار است سالیان زیاد در ظل حمایت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی ادام‌الله سلطنته ملت ومملکت ایران مدارج ترقی وتعالی را سیر نمایند .



(دولت ایطالی)

مورخهٔ ۱۵ دسامبر ۱۹۲۵

یاد داشت

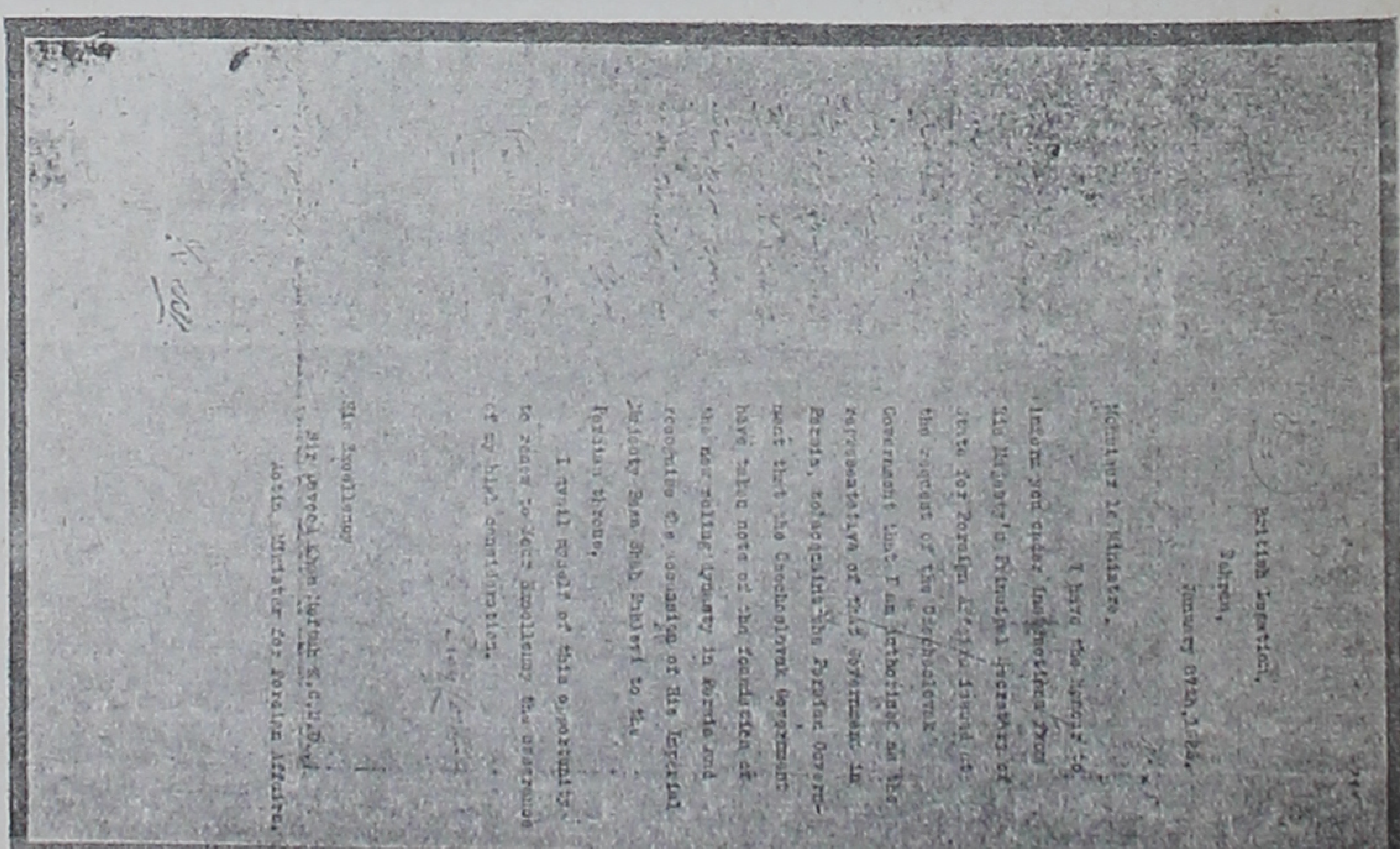
جناب وزیر امور خارجه

نمرهٔ ۱۵۲۹۷ مورخهٔ ۲۲ آذر ماه ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵ مشعر بر اینکه مجلس مؤسسان در جلسهٔ شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۴ ـ ۱۲ دسامبر

۱۹۲۵ حکومت ایران را بطور قطع تفویض اعلیحضرت همایونی رضا شاه و اخلاف او نموده است عز وصول یافت تصمیم مزبور را دوستدار باستحضار دولت پادشاهی رسانیده و با کمال توقیر خاطر عالی را مطلع میدارد که بر حسب دستوریکه رسیده است دوستدار اجازه یافته که رژیم جدید را برسمیت شناخته و با رژیم مزبور داخل در روابط باشم دوستدار مأمور است در این موقع تبریکات صمیمانهٔ دولت پادشاهی ایطالی را بمناسبت تصمیم مجلس مؤسسان که رژیم با دوامی را برای ایران تامین نموده که بیشتر از پیش موجب استقلال و ترقی اقتصادی و مالی ایران است بحضور عالی و دولت علیه تقدیم دارد دولت پادشاهی اعتماد کامل دارد که رژیم جدید روابط مودت آتیهٔ دیرینهٔ ایران و ایطالی را تامین و کامل تر خواهد نمود

متمني است احساسات دولت پادشاهی را بعرض اعلیحضرت همایونی رسانیده ضمناً معروض شود که دوستدار مایل است بمحض حصول امکان باهیئت اعضاء سفارتخانه تشرف بحضور جسته و احترامات قلب و تبریکات شخصی خود را بمناسبت جلوس میمنت مانوس بعرض برساند

کارلو کالی


British Legation,
Tehran,
January 8th, 1926.

Monsieur le Ministre,

I have the honour to inform you under instructions from His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs issued at the request of the Czechoslovak Government that I am authorised as the representative of this Government in Persia, to acquaint the Persian Government that the Czechoslovak Government have taken note of the foundation of the new ruling dynasty in Persia and recognise the accession of His Imperial Majesty Reza Shah Pahlavi to the Persian throne.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

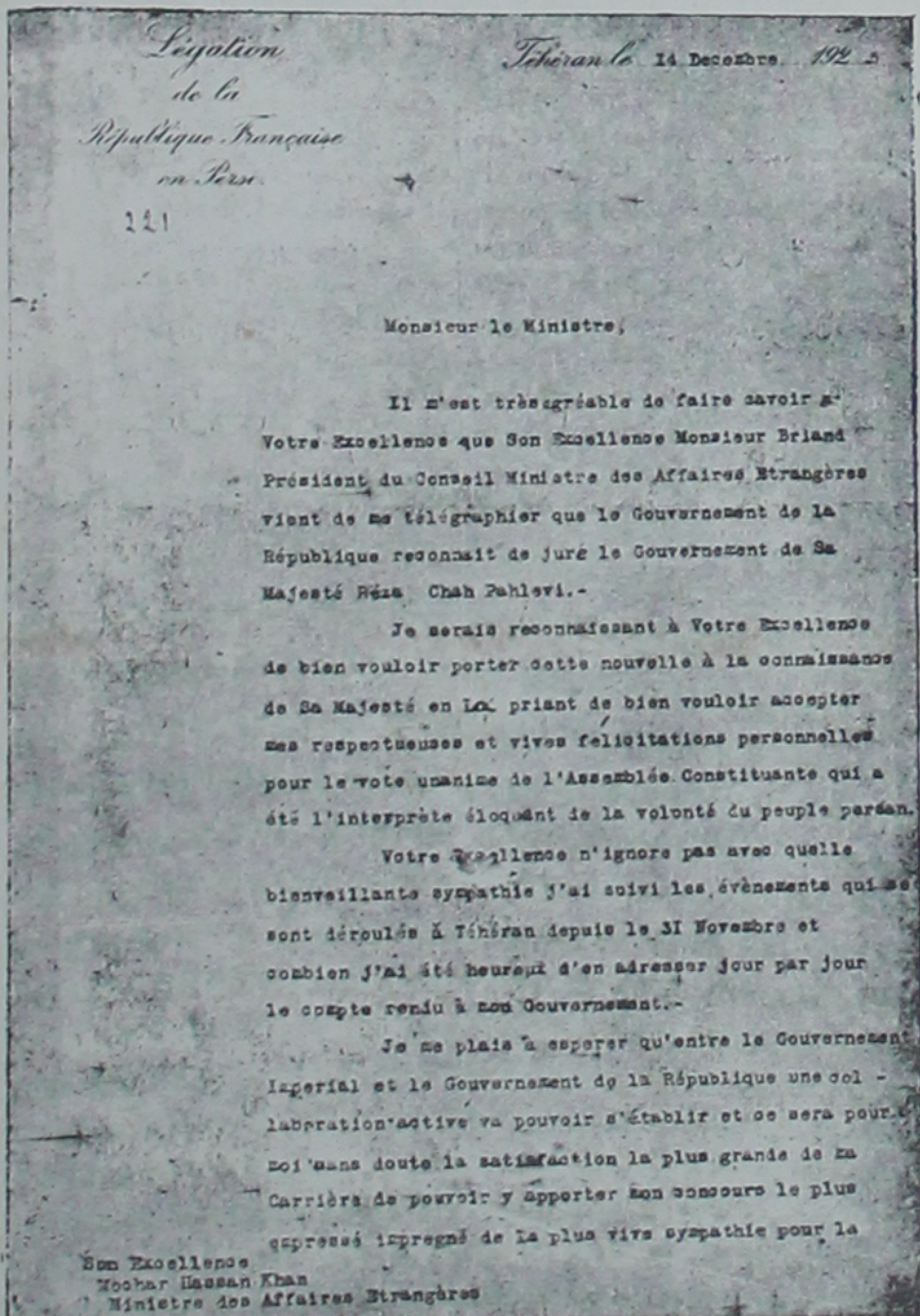
His Excellency
[illegible]
Acting Minister for Foreign Affairs.

(دولت چك اسلاواك)

نمره ۲۸ ـ ۷ بهمن ۱۳۰٤

آقای وزیر

محترماً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر میسازم که بر حسب خواهش دولت چك اسلاواك از طرف وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان بسمت نمایندگی که از طرف دولت چك اسلاواك در ایران دارم اجازه دارم بدولت ایران اطلاع دهم که دولت مشارالیها استقرار سلطنت خانوادگی جدید و جلوس اعلیحضرت رضا شاه پهلوی را بر سریر ایران شناخته‌اند موقع‌را مغتنم شمرده احترامات فائقه‌را تجدید مینمایم



Légation
de la
République Française
en Perse

121

Téhéran le 14 Decembre 192

Monsieur le Ministre,

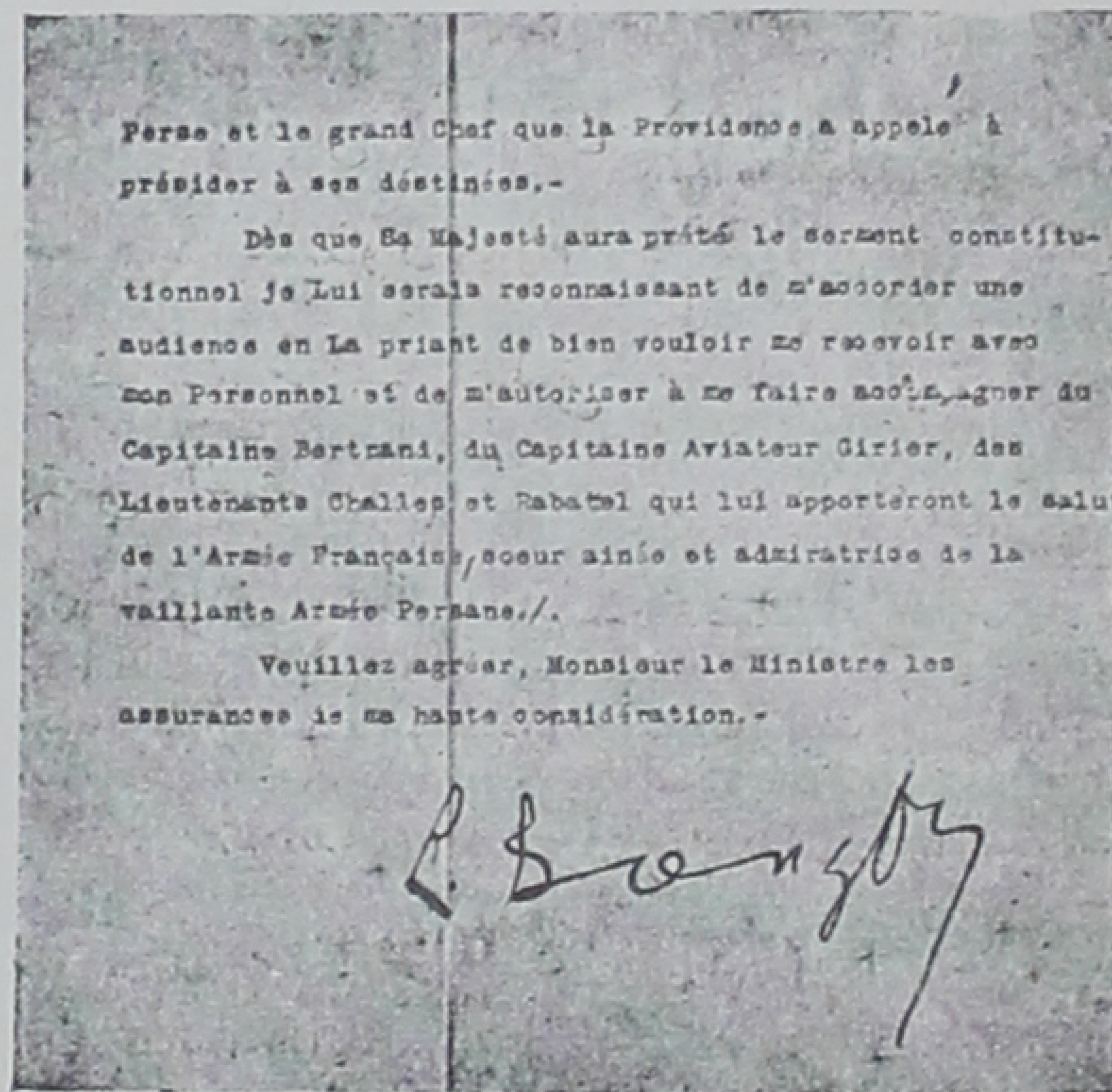
Il m'est trèsagréable de faire savoir à Votre Excellence que Son Excellence Monsieur Briand Président du Conseil Ministre des Affaires Etrangères vient de me télégraphier que le Gouvernement de la République reconnait de juré le Gouvernement de Sa Majesté Réza Chah Pahlevi.-

Je serais reconnaissant à Votre Excellence de bien vouloir porter cette nouvelle à la connaissance de Sa Majesté en La priant de bien vouloir accepter mes respectueuses et vives félicitations personnelles pour le vote unanime de l'Assemblée Constituante qui a été l'interprète éloquent de la volonté du peuple persan.

Votre Excellence n'ignore pas avec quelle bienveillante sympathie j'ai suivi les événements qui se sont déroulés à Téhéran depuis le 31 Novembre et combien j'ai été heureux d'en adresser jour par jour le compte rendu à mon Gouvernement.-

Je me plais à espérer qu'entre le Gouvernement Imperial et le Gouvernement de la République une collaboration active va pouvoir s'établir et ce sera pour moi sans doute la satisfaction la plus grande de ma Carrière de pouvoir y apporter mon concours le plus empressé impregné de la plus vive sympathie pour la

Son Excellence
Mochar Hassan Khan
Ministre des Affaires Etrangères



Perse et le grand Chef que la Providence a appelé à présider à ses destinées.-

Dès que Sa Majesté aura prêté le serment constitutionnel je Lui serais reconnaissant de m'accorder une audience en La priant de bien vouloir me recevoir avec mon Personnel et de m'autoriser à me faire accompagner du Capitaine Bertrani, du Capitaine Aviateur Girier, des Lieutenants Challes et Rabatel qui lui apporteront le salut de l'Armée Française, soeur ainée et admiratrice de la vaillante Armée Persane./.

Veuillez agréer, Monsieur le Ministre les assurances de ma haute considération.-

(دولت فرانسه)

۱۴ دسامبر ۱۹۲۵ نمره ۲۲۱

آقای وزیر

با کمال شعف و خورسندی باستحضار خاطر مبارك میرساند که مسیو بریان رئیس‌الوزرا ووزیر امور خارجه بدوستدار تلگراف کرده که دولت جمهوری فرانسه دولت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی دژوره (حقاً) برسمیت میشناسد هتمنی است این خبر را بعرض اعلیحضرت رسانیده و از طرف دوستدار از ذات ملوکانه استدعا نمایند تبریکات خالصانه ومحترمانهٔ شخص دوستدار را بمناسبت رائی که باتفاق آراء از مجلس مؤسسان صادر گردیده وحاکی از ارادهٔ ملت ایران است بپذیرند

البته بر خاطر محترم پوشیده نیست که با چه شوق و شعفی دوستدار ناظر حوادثی که از ۳۱ نوامبر در طهران روی داده بوده و با چقدر مسرت روز بروز اخبار مزبوره را باطلاع دولت متبوعهٔ خود میرسانده است امیدوار است که بین دولت علیه و دولت جمهوری فرانسه تشریك مساعی برقرار گردیده و قطعاً برای دورهٔ خدمت دوستدار بهترین اوقاتی خواهد

بود که بتوانم بجدیت هرچه تمام‌تر مساعدت خود را صمیمانه و با کمال اشتیاق نسبت بایران و رئیس معظم آن که قادر متعال برای تعیین مقدرات این ملك برقرار نموده مبذول دارم

محض آنکه اعلیحضرت مراسم تحلیفی که در قانون اساسی ذکر شده بعمل آوردند متمنی است وقتی را برای دوستدار و سایر اعضاء سفارت تعیین فرمایند که تشرف بحضور جسته ضمنا اجازه فرمایند که کاپیتن برتراند وکاپیتن اویاتور ژربه (هواپیما) ولیوتنان شارل ولیوتنان وراباتل‌را که تهنیت قشون فرانسه خواهر ارشد قشون رشید ایران هستند و بحضور ملوکانه تقدیم خواهند نمود همراه خود بیاورند بن ژون

(کمپانی نفط)

طهران ۲۶ آذر ۱۳۰٤

نمره پ ٤٥٥

مقام محترم وزارت جلیله امور خارجه

احتراماً خاطر محترم آن وزارتخانه را مطلع میدارد که تلگراف ذیل از ادارهٔ مرکزی ما در لندن برای بعرض رساندن بحضور اعلیحضرت اقدس شهریاری واصل گردیده است

سرچارلیز کرینوس و هیئت مدیرهٔ شرکت نفط انگلیس و ایران محدود با کمال احترام تبریکات خودرا در موقع جلوس میمنت مأنوس آن اعلیحضرت اقدس به تخت ایران تقدیم حضور میدارد تمنا دارد لطفاً تلگراف فوقرا بعرض اعلیحضرت اقدس شهریاری رسانده ومارا متشکر فرمائید شرکت نفط انگلیس و ایران محدود فیرلی

(کمپانی تلگراف)

مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۲۵

جناب آقای وزیر امور خارجه

بانهایت توقیر واحترام تمنی دارد تلگراف ذیل‌را که ازلندن واصل شده‌است

بآستان اعلیحضرت پهلوی برسانند هیئت مدیرهٔ تلگراف هند واروپائی مجتمعاً با نهایت فروتني از آستان شاهنشاه رضا شاه پهلوی استدعا دارند که تبریکات خاضعانهٔ آنها را بمناسبت جلوس بر سریر شهریاری ایران قبول فرموده و امید قطعی دارند که در عهد هدایت منور و سلامت بخش آن شهریار عصر عظمت و کامکاری آن کشور وملت باستانی که صنایع و ادبیات و تجارت آن بهترین گواه میباشد تجدید وبرقرار گردد هیئت مدیرهٔ کمپانی افتخار ومباهات میکند از اینکه متجاوز بر پنجاه سال برای استفاده تجارتی ملت ایران مناسبات تلگرافی این مملکت را بامهالك باختر برقرار داشته و بخدمات بی نظیر خود ادامه داده است

و . ج . کوبر

(تلگراف از اسلامبول)

نمره ۱۷

اعلیحضرت پهلوی

جلوس اعلیحضرت پهلوی را به تخت کیاني تبریك عرض و توفیق کامل را از درگاه ازدی خواهائیم اطاق تجارت

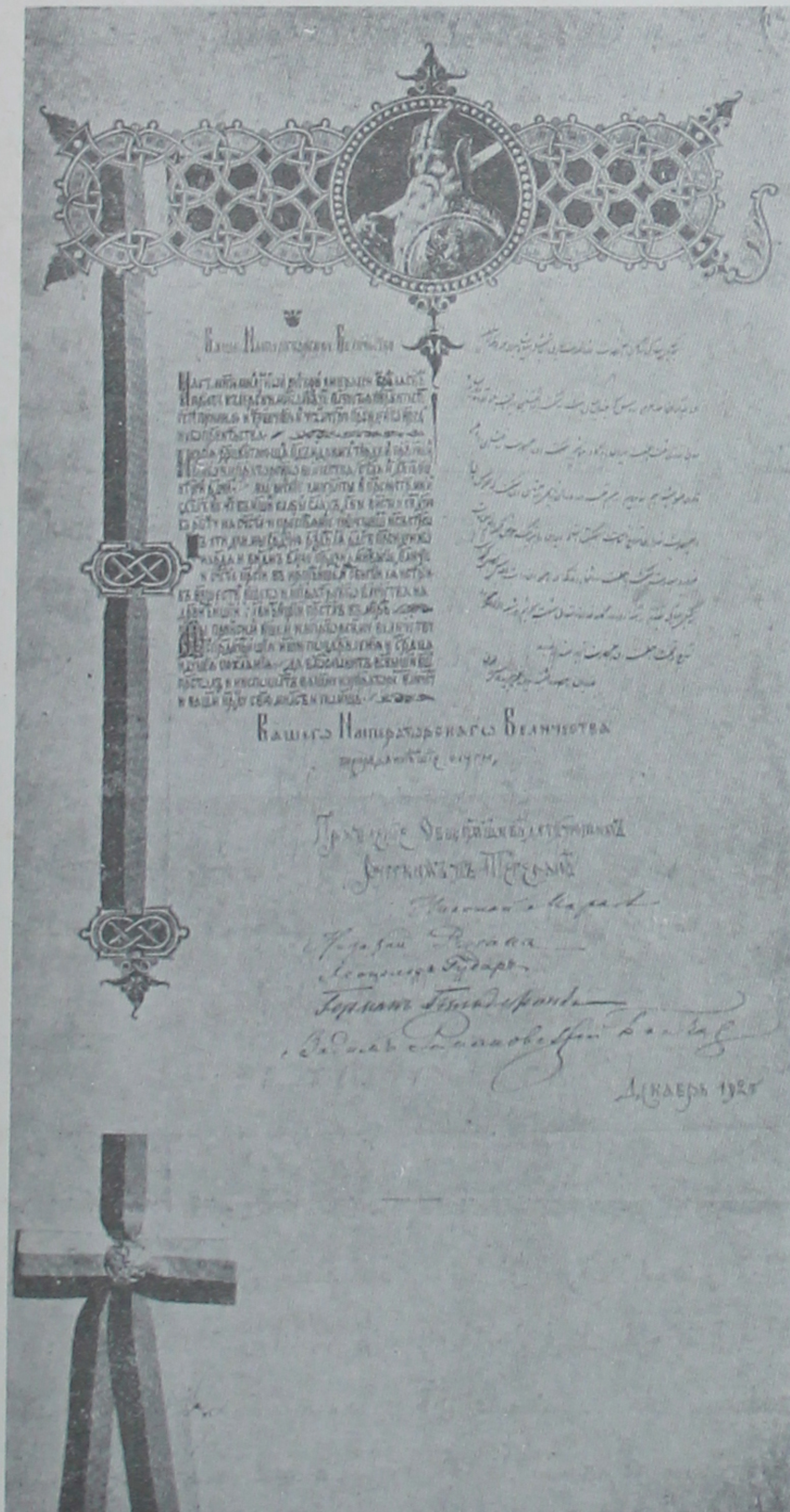
« تلگراف ازنیس »

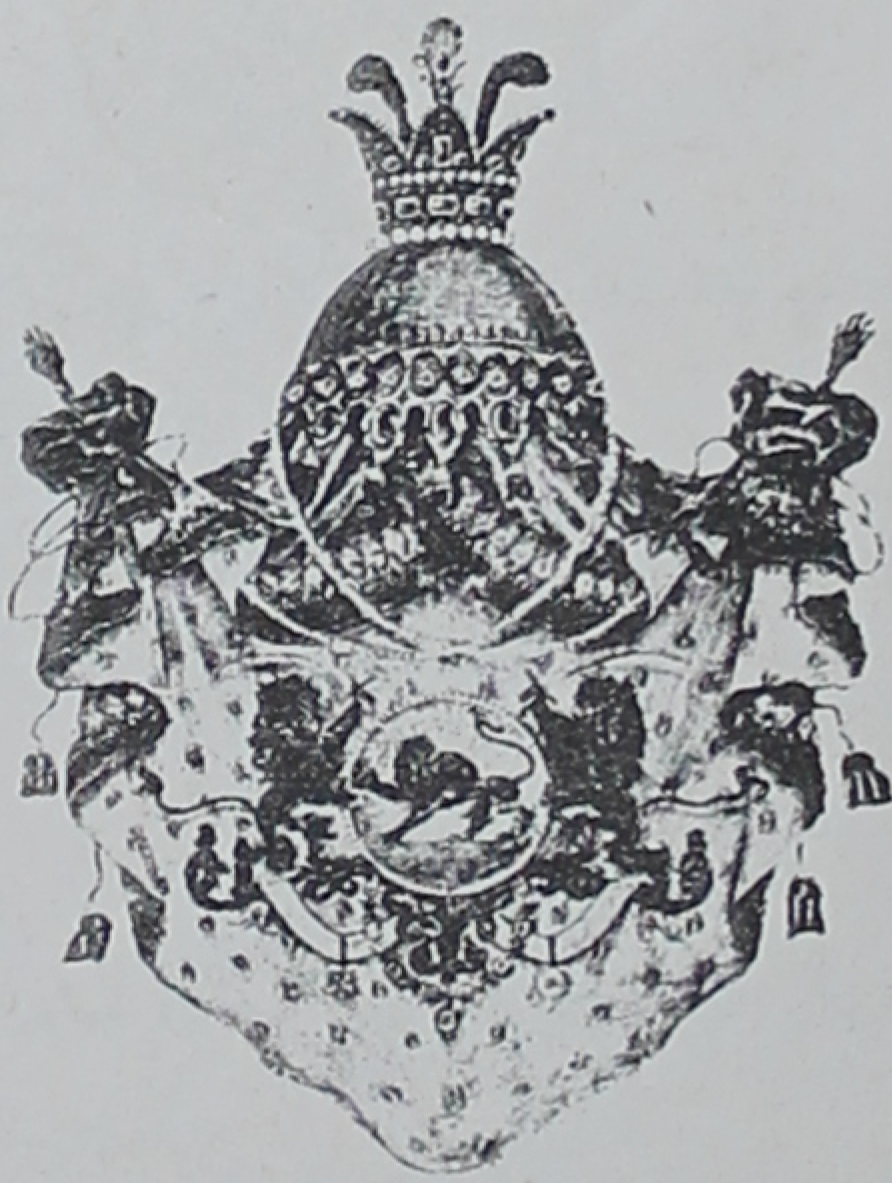
۱۴ـ۱۲ـ۲۵ نمرهٔ ۹۶

اعلیحضرت رضاشاه ایران

در اینموقع که در نتیجهٔ ارادهٔ ملی اعلیحضرت همایونی برسریر تاریخی مملکت شاهنشاهی ایران مستقر گردیدند از طرف خود و تمام پیروانم استدعا دارد تبریکات محترمانه و صادقانهٔ ما را قبول فرمایند از خداوند مسئلت مینمایم که در دورهٔ زمامداری آن اعلیحضرت ملت باعظمت ایران افتخار تمدن اخیر عصر شاه عباس را مجدداً بدست آورده و در نتیجهٔ عدالت خواهی و نوع پروری ذات شاهانه را تاریخ کریم خان زند دیگر تلقی نماید

آقاخان


Вашего Императорскаго Величества



بخاکپای مبارك بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطنته این چاکران مهاجرین روس که چندین سال است بمملکت شاهنشاهی ایران پناه آورده ودرسایهٔ مهمان نوازی ملت نجیب ایران زندگانی مینمائیم مملکت آن اعلیحضرت شاهنشاهی را وطن ثانوی خود میشناسیم بنابراین از صمیم قلب در روز های تاریخی درخشان آن مملکت که بجلوس آن اعلیحضرت شهریاری شروع شده است مملکت باستانی ایران را تبریك عرض کرده وتمام احساسات خود را به سعادت مملکت باعظمت افتخاراتی که از وجود آن ذات اقدس تحصیل کرده است بخاکپای مبارك تقدیم داشته و از درگاه خداوند متعال مسئلت میجوئیم که اشعهٔ انوار مهرخودرا بتاج و تخت باعظمت آن اعلیحضرت تاابد مستدام بدارد فدویان اعضاء هیئت مدیرهٔ انجمن خیریهٔ روس در طهران

﴿ تلگراف سوسیتهٔ ایرانیان درلندن ﴾

طهران　　　رضاشاه پهلوی

۱۷ دسامبر ۱۹۲۵

نمرهٔ ۲۱

تبریکات فائقهٔ را تقدیم و دوام عمر آن اعلیحضرت را برای رهنمائی آن کشور معظم آرزومند است　　　انجمن ایرانیان

﴿ تلگراف از بمبئی بطهران ﴾

مورخه ۱۴ـ۱۲ـ۲۵

از بمبئی بطهران　　اعلیحضرت رضاشاه پهلوی

انجمن اخوت زرتشتیان بمبئی تبریکات صمیمانهٔ خود را در اینموقع تقدیم خاکپای اعلیحضرت مینماید　　　رئیس انجمن

﴿ تلگراف مصر ﴾

۱۴ـ۱۲ـ۲۵

نمرهٔ ۲۴ طهران　　اعلیحضرت رضاشاه پهلوی

باکمال سرور سلطنت آن شاهنشاه معظم و زنده شدن ایران را تبریک عرض میکنیم　　مهدی مشگی رئیس اطاق تجارت ایرانیان

﴿ تلگراف از منچستر ﴾

۱۴ـ۱۲ـ۲۵　نمرهٔ ۹

دربار اعظم طهران شاهنشاهی مبارك عموم ایران　　　رضا حریری

﴿ تلگراف بصره ﴾

۱۴ـ۱۲ـ۲۵

نمرهٔ ۲۴　　اعلیحضرت رضاخان پهلوی طهران

انجمن زرتشتیان بصره تبریکات صمیمانهٔ خودشانرا بمناسبت جلوس اعلیحضرت

به تخت سلطنت ایران تقدیم میدارند و امید ترقی و تعالی در سایهٔ اعلیحضرت دارند

(تلگراف از نیویورك)

۱۸ـ۱۲ـ۲۵

نمره ۲۸

تبریکات صمیمانهٔ خود را به پیشگاهٔ آن اعلیحضرت که غصن برومند سلالهٔ ساسان است تقدیم نموده و از آهورامزدا مسئلت مینماید که ایران نوین را برکت دهد

ذ. دستور باوری دار العلوم کلومبیا در آنازونی

(اصول اصلاحات یا علل تمرکز افکار)

در اینموقع که هزاران اسناد کتبي و تلگرافی از برابر چشم ما میگذرد و مطالعات دقیقانهٔ ما را بطرف امواج اوراق تهنیت وتبریك معطوف میدارد فکر دیگری نیز در مخیلهٔ ما در جریان است و میرود وارد مبحث مخصوصی گردیده و از این اوراق صرف نظر نماید.

موازنهٔ احـوال و مقـایسهٔ اوضاع مسئله مخصوصی است تا کنون دلائل اعراض و انقطاع ملت ایران از سلسلهٔ قاجاریه را بدست آورده و نکات اجتماعی و روحی آنرا از نظر گذرانیده و اسراریرا که در پس پردهٔ سیاست مرموز بود در سطور اوراق تاریخی خود کشف کردیم ولی تا کنون این نکته را بطور لازم تعقیب ننمودیم کـه چه اسراری باعث توجه عقاید و افکار بطرف (اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران) گردیده ؟ واین جریان نتیجهٔ چه عملیاتي بوده است ؟ آیا ثمرهٔ رشد اجتماعی و بلوغ سیاسی ملت ایران بوده یا موجبات دیگری داشته است ؟

گر چه بیش وکمی در طی ثبت وقایع این نکته بدست آمده که عقاید

ملت ایران از همان زمانی که بر علیه دودمان قاجاریه تجهیز میکرد تکیه گاه با عزم و ثباتی را نیز برای خود تفتیش و مصداق منویات خودرا بشخص پهلوی تطبیق مینمود ولی این اندازه کافی برای مقصود نیست ولازم است یك نظر اجمالی بوقایع پنج سالهٔ ایران نموده و مقصود خودرا بیان نمائیم.

حادثهٔ شب سوم حوت که غفلتاً در مرکز ایران ظهور کرد در موقعی بود که تمام نقاط ایران از شرق و غرب و شمال و جنوب و مرکز در زیر ولکان هرج ومرج ودر تاریکی اختلال اداری واجتماعی میگذرانید. گیلان و آذربایجان و کردستان و پشت کوه و لرستان و خوزستان وخراسان و استرآباد یکسره در زیر آتش بیداد هرج ومرج وقتل وغارت سوخته و نوامیس عمومي و خصوصی دستخوش تطاول اشرارو جنایتکاران بود!

در یك چنین موقعی شاهنشاه ایران پس از مطالعهٔ تمام جزئیات و کلیات حوادث و فجایع جاریهٔ ایران با یك قسمت از دیویزیون قزاق (فوج پیاده و تیپ عراق و فوج سوارو باطری توپخانه) شبانه طهران را اشغال وبلا فاصله زمام ریاست کلیهٔ دیویزیون را در دست با اقتدار خود گرفت از همین ساعت ایران شروع کرد در تحت ریاست و سرپرستی شاهنشاه ایران (پهلوی) دارای قشون متحدالشکلی بوده باشد

(در حالتیکه اختلاف الوان و اقسام قشون در ایران خودیکی از موجبات اختلال وباعث تقویت روح عصیان و تمرد بود سیاستهای مخصوص این دسته های مختلف را ایجادمیکرده!.)

ساعات پشت سر هم میگذشت و این فکر از یك مغز قوی با عزم راسخ می تراوید ولیکن مسئلهٔ عدم توازن بودجهٔ دولتی وکسر عایدات و اصول هرج و مرج و یغماگری در خزانهٔ ملت ایران نکتهٔ بود که کمر هر باعزمی را خم و زانوی توانای هر سیاستمداري را بخاك می نشاند

دو طرح و دو فکر در آن واحد از پرده های مغز حساس و توانای شاهنشا ایران ظهور کرد

بر انداختن اصول هرج ومرج ملوك الطوایفی و اجرای اصول مرکزیت توازن

بودجه و ترمیم کسر عایدات
تصمیم عملی کردن این دو فکر گرفته شد ولی متاسفانه درهمین ساعاتیکه پرده های مغز مشغول تهیهٔ اصول اساسی اصلاحات بود طهران کاملاً در تهدید حملات یا شبیخون اشرار گیلان (متجاسرین) امرار حیات مینمود !.
لازم بود اولین قدم برای امنیت مرکز برداشته شود شاهنشاه ایران از یکطرف طرح و شالودهٔ تهیه قشون متحد الشکل را ریخته وبریگاد مرکزی و ژاندارم را ضمیمه قزاق نموده و قوه متحد الشکلی را ایجاد و شروع به تشکیلات جدیده قشون کرد واز طرف دیگر در میدان کار زار شخصاً مشغول جنگ وجدال بود تا در برج عقرب ۱۳۰۰ طهران از مخاطره برآسود واشرار گیلان بدوره خودسری خاتمه داده و از پای در آمدند در همین دقائق در آذربایجان ولولهٔ غریبي بر پا بود واشرار دست از آستین بیداد در آورده وتمام نقاط شمال غربی در زیر شعله های خانمان سوز دود خود را بآسمان بالا میبرد ودسته های مسلح از هر طبقه عرصه را بطوری تنك گرفته بودند که شهر نشینان آن منطقه نیز از اوطان خود فرار مینمودند !.
این حادثه نیز بطور مطلوب بپایان رسید و در همین اوان گذارشات خراسان نیز خاتمه یافت و ارادهٔ شهریاری معطوف تسخیر منطقهٔ جنوب و بنادریکه سالیان دراز با مرکز رابطهٔ نداشتند گردید و خود در عرصهٔ گیرودار جنك حضور یافت چیزی نگذشت خوزستان ولرستان نیز بادست قشون منظم بتصرف مرکز درآمد واشرار بلوچستان نیز تأدیب شدند و کرمان از تهدید برآسود و بالجمله رب النوع خودسری و ملوك الطوایفي بتمام معنی تأدیب شد و ازایران زمین رخت بربست وبیرق ایران در سرتاسر نقاط سرحدی باهتزاز درآمد و آلات قتاله از دست اشرار گرفته شد وخلع سلاح عمومی درایران زمین امنیت بخشید و بازار تجارت رونقی گرفت و قوافل بیکدیگر متصل گردیدند وبرای حرکت شب و روز مساوی بود
این وظیفه با بهترین اسلوبی خاتمه یافت مستشاران امریکائی که تا کنون

با یك صمیمیتی ادای وظیفه کرده اند استخدام شدند و در نتیجهٔ فداکاری و وظیفه شناسی مالیه ایران رنك و رونقی گرفت و اصول یغماگری و تاراج بامانت داری و مسؤلیت مبدل شد و بودجه توازن گرفت و خزانهٔ دولت ایران که همیشه مانند دل عاشقان جز از آه چیزی نداشت بنا کرد برای خود سیم و زری ذخیره نموده و در ردیف دول از حیث تعادل وتوازن دخل و خرج همسری نماید

در آن ساعاتیکهٔ مستشاران امریکائی وظیفه شناس مشغول مطالعه وطرح اصلاحات اقتصادی بودند بزرکترین فکری که میتوانست امنیت را پایدار و آسایش را بملت ایران ارزانی داشته و نه تنها از حیث تامین جانی بایران مساعدت نماید بلکه برای حیات اقتصادی ایران از ضروریات اولیه بشمار میرفت عبارت از تسطیح طرق و اتصال نقاط بیکدیگر بود

راههائی که تا کنون تسطیح شده بقرار ذیل است

- از طهران بدماوند
- دماوند بفیروزکوه
- فیروز کوه بسمنان
- فیروز کوه ببارفروش
- سمنان بدامغان
- دامغان بشاهرود
- شاهرود باسترآباد

—

از مشهد بقوچان

- از قزوین بزنجان
- زنجان بآذربایجان ✲

- از قم بدلیجان
- دلیجان بخمین
- خمین بعراق

—

- بروجرد بمحمره
- بندرعباس بکرمان
- کرمان باصفهان
- اصفهان بشیراز

✲ راههای داخلی آذربایجان که تمام نقاط را بهم متصل کرده است قبلا یاد داشت شده است دیگر محتاج بتکرار نیست

این مسئله نیز در اسرع اوقات صورت گرفت و تمام راه ها ساخته شد نه تنها قشون توانست نقاط دور دست را تسخیر و یا روح اقتصاد را بجامعه ایرانی حلول دهد بلکه بنا کرد که تمدن با بیرق ایران دوش بدوش راه رفته و مدرسه های نظامی و فنی و اقتصادی نیز دائر گردد

نظام بنا کرد برای خود اساسی را اتخاذ و روح امنیت را از هر جهة پایدار بدارد تلگراف بی سیم کشتی جنگی - اتومبیلهای زره پوش - و بحاری - و تانک پروانه های رزمی (طیاره) ولوازمات حربیه و مؤسسه شیرو خورشید سرخ وکارخانجات حربی وصنعتی بنای تاسیس و تکمیل را گذاشته واعزام محصلین باروپا یکی از آن مسائل فوق العاده مهمی است که آتیهٔ نسل آینده را تامین و ملت خواب آلودهٔ ایرانرا بیدار وبطرف این حقیقت سوق میدهد که ایران روزی باید باین نکته ایمان آ رد که بالضروره مسائل حیاتی را علما حل کرده و برای کار آدم و برای زندگانی آلت ایجاد نماید و باین مسئله پی ببرد که ایران بایستی زندگانی متحد الشکل اداری را پیش کشیده و در ردیف ملل حیه قرار گیرد وتمام این مسائل در ظرف مدت محدود و موقت سر گرفت و بدون اینکه ایران محتاج باستقراض خارجی گردد ویا منابع ثروتي خودرا از دست بدهد باعایدات داخلیهٔ خود که در زیر پنجهٔ تطاول طراران زبردست و سیاست عناصر نالایق از بین میرفت اداره شود

منظرهٔ دلخراش طهران ومیدان سپه وعفونت پشت گردهای کنار توپخانه وباتلاق های خطرناك خیابانها مسائلی بودند که تاریخ چگونگی آن راضبط کرده است همینکه از تطاول بیت المال جلو گیری شد در نتیجهٔ دستور و راهنمائي های مخصوص شاهنشاه ایران وماموریت سرهنك کریم آقاخان بوزرجمهری کفیل بلدیه طهران بفوریت تغییر قیافه داده و بزیبا ترین منظره تبدیل یافت خیابانهاساخته شد و چراغ برق نصب گردید روح نظافت پدیدار گشت

ازهمه بالاتر مسئلهٔ تامین ارزاق عمومي وخشك سالی وبی حاصلی یکی ازحوادث

خطرناك سال ۱۳۰٤ بود که میرفت یك مرتبهٔ دیگر داستان فجایع بار سال دمپختکی را در ایران زمین تجدید نماید و برای نشان دادن اندازهٔ عظمت این معمّای لاینحل فقط به دوازدهمین راپرت سه ماههٔ رئیس کل مالیهٔ ایران (دکتر میلسپو) قناعت مینمائیم که روی هم رفته نشان میدهد تقریباً پانزده کرور تومان بدون اینکه دولت احتیاج باستقراض خارجی پیدا کند برای تامین ارزاق وزراعت سال ۱۳۰٤ بمصرف رسانیده وقسمت اعظم این مبلغ از راه فروش گندم های خریداری دولت مسترد شده در حالتیکه سال مجاعه باهمین بودجه مطابق احصائیه ده هزار نفر درطهران فقط ازگرسنگی جان دادند واحمد میرزا انبار داری مینمود!.

(دوازدهمین راپورت سه ماههٔ رئیس کل مالیهٔ ایران

خدمت جناب مستطاب اجل آقای وزیر مالیه دامت شوکته

باکمال افتخار دوازدهمین راپورت سه ماههٔ خود را که شامل ماههای تیر- مرداد و شهریور ۱۳۰٤ است (۲۲ ژوئن - ۲۲ سپتامبر ۱۹۲۵) تقدیم میدارد.

تقریباً در تمام سه ماههٔ مذکور این جانب از ایران غایب بوده و مستر گر رئیس محاسبات کل وقت کفالت ریاست کل مالیه را داشته اند.

در مدت مذکور اداره کردن امور ارزاق را که دچار بحران شدید گشته مهمترین وظیفه ما بوده است.

امسال در عمل ارزاق شهر طهران اشکالات و محظوراتی موجود است که تاریخ ارزاق نظیر آن را نشان نمیدهد.

حداکثر گندم و جویکه هذه السنه ادارهٔ ارزاق از حوزهٔ طهران بدست خواهد آورد ۲۰۰۰۰-۲۰۰۰۰ خروار است ولی از طرف دیگر ۱۷-۰۰۰

خروار گندم و ۳۰۰۰ خروار جو باید بورامین و بعضی بلوکات دیگر برای بذر و آذوقهٔ رعیت داد والا عمل زراعت آینده معوق و رعایا بواسطهٔ فقدان آذوقه در زمستان متفرق خواهند شد.

بنا بر این کلیه ۲۰۰۰۰ خروار جنسی که در حوزهٔ طهران بدست می آید باید بمصرف بذر و مساعده رعایای حوزه زراعتی برسد. شاید بتوان منتها هزار خروار از جنس بلوکات طهران را بمصرف ارزاق شهرطهران رساند در صورتی که در سنوات عادی از بلوکات طهران ۸۰۰۰ خروار جنس برای ارزاق شهر تحصیل می شد.

معمولاً صدی ۷۰ گندمیکه برای نان پایتخت لازم است از بلوکات طهران تدارك میشد ولی هذه السنه گندم بلوکات طهران فقط صدی یك و ربع مقدار معمولی و کمتر از صدی یك کلیهٔ مقداری است که برای آذوقه پایتخت لازم میباشد.

در سنوات عادی کلیهٔ مقدار جویکه برای شهر لازم است از بلوکات طهران تحصیل میشد ولی امسال لا اقل ۱۲۰۰۰ خروار جو باید از سایر نقاط بطهران حمل کرد.

در سنوات عادی سی الی سی و پنج هزار خروار گندمیکه اضافه بر گندم بلوکات باید برای ارزاق طهران وارد کرد از ولایات مجاور بدست میآمد ولی امسال نظر بآفت زدهگی محصول در ولایات مزبوره لازم شده است از نقاط دور دست مثل کرمانشاه، مشهد، و ماکو جنس آورد بعلاوه مجبور شدهایم از روسیه و هندوستان گندم خریداری کرده از راه بندر پهلوی و بین النهرین وارد نمائیم.

گذشته از طهران در سایر شهر های بزرك نیز کار خیلی سخت است از جمله قم و کاشان که معمولاً چهار هزار خروار جنس از خارج لازم داشتند در هذه السنه هر یك محتاج به ۱۰۰۰۰ خروار غله میباشد شهر قزوین که جنس خارج لازم نداشت امسال به دههزار خروار احتیاج

پیدا کرده . سمنان و دامغان که در سنوات عادیه ۳۰۰۰ خروار جنس کسر داشته هذه السنه ضرورت به ۷۰۰۰۰ خروار پیدا کرده اند همدان که معمولاً ۵۰۰۰ خروار غله از خارج لازم داشت محتاج به ۱۵۰۰۰ خروار است .

کسر محصول در کلیهٔ ولایاتیکه فوقاً ذکر شد باستثنای همدان واقعیت دارد و باین لحاظ باید اقداماتي برای جبران آن بعمل آورد تا اینکه خطر قحطی روی ندهد . شهر همدان نباید بیشتر از سه هزار خروار کسر داشته باشد ولی عدهٔ از ملاکین و تجار طماع در صدد بر آمده اند از این موقع خطرناك استفاده نموده و بضرر اهالی شهر منافع عمده ببرند.

برای تحصیل حق انتفاع از اهالي همدان اشخاص فوق الذکر پیشنهاد کردند خرواری یکتومان هم بدولت بدهند . این تقاضا قبول نشد و هر چند خودشان معترف بودند که تقریباً باندازهٔ مایحتاج همدان جنس موجود است ولی فورا بین ملاکین مشغول تحریکات و تبلیغات جدی شدند تا بالنتیجه غلهٔ خود را بوسایل مختلفه مخفي نمودند و بامید اینکه قیمت گندم و نان را بالا ببرند از هیچ گونه اهتمام برای منع از فروش گندم برای خوراك اهالی خود داری ننمودند .

با اینکه در جلب منافعی که منظورشان بود موفق نشدند ولی عملیات آنها حمل مقادیر زیادی جنس را از کرمانشاه واسفند آباد بهمدان ایجاب نمود .

این قضیه بخصوص نه برای آن ذکر میشود که یك موضوع استثنائی است بلکه نمونهٔ از اعمال بسیاری از ملاکین است که میخواهند از کسر محصول گندم سوء استفاده نمایند . بطور کلی قیمت گندم تقریباً صدی بیست ترقي داده شده ولی این تکثیر قیمت آنها را بهیچ وجه قانع نساخت برای اینکه ازدیاد قیمت گندم و اضافهٔ مخارج حمل و نقل آن تا یك اندازه جبران شود قیمت نان در طهران از یکمن ۲۰-۲ قران به ۶۰-۲

ترقی داده شد.

صورت جنسی که در هذه السنه محتاج الیه میباشد بقرار ذیل است.

ایالات و ولایات	گندم و جو
طهران ونواحی آن	۱۳۸_۰۰۰
همدان	۱۵_۰۰۰
قزوین	۱۰_۰۰۰
کاشان	۱۰_۰۰۰
قم	۱۰_۰۰۰
سمنای ودامغان	۷_۰۰۰
جمع	۱۹۰_۰۰۰

غلهٔ محتاج الیه بقرار ذیل تدارك میشود:

محل تدارك جنس

	خروار	فی تومان
اضافهٔ جنس درطهران وایالات در سر خرمن	۱۵_۰۰۰	۲۷
بلوکات طهران	۲۰_۰۰۰	۲۷
آذربایجان ازراه زنجان وآستارا	٤۰_۰۰۰	۳٦
زنجان	۱۸_۰۰۰	۲۷
خمین وغیره	۲۰_۰۰۰	۲۷
ملایر نهاوند وبروجرد	٥_۰۰۰	۳٦
کرمانشاه	۱۰_۰۰۰	۳٦
خراسان	٤_۰۰۰	٦۰
کردستان اسفند آباد	٤_۰۰۰	۲۷
روسیه	٤۰_۰۰۰	۳٦
هندوستان	۱٤_۰۰۰	٦۰
جمع	۱۹۰_۰۰۰	خروار

براي دانستن خرج تخمینی کل خریداری اجناس وارد طهران بایستی مقدار جنس را بقیمت خروار ضرب کرد ازاینقرار مبلغ کل این ۰۰۰–۱۹۰ خروار تقریباً ۰۰۰-٦٥١-٦ تومان میشود

احتمال میرود که ذخیره یاموجودی در رأس خرمن آینده خیلی زیاد تر باشد زیرا بمحض اینکه مالکین فهمیدند نان شهرهای عمده تامین شده است محتملاً حاضر خواهند شد گندم خودرا بقیمت زیادی که در هذه السنه ابتیاع میشود بفروشند تا از ضرریکه در سال آتیه از برگشت قیمت گندم بحال عادی متوجه آنها خواهد شد مصون بمانند ومیتوان از هرحیث امیدوار بود که در رأس خرمن آتیه یا در شرف آن پیش بینی مذکوره صورت وقوع پیدا کند

کلیهٔ علائم وآثار دلالت برخوبي محصول سنهٔ ۱۳۰۵ دارد. اقداماتیکه براي اعدام سن در حدود ورامین بعمل آمده کاملاً رضایت بخش میباشد و در ضمن تفتیشات مکرریکه اخیراً شده معلوم گردیده است در واقع دیگر سن زنده درکوهها یافت نمیشود. بارندگی بموقع وباندازه واستدام هوای ملایم چنین مفهوم میکرد که در ماههای زمستان هم عمل بذرکاري رابخوبی میتوان ادامه داد. تمام اینها امارات ودلائلی هستند که میتوان بمحصول سنه ۱۳۰۵ امیدوار بود چه غلهٔ که احتکار شده است در آنوقت بمعرض فروش آمده وازقیمت آن بمقدار مهمی کاسته خواهدشد مسئله حیاتی هذه‌السنه تهیه گندم نیست بلکه تهیه وسائط نقلیه‌است درسنوات عادی تقریباً ۰۰۰-٤٦ خروار جنس بایستی برای طهران و سایر ولایاتیکه احتیاج بوارد کردن گندم دارند حمل نمود. نقشه هذه السنه برای حمل گندم ایجاب مینماید که درحد اقل تقریباً ۰۰۰–۱۸۰ خروار یا بعبارت اخری چهار برابر سنوات عادی جنس حمل نمائیم.

احتیاج بوسائط نقلیه شاید تقریباً شش برابر سنوات عادی باشد زیرا

در حالتیکه چهار برابر سنوات عادی باید جنس حمل نمائیم از طرفی هم براههای طولانی‌تر باید پیموده شود تاغله بمقصد برسد ولهذا عدهٔ زیادتری دواب و عرابه لازم خواهد بود. معمولاً غله از بعضی ولایات از قبیل خمسه وخمین حمل بطهران میشد و رفتن و برگشتن دواب به این نقاط تقریباً سی الی چهل روز طول میکشد ولی امسال از نواحی دور دست آذربایجان و خراسان و سرحدات گیلان و کرمانشاه وارد میکنیم که گاهی برای یك دوره مسافرت یعنی رفتن وبرگشتن پنجاه الی شصت روز که دوبرابر مدت سنوات عادی است لازم خواهد بود.

فعلاً ۲۰۰۰۰-۲۰۰۰۰ شتر برای حمل تقریباً ۱۰۰۰۰-۱۰۰۰۰ خروار و معادل ۱۰۰۰۰-۱۰۰۰۰ خروار وسایل نقلیه چرخ دار تحت اختیار خود داریم که مجموعاً میتوانند ۲۰۰۰۰-۲۰۰۰۰ خروار حمل کنند پس از آنکه مسافتهای بعیده وهوای بدرا درمد نظر بگیریم و مقدار محدودیهم ازوسائط نقلیهٔ فوق را بجهة حمل مال التجاره های ضروری و محصول صیفی اختصاص بدهیم میتوان مطمئن بود که تقریباً از ده تا یازده هزار خروار ممکن است هر ماه بوسیله شتر و عرابه بطهران وارد شود این مقدار برای احتیاجات ضروری شهر درصورتیکه موانعی پیش نیاید کافی خواهد بود ولی برای تهیهٔ ذخیره باندازهٔ نیست که احتیاطاً در زمستان اگرراهها مسدود و حمل و نقل غیر محدود شد بکار رود و همچنین در بهار که بعلت تعلیف شتر ماهیانه حمل پنجهزار خروار جنس معوق میماند ذخیره موجود باشد.

و نیز لازم است برای تسریع حمل گندم های روسیه و آذربایجان که وارد بندر پهلوی میشود اقداماتی بعمل آورم باین سبب که اگر تاخیری رخ دهد خسارت کلی وارد خواهد شد زیرا که ممکن نیست درهوای گرم و مرطوب گیلان گندم را تامدتی نگاهداشت

از مطالعات دقیقی که بعمل آمده است معلوم میشود اگر بخواهیم از

قحط و غلا جلوگیری کنیم باید وسائط نقلیهٔ کافی اضافه برآنچه موجود است تحصیل نمائیم . برای اینکه از هر گونه پیش آمد سوئی جلوگیری شود قرار براین شد که وسائط نقلیهٔ اضافی برای حمل اقلاً ماهی چهار هزار خروار جنس علاوه تدارک شود وبابن واسطه هیئت وزراء عظام خرید اتومبیل های بارکش و تراکتور را برای حمل این مقدار جنس اضافی تصویب فرمودند

ونیز مقرر داشتند بقدر لزوم رانندهٔ اتومبیل و مکانیک چی از خارجه استخدام شود زیرا عدهٔ کافی اتومبیل چی مجرب و ماهر که بتوانند اتومبیل های باری بزرک را برانند در ایران موجود نیست .

قبل از طبع این راپرت احتمال دارد اقلاً پنجاه دستگاه اتومبیل باری وارد شده باشد ، مجموع عدهٔ که قرار خرید آن داده شده عبارت است از صدو بیست اتومبیل بارکش و ۱۵ تراکتور و ۶۰ تریلر و تقریباً چهار صد و پنجاه هزار تومان برای این مقصود بمصرف خواهد رسید .

اگرچه این مبلغ معتنابه است ولی در مقابل نتایجی که برای جلوگیری از قحط وهلاکت بني نوع بشر مترصدیم اهمیتی ندارد .

مردم عموماً متذکر این نکته نیستند که محصول ایالتی طهران در عرض دوسال اخیر ازمحصول سنهٔ مجاعه که درهفت سال قبل باعث اتلاف هزاران نفوس شد بمراتب بدتر بوده است .

در سال مجاعه از بلوکات طهران علاوه بر بذر وآذوقهٔ رعیت ۴۵-۰۰۰ خروار جنس برای آذوقهٔ شهر طهران حمل شد .

ولي سال گذشته وامسال بعضی از بلوکات اطراف طهران هم محتاج به بذر بوده اند وهم آذوقه و مقداری بذر و آذوقه که امسال برای بلوکات غله خیز لازم است تقریباً باندازهٔ تمام جنسی خواهد بود که ادارهٔ ارزاق در ایالت طهران بدست آورده است .

سال گذشته از بلوکات طهران ۳۵-۰۰۰ خروار جنس برای مصرف

شهر طهران بدست آمد یعني ده هزار خروار کمتر ازمیزان جنسی که در سال مجاعه تحصیل شده بود .
امسال بلوکات طهران درحد اکثر یکهزار خروار جنس برای مصرف طهران خواهند داشت درصورتیکه میزان احتیاج شهر یکصد و ده خروار گندم ودوازده هزار خروار جو میباشد . مقدار مزبور کمتر ازصدی یك احتیاجات طهران است .
ارقام فوق الذکر را هرگاه برای مقایسه برابر کنیم موجب وحشت می شود .
الف)ـ در سنوات عادی بلوکات طهران هشتاد هزار خروار یاصدی ۷۰ مقدار محتاج الیه طهران را که اکنون یکصد و ده‌هزار خروار است تهیه و بعلاوه احتیاجات شهر را از حیث جو کاملاً تدارك مینمود .
ب) ـ در سنهٔ ۱۹۲۷ که سال مجاعه بود بلوکات طهران ۰۰۰ـ۴۵ خروار گندم بارزاق طهران تحویل دادند که بعبارة اخری صدی چهل و پنج از نود و نه هزار خرواری است که مصرف سالیانه ارزاق آن اوقات بود .
ج) ـ درسال ۱۳۰۳ از بلوکات طهران سی و پنج هزار خروار که صد سي ودو احتیاجات آن سال باشد برای ارزاق شهر دریافت شد یعنی ده هزار خروار کمتر از جنسی که درسال مجاعه وصول شده بود .
د) ـ درسنهٔ ۱۳۰٤ بلوکات طهران تقریباً یکهزار خروار برای ارزاق مهیا دارد و این کمتر از صدی یك احتیاجات ارزاقی طهران و معادل صدی یك و یك ربع مقداری است که از بلوکات طهران معمولا برای ارزاق مساعدت میشود .
مقدار جنسی که امسال از بلوکات طهران بمصرف خوراك میرسد صدی دو ویك ربع مقدار جنسی که میباشد که درسال مجاعه رسید یعني سالی که هزار ها نفوس در معابر وخانه ها ومزارع بواسطهٔ فقدان نان تلف شدند .

باوجود اشکالات غیر قابل تصوریکه در این موقع پیش آمده است امید میرود و معتقد هستیم که سرویس ارزاق در اثر اقدامات سریع و مآل اندیشی هائی که نموده است نه تنها از قحط و غلا جلوگیری بعمل آید بلکه الی خرمن آینده نان کافی و ماکول بمردم داده شود .

درروی این مقدمات فداکارانهٔ شاهنشاه ایران بود که دولت توانست نفوس را از مخاطره حفظ ونگرانی عمومی را رفع وباعلامیه ذیل اذهان را ازتشویش آسوده نماید . ودرنتیجه یك چنین عملیات حیرت‌انگیز بودکه مردم بامقایسهٔ اوضاع اسف انگیز سال مجاعه بسنهٔ ۱۳۰٤ ازروی ایمان و عقیده خود را به پناه اعلیحضرت پهلوی کشیدندومجلس مؤسسان بایك‌علاقه مندی وامیدواری و دیعهٔ ملت را باعلیحضرت پهلوی تفریض نمود

(اعلان حکومت طهران)

کاهی شنیده مي شود که بعضي ها راجع به عمل ارزاق طهران اظهار نگرانی مي نمایند برای اینکه هر گونه توهمی از این حیث مرتفع شده باشد محترماً به اطلاع عامه میرسانم که اگر چه مقتضیات طبیعی و نیامدن محصول در هذه السنه موجبات عسرت و تضییق را برای کار گذاران دولت فراهم ساخته و اگر چه ادارهٔ ارزاق جنسی را که مطابق معمول سنوات ماضیه باید از محصول اطراف طهران و غیره وارد انبار نماید بواسطهٔ خشك سالی موفق نگشته وطبعاً ایجاب مشکلات وزحمت‌شده است . ولي با وصف تمام این مراتب و با وجود تمام مشکلات مترتبه اهالی طهران که فعلا در تحت سرپرستی و توجه مستقیم یکتا قائد ایران صاحب اختیار کل مملکت و بندکان والا حضرت اقدس اعظم روحنا فداه زندگانی مینمایند باید مطمئن و منتظر باشند که حفظ آسایس آنها با تمام دقایق منظور نظر والا بوده و بهمین لحاظ در تأمین ارزاق طهران تا آخر پیش بینی های، غیر قابل تردید را مقرر فرموده اند

صرف نظر از اجناسی که از خارج ایران خریداري شده و بتدریج وارد طهران خواهد شد از نقاط داخلی نیز در تهیهٔ جنس اقدامات کافی بعمل آمده مرتباً جنس های مزبور از همه جا وارد و همین است که یومیه به مصرف خوراك اهالی میرساند

و به اضافه اوامریکه بتمام فرماندهان نظامی و امراء لشکر ولایات در مساعدت با مامورین ارزاق شرف صدور یافته و مامورین مستقیمی که قبلا به کلیهٔ نقاط اعزام و اقدام به خریداری وتهیهٔ جنس وافي کرده اند و همین طور با تهیهٔ وسائط نقلیه که بقدر کفایت موجود و مشغول حمل و نقل جنس هستند قطعاً هیچکونه توهم و نگرانی مورد نخواهد داشت و کلیهٔ اهالی طهران باید بدانند که تامین رفاهیت آنها همیشه بر آسایش خواص بارکاه عدالت مرجح خواهد بود

در اینصورت اگر در انبار دولتي بتفاوت روز و اختلاف میزان حمل و نقل جنس وارد شود و یا اتفاقاً اگر یك روز مختصر نکثي در کار جنس طهران پیش آید مورث هیچگونه توحش و نگرانی نیست زیرا این نکث فقط مربوط بیك روز است و ارتباطی به جنس تا آخر سال نخواهد داشت

علت هم این است که صرف نظر از اینکه بر طبق معمول سنواتی جنسی که باید درسرخرمن وارد انبار شود بواسطهٔ خشك سالي ذخیره نشده نان اطراف طهران هم حتی تا قزوین فعلا باید از واردات کنونی طهران داده شود باین ملاحظه نکث یك روز جنس با تهیاتی که از هر حیث و هر جهة و از داخل و خارج بعمل آمده مربوط به جنس تا آخر سال نخواهد بود با تذکار مراتب فوق و تشریح وضعیات ارزاق طهران بر حسب امر مطاع مبارك ارواحنا فداه مطمئناً بتمام اهالی اعلام میمایم که موجبات آسایش و عدم نگرانی آنها کاملاپیش بیني شده و ازهر جهة مطمئن و مستظهر باشند

حاکم نظامی طهران و توابع عبدالله امیر طهماسب

کلیهٔ این مسائل اسراری بودند که افکار عمومی را بطرف شاهنشاه ایران (پهلوی) جلب و مرکزیت می داد این بود که دیگر زمانه نتوانست زیاد تر از این تحمل کرده و رأفتی بحال ایرانی نماید مانع را از بین بر داشت و شالودهٔ تازهٔ را استوار کرد و عقاید و افکار را بطرف ترقی سوق داد و یکنوع انقلاب اجتماعي را در مملکتی که ضرب المثل به (شهرستان مردگان) بود ایجاد و ملت ایران را برستاخیز زندگانی کشانید و در رأس تمام قضایا موازنهٔ بودجه و تعادل دخل و خرج و پس انداز و ذخیره یکی از شاهکار های دورهٔ با عظمت و مجد مملکت داری شاهنشاه ایران بود که نه تنها ایرانی بلکه چشم دنیا را بطرف ایران متوجه و انظار را خیره نمودچه آنکه تا کنون ایرانی زاروزبون پریشانی دولت بود که متاسفانه بیت المال را صرف شهوت رانی و جنایت کاری می نمودند اینك آن دوره سپری گردیده و روزکار دیگری پیش آمده است که در چندصباحی بایرانی اجازه مبارزهٔ حیاتی بخشیده درحالتیکه روزگار درازی ایران دراعماق درههای تیره بختی گذرانیده ودستهای آلوده بجنایت با مقدرات عمومی بازی کرده و نوامیس ملی در معرض تاراج بود!.

قرض های خانه بر انداز! و ثیقه های استقلال بر باد ده! برای ایران جز از فنا و انقراض چیز دیگری تهیه نمی کرد و از مطالعهٔ متن استقراض ۱۹۰۲ یك رشته حقایقي مشهود شما خواهد گردید.

(استقراض)

قرار داد قرضهٔ ۱۹۰۲ ایران از روسیه

بین امضا کنندگان ذیل از یك طرف حضرت اجل میرزا حسن خان مشیر الملك سفیر فوق العاده و وزیر مختار اعلیحضرت شاه ایران وازطرف دیگر بانك استقراضی ایران مراتب ذیل مقرر شده است:

فصل اول ـ دولت علیهٔ ایران بنا بر فرمان اعلیحضرت شاهنشاهی مورخه ۲۰ ذیحجه ۱۳۱۹ (۱۸۳۱ مارس ۱۹۰۲) اقدام باعلان قرضهٔ دولتی خواهد نمود اسماً بمیزان ده میلیون منات (یك منات عبارت است از ۱ ـ ۱۵ امپریال که موافق قانون مسکوکات مورخه ۱۹ـ۷ ژوئن ۱۸۹۹ محتوی هفده دل و چهار صد و بیست و چهار هزارم آن طلای خالص میباشد)

سود این قرض از قرار صدي پنـج بسرمایهٔ اسمی تعلق خواهد گرفت و موسوم خواهد شد به قرضهٔ ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا و در مدت ۷۵ سال مستهلك خواهد گشت

فصل دویم ـ بانك استقراضی ایران ملتزم میشود بمحض اینکه این قرار داد فقط بامضاء برسد قرضهٔ ایران را که اسماً ده ملیون است بمبلغ ۰/ $\frac{۲}{۳}$ ۸۶ از سرمایهٔ اسمی بعد از وضع (۰/ $\frac{۲}{۳}$ ۱) بعنوان مخارج طبع و نشر و تمبر اسهام و غیره یعنی بقیمت معین ۸۵۰/ یا بعبارت اخری ۸.۵۰۰.۰۰۰ منات باضافهٔ سود زمان گذشته قبول نماید و الحال هم قبول میکنند .

فصل سیم ـ دولت علیه برای تمامی مبلغ قرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا بزبان فارسی و روسی سندی کلی خواهد بود که امضاهاي قانونی ایران را دارا خواهد بود . سند مزبور در سن پطرز بورغ تسلیم ادارهٔ بانك استقراضي ایران خواهد شد که تا زمان استهلاك قطعي آن بانك مذکور در بانك دولتي روسیه امانت خواهد گذارد .

فصل چهارم ـ قرضهٔ ۱۹۰۲ ایران ۵ ۰/ طلا دارای همان تامینات خواهد بود که برای قرضـه ۱۹۰۰ ایران ۰/۵ طلا معین شده است یعنی عایدات کلیهٔ گمرکات ایران باستثنای گمرکات فارس وبنادر خلیج فارس تضمین آنرا خواهد نمود.

عایدات گمرکات عبارت است ازعایدت گمرکات موجوده (گمرکات دولتی و گمرکاتیکه باجاره داده شده است) وهمچنین گمرکاتي که در آتیه مقرر شود.

مخصوصاً تصریح میشود که قرضهٔ حاضر و همچنین قرضهٔ ۱۹۰۰ ایران ۵ ٪ طلا بر تمام دیون دیگر حق اولویت مطلق به قسمتی یابکلیه عایدات گمرکات مذکوره در فوق خواهد داشت چه آنکه دیون مزبور در نتیجهٔ قراد های قبل از این قرارداد یا در نتیجهٔ قراردادهائی باشد که فعلاً یابعداً منعقد شود .

فصل پنجم ـ کلیهٔ عایدات گمرکات دولت علیهٔ مذکوره در فصل چهارم تحویل بانك استقراضی ایران خواهد شد که در مدت ۷۵ سال اقساط هرشش ماه را که عبارت است از ٪ ۲-۵۶۳-۱۲۳ از سرمایهٔ اسمی باضافه ٪ $\frac{1}{4}$ حق العمل دفتری از قسط مزبور برداشت خواهد نمود یعنی مبلغ ۱۰-۹۵۳-۲۵۶ منات درهرشش ماه از اول ژوبه ۱۹۲۰

فصل ششم ـ هرگاه عایدات تحویلی به بانك استقراضی ایران در سال از ۲۰-۱۹٤-۱-۶۷۰ منات (۲۸۸-۱۵۶-۱-۱ منات بابت قرضه ۱۹۰۰ و ۲۰-۹۰۶-۵۱۳ منات بابت قرضه ۱۹۲۰) اضافه شود مازاد آن تسلیم خزانهٔ شاهنشاهی ایران خواهد گشت .

در صورتیکه در راس انقضاء یك قسط ششماهه وجوه تحویلی دولت علیهٔ ایران مساوی مبلغ مزبور نگردد دولت علیه مطابق همین قرار داد قبول میکند وعطا میفرماید به بانك استقراضی ایران حق تفتیش حقیقی در وصول عایدات مذکوره در فصل چهارم را برای اینکه بانك مزبور به میزان عایدات ومصرف آن رسیدگی نماید تا زمانیکه وجوه تحویلی اقساط شش ماهه را تکافو کند این حق تفتیش ورسیدگی بلااجراء خواهد نمود

فصل هفتم ـ اگر با وجود تفتیش مذکور در فصل ششم تاخیر جدیدی در تادیهٔ اقساط ششماهه مشاهده گردد بانك استقراضی ایران حق خواهد داشت که بخرج دولت علیه باشرایط ذیل اداره کردن تمام گمرکات ایرانرا باستثنای فارس وبنادر خلیج آن که در تحت ادارهٔ خزانهٔ دولت علیه خواهد ماند مستقیما بعهدهٔ خود بگیرد

اولا ـ انتخاب مستخدمین متعلق خواهد بود ببانک استقراضی ایران ولی مرکب خواهد گشت مخصوصاً از رعایای ایران باستثنای ۲۵ نفر اعضاء رئیسه که بانك در انتخاب آنها اختیار تام و تمام خواهد داشت
ثانیاً بانک ملتزم است تعرفه های قانونی وحقوق گمرکی حالیه را ابقاء نماید و بدون رضایت دولت علیهٔ ایران آنها را اضافه نماید.
ثالثاً ـ دولت علیهٔ ایران حق تفتیش درعملیات این اداره را برای خود حفظ مینماید.
رابعا بعد از وضع مخارج جمع آوری عایدات ومصارف اداری و همچنین دو قسط ششماهه از جمع عواید ما زاد آن تسلیم دولت علیه خواهد شد.
فصل هشتم در صورتیکه عایدات گمرکی که در تحت ادارهٔ بانک موافق فصل هفتم جمع آوری میشود تکافؤ پرداخت قسط ششماهه را نکند دولت علیهٔ ایران دادن یك تامین اضافی دیگری را تقبل خواهد کرد شرایط و ترتیبات این تامین اضافی در قرار داد مخصوص بین دولت علیه و بانک استقراضي ایران معین خواهد شد.
فصل نهم ـ مبلغ قرضهٔ ۱۹۰۲ ایران ۵ ٪ طلا (موافق ماده۲) بترتیب ذیل بدولت علیهٔ ایران تادیه خواهد شد
آ ـ مبلغ سه ملیون منات بعلاوهٔ منافع گذشته برای استهلاك مساعده هائیکه بانک استقراضی ایران درسپتامبر ۱۹۰۱ ژانویه ومارس ۱۹۰۲ داده است تخصیص خواهد یافت.
ب ـ مطابق فصل ۱٤ قرار داد قرضهٔ ۱۹۰۰ ایران ۵ ـ ٪ طلا دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران ملتزم شده است که بدون موافقت مقدم دولت بهیهٔ روسیهٔ هیچ قرضه خارجی طویل المدة نماید ولی در صورتی که دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران هر قسم قرضه های قریب المدت بنماید بانك استقراضی ایران بعهدهٔ خود میگیرد که با رعایت اعلامات مقررهٔ قرضه های متصوره آنها را کاملا مستهلك سازد.

ج ـ باقی ماندهٔ مبلغ خالص قرضه بیکی از شقوق ذیل تحویل دولت علیهٔ ایران خواهد شد:

۱ ـ خواه در سن پطرزبورغ با سند های اعتبار یا با شمش های نقره که بمیل دولت علیه توسط بانك خریداری شود و حق العمل معمولی خود را از آن بابت دریافت دارد.

۲ ـ خواه در طهران ایضاً با سند های اعتبار یا با شمشهای نقره مخارج ارسال سند های اعتبار بعهده بانك استقراضی ایران است ولی مخارج حمل و نقل شمش های نقره بعهده دولت علیهٔ ایران میباشد.

۳ ـ خواه با برواتیکه بعهدهٔ لندن و پاریس و برلن یا شهر های روسیه باستثنای سن پطرز بورغ بانك استقراضی ایران بنرخ روز خواهد داد و حق العمل معمولي خود را در یافت خواهد داشت

٤ ـ خواه در طهران با قرانهای مسکوك در ضرابخانهٔ سن پطرز بورغ. مخارج ضرب در ضرابخانه سن پطرز بورغ و مخارج ارسال قرانها از سن پطرزبورغ بطهران بعهدهٔ دولت علیهٔ شاهنشاه ایران است.

مبلغ قرانی که تحویل خواهد شد مطابق نرخ روز بمنات حساب خواهد شد باقی ماندهٔ مبلغ قرضه باقساط فاصله داریکه مدت آنها با موافقت مقدم بین دولت علیه شاهنشاه ایران و ادارهٔ بانك استقراضی ایران در طهران معین خواهد شد تادیه خواهد گشت.

فصل دهم ـ جهة محاسبهٔ مذکوره در فصل نهم بانك استقراضی يك حساب جاری باسم دولت علیه ایران با سود ٤٪ در سال باز خواهد نمود که ازیك طرف مبلغ خالص قرضه را در دائن دولت علیه و از طرف دیگر آنچه را که بابت استهلاك قروض دولت علیه بپردازد یا مستقیماً (فصل نهم) تسلیم نماید بمدیون دولت علیه ایران از روز تاریخ اسناد متقابله ثبت خواهد کرد.

فصل یازدهم ـ برای آنکه بانك استقراضی ایران بتواند لدی الاقتضاء

وجوهی را که مطابق قرار داد حاضر بدولت علیه قرض داده است بحیطهٔ وصول در آورد حق خواهد داشت بشرائط ذیل اسهام یك قرضهٔ ایرانی منتشر سازد

آ ـ قرضهٔ ایران بضمانت دولت بهیه روسیه خواهد بود.

ب ـ مبلغ اسمی قرضه که ضمانت میشود و نرخ ربح آن بتوسط بانك استقراضی ایران معین خواهد شد مشروط بر آنکه مبلغ خالص قرضه ازباقی ماندهٔ مستهلك نشدهٔ قرضهٔ ۱۹۰۲ ایران ۵٪ طلا تجاوز ننماید ومدت استهلاك آن نیز در مدت قطعی که برای استهلاك قرضه ۱۹۰۲ ایران ۵٪ طلامقرر است بیشتر شود.

ج ـ مبلغ اسهام به منات معین خواهد شد و معادل آن به پول خارجه و بنرخیکه براي قرضه های دولت بهیهٔ روسیه مقرر است نیز قید خواهد گشت.

د ـ اسهام و کوپن های قرضه از هر نوع مالیات و عوارض ایرانی بالمدام معاف خواهد بود.

ه ـ سایر جزئیات راجع بانتشار اسهام قرضه و ترتیبات متعلقهٔ بآن توسط و بمیل بانك استقراضی ایران صورت خواهد گرفت.

و ـ از آنجا که بانك استقراضی ایران تمام مخارج اقدام بقرضهٔ ایران را که دولت بهیه روسیه ضمانت خواهد نمود با اداره کردن آن بعهدهٔ خود میگیرد اقدام بقرضهٔ مزبور تعهدات دولت علیه ایران را که دراین قرار داد مصرح و راجع است بقرضه ۱۹۰۲ ایران ۵٪ طلا بهیچوجه تغییر نخواهد داد.

فصل ۱۲ ـ دولت علیه ایران اختیار دارد که قرضه ۱۹۰۲ ایران ۵٪ طلارا از تاریخ اول ژانویه ۱۹۱۲ قبل از اکمال مدت باقیه قبلا پرداخت نماید مشروط بر آنکه ششماه قبل بانك استقراضی ایران را از قصد خود مطلع سازد.

در اینصورت بانك استقراضی ایران مختار خواهد بود که بقیهٔ قرضهٔ ایرانی ضمانت شده دولت بهیهٔ روسیه را همان وقت مستهلك سازد یا آنکه تا آخر مدت معینه آن معامله را بعهدهٔ خود گرفته و در جریان نگه دارد بدون آنکه از آن بابت خرجی بعهدهٔ دولت علیه تعلق گیرد.

فصل سیزدهم - تا استهلاك کامل و تمامی قرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۰۵ طلا دولت علیه ایران بدون موافقت مقدم دولت بهیهٔ روسیه اقدام بهیچ نوع قرضه خارجی نخواهد کرد.

و تا همان زمان دولت علیه ایران از حق خود مربوط بکسر کردن حقوق گمرکی که مورد ضمانت قرضهٔ ۱۹۰۲ ایران ۰/۰۵ طلا (فصل چهارم) شده است صرف نظر مینماید یعنی بدون موافقت مقدم دولت بهیهٔ روسیه اقدامی ننماید

فصل چهاردهم - حل اختلافاتیکه در اجرای قرار داد حاضر حاصل شود با موافقت دولتین روسیه و ایران خواهد بود.

فصل پانزدهم - قرار داد حاضر در دو نسخه تحریر شده که یکی از آنها برای دولت علیه ایران است و دیگری برای بانك استقراضی ایران.

هر دو نسخه از تادیه هر مالیات تمبر روسی و ایرانی معاف میباشد

آوریل ۱۹۰۲

این قرضه های هنگفت وکمرشکن ناشی از لاابالی گری وعدم تقید باحترام نوامیس ملی مطلقا بمصرف هوا و هوس میرسید و تمام ادارات کشوری ولشکری در اختلال و بحران و مامورین سیاسی ایران در خارجه اسناد رسمی واحکام دولتی و حمایل و نشان خود را گرو میگذاشتند سربازهای ایران مشغول هیزم شکنی وصعلب فروشی بودند وزیر توپ مروارید و تکیه ها و مساجد و امامزاده ها همیشه پر از سربازهای متحصن برای حقوق بود و بالجمله ایران در انظار تمام دنیا بقدر پشیزی اعتبار نداشت دست تسلط اجانب گریبان مملکت را گرفته وچون ملك وملت

وثیقهٔ دیگران بود داشت هرکس گروی خود را ضبط وتصرف مینمود!
نه نامی نه نشانی ! نه وزنی نه اعتباری ! نه قدری نه قیمتی ! نه زراعت
نه تجارت !. نه علم ونه صنعت !. نه تعلیم ونه تربیت ! نه اداره ونه سیاست ! در
ایران زمین هنگامهٔ غریبی برپا بود !

بافقدان تمام وسائل و در روی یك جامعهٔ که به تمام معنی خراب و
زندگانی او برباد هوس رانی ایادی نالایق گردیده دست باقتدار شاهنشاه
ایران بیرق افتخـار را برافراشت و موقعیت ملت ایران را یك مرتبهٔ
دیگر در صفحهٔ سیاست دنیا رقم زد

شاهدی که برای همین تحولات میتوانیم ازنقطهٔ نظر خارجی اقامه نمائیم همانا نطق
مستر هوپ امریکائی است که نکات دقیقهٔ عظمت امروزهٔ ایران وقدرت دماغی
زمامدار آنرا مورد بحث قرار داده ونکات شایان توجهی را نشان میدهد

(نطق مستر هوپ در امریکا)

که در سر ناهار انجمن تجارت شیکاگو
ایراد کرده است

رضا شاه پادشاه جدید ایران یکی از پهلوانان برجسته و آباد کنندهٔ
دنیای قدیم است که امروز ظهور نموده و خیلی ها شاه جدید را موسولینی
آسیا مینامند ولی این مقایسه منصفانه نیست ـ شاه مردی است بزرگتر
و عاقلتر از دیکتاتور ایطالیا ـ موسولینی میخواهد تقلید ناپلیون را بکند
ولی شاه جدید متمایل بتقلید ابراهیم نیکلسن میباشد. قائد حکومت
جدید ایران شب و روز برای سعادت ملت کار میکنند : او شخصی است
مهربان و فعال قوی و محب آبادی ـ تفرعن را بدیگران واگذار میکند.
ایران یکی از جالب ترین ممالك امروزه دنیا است : مملکت مزبور
قدیم ترین و از بعضی جهات جوان ترین ممالك است در طول تقریباً چهار
هزار سال ایران قسمتی از اساسی ترین عقاید علمی و صنعتی پیش آهنك

ترقی بشری بوده است ایجاد یا اخذ نموده و آنها را حفظ کرده و بدیگران انتقال داده است . ایران اعصار مفتخر و مجلل بسیار دارد : تا مدت چند قرن ملکه آسیای غربی بوده دولت رومیة الکبری را مغلوب نموده و تمدن اسلامي را تحت نفوذ و استیلای خویش در آورده بوسیلهٔ آن تا اندازهٔ مهمی نهضت صنعتی اروپا را (رونسانس) بقالب ریخته است ولی بدبختیها و حوادث مخربه هم برای آن رخ داده که همه چیز آن غیر از حیاتش را از میان برده است لیکن هر دفعه با استقامت و استعداد فوق العاده دو باره قد راست کرده و اعصار جدیده براي خویش ایجاد نموده است : اکنون نیز پس از یك دوره تهاجمات ویران کننده و سوء حکومت و شداید اقتصادی دوباره بطریقی شروع بتجدید سعادت خود کرده است که براي امریکائی ها مخصوصاً مورد توجه میباشد .

(ایران درازمنهٔ گذشته)

ایران قدیم با کوه های مجلل خود که از جبال آلپ بلند ترند . با دشت های تابان و هوای روح بخش هنوز بجای خود باقی است و دهکده ها و بازار های آن مثل زمان « مارکوپولو » مانده جز آنکه حالا طیاره در بالای سرها نعره میکشد و اتومبیل ها در دره هاي تازه ساز بسرعت از کنار کاروان میگذرند و بطوری که در یك راپرت رسمی اشعار شده بود « شتر های حیرت زده را مضطرب میسازند » ایران جدید که بسرعت هر چه تمامتر مشغول اخذ اصول جدیت و ترقی و « دموکراسی » امریکا است اکنون بر رأس حکومت خود سلطان جدیدی دارد که یکی از قوی ترین پهلوانان مولود جنك است که عملیاتش مورد حیرت و تحسین می باشد و قطعاً یکی از بزرگترین حکمرانانی است که کشور ایران در هر عصری از اعصار داشته .

آخرین وارث سلسلهٔ شاهان سابق اکنون بر انداخته شده و رژیم ترکمانی

اجنبی که افرادش ضعیف و خود پرست و نا لایق و یا اغلب اوباش و اراذل بوده زمام مملکت را بدست میگرفته امروز جای خود را بپادشاهی داده است که جرئت و پشت کار و کیاست و اشتیاق و میل او به سعادت و ترقی مملکت در خور عالیترین تاریخ حسن حکومت است .

شاه جدید تنها بقوهٔ لیاقت طی درجات کرده و بالاخره سیاست مداران فاسد را که مشغول تسلیم مملکت باجانب بودند ازمیان برداشت واینك ایران جدیدی در کار ایجاد شدن است

متخصصین مالی امریکائی استخدام شده اند و در اثر مساعی جدی و ماهرانهٔ دکتر میلیسپاو رئیس آنها مالیهٔ مملکتی بر اساس صحیحی استوار گشته تجارت بطور حیرت بخش در تزاید است و اطمینان و آسایش همه جا در حال اعاده و تجدید است امنیت مملکتی نیز تامین گردیده است

(قتل ماژورامبری)

قتل تاثر آور ماژور ایمبری ویس قونسول آمریکا بطوری که دکتر میلیسپاو و سایر آمریکائی ها اظهار داشته اند بیشتر مربوط برفتار بیجا و بی پروائی خود او بوده است و تقصیر آن متوجه دولت یاملت ایران نیست جنایت در ایران خیلی نادر است شاید بعلت آنکه بفوریت جزای آنرا میدهند بیش از یك دفعه اتفاق افتاده که دزد را در عرض نیمساعت و پس از وقوع سرقت دستگیر و محکوم و مجازات کرده اند

ایران زمینهٔ فوق العادهٔ مساعدی دارد جهة عملیات اقتصادی امریکا : ازحیث نژاد ایرانی ها .با ما یکی هستند وخیلی هم با فراست و مهمان نواز میباشند . ایرانی ها نسبت به عملیات محیرالعقول معارف پرورانهٔ میسیونهای ما شکر گذارند و هیچ ملت دیگر مثل آنها آمریکا را طرف اعتماد و

تحسین خود قرار نداده ـ حاضرند امتیازات و کنترات های خیلی نافع بما بدهند. دارای بودجه متوازنی هستند. ایران با قرض غیر قابل ملاحظهٔ ملی خود با اضافات روز افزون عایدات و با حکومت آزادی خواه و صحیح العملی که بمیل و اشتیاق از طرف تمام ملت تصویب میشود یکی از قدیمی ترین و مهمترین مللی است که زندگانی را ازسر میگیرد. و هیچ ملت دیگر در عالم میدان مساعدی برای مساعی بوعده ایدائیسم عملی و فطانت تجارتی که امریکائی ها تواماً بروز میدهند مثل ایران بدست نمیدهند.

چنانچه ملاحظه نمودید عمده توجه مستر هوپ بتجدد حیات اقتصادی ایران است ـ آری یکی ازتاسیسات فوق العاده مهم شاهنشاه ایران عبارت ازاکسپوزیسیون تجارتی وفلاحتی ایران بود که تا کنون در تاریخ این مملکت سابقه نداشت و مؤسسهٔ بانك ایران و بانك پهلوی یکی از مسائل فوق العاده مهم و نتیجهٔ رشحات ادراکات وعقل و ارادهٔ شاهنشاه ایران است.
وبالجمله تمام این اقدامات که بطور فهرست یادداشت گردید نکاتی بودند که افکار ملت ایران را بطرف اعلیحضرت پهلوی سوق میدادند و در همین گذارشات بود که احمد میرزا قانون اساسی را مقصر میشمرد و عیب ذاتی خود را که عبارت از نادانی و تنبلی بود بعهدهٔ قانون اساسی واگذار میکرد وبرای عیاشی خود غیر ازاین حرفي نداشت (شاه غیرمسؤل است و قانون اساسی اجازهٔ عمل و اقدامی را نمیدهد!.)
این بود علل حقیقي انقطاع و اتصال که ملت ایران را از دودمان قاجاریه دور وبه دربار رضاشاه پهلوی نزدیك میکرد
روی هم رفته زمانه ایران دور مانده از قافلهٔ ترقی را بشاهراه مقصود کشانید و دست طبیعت خط بطلان بروی سلسلهٔ قاجاریه کشید ودر رأس زندگانی ایرانی نابغهٔ را از پردهٔ غیب بیرون آورد واین مسئله را اثبات نمود که ترقیات حیرت انگیز بشر که امروز باماوراء الطبیعه سر و کله

میزند بواسطهٔ لیاقت وعزم و ارادهٔ آهنین وقوی است قانون اساسی برای سعادت ملت ایران است و تقصیری ندارد تقصیر از عضو تنبل و بیکاره است و هران عضوی که از کار ماند فلج میشود و بالاخره از بین میرود قاجاریه را سقوط داد و نابغهٔ را بجاي آن برگزید :

در تکمیل اصلاحات اساسی و اینکه آتیه مملکت در روی شالودهٔ تزلزل ناپذیری گذاشته شود در روز پنجشنبهٔ هشتم بهمن ماه مطابق ۱۳ رجب شاهنشاه ایران رضاشاه پهلوی بعمارت گلستان نزول اجلال کرد و بمناسبت میمنت روز ولادت حضرت علی امیر المؤمنین سلام خاصی را منعقد و از طبقات مخصوصهٔ أعیان و تجار و نمایندگان مجلس شورا وهیئت دولت دعوت و برای همین روز دوساعت بظهر مانده مجلس جشنی برای تعیین ولایت عهد (شاه پور محمد رضا پهلوی) منعقد و در طالار موزه فرمان ولایت عهد با مراسم مخصوص قرائت گردید

دربار قاجاریه حتی باتمام مواریث اخلاقی خود ازبین رفت وبساط آن برچیده شد و دربار پهلوی تشکیل واساس جدیدي رابگسترانید چرخ های خوابیده بکار افتاد وچون طبیعت میخواست ایرانی را بملل حیه برساند و بهمسري بشر دعوت نماید باسرعت تمام در نهم آبان اساس سلطنت قاجاریه رابهم زد ودر ۱۵ آذرماه مجلس مؤسسان تشکیل یافت و در ۲۱ آذرماه اصول چهارگانه تصویب و مقدرات شاهنشاهی ایران تقدیر و روز ۲۴ آذرماه مراسم تحلیف اجرا و روز ۲۵ آذرماه جلوس رسمی و در روز ۲۹ همین ماه اولین کابینهٔ سلطنت پهلوی بشرح ذیل به مجلس شورای ملي معرفي گردید .

(استخراج ازحکم نمرهٔ چهارم دربار پهلوی بتاریخ ۲۹ آذر ماه ۱۳۰۴)

﴿ مادهٔ ۱ ﴾

امروز در ساعت نه صبح آقای فروغی رئیس الوزراء کابینهٔ خود را بترتیب ذیل بخاکپای مبارك همایونی ارواحنا فداه معرفی نمودند :

آقای فروغی — رئیس الوزراء بدون وزارتخانه
« میرزا حسینخان مشار — وزیر امور خارجه
« امیرلشکر عبدالله خان امیرطهماسب — وزیر جنگ

« فاطمی وزیر عدلیه

« بیات وزیر مالیه

« جعفر قلیخان اسعد وزیر پست وتلگراف

« دادگر وزیر داخله

« داور وزیر فوائد عامه

« یوسف خان مشار کفیل وزارتمعارف و اوقاف

پس از مرخصی از حضور مبارك همایونی کابینه بشرح فوق‌الذکر بمجلس شورای ملي معرفي شد

(اجراي اصل ۳۷ متمم)

قانون اساسی و تعیین

☆☆☆

ولایت عهد

فرمان ولایت عهد

اصل سی و هفتم ــ ولایتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد خواهد بود ــ در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه وتصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانوادهٔ قاجاریه نباشد ولی در هرموقعی که پسری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد بااو خواهد بود

﴿ پروگرام جشن ولایت عهد ﴾

۱ ــ دوساعت و نیم قبل از ظهر هشتم بهمن ماه مدعوین که عبارت ازعلماء . وکلا . امرای لشکر . رؤسای ادارات . فرماند های قشونی هستند و از طرف وزارت دربار دعوت شده اند در اطاق موزه حاضر و در جا هائی که برای آنها معین شده قرار خواهند گرفت .

۲ ــ والا حضرت اقدس دو ساعت قبل از ظهر از اطاق عاج بترتیب ذیل باطاق موزه تشریف فرما شده در پای تخت طاوس قرار خواهند گرفت

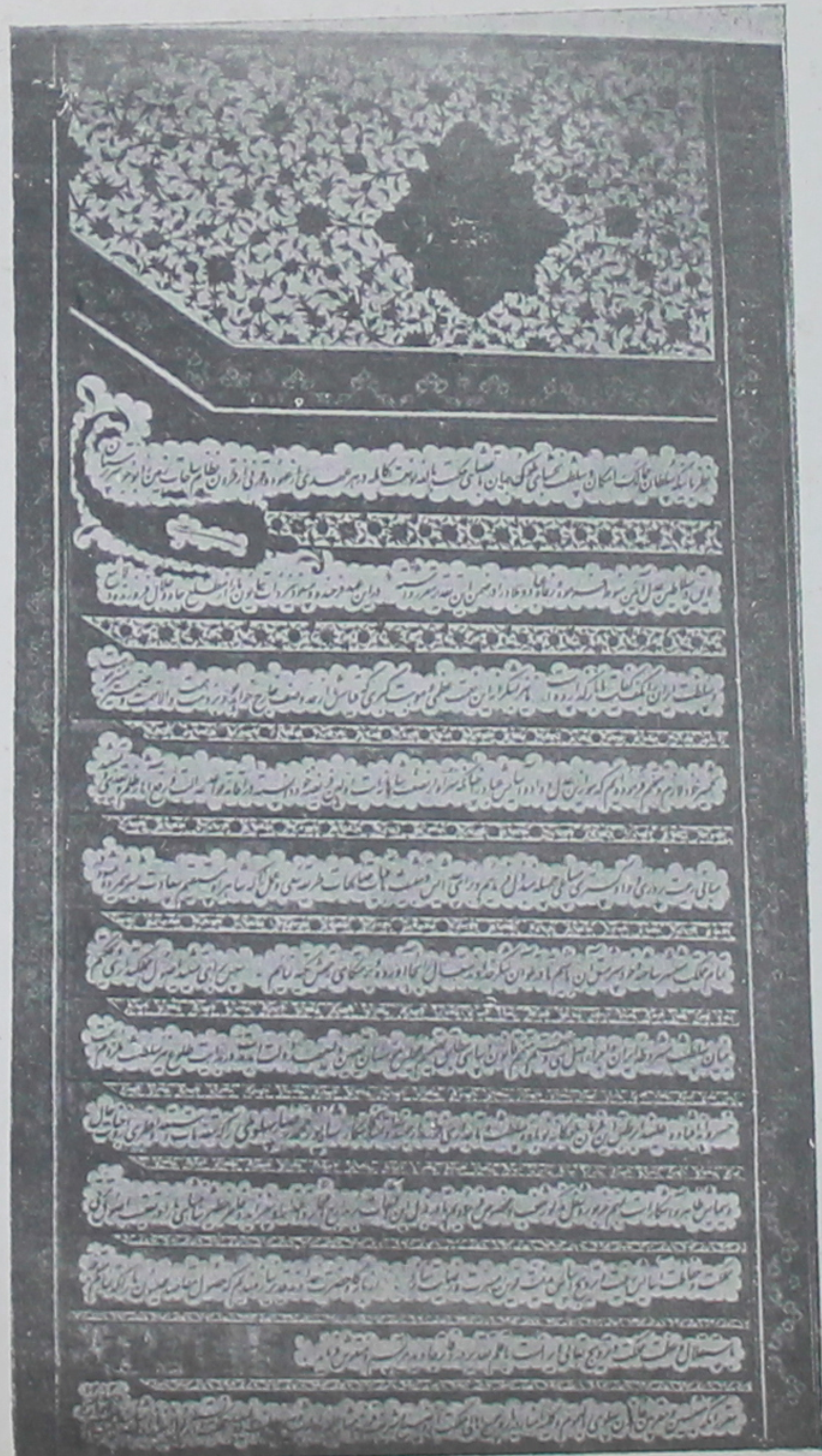
رئیس تشریفات

آجودان همایونی چهار نفر

☆☆☆ متعلق بصفحهٔ ۶۸۴ و ۶۸۵



(والا حضرت اقدس شاه پور محمد رضا پهلوی - ولیعهد)



والا حضرت اقدس

پیشکار والاحضرت اقدس و دو نفر امیر لشکر

آجودان چهار نفر

۳ ـ بعد از ورود والا حضرت اقدس هیئت وزراء با وزیر دربار که حامل فرمان همایونی میباشند بترتیب ذیل باطاق موزه وارد میشوند

رئیس تشریفات

آجودان همایونی چهار نفر

وزیر دربار پهلوی

هیئت دولت

رؤسای دربار

(۴) ـ در موقع ورود فرمان همیونی باطاق موزه موزیك سلام اعلیحضرت شاهنشاهی را خواهند نواخت .

(۵) ـ والا حضرت اقدس تا درب اطاق فرمان همایونی را استقبال وفرمان را بوسیده بپای تخت مراجعت میفرمایند .

☆☆☆

(۶) ـ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی فرمان همایونی را بصدای بلند قرائت و برئیس الوزراء تسلیم مینمایند .

(۷) ـ هنگام قرائت فرمان مبارك هفت تیر توپ شلیك خواهد شد .

(۸) ـ پس ازآن والا حضرت اقدس باطاق سردرب موزه برای صرف شیرینی و شربت تشریف فرما میشوند . در آنجا پذیرائي از طرف وزیر دربار بعمل میآید .

(۹) سایر مدعوین پس از خروج والا حضرت اقدس باطاق عاج میروند و در آنجا از طرف هیئت دولت از آنها پذیرائی بعمل میآید .

(۱۰) ـ پس از انجام مراسم فوق والا حضرت اقدس بترتیب ذیل ازسر سرای موزه پائین آمده برای تشرف بخاکپای مبارك اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی ارواحنا فداه بطرف اطاق برلیانت حرکت خواهند فرمود

رئیس تشریفات

اجودان چهار نفر

والا حضرت اقدس

هیئت دولت و وزیر دربار پهلوی

(۱۱) ـ درجلو سر سرای موزه عدهٔ نظامی با موزیك حاضر و در موقع عبور والا حضرت اقدس سلام مخصوص ولایت عهد را خواهند نواخت

(۱۲) ـ برای شب روز مزبور در عمارت وزارت امور خارجه رئیس الوزراء ازهیئت نمایندگان خارجه وهیئت دولت بشام وشب نشینی دعوت مینمایند

(۱۳) ـ بعد از شام والا حضرت اقدس بمجلس مهمانی تشریف آورده و سفراء بحضور مبارك معرفی میشوند و پس از آن مراجعت میفرمایند

(۱٤) ـ همانشب در شهر چراغانی خواهد بود

دربار پهلوی تاسیس گردید و مدلول اصول اساسي مصوبهٔ مجلس مؤسسان بموقع اجرا گذاشته شد ونگرانیهای محتمله که ممکن بود وقتي آتیه مملکت رادچار اختلال و بحران نماید بر طرف گردید اینك موقع آن رسید که ملت ایران معنی حاکمیت ملی را فهمیده در تعیین مقدرات خود اقدام نمایند

(فرمان انتخابات)

دورهٔ پنجم تقنینیه روز پنجشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰٤ سه ونیم بعد از ظهر خاتمه یافت وبلافاصله روز ۲۷ همین ماه فرمان انتخابات دورهٔ ششم صادر گردید

(فرمان آزادی یا دستخط حفظ حقوق ملی

و محافظهٔ قانون اساسی

۲۷ بهمن ۱۳۰٤

جناب اشرف رئیس الوزراء

در اینموقع که عنقریب اهالی مملکت نسبت با اجراء وظیفهٔ ملی خود در انتخاب نمایندگان دورهٔ ششم تقنینیه مواجه خواهند شد مقرر میفرمائیم

که مراقبت کامل بنمائید احدی ازمامورین دولت در انتخابات اعمال نفوذ ننموده و انتخابات نمایندگان با نهایت آزادی بعمل آید و یقین داریم خود اهالي مملکت بواسطهٔ پي بردن بلزوم اجراء اصلاحات اساسی و سریع مملکت دقت کامل خواهند کرد که عناصر اصلاح خواه و وظیفه شناس و مملکت دوست را که قادر باجراء وظایف نمایندگي ملی باشند و درپیمودن طریق اصلاحات با قوهٔ مجربه همقدمی بنمایند انتخاب خواهند نمود ضمنا لازم میدانم که هیئت دولت نیز تمام هم خود را متوجه اصلاحات نموده و با جدیت وافی موجبات اجراء آنرا فراهم نمایند و بنا براین امر میدهم که اقدامات لازمه را نسبت باصلاحات مملکت بعمل آورید و قوانین مصوبه مجلس پنجم بلاتاخیر بموقع اجراء گذارده شود ونسبت باصلاحاتی که محتاج بتصویب مجلس شورای ملی است لوایح قانونی آنرا از حالا تهیه و حاضر نمائید که بمجرد افتتاح مجلس پیشنهاد شود و نظر باینکه پایهٔ اصلاحات مملکتی در روی بودجه باید گذارده شود لهذا مقرر میداریم که بودجه سنهٔ آتیه ۱۳۰۵ با حفظ حتمی اصل تعادل بودجهٔ دخل و خرج مملکت واحتراز از کسر آن بترتیب الاهم فالاهم برطبق احتیاجات مملکت و مطابق اصلاحات منظوره تنظیم شود والبته در ضمن تنظیم بودجه توسعهٔ قواء تامینیه واجراء قانون سجل احوال و قانون نظام اجباری و توجه مؤثر به حفظ الصحهٔ عمومی و مخصوصا جلو گیری از مالاریا وسایر امراض مسریه و تعمیم ورزش بدني وهمچنین توجه بترقي اقتصادي وتکثیر وتکمیل وسائل نقلیه وبهبودی اوضاع فلاحت و تجارت ضروراست و نیزقوهٔ قضائیه و بسط معارف باید در نظر گرفته شود مخصوصا درقسمت اصلی قوه قضائیه وایجاد امنیت حقوقی برای اهالی مملکت باید از طرف هیئت دولت توجه مخصوص بعمل آمده درتصحیح قوانین موجوده با دقت کامل در انتخاب قضاة صحیح العمل واجراء مجازات درحدود قانون نسبت به قضاتی که حقوق

مردم را تضییع میدمایند موجبات تسهیل وتسریع جریان محاکمات وتامین حقوق عامه بعمل آید همچنین تهیهٔ موجبات اجراء قانون ثبت املاك و قانون مدنی و قانون مرور زمان و اجراء قانون جزاء عمومی که در اصلاح قوهٔ قضائیه تاثیر کامـل خواهند داشت منظور نظر مـا بوده و مقرر میداریم که از طرف دولت برای عملی نمودن اصـلاحات مزبوره اقدام عاجل بعمل آمده نتیجه را بعرض برسانند شاه

(قبر کریم خان)



(اعلیحضرت شاهنشاه ایران)

(در سر قبر کریم خان زند وکیل رعایا)

(و ضرب لنا مثلا و نسي خلقه قال من يحيي العظام وهي رميم)

روزکار درازی گذشت کـه ایرانی مردهٔ متحرکی بود و از آثار حیات جز از حرکات متشنج ومذبوحانه چیز دیگری نداشت !

در طول ۱۵۰ سال هر اندازه دنیای بشر رو بترقی مي رفت و انسان

وارد عالم زندکانی می گردید
ایرانی نیز سیر قهقرائی می نمود وازهرجهة حس واراده طبیعی را از دست داده گوئی کابوس زده ایست که قوای خـود را باختـه و در چشم از قوهٔ باصره آثاری پدیدار نبود و الا چگونه این همه جریانات فجیع را دیده و از این همه مظالم تحمل مینمودند ؟ !
اوه ! - در تمام این مدت ایرانی تمام مآثر را فراموش وحشر و نشر و رستاخیز اجتماعی را نیز از خاطـر خود محو و زندگانی را بطاق نسیان انداخته بود (و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه)
تاریخ نیز در نظر ایرانیان محو گردیده و باین همه کتیبه های سنگی که حکایت از ادوار باعظمت ایران باستانی مینمود با چشم حیرت نگاه کرده و اساساً نمی توانست اعتقاد نماید که این طغرای مجد را دست نیاکانش در صفحهٔ روزکار توشیح واین یادکاریهای شوکت را قدرت ملی ایرانی ترسیم کرده است !
حس - عقل - اراده - ادراك - تامل - تدبیر - وبالجمله تمام ملکات فضیلت درایران زمین مرده بود ومردمانش همه چیز حتی زندگی‌را نیزفراموش کرده و گمان می نمودند که اساساً رستاخیز دروغ وجز ازقضا وقدر مدبری درایران زمین نیست !
همین جریانات بود که روح حق شناسی و مکافات و مجازات نیز از جامعهٔ ایرانی رخت بسته وروح بدبینی تولید شده و نفاق و شقـاق جای آنرا گرفته و قبر کریمخان که ایرانی رهین فداکاریهای اوست یك قرن ونیم منکوب لکد های اغراض و قدم های خیانت اثر گردیده بود :
پس ازمرك زندگی وبعد اززمستان بهاراست این خود یکی ازاحکام طبیعی است اعتقاد ویا افکار بشر قدرت تغییر حقایق را ندارد واحکام طبیعت غیر قابل تردید است وبهمین دلیل میبایست ایرانی دوباره زنده گردد :

واذا نفخ فی الصور فن الاجداث الی ربهم ینسلون

صور اسرافیل قضاوت دمید و ایرانی برستاخیز دعوت گردید وزندگی را از سر گرفت یا خدای ایران (پهلوی) را مامور بیداری خوابیدگان وبا داعی حیات مردگان کرد ـ (لبیك داعی الله لبیك)

قبر ذلت بار کریم خان زند آن نابغهٔ عصر خود شکافته شد واستخوانهای نپوسیده از زیر خاك مذلت بیرون آمد

آری ـ استخوانهای نپوسیده که باروح انتقام در زیر خاك بسر میبرد

(که گفت چشمش نگران است   که ملکش بادیگران است ! .)

بامر وارادهٔ شاهنشاه ایران ازز یر خاك مذلت بیرون آورده شد و بتقدیر خدمات آن رادمرد تاریخی اشاره رفت که برایش قبه و بارگاهی بسازند تا این حقیقت در اذهان جای گیر شود که حق و عدالت هیچوقت نمی میرد و روح خدمت و امانت زنده وجاوید است :

برای دوام و پایداری وحسن تاثیر این روح حق شناسی و احیاء نام نامی کریم خان و نجات روح باعظمت وکیل الرعایا از زیر بار خفت بود که باقی ماندگان زند یابقیة السیف آغا محمد خان بشرح یك عریضهٔ مخصوص شمشیر خون بار و تاریخی کریم خان را بشاهنشاه ایران (پهلوي) تقدیم واز مطالعهٔ همین عریضه نکات مخصوصي را کشف خواهید کرد

(عریضهٔ باقي ماندگان یا لایحهٔ)

(مبرزین زند به پیشگاه شاهنشاه ایران)

شهریار محبوبا اعلیحضرتا

هرچند از طلیعهٔ اقبال بلند وبخت جوان آن شاهنشاه اعظم فراز ونشیب مملکت روشن وتمام نقاط وزوایاي تاریك هیئت اجتماعیه ایران درپرتو آن اشعهٔ روز افزون تابناك شده است ولی هیچ زاویه ونقطه خون

آلود ومشوش درتمام مملکت موجود نبوده است که مانند قلوب داغدار قبیلهٔ زند خودرا بزیرآن تابش مرهم آمیز وشفا انگیز کشیده وازسپیده‌دم عظمت انتقام تاباین درجه فرهناك ومسرور شده باشد؛

قبیلهٔ زند!.

قبیلهٔ با وفا و شجاع و نجیب ایرانی؛ و بالاخره قبیلهٔ که در پای عظمت ایران ودر راه آسایش ملت محبوب خود زانو زده وخواب نوشین را بر خود حرام کرده بود!

چون اولین طعمهٔ گرك وحشی و ضد ایرانیت ناپاك ترین و ناخلف ترین اولاد قجر شده بود و چون نامداران کریم النفس وشجاع او به نابکاری متوحشانهٔ آغا محمد خواجه در خون های پاك وجوان خود درغلطیده و باپیراهن سرخ در زیر خاك بخواب رفتند. این قبیله داغ مرهم ناپذیری درقلب خون آلود خود داشت!.

ایران وتاریخ ایران ازآن مصائب فراموش نشدنی درمقابل دنیا شرم آگین وخجلت زده بود!

اینك سپاس روز افزون نثار عظمت انتقام منتقم حقیقی باد که مشت آهنین و شمشیر توانای آن اعلیحضرت محبوب درپناه توجهات واحساسات حقیقی ایران وایرانی؛ کیفر غاصبین نابکار را داده واهریمنان را از روی سینهٔ حساس وطن عزیز و از روی قبور نیاکان پاك وشرافتمند ما بلند کرده است؛

تاجدار عظیم الشأن

زائداست که اعمال سبعانه ونا مردانهٔ محمدخان خواجه را باجوان باشرف وشجاع زند شرح دهیم.!

فجایع مزبور را دست تاریخ باقلم خونین در تاریخ ایران ضبط کرده بود و دورهٔ زند از شرح مظلو میتهای خود بی نیاز است که چیزی عرض

کند زیرا اضافه بر آنکه وقت گرامی اعلیحضرت شاهنشاه را تضییع نموده بیم آن دارد که روح حساس و ضمیر باشفقت همایونی متألم گردد دورهٔ زند امروز را که روز مسرت و شادمانی ملی است؛ امروز را که بآمال دیرینه خود رسیده و افسر و دیهیم کیانی را از چنگال بیگانهٔ غاصب نجات یافته دیده وباز میبینند که رشید ترین وپاکترین نسل ایرانی ارث گرانبهای نیاکان خودرا از اجنبي باز ستانیده است، دیگر زند هیچگونه غم وانده داغ وحسرتی ندارد قلب خودرا مسرور وضمایر خودرا شاد میبینند،

رعیت نوازا جهانبانا:

نشانهٔ شادمانی وفرح بی‌نظیر. بعلامت اهتزاز وبال افشانی ارواح شهدای نامجو ونامدار زند اینك این شمشیر و این بهترین یادگار های شهامت و جهان داری است که تقدیم حضور اعلیحضرت اقدس شهریاری میشود؛ این‌شمشیر معروف کریمخان وکیل الرعایا است و بر روی این قبضه شفاف قطرات زیادی از شبنم های حوادث تاریخي ریخته و بالاخره این شمشیر نشانه ویادگار خاطرات بسیار حشمت انگیزی است، همیشه حمایل پادشاه توانا ومهربانی بوده است

دست نامحرم بقبضهٔ این ودیعهٔ شهامت تاریخی ایران نرسیده است دورهٔ زند بافتخار و مسرت بی پایان امروز این ارثیهٔ اجدادی خود را تقدیم پادشاهی میکنند که فقط او از امروز مظهر مفاخر نیاکان ما میباشند: و استدعا دارند همان طور که از آغاز جهانداری نسبت به قبور شهدای قبیلهٔ زند ابراز عاطفه فرموده وافراد پریشان وسبع خوردهٔ مارا پدرانه نوازش فرمودند. از قبول این هدیه برمراتب افتخارات این بندگان بیفزایند ـ

پس از تقدیم عرض احساسات مسرت انگیز بشکرانه عظیمه جدید الهی

وسرنگون شدن نسل نابکار قاجار مستدعی هستیم که محض مزید افتخار وتقدیم تشکرات عملي اعلیحضرت اقدس ارواحنا فداه اجازه بفرمایند که از افراد قبیلهٔ زند نیز عدهٔ در ردیف چاکران و جان نثاران وارد شده پیوسته ملتزم خدمت و فدویت در آستان مقدس اعلیحضرت شهریاری ارواحنا فداه بوده باشد (زندیه)

در اندك مدتی نواقص اساسی تکمیل و چرخ های مملکت بکار افتاد و بدون احتیاج باستقراض داخلی و خارجی بودجه توازن گرفت و دیگر برای مختصر کاری یعني برای تهیهٔ شام و نهار دربار ویا سوق الجیش (صد نفر سرباز ـ یاهیزم شکن ـ دلاك) برای دو فرسخ ـ پشت دروازهٔ طهران محتاج بگرو تاج و شمشیر و جقه و حمایل نبود ولزومی نداشت که گمرکات و معادن و منابع ثروت برهن رفته و یا امتیازات باعث اضمحلال استقلال مملکت گردد و سرباز اضطراراً تحصن جسته وپلیس که حافظ ناموس و جان اهالي است دست از کار کشیده و گرو نماید ویاباداررت عوض حقوق کچ و آهك و آجر بدهند ـ یامستخدمین دولت باهزار زحمت ساعات خودرا گذرانیده وبالاخره مجبور شوند که از حقوق و اجر ومزد خود صرف نظر نمایند و یا اجانب دست روي مملکت گذارده و بعنوان مطالبهٔ طلب مملکت را تصرف کنند وجامعه وجماعت آلت اغراض ودسیسهٔ دیگران گردد و بالجمله تمام این معایب در کمترین مدتی برطرف و ایرانی در زندگانی جالی گرفت و قدم بدایرهٔ حیات شعوریه گذاشت تامقدرات خود را مطالعه و بادست خود اصلاح نماید و تمام این نفحات از اثر وجودی و فکری یك شخص فوق العادهٔ بود که در شدید ترین ومخوف ترین اوقات دست ایرانی را گرفت واز بدبختی و تیره روزی نجات داد و هیچ نمیشود نهضت اخیر ایران را بانهضت های سایر ملل مقایسه کرد چنانچه نمیشود عامل این حرکت روحی ایران را باسایر اشخاص

فوق العاده که تاکنون باختلاف درجات در جامعهٔ ملل عرض وجود کرده اند قیاس نمود درپایان این اصلاحات. ملت ایران از روی عقل و تدبیر و حق شناسی اعلیحضرت پهلوی را برای سرپرستی خود انتخاب وحالا لازم است که مطابق اصول مقرره تاج گذاری بعمل آیداین مسئله برای روزیکشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مطابق پروگرامی که ملاحظه خواهید کرد اعلان و بدربار دول اعلام گردید

هریك از دول با اسناد قانونی نمایندگان خود را برای حضور درپایهٔ سریر ایران معرفی نموده و منتظر روز موعود گردیدند

(نمایندگان دول)

وزیر مختار افغانستان	S. E. Mir Mohammad Hossein Khan
وزیر مختار آلمان	S. E. Monsieur le Comte de Schuleuburg
وزیر مختار امریکا	S. E. Mr, Hoffman Philip
وزیر مختار بلژیك	S. E. Monsieur Cuoebir
وزیر مختار مصر	S. E. Monsieur Abdol Azim Rached Pacha
وزیر مختار فرانسه	S. E. Monsieur Gaston Maugras
وزیر مختار انگلیس	S. E. Sir Percy Loraine
وزیر مختار ایطالی	S. E. Monsieur Carlo Galli
شارژدافر لهستان	Monsieur Stauislas Hempel
سفیر کبیر ترکیه	S. E. Mamdouh Chovket Bey
سفیر فوق العاده روس	S. E. Youreneff

(نمایندگان ایالات و ولایات داخلهٔ ایران)

از تمام ایالات و ولایات و عشایر و ایلات هر طبقه نمایندگان خود را بمرکز اعزام داشتند و اعتبار نامه های داخلی و خارجی خودرا تقدیم دربار پهلوی کردند وهر نمایندهٔ با تحف وهدایای مخصوص شایستهٔ ذات ملوکانه وشاهنشاهی ایران بمرکز رسیدند

صورت نمایندکان ایالات و ولایات

که براي موقع تاجگذاری انتخاب شده اند

(اصفهان)

شاهزاده اکبر میرزا صارم الدوله آقای حاجی آقا نور الله مجتهد

(کرمان)

آقای غلامحسین خان سردار مجلّل آقای نصرت الممالك

(سیستان)

آقای سردار علیخان ـ آقای حیدر علیخان

(مازندران)

آقای میرزا حسینخان اسفندیاری محتشم السلطنه آقای حاجی سید محمد مجتهد تنکابنی

(کرمانشاهان)

آقای امام جمعه آقای علیخان اعظمی امیر کل

(همدان)

آقای اعتماد الدوله آقای آقا میرزا هاشم

(عراق)

آقای حاجی سهم الملك آقاي حاجي میرزا محمود مجتهد

(کردستان)

آقای ملافتح الله شیخ الاسلام آقای اعزاز الملك

(زنجان)

آقای جهانشاه خان امیر افشار آقای حاجی سید محمد مجتهد

(آذربایجان)

آقای حاجی امام جمعه خوئی آقای حاجی اسد الله خان لیقوانی آقای حاجی علیخان بهادری ترمیس خلیفه ارامنه

(خراسان)

آقای آقا زاده آقای حاجی مستشار السلطنه آقای حاجی مقبل السلطنه

(فارس)

آقای قوام الملك آقای حاجی آقا شیرازی آقای حاجی محمد جعفر نمازی

(دزداب)

آقاي عیدو خان دریکی

(کیلان)

آقای حاجی سید محمود مجتهد آقای میرزا صادقخان اکبر سردار معتمد

(استراباد)

آقای آقا سید محمد شاه کوهی آقای مهدیخان ایلخانی

(ارامنه هندوستان)

جاوه برمه - شیکاپور

(ارامنه جلفای اصفهان)

آقای میرزا یانس آقای اوانس خان مسیحی آقای کشیش اعظم کشیش عمسائی رئیس هیئت روحانیّه وجانشین خلیفهٔ کل ارامنه ایران و هندوستان

(ساوه)

آقای آقا شیخ محمود آقای میرزا حسینخان

(قزوین)

سردار سعید سید عبد الجواد مجتهد

(بروجرد)

آقاي آقا موسی آقا سید حسن مدیر الاسلام

(یزد)

مشیر الممالك یزدی حاج میرزا محمد علیخان یزدی - سلطان ابراهیم خان

(خوزستان)

عبد الامیرخان میرزا حسینخان موقر

(قائنات)

شوکت الملك

کلیه نمایندکان داخله وخارجه ووجوه اهالی از هر طبقه برای موقع تاجکذاری دعوت شدند

پرکرام تاجگذاری اعلیحضرت همایون شاهنشاهي دامت سلطنته

قسمت اول مراسم تاجگذاری

روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دامت سلطنته درعمارت سلطنتی گلستان بعمل خواهدآمد مدعوین که عبارت خواهند بود از علماء ـ سفراء و خانمهای آنها ـ هیئت قضائیه ـ صاحبمنصبان ارشد ـ اعیان ـ نمایندگان ایالات وولایات ـ رؤسای دارای رتبهٔ ۸ و ۹ وزارتخانها ـ نمایندگان تجار و اصناف ـ نمایندگان مطبوعات و سایر مدعوین باللباس تمام رسمی درسه ساعت بعد ازظهر درعمارت گلستان حاضر شده و در ساعت مقرر به تالار تاجگذاری رفته و در جاهای خود مطابق نقشهٔ منضمه قرار خواهند گرفت .

بیرقهای افواج نیز درجاهائیکه معین شده است نگاهداشته خواهند شد .

یکدسته موزیك برای زدن سلام اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در پائین عمارت خواهند ایستاد .

قراولي داخل عمارت بوسیلهٔ شاگردان مدرسهٔ نظام بعمل خواهد آمد .

پس ازتوقف مدعوین در جاهای خود والاحضرت اقدس شاه پور محمدرضای ولیعهد دامت عظمته و هیئت حاملین تاجها و اثاثیهٔ سلطنتی بشرح و ترتیب ذیل باطاق موزه وارد شده و در محل خود توقف خواهند نمود ،

آجودان   آجودان

آجودان   آجودان

آجودان   آجودان

آقاي دولتشاهی رئیس تشریفات داخلی   آقای غفاری رئیس تشریفات خارجی

آقای امیرلشکر خدایارخان حامل بیرق سلطنتی

والا حضرت اقدس ولیعهد

(۱) آقای فروغی رئیس‌الوزراء
حامل تاج کیان

(۲) آقای تیمورتاش وزیر دربار
حامل تاج پهلوی

(۳) آقای امیرلشکر امیرطهماسب
وزیر جنگ حامل شمشیر
جهانگشای نادری

(۴) آقای اسعدوزیرپست‌وتلگراف
حامل تاج مروارید

(۵) آقای فاطمی وزیر عدلیه
حامل عصای مرصع سلطنتی

(۶) آقای‌داور وزیر فوائدعامه
حامل دریای نور

(۷) آقای دادگر وزیر داخله
حامل قلچاق سلطنتی

(۸) آقای بیات وزیر مالیه
حامل تمثال مبارک

(۹) آقای امیر لشکر احمد آقاخان
رئیس امنیه حامل گرز سلطنتی

(۱۰) آقای امیر لشکرنصرالله‌خان آیرم
حامل شمشیرشاه‌اسمعیل صفوی

(۱۱) آقای امیر لشکر جلائر
حامل سپر سلطنتی

(۱۲) آقای امیر لشکر نقدی
حامل شمشیر شاه‌عباس صفوی

(۱۳) آقای امیر لشکر انصاری
حامل قداره مرصع

(۱۴) آقای امیر لشکر خزاعی
حامل تبر زین سلطنتی

(۱۵) آقای امیر لشکر اسمعیل‌خان
حامل‌زره شاه اسمعیل صفوی

(۱۶) آقای امیرلشکر حبیب‌الله‌میرزا
جهانبانی حامل کمان نادری

(۱۷) آقای امیرلشکر قاسم‌خان‌والی
حامل تیرکش مرصع

(۱۸) آقای مفتاح کفیل
وزارت امور خارجه

(۱۹) آقای چراغعلیخان پهلوی
پیشکار والا حضرت اقدس

(۲۰) آقای سمیعی حکمران طهران

(۲۱) آقای جم معاون ریاست وزراء

(۲۲) آقای میرزا یوسفخان مشار
کفیل‌وزارت معارف‌واوقاف

والاحضرت اقدس ولیعهد در دست راست تخت نادری قرار خواهند گرفت. بیرق سلطنتی در پشت سر تخت نگاهداشته خواهد شد.

آجودانهای همایونی مابین تخت نادری و تخت طاوس خواهند ایستاد رؤسای تشریفات دو باره مراجعت کرده و ورود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را بتالار تاجگذاری اعلام خواهند نمود. حاملین اثاثیهٔ سلطنتی در فاصله معینی از تخت نادری از دو طرف رو بروی هم ایستاده ومنتظر ورود موکب همایونی خواهند بود.

ترتیب ورود موکب همایونی بتالار تاجگذاری بطریق ذیل خواهد بود :

آجودان	آجودان
آجودان	آجودان
آجودان	آجودان
رئیس تشریفات	رئیس تشریفات

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با جیقهٔ نادری در سر وشنل مروارید دوز سلطنتی در دوش

آقای سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه فرمانده لشکر مرکز ژنرال آجودان همایونی

آقای بهرامی رئیس دفتر مخصوص سلطنتی و رؤسای درجهٔ اول دربار

درموقع ورود اعلیحضرت همایونی بتالار تاجگذاری سلام خاص همایونی زده خواهد شد .

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از میان دو صف بیرق های افواج وحاملین اثاثیهٔ سلطنتی عبور فرموده براریکهٔ تخت نادری جلوس خواهند فرمود در موقع ورود موکب شاهانه بیرق ها سلام خواهند داد.

آجودانهای مقدم در صف آجودانها درپشت تخت قرار خواهند گرفت .

آقای جنرال آجودان یزدان پناه در طرف دست چپ تخت پهلوی پایه عقب تخت خواهند ایستاد .

حاملین اثاثیهٔ سلطنتی در مقابل تخت درفاصلهٔ که معین شده است بترتیب نیم دایره بطوریکه رئیس الوزراء و وزیر دربار در وسط نیم دایره باشند خواهند ایستاد .

سایر اعضاء هیئت دولت و ملتزمین موکب همایونی که حامل اثاثیهٔ سلطنتی نیستند در ردیف دوم حاملین اثاثیه خواهند ایستادپس از جلوس اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی آقای امام جمعه خطبهٔ قرائت کرده پس از آن وزیر دربار تاج پهلوی را نزدیك تخت برده و تقدیم می نماید .

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تاج را بدست مبارك زینت افزای فرق مبارك فرموده و شمشیر جهانگشای نادری را که بوسیلهٔ امیر طهماسب وزیر جنك تقدیم میشود زیب پیکر خود خواهند فرمود . در این موقع در میدان مشق بیست و یك تیر توپ شلیك خواهد شد .

رئیس تشریفات جیقهٔ نادری را گرفته و درجای تاج پهلوی میگذارد .

رئیس دیگر تشریفات شمشیر کمر اعلیحضرت همایونی را گرفته و درجای شمشیر جهانگشای نادری خواهد گذاشت .

پس ازگذاشتن تاج بفرق مبارك وبستن شمشیر جهان گشای نادری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیات ملوکانه را درضمن فرمایشات شاهانه بیان فرموده پس از آن رئیس الوزراء تاج کیانی را بآقای جم معاون خود داده وخود در مقابل تخت خطابه معروض میدارد پس از اتمام خطبه دوباره تاج را گرفته و درسر جای خود خواهند ایستاد .

پس از آن بنام نمایندگان ایالات و ولایات تبریك عرض خواهد شد .

بعد از انجام مراسم عرض تبریك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باتاج که در فرق مبارك است از تخت پائین تشریف آورده باطاق برلیان معاودت خواهند فرمود و والا حضرت اقدس ولیعهد و حاملین اثاثیهٔ سلطنتی و سایر ملتزمین موقع ورود موکب همایونی در جزء ملتزمین خواهند بود .

در موقع پائین آمدن اعلیحضرت همایونی از تخت حاملین اثاثیهٔ سلطنتی بترتیب قبل از ورود موکب همایونی بتالار تاجگذاری خواهند ایستاد.

ترتیب معاودت موکب همایونی بشرح ذیل خواهد بود :

آجودان	آجودان
آجودان	آجودان
آجودان	آجودان
رئیس تشریفات	رئیس تشریفات

اعلیحضرت همایون شاهنشاهي

والاحضرت اقدس ولیعهد

حامل بیرق سلطنتی جنرال اجودان همایونی

رئیس الوزراء و وزیر دربار و سایر حاملین اثاثیهٔ سلطنتی بترتیبی که مذکور شد .

رؤسای دربار

قسمت دوم

تشریف فرمائی موکب همایونی از قصر گلستان بقصر سعد آباد

۱ ــ موکب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس از انجام مراسم تاج گذاری ساعت چهار و نیم بعد از ظهر بترتیب ذیل از درب الماسی حرکت خواهند فرمود .

اعلیحضرت همایونی ووالاحضرت اقدس ولیعهد در محوطهٔ داخلی عمارت وسایر ملتزمین رکاب درجلوی باب همایون سوار خواهندشد :

آژان سوار	۲۰ نفر
سوار امنیه	۲۰ نفر
سوار عشایر و ایلات	۳۵۰ نفر

بهادران کارد مخصوص

آقای محمد ولیخان آصف دولو رئیس فراش خانه سواره

فراشها در طرفین پیاده

رئیس تشریفات داخله سواره رئیس تشریفات خارجه سواره

یساول ها

آقای امیر سلیمانی رئیس اصطبل خاصه سوار اسب مخصوص

آقای دارائی رئیس کالسکه خانهٔ شاهنشاهی سواره

آقای سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه پهلوی چرخ راست جلوی کالسکه

آقاي سرتیپ حبیب الله خان شیبانی رئیس ارکانحرب کل قشون پهلوی

چرخ چپ جلوی کالسکه

شاطر ها　　　　**کالسکه همایونی**　　　　شاطر ها

آقای امیر لشکر خدا یار خان حامل بیرق سلطنتی

آقای امیر لشکر احمد آقا خان رئیس امنیه

آقاي سرهنك كریم آقا خان بوزرجمهری کفیل بلدیه دردست راست بیرق

آقای سمیعی حاکم طهران

آقای سرهنك محمد خان درگاهی رئیس نظمیه در دست چپ بیرق

آجودان سواره　　　　آجودان سواره

آجودان »　　　　آجودان »

آجودان »　　　　آجودان »

آقای چراغعلی خان پهلوي پیشکار والا حضرت اقدس سواره

آقای امیر لشکر حسین آقا خان خزاعی سواره

کالسکهٔ والا حضرت اقدس

آجودان　　　　آجودان

آجودان　　　　آجودان

کالسکهٔ رئیس الوزراء و وزیر دربار

کالسکهٔ وزیر جنك و وزیر پست و تلگراف

کالسکهٔ وزیر عدلیه و وزیر فوائد عامه

کالسکهٔ وزیر داخله و وزیر مالیه

کالسکهٔ کفیل وزارت امورخارجه و رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

کالسکهٔ کفیل وزارت معارف و دکتر امیر خان اعلم طبیب مخصوص شاهنشاهی

بهادران گارد مخصوص

در موقع سوار شدن اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سلام اعلیحضرت

همایونی زده شده و یك تیر توپ شلیك میشود .

۲ ـ خط عبور موکب همایونی ـ موکب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از خیابان باب همایون میدان سپه جلوی بلدیه ☆☆☆ و خیابان لاله زار عبور فرموده و مستقیماً بطرف دروازهٔ دولت حرکت خواهند فرمود و هیئت ملتزمین تا بیرون دروازهٔ دولت جزو موکب همایونی بوده ودر آنجا اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سوار اتومبیل شده تشریف فرمای سعد آباد خواهند شد

قسمت سوم جشنهای تاجگذاري

۱ ـ مرکز

از شب قبل ازروز تاجگذاری تاسه شب در شهر مراسم چراغانی بعمل خواهد آمد .

از روز تاجگذاری ادارات دولتی تا سه روز تعطیل میشود .

شب روز تاجگذاری (شب دو شنبه) ازطرف بلدیه طهران هیئت دولت و نمایندگان سیاسی خارجه و اعیان درعمارت بلدیه و شب بعد طبقات دیگر دعوت بشب نشینی میشوند در همانشب در میدان سپه آتش بازی خواهد شد .

روز دو شنبه دو ساعت قبل از ظهر هیئت نمایندگان خارجه به حضور مبارك اعلیحضرت همایونی تشرف حاصل نموده و بعد ازظهر همان روز ازسه ساعت بعدازظهر سان قشون درمیدان مشق واعطای بیرقها بقسمتهای قشونی بعمل خواهد آمد

شب آن روز در عمارت گلستان سفرای خارجه و وزراء از طرف بندگان اعلیحضرت همایوني بشام دعوت شده و اعیان و محترمین و اعضاء سفارت خانه ها بعد از شام برای شب نشینی دعوت خواهند شد .

روز سه شنبه سه ساعت بعد از ظهر مراسم افتتاح دستگاه بي سیم پهلوی بعمل خواهد آمد .

شب آن روز از طرف ریاست وزراء در عمارت گلستان دعوت بشام و شب نشینی بعمل می آید .

روز چهارشنبهٔ بعد از ظهر اسب دوانی خواهد بود و شب آن روز در وزارت امور خارجه دعوت بشب نشيني ميشود .

روز پنجشنبهٔ قبل از ظهر نمایندگان ایالات و ولایات بخاکپای همایونی تشرف حاصل نموده و عصر آن روز از طرف وزارت دربار پهلوی در فرح آباد دعوت بعصرانه خواهد شد

روز جمعهٔ بعد از ظهر اسب دوانی خواهد بود .

روز شنبهٔ سه ساعت بعد از ظهر نمایش هوا پیمائی بعمل خواهد آمد

۲ ـ ولایات

شب قبل از روز تاجگذاری در کلیهٔ ایالات و ولایات چراغاني خواهد بود و عصر روز تاجگذاری سه ساعت و نیم بعد از ظهر ولاة وحکام سلام در مقابل تمثال مبارك همایونی منعقد خواهند داشت و در ایالات و ولایات درجهٔ اول شب آن روز از قنسولهای خارجه و رؤسای ادارات و محترمین دعوت بشام و جشن چراغاني و آتش بازی خواهد شد

۳ ـ خارجه

سفارت خانها و قنسول گریهای ایران در خارجه نیز جشن مناسبی منعقد خواهد نمود .

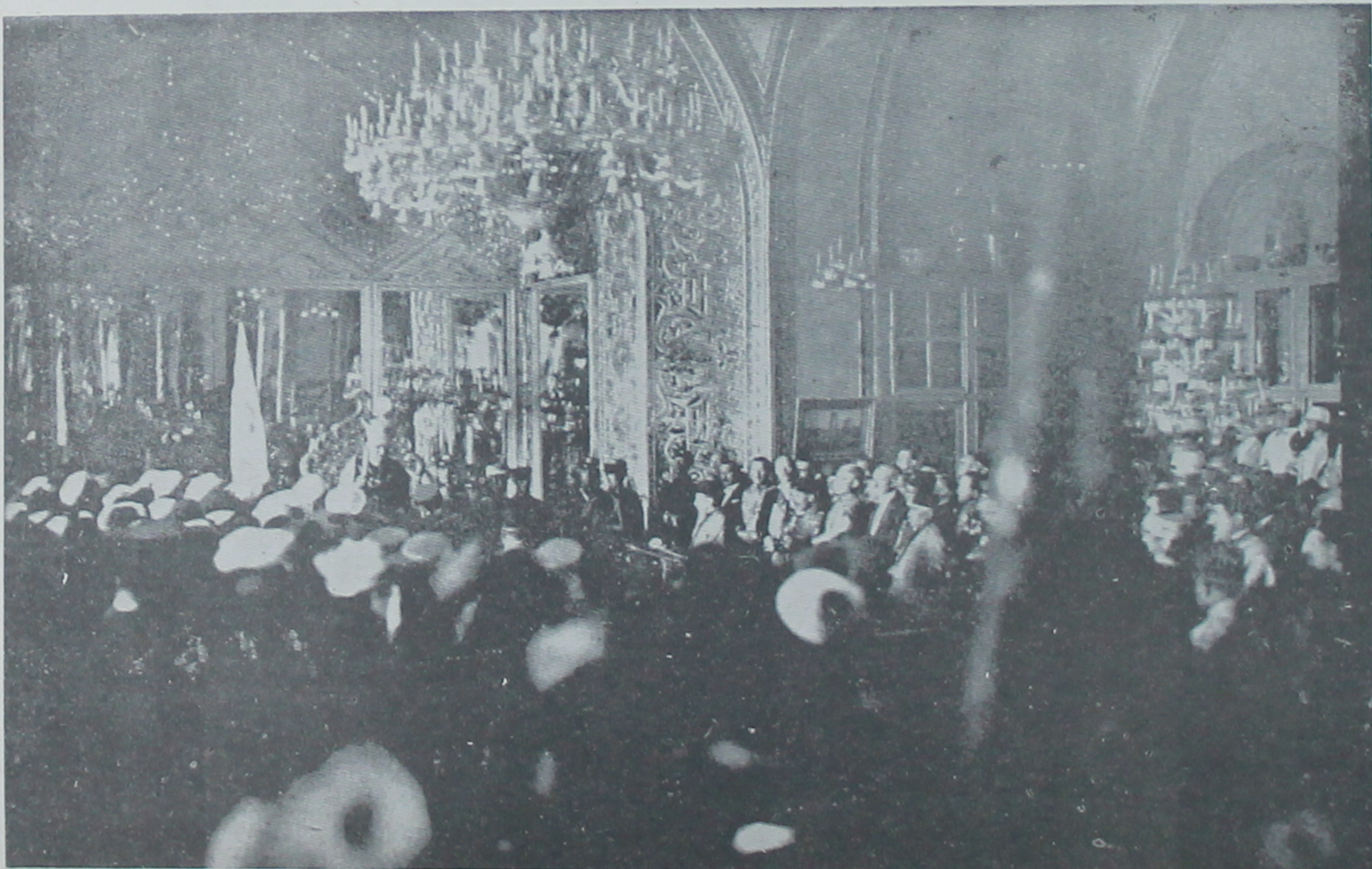
بایك چنین تشریفاتی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی درساعت مزبور وارد طالار موزه گردیده و از میان تکریمات وتشریفات شاهانه عبور ودر بالای تخت طاوس جلوس و خطبه رسمی خوانده شد

بروز چهارم ز اردی بهشت
شد ایران زمین رشك باغ بهشت

فروزنده شد بارگاه کیان
چو برتخت زر پهلوی شد عیان

جهان‌جوی برتخت زرین نشست
در رنج و دست بدی را به بست

کمر بسته و گرز شاهان بدست
بیاراسته تخت بهر نشست



چو تاج شهی را بسر برنهاد
بایرانیان گفت پیروز و شاد

در ایران زمین داد گنج منست
جهان زنده از دست رنج منست

کس این گنج نتواند از من ستد
بد آید بمردم زکردار بد

نباید که از کار داران من
زسرهنك و جنگی سواران من

بخسبد کسی دل پرآزار اوی
گزاینده با مردم نیکخوی

گشاده است برهرکس این بارگاه
بدهقان و درویش و برداد خواه

بدان را زبد دست کوته کنم
روان را سوی روشنی ره کنم

شهنشاه خواندند از آن پس ورا
زشاپور نشناختی کس ورا

(خطبه) بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله مالك الملك تؤتی الملك من تشاء بیده الخیر وهو علی کل شئ قدیر الذی جعل الشمس ضیاءً والقمر نوراً وجعل الارض مطلعاً لانوار ربوبیته ومظهراً لالطاف ربانیته الذی جعل الانبیاء والسلاطین الحافظین علی حقوق عباده فامرهم بالعدل والاحسان کما قال في کتابه الکریم (یاداود انا جعلناك خلیفة في الارض فاحکم بین الناس بالعدل)

منت خدایرا که تاج کیانی را افسر سری فرموده که بنیروی عقل و درایت والطاف ربانیت مقام سلطنت ایران را احراز فرموده ازحضرت احدیت تمنا داریم که نعمت وجودش را مستدام داشته تا عموم ایرانیان از نعمت وجودش متنعم شوند در خاتمه از طرف عموم ایرانیان خصوصاً مقام روحانیت تبریکات صمیمانهٔ خود را تقدیم اعلیحضرتش مینمائیم و استدعا داریم که بیش از پیش در حفظ اساس دیانت و مقام روحانیت توجه مخصوصی فرموده که موجب تشکر عموم ایرانیان وبقاء سلطنت در آن دودمان خواهد بود . و السلام من اتبع الهدی

☆☆☆

(نطق شاهانهٔ اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی)

در این هنکام که مراسم تاجگذاری خود را بعمل میاورم لازم میدانم نیات خود را در اجراء اصلاحات اساسی مملکت خاطر نشان عموم نمایم تا بروز این نیات هم دستور جامعی براي دولت های من شناخته شود و هم عامهٔ اهالي به مدلول آن آشنا باشند .

اولا توجه مخصوص من معطوف حفظ اصول دیانت و تشیید مباني آن بوده و بعد ها نیز خواهد بود زیرا که یکی از وسائل مؤثره وحدت ملی و تقویت روح جامعهٔ ایرانیت را تقویت کامل از اساس دیانت میدانم ثانیاً از آنجائی که باخواست خداوند متعال و توجهات ائمهٔ اطهار من

همیشه کردار خود را بر گفتار ترجیح داده و هر موفقیتی هم که در جریان اصلاحات مملکتی نصیب من شده است فقط از راه سعی و عمل بوده بدوا مایلم که کار کنان دولت و کلیهٔ آحاد و افراد مملکت به این حقیقت کلی پی برده و این دستور اساسی را سرلوحهٔ وظایف اولیهٔ خود تشخیص دهند و همه بدانند که پیشرفت هیچ مقصود و انجام هیچ مرامی ممکن و میسر نخواهد شد مگر در سایهٔ جدیت و کوشش و پایان سعی و عمل سپس دولت های شاهنشاهی من باید قطعاً متذکر باشند که لزوم اجرای اصلاحات اساسی مملکت از قبیل توسعهٔ قواء تامینیه وبسط معارف و توجه مؤثر به حفظ الصحهٔ عمومی و همچنین توجه جدی به ترقي وضعیت اقتصادی و تکثیر ثروت عمومی و تکمیل وسایل نقلیه و بهبودي اوضاع فلاحت و تجارت و اصلاح فوری و عاجل قوهٔ قضائیه رخصت هیچگونه تامل ورخوني را نداده باکمال فوریت وسائل اجراء اصلاحات مزبوره را که تمام در درجهٔ اول از اهمیت است فراهم نمایند که نیات من همانطور که انتظار دارم بموقع اجرا گذاشته شود و مخصوصاً مقرر داشته ام که در انتظار افتتاح دورهٔ ششم مجلس شورای ملی موجبات و مقدمات اصلاحات مذکوره را از طرف دولت تهیه گردد

عمال دولت باید سرمشق حسن عمل صراحت اخلاق واستقامت رای باشند و بکوشند تامردم تندرست و توانا ودانا وتوانگر شوند ووسایلی که مستلزم رفاهیت وآسایش حال عمومی است برطبق انتظار من تمهید ومیسر گردد.

(خطابهٔ رئیس الوزراء)

در پایان نطق ملوکانه میرزا محمدعلیخان فروغی رئیس الوزراء خطابهٔ ذیل را بعرض رسانید

نخستین سخن چون گشایش کنیم   جهان آفرین را ستایش کنیم

جهاندار و بر داوران داور است   ز هر برتری جاودان برتر است

(اعلیحضرتـا)

این تاج و تخت که امروز بمبارکي و میمنت بوجود مسعود اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه مزین میشود یادگار سلاسل عدیده از ملوك نامدار و جمعی کثیر از سلاطین عظیم الشان است که از دیر زمانی آوازهٔ این سر زمین را در دنیا به نیکی بلند نموده و قوم ایرانی را بمدارج عالیهٔ مجد و شرف رسانیده اند.

جمشید و فریدون پیشدادی و کیکاوس و کیخسرو کیانی را اگر موضوع افسانه های باستانی بخوانند در بارهٔ رفعت مقام کورس و داریوش هخامنشی شبههٔ نمیتوانند که مصداق (الفضل ما شهدت به الاعداء) گردیده و در ۲۵ قرن پیش بتصدیق دشمنان معظمترین دولت دنیا را تأسیس نموده و عرصهٔ پهناوری را که یك حد آن چین و هند و حد دیگرش روم و یونان بود جولانگاه رشادت و شهامت ایرانیان ساخته و آثار حیرت انگیزی مانند عمارات تخت جمشید و نقوش بیستون از خود باقي گذاشته و مزایای جهانگیری و جهانداری را در وجود خود جمع نموده اند

ذکر اسامی اردشیر و شاپور ذوالاکتاف بخاطر میاورد که چگونه پادشاهان ساسانی سر بسر امپراطورهای رم میگذاشتند و همواره دست تعدی و تجاوز آنان را از خاکپاك ایران کوتاه مینمودند - خسرو انوشیروان نام نامی خودرا مرادف عدل و داد قرار داده علم و حکمت را اگرچه درهند وروم بوده بمملکت خود جلب نموده و در عالم انسانیت دارای آن مقام منیع گردیده که (سید کاینات صلی‌الله‌علیه وآله و سلم) بدوران او نازیده است خسرو پرویز دربار ایران را به ثروت وحشمت وجلال بی نظیر معرفی کرده وامراء سامانی و دیلمی مانند نصرابن احمد و عضدالدوله عشق و شور ایرانی را بهنر پروري و آبادی و عمران ثابت نموده اند. شاه اسمعیل صفوی خودرا جوهر غیرت و رشادت قلمداد کرده و شاه عباس کبیر نمونهٔ کاملی از مملکت داری ورعیت پروری و

سیاستمداری بدست عالمیان داده است .

حکمت بالغهٔ خداوند جلت قدرته چنین مقتضی است که احوال ممالك و امم نیز مانند اوضاع طبیعت زیر ورو و نشیب وفراز داشته باشد گاهی باوج ترقی و تمکن وقدرت سعود کنند وزمانی بحضیض ضعف و مسکنت نزول نمایند مملکت وملت ایران نیز ازاین قاعدهٔ کلی مستثنی نبوده ولیکن فضل الهی همیشه شامل حال‌ما گردیده واگر وقتی بحکمت دری رابسته پس ازچندی برحمت در دیگری گشوده و درطی ادوار قصیر یاطویل از پستی وانحطاط راد مردان سترك بوجود آورده است که دورهٔ سربلندي و سعادت را برای اهل این سرزمین تجدید نموده اند .

ظهور اردشیر بابکان پس از زمان انحطاط سلسلهٔ اشکانی و شاه اسمعیل دورهٔ تطاول مغولان و انقلابات ناشیه از آن و نادرشاه افشار در دنبالهٔ فتنهٔ افغان بهترین امثلهٔ این قضیه وشاهد این مدعی میباشند

(شهریارا)

انعقاد این محفل عالی که وجوه ملت ایران باقلبی سرشار از شادی ومسرت و صمیمیت وحسن ارادت درآن شرف حضور یافته ومقارن این احوال عموم اهل مملکت در سر تاسر ایران بجشن و سرور اشتغال دارند و دوستان خارجي مانیز با شوق و ذوق وافر در این شادمانی شرکت می نمایند تنها برای آن نیست که یك پادشاه نوبه تخت این سلطنت کهن پاي مینهند و تاج کیانی برسر میگذارند بلکه برای آن است که باین ملت ستمدیده بشارت رسیده است که بار دیگر آب رفته بجوی آمده و بخواست خداوندی روزگار حرمان و محنت سپری شده وایام سربلندی و عزت روی نموده است .

مبشر این نوید و حامل این مژده که جان فشاندن برآن روا است عملیات محیرالعقول ذات مقدس ملوکانه است که در گشودن ابواب خیر بر روی این ملت در مدتی قلیل راهی طویل پیموده و در موقعی که هیچگونه

ترقب و انتظاری نبود بلکه علائم یاس و ناامیدی از همه طرف هویدا بود دست همت از آستین غیرت درآورد ووسایل قدرت دولت و سعادت ملت را از سرحد عدم باقلیم وجود رسانیده و بمدارج عالیه ارتقاء داد وباین موجب وارث بالاستحقاق تاج کی وتخت جم گردید.

(شاهنشاها)

ملت ایران میداند که امروز پادشاهی پاك زاد وایراني نژاد که غمخوار اواست و مقام سلطنت را برای هوای نفس و عیش و کامرانی خویش ننموده بلکه در ازای زحمات و مجاهدات فوق العاده‌اش در راه احیای ملك و دولت برای تکمیل اجرای نیات مقدسهٔ خود در فراهم ساختن اسباب آسایش ابنـاء نوع و آبادی این مرز وبوم دریافتـه است.
ملت ایران میداند که ذات شاهانه با آنکه وظیفهٔ خودرا نسبت بوطن بطور وافي و اکمل قبلاً ادا فرموده اید و پس از تحمل این همه متاعب وبه کار بردن آن اندازه مساعی برحسب قاعده حقاً برای وجود مبارك نوبت استراحت وفراغت رسیده معهذا آن ضمیر منیر آنی از خیال رعیت آسوده نیست ودائماً در فکر بهبودی احوال آنان است و اگر هرآینه بواسطهٔ موانع طبیعی یافقدان وسایل و اسباب درانجام منظورات همایونی راجع باصلاح امور مملکتی اندك تاخیر وتانی حاصل شود خاطر مقدس مکدر وقلب مبارك متألم میگردد.
ملت ایران می بینند که امروز بفیض وجود شاهنشاهی فایض شده که رفتار و گفتارش برای هر فردی از افراد وهر جمعیتی از جماعات باید سرمشق واقع شود و اگر طریق الناس علی دین ملوك بپیماید همانا بسر منزل سعادت و شرافت خواهد رسید.
ملت ایران باید بداند و البته خواهد دانست که امروز تقرب بحضرت سلطنت بوسیلهٔ تائید هواهای نفسانی واسترضای جنبهٔ ضعف بشری سلطان

و تشبثات گوناگون و توسل بمقامات غیر مقتضیه میسر نخواهد شد بلکه یگانه راه نیل بآن مقصد عالی احراز مقامات رفیعهٔ هنر وکمال و ابراز لیاقت و کفایت و حسن نیت و درایت در خدمتگذاری این آب و خاك است خادم محترم وعزیز وخائن خوار وخفیف خواهد بود. و بهمین سبب در سایهٔ توجهات ملوکانه دولت خدمتگذاران لایق پرورش داده وملت قابلیت و استعداد خود را نمودار خواهد ساخت و یقین است که نیت پاك اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه افراد ملت وچاکران درگاه را نیز در شاهراه صحت و استقامت هدایت خواهد نمود وروح آن بزرگواران عالی نشان که اکنون وجود مبارك بحق برجای ایشان تکیه میزنند شاد و خرم خواهد گشت.

(شاهنشاها)

همه کس انصاف خواهد داد که سخن بیهوده وگزاف نگفتم و اینك از روی دل وجان زبان بدعا گشوده عرض میکنم:

زدیدار تو تاج روشن شده است	زبدها تورا بخت جوشن شده است
سرت سبز بادا دلت پر ز داد	جهان بی سر و افسر تو مباد
تو را باد جاوید تخت و کلاه	که شایست تاجی و زیبای گاه
خداوند پیروز یار تو باد	دل زیر دستان شکار تو باد

پس از اختتام بیانات رئیس الوزراء حاج میرزا حسن خان اسفندیاری خطابهٔ ذیل را ایراد نمود

(خطابه)

در این موقع مسعود و فیروز که برای تاریخ ایران وسعادت ایرانیان با میمنت ترین اوقات و مبارکترین ازمان است از طرف نمایندگان محترم

ایالات و ولایات ممالك محروسهٔ ایران که همگی مترجم صمیمی احساسات
عبیدانه و مفسر واقعی عقاید شاه پرستی ملتی هستند که همیشه در این
عقیده امتیاز و اختصاص خودرا ظاهر نموده تبریکات چاکرانه و تهنیت
های خالصانه را بپایهٔ سریر اعلی تقدیم میدارم وچون فرموده اند شکر
نعمت موجب فزایش نعمت است از آنهمه همم عالیه ومجاهدات شاهانه
که از طرف قرین الشرف ملوکانه برای امنیت این ملك و آسایش اهالی
آن در این مدت کم بروز وظهور یافته واین مملکت باین وسیعی را که
دارای تیره های مختلف وطوایف متفرق واهالی شهر نشین ومردم صحرا
نشین است باینطور با تأییدات الهی در تحت انتظام واحد مقرر فرموده
اند تشکرات کاملهٔ ایرانیان را که از نتیجهٔ این نظم و ترتیب وامنیت و
رفاه متمتع هستند معروض میدارم قابل انکار نیست که سراسر این
مملکت ازدیرگاهی باین طرف این انتظام وامنیت را بخود ندیده ومفتخراً
باید اقرار کرد که هیچ وقت این وحدت حکومت وشوکت نظام وقدرت
دولت که امروز بحمدالله در اصقاع مملکت کار فرما است مشهود نبوده
و باین قسم دور چون نزدیك اوامر دولت را بی تفاوت مطیع و بیگانه
چون خویش وبزرگ مانند کوچك از آثار عالیهٔ امن و رفاه مستفیض
نبوده اند حق شناسی این نعمت که مهمترین آیت استقلال وبزرگترین
اسباب سعادت یك قوم است هیچوقت از خاطر عموم اهل ایران محو
نخواهد شد و چون این مقدمهٔ مطلوبه بفضل خدا باتوجهات مجدانه و
اقدامات حکیمانه ذات اقدس ملوکانه برای اهالی این مملکت حاصل
گردیده وهمانطور که این مقدمه مشکل باین سهولت درمدت کم مردم را
کامیاب نموده است همگی بعداز امروز که باعظمت وشکوه وفر واقبال
مراسم تاجگذاری حسن انجام می یابد بطوریکه در نطق ملوکانه اشاره
فرموده اند انتظار دارند باسرع وسائل واقرب ازمنه از نتایج باهرهٔ این
مقدمه کاملا برخوردار گردند یعنی در آنچه موجب کمال وتکمیل یکقوم

وشرف واقعی یك ملت است ازتنظیم دیانت وتعمیم علم ومعرفت واصلاح وترقی فلاحت وترویج صنعت واستخراج منابع ثروت داخلی ورفع فقر وفاقه ملت ورعایت اقتصاد وتکثیر عایدات باملاحظهٔ رفاه رعیت وبالاخره درهرحال حفظ استقلال واقعی دولت برای عموم اهل ایران آن تعالی وترقی گردد که نام نامی ملوکانه بهترین زینت تاریخ ایران قرار گرفته‌و عصر همیون سلطنت اعلیحضرت قویشوکت اقدس شاهنشاه رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه مایهٔ افتخار وسر بلندی وبرکت ووسعت وآسایش عامه اهالی این مملکت واقع گردد بحول‌الله تعالی وقوته

(سلام‌خاص وشرفیابی مجدد نمایندگان داخلی پس‌ازتاجگذاری)

نمایندگان ایالات و ولایات ممالك محروسهٔ ایران کمال افتخار و تشکر را دارند که بامر واجازهٔ ملوکانه مجدداً بشرف حضور خسروانهٔ مخصوص گردیده اند وهمگی این موقع را غنیمت میشمارند که در این سلام خاص مراتب عبودیت و فدویت عموم ایرانیان را بالاختصاص معروض داشته واز توجهات کاملهٔ شاهنشاهي که در هرمورد نسبت بآنها ظاهر وهویدا است از طرف همگی عرض تشکر نمایند و همانطور که واسطه عرض احساسات چاکری و تبریك عبیدانهٔ اهالی بخاکپای مبارك هستند منبع مراحم وعواطف واقعی ذات مقدس شاهانه نسبت بآنها باشند همه‌نمایندگان امید وارند که‌این ملت شاه پرست علاقه وبستگی خودرا نسبت بپادشاه خود درهرحال آشکار نمایند که هریك مانند فرزند خلف طرف عنایت ومرحمت آن پدر مهربان بوده وعنایات کامله والطاف ملوکانه و رعیت پروری و ملت دوستي آن اعلیحضرت نیز طوری نسبت بعموم جلوه گر باشد که خورد و بزرك دور و نزدیك بااعتماد کامل ذات اقدس همیونی راپدر واقعی وپادشاه محبوب خود دانسته هرساعت ازصمیم قلب وشعف خاطر مزید شوکت وعظمت پادشاه مهربان خودرا ازخدا بخواهند



(موکب شاهانهٔ اعلیحضرت پهلوي در حال عبور ازميدان سپه كه مصادف
(امواج احساسات ملت گرديده است)

پس از تاجگذاري و انشاء و ایراد خطبه وخطابه اعلیحضرت شاهنشاه مطابق پروگرام حرکت و با تشریفات مخصوص بخارج شهر حرکت نمود

☆☆☆

﴿ عرض تبریك ﴾

بر حسب وقتی که قبلاً تعیین شده بود دو ساعت قبل از ظهر روز پنجم اردیبهشت کلیهٔ وزراء مختار و نمایندگان دول برای عرض تبریك تاجگذاری بعمارت گلستان حضور بهمرسانیده و مجتمعاً بحضور ملوکانه رسیدند و سپس یورینف سفیر کبیر دولت شوروی که سمت شیخ السفرائی داشت شرح ذیل را بزبان فرانسه ایراد کرد :

﴿ اعلیحضرتا ﴾

بنام خود وهمکاران محترم خویش که بافتخار شرفیابی حضور همایوني نائل شده اند باکمال افتخار در اینموقع تاریخی که برای سعادت ایران پیش آمده تبریکات صمیمانه و ادعیهٔ خالصانه را تقدیم پیشگاه ملوکانه مي نماید و بانهایت خوشوقتي بعرض اعلیحضرت اقدس میرساند که اعضای محترم هیئت نمایندگان سیاسی آرزومند عظمت مملکت زیبائی که در تحت لوای اعلیحضرت شاهنشاهی اداره میشود میباشیم و امیدواری داریم که روابط دوستي موجوده بین ایران وممالك معظمه که نمایندگان آنها افتخار حضور دارند بیش از پیش براساس محکمی استوار و اوضاع عمومی مخصوصاً ترقیات اقتصادی ایران قرین عظمت و موفقیت گردد . موقع را مغتنم شمرده دوام عمروسعادت اعلیحضرت شهریاری وموفقیت آن اعلیحضرت را برای سعادت ملت ایران خواستار میباشم .

﴿ بیانات ملوکانه ﴾

آقای مقدم السفرا

جشن تاجگذاری ماموقع بسیار مطلوبی پیش آورده که نمایندگان محترم دول دوست را ملاقات مینماید

ادعیهٔ صادقانه را که بابیان فصیح تبلیغ نمودید باکمال مسرت پذیرفته احساسات مودت آمیزی که برای مملکت ما اظهار داشتید باعث شعف خاطر ما گردید از خداوند قادر متعال خواستاریم به مجاهدات ما برای تهیهٔ موجبات سعادت ملت ایران توفیق کامل عطا فرمایند ، آقایان مطمئن باشید تمام مساعی ما مانند گذشته در حفظ و تشیید روابط حسنه با دولیکه سمت نمایندگی آنها بکف کفایت شما محول شده مصروف خواهد گردید .

(حسن روابط وتوازن سیاسي)

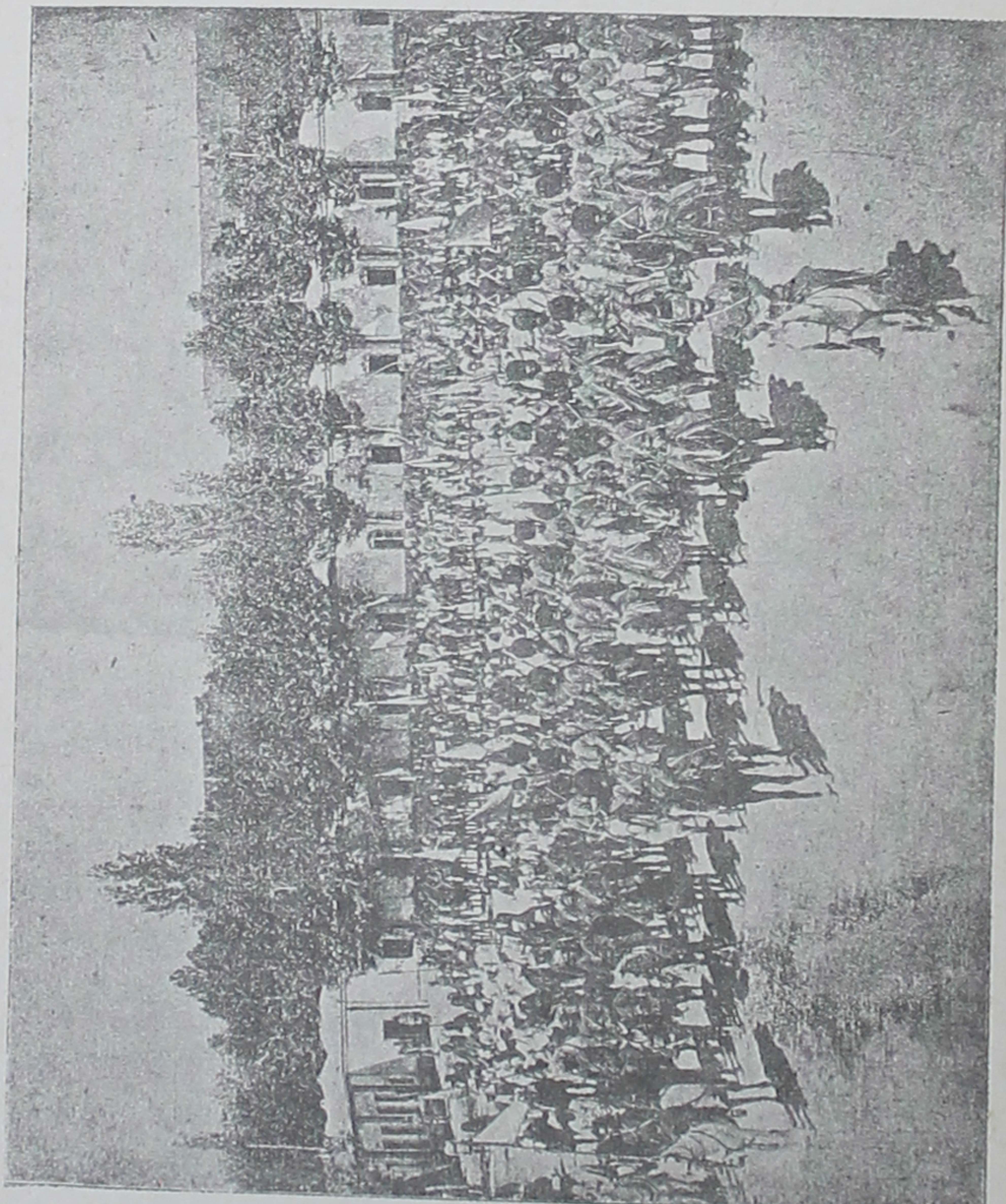
پس از تاجگذاری تمام دول علاوه ازتبریکاتی که توسط نمایندگان سیاسی خود تقدیم دربار ایران کرده بودند تهنیت وتبریك مخصوص کفتند وتجدید سلطنت ایران رابفال نیك گرفتند وجواب هاي مقتضی ازطرف شاهنشاه صادر گردید وچون این پیش آمد تاثیرات مخصوصی در تمام عالم داشت و از نقطهٔ نظر سیاست یکی ازامور فوق العاده بودلذا انظار دول را بطرف ایران جلب و تمام سفارت خانهای خارجه مقیم های تخت هر یك بنوبهٔ خود جشن های با شکوهی راه انداخته و مشغول پذیرائی گردیدند و در مجالس خود نطق ها و خطابه های قابل توجهی ایراد کردند که ما از درج آنها صرف نظر می نمائیم

«اصول مرکزیت ـ قدرت دولت»

«اسکورت مخصوص ـ انقیاد و اطاعت»

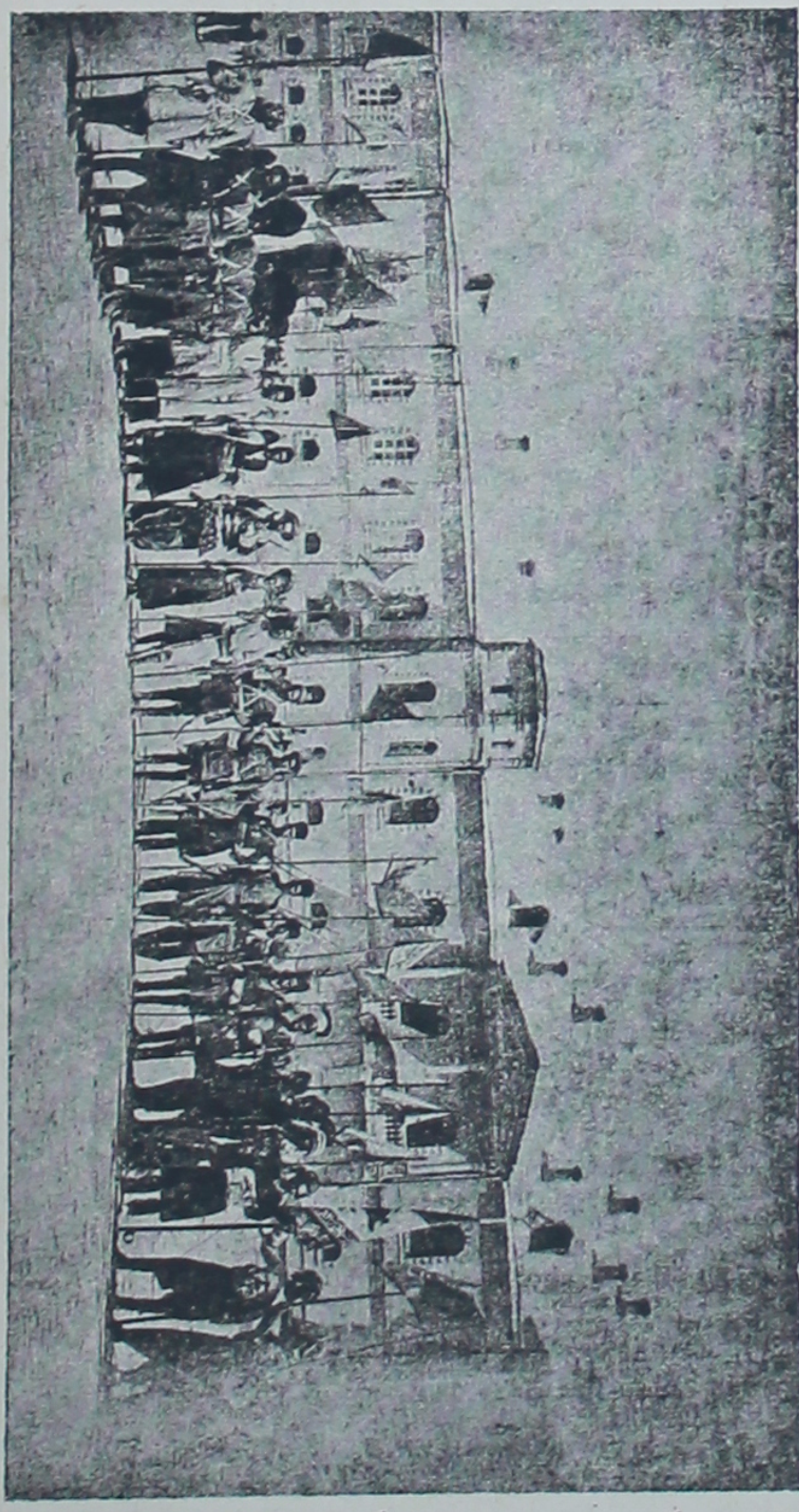
« در عوض تمرد و خود سری ! »

(اسکورت مخصوص شاهنشاهي)



روزکار درازی گذشت که نه فقط پای تخت ایران بلکه مراکز ایالات نیز با عشایر و ایلات مقطوع الرابطه بود و هیچوقت تیره‌ها و شعبه‌های عشایر سر تسلیم وانقیاد بمرکز تسلیم نمی کردند و همیشه حلقهٔ در طغیان و تمرد می کوبیدند بعلاوه در داخلهٔ خود نیز امنیت و آرامشی نداشتند و قسمت عمدهٔ نفوذ قدرت خارجی

وبهانه‌هاي پلتیکی اجانب از همین رهگذر بود وآتش هرج ومرج راهمین طوایف خودسر مشتعل می نمودندولي همه‌می دانیم که‌پس ازطلوع کوکب سعد پهلوی این روح شریر بدورهٔحیات خود خاتمه داده و رب‌النوع تمرد و طغیان از ایران فرارو بیرق ایران بتمام معنی قدرت خود را بسط داده دیگر برای خود سری مجالی باقی نمانده و بهمین ملاحظه بود که برای اثبات اطاعت و انقیاد تمام



(صاحبمنصبان اسکورت شاهنشاهی)

سرکردگان وخان زادگان‌داوطلب خدمتگذاری شدند وخوانین ومحترمین خود رابمرکز فرستادند تا ملازم آستان باعظمت پهلوی گردند و از ملاحظهٔ دراور میزان قدرت دربار شاهنشاهی پهلوی وروح انقیاد واطاعت‌عمومي

بخوبی معلوم می گردد
همانطور که تیره های رنك برنك قشون ازقزاق وسرباز و بریکارد مبدل بنظام و نظامی گردیده همان طور هم خودسری و یاغی گری عشایر و ایلات و تیرها و شعب فرعیه بخدمتگذاری و صمیمیت و سکونت عمومی عوض شده است و تمام این گذارشات محیر العقول در اثر فدا کاریهای تاریخی شاهنشاه بود که ایران درچند صباحی انجام پذیرفت و عمده عامل مؤثر این موفقیت های تاریخی بی نظیر همانا حسن روابط و توازن سیاست خارجی ایران با دول هم جوار است که ازآثار کیاست صاحب تخت و تاج ایران با بهترین اسلوبی بموقع اجرا گذاشته شده است و برای درك این حقیقت ضرور می دانیم که بیك فقره عهدنامهٔ ودادیه مهم ایران و ترکیه مراجعه نمائیم تا معلوم گردد که شاهنشاه با چه اصولی اساس دین را تقویت و با چه اسلوبی سیاست را تعقیب می نماید

توحید مساعی برای توازن سیاسی و عظمت عالم اسلامی

(صورت جلسه)

در تاریخ پنجشنبه اول اردی بهشت ۱۳۰۵ هجری شمسی مطابق ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ میلادی هیئت نمایندگان ایران مرکب از :
جناب اشرف آقای میرزا محمّد علی خان فروغی رئیس الوزراء و جناب آقای میرزا محمود خان مفتاح کفیل وزارت امور خارجه بسمت اختیار داران دولت ایران و جناب آقای میرزا فتح الله خان پاك روان مدیر کل و رئیس ادارهٔ دوم سیاسی وزارت امور خارجه بسمت مشاور و آقای میرزا سید نصر الله خان انتظام وزیری عضو وزارت امور خارجه بسمت منشی در یك طرف و هیئت نمایندگان ترکیه مرکب از :
جناب مستطاب اجل آقای ممدوح شوکت بیگ سفیر کبیر دولت جمهوری ترکیه آقای حسن وصفي بیگ مستشار سفارت کبری بسمت مشاور و آقایان وحید بیگ نایب دوم وحسن نور الدین بیگ نایب سوم سفارت کبری بسمت منشي از طرف دیگر .
نیمساعت قبل از ظهر در منزل جناب اشرف آقای رئیس الوزراء جهة

تتمیم مذاکرات راجع به عهدنامهٔ ودادیه و تامینیه فیما بین دولتین ایران و ترکیه حضور بهم رساندند

جناب مستطاب اجل آقای ممدوح شوکت بیگ پیشنهاد کردند که جناب اشرف آقای فروغی ریاست مجلس را قبول فرمایند پیشنهاد مزبور مورد قبول هیئت نمایندگان طرفین واقع وجلسه از طرف معظم له افتتاح گردید .

پس ازارائه وتبادل اعتبارنامه هاي يكديگر که معتبر شناخته شد مذاکرات تعاطی یافت بدواً جناب اشرف آقای فروغی نطق افتتاحیهٔ ذیل را ایراد نمودند :

(باکمال مسرت میبینم مودت صمیمی و روابط حسنهٔ همسایگی که تاکنون بین ملتین موجود بود اینك وارد مرحله جدیدی میشود وچون دولتین ما این کیفیت را مشاهده نمودندتصمیم گرفته شد که این مجمع را تشکیل داده وبرای نیل به مقصود یك معاهدهٔ و دادیه و تأمینیه منعقد نمائیم)

جناب مستطاب اجل آقای سفیر کبیر ترکیه جواباً چنین اظهار داشت :
باکمال افتخار عرض میکنم دولت جمهوری ترکیه کاملا معتقد است که شرایط جدید روابط دوستانه بین مملکتین تعیین شودو برای این منظور یك معاهدهٔ و دادیه و تامینیه منعقد گردد و یقین دارم که تحکیم روابط مودت و استقرار صمیمیت بین ملتین موجب مزید آسایش و سعادت هر دو ملت خواهد بود بنا بر این پیشنهاد جناب اشرف آقای فروغي را در خصوص تعقیب مذاکرات وبرای نیل به نتیجهٔ مطلوبه باکمال شعف می پذیرم .

سپس آقای رئیس الوزراء بنام هیئت ایرانی پیشنهاد کردند که مواد عهد نامه قرائت شود آقایان سفیر کبیر با این پیشنهاد موافقت نموده و شروع به قرائت طرح عهد نامه شد .

در فصول اول و دوم و سوم و چهارم موافقت حاصل شد .

در فصل پنجم چون در نسخهٔ فارسی کلمه « زدن » با املاء غلط نوشته شده بود تصحیح و از طرف اختیار داران طرفین امضاء گردید .

در فصل ششم موافقت حاصل شد.

در موقع قرائت فصل هشتم آقای رئیس الوزراء نطق ذیل را راجع بالغاء کاپیتولاسیون ایراد نمودند :

(سالها است ترتیب کاپیتولاسیون که بی نهایت برای مملکت مضر است در ایران بر قرار شده و دولت ما عزم جزم دارد که این ترتیب را که همواره در راه ترقی و تعالی ملت ایران و نیل او به آمال و آرزوی خود ایجاد موانع و مشکلات میکند موقوف نماید از طرف دیگر پوشیده نیست که سابق بر این هر یك از دولتین ایران و ترك در حق اتباع و قونسولهای مملکت دیگر مزایائی قائل شده بودند که جنبهٔ کاپیتولاسیونی داشت و بموجب عهد نامه ها بر قرار شده بود و بنا بر این کاپیتولاسیون مبني بر معاملهٔ متقابله و قرار داد دو طرفی بود و مادام که دولت ترکیه آن را رعایت میکرد دولت ایران نیز خود را برعایت آن ملزم میدانست ولیکن چون دولت ترکیه مزایای کاپیتولاسیون را کاملاً موقوف داشته ناچار حقوقی را که اتباع ایران در ترکیه داشتند از آنها سلب نموده است بنابراین دولت ایران هم برعایت قرار داد های فوق که ازاین ببعد فقط یکطرفي خواهد بود ملزم نیست و آنهارا منسوخ میداند ونمایندگان ایران رجاء واثق دارند که دولت ترکیه مانع نخواهد بود از اینکه ایران باستخلاص از کاپیتولاسیون نائل شود بلکه بامیل او بطی این طریق و رسیدن بآرزوی مشروع خود مساعدت خواهد نمود بدلائل مذکورهٔ فوق هیئت ایرانی پیشنهاد میکند که در متن فصل هفتم قید شود که معاهدات مزبوره برطبق قواعد مقررهٔ بین المللی که دارای حقوق متساوی میباشد منعقد خواهد شد)

آقای سفیر کبیر ترکیه جوابی بمضمون ذیل ایراد نمودند

هیچ مانع نمی بینم که پیشنهاد جناب اشرف آقای فروغی در ضمن مذاکراتی که عنقریب بجهة انعقاد مجاهدات راجعه بروابط تجارتی و قونسولی و گمرکي و غیرها بین مملکتین واقع خواهد شد جداً در نظر گرفته شود اما مباحثهٔ طولانی را درغیاب در اینجا بیموقع میدانم ولیکن بجهة اطمینان اختیارداران ایران درحسن نیت دولت خودم درآنچه بمنافع ایران است قصد دارم مراسلهٔ بجناب اشرف عالی بنویسم وتصریح کنم که دولت من حاضر است درموقع انعقاد معاهدات مزبوره قواعد مقررهٔ بین‌المللي را که داری حقوق متساویه هستند منظور دارد.

ودرپایان نطق خود آقای سفیر کبیر مراسلهٔ را که بفرانسه نوشته شده بود بجناب اشرف آقای رئیس‌الوزراء تسلیم داشتند که ترجمهٔ فارسی آن ذیلاً درج میشود؛

« آقای رئیس الوزراء دوستدار نظر بتمایلی که جناب اشرف عالی نسبت بمفاد مادهٔ هفتم عهد نامهٔ ودادیه و تامینیه که امروز امضاء میشود ابراز فرمودید باکمال افتخار باستحضارجناب اشرف میرساند که حکومت متبوع دوستدار کاملاًحاضراست اساس قراردادهای مزبوره را براصولی که فیمابین ملل متساوی الحقوق معمول است استوارنموده وبرای اتباع دولتین متساوی قائل شود درخاتمه احترامات فائقه را تجدید مینماید امضاء ممدوح شوکت بیگ »

فصل ۷ و ۸ و ۹ قرائت و تصویب گردید

بعد از قرائت فصل نه آقای رئیس الوزراء نطق ذیل را ایراد نمودند:

(چون دولت ایران عضو جامعهٔ ملل میباشد ومصمم است وظائفي را که از جهة این عضویت بر عهده دارد انجام دهد مقتضی خواهد بود که در معاهدهٔ حاضره یك ماده اضافه شود مشعر بر اینکه دولت ایران به تعهدات خود نسبت بجامعهٔ ملل وفا خواهد نمود.)

آقای سفیر کبیر جواباً چنین اظهار داشتند.

دولت ترکیه مسبوق بود از اینکه دولت ایران عضو جامعهٔ ملل است و

بنا بر این طبعاً تقبلات ناشیه از این عضویت را باید رعایت کند ولیکن ضرورتی نمی بینم در اینکه این امور در چنین معاهده و دادیه و تامینیه ذکر شود زیرا که در این معاهده باید فقط مقررات راجع بمنافع مشترکهٔ طرفین مقید گردد .

اختیار داران ایران اظهار داشتند که چون این اظهار جناب مستطاب اجل آقاي ممدوح شوکت بیك در صورت مجلس راجع بمعاهدهٔ حاضره قید می شود ما هم با نظر ایشان موافقت مینمائیم .

فصل دهم و یازدهم قرائت و تصویب گردید .

آقای سفیر کبیر در خاتمه با اظهار امیدواری نسبت بحسن تاثیري که امضاء و انعقاد این قرار داد در روابط دولتین خواهد داشت بنام نمایندگان ترکیه اظهار خوشوقتی و امتنان کرده و به نمایندگان ایران تبریك گفتند جناب اشرف آقای رئیس الوزراء هم به نام نمایندگان ایران از بیانات آقای سفیر کبیر تشکر و مملکتین را باین موفقیت تبریك گفتند . در خاتمه نمایندگان اختیار دار طرفین منتخبین عهد نامه را که بالسنهٔ فارسی و ترکی و فرانسه تدوین شده بود امضاء و هر یك از دو مجموعه را مهر کردند . جلسه یکساعت بعد از ظهر ختم گردید .

این صورت مجلس پس از امضاء عهد نامه تدوین و در همان مجلس بتصویب و امضاء هیئت نمایندگان دولتین ایران و ترکیه رسید .

محمد علی فروغی ممدوح شوکت بیگ و . مفتاح فتح الله پاك روان

حسن وصفی وحید حسن نور الدین نصرالله انتظام وزیری

(معاهده نامهٔ وداديه و تامنيه مابين

دولت عليه ايران و جمهوريت تركيه

(مقدمه)

دولت ايران از يكطرف

دولت تركيه از طرف ديگر

احتياجات و وظائفي را كه عصر حاضر براى ملتين ايجاد و ايجاب مينمايد در نظر گرفته وچون معتقد وجازم ميباشند تحكيم رشتهٔ دوستى وبرادرى موجود بين ايشان واجب است لهذا مصمم شدندكه شرايط مادى وروابط صميمى خود را روشن نمايند وبراى نيل باينمقصود انعقاد معاهدهٔ وداديه و تامينيه را لازم شمرده و براى اين منظور طرفين توافق كردند كه مذاكرات راجعه باين امر درشهر طهران بعمل آيد واختيار داران خود را بشرح ذيل معين كردند :

از طرف اعليحضرت همايون شاهنشاه ايران :

جناب اشرف آقاى ميرزا محمدعليخان فروغي . رئيس الوزراء

جناب آقاى ميرزا داود خان مفتاح . كفيل وزارت امور خارجه

از طرف رئيس جمهوريت تركيه :

ممدوح شوكت بيك . ايلچى فوق العاده و سفير كبير تركيه در ايران

واختيار داران مزبور پس از ارائه اختيار نامهاى خود كه معتبر شناخته شد در باب مقررات ذيل توافق نظرحاصل نمودند .

فصل اول ـ صلح خلل ناپذير و دوستي صميمى دائمى مابين مملكت شاهنشاهى ايران و جمهوريت تركيه و همچنين مابين اتباع آنها بر قرار خواهد بود

فصل دوم ـ در صورت وقوع عمليات نظامى از طرف يك يا چند دولت ثالث نسبت بيكى از دولتين معظمتين متعاهدتين طرف متعاهد ديكرمتعهد

است که بیطرفی خود را نسبت بمتعاهد خود محفوظ بدارد.

فصل سوم — هریك از متعاهدین تقبل مینمایند که از حمله نسبت بمتعاهد دیگر خود داری کرده و در هیچ نوع اتحاد یا ائتلاف سیاسی واقتصادی و یا مالی که از طرف یك یا چند دولت ثالث بر ضد طرف متعاهد دیگر یا بر ضد امنیت نظامی و بحری آن منعقد شده باشد شرکت نجویند. همچنین هریك ازمتعاهدین تقبل مینمایند که در هیچ نوع عملیات خصمانه که از طرف یك یا چند دولت ثالث بر ضد طرف متعاهد دیگر وقوع یابد مشارکت ننمایند.

فصل چهارم — در صورتیکه یك یا چند دولت ثالث در موقع جنك با یکی از متعاهدین معظمین بیطرفی متعاهد دیگر را نقض کرده و از خاك آن مملکت قشون و اسلحه و مهمات جنگی عبور دهد و یا بخواهد آذوقه و چهار پایان وکلیةً هر چیزی که برای جنك لازم باشد در آن مملکت تهیه نماید و یا قشون خود را که عقب نشینی مینماید از آنجا عبور دهد ویاسکنهٔ مملکت بیطرف را برای مقاصدنظامی خود تشویق و وادار بقیام بکنند ویادرخاك مملکت بیطرف ملزم است که استکشافات نظامی بعمل آورد متعاهد باقوای مسلحه خود ازعملیات مذکوره جلوگیری کرده وبیطرفی خودرا حفظ نماید

فصل پنجم — طرفین معظمین متعاهدین تعهد مینمایند که تأسیس وتوقف تأسیسات و دستجاتی را که مقصد آنها برهم زدن صلح وامنیت مملکت متعاهد و یا تغییر حکومت آن باشد درخاك خود اجازه نداده وهمچنین اشخاص و یادستجاتی را که بوسیلهٔ تبلیغات یاسایر و سایل در صدد مبارزه با مملکت متعاهد دیگر باشند ممنوع ازتوقف درخاك خود بدارند

فصل ششم — نظر به تامین آسایش وامنیت سکنهٔ مناطق سرحدی طرفین متعاهدین هر نوع اقدامات لازمه خواهند نمود که بخلافکاریها وعملیاتی که از طوایف ساکن نواحی مجاور سرحدات ناشی میشود و ممکن است

بآسایش مملکت سکته وارد نماید خاتمه دهند

اقدامات مزبوره را دولتین جداگانه ویا در صورتیکه لازم بدانند مشترکا بعمل خواهند آورد .

فصل هفتم ـ طرفین معظمین متعاهدین موافقت مینمایند که اختیارداران خودرا درظرف مدتی که بیش از ششماه از تاریخ امضاء این معاهده نباشد در طهران مجتمع کرده و قرار داد های تجارتی وقونسولی و گمرکی وپستی و تلگرافی وهمچنین قرار داد اقامت واعادهٔ مجرمین را منعقد نمایند.

فصل هشتم ـ طرفین متعاهدین توافق نمودند که برای تسویهٔ اخلافاتیکه ممکن است فیمابین بروز کند و بطریق عادی دیپلوماتیك حل نشود طریق خاصی معین نمایند .

فصل نهم ـ محتاج بتوضیح نیست که خارج از حدود تقبلات متقابله که در این عهد نامه معین شده است هریك از طرفین معظمین متعاهدین در روابط خود بادول ثالث آزادی مطلق خواهد داشت

فصل دهم ـ این عهدنامه بزبان فارسی و ترکی و فرانسه نوشته شده و درصورت بروز اختلاف متن فرانسه معتبر خواهد بود

فصل ـ یازدهم عهدنامه حاضر دراسرع اوقات بتصویب مجلس ملی مملکتین خواهد رسید و نسخ صحه شده درطهران مبادله خواهد گردید

عهدنامهٔ حاضر از تاریخ امضاء دارای اعتبار بوده وبرای مدت پنجسال معنقد میشود .

درصورتیکه یکی ازطرفین متعاهدین شش ماه قبل ازانقضاء مدت فوق راجع بخاتمه دادن باین عهد نامه تصمیم خود را بدیگری اخطار نکنند یکسال دیگر بمدت آن بخودي خود افزوده شده و أز طرفین برسمیت شناخته خواهد شد و درهر صورت اخطار تصمیم بخاتمه دادن عهدنامه قبل از انقضاء ششماه مؤثر نخواهد بود .

برای تصدیق مراتب مذکوره دراین عهدنامه اختیار داران طرفین آنرا در دونسخه در طهران نوشته و امضاء ومهر نمودند.

بتاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ شمسی هجری مطابق ۲۲ آوریل ۱۰۲۶ میلادی

محل امضاء	محل امضاء	محل امضاء
ممدوح شرکت	و. مفتاح	محمدعلی فروغی
محل مهر	محل مهر	محل مهر

دورهای ظلمانی وایام تیره وتاری گذشت که اختلال عالم اسلامی وجنك وجدال دو برادر یکی از شاهکارهای سلطنت سلسلهٔ قاجاریه بود!

چه فجایع جگر خراش رخ داد که اسلامیت را متزلزل و ارواح مقدسه از آنها بیزار بود بزرگترین باعثی که عالم اسلامیت را اولا و عالم ایرانیت را ثانیاً از ترقی باز داشته و در برابر دنیا وملل متمدنه به پرتگاه زوال می کشانید همانا عدم رابطه وفقدان علایق ودادیه و تامینیه وکاپیتولاسیون و نفاق سیاسی بود که در بین دو متدین بدیانت واحده از مجاری مخصوصی سر میزد و عالمی را مرتعش و متشنج می نمود واز این جنك و جدال وسیلهٔ استفادهٔ اجانب تهیه میشد!.

اوه!. چه مظالمی سرزد وچه اعضائی از پیکر عالم اسلامی مثله شد! وچه قطعاتی از دست رفت! چه خونها ریخته شد! چه خانمانها بباد رفت!

تمام این مظالم و بدبختیها از آثار نکبت بار دربار قاجاریه بود که اصول خوشگذرانی خود را در بربادی عالم ایرانیت واسلامیت میدانستند:

با اینکه وقایع سال ۱۳۲٤ باندازهٔ جلوگیری از سوء استعمال قوای عمومی نمود و توانست خودسری وخودکامی قاجاریه را نسبتاً محدود نماید ولی همان شیوهٔ دیرینه از بین نرفته و دربار آن فراغت از اجرای مقصود نداشت و همیشه در در کردستان ایران قیامتی برپا بود!

(در خلال همین گذارشات بود که احمد میرزا و محمد حسن میرزا باجمعی از نمایندگان میرابو ماب ساخته از طرفی در بهبوحهٔ فقر عمومی حقوق دربار را اضافه می نمودند و از طرفی محرمانه رنگی بآب میزدند ویکی از مهمترین وبرجسته ترین آثار سلطنت پهلوی عبارت ازاجرای اصول اصلاحات اساسی واداری است که دردربارایران بعمل آمده وباصرفه جوئی‌های مخصوص وقناعت بهمان میزان سی هزار تومان حقوق اولیهٔ دربارامروز یك دستگاه سلطنتی مکمل وازهرجهة شایان تقدیس درکار و آن ژنده پوشی های مفتضحانه مبدل بر فرم آبرومندانه گردیده و یك نفر وزیر دربار فعال ولایقی (تیمورتاش) درکار است

و بالجمله در اولین موقع فرصت آن جدائیها و افتراق مبدل بوداد و اتحاد گردیده و با عهدنامه فوق الذکر عالم اسلامي از اختلال داخلی بیاسود و مقدمات تعالي و ترقي فراهم گردید

سپاس مر خداوند قادری را سزاست که باارادهٔ (کن فیکون‌ش) میتواند حقیقت ومدلول (تعزو من تشاء وتذل من تشاء بیدك الخیر انك علی کل شيءٔ قدیر) را در ایران زمین ایجاد ـ کهنه دستگاهی را برچیده اساس نوینی بگستراند و به این بندهٔ بی مقدار توفیق دهد که بتوانم علل این تبدّلات را بنام (تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی باعلل ونتیجهٔ نهضت ملی آبان ماه ۱۳۰۴) به مخزن اسرار زمانه بسپارم. بطوریکه در مقدمهٔ کتاب بآن اشاره رفته زندگانی ایرانی ازدیر زمانی دریس پردهٔ مسطوری وبی اطلاعی از جامعه و جماعت و اداره و سیاست بود و نه خود را می شناخت ونه از دیگران خبر داشت وعلت اساسی این بي خبری عبارت از سوء سیاست درباری بود که این تاریخ برغم آن جریان خاتمه یافت تا این جقیقت را در ذکر ایرانیان مجسم

بدارد که استفاده ازحال و آینده فرع و اطلاع از گذشته است تا اعقاب آینده بدانند که نسل معاصر در روی چه اصولی وچه تجربهٔ یك دستگاه صد و پنجاه سالهٔ را برچیده و اصول سلطنت جدیدهٔ خاندان پهلوی را برای سعادت آیندگان گذاشته اند.

آری ایرانی بی خبر ازیکصد و پنجاه سال دیگر در قوهٔ دماغی خود این حس را گم کرده بود که اقلاً برای بیست سال عمر آزادی ومشروطیت خود تاریخی را تحریر و علل حوادث را تنظیم نماید ــ در این خصوص حتی رسالهٔ کوچکی هم در دست نیست!

این بندهٔ ضعیف ازروی یك چنین تجربهٔ تلخ باتحمل زحمات فوق الطاقه برای این قلم را در دست گرفته و این تاریخ را تنظیم نمودم که اولا علل تحولات عقلی و تبدّلات اجتماعی ایران را بنام عظمت شاهنشاهی (پهلوی) خلدالله سلطانه تحریر و مبانی ظهور روح تنفر از قاجاریه و تمرکز احساسات را درمرکز اتکاء ملی یعنی (اعلیحضرت پهلوی) خاطرنشان نموده و این نکته را اثبات نمایم که انقطاع و اتصال و دفع و جذب تابع آثار وجودی و اعمال نیك وبد زمامداران وقت بوده وهست ــ این همه دول ویاملل که ازبین رفته ومنقرض شده ویا دولیکه تاسیس وجامعه‌هائیکه ایجاد شده اند تابع اثر سوء استعمال ویاحسن استعمال قدرت فائقه بوده که بدست اشخاص نالایق ولایق رسیده یکی معدوم عدم لیاقت و دیگری زنده لیاقت خود گردیده است.

این تحوّل و تبدّل و نهضت آبان ماه ۱۳۰۴ آئینه عبرتی است برای ارواح گذشتگان و درس غیرتی است برای آیندگان درطی این دروس فقط بقواعد عمومی و احکام کلی اشاره رفت واز خصوصیات وجزئیات نقشه های افساد قاجاریه و اصلاحات اساسی شاهنشاه جدید صرف نظر شد والا میبایست چندین جلد کتاب تألیف گردد.

امیدوارم که متفکرین بانظر حق بینی وتوده باحس بیداری باین خدمت نگریسته و ضبط حوادث وتألیف وقایع را یکی ازمهمترین وظائف ملی و اجتماعی خود بشمارند واز خداوند مسئلت مینمایم که این حس حب زندگانی و اعتماد بتاریخ را درجامعهٔ ایرانی ایجاد و درهای سعادت را بروی این ملت ستمدیده بگشاید

عبدالله ـ امیرطهماسب

بتاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۵